

کتاب اللغات

تأليف ميرزا قليچ بيگ

بيروت

مطبعة

ترجمہ کامل الزیارات



ابی القاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسیٰ بن قولویہ القمی

مترجم

سید محمد جواد ذہنی تهرانی

ناشر

انتشارات پیام حق

۲-۱۰-۵۹۶۲-۹۶۲ شابک
ISBN 964-5962-10-2

کتابخانه
مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی
شماره ثبت: ۰۲۲۲۶۴
تاریخ ثبت:



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

نام کتاب: ترجمه کامل الزیارات
مؤلف: جعفر بن محمد بن قولویه
مترجم: سید محمد جواد ذهنی تهرانی
نوبت چاپ: اول - بهار ۱۳۷۷
تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه
چاپ: طلوع آزادی
ناشر: پیام حق

تهران، خیابان ناصر خسرو، کوچه حاج نایب،

پاساژ خاتمی، انتشارات پیام حق

تلفن: ۶۲۵۰۶۳۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حمد و سپاس خالق را که بهترین و کامل‌ترین شرایع را برای ما قرار داد و اکمل و اشرف انبیاء عظام را هادی ما نمود و اعظم و اعلم اوصیاء را ولی و قائم ما گرداند.

بهترین نهیت و خالص‌ترین تعحیت ما بر وجود مبارک خاتم الانبیاء حضرت محمد ﷺ و بر سید الاوصیاء اعلیٰ حضرت علوی صلوات الله و سلامه علیه و ابناء طیبین و طاهرینش که جملگی اختران تابناک آسمان ولایت و اعلام بارزه سبیل هدایت می‌باشند.

و لعنت ابدی و نفرین سرمدی بر اعداء و غاصبین حقوق این خاندان آمین
یارب العالمین.

محضر سروران و خوانندگان محترم می‌رساند که بهترین و ارزشمندترین سرمایه‌های معنوی مسنمین بالاخص طائفه حقه امامیه اثنی عشریه دعاء و توسل به اذیال پرفیض و سائط بین خالق و مخلوق و انوار درخشان مظاهر کامله حضرت احدیت یعنی ذوات مقدسه حضرات چهارده معصوم سلام الله علیهم اجمعین می‌باشد.

لازم به تذکر است که عالی‌ترین نوع توسل و تقرب جستن به درگاه حق عزوجل ذکر مصائب و گریستن بر مظلومیت‌های عزیزترین موجودات نزد خداوند تبارک و تعالی یعنی معصومین ﷺ بالاخص حضرت سیدالشهداء سلام الله علیه می‌باشد و در این نحو از توسل و تقرب فرقی نیست بین اقامه عزاء و شرکت در مجالسی که به همین منظور به پا می‌شود یا به منظور زیارتشان به مشاهد مشرفه

کوچ کردن و رنج سفر به خود وارد نمودن چه آنکه همه این توهمات دارای اجر و فضیلت بوده و بر طبق روایات صحیح‌های که از طرق معتبره به ما رسیده جملگی موجب نجات و فلاح انسان می‌باشند.

در طول غیبت حجّت بالغه حق سلام الله علیه علماء ربّانی و دانشمندان صمدانی کتبی در این زمینه به رشته تالیف و تصنیف در آورده‌اند که اقدم و استوارترین آنها کتاب شریف «کامل الزیارات» تالیف فقیه ماضی و محدث نامی ابوالقاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه القمی می‌باشد که به تصدیق ارباب فن از بهترین مسفوراتی است که در این باره تالیف و تصنیف شده است و چون طبق معمول این کتاب به زبان عربی است و فارسی زبانانی که از علوم عربیه بی‌بهره هستند نمی‌توانند از آن استفاده کنند بر حسب پیشنهاد مکرر بسیاری از دوستان و آشنایان و تشویق کثیری از سروران و اعزّه و اطاف و عنایتی که به این حقیر دارند داعی تصمیم گرفتم آنرا به زبان فارسی ملیس ترجمه کرده و از هرگونه شرح و توضیحی در ذیل آن امتناک ننموده تا موجب تطویل و تکبیر کتاب نشده و بدینوسیله برای خوانندگان موجب ملال و سبب کلال نباشد، بحمدالله این تصمیم از مرحله طرح به مرتبه اجراء و از قوه به فعل مبدّل گشت و اکنون تمام کتاب من الهدی الی الختم به زبان فارسی برگردانده شده و آماده بهره‌برداری گردیده است و از آنجائی که قرعه سعادت بنام انتشارات پیام حق در آمده از این رو کتاب حاضر توسط این انتشارات و با هزینه پر برکت آن تحت مدیریت آقایان حاج فخرالدین جواهریان و فاضل محترم حاج محمد جاسبی ایدهماالله طبع و تکثیر و منتشر می‌شود خداوند منان به تمام اهل خیر و بانیان علم و فضیلت توفیق دهد که مال و عمر عزیزشان را صرف آنچه ترویج دین و مذهب در آن است نمایند که خیر دنیا و آخرت در آن می‌باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿الباب الأول﴾

﴿ثواب زیارة رسول الله و زیارة امیرالمؤمنین و الحسن و الحسین﴾

﴿- صلوات الله عليهم -﴾

۱- أخبرنا أبو القاسم جعفر بن محمد بن قولويه القميّ الفقيه قال: حدثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله بن أبي خلف الأشعري، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن محمد بن خالد البرقي، عن قاسم بن يحيى، عن جده الحسن بن راشد، عن عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «بينما الحسين بن علي عليه السلام في حجر رسول الله صلى الله عليه وآله إذ رفع رأسه فقال له: يا أبا عبد الله ما لمن زارك بعد موتك؟ فقال: يا بني من أتاني زائراً بعد موتي فله الجنة، و من أتى أباك زائراً بعد موته فله الجنة، و من أتى أخاك زائراً بعد موته فله الجنة، و من أتاك زائراً بعد موتك فله الجنة».

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿باب اول﴾

﴿ثواب زیارت پیغمبر اکرم و امیرالمؤمنین و حسنین صلوات الله
عليهم اجمعین﴾

﴿حدیث اول﴾

ترجمه:

ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه قمی فقیه می گوید:
پدرم رحمه الله علیه از سعد بن عبدالله بن ابی خلف اشعری و او از احمد بن
محمد بن عیسی و او از محمد بن خالد برقی و او از قاسم بن یحیی و او از
جدش حسن بن راشد و او نیز از عبدالله بن سنان و او از حضرت ابی عبدالله امام
صادق علیه السلام نقل نمود که آن جناب فرمودند:

حضرت حسین بن علی علیه السلام در دامن پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، سپس سر مبارک بالا
نموده و عرضه داشت:

ای پدر ثواب کسی که پس از رحلتان شما را زیارت کند چیست؟
پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

پسر، کسی که من را پس از رحلت زیارت کند مستحق بهشت بوده و در
صورتی که بعد از ارتحال پدرت او را زیارت نماید به بهشت داخل می گردد و
اگر برادرت را پس از ممات زیارت نماید بهشت حق او بوده و آن کس که بعد از
شهادت تو را زیارت کند بهشت از آن او می باشد.

متن:

۲ - عنه عن احمد بن محمد بن عیسی عن علی بن اسباط عن عثمان بن عیسی عن المعلی بن ابی شهاب عن ابی عبدالله علیه السلام «قال: قال الحسين - صلوات الله عليه - لرسول الله صلی الله علیه و آله: ما جزاء من زارك؟ فقال: يا بُنَيَّ من زارني حياً أو ميتاً أو زار أباك أو زار أخاك أو زارك كان حقاً عليّ ان ازوره يوم القيامة حتى أخلصه من ذنوبه».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

از سعد بن عبدالله و او از احمد بن محمد بن عیسی، و او از علی بن اسباط، و او از عثمان بن عیسی، و او از معلی بن ابی شهاب و او از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل نمود که آن حضرت فرمودند: حضرت ابی عبدالله الحسین صلوات الله علیه

به جناب رسول صلی الله علیه و آله عرض کرد: *کسی که زیارت پیامبر*

پاداش کسی که شما را زیارت کند چیست؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

پسرم، کسی که من را در حال حیات و بعد از آن زیارت کند یا به زیارت تو و برادرت آید هر من لازم است که در روز قیامت به زیارتش رفته تا او را از عذاب گناهانش برهانم.

متن:

۳ - حدیثی ابی - رحمه الله -؛ و محمد بن یعقوب، عن احمد بن إدريس - عمّن ذكره - عن محمد ابن سنان، عن محمد بن علی - رفعه - «قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: يا عليُّ من زارني في حياتي أو بعد موتي؛ أو زارك في حياتك أو بعد موتك؛ أو زار ابنيك في حياتها أو بعد موتها

ضمنت له يوم القيامة أن أخلصه من أهوالها وشدائدھا حتى أصیره معي في درجتي».

ترجمه: ﴿حدیث سوم﴾

پدرم علیه الرحمه و محمد بن یعقوب از احمد بن ادریس نقل نمودند و او از شخصی که یادش نموده و وی از محمد بن سنان و او از محمد بن علی به طور مرفوعه نقل نموده که رسول خدا ﷺ فرمودند: یا علی، کسی که من را در حال حیات یا پس از آن زیارت کند یا به زیارت تو و دو فرزندت در حال حیات و پس از آن آید من ضمانم که در روز قیامت او را از وحشتها و سختیهای آن روز رهانیده تا جایی که از نظر درجه و مقام با من باشد.



متن:

۴- حدیثی محمد بن یعقوب قال: حدیثی عن عدّة من أصحابنا؛ منهم: أحمد بن - ادریس؛ و محمد بن یحیی، عن العثماني بن علی، عن یحیی - و کان خادماً لأبي جعفر الثاني ؑ - عن بعض أصحابنا - رفعه إلی محمد بن علی بن الحسین ؑ «قال: قال رسول الله ﷺ: من زارني أو زار أحداً من ذريتي زُرته يوم - القيامة فأنقذته من أهوالها».

ترجمه: ﴿حدیث چهارم﴾

محمد بن یعقوب برایم چنین نقل نمود:
 عدّه‌ای از اصحاب ما که از جمله ایشان: احمد بن ادریس و محمد بن یحیی هستند از عمر کی بن علی و او از یحیی که خادم حضرت ابی جعفر ثانی ؑ است و وی از برخی اصحاب ما به طور مرفوعه از حضرت محمد بن علی بن الحسین ؑ نقل نموده که آن جناب فرمودند:

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

کسی که من یا یکی از فرزندانم را زیارت کند روز قیامت به زیارت او آمده و
وی را از هول و وحشت‌های آن روز می‌رهانم.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ، عَنْ
أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ: حَدَّثَنَا عِثْمَانُ بْنُ عَيْسَى، عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ
أَبِي شَهَابٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام لِرَسُولِ اللَّهِ
صلی الله علیه و آله: يَا أَبَتَاهُ مَا جِزَاءُ مَنْ زَارَكَ؟ فَقَالَ صلی الله علیه و آله: يَا بَنِيَّ مَنْ زَارَنِي حَيًّا أَوْ مَيِّتًا
أَوْ زَارَ أَبَاكَ أَوْ زَارَ أَخَاكَ أَوْ زَارَكَ كَمَا كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أَزُورَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
فَأُخَلِّصَهُ مِنْ ذُنُوبِهِ».

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

پدرم حسن از پدرش علی بن مهزیار، وی گفت:
عثمان بن عیسی از معلی بن ابی شهاب نقل نمود و وی از حضرت ابی‌عبدالله
علیه السلام که آن جناب فرمودند:

حضرت حسین بن علی علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض نمود:

ای پدر، پاداش کسی که شما را زیارت کند چیست؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

فرزندم، کسی که من را در حال حیات و بعد از آن زیارت کند یا به زیارت پدر
و برادر تو و شما بیاید بر من است که او را در روز قیامت زیارت کرده و از
گرفتاری گناهانش برهانمش.

﴿الباب الثاني﴾

﴿ثواب زيارة رسول الله ﷺ﴾

متن:

۱ - حدّثنی اَبی - رحمه الله - ، عن سعد بن عبد الله ، عن أحمد بن محمد بن عيسى ، عن الحسن بن محبوب ، عن أبان ، عن السّدّوسیّ ، عن اَبی عبد الله ﷺ «قال: قال رسول الله ﷺ : من أتاني زائرًا كنت شفيعه يوم القيامة» .

﴿باب دَوم﴾

﴿ثواب زيارة رسول خدا ﷺ﴾

﴿حدیث اول﴾

ترجمه:

پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبد الله و او از احمد بن محمد بن عيسى و او از حسن بن محبوب و او از ابان و او از سدوسی و او از حضرت ابي عبد الله ﷺ نقل می کند که آن جناب فرمودند: رسول اکرم ﷺ فرمودند کسی که به زیارت من آید روز قیامت من شفیع او هستم.

متن:

۲ - حدّثنی محمد بن الحسن بن أحمد - رحمه الله - ، عن محمد بن الحسن الصّغار ، عن أحمد بن محمد بن عيسى ، عن ابن أبي نجران «قال: قلت لأبي جعفر الثاني ﷺ: جعلت فداك ما لمن زار رسول الله ﷺ متعمداً قال: له الجنة» .

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن حسن بن احمد علیه الرحمه از محمد بن حسن صفار نقل نموده و او از احمد بن محمد بن عیسی و او از ابن ابی بحران وی میگوید:
 محضر مبارک حضرت ابی جعفر ثانی علیه السلام عرض کردم:
 فدایت شوم ثواب و پاداش کسی که با قصد به زیارت رسول خدا برود چیست؟

حضرت فرمودند:
 بهشت برای او است.

متن:

۳- حدیثی جماعه من مشایخنا، عن محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن معاویه بن حکیم، عن عبدالرحمن بن ابی نجران «قال: سألت أبا جعفر علیه السلام عن زار قبر النبی صلی الله علیه و آله قاصداً قال: له الجنة».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

جماعتی از مشایخ ما از محمد بن یحیی نقل نموده‌اند و او از احمد بن محمد بن عیسی و او از معاویه بن حکیم و او از عبدالرحمن ابن ابی نجران نقل کرده که گفت:

از حضرت ابی جعفر علیه السلام پرسیدم: پاداش کسی که قبر نبی اکرم صلی الله علیه و آله را با قصد زیارت کند چیست؟

حضرت فرمودند:
 بهشت برای اوست.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي جَمَاعَةٌ مِنْ مَشَائِخِنَا بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي عليه السلام «قَالَ: قُلْتُ: مَا لِمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مُتَعَمِّدًا؟ قَالَ: يَدْخُلُهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ».

ترجمه:

﴿ حدیث چهارم ﴾

جماعتی از مشایخ ما با همین سندی که در حدیث قبل نقل شد از عبدالرحمن بن ابی نجران حدیث نموده‌اند و او از حضرت ابی جعفر ثانی چنین نقل کرده، میگوید:

محضر مبارک امام علیه السلام عرضه داشتند:
پاداش کسی که از روی قصد و عمد به زیارت حضرت نبی اکرم صلی الله علیه و آله برود

چيست؟

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

حضرت فرمودند:

اگر خدا بخواهد او را به بهشت وارد می نماید.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنْ أَبِي بَكْرِ الْحَضْرَمِيِّ «قَالَ: قَدْ أَمَرَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَنْ أَكْثِرَ الصَّلَاةَ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَا اسْتَطَعْتُ، وَقَالَ: إِنَّكَ لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ كُلَّهَا شِئْتَ، وَقَالَ لِي: تَأْتِي قَبْرَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله؟ فَقُلْتُ: نَعَمْ، فَقَالَ: أَمَا إِنَّهُ يَسْمَعُكَ مِنْ قَرِيبٍ وَيَبْلُغُهُ عَنْكَ إِذَا كُنْتَ نَائِبًا».

ترجمه: ﴿ حدیث پنجم ﴾

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش و او از احمد بن محمد بن عیسی و او از علی بن حکم و او از سیف بن عمیره و او از ابریکر حضرمی نقل نمود که وی گفت:

حضرت ابا عبدالله علیه السلام به من امر فرمودند که آنچه در توان و قدرت داری در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نماز بگذار و فرمودند:

این طور نیست که هر وقت اراده کنی در آنجا نماز بگذار بر آن قدر باشی پس فرصت را غنیمت بشمار سپس به من فرمودند:

آیا نزد قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می آئی و زیارتش می کنی؟

عرض کردم: بلی

فرمودند:

حقاً این طور است که زیارت تو را حضرت از نزدیک شنیده و اگر هم دور باشی از تو به حضرتش می رسانند.

متن:

۶ - و یاسناده عن سیف بن عمیره، عن عامر بن عبدالله «قال: قلت لأبي عبدالله عليه السلام: إني زدت جمالي دينارين أو ثلاث علي أن يمر بي علي المدينة، فقال: قد أحسنت! ما أيسر هذا؛ تأتي قبر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و تسلم عليه، أما إنه ليس معك من قريب و يبلغه عنك من بعيد».

ترجمه: ﴿ حدیث ششم ﴾

حمیری به اسناد سابقش از سیف بن عمیره، از عامر بن عبدالله، وی می گوید:

محضر حضرت ابي عبدالله عليه السلام عرضه داشتیم:

به سارابان خود دو یا سه دینار اضافه دادم تا من را به مدینه ببرد.
حضرت فرمودند:

بسیار کار خوبی کردی، سهل و آسان است زیرا با این عمل قبر رسول
خدا ﷺ را زیارت نمودی، حَقّاً این طور است که زیارت تو را حضرت از
نزدیک شنیده و اگر هم دور باشی از تو به حضرت می‌رسانند.

متن:

۷ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ
أَبِي نُجْرَانَ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي عليه السلام: جَعَلْتَ فِدَاكَ مَا لِمَنْ زَارَ قَبْرَ
رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مُتَعَمِّدًا؟ قَالَ: يَدْخُلُهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ».

مرکز تحقیق و پژوهش در علوم اسلامی

ترجمه: ﴿ حدیث هفتم ﴾

محمد بن الحسن بن احمد بن ولید، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن
محمد بن عیسی، از عبدالرحمن بن ابی نجران ری می‌گوید:
محضر امام ابی جعفر ثانی علیه السلام عرضه داشتم: فدایت شوم پاداش کسی که با
قصد و عمد به زیارت قبر رسول خدا صلى الله عليه وآله برود چیست؟
حضرت فرمودند:

اگر خداوند بخواهد او را داخل بهشت می‌کند.

متن:

۸ - حدّثنی محمّد بن یعقوب، عن عدّة من رجاله، عن أحمد بن محمّد بن عیسی، عن عبدالرحمن بن ابی نجران «قال: قلت لأبی جعفر الثانی علیه السلام: جعلت فداک ما لمن زار قبر رسول الله صلی الله علیه و آله متعمداً؟ قال: له الجنة».

﴿حدیث هشتم﴾

ترجمه:

محمد بن یعقوب، از عددهای از رجالش، از احمد بن محمد بن عیسی، از عبدالرحمن بن ابی نجران، وی می گویند: محضر امام ابی جعفر ثانی علیه السلام عرضه داشتم: فدایت شوم پاداش کسی که با قصد و عمد به زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله برود چیست؟



حضرت فرمودند:

بهشت از آن او است.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

متن:

۹ - حدّثنی محمّد بن الحسن بن أحمد بن الولید؛ و محمّد بن یعقوب، عن علی بن محمّد بن بُندار، عن ابراهیم بن إسحاق، عن محمّد بن سلیمان الدّیلمی، عن ابی حجر الأسلمی، عن ابی عبداللّٰه علیه السلام «قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من أتى مکة حاجاً ولم یزرنی بالمدينة جفوته یوم القيامة؛ و من زارنی زائراً وجبت له شفاعتی؛ و من وجبت له شفاعتی وجبت له الجنة، و من مات فی أحد الحرمین؛ مکة أو المدينة لم یرض إلی الحساب؛ و مات مهاجراً إلی الله و حشر یوم القيامة مع اصحاب بدر».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن احمد بن ولید و محمد بن یعقوب، از عنی بن محمد بن بندار، از ابراهیم بن اسحاق، از محمد بن سلیمان دیلمی، از ابی حجر اسلمی، ری می گوید:

رسول خدا ﷺ فرمودند:

هرکسی که برای اعمال حج به مکه رفته و سپس من را در مدینه زیارت نکند من نیز در روز قیامت به او جفا خواهم کرد و کسی که من را زیارت نماید شفاعت من نصیبش می گردد و کسی که از شفاعت من بهره مند شود بهشت بر او واجب می گردد، سپس فرمود:

و کسی که در یکی از دو حرم (مکه و مدینه) از دنیا برود او را در موقف حساب نیاروده و مهاجر الی الله محسوب شده و روز قیامت با اصحاب بدر محشور می گردد.

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ أَبِيانَ، عَنِ السُّدُوسِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ « قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَتَانِي زَائِرًا كُنْتُ شَفِيعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ».

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی از پدرش و او از حسن بن محبوب و او از ابان و او از سدوسی و او از حضرت ابی عبدالله ﷺ نقل نموده که آن جناب فرمودند:

رسول خدا ﷺ فرمودند:

کسی که به زیارت من آید من در روز قیامت شفیع او خواهم بود.

متن:

۱۱ - حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ سَلْمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ سَيْفٍ قَالَ: حَدَّثَنِي الْفَضْلُ بْنُ مَالِكِ النَّخَعِيُّ قَالَ: حَدَّثَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ أَبِي يَحْيَى الْمَدَنِيُّ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ سُلَيْمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّبِيِّ ﷺ «قَالَ: مَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي أَوْ بَعْدَ مَوْتِي كَانَ فِي جَوَارِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

﴿ حدیث یازدهم ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود بن حکیم، از سلمه بن خطاب و از علی بن سیف و او از فضل بن مالک نخعی و او از ابراهیم بن ابی یحیی مدنی و او از صفوان بن سلیم و او از پدرش و او از پیامبر اکرم ﷺ نقل نموده که آن حضرت فرمودند: کسی که با در حال حیات و یا بعد از ممات من را زیارت کند روز قیامت در جوار و همسایگی من خواهد بود.

متن:

۱۲ - وَعَنْهُ، عَنْ سَلْمَةَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَيْفٍ قَالَ: حَدَّثَنِي سَلِيمَانُ بْنُ عَمْرٍو النَّخَعِيُّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ، عَنْ أَبِيهِ، [عَنْ آبَائِهِ] عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ «قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ زَارَنِي بَعْدَ وَفَاتِي كَانَ كَمَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي، وَكُنْتُ لَهُ شَهِيداً وَشَافِعاً يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

﴿ حدیث دوازدهم ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود بن حکیم از سلمه، از علی بن سیف از سلیمان بن عمر النخعی، از عبدالله بن حسن، از پدرش از مولانا علی بن ابی طالب ﷺ نقل نموده

که آن حضرت فرمودند:

رسول خدا ﷺ فرمودند:

کسی که بعد از حیات من را زیارت کند گویا من را در حال حیاتم زیارت کرده و من در روز قیامت برای وی شاهد و شافع خواهم بود.

متن:

۱۳ - و عنه، عن سلمة، عن جعفر بن بشير، عن أبان بن عثمان عن السدوسي، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ: من أتاني زائراً كنت له شفيعاً يوم القيامة.



ترجمه:

حکیم بن داود بن حکیم از سلمه، از جعفر بن بشیر، از ابان بن عثمان، از سدوسی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل نموده که آن حضرت فرمودند:

رسول خدا ﷺ فرمودند:

کسی که به زیارت من آید روز قیامت من شفیع او خواهم بود.

متن:

۱۴ - و عنه، عن سلمة قال: حدثني زيد بن أبي زيد الهروي عن قتيبة بن ابن سعيد قال: قال رسول الله ﷺ: من أتاني زائراً في المدينة محتسباً كنت له شفيعاً يوم القيامة.

ترجمه: ﴿حدیث چهاردم﴾

حکیم بن داود بن حکیم از سلمه، از زید بن ابی زید الهروی و قتیبة بن سعید نقل نموده، وی گفت: رسول خدا ﷺ فرمودند: کسی که به امید ثواب و اجر در مدینه به زیارت من آید روز قیامت شفیع او خواهم بود.

متن:

۱۵ - حَدَّثَنِي جَمَاعَةٌ مِنْ مَشَائِخِي - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى؛ وَ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ جَمِيعاً، عَنْ سَلَمَةَ قَالَ: حَدَّثَنِي بَعْضُ أَصْحَابِنَا بِهَذَا الْحَدِيثِ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ «قَالَ: قُلْتُ لَهُ: مَا لِمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مُتَعَمِّدًا؟ قَالَ: يَدْخُلُهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ».

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

ترجمه: ﴿حدیث پانزدهم﴾

جماعتی از مشایخم رحمة الله عليهم از محمد بن یحیی و احمد بن ادريس جميعاً از سلمه نقل کرده‌اند که وی گفت: برخی از اصحاب ما این حدیث را از ابن ابی نجران نقل کرده که وی گفت: محضر مبارکش عرضه داشتم: پاداش کسی که به زیارت رسول خدا ﷺ رفته و قصدش صرفاً زیارت بوده چیست؟ فرمود:

خداوند او را در بهشت داخل می‌کند.

متن:

۱۶ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَجَمَاعَةٌ مِنْ مَشَائِخِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ
أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ أَبَانَ، عَنْ
السُّدُوسِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: مَنْ أَتَانِي زَائِرًا
كَنتَ شَفِيعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

ترجمه: ﴿ حدیث شانزدهم ﴾

پدر و جماعتی از مشایخ من از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی،
از پدرش، از حسن بن محبوب، از ابان، از سدوسی از حضرت ابا عبدالله عليه السلام
نقل نموده که آن جناب فرمودند: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند:
کسیکه به زیارت من آید روز قیامت شفیع او خواهم بود.

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

متن:

۱۷ - حَدَّثَنِي أَبُو الْفَضْلِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ سَلِيمَانَ، عَنْ مُوسَى بْنِ مُحَمَّدَ
بْنِ مُوسَى، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ مُحَمَّدِ الْأَشْعَثِ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ
إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّ جَعْفَرِ بْنِ
مُحَمَّدَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام «قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: مَنْ
زَارَ قَبْرِي بَعْدَ مَوْتِي كَانَ كَمَنْ هَاجَرَ إِلَيَّ فِي حَيَاتِي، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعُوا
فَابْعَثُوا إِلَيَّ بِالسَّلَامِ فَإِنَّهُ يَبْلُغُنِي».

ترجمه: ﴿ حدیث هفدهم ﴾

ابوالفضل محمد بن احمد بن سلیمان، از موسی بن محمد بن موسی، از
محمد بن محمد اشعث می گوید: ابوالحسن موسی بن اسماعیل بن موسی بن

جعفر رضی الله عنه می گوید:

پدرم (یعنی اسماعیل) از پدرش (یعنی حضرت موسی بن جعفر رضی الله عنه) از جدش (یعنی از جد پدرم) حضرت جعفر بن محمد، از پدرش، از حضرت علی بن الحسین رضی الله عنه فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

کسی که بعد از حیاتم قبر من را زیارت کند مانند کسی است که در زمان حیاتم بطرف من هجرت کرده و به زیارتم آمده باشد، بنابراین اگر نتوانستید به زیارتم آئید از همان مکان دور سلام فرستید که به من خواهد رسید.

متن:

۱۸ - حدیثی آبی، عن سعد بن عبدالله، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن الحسین بن سعید، عن عثمان بن عیسی، عن المعلی ابن ابي شهاب، عن ابي عبدالله رضی الله عنه «قال: قال الحسين بن علی رضی الله عنه لرسول الله صلی الله علیه و آله: یا ابتاه ماجزاء من زارك؟ فقال صلی الله علیه و آله: یا بُنی من زارنی حياً او میتاً کان حقاً علی أن أزوره یوم القیامة و أخلصه من ذنوبه».

«حدیث هیجدهم»

ترجمه:

پدرم از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسین بن سعید، از عثمان بن عیسی، از معلی بن ابي شهاب، از حضرت ابي عبدالله رضی الله عنه نقل می کند که آن جناب فرمودند:

حضرت حسین بن علی رضی الله عنه به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد:

پدرم: پاداش کسی که شما را زیارت کند چیست؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

پسرم، کسی که در حال حیات و ممانم من را زیارت کند بر من است که روز قیامت به زیارتش رفته و او را از گرفتاری گناهانش برهانم.

متن:

۱۹ - حدیثی اُبی - رحمه الله - ، عن الحسين بن الحسن بن أبان، عن الحسين بن سعيد باسناده مثله.

ترجمه: ﴿ حدیث نوزدهم ﴾

پدرم رحمة الله عليه از حسین بن حسن بن ابان، از حسین بن سعید باسنادش مثل همین حدیث را نقل نموده



مرکز تحقیق و پژوهش مجلس شورای اسلامی

متن:

۲۰ - حدیثی محمد بن جعفر الرزاز، عن محمد ابن الحسين بن أبي الخطاب، عن الحسن بن محبوب، عن جميل بن صالح، عن الفضيل بن يسار، عن أبي جعفر عليه السلام «قال: إن زيارة قبر رسول الله تعدل حجة مع رسول الله مبرورة».

ترجمه: ﴿ حدیث بیستم ﴾

محمد بن جعفر رزاز (از محمد بن حسین بن ابی الخطاب، از حسن بن محبوب، از جمیل بن صالح، از فضیل بن یسار، از حضرت ابی جعفر عليه السلام نقل می‌کند که آن جناب فرمودند:

زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله معادل و مساوی حج مقبولی است که با آن حضرت بجا آورده شود.

متن:

۲۱ - و عنه، عن محمد بن محمد بن محمد بن الحسين، عن محمد بن إسماعيل، عن صالح بن عقیبة، عن زید الشحام «قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: ما لمن زار قبر رسول الله صلى الله عليه وآله؟ قال: كمن زار الله في عرشه».

ترجمه: «حدیث بیست و یکم»

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسن، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از زید شحام نقل نموده، وی می گوید:
 بمحضری ابی عبدالله علیه السلام عرضه داشتم:
 نواب و پاداش کسی که قبر رسول الله صلى الله عليه وآله را زیارت کند چیست؟
 حضرت فرمودند:
 وی مانند کسی است که خدا را در عرشش زیارت نموده باشد.

﴿الباب الثالث﴾

﴿زيارة قبر رسول الله ﷺ والدعاء عنده﴾

متن:

١ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ،
عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنِ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ؛ وَ صَفْوَانَ؛ وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ
جَمِيعاً، عَنِ مَعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ، عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: إِذَا دَخَلْتَ
الْمَدِينَةَ فَاغْتَسِلْ قَبْلَ أَنْ تَدْخُلَهَا أَوْ حِينَ تَرِيدُ أَنْ تَدْخُلَهَا ثُمَّ تَأْتِي قَبْرَ النَّبِيِّ
عليه السلام فَتَسَلِّمْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ثُمَّ تَقْرُمُ عِنْدَ الْأُسْطُوَانَةِ الْمَقْدَمَةَ عَنِ جَانِبِ
الْقَبْرِ الْأَيْمَنِ عِنْدَ رَأْسِ الْقَبْرِ وَ أَنْتَ مُسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةِ وَ مَثْبُوكُ الْأَيْسَرِ إِلَى
جَانِبِ الْقَبْرِ وَ مَثْبُوكُ الْأَيْمَنِ مِمَّا يَلِي الْمِنْبَرَ، فَإِنَّهُ مَوْضِعُ رَأْسِ النَّبِيِّ عليه السلام
وَ تَقُولُ: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ خَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا
عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ،
وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ وَ تَصَدَّقْتَ لِأُمَّتِكَ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ
اللَّهِ، وَ عَبَدْتَ اللَّهَ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ،
وَ أَدَيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ وَ أَنَّكَ قَدْ رَفَعْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَ غَلَّظْتَ عَلَى
الْكَافِرِينَ، فَبَلَّغَ اللَّهُ بِكَ أَفْضَلَ شَرَفٍ مَحَلِّ الْمَكْرَمِينَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشَّرِكِ وَ الضَّلَالَةِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَ صَلَوَاتِ
مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَ أَهْلِ
السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ؛ وَ مَنْ سَبَّحَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ
عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ أَمِينِكَ وَ نَجِيِّكَ وَ حَسْبِيِّكَ وَ صَفِيِّكَ

وَصَفْوَتِكَ وَخَاصَّتِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ وَأَعْطِهِ الدَّرَجَةَ
وَالْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ، وَأَبْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً يَعْطُهُ بِهِ الْأَوْلُونَ
وَالْآخِرُونَ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاوَوْكَ
فَأَسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَأَسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِيماً»^(۱)، وَإِنِّي
أَتَيْتُ نَبِيَّكَ مُسْتَغْفِراً تَائِباً مِنْ ذُنُوبِي، وَإِنِّي أَتَوَّجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ
مُحَمَّدٍ ﷺ، يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَتَوَّجَّهُ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكَ بِكَ لِيُغْفِرَ لِي ذُنُوبِي».
و إن كانت لك حاجة فاجعل قبر النبي ﷺ خلف كتفك، واستقبل
القبلة، و ارفع يديك و اسأل حاجتك، فإنك أحرى أن تقضى إن شاء الله.



﴿ زیارت قبر رسول خدا ﷺ ﴾
﴿ و خواندن دعاء نیز بر آن ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

بلدم و محمد بن الحسن، از حسین بن حسن بن ابان، از حسین بن سعید، از
فضالة بن ایوب و حسین از صفوان و ابن ابی عمیر جمعاً از معاویة بن عمار، از
حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده‌اند آن جناب فرمودند:

هنگامی که به مدینه وارد شدی پیش از ورود یا وقتی اراده ورود کردی غسل
کن و پس از آن نزد قبر رسول خدا ﷺ برو و بر آن جناب سلام کن سپس
نزدیک متونی که از جانب راست قبر جلو فرار گرفته برو و بالای سر قبر در

حالی که رو به قبله قرار گرفته‌ای و شانه چپ تو به جانب قبر و شانه راستت
بطرف منبر می‌باشد بایست که آنجا مکان سر مبارک رسول خدا ﷺ است و
بگو: **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ**: شهادت می‌دهم خدائی
نیست مگر خداوند متعال که تنها بوده و انباز و شریکی ندارد.

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ: و شهادت می‌دهم حضرت محمد ﷺ
بنده و فرستاده او است.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ: و شهادت می‌دهم تو
فرستاده خدا هستی و تو جناب محمد بن عبدالله می‌باشی.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رَسُولَاتِ رَبِّكَ: و شهادت می‌دهم تو رساندی
پیام‌های پروردگارت را.

وَنَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ: و امت خود را بند و اندرز دادی.

وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ: و در راه خدا جهاد نمودی.

وَعَبَدْتَ اللَّهَ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ: و پرستیدی حق تعالی را تا هنگامی که
موت تو را دریافت.

بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ: امت خود را با حکمت و اندرزهای پسندیده
نصیحت نمودی.

وَأَدَّيْتِ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ: و حقی که بر عهده داشتی اداء نمودی.

وَأَنَّكَ قَدْ رَأَيْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَغَلِظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ: و شهادت می‌دهم

که نسبت به اهل ایمان رثوف و مهربان، و بر اهل کفر غلیظ و خشن بودی.

قَبَّلَعَ اللَّهُ بِكَ أَفْضَلَ شَرَفٍ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ: پس خداوند رساند تو را به

بالاترین مرتبه اهل اکرام.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشَّرْكِ وَالضَّلَالَةِ: حمد و ستایش

می‌کنیم خدائی را که بوسیله تو ما را از شرک و گمراهی رهایی دادی:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقْرِبِينَ وَ عِبَادِكَ
الصَّالِحِينَ وَ انبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَ اَهْلَ السَّمَوَاتِ وَ الْاَرْضِينَ وَ مَنْ سَبَّحَ
لِرَبِّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَ الْاٰخِرِينَ: خداوند! درود خود و فرشتگان
مقربت و بندگان شایستهات و پیامبران فرستادهات و نیز درود اهل آسمانها و
زمین و موجودات قدیم و جدیدی که پروردگار عالم را تسبیح و تنزیه نموده‌اند
را قرار بده...

عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ اَمِينِكَ وَ نَجِيْبِكَ وَ حَبِيْبِكَ
وَ صَفِيْكَ وَ صَفْوَتِكَ وَ خَاصَّتِكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ: بر حضرت
محمد ﷺ که بنده و فرستاده و پیامبر و امین و نیکو نژاد و محبوب و خالص و
برگزیده شده و اختصاص داده شده و انتخاب شده تو از میان مخلوقات
می‌باشد.

اللَّهُمَّ وَاَعْطِهِ الدَّرَجَةَ وَ الْوَسِيْلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ وَ اَبْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً
يَغْبِطُهُ بِهٖ الْاَوَّلُونَ وَ الْاٰخِرُونَ: خداوند! مقام و منزلت در بهشت به آن
حضرت اعطاء بفرما و بر انگیز آن جناب را در حالی که مقام و درجه‌ای پسندیده
داشته به طوری که خلق اولین و آخرین غبطه آن را بخورند.

اللَّهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ وَ لَوْ اَنَّهُمْ اِذْ ظَلَمُوا اَنْفُسَهُمْ ثُمَّ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللّٰهَ وَ
اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُوْلُ لَوْ جَدَّوْا اللّٰهَ تَوَّاباً رَحِيْمًا: خداوند! خودت در قرآن
فرموده‌ای:

اگر گروه گناه کاران بواسطه گناه بر خود ستم کنند و سپس نزد تو آیند (ای
پیامبر) پس بواسطه تو از خدا طلب آمرزش کنند و تو از خدا طلب مغفرت کنی
البته خواهند دید که خداوند توبه ایشان را پذیرفته و به آنها ترحم می‌نماید.

وَإِنِّي آتَيْتُ نَبِيَّكَ مُسْتَغْفِرًا تَائِبًا مِنْ ذُنُوبِي؛ وَمِنْ دَرَجَاتِي كَمَا تَلْبَسُ الْبُرُوقَ
كِرْدَةً، وَأَزْكَاهَانِمِ تَوْبَةٍ مِي كُنْمِ بِي بِمَامِرْتِ بِنَاهَنْدِهْ شُدِهْ اَم.

وَإِنِّي أَتَوَّجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ ﷺ؛ وَمِنْ بِي تَوْسَطِ بِيَامِرْتِ
أَنْ بِيَامِرِ رَحْمَتِ يَعْنِي حَضْرَتِ مُحَمَّدٍ ﷺ بِي تَوْرُوِي مِي أَرْمِ.

يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَتَوَّجَّهُ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكَ لِيُغْفِرَ لِي ذُنُوبِي؛ أَي مُحَمَّدُ ﷺ
مِنْ بِي خُدَا مَتَوْجِهْ شُدِهْ وَرُوِي مِي أَرْمِ هِمَانِ خُدَايِ مِنْ وَ تَو تَا كِنَاهَانِمِ رَا بِي خُشْدِ
وَ اِگَرِ حَاجَتِ دَارِي قَبْرِ مَطْهَرِ رَا پِشْتِ سَرِ قَرَارِ بَدِهْ وَ رُو بِي قَبْلِهْ بَا يَسْتِ وَ دَرِ
دَسْتِ رَا بِلَنْدِ نَمَا وَ سِپَسِ حَاجَتِ رَا اَزْ خُدَا بِنَخْرَا، كِهْ اِنْشَاءِ اَللّٰهُ مُسْتَجَابِ خَوَاهِدِ
شُدِ.



متن:

۲ - حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْمُرْسُوعِي، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
نُهَيْكٍ، عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ مَعَاوِيَةَ بْنِ عِمَارٍ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ:
إِذَا فَرَعْتَ مِنَ الدُّعَاءِ عِنْدَ الْقَبْرِ فَأَتِ الْمَنْبِرَ وَامْسَحْ بِيَدِكَ وَخُذْ
بُرْمَانِيهِ وَهَاتِي السُّنْلَاوَانَ؛ وَامْسَحْ وَجْهَكَ وَعَيْنَكَ بِهِ، فَإِنَّهُ يُقَالُ: إِنَّهُ
شِفَاءٌ لِلْعَيْنِ، وَ قَمِ عِنْدَهُ فَاحْمَدِ اللَّهَ وَ أَثْنِ عَلَيْهِ، وَ سَلْ حَاجَتَكَ، فَإِنَّ
رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مَا بَيْنَ مَنبَرِي وَ بَيْتِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، وَ إِنْ
مِنبَرِي عَلَى تَرْعَةٍ مِنْ تُرَعِ الْجَنَّةِ، وَ قِوَامُ الْمَنْبَرِ رُتْبٌ فِي الْجَنَّةِ - وَ
التَّرْعَةُ هِيَ الْبَابُ الصَّغِيرُ - ثُمَّ تَأْتِي مَقَامَ النَّبِيِّ ﷺ فَصَلِّ فِيهِ مَا بَدَا لَكَ، فَإِذَا
دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ إِذَا خَرَجْتَ فَافْعَلْ ذَلِكَ وَ أَكْثِرْ
مِنَ الصَّلَاةِ فِي مَسْجِدِ النَّبِيِّ ﷺ».

«حدیث دوم»

ترجمه:

جعفر بن محمد بن ابراهیم موسوی: از عبدالله بن نهبک، از ابن ابی عمیر، از معاویه بن عمار نقل نموده، وی می‌گوید:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

هرگاه از خواندن دعاء سر قبر فارغ شدی نزدیک منبر برو و دو قبه پائین آن را بگیر و صورت و دیده‌گانت را به منبر مسح نما زیرا موجب شفاء چشمان می‌باشد و نزد منبر بایست و خدا را حمد نما و ثناء بگو و سپس حاجت خود را بخواه چه آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

بین منبر و قبر من بستانی است از بستان بهشت و منبر من روی دربی از درب‌های بهشت قرار گرفته و چهار پایه‌اش در بهشت نهاده شده است.

کلمه «ترعه» به ضم «تاء» و سکون «راء» و فتح «عین»، که در حدیث آمده یعنی درب کوچک سپس به مقام نبی صلی الله علیه و آله برود و هر چه خواستی در آنجا نماز بخوان و هنگامی که به مسجد داخل شدی بر محمد و آل محمد صلوات فرست چنانکه هنگام خروج از آن نیز به آن مبادرت نما و توجه داشته باش که در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار نماز بخوان.

متن:

۳ - حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ الْعَسْكَرِيُّ،
عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ
الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، عَنْ عَلِيٍّ
بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَخِيهِ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ
عليه السلام «قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام يَقِفُ عَلَى قَبْرِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله وَيَسْلَمُ وَ
يَشْهَدُ لَهُ بِالْبَلَاغِ وَيَدْعُو بِمَا حَضَرَهُ، ثُمَّ يُسِنِدُ ظَهْرَهُ إِلَى قَبْرِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله إِلَى

المَرْمَرَةَ المَخْضَرَاءَ الدَّقِيقَةَ العَرَضَ مِمَّا يَلِي القَبْرَ و يَلْتَزِقُ بالقَبْرِ و يَسْتَنْدُ ظَهْرَهُ إِلَى القَبْرِ و يَسْتَقْبِلُ القِبْلَةَ و يَقُولُ:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أُلْجَأْتُ أَمْرِي؛ وَ إِلَى قَبْرِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ أَسْتَدْتُ ظَهْرِي، وَ القِبْلَةَ الَّتِي رَضَيْتَ لِمُحَمَّدٍ اسْتَقْبَلْتُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي خَيْرًا مَا أَرْجُوهَا وَلَا أَدْفَعُ عَنْهَا شَرًّا مَا أَخْذَرُ عَلَيْهَا، وَ أَصْبَحْتُ الْأُمُورَ بِيَدِكَ وَ لَا قَدِيرَ أَفْقَرُ مِنِّي، إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ نَقِيرُ، اللَّهُمَّ أَرِدُنِي مِنْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تُبَدِّلَ اسْمِي أَوْ أَنْ تُغَيِّرَ جِسْمِي أَوْ تُزِيلَ نِعْمَتَكَ عَنِّي، اللَّهُمَّ زَيِّنِي بِالتَّقْوَى وَ جَمِّلْنِي بِالنِّعَمِ وَ اعْمُرْنِي بِالعَافِيَةِ، وَ ارزُقْنِي شُكْرَ العَافِيَةِ».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

ابو عبدالرحمن محمد بن احمد بن الحسن العسكري از حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش علی بن مهزیار، از علی بن الحسین بن علی بن عمر بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب، از علی بن جعفر بن محمد از برادرش ابی الحسن موسی بن جعفر، از پدرش، از جدِّ بزرگوارش علیه السلام، فرمودند:

حضرت علی بن الحسین علیه السلام معمولاً نزدیک قبر نبی اکرم صلی الله علیه و آله می ایستادند، ابتداءً به آن جناب سلام می دادند و پس از آن شهادت به بلاغ^(۱) داده و بدنبالش به آنچه صلاح و صواب می دانستند دعاء می فرمودند و سپس به سنگ سبز باریکی که نزدیک قبر می باشد تکیه داده و خود را باین نحو به قبر می چسبانند، پشت به قبر داده و روی مبارک به قبله می فرمودند و این دعا می خواندند:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أُلْجَأْتُ أَمْرِي؛ بَارِ خُدَايَا قَصْدَمِ رَأْبِهِ جَانِبِ تَوِ مَعْطُوفِ دَائِمِهِ.

۱ - یعنی فرمودند: اشهدانک قد بلغت رسالات ربک.

اشهد انك قد بلغت رسالات ربك؛ و بدنباش به آنچه صلاح و صواب می دانستند دعاء می فرمودند و سپس به سنگ سبز باریکی که نزدیک قبر می باشد تکیه داده و خود را به این نحو به قبر می چسبانند، پشت به قبر داده و روی مبارک به قبله می فرمودند و این دعاء را می خواندند:

اللهم اليك الجأت امري: بار خدایا قصدم را به جانب تو معطوف داشتم.
والی قبر نبيك محمد ﷺ عبدك و رسولك اسندت ظهري: و پشتم را به قبر پیامبرت حضرت محمد ﷺ که بنده و فرستاده تو است تکیه دادم.
و القبلة التي رَضِيتَ لِمُحَمَّدٍ ﷺ استقبلت: و قبله ای را که برای حضرت محمد ﷺ پسندیدی مقابل خود قرار داده ام.

اللهم اني اصبحت لا املك لنفسي خيرا ما ارجوها: بار خدایا صبح نموده ام در حالیکه خیر آنچه را که برای خود آروز دارم مالک نیستم.
ولا ادفع عنها شرا ما احذر عليها: و نه می توانم شرّ و بدی آنچه را که بر نفس خود می ترسم از آن دفع نمایم.
واصبحت الامور كلها بيدك: و صبح نموده ام درحالی که تمام امور و کارها بدست تو می باشد.

و لافقير افقر مني: و نیازمندی محتاج تر از من وجود ندارد.
اني لما انزلت الي من خير فقير: به طور مسلم و قطع من به آن خیری که تو برایم منظور داشته ای محتاج نیازمند هستم.

اللهم اُردني منك بخير ولا رادَ لفضلك: بار خدایا خیر را از ناحیه خودت به من باز گردان در حالی که احدی نیست فضل و خیر تو را به من برگرداند.
اللهم اني اعوذ بك من ان تبدل اسمي او تغير جسمي او تُزيل نعمتك عني: بار خدایا همانا به تو پناه می برم از اینکه نامم را مبدل ساخته یا جسمم را

تغییر داده یا نعمت را از من زائل نمائی.

اللهم زیني بالتقوى و جعلني بالتعم و اغمرني بالعافية و ارزقني
شكر العافية: بار خدایا من را به تقوی مزین نما و به نعمتهایت بیارا و به عافیت
غوطه ورم گردان و به من توفیق ده که شکر عافیت را به جای آورم.

متن:

۴- حدیثی آبی: عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن
عبد الرحمن بن أبي نجران؛ والحسين بن سعيد؛ وغير واحد، عن حماد
بن عيسى، عن محمد بن مسعود «قال: رأيت أبا عبد الله عليه السلام انتهى إلى قبر
رسول الله صلى الله عليه وآله فوضع يده عليه وقال «أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي اجْتَبَاكَ
وَاخْتَارَكَ وَهَدَاكَ وَهَدَى بِكَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْكَ»، ثم قال: «إِنَّ اللَّهَ
وَمَلَائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلُّمُوا
تَسْلِيمًا»

«حدیث چهارم»

ترجمه:

پدیم از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عیسی، از عبد الرحمن بن
ابی نجران و حسین بن سعید و جماعتی از حماد بن عیسی از محمد بن مسعود
نقل نموده‌اند که وی گفت:

حضرت ابی عبد الله علیه السلام را دیدم که به قبر رسول خدا صلى الله عليه وآله رسیدند، پس
دست مبارکش را روی قبر گذارده و فرمودند:

اسأل الله الذي اجتباك و اختارك و هداك و هدى بك ان يصلّي
عليك: از خدائی که تو را برگزید و اختیار نمود و هدایت کرد و بواسطه‌ات

دیگران را راهنمایی نمود می خواهم که بر تو درود و رحمت بفرستد.
 اِنَّ اللّٰهَ وَمَلَائِكَتَهُ يَصلُّوْنَ عَلٰى النَّبِىِّ يَا اَيُّهَا الَّذِىْنَ اٰمَنُوْا صَلُّوْا عَلَیْهِ
 وَسَلِّمُوْا تَسْلِیْمًا: همانا خداوند و فرشتگانش بر نبی اکرم ﷺ صلوات
 می فرستند، ای کسانی که ایمان آورده اید بر پیامبر صلوات فرستاده و تسلیم
 شوید تسلیم شدنی.

متن:

۵- حَدَّثَنِی الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیْسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ
 اِبْرَاهِیْمَ بْنِ اَبِی الْبَلَادِ «قَالَ: قَالَ لِی اِبْرَاهِیْمُ بْنُ اَبِی الْبَلَادِ: كَیْفَ تَقُوْلُ فِی التَّسْلِیْمِ
 عَلٰى النَّبِیِّ ﷺ؟



قلت: الذی نعرفه و رویناه.
 قال: اولا اعلمك ما هو افضل من هذا؟
 قلت: نعم جعلت فداك.
 فكتب لی - و انا قاعدٌ - بخطه و قرأه علیّ:
 اذا وقفت علی قبره ﷺ فقل:

«أَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیْكَ لَهُ اَوْ اَشْهَدُ اَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ
 رَسُوْلُهُ اَوْ اَشْهَدُ اَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللّٰهِ وَ اَشْهَدُ اَنَّكَ خَاتَمُ النَّبِیِّیْنَ، وَ
 اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ وَ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَ جَاهَدْتَ فِی
 سَبِیْلِ رَبِّكَ وَ عَبَدْتَهُ حَتّٰی اَتَاكَ الْیَقِیْنُ وَ اَدَّیْتَ الَّذِیْ عَلَیْكَ مِنَ الْحَقِّ،
 اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُوْلِكَ وَ عَجِّبْكَ وَ اَمِیْنِكَ وَ صَفِیِّكَ وَ
 خَیْرِتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اَفْضَلَ مَا صَلَّیْتَ عَلٰی اَحَدٍ مِنْ اَنْبِیِّائِكَ وَ رُسُلِكَ،

اللَّهُمَّ سَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا سَلَّمْتَ عَلَى نُوحٍ فِي الْغَالِمِينَ وَآمَنْتُ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مَنَنْتَ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ رَبَّ
 الْبَيْتِ الْحَرَامِ وَرَبَّ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَرَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَرَبَّ الْبَلَدِ
 الْحَرَامِ، وَرَبَّ الْحِجْلِ وَالْحَرَمِ، وَرَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، بَلِّغْ رُوحَ نَبِيِّكَ
 مُحَمَّدٍ ﷺ مِنِّي السَّلَامِ»

« حدیث پنجم »

ترجمه:

حسن بن عبدالله، از محمد بن عیسی، از پدرش، از ابراهیم بن ابی البلاد نقل
 نموده که وی گفت: حضرت ابوالحسن علیه السلام به من فرمودند:

چگونه به نبي اکرم صلی الله علیه و آله سلام می دهی؟

عرض کردم: به همان نحو که شما آگاه بوده و از طریق روایت به ما رسیده،
 و نیز به من فرمودند:

آیا عبارتی افضل و برتر از این به تو یاد ندهم؟

عرض داشتم: چرا فدایت شوم.

پس در حالی که خدمتش نشسته بودم به خط مبارکشان نوشته و بر من قرائت

کردند، فرمودند: هرگاه نزد قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله ایستادی بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ: شهادت می دهم که خدائی

نیست مگر خداوند متعال که تنها بوده و شریکی ندارد.

و أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ: و شهادت می دهم که حضرت

محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده او است.

و اشهد أنك محمد بن عبدالله؛ و شهادت می‌دهم که تو حضرت محمد بن عبدالله هستی.

و اشهد أنك خاتم النبیین؛ و شهادت می‌دهم که تو آخرین پیامبر می‌باشی.
و اشهد أنك قد بلغت رسالات ربك؛ و شهادت می‌دهم که تو رساندی پیامهای پروردگارت را.

و نصحت لامتک؛ و امت خود را پند و اندرز دادی.
و جاهدت فی سبیل ربك؛ و در راه خدا جهاد نمودی.
و عبدته حتی اتاک الیقین؛ و پرستیدی حق تعالی را تا هنگامی که موت تو را دریافت.

و اذیت اذی علیک من الحق؛ و حقی که بر عهده داشتی ادا نمودی.
اللهم صل علی محمد عبدک و رسولک و نجیبک و امینک و صغیرک و خیرتک من خلفک افضل ما صلیت علی احد من انبیائک و رسلک؛ بار خدایا بر حضرت محمد ﷺ که بنده و فرستاده و نیکو نژاد و امین و خالص و برگزیده تو از میان مخلوقات است درود و رحمت فرستاد آنهم برترین رحمتی که بر هر یک از پیامبران و رسولانت ارزانی داشتی.

اللهم سلم علی محمد و آل محمد كما سلمت علی نوح فی العاملین؛ خداوند ما همان طوری که نعمت سلامتی را در عالم نصیب جناب نوح ﷺ نمودی حضرت محمد ﷺ را از آن بهره‌مند گردان.

و امن علی محمد و آل محمد كما مننت علی موسی و هارون؛ خداوند ما همان طوری که بر موسی و هارون نعمت دادی بر حضرت محمد و آلش صلوات الله علیهم انعام نما.

و بارک علی محمد و آل محمد كما بارکت علی ابراهیم و آل ابراهیم

اِنَّكَ حمید مجید؛ همان طوری که نعمت هایت را بر ابراهیم و آلش مداوم قرار دادی بر حضرت محمد و آل ایشان صلوات الله علیهم نیز نعمت هایت را دائمی و مستمر گردان بدرستی که تو ستایش شده و بزرگ می باشی.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ:

خداندا بر محمد و آل محمد درود فرست و ترحم نما.

اللّٰهُمَّ رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ وَرَبَّ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَرَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَرَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَرَبَّ الْحَلِّ وَالْحَرَمِ وَرَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ بَلِّغْ رُوحَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ ﷺ مِنْ السَّلَامِ: خداندا که صاحب بیت الحرام و مسجد الحرام و رکن و مقام و بلد حرام و حل و حرم و مشعر الحرام هستی از طرف من سلام به روح پیامبریت حضرت محمد ﷺ برسان.



مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

متن:

۶- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلِينِيُّ: عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ ﷺ: كَيْفَ السَّلَامِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ عِنْدَ قَبْرِهِ؟ فَقَالَ:»

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَبَدْتَهُ مُخْلِصاً حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، فَجَزَاكَ اللَّهُ أَنْفَضَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلٰی إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ.»

ترجمه: ﴿حدیث ششم﴾

محمد بن یعقوب کلینی از عده‌ای اصحاب، از سهل بن زیاد، از احمد بن محمد بن ابی نصر نقل نموده، وی می‌گوید: محضر مبارک حضرت ابی‌الحسن علیه السلام عرض کردم:

وقتی در مقابل قبر مطهر رسول خدا ﷺ می‌ایستیم چگونه به حضرتش سلام دهیم؟

حضرت فرمودند:

کیفیت آن چنین است:

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ: سلام بر فرستاده خدا.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ: سلام بر تو ای محبوب خدا.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ: سلام بر تو ای برگزیده خدا.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ: سلام بر تو ای امین خدا.

اشهد أنك قد نصحت لأمّتك: شهادت می‌دهم که تو امتت را پندوانداز دادی.

و جاهدت في سبيل الله: در راه خدا سعی و کوشش نمودی.

و عبدته مخلصاً حتى أتيتك اليقين: و او را خالص از هر شائبه شرکی

پرستیدی تا موت تو را دریافت.

فجزاك الله افضل ما جزى نبياً عن أمته: پس برترین و بالاترین پاداشی

که حق تعالی به هر پیامبری عوض امتش می‌دهد به تو بدهد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ أَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ

حمید مجید: خداوندا بالاتر و بهتر از رحمتی که بر ابراهیم و آلش

فرستادی بر حضرت محمد ﷺ بفرست بدرستی که تو ستایش شده و

بزرگ می‌باشی.

﴿ سلام مولانا ابي الحسن موسى بن جعفر الكاظم عليه السلام ﴾
 ﴿ على جدّه ورسوله الله ﷺ ﴾

متن:

۷- [و] باسناده، عن سهل، عن علي بن حسان - عن بعض أصحابنا -
 قال: حضرت ابا الحسن الأول عليه السلام و هارون الخليفة، و عيسى بن جعفر و
 جعفر بن يحيى بالمدينة، و قد جاؤا و االى قبر النبي ﷺ، فقال هارون لابي -
 الحسن عليه السلام: تقدّم، فأبي، فتقدّم هارون فسلم و قام ناحية، فقال عيسى
 بن جعفر لابي الحسن عليه السلام: تقدّم، فأبي، فتقدّم عيسى بن جعفر فسلم و وقف مع
 هارون، و تقدّم ابا الحسن عليه السلام فقال: «السلام عليك يا ابيه، أسأل الله
 الذي اصطفاك و اجتباك و هداك و هدى بك أن يصلي عليك»، فقال
 هارون لعيسى: سمعت ما قال؟! قال: نعم، فقال هارون: أشهد أنه ابوه
 حقاً.

﴿ كفييت سلام حضرت موسى بن جعفر عليه السلام ﴾
 ﴿ بر جدّ خود حضرت رسول اکرم ﷺ ﴾

ترجمه:

﴿ حديث هفتم ﴾

مجتد بن يعقوب به اسنادش، از سهل، از علی بن حسان از برخی اصحاب،
 ری می گوید: حضرت ابا الحسن اول عليه السلام (امام کاظم عليه السلام) و هارون الرشید خلیفه
 و عیسی بن جعفر و جعفر بن یحیی در مدینه بوده و بانفاق بطرف قبر نبی اکرم
 ﷺ رفتند و وقتی نزدیک قبر رسیدند هارون به امام هفتم عليه السلام عرض کرد:

شما سبقت گرفته و ابتداء به سلام نمائید:
حضرت امتناع فرمود لذا هارون جلو رفت و سلام نمود و سپس به گوشه‌ای
رفت و ایستاد پس عیسی بن جعفر به حضرتش عرض نمود:
شما سبقت گرفته و ابتداء به سلام نمائید:
حضرت اباء نموده لذا عیسی بن جعفر جلو رفت و سلام نمود و سپس در
جنب هارون ایستاد.

پس جعفر به آن جناب عرض کرد:
شما سبقت گرفته و ابتداء به سلام نمائید.
حضرت نپذیرفته فلذا جعفر جلو رفت و سلام نمود و سپس نزدیک هارون
ایستاد. آن گاه حضرت ابوالحسن جلو رفتند و چنین سلام دادند:
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَتَهُ: سلام بر تو ای پدر من.
أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي اضْطَفَانِكَ وَاجْتَبَاكَ وَهَدَى بِكَ أَنْ يُصَلِّيَ
عَلَيْكَ: از خدائی که تو را برگزید و راهنمائی نمود و بواسطه تو دیگران را
هدایت کرد می‌خواهم که تو را مشمول رحمتش قرار دهد.

متن:

۸ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ
عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الْعَلَوِيِّ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ
الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ، عَنْ أَخِيهِ مُوسَى، عَنْ
أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عليه السلام « قَالَ: كَانَ أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ يَقِفُ عَلَى قَبْرِ النَّبِيِّ ﷺ
فَيَسَلُّمُ عَلَيْهِ وَيَشْهَدُ لَهُ بِالْبَلَاغِ وَيَدْعُو بِمَا حَضَرَهُ، ثُمَّ يَسْتَدْ ظَهْرَهُ إِلَى
قَبْرِ النَّبِيِّ ﷺ إِلَى الْمَرْمَرَةِ الْمُحَضَّرَاءِ الدَّقِيقَةِ الْغَرَضِ مِمَّا يَلِي الْقَبْرَ، وَ

يلترق بالتقبر و يُسندُ ظهره إلى القبر و يستقبل القبلة فيقول:
 «اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَلْجَأْتُ أَمْرِي، وَإِلَى قَبْرِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ
 أَسْتَدْتُ ظَهْرِي، وَالْقِبْلَةَ الَّتِي رَضِيتَ لِمُحَمَّدٍ اسْتَقْبَلْتُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ
 لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي خَيْرًا مَّا أَرْجُوهَا وَلَا أَدْفَعُ عَنْهَا شَرًّا مَّا أَخْذُرُ عَلَيْهَا، وَأَصْبَحْتُ
 الْأُمُورَ كُلَّهَا بِيَدِكَ، وَلَا أَفْقِيرَ أَفْقَرُ مِنِّي، إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ،
 اللَّهُمَّ أَرِذْنِي مِنْكَ بِخَيْرٍ، وَلَا رَادَّ لِنُضْلِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تُبَدِّلَ
 اسْمِي (أَوْ تُغَيِّرَ جِسْمِي؛ أَوْ تُزِيلَ نِعْمَتَكَ عَنِّي، اللَّهُمَّ زَيِّنِي بِالتَّوْحَى، وَجَمِّلْنِي
 بِالنَّعْمِ، وَاعْمُرْنِي بِالْعَافِيَةِ، وَارْزُقْنِي شُكْرَ الْعَافِيَةِ».

حدیث هشتم

ترجمه:

محمد بن حسن مهزيار، از پدرش، از جدش علی بن مهزيار، از علی بن
 حسین علوی بن علی بن عمر بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام، از
 علی بن جعفر، از برادر بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از
 پدر بزرگوارش از جد امجدش علیه السلام، فرمود:

پدر بزرگوارم حضرت علی بن الحسین علیه السلام معمولاً نزدیک قبر بی اکرم علیه السلام
 می ایستادند ابتداء به آن جناب سلام می دادند و پس از آن شهادت به بلاغ داده
 (یعنی می فرمودند:

اشهد أنك قد بلغت رسالات ربك: و به دنبالش به آنچه صلاح و صواب
 می دانستند دعاء می فرموده و سپس به سنگ سبز باریکی که نزدیک قبر می باشد
 تکیه داده و خود را به این نحو به قبر می چسباندند، پشت به قبر داده و روی
 مبارک به قبله می فرمودند و این دعاء را می خواندند:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَلْجَأْتُ أَمْرِي: بار خدای قصدم را به جانب تو معطوف داشتم.

و الی قبر نبیک محمد ﷺ عبدک و رسولک اسندت ظهری: و پشتم را
به قبر پیامبرت حضرت محمد ﷺ که بنده و فرستاده تو است تکیه دادم.

و القبلة الی رضیت محمد ﷺ استقبلت: و قبله‌ای را که برای حضرت
محمد ﷺ پسندیدی مقابل خود قرار دادم.

اللهم انی اصبحت لا املك لنفسی خیر ما ارجو لها: بار خدایا صبح نموده‌ام
در حالی که خیر آنچه را که برای خود آرزو دارم مالک نیستم.

ولا ادفع عنها شرّ ما احذر علیها: و نه می‌توانم شرّ ویدی آن چه را که بر
نفس خود می‌ترسم از آن دفع کنم.

واصبحت الامور کلّها بیدک: و صبح نموده‌ام در حالی که تمام امور و
کارها به دست تو می‌باشد.

ولا فقیر افقر منی: و نیازمندی محتاج تراز من وجود ندارد.
انی لما انزلت الی من خیر فقیر: به طور مسلم و قطع من به آن خیری که تو
برایم منظور داشته‌ای محتاج و نیازمند هستم.

اللهم اردنی منک بخیر و لا راد لفضلک: بار خدایا خیر را از ناحیه خودت
به من بازگردان در حالی که احدی نیست فضل و خیر تو را به من برگرداند.

اللهم انی اعود بک من ان تبدل اسمی او تغیر جسمی او تزیل نعمتک
عنی: بار خدایا همانا به تو پناه می‌برم از اینکه نامم را مبدل ساخته یا جسمم را
تغییر داده یا نعمتت را از من زائل نمائی.

اللهم زیننی بالتقوی و جمکنی بالنعم و اغمرنی بالعافیة و ارزقنی شکر
العافیة: بار خدایا من را به تقوی مزین نما و به نعمت هایت بیارا و به عافیت
غرطه ورم گردان و به من توفیق داده که شکر عافیت را به جای آورم.

﴿ما يجب أن يُدعى به عند قبر سيدنا رسول الله ﷺ﴾
 ﴿تخرج في المناسك﴾

من:

۹ - حدّثني عليُّ بن الحسين، عن عليّ بن إبراهيم بن هاشم، عن محمّد بن عيسى بن عبيد، عن أبي عبد الله زكريّا المؤمن، عن إبراهيم بن ناجية، عن إسحاق بن عمّار «قال:

قلت لأبي عبد الله عليه السلام: علّمني تسليماً خفيفاً علي النبيّ ﷺ، قال:
 قل: «أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي اسْتَجَبَكَ وَاصْطَفَاكَ وَاخْتَارَكَ وَهَدَاكَ وَهَدَى بِكَ
 أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْكَ صَلَاةً كَثِيرَةً طَيِّبَةً»

﴿آنچه واجب است در نزد قبر مطهر رسول خدا ﷺ﴾

﴿خواننده شود﴾

حدیث نهم

ترجمه:

علی بن حسین از علی بن ابراهیم بن هاشم، از محمّد بن عیسی بن عبید، از ابی عبد الله زکریّا مؤمن، از ابراهیم ابن ناحیه، از اسحاق بن عمّار، وی می گوید:
 محضر مبارک امام صادق علیه السلام عرضه داشتم: از میان سلام هائی که به رسول خدا ﷺ داده می شود سلام کوناهمی به من تعینم بفرمایند:

حضرت فرمودند:

بگو:

أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي اسْتَجَبَكَ وَاصْطَفَاكَ وَاخْتَارَكَ وَهَدَاكَ وَهَدَى بِكَ أَنْ
 يُصَلِّيَ عَلَيْكَ صَلَاةً كَثِيرَةً طَيِّبَةً.

از خدائی که ترا برگزید و اختیار نمود و هدایت کرد بواسطه تو دیگران را

راهنمایی نمود درخواست می‌کنم که بر تو رحمت فراوان و پاکیزه بفرستد.

متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى؛ وَ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ؛ وَ مُوسَى بْنَ عُمَرَ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام «قَالَ: قُلْتُ: كَيْفَ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ عِنْدَ قَبْرِهِ؟ فَقَالَ: تَقُولُ:

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ وَ عَبَدْتَهُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ».

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی و یعقوب بن یزید و موسی بن عمر، از احمد بن محمد بن ابی نصر، از حضرت ابی الحسن الرضا عليه السلام، وی می‌گوید:

محضر مبارک آن حضرت عرضه داشتم: هنگامی که نزد قبر مطهر رسول

خدا ﷻ رسیدیم چگونه به آن جناب سلام دهیم؟

حضرت فرمودند:

بگو:

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ: سلام بر رسول خدا ﷺ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ: سلاما ما و رحمت و برکات خدا بر

تو باد.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ: سلام بر تو ای فرستاده خدا.
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ: سلام بر تو ای حضرت محمد بن

عبدالله.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ: سلام بر تو ای برگزیده خداوند متعال.
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ: سلام بر تو ای محبوب خداوند متعال.
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ: سلام بر تو ای افتخار شده خداوند متعال.
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ: سلام بر تو ای امین خداوند متعال.
أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ: شهادت می‌دهم که تو فرستاده خداوند متعال

هستی.

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ: و شهادت می‌دهم که تو حضرت محمد

بن عبدالله می‌باشی.

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ: و شهادت می‌دهم که تو امانت را اندرز

دادی.

و جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ: و در راه خدا کوشش و سعی نمودی.
وَعَبَدْتَهُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ: و خدا را پرستیدی تا زمانی که موت شما را

دریافت.

فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ: پس خداوند به شما برترین پاداشی را که بهر یک از انبیاء عرض امتش داده بدهد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ: خداوندا رحمتت را بر محمد و آل محمد بفرست.

أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ: برترین رحمتی که بر ابراهیم و آلش فرستادی.

إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ: همانا تو ستایش شده و بزرگ می باشی.



﴿الباب الرابع﴾

﴿فضل الصلاة في مسجد رسول الله ﷺ﴾

﴿و ثواب ذلك﴾

متن:

۱ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ، عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى السَّابَاطِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّلَاةِ فِي مَسْجِدِ الرَّسُولِ ﷺ؛ هِيَ مِثْلُ الصَّلَاةِ بِالْمَدِينَةِ؟ قَالَ ﷺ: لَا، لِأَنَّ الصَّلَاةَ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بِأَلْفِ صَلَاةٍ، وَ الصَّلَاةَ بِالْمَدِينَةِ مِثْلُ الصَّلَاةِ فِي سَائِرِ الْأَمْصَارِ».

﴿باب چهارم﴾

﴿فضیلت خواندن نماز در مسجد رسول خدا ﷺ﴾

﴿و ثواب و اجر آن﴾

﴿حدیث اول﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن حسن بن احمد بن ولید از محمد بن حسن صفار، از احمد بن حسن بن علی بن فضل، از عمرو بن سعید از مصدق بن صدقه، از عمار بن موسی سباطی، از ابی عبدالله علیه السلام، وی می گوید:

از آن حضرت پرسیدم:

آیا نماز در مسجد رسول صلی الله علیه و آله مانند نماز در شهر مدینه می باشد؟

حضرت فرمودند:

خیر، زیرا نماز در مسجد رسول صلی الله علیه و آله معادل با هزار نماز بوده و نماز در شهر مدینه مانند نماز در سایر شهرها است.

متن:

۴- حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خَلْفِ الْقَمِيِّ الْأَشْعَرِيِّ، عَنْ
أَمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ الْبَجَلِيِّ - عَمَّنْ حَدَّثَهُ - عَنْ
مُرَازِمٍ «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الصَّلَاةِ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ
اللَّهِ صلی الله علیه و آله؟ فَقَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي تَعْدِلُ أَلْفَ
صَلَاةٍ فِي غَيْرِهِ، وَ صَلَاةٌ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ فِي
مَسْجِدِي ثُمَّ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ فَضَّلَ مَكَّةَ وَ جَعَلَ بَعْضُهَا أَفْضَلَ مِنْ بَعْضٍ،

فَقَالَ: «وَأَتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى (۱)، وَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ فَضَّلَ أَتْوَاماً
وَأَمْرًا بِاتِّبَاعِهِمْ وَأَمْرًا بِمُؤَدَّتِهِمْ فِي الْكِتَابِ».

ترجمه: ﴿ حدیث دوم ﴾

پدرم از سعد بن عبدالله بن ابی خلف قمی اشعری، از احمد بن محمد بن
عیسی، از موسی بن قاسم بجلي، از کسی که برایش نقل نموده، از مرادم، وی
می گوید:

رسول خدا ﷺ فرمودند:

یک نماز در مسجد من معادل و مساوی با هزار نماز در غیر آن بوده و نماز در
مسجد الحرام مساوی با هزار نماز در مسجد من می باشد، سپس فرمودند:
حق تعالی مکه را بر سایر بقیع تفضیل داد و برخی از نواحی آنرا بر بعضی
دیگر برتر قرار داد فرمود: مقام ابراهیم را جایگاه پرستش خدا قرار دهید.
و نیز فرمود:

حق تعالی گروهی را بر دیگران تفضیل داد و امر نمود که سایرین از آنها
پیروی کنند و در کتاب عزیزش دستور داد که مودت و محبت آن گروه را در دل
داشته باشند.

متن:

۳- حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَاهُوَيْه، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ،
عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْع، عَنْ أَبِيهِ
إِسْمَاعِيلَ، عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ، عَنْ أَبِي الصَّامِتِ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ:

صلاة في مسجد النبي ﷺ تعدل بعشرة آلاف صلاة».

ترجمه: ﴿حدیث سوم﴾

علی بن حسین بن موسی بن بابویه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن اسماعیل بن بزیر، از پدرش اسمعیل، از ابن مسکان، از ابی الصّامت، وی می گوید:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

نماز در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله ساری با ده هزار نماز می باشد.

متن:

۴- حَدَّثَنِي جَمَاعَةٌ مِنْ مَشَائِكِحِي، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أُخِيهِ عَلِيٍّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، وَابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، وَفَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ جَمِيعاً، عَنْ معاويةَ بْنِ عَمَّارٍ «قال: قال أبو عبد الله عليه السلام لابن أبي يعفور: أكثر من الصلاة في مسجد رسول الله، فإن رسول الله صلی الله علیه و آله قال: صلاة في مسجدي هذا كألف صلاة في مسجد غيره، إلا المسجد الحرام، فإن صلاة في المسجد الحرام تعدل ألف صلاة في مسجدي».

ترجمه: ﴿حدیث چهارم﴾

جماعتی از مشایخ و استاتیدم، از عبدالله بن جعفر حمیری، از ابراهیم بن مهزیار، از برادرش علی، از حسین بن سعید، از صفوان بن یحیی و ابن ابی عمیر و فضاله بن ایوب جملگی از معاویه بن عمار نقل کرده اند که وی گفت:

حضرت ابو عبد الله ﷺ به ابن ابی یعفور فرمودند:
در مسجد رسول خدا ﷺ زیاد نماز بخوان زیرا حضرتش ﷺ فرمودند:
یک نماز در مسجد من مانند هزار نماز در مساجد دیگری می باشد مگر مسجد
الحرام زیرا یک نماز در این مسجد مساوی با هزار نماز در مسجد من می باشد.

متن:

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصُّفَّارِ، عَنْ سَلْمَةَ. وَ
حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ سَلْمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ
سَيْفٍ، عَنْ جَمِيلِ بْنِ دُرَّاجٍ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: قَالَ
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ فِي غَيْرِهِ».

ترجمه: حدیث پنجم

ترجمه:

محمد بن حسن، از سلمه و حکیم بن داود بن حکیم از سلمه بن خطاب، از
علی بن سیف از جمیل بن دراج نقل نموده که وی گفت:
شنیدم که حضرت ابا عبد الله ﷺ می فرمودند:
رسول خدا ﷺ فرمودند:

یک نماز در مسجد من مساوی با هزار نماز در غیر آن می باشد.

متن:

۶ - حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ سَلْمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ، عَنْ
مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ، عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى السَّابَّاطِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ «قَالَ:
سَأَلْتَهُ عَنِ الصَّلَاةِ فِي مَسْجِدِ الرَّسُولِ ﷺ هَلْ مِثْلُ الصَّلَاةِ فِي الْمَدِينَةِ؟

قال ﷺ لا لأن الصلاة في مسجد الرسول ﷺ بألف صلاة والصلاة بالمدينة مثل الصلاة في سائر الأمصار.

ترجمه: ﴿ حدیث ششم ﴾

حکیم بن داود بن حکیم، از سلمة بن خطاب، از مصدق بن صدقه، از عمار بن موسی سباطی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل نموده: وی می گوید: از خواندن نماز در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله سزاوارتر و عرضه داشتیم: آیا نماز در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله مساوی با نماز در مدینه می باشد؟ حضرت فرمودند:

خیر: زیرا نماز در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله معادل با هزار نماز بوده و نماز در مدینه مانند نماز در سائر شهرها است.

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

متن:

۷- حدیثی حکیم بن داود بن حکیم، عن سلمة، عن علی بن سیف، عن ابیه عن داود بن فرقد «قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: صلاة في مسجدی تعدل ألف صلاة في غيره».

ترجمه: ﴿ حدیث هفتم ﴾

حکیم بن داود از حکیم، از سلمه، از علی بن سیف، از پدرش، از داود بن فرقد، وی می گوید: از حضرت ابا عبدالله علیه السلام شنیدم که می فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

یک نماز در مسجد من مساوی با هزار نماز در غیر آن می باشد.

متن:

۸- و عنه، عن سلمة، عن إسماعيل بن جعفر، عن بعض أصحابه، عن مُرَازِمٍ، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: صلاةٌ في مسجد المدينة أفضل من ألف صلاةٍ في غيره من المساجد».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود از سلمه، از اسماعیل بن جعفر، از برخی اصحابش، از مرآزم، از حضرت اباعبدالله عليه السلام، حضرت فرمودند:
یک نماز در مسجد مدینه بالاتر از هزار نماز در سایر مساجد می باشد.



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی اسلامی

﴿ الباب الخامس ﴾
 ﴿ زيارة حمزة عم رسول الله ﷺ ﴾
 ﴿ وقبر الشهداء ﴾

متن:

١ - حدثني حكيم بن داود بن حكيم، عن سلمة بن الخطاب، عن عبد الله بن أحمد، عن بكر بن صالح، عن عمرو بن هشام - عن رجل من أصحابنا - عنهم عليهم السلام «قال: و يقول عند قبر حمزة: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ وَ خَيْرَ الشُّهَدَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَسَدَ اللَّهِ وَ أَسَدَ رَسُولِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَ نَصَحْتَ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ جَدْتَ بِنَفْسِكَ وَ طَلَبْتَ مَا عِنْدَ اللَّهِ، وَ رَغِبْتَ فِيهَا وَعَدَّ اللَّهُ».

ثم ادخل فصلًا و لا تستقبل القبر عند صلاتك، فإذا فرغت من صلاتك فانكب على القبر و قل:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي تَعَرَّضْتُ لِرَحْمَتِكَ بَلْزُوقِ بَقْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ لِتُجِيرَنِي مِنْ نِقْمَتِكَ وَ سَخَطِكَ وَ مَقْتِكَ وَ مِنَ الْأَزْلالِ فِي يَوْمِ تَكْثُرُ فِيهِ الْأَضْواءُ وَ الْمَعْرَاتُ، وَ تُشْتَفَلُ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا قَدَّمَتْ وَ تُجَادِلُ كُلُّ نَفْسٍ عَنْ نَفْسِهَا، فَإِنْ تَرَحَّمْنِي الْيَوْمَ فَلَا خَوْفَ عَلَيَّ وَ لَا حُزْنَ، وَ إِنْ تَعَايَبَ فَوَلَايَ لَهُ الْقُدْرَةُ عَلَى عَبْدِهِ، اللَّهُمَّ فَلَا تُحَيِّبْنِي الْيَوْمَ وَ لَا تُصْرِفْنِي بغيرِ حاجتي، فقد لَرِقْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ،

و تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَ رِجَاءِ رَحْمَتِكَ، فَتَقَبَّلْ مِنِّي، وَ عَذِّبْ بِحُلْمِكَ عَلَيَّ جَهْلِي، وَ بِزَأْفَتِكَ عَلَيَّ جِنَايَةَ نَفْسِي فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي، وَ مَا أَخَافُ أَنْ تَظْلِمَنِي وَ لَكِنْ أَخَافُ سُوءَ الْحِسَابِ، فَاظْطَرُّ الْيَوْمَ إِلَى تَقَلُّبِي عَلَى قَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، فَبِهِمْ فُكِّنْتُ وَ لَا تُخَيِّبْ سَعْيِي وَ لَا يَهُونْ عَلَيْكَ ابْتِهَالِي وَ لَا تَحْبِبْ مِنِّي صَوْتِي، وَ لَا تُقَلِّبْنِي بَعِيرَ حَوَائِجِي؛ يَا غِيَاثَ كُلِّ مَكْرُوبٍ وَ مَخْزُونٍ، يَا مُفْرَجَ عَنِ الْمَلْهُوفِ الْحَسِيرَانِ الْغَرِيبِ الْغَرِيقِ الْمَشْرِفِ عَلَى الْمَلَكَةِ، صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، وَ انْظُرْ إِلَى نَظْرَةٍ لَا أَشَقِي بَعْدَهَا أَبَدًا، وَ اِرْحَمْ تَضَرُّعِي وَ غُرْبَتِي وَ انْفِرَادِي، فَقَدْ رَجَوْتُ رِضَاكَ وَ تَحَرَّيْتُ الْخَيْرَ الَّذِي لَا يُعْطِيهِ أَحَدٌ سِوَاكَ، وَ لَا تُرَدُّ أَمَلِي».



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی
باب پنجم

﴿زیارت حضرت حمزه عموی گرامی رسول خدا ﷺ﴾

﴿و قبور شهداء﴾

﴿حدیث اول﴾

ترجمه:

حکیم بن داود بن حکیم از سلمه بن خطاب، از عبدالله بن احمد از بکر بن صالح، از عمرو بن هشام از شخصی از اصحاب ما از معصومین علیهم السلام، وی می‌گوید:

زائر نزد قبرد جناب حمزه بگوید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُّ رَسُولِ اللَّهِ وَ خَيْرِ الشَّهَدَاءِ: سَلَامٌ بِرِئَايِ عَمُوِي

رسول خدا و بهترین شهداء.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اسدَ اللَّهِ وَاسَدَ رَسولِهِ: سلام بر تو ای شیر خدا و شیر رسول خدا.

اشهد أنك قد جاهدت في الله حق جهاده: شهادت می‌دهم که تو در راه خدا آن طوری که باید جهاد کنی جهاد کردی.

و نصحت لله و لرسوله: و شهادت می‌دهم که برای خدا و رسول خدا به دیگران اندرز داده و نصیحت نمودی.

وجدت بنفسك و طلبت ما عند الله و رغبت في ما وعد الله: و نفست را ایثار کرده و رضای خدای را طلب نموده و در آنچه خدا وعده داده رغبت و میل نشان دادی.

سپس داخل شو و صلوات فرست ولی هنگام صلوات قبر را مقابل خود قرار مده و پس از فراغت از صلوات خود را روی قبر بپانداز و بگو:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ: خداوندا بر محمد و اهل بیتش رحمت فرست.

اللَّهُمَّ إِنِّي تَعَرَّضْتُ لِرَحْمَتِكَ بِلِزُوقِي بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ لِنَجِيرِنِي مِنْ نِعْمَتِكَ وَ سَخَطِكَ وَ مَقْتِكَ وَ مِنْ الْأَزْلالِ فِي يَوْمِ تَكْثُرُ فِيهِ الْأَصْوَاتُ وَ الْمَعْرَاتُ وَ تَشْتَغَلُ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا قَدَّمَتْ وَ تَجَادَلُ كُلُّ نَفْسٍ عَنْ نَفْسِهَا: خداوندا من با چسباندن خویش را به قبر عمی گرامی پیامبرت که رحمت تو بر او و بر اهل بیتش یاد خود را در معرض رحمت قرار داده تا زنده‌ام داده و بدین وسیله من را از عتاب و خشم و دشمنی خودت بر حذر داشته و در روزی که در آن فریادها بسیار و بدن‌های عریان بی‌شمار بوده و هرکس سرگرم اعمالی است که در دنیا مرتکب شده و جمله نفوس در مقام دفاع از خود هستند پناهم دهی.

فَإِنَّ تَرْحَمَنِي الْيَوْمَ فَلَا خَوْفَ عَلَيَّ وَلَا حُزْنَ: پس اگر در آن روز به من
ترحم فرمائی دیگر نه خوفی داشته و نه حزنی.

و ان تعاقب فولای له القدره علی عبده: و اگر من را عقاب و عذاب
کنی باکی نیست زیرا تو مولا و آقای من بوده و آقا بر عبد و بنده اش تسلط و
قدرت دارد.

اللَّهُمَّ فَلَا تَحْبِسْنِي الْيَوْمَ وَلَا تَصْرِفْنِي بغير حاجتی: خداوندا در این روز من را
نا امید نکرده و بدون حاجت روا شده بر مگردان.

فقد لزقت بقبر عمّ نبيك و تقرّيت به اليك ابتغاءً مرضاتك و رجاء
رحمتك: زیرا خود را به قبر عموی گرامی پیامبرت چسبانده و به واسطه اش به
تو تقرّب جسته و رضایتت را بدین وسیله طالب بوده و امید رحمتت را دارم.

فتقبل مني و عذّب بحلمك على جهلي و برأتك على جنایة نفسي فقد عظم
جرمي: پس از من بپذیر و حلمت را بر جهل و نادانی من و عظوفت و مهربانیت
را بر جنایتم مسلط و غالب گردان چه آنکه جرم و گناهم بسیار گشته است.

و ما اخاف ان تظلمني و لكن اخاف سوء يوم الحساب: و از اینکه به
من ظلم کنی هراسی ندارم - یعنی می دانم که ظلم نمی کنی - ولی از رشتی اعمالم
در روز حساب خائف و بیم ناکم.

فانظر اليوم تقلبي على قبر عمّ نبيك صلواتك على محمد و اهل بيته
فبهم فكنتي و لا تحبب سعي و لا يهوننّ عليك ابتهالی و لا تحجب منك
صوتي و لا تقلبني بغير حوائجی.

پس در امروز بنگر که من جا به جا شده و خود را بر سر قبر عموی پیامرت
رسانده ام درود و رحمتت بر حضرت محمد و اهل بیئت باد، پس به واسطه
ایشان من را آزاد نما و سعی و کوششم را ناکام مگذار و مبادا زاری من بر تو سهل

و آسان آید و صدایم را از خورد محجوب و نهان مدار و البته بدرن حاجت روا شده من را بر مگردان.

يا غياث كلِّ مَكْرُوبٍ وَ مَحْزُونٍ يا مُفْرِجَ عَنِ الْمَلْهُوفِ الحَبْران
الغريب الغريق المشرف عَلَى الهَلَكَةِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ
الطَّاهِرِينَ. ای پناه گاه هر اندوهگین و صاحب حزنی، ای بر طرف کننده اندوه
از غم زده ای که سرگردان و غریب و سوخته دل و نزدیک به هلاکت گشته، بر
حضرت محمد ﷺ و خاندان پاکیزه اش رحمت و درود بفرست.

و انظر اِلَى نَظْرَةِ لَأَشَقَّ بَعْدَهَا اِبْدَاءً: نظر نما به من نظری که بعد از آن هرگز
به شقاوت نگرایم.

و ارحم تضرّعی و غریبی و انفرادی فقد رجوت رضاك و تحرّیت
الخیر الذی لا یعطیه احدٌ مسواك و لا تَرُدُّ املی. به زاری و غربت و تنهایی
من رحم نما، همانا من به خشنودی تو از خویش امیدوار بوده و همواره آن
خیری را طالبم که کسی غیر از تو آن را اعطاء نمی نماید و از تو می خواهم که
آرزوی من را ناکام و نافرجام نگذاری.

متن:

و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّقَّارِ، عَنْ سَلْمَةَ

مثله.

متن:

و حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى وَ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ جَمِيعاً عَنْ سَلْمَةَ

مثله.

متن:

٢ - حدّثنى محمد بن الحسن بن أحمد، عن محمد بن الحسن الصفّار، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن عبد الله بن هلال، عن عُقْبَةَ، عن أبي عبد الله ﷺ - فى حديثٍ له طويل - «قال: إني آتى المساجد التى حول المدينة فبأيتها أبدء؟ فقال: ابدء بـ «قبا» فصلّ فيه و أكثر، فإنّه أول مسجد صلّى فيه رسول الله ﷺ فى هذه العرصة، ثمّ أتيت مشرّبة أمّ إبراهيم فصلّ فيها فإنّه مسكن رسول الله ﷺ و مُصَلّاه، ثمّ أتيت مسجد النضيق فصلّ فيه ركعتين فقد صلّى فيه نبيّك، فإذا قضيت هذا الجانب فأت جانباً أُحد فبدئت بالمسجد الذى دون الحرّة فصلّيت فيه، ثمّ مرّرت بقبر حمزة بن عبدالمطلب فسألت عليه، ثمّ مرّرت بقبور الشهداء فقمت عندهم فقلت: *مرّرت بقبر حمزة بن عبدالمطلب* «السّلام عليكم يا أهل الدّيار، أنتم لنا قرط و إنا بكم لاجقون».

ثمّ أتيت المسجد الذى فى المكان الواسع إلى جنب الجبل عن يمينك حتّى تدخل «أُحد» فتصلّى فيه، فعنده خرج النّبيّ ﷺ إلى أُحد حيث لقي المشركين فلم يبرحوا حتّى حضرت الصلاة فصلّيت فيه، ثمّ مرّراً أيضاً حتّى ترجع فصلّ عند قبور الشهداء ما كتب الله لك، ثمّ امض على وجهك حتّى أتيت مسجد الأحزاب فتصلّى فيه، فإنّ رسول الله ﷺ دعا فيه يوم الأحزاب و قال: «يا صريح المكوّبين، و يا مجيب دعوة المضطّرين، و يا غياث الملهوفين، اكشفت همّى و كرّبتى و غمّى فقد ترى حالى و حال أصحابى».

ترجمه:

محمد بن حسن از محمد بن حسن صفار از سلمه مثل حدیث اول را برایم نقل نموده.

ترجمه:

پدرم از محمد بن یحیی و احمد بن ادریس جعلگی از سلمه مثل حدیث اول را برایم نقل نمودند.

«حدیث دوم»

ترجمه:

محمد بن حسن بن احمد از محمد بن حسن صفار از محمد بن حسین، از محمد بن عبدالله بن هلال از عقبه از مولانا ابی عبدالله علیه السلام در حدیث طولانی فرمودند:

سپس به قبر حمزه بن عبدالمطلب گذر نما پس به آن جناب سلام نما و بعد از آن به قبور شهداء عبور نما پس نزد ثبور ایشان بایست و بگو:
 السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا اَهْلَ الدِّيَارِ انْتُمْ لَنَا فِرْطٌ وَاَنَا بِكُمْ لَاحِقُونَ: وَاَنَا بِكُمْ لَاحِقُونَ: سلام بر شما ای اهل دیار مردگان شما جلوتر از ما کوچ کرده و ما هم از دنبال به شما ملحق خواهیم شد.

سپس به مسجدی که در مکان وسیعی نزدیک کوه سمت راست قرار گرفته برو تا اینکه داخل أخذ شوی پس در آن نماز بگذار چه آنکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از همین مکان به احد تشریف بردند و آن در وقتی بود که با مشرکین مواجه شدند و آنها در آنجا بوده و از آن مکان دور نشدند تا زمانی که وقت نماز فرارسد و آن جناب نماز خواندند.

سپس از احد بگذر تا برگشته و مراجعت نمائی و وقتی نزدیک قبور شهداء رسیدی نمازی را که حق تعالی در وظیفه تو قرار داده بخوان سپس به راه مقابله

ادامه بده تا به مسجد احزاب برسی پس در آن جا نماز بگذارد چه آنکه رسول خدا ﷺ در روز احزاب در این مسجد دعاء خوانده و فرمودند:

یا صریخ المکروبین و یا مجیب دعوة المضطربین و یا غیاث الملهوفین اکشف همی و کرپی و غمی فقد تری حالی و حال اصحابی.

ای فریاد رس اندوهگینان و ای اجابت کننده دعای بیچارگان و ای پناه گاه غمگینان غصه و اندوه من را بر طزف کن زیرا حال من و حال یارانم را دیده و از آن مطلع می باشی.



﴿الباب السادس﴾

﴿فضل إتيان المشاهد بالمدينة و ثواب ذلك﴾

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

متن:

۱ - حدَّثني محمد بن الحسن بن علي بن مهزيار، عن أبيه، عن جدّه علي بن مهزيار، عن الحسن بن سعيد، عن صفوان بن يحيى؛ وابن أبي عمير؛ فضالة بن أيوب جميعاً، عن معاوية بن عمّار «قال: قال أبو عبد الله ﷺ: لا تدع إتيان المشاهد كلها و مسجد قبا؛ فإنه المسجد الذي أُنس على التَّقوى من أوّل يوم، و مَشْرَبَة أم إبراهيم، و مسجد الفَضِيح و قبور الشُّهداء و مسجد الأحزاب؛ و هو مسجد الفتح، و بلغني أنّ النبي ﷺ كان إذا أتى قبور الشُّهداء قال: «السَّلَامُ عليكم بما صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ».

ولیکن فیما تقول فی مسجد الفتح:

«یا صَرِيحَ المَكْرُوبِينَ، و یا مُجِيبَ دَعْوَةِ المُضْطَرِّينَ اِكْشِفْ عَنِّي عَمِّي وَ كَرْبِي وَ هَمِّي كَمَا كَشَفْتَ عَن نَبِيِّكَ هَمَّهُ وَ عَمَّهُ وَ كَرْبَهُ، وَ كَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ فِي هَذَا المَكَانِ.»

﴿باب ششم﴾

﴿فضیلت و ثواب زیارت مشاهد مشرفه در مدینه﴾

﴿حدیث اول﴾

ترجمه:

محمد بن حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش، از جدش علی بن مهزیار، از حسن بن سعید، از صفوان بن یحیی و ابن ابی عمیر و فضاله بن ابوب جمالی از معاویه بن عمار، وی می گویند:
امام صادق علیه السلام فرمودند:

مبادا زیارت مشاهد مشرفه و مسجد قبا را ترک کنی چه آنکه این مسجد همان مسجدی است که حق تعالی در قرآن فرموده:

المسجد ائس علی التقوی من اول یوم....

و نیز در این مسجد ما در، جده ابراهیم (مقصود ابراهیم فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله می باشد) مکان داشت و نیز به زیارت مسجد فضیخ و فبور شهداء و مسجد احزاب که همان مسجد فتح باشد مبادرت نما و شنیده ام که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هرگاه به فبور شهداء احد عبور می کردند می فرمودند:

السَّلَامُ عَلَیْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ: سلام بر شما براسطه صبر و تحملی که نمودید، پس خانه آخرت خوب خانه ای است.

سپس حضرت فرمودند:

شایسته است در ضمن دعاهائی که در مسجد فتح می خوانی بگوئی:

یا صَرِيحَ المَكْرُوبِينَ وَ یا مُجِيبَ دَعْوَةِ المُضْطَرِّينَ اِكْشِفْ عَنِّي عَمِّي وَ

كَرْبِي وَ هَمِّي كَمَا كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ ﷺ هَمَّهُ وَ غَمَّهُ وَ كَرْبَهُ وَ كَفَيْتَهُ هَوْلَ
عَدُوِّهِ فِي هَذَا الْمَكَانِ.

ای فریادرس اندوهگینان و ای اجابت کننده دعای بی چارگان غم و اندوه و
حزن من را بر طرف کن همان طوری که غم و اندوه و حزن را از پیامبرت ﷺ
بر طرف نمودی و او را از هول و وحشت دشمنش در این مکان کفایت فرمودی.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي بِهِ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ؛ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ جَمِيعاً، عَنْ عَلِيِّ بْنِ
إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، وَقَالَ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ: وَ
حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ، عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى؛
وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: - وَ ذَكَرَ
مِثْلَهُ.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۳ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ - رَحِمَهُمَا اللَّهُ -
- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَخِيهِ عَلِيِّ
بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنِ الْحَسَنِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَحْرٍ، عَنْ خَرِيْزٍ - عَمَّنْ أَخْبَرَهُ -
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ «قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَتَى مَسْجِدِي مَسْجِدًا.
قُبَا فَصَلَّى فِيهِ رَكْعَتَيْنِ رَجَعَ بِعُمْرَةٍ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن یعقوب و علی بن حسین جمعاً از علی بن ابراهیم بن هاشم از
پدرش، از ابن ابی عمیر، از محمد بن یعقوب این حدیث را برای من نقل

نموده‌اند.

و نیز محمد بن اسماعیل، از فضل بن شاذان، از صفوان بن یحیی، و ابن ابی عمیر از معاویه بن عمار نقل نموده که گفت:
 امام صادق علیه السلام فرمودند:
 و مثل حدیث گذشته را نقل کرده است.

ترجمه: ﴿ حدیث سوم ﴾

پدرم و محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری علیه الرحمه از عبدالله بن جعفر حمیری، از ابراهیم بن مهزیار از برادرش علی بن مهزیار، از حسن، از عبدالله بن یحیی از حریر از کسی که به وی خبر داده، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:



رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

کسی که به مسجد من یعنی مسجد قبا داخل شده و دو رکعت نماز در آن بخواند ثواب یک عمره برایش منظور می‌کنند.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي جَمَاعَةٌ مِنْ مَشَائِخِنَا، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَخِيهِ عَلِيٍّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنِ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى؛ وَابْنِ أَبِي عَمِيرٍ؛ وَفَضَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ جَمِيعاً، عَنْ مَعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لابن أبي يعفور: وَ لَا تَدْعُنَّ إِيَّانَ الْمَشَاهِدِ كُلِّهَا وَ مَسْجِدَ قُبَا، فَإِنَّهُ الْمَسْجِدُ الَّذِي أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ، وَ مَشْرَبَةَ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ، وَ مَسْجِدَ الْقَضِيخِ، وَ قُبُورَ الشُّهَدَاءِ، وَ مَسْجِدَ الْأَحْزَابِ - وَ هُوَ مَسْجِدُ الْفَتْحِ».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

جماعتی از مشایخ و اساتید ما از عبدالله بن جعفر حمیری، از ابراهیم بن مهزیار، از برادرش علی از حسن بن سعید، از صفوان بن یحیی و ابن ابی عمیر و فضالة بن ایوب جملگی از معاویة بن عمار نقل کرده که گفت:

حضرت ابو عبدالله رضی الله عنه به ابن ابی یغفور فرمودند:

زیارت مشاهد و مسجد قبا را البته ترک مکن زیرا مسجدی که حق تعالی در آیه شریفه:

لَمَسْجِدِ اسَّسَ عَلٰی التَّقْوٰی مِنْ اَوَّلِ یَوْمٍ، آورده همین مسجد قبا بوده مضافاً به اینکه این مسجد مأوی و غرفه ما در ما جدّه ابراهیم (فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله) بوده.

و نیز به زیارت مسجد فضیخ و قبر شهداء و مسجد احزاب که همان مسجد فتح است رفته و آنها را ترک مکن.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

متن:

۵- و روی عن بعضهم رضی الله عنهم «قال: إذا كان لك مقام بالمدينة ثلاثة أيام فأتِمَّ الصلاة، وكذلك أيضاً بمكة إن أقيمت ثلاثة أيام فأتِمَّ الصلاة، فإذا كان لك مقام بالمدينة ثلاثة أيام صمت ثلاثة أيام صمت يوم الأربعاء، و صلّ ليلة الأربعاء عند أسطوانة التوبة - وهي أسطوانة أبي لُبَابَةَ التي كان رَبَطَ إليها نفسه حتى نزل عُذْرُه من السماء - و تقعد عندها يوم الأربعاء، ثم تأتي ليلة الخميس التي تلاها مما يلي مقام النبي صلی الله علیه و آله فتقعد عندها ليلتك و يومك و تصوم يوم الخميس، ثم تأتي الأسطوانة التي تلي مقام النبي صلی الله علیه و آله ليلة الجمعة فتصلّ عندها ليلتك و يومك و تصوم فيه يوم

الجمعة، فإن استطعت أن لا تتكلم بشيء في هذه الثلاثة أيام فافعل إلا ما لا بد لك منه، ولا تخرج من المسجد إلا للحاجة ولا تنام في ليل ولا نهار فافعل، فإن ذلك مما يعد فيه الفضل، ثم أحمد الله في يوم الجمعة وأثن عليه وصل على النبي، و سأل حاجتك، وليكن فيما تقول:

«اللَّهُمَّ مَا كَانَتْ لِي إِلَيْكَ مِنْ حَاجَةٍ سَأَرَعْتُ أُنَا فِي طَلِبِهَا وَإِتْمَائِهَا أَوْ حَاجَةٍ لَمْ أَسْرِعْ، سَأَلْتُكَهَا أَوْ لَمْ أَسْأَلْكَهَا، فَبَانِي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِسَيِّدِكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِي صَغِيرِهَا وَكَبِيرِهَا».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

از برخی معصومین علیهم السلام منقول است که فرمودند:

هرگاه در مدینه طیبه سه روز اقامه نمودی نماز را تمام بخوان و همچنین است حکم مکه معظمه و نیز اگر در مدینه سه روز اقامه کردی هر سه روز را روزه بگیر و کیفیت آن چنین است.

سه روز را از چهارشنبه شروع کن منتهی شب چهارشنبه (یعنی شبی که فردای آن روز چهارشنبه است) نزدیک ستون توبه (و آن ستون ابی لبابه است که وی به منظور توبه از گناهی که کرده بود خود را به آن بست و به نضرع پرداخت تا جبرئیل امین به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد و خیر داد که حق تعالی توبه وی را پذیرفت) نماز بگذار و روز چهارشنبه نیز با حالت روزه نزدیک آن بنشین و پس از اتمام روز و فرارسیدن شب پنجشنبه (یعنی شبی که فردای آن روز پنجشنبه است) نزدیک ستون بعدی که پهلوی ستون ابی لبابه و در کنار مقام نبی اکرم صلی الله علیه و آله است برو و در آن شب و روز بعد آن (روز پنجشنبه) آنجا بنشین و روز پنجشنبه را روزه بگیر و آن را به اتمام برسان سپس شب جمعه (شبی که فردای آن روز جمعه می باشد) نزدیک ستونی که پهلوی مقام نبی اکرم صلی الله علیه و آله است برو و آن

شب و روز بعدش در آنجا نماز بخوان و روز جمعه را روزه بگیر و آن را به اتمام برسان.

قابل توجه است که اگر بتوانی در این سه روز سخن نگوئی، با کس سخن مگو مگر به مقدار ضرورت و نیز تا محتاج نشدی از مسجد خارج نشو و همچنین در شب و روز بخواب.

در روز جمعه خدا را حمد و ثناء گو و بر پیامبر اکرم ﷺ صلوات فرست و پس از آن حاجتت را از خدا بخواه و در بین دعاهائی که می‌کنی این دعاء را نیز بخوان:

اللَّهُمَّ مَا كَانَتْ لِي إِلَيْكَ مِنْ حَاجَةٍ سَأَرَعْتَ أُنَا فِي طَلِبِهَا وَ التَّمَسُّهَا أَوْ حَاجَةٍ لَمْ أَسْرِعْ سَأَلْتُكَهَا فَإِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ ﷺ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِي صَغِيرِهَا وَ كَبِيرِهَا.

خداوندا هر حاجتی که به تو داشته باشم در طلب و خواستش از تو سریعاً اقدام می‌کنم و اگر در سوال آن از تو تسریع نکنم به واسطه پیامبرت حضرت محمد ﷺ که پیامبر رحمت است بطرف تو متوجه شده و در بر آمدن حاجاتم چه حاجات کوچک و چه بزرگ آن حضرت را واسطه قرار می‌دهم.

مشن:

۶- حدیثی جماعه مشایخی، عن محمد بن یحیی، عن محمد بن الحسن الصَّقَّار، عن محمد بن عبد الله بن هلال، عن عُثْبَةَ بْنِ خَالِدٍ «قال: سألت ابا عبد الله ﷺ: إِنِّي آتِي الْمَسَاجِدَ الَّتِي حَوْلَ الْمَدِينَةِ فَبِأَيِّهَا أَبْدَأُ؟ قال:

ابدءُ بِقُبَا فَصَلِّ فِيهِ وَ أَكْثِرْ، فَإِنَّهُ أَوَّلُ مَسْجِدٍ صَلَّى فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي

هذه العرصة، ثم ائت مشربة ام إبراهيم فصل فيها فائه مسكن رسول الله ﷺ و مصلاه ثم تأتي مسجد الفضيخ فتصلي فيه ركعتين فقد صلى فيه نبئك، فاذا قضيت هذا الجانب فائت جانب أحد، فابدء بالمسجد الذي دون الحرة فصليت فيه ثم مررت بقبر حمزة، والحديث طويل.

ترجمه: ﴿حدیث ششم﴾

گروهی از مشایخ و اساتید من از محمد بن یحیی و او نیز از محمد بن حسن صفار، از محمد بن عبدالله بن هلال و او نیز از عقبه بن خالد نقل کرده که وی گفت:

از حضرت ابا عبدالله علیه السلام پرسیدم: من به مساجدی که اطراف مدینه است می روم به کدام یک از آنها آغاز کنم؟ حضرت فرمودند:

ابتداء به مسجد قبا برو پس در صحن آن بسیار نماز بخوان چه آنکه قبا اول مسجدی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در آن نماز گذاردند.

پس به عرفه مادر ابراهیم برو و در آن نماز بخوان زیرا این مکان مسکن رسول خدا صلی الله علیه و آله و جای نماز آن حضرت بوده.

پس از آن به مسجد فضیخ برو و در آن دو رکعت نماز بخوان زیرا پیغمبر شما در آن نماز خوانده و وقتی تکالیف این طرف را اداء کردی به طرف أحد برو و پس ابتداء در مسجدی که در جنب حزه است نماز بخوان پس بر سر قبر حضرت حمزه برو... و این حدیث طولانی است و دنباله دارد.

﴿ الباب السابع ﴾
﴿ وداع قبر رسول الله ﷺ ﴾

متن:

۱ - حدَّثني محمد بن الحسن بن علي بن مهزيار، عن أبيه، عن جده علي، عن الحسن بن سعيد، عن صفوان بن يحيى؛ وابن أبي عمير؛ وفضالة، عن معاوية بن عمار «قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: إذا أردت أن تخرج من المدينة فاغتسل ثم ائت قبر النبي صلى الله عليه وآله بعد ما تفرغ من حوائجك فردِّعه واصنع مثل ما صنعت عند دخولك وقل: «اللهم لا تجعله آخر العهد من ربارقي قبر نبيك، فإن توفيتني قبل ذلك فاني أشهد في نجاتي على ما أشهد عليه في حياتي أن لا إله إلا أنت وأن محمداً عبدك ورسولك»».

﴿ باب هفتم ﴾
﴿ وداع قبر رسول خدا ﷺ ﴾

﴿ حديث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش، از جدش علی، از حسن بن سعید، از صفوان بن یحیی و ابن ابی عمیر و فضاله از معاویه بن عمار نقل کرده، که وی گفت:

حضرت ابو عبدالله عليه السلام فرمودند:

بعد از آنکه از حوائج و خواسته‌های خود فارغ شوی و قصد نمودی از مدینه

خارج شوی ابتداء غسل کن و بعد نزد قبر رسول خدا ﷺ برو و با قبر وداع کن و آنچه هنگام داخل شدن به روضه مطهره انجام دادی اکنون نیز به جای آور و بگو:

اللهم لا تجعله آخر العهد من زیارتی قبر نبيك ﷺ؛ خداوندا زیارتی که من قبر پیغمبرت را نمودم آخرین زیارت من قرار مده.

فان توفيتني قبل ذلك فاني اشهد في مماتي على ما اشهد عليه في حيوتني ان لا اله الا انت و ان محمداً عبدك و رسولك پس اگر من را قبل از زیارت دیگر می‌راندی بطور قطع و حتم در حال مرگم به آنچه در هنگام حیات و زنده بودنم شهادت می‌دادم؛ شهادت می‌دهم و آن اینست که می‌گویم:

نیست معبودی مگر تو و شهادت می‌دهم که حضرت محمد ﷺ بنده و فرستاده تو می‌باشد.



مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

متن:

۲- حدیثی جماعه مشایخی، عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن الحسن بن فضال، عن یونس بن یعقوب «قال: سألت ابا عبدالله ﷺ عن وداع قبر رسول الله ﷺ، فقال: تقول: «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ، لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ»».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

گروهی از مشایخ و اساتید من از سعد بن عبدالله و او از احمد بن محمد بن عیسی و او از حسن بن فضال و او از یونس بن یعقوب نقل کرده که گفت:

از حضرت ابا عبدالله ﷺ راجع به الفاظ وداع قبر رسول خدا ﷺ سؤال کردم:

حضرت فرمودند:

بگو: صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ: درود و رحمت فرستد حقتعالی بر تو.

السَّلَام عَلَيْكَ: سلام و تهنیت بر تو باد.

لا تجعله الله آخر تسليمي عليك: خداوند متعال این سلام را آخرین سلام

من بر تو قرار ندهد.

متن:

۳ - و باسناده، عن الحسن بن علي بن فضال «قال: رأيت أبا الحسن
 ﷺ - وهو يريد أن يردع للخروج إلى العُفرة - فأتى القبر من موضع
 رأس رسول الله ﷺ بعد المغرب فسلم على النبي ﷺ و لُزِقَ بالقبر. ثم أتى
 المنبر ثم انصرف حتى القبر فقام إلى جانبه فصلى و ألزق منكبه الأيسر
 بالقبر قريباً من الأسطوانة - التي دون الأسطوانة المخلفة عند رأس النبي
 ﷺ - فصلّى ستّ ركعات، أو ثمان ركعات في نعليه، قال: فكان مقدار
 ركوعه و سجوده ثلاث تسيّحات أو أكثر، فلما فرغ من ذلك سجّد
 سجدةً أطال فيها السجود حتى بلّ عرقه الحصى، قال: و ذكر بعض
 أصحابنا أنه رأى ألقى خذّه بأرض المسجد».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

سعد بن عبدالله باسنادش از حسن بن علی بن فضال نقل کرده، که وی گفت:
 حضرت ابوالحسن ﷺ را دیدم که قصد وداع قبر رسول خدا ﷺ را داشته و
 می خواستند که از آنجا به عمره بروند، حضرت ﷺ بعد از مغرب به طرف قبر
 مطهر تشریف برده و نزدیک سر مبارک رسول خدا ﷺ ایستاده، ابتداء بر پیامبر

اکرم ﷺ سلام نموده و سپس به قبر چسبیدند و بعد از آن به طرف منبر رفتند و سپس برگشته تا به قبر رسیدند و در کنار آن ایستاده و شانه چپ را به قبر چسبانده و در حالی که نزدیک ستونی که در جنب ستون حلقه دار واقع در نزدیکی سر مبارک می باشد ایستادند و نعلین های عربی به پای مبارکشان بود شش یا هشت رکعت نماز خواندند.

راوی می گوید:

مقدار رکوع و سجود آن حضرت به قدر گفتن سه تسبیح یا بیشتر بود و وقتی از نمازها فارغ شدند به سجده رفته و آن قدر سجده را طول دادند تا ریگ ها از عرق بدن آن حضرت مرطوبی شدند.

راوی می گوید:

بعضی از اصحاب گفته اند: که آن حضرت را دیده که صورت مبارکشان روی زمین مسجد نهاده بودند.

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

﴿الباب الثامن﴾

﴿فضل الصلاة في مسجد الكوفة و مسجد سهله و ثواب ذلك﴾

متن:

۱ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مَتَّى الْجَوْهَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَدِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ، عَنْ عَمْرِو بْنِ خَالِدٍ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ «أَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليه السلام أَقَى مَسْجِدَ الْكُوفَةِ عَمْدًا مِنَ الْمَدِينَةِ فَصَلَّى فِيهِ رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ جَاءَ حَتَّى رَكِبَ رَاحِلَتَهُ وَأَخَذَ الطَّرِيقَ».

﴿باب هشتم﴾

﴿فضیلت نماز خواندن در مسجد کوفه و مسجد سهله و ثواب آن﴾

﴿حدیث اول﴾

ترجمه:

محمد بن حسین بن متی جوهری از محمد بن احمد بن یحیی بن عمران، از احمد بن حسن، از محمد بن حسین از علی بن حدید از محمد بن سنان، از عمرو بن خالد، از ابو حمزه ثمالی نقل کرده که گفت:
حضرت علی بن الحسین علیه السلام با قصد و نیت از مدینه خارج شده و به مسجد کوفه داخل شدند پس در آن دو رکعت نماز خوانده سپس از مسجد بیرون رفته تا بر مرکب خود سوار شده و طی طریق فرمودند.

متن:

۲ - حدیثی اَبی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن اسماعیل بن بزيع، عن منصور بن یونس، عن سليمان مولى طربال؛ و غيره «قال: قال أبو عبدالله عليه السلام: نفقة درهم بالكوفة تحسب بمائة [درهم] و ركعتان تحسب بمائة ركعة».

ترجمه: ﴿ حدیث دوم ﴾

پدرم رحمه الله عليه، از سعد بن عبدالله و او از محمد بن حسين و او از محمد بن اسماعیل بن بزيع و او از منصور بن یونس و او از سليمان بن مولى طربال و غير او نقل کرده که گفت حضرت ابو عبدالله عليه السلام فرمودند: نفقة درهم يك درهم در كوفه خرج نمودن معادل با دويست ^(۱) درهم در غير آن برده و دو ركعت نماز در آن مساوی با صد ركعت نماز در غير آن می باشد.

متن:

۳ - حدیثی محمد بن الحسن بن الوليد، عن محمد بن الحسن الصفار، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن علی بن فضال، عن إبراهيم بن محمد، عن الفضل بن زكريا، عن نجم بن حُطيم، عن أبي جعفر عليه السلام «قال: لو يعلم الناس ما في مسجد الكوفة لأعدوا له الزاد و الرّاحلة من

۱ - در نسخهای دیگر (صد) ثبت شده است.

مکان بعید، و قال: صلاة فريضة فيه تعدل حجة، و نافلة فيه تعدل عمرة».

ترجمه: ﴿ حدیث سوم ﴾

محمد بن حسن صفار از احمد بن محمد بن حسن بن علی بن فضال از ابراهیم بن محمد، از فضل بن زکریا از نجم بن حطیم از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

اگر مردم به فضیلتی که در مسجد کوفه است واقف بودند از راه دور توشه برداشته و بر مرکب سوار شده و به آنجا می رفتند و سپس فرمودند:

یک فريضة در آن به جا آوردن مساوی با یک حج بوده و یک نافلة در آن خواندن معادل با یک عمره می باشد



مرکز تحقیقات و نشر اسلامی

متن:

۴ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ - عَمَّنْ حَدَّثَهُ - عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ، عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام «قال: صلاة في مسجد الكوفة؛ الفريضة تعدل حجة مقبولة، و التطوع فيه تعدل عمرة مقبولة».

ترجمه: ﴿ حدیث چهارم ﴾

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش از کسی که برای او حدیث را نقل نموده از عبدالرحمن بن ابی هاشم، از داود ابن فرقد، از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

یک نماز واجب در مسجد کوفه معادل با یک حج مقبول بوده و یک نماز مستحبی در آن برابر با یک عمره قبول شده می باشد.

متن:

۵ - حدیثی الحسن بن عبدالله بن محمد، عن أبیه، عن الحسن بن محبوب، عن عبدالله بن جبلة، عن سلام بن أبي عمرة، عن سعد بن طریف، عن الأصبع بن نباتة، عن علیؑ «قال: التَّافِلَةُ فِي هَذَا الْمَسْجِدِ تَعْدِلُ عُمْرَةَ مَعَ النَّبِيِّ ﷺ، وَ الْفَرِيضَةُ فِيهِ تَعْدِلُ حَجَّةَ مَعَ النَّبِيِّ ﷺ، وَ قَدْ صَلَّى فِيهِ أَلْفَ نَبِيٍّ وَ أَلْفَ وَصِيٍّ».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد از پدرش، از حسن بن محبوب، از عبدالله بن جبلة، از سلام بن ابی عمره، از سعد بن طریف، از اصبع بن نباته از مولانا علیؑ نقل نموده که حضرت فرمودند: نماز نافله در این مسجد معادل با انجام سوره در معیت رسول خدا ﷺ بوده و نماز واجب در آن مساوی با انجام حج با رسول خدا ﷺ می باشد، در این مسجد مزار پیغمبر و هزار وصی پیامبر نماز خوانده اند.

متن:

۶ - حدیثی محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصَّقَّارِ، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن عمرو بن عثمان - عَمَّنْ حَدَّثَهُ - عن هارون بن خارجة «قال: قال أبو عبداللهؑ: أَتَصَلَّى الصَّلَاةَ كُلَّهَا فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ، قُلْتُ: لَا، قَالَ: أَمَا لَوْ كُنْتُ بِحَضْرَتِهِ لَرَجَوْتُ أَنْ لَا تَقُوتَنِي فِيهِ صَلَاةٌ، قَالَ: وَ تَدْرِي مَا فَضْلُهُ؟ قُلْتُ: لَا، قَالَ: مَا مِنْ عَبْدٍ صَالِحٍ وَ لَا نَبِيٍّ إِلَّا وَ قَدْ صَلَّى فِي مَسْجِدِ الْكُوفَانِ حَتَّى أَنْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ لَمَّا أُسْرِيَ بِهِ قَالَ

له جبرئیل علیه السلام: أتدری أين أنت الساعة يا محمد؟ قال: لا، قال: أنت مقابل مسجد كوفان، فقال: أستاذن ربك حتى أهبط فأصلي فيه، فاستأذن فأذن له فهبط فصلى فيه ركعتين، وإن الصلاة المكتوبة فيه تعدل بألف صلاة، وإن التافلة فيه تعدل بخمس مائة صلاة، وإن مقدمة لروضة من رياض الجنة، وإن ميمته روضة من رياض الجنة، وإن مسيرته روضة من رياض الجنة، وإن مؤخره روضة من رياض الجنة، وإن الجلوس فيه بغير صلاة ولا ذكر لعبادة، ولو علم الناس ما فيه لأتوه ولو حثوا».

« حدیث ششم »

ترجمه:

محمد بن حسن از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از عمرو بن عثمان از کسی که برای او حدیث را نقل نموده از هارون بن خارجه، وی می گوید:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

آیا تمام نمازهایت را در مسجد کوفه می خوانی؟

عرض کردم: خیر

حضرت فرمودند:

من اگر در آنجا حاضر باشم امیدوارم که هیچ نمازی از من در آن مسجد فوت

نشود و سپس فرمودند:

آیا فضیلت نماز در این مسجد را می دانی

عرض کردم: خیر.

حضرت فرمودند:

هیچ بنده صالح و پیامبری نبوده مگر آنکه در مسجد کوفه نماز گذارده است

حتی رسول خدا ﷺ و قتی به معراج رفتند جبرئیل علیه السلام به ایشان عرض نمود:
آیا نمی‌دانی در این ساعت به کجا آمده‌ای؟

حضرت فرمودند: خیر

عرضه داشت: شما در مقابل مسجد کوفه قرار گرفته‌اید.

حضرت فرمودند: از پروردگارت اذن بگیر تا به آن فرود آمده و در آن نماز
بگذارم. پس جبرئیل از حق تعالی استیذان نمود و حق تعالی هم به او اذن داد.
پس پیامبر اکرم ﷺ به مسجد فرود آمده و در آن دو رکعت نماز خواندند.
باید توجه داشت که یک نماز واجب در آن معادل با هزار نماز در جاهای
دیگر است و یک نماز نافله در آن مساوی با پانصد نمازی است که در اماکن
دیگر خوانده شود.

قبله این مسجد بستانی است از بستین بهشت و نیز قسمت راست آن بستان
دیگری است از بستین بهشت چنانچه طرف چپ آن نیز بستان دیگری
محسوب می‌شود از بستین بهشت نشستن در این مسجد بدون اینکه نماز
بنخوانند یا ذکر می‌گویند عبادت می‌باشد و اگر مردم فضیلتی را که در این مسجد
است می‌دانستند مسلماً به آن حاضر گشته اگرچه به روش اطفال روی دست و
شکم راه رفته و خود را روی زمین بکشند.

متن:

۷- حدیثی محمد بن الحسن بن علی بن مهزیار، عن أبیه، عن جدّه
علی بن مهزیار، عن الحسن بن سعید، عن ظریف بن ناصح، عن خالد
القلانسی «قال: سمعت أبا عبد الله ﷺ يقول: صلاةٌ في مسجد الكوفة ألف
صلاة».

ترجمه:

﴿ حدیث هفتم ﴾

محمّد بن الحسن بن علی بن مهزیار از پدرش، از جدّش علی بن مهزیار از حسن بن سعید، از ظریف بن ناصح، از خالد فلانسی، وی می‌گوید:
از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمودند:
یک نماز در مسجد کوفه معادل است با هزار نماز.

متن

۸- و بهذا الإسناد، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: مكّة حرم الله و حرم رسوله و حرم عليّ، الصّلاة فيها بمائة ألف صلاة، والدّرهم فيها بمائة ألف درهم، و المدينة حرم الله و حرم رسوله عليه السلام و حرم عليّ أميرالمؤمنين عليه السلام، الصّلاة فيها في مسجدها بعشرة آلاف صلاة، والدّرهم فيها بعشرة آلاف درهم، و الكوفة حرم الله و حرم رسوله و حرم أميرالمؤمنين عليّ - صلوات الله عليها - الصّلاة في مسجدها بألف صلاة».

ترجمه:

﴿ حدیث هشتم ﴾

با همین اسنادی که گذشت از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:
مکّه حرم خدا و رسول او و مولانا علی بن ابی طالب علیه السلام می‌باشد، یک نماز در آن معادل با صد هزار نماز بوده و یک درهم در آن اتفاق کردن برابر با صد هزار درهم می‌باشد.

و مدینه منوره حرم خدا و رسولش صلی الله علیه و آله و حرم امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌باشد یک نماز در مسجد آن معادل با ده هزار نماز بوده و یک درهم اتفاق

کردن در آن برابر با ده هزار درهم می باشد.
و کوفه حرم خدا و رسولش ﷺ و حرم امیرالمؤمنین علی ﷺ می باشد، یک
نماز در مسجد آن معادل با هزار نماز می باشد.

متن:

۹ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مَتِّ الْجَوْهَرِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ
بْنِ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ - عَنِ
بَعْضِ أَصْحَابِنَا - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ «قَالَ: حَدُّ مَسْجِدِ السَّهْلَةِ الرَّوْحَاءِ».

ترجمه:

﴿ حدیث نهم ﴾

محمد بن الحسین بن مت الجوهری، از محمد بن احمد بن یحیی، از احمد
بن محمد، از ابی محمد، از علی بن اسباط، از برخی اصحابمان، از مولانا ابی
عبدالله ﷺ فرمودند:

حد مسجد سهله روجاء^(۱) می باشد.

متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
الْحُسَيْنِ الصَّقَّارِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ مِثْلَهُ.

۱ - نام مکانی است که در چهل میلی مدینه واقع است و برخی گفته اند در مسو شلی

میلی این شهر قرار گرفته.

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمہ:

محمد بن حسن بن احمد بن ولید، از محمد بن حسن صفار، از محمد بن حسین، از علی بن اسباط مثل روایت سابق را نقل کرده است.

متن:

۱۱ - حَدَّثَنِي أَخِي عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قَوْلُوْبِهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ، عَنْ
عمران بن موسى، عن الحسن بن موسى الخشاب، عن علي بن حسان، عن
عمه عبدالرحمن بن كثير، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: سمعته يقول لأبي
حمزة الثمالي: يا أبا حمزة هل شهدت عُمِّي ليلة خرج؟ قال: نعم. قال: فهل
صَلَّيْتُ فِي مَسْجِدِ سُهَيْلٍ؟ قال: و أَيْنَ مَسْجِدِ سُهَيْلٍ؛ لَعَلَّكَ تَعْنِي مَسْجِدَ
السَّهْلَةِ؟ قال: نعم. قال: أما إِنَّهُ لَرُصِّلَ فِيهِ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ اسْتَجَارَ اللَّهُ
لَأَجَارِهِ سَنَةً، فَقَالَ لَهُ أَبُو حَمْزَةَ: بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي هَذَا مَسْجِدُ السَّهْلَةِ؟ قال:
نعم، فيه بيت إبراهيم الذي كان يخرج منه إلى العمالقة؛ وفيه بيت
إدريس الذي كان يخيط فيه، وفيه مناخ الزاكب، وفيه صخرة
خضراء؛ فيها صورة جميع النبيين، وتحت الصخرة الطينة التي خلق الله
عز وجل منها النبيين، وفيها المعراج، وهو الفاروق الأعظم موضع منه،
وهو تمر الناس، وهو من كوفان، وفيه يُنْفَخُ فِي الصُّورِ، وَإِلَيْهِ الْمُحْشَرُ،
يَحْشَرُ مِنْ جَانِبِهِ سَبْعُونَ أَلْفًا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ، أَوْلَئِكَ الَّذِينَ
أَفْلَحَ اللَّهُ حُجْجَهُمْ، وَضَاعَفَ نِعْمَتَهُمْ، فَانْتَبِهُوا الْمُسْتَبِقُونَ الْفَائِزُونَ
الْقَانِتُونَ يَحْبُونَهُ أَنْ يَدْرُؤُوا عَنْ أَنْفُسِهِمُ الْمَفْخَرِ وَيَجْلُونَ بِعَدْلِ اللَّهِ عَنِ
لِقَائِهِ، وَأَسْرَعُوا فِي الطَّاعَةِ فَعَمَلُوا وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ.

ليس عليهم حساب ولا عذاب، يُذْهِبُ الضُّعْفُ يُطَهِّرُ الْمُؤْمِنِينَ، وَ مِنْ
وَسَطِهِ سَارَ جَبَلُ الْأَهْوَازِ وَقَدْ أَتَى عَلَيْهِ زَمَانٌ وَهُوَ مَعْمُورٌ».

ترجمه: ﴿حدیث یازدهم﴾

برادر علی بن محمد بن قولویه، از احمد بن ادريس بن احمد، از عمران بن
موسی، از حسن بن موسی الخشاب از علی بن حسان، از عمویش عبدالرحمن
بن کثیر، از ابی عبدالله علیه السلام، وی می گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که به ابی حمزه
ثمالی می فرمودند:

ای ابا حمزه آیا شاهد بودی عمویم شب خارج گردید؟

ابو حمزه گفت: بلی.

حضرت فرمودند:

آیا وی در مسجد سهیل نماز گذارد؟

ابو حمزه گفت: مسجد سهیل کجا است؟ شاهد مقصود تان مسجد سهله

است حضرت فرمودند.

بلی، سپس فرمودند:

حقاً اگر وی (یعنی عموی امام صادق علیه السلام که زید بن علی بن الحسین علیه السلام

باشد) در آن مسجد دو رکعت نماز می خراند سپس از خداوند پناه می خواست

حقتعالی او را برای یک سال پناه می داد.

ابو حمزه محضر مبارکش عرض کرد:

پدر و مادرم فدایت شوند، این مسجدی که توصیفاتش را بیان فرمودید آیا

مسجد سهله است؟ حضرت فرمودند:

بلی، در آن مسکن و منزل جناب ابراهیم علیه السلام بوده که از آن بطرف عمالقه

می رفت و ایشان را ارشاد می فرمود و نیز در آن منزل ادريس علیه السلام است که در آن

به خیاطت و دوزندگی اشتغال داشت و همچنین در آن استراحت گاه سواران و سنگ سبزی که در آن صورت و شمایل انبیاء نقش بسته شده می باشد و در زیر این سنگ گلی هست که خداوند عزوجل انبیاء را از آن آفریده و از این مکان و بمنزل معراج صورت گرفته و آن مکان به فاروق اعظم نامیده شده و آن محل عبور و مرور مردم به طرف محشر بوده و از کوفه محسوب می شود و دمیدن در صور در همین مکان واقع می شود و از همین مکان به محشر راه پیدا شده و هفتاد هزار نفر محشر گشته و از همین مکان به طرف بهشت بدون حساب رهسپار گردیده و داخل آن می شوند، ایشان کسانی هستند که ختعالی آنها را رستگار نموده و نعمتهایش برایشان را مضاعف کرده است، ایشان در ورود به بهشت بر یکدیگر سبقت و پیشی می گیرند، رستگاران و امیدواران به رحمت حق بوده، دوست دارند فخر و کبر را از خود دور کنند، ایشان کسانی هستند که عدل حق تعالی آن ها را از ملاقات پروردگارشان ترسان و خائف نموده، دیگر از اوصاف ایشان آن است که در طاعت و فرمان برادری حق شتاب نموده و طریق عمل را پیش گرفته و می دانند که خداوند متعال به آنچه انجام می دهند بصیر و آگاه است، حسابی برایشان نبوده چنانچه عذاب و مؤاخذه ای متوجه ایشان نمی باشد.

این مکان کینه را از دل ها برده و مؤمنین را از هرگونه آلودگی پاک می نماید، و از وسط آن کوه اهواز (در برخی نسخ «اهوان» ضبط شده) رد شده و روزگاری بر آن گذشته که در طی آن این مکان معمور و آباد بوده است.

مترجم گوید:

همان طوری که مرجوم علامه مجلسی عطرالله مرقدہ در بحار فرموده الفاظ

این حدیث از غلط و سقم خالی نمی باشد.

متن:

۱۲ - حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدَ بْنَ أَحْمَدَ الرَّازِيِّ الْجَامُورَانِيِّ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنْ أَبِيهِ سَيْفِ، عَنْ أَبِي بَكْرِ الْحَضْرَمِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ؛ أَوْ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام «قال: قلت له: أَيُّ بَقَاعِ الْأَرْضِ أَفْضَلُ بَعْدَ حَرَمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَحَرَمِ رَسُولِهِ صلى الله عليه وآله؟ فقال: الكوفة؛ يا أبا بكر هي الزُّكْبَةُ الطَّاهِرَةُ؛ فيها قبور النَّبِيِّينَ الْمُرْسَلِينَ، وَقبور غير المرسلين والأوصياء الصادقين، وفيها مسجد سهيل الَّذِي لم يبعث اللهُ نبيًّا إِلَّا وَقَدْ صَلَّى فِيهِ، وَمِنْهَا يُظْهَرُ عَدْلُ اللَّهِ، وَفِيهَا يَكُونُ قَائِمُهُ وَالقَوَامُ مِنْ بَعْدِهِ، وَهِيَ مَنَازِلُ النَّبِيِّينَ وَالْأَوْصِيَاءِ وَالصَّالِحِينَ».

«حدیث دوازدهم»

ترجمه:

پدرم از سعد بن عبدالله و او از ابی عبدالله محمد بن ابی عبدالله رازی جامورانی و او از حسین بن سیف بن عمیره و او از پدرش سیف و او از ابی بکر حضرمی و او از حضرت ابی عبدالله علیه السلام یا ابو جعفر علیه السلام نقل نموده، می گوید:

محضر مبارکش عرضه داشتیم: بعد از حرم خداوند عزوجل و حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله چه مکانی از زمین از امکانه دیگر برتر و اشرف می باشد؟

حضرت فرمودند:

ای ابوبکر، آن زمین کوفه می باشد، این زمین پاک و پاکیزه بوده و در آن قبور انبیاء مرسل و غیر مرسل و اوصیاء انبیاء بوده و در آن مسجد سهیل قرار دارد، از خصوصیات این مسجد آن است که حتی تعالی هیچ پندمیری را مبعوث نفرموده مگر آنکه وی در آن نماز خوانده است و نیز از آن عدل الهی ظاهر و آشکار می گردد و در آن قائم حق تعالی قیام نموده و پس از آن عدالت را برپای می فرماید، در این زمین منازل انبیاء و اوصیاء صالح می باشد.

متن:

۱۳ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ،
عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ حَنَّانِ بْنِ سَدِيرٍ «قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام
فَدَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ فَسَلَّمَ وَجَلَسَ، فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: مَنْ أَيْ الْبِلَادِ
أَنْتَ؟ فَقَالَ الرَّجُلُ: أَنَا مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ وَ أَنَا لَكَ مَحَبٌّ مَوَالٍ، قَالَ: فَقَالَ
لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: أَتَصَلِّي فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ كُلِّ صَلَاتِكَ؟ قَالَ الرَّجُلُ: لَا،
فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: إِنَّكَ لِمَحْرُومٌ مِنَ الْخَيْرِ، قَالَ: ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:
أَتَغْتَسِلُ كُلَّ يَوْمٍ مِنْ قُرَاتِكُمْ مَرَّةً؟ قَالَ: لَا، قَالَ: فَنِي كُلِّ جُمُعَةٍ؟ فَقَالَ: لَا،
قَالَ: فَنِي كُلِّ شَهْرٍ؟ قَالَ: لَا، قَالَ: فَنِي كُلِّ سَنَةٍ؟ قَالَ: لَا، فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:
إِنَّكَ لِمَحْرُومٌ مِنَ الْخَيْرِ، قَالَ: ثُمَّ قَالَ: أَتَزُورُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فِي كُلِّ
جُمُعَةٍ؟ قَالَ: لَا، قَالَ: فَنِي كُلِّ شَهْرٍ؟ قَالَ: لَا، قَالَ: فَنِي كُلِّ سَنَةٍ؟ قَالَ: لَا، فَقَالَ
أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: إِنَّكَ لِمَحْرُومٌ مِنَ الْخَيْرِ».

﴿ حدیث سیزدهم ﴾

ترجمہ:

محمد حسن بن علی بن مہزیار، از پدرش، از جدش، از حسن بن محبوب،
از حنان بن سدير نقل نموده، وی می گوید:
محضر مبارک حضرت ابی جعفر عليه السلام بودم که شخصی داخل شد و به آن
جناب سلام نمود و نشست حضرت به او فرمودند:
از کدام دیار هستی؟
عرض کرد: از اهل کوفه بوده و دوست دار شما می باشم.
راوی می گوید: حضرت به او فرمود:
آیا تمام نمازهایت را در مسجد کوفه می خوانی؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

حقاً که از خیر محروم هستی، سپس فرمودند:

آیا هر روز یک مرتبه از فرات غسل می‌کنی.

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

آیا در هر جمعه چه طور؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند: در هر ماه چطور، عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند: در هر سال چه طور؟

عرض کرد: خیر

حضرت فرمودند: در هر ماه چطور؟

عرض کرد: خیر

حضرت فرمودند:

حقاً که از خیر محروم می‌باشی.

راوی می‌گوید: حضرت سپس به او فرمود:

آیا قبر حضرت امام حسین علیه السلام را در هر جمعه زیارت می‌نمائی؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

در هر ماه چه طور؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

در هر سال چه طور؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

حقاً که از خیر محروم می‌باشی.

متن:

۱۴ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَجْرُبٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ، عَنْ أَبِي عَيْبَةَ الْحَدَّاءِ «قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: لَا تَدْعُ يَا أَبَا عَيْبَةَ الصَّلَاةَ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَلَوْ أَتَيْتَهُ حَبْرًا، فَإِنَّ الصَّلَاةَ فِيهِ بِسَبْعِينَ صَلَاةً فِي غَيْرِهِ مِنَ الْمَسَاجِدِ».

﴿ حدیث چهاردهم ﴾

ترجمه:

محمد بن حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش، از جفش علی بن مهزیار، از حسن بن مجرب، از علی بن رثاب از ابی عیبده حدّاء، وی می‌گوید:
حضرت ابو جعفر علیه السلام فرمودند:

ای ابو عیبده نماز در مسجد کوفه را ترک مکن و حتماً به آن مسجد برو و در آن اداء نماز کن اگر چه به روش اطفال روی دست و شکم حرکت کرده و خود را روی زمین بکشی چه آنکه یک نماز در آن معادل و مساوی با هفتاد نماز در مساجد دیگری می‌باشد.

متن:

۱۵ - حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيُّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ

محمد بن سنان «قال: سمعت الرضا عليه السلام يقول: الصلاة في مسجد الكوفة فرادى أفضل من سبعين صلاة في غيره جماعة».

ترجمه: ﴿ حدیث پانزدهم ﴾

ابو عبدالرحمن محمد بن احمد بن حسين عسكري از حسن بن علي بن مهزيار، از پدرش، از حسن بن سعيد، از محمد بن سنان نقل کرده که وی گفت: از حضرت رضا عليه السلام شنیدم که می فرمودند: یک نماز فرادی در مسجد کوفه خواندن برتر و بافضیلت تر از هفتاد نماز بطور جماعت خواندن در غیر آن می باشد.



متن:

۱۶ - و عنه، عن الحسن بن علي عن أبيه علي بن مهزيار، عن أبيه، عن الحسن بن سعيد، عن ظريف بن ناصح، عن خالد القلانسي «قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: صلاة في مسجد الكوفة ألف صلاة».

ترجمه: ﴿ حدیث شانزدهم ﴾

ابو عبدالرحمن محمد بن احمد بن حسين عسكري از حسن بن علي، از پدرش علی بن مهزیار از پدرش، از حسن بن سعید، از ظریف بن ناصح، از خالد قلانسی نقل کرده که وی گفت: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: یک نماز در مسجد کوفه معادل با هزار نماز در غیر آن می باشد.

متن:

۱۷ - حدَّثني أبي؛ و محمد بن عبدالله جميعاً، عن عبدالله بن جعفر الحميري، عن إبراهيم بن مهزيار، عن أخيه علي، عن الحسن بن سعيد، عن علي بن الحكم، عن فضيل الأعور، عن ليث بن أبي سليم «قال: استقبلته و قد صلى الناس العصر، فقال: إني لم أصل الظهر بعدُ فلا تحبسني و امض راشداً، قال: قلت: لم أخرتها إلى الساعة؟ قال: كانت لي حاجة في السوق فأخرت الصلاة حتى أصلي في المسجد للفضل الذي بلغني فيه، قال: فرجعت فقلت: أي شيء رُويت فيه، قال: أخبرني فلان عن فلان، عن عائشة، قالت: سمعت رسول الله ﷺ يقول: عرج بي إلى السماء و إني هبطت إلى الأرض، فأهبطت إلى مسجد أبي نوح ﷺ و أبي إبراهيم و هو مسجد الكوفة فصليت فيه ركعتين، قال: ثم قالت: قال رسول الله ﷺ: إن الصلاة المفروضة فيه تعدل حجة مبرورة، و التافلة تعدل عمرة مبرورة».

﴿ حدیث هفدهم ﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن عبدالله جميعاً از عبدالله بن جعفر حمیری، از ابراهیم بن مهزیار، از برادرش علی، از حسن بن سعید از علی بن حکم، از فضیل اعور، از لیث بن ابی سلیم نقل کرده که وی می گفت:
نزد ار رفتم در حالی که مردم نماز عصر را خوانده بودند، وی فرمود:
من هنوز نماز ظهر را نخوانده‌ام پس مرا معطل مکن و از خواندن نماز بازمداور
و برو انشاء... موفق باشی.

راوی می‌گوید:

عرض کردم چرا نمازتان را به تأخیر انداخته و تا این ساعت نخوانده‌اید؟
فرمود:

در بازار کاری داشتم لذا خواندن نماز را به تأخیر انداخته تا آن را در این
مسجد نخوانم زیرا فضیلتی که راجع به خواندن نماز در این مسجدت به سمع
رسیده بود مرا بر این داشت.

راوی می‌گوید:

دو مرتبه به سوال و پرسش برگشته و عرض کردم:
چه روایتی در این زمینه به شما رسیده؟
فرمود:

فلانی از فلانی از عائشه به من خبر داد که وی گفت:
از رسول خدا ﷺ شنیدم که می‌فرمودند.

زمانی که من را به آسمان عروج می‌دادند بناشد به زمین فرود آیم پس من به
مسجد ابی نوح رضی الله عنه و ابی ابراهیم که همان مسجد کوفه است نزول نموده و در آن
دو رکعت نماز خواندم...

سپس روای می‌گوید عائشه گفت:

رسول خدا ﷺ فرمودند:

یک نماز واجب در آن مسجد خواندن معادل با حج مقبول بوده و یک نافله
خواندن در آن مساری با یک عمره قبول شده می‌باشد.

متن:

۱۸ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ
عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَجْلَانَ، عَنْ مَالِكِ بْنِ

ضمره القنبری «قال: قال لي أمير المؤمنين عليه السلام: أتخرج إلى المسجد الذي في ظهر دارك تصلي فيه؟ فقلت له: يا أمير المؤمنين ذلك مسجد تصلي فيه النساء، فقال لي: يا مالك ذلك مسجد ما أتاه مكروب قط فصلي فيه فدعا الله إلا فرج الله عنه و أعطاه حاجته، فقال مالك: فوالله ما أتيتته و لا صلّيت فيه، فلما كان ليلة أصابني أمر اغتتمت منه فذكرت قول أمير المؤمنين عليه السلام و قمت في الليل وانتعلت فتوضأت و خرجت فإذا على بابي مصباح لم أقرأه قدامي، و مررت حتى انتهيت إلى المسجد فوقف بين يدي و كنت أصلي فلما فرغت انتعلت و انصرفت فقرأ قدامي حتى انتهيت إلى الباب فلما أن دخلت ذهب فما خرجت ليلة بعد ذلك إلا وجدت المصباح على بابي وقضى الله حاجتي».

ترجمه: حدیث هیجدهم

ترجمه:

محمد بن حسن بن مهزیار از پدرش از جدش علی بن مهزیار، از عثمان بن عیسی، از محمد بن عجلان، از مالک بن ضمره روایتی (عنبری نسخه بدل) نقل نموده که وی گفت:

امیرالمؤمنین عليه السلام به من فرمودند:

آیا به مسجدی که پشت خانهات هست می‌روی و نماز در آن می‌خوانی؟

محضر مبارک عرض کردم:

یا امیرالمؤمنین در آن مسجد زنان نماز می‌گذارند.

حضرت فرمودند:

ای مالک محزون و غمگینی هرگز به این مسجد داخل نشده که در آن نماز خوانده و برای رفع حزن و غمش دعاء نموده باشد مگر آنکه حق تعالی حزنش

را برطرف و غمش را زائل کرده و خواسته‌اش را به او عطا فرموده.
 مالک می‌گوید: به خدا قسم به آن مسجد نرفته و در آن نماز نخواندم تا شبی
 که گرفتار ناراحتی شده و بنخاطر آن غم و اندوه مرا فراگرفت پس فرموده
 امیرالمؤمنین علیه السلام بیادم آمد لاجرم در همان وقت شب برخوامسته و نعلینی به
 پا کرده و رضوه ساخته و از منزل خارج گشتم ناگهان درب منزل چراغی دیدم
 روشن که جلو من در حرکت است و من نیز در روشنائی آن گام برداشته تا به
 مسجد رسیدم در این هنگام چراغ از حرکت ایستاد و در جلو من متوقف گردید
 من به مسجد داخل شده و در آن نماز گذاردم و پس از فراغت از آن نعلین‌ها را به
 پا کرده و به منزل برگشتم در مراجعت همچنان چراغ را روشن و جلو خود در
 حرکت دیدم در پرنو آن قدم برداشته تا به درب منزل رسیدم و چون داخل خانه
 شدم چراغ از نظرم محو گشت و از آن شب به بعد هر شبی که به مسجد می‌رفتم
 چراغ را در منزل روشن می‌دیدم و بحق تعالی حاجت و خواسته من را برآورده
 فرمود.

متن:

۱۹ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ
 مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو يُونُسَ يَعْقُوبُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ مِنْ وَلَدِ أَبِي
 فَاطِمَةَ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ زَيْدٍ مَوْلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى الْكَاهَلِيِّ، عَنْ أَبِي
 عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام - وَهُوَ فِي مَسْجِدِ
 الْكُوفَةِ - فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ،
 فَرَدُّ عَلَيْهِ [السَّلَامُ]، فَقَالَ: جَعَلْتَ فِدَاكَ إِنِّي أَرَدْتُ الْمَسْجِدَ الْأَقْصَى
 فَأَرَدْتُ أَنْ أَسَلَّمَ عَلَيْكَ وَ أَوْدَعَكَ، فَقَالَ: أَيُّ شَيْءٍ أَرَدْتَ بِذَلِكَ؟ فَقَالَ:

الفضل جُلت فداك، قال: نَبِغَ رَاحِلَتَكَ، وَكُلُّ زَادِكَ، وَصَلُّ شَفِي هَذَا
 الْمَسْجِدِ، فَإِنَّ الصَّلَاةَ فِيهِ حِجَّةٌ مَبْرُورَةٌ، وَالتَّافِلَةَ عُمْرَةٌ مَبْرُورَةٌ،
 وَالْبِرْكَةَ مِنْهُ عَلَى اثْنِي عَشَرَ مِيلاً، يَمِينُهُ يَمُنُّ، وَيسَارُهُ مَكْرٌ، وَالتَّافِلَةَ
 عُمْرَةٌ مَبْرُورَةٌ، وَالْبِرْكَةَ مِنْهُ عَلَى اثْنِي عَشَرَ مِيلاً، يَمِينُهُ يَمُنُّ، وَيسَارُهُ
 مَكْرٌ، وَفِي وَسْطِهِ عَيْنٌ مِنْ دُهْنٍ وَعَيْنٌ مِنْ لَبَنٍ وَعَيْنٌ مِنْ مَاءٍ شَرَاباً
 لِلْمُؤْمِنِينَ، وَعَيْنٌ مِنْ مَاءٍ طَهُوراً لِلْمُؤْمِنِينَ، مِنْهُ سَارَتْ سَفِينَةُ نُوحٍ وَ
 كَانَ فِيهِ نَشْرٌ وَبَغُوثٌ وَبَعُوقٌ وَصَلَّى فِيهِ سَبْعُونَ نَبِيّاً وَسَبْعُونَ صَبِيّاً أَنَا
 أَحَدُهُمْ - وَقَالَ بِيَدِهِ فِي صَدْرِهِ مَا دَعَا فِيهِ مَكْرُوبٌ بِمَسْأَلَةٍ فِي حَاجَةٍ مِنْ
 الْحَوَائِجِ إِلَّا أَجَابَهُ اللَّهُ وَفَرَّجَ عَنْهُ كُرْبَتَهُ»



«حدیث نوزدهم»

ترجمہ:

پدرم علیہ الرحمہ از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی نقل
 نمودہ، وی گفت:

ابو یوسف یعقوب بن عبدالله کہ از فرزندان ابی فاطمہ است برایم نقل نمود
 از اسمعیل بن زید کہ مولای عبدالله بن یحیی کاہلی است و او از حضرت ابی
 عبدالله علیہ السلام روایت کرد کہ آن جناب فرمودند:

شخصی محضر مبارک امیرالمؤمنین علیہ السلام رسید در حالی کہ آن حضرت در
 مسجد کوفہ نزول اجلال داشتند بر حضرتش سلام کرد و گفت:
 السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.
 حضرت جواب سلامش را دادند.

وی عرض کرد: فدایت شوم عازم مسجد انصی بودم گفتم ابتداء خدمت شما
 آمده سلام عرض کرده و با شما وداع نمایم.

حضرت فرمودند:

فصدت از رفتن به آن مسجد چیست؟

عرضه داشت: فدایت شوم درک فضیلت آن مسجد.

حضرت فرمودند:

مرکبت را بفروش و نوشهات را تناول کن و در همین مسجد نماز بگذار و نیازی به آن مسجد نیست زیرا یک نماز واجب در اینجا خواندن معادل با یک حجّ قبول شده بوده و یک نماز نافله گذاردن مساوی و برابر است با یک عمره مقبول، برکتی که از این مسجد ناشی می‌باشد تا فاصله دوازده میلی آن منتشر می‌باشند، جانب راست آن نیک بختی و برکت بوده و طرف چپش تزویر و فریب و در وسطش چشمه‌ای از روغن و چشمه‌ای از شیر و چشمه‌ای از آبی که شراب است برای مؤمنین و چشمه‌ای است از آب که برای اهل ایمان طهور و پاکیزه می‌باشد از همین مکان کشتی نوح علیه السلام حرکت نمود و در همین مسجد بت‌های سه گانه یعنی: نَسْر و یغوث و یعوق بودند و در همین مسجد هفتاد و بیستمیر و هفتاد وصی که یکی از آنها من هشتم نماز خوانده‌اند.

سپس در حالی که با دست مبارک اشاره می‌نمودند فرمودند:

در این مسجد هیچ محزون و مکروبی برای حاجتی از حوائجش دعاء نکرده مگر آنکه حق تعالی حزنش را برطرف و غمش را زائل و حاجتش را روا ساخته است.

مترجم گوید:

اینکه حضرت فرمودند: بت‌های سه گانه یعنی: نَسْر و یغوث و یعوق در این مسجد بودند نه به ملاحظه شرافت مسجد از این رهگذر باشد بلکه اشاره به قدمت آن است که خود فضیلت و اعتباری محسوب می‌گردد.

﴿الباب التاسع﴾

﴿الدلالة على قبر أمير المؤمنين علیه السلام﴾

متن:

۱ - حدیثی آبی؛ و آخی؛ و علی بن الحسین؛ و محمد بن الحسن - رحمهم الله - جميعاً، عن سعد بن عبدالله بن أبي خلف، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن علي بن الحكم، عن صفوان الجمال «قال: كنت و عامر بن عبدالله بن جذاعة الأزدي عند أبي عبدالله علیه السلام فقال له عامر: إن الناس يزعمون أن أمير المؤمنين علیه السلام دفن بالرخبة فقال: لا، قال: فأين دفن؟ قال: انه لما مات حمله الحسن علیه السلام فألقى به ظهر الكوفة قريباً من النجف يُسرة عن العري، يمدُّ عن الحيرة، فدفنه بين ذكوات بيض، قال: فلما كان بعد ذهبت إلى الموضع فتوهمت موضعاً منه، ثم أتيت فآخبرته فقال: أصبت أصبت أصبت - ثلاث مرّات - رَجَمَكَ اللهُ».

﴿باب نهم﴾

﴿روشن نمودن و تعیین کردن مکان قبر امیرالمؤمنین علیه السلام﴾

﴿حدیث اول﴾

ترجمه:

پدر و برادرم و علی بن حسین و محمد بن حسن رحمة الله عليهم جملگی از سعد بن عبدالله بن ابی خلف نقل نموده اند و او از احمد بن محمد بن عیسی و او از علی بن حکم و او از صفوان جمال حکایت کرده که وی گفت: من و عامر بن

عبدالله بن جذاعه از دی محضر امام صادق علیه السلام بودیم، ناقل می گوید:
 عامر به امام عرض نمود: مردم گمان دارند که امیرالمؤمنین علیه السلام در «رحبه»^(۱)
 مدفون هستند حضرت فرمودند: خیر، این طور نیست.
 روای می گوید: عرضه داشتیم پس آن حضرت در کجا مدفون می باشند؟
 حضرت فرمودند:

وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام رحلت فرمودند امام حسن علیه السلام ایشان را به پشت کوفه
 در مکانی که نزدیک نجف و در چپ غری و راست حیره بود انتقال داده سپس
 بین ریگهای سفید و روشن آن حضرت را دفن نمودند.
 روای می گوید:

بعد از این به مکانی رفته و پنداشتیم آن مکان مدفون حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
 است و سپس که محضر مبارک امام صادق علیه السلام مشرف شدم از پندار خود به آن
 جناب خبر داده و از صحت و سقم آن جويا شدم، حضرت سه مرتبه فرمودند:
 خداوند تو را رحمت کند در پندارت به صواب رفتی.

من:

۲ - حدیثی محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار، عن
 أحمد بن محمد بن عیسی عن محمد بن ابی عمیر، عن الحسن بن الخلال
 (کذا)، عن جدّه «قال: قلت للحسین بن علی - صلوات الله علیهما - این
 دفنتم امیرالمؤمنین علیه السلام؟ قال: خرجنا به لیلاً حتی مررنا علی مسجد
 الأشعث، حتی خرجنا إلى ظهر ناحية الغری».

۱ - به ضم زاء دو سکون جاء اسم مکانی است که محاذی با قدسیه می باشد.

ترجمه: ﴿حدیث دوم﴾

محمد بن حسن، از محمد بن حسن صفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن ابی عمیر، از حسین خلال از جدش نقل نموده، وی گفت:
محضر حسین بن علی صلوات الله علیهما عرض کردم: امیرالمؤمنین علیه السلام را در کجا دفن نمودید؟
حضرت فرمودند:
بیکر مطهر آن جناب را شب بیرون برده تا به مسجد اشعث رسیده و از آن گذشته تا به پشت ناحیه غری منتقلش نمودیم.

متن:

۳- حَدَّثَنِي جَمَاعَةٌ مَشَائِخِي، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانٍ «قَالَ: أَتَانِي عَمْرُ بْنُ - يَزِيدَ فَقَالَ لِي أَرْكَبُ، فَرَكِبْتُ مَعَهُ فَمَضِينَا حَتَّى نَزَلْنَا مَنْزِلَ حَنْصِ الْكُنَاسِيِّ فَاسْتَخْرَجَهُ فَرَكَبُ مَعَنَا فَمَضِينَا حَتَّى أَتَيْنَا الْغُرِّيَّ فَانْتَهَيْنَا إِلَى قَبْرِ فَقَالَ: انْزَلُوا! هَذَا الْقَبْرُ قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فَقُلْنَا لَهُ: مِنْ أَيْنَ عَرَفْتَ هَذَا؟ قَالَ: أَتَيْتُهُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام حَيْثُ كَانَ فِي الْحَيْرَةِ غَيْرَ مَرَّةٍ وَخَبَّرَنِي أَنَّهُ قَبْرُهُ».

ترجمه: ﴿حدیث سوم﴾

گروهی از مشایخ من، از محمد بن یحیی و او از احمد بن محمد و او از ابن ابی عمیر و او از قاسم بن محمد و او از عبدالله بن سنان نقل کرده که وی گفت:
عمرو بن یزید نزد من آمد و بمن گفت: سوار شو، من با او سوار شده و

حرکت کردیم تا به منزل حفص کناسی رسیده و او را به بیرون خواندیم و وقتی از منزل خارج شد با ما سوار گشته و هر سه حرکت کردیم تا به غری رسیده و از آنجا به حرکت خود ادامه دادیم تا منتهی به قبری شدیم عمرو بن یزید گفت فرود آید این قبر، قبر امیرالمؤمنین علیه السلام است.

به او گفتیم: از کجا دانستی.

گفت: زمانی که حضرت ابی عبدالله علیه السلام در حیره بودند مکرر با آن جناب به اینجا آمده و فرمودند: این قبر، قبر امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد.

متن:

۴- حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ؛ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا، عَنْ يَزِيدَ بْنِ عُمَرَ بْنِ طَلْحَةَ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام - وَ هُوَ بِالْحَيْرَةِ - : أَمَا تَرِيدُ مَا وَعَدْتُكَ؟ قَالَ: قُلْتُ: بَلَى - يَعْنِي الذَّهَابَ إِلَى قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام - ، قَالَ: فَرَكِبْ وَ رَكِبَ إِسْمَاعِيلُ ابْنَهُ مَعَهُ وَ رَكِبْتُ مَعَهُمَا حَتَّى إِذَا جَازَ الثَّوِيَّةَ وَ كَانَ بَيْنَ الْحَيْرَةِ وَ النَّجْفِ عِنْدَ ذِكْوَاتِ بَيْضِ نَزَلِ وَ نَزَلَ إِسْمَاعِيلُ وَ نَزَلْتُ مَعَهُمْ فَصَلَّى إِسْمَاعِيلُ وَ صَلَّيْتُ، فَقَالَ لِإِسْمَاعِيلَ: قُمْ فَسَلِّمْ عَلَيَّ جَدِّكَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام، فَقُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ أَلَيْسَ الْحُسَيْنُ علیه السلام بِكَرْبَلَاءَ، فَقَالَ: نَعَمْ؛ وَلَكِنْ لَمَّا حَمَلَ رَأْسَهُ إِلَى الشَّامِ سَرَقَهُ مَوْلَى لَنَا فَدَفَنَهُ بِجَنْبِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام».

«حدیث چهارم»

ترجمه:

پدرم و محمد بن یعقوب از علی بن ابراهیم بن هاشم و او از پدرش و از از یحیی بن زکریا و او از یزید بن عمر بن طلحه نقل کرده که وی گفت:

زمانی که امام صادق علیه السلام در حیره بردند به من فرمودند:

آیا اراده آنچه به تو وعده داده بودم را نداری؟

روای می گویند: عرضه داشتم چرا (یعنی رفتن به زیارت قبر المؤمنین علیهم السلام).

سپس راوی می گویند: امام علیه السلام سوار مرکب شده و فرزندشان اسمعیل نیز با آن

جناب سوار گشته و من نیز با ایشان سوار شدم و حرکت کردیم تا از وادی ثویه

گذشته و بین حیره و نجف جنب ریگ های سفید و روشن حضرت پیاده شدند و

اسمعیل نیز از مرکب به زیر آمد و من هم از مرکب پائین آمدم، حضرت نماز

گزاردند و اسمعیل نیز با آن حضرت نماز خواند من هم نماز گذاردم سپس

حضرت به اسمعیل فرمودند:

بایست و برجذت حسین بن علی علیه السلام، سلام بده.

من عرض کردم: فلایت شوم: آیا حضرت حسین علیه السلام در کربلاء نیستند؟

فرمودند:

بلی ولی هنگامی که سر مظهر آن حضرت را به شام آوردند یکی از دوستان ما

آن را ربود و در جنب امیرالمؤمنین علیه السلام دفن نمود.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ جَمِيعاً، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مِثْلٍ، (وَا

عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ اِبْرَاهِيمَ بْنِ عُقْبَةَ، عَنِ الْحَسَنِ الْحَرَّازِ الْوَشَّاءِ،

عَنْ اَبِي النَّوْجِ، عَنْ اَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ «قَالَ: كُنْتُ مَعَ اَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَمَرَّ بِظَهْرِ

الكَرْفَةِ فَنَزَلَ وَ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ تَقَدَّمَ قَلِيلاً فَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ سَارَ قَلِيلاً

فَنَزَلَ فَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ قَالَ: هَذَا مَوْضِعُ قَبْرِ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام، قُلْتُ:

جَعَلْتَ فِدَاكَ فَمَا الْمَوْضِعِينَ الَّذِينَ صَلَّى فِيهَا؟ قَالَ: مَوْضِعُ رَأْسِ

الْحُسَيْنِ علیه السلام، وَ مَوْضِعُ مَنْبَرِ الْقَائِمِ علیه السلام».

ترجمه:

﴿ حدیث پنجم ﴾

پدرم و محمد بن حسن جملگی از حسن بن متیل، و او از سهل بن زیاد و او از ابراهیم بن عقبه و او از حسن خزّاز و شاه و او از ابوالفرج و او از ابان بن تغلب نقل کرده که وی گفت:

در معیت حضرت ابی عبدالله علیه السلام بودم که آن حضرت از پشت کوفه عبور فرموده و سپس از مرکب به زیر آمده و دو رکعت نماز خواندند و بعد اندکی جلورفته و دو رکعت دیگر خوانده سپس کمی حرکت فرموده و باز پیاده شدند و در رکعت نماز خوانده سپس فرمودند:

این جا، قبر امیرالمؤمنین علیه السلام است.

عرض کردم: فدایت شوم پس آن دو مکان که در آن نماز خواندید چه بود؟ حضرت فرمودند:

یکی مکان سر مطهر حضرت حسین علیه السلام بود و دیگری جای منبر قائم علیه السلام می باشد.

متن:

۶ - حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ - رَفَعَهُ - «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّكَ إِذَا أَتَيْتَ الْقَرَىَّ رَأَيْتَ قَبْرَيْنِ: قَبْرًا كَبِيرًا وَ قَبْرًا صَغِيرًا، فَأَمَّا الْكَبِيرُ فَقَبْرُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ أَمَّا الصَّغِيرُ فَرَأْسُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام».

ترجمه:

﴿ حدیث ششم ﴾

پدرم از سعد بن عبدالله و او از حسن بن موسی الخشاب و او از علی بن اسباط به طرز مرفوعه نقل نموده و گفت:

امام صادق علیه السلام فرمودند:

وقتی به غری وارد شده دو قبر می بینی: قبری بزرگ و قبر کوچک.

اما قبر بزرگ آن قبر امیرالمؤمنین علیه السلام است.

و اما قبر کوچک آن محل دفن سر مبطهر حضرت حسین بن علی علیه السلام

می باشد.

متن:

۷- و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيِّ،
عَنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ النَّخَعِيِّ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: حَدَّثَنَا صَفْوَانُ بْنُ
مِهْرَانَ، الثَّجَفِ، فَقَالَ: هُوَ الْجَبَلُ الَّذِي اعْتَصَمَ بِهِ ابْنُ جَدِّي نُوحٌ عليه السلام،
فَقَالَ: «سَأُوي إِلَى جَبَلٍ يَغْصُمُنِي مِنَ الْمَاءِ» فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَيْهِ:
يَا نَجْفَ أَيْعْتَصِمْ بِكَ مِنِّي؟! فَغَابَ فِي الْأَرْضِ وَتَطَّعَ إِلَى قَطْرِ الشَّامِ، ثُمَّ
قَالَ: اَعْدِلْ بِنَا؛ فَعَدَلْتُ فَلَمْ يَزَلْ سَائِرًا حَتَّى أَتَى الْغُرَى فَوَقَفَ عَلَى الْقَبْرِ،
فَسَاقَ السَّلَامَ مِنْ آدَمَ عَلَى نَبِيٍّ وَنَبِيٍّ عليه السلام، وَأَنْ أَسُوقَ مَعَهُ حَتَّى وَصَلَ
السَّلَامَ إِلَى النَّبِيِّ عليه السلام، ثُمَّ حَزَّ عَلَى الْقَبْرِ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ وَغَلَّ نَحْيَيْهِ، ثُمَّ قَامَ
فَصَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ وَصَلَّيْتُ مَعَهُ، وَقُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا هَذَا الْقَبْرِ،
فَقَالَ: هَذَا قَبْرُ جَدِّي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام.

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله، از محمد بن ابی عبدالله کوفی و او از موسی بن عمران

نخعی و او از حسین بن یزید نقل نموده که وی گفت:

صفوان بن مهران از حضرت جعفر بن محمد علیه السلام حدیثی را این طور نقل

کرد:

صفوان می گوید: امام علیه السلام از سرزمین قادسیه حرکت کردند در حالی که من نیز همراه ایشان بودم تا به نجف رسیدیم، حضرت فرمودند:

این کوه همان کوهی است که فرزند جدّم نوح علیه السلام به آن پناه برد و گفت:

سأوی الی جبل یعصمی من الماء.

خداوند تبارک و تعالی به کوه خطاب نمود:

آیا او از من به تو پناه می برد؟!

پس از این خطاب کوه در زمین نهان گشت و رشته اش تا قبل از سرزمین شام بریده و منهدم گردید سپس به من فرمود:

به موازات من حرکت کن.

پس من به موازات حضرتش حرکت نمودم و پیوسته آن جناب مرکب می رانند تا به عَرّی رسیده پس بالای قبری توقف فرمود و سپس شروع نمودند به سلام دادن به یک یک از انبیاء از حضرت آدم علیه السلام آغاز نموده و نام هر کدام را جداگانه برده و به آنها سلام می کردند و من نیز به متابعت از آن حضرت به هر یک از انبیاء سلام می دادم تا رسیدند به سلام بر نبی اکرم صلی الله علیه و آله و پس از سلام به آن حضرت صورت مبارک را بر قبر مطهر نهاده و بر صاحب قبر سلام نمودند و پس از آن صدا به گریه بلند نمودند و بعد از آن ایستاده و چهار رکعت نماز خواندند و من نیز با آن حضرت نماز گذاردم و پس از فراغ از نماز محضر مبارکش عرض کردم: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله این قبر کیست؟ فرمودند: این قبر جدّم علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد.

متن:

۸ - حدیثی محمد ابن احمد بن علی بن یعقوب، عن علی بن الحسن بن علی بن فضال، عن أبیه (کذا)، عن الحسن بن الجهم بن بکیر «قال:

ذکرت لأبي الحسن علیه السلام يحيى بن موسى و تعرضه لمن يأتي قبر أمير المؤمنين علیه السلام و أنه كان ينزل موضعاً كان يقال به: الثوبية يتزده إليه، ألا و قبر أمير المؤمنين علیه السلام فوق ذلك قليلاً، و هو للموضع الذي روى صفوان الجمال أن أبا عبد الله وصفه له، قال له فيما ذكر: إذا انتهيت إلى القرية ظهر الكوفة فاجعله خلفك ظهرك و توجه على نحو النجف، و تيامن قليلاً، فإذا انتهيت إلى الذكوات البيض و الثنية أمامه فذلك قبر أمير المؤمنين علیه السلام، و أنا أتيت كثيراً، و من أصحابنا من لا يرى ذلك و يقول: هو في المسجد، و بعضهم يقول: هو في القصر، فأرد عليهم أن الله لم يكن يجعل قبر أمير المؤمنين علیه السلام في القصر في منازل الظالمين، و لم يكن يُدقن في المسجد و هم يريدون ستره، فأيتنا أصوب؟ قال: أنت أصوب منهم، أخذت بقول جعفر بن محمد علیه السلام، قال: ثم قال لي: يا أبا محمد ما أرى أحداً من أصحابنا يقول بقولك، و لا يذهب مذهبك، فقلت له: جعلت فداك أما ذلك شيء من الله؟ قال: أجل: إن الله يوفق من يشاء و يؤمن عليه، فقل ذلك بتوفيق الله و احمده عليه.

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

محمد بن احمد بن علی بن یعقوب، از علی بن حسن بن علی بن فضال و از پدرش و او از حسن بن جهم بن بکیر نقل نموده که وی گفت: معضرب مبارک ابی الحسن علیه السلام از یحیی بن موسی یاد کرده و عرضه داشتم که وی متعرض کسانی که به زیارت قبر امیرالمؤمنین علیه السلام می آیند می شود و در مکانی که آن را ثوبیه می خوانند فرود آمده و آنجا را تفریح گاه خود قرار داده منتهی قبر امیرالمؤمنین علیه السلام اندکی بالاتر از آنجا است و آن همان موضعی است که صفوان جمال از امام

صادق علیه السلام روایت کرده و حضرت برایش آنجا را توصیف فرموده، حضرت در ضمن اوصافی که برای آن موضع ذکر فرمودند خاطر نشان نمودند:

وقتی به غری که پشت کوفه واقع شده متهی گشتی آنجا را پشت خود قرار بده و رو به پشت نجف نما و کمی به طرف راست مایل شو و وقتی به ریگ‌های سفید و روشن متهی گشتی و ثنیه جلو آن واقع شد همان جا قبر امیرالمؤمنین علیه السلام می‌باشد.

راوی (حسن بن جهم) می‌گوید: من به این مکان بسیار آمده‌ام.

سپس محضر امام علیه السلام (حضرت ابی‌الحسن) عرض کرد:

بعضی از اصحاب ما را ایشان غیر از این برده و معتقدند که قبر در مسجد است و برخی دیگر آن را در قصر می‌دانند ولی من در رد ایشان می‌گویم:

خداوند متعال هرگز قبر امیرالمؤمنین علیه السلام را در قصر که منزل ظالمین است قرار نمی‌دهد چنانچه هیچ‌گاه نمی‌گذارد بیکر مطهر آن جناب در مسجد دفن شود با اینکه قصد ظالمین پوشاندن و مخفی نگاه داشتن آن می‌باشد سپس محضر امام علیه السلام عرض می‌کند:

کدام یک از ما در این اعتقاد به صواب هستیم؟

حضرت فرمودند:

اعتقاد تو صحیح است، زیرا که تو کلام جعفر بن محمد علیه السلام را اخذ نمودهای.

راوی می‌گوید:

سپس امام علیه السلام به من فرمودند:

ای ابا محمد احدی از اصحاب را نمی‌بینم که اعتقاد تو را داشته و به قول تو

مایل باشد.

محضرش عرض کردم:

آیا این عنایت و لطفی از جانب حق تعالی می‌باشد؟

فرمودند:

بلی، خداوند به هر کس بخواهد توفیق داده و وی را امین قرار می دهد پس تو این عقیده را به توفیق حق تعالی بدان و او را در مقابل آن ستایش نما.

متن:

۹ - حَدَّثَنِي بِهِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ جَمِيعاً،
عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ
فَضَّالٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ بْنِ بُكَيْرٍ قَالَ: ذَكَرْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ علیه السلام - وَ
ذَكَرَ الْحَدِيثَ بِطَوَّلِهِ -



﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

محمد بن حسن و محمد بن احمد بن حسین جمیعاً از حسن بن علی بن
مهزیار، از پدرش علی، از حسن بن علی بن فضال، از حسن بن جهم بن بکیر
نقل نموده که وی گفت:
محضر مبارک حضرت ابی الحسن علیه السلام بادی نمودم از... و هنگام حدیث قبلی
را تماماً نقل کرده است.

متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ جَمِيعاً،
عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ
بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَشْتَمٍ [عَنْ رَجُلٍ] عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ «قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام بِالْحَيْرَةِ أَيَّامَ مَقْدِمِهِ عَلَيَّ أَبِي جَعْفَرٍ فِي لَيْلَةِ صَحْيَانَةِ مُتَمَرَّةٍ،

قال: فنظر إلى السماء فقال: يا يونس أما ترى هذه الكواكب ما أحسنها، أما إنَّها أمانٌ لأهل السماء و نحن أمانٌ لأهل الأرض، ثمَّ قال: يا يونس فمؤبىسراج البغل و الحمار، فلما أسرجا قال: يا يونس أتيتها أحبُّ إليك؛ البغل أو الحمار؟ قال: فظننت أن البغل أحبُّ إليه لقوَّته، فقلت: الحمار، فقال: أحبُّ أن تؤثرنى به، قلت: قد فعلتُ، فركب و ركبت، و لما خرجنا من الحيرة قال: تقدِّم يا يونس، قال: فأقبل يقول: تيامن تيامن، فلما انتهينا إلى الذكوات الحمر قال: هو المكان، قلت: نعم فتيامن ثمَّ قصد إلى موضع فيه ماءٌ و عينٌ فتوضأ ثمَّ دنا من أكمة فصلَّى عندها، ثمَّ مالَ عليها و بكى، ثمَّ مال إلى أكمةٍ دونها ففعل مثل ذلك، ثمَّ قال: يا يونس افعل مثل ما فعلتُ، ففعلتُ ذلك فلما تفرَّغت قال لي: يا يونس تعرف هذا المكان؟ فقلت: لا، فقال: الموضع الذي صلَّيت عنده أولاً هو قبر أمير المؤمنين عليه السلام، و الأكمة الأخرى رأس الحسين بن علي بن أبي طالب عليه السلام، إنَّ الملعون عبيد الله بن زياد - لعنه الله - لما بعث رأس الحسين عليه السلام إلى الشام رُدَّ إلى الكوفة، فقال: أخرجوه عنها لا يُفتننَ به أهلها، فصيرَه الله عند أمير المؤمنين عليه السلام، فالرأس مع الجسد و الجسد مع الرأس».

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

محمد بن حسن و محمد بن احمد بن حسين جميعاً از حسن بن علي بن مهزيار و او از پدرش علي بن مهزيار نقل نموده كه وى مى گفت:
 علي بن احمد بن اشيم برايم نقل نمود از شخصى و از يونس بن ظبيان حكاييت كرد كه وى گفت: در ايامى كه حضرت ابو عبد الله عليه السلام در حيره بر ابي

جعفر وارد شده بودند شبی که هوا صاف و خالی از ابر بود و ماه در آسمان می درخشید من محضر مبارک امام علیه السلام بودم آن جناب به آسمان نظر نموده و فرمودند:

یونس، می بینی که این ستارگان چه قدر زیبا هستند؟
توجه داشته باش که این کرات نورانی امان برای اهل آسمان هستند همان طوری که ما امان برای اهل زمین می باشیم، سپس فرمودند:
ای یونس، قاطر و الاغی را زین کن و بیار.
وقتی هر دو زین شده و آماده گشتند حضرت فرمودند:
ای یونس، کدام یک را دوست داری. قاطر یا الاغ را؟
یونس می گوید: گمان کردم آن جناب قاطر را به خاطر نیرو و قوه ای که دارد بیشتر دوست دارند سوار شوند لذا در جواب آن حضرت عرض کردم: من الاغ را بیشتر دوست دارم. حضرت فرمودند:
دوست دارم الاغ را به من دهی.
عرض کردم: من الاغ را سوار شدم.
به هر صورت حضرت بر قاطر و من نیز بر الاغ سوار شده و حرکت کردیم و وقتی از حیره بیرون رفتیم حضرت به من فرمودند:

ای یونس: جلو برو

یونس می گوید: جلو رفتم

حضرت می فرمود: به سمت راست و به سمت چپ برو (یعنی پیوسته آن جناب من را راهنمایی نموده گاهی می فرمودند به سمت راست برو و زمانی دستور می دادند که به چپ برو) و وقتی به ریگ های سرخ رسیدیم فرمودند: این همان مکان است.

من نیز حضرت را تصدیق کردم سپس آن جناب به سمت راست آن مکان

رفته و مقصودشان جایی بود که در آن آب و چشمه باشد و وقتی به چنین موضعی رسیدند از چشمه وضوء گرفته سپس به مکانی که بلند به نظر می‌رسید نزدیک شدند و در آنجا نماز خواندند و پس از نماز روی آن مکان خم شده و زمانی گریستند و سپس به مکان بلند دیگری که نزدیک آن بود رفته و عیناً اعمال سابق را بجا آوردند و بعد فرمودند:

ای یونس آنچه را من عمل کردم تو نیز به جای آور.
پس من آنچه حضرت انجام داده بودند را به جای آوردم و بعد از فراغت به من فرمودند:

ای یونس دانستی این چه مکانی است؟

عرض کردم: خیر.

فرمودند: جایی که اوّل نماز خواندم آن قبر امیرالمؤمنین علیه السلام است و مکان دوم محل دفن سر مطهر حضرت حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام می‌باشد، پس از آن اضافه نموده و فرمودند:

زمانی که عبیدالله بن زیاد ملعون سر مبارک حضرت را به شام فرستاد از شام آن را به کوفه برگرداندند و بی به اصحابش گفت:

این سر را از این شهر بیرون ببرید و باعث فتنه و آشوب بین اهل این شهر نشوید و بدین ترتیب خداوند متعال سر مبارک آن جناب را نزد امیرالمؤمنین قرار داد و از آن پس سر به جسد ملحق شد و بدن با سر متصل گردید.

متن:

۱۱ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ

أَبِي الْخَطَّابِ الزَّيَّاتِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَجْهَبٍ، عَنِ إِسْحَاقَ بْنِ جَرِيرٍ، عَنِ

أبي عبد الله عليه السلام «قال: إني لما كنتُ بالهيرة عند أبي العباس كنتُ أقي قبرَ أميرالمؤمنين عليه السلام ليلاً و هو بناحية النجف إلى جانب الغرِّ التَّعمان، فأصلي عنده صلاة الليل و أنصرف قبل الفجر».

ترجمه: ﴿ حدیث یازدهم ﴾

محمد بن جعفر رزّاز از محمد بن حسین بن ابی خطاب زیات و او از حسن بن محبوب و او از اسحق بن جریر نقل کرده که وی گفت:
امام صادق علیه السلام فرمودند:

هنگامی که در حیره نزد ابی العباس بودم شبها به زیارت قبر امیرالمؤمنین علیه السلام می رفتم، قبر آن حضرت در ناحیه نجف به جانب غری التعمان می باشد به هر صورت نزد قبر نماز شب را خوانده و پیش از طلوع فجر از آنجا بر می گشتم.

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

متن:

۱۲ - و عنده، عن محمد بن الحسين، عن الحجاج، عن صفوان بن مهران، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: سألته عن موضع قبر أميرالمؤمنين عليه السلام، قال: فوصف لي موضعه حيث ذكادك الميل قال: فأتيته فصليت عنده ثم عُدْتُ إلى أبي عبد الله عليه السلام من قابل فأخبرته بذهابي و صلاتي عنده».

فقال: أصبت، فكثتُ عشرين سنة أصلي عنده».

ترجمه: ﴿ حدیث دوازدهم ﴾

محمد بن جعفر رزّاز، از محمد بن حسین و او از حجاج و او از صفوان بن

مهران و او از مولانا ابی عبداللہ رضی اللہ عنہ نقل می‌کند، وی می‌گوید:
 راجع به مکان قبر امیرالمؤمنین رضی اللہ عنہ از آن حضرت پرسیدم؟
 حضرت وصف آن مکان را برایم بیان فرموده و اظهار داشتند:
 موضعی است که ریگ‌ها به روی هم انباشته شده و پشته‌ای ساخته‌اند.
 راوی می‌گوید:

به آن مکان رفته و در آنجا نماز خوانده سپس به محضر مبارک امام رضی اللہ عنہ بعداً
 مراجعت کرده و ایشان را از رفتن و نماز خواندنم در آنجا اطلاع دادم.
 حضرت فرمودند: عمل صحیحی انجام دادی.
 بعد از آن مدت بیست سال در آنجا توقف کرده و به خواندن نماز مشغول
 گردیدم.



متن:

۱۲ - حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى،
 عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ «قَالَ: سَأَلْتُ الرَّضَا رضی اللہ عنہ فَقُلْتُ: أَيْنَ مَوْضِعُ
 قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ رضی اللہ عنہ؟ فَقَالَ: الْغُرَى، فَقُلْتُ لَهُ: جَعَلْتَ فِدَاكَ إِنْ بَعْضُ
 النَّاسِ يَقُولُونَ: دَفِنَ فِي الرَّحْبَةِ، قَالَ: لَا، وَ لَكِنْ بَعْضُ النَّاسِ يَقُولُ: دَفِنَ
 بِالْمَسْجِدِ».

﴿ حدیث سیزدهم ﴾

ترجمه:

پدرم از سعد بن عبدالله و او از احمد بن محمد بن عیسی و او از احمد بن
 محمد بن ابی‌نصر نقل کرده که وی گفت:
 از حضرت رضا رضی اللہ عنہ پرسیدم: جای قبر امیرالمؤمنین رضی اللہ عنہ کجا است؟
 حضرت فرمودند: غری.

محضرش عرضه داشتیم: فدایت شوم برخی می‌گویند آن حضرت در رجه دفن شده‌اند؟

حضرت فرمودند: خیر ولی پاره‌ای معتقدند که آن جناب در مسجد دفن گردیده است.

﴿ الباب العاشر ﴾

﴿ ثواب زیارة امیرالمؤمنین علیه السلام ﴾

متن:

۱ - حدثنی أبی؛ و محمد بن یعقوب، عن محمد بن یحیی العطار، عن حمدان ابن سلیمان النیسابوری، عن عبد الله بن محمد الیمانی، عن منیع بن الحجاج، عن یونس، عن أبی وهب البصری «قال: دخلت المدينة فأتیت أباعبدالله علیه السلام فقلت: جعلت فداک أتیتک ولم أزر قبر أمیرالمؤمنین علیه السلام. قال: بش ما صنعت، لولا أنك من شیعتنا ما نظرت إلیک، ألا تزور من یزوره الله تعالی مع الملائکة و یزوره الأنبیاء و یزوره المؤمنون، قلت: جعلت فداک ما عملت ذلك، قال: فاعلم أن أمیرالمؤمنین علیه السلام أفضل عندالله من الأئمة کلهم و له ثواب أعمالهم و علی قدر أعمالهم فضلوا».

﴿ باب دهم ﴾

﴿ ثواب زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن یعقوب، از محمد بن یحیی عطّار و او از حمدان بن سلیمان نیشابوری و او از عبدالله بن محمد یمانی و او از منیع بن حجاج و او از یونس و او از ابی وهب بصری نقل کرده که وی گفت:
داخل مدینه شده نزد حضرت ابا عبدالله علیه السلام مشرف شده محضرش عرضه داشتم:

فدایت شوم خدمت شما رسیدم ولی به زیارت قبر امیرالمؤمنین علیه السلام نرفته‌ام.
حضرت فرمودند:

بدکاری کردی اگر از شیعیان ما نبودی به تو نگاه نمی‌کردم، چرا زیارت نکردی کسی را که خداوند با فرشتگانش زیارتش می‌کند، انبیاء و مؤمنین زیارتش می‌نمایند؟

عرض کردم: فدایت شوم به این امر واقف نبودم.

حضرت فرمودند:

بدان که امیرالمؤمنین علیه السلام نزد حق تعالی از تمام ائمه علیهم السلام افضل و برتر بوده و ثواب اعمال ایشان برای آن حضرت منظور می‌شود (یعنی غیر از اینکه در قبایل اعمال خود آن جناب حق تعالی ثواب لحاظ می‌کند اعمال ائمه هدی علیهم السلام نیز موجب حصول ثواب برای حضرتش می‌باشد) در حالی که حضرات ائمه علیهم السلام به مقدار اعمال صادره از خودشان فضیلت و برتری عاندشان می‌شود.

متن:

٢- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ - عَمَّ ذَكَرَهُ - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، وَحَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ قَالَ: حَدَّثَنِي ابْنُ سِنَانٍ قَالَ: حَدَّثَنِي الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ «قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقُلْتُ: إِنِّي أُشْتَاقُ إِلَى الْقَرِيِّ، قَالَ: فَمَا شَوْقُكَ إِلَيْهِ؟ قُلْتُ لَهُ: إِنِّي أَحَبُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَأَحَبُّ أَنْ أُزَوِّدَهُ، قَالَ: فَهَلْ تَعْرِفُ فَضْلَ زِيَارَتِهِ؟ قُلْتُ: لَا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؛ فَعَرَّفَنِي: ذَلِكَ، قَالَ: إِذَا أَرَدْتَ زِيَارَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَاعْلَمْ أَنَّكَ زَائِرُ عِظَامِ آدَمَ، وَبَدَنِ نُوحٍ، وَجَسْمِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام، قُلْتُ: إِنَّ آدَمَ هَبِطَ بِسَرَنْدِيبٍ فِي مَطْلَعِ الشَّمْسِ وَرَعَمُوا أَنْ عِظَامَهُ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ فَكَيْفَ صَارَتْ عِظَامُهُ بِالْكَوْفَةِ؟ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَوْحَى إِلَى نُوحٍ عليه السلام وَهُوَ فِي السَّفِينَةِ أَنْ يَطُوفَ بِالْبَيْتِ أُسْبُوعاً، فَطَافَ كَمَا أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ، ثُمَّ نَزَلَ فِي الْمَاءِ إِلَى رِكْبَتَيْهِ فَاسْتَخْرَجَ تَابُوتاً فِيهِ عِظَامُ آدَمَ، فَحَمَلَ التَّابُوتَ فِي جَوْفِ السَّفِينَةِ حَتَّى طَافَ بِالْبَيْتِ مَا شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يَطُوفَ، ثُمَّ وَرَدَ إِلَى بَابِ الْكَوْفَةِ فِي وَسْطِ مَسْجِدِهَا، فَفِيهَا قَالَ اللَّهُ لِلْأَرْضِ: «أَبْلَعِي مَاءَكُمْ»^(١)، فَبَلَعَتْ مَاءَهَا مِنْ مَسْجِدِ الْكَوْفَةِ كَمَا بَدَأَ الْمَاءَ مِنْ مَسْجِدِهَا وَتَفَرَّقَ الْجَمْعُ الَّذِي كَانَ مَعَ نُوحٍ فِي السَّفِينَةِ، فَأَخَذَ نُوحٌ التَّابُوتَ فَدَفَنَهُ بِالْقَرِيِّ وَهُوَ قِطْعَةٌ مِنَ الْجَبَلِ الَّذِي كَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ مَرْسَى تَكْلِيمًا، وَقَدَّسَ عَلَيْهِ عِيسَى تَقْدِيسًا، وَأَتَّخَذَ عَلَيْهِ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا، وَأَتَّخَذَ عَلَيْهِ مُحَمَّدًا حَبِيبًا، وَجَعَلَهُ لِلنَّبِيِّينَ مَسْكَنًا، وَاللَّهُ مَا سَكَنَ فِيهِ أَحَدٌ بَعْدَ

آبائه الطاهرين: آدم و نوح اکرم من امیرالمؤمنین علیه السلام، فإذا أردت جانب النجف فزُرْ عظام آدم وبدون نوح و جسم علی بن ابی طالب علیه السلام فانك زائرًا لآباء الاولین. و محمدًا خاتم النبیین، و علیًا سید الوصیین، فإن زائرہ تفتح له أبواب السماء عند دعوته فلا تكن عن الخیر نؤامًا.

ترجمه: ﴿ حدیث دوم ﴾

محمد بن یعقوب از ابوعلی اشعری و او از کسی که نامش را برده و او از محمد بن سنان.

و نیز محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش و او از محمد بن حسین بن ابی الخطاب نقل کرده که وی گفت:

ابن سنان گفته است: مفضل بن عمر برایم چنین حکایت نمود:

گفت: محضر امام صادق علیه السلام داخل شده عرض کردم: مایل و مشتاقم که به غری بروم حضرت فرمودند:

چه اشتیاقی به آن داری؟

عرض کردم: امیرالمؤمنین علیه السلام را دوست داشته و به زیارتش علاقمند هستم. حضرت فرمودند:

آیا فضیلت زیارت آن حضرت را می دانی؟

عرضه داشتم: خیر ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله، من را از آن آگاه و مطلع بفرمائید.

حضرت فرمودند:

هرگاه اراده زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام را نمودی بدانکه در واقع استخوان های حضرت آدم علیه السلام و بدن نوح علیه السلام و جسم امیرالمؤمنین علیه السلام را زیارت می کنی. عرض کردم:

حضرت آدم در سرندیب محل طلوع آفتاب هبوط نمود و عموم معتقدند استخوانهایش در بیت الله الحرام دفن شده پس چطور می‌فرمائید در کوفه می‌باشد؟

حضرت فرمودند:

خداوند متعال به حضرت نوح علیه السلام در حالی که در کشتی بود وحی فرمود که هفت بار طواف بیت نماید، آن جناب طبق آنچه به وی وحی شده بود طواف نمود سپس از کشتی بیرون آمد و تازانوهایش در آب فرورفت، تابوتی که در آن استخوانهای حضرت آدم بود را از آب بیرون آورده و آن را به داخل کشتی حمل فرمود و بدنبال آن مطابق خواسته حق تعالی دور بیت طواف نمود و پس از آن وارد درب کوفه که در وسط مسجد کوفه هست گردید در این وقت بود که حق تعالی به زمین فرمود: آبی که در برداری فروریزد، پس زمین آبش را از مسجد کوفه فرو برد همان طوری که قبلاً از همین مسجد ظاهر ساخته بود و به هر صورت گروهی که با نوح در سفینه بودند متفرق گشته پس جناب نوح تابوت را در غری دفن کرد (غری قطعه‌ای از کوهی است که موسی علیه السلام در آن با خدا تکلم نمود و عیسی در آن تقدیس گردید و ابراهیم در آن به منصب خلیلی نصب گردید و حضرت محمد صلی الله علیه و آله در آن حبیب خدا خوانده شد و همین کوه بود که حق تعالی آن را مسکن انبیاء قرار داد).

پس حضرت فرمودند:

به خدا قسم بعد از آباء طاهرین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یعنی حضرت آدم و نوح علیهما السلام احدی کریم‌تر از امیرالمؤمنین علیه السلام در آن سکونت اختیار نکرده.

پس فرمودند:

و بدین ترتیب هرگاه اراده کردی نجف را، پس استخوان‌های آدم و بدن نوح و جسم علی بن ابی طالب علیه السلام را زیارت کن که زائر آباء اول و گذشته (آدم و نوح علیهما السلام) و حضرت محمد صلی الله علیه و آله که خاتم انبیاء است و حضرت علی علیه السلام که سید

اوصیاء بوده می‌باشی و باید توجه داشته باشی که برای زائر آن حضرت در ب‌های آسمان گشوده می‌شود پس از این خیر عظیم غافل مباش.

متن:

۳ - حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى، عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ أَبِي شَهَابٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: قَالَ الْحُسَيْنُ لِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: يَا أَبَتَ مَا جِزَاءَ مَنْ زَارَكَ؟ قَالَ: مَنْ زَارَنِي حَيًّا أَوْ مَيِّتًا أَوْ زَارَ أَبَاكَ كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أَزُورَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأُخَلِّصَهُ مِنْ ذُنُوبِهِ».

ترجمه:

«حدیث سوم»

علی بن حسین از علی بن ابراهیم بن هاشم و او از عثمان بن عیسی و او از معلی بن ابی‌شهاب و او از مولانا ابی‌عبدا لله علیه السلام نقل نموده، وی می‌گوید:
امام صادق علیه السلام فرمودند:

حضرت امام حسن علیه السلام محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله عرضه داشت:

ای پدر پاداش کسی که شما را زیارت کند چیست؟

حضرت فرمودند:

فرزندم! کسی که من را زیارت کند در زمان حیات یا بعد از ممات با پدر تو را زیارت کند بر خداوند عزوجل است که او را در روز قیامت زیارت کرده و از گناهانش برهاند.

﴿ الباب الحادى عشر ﴾

﴿ زيارة قبر أمير المؤمنين عليه السلام ﴾

﴿ وكيف يزار، و الدعاء عند ذلك ﴾

متن:

۱ - حدّثني أبو عليّ أحمد بن عليّ بن مهديّ قال: حدّثني أبي: عليّ بن صدّقة الرّقى قال: حدّثني عليّ بن موسى قال: حدّثني أبي موسى بن جعفر، عن أبيه جعفر عليه السلام «قال: زار زين العابدين عليّ بن الحسين عليه السلام قبر أمير المؤمنين عليّ بن أبي طالب عليه السلام ووقف على القبر فبكى، ثمّ قال: «السّلام عليك يا أمير المؤمنين ورحمة الله وبركاته، السّلام عليك يا أمين الله في أرضه وحبّته على عباده السّلام عليك يا أمير المؤمنين، أشهد أنّك جاهدت في الله حقّ جهاده و عملت بكتابه و اتّبعت سنن نبيه عليه السلام حتى دعاك الله في جواره و قبضك باختياره، و ألزم أعداءك المحبّة في قتلهم إيتاك مع ما لك من الحجج البالغة على جميع خلقه، اللهمّ فاجعل نفسي مطمئنّة بقدرك؛ راضية بقضائك، موليّة بذكرك و دعائك، محبّة لصفوة أوليائك، محبوبة في أرضك و سمائك، صابرة على نزول بلائك، شاكرة لتواضلي نعمائك، ذاكرة لسوايغ آلائك، مشتاقّة إلى فرحة لقاءك، متزوّدة التقوى ليوم جزائك، مسنتّة بسنن أوليائك، مفارقة لأخلاق أعدائك، مشغولة عن الدّنيا بحمدك و ثنائك».

ثم وضع خده على القبر وقال:

«اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُحِبِّينَ إِلَيْكَ وَالْهَمَّةُ، وَ سُبُلَ الرَّاعِبِينَ إِلَيْكَ
 شَارِعَةٌ، وَأَعْلَامَ الْقاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحَةٌ، وَأَفِيدَةَ الْعارِفِينَ مِنْكَ
 فَازِعَةٌ، وَأَصْوَاتَ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ صاعِدَةٌ، وَأَبْوَابَ الْإِجابَةِ لَهم مُفْتَحَةٌ،
 وَدَعْوَةَ مَنْ نَاجَاكَ مُسْتَجابَةٌ، وَتَوْبَةَ مَنْ أَنابَ إِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ، وَغَبْرَةَ مَنْ
 نَكى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ، وَالْإِعاثَةَ لِمَنْ اسْتَعانَ بِكَ مَوْجُودَةٌ، وَالْإِغااثَةَ
 لِمَنْ اسْتَعانَكَ بِكَ مَبذُولَةٌ، وَعِداتِكَ لِعِبادِكَ مُنَجِّزَةٌ، وَزَلَّ مَنْ اسْتَقَالَكَ
 مُقالَةٌ، وَأَعْمالَ الْعامِلِينَ لَدَيْكَ مَحفوظَةٌ، وَأَرْزاقَكَ إِلَى الْخالِقِ مِنْ
 لَدُنْكَ نازِلَةٌ، وَعَوائِدَ الْمَزِيدِ لَهم مُتواتِرَةٌ، وَذُنُوبَ الْمُسْتَعْفِرِينَ مَغْفُورَةٌ،
 وَخَوائِجَ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَةٌ، وَخَوائِزَ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ مَوْفُورَةٌ،
 وَعَوائِدَ الْمَزِيدِ إِلَيْهم وَاصِلَةٌ، وَمَوائِدَ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةٌ، وَمَناهِلَ
 الظَّماءِ لَدَيْكَ مُتَرَعَّةٌ، اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعائِي، وَاقْبَلْ ثَنائِي، وَأَعْطِنِي رَجائِي
 وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيائِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَليٍّ وَفاطِمَةَ وَالْحَسَنِ
 وَالْحُسَيْنِ عليهم السلام، إِنَّكَ وَليُّ نَعْمائِي، وَمُنْتَهَى رَجائِي، وَغايَةُ مُنايَ فِي مُنْقَلَبِي
 وَمَثْوايَ، أَنْتَ إِلهي وَسَيِّدِي وَمَولايَ، اغْفِرْ لي وَ لأَوْلِيائِنَا، وَكُفِّ عَنَّا
 أَعْداءَنا، وَاشغَلْهم عَن أذانِنا، وَأَظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَاجعَلْها أَلْغِيًا،
 وَأَدْحِضْ كَلِمَةَ الْباطِلِ وَاجعَلْها السُّفْلى، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

﴿باب یازدهم﴾
 ﴿زیارت قبر امیرالمؤمنین علیه السلام و کیفیت زیارت﴾
 ﴿و خواندن دعا در آنجا﴾

ترجمه: ﴿حدیث اول﴾

ابوعلی احمد بن علی بن مهدی می گوید:
 ابوعلی بن صدقه رئی برایم نقل نموده و گفت:
 علی بن موسی علیه السلام برایم نقل نموده و گفت:
 پدرم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از پدر بزرگوارش حضرت جعفر علیه السلام نقل
 فرمود که آن جناب فرمودند:
 حضرت زین العابدین علیه السلام قبر امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام را به این
 کیفیت زیارت کردند:

ابتداء بالای قبر توقف نموده و فصلی گریسته و بعد از آن فرمودند:
 سلام بر تو ای امیرمؤمنان و رحمت و برکات خداوند بر تو باد، سلام بر تو ای
 امین خدا در روی زمین و حجتش بر بنده گان، سلام بر تو ای امیرمؤمنان،
 شهادت می دهم که تو در راه خدا آن طور که شاید و باید جهاد نموده و به کتاب
 خدا عمل و سنن و احکام پیامبرش صلی الله علیه و آله را پیروی کردی تا حق تعالی تو را به
 جوار خودش خواند و به اختیار خویش قبض روح فرمود و به واسطه کشتنت
 دشمنان را در حالی که حجت ها و برامین بالغه الهی بر جمیع خلایق در دست تو
 بود حق تعالی بر دشمنان اتمام حجت نمود، بار خدایا نفس من را به تقدیرات
 خود مطمئن و به قضائت راضی و خشنود و به یاد و خواندنت حریص و نسبت
 به برگزیده گان از دوستانت محب و علاقه مند قرار بده، خداوند من را در زمین و
 آسمانت محبوب دیگران نما و بر نزول بلا و گرفتاری ها شکیبیا و در مقابل

نعمتهای بزرگت شاکر و نسبت به نعمتهای تامه و کاملهات ذاکر و متوجه و به سرور و شادی ملاقاتت مشتاق گردان.

خداوندا تقوی و پرهیزکاری را زاد و توشه‌ام قرار بده برای روز جزالت، و مؤدبم کن به آداب دوستانت و برحذرمدار از اخلاق و سجایای دشمنانت، خداوندا از تو می‌خواهم که بواسطه حمد و ستایشت از دنیا منصرفم نمایی.

سپس آن حضرت صورت مبارک بر قبر نهاده و عرضه داشت:

بار خدایا دل‌های خاشعین درگاهت واله تو است، و طرق و راه‌های مایلین به تو گشاده و باز و نشانه‌های قاصدین تو روشن و آشکار و دل‌های عارفین از تو به فزع آمده، و صدای خوانندگان بلند و درهای اجابت دعاهایشان گشوده، و دعای کسانی که تو را می‌خوانند مستجاب و توبه بازگشت کنندگان به تو پذیرفته می‌باشد.

بار خدایا اشک گریه کنندگان از خوفت مورد ترحم تو واقع شده و کمک تو نسبت به آنان که از تو طلب کمک کرده‌اند در خارج تحقق یافته و پناهت به پناهندگان به تو بذل و اعطاء گردیده و وعده‌هایت به بندگان تحقق پیدا کرده و لغزش کسانی که از تو طلب عفو کرده‌اند معفو قرار داده شده و اعمال عمل کنندگان نزد تو محفوظ بوده و ارزاق بندگان از نزد تو به ایشان نازل گشته، و احسان‌ها و نیکی‌های فراوان بر بندگان پشت سرهم بوده و گناهان استغفار کنندگان بخشیده شده و حاجت‌های مخلوقات به تو برآورده شده و پاداش‌های درخواست کنندگان از تو فراوان و نیکی‌های زیاد به آنها رسیده و خوان‌های طالبین طعام آماده و گسترده و آب خورگاه نشنگان نزد تو مملو و پر می‌باشد.

بار خدایا دعای من را مستجاب فرما و ستایش من را قبول نما و به من امید ببخش و بین من و دوستانم جمع فرما به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام، همانا تو ولی نعمت من و نهایت امیدم در برگشتن و درنگ نمودنم می‌باشی، توئی خدا و آقا و ولی من، من و دوستان ما را ببخش و شر دشمنان را از

ما بازدار و ایشان را از اذیت به ما روی گردان، کلمه حق را آشکار و آن را مرتفع و افزایشه نما و کلمه باطل را نابود و خوار گردان چه آنکه تو هر هر چیزی قادر و توانا هستی.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ - رَحِمَهُ اللَّهُ - فِيمَا ذَكَرَ مِنْ كِتَابِهِ الَّذِي سَمَّاهُ «كِتَابُ الْجَامِعِ»، رَوَى عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام «أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ عِنْدَ قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَوَّلُ مَظْلُومٍ؛ وَأَوَّلُ مَنْ غُصِبَ حَقُّهُ، صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ لَقِيتَ اللَّهَ، وَأَنْتَ شَهِيدٌ، عَذَّبَ اللَّهُ قَاتِلَكَ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ وَجَدَّدَ عَلَيْهِ الْعَذَابَ، جِثَّتْكَ عَارِفًا بِحَقِّكَ؛ مُسْتَبْصِرًا بِشَأْنِكَ؛ مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ وَمَنْ ظَلَمَكَ، أَلْتَقَى عَلَيَّ ذَلِكَ رَبِّي إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى إِنَّ لِي ذُنُوبًا كَثِيرَةً فَاسْتَفْعُ لِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا مَوْلَايَ، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامًا مَعْلُومًا، وَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ جَاهًا عَظِيمًا وَشَفَاعَةً، وَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ أَرَادَ» (۱).

و يقول عند قبر امیرالمؤمنین علیه السلام أيضاً:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِهِ وَمَعْرِفَةِ رَسُولِهِ صلی الله علیه و آله، وَمَنْ قَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ، رَحْمَةً مِنْهُ لِي وَتَطَوُّعاً مِنْهُ عَلَيَّ، وَمَنْ عَلَيَّ بِالْإِيمَانِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَيَّرَنِي فِي بِلَادِهِ وَحَمَلَنِي عَلَى دَوَابِّهِ، وَطَوَّأَ لِي الْبَعِيدَ؛ وَدَفَعَ عَنِّي الْمَكْرُوهَ حَتَّى أَدْخَلَنِي حَرَمَ أَخِي رَسُولِهِ قَارَانِيهِ فِي عَافِيَةٍ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

جَعَلَنِي مِنْ زُورِ قَبْرِ وَصِيِّ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
 هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
 وَخَدَهُ لِأَشْرِيكَ لَهُ، وَ [أَشْهَدُ] أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، جَاءَ بِالْحَقِّ مِنْ
 عِنْدِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا عَبْدُ اللَّهِ وَأَخُو رَسُولِهِ، اللَّهُمَّ عَبْدُكَ وَزَائِرُكَ
 يَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِزِيَارَةِ قَبْرِ أَخِي نَبِيِّكَ، وَعَلَى كُلِّ مَا نُحِقُّ لِمَنْ أَتَاهُ وَزَارَهُ،
 وَأَنْتَ خَيْرُ مَا نِي، وَأَكْرَمُ مَزُورٍ، وَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا جَوَادُ
 يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا قَرْدُ يَا صَدُّ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا
 أَحَدٌ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَأَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ إِيَّايَ
 مِنْ زِيَارَتِي فِي مَوْقِفِي هَذَا فَكَأَنَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يُسَارِعُ فِي
 الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُوكَ رَهْبًا وَرَغْبًا، وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْخَاشِعِينَ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ
 بَشَّرْتَنِي عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ فَقُلْتَ: «وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَهُمْ قَدَمٌ
 صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ» (١) اللَّهُمَّ فَإِنِّي بِكَ مُؤْمِنٌ وَبِحَمِيصِ أَنْبِيَائِكَ مُوقِنٌ، فَلَا
 تُوقِفْنِي بَعْدَ مَعْرِفَتِهِمْ مَرْقِفًا تَفْضَحُنِي بِهِ عَلَى رُؤُوسِ الْأَشْهَادِ، بَلْ أَوْقِفْنِي
 مَعَهُمْ، وَتَوَفَّنِي عَلَى التُّصَدِيقِ بِهِمْ، فَإِنَّهُمْ عَسِيدُكَ وَأَنْتَ خَصْصْتَهُمْ
 بِكَرَامَتِكَ وَأَمَرْتَنِي بِاتِّبَاعِهِمْ».

ثُمَّ تَدْنُو مِنَ الْقَبْرِ وَتَقُولُ: السَّلَامُ مِنَ اللَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ
 عَبْدِ اللَّهِ أَمِينِ اللَّهِ عَلَى وَخِيهِ وَعَزَائِمِ أَمْرِهِ، وَمَغْدِينِ السُّوْحِيِّ وَالسَّنْزِيلِ،
 وَالْحَنَانِ لِمَا سَبَقَ وَالْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ وَالْمَهِيْمِ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، وَالشَّاهِدِ
 عَلَى خَلْقِهِ، وَالسُّرَّاجِ الْمُنِيرِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اللَّهُمَّ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْمَظْلُومِينَ أَفْضَلَ وَأَكْمَلَ وَأَرْفَعَ وَأَشْرَفَ
مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَصْفِيَاءِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ وَخَيْرِ خَلْقِكَ بَعْدَ نَبِيِّكَ وَأَخِي رَسُولِكَ وَوَصِيِّ رَسُولِكَ،
الَّذِي انْتَجَبْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ بَعْدَ نَبِيِّكَ، وَالذَّلِيلِ عَلِيٍّ مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالَتِكَ،
وَدَيَّانِ الدِّينِ بَعْدَ ذَلِكَ، وَقَضَلِ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ
اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأُمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ الْقَرَّامِينَ بِأَمْرِكَ مِنْ بَعْدِهِ،
الْمُطَهَّرِينَ الَّذِينَ ارْتَضَيْتَهُمْ أَنْصَاراً لِدِينِكَ وَحَفَظَةً لِسُرِّكَ؛ وَشُهَدَاءَ عَلَى
خَلْقِكَ، وَأَعْلَاماً لِعِبَادِكَ - وَتَصَلِّ عَلَيْهِمْ مَا اشْتَطَعْتَ - السَّلَامُ عَلَى الْأُمَّةِ
الْمُسْتَوْدِعِينَ، السَّلَامُ عَلَى خَالِصَةِ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَى الْأُمَّةِ
الْمُتَوَسِّمِينَ، السَّلَامُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ قَامُوا بِأَمْرِكَ، وَوَارِثِيهِ وَأَوْلِيَاءِ
اللَّهِ، وَخَائِفِيهِمْ، السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُتَّقِينَ».

ثمَّ تقول: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ
وَوَارِثَ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَصَاحِبَ الْمَيْسَمِ وَالصَّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ،
أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ
عَنِ الْمُنْكَرِ، وَاتَّبَعْتَ الرُّسُولَ، وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ، وَجَاهَدْتَ
فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَنَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ، وَجُدْتَ بِنَفْسِكَ صَابِراً
مُحْتَسِباً بِجَاهِدِكَ عَنِ دِينِ اللَّهِ، مُوقِياً لِرَسُولِ اللَّهِ، طَالِباً مَا عِنْدَ اللَّهِ،
رَاجِئاً فِيهِ وَعَدَّ اللَّهُ، وَمَضَيْتَ لِذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيداً وَشَاهِداً
وَمَشْهُوداً، فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنِ رَسُولِهِ وَعَنِ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ».

لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ خَالَفَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ افْتَرَى عَلَيْكَ
 وَظَلَمَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ غَضَبَكَ حَقَّكَ، وَمَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ، أَنَا إِلَى اللَّهِ
 مِنْهُمْ بَرَاءٌ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً خَالَفَتْكَ؛ وَأُمَّةً جَحَدَتْ وَلَايَتَكَ؛ وَأُمَّةً تَظَاهَرَتْ
 عَلَيْكَ؛ وَأُمَّةً قَتَلَتْكَ؛ وَأُمَّةً حَادَتْ عَنْكَ وَخَذَلَتْكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ
 النَّارَ مَثْوَاهُمْ، وَبَيَّسَ الْوَرْدُ الْمَوْرُودَ، وَبَيَّسَ وَرْدُ الْمَوَارِدِينَ، وَبَيَّسَ
 دَرَكُ الْمُدْرِكِ، اللَّهُمَّ الْعَنُ قَتْلَةَ أَنْبِيَائِكَ وَأَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ بِجَمِيعِ لَعْنَاتِكَ،
 وَأَصْلِهِمْ حَرَّ نَارِكَ، اللَّهُمَّ الْعَنُ الْجَرَابِيثَ وَالطَّوَاغِيثَ وَالْفَرَاعِيثَ؛
 وَاللَّاتَ وَالْعُزَّى وَالْحِجَبَةَ، وَكُلَّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ، وَكُلَّ مُفْتَرٍ عَلَى اللَّهِ،
 اللَّهُمَّ الْعَنُهُمْ وَأَشْيَاعَهُمْ وَأَتْبَاعَهُمْ وَأَوْلِيَاءَهُمْ وَأَعْوَانَهُمْ وَمُحِبِّيهِمْ لَعْنًا
 كَثِيرًا».

و تقول: «اللَّهُمَّ الْعَنُ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام - ثلاثاً - اللَّهُمَّ الْعَنُ قَتْلَةَ
 الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عليهما السلام - ثلاثاً - اللَّهُمَّ عَذِّبْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا لَا تُعَذِّبُهُ أَحَدًا
 مِنَ الْعَالَمِينَ، وَضَاعِفْ عَلَيْهِمْ عَذَابَكَ كَمَا شَاقُّوا وَاوَلَاةَ أَمْرِكَ، وَأَعِدَّ
 لَهُمْ عَذَابًا لَمْ تَحِلَّه بِأَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ وَأَدْخِلْ عَلَى قَتْلَةِ أَنْصَارِ
 رَسُولِكَ، وَقَتْلَةِ أَنْصَارِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَعَلَى قَتْلَةِ أَنْصَارِ الْحَسَنِ وَعَلَى
 قَتْلَةِ أَنْصَارِ الْحُسَيْنِ، وَقَتْلَةِ مَنْ قُتِلَ فِي وَاوَلَاةِ آلِ مُحَمَّدٍ أَجْمَعِينَ عَذَابًا
 مُضَاعَفًا فِي أَثْقَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، وَلَا تُخَفِّفْ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا وَهُمْ
 فِيهِ مُتَلَسُّونَ مَلْعُونُونَ، نَاكِسُوا رُؤُسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ، قَدْ عَايَنُوا النَّدَامَةَ وَ
 الْحَزْنَ الطَّوِيلَ لِقَتْلِهِمْ عِتْرَةَ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَتْبَاعِهِمْ مِنْ عِبَادِكَ
 الصَّالِحِينَ، اللَّهُمَّ الْعَنُهُمْ فِي مُسْتَسِرِّ السُّرِّ وَظَاهِرِ الْعَلَانِيَةِ فِي أَرْضِكَ وَ
 سَمَانِكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي أَوْلِيَائِكَ، وَحَبِّبْ إِلَيَّ مَشَاهِدَهُمْ

حَتَّى تَلْجِئَنِي بِهِمْ وَتَجْعَلَنِي لَهُمْ تَبَعًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» .
 ثُمَّ اجْلِسْ عِنْدَ رَأْسِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقُلْ:

«سَلَامُ اللَّهِ وَ سَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ الْمُسْلِمِينَ لَكَ بِقُلُوبِهِمْ،
 وَ النَّاطِقِينَ بِفَضْلِكَ؛ وَ الشَّاهِدِينَ عَلَى أَنَّكَ صَادِقٌ [أَمِينٌ] صَادِقٌ؛
 عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، السَّلَامُ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ عَلَى رُوحِكَ وَ بَدَنِكَ، أَشْهَدُ
 أَنَّكَ طَهْرٌ طَاهِرٌ مُطَهَّرٌ، وَ أَشْهَدُ لَكَ يَا وَليَّ اللَّهِ وَ وَليَّ رَسُولِهِ بِالْبَلَاغِ وَ
 الْإِدَاءِ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ جَنَّبُ اللَّهِ وَ أَنَّكَ بَابُ اللَّهِ، وَ أَنَّكَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي
 مِنْهُ يُوتَى، وَ أَنَّكَ خَلِيلُ اللَّهِ وَ أَنَّكَ عَبْدُ اللَّهِ، وَ أَخْرَجَ رَسُولُهُ وَ قَدْ أَتَيْتَكَ
 وَاقِدًا لِعَظِيمِ حَالِكَ وَ مَنَزَلَتِكَ عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ رَسُولِهِ، أَتَيْتَكَ زَائِرًا
 مُتَقَرِّبًا إِلَى اللَّهِ بِزِيَارَتِكَ، طَالِبًا خَلَاصَ نَفْسِي مُتَعَوِّذًا بِكَ مِنْ نَارِ اسْتِحْقَاقِهَا
 بِمِثْلِ بِمَا جَنَيْتُهُ عَلَى نَفْسِي، أَتَيْتَكَ انْتِطَاعًا إِلَيْكَ وَ إِلَى وَليدِكَ الْخَلْفِ مِنْ
 بَعْدِكَ عَلَى بَرَكَةِ الْحَقِّ، فَقَلْبِي لَكَ مُسَلِّمٌ، وَ أَمْرِي لَكَ مُتَّبِعٌ، وَ نُصْرَتِي لَكَ
 مُعَدَّةٌ، وَ أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَ مَوْلَاكَ فِي طَاعَتِكَ، وَ الْوَاقِدُ إِلَيْكَ، أَلْتَمَسُ بِذَلِكَ
 كِمَالَ الْمَنْزِلَةِ عِنْدَ اللَّهِ، وَ أَنْتَ يَا مَوْلَايَ يَمُنُّ أَمْرُنِي اللَّهُ بِطَاعَتِهِ، وَ حَسْبِي
 عَلَى بَرِّهِ، وَ ذَلَّتْنِي عَلَى فَضْلِهِ، وَ هَدَانِي لِجَبِّهِ، وَ رَعْبَتْنِي فِي الْوِفَادَةِ إِلَيْهِ وَ إِلَى
 طَلَبِ الْحَوَائِجِ عِنْدَهُ، أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتٍ يَسْعَدُ مَنْ تَوَلَّاهُمْ، وَ لَا يَخْشِبُ مَنْ
 آتَاهُمْ، وَ لَا يَخْسِرُ مَنْ يَهْوَاهُمْ، وَ لَا يَسْقُدُ مَنْ عَادَاهُمْ، لَا أَجِدُ أَحَدًا أَنْزَعَ
 إِلَيْهِ خَيْرًا لِي مِنْكُمْ، أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، وَ دَعَائِمُ الدِّينِ، وَ أَرْكَانُ
 الْأَرْضِ، وَ الشَّجَرَةُ الطَّيِّبَةُ، اللَّهُمَّ لَا تُخَيِّبْ تَوَجُّهِي إِلَيْكَ بِرَسُولِكَ وَ آلِ
 رَسُولِكَ، اللَّهُمَّ أَنْتَ مَنَنْتَ عَلَيَّ بِزِيَارَةِ مَوْلَايَ وَ وَليَّيْتِهِ وَ مَعْرِفَتِهِ،
 فَاجْعَلْنِي مِمَّنْ تَنْصُرُهُ وَ يُنْتَصَرُ بِهِ، وَ مَنْ عَلَى بَنْصُرِكَ لِيَدِينَكَ فِي الدُّنْيَا وَ

الْآخِرَةَ، اللَّهُمَّ أَحْيِنِي عَلَى مَا حَيَّيْتَ عَلَيْهِ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام، وَامِتْنِي عَلَى مَمَاتٍ عَلَيْهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن حسن بن ولید رحمة الله عليه در کتابی که نامش را «کتاب الجامع» نهاد، می‌گوید:

از حضرت ابی‌الحسن عليه السلام روایت شده که آن جناب هنگام زیارت قبر امیرالمؤمنین عليه السلام می‌فرمودند:

سلام بر تو ای ولی خدا، شهادت می‌دهم که تو اولین مظلوم و اولین کسی که حَقُّش غصب شده می‌باشی، صبر و تحمل نمودی تا هنگامی که اجل تو را دریافت و شهادت می‌دهم که خدا را ملاقات نمودی در حالی که شهید بودی، عذاب کند خداوند متعال کشنده تو را به انواع عذاب‌ها و تجدید نماید بر او، آن به آن، عذاب را، نزد تو آمدم در حالی که به حَقِّت عارف و به شَأْن و مقامت مستبصر و نسبت به دشمنان و ظالمینت دشمن می‌باشم انشاء الله، خداوند را با همین مرام و عقیده، ملاقات خواهم نمود، بدرستی که گناهان زیادی بر عهده من است پس ای مولای من نزد پروردگارت شفیع من باش چه آنکه نزد خدا برای شما مقام و مرتبه‌ای معلوم و مشخصی بوده و جاه و جلال عظیمی ثابت می‌باشد و خود خداوند فرموده: و لا یشفعون الا لمن ارتضى.

و نیز حضرت هنگام زیارت قبر امیرالمؤمنین عليه السلام می‌فرمودند:

حمد سزاوار خداوندی است که به واسطه معرفت پیدا کردن به او و به رسولش صلى الله عليه وآله و به کسانی که حق تعالی طاعتشان را واجب گرداند، بر من اکرام نمود و این رحمتی است از ناحیه حضرتش بر من و فضیلتی است که نصیبم فرموده و همچنین ستایش شایسته ذات مقدّسش بوده که به واسطه ایمان بر من منت نهاد؛ حمد و ثناء خداوندی را سزد که من را در شهرهای روی زمینش سیر

داد و بر پشت حیواناتش سوار نمود و راه‌های دور را برای من درهم پیچید و هرگونه گزند و ناراحتی را از من دور ساخت تا به حرم برادر رسول گرامیش داخل نمود و آن را به من نشان داد در حالی که با عافیت و سلامتی می‌باشم، حمد سزاوار خداوندی است که من را از زائرین قبر وصی رسولش صلی الله علیه و آله قرار داد حمد شایسته ذاتی است که من را به این معنا هدایت فرمود و اگر او هدایت من نمی‌کرد ابدأ به آن راه نمی‌یافتم.

شهادت می‌دهم که معبودی غیر از حق تعالی که تنها و بدون شریک است وجود ندارد و شهادت می‌دهم که حضرت محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده او است حق را از ناحیه خدا آورده است و شهادت می‌دهیم که حضرت علی علیه السلام بنده خدا و برادر رسول او است.

بار خدایا، بنده‌ات و زائر تو به واسطه زیارت قبر برادر پینمبرت به سوی تو تقرب می‌جوید در حالی که بر هر مزور و زیارت شده‌ای حقی است که باید آن را نسبت به زائر اداء کند و تو بهترین و کریم‌ترین مزورها می‌باشی، و از تو درخواست می‌کنم ای الله و ای رحمن و ای رحیم و ای جواد و ای واحد و ای احد و ای فرد و ای صمد و ای کسی که نمی‌زاید و زانیده نشده و احدی هستایش نیست اینکه رحمتت را بر محمد و آل محمد و اهل بیتش نصیب گردانی و اینکه پاداشی که در قبال این زیارت به من می‌دهی آزادی من از آتش جهنم باشد، خداوند من را از کسانی قرار بده که در کارهای خیر شتاب کرده و در حال خوف و رجاء تو را می‌خواند، خدایا من را از خاشعین درگاهت قرار بده، خداوند تو با لسان پیامبرت به من بشارت داده و فرموده‌ای:

و بشر الذین آمنوا انّ لهم قدم صدق عند ربهم.

بار خدایا من به تو ایمان داشته و به تمام فرستادگانت یقین دارم از این رو انتظار دارم بعد از معرفت داشتن به ایشان من را در جانی نگه‌نداری که به طور علن و آشکار مقابل خلایق رسوایم نمائی بلکه تقاضایم این است که با این

ذرات محترم من را نگاه داشته و در حالی که آنها را تصدیق دارم از دنیا ببری چه آنکه انبیاء عظام بنده گان تو بوده و تو ایشان را به کرامت خود اختصاص داده و به من امر کرده‌ای که اطاعتشان کنم سپس به قبر نزدیک شو و بگو:

سلام از خدا به تو و سلام بر محمد بن عبدالله که امین خدا است بر وحی و امور لازمه او از قبیل احکام واجبه و محرّمه و مرکز وحی و نزول آیات و پایان دهنده گذشتگان و گشاینده آیندگان است، قائم بر تمام اینها و شاهد بر تمام خلق بوده، و چراغی فروزان و فروزنده می‌باشد سلام و رحمت و برکات خدا بر او باد. بار خدایا رحمت و اسعوات را بر محمد و اهل بیتش که مظلومین در این سرا هستند بفرست رحمتی برتر و کامل‌تر و بالاتر و گران‌قدرتر از هر رحمتی که بر انبیاء و فرستادگان و برگزیدگان فرستادی.

خداوندا رحمت خود را بر حضرت علی امیرالمؤمنین علیه السلام بفرست، وجود مبارکی که بنده تو را بهترین مخلوقات بعد از نبی و برادر رسول گرامبت و جانشین آن حضرت است، آقا و سروری که بعد از پیامبرت از میان مخلوقات انتخاب نموده و حضرتش را دلیل و نشان بر کسی که مسئول رساندن پیام‌هایت به خلق است قرار دادی، رهبری که سیاست‌مدار دین با عدالت تو بوده و فرجام و پایان دهنده داوری تو است در بین خلق، سلام و رحمت و برکات حق تعالی بر او باد.

خداوندا رحمت و اسعه خود را بر پیشوایانی که فرزندان امیرالمؤمنین علیه السلام هستند نصیب گردان، ایشان پس از حضرتش علیه السلام متصدی امر تو می‌باشند، آنان پاکیزه‌گانی هستند که تو به عنوان انصار دین و حافظین سر و شاهدین بر خلق و شاخص‌ها برای بنده گانت انتخابشان نمودی، بار خدایا به مقداری که قدرت و توان داری رحمتت را بر ایشان نازل گردان، سلام بر پیشوایانی که امین‌ها محسوب می‌گردند، سلام بر آنان که انتخاب شده‌گان خداوند متعال از میان خلق می‌باشند، سلام بر پیشوایانی که صاحبان فراست هستند، سلام بر مزمینینی که به

امر تو قیام نموده و درستان خدا را نصرت و کمک کرده و بواسطه خوف آنها ایشان نیز خائف هستند سلام بر فرشتگان مقرب خداوند.

سپس بگو:

سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای امیرمؤمنان، سلام بر تو ای دوست خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای ولی خدا، سلام بر تو ای حجت خدا، سلام بر تو ای سنون دین و وارث علم گذشتگان و آینده گان و دارنده وسینه گذاردن داغ و نشان و صاحب راه مستقیم. شهادت می دهم که تو نماز را به پاداشته و زکات را اداء نموده و به معروف امر و از منکر نهی فرموده و رسول را متابعت کرده و کتاب خدا را آن طور که شایسته است تلاوت و در راه خدا به جهاد برخاسته و حق آن را اداء کرده و برای رضاء خدا و رسولش نصیحت نموده ای.

شهادت می دهم که نفس شریف و جان عزیزت را در راه خدا ایثار کرده در حالی که بر بلاها و سختی ها صابر و فرازها را آزموده و رسول خدا را حافظ و نگهدار و خواستار آنچه رضاء خدا است، برده و در آنچه باری تعالی وعده داده خود را مایل و راغب قرار داده و در طریق حق و صوابی که بودی گام برداشتی و در این راه شهید گشته در حالی که بر آنچه از امت صادر گردیده شاهد و ناظر بوده و حقتعالی و رسول گرامیش و فرشتگان نیز شهادت می دهند که راه تو حق بوده و آنچه می باید اداء می کردی، اداء نمودی پس خداوند مژگان به خاطر رسول عزیزش و اسلام و اهل آن را به تو جزاء دهد آن هم برترین جزاها را.

خداوند متعال لعنت کند کسی را که تو را کشت و آنکه مخالفت تو را نمود و همچنین لعنت کند کسی که بر تو بهتان بست و به تو ظلم و ستم نمود و نیز لعنت کند کسی را که حق تو را غصب نمود و آنکه وقتی این خبر به او رسید خشنود گردید، خدایا شاهد باش که من از ایشان متنفر و بی زارم.

خداوند متعال لعنت کند امت و گروهی را که با تو مخالفت کردند و طائفه ی

را که ولایت تو را منکر شدند و قومی را که بر علیه تو تظاهر نمودند و جماعتی را که تو را کشتند و دسته‌ای را که از تو روی بر تافته و خوارت نمودند، حمد و سپاس خدا را که دوزخ را جای‌گاه ایشان قرار داد و محققاً محل ورود ایشان به موضعی است و محل ورود واردین نیز بد مکانی بوده و دَرک که طبقه زیرین دوزخ است و جای‌گاه ایشان می‌باشد نیز جای‌گاه بسیار بدی است.

خداوند قاتلین انبیاء و اوصیاء ایشان را با تمام انحاء لعن، لعنت کن و گرمای آتش دوزخ را به ایشان برسان، خداوند اجبت‌ها (بت‌ها و ساحرها و کاهن‌ها) و طاغوت‌ها (شیطان‌ها) و فرعون‌ها و لات و عزی و جبت و هر رقیب و ضدّ خداوندی که به جای حق تعالی خوانده می‌شود و تمام آنان که بر خداوند افتراء بسته‌اند لعنت‌نما، خداوند نام ایشان و تابعین آنها و پیروان و دوستان و کمک‌کنندگان و علاقه‌مندان ایشان را لعنت فراوان نما و بگو:

خداوند قاتلین امیرالمؤمنین علیه السلام را لعنت بفرما (سه بار).

خداوند ایشان را عذابی دردناک نما که احدی را چنین عذابی نکرده باشی، و سذاب خود را بر ایشان دو چندان کن همان طوری که اولیاء امورت را به مشقت و رنج انداختند و عذابی را که بر هیچ کس نکرده‌ای بر ایشان آماده نما.

خداوند بر قاتلین انصار رسولت و کشتندگان انصار امیرالمؤمنین و قاتلین انصار امام حسن و امام حسین علیهما السلام و کشتندگان کسانی که در راه ولایت و دوستی آل محمد علیهم السلام کشته شده‌اند عذابی وارد نما که برابر دو چندان عذاب دیگران بوده و آنها را در جای‌گاه زیرین جهنم قرار بده و هرگز در عذابشان تخفیف مده در حالی که به شدت در حسرت بوده و از رحمتت به دور مانده و نزد پروردگارشان سرافکنده هستند، ایشان به واسطه کشتن عترت انبیاء و پیامبران و پندگنان صالح ندامت و ذلت طولانی را معاینه حس خواهند نمود.

خداوند ایشان را در اخفی الخفاء و اظهر الظهور، در زمینت و آسمانت لعنت

نما.

خداوند نسبت به دوستان برای من زبانی صادق و راستگو قرار بده و حسب و دوستی زیارت شاهدشان را نصیبم گردان تا اینکه به ایشان ملحقم نموده و در دنیا و آخرت تابع و دنباله‌رو آنها فرارم دهی ای مهربان‌تر از هر مهربانی. سپس بالای سر آن حضرت بنشین و بگو:

سلام خدا و سلام فرشتگان و سلام آنان که با قلبشان تسلیم تو بوده و به فضل تو گویا و مقرر بوده و شهادت می‌دهند که تو راستگو و بسیار راستگو می‌باشی، بر تو ای آقای من، سلام خدا بر تو و بر روح و جسم تو، شهادت می‌دهم که تو پاکیزگی و پاک و پاک شده می‌باشی.

شهادت می‌دهم ای ولی خدا و ولی رسولش که تو آنچه را مأمور به رسانندش بودی رسانندی و امانتی که نزدت بود اداء کردی و شهادت می‌دهم که تو نزدیک‌ترین خلق به خدا بوده و باب الله (یعنی از راه تو باید به خدا نزدیک شد) هستی و وجه الله می‌باشی (یعنی اگر کسی بخواهد روی به خدا کند باید به تو روی نماید) و شهادت می‌دهم که تو دوست خالص خدا و بنده او و برادر رسولش می‌باشی.

همانا از راه دور به نزد تو آمده‌ام زیرا حال و منزلتت نزد خدا و رسولش بسیار عظیم و عالی است.

به نزدت آمده‌ام به حال زیارت در حالی که بواسطه این زیارت به حق تعالی تقرب جسته و رهائی نفسم از زندان شهوات را طلب نموده و از آتش دوزخی که همچون من به واسطه جنایت بر نفس و ظلم بر خرد استحقاقش را دارم به تو پناه می‌برم.

به نزدت آمده‌ام در حالی که از دیگران جدا و به تو و فرزندان که در هدایت مردم و رفع شبهات و ازاله جهل از ایشان جانشینان بعد از تو هستند متصل و مایلم لذا دل و قلبم تسلیم و افعال و اعمال تابع و کمک و نصرت‌م برای تو آماده می‌باشد و عن بنده خدا و در طریق طلعت و فرمان برداری خلاصت بوده و در کوچ

و سفر نمودن تو جهم به تو می باشد و بواسطه این معنا کمال منزلت و نهایت مرتبه را در نزد خدا طلب می کنم ای آقای من تو آن کسی هستی که حق تعالی فرمان به اطاعتش را به من داده و بر احسان به او وادارم کرده و بر فضل و شرافتش دلالت و به حب و دوستیش هدایتیم نموده و در پیمودن راه به سویش و نیز به طلب حوائج نزدش ترغیب کرده ای، شما خاندانی هستید که آن کس که شما را دوست بدارد سعادت مند گشته و آنکه نزدتان آید را ناامید نکرده و کسی که هوای شما را داشته باشد زیان ننموده و آنکه با شما دشمنی کند سعادت مند نمی گردد، هرگز سراغ ندارم کسی را که خیر رساننده تر باشد از شما به من، شما خاندان رحمت و ستون های دین و رکن های زمین و شجره طیبه می باشید.

خداوندا امیدی که از ناحیه تو جهم به تو به واسطه رسول و آل او می باشد را به ناامیدی مبدل مکن.

خداوندا به واسطه زیارت آقایم و دوستی و معرفتش بر من منت نهاده ای پس من را از کسانی قرار بده که او را کمک کرده ای.

خداوندا با کمک نمودنت دین خود را بر من در دنیا و آخرت منت بگذار

خداوندا من را زنده بدار بر آنچه علی بن ابی طالب علیه السلام بر آن زنده بود و میران بر آنچه عنی بن ابی طالب علیه السلام بر آن از دنیا رحلت فرمود.

متن:

۳ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ - عَمَّنْ حَدَّثَهُ - عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَوْزَمَةَ. وَ حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَوْزَمَةَ - عَمَّنْ حَدَّثَهُ - عَنِ الصَّادِقِ أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ علیه السلام

«قال: تقول عند قبر أمير المؤمنين علیه السلام :

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ أَنْتَ أَوْلُ مَظْلُومٍ وَأَوْلُ مَنْ عَصَبَ حَقَّهُ،

صَبْرَتْ وَ احْتَسِبَتْ حَقَّ اَتَاكَ الْيَقِينُ، وَ اَشْهَدُ اَنَّكَ لَقَيْتَ اللّٰهَ وَ اَنْتَ شَهِيدٌ، عَذَّبَ اللّٰهُ قَاتِلَكَ بِاَنْوَاعِ الْعَذَابِ، وَ جَدَّدَ عَلَيْهِ الْعَذَابَ، جِشْتَكَ عَارِفًا بِحُكْمِكَ، مُسْتَبْصِرًا بِشَانِكَ، مُوَالِيًا لِوَلِيَائِكَ، مُعَادِيًا لِاَعْدَائِكَ وَ مَنْ ظَلَمَكَ، اَلْتَقَى عَلَى ذَلِكَ رَبِّيْ اِنْ شَاءَ اللّٰهُ تَعَالَى، يَا وَلِيَّ اللّٰهِ اِنِّ لِيْ ذُنُوبًا كَثِيْرَةٌ، فَاسْتَفْعِلْ لِيْ اِلَى رَبِّكَ، فَاِنَّ لَكَ عِنْدَ اللّٰهِ مَقَامًا مَّعْلُومًا، وَ اِنَّ لَكَ عِنْدَ اللّٰهِ جَاهًا وَ شَفَاعَةً، وَ قَالَ: «لَا يَشْفَعُونَ اِلَّا لِمَنْ اَزْتَضَى وَ هُمْ مِنْ حُشِيِّتِهِ مُشْفِقُونَ» (۱)».

حدیثی محمد بن جعفر الرزاز القرشی، عن محمد بن عیسی بن عبید - عن بعض اصحابنا - عن ابي الحسن الثالث مثله.

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

محمد بن یعقوب از کسی که برایش نقل کرده و او از سهل بن زیاد و او از محمد بن اورمه و نیز پدرم از حسین بن حسن بن ابان و او از محمد بن اورمه و او از کسی که برایش نقل نموده و او از امام صادق علیه السلام یا از حضرت ابی الحسن الثالث علیه السلام نقل نموده که آن حضرت فرمودند:

نزد قبر امیرالمؤمنین علیه السلام بگو:

سلام بر تو ای ولی خدا، تو اول مظلوم و اول کسی هستی که حقش غصب شده، صبر نموده و تحمل کردی تا موت تو را دریافت و شهادت می دهم که خدا را ملاقات نمودی در حالی که شهید بودی، خدا قاتل و کشنده تو را به انواع عذابها معذب نموده و آن را بر او تجدید نماید، به نزدت آمده در حالی که به حقت آگاه و به شان و مرتبهات مطلع و نسبت به دوستانت دوست و دشمنان و

آننانکه به تو ظلم کرده‌اند دشمن می‌باشم، خدا را با همین حال ملاقات خواهم نمود ان شاء الله تعالی.

همانا گناهان زیادی در عهده من بوده پس نزد پروردگارت من را شفاعت فرما زیرا برای تو نزد او مقام و مرتبه‌ای معلوم بوده و در درگاهش شوکتی عظیم و حق شفاعت داری و خداوند خرد در قرآن کریمش فرموده:

و لا یشفعون الا لمن ار تضى و هم من خشیتہ مشفقون.

محمد بن جعفر رزاز قرشی از محمد بن عیسی بن عبید و او از برخی اصحاب و او از حضرت ابی الحسن ثالث علیه السلام مثل همین زیارت را نقل نموده.



مرکز تحقیق و تکثیر کتب اسلامی

«الباب الثاني عشر»

«وداع قبر أمير المؤمنين ﷺ»

من

١ - حدثني محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد في كتاب الجامع يروي عن أبي الحسن ﷺ «قال: إذا أردت أن تودع قبر أمير المؤمنين ﷺ فقل:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَشْتَوِدُّكَ اللَّهُ وَ
أَشْتَرِعِيكَ، وَأَقُوُّ عَلَيْكَ السَّلَامَ، آمِنًا بِاللَّهِ وَبِالرُّسُلِ وَبِمَا جَاءَتْ بِهِ
وَدَعَتْ إِلَيْهِ، وَإِذَا دَلَّتْ عَلَيْهِ فَارْتَبِعِي الشَّاهِدِينَ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلُهُ آخِرَ
الْقَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي، إِنِّي إِذَا قَامْتُ فِي ذَلِكَ فَابِقِي أَشْهَدُ فِي مَمْلُوقِي عَلِيٍّ مَا
كُنْتُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأُمَّةُ تَسْتَفِيهِمْ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ وَ
أَشْهَدُ أَنَّ مَنْ قَتَلَهُمْ وَحَارَبَهُمْ مُشْرِكُونَ وَمَنْ رَدَّ عَلَيْهِمْ فِي أَشْفَلِ دَرَكٍ
مِنَ الْجَحِيمِ وَأَشْهَدُ أَنَّ مَنْ حَارَبَهُمْ لَنَا أَعْدَاءٌ وَنَحْنُ مِنْهُمْ بِرُءَاءٍ، وَأَنَّهُمْ
جَزْبُهُ الشَّيْطَانِ، وَعَلَى مَنْ قَتَلَهُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ،
وَمَنْ شَرِكَ فِيهِمْ وَمَنْ سَرَّهُ قَتْلَهُمْ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بَعْدَ الصَّلَاةِ وَ
التَّسْلِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تَجْعَلُهُ آخِرَ الْقَهْدِ مِنْ
زِيَارَتِهِ، فَإِنَّ جَعَلْتَهُ فَاحْشُرْنِي مَعَ هَؤُلَاءِ الْمُسْمِينَ الْأُمَّةِ اللَّهُمَّ وَذَلِّ
قُلُوبَنَا بِالطَّاعَةِ وَالْمَنَاصِحَةِ وَالْحُبَّةِ وَحُسْنِ الْمَوَازَرَةِ».

﴿ باب دوازدهم ﴾
 ﴿ وداع قبر امیرالمؤمنین علیه السلام ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن احمد بن ولید در کتاب جامع از حضرت ابراهیم علیه السلام روایت نموده که آن جناب فرمودند: هنگامی که خواستی قبر امیرالمؤمنین علیه السلام را وداع کنی بگو:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد، تو را به خدا سپرده و از او خواستار نگاهبانی توام سلام بر تو می‌نمایم، به خدا و به رسولانش و به آنچه آورده و مردم را به آن دعوت کرده‌اند ایمان دارم پس ما را در زمره گواهان به این حقائق بنویس.

خدایا این زیارت را آخرین زیارتم قرار مده پس اگر مرا قبل از آن (زیارت دیگر) میراندی محققاً در حال مردنم به آنچه در حال حیات شهادت دادم، شهادت می‌دهم. شهادت می‌دهم که شما انمه و پیشوایان من هستید (در اینجا نام انمه ظاهرین سلام الله علیهم را یکی پس از دیگری بپر).

و شهادت می‌دهم کسانی که ایشان را کشته و با آنها به حرب برخاسته‌اند مشرک می‌باشند و شهادت می‌دهم به اینکه هرکس ایشان را رد کرده جایگاهش در پست‌ترین طبقات دوزخ می‌باشد.

و شهادت می‌دهم به اینکه هرکس با ایشان به حرب برخاست دشمن ما است و ما از او تنفر و دوری می‌جوئیم و قطعاً در زمره حزب شیطان می‌باشد و بر کسانی که ایشان را کشتند، لعنت خدا و فرشتگان و جمیع مردم باد و نیز لعنت خدا و فرشتگان و جمیع خلایق بر کسانی که در خون ایشان شریک شده و همچنین بر کسانی که از کشته شدن آنان مسرور و خرسحال شدند.

بار خدایا پس از دوره قلبی و زبانی از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد رحمت فرستی و این زیارت را آخرین زیارتم قرار ندهی و اگر آن را آخر زیارت من قرار دادی پس مرا با این امامان نامبرده محشور نما.

بار خدایا دل‌های ما را رام ایشان و برای اطاعتشان و خیرخواهی و محبت و نیکو پشتیبانی نمودن قابل گردان.

﴿ الباب الثالث عشر ﴾

﴿ فضل الفرات و شربه و الغسل فيه ﴾



متن:

۱ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام «قَالَ: الْمَاءُ سَيِّدُ شَرَابِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَرْبَعَةُ أَنْهَارٍ فِي الدُّنْيَا مِنَ الْجَنَّةِ: الْفُرَاتُ، وَالنَّيْلُ، وَسَيْحَانُ، وَجَيْحَانُ. الْفُرَاتُ: الْمَاءُ، وَالنَّيْلُ: الْعَسَلُ، وَسَيْحَانُ: الْخَمْرُ وَجَيْحَانُ: اللَّبَنُ».

﴿ باب سیزدهم ﴾

﴿ فضیلت آب فرات و نوشیدن و غسل نمودن در آن ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم علیه‌الرحمه از سعد بن عبدالله و او از احمد بن محمد بن عیسی و او از عیسی بن عبدالله بن محمد بن عمر بن علی بن ابی‌طالب علیه السلام و او از پدرش و او

از جدش و او از حضرت علی علیه السلام نقل نموده که آن جناب فرمودند:
 آب سرور مایعات دنیا و آخرت می باشد و چهار نهر در دنیا هستند که از
 بهشت می باشند و آنها عبارتند از:
 فرات، نیل، سیحان و جیحان.
 فرات آب بوده و نیل غسل و سیحان خمر و جیحان شیر می باشند.

متن:

۲- و عنه عن أبي جميلة، عن سليمان بن هارون أنه «سمع أبا عبد الله عليه السلام يقول: من شرب من ماء الفرات و حثك به فهو محبنا أهل البيت».

«حدیث دوم»

ترجمه:

سعد بن عبدالله، از ابو جمیل و از سلیمان بن هارون نقل کرده که ری از
 حضرت ابا عبدالله علیه السلام شنید که آن حضرت می فرمودند:
 کسی که از آب فرات بنوشد و با آن نحس کند دوستدار ما خاندان خواهد
 بود.

متن:

۳- و بإسناده عن أحمد بن محمد، عن عثمان بن عيسى، عن
 أبي الجارود، عن أبي جعفر عليه السلام «قال: لو أن بيننا وبين الفرات كذا وكذا
 ميلاً لذهبنا إليه واستشفينا به».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

سعد بن عبدالله به اسنادش از احمد بن محمد، از عثمان بن عیسی، از ابی الجارود، از حضرت ابی جعفر علیه السلام آن حضرت فرمودند:
اگر فاصله بین ما و بین فرات فلان و فلان مقدار میل می بود همانا این راه را طی می کرده و به آن آب خود را می رسانده و بواسطه اش استشفاء می جستیم.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ، عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ، عَنِ سَلِيمَانَ بْنِ هَارُونَ الْعَجَلِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: مَا أَظُنُّ أَحَدًا يُحَنِّكُ بِمَاءِ الْفَرَاتِ إِلَّا أَحَبَبْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، وَ سَأَلَنِي: كَمْ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مَاءِ الْفَرَاتِ، فَأَخْبَرْتَهُ، فَقَالَ: لَوْ كُنْتُ عِنْدَهُ لِأَحَبَبْتُ أَنْ آتِيَهُ طَرَفِي النَّهَارِ.

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

محمد بن حسن بن احمد بن ولید، از محمد بن حسن صفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسن بن علی بن فضال، از ثعلبه بن میمون، از سلیمان بن هارون عجلی، وی می گویند:
از حضرت ابا عبدالله علیه السلام شنیدم که می فرمود:
گمان نمی کنم کسی با آب فرات نحتبک کند مگر آنکه دوست دار ما اهل بیت می باشد، سپس فرمود: فاصله بین تو و آب فرات چه مقدار می باشد؟
پس محضرش خبر داده و فاصله مزبور را بیان کردم.
حضرت فرمودند:

اگر من در این فاصله می بودم دوست می داشتم در طرف روز (صبح و غروب) به فرات بروم.

متن:

۵- و حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ نَهْيِكَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «وَأَوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ»^(۱)، قَالَ: «الرَّبْوَةُ» نَجْفُ الْكُوفَةِ؛ وَ «الْمَعِينُ» الْفُرَاتُ.»

ترجمه:

﴿ حدیث پنجم ﴾

علی بن حسین بن موسی از علی بن ابراهیم بن هاشم از پدرش، از علی بن حکم از سلیمان بن نهیک، از حضرت ابی عبد الله عليه السلام نقل کرده که آن حضرت در ذین فرموده خداوند عزوجل:

و آویناها الی ربوة ذات قرار و معین.

فرمودند:

مقصود از «ربوه» نجف کوفه و از «معین» فرات می باشد.

متن:

۶- «و حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ ابْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ الْحَسَنِ، عَنْ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ عَلِيِّ عليه السلام «قَالَ: الْفُرَاتُ سَيِّدُ الْمِيَاهِ فِي

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

ترجمه: ﴿ حدیث ششم ﴾

علی بن حسین رحمة الله علیه از سعد بن عبدالله و او از احمد بن محمد بن عیسی و او از عیسی بن عبدالله بن محمد بن عمر و او از پدرش و پدرش از جد وی و او از حضرت علی علیه السلام نقل کرده، که آن حضرت فرمودند: فرات در دنیا و آخرت سرور آبها است.

متن:

۷- و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ - عَمَّنْ حَدَّثَهُ - عَنْ حَنَّانِ بْنِ سَدِيرٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ حَكِيمِ بْنِ جُبَيْرٍ رضي الله عنه قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ رضي الله عنه يَقُولُ: إِنَّ مَلَكًا يَهْبِطُ كُلَّ لَيْلَةٍ مَعَهُ ثَلَاثَ مِثْقَالٍ مَسْكٍ مِنْ مَسْكِ الْجَنَّةِ قَيْطَرِحَهَا فِي الْفِرَاتِ، وَ مَا مِنْ نَهْرٍ فِي شَرْقٍ وَ لَا فِي غَرْبٍ أَعْظَمَ بَرَكَةً مِنْهُ».

ترجمه: ﴿ حدیث هفتم ﴾

محمد بن عبدالله از پدرش عبدالله بن جعفر حمیری، از احمد بن ابی عبدالله، از پدرش، از کسی که برای او حدیث گفته، از حنان بن سدیر، از پدرش، از حکیم بن جبیر، وی می گوید:

از حضرت علی بن الحسین علیه السلام شنیدم که می فرمود: فرشته‌ای در هر شب به زمین فرود می آید در حالی که با سه مثقال مشک از مشک‌های بهشتی است پس آن را در فرات می ریزد و هیچ نهری در شرق و غرب نیست که برکنش بیشتر از آن باشد.

متن:

۸- و حدَّثني عليُّ بن محمد بن قولويه، عن أحمد بن إدريس، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن ابن فضال، عن ابن أبي عمير، عن الحسين بن عثمان، - عن ذكره - عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: تَطُورُ فِي الْقُرَاتِ كُلِّ يَوْمٍ قَطْرَاتٍ مِنَ الْجَنَّةِ».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

علی بن محمد بن قولویه: از احمد بن ادريس، از احمد بن محمد بن عيسى، از ابن فضال، از ابن ابی عمیر، از حسین بن عثمان از کسی که یادش نموده، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:
هر روز در فرات قطراتی از بهشت می ریزد.

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

متن:

۹- حدَّثني محمد بن الحسن بن علي بن مهزيار، عن أبيه، عن جدِّه علي بن مهزيار، عن الحسن بن سعيد، عن علي بن الحكم، عن ربيع بن محمد المنجلي، عن عبد الله بن سليمان «قال: لما قَدِمَ أبو عبد الله عليه السلام الكوفةَ في زمن أبي العباس فجاء علي دابته في ثياب سَفْرِهِ حتى وقف على جِسر الكوفة، ثم قال لغلامه: اشقني؛ فأخذ كوزَ مَلّاحٍ فَعَرَفَ له به فأسقاه فشرب والماء يسيل من شِدْقِيهِ وعلى لحيته وثيابه، ثم استزاده فزاده فحمد الله، ثم قال: نَهْرُ ماءٍ ما أعظم بَرَكَتِهِ، أما إنَّه يسقط فيه كلُّ يومٍ سبع قَطْرَاتٍ مِنَ الْجَنَّةِ، أما لو علم الناس ما فيه مِنَ الْبَرَكَاتِ لَضَرَبُوا

الأخبية على حافته، أما لولا ما يدخله من الخاطئين ما اغتمس فيه
ذو عاهة إلا براء».

«حدیث نهم»

ترجمه:

محمد بن حسن بن علی بن مهزیار از پدرش، از جدش علی بن مهزیار از
حسن بن سعید، از علی بن حکم، از ربیع بن محمد مُسَلّی، از عبدالله بن سلیمان،
وی می گوید:

در زمان ابی العباس وقتی حضرت ابی عبدالله علیه السلام به کوفه تشریف آوردند
سوار مرکب بوده در حالی که لباسهای سفر به تن داشتند، حضرت روی پل کوفه
توقف فرموده سپس به غلام فرمودند:

به من آب بده.

غلام کوزه کشتی بانی را گرفت و در آن آب ریخت و سپس به حضرت آب
داد.

آن جناب آب را نوشیدند در حالی که آب از دو گوشه دهانشان جاری برد و
بر محاسن شریف و لباسهای آن حضرت می ریخت سپس دوباره آب طلبیدند و
غلام به حضرتش آب داد حضرت حمد و ستایش حق تعالی به جای آورده سپس
فرمودند:

فرات نهر آبی است و چقدر برکتش زیاد می باشد در این آب هر روز هفت
قطره از بهشت می ریزد و اگر مردم به برکتی که در این آب هست واقف بودند
مسئماً در اطراف آن خیمه می زدند و از آن توشه بر می داشتند.

سپس حضرت فرمودند:

اگر گناه کاران در آن داخل نشده بودند به طور قطع و جزم هر مریض و آفت

زده‌ای که داخلش می‌شد و در آن فرو می‌رفت مرضش بهبود می‌یافت و آفتش برطرف می‌گشت.

متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عَلِيٍّ ابْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ عُرْفَةَ، عَنْ رَبِيعِيٍّ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «شَاطِئُ الْوَادِ الْأَيْمَنِ» الَّذِي ذَكَرَهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ هُوَ الْفَرَاتُ، وَ«الْبُقْعَةُ الْمُبَارَكَةُ» هِيَ كَرِبْلَاءُ، وَ«الشَّجَرَةُ» هِيَ مُحَمَّدٌ عليه السلام».



ترجمه:

ترجمه: محمد بن حسن بن علی بن مهزیار از پدرش و او از جد وی یعنی علی بن مهزیار و او از حسن بن سعید و او از علی بن حکم و او از عرفه و او از ربیع، وی می‌گوید:
امام صادق علیه السلام فرمودند:

کنار وادی ایمن که حق تعالی در قرآن فرموده همان فرات بوده و مقصود از «بقعه مبارکه» کربلا و از «شجره» وجود مقدس حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌باشد. (۱)

۱ - مقصود آیه (۳۰) از سوره قصص است که آن عبارت است از:

فَلَمَّا أَتَيْهَا تَوَدَّىٰ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَأْمُرَ بِأَنْ يَأْتِيَ اللَّهُ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

متن:

۱۱ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارٍ ، عَنْ أَخِيهِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ ، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عُمَانَ ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام . وَ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ - عَمَّنْ ذَكَرَهُ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام « قَالَ : مَا أَظُنُّ أَحَدًا يُحْتَكُّ بِمَاءِ الْفَرَاتِ إِلَّا كَانَ لَنَا شِيعَةً » .
و روى ابن أبي عمير، عن بعض أصحابنا « قال: يجري في الفرات ميزابان من الجنة ».

﴿ حدیث یازدهم ﴾

ترجمه:

پدرم از سعد بن عبدالله و او از ابراهیم بن مهزیار و او از برادرش علی بن مهزیار و او از ابن ابی عمیر و او از حسین بن عثمان و او از حضرت ابی عبدالله عليه السلام نقل نموده....

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

و محمد بن ابی حمزه از کسی که یادش نموده و او از حضرت ابی عبدالله عليه السلام نقل نموده که آن جناب فرمودند: گمان نمی‌کنم احدی به آب فرات تحنیک کند مگر آنکه شیعه و تابع ما خواهد شد.

راوی می‌گوید: ابن ابی عمیر گفته است این روایت را ابن سنان برایم نقل نموده.

و نیز ابن ابی عمیر از برخی اصحاب نقل کرده که گفته است: دو ناردان از بهشت در آب فرات جاری می‌باشد.

متن:

۱۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّقَّارِ ، عَنْ

العباس ابن معروف، عن علی بن مهزیار، عن محمد بن إسماعیل، عن حنان بن سدید، عن حکیم بن جبیر الأسدی «قال: سمعت علی بن الحسین علیه السلام يقول: إِنَّ اللَّهَ يَهْبِطُ مَلَكًا كُلَّ لَيْلَةٍ مَعَهُ ثَلَاثُ مِثْقَالٍ مِنْ مِشْكٍ الْجَنَّةِ فَيَطْرَحُهُ فِي قُرَاتِكُمْ هَذَا، وَمَا مِنْ نَهْرٍ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَلَا فِي غَرْبِهَا اعْظَمَ بَرَكَتَهُ مِنْهُ».

ترجمه: ﴿حدیث دوازدهم﴾

محمد بن حسن از محمد بن حسن صفار، از عباس بن معروف، از علی بن مهزیار، از محمد بن اسمعیل، از حنان بن سدید از حکیم بن جبیر اسدی، وی می گوید:

از حضرت علی بن الحسین علیه السلام شنیدم که می فرمود:

خداوند متعال در هر شب فرشته ای نازل می کند که با او سه مثقال از مشک بهشتی است پس آن فرشته مشک را در فرات (همین فرات) می ریزد و هیچ نهری در شرق و غرب زمین با برکت تر از فرات نمی باشد.

متن:

۱۳- حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهٍ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ،

عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى، عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ، عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ، عَنْ سَلْمَانَ بْنِ هَارُونَ «قَالَ: أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا ظَنُّ أَحَدًا يُحَسِّنُ جَاءَ الثَّرَاتِ إِلَّا أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ».

ترجمه: ﴿ حدیث سیزدهم ﴾

علی بن حسین بن موسی بن بابویه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از ابن فضال، از ثعلبه بن میمون، از سلیمان بن هارون، می گوید:
حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

گمان نمی کنم احدی با آب فرات تحنیک کند مگر آنکه ما اهل بیت پیامبر را دوست می دارد.

متن:

۱۴ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنِ أَبِيهِ، عَنْ أَحَدِ
بَنِي مُحَمَّدِ الْبَرْقِيِّ، عَنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَمَّادِ الْكُوفِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ
بْنُ مُحَمَّدٍ - الْحَجَّالُ، عَنْ غَالِبِ بْنِ عَثْمَانَ، عَنْ عُقْبَةَ بْنِ خَالِدٍ «قَالَ: ذَكَرَ
أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الْفَرَاتَ قَالَ: أَمَا إِنَّهُ مِنْ شِيعَةِ عَلِيٍّ عليه السلام وَمَا حُنِّكَ بِهِ أَحَدٌ إِلَّا
أَهْلَ الْبَيْتِ».

ترجمه: ﴿ حدیث چهاردهم ﴾

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش، از احمد بن محمد برقی از
عبدالرحمن بن حماد کوفی، وی می گوید: عبدالله بن محمد حجّال، از غالب بن
عثمان و او از عقبه بن خالد نقل کرده، وی می گوید: حضرت ابو عبدالله علیه السلام نامی
از فرات بردند سپس فرمودند:

فرات در زمره شیعیان علی علیه السلام بوده و احدی با آن تحنیک نمی کند مگر آنکه
ما اهل بیت را دوست دارد.

متن:

۱۵ - حَدَّثَنِي أَبِي، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَثِيلٍ، عَنِ عِمْرَانَ بْنِ مُوسَى، عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْجَامُورَانِيِّ الرَّازِيِّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ، عَنِ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنِ صَنْدَلٍ، عَنِ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: مَا أَحَدٌ يَشْرَبُ مِنْ مَاءِ الْفَرَاتِ وَ يُحْتَكُّ بِهِ إِذَا وُلِدَ إِلَّا أَحَبَّنَا، لِأَنَّ الْفَرَاتَ نَهْرٌ مُؤْمِنٌ».

«حدیث پانزدهم»

ترجمه:

پدرم، از حسن بن مثیل، از عمران بن موسی، از عبدالله جامورانی رازی، از حسن بن علی بن ابی حمزه، از سیف بن عمیره، از صندل از هارون من خارجه، وی می گوید:

حضرت ابو عبدالله ﷺ فرمودند: هر کس از این نهر پانی بنوشد

احدی نیست که هنگام تولد از آب فرات بنوشد و با آن تحنیک نماید مگر آنکه ما را دوست می دارد زیرا فرات نهر مؤمن می باشد.

متن:

۱۶ - وَ بِإِسْنَادِهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ، عَنِ أَبِيهِ، عَنِ أَبِي بصير، عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ «قَالَ: نَهْرَانِ مُؤْمِنَانِ، وَ نَهْرَانِ كَافِرَانِ، نَهْرَانِ كَافِرَانِ نَهْرُ بَلْخِ وَ دِجْلَةُ، وَ الْمُؤْمِنَانِ نَيْلُ مِصْرَ وَ الْفَرَاتُ، فَحَتَّكُوا أَوْلَادَكُمْ بِمَاءِ الْفَرَاتِ».

﴿ حدیث شانزدهم ﴾

ترجمہ:

ترجمہ: پدرم بہ اسنادش از حسن بن علی بن ابی حمزہ، از پلرش، ابی بصیر، از حضرت ابی عبداللہ علیہ السلام نقل کردہ کہ آن جناب فرمودند:

دو نہر مؤمن و دو نہر کافر می باشند.

دو نہر کافر عبارتند از: نہر بلخ و نہر دجلہ.

دو نہر مؤمن عبارتند از: رود نیل و رود فرات.

پس فرزندانان را، با آب فرات تحنیک نمائید.

﴿ الباب الزايع عشر ﴾

﴿ حب رسول اللہ ﷺ و الحسن و الحسين علیہ السلام ﴾

﴿ و الأمر بحبہما و نواب حبہما ﴾

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

متن:

۱ - حدیثی ابی - رحمہ اللہ -، عن سعد بن عبداللہ بن ابی خلف؛
و عبداللہ ابن جعفر الحمیری؛ و محمد بن یحیی العطار جمیعاً، عن أحمد
بن محمد بن عیسی، عن علی بن الحکم؛ و غیرہ، عن جمیل بن درّاج، عن
أخيه نوح، عن الأجلح، عن سلمة بن كهيل، عن عبدالعزیز، عن علی علیہ السلام
«قال: كان رسول اللہ ﷺ يقول: يا علي لقد أذهلني هذان الغلامان - يعني
الحسن والحسين - أن أحبّ بعدهما أحداً [أبدأ] إن ربي أمرني أن أحبّهما
وأحبّ من يُحبّهما».

﴿باب چهاردهم﴾

﴿در بیان محبت حضرت رسول خدا ﷺ به حضرت﴾
 ﴿امام حسن و امام حسین ﷺ و امر نمودن حضرت به محبت داشتن﴾
 ﴿و ثواب محبت به آن دو بزرگوار﴾

﴿حدیث اول﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبدالله بن ابی خلف و عبدالله بن جعفر حمیری و محمد بن یحیی عطار جملگی از احمد بن محمد بن عیسی و از علی بن حکم و غیر محمد بن یحیی عطار از جمیل بن دراج و او از برادرش نوح و از ازاجلیح و او از سلمه بن کهبیل و او از عبدالعزیز و او از حضرت علی ﷺ نقل نمود که آن جناب فرمودند: رسول خدا ﷺ فرمودند:
 ای علی (ﷺ) این در کودکی یعنی حسن و حسین ﷺ من را منصرف کرده‌اند از اینکه کسی بعد از ایشان را دوست داشته باشیم، پروردگارم مرا امر فرمود که ایشان و کسی ایشان را دوست دارد، دوست داشته باشم.

متن:

۲- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الزَّيْدِيِّ، عَنِ أَبِيهِ، عَنِ عَلِيِّ بْنِ عَبَّاسٍ؛ وَ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ حَرْبٍ جَمِيعًا قَالَ: حَدَّثَنَا مَنْ سَمِعَ بَكْرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْمُرِّيَّ، عَنِ عِمْرَانَ بْنِ الْحَصِينِ «قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِي: يَا عِمْرَانُ إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مَوْقِعًا مِنَ الْقَلْبِ، وَ مَا وَقَعَ مَوْقِعَ هَذَيْنِ الْغَلَامَيْنِ مِنْ قَلْبِي شَيْءٌ قَطُّ، فَقُلْتُ: كُلُّ هَذَا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: يَا عِمْرَانُ وَ مَا خَفِيَ عَلَيْكَ أَكْثَرَ أَنْ اللَّهَ أَمَرَ فِي بَحْتَيْهَا».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن احمد بن ابراهیم از حسین بن علی زیدئی و او از پدرش و او از علی بن عباس و عبدالسلام بن حرب جمعاً نقل کرده، عبدالسلام بن حرب می گویند: کسی که حدیث را از بکر بن عبدالله مزنی شنیده برایم از عمران بن حصین نقل نموده که وی گفت: رسول خدا ﷺ به من فرمودند:

ای عمران:

هر چیزی در قلب جایگاهی دارد ولی جایگاه این دو کودک از قلب من هرگز مکان خاصی نیست.

عمران می گویند: عرض کردم ای رسول خدا تمام قلب شما جایگاه این دو

است؟

حضرت فرمودند:

ای عمران: آنچه بر تو مخفی مانده بیش از آن است که دانسته‌ای، خداوند

متعال من را به محبت ایشان امر فرموده است.

متن:

۳ - حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ - عَمَّنْ حَدَّثَهُ - عَنْ سَفِيَانَ الْجَرِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي رَافِعٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ أَبِي ذَرِّ الْغَفَارِيِّ «قَالَ: أَمَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِحُبِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ ﷺ، فَلَنَا أَحَبُّهَا وَأَحَبُّ مَنْ يَحِبُّهَا لِحُبِّ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَيَّاهُمَا.»

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

پدرم از سعد بن عبدالله و او از محمد بن حسین بن ابی الخطاب و او از کسی

که برایش حدیث کرده و او از سفیان جریری و او از پدرش و او از ابی رافع و او از

پدرش و او از جد وی و او از ابوذر غفاری نقل کرده که فرمود:
رسول خدا ﷺ من را به محبت امام حسن و امام حسین ﷺ امر فرمود پس
من ایشان و کسی که آنها را دوست داشته باشد درست دارم زیرا رسول خدا ﷺ
ایشان را دوست دارد.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي رَجُلٌ -
نسبت اسمہ - من أصحابنا، عن عبيد الله بن موسى، عن مهلهل العبدي،
عن أبي هارون العبدي، عن ربيعة السعدي، عن أبي ذر الغفاري قال:
رأيت رسول الله ﷺ يقبل الحسن والحسين ﷺ وهو يقول: من أحب
الحسن والحسين وذرئتهما مخلصاً لم تفتح النار وجهه ولو كانت
ذنوبه بعدد رمل عالج إلا أن يكون ذنبه ذنباً يخرج من الإيمان».

«حدیث چهارم»

ترجمہ:

پدرم از عبدالله بن جعفر حمیری نقل نموده که وی گفت:
مردی که نامش را فراموش کرده‌ام و از اصحاب ما بود از عبيدالله بن موسى و
او از مهلهل عبدي و او از ابی هارون عبدي و او از ربيعة السعدي و او از
ابی ذرغفاری نقل کرد که وی فرمود: رسول خدا ﷺ را دیدم که حسن و حسین
ﷺ را می‌بوسید و می‌فرمود:

کسی که حسن و حسین ﷺ و ذریه این دو را دوست داشته و ایشان را
خالصانه بخواند آتش دوزخ هرگز صورتشان را نسوزاند اگرچه گناهان آنها به
مقدار ریگ‌های بیابان باشد مگر آنکه گناهانشان ایشان را از ایمن خارج کرده
باشند.

متن:

۵ - حدَّثني محمد بن جعفر الرِّزَّاز القرشي قال: حدَّثني محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن الحسن بن محبوب - عمَّن ذكره - عن علي بن عابس، عن الحَجَّال، عن عمرو بن مُرَّة، عن عبد الله بن سلمة، عن عُبَيْدة السَّلْماني، عن عبد الله بن مسعود «قال: قال: سمعتُ رسولَ الله ﷺ يقول: مَنْ كان يحبني فليحبَّ ابني هذين، فإنَّ الله أمرني بحبِّهما».

ترجمه: ﴿حدیث پنجم﴾

محمد بن جعفر رزّاز قرشی می گوید:

محمد بن حسین بن خطاب از حسن بن محبوب از کسی که نامش را برده، از علی بن عابس، از حجّال، از عمرو بن مرّة از عبد الله بن سلمة از عبیده سلمانی، از عبد الله بن مسعود نقل کرده که وی گفت:

از رسول خدا ﷺ شنیدم که می فرمودند:

کسی که مرا دوست دارد باید این دو کردک (امام حسن و امام حسین) را هم دوست باشد چه آنکه خداوند من را به دوست داشتن این دو امر فرموده است.

متن:

۶ - حدَّثني أبي، عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن أبيه محمد بن عيسى، عن عبد الله بن المغيرة، عن محمد بن سليمان الرِّزَّاز، عن عمرو بن شمر، عن جابر، عن أبي جعفر ﷺ «قال: قال رسول الله ﷺ: مَنْ أراد أن يتمسك بعروة الله الوثقى التي قال الله تعالى في كتابه فليوال علي بن أبي طالب و الحسن والحسين، فإنَّ الله يحبُّهما من فوق عرشه».

ترجمه:

«حدیث ششم»

پدرم از سعد بن عبدالله و او از احمد بن محمد بن عیسی و او از پدرش و او از محمد بن عیسی و او از عبدالله بن مغیره و او از محمد بن سلیمان بزّاز و او از عمرو بن شمر و او از جابر و او از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل نموده که آن جناب فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

کسی که می خواهد به ریسمان محکم خدا که حضرتش در قرآن از آن یاد کرده جنگ بزند باید علی بن ابی طالب علیه السلام و حسن و حسین علیهما السلام را دوست بدارد چه آنکه خداوند متعال از فوق عرش این دو را دوست دارد.

متن:

۷- و عنه عن أحمد بن محمد، عن أبيه؛ و عبدالرحمن بن أبي نجران - عن رجل - عن عباس بن الوليد، عن أبيه، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ أَبْغَضَ الْحَسْنَ وَالْحُسَيْنَ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَيْسَ عَلَى وَجْهِهِ لَحْمٌ، وَ لَمْ تَنْلَدْ شِفَاعَتِي».

ترجمه:

«حدیث هفتم»

پدرم از سعد بن عبدالله و او از احمد بن محمد و او از پدرش و نیز عبدالرحمن بن ابی نجران از شخصی و او از عباس بن ولید و او از پدرش و او از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل نموده که حضرت فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

کسی که نسبت به امام حسن و امام حسین علیهما السلام بغض داشته باشد روز قیامت خواهد آمد در حالی که گوشت در صورت نداشته و شفاعت من شاملش نمی شود.

متن:

۸- و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: قَرَّةٌ عَيْنِي النِّسَاءُ، وَرِيحَانَتِي الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ عليهما السلام».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

ترجمه: محمد بن جعفر رزازی، از محمد بن حسین بن ابی الخطاب، از محمد بن اسماعیل از ابی المغری، از ابی بصیر، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل نموده که آن جناب فرمودند:



رسول خدا ﷺ می فرمودند: نور چشم زنان بوده و گل خوش بوی من حسین و حسین علیهم السلام می باشند.

متن:

۹- حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَجْزُوبٍ - عَمَّنْ ذَكَرَهُ - عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبَّاسٍ، عَنِ الْمِنْهَالِ بْنِ عَمْرٍو، عَنِ الْأَصْبَغِ، عَنْ زَادَانَ «قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فِي الرُّحْبَةِ يَقُولُ: الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ رِيحَانَتَا رَسُولِ اللَّهِ ﷺ».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی از پدرش و او از حسن بن محبوب و او از کسی که نامش را برده و او از علی بن عباس و او از منهال بن عمرو و او از

اصبح و او از زاذان نقل کرده که وی گفت:
 شنیدم حضرت صادق علیه السلام در قریه رُحبه می فرمودند:
 حسن و حسین علیهما السلام دو ریحانه (گل خوش بو) رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشند.

متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي جَمَاعَةٌ مَشَايِخِي مِنْهُمْ: أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ؛ وَ عَلِيُّ بْنُ
 الْحُسَيْنِ جَمِيعاً، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ
 عُبَيْدِ الْيَقْطِينِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ زَكَرِيَّا الْمُؤْمِنِ، عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ، عَنْ زَيْدِ
 مَوْلَى ابْنِ هُبَيْرَةَ «قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: خَذُوا
 بِحُجْرَةِ هَذَا الْأَنْزَعِ، فَإِنَّهُ الصُّدِّيقُ الْأَكْبَرُ؛ وَالْهَادِي لِمَنْ أَتْبَعَهُ، وَ مَنْ
 سَبَقَهُ مَرَقَ مِنْ دِينِ اللَّهِ، وَ مَنْ خَذَلَهُ مَحَقَهُ اللَّهُ وَ مَنْ اعْتَصَمَ بِهِ فَقَدْ
 اعْتَصَمَ بِعِجْلِ اللَّهِ، وَ مَنْ أَخَذَ بِوَلَايَتِهِ هَدَاهُ اللَّهُ، وَ مَنْ تَرَكَ وِلَايَتَهُ أَضَلَّهُ
 اللَّهُ، وَ مَنْ سَبَطَا أُمَّتِي الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ، وَ هُمَا ابْنَايَ، وَ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ
 الْأُمَّةُ الْهَدَاةُ وَ الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ، فَأَحْبَبُوهُمْ وَ تَوَالَوْهُمْ، وَ لَا تَتَّخِذُوا عَدُوَّهُمْ
 وَ لِيَجْءَ مِنْ دُونِهِمْ، فَيَحِلُّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّكُمْ، وَ ذَلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا،
 وَ قَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَى».

﴿حدیث دهم﴾

ترجمه:

دسته‌ای از مشایخ و اساتیدم از جمله: پدرم و محمد بن حسن و علی بن
 حسین جمعاً از سعد بن عبدالله بن ابی خلف از محمد بن عیسی بن عبید
 یقطینی و او از ابی عبدالله زکریا مؤمن و او از ابی مسکان و او از زید مولای ابن
 هبیره نقل کرده که گفت:

حضرت ابو جعفر علیه السلام فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

بگیرید میان (جانی که کمر بسته می شود) این مرد انزع (به کسی گویند که موی های در طرف پیشانی او ریخته باشد) را زیرا او صدیق اکبر بوده و تابعین خود را هدایت می کند و کسی که بر او سبقت گیرد از دین خدا خارج شود و آنکس که او را مخدول و ذلیل نماید خداوند نابودش می نماید و کسی که به او متوصل شود به خدا متصل شده و آن کس که به ولایتش اخذ نماید خدا هدایتش نموده و هر کس که ولایت او را ترک نماید خداوند گمراهش کند و دو سبط امت من یعنی حسن و حسین علیهما السلام که دو فرزندان من هستند از ایشان می باشند و امام و پیشوایان که هادیان خلفند و همچنین حضرت قائم مهدی علیه السلام از فرزندان حسین علیه السلام هستند، بنا بر این ایشان را دوست بدارند و با دشمنانشان دوستی نکنید که در این صورت غضب پروردگار متوجه شما شده و در زندگانی دنیا ذلیل و خوار خواهید شد.

متن:

۱۱ - حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ الزَّعْفَرَانِيُّ بِالرُّبِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ سَلْيَانَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَثْمَانَ بْنِ خَثِيمٍ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ أَبِي رَاشِدٍ، عَنْ يَعْلَى بْنِ مُرَّةٍ «قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ، أَحَبُّ اللَّهِ مِنْ أَحَبِّ حُسَيْنًا، حُسَيْنٌ سِبْطٌ مِنَ الْأَسْبَاطِ».

﴿حدیث یازدهم﴾

ترجمه:

حسین بن علی زعفرانی در روی برایم نقل نمود، وی گفت:
یحیی بن سلیمان، از عبدالله بن خثیم و او از سعید بن ابی راشد و او از یعلی

بن مرّه نقل کرده، وی گفت:

رسول خدا ﷺ فرمودند:

حسین از من و من از حسین هستم، کسی که حسین را دوست بدارد خدا او را دوست دارد، حسین سبطی است از اسباط (یعنی همان طوری که حضرت یعقوب ۱۲ اسباط داشت و هر کدام سبطی از اسباط بودند، پیامبر اکرم ﷺ نیز ۱۲ اسباط داشت که حضرت سید الشهداء ﷺ سبطی از این اسباط بودند).

متن:

۱۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ زَكْرِيَّا الْعَدَوِيِّ الْبَصْرِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدِ الْأَعْلَى بْنُ حَمَادِ النَّرْسِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا وَهَيْبٌ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَثْمَانَ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ أَبِي رَاشِدٍ، عَنْ يَعْلَى الْعَامِرِيِّ «أَنَّهُ خَرَجَ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِلَى الْقَوْمِ طَعَامٌ دُعِيَ إِلَيْهِ فَاذًا هُوَ بِحُسَيْنِ (ع) يَلْعَبُ مَعَ الصَّبِيَّانِ فَاسْتَقْبَلَ النَّبِيَّ (ص) أَمَامَ ثُمَّ بَسَطَ يَدَيْهِ فَطَفَّرَ الصَّبِيُّ هَهُنَا مَرَّةً، وَهَهُنَا مَرَّةً، وَجَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَضَاحُكَ حَتَّى أَخَذَهُ، فَجَعَلَ إِحْدَى يَدَيْهِ تَحْتَ ذَقْنِهِ وَالْأُخْرَى تَحْتَ قَفَائِهِ، وَوَضَعَ قَاذُ عَلِيٍّ فِيهِ وَقَبَلَهُ، ثُمَّ قَالَ: حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنِ حُسَيْنٍ، أَحَبُّ اللَّهِ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا، حُسَيْنٌ سِبْطٌ مِنَ الْأَسْبَاطِ».

﴿ حدیث دوازدهم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از ابی سعید حسن بن علی بن زکریا عدوی بصری نقل کرده، وی گفت: عبدالاعلی بن حماد البرسی بر اہم نقل نمود کہ رهب از عبدالله بن عثمان، از سعید بن ابی راشد از یعلی العامری، وی

می‌گوید:

از محضر رسول خدا ﷺ بیرون آمده و به صرف طعامی که مدعو بودم حاضر شدم در آن مجلس حضرت حسین را دیدم که با اطفال بازی می‌کردند؛ پیامبر اکرم ﷺ دو دست مبارک را باز کرده و او را به پیش خواندند، طفل (حضرت حسین) شروع به پربدن به این طرف و آن طرف نمود و پیامبر ﷺ از این حرکات می‌خندیدند تا بالاخره او را گرفتند سپس یک دست مبارک را زیر چانه‌اش و دست دیگر را پشت سرش قرار داد و دهان مبارک را روی دهانش گذارد و او را بوسید و سپس فرمود:

حسین از من و من از حسینم؛ خداوند دوست دارد کسی را که حسین را دوست دارد، حسین سبطی است از اسباط.



متن:

۱۳- و عنه، عن أبي سعيد قال: حَدَّثَنَا نَصْرُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، «قَالَ: أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِيَدِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ فَقَالَ: مَنْ أَحَبَّ هَذَيْنِ الْغَلامِينَ وَأَبَاهُمَا وَأُمَّهُمَا فَهُوَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

ترجمه: ﴿ حدیث سیزدهم ﴾

از محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از ابی سعید منقول است که گفت: نصر بن علی گفت: علی بن جعفر از برادرش حضرت موسی بن جعفر نقل نمود که آن جناب فرمودند:

رسول خدا ﷺ دست حسن و حسین را گرفته سپس فرمودند: کسی که این دو طفل و پدر و مادرشان را دوست بدارد در روز قیامت با من هم‌درجه خواهد بود.

﴿الباب الخامس عشر﴾

﴿زيارة الحسن بن عليؑ و قبور الأئمةؑ بالبقيع﴾

متن:

۱ - حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ قَالَ: حَدَّثَنِي سَلْمَةُ بْنُ الْخَطَّابِ، عَنْ عَمْرِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ عَمَّةٍ، عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ بْنِ بِيَّاعِ السَّابِرِيِّ - رَفَعَهُ - قَالَ: كَانَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ابْنَ الْحَنْفِيَّةِ يَأْتِي قَبْرَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّؑ فَيَقُولُ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَابْنَ أَوَّلِ الْمُسْلِمِينَ، وَكَيْفَ لَا تَكُونُ كَذَلِكَ وَأَنْتَ سَلِيلُ الْهُدَى، وَخَلِيفَةُ الثَّقَوِيِّ، وَخَامِسُ أَهْلِ الْكِسَاءِ، غَدَّتْكَ يَدُ الرَّحْمَةِ، وَرُبِّيتَ فِي جَبْرِ الْإِسْلَامِ، وَرُضِعْتَ مِنْ ثَدْيِ الْإِيمَانِ، فَطَبَّتَ حَيًّا، وَطَبَّتَ مَيِّتًا، غَيْرُ أَنَّ النَّفْسَ غَيْرُ رَاضِيَةٍ بِفِرَاقِكَ، وَلَا شَاكِيَةٍ فِي حَيَاتِكَ يَوْمَ تَمُوتُ اللَّهُ».

ثمَّ التفت إلى الحسينؑ فقال: «يا أبا عبد الله فَعَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ السَّلَامُ».

﴿باب بانزدهم﴾

﴿زيارت حضرت حسن بن عليؑ و قبور ائمه معصومينؑ﴾

﴿در قبرستان بقيع﴾

ترجمه:

﴿حديث اول﴾

حکیم بن داود بن حکیم می گوید:

سلمة بن خطاب، از عمر بن علی و از عمرویش و از عمر بن یزید که

جامه‌های نیکو می‌فرسخت نقل کرده و وی حدیث را به طور مرفوعه بیان نموده می‌گوید:

محمد بن علی بن حنفیه به سر قبر حضرت حسن بن علی علیه السلام حاضر می‌شد و می‌گفت:

سلام بر تو ای فرزند امیرمؤمنان و فرزند اولین نفر از مسلمین، و چگونه این طور نباشد و حال آنکه تو فرزند هدایت و هم‌قسم با تقوی و پنجمین نفر از اصحاب کساء می‌باشی، دست رحمت خدا تو را پرورش داده، و در دامان اسلام رشد نموده‌ای و از پستان ایمان شیر خورده‌ای، پس در حال حیات و ممات خوشا به حالت، منتهی نفس از فراق و جدائی تو خشنود نبوده و تردیدی در حیات و زنده بودن تو ندارد.

سپس توجه به امام حسین علیه السلام نمود و گفت:

ای ابا عبدالله بر ابو محمد علیه السلام رحمت و سلام باد.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

متن:

۲ - و عنه، عن سلمة، عن عبدالله بن أحمد، عن بكر بن صالح، عن عمرو بن هشام - عن بعض أصحابنا - عن أخد هما علیهما السلام «قال: إذا أتيت قبور الأئمة بالبقيع فقف عندهم واجعل القبلة خلفك، والقبر بين يديك، ثم تقول:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أُمَّةَ الْهُدَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبِرِّ وَالتَّقْوَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ الْحُجَّجَ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ الْقَوَامِينَ فِي الْبَرِّيَّةِ بِالْقِسْطِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الصَّفْوَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا آلَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ النَّجْوَى، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَنَصَحْتُمْ وَصَبَرْتُمْ فِي

ذاتِ اللَّهِ وَكُذِّبْتُمْ، وَأَسِيسَ إِلَيْكُمْ فَفَعَزْتُمْ وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَيْمَةُ الرَّاشِدُونَ
 الْمَهْدِيُّونَ، وَأَنَّ طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ، وَأَنَّ قَرَأَكُمْ الصَّدَقُ، وَأَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ
 فَلَمْ تُجَابُوا وَأَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا، وَأَنَّكُمْ دَعَايُمُ الدِّينِ وَأَرْكَانُ الْأَرْضِ،
 لَمْ تَزَالُوا بِعَيْنِ اللَّهِ يَسْتَحُكُّكُمْ مِنْ أَضْلَابِ كُلِّ مُطَهَّرٍ وَيَتَّقَلُّكُمْ مِنْ أَرْحَامِ
 الْمُطَهَّرَاتِ، لَمْ تُدَنَّسْكُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ، وَلَمْ تُشْرِكْ فِيكُمْ فِتْنُ
 الْأَهْوَاءِ، طِبْتُمْ وَطَابَتْ مَبِئَّتُكُمْ، مَنْ بِكُمْ عَلَيْنَا دِيَانُ الدِّينِ فَجَعَلَكُمْ فِي
 بُيُوتِ أَدْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَبُذَكَرَ فِيهَا اسْمُهُ، وَجَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً
 لَنَا وَكَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا، إِذَا خَارَكُمْ اللَّهُ لَنَا وَطَيَّبَ خَلْقَنَا بِمَا مَنْ بِهِ عَلَيْنَا مِنْ
 وَلَايَتِكُمْ، وَكُنَّا عِنْدَهُ مُسْتَسِينٍ بِعِلْمِكُمْ مُعْتَرِفِينَ بِتَضَدِّيقِنَا إِيَّاكُمْ، وَهَذَا
 مَقَامٌ مِنْ أَشْرَفِ وَأَحْطَأَ وَاشْتَكَّانَ وَأَقْرَبَ مَا جَنَى وَرَجَى بِمَقَامِهِ الْخَلَاصِ،
 وَأَنْ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلَكِيِّ مِنَ الرَّدِيِّ، فَكُونُوا لِي شُفَعَاءَ، فَقَدْ
 وَفَدْتُ إِلَيْكُمْ إِذْ رَغِبَ عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا وَاتَّخَذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا
 وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا، يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو، وَدَائِمٌ لَا يَلْهُو، وَحُيَظُّ بِكُلِّ
 شَيْءٍ، لَكَ الْمَنْزُومُ بِمَا وَفَّقْتَنِي وَعَرَّفْتَنِي أُمَّتِي، وَبِمَا أَقْنَيْتَنِي عَلَيْهِ إِذْ صَدَّ عَنْهُ
 عِبَادُكَ، وَجَهَلُوا مَعْرِفَتَهُ، وَاسْتَخَفُّوا بِحَقِّهِ، وَمَالُوا إِلَى سِوَاهِ، فَكَانَتْ
 الْمِنَّةُ مِنْكَ عَلَيَّ مَعَ أَقْوَامِ خَصَصْتَهُمْ بِمَا خَصَصْتَنِي بِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِذْ
 كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامِ مَذْكَورًا مَكْتُوبًا، فَلَا تَحْرِمْنِي مَارْجُوتًا، وَلَا تُحَيِّبْنِي
 فِيهَا دَعْوَتٌ فِي مَقَامِي هَذَا بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ».

و ادع لنفسك بما أحببت».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

از حکیم بن دارد بن حکیم از سلمه، از عبدالله بن احمد، از بکر بن صالح از عمرو بن هشام از برخی اصحاب، از احد انصافین علیه السلام نقل نموده که آن حضرت فرمودند:

هرگاه در بقیع به قبور ائمه علیهم السلام حاضر شدی بایست و قبله را پشت سر و قبر را در مقابل قرار بده سپس بگو:

سلام بر شما پیشوایان هدایت، سلام بر شما اهل نیکی و پرهیزکاری، سلام بر شما که حجت‌های خدا هستید بر اهل دنیا، سلام بر شما که در زمین به عدالت حکم می‌فرمائید، سلام بر شما که برای برگزیده شدن لایق و شایسته هستید، سلام بر شما ای دوستان رسول خدا صلی الله علیه و آله سلام بر شما ای اهل راز و سر، شهادت می‌دهم که شما احکام خدا را تبلیغ کرده و به مردم اندرز گفته و به خاطر خداوند منحل مصائب و مشکلات گردیده و مورد تکذیب دیگران واقع شده و به شما بدی کرده‌اند پس آنها را بخشیده و خلائشان را نادیده فرض نمودید، و شهادت می‌دهم که شما پیشوایان هدایت‌کننده و هدایت شده ما بوده و اطاعت شما بر ما واجب و کلامتان راست و مطابق با واقع است، مردم را خواندید ولی شما را اجابت نکردند. آنها را به معروف امر کردید ولی اطاعتتان را نکردند و شهادت می‌دهم که شما اسطوره‌های دین و رکن‌های روی زمین هستید، پیوسته خداوند شما را در صلب‌های پاکیزه منتقل فرموده و از ارحام پاک تعلقان داده و هرگز نادانی نادانان شما را آلوده نکرده و شریک و همتای شما نشده است فتنه‌هایی که از خواهش‌های نفس پیدا می‌شود، پاکیزه‌اید و محل نشو و نمای شما نیز پاک و پاکیزه می‌باشد، خداوند قهار بواسطه شما بر ما منت نهاده پس شما را در منازلی فرار داده که اذن داده است در آن منازل اسمش با صدای بلند برده، شرد و صلوات ما بر شما را رحمت برای ما و کفاره گناهانمان قرار داده زیرا حق تعالی شما را برای ما برگزیده و خلقت و آفرینش ما را با آنچه بر ما منت نهاد یعنی ولایت و

دوستی شما پاک و طاهر نمود و ما نزد او علم و آگاهی شما را یاد کرده در حالی که اعتراف می‌کنیم شما را تصدیق داریم و اینجا که ایستاده‌ام مکان و محل کسی است که در گناه زیاده روی کرده و مرتکب خطاء و اشتباه شده و خوار و ذلیل گشته و به آنچه جنایت نموده اقرار کرده و امید دارد به برکت این مکان شریف از تبعات گناهانش خلاص و رها گشته و به کمک شما حق تعالی او را نجات داده نظیر نجات دادن هلاک شوندگان را از هلاک و مرگ، پس درخواست من این است که شفیع من باشید، چه آنکه من به سوی شما پناه آورده زمانی که اهل دنیا از شما روی تافته و آیات الهی را به اسنهاء گرفته و از آنها سر باز زدند، ای کسی که سر پا بوده و اشتباه نمی‌کنی و دائم و همیشگی بوده و به لهر و باطل نمی‌پردازی و به هر چیز احاطه داری به واسطه توفیقی که به من داده و پیشوایانم را به من شناساندی بر من منت نهادی، و به آنچه من را بر آن به‌پا داشتی در هنگامی که بندگان از آن روی گردانده و به آن جاهل شده و حقش را سبک شمردند و به غیر آن میل ورزیدند منت تو بر من با جماعتی که ایشانرا به آن چه من را به آن اختصاص دادی، مختص ساختی پس حمد و ستایشم اختصاص به تو دارد زمانی که در مقام و مکانی یادگشته و ثبت شده نزد تو می‌باشم پس از آنچه امیدوارم من را ناامید مکن و از آنچه در این مقام من را به آن دعوت فرمودهای محروم مسار به حق حرمت و عظمت محمد و آل طاهرین آن حضرت.

و سپس برای خودت به آنچه دوست داری دعاء کن.

متن:

۳- حدیثی علی بن الحسین؛ و غیره، عن علی بن ابراهیم بن هاشم، عن أبیه، عن عبدالرحمن بن ابی نجران، عن یزید بن اسحاق شَعْر، عن

المحسن بن عَطِيَّة، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: تقول عند قبر الحسين ما أحببت».

ترجمه: ﴿ حدیث سوم ﴾

علی بن الحسین و غیر او از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از عبدالرحمن بن ابی نجران، از یزید بن اسحاق اشعری از حسن بن عطیه، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:
در مقابل قبر علی بن الحسین علیه السلام هر چه خواستی بگو.

﴿ الباب السادس عشر ﴾

﴿ ما نزل به جبرئيل عليه السلام في الحسين بن علي عليه السلام أنه سيقتل ﴾

متن:

۱ - حدَّثني محمد بن جعفر الرِّزَّاز التُّرْسِيُّ الكوفيُّ قال: حدَّثني محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن محمد بن سنان، عن سعيد بن يسار؛ أو غيره «قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: لما أن هبط جبرئيل عليه السلام على رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم بقتل الحسين عليه السلام أخذ بيد عليٍّ فخلاً به قليلاً من النهار فقلبتهما القبرة، فلم يتفرقا حتى هبط عليهما جبرئيل عليه السلام - أو قال: رسول رب العالمين - فقال لهما: ربكما يقرؤكما السلام و يقول: عزمت عليكما لما صبرتما، قال: فصبرا».

﴿باب شانزدهم﴾

﴿در بیان خبر دادن جبرئیل علیه السلام از شهادت﴾﴿حضرت حسین بن علی علیه السلام﴾

﴿حدیث اول﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزاز قرشی کوفی می گوید:

محمد بن الحسین بن ابی الخطاب از محمد بن سنان، از سعید بن یسار یا غیر

او نقل کرده، وی گفت:

از حضرت ابا عبدالله علیه السلام شنیدم که می فرمود:

هنگامی که جبرئیل علیه السلام خبر شهادت حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام را به

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رساند آن جناب دست امیرالمؤمنین علی علیه السلام را گرفته و مقدار

زیادی از روز را با هم خلوت کرده و هر دو گریستند، و از یکدیگر جدا نشدند

مگر آنکه جبرئیل علیه السلام بر ایشان نازل شد و عرضه داشت:

پروردگارتان سلامتتان می رساند و می فرماید: صبر نمودن را بر شما واجب و

لازم نمودم.

سپس حضرت فرمودند: هر دو صبر کرده و بی تابى نکردند.

متن:

حدیثی محمد بن الحسن بن الولید، عن محمد بن الحسن الصفار،

عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن سنان، عن سعید بن یسار

قال: سمعت أبا عبدالله علیه السلام يقول مثله.

حدیثی ابی - رحمه الله -، عن سعد بن عبدالله، عن یعقوب بن یزید،

عن محمد بن سنان، عن سعید بن یسار مثله.

ترجمه:

محمد بن حسن بن ولید، از محمد بن حسن صفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن سنان، از سعید بن یسار نقل نموده که گفت:
از امام صادق علیه السلام شنیدم که مثل نقل قبلی را فرمودند:
پدرم رحمة الله علیه از سعد بن عبدالله و او از یعقوب بن یزید و او از محمد بن سنان و او از سعد بن یسار نیز مثل روایت قبلی را نقل نموده.

متن:

۲- حدیثی است از ابی، عن سعد بن عبدالله، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن الحسن بن علی الوشاء، عن أحمد بن عائذ، عن أبي سلمة سالم بن مكرم، عن أبي عبدالله علیه السلام «قال: لما حملت فاطمة بالحسين جاء جبرئيل علیه السلام إلى رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فقال: إن فاطمة ستلد ولداً تقتله أمتك من بعدك، فلما حملت فاطمة بالحسين كرهت حملها، وحين وضعت كرهت وضعها، ثم قال أبو عبدالله علیه السلام: هل رأيتم في الدنيا أمّاً تلد غلاماً فتكرهه؟! و لكنّها كرهته لأنها علمت أنه سيقتل، قال: وفيه نزلت هذه الآية: «و وصينا الإنسان بإلديه حسناً حملته أمه كرهاً و وضعت كرهاً و حملته و فضله ثلثون شهراً».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم از سعد بن عبدالله و او از احمد بن محمد بن عیسی و او از حسین بن علی الوشاء و او از احمد بن عائذ و او از ابی سلمه سالم بن مكرم و او از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

زمانی که حضرت فاطمه علیها السلام به حضرت سید الشهداء سلام الله عليه باردار شدند جبرئیل علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد و عرضه داشت:

حضرت فاطمه سلام الله عليها عنقریب فرزندی بیاورد که بعد از شما امتت او را می‌کشند، پس هنگامی که حضرت فاطمه علیها السلام به حضرت سید الشهداء علیه السلام باردار شد از حملشان کراحت داشته و زمانی که حمل را وضع نمودند از وضع آن نیز کراحت داشتند، سپس امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

آیا در دنیا مادری را دیده‌اید که فرزندی بزاید و از آن کراحت داشته باشد، البتة این کراحت به خاطر این بود که حضرت می‌دانستند که این مولود عنقریب کشته خواهد شد و در همین مورد آیه شریفه «وَصَبَا الْإِنْسَانَ بُوَالِدِهِ حَسَنًا حَمْتَهُ أُمَّهُ كَرَاهًا وَوَضَعَتْهُ كَرَاهًا وَحَمَلَهُ وَفَصَالَهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا»



متن:

۳- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ حَمَّادٍ، عَنْ أَخِيهِ أَحْمَدَ بْنِ حَمَّادٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: أَتَى جِبْرَائِيلُ عليه السلام إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ لَهُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ، أَلَا أَبْشُرُكَ بِغَلَامٍ تَقْتُلُهُ أُمَّتُكَ مِنْ بَعْدِكَ؟ فَقَالَ: لَأَحَاجَةٌ لِي فِيهِ، قَالَ: فَانْتَهَضَ إِلَى السَّمَاءِ، ثُمَّ عَادَ إِلَيْهِ الثَّانِيَةَ، فَقَالَ لَهُ مِثْلَ ذَلِكَ، فَقَالَ: لَأَحَاجَةٌ لِي فِيهِ، فَانْعَرَجَ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ انْقَضَ إِلَيْهِ الثَّلَاثَةَ فَقَالَ لَهُ مِثْلَ ذَلِكَ، فَقَالَ: لَأَحَاجَةٌ لِي فِيهِ، فَقَالَ: إِنَّ رَبِّكَ جَاعِلٌ الْوَصِيَّةَ فِي عَقْبِهِ، فَقَالَ: نَعَمْ، ثُمَّ قَامَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَدَخَلَ عَلَى فَاطِمَةَ فَقَالَ لَهَا: إِنَّ جِبْرَائِيلَ أَتَانِي فَبَشَّرَنِي بِغَلَامٍ تَقْتُلُهُ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي! فَقَالَتْ: لَأَحَاجَةٌ لِي فِيهِ، فَقَالَ لَهَا: إِنَّ رَبِّي جَاعِلٌ الْوَصِيَّةَ فِي عَقْبِهِ، فَقَالَتْ: نَعَمْ إِذَنْ قَالَ: فَأَنْزَلَ اللَّهُ

تعالی عند ذلك هذه الآية: «هَلَلْتُمْ أُمَّهَ كُرْهًا وَوَضَعْتُمْ كُرْهًا» لموضع إعلام جبرئیل ایاتها بقتله، «فَحَمَلْتُمْ كُرْهًا» بآنکه مقتول، و «وَضَعْتُمْ كُرْهًا» لآنکه مقتول.

ترجمه: ﴿ حدیث سوّم ﴾

پدرم رحمه الله عنیه از سعد بن عبدالله و او از محمد بن حماد و او از برادرش احمد بن حماد و از محمد بن عبدالله از پدرش نقل نموده که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند: جبرئیل علیه السلام محضر مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله مشرف شد و عرضه داشت: ای محمد صلی الله علیه و آله سلام بر تو، آیا تو را به فرزندی که امتت بعد از تو او را می‌کشند بشارت ندهم؟ حضرت فرمودند: من را به آن نیازی نیست. امام صادق علیه السلام فرمودند: جبرئیل به آسمان رفت سپس برای بار دوم نازل شد و نزد حضرت آمد و به آن جناب همان گفتار اولی را عرض نمود. حضرت فرمودند: من را به آن نیازی نیست. پس جبرئیل به آسمان عروج کرد و بعد برای بار سوّم محضر حضرتش مشرف شد و همان گفتار را تکرار کرد. حضرت فرمودند: من را به آن نیازی نیست. جبرئیل عرض کرد: پروردگارت اوصیاء را در نسل او قرار می‌دهد. حضرت فرمودند: بسیار خوب پذیرفتم. یا پس از آنکه جبرئیل گفتار مزبور را ایراد کرد سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایستادند و تشریف بردند تا بر حضرت فاطمه علیها السلام وارد شدند و فرمودند: جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و مرا به فرزندی که پس از من امتم او را می‌کشند

بشارت داد.

حضرت فاطمه علیها السلام عرض کردند: من را به او نیازی نیست.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: پروردگازم اوصیاء را در نسل او قرار می دهد.

حضرت فاطمه علیها السلام عرضه داشتند: بسیار خوب پذیرفتم.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

در این هنگام حق تعالی این آیه را نازل کرد: حملته امه کرها و وضعته کرها
(زیرا جبرئیل اعلام به کشتن آن فرزند نمود) فحملته کرها (یعنی کراهت داشت
از اینکه کشته می شود) و وضعته کرها (زیرا جبرئیل خبر داد که او کشته می شود)

متن:

۴- و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ سَعِيدِ الزِّيَّاتِ قَالَ: حَدَّثَنِي رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّ جَبْرَائِيلَ نَزَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ عليه السلام فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ وَ يَبْشُرُكَ بِمَوْلُودٍ يَرْتَدُّ مِنْ فَاطِمَةَ عليها السلام تَقْتُلُهُ أُمَّتُكَ مِنْ بَعْدِكَ. فَقَالَ: يَا جَبْرَائِيلُ وَ عَلَى رَبِّي السَّلَامُ، لَا حَاجَةَ لِي فِي مَوْلُودٍ يُولَدُ مِنْ فَاطِمَةَ تَقْتُلُهُ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي، قَالَ: فَعَرَجَ جَبْرَائِيلُ إِلَى السَّمَاءِ، ثُمَّ هَبَطَ فَقَالَ لَهُ مِثْلُ ذَلِكَ. فَقَالَ: يَا جَبْرَائِيلُ وَ عَلَى رَبِّي السَّلَامُ؛ لَا حَاجَةَ لِي فِي مَوْلُودٍ تَقْتُلُهُ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي، فَعَرَجَ جَبْرَائِيلُ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ هَبَطَ فَقَالَ لَهُ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ وَ يَبْشُرُكَ أَنَّهُ جَاعِلٌ فِي ذُرِّيَّتِهِ الْإِمَامَةَ وَالْوَلَايَةَ وَالْوَصِيَّةَ، فَقَالَ: قَدْ رَضِيْتُ، ثُمَّ أَرْسَلَ إِلَى فَاطِمَةَ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِمَوْلُودٍ يُولَدُ مِنْكَ تَقْتُلُهُ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي، فَأَرْسَلَتْ إِلَيْهِ أَنْ لَا حَاجَةَ لِي فِي مَوْلُودٍ يُولَدُ مِنِّي تَقْتُلُهُ أُمَّتُكَ مِنْ بَعْدِكَ، فَأَرْسَلَ إِلَيْهَا

أَنَّ اللَّهَ جَاعِلٌ فِي ذُرِّيَّتِهِ الْإِمَامَةَ وَالْوَلَايَةَ وَالْوَصِيَّةَ، فَأَرْسَلْتُ إِلَيْهِ أَنِّي قَدْ رَضِيتُ، «فَحَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِضْلُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدِيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي»، فلو أنه قال: أصح لي ذريتي لكانت ذريته كلهم أمته ولم يرضع الحسين من فاطمة ولا من أنثى لکنه كان يؤتى به النبي فيضع إبهامه في فيه فيمص منها ما يكفيه اليومين والثلاثة فنبت لحم الحسين عليه السلام من لحم رسول الله صلى الله عليه وآله و دمه من دمه و لم يولد مولود لستة أشهر إلا عيسى بن مريم والحسين بن علي عليه السلام.

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزازی می گوید: محمد بن الحنفی بن الخطاب از محمد بن عمرو بن سعید زبات نقل کرده که گفت:
شخصی از اصحاب برایم نقل نمود که امام صادق علیه السلام فرمودند:
جبرئیل علیه السلام بر رسول خدا صلى الله عليه وآله نازل شد پس عرض کرد:
یا محمد صلى الله عليه وآله خداوند سلام می رساند و بشارت می دهد شما را به فرزندی که از حضرت فاطمه علیها السلام متولد شده و امت پس از شما او را می کشند.
حضرت فرمودند:

ای جبرئیل به پروردگار سلام من را برسان و عرض کن احتیاجی به چنین فرزندی که از فاطمه سلام الله علیها متولد شود و بعد از من امت او را بکشند ندارم.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

جبرئیل علیه السلام به آسمان بالا رفت و سپس به زمین فرود آمد و محضر رسول

خدا ﷻ مشرف شد و همان گفتار را تکرار کرد.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

ای جبرئیل به پروردگارم سلام من را برسان و عرض کن احتیاجی به چنین فرزندی که از فاطمه سلام الله علیها متولد شود و بعد از من ائمتم او را بکشند ندارم.

پس جبرئیل علیه السلام به آسمان بالا رفت و سپس به زمین فرود آمد و محضر رسول خدا ﷻ مشرف شد و عرض کرد.

ای محمد ﷺ: پروردگارت به تو سلام می‌رساند و بشارت می‌دهد که امامت و ولایت و وصایت را در نسل این مولود قرار می‌دهد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: راضی و خشنود شدم.

سپس حضرت برای فاطمه سلام الله علیها خبر فرستاد... و اظهار نمودند که: خداوند به من بشارت داده که فرزندی از شما متولد گشته و پس از من ائمتم او را می‌کشند.

حضرت فاطمه سلام الله علیها برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خبر فرستاده و اظهار کردند که:

به فرزندی که ائمت بعد از شما او را بکشند نیازی ندارم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خبر فرستادند که:

خداوند امامت و ولایت و وصایت را در نسل این فرزند فرار داده.

حضرت فاطمه سلام الله علیها برای رسول خدا خبر فرستادند که راضی

شدم.

پس در حالی که از مقتول واقع شدن آن فرزند کراهت داشت به او باردار گردید و سپس در حالی که از اخبار جبرئیل به مقتول واقع شدن آن مولد کراهت داشت بار حمل را بر زمین نهاد و مجموع دوران حمل و شیر خوارگی آن طفل سی ماه بود تا آنکه به سن بلوغ و سپس به چهل سالگی رسید و به درگاه الهی

عرضه داشت:

بار خدایا من را بر نعمتی که به من و پدر و مادرم عطاء فرمودی شکر، بیامرز، و به کارشایسته‌ای که خشنودی تو در آن است موفق نما و فرزندان من را صالح گردان.

قابل توجه آنکه: اگر جناب سیدالشهداء به جای «أصلح فی ذریّتی» عبارت «أصلح لی ذریّتی» را ایراد می‌کردند به طور قطع و حتم تمام ذریه آن جناب از پیشوایان می‌شدند.

لازم به تذکر است که آن حضرت نه از حضرت فاطمه سلام الله علیها شیر خوردند و نه از خانم دیگری بلکه حضرتش را نزد نبی اکرم صلی الله علیه و آله می‌آوردند و آن جناب انگشت ابهامشان را در دهان او می‌گذارند و سید الشهداء علیه السلام به مقدار غذای دو و سه روزشان را از انگشت حضرت می‌مکیدند پس گوشت حضرت امام حسین علیه السلام از گوشت رسول خدا صلی الله علیه و آله و خونشان از خون حضرت تکوین یافت و هیچ مولودی در شش ماهگی متولد نگشته مگر حضرت عیسی بن مریم و حضرت امام حسین علیه السلام.

متن:

و حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَيْسَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ سَعِيدِ الزِّيَّاتِ، بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ.

ترجمه:

پدرم رحمه الله از سعد بن عبدالله و او از اسماعیل بن عیسی و او از محمد بن عمرو بن سعید زیات به اسنادش مثل همین خبر را نقل کرده است.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ جَمِيعاً، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّقَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: دَخَلَتْ فَاطِمَةُ عليها السلام عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم - وَ عَيْنَاهُ تَدْمَعُ - فَسَأَلَتْهُ: مَا لَكَ؟! فَقَالَ: إِنَّ جِبْرَائِيلَ أَخْبَرَنِي أَنَّ أُمَّتِي تَقْتُلُ حَسِيناً، فَجَزَعْتُ وَ شَقَّ عَلَيَّهَا، فَأَخْبَرَهَا بِمَنْ يَمْلِكُ مِنْ وَلَدِهَا فَطَابَتْ نَفْسُهَا وَ سَكُنَتْ».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن الحسن جمیعاً از محمد بن الحسن الصَّقَّارِ، از احمد بن محمد بن عیسی، از ابن فضال، از عبدالله بن بکیر از بعضی اصحاب از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که ایشان فرمودند: رسول حضرت فاطمه سلام الله علیها بر رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم داخل شده در حالی که چشمان آن جناب اشکبار بود.

حضرت فاطمه سلام الله علیها از آن جناب پرسیدند: شما را چه می شود؟ رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند: جبرئیل علیه السلام به من خبر داده که امّتم عنقریب حسین را می کشند.

پس فاطمه علیها السلام به جزع آمده و جامه خود را پاره کرد.

رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم که حال را مشاهده نمودند به آن حضرت خبر دادند که یکی از فرزندان این مولود مالک امور گشته و انتقام از قاتلین خواهد گرفت. پس از این خبر حضرت فاطمه سلام الله علیها خشنود گشته و نفس مبارکش آرام گشت.

متن:

۶ - و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي عُنْدَرٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ، عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام «قال: قال أمير المؤمنين علیه السلام: زارنا رسول الله صلی الله علیه و آله وقد أهدت لنا أم أيمن لبناً وزبداً وتمرأ، فقدمنا منه، فأكل ثم قام إلى زاوية البيت فصلى ركعات، فلما كان في آخر سجوده بكى بكاءً شديداً، فلم يسأله أحد منا، إجلالاً وإعظاماً له، فقام الحسين و قعد في حجره، فقال: يا أبة لقد دخلت بيتنا فاسررتنا بشيء كسرورتنا بدخولك، ثم بكيت بكاء غمنا فما أبكاك؟! فقال: يا بئني أتاني جبرئيل أنفاً أخبرني أنكم قتل؛ وأن مصارعكم شقي، فقال: يا أبة فما لمن زار قبورنا على تشنئتها؟ فقال: يا بئني أولئك طوائف من أممي يزورونكم فيلتمسون بذلك البركة، و حقيق على أن آتيم يوم القيامة حتى أخلصهم من أهوال الساعة و من ذنوبهم، و يسكنهم الله الجنة».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

محمد بن حسن بن احمد بن وليد، از سعد بن عبدالله، از محمد بن عيسى، از صفوان بن يحيى، از حسين بن ابى عنذر، از عمرو بن شمر، از جابر، از حضرت ابى جعفر علیه السلام نقل نموده كه آن جناب فرمودند:

حضرت اميرالمؤمنين علیه السلام فرمودند:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به زیارت ما آمدند و قبلاً ام ایمن برای ما شیر و سرشیر و خرما هدیه داده بود لذا به منظور پذیرائی از حضرت، آنها را مقابلش نهادیم، حضرت میل فرموده سپس ایستادند و به گوشه‌ای از خانه تشریف برده و چند

رکعت نماز خواندند و در آخرین سجده به شدت گریستند و احدی از ما به منظور اجلال و تعظیم از آن رجوع مبارک سنوال نکرد که سبب گریستن شما چیست ولی حضرت حسین علیه السلام ایستاد و سپس در دامن رسول خدا نشست عرض نمود:

ای پدر به منزل ما وارد شدی و هیچ چیز ما را این مقدار سرور ننمود سپس گریستی بطوری که ما را مغموم و محزون کردی، سبب گریستن شما چیست؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پسر من اکنون جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و به من خبر داد که شما را می کشند و قبور شما متفرق و پراکنده است.

حضرت سید الشهداء سلام الله علیه عرض کرد: ای پدر چه نوابی است برای کسی که این قبور متفرق و پراکنده را زیارت کند؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: پسر من زائرین شما گروهی از امت من بوده که درخواستشان از زیارت شما حصول برکت می باشد و سزاوار است که من روز قیامت به نزدشان رفته و آنها را از هول و وحشت قیامت رهانیده و از گناهانی که کرده اند خلاصشان بنمایم و سپس حق تعالی آنها را در بهشت جای می دهد.

متن:

۷ - حدیثی محمد بن الحسن بن أحمد بن الولید قال: حدیثی محمد بن ابی القاسم ما جیلویه، عن محمد بن علی القرقشی، عن عبید بن یحیی الثوری، عن محمد بن الحسین بن علی بن الحسین، عن أبیه، عن جدّه، عن علی بن ابی طالب علیه السلام «قال: زارنا رسول الله صلی الله علیه و آله ذات یوم فقدّمنا إلیه طعاماً و أهدت إلینا أمّ ایمن صحنه من تمر و قعباً من لبن و زبد، فقدّمنا إلیه فأکل منه فلما فرغ قمت و سکبت علی یدئ رسول الله صلی الله علیه و آله

ماءً، فلما غسل يديه مسح وجهه و لحيته بيّلة يديه، ثم قام إلى مسجد في جانب البيت و صلى و خرّ ساجداً فبكى و أطال البكاء، ثم رفع رأسه، فما اجترأ منا أهل البيت أحدٌ يسأله عن شيءٍ، فقام الحسين يدرج حتى صعد على فخذى رسول الله صلى الله عليه وآله فأخذ برأسه إلى صدره، و وضع ذقنه على رأس رسول الله صلى الله عليه وآله، ثم قال: يا أبة ما يُبكيك؟ فقال: يا بنى إني نظرت إليكم اليوم فسررت بكم سروراً لم أسر بكم قبله مثله، فهبط إليّ جبرئيل فأخبرني أنكم قتلى؛ و أنّ مصارعكم شتى، فحمدت الله على ذلك و سألت لكم الخيرة، فقال له: يا أبة لمن يزور قبورنا و يتعاهدها على تشيئتها؟ قال: طوائف من أمتي يريدون بذلك برى و صلى أتعاهدهم في الموقف، و أخذ بأعضادهم فأنجبهم من أهواله و شدائده».

ترجمه: حدیث هفتم

ترجمه:

محمد بن حسن بن احمد بن وليد می گوید:

محمد بن ابی القاسم ماجیلویه، از محمد بن علی القرشی، از عبید بن یحیی ثوری، از محمد بن حسین بن علی بن حسین از پدر بزرگوارشان، از جدشان، از علی بن ابی طالب علیه السلام نقل کرده، که آن حضرت فرمودند:

رسول خدا صلى الله عليه وآله روزی به زیارت ما آمدند پس طعامی نزد آن جناب نهادیم و کاسه خرما و ظرف شیر و سر شیری که ام ایمن برای ما آورده بود را نیز در مقابل حضرت نهادیم، آن جناب تناول فرموده و پس از فراغت ایشان از طعام ایستادم و آب روی دو دست مبارک ایشان ریخته و پس از آنکه حضرت دو دست خویش را شستند، دستهای مرطوبی خود را به صورت و محاسن شریف کشیده سپس ایستادند و به مسجدی که در یک طرف خانه بود تشریف

برده و نماز گذارده و در آخر به سجده رفته پس در آن گریه طولانی نموده سپس سر از آن برداشتند و از ما اهل بیت احدی جرأت نکرد سبب گریه آن حضرت را بپرسد، پس حضرت امام حسین علیه السلام ایستاد و آهسته آهسته جنورفت تا خود را به آن جناب رساند و از حضرتش بالا رفت تا به روی رانهای حضرت قرار گرفت پس سر به سینه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، چانه را روی سر آن جناب نهاد سپس عرضه داشت:

ای پدر چرا گریستی؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: امروز به شما نگریستم بسیار مسرور و خوشحال شدم به طوری که پیش از آن چنین مسرور و نشاطی در من پیدا نشده بود، پس جبرئیل بر من نازل شد و خبر داد که شما کشته خواهید شد و قبورتان پراکنده خواهد بود پس خدا را حمد و ستایش کرده و از خدا خیر شما را درخواست نمودم.

حضرت سید الشهداء علیه السلام عرض کرد: ای پدر چه کسی قبور ما را زیارت می کند و با اینکه از هم جدا و متفرقند به سر آنها خواهد آمد؟
حضرت فرمودند: جماعتی از ائمت، و قصدشان از زیارت این قبور احسان به من می باشد و من نیز در قیامت به نزدشان حاضر شده و بازوهایشان را گرفته و آنها را از هول و وحشت و گرفتاری آن روز می رهانم.

﴿الباب السابع عشر﴾

﴿قول جبرئیل لرسول الله ﷺ﴾

﴿إني الحسين تقتله أمتك من بعدك، و أراه التربة التي يقتل عليها﴾

متن:

۱ - حدّثنی اَبی - رحمه الله تعالى - قال: حدّثنی سعد بن عبد الله بن اَبی خلف، عن اَحمد بن محمد بن عیسی، عن الحسین بن سعید، عن النضر بن سَوید، عن یحیی الحلبي، عن هارون بن خارجة، عن اَبی بصیر، عن اَبی عبد الله ﷺ «قال: إني جبرئیل اُتی رسول الله ﷺ - والحسین يلعب بين يديه - فأخبره أن أُمَّته ستقتله، قال: فجزع رسول الله ﷺ فقال: ألا أريك التربة التي يقتل فيها؟ قال: فحسفت ما بين مجلس رسول الله إلى المكان الذي قتل [فيه الحسین] حتى التقت القطعتان، فأخذ منها و دحيت في أسرع من طرفة عين، فخرج و هو يقول: طوبى لك من تربة، و طوبى لمن يقتل حولك، قال: و كذلك صنع صاحب سليمان تكلم باسم الله الأعظم فحسفت ما بين سرير سليمان و بين العرش من سهولة الأرض و حزونها حتى التقت القطعتان فاجتر العرش، قال سليمان: يخبل إلى انه خرج من تحت سريرى، قال: و دحيت في أسرع من طرفة العين».

﴿ باب هفدهم ﴾

﴿ سخن جبرئیل با رسول خدا ﷺ و اینکه اقامت بعد از شما حسین را می‌کشند و نشان دادن سرزمینی را که امام مظلوم ﷺ در آن کشته می‌شود به رسول خدا ﷺ ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه می‌گوید:

سعد بن عبدالله بن ابی‌خلف، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسین بن سعید، از نضر بن سوید، از یحیی حلی، از هارون بن خارجه، از ابی‌بصیر، از حضرت ابی‌عبدالله ﷺ نقل کرده که آن حضرت فرمودند جبرئیل ﷺ نزد پیامبر اکرم ﷺ آمد در حالی که امام حسین ﷺ در مقابل آن حضرت بازی می‌کرد پس به رسول خدا ﷺ خبر داد که غریب‌الامت شما حسین را خواهند کشند.

امام صادق ﷺ می‌فرمایند:

پیامبر اکرم ﷺ از این خبر به جرع و ناله آمدند.

جبرئیل ﷺ محضر مبارکش عرضه داشت:

مایل هستید سرزمینی که حسین ﷺ در آن کشته می‌شود به شما نشان دهم؟

امام صادق ﷺ می‌فرماید:

در این هنگام فاصله بین مکان رسول خدا ﷺ و جانی که حضرت سید الشهداء ﷺ در آن کشته شدند فرو رفته بطوری که دو مکان مزبور با هم ملاقات کرده سپس حضرت مقداری از تربت و خاک آن مکان را برداشتند و سریع‌تر از چشم به هم زدن زمین گسترده شد پس جناب رسول خدا ﷺ از آن مکان خارج شده در حالی که می‌فرمودند:

خوشا به تو از خاکی که داری، خوشا به حال کسی که در اطراف و حوالی تو

کشته می‌شود.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

صاحب و وزیر سلیمان نیز چنین کرد یعنی به کمک اسم اعظم باری تعالی در زمین خسف پدید آورد و بین تخت سلیمان علیه السلام و عرش فرو رفت و تمام پستی و بلندی‌های آن پائین رفت به طوری که این در قطع از زمین (جای تخت و عرش) با هم ملاقی شدند پس عرش چنان کشیده شد که تصور نمودم از زیر تخت من خارج گشت.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

سریع‌تر از چشم به هم زدن زمین گسترده شد.



مرکز تحقیقات و نشر فقه اسلامی

متن:

۲- و حدّثنی اَبی - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله عن محمد بن عبد الحمید العطار، عن اَبی جمیلة المفضل بن صالح، عن اَبی أسامة زید الشحام، عن اَبی عبد الله علیه السلام «قال: نعی جبرئیل علیه السلام الحسین الی رسول الله صلی الله علیه و آله فی بیت أم سلمة، فدخل علیه الحسین علیه السلام - و جبرئیل عنده - فقال: انّ هذا تقتله أمتک، فقال رسول الله صلی الله علیه و آله: أرنی من التربة الّتی یسفک فیها دمه، فتناول جبرئیل علیه السلام قبضة من تلك التربة فإذا هی تربة حمراء».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه از سعد بن عبدالله، از محمد بن عبدالحمید عطار، از ابی جمیلة مفضل بن صالح، از ابی اسامه زید شحام، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل نموده که حضرت فرمودند:

جبرئیل علیه السلام در خانه ام سلمه خبر شهادت حضرت امام حسین علیه السلام را به رسول خدا صلی الله علیه و آله داد و شرح آن چنین است:

حضرت امام حسین علیه السلام در خانه ام سلمه بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شد در حالی که جبرئیل علیه السلام در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، جبرئیل عرضه داشت:

اُمّت شما این (امام حسین علیه السلام) را خواهند کشت.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

از آن خاکی که خون او در آن می‌ریزد مقداری را به من نشان بده.

جبرئیل علیه السلام یک مشت از آن را برداشت و وقتی به آن حضرت خراست نشان دهد خاک فرمز گردید.

متن:

۳ - حدیثی آبی - رحمه الله تعالى - عن سعد، عن علی بن اسماعیل بن عیسی و محمد بن الحسین بن ابی الخطاب؛ و ابراهیم بن هاشم، عن عثمان ابن عیسی، عن سماعة بن مهران، عن ابی عبد الله ﷺ مثله و زاد فیہ: «فلم تزل عند ام سلمة حتى ماتت - رحمها الله -».

ترجمه: ﴿ حدیث سوم ﴾

پدرم رحمة الله عليه از سعد از علی بن اسماعیل بن عیسی و محمد بن الحسین بن ابی الخطاب و ابراهیم بن هاشم، از عثمان بن عیسی، از سماعة بن مهران، از مولانا ابی عبد الله ﷺ حدیثی مثل حدیث گذشته را نقل کرده منتهی در آن این فقره را افزوده:

این تربت پیوسته نزد ام سلمه بود تا از دنیا رفت رحمة الله علیها.

متن:

۴ - حدیثی آبی - رحمه الله - عن سعد ابن عبد الله، عن محمد بن الولید الخزاز، عن حماد بن عثمان، عن عبد الملك بن أعین، «قال: سمعت أبا عبد الله ﷺ يقول: إن رسول الله ﷺ كان في بيت أم سلمة وعنده جبرئيل ﷺ، فدخل عليه الحسين ﷺ، فقال له جبرئيل: إن أمك تقتل ابنك هذا، إلا أريك من تربة الأرض التي يقتل فيها؟ فقال رسول الله ﷺ: نعم، فأهوى جبرئيل ﷺ بيده و قبض قبضة منها فأراها النبي ﷺ».

ترجمه: ﴿ حدیث چهارم ﴾

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبدالله و او از محمد بن ولید خزاز و او از حماد بن عثمان و او از عبدالملک بن اعین نقل کرده که گفت:
از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله در خانه ام سلمه بودند و جبرئیل علیه السلام در محضر آن حضرت حضور داشت پس حضرت حسین علیه السلام داخل شد، جبرئیل علیه السلام عرضه داشت:
اُمّت شما فرزندان حسین را خواهند کشت، آیا از خاک زمینی که او را روی آن می کشند به شما مقداری را نشان بدهم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: بلی.

پس جبرئیل دستش را دراز نمود و مشتی از آن خاک را برداشت و سپس به رسول خدا صلی الله علیه و آله نشان داد.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

من:

۵ - حدیثی محمد بن جعفر القرشی الرزازی، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن سنان، عن هارون بن خارجه، عن أبي بصير عن أبي عبدالله علیه السلام قال: سمعته يقول: بينا الحسين بن علي علیه السلام عند رسول الله صلی الله علیه و آله إذ أتاه جبرئيل علیه السلام فقال: يا محمد أتعبته؟ قال: نعم، فقال: أما إن أمتك ستقتله، قال: فحزن رسول الله صلی الله علیه و آله حزناً شديداً، فقال له جبرئيل: يا رسول الله أتريد أن أريك التربة التي يقتل فيها؟ فقال: نعم، فحسف ما بين مجلس رسول الله صلی الله علیه و آله إلى كربلاء حتى التقت القطعتان هكذا - ثم جمع بين السبابتين - ثم تناول بجناحه من التربة وناولها رسول الله صلی الله علیه و آله ثم رجعت أسرع من طرفة عين.

فقال رسول الله ﷺ: طوبى لك من تربته، و طوبى لمن يقتل فيك».

ترجمه: ﴿ حدیث پنجم ﴾

محمد بن جعفر قریشی رزاق از محمد بن حسین، از محمد بن سنان، از هارون بن خارجه، از ابی بصیر، از حضرت ابی عبدالله نقل کرده، وی می گوید:

شنیدم از حضرت امام صادق که می فرمودند:

هنگامی که حضرت حسین بن علی نزد رسول خدا بودند جبرئیل بر رسول خدا داخل گشت و عرضه داشت:

ای محمد آیا وی را دوست می داری.

حضرت فرمودند: بلی.

عرض کرد: این حنمی است که امت شما عنقریب او را خواهند کشت.

امام صادق فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله شدیداً محزون و غمگین شدند.

پس جبرئیل عرضه داشت: یا رسول الله آیا می خواهی تربت

و خاکی که وی روی آن کشته می شود را ببینی؟

حضرت فرمودند: بلی.

پس فاصله بین مجلس رسول خدا و کربلا فرو رفت به طوری که این

قطعه با هم متصل شد به این نحو (سپس امام صادق برای تصویر کردن

اتصال دو قطعه زمین دو انگشت سیبیه دستها را به هم متصل فرمودند).

پس از آن جبرئیل با بانس مقداری از تربت کربلا را برداشت و رسول خدا

آن را از وی گرفتند سپس جبرئیل به کمتر از چشم به هم زدند برگشت.

و بعد از آن رسول خدا فرمودند:

چه خوش تربتی هستی و چه خوش کسی است که در تو کشته می شود.

متن:

۶ - حدیثی آبی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن الحسن بن علی الوشاء، عن احمد بن عاتذ، عن ابي خديجة سالم بن مكرم الجمال، عن ابي عبدالله عليه السلام «قال: لما ولدت فاطمة الحسين عليه السلام جاء جبرئيل الى رسول الله صلى الله عليه وآله فقال له: ان امتك تقتل الحسين عليه السلام من بعدك ثم قال الا اريك من تربته فضرب بجناحه فاخرج من تربة كربلاء واراها اياه ثم قال هذه التربة التي يقتل عليها».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبدالله و او از احمد بن محمد بن عیسی و او از حسن بن علی و شاه و او از احمد بن عاتذ و او از ابي خديجة بن مكرم جمال و او از حضرت ابي عبدالله عليه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند: زمانی که حضرت حسین عليه السلام از فاطمه سلام الله علیها متولد شد جبرئیل عليه السلام محضر مبارک رسول خدا صلى الله عليه وآله مشرف شد و عرض کرد: امت شما حسین عليه السلام را بعد از شما می کشند سپس اظهار داشت: آیا تربت او را به شما نشان دهم؟ پس بال زد و مقداری از خاک کربلا را برداشت و آن را به رسول خدا صلى الله عليه وآله نشان داده سپس گفت: این تربتی است که حسین عليه السلام روی آن کشته می شود.

متن:

۷- حدیثی آبی، عن الحسین بن علی الزعفرانی، قال: حدیثی محمد بن عمرو الأسلمی، قال: حدیثی عمرو بن عبدالله بن عنبسة، عن محمد بن عبدالله بن عمرو، عن ابیه، عن ابن عباس «قال: الملك الّذی جاء الی محمد ﷺ یخبره بقتل الحسین ﷺ کان جبرئیل ﷺ الروح الامین منشور الأجنحة باکیاً ضارخاً قد حمل من تربة الحسین ﷺ و هی تفوح کالمسک فقال رسول الله ﷺ و تفلح امة تقتل فرخی او قال فرخ ابنتی فقال جبرئیل یضربها الله بالاختلاف فتختلف قلوبهم».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

پدرم از حسین بن علی زعفرانی نقل نمود که وی گفت: محمد بن عمرو اسلمی برایم نقل کرده که عمرو بن عبدالله بن عنبسه، از محمد بن عبدالله بن عمرو از پدرش، از ابن عباس نقل نمود که وی گفت: فرشته‌ای که محضر مبارک رسول خدا ﷺ مشرف شد و به آن جناب از شهادت حضرت امام حسین ﷺ خبر داد جبرئیل روح الامین بود در حالی که بال‌هایش را باز کرده و می‌گریست و فریاد می‌نمود مقداری از تربت حضرت سید الشهداء ﷺ را که همچون مشک بویش منتشر بود با خود حمل می‌کرد. رسول خدا ﷺ فرمودند:

آیا امتی که جوجه من را می‌کشند رستگار خواهند شد؟

یا فرمودند:

آیا امتی که جوجه دختر من را می‌کشند رستگار می‌گردند؟

جبرئیل عرض کرد:

خداوند متعال آنها را از هم پراکنده نموده و سپس دل‌هایشان نیز با هم نبوده

و همواره بینشان اختلاف می‌باشد.

متن:

۸ - حدیثی الناقد ابوالحسین احمد بن عبدالله بن علی، قال: حدیثی جعفر بن سلیمان، عن ابيه، عن عبدالرحمن الغنوی، عن سلیمان، «قال: و هل بقى فى السموات ملك لم ينزل الى رسول الله ﷺ يعزیه بولده الحسين ﷺ و يخبره بثواب الله اياه و يحمل اليه تربته مصروعاً عليها مذبوحاً مقتولاً جريحاً طريحاً مخذولاً فقال رسول الله ﷺ اللهم اخذل من خذله و اقتل من قتله و اذبح من ذبحه و لا تمتعه بما طلب قال عبدالرحمن فوالله لقد عوجل الملعون يزيد و لم يتمتع بعد قتله بما طلب قال عبدالرحمن: فوالله لقد عوجل الملعون يزيد، و لم يتمتع بعد قتله بما طلب و لقد أخذ، بات سكراناً و اصبح ميتاً متغيراً، كأنه مطلى بقار، اخذ على اسف و ما بقى احد ممن تابعه على قتله او كان فى محاربتة الا اصابه جنون او جذام او برص و صار ذلك و ارثته فى نسلهم لعنهم الله».

ترجمه:

﴿ حدیث هشتم ﴾

ناقد ابوالحسین احمد بن عبدالله بن علی می گوید:

جعفر بن سلیمان، از پدرش و او از عبدالرحمن غنوی و او از سلیمان نقل کرده که وی گفت:

آیا در آسمانها فرشتهای ماند که به رسول خدا ﷺ نازل نشود و به آن جناب راجع به شهادت فرزندش حضرت امام حسین ﷺ تسلیت نگوید و از ثواب دادن حق تعالی به او وی را با خبر نکند و از تربت آن شهید در حالی که آن جناب به روی آن با سر بریده و کشته شده و با بدنی پر از جراحت و بدون یار و یاور

افتاده به نزد رسول خدا حمل ننماید؟

رسول خدا ﷺ فرمودند:

بار خدایا کسانی که او را یاری نکردند یاری مکن و آنانکه او را کشتند بکش و آنهاکه او را سر بریدند سرشان را ببر و از آنچه طالب هستند بهره‌مند مساز. عبدالرحمن می‌گوید:

به خدا قسم یزید ملعون مهلت نیافت و پس از کشتن آن جناب آنچه را که طالب بود نیافت و از آن بهره‌مند نشد، شب با حالتی مست و خارج از حال طیمی خوابید و صبح کرد در حالی که مرده‌ای بود متغیر گویا او را قیر اندود کرده‌اند، با حالتی غمگین و حسرت و حزن مرد و احدی از آنانکه در کشتن سید الشهداء سلام الله علیه از او تبعیت کرده یا در محاربه و جنگ با آن سرور مقابل شدند باقی نماندند مگر آنکه یا مبتلا به دیوانگی و یا جذام و یا برص گردیدند و این امراض در نسل ایشان به ارث باقی ماند خداوند همه آنها را لعن و از رحمت و اسعاش دور نماید.

معن:

۹ - حدیثی آبی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد، عن احمد بن محمد بن أبي نصر، عن عبدالکریم بن عمرو، عن المعلى بن خنيس، «قال: كان رسول الله ﷺ أصبح صباحاً فرأته فاطمة باكياً حزيناً، فقالت: مالك يا رسول الله؟ فأبى أن يخبرها، فقالت: لا أكل ولا أشرب حتى تخبرني، فقال: إن جبرئيل ﷺ أتاني بالتربة التي يقتل عليها غلام لم يحمل به بعد و لم تكن تحمل بالمحسين ﷺ و هذه تربته».

حدیثی عبیدالله بن الفضل بن محمد بن هلال، قال: حدیثی محمد بن

عمیره الأسلمی، قال: حدّثنی عمرو بن عبد اللّٰه بن عبّس، عن محمّد بن عبد اللّٰه بن عمر؛ عن ابیه، عن ابن عبّاس - و ذکر الحدیث مثل حدیث اَبی عبد اللّٰه الزعفرانی سواء. و حدّثنی عبید اللّٰه بن الفضل قال: حدّثنی جعفر بن سلیمان، عن ابیه، عن عبدالرحمن الغنوی، عن سلیمان - و ذکر مثل حدیث اَبی الحسین الناقد سوآء.

ترجمه: ﴿ حدیث نهم ﴾

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد، از احمد بن محمد بن ابی نصر، از عبدالکریم بن عمرو، از معلى بن خنيس نقل کرده که وی گفت:

در صبح روزی حضرت فاطمه علیها السلام رسول خدا صلی الله علیه و آله را گریبان و محزون دیده پس عرضه داشت: ای رسول خدا! شما را چه می شود؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از خبر دادن به ایشان امتناع نمودند. حضرت فاطمه علیها السلام عرض کرد: نه غذا خورده و نه آب می آشامم تا به من خبر دهید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل خاکی را برایم آورده که بر روی آن جوانی که هنوز مادرش به او باردار نشده کشته خواهد شد و این همان تربت و خاک است (این واقعه زمانی بود که هنوز حضرت فاطمه علیها السلام به حسین علیه السلام باردار نشده بودند).

عبیدالله بن فضل بن محمد بن هلال می گوید:

محمّد بن عمیره اسلمی برایم نقل نمود، وی گفت: عمرو بن عبد اللّٰه بن عبّس، از محمّد بن عبد اللّٰه بن عمرو، از پدرش و او از ابن عبّاس نقل کرده که وی حدیث را نظیر حدیث ابی عبد اللّٰه زعفرانی (حدیث هفتم همین باب) نقل

نموده:

و عبیدالله بن فضل برایم نقل نمود، وی گفت: جعفر بن سلیمان، از پدرش، از عبدالرحمن غنوی، از سلیمان نقل کرد که وی حدیث را نظیر حدیث ابی الحسین الناقد (حدیث هشتم) حکایت نمود.

﴿ الباب الثامن عشر ﴾

﴿ ما نزل من القران بقتل الحسين ﷺ و انتقام الله عزوجل ﴾

﴿ و لو بعد حين ﴾

متن:

۱ - حدیثی محمد بن جعفر القرشی الرزاز، قال: حدیثی محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، عن موسی بن سعدان الحنّاط، عن عبد الله بن قاسم الحضرمی، عن صالح بن سهل، عن ابی عبد الله ﷺ فی قول الله عزوجل: «و قضینا الی بنی اسرائیل فی الكتاب لثفسدن فی الأرض مرتین» قال قتل امیر المؤمنین ﷺ و طعن الحسن بن علی ﷺ «و لتعلن علواً کبیراً» قتل الحسین بن علی ﷺ «فاذا جاء وعد اولیها» قال: اذا جاء نصر الحسین ﷺ «بعثنا علیکم عباداً لنا اولی بأس شدید فجاسوا خلال الدیار» قوماً یبعثهم الله قبل القائم ﷺ، لا یدعون و تروا لیل محمد الا احرقوه، «و کان وعداً منقولاً».

﴿ باب هیجدهم ﴾

﴿ آیاتی که در باره شهادت حضرت امام حسین علیه السلام نازل شده ﴾

﴿ و بیان انتقام حق تعالی از قاتلین اگرچه در زمانی ﴾

﴿ بس متأخر باشد ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی رزاق می گوید:

محمد بن حسین بن ابی الخطاب، از موسی بن سعدان حنّاط، از عبدالله بن قاسم حضرمی، از صالح بن سهل از ابی عبدالله علیه السلام نقل نموده که آن حضرت در ذیل آیه شریفه:

و قضینا الی بنی اسرائیل فی الکتاب لتفسدن فی الارض مرّتين،

فرمودند:

مقصود از مرّتين یکی نقل و شهید نمودن امیرالمؤمنین علیه السلام بوده و دیگری طعن و زخم زبان هائی بود که به حسن بن علی علیه السلام زده شد. و مراد از «لتعلن علواً کبیراً» شهادت حسین بن علی علیه السلام است. و منظور از «فاذا جاء وعد اولیها» اینست که وقتی فرا رسید زمان خون خواهی حضرت امام حسین علیه السلام و باری کردن آن جناب. و تفسیر «بعثنا علیکم عباداً لئلا اولی بأس شدید فجاسوا خلال الدیار» اینست که:

خداوند متعال قبل از قیام قائم علیه السلام گروهی را برانگیزد که آنها احدی را بر آل محمد علیهم السلام وا نگذارند مگر آنکه او را آتش می زنند و این وعده خدا حتماً بر فروع می پیوندد.

متن:

۲- و حدّثنی اَبی - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن سنان، عن علی بن ابی حمزة، عن ابی بصیر، عن ابی جعفر علیه السلام «قال: تلا هذه الآية: «انا لننصر رسلنا والذین امنوا فی الحیوة الدنیا و یوم یقوم الأشهاد»، قال: الحسین بن علی علیه السلام منهم و لم ینصر بعد، ثم قال: و الله لقد قتل قتلة الحسین علیه السلام و لم یطلب بدمه بعد».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن سنان، از علی بن ابی حمزه، از ابی بصیر، از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل نموده که آن حضرت آیه:

«انا لننصر رسلنا و الذین آمنوا فی الحیوة الدنیا و یوم یقوم الأشهاد» را تلاوت نموده سپس فرمودند:

حضرت حسین بن علی علیه السلام از جمله این دسته بود و مورد کمک و نصرت قرار نگرفت پس از آن فرمود:

به خدا سوگند کشتندگان حسین بن علی علیه السلام جملگی کشته شدند در حالی که کسی خون آن حضرت را از ایشان طلب نکرد.

متن:

۳- و حدّثنی اَبی - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن یعقوب بن یزید؛ و ابراهیم بن هاشم، عن محمد بن ابی عمیر - عن بعض رجاله -

عن أبي عبد الله عليه السلام «في قول الله عز وجل: «وَأَذِ الْمُوْءِدَةَ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قَتَلْتِ»، قَالَ: نَزَلَتْ فِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام».

ترجمه: ﴿ حدیث سوم ﴾

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبدالله، از يعقوب بن يزيد و ابراهيم بن هاشم، از محمد بن ابی عمير، از برخی رجالش از حضرت ابی عبدالله عليه السلام در ذیل فرموده خداوند عزوجل:

وَإِذَا الْمُوْءِدَةُ سُئِلَتْ، بِأَيِّ ذَنْبٍ قَتَلْتِ.

فرمودند:

این آیه در شأن حسین بن علی عليه السلام نازل شده.



متن:

۴ - حدیثی ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد ابن عيسى، عن العباس بن معروف، عن صفوان بن يحيى، عن حكم الحنّاط، عن ضريس، عن أبي خالد الكابلي، عن أبي جعفر عليه السلام «قال: سمعته يقول في قول الله عز وجل: «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَاِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ»، قَالَ: عَلِيٌّ وَالحسن وَالحسين عليهم السلام».

ترجمه: ﴿ حدیث چهارم ﴾

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عيسى، از عباس بن معروف، از صفوان بن يحيى، از حكم حنّاط، از ضريس، از ابی خالد کابلی، از حضرت ابی جعفر عليه السلام نقل نموده که گفت:

از آن جناب شنیدم که در ذیل فرموده حق عزوجل:
 اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا وان الله علی نصرهم لقدير.
 فرمودند:

ایشان علی و حسن و حسین علیهم السلام می باشند.

متن:

۵ - و حدیثی محمد بن الحسن بن احمد، عن محمد بن الحسن الصفار، عن العباس بن معروف، عن محمد بن سنان - عن رجل - «قال: سألت عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله تعالى: «و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لوليه سلطاناً فلا يسرف في القتل انه كان منصوراً»، قال: ذلك قائم آل محمد يخرج فيقتل بدم الحسين عليه السلام فلو قتل اهل الأرض لم يكن مسرفاً، وقوله: «فلا يسرف في القتل» لم يكن ليصنع شيئاً يكون سرفاً، ثم قال ابو عبد الله عليه السلام: يقتل والله ذراري قتلة الحسين عليه السلام بفعال آياتها».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن احمد، از محمد بن الحسن الصفار، از عباس بن معروف، از محمد بن سنان، از شخصی نقل نموده که وی گفت:
 از حضرت ابی عبد الله عليه السلام از تفسیر آیه شریفه:
 و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لوليه سلطاناً فلا يسرف في القتل انه كان منصوراً.

پرسیدم، حضرت فرمودند:

مقصود از «ولی» قائم آل محمد علیهم السلام بوده که خروج نموده پس به خون‌خواهی حضرت سیدالشهداء علیه السلام شروع به کشتن می‌نماید بطوری که اگر اهل زمین را بکشد اسراف نکرده است.

و در ذیل این فقره از آیه «فلا یسرف فی القتل» می‌فرماید:

حضرت قائم علیه السلام اقدام به چیزی که اسراف محسوب شود نمی‌کنند.

سپس امام صادق علیه السلام فرمودند:

به خدا قسم حضرت قائم علیه السلام اعقاب کشتندگان سید الشهداء علیه السلام را بواسطه عمل آباء و اجدادشان را خواهد کشت.

متن:

۶ - حدیثی محمد بن جعفر الرزّاز، عن محمد بن الحسین، عن عثمان ابن عیسی، عن سماعة بن مهران، عن ابي عبد الله علیه السلام «فی قوله تبارک و تعالی: «لاعدوان الا علی الظالمین»، قال: اولاد قتلة الحسین علیه السلام».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزّاز، از محمد بن الحسین، از عثمان بن عیسی، از سماعة بن مهران، از حضرت ابي عبد الله علیه السلام در ذیل فرموده حق تبارک و تعالی: لاعدوان الا علی الظالمین.

فرمودند:

مقصود از «ظالمین» فرزندان کشتندگان امام حسین علیه السلام می‌باشد.

متن:

حدیثی ابي - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن ابراهيم بن هاشم؛ و محمد بن الحسین، عن عثمان بن عیسی، عن سماعة بن مهران مثله.

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبدالله، از ابراهیم بن هاشم و محمد بن الحسین، از عثمان بن عیسی از سماعة بن مهران مثل حدیث قبل را نقل نموده.

متن:

۷ - حدیثی محمد بن جعفر الکوفی الرزازی، عن محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، عن موسی بن سعدان، عن عبدالله بن القاسم الحضرمی، عن صالح بن سهل، عن ابی عبدالله علیه السلام «فی قول الله تبارک و تعالی: «و قضینا الی بنی اسرائیل فی الكتاب لتفسدن فی الارض مرتین»، قال: قتل علی و طعن الحسن «و لتعلن علواً کبیراً» قال: قتل الحسین علیه السلام».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر کوفی رزازی، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از موسی بن سعدان، از عبدالله بن القاسم الحضرمی از صالح بن سهل، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام در ذیل فرموده حق تبارک و تعالی: و قضینا الی بنی اسرائیل فی الكتاب لتفسدن فی الارض مرتین.

نقل نموده که آن جناب فرمودند:

مقصود از «مرتین» یکی کشتن حضرت علی علیه السلام بوده و دیگری زخم زبان زدن به امام حسن علیه السلام می باشد.

و مراد از «و لتعلن علواً کبیراً» کشتن حضرت امام حسین علیه السلام می باشد.

﴿ الباب التاسع عشر ﴾

﴿ علم الانبياء بقتل الحسين بن علي ﴾

متن:

۱- حدّثني أبي - رحمه الله - قال: حدّثني سعد بن عبد الله بن أبي خلف، عن احمد بن محمد بن عيسى؛ و محمد بن الحسين بن أبي الخطاب؛ ويعقوب بن يزيد جميعاً، عن محمد بن سنان، - عمّن ذكره - عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: إنّ اسماعيل الذي قال الله تعالى في كتابه «واذكر في الكتاب اسماعيل أنّه كان صادق الوعد وكان رسولاً نبياً» لم يكن اسماعيل بن ابراهيم عليه السلام، بل كان نبياً من الأنبياء؛ بعثه الله الى قومه فاخذوه فسلخوا فروة رأسه ووجهه فأتاه ملك عن الله تبارك و تعالى فقال: إنّ الله بعثني اليك فرني بما شئت، فقال: لي اسوة بما يصنع بالحسين».

﴿ باب نوزدهم ﴾

﴿ آگاه بودن انبياء از شهادت ﴾

﴿ حضرت حسين بن علي ﴾

ترجمه:

﴿ حديث اول ﴾

پدرم رحمة الله عليه فرمود:

سعد بن عبد الله بن أبي خلف از احمد بن محمد بن عيسى و محمد بن حسين بن أبي الخطاب و يعقوب بن يزيد، جملگی از محمد بن سنان، از کسی که یادش

نموده از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل نموده که آن جناب فرمودند:

اسماعیلی که حق تعالی در کتاب عزیزش در باره او فرموده:

و اذکر فی الکتاب اسماعیل انه کان صادق الوعد و کان رسولاً.

اسماعیل بن ابراهیم علیه السلام نبوده بلکه مقصود از وی پیامبری از پیامبران عظام بوده که حق تعالی وی را به طرف قومش مبعوث داشت قومش او را گرفته و پوست سر و صورتش را کردند پس فرشته‌ای از جانب حق تبارک و تعالی نزدش آمد، عرضه داشت:

خداوند متعال من را به سوی تو فرستاده و امر کرده که به تو عرض کنم هر چه

می‌خواهی از او بخواه.

او فرمود:

من خواستارم که آنچه به حضرت حسین علیه السلام از بلا و محنت می‌رسد پیرو آن

حضرت بوده و به من نیز آنها متوجه گردد.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

متن:

۲ - و حدیثی ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد بن عیسی؛ و ابن ابی الخطاب؛ و ابن یزید، عنهما جميعاً عن محمد ابن سنان، عن عمار بن مروان، عن ساعدة بن مهران، عن ابی عبدالله علیه السلام «قال: إنه کان لله رسولاً نبیاً تسلط علیه قومه، فقشروا جلدة وجهه و فروة رأسه، فأتاه رسول من رب العالمین، فقال له: ربك یقرؤك السلام و یقول: «قد رأیت ما أصنع بك» و قد أمرنی بطاعتك، فرفنی بما شئت، فقال: یكون لی بالحسین اسوة».

ترجمه:

﴿ حدیث دوم ﴾

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عيسى و ابن ابی الخطاب و ابن یزید، جملگی از محمد بن سنان، از عمار بن مروان، از سماعة بن مهران از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

خداوند متعال رسول و پیامبری داشت که قومش بر او مسلط شده و پوست صورت و سر او را کردند رسولی از رسولان پروردگار عالمیان نزد او آمد و گفت: پروردگارت به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید:

آنچه به تو وارد شد را دیدم و به من امر فرمود که تو را اطاعت نمایم حال آنچه می‌خواهی به من بفرما.

وی فرمود: من خواستارم که آنچه به حضرت حسین علیه السلام از بلا و محنت رسید پیرو آن حضرت باشم.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

متن:

۳ - حدیثی محمد بن جعفر الرزاز، عن محمد بن الحسين بن ابی الخطاب؛ و احمد بن الحسن بن علی، عن ابیہ، عن مروان بن مسلم، عن برید بن معاویة العجلی، «قال: قلت لابی عبدالله علیه السلام: یا بن رسول الله اخبرنی عن اسماعیل الذی ذکره الله فی کتابه حیث یقول: «أذکر فی الكتاب اسماعیل انه کان صادق الوعد و کان رسولاً نبیاً»؛ أکان اسماعیل بن ابراهیم علیه السلام؟ فان الناس یزعمون انه اسماعیل بن ابراهیم، فقال علیه السلام: ان اسماعیل مات قبل ابراهیم و ان ابراهیم کان حجّة لله قائماً، صاحب شریعة فالی من أرسل اسماعیل اذن؟ قلت: فن کان جعلت فداک؟ قال علیه السلام: ذاک اسماعیل بن حزقیل النبی علیه السلام؛ بعثه الله الی

تومه فکذبوه فقتلوه و سلخوا وجهه، فغضب الله له عليهم فوجه اليه سطا طائيل؛ ملك العذاب، فقال له: يا اسماعيل انا سطا طائيل ملك العذاب؛ وجهني اليك رب العزة لأعذب قومك بانواع العذاب ان شئت، فقال له اسماعيل: لا حاجة لي في ذلك، فأوحى الله اليه: فما حاجتك يا اسماعيل؟ فقال يا رب ائتك أخذت الميثاق لنفسك بالربوبية، و لمحمد بالنبوة و لأوصيائه بالولاية، و أخبرت خير خلقك و بما تفعل امته بالحسين بن علي ؑ من بعد نبيها و ائتك وعدت الحسين ؑ ان تكرهه الى الدنيا حتى ينتقم بنفسه ممن فعل ذلك به، فحاجتي اليك يا رب ان تكرني الى الدنيا حتى أنتقم ممن فعل ذلك بي، كما تكرّ الحسين ؑ، فوعد الله اسماعيل بن حزقيل ذلك فهو يكرّ مع الحسين ؑ.»

ترجمه: حدیث سوم

محمد بن جعفر رزاز از محمد بن حسین بن ابی الخطاب و احمد بن حسن بن علی بن فضال از پدرش از مروان بن مسلم از برید بن معاویه العجلی نقل کرده که گفت: محضر امام صادق ؑ عرض کردم: ای پسر رسول خدا: خبر دهید به من از اسماعیل که حق تعالی در کتاب خودش از او یاد کرده و فرموده:

و اذکر فی الكتاب اسماعیل انه کان صادق الوعد و کان رسولا نبیاً.

آیا مقصود از او اسماعیل بن ابراهیم ؑ است چه آنکه مردم این طور می پندارند که وی اسماعیل بن ابراهیم می باشد.

امام ؑ فرمودند:

اسماعیل پیش از حضرت ابراهیم از دنیا رفت و جناب ابراهیم ؑ حجّت

قائم حق تعالی و صاحب شریعت بود و مع ذلک اسماعیل با چنین موقعیتی به جانب چه کسانی می توانست مبعوث باشد؟!

رلوی می گوید: محضر مبارکش عرض کردم:

پس اسماعیل در آپه مذکور چه کسی است؟

حضرت فرمودند:

وی اسماعیل بن حزقیل پیغمبر می باشد که خداوند متعال او را به جانب قومش مبعوث نمود و آنها وی را تکذیب کرده و کشتند و سپس پرست صورتش را کردند پس خداوند به ایشان غضب نمود و سطاطایل را که فرشته عذاب است بر او نازل کرد، فرشته عرضه داشت:

ای اسماعیل من سطاطایل بوده که فرشته عذاب می باشم پروردگار متعال من را نزد شما فرستاده تا قوم شما را به انواع عذابها معذب نمایم و در صورتی که نخواهی ایشان را به بلاها و گرفتاریها مبتلا سازم. اسماعیل به او فرمود:

به این امر نیاز و احتیاجی ندارم.

پس حق تعالی وحی فرستاد: ای اسماعیل حاجت تو چیست؟

عرض کرد: پروردگارا از بندگانت عهد و میثاق گرفتی که تو را رب و پروردگار دانسته و حضرت محمد صلی الله علیه و آله را پیغمبر و اوصیاء کرامش را ولی بدانند و به بهترین مخلوقات خبر دادی که امتش با حسین بن علی علیه السلام بعد از پیامبر چه خواهند نمود و به حسین علیه السلام وعده دادی که به دنیا برگردانده می شود تا خودش از آن قوم جفاکار انتقام بگیرد و حاجت من به تو ای پروردگار آن است که من را نیز به دنیا برگردانی تا انتقام خود را از ظالمین بگیرم همان طوری که حسین علیه السلام را به دنیا بازگردانیدی؛ پس حق تعالی به اسماعیل بن حزقیل وعده داد او را با حسین بن علی سلام الله علیهما به دنیا برگرداند.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ - عَمَّنْ ذَكَرَهُ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: إِنَّ إِسْمَاعِيلَ الَّذِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ: «اذْكَرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ» أَخَذَ فَمَلَأَتْهُ فِرْوَةً وَجْهَهُ وَرَأْسَهُ فَاتَاهُ مَلِكٌ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ يَعْثُقُ إِلَيْكَ فَرَفِي بِمَا شِئْتَ، فَقَالَ: لِي أَسْوَةٌ بِالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن علی بن مهزیار از پدرش از جدش علی بن مهزیار، از محمد بن سنان از کسی که ذکرش نموده نقل کرد که گفت امام صادق عليه السلام فرمودند:

اسماعیلی که حق تعالی در کتاب عزیزش از او یاد کرده و فرموده:

و اذکر فی الکتاب اسماعیل انه کان صادق الوعد.

گرفتار قرمش شد و او را گرفته پوست صورت و سرش را کردند پس

فرشته ای نزد او آمد عرضه داشت:

خدایوند متعال من را نزد تو فرستاده اکنون آنچه می خواهی به من دستور بده.

اسماعیل فرمود:

من پیرو حسین بن علی عليه السلام می باشم.

﴿ الباب العشرون ﴾

﴿ علم الملائكة بقتال الحسين ﴾

متن:

١ - حدثني محمد بن جعفر القرشي الرزاز الكوفي، قال: حدثني خالي محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، قال: حدثني موسى بن سعدان الحنطاط، عن عبد الله بن القاسم الحضرمي، عن ابراهيم بن شعيب الميثمي، «قال: سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول: ان الحسين بن علي عليه السلام لما ولد امر الله عز وجل جبرئيل عليه السلام ان يهبط في آفة من الملائكة فيهتفء رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم من الله و من جبرئيل عليه السلام، قال: وكان مهبط جبرئيل عليه السلام على جزيرة في البحر فيها ملك يقال له: فطرس، كان من الحملة فبعث في شيء فابطأ فيه فكسر جناحه و اتى في تلك الجزيرة يعبد الله فيها ستائة عام حتى ولد الحسين عليه السلام، فقال الملك لجبرئيل عليه السلام: أين تريد؟ قال: ان الله تعالى انعم على محمد صلى الله عليه وآله وسلم بنعمة فبعثت اهنيته من الله و مني، فقال: يا جبرئيل احملني معك لعل محمداً صلى الله عليه وآله وسلم يدعوا الله لي، قال: فحمله فلما دخل جبرئيل على النبي صلى الله عليه وآله وسلم وهناه من الله و هناه منه و اخبره بحال فطرس فقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: يا جبرئيل ادخله فلما ادخله اخبر فطرس النبي صلى الله عليه وآله وسلم بحاله فدعاه النبي صلى الله عليه وآله وسلم و قال له: تمسح بهذا الملوود و عد الى مكانك، قال: فتمسح فطرس بالحسين عليه السلام و ارتفع و قال: يا رسول الله (ص) اما ان امتك ستقتله وله على مكافاة ان لا يزوره زائر الا بلغتته عنه،

و لا یسلم علیہ مسلم الا بآئتہ سلامہ، و لا یصلی علیہ مصل الا بآئتہ صلوٰتہ، قال: ثم ارتفع».

﴿ باب بیستم ﴾

﴿ آگاهی فرشتگان از شهادت ﴾

﴿ حضرت حسین بن علی علیه السلام ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمہ:

محمد بن جعفر قرشی رزاز کوفی می گوید:

از دائی ام محمد بن الحسین بن ابی الخطاب گفت:

موسی بن سعدان حناط از عبداللہ بن قاسم حضرمی، از ابراہیم بن شعیب

میشمی نقل کرد کہ گفت:

شنیدم امام صادق علیه السلام فرمودند:

ہنگامی کہ حسین بن علی علیہ السلام متولد شدند حق تعالیٰ بہ جبرئیل امر فرمود

کہ در ضمن ہزار فرشتہ دیگر بہ زمین فرود آید و از طرف خدا و خودش بہ

رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم تہنیت بگوید.

حضرت فرمودند:

محل فرود آمدن جبرئیل جزیرہای بود در میان دریائی و در آن جزیرہ

فرشتہای می زیست بنام فطرس کہ از جملہ عرش محسوب می شد و حق تعالیٰ

او را بر انجام کاری مبعوث نمود و چون وی در بجا آوردن آن سستی نمود بالش

شکستہ شد و او در آن جزیرہ افتاد و مدت ششصد سال خداوند را عبادت

می کرد تا حضرت حسین بن علی علیہ السلام متولد شدند بہ ہر صورت فطرس بہ

جبرئیل عرضه داشت:

اراده کجا داری؟

جبرئیل فرمود: خداوند متعال بر حضرت محمد ﷺ نعمتی عنایت فرموده و من را برای گفتن نهیت از جانب خودش و خودم به نزد آن جناب فرستاده اکنون محضر مبارک آن حضرت می‌روم.

فطرس عرضه داشت: ای جبرئیل من را با خودت ببر شاید حضرت رسول خدا ﷺ برای من دعاء فرماید.

حضرت فرمودند:

جبرئیل فطرس را با خود برد و هنگامی که به مکان رسول خدا ﷺ رسید فطرس را بیرون گذارد و خودش محضر مبارک آن جناب مشرف گردید و از ناحیه خدا و خود به حضرتش نهیت گفت و سپس حال فطرس را گزارش داد. حضرت رسول خدا ﷺ فرمودند:

ای جبرئیل او را داخل کن.

جبرئیل او را داخل نمود و وی حال خود را برای آن جناب بازگو نمود. پیامبر اکرم ﷺ برایش دعاء نموده و فرمودند:

بال شکسته خودت را به این مولود بکش و به جای خودت برگردد.

حضرت فرمودند:

فطرس بال شکسته‌اش را به حضرت امام حسین ﷺ کشید و سالم شد و به هوا پرواز کرد و گفت: ای رسول خدا ﷺ: این حتمی است که امت شما عنقریب این مولود را خواهند کشت و در مقابل حقی که این مولود بر من دارد ملتزم هستم هر زائری که او را زیارت کند، زیارتش را به آن حضرت رسانده و هر سلام کننده‌ای که به حضرتش سلام کند، سلامش را به محضرش ابلاغ نموده و هر کسی که به جنابش تهنیت گوید آن را به حضورش عرضه نمایم این بگفت و به آسمان پرواز کرد.

﴿ الباب الحادی و العشرون ﴾

﴿ لعن الله تبارک و تعالی و لعن الأنبياء قاتل الحسين بن علي ﴾

متن:

۱- حدیثی است از ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن محمد بن عيسى ابن عبيد اليتطيني، عن محمد بن سنان، عن أبي سعيد القهاط، عن ابن أبي يعفور، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «بينما رسول الله صلى الله عليه وآله في منزل فاطمة عليها السلام والحسين في حجرة اذ بكى وخرّ ساجداً، ثم قال: يا فاطمة يا بنت محمد! انّ العليّ الأعلى ترائي لي في بيتك هذا في ساعتى هذه في احسن صورة واهيا هيثة، و قال لي: يا محمد اتحبّ الحسين عليه السلام؟ فقلت: نعم؛ قرّة عيني وريحانتي و ثمرة قوادى؛ و جلدة ما بين عيني، فقال لي: يا محمد - و وضع يده على رأس الحسين عليه السلام - بورك من مولود عليه بركاتي و صلواتي و رحمتي و رضواني؛ و لعنتي و سخطي و عذابي و خزبي و نکالی علی من قتله و ناصبه و ناواه و نازعه اما انه سيّد الشهداء من الاولين و الاخرين في الدنيا و الآخرة - و ذكر الحديث -».

﴿ باب يست و بكم ﴾

﴿ در بیان لعنت نمودن حق تبارک و تعالی و انبیاء عظام ﴾

﴿ در حق قاتلین حسین بن علی عليه السلام ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبد الله، از محمد بن عيسى بن عبيد يقطيني

از محمد بن سنان از ابی سعید قماط از ابن ابی یعفور از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل نمود که آن جناب فرمودند:

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در منزل حضرت فاطمه سلام الله علیها تشریف داشته در حالی که حضرت امام حسین علیه السلام در دامن آن جناب بودند، حضرت گریسته و به سجده رفته سپس فرمودند:

ای فاطمه، ای دختر محمدا در این ساعت و در همین مکان خداوند علی علیه السلام اعلی ^(۱) در بهترین صورت و زیباترین شکل خود را به من نشان داد و گفت: ای محمد آیا حسین را دوست داری؟

گفتم: بلی، نور دیده و گل خوشبو و میوه دل و پرده مابین دیده گان من است. در حالی که دست بر سر حسین علیه السلام نهاده بود ^(۲) به من فرمود: ای محمد: برکت حاصل می شود از مولودی که بر او برکات و رحمت و رضوان من می باشد و لعنت و غضب و عذاب و ذلت و عقوبت من بر کسی که او را کشته و نصب عداوتش نموده و با او دشمنی کرده و با وی به حرب برخاسته است.

بطور حتم و قطع او سرور شهداء است از ازلین و آخرین در دنیا و آخرت....

متن:

۲- و حدیثی ابوالحسین محمد بن عبدالله بن علی الناقده، قال: حدیثی ابرهaron العبسی، عن ابی الأشهب جعفر بن حیان، عن خالد الربعی قال: حدیثی من سمع کعباً «یقول: أول من لعن قاتل الحسین بن علی علیه السلام»

۱- مقصود رسول حق تبارک و تعالی است یعنی جبرئیل علیه السلام.

۲- مراد از لوار دادن حق تعالی دست بر سر آن حضرت اضافه رحمت می باشد.

ابراهیم خلیل الرحمن، لعنه و أمر ولده بذلك و اخذ عليهم العهد و الميثاق، ثم لعنه موسى بن عمران، و امر امته بذلك، ثم لعنه داود و امر بني اسرائيل بذلك، ثم لعنه عيسى، و اكثر ان قال: يا بني اسرائيل العنوا قاتله و ان ادركتم ايامه فلا تجلسوا عنه، فانّ الشهيد معه كالشهيد مع الأنبياء مقبل غير مدبر و كاتى انظر الى بقعته، و ما من نبي الا و قد دار كربلاء و وقف عليها و قال اناك لبقعة كثيرة الخير، فيك يدفن القمر الأزهر».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمہ:

ابوالحسین محمد بن عبدالله بن علی الناقہ می گوید:

ابوہرون عبسی، از ابی الاشہب جعفر بن حیّان از خالد ربیع نقل نمود

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

و گفت:

کسی که از کعب شنیده بود گفت: اولین کسی که قاتل حضرت حسین بن علی علیہ السلام را لعن نمود حضرت ابراهیم خلیل الرحمن برد، آن جناب قاتل حضرت سید الشهداء را لعن نمود و به فرزندانشان نیز امر فرمودند که چنین نمایند و از آنها عهد و پیمان گرفت بر آن و سپس حضرت موسی بن عمران قاتل آن جناب را لعن کرد و امتش را به آن مأمور ساخت پس از ایشان حضرت داود قاتل آن حضرت را لعن کرده و به بنی اسرائیل امر نمود که ایشان نیز لعن کنند و سپس حضرت عیسی به آن مبادرت نمود و بیشترین گفتار آن حضرت این بود که ای بنی اسرائیل قاتل حسین بن علی علیہ السلام را لعنت کنید و اگر زمان آن حضرت را درک نمودید مبادا او را تنها گذارده و در رکابش حاضر نشوید زیرا کسی که با آن جناب شهید شود همچون شهید با انبیاء است، او روی آورنده است نه پشت

کننده، گویا به جایگاه او نظر کرده و آن را می بینم، و نیست پیغمبری مگر آنکه کربلاء را زیارت کرده و بر آن ایستاده و گفته است:
 نو جایگاهی پرخبر بوده، در تو ماه درخشنده و نورافشان دفن می گردد.

متن:

۳- حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ الزَّعْفَرَانِيُّ بِالرَّيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرِو النَّصِيبِيِّ، عَنْ هِشَامِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ: أَخْبَرَنِي الْمَشِيخَةُ «أَنَّ الْمَلِكَ الَّذِي جَاءَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ أَخْبَرَهُ بِقَتْلِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ كَانَ مَلِكَ الْبَحَارِ وَ ذَلِكَ أَنَّ مَلِكًا مِنْ مَلَائِكَةِ الْفَرْدَوْسِ نَزَلَ عَلَى الْبَحْرِ فَنَشَرَ أَجْنَحَتَهُ عَلَيْهَا، ثُمَّ صَاحَ صَيْحَةً وَقَالَ: يَا أَهْلَ الْبَحَارِ الْبَسُوا أَثْوَابَ الْحُزْنِ فَإِنَّ فَرْخَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مَذْبُوحٌ، ثُمَّ حَمَلَ مِنْ تَرْبَتِهِ فِي أَجْنَحَتِهِ إِلَى السَّمَوَاتِ، فَلَمْ يَبْقَ مَلِكٌ فِيهَا إِلَّا سَمَّهَا وَ صَارَ عِنْدَهُ طَائِرٌ وَ لَعْنٌ قَتَلَتْهُ وَ أَشْيَاعَهُمْ وَ اتَّبَاعَهُمْ».

ترجمه:

﴿ حدیث سوم ﴾

حسین بن علی زعفرانی در ری برایم نقل نمود وی گفت:
 محمد بن عمر نصیبی از هشام بن سعد حکایت کرد و گفت:
 اساتید و شیوخ ما به من خبر دادند فرشته ای که نزد رسول خدا ﷺ آمد
 و خبر شهادت حضرت حسین بن علی ﷺ را گزارش داد فرشته دریاها بود
 و شرح آن این است که:
 فرشته ای از فرشته های بهشت بر دریا نازل شد و بال هایش را روی سطح آب
 گسترانید سپس فریادی بلند زد و گفت:

ای اهل دریا لباس‌های حزن و اندوه بپوشید زیرا فرزند رسول خدا ﷺ را سر بریده‌اند پس از تربت آن حضرت دریاهايش نهاد و به آسمان‌ها پرواز کرد و فرشته‌ای نبود در آسمان‌ها مگر آن را بوئید و در وی اثرگذار و کشته‌گان آن حضرت و تابعین آنها را لعنت نمود.

﴿ الباب الثانی و العشرُونَ ﴾

﴿ قول رسول الله ﷺ ﴾

﴿ انّ الحسین ینبأ بقتله امته من بعده ﴾

متن:

۱ - حدّثنی ابي - رحمه الله - و محمد بن الحسن بن الوليد، عن سعد ابن عبد الله، عن محمد بن عيسى بن عبيد، عن صفوان بن يحيى؛ و جعفر ابن عيسى بن عبيد الله، قال: حدّثنا ابو عبد الله الحسين بن أبي غنّدر - عمّن حدّثه - عن أبي عبد الله عليه السلام: «قال: كان الحسين بن علي عليه السلام ذات يوم في حجر النبي ﷺ يلاعبه و يضحكه فقالت عائشة: يا رسول الله ما أشدّ اعجابك بهذا الصبي؟ فقال لها: ويلك! وكيف لأحبه و لا اعجب به و هو ثمرة فؤادي و قرّة عيني، اما انّ امتي ستقتله، فمن زاره بعد وفاته كتب الله له حجة من حجّجى، قالت: يا رسول الله حجة من حجّجك؟ قال: نعم؛ حجّتين من حجّجى، قالت: يا رسول الله حجّتين من حجّجك؟ قال: نعم؛ و اربعة، قال: فلم تزل تزاده و يزيد و يضعف حتى بلغ تسعين حجة من حجّج رسول الله ﷺ باعمارها».

﴿ باب بیست و دوم ﴾
 ﴿ در بیان کلام رسول خدا ﷺ ﴾
 ﴿ بعد از من ائت من حسین ﷺ را می‌کشند ﴾

ترجمه: ﴿ حدیث اول ﴾

پدرم رحمة الله علیه و محمد بن الحسن بن ولید، از سعد بن عبدالله، از محمد بن عیسی بن عبید، از صفوان بن یحیی و جعفر بن عیسی بن عبیدالله گفتند:

برای ما حدیث گفت ابو عبدالله الحسین بن ابی خنذر از کسی که برایش از حضرت ابی عبدالله ﷺ نقل نمود وی گفت:
 روزی حسین بن علی ﷺ در دامن نبی اکرم ﷺ نشسته بود و با آن حضرت بازی می‌کرد و هر دو می‌خندیدند.
 عایشه گفت: یا رسول الله، چه قدر علاقه و محبت شما به این طفل زیاد است؟

حضرت فرمودند: وای بر تو! چه گونه او را دوست نداشته و به او محبت نداشته باشم در حالی که میوه دل من و نور چشمم می‌باشد، این امر قطعی است که عنقریب امت من او را خواهند کشت و کسی که بعد از شهادتش او را زیارت کند خداوند برای او ثواب یک حج از حج‌های من را می‌نویسد.
 عایشه عرض کرد: یا رسول الله حجی از حج‌های شما؟
 حضرت فرمودند: بلی، دو حج از حج‌های من.
 عایشه عرضه داشت: یا رسول الله دو حج از حج‌های شما؟
 حضرت فرمودند: بلی، چهار حج از حج‌های من.
 راوی می‌گوید: پیوسته حضرت به تعداد حج‌ها اضافه کردند و آن را بالا بردند تا به نود حج با عمره از حج‌ها و عمره‌های خودشان ﷺ رساندند.

متن:

۲ - حدیثی محمد بن عبد اللہ بن جعفر الحمیری، عن أبیه، عن علی بن محمد بن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبد اللہ بن حماد البصری، عن عبد اللہ بن عبد الرحمن الأصم، عن مسمع بن عبد الملک، عن أبی عبد اللہ علیه السلام «قال: کان الحسین علیه السلام مع امة تحمله، فاخذه رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم فقال: لعن اللہ قاتلیک و لعن اللہ سالیبک، و اهلك اللہ المتوازرین علیک و حکم اللہ بینی و بین من اعان علیک، فقالت فاطمة: یا ابة ای شیء تقول؟ قال: یا بنتاه ذکرت ما یصیبه بعدی و بعدک من الأذى و الظلم و الغدر و البغی و هو یومئذ فی عصابة کانتهم نجوم السماء، یتهادون الی القتل، و کافی انظر الی مفسکهم و الی موضع رحالم و تربتهم، فقالت: یا ابة و این هذا الموضع الذی تصف؟ قال: موضع یقال له کربلا و هی ذات کرب و بلاء، علینا و علی الأمة، یمخرج علیهم شرار امتی، و لو ان احدهم یشفع له من فی السموات و الأرضین ما شفعا فیهم و هم المخلدون فی النار، قالت: یا ابة فیقتل؟ قال: نعم یا بنتاه ما قتل قبله احد کان تبکیه السموات و الأرضون و الملائكة و الوحش و الحیتان فی البخار و الجبال، لو یؤذن لها ما بقی علی الأرض متنفس، و تأتیه قوم من محبیننا لیس فی الارض اعلم باللہ و لا اقوم بحفتنا منهم أو لیس علی ظهر الأرض احد یلتفت الیه غیرهم، اولئک مصابیح فی ظلمات الجور، و هم الشفعا، و هم واردون حوضی غدأ، أعرفهم اذ اوردوا علی بسیاھم، و اهل کلّ دین یطلبون ائمتهم و هم

يطلبوننا و لا يطلبون غيرنا، و هم قوام الأرض بهم ينزل الغيث - و ذكر الحديث بطوله -».

ترجمه: ﴿ حدیث دوم ﴾

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد از عبدالله بن حماد بصری از عبدالله بن عبدالرحمن اصم از مسمع بن عبدالملک از ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند: حضرت امام حسین علیه السلام را مادر گرامیشان حمل می کردند، رسول خدا صلی الله علیه و آله او را گرفته و فرمودند:

خداوند متعال کشتگان تو را لعنت کند، حق تعالی کسانی که جامه از تن تو بیرون می آورند را لعنت نماید، خدا بکشد آنان را که یکدیگر را بر علیه تو کمک می کنند، و بین من و آنان حکم بنماید. حضرت فاطمه سلام الله علیها عرض کردند:

ای پدر چه می فرمائید؟

حضرت فرمودند:

دخترم مصیبت هائی که بعد از من و تو به او می رسد و اذیت ها و ظلم ها و مکرها و تعدی هائی که متوجهش می گردد را به یاد آوردم، او در آن روز در میان جمعی مردان که جمالگی همچون ستارگان درخشانند بوده و همگی به طرف مرگ و کشتن حرکت می کنند، گویا اکنون لشکرگاه آنها را دیده و به جایگاه و محل دفن ایشان می نگرم.

حضرت فاطمه سلام الله علیها عرض کردند:

ای پدر جانی را که توصیف می فرمائید کجا است؟

حضرت فرمودند:

مکانی است که به آن کربلاء می‌گویند و آن زمین برای ما و امت موجب اندوه و بلا است، بدترین افراد امت من بر ایشان خروج می‌نمایند، اگر تمام اهل آسمان‌ها و زمین شفیع یک نفر از این گروه شرور باشند شفاعتشان پذیرفته نشود و بطور قطع تمام آنها در جهنم جاوید خواهند بود.

حضرت فاطمه سلام الله علیها عرض کردند:

پدر، این طفل کشته خواهد شد؟!

حضرت فرمودند:

بله، دخترم، پیش از او کسی این طور کشته نشده که آسمان‌ها و زمین و فرشتگان و حیوانات وحشی و ماهی‌های دریا و کوهها برایش گریه کنند. اگر این موجودات مأذون بودند پس از شهادت این طفل هیچ نفس کشی روی زمین باقی نمی‌ماند و گروهی از دوستان ما خواهند آمد که در روی زمین کسی از آنها اعلم به خدا نبوده و کوشا در اقامه حق ما از آنها نمی‌توان یافت و روی زمین احدی غیر از ایشان نیست که مزبور التقات و توجه باشد، ایشان چراغ‌های فروزانی بوده که در ظلمات جور و ستم می‌درخشند ایشان شفاء دیگران بوده و در فردای قیامت بر حوض من وارد خواهند شد، هنگامی که بر من وارد شوند بوسیله سیما و چهره‌اشان می‌شناسمشان و اهل هر دینی پیشوایان خود را طلب نموده و ایشان ما را طالب بوده و غیر ما را طلب نمی‌کنند، ایشان باعث قوام و استوار بودن زمین می‌باشند، به برکت آنها باران بر زمین می‌بارد.

متن:

۳ - حدیثی محمد بن الحسن بن الولید، عن محمد بن الحسن الصفار، عن محمد بن عیسی بن عبید، عن ابی عبد الله زکریا المؤمن، عن ایوب بن عبد الرحمن؛ و زید بن الحسن ابی الحسن؛ و عبّاد جمیعاً، عن

سعد الأسکاف «قال: قال أبو جعفر عليه السلام قال رسول الله صلى الله عليه وآله من سرّه ان يحيى محبای و يموت محبای و يدخل جنّة عدن فيلزم قضيباً غرسه ربّي بيده فليتولّ عليّاً و الأوصياء من بعده و ليسلم لفضلهم، فانهم الهداة المرضيّن، اعطاهم الله فهمی و علمی و هم عترتی من لحمی و دمی، الى الله اشكو عدوّهم من امتی، المتكرين لفضلهم، القاطعين فيهم صلتی و الله ليقتلنّ ابني، لا اناهم الله شفاعتی».

ترجمه: ﴿ حدیث سؤم ﴾

محمد بن الحسن بن الولید، از محمد بن الحسن الصفّار، از محمد بن عیسی بن عبید، از ابی عبدالله زکریّا المؤمن از ایوب بن عبدالرحمن و زید بن الحسن ابی الحسن و عباد جملگی از سعد الاسکاف نقل نموده و گفته:

حضرت ابو جعفر عليه السلام فرمودند:

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند:

کسی که دوست دارد حیاتش حیات من و معاشش معاش من بوده و به بهشت جاودان داخل گردد و ملازم درختی باشد که حق تعالی به دست قدرتش آن را کاشته پس باید علی عليه السلام و جانشینان بعد از او را دوست داشته و فضیلت ایشان را قبول نموده باشد زیرا ایشان راهنمایان پسندیده خدا بوده و جناب اقدس الهی به ایشان فهم و علم من را اعطاء فرموده است و ایشان اهل بیت من بوده که از گوشت و خون من می باشند شکایت دشمنان ایشان از امت من را به خدا خواهم نمود، دشمنانی که منکر فضیلت ایشان بوده و به جای اینکه صله رحم من را نموده آن را قطع کرده اند، به خدا قسم فرزندانم را خواهند کشت، خداوند متعال شفاعت من را هرگز نصیب ایشان نخواهد نمود.

متن:

۴- حدیثی الحسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، عن ابیه، عن الحسن ابن محبوب، عن علی بن شجرة، عن سلام الجعفی، عن عبدالله بن محمد الصنعانی، عن ابی جعفر علیه السلام «قال: كان رسول الله صلی الله علیه و آله اذا دخل الحسين علیه السلام جذبہ الیه، ثم یتول لأمیر المؤمنین علیه السلام: امسکھ، ثم یقع علیہ فیقبّله و یتبکی فیقول: یا اباہ لم تبکی؟ فیقول: یا بنی اقبل موضع السیوف منک و ابکی، قال: یا اباہ و اقتل؟ قال: ای و الله و ابوک و اخوک و انت، قال: یا اباہ فصار عنا شقی؟ قال: نعم یا بنی، قال: فمن یزورنا من امتک؟ قال: لا یزورنی و یزور اباک و اخاک و انت الا الصدیقون من امتی».



ترجمه: حدیث چهارم

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی از پدرش، از حسن بن محبوب، از علی بن شجرة، از سلام جعفی، از عبدالله بن محمد صنعانی، از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

هرگاه حضرت حسین بن علی علیه السلام بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داخل می شدند حضرت او را به خود می چسبانند و سپس به امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمودند: او را نگاه دار و پس از آن او را بوسیده و می گیرند.

حسین علیه السلام عرض می کرد: ای پدر چرا گریه می کنی؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: فرزندم جاهای شمشیر را بوسیده و می گیرم.

حسین علیه السلام عرضه می داشت: ای پدر من کشته خواهم شد؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: بلی به خدا قسم تو و پدرت و برادرت جملگی

کشته خواهید شد.

عرض می نمود: پدر، قبور ما از هم متفرق و پراکنده می باشد؟
 رسول خدا ﷺ می فرمود: بلی پسرم.
 عرض می کرد: از امت شما چه کسانی به زیارت ما می آیند؟
 رسول خدا ﷺ می فرمود: من و پدرت و برادرت و تو را زیارت نخواهد
 نمود مگر راست گویان از امت من.

متن:

۵ - حدیثی محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری، عن ابی سعید الحسن
 ابن علی بن زکریا العدوی البصری، قال: حدّثنا عمرو ابن المختار،
 قال: حدّثنا اسحاق بن بشر، عن القوام مولى قریش «قال: سمعت
 مولای عمر بن هبیره، قال: رأیت رسول اللّٰه ﷺ - والحسن و
 الحسین فی حجره - یقبل هذا مرّة و هذا مرّة، و یقول للحسین: انّ الویل
 لمن یقتلك».

ترجمه: ﴿ حدیث پنجم ﴾

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از ابی سعید حسن بن علی بن زکریا
 عدوی بصری نقل نموده که وی گفت:
 عمرو بن مختار گفت: اسحاق بن بشر از قوام که مولای قریش بود نقل کرد که
 وی گفت:

از آقای خود عمر بن هبیره شنیدم که گفت: رسول خدا ﷺ را دیدم که
 حسن و حسین علیهما السلام در دامن آن حضرت بوده و آن جناب گاهی او و زمانی این
 را می بوسیده و به حسین علیه السلام می فرمودند:
 وای بر کسی که تو را می کشد.

متن:

۶- حدَّثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن محمد بن عيسى، عن محمد بن سنان، عن أبي سعيد القمَّاط، عن ابن أبي يعفور، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «بينما رسول الله صلى الله عليه وآله في منزل فاطمة، والحسين في حجره اذ بكى وخرَّ ساجداً، ثم قال: يا فاطمة يا بنت محمد انَّ العليَّ الأعلى ترائي لي في بيتك هذا في ساعتى هذه في احسن صورة واهيأ هيئة فقال لي: يا محمد اتحبَّ الحسين؟ قلت: يا ربِّ قرَّة عيني وريحانتي، وثمرة فؤادي، وجلدة ما بين عيني، فقال لي: يا محمد - و وضع يده على رأس الحسين عليه السلام - بورك من مولود عليه بركاتي و صلواتي و رحمتي و رضواني؛ [و نمتي] و لعنتي و سخطي و عذابي و خزبي و نكالي على من قتله و ناصبه و ناواه و نازعه اما انه سيّد الشهداء من الأولين و الآخرين في الدنيا و الآخرة و سيّد شباب اهل الجنة من الخلق اجمعين، و ابوه افضل منه و خير فاقراه السلام و بشره بانّه رأية الهدى، و منار اوليائي، و حفيظي و شهيدى على خلقى، و خازن علمى و حجتي على اهل السموات و اهل الارضيين و الثقلين الجن و الانس».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

ترجمه: پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبدالله، از محمد بن عيسى، از محمد بن سنان، از ابی سعید قمّاط، از ابن ابی یعفور، از حضرت ابی عبد الله عليه السلام نقل نموده که آن حضرت فرمودند:

روزی رسول خدا صلى الله عليه وآله در منزل حضرت فاطمه سلام الله عليها تشریف داشته در حالی که حضرت امام حسین عليه السلام در دامن آن جناب بودند، حضرت

گریسته و به سجده رفته، سپس فرمودند:

ای فاطمه، ای دختر محمد! در این ساعت و در همین مکان خداوند علی
اعلی در بهترین صورت و زیباترین شکل خود را به من نشان داد و گفت:
ای محمد آیا حسین را دوست داری؟

گفتم: بلی، نور دیده و گل خوشبو و میوه دل و پرده مابین دیده گان من است.
در حالی که دست بر سر حسین علیه السلام نهاده بود به من فرمود:

ای محمد: برکت حاصل می شود از مولودی که بر او برکات و رحمت و
رضوان من می باشد و لعنت و غضب و عذاب و ذلت و عقوبت من بر کسی که او
را کشته و نصب عداوتش نموده و با او دشمنی کرده و با وی به حرب برخاسته
است.

به طور حتم و قطع او سرور شهداء است از اولین و آخرین در دنیا و آخرت
و آقای جوانان اهل بهشت است از جمله خلایق و پدرش از او برتر و بهتر
است پس سلام من را به او برسان و بشارتش بده که او علامت هدایت و نشانه
است برای دوستان من و نگهبان و شاهد من بر خلق و خزانه دار علم من و حجت
بر اهل آسمان ها و زمین و جن و انس می باشد.

متن:

۷- حدیثی محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری، عن ابیه، عن محمد
ابن الحسین بن ابی الخطاب، عن محمد بن حماد الکوئی، عن ابراهیم بن
موسی الأنصاری قال: حدیثی مصعب، عن جابر، عن محمد بن علی علیه السلام
«قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من سرّه ان یحیی حیوتی و یموت مماتی
و یدخل جنتی - جنة عدن غرسها ربی بیده - فلیتول علیاً و یعرف فضله
والأوصیاء من بعده، و یتبرّء من عدوی. اعطاهم الله فهمی و علمی، و هم

عترتی من لحمی و دمی، اشکوا الی ربی عدوهم من امتی، المنکرین لفضلهم، القاطعین فیهم صلتی و الله لیقتلن ابنی، ثم لا تنالهم شفاعتی».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش، از محمد بن حسین بن ابی الخطاب، از محمد بن حنّاد کوفی، از ابراهیم بن موسی انصاری نقل کرده که وی گفت مصعب از جابر و او از حضرت محمد بن علی علیه السلام نقل نمود که آن جناب فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

کسی که دوست دارد حیاتش حیات من و مماتش ممات من بوده و به بهشت جاودانی که حق تعالی درختانش را به دست قدرتش کاشته داخل گردد باید علی علیه السلام را دوست داشته و به فضل آن حضرت و جانشینانش آگاه بوده و از دشمن من تبری و دوری بجوید، خداوند متعال فهم و دانش من را به ایشان (حضرت علی و اوصیایش علیهم السلام) اعطاء فرموده، ایشان اهل بیت من بوده که از گوشت و خون من می‌باشند شکایت دشمنان ایشان از امتم را به خدا خوراهم نمود، دشمنانی که منکر فضیلت ایشان بوده و به جای اینکه صله رحم من را نموده آن را قطع کرده‌اند به خدا قسم فرزندانم را خواهند کشت و بدنبالش شفاعت من به ایشان نخواهد رسید.

﴿ الباب الثالث و العشرون ﴾

﴿ قول امیرالمؤمنین علیه السلام فی قتل الحسین علیه السلام ﴾

﴿ و قول الحسین له فی ذلك ﴾

متن:

۱ - حدیثی محمد بن جعفر الرزاز القرشی قال: حدیثی خالی محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، عن علی بن التّعمان، عن عبدالرحمان بن سیابة، عن ابی داود السّبیعی، عن ابی عبدالله الجدلی، «قال: دخلت علی امیرالمؤمنین و الحسین علیهما السلام الی جنبه، فضرب بیده علی كتف الحسین علیه السلام، ثمّ قال: انّ هذا یقتل و لا ینصره احدٌ، قال: قلت: یا امیرالمؤمنین و الله انّ تلك لحیاة سوء! قال: انّ ذلك لکائن».

مرکز تحقیق و نشر کتب و اسناد اسلامی

﴿ باب بیست و سوم ﴾

﴿ گفتار امیرالمؤمنین علیه السلام راجع به شهادت امام حسین علیه السلام ﴾﴿ و مقاله امام حسین علیه السلام و جواب آن حضرت ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزاز قرشی می گوید:

دالی من محمد بن حسین بن ابی الخطاب، از علی بن نعمان و او از عبدالرحمن بن سیابه و او از ابی داود سبعی و او از ابی عبدالله جدلی نقل کرده که وی گفت:

بر امیرالمؤمنین علیه السلام داخل شدم در حالی که حضرت حسین علیه السلام در کنار آن حضرت نشسته بودند امیرالمؤمنین علیه السلام دست بر شانه حسین علیه السلام زد و سپس

فرمود:

این کشته خواهد شد و احدی یاری او را نخواهد نمود.

راوی می‌گوید:

عرضه داشتم یا امیرالمؤمنین به خدا قسم این زندگی بدی است.

حضرت فرمودند:

این حادثه حتماً به وقوع می‌پیوندد.

متن:

و حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ؛ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ؛ وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ
مِثْلَهُ.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

ترجمه:

پدرم علیه‌الرحمه از سعد بن عبدالله و عبدالله بن جعفر حمیری و محمد بن
یحیی عطّار، از محمد بن حسین باسنادش مثل حدیث مذکور نقل کرده‌اند.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ، عَنْ خَالِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ
أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ نَصْرِ بْنِ مِزَاحِمٍ، عَنْ عَمْرِ بْنِ سَعْدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَمَّادٍ،
عَنْ عَمْرِو بْنِ شُعْرٍ، عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: قَالَ عَلِيُّ عليه السلام
لِلْحُسَيْنِ عليه السلام: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ اسْوَةِ أَنْتَ قَدَمًا، فَقَالَ: جَعَلْتُ فِدَاكَ مَا حَالِي؟
قَالَ: عَلِمْتُ مَا جَهِلُوا، وَ سَبْتَفَعُ عَالَمٌ بِمَا عَلِمَ، يَا بَنِيَّ اسْمِعْ وَ ابْصُرْ مِنْ

قبل ان یأتیک، فوالذی نفسی بیده لیسفکن بنوامیة دمک ثم لا یریلونک عن دینک، و لا ینسونک ذکر ربک، فقال الحسین علیه السلام: والذی نفسی بیده حسبی اقررت بما انزل الله، و اصدقی [قول] نبی الله، و لا اکذب قول ابي.

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزاز از دانی خود محمد بن حسین بن ابی الخطاب، از نصر بن مزاحم، از عمر بن سعد از علی بن حماد، از عمرو بن شمر، از جابر، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند: حضرت علی علیه السلام به حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند: ای ابا عبدالله از قدیم ثابت و مسلم شده که تو اسوه و مقتدای خلق می باشی. حسین علیه السلام عرضه داشت: فدایت شوم خالم چیست؟ حضرت علی علیه السلام فرمودند: می دانی آنچه را که خلق نمی دانند و عنقریب عالم به آنچه می داند منتفع خواهد شد، فرزندانم بشنو و بین پیش از آنکه مبتلا گردی، قسم به کسی که جانم در دست او است بنوامیه خون تو را خواهند ریخت ولی نمی توانند تو را از دینت جدا کرده و قادر نیستند یاد پروردگارت را از خاطرت ببرند.

حسین علیه السلام عرض کرد: قسم به کسی که جانم در دست او است همین قدر مرا کافی است به آنچه خدا نازل فرموده اقرار داشته و گفتار پیامبر خدا را تصدیق داشته و کلام پدرم را تکذیب نمی کنم.

متن:

حدیثی ابي - رحمه الله - ؛ و جماعة، عن سعد بن عبدالله؛ و محمد بن یحیی، عن محمد بن الحسین باسناده مثله.

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه و جماعتی، از سعد بن عبدالله و محمد بن یحیی، از محمد بن حسین به اسنادش مثل روایت مذکور را نقل نموده است.

متن:

۳ - حدیثی محمد بن جعفر الرزاز، عن خاله محمد بن الحسین، عن نصر بن مزاحم، عن عمر بن سعد، عن یزید بن اسحاق، عن هانی بن هانی، عن علی رضی الله عنه «قال: ليقتل الحسين قتلاً، و انی لأعرف تربة الأرض التي يقتل عليها قريباً من النهرين».



ترجمه:

محمد بن جعفر رزاز از ذاتی خود محمد بن الحسین، از نصر بن مزاحم، از عمر بن سعد، از یزید بن اسحاق، از هانی بن هانی، از حضرت علی رضی الله عنه نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

حسین رضی الله عنه کشته خواهد شد کشته شدنی و من به زمینی که از روی آن کشته خواهد شد آنگاه بوده، و می دانم که آن زمین بین دو نهر آب قرار گرفته است.

متن:

حدیثی ابي - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن محمد بن الحسین باسناده مثله.

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبدالله، از محمد بن الحسین باسنادش حدیثی مثل حدیث سابق را نقل نموده است.

متن:

۴ - حدّثنی اَبی - رحمه الله - و علی بن الحسین جمیعاً، عن سعد بن عبدالله، عن محمد بن اَبی الصهبان، عن عبدالرحمن بن اَبی نجران، عن عاصم بن حمید، عن فضیل الرّسان، عن اَبی سعید عقیصا «قال: سمعت الحسین بن علی علیه السلام و خلا به عبدالله بن الزبیر و ناجاه طویلاً، قال: ثمّ اقبل الحسین علیه السلام بوجهه الیهم و قال: انّ هذا یقول لی: کن حاماً من حمام الحرم و لأن اقتل و بینی و بین الحرم باع احبّ الیّ من ان اقتل و بینی و بینہ شبراً، و لأن اقتل بالطفّ احبّ الیّ من ان اقتل بالحرم».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه و علی بن الحسین علیهم السلام جمیعاً از سعد بن عبدالله، از محمد بن اَبی الصهبان، از عبدالرحمن بن اَبی نجران، از عاصم بن حمید، از فضیل رسانی، از ابوسعید عقیصا نقل کرده که گفت:

از حضرت حسین بن علی علیه السلام در حالی که در خلوت عبدالله بن زبیر با آن جناب بود مناجات طولانی با خداوند را شنیدم سپس حضرتش روی مبارک به مردم نموده و فرمودند:

این شخص (یعنی عبدالله بن زبیر) به من می گوید: کبوتری از کبوتران حرم باش، ولی بدانید اگر من کشته شوم در حالی که فاصله من و حرم به مقدار باع (فاصله بین سر دو انگشت وسطی از دست چپ و راست هنگامی که دستها را کاملاً باز نمایند) بوده بهتر است از اینکه فاصله به مقدار یک وجب باشد و نیز اگر در سرزمین طغف خونم ریخته شود بهتر است از اینکه در حرم کشته شوم.

متن:

۵ - و عنهما، عن سعد، عن محمد بن الحسين، عن صفوان بن يحيى، عن داود بن فرقد، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: قال عبدالله بن الزبير للحسين عليه السلام: [و] لو جئت الى مكة فكنت بالحرم، فقال الحسين [بن علي] عليه السلام: لانستحلها ولا تستحل بنا، و لأن أقتل على تل اعفر احب الي من ان أقتل بها».

ترجمه:

﴿ حدیث پنجم ﴾

بدرم و علی بن الحسین (رحمة الله عليهما)، از سعد، از محمد بن الحسين، از صفوان بن يحيى، از داود بن فرقد از حضرت ابي عبدالله عليه السلام نقل نموده كه آن جناب فرمودند:

عبدالله بن زبير به حضرت حسين بن علي عليه السلام عرض كرد:
كاش به مکه آمده و در حرم بمانيد
حضرت فرمودند:

نه ما آمدن در حرم را روا داشته و نه شما آنجا را برای ما روا داريد و محققاً این طور است كه اگر بر تپه ريگ سرخ و روی آن كشته شوم نزد من بهتر است تا در حرم كشته شوم.

متن:

۶ - حدثني أبي - رحمه الله - و محمد بن الحسن، عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد، عن علي بن الحكم، عن ابيه، عن أبي الجارود، عن أبي جعفر عليه السلام «قال: ان الحسين عليه السلام خرج من مكة قبل

التروية بيوم فشيعة عبدالله بن الزبير فقال: يا ابا عبدالله لقد حضر الحج و تدعه و تاتي العراق؟ فقال: يا بن الزبير لأن ادفن بشاطئ الفرات احب الي من ان ادفن بفناء الكعبة».

ترجمه: ﴿ حدیث ششم ﴾

پدرم رحمة الله عليه و محمد بن الحسن، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد، از علی بن حکم، از پدرش، از ابی الجارود، از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل نموده که آن جناب فرمودند:

حضرت حسین بن علی علیه السلام یک روز قبل از ترویبه از مکه خارج شدند و عبدالله بن زبیر آن جناب را تشییع کرده و به حضرتش عرض نمود:

یا ابا عبدالله وقت انجام اعمال حج رسیده شما مکه را ترک کرده و به عراق تشریف می برید؟

مرکز تحقیق و ترویج علوم اسلامی

حضرت فرمودند:

ای ابن زبیر: اگر در کنار فرات دفن شوم بهتر است تا در اطراف مکه مدفون گردم.

متن:

۷- حدیثی ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن علی بن اسماعیل بن عیسی، عن صفوان بن یحیی، عن الحسین بن ابی العلاء، عن ابی عبدالله علیه السلام «ان الحسین بن علی علیه السلام قال لأصحابه - یوم اصیبا - اشهد انه قد اذن فی قتلکم فاتقوا الله واصبروا».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبدالله، از علی بن اسماعیل بن عیسی، از صفوان بن یحیی از حسین بن ابی العلاء از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل نموده که آن جناب فرمودند:

حضرت حسین بن علی سلام الله علیهما روزی که خرد و یارانشان به مصیبت گرفتار شدند به ایشان فرمودند:

شهادت می‌دهم که از جانب پروردگار اذن داده شد که جانتان را قربان کنید پس تقوا اختیار کرده و صبر نمائید.

متن:

حدَّثني محمد بن جعفر الرِّزَّاز، عن خاله محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن علي بن النعمان، عن الحسين بن أبي العلاء مثله.

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

ترجمه:

محمد بن جعفر رزاز از دائی خود محمد بن الحسین بن ابی الخطاب و از علی بن نعمان و از حسین بن ابی العلاء مثل حدیث سابق را نقل کرده است.

متن:

۸- و حدَّثني الحسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، عن ابیه، عن الحسن بن محبوب، عن علی بن رثاب، عن الحلبي «قال: سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول: انَّ الحُسَيْنَ علیه السلام صَلَّى بِاصْحَابِهِ الغداة، ثمَّ التفت اليهم فقال: انَّ الله قد اذن في قتلکم، فعليکم بالصبر».

ترجمه:

﴿ حدیث هشتم ﴾

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از علی بن رثاب، از حلبی نقل نموده که گفت: شنیدم حضرت ابو عبدالله علیه السلام می فرمودند:

حضرت حسین بن علی علیه السلام در صبح عاشوراء با یارانشان نماز خوانده سپس به ایشان توجه نموده و فرمودند:

خداوند متعال اذن داد که شما جانان را قربان کنید پس بر شما باد که صبر نمائید.

متن:

۹- حدیثی الحسن، عن ابیه، عن محمد بن عیسی، عن صفوان بن یحیی، عن یعقوب بن شعیب، عن حسین بن ابی العلاء «قال: قال: والذی رفع الیه العرش لقد حدیثنی ابوک باصحاب الحُسن لایستقصون رجلاً ولا یزیدون رجلاً تعتدی بهم هذه الأمة کما اعتدت بنو اسرائیل یوم السبت و قتل یوم السبت یوم عاشوراء».

ترجمه:

﴿ حدیث نهم ﴾

حسن از پدرش، از محمد بن عیسی، از صفوان بن یحیی، از یعقوب بن شعیب، از حسین بن ابی العلاء نقل نموده که وی گفت: قسم به کسی که عرش را پیداشته قدرت راجع به یاران امام حسین علیه السلام برایم نقل نمود که ایشان عددشان ثابت بود نه یکی کم و نه یکی زیاد، این امت به ایشان ستم و تعدی نمودند همان طوری که بنی اسرائیل روز شنبه ستم کردند و شهادت آن حضرت روز شنبه دهم محرم الحرام واقع شد.

متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَجَمَاعَةٌ مَشَائِخِي، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ
ابن عيسى، عن الحسين بن سعيد، عن النضر بن سويد، عن يحيى بن
عمران الحلبي، عن الحسين بن أبي العلاء عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: إنَّ
الحُسَيْنَ عليه السلام صَلَّى بِأَصْحَابِهِ يَوْمَ أَصِيبُوا، ثُمَّ قَالَ: اشْهَدَ أَنَّهُ قَدْ أُذِنَ فِي
قَتْلِكُمْ، يَا قَوْمَ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاصْبِرُوا».

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه و مشایخم از احمد بن محمد بن عیسی، از حسین بن
سعید، از نصر بن سويد، از یحیی بن عمران الحلبي، از حسین بن ابی العلاء، از
حضرت ابی عبد الله عليه السلام نقل نمود که آن جناب فرمودند:
حضرت حسین بن علی عليه السلام در آن روزی که با اصحاب و یارانشان به بلاء
و مصیبت گرفتار شدند پس از آنکه با ایشان نماز خواندند فرمودند:
شهادت می دهم که خداوند متعال به شما اذن داد جانانرا نثارش کنید، ای
گروه از خداوند پترسید و تقوی اختیار کرده و صبر و شکیبائی داشته باشید.

متن:

۱۱ - حَدَّثَنِي أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ النَّاقِدُ، قَالَ: حَدَّثَنِي
عبد الرحمن الأسلمي، عن عبد الله بن الحسين، عن عروة بن الزبير،
«قال: سمعت أباذر و هو يومئذٍ قد أخرجهُ عثمانُ إلى الرَبِذَةِ، فَقَالَ لَهُ
النَّاسُ: يَا أَبَاذِرٍ ابْشِرْ، فَهَذَا قَلِيلٌ فِي اللَّهِ تَعَالَى، فَقَالَ مَا يَسِرُّ هَذَا وَ لَكِنِ
كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا قَتَلَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام قِتْلًا، أَوْ قَالَ ذَبِحَ ذَبْحًا -؟! وَ اللَّهُ

لا يكون في الإسلام بعد قتل الحسين اعظم قتلاً منه، وإن الله سيسل سيفه على هذه الأمة، لأبغمه ابدأ، ويبعث ناقماً من ذريته فينتقم من الناس، وإنكم لو تعلمون ما يدخل على أهل البحار و سكان الجبال في الغياض والأكام وأهل السماء من قتله لبكيتم والله حتى تزهق أنفسكم، وما من سماء يمر به روح الحسين ﷺ إلا فزع له سبعون ألف ملك يقومون قياماً ترعد مفاصلهم إلى يوم القيامة، وما من سحابة تمر وترعد وتبرق إلا لعنت قاتله، وما من يوم إلا وتعرض روحه على رسول الله ﷺ فيلتقيان».

« حدیث یازدهم »

ترجمه:

ابوالحسین محمد بن عبد الله بن علی ناقد می گوید:
عبد الرحمن اسلمی از عبد الله بن الحسین، از عروه بن زبیر برایم نقل نمود
که وی گفت:

در روزی که عنمان ابذر را به ریذه تبعید کرد از وی در پاسخ مردم که به او
گفتند:

بشارت باد تو را، این مصیبت در راه خدا اندک است.

شیدم که فرمود: این بلا سهل و آسان است ولی در چه حالی هستید هنگامی
که حسین بن علی علیه السلام شهید شود شهید شدنی.

یا فرمود:

چه حالی دارید وقتی حسین بن علی علیه السلام ذبح شود ذبح شدنی.

به خدا قسم در اسلام بعد از قتل حسین بن علی علیه السلام قنلی بزرگتر از آن واقع
نخواهد شد و خداوند عنقریب شمشیر انتقامش را بر این امت از نیام بیرون
خواهد آورد و هرگز در خلاف نخواهد برد و از ذریه آن حضرت خون خواهی را

برانگیزد که از مردم انتقام خون آن جناب را بگیرد و شما اگر بدانید که از ناحیه قتل آن حضرت چه بر اهل دریا و ساکنین کوهها در جنگلها و تپهها خواهد آمد بخدا قسم آن قدر گریه می کنید تا از بین بروید و آسمانی نیست که روح شهید الشهداء به آن عبور کند مگر آنکه هفتاد هزار ملک به فرج در می آیند، این ملائک و فرشتگان می ایستند به طوری که مفاصل آنها تا روز قیامت بانگ و فریاد می کنند و هیچ ابری نیست که حرکت کرده و بفرزد و برق زند مگر آنکه کشته آن حضرت را لعنت می کند و هیچ روزی نیست مگر آنکه روح مطهر آن حضرت را بر رسول خدا ﷺ عرضه داشته پس آن دو باهم ملاقات می کنند.

متن:

۱۲ - حدیثی است از ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن محمد بن عبد الجبار، عن عبد الرحمن بن ابی نجران، عن جعفر بن محمد بن حکیم، عن عبد السمین^(۱) یرفعه الی امیر المؤمنین علیه السلام - «قال: کان امیر المؤمنین علیه السلام یخطب الناس و هو یقول: سلونی قبل ان تفقدونی؛ فوالله ما تستلونی عن شیء مضی و لا شیء یشیء الا یأتکم به، قال: فقام الیه سعد بن ابی وقاص و قال یا امیر المؤمنین اخبرنی کم فی رأسی و لحیتی من شعرة، فقال له: و الله لقد سلتنی عن مسئلة حدثنی خلیلی رسول الله (ص) انک ستسألنی عنها و ما فی رأسک و لحیتک من شعرة الا و فی اصلها شیطان جالس و ان فی بیتک لسخلأ یقتل الحسین ابنی و عمر یومئذ یدرج بین یدی ابیه».

ترجمه: ﴿ حدیث دوازدهم ﴾

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبد الله، از محمد بن عبد الجبار، از عبدالرحمن بن ابی نجران، از جعفر بن محمد بن حکیم، از عبد السمین بطور مرفوعه از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل کرده وی می گوید:

جناب امیر المؤمنین علیه السلام برای مردم خطبه خوانده و سپس فرمودند:

پیش از آنکه من را از دست دهید از من سؤال کنید، به خدا قسم از چیزی که گذشته و چیزی که خواهد آمد سؤال نمی کنید مگر آنکه جوابتان را خواهم داد. راوی می گوید:

سعد بن ابی وقاص ایستاد و عرض کرد: یا امیر المؤمنین به من خبرده چند تارم در سر و محاسن من می باشد؟ حضرت فرمودند:

به خدا قسم از مسئله ای سؤال کردی که دوست من رسول خدا صلی الله علیه و آله قبلاً به من فرموده بود که تو عنقریب از آن سؤال می کنی، در سر و محاسن تو هیچ تار موئی نیست مگر آن که در بیخ آن شیطانی نشسته و نیز در خانه تو بزغاله ای است که حسین فرزندم را می کشد.

راوی می گوید:

در آن روز عمر (یعنی عمر بن سعد) مقابل پدرش راه می رفت.

متن:

۱۳ - و حدیثی محمد بن جعفر الرزاز، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن محمد بن يحيى الخثعمي، عن طلحة بن زيد، عن أبي عبد الله (ع)، عن أبيه، عن جده، عن الحسين بن علي عليه السلام «قال: قال: والذی نفس حسین بیده لأیمنی بنی امیة ملکهم حتی یقتلونی و هم قاتلی

فلو قد قتلونی لم یصلوا جمیعاً ابدأ و لم یأخذوا عطاءً فی سبیل اللّٰه جمیعاً ابدأ، انّ اول قتیل هذه الائمة انا و اهل بیتی و الّذی نفس حسین بسیده لأتقوم الساعة و علی الأرض هاشمی یطرف».

ترجمه: ﴿ حدیث سیزدهم ﴾

محمد بن جعفر رزازی، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از محمد بن یحییٰ خثعمی، از طلحة بن زید، از حضرت ابی عبداللّٰه علیه السلام نقل کرده و آن جناب از پدر بزرگوارشان و آن حضرت از جد آن جناب و آن حضرت از حسین بن علی علیه السلام نقل نمودند:

حضرت فرمودند:

قسم به کسی که جان حسین در دست او است سلطنت بنی امیه به پایان نمی‌رسد تا من را بکشند و ایشان کشته من هستند، پس از گرم من را بکشند هر گز مرفق نخواهند شد نمازشان را با امام عادل جماعه خوانده و نه اخذ کنند عطاء و مالی را که در راه خدا می‌دهند (نظیر زکات)، من و اهل بیت من و اولین کشته این امت هستیم و قسم به کسی که جان حسین در دست او است قیامت پیا نخواهد شد در حالی که یک هاشمی در روی زمین چشم بر هم می‌زند.

متن:

حدیثی ابی - رحمه الله - عن سعد، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن یحییٰ الخزاز، عن طلحة، عن جعفر علیه السلام مثله.

ترجمه:

۱- پدرم علیه الرحمه از سعد، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن یحییٰ خزاز از طلحة، از امام جعفر صادق علیه السلام مثل حدیث مذکور را نقل کرده است.

متن:

۱۴ - حدیثی جماعه مشایخی منهم علی بن الحسین؛ و محمد بن الحسن، عن سعد، عن احمد بن محمد؛ و محمد بن الحسین؛ و ابراهیم ابن هاشم جمعاً، عن الحسن بن علی بن فضال، عن ابي جمیلة الفضل ابن صالح، عن شهاب بن عبدربه، عن ابي عبدالله علیه السلام «انه قال: لما سعد الحسين بن علی علیه السلام عقبه البطن قال لأصحابه: ما اراني الا مقتولاً، قالوا: و ما ذاك يا ابا عبدالله؟ قال: رؤيا رأيتها في المنام، قالوا: و ما هي؟ قال: رأيت كلاباً تنهشني؛ اشدها على كلب ابقع».

﴿ حدیث چهاردهم ﴾

ترجمه:

جماعتی از مشایخ واساتیدم که از جمله آنها علی بن حسین و محمد بن حسن باشند از سعد و او از احمد بن محمد و محمد بن حسین و ابراهیم بن هاشم نقل کرده و همگی ایشان از حسن بن علی بن فضال و او از ابي جمیله مفصل بن صالح و او از شهاب بن عبدربه و او از مولانا ابي عبدالله علیه السلام نقل نموده که آن حضرت فرمودند:

هنگامی که حسین بن علی علیه السلام بالای عقبه بطن رفتند به اصحاب و یارانشان فرمودند:

نمی بینم خودم را مگر کشته شده،

اصحاب عرضه داشتند:

یا ابا عبدالله این چه سخنی است که می فرمائید؟

حضرت فرمودند:

خوابی است که دیده ام،

عرض کردند: شرح آن چیست؟

فرمودند:

سکه‌هایی را دیدم که من را نیش می‌زند و موزی‌ترین ایشان نسبت به من سگی پیس بود.

متن:

۱۵- و حدّثنی اَبی - رحمه الله - و جماعة مشایخی، عن سعد بن عبد الله، عن علی بن اسماعیل بن عیسی؛ و محمد بن الحسین بن اَبی الخطاب، عن محمد بن عمرو بن سعید الزیّات، عن عبد الله بن بکیر، عن زرارة، عن اَبی جعفر علیه السلام «قال: کتب الحسین بن علی من مکة الی محمد بن علی: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ؛ من الحسین بن علی، الی محمد ابن علی و من قبله من بنی هاشم؛ اما بعد فان من لحق بی استشهد، و من لم یلحق بی لم یدرک الفتح؛ و السلام.»

﴿ حدیث پانزدهم ﴾

ترجمه:

پدرم علیه الرحمه و جماعتی از اساتیدم، از سعد بن عبد الله، از علی بن اسماعیل بن عیسی و محمد بن حسین بن اَبی الخطاب از محمد بن عمرو بن سعید زیّات از عبد الله بن بکیر، از زراره، از حضرت اَبی جعفر علیه السلام نقل نموده که آن حضرت فرمودند:

حضرت حسین بن علی سلام الله علیهما نامه‌ای از مکّه به محمد بن علی علیه السلام به این شرح مرقوم فرمودند:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

از طرف حسین بن علی علیه السلام به محمد بن علی علیه السلام (یعنی محمد بن حنفیه)

و بنی هاشمی که او را قبول داشته و با ری می باشند؛
 اما بعد: هر کس یا من همراه شود شهید خواهد شد و آنانکه همراهی نکرده
 و یا من نباشند فتح و گشایش به خود نخواهند دید و السلام.

مترن:

۱۶ - قال محمد بن عمرو: حدثني كرام عبدالكريم بن عمرو، عن
 ميسر بن عبدالعزيز، عن أبي جعفر عليه السلام «قال: كتب الحسين بن علي عليه السلام الى
 محمد بن علي عليه السلام من كربلاء بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ؛ من الحسين بن
 علي عليه السلام الى محمد بن علي عليه السلام و من قلبه من بنی هاشم، اما بعد، فكان الدنيا
 لم تكن، وكان الآخرة لم تزل، والسلام».

ترجمه: **حدیث شانزدهم**

محمد بن عمرو می گویند:

گرام عبدالکریم بن عمرو از میسر بن عبدالعزیز از حضرت ابی جعفر برایم
 نقل نمود که آن حضرت فرمودند: حضرت حسین بن علی عليه السلام از كربلاء برای
 محمد بن علی عليه السلام نوشتند:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

از حسین بن علی به محمد بن علی و بنی هاشمی که او را پذیرفته اند:
 اما بعد:

گویا دنیا نبوده و پیوسته آخرت برده است، و السلام.

﴿ الباب الرابع والعشرون ﴾

﴿ ما استدل به علی قتل الحسین بن علی ؑ فی البلاد ﴾

متن:

۱- حدّثنی اَبی - رحمة الله - رجاعة مشایخی، عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن الحسين بن سعيد - عن رجل - عن يحيى ابن بشير «قال: سمعت ابا بصير يقول: قال ابو عبد الله ؑ: بعث هشام ابن عبد الملك الى ابي فاشخصه الى الشام، فلما دخل عليه قال له: يا ابا جعفر اشخصناك لنسئلك عن مسألة لم يصلح ان يسئلك عنها غيري، ولا اعلم في الارض خلقاً ينبغي ان يعرف او عرف هذه المسئلة ان كان الاً واحداً، فقال ابي: ليسئلكي امير المؤمنين عما احب، فان علمتُ اجبتُ ذلك وان لم اعلم قلت: لا ادري؛ وكان الصّدق اولى بي، فقال هشام: اخبرني عن الليلة التي قتل فيها علي بن ابي طالب ؑ بما استدل به الغائب عن المصر الذي قتل فيه علي قتله وما العلامة فيه للناس فان علمت ذلك واجبت فاخبرني هل كان تلك العلامة لغير علي ؑ في قتله، فقال له ابي: يا امير المؤمنين انه لما كان تلك الليلة التي قتل فيها امير المؤمنين ؑ لم يرفع عن وجه الارض حجر الاً وجد تحته دم عبيط حتى طلع الفجر، وكذلك كانت الليلة التي قتل فيها هارون اخو موسى ؑ، وكذلك كانت الليلة التي قتل فيها يوشع بن نون، وكذلك كانت الليلة التي رفع فيها عيسى ابن مريم الى السماء، وكذلك كانت الليلة التي قتل فيها شمعون بن حمون الصفا، وكذلك كانت الليلة التي قتل فيها علي بن ابي طالب ؑ،

و كذلك كانت الليلة التي قتل فيها الحسين بن علي عليه السلام.

قال: فتربّد وجه هشام حتى انتقع لونه وهمّ ان يبطش بابي، فقال له أبي: يا امير المؤمنين الواجب على العباد الطاعة لأمامهم و الصدق له بالنصيحة؛ و انّ الذي دعاني الى ان اجيب امير المؤمنين فيما سألتني عنه معرفتي اياه بما يجب له عليّ من الطاعة؛ فليحسن امير المؤمنين عليّ الظن، فقال له هشام: انصرف الى اهلك اذا شئت، قال: فخرج فقال له هشام عند خروجه: اعطني عهد الله و ميثاقه ان لا توقع هذا الحديث الى احد حتى اموت، فاعطاه أبي من ذلك ما ارضاه - و ذكر الحديث بطوله -.



﴿ باب بیست و چهارم ﴾

﴿ نشانه ها و علامت هایی که در بلاد وجود داشته و به آنها بر شهادت ﴾

﴿ حسین بن علی علیه السلام استدلال شده ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم علیه الرحمه و گروهی از اساتیدم از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی از حسین بن سعید از شخصی از یحیی بن بشیر نقل کرده که وی گفت: از ابوبصیر شنیدم که می گفت: حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند: هشام بن عبدالملک پی پدرم فرستاد و ایشان را به شام دعوت نمود، هنگامی که پدرم بر وی داخل شد او محضر پدرم عرضه داشت: ای ابو جعفر من شما را به اینجا دعوت کرده و آوردم تا مسئله ای را از شما بپرسم چه آنکه صلاح نیست

دیگری آن را از شما جویا شود و اساساً روی زمین کسی را سراغ ندارم که شایسته دانستن این مسئله بوده یا کاملاً از آن اطلاع داشته باشد و تنها شخصی که از آن آگاه است یک نفر بوده و آن شما می‌باشید.

پدرم فرمودند:

آنچه را امیرالمؤمنین می‌خواهد سؤال کند اگر بدانم جواب داده و اگر ندانم می‌گویم نمی‌دانم و راست گفتن سزاوارتر است به من.

هشام عرض کرد: خبر دهید به من از شبی که در آن علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شدند و بفرمائید غائبی که در آن شهر نبوده و هنگام شهادت آن حضرت حضور نداشته به چه دلیلی بر قتل آن جناب استدلال کند و اصلاً برای مردم چه علامتی دال بر شهادت آن حضرت وجود داشته اگر از آن آگاه هستید و جواب می‌دهید در ضمن به من خبر دهید آیا آن علامت برای شهادت و قتل غیر علی بن ابی طالب علیه السلام نیز بوده یا نه؟

مرکز تحقیقات علمی و پژوهشی

پدرم به او فرمود:

ای امیرالمؤمنین در آن شبی که امیرمؤمنان علیه السلام کشته شد هر سنگی را که از زمین بلند می‌کردند زیر آن خون تازه بود چنانچه در شبی که هارون برادر موسی علیه السلام کشته شد و شبی که در آن یرشع بن نون مقتول واقع شد و شبی که در آن حضرت عیسی بن مریم به آسمان رفت و شبی که در آن شمعون بن حمون صفا به قتل رسید چنین بود و همچنین شبی که در آن حسین بن علی علیه السلام شهید گردید زیر هر سنگی که برداشته می‌شد خون تازه دیده می‌شد.

امام صادق علیه السلام سپس فرمودند:

رنگ صورت هشام از غضب تغییر کرد و حمله کرد به پدرم که ایشان را بگیرد.

پدرم به وی فرمود:

ای امیرالمؤمنین بر بندگان لازم است از امامشان اطاعت کرده و در مقام

نصیحت و خیرخواهی او باشند و تنها چیزی که من را بر این داشت درخواست امیر را اجابت کرده و در اینجا حاضر شدم علم به این نکته است که بر من اطاعت امیر لازم است از این رو انتظار دارم که امیرالمؤمنین به من حسن ظن داشته باشد.

هشام به ایشان گفت:

اگر می خواهی به نزد اهل خود برگرد.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

پدرم از نزد او خارج شد و هشام هنگام خروج به ایشان عرض کرد: با خطا عهد و میثاق کنید که این حدیث را نا من زنده ام یا کسی باز گو نکنید. پدرم به وی قول مساعد داد و او را از این رهگذر خوشنود نمودند.



متن:

۲- حدیثی ابوالحسین احمد بن عبداللہ بن علی الناقد قال:

حدیثی عبدالرحمن البلخی، قال لی ابوالحسین: واخبرنی عمی عن أبیه، عن أبی نصرۃ - عن رجل من اهل بیت المقدس - انه «قال: واللہ لقد عرفنا اهل بیت المقدس و نواحیها عشیة قتل الحسین بن علی علیه السلام، قلت: و کیف ذاك؟ قال: ما رفعنا حجراً و لا مدرأ و لا صخرأ الا و رأینا تحتها دمأ عیظاً یغلی و احمرت الحیطان كالعلق، و مطر ثلاثة ایام دمأ عیظاً، و سمعنا منادیاً ینادی فی جوف اللیل یقول:

اترجو امة قتلت حسیناً	شفاعة جده يوم الحساب
مفاذ الله! لأنسلم یقیناً	شفاعة أحمد و أبی تراب
قتلت خیر من ركب المطاینا	و خیر الشیب طراً و الشباب

و انكسفت الشمس ثلاثة ايام ثم تجلت عنها و انشبكت النجوم،
فلما كان من الغد ارجفنا بقتله، فلم يأت علينا كثير شيء حتى نهي الينا
الحسين عليه السلام.

ترجمه: ﴿ حدیث دوم ﴾

ابوالحسین احمد بن عبدالله بن علی ناقد می‌گوید:

عبدالرحمن بلخی برایم نقل نمود و ابوالحسین برایم گفت و عمویم از
پدرش برایم خبر داد، از ابی نصره و او از شخصی از اهل بیت المقدس که وی
گفت:

به خدا قسم ما اهل بیت المقدس و حوالی آن به عصری که حضرت حسین
بن علی علیه السلام در آن شهید شدند آگاه و مطلع هستیم
به او گفتم: چه طور؟

گفت: هیچ ریگ و کلوخ و سنگی را بر نداشتیم مگر زیر آن خون تازه‌ای
دیدیم که می‌جوشید، دیوارها فرمز گشت همچون خون بسیار سرخ، باران تاسه
روز بصورت خون تازه می‌بارید و در دل شب منادی نداء می‌کرد:

أترجوا امة قتلت حسيناً شفاعة جدّه يوم الحساب

آیا انتی که حسین علیه السلام را کشتند امید دارند در روز حساب جدش ایشان را

شفاعت کند؟

معاذ الله! لانلتم يقيناً شفاعة احمد و أبي تراب

پناه بر خدا! بطور قطع و یقین به شفاعت احمد علیه السلام و حضرت ابوتراب علیه السلام

نخواهید رسید.

قتلتم خير من ركب المطايا و خير الشيب طراً و الشباب

کشتید بهترین کسی را که بر اسبان می‌نشست و بهترین تمام سالمدان

و جولنان برد.

تا سه روز خورشید در نظر ما به حالت کسوف دیده می شد و پس از سه روز باز مشاهده گردید در شب ستارگان از کثرت و تراکم به طور خاصی دیده شدند پس فردای آن روز از قتل و شهادت آن حضرت پی گیری نموده چیزی عائد ما نشد تا خبر شهادت و قتل آن جناب علیه السلام به ما رسید.

متن:

۳ - حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ النَّاقِدُ بِإِسْنَادِهِ قَالَ:
قَالَ عُمَرُ بْنُ سَعْدٍ: قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو مَعْشَرٍ عَنِ الزَّهْرِيِّ «قَالَ: لَمَّا قَتَلَ
الْحُسَيْنَ عليه السلام لَمْ يَبْقَ فِي بَيْتِ الْمَقْدِسِ حِصَاةٌ إِلَّا وَجَدَ تَحْتَهَا دَمَ عَيْبِطٍ».

ترجمه:

﴿ حَدِيثٌ سَوِّمٌ ﴾

ابوالحسین احمد بن عبدالله بن علی نقاد به اسنادش می گوید:

عمر بن سعد گفت: ابو معشر برایم از زهری نقل کرد که وی گفت:

هنگامی که حسین بن علی علیه السلام شهید شد در بیت المقدس ریگی باقی نماند

مگر زیر آن خون تازه بود.

﴿ الباب الخامس وَ الْعِشْرُونَ ﴾

﴿ مَا جَاءَ فِي قَاتِلِ الْحُسَيْنِ وَ قَاتِلِ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا عليهما السلام ﴾

متن:

۱- حدّثنی اَبی - رحمه الله تعالى -؛ و جماعة مشایخی، عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد بن عيسى؛ و محمد بن الحسين بن ابي الخطاب، عن جعفر بن بشير، عن حماد، عن كليب بن معاوية، عن ابي عبدالله عليه السلام «قال: كان قاتل يحيى بن زكريا ولد زنا، و كان قاتل الحسين عليه السلام ولد زنا و لم تبك السماء الا عليهما».



﴿ باب بیست و پنجم ﴾

﴿ آنچه در باره کشته شدن امام حسین و یحیی بن زکریا ﴾

﴿ علیهما السلام وارد شده ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه و گروهی از مشایخ و اساتیدم از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عيسى و محمد بن حسین بن ابي الخطاب، از جعفر بن بشير، از حماد از كليب بن معاوية، از حضرت ابي عبدالله عليه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

کشته شدن یحیی بن زکریا ولد الزنا بوده و کشته شدن حضرت امام حسین عليه السلام نیز ولد الزنا است و آسمان نگریسته مگر بر این دو.

متن:

حدّثنی محمد بن الحسن؛ و محمد بن احمد بن الحسین جميعاً، عن الحسن بن علی بن مهزیار، عن ابیه، عن الحسن، عن فضالة بن أيوب عن کلب بن معاوية الأسدي، عن أبي عبدالله عليه السلام مثله.

ترجمه:

محمد بن حسن و محمد بن احمد بن حسین جملگی از حسن بن علی بن مهزیار از پدرش از حسن، از فضالة بن ایوب از کلب بن معاویه اسدی از حضرت ابی عبدالله عليه السلام مثل حدیث مذکور را نقل کرده‌اند.

متن:

۲- و حدّثنی ابي - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن ابراهيم بن هاشم، عن عثمان بن عيسى، عن عمرو بن شمر، عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام «قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: انّ في النار لمنزلة لم يكن يستحقّها احد من الناس الا قاتل الحسين بن علي، و يحيى بن زكريا عليهما السلام».

ترجمه:

﴿ حدیث دوم ﴾

پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبد الله از ابراهیم بن هاشم از عثمان بن عیسی از عمرو بن شمر از جابر، از حضرت ابی جعفر عليه السلام نقل نموده که آن جناب فرمودند:

رسول خدا صلی الله و آله و سلم فرمودند:

در جهنم جایگاهی است که احدی از مردم استحقاق آن را نداشته مگر کشنده

حضرت حسین بن علی و یحیی بن زکریا علیهما السلام

متن:

۳- حدیثی آبی - رحمه الله - و علی بن الحسین، عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد بن محمد، عن محمد بن سنان، عن اسماعیل بن جابر، عن أبي عبد الله علیه السلام «قال: سمعته يقول: تقتل والله ذراری قتلة الحسين بفعال آياتها».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

پدرم علیه الرحمه و علی بن حسین، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد، از محمد بن سنان، از اسماعیل بن جابر، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل کرده، وی گفت:



شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمودند: به خدا قسم فرزندان کشتگان حضرت حسین بن علی علیهما السلام به واسطه افعال پدرانشان کشته خواهند شد.

متن:

۴- حدیثی آبی - رحمه الله - و محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصقار، عن احمد بن محمد بن محمد بن عیسی، عن ابن فضال، عن ابن بکیر عن زرارة، عن عبد الخالق، عن أبي عبد الله علیه السلام «قال: كان قاتل الحسين علیه السلام ولد زنا، و قاتل یحیی بن زکریا ولد زنا».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدرم علیه الرحمه و محمد بن الحسن، از محمد بن حسن صقار، از احمد بن

محمد بن عبسی از ابن فضال، از ابن بکیر از زراره، از عبدالخالق از حضرت ابی
عبداللہ نقل کرده که آن جناب فرمودند:

کشنده حضرت حسین بن علی علیه السلام و یحیی بن زکریا ولد زنا بودند.

متن:

۵ - حدیثی محمد بن جعفر القرشی الرزاز، عن خاله محمد بن الحسین
ابن ابی الخطاب، عن علی بن النعمان، عن مثنی، عن سدیور «قال: سمعت
ابا جعفر علیه السلام يقول: ان الله [جلّ و عزّ] جعل قتل اولاد النبیین من الأمم
الماضیه علی یدی اولاد زنا».



ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی رزاز از دانی خودش محمد بن حسین بن ابی الخطاب
از علی بن نعمان از مثنی از سدیور نقل کرده که وی گفت:
از حضرت ابا جعفر علیه السلام شنیدم که می فرمودند:
خداوند متعال قتل فرزندان پیامبران امت های گذشته را در دست زنازادگان
قرار داده است.

متن:

۶ - و عنه، عن محمد بن الحسین، عن صفوان بن یحیی، عن داود بن
فرقد، عن ابی عبداللہ علیه السلام «قال: كان الذي قتل الحسين بن علی علیه السلام ولد
زنا والذي قتل یحیی بن زکریا ولد زنا».

ترجمه: ﴿ حدیث ششم ﴾

محمد بن جعفر قرشی، از محمد بن حسین، از صفوان بن یحیی، از داود بن فرقد، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند: کسی که حضرت حسین بن علی علیهما السلام و نیز شخصی که حضرت یحیی بن زکریا را کشت زنا زاده بود.

متن:

۷- و عنه، عن محمد بن الحسين، عن علي بن اسباط، عن اسماعيل ابن أبي زياد، - عن بعض رجاله - عن أبي عبد الله عليه السلام «في قول فرعون: «ذروني اقتل موسى»، فقل له: من كان يمنعني؟ قال: كان لرسول الله، لأن الأنبياء والحجج لا يقتلهم إلا أولاد زنا والبغايا».

مرکز تحقیق و پژوهش در علوم اسلامی

ترجمه: ﴿ حدیث هفتم ﴾

محمد بن جعفر قرشی از محمد بن حسین، از علی بن اسباط از اسماعیل بن ابی زیاد از برخی رجالش از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل کرده که در ذیل کلام فرعون که گفت:

ذرونی اقتل موسی (واگذارید من را تا موسی را بکشم) به حضرت عرض شد: چه کسی او را از قتل موسی منع می کرد؟

حضرت فرمودند:

افراد حلال زاده چه آنکه انبیاء و حجج های خدا را تنها زنازادگان و حرامزاده ها می کشتند.

متن:

و حدیثی اَبی - رحمه الله - و جماعة مشایخی، عن سعد بن عبد الله بن اَبی خلف، عن محمد بن الحسين بهذا الحديث.

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه و گروهی از اساتیدم، از سعد بن عبد الله بن اَبی خلف، از محمد بن حسین این حدیث را برایم نقل نموده‌اند.

متن:

۸- و حدیثی اَبی - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن ابراهيم بن هاشم، عن ابن اَبی عمير - عن بعض اصحابه - عن ابن مسكان، عن ابي عبد الله عليه السلام «قال: قاتل الحسين بن علي ولد زنا».

ترجمه:

﴿ حدیث هشتم ﴾

پدرم عليه الرحمه از سعد بن عبد الله، از ابراهيم بن هاشم، از ابن اَبی عمير، از برخی اصحابش از ابن مسكان از حضرت ابي عبد الله عليه السلام نقل نمود که آن جناب فرمودند:

کشته حسین بن علی عليه السلام زنازاده بوده است.

متن:

۹- و حدیثی اَبی - رحمه الله - و محمد بن الحسن، عن سعد بن عبد الله، عن ابراهيم بن هاشم، عن عثمان بن عيسى، عن عمرو بن شمر،

عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام «قال: لا يقتل النبيين و اولاد النبيين الا اولاد زنا».

ترجمه: ﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه: پدرم علیه الرحمه و محمد بن حسن از سعد بن عبدالله، از ابراهیم بن هاشم، از عثمان بن عیسی از عمرو بن شمر از جابر از حضرت ابی جعفر عليه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:
انبیاء و اولاد انبیاء را تنها زنا زادگان می‌کشند.

متن:

۱۰ - حدیثی ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله؛ و عبدالله بن جعفر الحمیری، عن احمد ابن ابی عبدالله البرقی، عن ابیه محمد بن خالد، عن عبدالعظیم بن عبدالله بن علی الحسفی، عن الحسن بن الحسین العمری، عن الحسین بن شداد الجعفی، عن جابر، عن ابی جعفر عليه السلام «قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يقتل الأنبياء و اولاد الأنبياء الا اولاد زنا».

ترجمه: ﴿ حدیث دهم ﴾

پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبدالله و عبدالله بن جعفر حمیری از احمد بن ابی عبدالله برقی از پدرش محمد بن خالد از عبدالعظیم بن عبدالله بن علی الحسفی از حسن بن حسین عمری از حسین بن شداد جعفی از جابر از حضرت ابی جعفر عليه السلام نقل کرد که آن حضرت فرمودند:

رسول خدا ﷺ فرمودند:

انبیاء و فرزندان ایشان را نمی‌کشد مگر زنا زاده.

متن:

۱۱ - حدیثی محمد بن الحسن بن احمد بن الولید، عن محمد بن الحسن الصفار، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن الحسن بن علی بن الفضال، عن مروان بن مسلم، عن اسماعیل بن کثیر «قال: سمعت ابا عبد الله ﷺ يقول: كان قاتل الحسين بن عليّ ولد زنا، و كان قاتل يحيى بن زكريا ولد زنا، و لم تبيك السماء و الارض الا لهما - و ذكر الحديث -».



﴿ حدیث یازدهم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن احمد بن ولید از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی از حسن بن علی بن فضال از مروان بن مسلم از اسماعیل بن کثیر نقل نموده که وی گفت:

از حضرت ابا عبد الله ﷺ شنیدم که می‌فرمودند:

قاتل حضرت حسین بن علی سلام الله علیهما و کشته حضرت یحیی بن زکریا ﷺ زنا زاده بوده و آسمان و زمین نگریسته مگر بر این دو... .

﴿ الباب السادس وَ الْعِشْرُونَ ﴾

﴿ بكاء جميع ما خلق الله على الحسين بن علي ؑ ﴾

متن:

۱- حدّثني محمّد بن جعفر الرزّاز القرشي، قال: حدّثني خالي محمّد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن محمّد بن اسماعيل بن بزيع، عن أبي اسماعيل السّراج، عن يحيى بن معمر العطار، عن أبي بصير، عن أبي جعفر ؑ «قال: بكت الأنس و الجن و الطير و الوحش على الحسين ابن علي ؑ حتى ذرفت دموعها»
و حدّثني أبي - رحمه الله - و جماعة مشايخي، عن سعد بن عبد الله بن أبي خلف، و محمّد بن يحيى العطار جميعاً، عن محمّد بن الحسين، باسناده مثله.

﴿ باب بيست و ششم ﴾

﴿ گريستن تمام مخلوقات بر حضرت حسين بن علي ؑ ﴾

﴿ حديث اول ﴾

ترجمه:

محمّد بن جعفر رزّاز قرشي مي گوید:

دائي من محمّد بن الحسين بن أبي الخطاب، از محمّد بن اسماعيل بن بزيع، از أبي اسماعيل سراج، از يحيى بن معمر عطار، از أبي بصير، از حضرت ابو جعفر ؑ نقل کرده که آن جناب فرمودند:

انس و جن، پرنده و وحوش بر حسين بن علي ؑ گريستند حتى

اشک‌هایشان جاری گشت.

و پدرم علیه‌الرحمه و جماعتی از اساتیدم از سعد بن عبدالله بن ابی‌خلف و محمد بن یحیی عطار جملگی از محمد بن حسین به اسنادش مثل همین خبر را نقل کرده‌اند.

متن:

۲ - حدیثی اُبی - رحمه الله تعالی - و علی بن الحسین، عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن احمد بن ابی داود، عن سعد بن ابی عمر الجلاب^(۱)، عن الحارث الأعور، «قال: قال علیؑ: یا ابا و امی! الحسین المقتول بظهر الکوفة، والله کأنی انظر الی الوحوش مائة اعناقها علی قبره من انواع الوحش، ینکونه و یوثونه لیلاً حتی الصبّاح، فاذا کان ذلک فایاکم و الجفء»

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه و علی بن الحسین، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از احمد بن ابی داود، از سعد بن ابی عمر جلاب، از حارث اعور نقل کرده که گفت:

حضرت علیؑ که پدر و مادرم فدایش باد فرمودند:

حسین در پشت کوفه کشته خواهد شد، به خدا قسم گویا می‌بینم که وحوش کردن‌های خود را بر قبرش کشیده و بر او می‌گیرند و از شب تا صبح بر او مرثیه می‌خوانند و وقتی حال وحوش چنین باشد پس شما انسان‌ها از جفاء به او سزدر کنید.

۱ - کذا فی بعض نسخ الکتاب الموجودة عندنا و فی بعضها سعد بن عمر الجلاب و فی البیاض تقرأ عن الکتاب.

متن:

۳- و حدیثی محمد بن جعفر القرشی الرزازی، عن محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، عن الحسن بن علی بن ابی عثمان، عن عبد الجبار النہاوندی، عن ابی سعید، عن الحسین بن تویر بن ابی فاخته؛ و یونس ابن ظبیان؛ و ابی سلمة السراج؛ و المفضل بن عمر کلهم قالوا: «سمعنا ابا عبد الله علیه السلام يقول: ان ابا عبد الله الحسین بن علی علیه السلام لما مضى بکت علیہ السموات السبع و الارضون السبع و ما فیہن و ما بینہن و من ینقلب علیہن، و الجنة و النار، و ما خلق ربنا و ما یرى و ما لا یرى».

و حدیثی ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن محمد بن الحسین، عن الحسن بن علی بن ابی عثمان باسناده مثله.

ترجمہ: حدیث سوم

ترجمہ:

محمد بن جعفر قرشی رزازی از محمد بن حسین بن ابی الخطاب از حسن بن علی بن ابی عثمان از عبد الجبار نهاوندی از ابی سعید، از حسین بن تویر بن ابی فاخته و یونس بن ظبیان و ابی سلمه سراج و مفضل بن عمر جملگی گفتند:

شنیدیم حضرت ابو عبد الله علیه السلام می فرمودند:

هنگامی که حضرت حسین بن علی علیه السلام به شهادت رسیدند آسمان های هفتگانه و طبقات هفتگانه زمین و آنچه در آنها و بین آنها بود و تمام موجودات و جنبندگان بر روی آنها و بهشت و دوزخ و بالآخره کلیه اشیائی که پروردگار ما آنها را آفریده و موجودات مرئی و نامرئی کلاً بر آن حضرت گریستند.

و پدرم علیه الرحمہ از سعد بن عبد الله و او از محمد بن الحسین و او از حسن بن علی بن ابی عثمان با اسنادش برایم مثل حدیث مذکور را نقل نمود.

متن:

۴- و حدّثنی اَبی - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن الحسين بن عبيد الله، عن الحسن بن عليّ بن أبي عثمان، عن عبد الجبار النهساوندی، عن اَبی سعید، عن الحسين بن ثوير، و یونس؛ و اَبی سلمة السّراج؛ و المفضل بن عمر «قالوا: سمعنا ابا عبد الله عليه السلام يقول: لما مضى الحسين بن علي عليه السلام بكى عليه جميع ما خلق الله الا ثلاثة اشياء البصرة و دمشق و آل عثمان».

ترجمه:

﴿ حدیث چهارم ﴾

پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبد الله، از حسین بن عبيد الله، از حسن بن علی بن ابی عثمان از عبد الجبار نهانندی از ابر سعید از حسین بن ثویر و یونس و ابی سلمه سراج و مفضل بن عمر عمر بن جملگی گفتند: از حضرت ابی عبد الله عليه السلام شنیدیم که می فرمود: هنگامی که حضرت حسین بن علی عليه السلام شهید شدند تمام مخلوقات خدا بر آن حضرت گریستند مگر سه چیز: بصره و دمشق و آل عثمان.

متن:

۵- حدّثنی اَبی - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد ابن عيسى، عن القاسم بن يحيى، عن الحسن بن راشد، عن الحسين بن ثوير «قال: كنت انا و يونس بن ظبيان و المفضل بن عمر و ابوسلمة السّراج جلوساً عند ابي عبد الله عليه السلام فكان المتكلم يونس، و كان اكبرنا سنّاً و ذكر حديثاً طويلاً يقول، ثمّ قال ابو عبد الله عليه السلام: انّ ابا عبد الله عليه السلام

لَمَّا مَضَى بَكَتَ عَلَيْهِ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ السَّبْعُ وَمَا فِيهِنَّ
وَمَا بَيْنَهُنَّ، وَمَا يَنْقَلِبُ فِي الْجَنَّةِ وَالنَّارِ مِنْ خَلْقِ رَبِّنَا، وَمَا يَرَى وَمَا
لَا يَرَى بِكِي عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، إِلَّا ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ لَمْ تَبْكْ عَلَيْهِ، قُلْتَ: جُعِلَتْ
فِدَاكَ مَا هَذِهِ الثَّلَاثَةُ أَشْيَاءَ؟ قَالَ: لَمْ تَبْكْ عَلَيْهِ الْبَصْرَةَ وَالْأُدْمَشَقَ
وَالْأَالَ عَثْمَانَ بْنَ عَفَّانَ - وَذَكَرَ الْحَدِيثَ - .»

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از
قاسم بن یحیی، از حسن بن راشد از حسین بن ثوبان نقل کرده که ری گفت:
من و یونس بن ظبیان و مفضل بن عمر و ابوسلمه سراج محضر حضرت
ابی عبدالله علیه السلام نشسته بودیم و یونس که از همه ما مسن تر بود سخن می گفت
و حدیث طولانی را ذکر کرد سید امام صادق علیه السلام فرمودند:
هنگامی که حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام شهید شدند آسمانها و طبقات
هفت گانه زمین و آنچه در آنها و بین آنها بود و تمام جنبنده گان در بهشت
و دوزخ رکنیه موجودات مرئی و نامرئی بر آن حضرت گریستند مگر سه چیز که
بر آن مظلوم گریه نکردند.

عرض کردم: فدایت شوم آن سه چیز کدام بودند؟

حضرت فرمودند:

بصره و دمشق و آل عثمان بن عفان بودند که به آن سرور نگریستند.

متن:

٦ - وحدثني محمد بن عبدالله بن جعفر الحميري، عن ابيه، عن علي بن محمد بن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبدالله بن حماد البصري، عن عبدالله بن عبدالرحمن الأصم، عن أبي يعقوب، عن أبان بن عثمان، عن زارة «قال: قال ابو عبدالله عليه السلام: يا زارة ان السماء بكت على الحسين اربعين صباحاً بالدم؛ وان الأرض بكت اربعين صباحاً بالسواد؛ وان الشمس بكت اربعين صباحاً بالكسوف والحُمْرة؛ وان الجبال تقطعت وانثرت؛ وان البحار تفجرت وان الملائكة بكت اربعين صباحاً على الحسين عليه السلام، وما اختضبت منا امرأة ولا ادهنت ولا اكنحت ولا رجلت حتى اتانا رأس عبيدالله بن زياد، ومازلنا في غبرة بعده، وكان جدى اذا ذكره بكى حتى قملأ عيناه لحيته، وحتى يبكي لبكائه - رحمه له - من رآه، وان الملائكة الذين عند قبره ليبكون، فيبكي لبكائهم كل من في الهواء والسماء من الملائكة، ولقد خرجت نفسه عليه السلام فزقت جهنم زفرة كادت الأرض تنشق لزفرتها، ولقد خرجت نفس عبيدالله بن زياد ويزيد بن معاوية [لعنهم الله]، فشقت جهنم شهقة لولا ان الله حبسها بخزائنها لأحرقت من على ظهر الأرض من قورها، ولو يؤذن لها ما بق شيء الا ابتلعتها ولكنها مأمورة مصفودة ولقد عتت على الخزان غير مرة حتى اتاها جبرئيل فضربها بجناحه فسكنت، وانها لتبكيه وتندبه وانها لتلظي على قاتله، ولولا من على الأرض من حجج الله لنقضت الأرض و أكنات [بما عليها وما تكثر الزلازل الا عند

اقتراب السّاعة؛

و ما من عين أحبّ الى الله و لأعبرة من عين بكت و دمعت عليه و ما من باكٍ يبكيه إلا و قد وصل فاطمة ؑ و اسعدفا عليه و وصل رسول الله ﷺ و ادى حنّنا و ما من عبد يحشر إلا و عيناه باكيةً إلا الباكين على جدّي الحسين ؑ فإنه يحشر و عينه قريرةً و البشارة تلقاه و السرور [بين] على وجهه، و الخلق في النزاع و هم آمنون، و الخلق يعرضون و هم حدّاث الحسين ؑ تحت العرش و في ظلّ العرش، لا يخافون سوء يوم الحساب يقال لهم: ادخلوا الجنة، فيأبون و يختارون مجلسه و حديثه و أنّ الحور لترسل إليهم أنا قد اشتقناكم مع الولدان المخلدّين فما يرفعون رؤوسهم إليهم لما يرون في مجلسهم من السرور و الكرامة، و أنّ أعدائهم من بين مسحوب بناصيته الى النار، و من قائلٍ: «ما لنا من شافعينَ و لا صديقٍ حميمٍ»؛

و أنّهم ليرون منزلهم، و ما يقدرون أن يدنوا إليهم، و لا يصلون إليهم، و أنّ الملائكة لتأتّيهم بالرسالة من أزواجهم و من خزائنهم على ما أعطوا من الكرامة فيقولون: نأتّيكم انشاء الله، فيرجعون الى أزواجهم بمقلاتهم، فيزدادون إليهم شوقاً اذا هم خبروهم بما هم فيه من الكرامة و فريهم من الحسين ؑ فيقولون الحمد لله الذي كفانا النزاع الأكبر، و أهوال القيامة، و نجّانا مما كنا نخاف، و يؤتّون بالمراكب و الرّجال على التجائب، فيستوون عليها، و هم في الثناء على الله و الحمد لله و الصّلاة على محمّد و آله، حتى ينتهوا الى منازلهم.»

ترجمه:

﴿ حدیث ششم ﴾

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری، از عبدالله بن عبدالرحمن الاصم، از ابی یعقوب از ابان بن عثمان، از زرارہ نقل نموده که وی گفت:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

ای زرارہ آسمان تا چهل روز بر حسین بن علی علیه السلام خون بارید و زمین تا چهل روز تار و تاریک بود و خورشید تا چهل روز گرفته و نورش سرخ بود و کوهها تکه تکه شده و پراکنده گشتند و دریاها روان گردیده و فرشتگان تا چهل روز بر آن حضرت گریستند و هیچ زنی از ما اهل بیت خضاب نکرد و روغن به خود نمالید و سرمه نکشید و موهایش را شانه نزد تا رفتی که سر عیدالله بن زیاد را به نزد ما فرستادند و پیوسته بعد از شهادت آن حضرت چشمان، اشک آلود بود و هرگاه جدم یاد آن حضرت را می نمود محاسنش از اشک خیس می گشت بطوری که هر کس آن جناب را می دید به حالش ترحم نموده و از گریه اش به گریه می افتاد و فرشتگانی که نزد قبر آن حضرت هستند جملگی می گریند و از گریه ایشان تمام فرشتگان در آسمان و زمین گریه می کنند، هنگامی که روح مطهر آن حضرت از کالبد شریفش خارج شد دوزخ فریاد و بانگی زد که نزدیک بود از صدای آن زمین منشق شود و زمانیکه روح خبیث عیدالله بن زیاد و یزید بن معاویه از بدن کیفشان خارج گردید جهنم جینی کشید که اگر حق تعالی بر سبیل فرشتگان حافظ دوزخ آن را کنترل و حبس نمی نمود تمام موجودات روی زمین از هیبت آن می سوختند و اگر آتش جهنم از حق تعالی اذن می داشت هیچ جنبنده ای را روی زمین باقی نمی گذارد بلکه تمام را می بلعید منتهی مأمور و اسیر فرمان او است و بدون امر حق جلّت عظمته حرکتی از آن صادر نمی شود و مع ذلک چند مرتبه بر نگهبانان طغیان کرده تا بالأخره جبرئیل در آنجا حاضر شد و بالش را بر آن زد تا ساکت گردید.

ولی در عین حال از آن تاریخ به بعد بر حضرتش گریه و ندبه کرده و پیوسته بر قاتلین او زیانه می‌کشد و اگر حجّت‌های خدا روی زمین نمی‌بودند آن را واژگون می‌کرد و لرزش‌های زمین و زلزله‌ها زیاد نمی‌شود مگر صرفاً در وقت قیامت.

و هیچ چشم و اشکی نزد خدا محبوب‌تر از چشم و اشگی نیست که بگرید و بر آن حضرت جاری گردد و هیچ گریه‌کننده‌ای نیست که بر آن جناب بگرید مگر آنکه گریه‌اش به حضرت فاطمه علیها السلام رسیده و آن بانو را یاری می‌کند و نیز گریه‌اش به حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسیده و بدین وسیله حق ما را ادا کرده. و هیچ بنده‌ای نیست که روز قیامت محشور شود مگر آنکه چشمانش گریان است غیر از گریه‌کنندگان بر جدم حضرت حسین بن علی علیه السلام چه آنکه ایشان در حالی که چشمانی روشن و باز دارند محشور می‌گردند و آثار سرور و شادی در صورشان نمایان می‌باشد، مردم در فرح و نازاحتی بوده ولی ایشان از هر غم و محنتی در امان هستند، مردم متفرق و پراکنده و مضطرب بوده ولی ایشان در زیر عرش و سایه آن به یاد حسین علیه السلام بوده و درباره آن جناب به گفتن حدیث مشغولند، از ناملازمات و ناراحتیهای روز حساب هیچ خوف و هراسی ندارند. به ایشان گفته می‌شود: داخل بهشت شوید ولی آنها از ورود به بهشت امتناع نموده و مجلس ذکر حسین علیه السلام را اختیار می‌کنند، فرشتگان و حورالعین به آنها پیغام می‌دهند که ما با ولدان مخلد مشتاق شما هستیم ولی ایشان از فرط سرور و نشاطی که در مجلسشان دارند سرشان را بالا نکرده و به آنها نمی‌نگرند.

دشمنان ایشان در آخرت دو گروه هستند:

الف: کسانی که موی جلو سر ایشان را فرشتگان عذاب گرفته و آنها را روی زمین کشان کشان به طرف جهنم می‌برند.

ب: آنانکه از روی حسرت می‌گویند ما لنا من شافعین و لاصدیق حمیم. نه شفیمی داریم و نه دوستی که از ما حمایت کند.

دشمنان ایشان مقام و منزل آنها را دیده ولی نمی‌توانند نزدیک ایشان شوند. فرشتگان از طرف همسرهای ایشان در بهشت و نگهبانان بر ایشان پیغام آورده که چه کرامت و عطیاتی به آنها اعطاء شده.

ایشان در جواب می‌گویند: انشاء الله نزد شما خواهیم آمد و پس از این گفتار به نزد آنها بازگشته و وقتی همسرانشان به آنها خبر می‌دهند که در نزدیکی حضرت حسین علیه السلام می‌باشند شوقشان زیاد گشته و از شعف دل می‌گویند: حمد می‌کنیم حق تعالی را که ما را از فزع اکبر و وحشت‌های قیامت در امان داشت و از آنچه مراسم داشتیم نجات داد.

خداوند متعال به ایشان مرکب‌ها و اسب‌های نیکونی که بر پشت آنها زین نهاده شده اعطاء فرمود و ایشان بر آنها سوار شده و در حالی که خدای مئان را ستوده و حمد و ثناء گفته و صلوات بر محمد و آل محمد می‌فرستند حرکت نموده تا به منازل و جایگاه خویشتن می‌رسند.

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

متن:

۷- حدیثی محمد بن عبدالله، عن ابيه، عن علي بن محمد بن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبدالله بن حماد البصری، عن عبدالله بن عبدالرحمن الأصم، عن عبدالله بن مسكان عن أبي بصير، «قال: كنت عند أبي عبدالله عليه السلام [و] أحدثه، فدخل عليه ابنه فقال له: مرحباً، وضمه و قبّله و قال: حقراً لله من حقركم، و انتقم ممن و تترككم، و حذّل الله من خذلكم، و لعن الله من قتلکم، و كان الله لكم ولياً و حافظاً و ناصرأ، فقد طال بكاء النساء و بكاء الأنبياء و الصديقين و الشهداء و ملائكة السماء، و ثم بكى و قال: يا أبا بصير اذا نظرت الى وُلد الحسين

أتاني ما لأملكه بما أتي إلى أبيهم، واليهم يا أبا بصير إن فاطمة ؑ لتبكيه
و تشهق، فتزير جهنم زفرةً لولا أن الحزنة يسمعون بكاءها و قد
استعدوا لذلك مخافة أن يخرج منها عنق أو يشرر دخانها فيحرق أهل
الأرض فيكبحونها ما دامت باكية، و يزجرونها و يستوتقون من أبوابها
مخافةً على أهل الأرض، فلاتسكن حتى يسكن صوت فاطمة ؑ؛

وإن البخار تكاد أن تنفتق فيدخل بعضها على بعض، و ما منها قطرة
الآبها ملك موكل، فإذا سمع الملك صوتها اطفأ ناراها بأجنحته و حبس
بعضها على بعض مخافةً على الدنيا و ما فيها و من على الأرض، فلاتزال
الملائكة مشفقين يبكون لبكائها و يدعون الله و يتضرعون إليه،
و يتضرع أهل العرش و من حوله؛ و ترتفع اصوات من الملائكة
بالتقديس لله مخافةً على أهل الأرض، و لو أن صوتاً من اصواتهم يصل
إلى الأرض لصعق أهل الأرض و تقطعت الجبال و زلزلت الأرض
بأهلها.

قلت: جعلت فداك إن هذا الامر عظيم! قال: غيره اعظم منه ما
لم تسمعه، ثم قال لي: يا أبا بصير اما تحب أن تكون فيمن يُسعد
فاطمة ؑ؟ فبكيت حين قالها فما قدرت على النطق و ما قدر على كلامي
من البكاء، ثم قام إلى المصلّى يدعوا فخرجت من عنده على تلك الحال
فما انتفعت بطعام و ما جائني النوم، و أصبحت ضائعاً و جلاً حتى أتته،
فلما رأته قد سكن سكنتُ و حمدت الله حيث لم تُنزل بي عقوبةً.

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، از عبدالله بن مسکان، از ابویصیر نقل کرده که وی گفت:

محضر مبارک امام صادق علیه السلام بوده و برای آن جناب سخن می‌گفتم در این هنگام یکی از فرزندان حضرت داخل شد.

امام علیه السلام به او فرمودند: بارک الله و او را به سینه خود چسباند، و وی را بوسیده و فرمودند:

خلا ذلیل کند کسانی را که شما را ذلیل کنند و انتقام کشد از آنانکه به شما ظلم کنند، و خوار کند افرادی را که شما را خوار کنند، و لعنت کند اشخاصی را که شما را می‌کشند و خدا ولی و حافظ و ناصر شما باشد، زنان و انبیاء و صدیقین و شهداء و فرشتگان آسمان بسیار بر شما گریستند، سپس آن حضرت گریسته و فرمودند:

ای ابویصیر هرگاه به بچه‌های حضرت حسین علیه السلام می‌نگرم به واسطه مصیبت و ظلمی که به پدرشان و خودشان شده حالتی به من دست می‌دهد که قابل کنترل نیست.

ای ابویصیر: فاطمه علیها السلام بر آن حضرت گریست و زجه زده و به دنبال آن جهنم فریادی کشید و جیغی زد که فرشتگان حافظ و نگهبان بر آن، صدای گریه دوزخ را شنیدند و سریع آماده شدند آن را کنترل کنند زیرا خرف آن بود که از درون دوزخ آتش زیانه کشد با درد آن بیرون رفته و اهل زمین را بسوزاند لذا تا مادامی که دوزخ گریان و نالان است فرشتگان حافظ آن را مهار کرده و به جهت خوف و هراسی که بر اهل زمین دارند آن را محافظت نموده و درب‌های آن را محکم بسته‌اند ولی در عین حال دوزخ ساکت و آرام نمی‌شود مگر صدای فاطمه علیها السلام آرام گردد.

ای ابوبصیر دریاها نزدیک بود شکاف برداشته در نتیجه برخی در بعضی دیگر داخل شوند و قطره‌ای از آب دریاها نیست مگر آنکه فرشته‌ای بر آن موکل است، لذا هرگاه فرشته موکل بانگ دریا و خروش آن را بشنود با زدن بالش خروش و طغیان را خاموش و ساکت می‌کند و آنها را حبس و نگاه داشته تا بر یکدیگر داخل و وارد شوند و این نیست مگر بخاطر خوف و هراس بر دنیا و آنچه در آن و کسانی که بر روی زمین می‌باشند و پیوسته فرشتگان از روی شفقت و ترحم به واسطه گریستن دریاها می‌گیرند و خدا را خوانده و به جانبش تضرع و زاری نموده و اهل عرش و اطراف آن نیز جملگی در تضرع و ناله می‌باشند.

صداهای فرشتگان بلند است که به خاطر خوف و هراس بر اهل زمین همواره حق تعالی را تقدیس و تنزیه می‌نمایند و اگر احیاناً صدای آنها به زمین برسد اهل زمین به فریاد آمده و کوهها قطعه قطعه شده و زمین اهلس را می‌لرزاند. ابو بصیر می‌گوید: محضر مبارک امام علیه السلام عرضه داشتم:

فدایت شوم این امر بسیار عظیم و بزرگ است!

حضرت فرمودند: از این عظیم‌تر غیر آن، یعنی خبری که نشنیده‌ای می‌باشد، سپس فرمودند: ای ابو بصیر! دوست نداری در زمره کسانی باشی که حضرت فاطمه علیها السلام را کمک می‌کنند؟

ابو بصیر می‌گوید: وقتی امام علیه السلام این کلام را فرمودند بطوری گریه به من دست داد که قادر بر سخن گفتن نبودم و چنان بغض گلویم را می‌فشرد که توانایی بر تکلم نداشتم.

سپس حضرت پیا خواسته و به نمازخانه تشریف برده و به خواندن دعا پرداختند.

پس از مجلس حضرت با چنین حالی برخاسته و بیرون آمدم پس نه طعام خوردم و نه خوابیدم و صبح روز بعد را با حالی ترسان روزه گرفته تا آنکه

محضر مبارکش در باره مشرف شدم پس وقتی آن جناب را ساکن و آرام دیدم من نیز آرام گرفتم و از اینکه عفویت و بلائی بر من نازل نشده حق تعالی را حمد و ستایش نمودم.

﴿ الباب السابع و العشرون ﴾

﴿ بكاء الملائكة على الحسين بن علي ؑ ﴾

متن:

۱ - حدیثی آبی - رحمه الله - و جماعة مشایخی، عن سعد بن عبدالله، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن الحسین بن سعید، عن حماد بن عیسی، عن ربیع بن عبدالله، عن الفضیل بن یسار، عن أبی عبدالله ؑ «قال: مالکم لا تأتونہ - یعنی قبر الحسین ؑ - فان أربعة آلاف ملك یكونه [عند قبره الی یوم القيمة]».

﴿ باب بیست و هفتم ﴾

﴿ گریستن فرشتگان بر حضرت حسین بن علی ؑ ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه و جماعتی از اساتیدم از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسین بن سعید، از حماد بن عیسی، از ربیع بن عبدالله، از فضیل بن یسار، از حضرت ابی عبدالله ؑ نقل کرده اند که آن حضرت فرمودند: شما را چه می شود که به آنجا نمی روید (یعنی به قبر حضرت حسین ؑ) چه آنکه چهار هزار فرشته تا روز قیامت بر سر قبر آن جناب حاضر بوده و بر آن حضرت می گریزند.

متن:

۲- و حدّثنی محمد بن جعفر الرزّاز، عن محمد بن الحُسَین بن أبی الخطّاب، عن موسی بن سعدان، عن عبدالله بن القاسم، عن عمر بن أبان الکلبی، عن أبان بن تغلب «قال: قال ابو عبدالله علیه السلام: انّ أربعة آلاف ملک هبطوا یریدون القتال مع الحُسَین بن علی علیه السلام، لم یؤذَن لهم فی القتال فرجعوا فی الأستیذان فهبطوا و قد قتل الحُسَین علیه السلام فهم عند قبره شعثٌ عُبرٌ یبکونه الی یوم القیمة، رئیسهم ملک یقال له: المنصور».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

و محمد بن جعفر رزّاز، از محمد بن حسین بن ابی الخطّاب، از موسی بن سعدان، از عبدالله بن القاسم، از عمر بن ابان الکلبی، از ابان بن تغلب نقل کرده که گفت:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

چهار هزار فرشته به زمین فرود آمدند و خواستند همراه حضرت امام حسین علیه السلام به قتال پردازند ولی آن جناب به ایشان اذن ندادند، پس بار دیگر که به زمین فرود آمده برای اذن گرفتن آن حضرت شهید شده بودند لذا ایشان بر سر قبر آن حضرت به حالتی ژولیده و گرفته باقی مانده و تا روز قیامت می‌گیرند، رئیس ایشان فرشته‌ای است که به او منصور می‌گویند.

متن:

۳- و حدّثنی ابی - رحمه الله - و جماعة مشایخی، عن سعد بن عبدالله، عن علی بن اسماعیل بن عیسی، عن حماد بن عیسی، عن ربیع، عن الفضیل بن

یسار «قال: قال ابو عبدالله علیه السلام: مالکم لا تاتونه - یعنی قبر الحُسَین علیه السلام - فان اربعة آلاف ملك يبكون عنده الى يوم القيمة».

ترجمه: ﴿ حدیث سوم ﴾

و پدرم رحمة الله عليه و جماعتی از اساتیدم، از سعد بن عبدالله، از علی بن اسماعیل، از حماد بن عیسی، از ربیع، از فضیل بن یسار نقل کرده‌اند که وی گفت:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

شمارا چه می‌شود که به آنجا نمی‌روید (یعنی به قبر حضرت حسین علیه السلام) چه آنکه چهار هزار فرشته تا روز قیامت بر سر قبر آن جناب حاضر بوده و بر آن حضرت می‌گیرند.

مرکز تحقیق و پژوهش اسلامی

متن:

۴- وحدثني محمد بن جعفر الرزاز، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن اسمعيل، عن ابي اسمعيل السراج، عن يحيى بن معمر العطار، عن ابي بصير، عن ابي جعفر علیه السلام «قال: اربعة آلاف ملك شعثٍ عُبرٍ يبكونه الى يوم القيمة»

ترجمه: ﴿ حدیث چهارم ﴾

و محمد بن جعفر رزاز از محمد بن حسین از محمد بن اسماعیل، از اَبی اسماعیل سراج، از یحیی بن معمر عطار، از اَبی بصیر، از حضرت اَبی جعفر علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

چهار هزار فرشته زولیده و گرفته تا قیامت بر آن حضرت گریه می‌کنند.

متن:

۵ - و حدّثنی اَبی - رحمه الله - و علی بن الحُسَینِ جميعاً، عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن علی بن الحکم، «علی بن اَبی حمزة، عن اَبی بصیر، عن اَبی عبدالله علیه السلام» قال: وکلّ الله تعالی بالحسین علیه السلام سبعین الف ملک یصلون علیه کلّ یوم شُعباً غیراً منذ یوم قتل الی ما شاء الله - یعنی بذک قیام القائم علیه السلام -».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

و پدرم علیه الرحمة و علی بن الحُسَین، جملگی از سعد بن عبدالله، از احمد ابن محمد بن عیسی، از علی بن الحکم، از اَبی بن اَبی حمزه، از اَبی بصیر، از حضرت اَبی عبدالله علیه السلام نقل کرده اند که آن جناب فرمودند: از روزی که حضرت حسین بن علی علیه السلام شهید شده اند تا زمانی که خدا بخواهد یعنی تا قیام قائم علیه السلام خداوند هفتاد هزار فرشته را مبعوث فرموده که با حالی ژولیده و گرفته هر روز بر حضرتش صلوات فرستاده و طلب رحمت می کنند.

معن:

۶ - و عن سعد، عن ابراهیم بن هاشم، عن ابن فضال، عن ثعلبة، عن مبارک العطار، عن محمد بن قیس «قال: قال لی ابو عبدالله علیه السلام: عند قبر الحُسَین علیه السلام اربعة آلاف ملک عُبرَ بیکونه الی یوم القیمة».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

پدرم علیه الرحمة و علی بن الحُسَین جملگی از سعد، از ابراهیم بن هاشم، از ابن فضال از ثعلبه، از مبارک عطار، از محمد بن قیس نقل کرده که وی گفت:
حضرت ابو عبدالله علیه السلام به من فرمودند:
چهار هزار فرشته زولیده و گرفته نزد قبر حضرت حسین علیه السلام بوده که تا روز
قیامت بر آن جناب می‌گیرند.

منن:

۷- و حدیثی ابی - رحمه الله - و محمد بن الحسن، و علی بن الحُسَین
جمیعاً، عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن الحُسَین بن
سعید، عن القاسم بن محمد، عن اسحاق بن ابراهیم، عن هارون، عن
ابی عبدالله علیه السلام «قال: وکل الله به أربعة آلاف ملك شعثٍ غیرِ یبکونه الی
یوم القیمة».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

پدرم علیه الرحمة و محمد بن الحسن و علی بن الحُسَین، جملگی از سعد بن
عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسین بن سعید، از قاسم بن محمد، از
اسحاق بن ابراهیم، از هارون، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت
فرمودند:
خداوند منان چهار هزار فرشته بر قبر حضرت سید الشهداء علیه السلام موکل نموده
که همگی زولیده و گرفته بوده و تا روز قیامت گریه می‌کنند.

متن:

۸- حدیثی محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار، عن محمد بن الحسين بن ابی الخطاب، عن صفوان بن یحیی، عن حریر، عن الفضیل، عن احدهما علیهما السلام «قال ان علی قبر الحسین علیه السلام أربعة آلاف ملك شعثٍ غبرٍ يبكونه الى يوم القيمة - قال محمد بن مسلم: يحوسونَه -».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن، از محمد بن حسن الصفار، از محمد بن حسین بن ابی الخطاب علیهما السلام از صفوان بن یحیی، از حریر، از فضیل بن یسار، از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند: چهار هزار فرشته زولیده و غمگین و گریخته بر قبر حضرت حسین بن علی علیهما السلام موکل بوده که تا روز قیامت گریه می کنند. محمد بن مسلم می گوید: این چهار هزار فرشته قبر را حراست و نگهبانی می نمایند.

متن:

۹- حدیثی ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد ابن عیسی، عن العباس بن معروف، عن حماد بن عیسی، عن ربیع «قال: قلت لأبی عبدالله علیه السلام - بالمدينة - : أين قبور الشهداء؟ فقال: اليس افضل الشهداء عندكم؟ والذى نفسي بيده إن حوله أربعة آلاف ملكٍ شعثٍ غبرٍ يبكونه الى يوم القيمة».

وحدَّثني محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفَّار، عن العباس
ابن معروف مثله.

ترجمه: ﴿ حدیث نهم ﴾

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از
عباس بن معروف، از حماد بن عیسی، از ربیع نقل کرده که وی گفت:
در مدینه محضر امام صادق علیه السلام بودم به ایشان عرض کردم:
قبور شهداء در کجا است؟
حضرت فرمودند:

مگر افضل و برترین شهداء نزد شما نیست؟!

قسم به آن کسی که جانم در دست او است اطراف قبر آن حضرت چهار هزار
فرشته که جملگی ژولیده و غمگین و گرفته هستند بوده و تا روز قیامت بر آن
جناب می‌گریند.

و محمد بن الحسن، از محمد بن حسن الصفَّار، از عباس بن معروف نظیر این
حدیث را نقل کرده.

متن:

۱۰ - و حدَّثني محمد بن جعفر الرزاز قال: حدَّثني محمد بن الحسين
ابن أبي الخطاب، عن محمد بن اسمعيل بن بزيع، عن أبي اسمعيل
السراج، عن يحيى بن معمر العطار، عن أبي بصير، عن أبي جعفر عليه السلام قال:
أربعة آلاف ملك غير يبكون الحسين إلى يوم القيمة فلا يأتيه
أحدٌ إلا استقبلوه، ولا يمرض أحدٌ إلا عادوه، ولا يموت أحدٌ إلا
شهدوه».

وحدَّثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن محمد بن الحسين
باسناده مثله.

ترجمه: ﴿ حدیث دهم ﴾

محمد بن جعفر رزّاز می گوید:

محمد بن حسین بن ابی الخطاب برایم نقل نمود از محمد بن اسماعیل بن
بزیع و او از اسماعیل سراج و او از یحیی بن معمر عطار و او از ابی بصیر و او از
حضرت ابو جعفر علیه السلام نقل کرد که آن حضرت فرمودند:

چهار هزار فرشته که جملگی زولبّه و غمگین و گرفته هستند برای حضرت
امام حسین علیه السلام تا روز قیامت می گریزند. پس احدی از مردم به زیارت آن حضرت
نمی آید مگر آنکه این فرشتگان به استقبالش آمده و احدی از مردم مریض و
بیمار نشده مگر که ایشان به عیادتش رفته و کسی از مردم نیست که بمیرد مگر
آنکه این فرشتگان بالای سرش حاضر می شوند.

و پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبدالله، از محمد بن حسین به اسنادش نظیر
همین حدیث را نقل نموده است.

متن:

۱۱ - وحدَّثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن الحسن بن
علي بن عبدالله بن المغيرة، عن العباس بن عامر، عن أبان، عن أبي حمزة
الثمالي، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: إن الله وكل بقبر الحسين عليه السلام أربعة
آلاف ملك غرب يبكونه من طلوع الفجر الى زوال الشمس، فإذا
زالت الشمس هبط أربعة آلاف ملك و صعد أربعة آلاف ملك، فلم يزل
يبكونه حتى يطلع الفجر - و ذكر الحديث -».

ترجمه:

﴿ حدیث یازدهم ﴾

پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبدالله، از حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره از عباس بن عامر، از ابان، از ابو حمزه ثمالی از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

خداوند متعال چهار هزار فرشته را بر قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام موکل قرار داده که جملگی زولیده و غمگین و گرفته بوده و از طلوع صبح تا زوال آفتاب (وقت ظهر) بر آن جناب می‌گریند و وقتی ظهر می‌شود چهار هزار فرشته دیگر به زمین فرود آمده و این چهار هزار نفر به آسمان می‌روند و فرشتگان به زمین آمده پیوسته می‌گریند تا صبح طلوع کند.....

متن:

۱۲ - حدیثی ابي - رحمه الله - و محمد بن عبدالله، عن عبدالله بن جعفر الحميري، عن ابراهيم بن مهزيار، عن أخيه علي بن مهزيار، عن أبي القاسم، عن القاسم بن محمد، عن اسحق بن ابراهيم، عن هرون «قال: سألت رجلاً ابا عبدالله عليه السلام - و انا عنده - فقال: ما لمن زار قبر الحسين عليه السلام؟ فقال: ان الحسين عليه السلام لما أصيب بكنه حتى البلاد، فوكل الله به أربعة آلاف ملك شعثاً غبراً، يبكونه الى يوم القيامة - و ذكر الحديث -».

ترجمه:

﴿ حدیث دوازدهم ﴾

پدرم رحمة الله عليه و محمد بن عبدالله، از عبدالله بن جعفر حمیری، از ابراهيم بن مهزيار، از برادرش علی بن مهزيار، از ابرالقاسم، از قاسم بن محمد، از اسحاق بن ابراهيم، از هارون نقل کرده که وی گفت: شخصی از حضرت

ابو عبدالله علیه السلام سؤال نمود و من نیز آنجا حاضر بودم.

وی عرضه داشت: برای کسی که قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام را زیارت کند چه ثوابی است؟
حضرت فرمودند:

زمانی که حضرت حسین علیه السلام به بلا و مصیبت گرفتار شد تمام موجودات حتی بلاد و شهرها بر آن حضرت گریستند، پس خداوند منان چهار هزار فرشته بر او موکل ساخت که جملگی زولیده و غمگین و گرفته بوده و تا روز قیامت بر آن جناب گریه می کنند

متن:

۱۳ - و حدیثی آبی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن محمد بن الحسين، عن الحسن بن محبوب، عن صباح الخذاء، عن محمد بن مروان، عن أبي عبدالله علیه السلام «قال: سمعته يقول زوروا الحسين علیه السلام و لو كل سنة فان كل من اتاه عارفاً بحقه غير جاحد لم يكن له عوض غير الجنة، و رزق رزقاً واسعاً، و اتاه الله بفرج عاجل، ان الله و كل بقبر الحسين بن علي علیه السلام أربعة آلاف ملك، كلهم يبكونه، و يشيعون من زاره الى أهله، فان مرض عادوه، و ان مات شهدوا جنازته بالاستغفار له و الترحم عليه».

حدیثی الحسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، عن ابيه عن الحسن بن محبوب باسناده مثله.

ترجمه:

﴿ حدیث سیزدهم ﴾

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبدالله، از محمد بن الحسین، از حسن بن محبوب، از صباح حداء، از محمد بن مروان، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل نموده، وی گفت:

شنیدم که آن حضرت می فرمودند:

حسین علیه السلام را زیارت کنید اگرچه در هر سال باشد زیرا کسانی که او را در حالی که به حقیقت عارف برده و آن را انکار ندارند زیارت کنند عوض و پاداشی ندارند مگر بهشت و روزی آنها واسع و فراخ بوده و خداوند منان در دنیا فرج نصیبشان می کند، حق تبارک و تعالی چهار هزار فرشته را موکل قبر حسین بن علی علیه السلام فرموده که تمام بر او می گریند و زائرین حضرت را مشایعت کرده تا به اهل خود برسند و اگر مریض شوند آنها را عبادت کرده و هنگامی که از دنیا روند بر سر جنازه آنها حاضر شده و برایشان طلب آمرزش و رحمت می نمایند.

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب به اسنادش نظیر همین روایت را نقل نموده است.

متن:

۱۴ - و حدیثی ابی، عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن ابیه، عن سیف بن عمیرة، عن بکر بن محمد، عن ابی عبدالله علیه السلام «قال: وکل الله بقبر الحسین علیه السلام سبعین ألف شعراً غبراً ینکون، الی یوم القیمة، ینصرون عنده الصلاة الواحدة من صلواتهم تعدل ألف صلاة من صلاة الادمیین، ینکون ثواب صلواتهم و اجر ذلك لمن زار قبره».

ترجمه: ﴿ حدیث چهاردهم ﴾

پلوم از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از پدرش، از سیف بن عمیره، از بکر بن محمد، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

خداوند متعال هفتاد هزار فرشته را بر قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام موکل ساخته که تمام ژولیده و غمگین و گرفته بوده و تا روز قیامت بر آن حضرت گریسته و نزد قبر آن جناب نماز می‌گذارند یک نماز ایشان معادل هزار نماز انسان‌ها می‌باشد و جالب اینکه ثواب نماز آنها برای کسی است که قبر آن حضرت را زیارت کند.

متن:

۱۵ - وحدثني محمد بن جعفر الرزاز، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن صفوان بن يحيى، عن حنان بن سدير، عن مالك الجهني عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: إن الله وكل بالحسين عليه السلام ملكاً في أربعة آلاف ملك يبكونه ويستغفرون لزوارة و يدعون الله لهم».

ترجمه: ﴿ حدیث پانزدهم ﴾

محمد بن جعفر رزاز، از محمد بن حسین بن ابی الخطاب، از صفوان بن یحیی، از حنان بن سدید، از مالک جهنی از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

خداوند متعال فرشته‌ای را در میان چهار هزار فرشته دیگر بر حسین علیه السلام موکل قرار داد، این فرشتگان جملگی بر آن حضرت گریسته و برای زائرین آن جناب طلب آمرزش کرده و دعاء می‌نمایند.

متن:

١٦ - حدثني محمد بن عبدالله بن جعفر الحسيري، عن أبيه، عن علي بن محمد بن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبدالله بن حماد البصري، عن عبدالله بن عبدالرحمن الأصم قال: حدثنا الهيثم بن واقد، عن عبدالملك بن مقرن، عن أبي عبدالله عليه السلام قال: «إذا زرتم أبا عبدالله عليه السلام فالزموا الصمت الأيمن خير، وإن ملائكة الليل والنهار من الحفظة تحضر الملائكة الذين بالمحائر، فتصافحهم فلا يجيبونهم من شدة البكاء فينتظرونهم حتى تزول الشمس و حتى ينور الفجر، ثم يكلمونهم ويسألونهم عن أشياء من أمر السماء، فإما ما بين هذين الوقتين فاتهم لا ينطقون ولا يفترقون عن البكاء والدعاء، ولا يشغلونهم في هذين الوقتين عن أصحابهم، فإنما شغلهم بكم إذا نطقتم.

قلت: جعلت فداك وما الذي يسألونهم عنه أنهم يسأل صاحب الحفظة أو أهل المحائر؟ قال: أهل المحائر يسألون الحفظة، لأن أهل المحائر من الملائكة لا يرحون، والحفظة تنزل وتصعد، قلت: فما ترى يسألونهم عنه؟ قال: أنهم يمرّون إذا عرجوا باسمعيل صاحب الهواء، فرجما وافتوا النبي صلى الله عليه وآله وعنده فاطمة والحسن والحسين والأئمة من مضى منهم ليسألونهم عن أشياء وعن حضر منكم المحائر، ويقولون: بشرّوهم بدعائكم، فتقول الحفظة: كيف نبشّروهم وهم لا يسمعون كلامنا؟ فيقولون لهم: باركوا عليهم وادعوا لهم عنّا فهي البشارة منّا فإذا انصرفوا فحقّوهم بأجنحتكم حتى يحسبوا مكانكم وأنا نستودعهم الذي لا تضيع ودائعه؛

و لو يعلمون ما في زيارته من الخير و يعلم ذلك الناس لا قتلوا على زيارته بالسيف، و لباعوا أموالهم في إتيانه، و أن فاطمة عليها السلام اذا نظرت إليهم و معها ألف نبي و ألف صديق و ألف شهيد من الكروبين ألف ألف يسعدونها على البكاء، و أنها لتشقق شهقة فلا يبق في السماوات ملك إلا بكى رحمة لصوتها، و ما تسكن حتى يأتيها النبي صلى الله عليه وآله فيقول: يا بنتي قد أبكيت أهل السماوات و سغلتهم عن التسبيح و التقديس فكفي حتى يقدسوا، فإن الله بالغ أمره، و أنها لتنظر إلى من حضر منكم فتسأل الله لهم من كل خير، و لاتزهدوا في إتيانه! فإن الخير في إتيانه أكثر من أن يحصى».



﴿ حدیث شانزدهم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم نقل کرده که ری گفت:

هشتم بن وافد، از عبدالملک بن مقرن از امام صادق علیه السلام برای ما نقل کرد که آن حضرت فرمودند:

وقتی به زیارت حضرت ابا عبدالله علیه السلام رفتید در آنجا سکوت اختیار کرده و کلامی نگوئید مگر سخن نیک و خیر، زیرا فرشتگان شب و روز که از نگهبانان و حافظین هستند نزد فرشتگانی که در حائر حسینی می باشند آمده و با ایشان مصافحه کرده ولی ایشان از شدت گریه و ناراحتی که دارند جواب آنها را نداده بناچار آنها صبر می کنند تا ظهر فردا برسد و صبح طلوع نماید سپس آنان با ایشان سخن گفته و راجع به امور آسمانی سؤالاتی را مطرح می نمایند ولی بین این دو

وقت (صبح و ظهر) ابدأ صحبت نکرده و از گریستن و دعاء نمودن کوتاهی نمی‌کنند و در ایندو وقت آن فرشتگان نیز ایشان را از بارانشان منصرف و مشغول نمی‌کنند تنها وقتی شما سخن گفته و تکلم می‌نمائید ایشان مشغول و منصرف می‌گردند.

راوی می‌گوید: محضر امام علیه السلام عرض کردم:

فدایت شوم، چه چیزی را سؤال می‌کنند و کدامیک از دیگری می‌پرسد آیا فرشتگان نگهبان و حافظ از فرشتگان حائر سؤال می‌کنند یا بالعکس؟
حضرت فرمودند:

فرشتگان اهل حائر از حافظین و نگهبانان می‌پرسند، زیرا فرشتگان حائر از آنجا دور نشده و به جانی دیگر نمی‌روند ولی حافظین و نگهبانان به زمین نزول کرده و از آن به آسمان صعود می‌کنند.
عرض کردم: نظر شما راجع به سؤال آنها چه بوده و می‌فرمائید از چه چیز سؤال می‌کنند؟

حضرت فرمودند: حافظین وقتی به آسمان عروج می‌کنند عبورشان به اسماعیل یعنی صاحب هواء می‌افتد و بسا با نبی اکرم صلی الله علیه و آله ملاقات کرده در حالی که نزد آن جناب حضرات فاطمه و حسن و حسین و ائمه علیهم السلام (مقصود حضرات ائمه ماضی بوده نه امام حاضر علیه السلام) حضور دارند پس فرشتگان از ایشان راجع به اشیائی چند و در باره آنانکه از شما در حائر حاضر می‌شوند سؤالاتی می‌کنند؟
حضرات معصومین علیهم السلام در پاسخ سؤالاتشان می‌فرمایند:

زائرین را بشارت دهید و به دعائی که برای ایشان می‌نمائید مرزده دهید.
فرشتگان حافظ عرض می‌کنند: چگونه به ایشان بشارت دهیم در حالی که صدای ما را نمی‌شنوند؟

حضرات معصومین علیهم السلام به ایشان می‌فرمایند:

برای ایشان دعاء کنید که برکات حق تعالی بر ایشان مداوم باشد و نیز از جانب

ما ایشان را دعاء نمایند و این خود بشارتی است از ما به ایشان و وقتی از زیارت برگشتند با بال‌هایتان ایشان را نوازش کنید، بطوری که شما را حس و درک نمایند و ما ایشان را به امانت نزد شما می‌سپاریم و امید است که این ودائع ضایع و تباه نشوند.

و اگر خیر و برکتی که در زیارت آن جناب است مردم می‌دانستند قطعاً و به طور حتم در نائل شدن به زیارت آن حضرت با شمشیر یا یکدیگر به مقاتله پرداخته و مال‌های خود را فروخته و به زیارت آن جناب می‌رفتند.

و حضرت فاطمه علیها السلام هرگاه به ایشان (زائرین) نظر نمایند در حالی که با وی هزار پیغمبر و هزار صدیق و هزار شهید از کرویین می‌باشند هزار هزار (یک میلیون) نفر آن حضرت را بر گریستن یاری و همراهی می‌کنند و آن حضرت چنان فریاد می‌زنند که هیچ فرشته‌ای در آسمان‌ها بانی نمی‌ماند مگر آنکه از صدای ایشان بگریه می‌افتد، و آن حضرت آرام نمی‌گیرند تا وقتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به نزد ایشان آمده و می‌فرماید:

دخترم، اهل آسمان‌ها را به گریه انداختی و ایشان را از تسبیح و تقدیس حق تعالی بازداشتی، پس خودداری کن تا ایشان به تقدیس حق بپردازند چه آنکه امر و فرمان خدا بر همه چیز نافذ و روان می‌باشد.

سپس امام علیه السلام فرمودند:

حضرت فاطمه علیها السلام به کسانی که از شما به زیارت سیدالشهداء روند نظر فرموده و از خداوند منان برای ایشان هر خیر و خوبی را مسئلت می‌نمایند، مبادا در رفتن، به زیارت آن جناب بی‌رغبت باشید چه آنکه خبری که در زیارت آن حضرت است بیشتر از آنستکه بتوان احصاء و شمارش نمود.

متن:

۱۷ - و حدَّثني محمد بن عبدالله بن جعفر الحميري، عن أبيه، عن عليّ ابن محمد بن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبدالله بن حماد البصري عن عبدالله بن عبدالرحمن الأصمّ قال حدَّثنا ابو عبيدة البرزاز، عن حريز، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: قلت له: جعلت فداك ما اقلّ بقاؤكم أهل البيت و أقرب آجالكم بعضها من بعض مع حاجة هذا الخلق اليكم! فقال: انّ لكلّ واحدٍ منّا صحيفة فيها ما يحتاج إليه أن يعمل به في مدّته، فإذا انقضى ما فيها مما أمر به عرف أنّ أجله قد حضر و اتاه النبي صلى الله عليه وآله ينعي إليه نفسه و اخبره بما له عند الله و إنّ الحسين عليه السلام قرء صحيفته التي اعطيتها و نشر له ما يأتي و ما يبقى ربي منها أشياء لم تنقض فخرج إلى القتال فكانت تلك الأمور التي بقيت أنّ الملائكة سألت الله في نصرته فأذن لهم فبكت تستعدّ للقتال و تتأهب لذلك حتى قُتل فنزلت الملائكة و قد انقطعت مدّته و قتل عليه السلام فقالت الملائكة يا ربّ أذنت لنا بالأضداد في نصرته فانحدرونا و قد قبضته؟ فأوحى الله تبارك و تعالى إليهم أن ألزموا قبره حتى تروه و قد خرج فانصروه و ابكوا عليه و على ما فاتكم من نصرته و إنكم خصصتم بنصرته و البكاء عليه فبكت الملائكة حزناً و جزعاً على ما فاتهم من نصرته الحسين عليه السلام فإذا خرج عليه السلام يكونون أنصاره».

﴿ حديث هفدهم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حميري از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم نقل

کرده که وی گفت:

ابو عبیده بزّاز از حریر برای ما نقل کرد که وی به حضرت ابو عبدالله علیه السلام عرض نمود:

فدایت شوم چقدر مانند شما اهل بیت در این دار فانی کم بوده و چقدر اجل شما نزدیک است با اینکه تمام این خلایق به شما احتیاج دارند! حضرت فرمودند:

هر کدام از ما صحیفه‌ای داریم که در طول مدّت عمر به آنچه نیازمندیم عمل کنیم در آن ثبت و ضبط شده است پس هرگاه آنچه در صحیفه نوشته شده منقضی گشت معلوم می‌شود اجل صاحب صحیفه فرا رسیده و در این هنگام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نزد وی آمده و خبر ارتحالش را اعلام نموده و از آنچه برای او نزد خداست خبر می‌دهند و حضرت امام حسین علیه السلام نیز صحیفه‌ای را که داده شده بودند قرائت فرموده و برای آن جناب اموری که باقی مانده منقضی نمی‌گردید تفسیر گردیده بود لذا آنچه می‌باید واقع شود واقع گردید و باقی ماندن اشیائی که بوقوع نپیوست لذا حضرتش به قتال شتافت پس آن اموری که باقی مانده بودند این بود که فرشتگان از حقتعالی طلب نصرت آن حضرت را کردند و به ایشان اذن یاری داده شد پس ایشان درنگ نموده و خود را آماده برای قتال و کارزار کردند تا آن حضرت به شهادت رسیدند و پس از این واقعه فرشتگان به زمین فرود آمدند یعنی پس از انقطاع مدّت عمر آن حضرت و به شهادت رسیدن آن جناب و وقتی ملائکه این واقعه را دیدند به درگاه الهی عرض کردند:

خداوندا به ما اذن هبوط و فرود آمدن به زمین را دادی و اجازه نصرت و یاری آن حضرت را اعطاء فرمودی پس وقتی ما به زمین آمدیم که حضرتش را قبض روح کرده‌ای؟

خداوند متعال به ایشان وحی نمود که ملازم قبر آن حضرت بوده تا آن جناب

را ببینند و وقتی آن حضرت از قبر خارج گشت نصرنش نمایند و نیز بر او و بر آنچه از شما نسبت به یاری آن حضرت فوت گردیده گریه کنید و تنها شما گروه فرشتگان هستید که مختص به این خصیصه گردیده‌اید که آن جناب را یاری کرده و بر مصیبتش گریه نمایند، پس فرشتگان بخاطر آنچه از دستشان رفته بود و نتوانسته بودند به آن حضرت کمک کنند محزون گشته و از روی جزع و حزن بر آن جناب به گریه درآمدند و هنگامی که حضرت سیدالشهداء از قبر خارج گردیدند این فرشتگان انصار و یارانش می‌باشند.

﴿الباب الثامن والعشرون﴾

﴿بُكَاءُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ عَلَى قَتْلِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبُكَاءُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ﴾

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

متن:

۱ - حدیثی ابی - رحمه الله - و جماعة مشایخی: علی بن الحسین؛ و محمد بن الحسن، عن سعد بن عبدالله، عن یعقوب بن یزید، عن أحمد بن الحسن المینمی، عن علی الأزرق، عن الحسن بن الحكم النخعی عن رجل «قال: سمعت أمير المؤمنين عليه السلام في الرحبة وهو يتلو هذه الآية «فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ» و خرج عليه الحسين من بعض أبواب المسجد، فقال: ما إن هذا سيقتل و تبكى عليه السماء والأرض».

﴿ باب بیست و هشتم ﴾

﴿ گریستن آسمان و زمین بر شهادت حضرت حسین علیه السلام ﴾﴿ و یحیی بن زکریا علیه السلام ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه و جماعتی از اساتیدم (علی بن الحُسَین و محمد بن الحسن) از سعد بن عبدالله، از یعقوب بن یزید، از احمد بن الحسن المیشمی، از علی ارزق، از حسن بن حکم نخعی، از شخصی نقل کرده اند که وی گفت: در سرزمین رُحَبه از امیرالمؤمنین علیه السلام شنیدم که این آیه شریفه را تلاوت می فرمودند:

«فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ».

در این هنگام حضرت حسین علیه السلام از یکی از درب های مسجد داخل شد، حضرت فرمودند: بدانید این (یعنی حضرت حسین علیه السلام) عنقریب کشته خواهد شد و آسمان و زمین بر او می گریزند.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنِ الْحَكَمِ بْنِ مَسْكِينٍ، عَنْ دَاوُدَ بْنِ عَيْسَى الْأَنْصَارِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى، عَنِ إِبْرَاهِيمَ التَّخَمِيِّ «قَالَ: خَرَجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فَجَلَسَ فِي الْمَسْجِدِ وَاجْتَمَعَ أَصْحَابُهُ حَوْلَهُ وَجَاءَ الْحُسَيْنُ علیه السلام حَتَّى قَامَ بَيْنَ يَدَيْهِ فَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِهِ فَقَالَ: يَا بَنِي إِبْنِ اللَّهِ عَبْرَ أَقْوَامٍ بِالْقُرْآنِ، فَقَالَ: «فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ». وَ أَمِيرُ اللَّهِ لِيَسْتَلْتِكَ بَعْدِي، ثُمَّ تَبَكَّيْكَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر و زاذ، از محمد بن الحسین، از حکم بن مسکین، از داود بن عیسی انصاری، از محمد بن عبدالرحمن بن ابی لیلی، از ابراهیم نخعی نقل کرده که وی گفت:

امیرالمؤمنین علیه السلام بیرون آمده و در مسجد نزول اجلال فرموده و اصحاب و یاران دور آن حضرت حلقه زدند در این هنگام حضرت حسین علیه السلام تشریف آوردند تا رسیدند مقابل امیرالمؤمنین علیه السلام و آنجا ایستادند، امیرالمؤمنین علیه السلام دست مبارک بر سر ایشان نهاده و فرمودند:

پسرم، خداوند متعال اقوام و طوائفی را بوسیله قرآن تقبیح نموده و مورد سرزنش و ملامت قرار داده و فرموده است:

فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ.

به خدا قسم حتماً پس از من تو را خواهند کشت سپس آسمان و زمین بر تو گریه خواهند نمود.

متن:

و حدیثی ابی، عن سعد بن عبدالله، عن محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، یاسناده مثله.

ترجمه:

پدرم، از سعد بن عبدالله، از محمد بن حسین بن ابی الخطاب به اسنادش مثل و نظیر همین حدیث را نقل نموده است.

متن:

۳- و حدیثی محمد بن جعفر، عن محمد بن الحُسَین، عن وهیب بن حفص النخاس عن أبي بصير، عن أبي عبد الله علیه السلام «قال: إنَّ الحُسَین علیه السلام بکی لقتله السماء والأرض وامرأتا، ولم تبکیا علی احدٍ قطَّ الا علی یحیی بن زکریا، [و الحُسَین بن علی علیه السلام]» .
و حدیثی اَبی - رحمة الله - عن سعد بن عبدالله، عن محمد بن الحُسَین، بإسناده مثله.

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحُسَین، از وهیب بن حفص نخاس، از ابو بصیر، از حضرت اَبی عبدالله علیه السلام نقل نموده که آن حضرت فرمودند: همانا آسمان و زمین برای شهادت حضرت حسین علیه السلام گریسته و سرخ شدند و بر احدی هرگز نگریسته مگر بر حضرت یحیی بن زکریا و حسین بن علی علیه السلام. و پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبدالله، از محمد بن الحُسَین به اسنادش نظیر همین حدیث را نقل کرده است.

متن:

۴- و حدیثی علی بن الحُسَین بن موسی بن بابویه؛ و غیره، عن سعد بن عبدالله، عن محمد بن عبد الجبار، عن الحسن بن علی بن فضال، عن حماد بن عثمان، عن عبدالله بن هلال «قال: سمعت ابا عبد الله علیه السلام يقول: انَّ السماء بکت علی الحُسَین بن علی و یحیی بن زکریا، ولم تبک علی احدٍ غیرها، قلت: و ما بکاؤها؟ قال: مکثت أربعین يوماً تطلعُ كالشمس

بِحُمْرَةٍ وَ تَغْرِبُ بِحُمْرَةٍ قُلْتُ: فَذَلِكَ بِكَأْوْهَا؟ قَالَ: نَعَمْ.»

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

علی بن الحسین بن موسی بن یابویه و غیر او، از سعد بن عبدالله، از محمد بن عبدالجبار، از حسن بن علی بن فضال، از حماد بن عثمان، از عبدالله بن هلال نقل کرده که وی گفت:

شنیدم حضرت ابو عبدالله علیه السلام می فرمودند:

آسمان هر حضرت حسین بن علی و یحیی بن زکریا علیهم السلام گریست و بر احدی غیر این دو گریه نکرد.

عرض کردم: گریه آسمان چیست و چگونه بوده؟

حضرت فرمودند:

چهل روز آسمان درنگ و توقف نمود، خورشید با رنگی قرمز طلوع نموده و با رنگی سرخ غروب می کرد.

عرضه داشتم: این گریه آسمان بود؟

حضرت فرمودند: بلی.

متن:

۵- وَ حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ

أَحْمَدَ، عَنْ عَمْرِو بْنِ سَهْلٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُشَيْبِ بْنِ الْقُرَشِيِّ «قَالَ: حَدَّثَنِي جَدِّي

أَنَّهَا أُذْرِكَتْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام حِينَ قُتِلَ فَكُنَّا سَنَةً وَ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ،

وَ السَّمَاءُ مِثْلَ الْعَلَقَةِ مِثْلَ الدَّمِّ، مَا تَرَى الشَّمْسَ.»

ترجمه: ﴿ حدیث پنجم ﴾

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از عبدالله بن احمد، از عمر بن سهل، از علی بن مشیر قرشی نقل کرده که وی گفت:
جده من برایم نقل کرد که هنگام شهادت حسین بن علی علیه السلام را درک نموده
وی گفت:

یکسال و نه ماه پس از این واقعه پیوسته آسمان مانند لخته خونی بود
و خورشید اصلاً دیده نشد.

متن:

۶- حدیثی علی بن الحسین بن موسی، عن علی بن ابراهیم بن هاشم، عن
آیبه، عن ابن فضال، عن ابی جمیل، عن محمد بن علی الحلبي، عن ابی
عبدالله علیه السلام «فی قوله تعالی: ﴿فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا
مُنظَرِينَ﴾، قال: لم تبك السماء علی احدٍ منذ قتل یحیی بن زکریا حتی قتل
الحسین علیه السلام فبکت علیه».

ترجمه: ﴿ حدیث ششم ﴾

علی بن الحسین بن موسی، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از ابن
فضال، از ابی جمیل، از محمد بن علی الحلبي، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل
نموده که آن حضرت در ذیل آیه شریفه: فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ
وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ.

فرمودند:

از زمانی که حضرت یحیی بن زکریا علیه السلام کشته شد آسمان بر احدی نگریست
تا هنگامی که حضرت حسین علیه السلام شهید شدند که در این هنگام باز یک بار دیگر
آسمان گریست.

متن:

۷- و حدّثنی محمد بن جعفر الرزّاز القرشّی قال: حدّثنی محمد بن الحُسَین بن ابی الخطاب، عن صفوان بن یحیی، عن داود بن فرقد، عن ابی عبدالله علیه السلام «قال: احرّمت السماء حين قُتل الحُسَین علیه السلام سنّةً، و یحیی ابن زکریّا، و محرّتها بُکاوّها».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزّاز قرشی می گوید:

محمد بن الحُسَین بن ابی الخطاب برایم نقل نمود از صفوان بن یحیی، از داود بن فرقد، از حضرت ابو عبدالله علیه السلام که آن حضرت فرمودند: هنگامی که حضرت حسین علیه السلام شهید شدند و یحیی بن زکریّا را کشتند آسمان تا یکسال سرخ بود و این سرخی گریستن آسمان به حساب آمده.

متن:

۸- و حدّثنی ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن الحسن بن علی بن فضال، عن ابن بکیر، عن زرارة، عن عبدالمخالق بن عبد ربّه «قال: سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول: «لم تجعل له من قبلُ سمیّاً»، الحُسَین بن علی علیه السلام لم یکن له من قبل سمیّاً، و یحیی به زکریّا علیه السلام لم یکن له من قبل سمیّاً، و لم تبک السماء الا علیهما أربعین صباحاً، قال: قلت: ما بُکاوّها؟ قال: کانت تطلع حمراء و تغرب حمراء».

ترجمه: ﴿ حدیث هشتم ﴾

پلرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسین بن علی بن فضال، از ابن بکیر، از زراره، از عبدالخالق بن عبد ربه نقل کرده که وی گفت:

شنیدم که حضرت ابو عبدالله علیه السلام در ذیل آیه شریفه:

لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا

می فرمودند:

حسین بن علی علیه السلام پیش تر همنامی نداشتند و یحیی بن زکریا علیه السلام نیز قبلاً همنامی نداشتند.

و آسمان بر احدی نگریست مگر بر این دو که چهل صباح گریه کرد.

راوی می گوید: محضر مبارک امام علیه السلام عرض کردم: گریه آسمان چه بود؟

حضرت فرمودند: هنگام طلوع و غروب آسمان سرخ بود.

مرکز تحقیق و پژوهش اسلامی

متن:

۹- و حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ؛ وَ سَعْدِ بْنِ

عَبْدِ اللَّهِ جَمِيعًا، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ، عَنِ

أَبِي جَمِيلَةَ، عَنِ جَابِرٍ، عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام « قَالَ: مَا بَكَتِ السَّمَاءُ عَلَيَّ أَحَدٍ بَعْدَ

يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا إِلَّا عَلَيَّ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام، فَإِنَّهَا بَكَتِ عَلَيْهِ أَرْبَعِينَ

يَوْمًا. »

ترجمه: ﴿ حدیث نهم ﴾

علی بن الحُسَین بن موسی، از علی بن ابراهیم و سعد بن عبدالله، جملگی از

ابراهیم بن هاشم، از علی بن فضال، از ابی جمیله، از جابر، از حضرت

ابی جعفر علیه السلام نقل کرده اند که آن حضرت فرمودند:
بعد از حضرت یحیی بن زکریا علیه السلام آسمان بر احدی نگریست مگر بر
حضرت حسین بن علی علیه السلام چه آنکه چهل روز آسمان بر آن حضرت گریه
می کرد.

متن:

۱۰ - حدیثی محمد بن جعفر الرزاز الكوفي، عن محمد بن الحسين
ابن أبي الخطاب، عن جعفر بن بشير، عن كليب بن معاوية الأسدي، عن
أبي عبدالله عليه السلام «قال: لم تبك السماء إلا على الحسين بن علي و يحيى بن
زكريا عليه السلام».



«حدیث دهم»

ترجمه:

محمد بن جعفر رزاز کوفی از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از جعفر بن
بشیر، از کلب بن معاویه اسدی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن جناب
فرمودند:

آسمان بر احدی نگریسته است مگر بر حضرت حسین بن علی علیه السلام و یحیی
بن زکریا علیه السلام.

متن:

۱۱ - و عنه، عن محمد بن الحسين، عن نصر بن مزاحم، عن عمر بن
سعد، عن محمد بن سلمة عن حماد - «قال: لما قتل الحسين بن علي
عليه السلام أمطرت السماء تراباً أحمرًا».

ترجمه:

﴿ حدیث یازدهم ﴾

محمد بن جعفر رزاز کوفی از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از محمد ابن الحسین، از نصر بن مزاحم، از عمر بن سعد، از محمد بن سلمه از کسیکه برایش نقل نموده، وی گفت:

هنگامی که حسین بن علی علیه السلام کشته شدند از آسمان خاک سرخ می بارید.

متن:

۱۲ - حدثني حكيم بن داود بن حكيم، عن سلمة بن الخطاب، عن محمد بن أبي عمير، عن الحسين بن عيسى، عن أسلم بن القاسم قال: أخبرنا عمر بن وهب، عن أبيه، عن علي بن الحسين عليه السلام «قال: إن السماء لم تبك منذ وضعت الأُعلى يحيى بن زكريا والحسين بن علي عليه السلام، قلت: أي شيء كان بكأؤها؟ قال: كانت إذا استقبلت بثوب وقع على الثوب شبه اثر البراغيث من الدم».

ترجمه:

﴿ حدیث دوازدهم ﴾

حکیم بن داود بن حکیم از سلمه بن خطاب، از محمد بن ابی عمیر، از حسین بن عیسی، از اسلم بن قاسم، وی می گوید:

عمر بن وهب به ما خبر داد از پدرش، از علی بن الحسین علیه السلام که آن جناب فرمودند:

از زمانی که آسمان تعبیه شده و وضع گردیده تا بحال بر احدی نگریسته مگر بر یحیی بن زکریا و حسین بن علی علیه السلام.

عرض کردم: گریه آسمان چه بوده؟

حضرت فرمودند:

رقتی لباسی را در مقابل آن قرار می دادی روی آن اثری شبیه به خون پشه واقع می گشت.

معن:

۱۳ - حدیثی آبی - رحمه الله - و علی بن الحُسَین، عن سعد بن عبدالله، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن موسی بن الفضل، عن حنان «قال: قلت لأبي عبدالله عليه السلام: ما تقول في زيارة قبر أبي عبدالله الحُسَین عليه السلام؛ فإنه بلغنا عن بعضهم أنها تعدل حجة و عُمرَة؟ قال: لا تعجب بالقول هذا كله ^(۱)، ولكن رُزّه ولا تجفّه فإنه سيّد الشهداء؛ و سيّد شباب اهل الجنة، و شبیهه یحیی بن زکریّا و علیها بکت السماء و الأرض».

ترجمه: ﴿ حدیث سیزدهم ﴾

پدرم رحمه الله علیه و علی بن الحُسَین از سعد بن عبدالله، از احمد بن عیسی، از موسی بن فضل از حنان نقل کرد که وی گفت:

محضر مبارک امام صادق عليه السلام عرض کردم: چه می فرمائید راجع به زیارت قبر حضرت ابی عبدالله الحُسَین عليه السلام زیرا از بعضی شما نقل شده که زیارت آن حضرت معادل یک حج و یک عمره می باشد؟
حضرت فرمودند:

چه قدر ضعیف است این حدیث، زیارت آن حضرت معادل کل این ثواب

۱ - در نسخه بحار چنین آمده: قال: ما أضعف هذا الحديث ما تعدل هذا كله

و مرعوم معلّس آنرا معمول بر لقیه دانست است و ما حدیث را طبع نسخه بحار ترجمه می کنیم زیرا طبع نسخه بوجود معنای واضح و روشنی برای آن نمی بینیم.

نیست ولی در عین حال شما آن حضرت را زیارت کرده و به او جفا نکنید زیرا آن جناب سید شهداء و سید جوانان اهل بهشت و شبیه یحیی بن زکریا است و بر این دو آسمان و زمین گریسته‌اند.

متن:

حدَّثنی ابی؛ و محمد بن الحسن بن الولید، عن محمد بن الحُسَین الصَّفَّار، عن عبدالصمد بن محمد، عن حنان بن سَدیر، عن ابی عبدالله علیه السلام مثله سواء.

حدَّثنی ابی - رحمة الله - تعالی و جماعة مشایخی، عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن اسمعیل بن بزیر، عن حنان بن سَدیر، عن ابی عبدالله علیه السلام مثله.

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

ترجمه:

پدرم و محمد بن الحسن بن ولید، از محمد بن الحسن الصَّفَّار، از عبدالصمد ابن محمد، از حنان بن سَدیر، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام مثل همین حدیث را نقل کرده‌اند:

پدرم رحمة الله علیه و جماعتی از اساتیدم از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن اسماعیل بن بزیر از حنان بن سَدیر از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نظیر این حدیث را نقل کرده‌اند.

متن:

۱۴ - و بهذا الأسناد عن احمد بن محمد بن عیسی - عن غیر واحد - عن جعفر بن بشیر، عن حماد، عن عامر بن معقل، عن الحسن بن زیاد، عن

ابی عبدالله علیه السلام «قال: كان قاتل يحيى بن زكريا ولد زنا، و قاتل الحسين علیه السلام ولد زنا، ولم تبيك السماء على أحدٍ إلا عليهما، قال: قلت: وكيف تبيكي؟ قال: تطلع الشمس في حمرة، و تغيب في حمرة».

حدّثني محمّد بن جعفر القرشي، عن محمّد بن الحسين، عن جعفر بن بشير باسناده مثله.

﴿ حدیث چهاردهم ﴾

ترجمه:

و با همین اسناد مذکور از احمد بن محمد بن عیسی، از جماعتی، از جعفر بن بشیر، از حماد، از عامر بن معقل، از حسن بن زیاد، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

قاتل یحیی بن زکریا و حسین بن علی علیه السلام زنا زاده بوده و آسمان بر احدی نگریست مگر بر این دو.

راوی می گوید: عرض کردم: چگونه آسمان گریست؟

حضرت فرمودند:

طلوع خورشید و غروبش در سرخی بود.

محمّد بن جعفر قرشی، از محمّد بن الحسين، از جعفر بن بشیر به اسنادش مثل همین حدیث را نقل نموده است.

متن:

۱۵ - و حدّثني أبي؛ و عليّ بن الحسين - رحمهما الله - جميعاً، عن سعد

ابن عبدالله، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن عليّ الرضا، عن

حماد بن عثمان، عن عبدالله بن هلال، عن أبي عبدالله علیه السلام «قال: سمعته

يقول ان السماء بكت على الحسين بن علي ويحيى بن زكريا، ولم تبك على أحد غيرها، قلت: وما بُكاؤها؟ قال: فكتوا أربعين يوماً تطلع الشمس بحمرة، و تغرب بحمزة قلت: فذاك بُكاؤها؟ قال: نعم».

ترجمه: ﴿ حدیث پانزدهم ﴾

پدرم و علی بن الحُسن رحمۃ الله علیهما جملگی از سعد بن عبدالله، از احمد ابن محمد بن عیسی، از حسن بن علی الرشاء، از حماد بن عثمان، از عبدالله بن هلال، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن جناب می فرمودند: آسمان بر حسین بن علی و یحیی بن زکریا علیهما السلام گریسته و بر احدی غیر این دو گریه نکرده است.



عرض کردم: چگونه آسمان گریسته است؟

حضرت فرمودند:

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

تا چهل روز طلوع و غروبش در سرخی بود.

عرض کردم: گریه آسمان این گونه بوده است؟

حضرت فرمودند: بلی.

متن:

۱۶ - و عنهما عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد، عن البرقي محمد بن خالد، عن عبدالعظیم بن عبدالله المحسني، عن الحسن بن الحكم النخعي عن كثير بن شهاب الحارثي «قال: بينما نحن جلوس عند أمير المؤمنين عليه السلام في الرخبة إذ طلع الحسين عليه السلام عليه فضحك علي عليه السلام ضحكاً حتى بدت نواجذه، ثم قال: ان الله ذكر قوماً وقال: «فما بكت

عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ»، وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأ
الَّتْسَمَةَ لِيُقْتَلَنَّ هَذَا وَلِتَبْكِينَ عَلَيْهِ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ».

﴿ حدیث شانزدهم ﴾

ترجمه:

از پدرم و علی بن الحسین از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد، از برقی
(محمد بن خالد)، از عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی، از حسن بن الحکم النخعی،
از کثیر بن شهاب حارثی، وی گفت:

هنگامی که محضر مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام در رجه نشسته بودیم، در این
وقت حضرت حسین علیه السلام بر آن جناب وارد گشت، امیرالمؤمنین چنان خندیدند
که دندانهای عقل آن جناب ظاهر گردید سپس فرمودند:

خداوند متعال در قرآن کریم قومی را یاد کرده و می فرماید:

فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ.

قسم به کسی که حبه را شکافت و بنده را آفرید این (یعنی حضرت
حسین علیه السلام) را البته خواهند کشت و قطعاً آسمان و زمین بر او می گردند.

متن:

۱۷ - وَحَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ
مُحَمَّدٍ، عَنِ الْبَرَقِيِّ، عَنِ عَبْدِ الْعَظِيمِ الْحَسَنِيِّ، عَنِ الْحَسَنِ، عَنِ أَبِي سَلْمَةَ
«قَالَ: قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ: مَا بَكَتِ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ إِلَّا عَلَى يَحْيَى بْنِ
زَكَرِيَّا وَالْحُسَيْنِ عليهما السلام».

﴿ حدیث هفدهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد، از برقی، از

عبدالعظیم، از حسن، از ابی سلمه نقل کرده که گفت:

حضرت جعفر بن محمد علیه السلام فرمودند:

آسمان و زمین بر احدی نگریسته مگر بر یحیی بن زکریا و حسین بن علی علیه السلام.

متن:

۱۸ - حدیثی ابی؛ و اخی - رحمهما الله - عن احمد بن ادریس؛ و محمد ابن یحیی جمیعاً عن العمرکی بن علی، البوفکی قال: حدّثنا یحیی سوکان فی خدمتہ ابی جعفر الثانی علیه السلام - عن علی، عن صفوان الجمال، عن ابی عبد الله علیه السلام «قال: سألته فی طریق المدینة - نحن نرید المکة - فقلت: ابن رسول الله ما لی أراک کثیباً حزیناً مُکسراً؟! فقال: لو تسمع ما اسمع لشغلك عنه مسألتی، قلت: فإلذی تسمع؟! قال: ابتهاج الملائکة الی الله عزّ و جلّ علی قتلة امیر المؤمنین و قتلة الحسین علیه السلام، و نوح الجنّ و بکاء الملائکة الذین حوله و شدّة جزعهم، فمن یتهنأ مع هذا بطعام أو شراب أو نوم؟! - و ذکر الحدیث -».

﴿ حدیث هجدهم ﴾

ترجمه:

پدر و برادرم رحمة الله علیهما، از احمد بن ادریس و محمد بن یحیی، جملگی از عمرکی بن علی بوفکی نقل کرده که وی گفت:
یحیی که در خدمت حضرت ابی جعفر ثانی علیه السلام بود از علی و او از صفوان جمال و او از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل کرد که وی گفت:
در راه مدینه بودیم ولی قصدمان مکه بود بهر صورت در راه مدینه از حضرت

ابی عبدالله علیه السلام سؤال کرده و محضر مبارکش عرض کردم:
ای پسر رسول خدا (ص): شما را چه می شود که خمگین و ناراحت و شکسته
حال می بینم؟

حضرت فرمودند:

اگر می شنیدی آنچه را که من می شنوم دیگر از من چنین سؤالی نمی کردی.
عرض کردم: چه چیز می شنوید؟

حضرت فرمودند: تضرع ملائکه به درگاه الهی و نفرینشان نسبت به کشتندگان
امیرالمؤمنین و حضرت حسین بن علی علیهما السلام و نیز نوحه و زاری جن و گریستن
فرشتگانی که در اطراف قبر آن حضرت هستند بنابراین کیست که با شنیدن چنین
صداهایی غذا و شراب یا خواب بر او گوارا باشد؟!۴



متن:

۱۹ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ؛ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ
الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدِ الْبَرَقِيِّ، عَنْ
عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ الْعَلَوِيِّ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ الْحَكَمِ التَّخَفِيِّ،
عَنْ كَثِيرِ بْنِ شَهَابِ الْحَارِثِيِّ «قَالَ: بَيْنَمَا نَحْنُ جُلُوسٌ عِنْدَ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام بِالرُّحْبَةِ إِذْ طَلَعَ الْحُسَيْنُ عليه السلام قَالَ: فَضَحَكَ عَلِيٌّ عليه السلام حَتَّى
بَدَتْ نَوَاجِذُهُ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ ذَكَرَ قَوْمًا فَقَالَ: وَبَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ
وَ الْأَرْضُ وَ مَا كَانُوا مُنْتَظَرِينَ»، وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَدَأَ النَّسْمَةَ لِيَقْتُلَنَّ
هَذَا وَ لَتَبَكِينَ عَلَيْهِ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ».

ترجمه: ﴿ حدیث نوزدهم ﴾

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبدالله و عبدالله بن جعفر حمیری، از احمد ابن محمد بن عیسی، از محمد بن خالد برقی از عبدالعظیم بن عبدالله الحسینی العلوی، از حسن بن حکم النخعی از کثیر بن شهاب حارثی نقل کرده که وی گفت: در رحبه محضر مبارک امیر المؤمنین علیه السلام نشسته بودیم در این هنگام حضرت حسین علیه السلام ظاهر شدند، پس امیر المؤمنین علیه السلام چنان خندیدند که دندان‌های عقلشان پیدا شد سپس فرمودند:

خداوند متعال در قرآن کریمش قومی را یاد کرده و فرموده:
فایکت علیهم السماء و الارض و ما کانوا منظرین.

قسم به کسی که حبه را شکافته و بنده را آفریده البته این (حضرت حسین علیه السلام) را خواهند گشت. و آسمان و زمین بر او می‌گرید.

مرکز تحقیق و پژوهش اسلامی

متن:

۲۰ - و عنه، عن نصر بن مزاحم، عن عمر بن سعد قال: حدثني أبو معشر، عن الزُّهريّ «قال: لما قتل الحسين علیه السلام أمطرت السماء دماً». و قال عمر بن سعد: و حدثني أبو معشر، عن الزُّهريّ «قال: لما قتل الحسين علیه السلام لم يبق في بيت المقدس حصاة إلا وجد تحتها دم غبيط».

ترجمه: ﴿ حدیث بیستم ﴾

پدرم علیه الرحمة، از سعد بن عبدالله، از نصر بن مزاحم، از عمر بن سعد نقل کرده که وی گفت:

ابو معشر از زهری نقل نمود که وی گفت:

هنگامی که حضرت حسین بن علی علیه السلام شهید شدند آسمان خون بارید.

و عمر بن سعد گفت:

ابو معشر، از زهری برایم نقل نمود که وقتی حسین بن علی علیه السلام شهید شد در بیت المقدس سنگ ریزه‌ای باقی نماند مگر وقتی آنرا بر می‌داشتیم خون تازه زیرش بود.

متن:

۲۱ - حدیثی ابی - رحمه الله - عن محمد بن الحسن بن مهزیار، عن أبیه، عن علی بن مهزیار، عن الحسن بن سعید، عن فضالة بن أيوب، عن داود بن فرقد «قال: سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول: كان الذي قتل الحسين بن علي عليه السلام ولد زنا، والذي قتل يحيى بن زكريا ولد زنا، و قال: امرت السماء حين قتل الحسين بن علي سنة، ثم قال: بكت السماء والأرض على الحسين بن علي و على يحيى بن زكريا، و حمرتها بكاءها».

ترجمه: ﴿ حدیث بیست و یکم ﴾

پدرم رحمه الله علیه از محمد بن الحسن بن مهزیار، از پدرش، از علی بن مهزیار، از حسن بن سعید، از فضالة بن ایوب، از داود بن فرقد نقل کرده که وی گفت:

از حضرت ابا عبد الله عليه السلام شنیدم که فرمود:

کشنده حضرت حسین بن علی عليه السلام زنازاده بود و آن کس که یحیی بن زکریا را نیز کشت و لدزنا بود، سپس حضرت فرمودند: هنگامی که حسین بن علی عليه السلام کشته شد تا یکسال آسمان سرخ بود، پس از آن فرمودند:

آسمان زمین بر حسین بن علی عليه السلام و یحیی بن زکریا عليه السلام گریست و همین سرخی آن گریه وی می باشد.

﴿ الباب التامع والعشرون ﴾
 ﴿ نوح الجن على الحسين بن علي علیه السلام ﴾

متن:

۱ - حدیثی محمد بن جعفر قرشی رزازی، عن محمد بن الحسین بن
 ابي الخطاب، عن نصر بن مزاحم، عن عمر بن سعد، عن عمرو بن ثابت،
 عن حبيب بن ابي ثابت، عن ام سلمة زوجة النبي صلی الله علیه و آله قالت: ما سمعت
 نوح الجن منذ قبض الله نبيّه الا الليلة، ولا اراني الا وقد اصببت با بني
 الحسين، قالت: وجاءت الجنة منهم وهي تقول:

أيا عيناي فانهيلا بجهدٍ فَنُ يَبكي على الشهداء بعدي
 على رهطٍ تقودهم المسائلا إلى مُشَجِرٍ من نسلِ عبد

﴿ باب ييست ونهم ﴾
 ﴿ نوحه سرائی طائفه جن بر حسین بن علی علیه السلام ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی رزازی، از محمد بن الحسین بن ابي الخطاب، از نصر بن
 مزاحم، از عمر بن سعد، از عمرو بن ثابت، از حبيب بن ابي ثابت، از ام سلمه
 همسر نبي اکرم صلی الله علیه و آله وی گفت:

از زمانی که خداوند منان روح نبي اکرم صلی الله علیه و آله را قبض فرمود نوحه سرائی
 طائفه جن را نشنیدم مگر همان شب (شب رحلت نبي اکرم صلی الله علیه و آله) و ندیدم
 ایشان را مگر وقتی که به مصیبت فرزندم حسین علیه السلام مبتلا شدم.

ام سلمه می فرماید:

در همان زمان جنّیه از طائفه جن آمد در حالی که می گفت:
ای دو چشم من با شدت و زاری گریه کنید، زیرا بعد از من چه کسی بر شهداء
بگرید.

زاری کنید بر گروهی که مرگ آنها را به سوی ستمگری از نسل بنده و غلام
می برد.

متن:

۲- حدّثنی ابي - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن يعقوب بن يزيد،
عن ابراهيم بن عقیبة، عن احمد بن عمرو بن مسلم، عن المیشمی «قال:
خمسة من اهل الكوفة أرادوا نصر الحسين بن عليّ عليه السلام فرؤوا بقرية
يقال لها: شامي اذ اقبل عليهم رجلان: شيخ وشاب فسألما عليهم، و فقال
الشيخ: انا رجل من الجن و هذا ابن أخي أردنا نصر هذا الرجل المظلوم،
قال: فقال لهم الشيخ الجنّي: قد رأيت رأياً فقال الأنسيون: و ما
هذا الرأى الذى رأيت؟ قال: رأيت ان أطيّر فأتىكم بخبر القوم
فتذهبون على بصيرة، فقالوا له: نعم ما رأيت، قال: فغاب يومه وليلته
فلما كان من الغد اذا هم بصوت يسمعونه ولا يرون الشخص و هو
يقول:

وَاللّٰهِ مَا جِئْتُكُمْ حَتَّىٰ بَصُرْتُ بِهِ

بِالطَّبِّ مُنْعَفِرِ الْمُخْدِنِ مَنْحُورًا

وَحَوْلَهُ فَتِيَةٌ تَدْمِي نَحْوَهُمْ

مِثْلَ الْمَصَابِيحِ يَمْلُونِ الدُّجَىٰ نُورًا

وَقَدْ حَثَّتْ قُلُوصِي كُنَى اصَادِفِهِمْ
 مِنْ قَبْلِ مَا أَنْ يَلِاقُوا الْخُرْدَ الْحُورَا
 كَانَ الْمُحْسِنِ سِرَاجاً يُسْتَضَاءُ بِهِ
 اللَّهُ يَعْلَمُ أَنِّي لَمْ أَقْلُ زُورَا
 مَجَاوِراً لِرَسُولِ اللَّهِ فِي غَرْفِ
 وَاللَّيْتُولِ وَاللَّطِيَّارِ مَشْرُورَا
 فَأَجَابَهُ بَعْضُ النَّثِيَّةِ مِنَ الْأَنْسِيِّينَ يَقُولُ:
 أَذْهَبُ فَلَا زَالَ قَبْرُ أَنْتِ سَاكِئُهُ
 إِلَى الْقَيْمَةِ يَسْقِي الْعَيْثَ نَمَطُورَا
 وَقَدْ سَلَكَتُ سَبِيلًا أَنْتِ سَالِكُهُ
 وَقَدْ شَرِبْتَ بِكَاسِ كُنَانِ مَغْرُورَا
 وَفِيئَةُ فَرَّغُوا لِي أَنْفُسَهُمْ
 وَفَارَقُوا الْمَالَ وَالْأَحْبَابَ وَالذُّورَا

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبدالله، از يعقوب بن يزيد، از ابراهيم بن عقیبه، از احمد بن عمرو بن مسلم، از میثمی نقل کرده که وی گفت:
 پنج تن از اهل کوفه به قصد یاری حسین بن علی (علیه السلام) حرکت کردند و به قریه‌ای رسیدند که به آن شامی می‌گفتند پس دو نفر یکی پیر و دیگری جوان جلوی آنها آمده و به ایشان سلام کردند پیر مرد گفت:
 من مردی از طائفه جن هستم و این جوان برادر زاده من بوده و ما قصدمان یاری نمودن به این مظلوم (یعنی حسین بن علی (علیه السلام)) می‌باشد.

پیرمرد جَنّی سپس به ایشان گفت: من پیشنهادی دارم.
 جوانی از این پنج نفر در جوابش گفت: پیشنهادت چیست؟
 پیرمرد جَنّی گفت: پیشنهادم این است که من پرواز کرده بروم و سپس خبر
 این گروه را بیاورم تا شما با بصیرت به طرف مقصدتان بروید.
 ایشان در جوابش گفتند: خوب پیشنهادی است.
 راوی می گوید:

پیرمرد جَنّی یک روز و یک شب از نظر ایشان غائب بود پس فردای آن روز
 ایشان صدائی شنیدند بدون اینکه صاحب آن را ببینند، صدا این بود:
 به خدا قسم نیامدم نزد شما مگر آنکه خود دیدم، در زمین طف که سری
 بریده و در گونه هایش به خاک آلوده بود.
 و اطرافش جرانانی افتاده که از حلقومشان خون جاری بود نظیر چراغ هائی
 که تاریکی و ظلمت را بر طرف کرده اند.
 پیوسته ناقه خود را دواندم تا قبل از آنکه ایشان با حوریه های باکره ملاقات
 کنند مصادف کردم.

حسین علیه السلام چراغی فروزان بود و خدا می داند که من در این گفتار دروغ
 نمی گویم.

حسین علیه السلام در غرله های بهشت مجاور رسول خدا صلی الله علیه و آله و بتول علیها السلام و جعفر
 طیار بوده در حالی که شادمان و مسرور می باشد.

بعضی از جوانان در جواب آن صدا گفتند:

برو پس پاینده و جاوید باد قبری که تو ساکن آن هستی تا قیامت باران بر آن
 ببارد.

پیمودم راهی را که تو نیز راهرو آن بودی و نوشیدم با کاسه ای که بسیار فراخ
 بود.

و نیز پیمودم راهی را که جوانانی در این راه جان خودشان را تسلیم خدا نموده و از مال و دوستان و خانه‌هایشان جدا گردیدند.

متن:

۳- حدّثنی حکیم بن داود بن حکیم، عن سلمة بن الخطاب قال: حدّثنی عمر بن سعد؛ و عمرو بن ثابت، عن ابی زیاد القندیّ قال: کان الجبّاصون یسمعون نوح الجنّ حین قُتل الحُسنین علیهم السلام فی السّحر بالجَبَّانَة و هم یقولون:

مَسَحَ الرَّسُولُ جَبِينَهُ
أَبْوَاهُ مِنْ عَلِيَا قَرِيشٍ
قَلَّه بَرِيْقِي فِي الْخُدُودِ
جَدَّهُ خَيْرُ الْجُدُودِ



«حدیث سوم»

ترجمه:

حکیم بن داود بن حکیم از ام سلمة بن خطاب نقل کرده که وی گفت: عمر بن سعد و عمرو بن ثابت از ابی زیاد قندی برایم نقل نموده وی گفت: زمانی که حضرت امام حسین علیه السلام شهید شدند گنج کارها در وقت سحر نوحه سرائی‌های طائفه جنّ را در قبرستان می شنیدند، ایشان می گفتند: رسول خدا صلی الله علیه و آله پیشانی او را دست کشید پس در رخس نوری ساطع است. پدر و مادرش از برترین افراد قریش بوده، جدّ بزرگوارش بهترین جدّها است.

متن:

۴- حدّثنی حکیم بن داود بن حکیم، عن سلمة بن الخطاب قال: قال عمر بن سعد: حدّثنی الولید بن عَسَّان - عمّن حدّثه - «قال: کانت الجنّ

تنوح علی الحُسَین بن علیؑ تقول:
 لمن الأبیاتُ بالطَّفِّ علی کُرهِ بنینهِ
 تلكُ أبیاتُ الحُسَین یَتَجَاوِزُ الرِّینةَ

ترجمه: ﴿ حدیث چهارم ﴾

حکیم بن داود بن حکیم از سلمة بن خطاب نقل کرده که وی گفت:
 عمر بن سعد گفت: ولید بن غسان از کسی که برایش نقل نمود برایم حدیثی
 چنین نقل کرد وی گفت:

طائفه جن بر حسین بن علیؑ نوحه سرانی کرده و می گفتند:
 این اشعار و ابیات که در سرزمین طَفِّ در ترسیم بلاهای زارده بر فرزندان
 سروده شده از کیست؟
 این ابیات حسینؑ را صداهای حزین و همراه با گریه پاسخ خواهند داد.

متن:

۵ - حدیثی حکیم بن داود بن حکیم، عن سلمة قال: حدیثی ایوب بن
 سلیمان بن ایوب الفزاری عن علی بن الحزور قال: سمعت لیلی و هی
 تقول: سمعت نوح الجن علی الحُسَین بن علیؑ و هی تقول:

یا عینُ جودی بالدُموعِ فإِنما یبکی الحزینُ بحرقه و تفجع
 یا عینُ أهلك الرِّقابُ بطیبه من ذکر آلِ محمدٍ و توجع
 بائت ثلاثاً بالصَّعیدِ جُسومُهُم بین الوحشِ کلُّهم فی مصرع

ترجمه:

﴿ حدیث پنجم ﴾

حکیم بن داود بن حکیم از سلمه نقل کرده که وی گفت:
ایوب بن سلیمان بن ایوب الفزاری، از علی بن خزّور برایم نقل کرد از لیلی
شنید که وی گفت:

نوحه سرائی طائفه جن بر حسین بن علی علیه السلام را شنیدم که می گفتند:
ای چشم اشک بریز، ریرا می گرید شخص حزین با سوز و دلنگی.
ای چشم مردم به واسطه خوشی و خوش گذرانی تو را از یاد آل محمد علیهم السلام
و هم دردی با ایشان بازداشته و غافل کرده اند.
سه شب را آل محمد علیهم السلام به روز آورده در حالی که ابدان طاهره آنها روی
خاک بین حیوانات وحشی بوده و جملگی در قتلگاه افتاده اند.

متن:

۶- حدیثی ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن محمد بن
الحسین، عن نصر بن مزاحم، عن عبد الرحمن بن ابی حماد، عن ابی لیلی
الواسطی، عن عبد الله بن حسان الکنانی قال: بکت الجن علی الحسین بن
علی علیه السلام فقالت:

ماذا تقولون إذ قال النبي لكم

ماذا فعلتم وأنتم آخر الأمم؟

بأهل بيتي وإخواني و مكرمتي

من بين أسرى و قتلوا ضرّجوا بدم؟

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبدالله، از محمّد بن الحُسين، از نصر بن مزاحم، از عبدالرحمن بن ابی حماد، از ابی لیلی واسطی، از عبدالله بن حسان کنانی نقل کرده که وی گفت:

طائفه جن بر حضرت حسین بن علی علیه السلام گریسته و گفتند:

چه خواهید گفت زمانی که نبی اکرم صلی الله علیه و آله به شما بفرماید:

شما که آخرین امت‌ها می‌باشید چه کردید با اهل بیت و برادران و خویشان من، برخی را اسیر و بعضی را کشته و آلوده به خون خود کردید.

متن:

۷- حدیثی حکیم بن داود بن حکیم قال: حدیثی سلمة قال: حدیثی علی ابن الحسن، عن معمر بن خلاد، عن ابی الحسن الرضا علیه السلام «قال: بینا الحسین علیه السلام یسیر فی جوف اللیل و هو متوجّهٌ إلى العراق و إذا برجل یرتجز و یقول:

و حدیثی ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد بن عیسی عن معمر بن خلاد، عن الرضا علیه السلام مثل الفاظ سلمة، قال: و هو یقول:

یا ناقی لا تدعری من زنجری و شمیری قبل طلوع الفجر
بخیر رُکسبانٍ و خیر سفرٍ حتی تحلی بِکسریم النجر
بماجدُ المجدِ زحیبِ الصدرِ اقی به الله لِخیر امرٍ
ثمّ ابقاهُ بقاء الذهر

فقال الحسين بن علي عليه السلام
 تَامِضِي و مَا بِأَمَوْتِ عَارِ عَلِي النَّقِي
 إِذَا مَا تَوَى حَقًّا و جَاهَدَ مُسْلِمًا
 وَأَسَى الرِّجَالِ الصَّالِحِينَ بِنَفْسِهِ
 وَفَارَقَ مَثْبُورًا و خَالَفَ مُجْرِمًا
 فَإِنْ عِشْتُ لَمْ أُنْذَمْ وَإِنْ مِتُّ لَمْ أَلَمْ
 كَسَنِي بِكَ ذَلًّا أَنْ تَعِيشَ و تَرْغِبَا

﴿ حدیث ہفتم ﴾

ترجمہ:



حکیم بن دارد بن حکیم می گویند:

سلمه پرایم نقل نمود و گفت:

علی بن حسن، از معمر بن خلاد، از ابی الحسن الرضا علیه السلام نقل نمود که آن

حضرت فرمودند:

هنگامی که حضرت امام حسین علیه السلام در دل شب حرکت کرده و بطرف عراق

متوجه شدند در راه به شخصی برخوردند که رجز می خواند و می گفت:

و پدرم رحمة الله علیه از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از

معمر بن خلاد نقل کرد که وی از حضرت رضا علیه السلام عین الفاظ سلمه را حکایت

نمود، وی گفت آن مردی که رجز می خواند می گفت:

ای شتر خوف و هراس مکن از زجر و نهی من و سرعت کن و بشتاب پیش از

آنکه صبح طلوع کند

تا برسانی من را به بهترین سوار و بهترین سفر و به کسی که اصل و نسبش

کریم و جدش بزرگ و سینه اش فراخ و با ظرفیت است، خداوند بواسطه بهترین

اعمال او را اجر و ثواب دهد و سپس تا مادامی که روزگار باقی است خداوند او

را باقی بدارد.

سپس حضرت حسین بن علی علیه السلام فرمودند:

عنقریب از این روزگار و دنیا می‌گذرم و مرگ بر جوانمرد ننگ و عار نیست
زمانیکه عزم و نیتش حق بوده و در حالی که مسلمان است جهاد کند.
مرگ بر جوانمرد عار نیست زمانی که با مردان صالح و نیکوکار به مراسم
رفتار کرده و از شخص معذب و هلاک شده فاصله گرفته و با مجرم و ستمکار به
مخالفت برخیزد.

پنابراین اگر زنده ماندم پشیمان نیستم و اگر مرگ مرا دریافت ملامت زده
نخواهم بود ولی همین خواری و ذلت برای نوکافی است که زندگانی می‌کنی
و مرتکب اعمال ناپسند می‌گردی.



متن:

۸- حدیثی ابی - رحمه الله - و جماعة مشایخی، عن سعد بن عبد الله بن
ابی خلف، عن محمد بن یحیی المعاذی قال: حدیثی الحسین بن موسی
الأصم، عن عمرو، عن جابر، عن محمد بن علی علیه السلام «قال: لما هم
الحسین علیه السلام بالشُّحُوصِ عن المدينة أقبلت نساءُ بنی عبدالمطلب
فاجتمعن للتيّاحة مشى فیهنَّ الحسین علیه السلام فقال: انشد كنَّ الله ان تبدين هذا
الأمر معصية الله و لرسوله، فقالت له نساء بنی عبدالمطلب: فلمن نستبق
التيّاحة والبيكاء فهو عندنا كيوم مات فيه رسول الله صلی الله علیه و آله و علی، و
فاطمة و رقیة و زینب و أم كلثوم؟! فننشدك الله جعلنا الله فداك من
الموت، یا حبيب الأبرار من اهل القبور، و أقبلت بعض عَمَّاتِه تبكي
و تقول: اشهد یا حسین لقد سمعتُ الجنَّ ناحتَ بنوحك و هم يقولون:

فَأَنَّ قَتِيلَ الْأُطْفَىٰ مِنْ آلِ هَاشِمٍ أَزَلَّ رِقَاباً مِنْ قُرَيْشٍ فَذَلَّتْ
حَبِيبُ رَسُولِ اللَّهِ لَمْ يَكُ فَاحِشاً أَبَانَتْ مُصِيبُكَ الْأَنْوَفَ وَجَلَّتْ
وَقَلْنَ أَيْضاً:

بَكُّوْهُ حُسَيْنَاً سَيِّداً وَلِقَتْلِهِ شَابَ الشَّعْرَ
وَ لِقَتْلِهِ انْخَسَفَ الْقَمَرُ وَلِقَتْلِهِ انْخَسَفَ الْقَمَرُ
وَاحْمَرَّتْ آفَاقُ السَّمَاءِ مِنَ الْعَشِيَّةِ وَالسَّحَرِ
وَ تَسْفَرَّتْ شَمْسُ الْبِلَادِ بِهِمْ وَأَظْلَمَتِ الْكُورُ
ذَاكَ ابْنُ فَاطِمَةَ الْمُضَابِ بِهِ الْخَلَائِقُ وَالْبَشَرُ
أَوْرَثْنَا ذُلًّا بِسَبِّهِ جَدَعَ الْأَنْوَفَ مَعَ الْعَرَرِ

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمہ:

پدرم رحمة الله عليه و جماعتی از آسانیدم، از سعد بن عبدالله بن ابی خلف، از محمد بن یحیی معاذی نقل کرده اند که وی گفت:

حسین بن موسی اصم از عمرو، از جابر، از حضرت محمد بن علی علیه السلام نقل کرد که آن حضرت فرمودند:

هنگامی که حضرت حسین علیه السلام با افراد و نفرات از مدینه آمنگ خروج نمودند زنان بنی عبدالمطلب پیش آمده پس برای نوحه سرائی و گریستن اجتماع نمودند، امام حسین علیه السلام در میان ایشان راه می رفتند و می فرمودند:

شما را به خدا سوگند می دهم که معصیت خدا و رسولش را نکرده و نوحه سر نداده و آشکارا نگرید.

زنان بنی عبدالمطلب محضر مبارکش عرضه داشتند: پس برای چه کسی نوحه و گریه را ذخیره نمایم امروز مانند روزی است که در آن رسول خدا صلی الله علیه و آله

از دنیا رفتند و همانند روزی است که حضرت علی و فاطمه علیهم السلام از دنیا رحلت نمودند و همچون روزی است که رقیه و زینب و ام‌کلثوم (دختران رسول خدا ص) ارتحال نمودند!!

فدایت شویم تو را به خدا سوگند که از مرگ کناره بگیر ای دوست خوبان از اهل قبور و سپس برخی از عمه‌های آن حضرت جلو آمده در حالی که می‌گریست عرض کرد:

ای حسین شاهد باش شنیدم صدای جنیان را که برای شما نوحه‌سرانی کرده و می‌گویند:

همانا مقتول و کشته شده در سرزمین طف از آل‌هاشم است که پست‌ترین و ذلیل‌ترین مردم از قریش او را مقتول ساخته است.

حبیب رسول خدا بد نبوده، مصیبت نو بینی‌ها را بریده و حقیر نموده است. و زنان بنی‌عبدالمطلب نیز گفتند:

برای حسین که سرور و آقای همه است گریه کنید و بخاطر شهادتش موی‌ها سفید شد.

بخاطر شهادتش به زلزله مبتلا شدید، بخاطر شهادتش ماه گرفته شد.

بخاطر شهادتش افق آسمان در غروب و سحر سرخ گردید.

بخاطر شهادتش خورشید شهرها و نور آن کدر شد و مساکن و منازل نار و ظلمانی گردید او فرزند فاطمه‌ایست که از خلایق و بشر به مصیبت گرفتار گردید.

براسطه شهادت و قتل آن جناب خواری به ما رسیده و به سبب آن بینی‌ها قطع و به هلاکت افتاده‌ایم.

متن:

۹ - حدیثی ابی - رحمه الله - و جماعة مشایخی، عن سعد بن عبدالله، عن محمد بن یحیی المعاذی، عن عباد بن یعقوب، عن عمرو بن ثابت، عن عمر [و] ابن عکرمه قال: أصبحنا صبیحة قتل الحُسین علیه السلام بالمدينة فإذا مولی لنا يقول: سمعنا الباریة مُنادياً ینادی و یقول:

أَیُّهَا الْقَاتِلُونَ ظَلَمُوا حُسَیْنًا أَبْشِرُوا بِالْعَذَابِ وَ التَّنْكِیلِ
كُلُّ أَهْلِ السَّمَاءِ یَدْعُو عَلَیْكُمْ مِنْ نَبِيِّ وَ مَلَائِكٍ وَ قَبِیلِ
قَدْ لَعِنْتُمْ عَلَى لِسَانِ بَنِ دَاوُدَ ذُو الرُّوحِ حَامِلِ الْإِنْجِیلِ

ترجمه:

﴿ حدیث نهم ﴾

پدرم رحمة الله علیه و جماعتی از امتیلم، از سعد بن عبدالله، از محمد بن یحیی معاذی، از عباد بن یعقوب، از عمرو بن ثابت، از عمرو بن عکرمه نقل کرده اند که وی گفت:

بامداد روزی که حضرت حسین بن علی علیه السلام شهید شدند ما در مدینه صبح نمودیم در این هنگام غلامی که داشتیم گفت: شب گذشته شنیدیم منادی نداء می کرد و می گفت:

ای کسانی که حسین را از روی ستم و جور کشتید بشارت باد شما را به عذاب و عقوبتی سخت.

تمام اهل آسمان شما را نفرین می کنند، چه انبیاء و چه فرشته گان و چه کارگذاران.

بر زبان ابن داود و عیسی بن مریم که صاحب روح و حامل انجیل بوده لعن

شده اید.

متن:

۱۰ - حدّثنی حکیم بن داود بن حکیم، عن سلمة بن الخطاب قال: حدّثنی عبدالله بن محمد بن سنان، عن عبدالله بن القاسم بن الحارث، عن داود الرقی قال: حدّثنی جدّتی أنّ الجنّ لما قتل الحسین علیه السلام بکت علیه بهذه الأبیات:

یا عینُ جُودی بِالْعَبْرِ	وَأَبْکِی فُقِدَ حَقُّ الْخَبْرِ
أَبْکِی ابْنَ فَاطِمَةَ الَّذِی	وَرَدَ الْفُرَاتَ فَمَا صَدَرَ
الْجِنُّ تَبْکِی شَجْوَهَا	لَمَّا أَتَى مِنْهُ الْخَبْرُ
قَتَلَ الْحُسَيْنَ وَرَهْطَهُ	تَفْساً لِدَلِکَ مِنْ خَبْرٍ
فَلَأَبْکِیَنَّکَ حُرْقَةً	عِنْدَ الْعِشَاءِ وَبِالسَّحْرِ
وَلَأَبْکِیَنَّکَ مَا جَرَى	عَرَقٌ وَ مَا هَمَلَ الشَّجَرُ

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود بن حکیم از سلمة بن خطاب نقل کرده که وی گفت: عبدالله بن محمد بن سنان، از عبدالله بن قاسم بن حارث، از داود رقی برایم نقل کرد و گفت:

جدهام حکایت نمود که وقتی حضرت حسین علیه السلام شهید شدند طائفه جن بر آن حضرت گریسته و این ابیات را می خواند:
ای چشم اشک بریز و گریه کن پس محققاً خبر شهادت حضرت حسین علیه السلام حق و راست می باشد.

گریه کن برای فرزند فاطمه که به فرات داخل شد و از آن برنگشت،
جن برای حزن و غم فاطمه می گرید زمانی که از حسین علیه السلام خبر شهادتش

برسد.

حسین علیه السلام و یاران‌ش کشته شدند، افسوس از چنین خبری،
صبح و شام البته البته برایت اشک سوزان می‌ریزم.
البته البته آن قدر برایت اشک بریزم که ریشه‌ها را روان و درختان را ببرد.

﴿ الباب الثَّلَاثُونَ ﴾

﴿ دَعَاءِ الْحَمَامِ وَ لَعْنِهَا عَلَى قَاتِلِ الْحُسَيْنِ علیه السلام ﴾

متن:

۱ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَعَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ اسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام «قَالَ: اتَّخَذُوا الْحَمَامَ الرَّاعِيَّةَ فِي بَيْوتِكُمْ، فَإِنَّهَا تَلْعَنُ قَتْلَةَ الْحُسَيْنِ علیه السلام».

﴿ باب سیام ﴾

﴿ نفرین و لعنت نمودن کبوتران در حق ﴾

﴿ قاتلین حضرت امام حسین علیه السلام ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه و علی بن الحُسَین، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از حسین بن یزید نوفلی، از اسماعیل بن ابی زیاد سکونی از حضرت

ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:
 کبوتر خوانا را در خانه‌هایتان نگهداری کنید زیرا این حیوان فاتلین امام
 حسین علیه السلام را لعنت می‌کند.

متن:

۲ - حدیثی ابی؛ و اخی؛ و علی بن الحسین؛ و محمد بن الحسن جمیعاً،
 عن أحمد بن ادریس بن احمد، عن أبي عبدالله الجامورانی، عن الحسن
 ابن علی بن ابی حمزة، عن صندل، عن داود عن فرقد «قال: كنت جالساً
 فی بیت ابی عبدالله علیه السلام فنظرت الی الحمام الرّاعي یقرقر طویلاً، فنظر الیّ
 ابو عبدالله علیه السلام فقال: یا داؤد أتدري ما یقول هذا الطیر؟ قلت: لا جعلتُ
 فداک، قال: تدعو علی قتلہ الحسین بن علی علیه السلام فأتخذوه فی منازلکم».
 و حدیثی ابی - رحمه الله - و جماعة مشایخی، عن سعد بن عبدالله عن
 ابی عبدالله الجامورانی باسناده مثله.

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدر و برادرم و علی بن الحسین و محمد بن الحسن جملگی از احمد بن
 ادریس بن احمد، از ابی عبدالله جامورانی از حسن بن علی بن ابی حمزه از
 صندل (صفوان نسخه ب) از داود بن فرقد نقل کرده‌اند وی گفت:
 در خانه امام صادق علیه السلام نشسته بودم، چشمم به کبوتر خوانا افتاد که مشغول
 خواندن بود و زیاد می‌خواند، امام علیه السلام به من نگاه نموده و فرمودند:
 ای داود می‌دانی این حیوان چه می‌گوید؟
 عرض کردم: خیر فلانیت شوم.

حضرت فرمودند: قاتلین حسین بن علی علیه السلام را نفرین می‌کند از این حیوان تهیه کنید و در منازلتان نگهداری کنید.
و پدرم رحمه الله علیه و جماعتی از اساتیدم از سعد بن عبدالله، از ابی عبدالله جامورانی به اسنادش مثل همین حدیث را نقل کرده‌اند.

﴿ الباب الخاډی وَ الثلاآون ﴾

﴿ توح البوم وَ مُصیبتها علی الحسین علیه السلام ﴾

متن:

۱ - حدیثی محمد بن الحسن بن احمد بن الولید؛ و جماعة مشایخی، عن سعد بن عبدالله، عن محمد بن عیسی بن عبید، عن صفوان بن یحیی، عن الحسین بن ابی عنذر، عن ابی عبدالله علیه السلام «قال: سمعته یقول فی البومة، قال: هل احد منکم رآها بالنهار، قیل له: لا، تکاد تظهر بالنهار ولا تظهر الا لیلًا، قال: اما انها لم تزل تأوی العمران ابدأ، فلما ان قتل الحسین علیه السلام آلت علی نفسها أن لا تأوی العمران ابدأ ولا تأوی الا الخراب، فلا تزال نهارها ضائعة حزینة حتی یجئها اللیل فاذا جئها اللیل (کذا) فلا تزال ترم علی الحسین علیه السلام حتی تصبح».

﴿ باب سی و یکم ﴾
 ﴿ نوحه سرانی و ذکر مصیبت نمودن جغد بر ﴾
 ﴿ حضرت امام حسین علیه السلام ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن احمد بن ولید و جماعتی از اساتیدم، از سعد بن عبدالله، از محمد بن عیسی بن عیید، از صفوان بن یحیی، از حسین بن ابی عثمان، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی گفت:

شنیدم امام صادق علیه السلام در باره جغد فرمودند:

آیا احدی از شما آن را در روز دیده است؟

محضر مبارکش عرض شد: خیر ابدأ در روز ظاهر نشده و تنها در شب پیدا می‌گردد.

حضرت فرمودند:

اما اینکه این حیوان پیوسته در خرابه‌ها مسکن گرفته و در آبادی نمی‌آید جهتش آنستکه:

وقتی حضرت امام حسین علیه السلام شهید شدند این حیوان بواسطه قسم بر خود حتم نمود که ابدأ در آبادی سکنا نکرده و منزلش تنها در خرابه‌ها باشد پس پیوسته در روز صائم و حزین است تا شب فرا برسد و وقتی شب درآمد از ابتداء آن تا صبح بر مصیبت حضرت امام حسین علیه السلام زمزمه و نوحه سرانی و مرثیه خوانی می‌کند.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ سَلْمَةَ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ صَاعِدِ الْبُرَيْرِيِّ قِيَّماً الْقَبْرِ الرَّضَا عليه السلام قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي «قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى الرَّضَا عليه السلام فَقَالَ لِي: تَرَى هَذِهِ الْبُومَ مَا يَقُولُ النَّاسُ؟ قَالَ: قُلْتُ: اجْعَلْتُ فِدَاكَ جِئْنَا نَسْأَلُكَ، فَقَالَ: هَذِهِ الْبُومَةُ كَانَتْ عَلَى عَهْدِ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله تَأْوِي الْمَنَازِلَ وَالتَّصُورَ وَالدُّورَ، وَكَانَتْ إِذَا أَكَلَ النَّاسُ الطَّعَامَ تَطِيرُ وَتَقَعُ أَمَامَهُمْ فَيَرْمِي إِلَيْهَا بِالطَّعَامِ وَتَرْجِعُ إِلَى مَكَانِهَا فَلَمَّا نَقَلَ الْحُسَيْنِ عليه السلام خَرَجَتْ مِنَ الْعُمُرَانِ إِلَى الْخُرَابِ وَالجِبَالِ وَالْبُرَيْرِيِّ، وَقَالَتْ: بِئْسَ الْأُمَّةُ أَنْتُمْ! قَتَلْتُمْ ابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكُمْ، وَلَا أَمْنَكُمْ عَلَى نَفْسِي».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود بن حکیم از سلمه بن ابی الخطاب از حسین بن علی صاعد بربریی که قیّم و متصدی قبر حضرت امام رضا علیه السلام بود نقل کرده که وی گفت: پدرم برای من نقل نمود و گفت: بر حضرت رضا علیه السلام وارد شدم، آن جناب به من فرمود:

این جغد را می بینی؟ مردم چه می گویند؟

عرض کردم: فدایت شوم آمده ایم که از شما بپرسیم.

حضرت فرمودند: این جغد در عصر جدّم رسول خدا صلى الله عليه وآله در منازل و قصرها و خانه ها سکنی داشت و هر وقت مردم مشغول خوردن طعام بودند این حیوان بر می زد و در مقابل ایشان خود را می رساند و مردم طعام و غذا جلویش می ریختند و این حیوان طعام خورده و از آب خود را سیراب می کرد و سپس به منزلش بر می گشت ولی هنگامی که حضرت حسین بن علی علیه السلام شهید شدند از شهر و آبادی خارج گشت و در خرابه ها و کوه ها و بیابان ها مکان گرفت و گفت:

بد امتی شما می‌باشید! پسر دختر پیامبر خود را کشید و من نسبت به نفس خود از شما در امان نیستم.

متن:

۳- و حدیثی محمد بن جعفر الرزاز، عن خاله محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، عن الحسن بن علی بن فضال - عن رجل - عن ابی عبدالله علیه السلام «قال: انَّ البوم لتصوم النهار فاذا افطرت تدلّٰت علی الحسین بن علی علیه السلام حق تصبح».



حدیث مؤوم

ترجمه:

محمد بن جعفر رزاز، از حدیثی خود محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از حسن بن علی بن فضال از شخصی از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرد، وی گفت:

امام علیه السلام فرمودند:

جغد در روز صائم بوده و وقتی افطار نمود قلبش در مصائب حضرت حسین بن علی علیه السلام محزون و افسرده شده تا صبح فرا برسد.

متن:

۴- حدیثی علی بن الحسین بن موسی، عن سعد بن عبدالله، عن موسی بن عمر، عن الحسن بن علی، عن المیثمی «قال: قال ابو عبدالله علیه السلام: یا یعقوب رأیت بومةً بالنهار تنفّس قطّ، فقال: لا، قال: و تدری لم ذلك؟

قال: لا. قال: لأنها تُظَلُّ يومها ضائمةً على ما رزقها الله، فاذا جنَّها الليل افطرت على ما رزقت، ثم لم تنزل قرآنم على الحسين بن علي عليه السلام حتى تصبح.

ترجمه: ﴿ حدیث چهارم ﴾

علی بن الحُسن بن موسی، از سعد بن عبدالله، از موسی بن عمر، از حسن بن علی، از میثمی نقل کرده، وی گفت:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

ای یعقوب آیا تا به حال دیدهای که جغدی در روز آواز بخواند؟

وی گفت: خیر.

حضرت فرمودند: می دانی چرا؟

عرض کرد: خیر.

امام علیه السلام فرمودند: برای اینکه طول روز را این حیوان صائم بوده و وقتی شب فرا رسید افطار کرده و از آنچه خداوند منان روزی او کرده استفاده نموده سپس پیوسته تا صبح بدمد بر مصائب حضرت حسین بن علی علیه السلام زمزمه نموده و نوحه سرائی می کند.

﴿ البابُ الثانی وَ الثَّلَاثُونَ ﴾

﴿ ثواب مَنْ بَكَى عَلَی الْحُسَینِ بْنِ عَلَیٍّ ﴾

متن:

۱- حدیثی الحسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، عن ابیه، عن الحسن ابن محبوب، عن العلاء بن رزین، عن محمد بن مسلم، عن ابی جعفر علیه السلام «قال: كان علی بن الحسین علیه السلام يقول: ایما مؤمنٌ دمعت عیناه لقتل الحسین بن علی علیه السلام دمعةً حتى تسيل علی خدّه بؤأه الله بها فی الجنة غرقاً یسکنها احتجاباً، وایما مؤمنٌ دمعت عیناه حتى تسيل علی خدّه فینا لأذیّ مستنّاً من عدوّنا فی الدنیا بؤأه الله بها فی الجنة مُبوّأ صدقٍ، وایما مؤمنٌ مسّه اذیّ فینا فدمعت عیناه حتى تسيل علی خدّه من مضاضة ما اودى فینا صرف الله عن وجهه الأذی وامنه یوم القیمة من سخطه والنار».

﴿ باب سی و دؤم ﴾

﴿ ثواب کسی که بر حضرت حسین بن علی علیه السلام ﴾

﴿ گریه کند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از علاء بن رزین، از محمد بن مسلم، از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل کرده که آن

جناب فرمودند:

حضرت علی بن ابی الحسن علیه السلام می فرمودند:

هر مؤمنی که بخاطر شهادت حسین بن علی علیه السلام گریه کند تا اشکش بر گونه هایش جاری گردد خداوند منان غرنه‌ای در بهشت به او دهد که مدت‌ها در آن ساکن گردد و هر مؤمنی بخاطر ایذاء و آزاری که از دشمنان ما در دنیا به ما رسیده گریه کند تا اشکش بر گونه هایش جاری شود خداوند متعال در بهشت به او جایگاه شایسته‌ای دهد و هر مؤمنی در راه ما اذیت و آزاری به او رسد پس بگرید تا اشکش بر گونه هایش جاری گردد خداوند متعال آزار و ناراحتی را از او بگرداند و در روز قیامت از غضب و آتش دوزخ در امانش قرار دهد.

متن:

۲ - حدیثی ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن ابی عبدالله الجامورانی، عن الحسن بن علی بن ابی حمزة، عن ابیه، عن ابی عبدالله علیه السلام «قال: سمعته يقول: ان البكاء و الجزع مکروه للعبد فی کلّ ماجزع ما خلا البكاء و الجزع علی الحسین بن علی علیه السلام فانه فیه مأجور».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه از سعد بن عبدالله، از ابی عبدالله جامورانی از حسن بن علی بن ابی حمزه، از پدرش از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی گفت: از حضرت امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند: برای بنده جزع نمودن و گریستن در تمام امور مکروه و ناپسند است مگر گریستن و جزع کردن بر حسین بن علی علیه السلام زیرا شخص در این گریستن مأجور و مثاب می باشد.

متن:

۳- و حدّثنی محمد بن جعفر الرزّاز، عن خاله محمد بن الحُسَین الزّیّات، عن محمد بن اسمعیل، عن صالح بن عقبه، عن أبی هارون المکفوف «قال: قال ابو عبد الله علیه السلام - فی حدیثٍ طویلٍ له - : و من ذکر الحُسَین علیه السلام عنده فخرج من عینه من الدّموع مقدار جناح زیاب کأن ثوابه علی الله عزّ و جلّ و لم یرض له بدون الجنّه».

﴿ حدیث سّوم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزّاز، از دانی خود محمد بن الحُسَین زِیّات، از محمد بن اسمعیل، از صالح بن عقبه، از ابو هارون مکفوف نقل کرده که وی گفت: حضرت ابو عبد الله علیه السلام در ضمن حدیث طولانی فرمودند: کسی که یادی از حضرت حسین بن علی علیه السلام نزدش بشود و از چشمش به مقدار بال مگس اشک خارج شود اجر او بر خدا است و حق تعالی به کمتر از بهشت برای او راضی نیست.

متن:

۴- حدّثنی حکیم بن داود بن حکیم، عن سلمة بن الخطاب قال: حدّثنا بکار بن احمد القشّام؛ والحسن بن عبدالواحد، عن نُخَول بن ابراهیم، عن الرّبیع بن منذر عن ابيه، «قال: سمعت علی بن الحُسَین علیه السلام یقول: من قطرت عیناه فینا قطرة و دمعت عیناه فینا دمعة بؤأه الله بها فی الجنّة عُرفاً یسکُنُها احقّاباً و احقّاباً».

ترجمه: ﴿ حدیث چهارم ﴾

حکیم بن داود بن حکیم از سلمة بن محطاب نقل کرده که وی گفت:
بکار بن احمد قسام و حسن بن عبدالواحد، از مخول بن ابراهیم، از ربیع بن
منذر از پدرش نقل نموده، وی گفت:

از حضرت علی بن الحسین علیه السلام شنیدم که می فرمودند:
کسی که از دو چشمش قطره‌های اشک در راه ما بیاید خداوند متعال در بهشت
غرفه‌ای به او عطاء فرماید که روزگاری در آن سکنا گزیند.

متن:

حدیثی ابی - رحمه الله - و جماعة مشایخی، عن سعد بن عبدالله، عن
احمد بن محمد، عن حمزة بن علی الأشعری، عن الحسن بن معاویة بن
وهب - عمّن حدّثه - عن أبي جعفر علیه السلام قال کان علی بن الحسین علیه السلام یقول:
- و ذکر مثل حدیث محمد بن جعفر الرزاز سواً.

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه و جماعتی از اساتیدم از سعد بن عبدالله، از احمد بن
محمد، از حمزة بن علی اشعری، از حسن بن معاویة بن وهب از کسی که برایش
حدیث نقل نموده از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:
حضرت علی بن الحسین علیه السلام می فرمودند: ... و حدیثی مانند حدیث محمد
بن جعفر رزاز را عیناً فرمودند (مقصود حدیث سوم می باشد).

متن:

۵ - حدیثی محمد بن جعفر قرشی، عن محمد بن الحُسن بن ابی الخطاب، عن الحسن بن علی، عن ابن ابی عمیر، عن علی بن المغیره، عن ابی عماره المنشد «قال: ما ذکر الحُسن بن علی علیه السلام عند ابی عبدالله جعفر ابن محمد علیه السلام فی یومِ قَطِّ فَرُنی ابو عبدالله علیه السلام فی ذلك الیوم متبسماً قطَّ الی اللیل».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی از محمد بن حسین بن ابی الخطاب، از حسن بن علی، از ابن ابی عمیر، از علی بن مغیره، از ابی عماره منشد نقل کرده که وی گفت: هرگز ذکر نشد حسین بن علی علیه السلام نزد ابی عبدالله جعفر بن محمد علیه السلام در روزی که در آن روز آن جناب ناشب متبسّم و بخندان دیده شوند.

متن:

۶ - حدیثی محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری، عن ابیه، عن علی بن محمد بن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبدالله بن حماد البصری، عن عبدالله بن عبدالرحمن الأصم، عن مسمع بن عبدالملك کزدین البصری «قال: قال لی ابو عبدالله علیه السلام: یا مسمع أنت من اهل العراق؛ أما تأتي قبر الحُسن علیه السلام؟ قلت: لا؛ انا رجل مشهور عند اهل البصرة، و عندنا من یتبع هوی هذا الخلیفة، و عدونا کثیر من اهل القبائل من النُصاب و غیرهم، و لست آمنهم أن یرفعوا حالی عند ولد سلیمان فیمقلون بی، قال لی: اها تذاکر ما صنع به؟ قلت: نعم، قال: فتجزع؟ قلت:

ای والله وأستعبر لذلك حتى يرى اهلي اثر ذلك على فامتنع من الطعام حتى يستبين ذلك في وجهي، قال: زجّم الله دمعك، اما إنك من الذين يُعدّون من اهل الجزع لنا، والذين يفرحون لفرحنا و يحزنون لحزننا و يخافون لحوفنا و يأمنون اذا أمتنا، اما أنك ستري عند موتك حضور آبائي لك و وصيتهم ملك الموت بك، و ما يلقونك به من البشارة أفضل، و لملك الموت ارقّ عليك و أشدّ رحمةً لك من الأمّ الشفيقة علي ولدها، قال: ثم استعبروا استعبرت، معه فقال: الحمد لله الذي فضّلنا على خلقه بالرحمة و خصّنا اهل البيت بالرحمة، يا مسمع ان الأرض و السماء لتبكي منذ قُتل امير المؤمنين عليه السلام رحمةً لنا، و ما بكى لنا من الملائكة اكثر و مازقات دموع الملائكة منذ قُتلنا، و ما بكى أحدٌ رحمةً لنا و لما لقينا إلا رحمه الله قبل أن تخرج الدمعة من عينه، فاذا سألت دموعه على خده، فلو ان قطرةً من دموعه سقطت في جهنم لأطفت حرّها حتى لا يوجد لها حرٌّ، و ان الموضع لنا قلبه ليفرح يوم يرانا عند موته فرحةً لا تزال تلك الفرحة في قلبه حتى يرد علينا الحوض، و ان الكوثر ليفرح بمحبتنا إذا ورد عليه حتى أنه ليذيقه من ضروب الطعام ما لا يشتهي ان يصدر عنه، يا مسمع من شرب منه شربةً لم يظمأ بعدها ابداً، و لم يستق بعدها ابداً، و هو في برّ الكافور و ریح المسك و طعم الزنجبيل، احلى من العسل، و الين من الزبد، و اضفى من الدمع، و أذكى من القنبر يخرج من تسنيم، و يمرّ بأنهار الجنان يجري على رضراض الدرّ و الياقوت، فيه من القدّ خان اكثر من عدد نجوم السماء، يوجد ريحه من مسيرق ألف غام،

قَدْخَانَهُ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْوَانَ الْجَوْهَرِ، يَفُوحُ فِي وَجْهِ الشَّارِبِ مِنْهُ
كُلُّ فَائِحَةٍ حَتَّى يَقُولَ الشَّارِبُ مِنْهُ: يَا لَيْتَنِي تَرَكْتُ هَهُنَا لِأَبْغَى بِهَذَا بَدَلًا
وَلَا عِنْدَهُ تَحْوِيلًا، أَمَا أَنْتَ يَا [بْنَ] كِرْدِينَ مِمَّنْ تَرَوِي مِنْهُ، وَمَا مِنْ عَيْنٍ
بَكَتْ لَنَا إِلَّا نَعِمْتَ بِالنَّظَرِ إِلَى الْكُوثرِ وَسُقِيتَ مِنْهُ، وَأَنَّ الشَّارِبَ مِنْهُ
مِمَّنْ أَصَبْنَا لِيُعْطَى مِنَ اللَّذَّةِ وَالطَّعْمِ وَالشَّهْوَةِ لَهُ أَكْثَرَ مِمَّا يُعْطَاهُ مَنْ هُوَ
دُونَهُ فِي حُجَّتِنَا.

وَأَنَّ عَلَى الْكُوثرِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَفِي يَدِهِ عَصَا مِنْ عَوْسَجٍ يَحْطُمُ
بِهَا أَعْدَاءَنَا، فَيَقُولُ الرَّجُلُ مِنْهُمْ: إِنِّي أَشْهَدُ الشَّهَادَتَيْنِ، فَيَقُولُ: انْطَلِقْ إِلَى
إِمَامِكَ فَلَا تَسْأَلُهُ أَنْ يَشْفَعَ لَكَ، فَيَقُولُ: تَبَرًّا مِنِّي أَمَامِي الَّذِي تَذْكُرُهُ،
فَيَقُولُ: أَرْجِعْ إِلَى وَرَائِكَ فَقُلْ لِلَّذِي كُنْتَ تَتَوَلَّاهُ تَقَدِّمَهُ عَلَى الْخَلْقِ فَاسْأَلْهُ
إِذَا كَانَ خَيْرَ الْخَلْقِ عِنْدَكَ أَنْ يَشْفَعَ لَكَ، فَإِنَّ خَيْرَ الْخَلْقِ مَنْ يَشْفَعُ، فَيَقُولُ:
إِنِّي أَهْلَكَ عَطَشًا، فَيَقُولُ لَهُ: زَادَكَ اللَّهُ ظِمَاءً وَزَادَكَ اللَّهُ عَطَشًا.

قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ وَكَيْفَ يَقْدِرُ عَلَى الدُّنُوِّ مِنَ الْحَوْضِ وَلَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهِ
غَيْرُهُ؟ فَقَالَ: وَرِعَ عَنْ أَشْيَاءَ قَبِيحَةٍ، وَكَفَّ عَنْ شَتْمِنَا [أَهْلَ الْبَيْتِ] إِذَا
ذَكَرْنَا، وَتَرَكَ أَشْيَاءَ اجْتَرَأَ عَلَيْهَا غَيْرُهُ، وَلَيْسَ ذَلِكَ لِجُبَّتِنَا وَلَا طَهْوِيٍّ مِنْهُ
لَنَا، وَلَكِنْ ذَلِكَ لِشِدَّةِ اجْتِهَادِهِ فِي عِبَادَتِهِ وَتَدَبُّعِهِ وَمَا قَدْ شَغَلَ نَفْسَهُ بِهِ
عَنْ ذِكْرِ النَّاسِ فَمَا قَلْبُهُ فَنَافِقٌ وَدِينُهُ النَّصَبُ وَاتِّبَاعُ أَهْلِ النَّصَبِ
وَوَلَايَةُ الْمَاضِينَ وَتَقَدُّمُهُ هُنَا عَلَى كُلِّ أَحَدٍ.

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، از مسمع بن عبدالملک کردین بصری نقل کرده که وی گفت:
حضرت ابو عبدالله علیه السلام به من فرمودند:

ای مسمع تو از اهل عراق هستی، آیا به زیارت قبر حسین علیه السلام می روی؟
عرض کردم: خیر، من نزد اهل بصره مردی مشهور هستم و نزد ما کسانی هستند که خواسته این خلیفه را طالب بوده و دشمنان ما از گروه ناصبی ها و غیر ایشان بسیار بوده و من در امان نیستم از اینکه حال من را نزد پسر سلیمان گزارش کنند.

در نتیجه او با من کاری کند که عبرت دیگران گردد لذا احتیاط کرده و به زیارت آن حضرت نمی روم.
حضرت به من فرمودند:

آیا یاد می کنی مصائبی را که برای آن جناب فراهم کرده و آزار و اذیت هائی که به حضرتش روا داشتند؟

عرض کردم: بلی.

حضرت فرمودند:

آیا به جزع و فزع می آئی؟

عرض کردم: بلی به خدا قسم و بخاطر یاد کردن مصائب آن بزرگوار چنان غمگین و حزین می شوم که اهل و عیالم اثر آن را در من مشاهده می کنند و چنان حالم دگرگون می شود که از خوردن طعام و غذا امتناع نموده و بوضوح علامت حزن و اندوه در صورتم نمایان می گردد.

حضرت فرمودند:

خدا رحمت کند اشک های تو را (یعنی خدا بواسطه این اشک ها تو را رحمت

نماید)، آبدان قطعاً تو از کسانی محسوب می شوی که به خاطر ما جزع نموده و به رامطه سرور و فرح ما مسرور گشته و بخاطر حزن ما محزون گردیده و بجهت خوف ما خائف بوده و هنگام مأمون بودن ما در امان هستند، توجه داشته باش حتماً و عنقریب هنگام مرگ اجداد ما را بالای سرت خواهی دید که ملک الموت سفارش تو را خواهند نمود و بشارتی که به تو خواهند داد برتر و بالاتر از هر چیزی است و خواهی دید که ملک الموت از مادر مهربان به فرزندش به تو مهربان تر و رحیم تر خواهد بود.

مسمع می گوید:

سپس حضرت گریستند و اشکهای مبارکشان جاری شد و من نیز با آن جناب اشک ریختم؛ پس از آن حضرت فرمودند:

الحمد لله الذي فضلنا على خلقه بالرحمة و خصنا اهل البيت بالرحمة.

ای مسمع از هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام شهید شدند زمین و آسمان بر ما ترحم نموده و می گریند و موجودی بیشتر از فرشتگان بر ما گریه نکرده است، ایشان اشکهایشان لاینقطع جاری بوده و هرگز قطع نمی شود.

توجه داشته باش احدی بخاطر ترحم بما و بجهت مصائبی که بر ما وارد شده گریه نمی کند مگر آنکه قبل از آمدن اشک از چشمش حقیقتاً او را رحمت خواهد نمود و وقتی اشکها بر گونه هایش جاری گشت در صورتی که یک قطره از آنها در جهنم بیفتد حرارت و آتش آن را خاموش و آرام می کند که دیگر برای آن حرارتی پیدا نمی شود.

دانسته باش کسی که به خاطر ما قلبش دردناک شود در روزی که موت و مرگش فرا برسد و ما را مشاهده نماید سرور و نشاطی برایش پیدا شود که پیوسته این سرور در او بوده تا در کنار حوض بر ما وارد گردد و هنگامی که محب و دوست دار ما اهل بیت بر حوض کوثر وارد شود سرور و فرح خاصی در کوثر پیدا شود به حدی که انواع و اقسام اطعمه ای را به او چشانده که وی مایل

نیست طعم آن غذاها زائد گردد.

ای مسمع: کسی که از آن حوض یک جرعه بیاشامد هرگز بعد از آن تشنه نشده و ابداً طلب آب نکند.

صفات آب کوثر

سپس حضرت اوصاف آب کوثر را چنین توصیف فرمودند:

الف: طبع آن در سردی و خنکی مانند کافور بوده.

ب: بوی آن همچون بوی مشک بوده.

ج: طعمش نظیر طعم زنجبیل می باشد.

د: شیرین تر از عسل.

ه: نرم تر و لطیف تر از سر شیر.

و: صاف تر از اشک چشم، *مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی*

ز: پاک تر از عنبر.

ح: از تسنیم که چاهی است در بهشت خارج می گردد.

ط: در جوی های بهشت عبور می کند.

ی: از روی ریگ های بهشتی که در و یاقوت هستند جاری می باشد.

ک: کاسه های در آن است که عدد آنها از ستارگان آسمان بیشتر می باشد.

ل: بوی خوش آن از مسافتی که باید آن را ظرف هزار سال پیمود به مشام

می آید.

م: کاسه های درون آن از زر و سیم و انواع و اقسام جواهر قیمتی است.

ن: از آن هر بوی خوش و نسیم معطری به صورت شارب می وزد تا جایی که

شارب می گوید: کاش من را در همین جا به حال خود بگذارند، حاضر نیستم

اینجا را به جای دیگری تبدیل کرده و آن را تغییر دهم.

پس از آن حضرت به مسمع بن عبدالملک کردین بصیری فرمودند:

ای کردین تو چه داشته باش تو از کسانی هستی که از آب آن حوض می‌آشامی. و نیست چشمی که برای ما بگرید مگر آنکه از نعمت نظر نمودن به آب کوثر بهره‌مند شده و از آن سیراب می‌گردد.

دوستانداران ما که از آب کوثر می‌آشامند پس از نوشیدن از آن لذتی که برده و طعمی که چشیده و شهوتی که در آن‌ها پدید آمده به مراتب بیشتر از لذت و طعم و شهوتی است که به دیگران یعنی کسانی که در مرتبه پائین‌تر از حبّ ما هستند اعطاء می‌گردد.

بر بالای حوض کوثر امیرالمؤمنین علیه السلام ایستاده و در دست مبارکش عصائی از گیاه عرسبح بوده که با آن دشمنان ما را منکوب و مضروب می‌سازند، یکی از آن دشمنان محضر مبارکش عرض می‌کند: من شهادتین می‌گویم.

حضرت می‌فرماید: نزد امام خود «افلاتی» برو پس از او بخواه که تو را شفاعت کند.

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

آن شخص می‌گوید:

امام من که نامش را بردید از من تبری می‌جوید.

حضرت می‌فرمایند:

به پشت خود برگردد و از کسی که دوستش می‌داشتی و بر خلائق مقدمش می‌نمودی طلب شفاعت کن زیرا بهترین خلق نزد تو باید شفاعتت را بکنند چه آنکه بهترین مخلوقات کسی است که شفیع دیگران باشد.

آن شخص می‌گوید: از تشنگی مردم.

حضرت به او می‌فرمایند:

خداوند تو را تشنه‌تر کرده و عطشت را زیاد کند.

راوی یعنی مسمع می‌گوید:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم این شخص چگونه نزدیک

حوض می‌رود در حالی که غیر از امیرالمؤمنین علیه السلام احدی بر آن قادر نیست؟

حضرت فرمودند:

این شخص از اعمال زشتی چند اجتناب نموده و وقتی ما را نام می‌برد از ناسزا گفتن و فحش دادن خودداری می‌کند و کارهایی را که دیگران جرئت نموده و انجام می‌دادند وی آنها را ترک می‌کند ولی این نه بخاطر حب و دوستی با ما بوده بلکه منشاء آن زیاد عبادت نمودن و تدبیر و منصرف بودنش از ذکر مردم می‌باشد ولی در قلبش نفاق بوده و دین و آئینش مذهب نصب و تبعیت از اهل آن بوده و ولایت و دوستی خلقاء ماضی را داشته و آن دو نفر را بر هر کسی مقدم می‌کند.

متن:

۷ - حدیثی ابی - رحمه الله - عن الحسین بن الحسن بن ابان، عن الحسین بن سعید، عن عبدالله بن المقیرة، عن عبدالله بن عبدالرحمن الأصم، عن عبدالله بن بکیر الأرجانی و حدیثی ابی - رحمه الله - عن سعد ابن عبدالله، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن عبدالله بن زرارۃ، عن عبدالله بن عبدالرحمن الأصم، عن عبدالله بن بکیر «قال: حَجَجْتُ مع ابی عبدالله علیه السلام - فی حدیث طویل - فقلت: یا بن رسول الله صلی الله علیه و آله لو نُبِشَ قبر الحسین بن علی علیه السلام هل کان یُصابُ فی قبره شیءٌ؟ فقال: یا ابن بکیر ما اعظم مسألتک، انّ الحسین علیه السلام مع أبیه و أمّه و أخیه فی منزل رسول الله صلی الله علیه و آله و معه یرزقون و یحبون و انه لعلی یمین العرش متعلق (کذا)؟ يقول: یا ربّ أنجز لی ما وَعَدْتَنی، و انه لینظر الی زوّاره و انه اعرف بهم و باسائهم و أسماء آبائهم و ما فی رحالم من أحدِهِم بولده، و انه لینظر الی من ینبکيه فیستغفرله و یسأل اباه الأستغفار له، و

يقول: ايها الباكي لو عَلِمْتَ ما اَعَدَّ اللهُ لكَ لَفِرْحَتَ اَكْثَرِ مِمَّا حَزِنْتَ، وَاِنَّهُ لِيَسْتَغْفِرُ لَه مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ وِ خَطِيئَةٍ».

ترجمه: ﴿ حدیث هفتم ﴾

پدرم رحمه الله عليه، از حسین بن حسن بن ابان، از حسین بن سعید، از عبدالله بن مغیره، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، از عبدالله بن بکیر ارجانی، و پدرم رحمه الله عليه، از سعد بن عبدالله، از محمد بن الحسین، از محمد بن عبدالله زرارہ، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، از عبدالله بن بکیر نقل کرده کہ گفت: با حضرت ابي عبدالله علیه السلام حجّ به جا آوردم... حدیث طولانی است و در یکی از فقرات آن راوی می گوید:

محضر امام علیه السلام عرض کردم: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله اگر قبر حضرت حسین ابن علی علیه السلام را نبش کنند در قبر به چیزی برخورد و اصابت می کنند یا نه؟ حضرت در جواب فرمودند:

چقدر سوال بزرگی کردی، حضرت حسین علیه السلام با پدر و مادر و برادر بزرگوارشان در منزل رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده و جملگی با آن حضرت از روزی خدا بهره مند می شوند. و در خصوص آن جناب باید بگویم که حضرتش بر سمت راست عرش چنگ زده و به درگاه الهی عرض می کند:

يا رَبِّ اَنْجِزْ لِي ما رَعَدْتَنِي (آنچه را به من وعده دادی روانما).

و آن حضرت به زوّار خود نگریسته و به آنها و به اسماء ایشان و اسماء پدرانشان و آنچه در خورجین و بارشان می باشد اعرف و آگاه تر از ایشان به فرزندشان می باشد و نیز آن جناب به گریه کننده گانش نظر فرموده و برای آنها طلب آمرزش نموده و از پدر بزرگوارش درخواست استغفار برای ایشان می نماید و خطاب به کسانی که برایش گریه می کنند کرده و می فرماید:

ای کسی که گریه می‌کنی اگر بدانی چه خدا برایت آماده نموده مسلماً سرور و شادی تو بیشتر از حزن و اندوهت می‌گردد و این حتمی است که حقتعالی تمام گناهان و لغزشهای تو را بواسطه این اشگی که ریخته‌ای می‌آمرزد.

متن:

۸- حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ، عَنْ سَلْمَةَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: مَنْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ فِقَاضَتْ عَيْنَاهُ وَلَوْ مِثْلَ جَنَاحِ بَعُوضَةٍ عَفِرَ لَهُ ذُنُوبُهُ وَلَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ».



ترجمه:

حکیم بن داود، از سلمه، از یعقوب بن یزید، از ابن ابی عمیر، از بکر بن محمد، از فضیل بن یسار، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

کسیکه نام ما نزد او برده شود و از چشمانش اشک بیاید اگرچه به قدر بال پشه باشد گناهانش آمرزیده شود و لو به اندازه روی دریاها باشد.

متن:

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مِثْلَهُ.

ترجمه:

محمد بن عبدالله از پدرش، از احمد بن ابی عبدالله برقی، از پدرش از یکر بن محمد، از حضرت ابی عبدالله مثل همین حدیث را نقل کرده است.

متن:

۹ - حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ، عَنْ سَلْمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينَ الْقَلَاءِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: أَيُّهَا مُؤْمِنُ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ عليه السلام ذَمْعَةً حَتَّى تَسِيلَ عَلَى حَدِيدِهِ بَوَّاءُ اللَّهِ بِهَا عُرفاً فِي الْجَنَّةِ يَسْكُنُهَا أَحْقَاباً.

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود از سلمه بن خطاب از حسن بن علی، از علاء بن رزین القلاء، از محمد بن مسلم، از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند: هر مؤمنی که بخاطر شهادت حضرت حسین علیه السلام چشمانش اشک ریخته بطوریکه اشکها بر گونه‌هایش جاری گردد خداوند منان در بهشت غرفه‌هایی به او عنایت فرماید که وی برای روزگاری در آن سکنا گزیند.

متن:

۱۰ - وَ عَنْهُ عَنِ سَلْمَةَ، عَنِ عَلِيِّ بْنِ سَيْفٍ، عَنِ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ فَضِيلِ بْنِ فَضَالَةَ، عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ ذَكَرْنَا عِنْدَهُ فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ حَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ عَلَى النَّارِ.

ترجمه: ﴿ حدیث دهم ﴾

حکیم بن داود از سلمة، از علی بن میف، از بکر بن محمّد، از فضیل بن فضالة، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرد که آن جناب فرمودند: کسیکه ما را نزد او یاد کنند پس از چشمانش اشک بیاید خداوند متعال صورتش را بر آتش حرام می‌نماید.

﴿ الباب الثالث و الثلاثون ﴾

﴿ من قال في الحسين علیه السلام شعراً فبکی و أبکی ﴾

متن:

۱ - حدثنا ابو العباس القرمی، عن محمد بن الحسين بن ابی الخطاب، عن محمد بن اسمعیل، عن صالح بن عقیبة، عن ابی هارون المکفوف: «قال: قال ابو عبدالله علیه السلام: یا ابا هارون أنشدنی فی الحسین علیه السلام؟ قال: فأنشدته فبکی، فقال: أنشدنی کیا تنشدون - یعنی بالرقّة - قال: فأنشدته: امرؤ علی جدّ الحسین قتل لأعظیمه الزکیّة. قال: فبکی، ثم قال: زدنی، قال: فأنشدته القصیة الأخری، قال: فبکی، و سمعت البکاء من خلف البئر، قال: فلما فرغت قال لی: یا ابا هارون من انشد فی الحسین علیه السلام شعراً فبکی و ابکی عشرأ کتبت لهم الجنة و من انشد فی الحسین شعراً فبکی و ابکی خمسة کتبت لهم الجنة، و من انشد فی الحسین شعراً فبکی و أبکی واحداً کتبت لهما الجنة، و من ذکر الحسین علیه السلام عنده فخرج من عینه من الدّموع مقدار جناح ذباب کان ثوابه علی الله، و لم یرض له بدون الجنة».

﴿ باب سی و سوم ﴾

﴿ ثواب کسی که بواسطه گفتن شعر در مصیبت ﴾

﴿ حضرت امام حسین علیه السلام گریه کند و دیگران را بگریاند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

ابوالعباس قرشی، از محمد بن الحُسَین بن ابی الخطاب، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از ابی هارون مکفوف نقل کرده که ری گفت: حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

ای اباهارون آیا شعری در مصیبت امام حسین علیه السلام برایم می خوانی؟
ابا هارون می گوید: پس برای آن حضرت شعری خواندم و آن جناب گریست.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

سپس فرمودند:

همان طوری که پیش خود شعر و مرثیه می خوانید برایم بخوان یعنی با رقت و لطافت، اباهارون می گوید:

پس این بیت را برای آن جناب با رقت و لطافت خواندم:

امور علی جَدَّتِ الحُسَینِ فقل لأَعْظَمِهِ الزُّكَايَةِ

یعنی: گذر کن بر قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام، پس به استخوانهای پای و مطهرش بگو.

اباهارون می گوید: امام علیه السلام گریست، سپس فرمود: بیشتر برایم بخوان.

پس قصیده دیگر برای حضرتش خواندم.

اباهارون می گوید: امام علیه السلام گریستند و جدای گریه اهل منزل را از پشت پرده شنیدم.

سپس اباهارون می گوید: وقتی از خواندن فارغ شدم حضرت به من فرمودند:

ای اباهارون کسی که در مرثیه حسین بن علی علیه السلام شعری خوانده و خود گریه کرده و ده نفر دیگر را بگیراند بهشت بر ایشان واجب می‌گردد.
و کسی که در مرثیه حسین علیه السلام شعری خوانده و خود گریه کرده و یک نفر دیگر را بگیراند بهشت برای هر دو واجب می‌شود.
و کسی امام حسین را نزدش یاد کنند و از چشمش به مقدار بال مگس اشک بیاید ثواب و اجر او بر خداست و خداوند برای وی به کمتر از بهشت اجر و ثواب نمی‌دهد.

متن:

۲ - حدیثی ابو العباس، عن محمد بن الحسین، عن الحسن بن علی بن ابی عثمان، عن الحسن بن علی بن ابی المغیره، عن ابی عماره المثنید، عن ابی عبدالله علیه السلام «قال: قال لی: یا ابا عماره أنشدنی فی الحسین علیه السلام، قال: فأنشدته فبکی، ثم أنشدته فبکی، ثم أنشدته فبکی، قال: فوالله ما زلت أنشده و یبکی حتی سمعت البكاء من الدار، فقال لی: یا ابا عماره من أنشد فی الحسین علیه السلام شعراً فابکی خمین فله الجنة، و من أنشد فی الحسین علیه السلام شعراً فابکی أربعین فله الجنة، و من أنشد فی الحسین علیه السلام شعراً فابکی ثلاثین فله الجنة، و من أنشد فی الحسین علیه السلام شعراً فابکی عشرین فله الجنة، و من أنشد فی الحسین علیه السلام شعراً فابکی عشرة فله الجنة، و من أنشد فی الحسین علیه السلام شعراً فابکی واحداً فله الجنة، و من أنشد فی الحسین علیه السلام شعراً فبکی فله الجنة، و من أنشد فی الحسین علیه السلام شعراً فتابکی فله الجنة».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

ابو العباس از محمد بن الحُسن، از حسن بن علی بن ابی عثمان، از حسن بن علی بن ابی المنیره، از ابی عماره المنشد، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده، وی گفت:

حضرت ابی عبدالله علیه السلام به من فرمودند:

ای ابو عماره شعری در مرثیه حسین علیه السلام برایم بخوان.
ابو عماره می گوید:

برای آن حضرت شعر خواندم پس آن حضرت گریست سپس خواندم باز آن جناب گریه کرده و بعد از آن باز خواندم و آن حضرت گریستند.

ابو عماره می گوید: به خدا قسم پیوسته شعر می خواندم و آن جناب گریه می کردند تا جایی که صدای گریه از منزل و خانه بگوشم رسید، پس حضرت به من فرمودند:

ای ابو عماره کسی که در مصیبت حسین علیه السلام شعری بخواند سپس پنجاه نفر را بگریاند بهشت برای او است.

و کسی که در مرثیه حسین علیه السلام شعری خوانده و چهل نفر را بگریاند بهشت برای او است.

و کسی که در مصیبت حسین علیه السلام شعری خوانده و سی نفر را بگریاند بهشت برای او است.

و کسی که در مرثیه حسین علیه السلام شعری خوانده و بیست نفر را بگریاند بهشت برای او است.

و کسی که در مصیبت حسین علیه السلام شعری خوانده و ده نفر را بگریاند بهشت برای او است.

و کسی که در مصیبت حسین علیه السلام شعری خوانده و خودش بگرید بهشت برای او است.

و کسی که در مرثیه حسین علیه السلام شعری خوانده و یک نفر را بگریاند بهشت برای او است.

و کسی که در مرثیه حسین علیه السلام شعری خوانده و به هشت گریه کن درآورد بهشت برای او است.

متن:

۳ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ ابْنِ أَبِي عمير،
عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَسَّانَ، عَنْ ابْنِ أَبِي شَعْبَةَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ غَالِبٍ «قَالَ:
دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَأَنْشَدْتَهُ مَرْثِيَةَ الْحُسَيْنِ عليه السلام، فَلَمَّا انْتَهَيْتُ إِلَى
هَذَا الْمَوْضِعِ

لَبَّيْئَةٌ تَسْقُو حُسَيْنًا بِسِقَاةِ الثَّرَى غَيْرِ التُّرَابِ
فصاحت باکیه من وراء الستور: واأبتاه!!!»

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از ابن ابی عمیر، از عبدالله بن حسان،
از ابن ابی شعبة، از عبدالله بن غالب نقل کرده که وی گفت:
بر حضرت ابی عبدالله علیه السلام داخل شده پس شعری در مرثیه حضرت امام
حسین علیه السلام خواندم و وقتی به این بیت منتهی شدم:

لَبَّيْئَةٌ تَسْقُو حُسَيْنًا بِسِقَاةِ الثَّرَى غَيْرِ التُّرَابِ

به خدا قسم مصیبتی بود که آن مصیبت حسین علیه السلام را در آب خورگاه زمینی
مرطوب نه خشک سیراب نمود پس مخدره‌ای که در پشت پرده می‌گریست با
صدای بلند فریاد زد: واأبتاه!!!

متن:

۴- و عنه، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن اسمعيل، عن صالح ابن عقبة، عن ابي عبد الله عليه السلام «قال: من أنشد في الحسين عليه السلام بيت شعر فبكي وأبكى عشرة فله وهم الجنة، ومن أنشد في الحسين بيتاً فبكي وأبكى تسعة فله وهم الجنة، فلم يزل حتى قال: من أنشد في الحسين بيتاً فبكي - وأظنه قال: أو تباكي - فله الجنة».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسين، از محمد بن اسماعيل، از صالح بن عقبة، از حضرت ابي عبدالله عليه السلام نقل کرد که آن جناب فرمودند: کسی که در مرثیه حضرت امام حسين عليه السلام یک بیت شعر خوانده پس گریه کند و ده نفر را بگریاند بهشت برای او و آن ده نفر می باشد. و کسی که یک بیت شعر در مصیبت حضرت امام حسين عليه السلام خوانده پس گریه کند و نه نفر را بگریاند بهشت برای او و آن نه نفر می باشد. و پیوسته امام عليه السلام این فقره را با کاهش دادن نفرات تکرار نموده تا بالأخره فرمودند:

و کسی که یک بیت شعر در مصیبت حضرت امام حسين عليه السلام خوانده و خود بگرید (راوی می گوید گمان می کنم امام عليه السلام فرمودند: یا تباکی کرده و خود را به صورت گریه کن در آورد). بهشت برای او می باشد.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّفَّارِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ، عَنْ أَبِي هَارُونَ الْمَكْفُوفِ «قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَالَ لِي: أَنْشِدْنِي فَأَنْشِدْتُهُ، فَقَالَ لَأُكْمَا تَنْشُدُونَ وَكَمَا تَرْتِيهِ عِنْدَ قَبْرِهِ، قَالَ: فَأَنْشِدْتُهُ:

أَمْرٌ عَلَى جَدَّتِ الْحُسَيْنِ قُلْتُ لِأَعْظَمِ الزَّكِيَّةِ

قَالَ: فَلَمَّا بَكَى أَمْسَكَتُ أَنَا، فَقَالَ: مَرَّ فَمَرَرْتُ، قَالَ: ثُمَّ قَالَ زِدْنِي زِدْنِي قَالَ: فَأَنْشِدْتُهُ:

يَا مَرْيَمُ قُومِي فَأَنْذِي مَوْلَاكَ وَعَلَى الْحُسَيْنِ فَأُسْعِدِي بِبُكَائِكَ

قَالَ: فَبَكَى وَتَهَابَجَ النِّسَاءُ!! قَالَ: فَلَمَّا سَكَتَنَ قَالَ لِي: يَا أَبَا هَارُونَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ عليه السلام فَأَبَكَى عَشْرَةَ فَلَهُ الْجَنَّةُ، ثُمَّ جَعَلَ يَنْقُصُ وَاحِدًا وَاحِدًا حَتَّى بَلَغَ الْوَاحِدَ، فَقَالَ: مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ فَأَبَكَى وَاحِدًا فَلَهُ الْجَنَّةُ، ثُمَّ قَالَ: مَنْ ذَكَرَهُ فَبَكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ.»

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از محمد بن الحسن، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از ابی هارون مکفوف، ری می گوید:

بر حضرت ابی عبدالله علیه السلام وارد شدم، حضرت به من فرمودند:

برایم شعر بخوان، پس برای آن حضرت شعر خواندم.

حضرت فرمودند: نه، آنطور که در جمع خودتان می خوانی و به همان نحو که در کنار قبر آن حضرت (حضرت امام حسین علیه السلام) مرثیه می خوانی، بخوان:

ابوهارون می گوید: پس شعر ذیل را برای آن حضرت خواندم:

امر علی جَدِّ الحُسَینِ فقل لاعظیمه الزکیة

یعنی: گذر کن بر قبر حسین بن علی علیه السلام، پس به استخوان‌های پاک و مطهرش بگو.

ابو هارون می‌گوید: وقتی حضرت گریستند، من خودداری کرده و خواندن را متوقف نمودم، پس حضرت فرمودند:

بگذر، پس من گزاشتم، سپس فرمودند:

بیشتر برایم بخوان، بیشتر برایم بخوان.

ابو هارون می‌گوید: پس این بیت را خواندم:

یا مریم قومی فاندبى مولاک و علی الحسین فاسعدى بکاک

ای مریم (مادر حضرت عیسی علیه السلام) بایست و بر سرور خود ندبه و زاری نما، زاری کن بر حضرت حسین علیه السلام و یا این زاری و گریه خود او را نصرت و یاری نما.

ابو هارون می‌گوید: پس از خواندن این بیت، حضرت گریست و مخدرات شیون و زاری کردند.

وی می‌گوید: وقتی بانوان آرام گرفتند حضرت به من فرمودند:

ای ابا هارون: کسی که در مرثیه حضرت امام حسین علیه السلام شعر بخواند و ده نفر را بگیراند بهشت برای او است سپس حضرت نفرات گریه کننده‌گان را یکی یکی کاهش داده تا به «واحد» رسیده و فرمودند:

کسی که در رثاء حضرت حسین علیه السلام شعر خوانده و یک نفر را بگیراند بهشت برای او است.

سپس فرمودند:

کسی که یاد امام حسین علیه السلام نموده و برای آن حضرت بگیرد بهشت برای او است.

متن:

۶- وروی عن ابی عبدالله علیه السلام «قال: لكل شیءٍ ثواب إلا الذمعة فينا».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

از حضرت ابی عبدالله علیه السلام مروی است که آن جناب فرمودند:
هر چیزی ثواب و اجری معین دارد مگر ریختن اشک برای ما که ثوابش را
احدی نمی داند.

متن:

۷- حدیثی محمد بن احمد بن الحسن بن العسکری، عن الحسن بن علی
ابن مهزیار، عن ابیه، عن محمد بن سنان عن محمد بن اسماعیل عن
صالح بن عقبه، عن ابی عبدالله علیه السلام «قال: من أنشد فی الحُسَین بیت شعرٍ
فبکی وأبکی عشرةً فله وهم الجنة، ومن أنشد فی الحُسَین بیتاً فبکی وأبکی
تسعةً فله وهم الجنة، فلم یزل حتی قال: من أنشد فی الحُسَین بیتاً فبکی -
وأظنه قال: أو تباکی - فله الجنة».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن احمد بن حسین العسکری، از حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش،
از محمد بن سنان، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از حضرت
ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:
کسی که در مصیبت حضرت امام حسین علیه السلام یک بیت شعر بخواند پس خود
گریسته و ده نفر را بگریاند بهشت برای او و آن ده نفر می باشد.
و کسی که در مصیبت حضرت امام حسین علیه السلام یک بیت شعر بخواند پس خود
گریسته و نه نفر را بگریاند بهشت برای او و آن نه نفر می باشد.

پس پیوسته حضرت نفرات را یکی یکی کاهش داد، تا فرمودند:
کسی که در مصیبت حضرت امام حسین علیه السلام یک بیت شعر خوانده پس خود
بگرید (راوی می‌گوید: گمان می‌کنم امام علیه السلام فرمودند: یا تباکی کرده و خود را به
صورت گریه کن درآورد) بهشت برای او می‌باشد.

﴿البَابُ الرَّابِعُ وَالثَّلَاثُونَ﴾

﴿ثَوَابُ مَنْ شَرِبَ الْمَاءَ وَ ذَكَرَ الْحُسَيْنَ علیه السلام وَ لَعَنَ قَاتِلَهُ﴾

متن:

۱ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ الْكُوفِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ
الْحَشَّابِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَمَّانَ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ، عَنْ دَاوُدَ الرَّقِيِّ
قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِذْ اسْتَسْقَى الْمَاءَ، فَلَمَّا شَرِبَهُ رَأَيْتَهُ قَدْ اسْتَعْبَرَ
وَاعْغَرَ وَرَقَّتْ عَيْنَاهُ بِدُمُوعِهِ، ثُمَّ قَالَ لِي: يَا دَاوُدُ لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَ
الْحُسَيْنِ علیه السلام، فَمَا مِنْ عَبْدٍ شَرِبَ الْمَاءَ فَذَكَرَ الْحُسَيْنَ علیه السلام وَ لَعَنَ قَاتِلَهُ إِلَّا
كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِائَةَ أَلْفِ حَسَنَةٍ، وَ حَطَّ عَنْهُ مِائَةَ أَلْفِ سَيِّئَةٍ، وَ رَفَعَ لَهُ مِائَةَ
أَلْفِ دَرَجَةٍ، وَ كَاتَمْنَا أَعْتَقَ مِائَةَ أَلْفِ نَسَمَةٍ وَ حَشَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ
ثَلَجِ الْفُؤَادِ».

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ
جَعْفَرِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ مِثْلَهُ.

﴿ باب سی و چهارم ﴾

﴿ ثواب کسی که آب نوشیده و یاد امام حسین علیه السلام ﴾

﴿ نموده و کشنده آن حضرت را لعنت کند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزاز از کوفی از محمد بن الحُثَین، از خشاب، از علی بن حسان، از عبدالرحمن بن کثیر، از داود رئی، وی می گوید:

در محضر مبارک امام صادق علیه السلام بودم، حضرت آب طلبیدند و زمانی که آب را نوشیدند دیدم در حضرت حالت گریه پیدا شد و دو چشم آن حضرت غرق اشک شد سپس به من فرمودند:

ای داود خدا قاتل حسین علیه السلام را لعنت کند، بنده ای نیست که آب نوشیده و حسین علیه السلام را یاد نموده و کشنده اش را لعنت کند مگر آنکه خداوند متان صد هزار حسنه برای او منظور می کند و صد هزار گناه از او محو کرده و صد هزار درجه مقامش را بالا برده و گویا صد هزار بنده آزاد کرده و روز قیامت حق تعالی او را با قلبی آرام و مطمئن محشورش می کند.

محمد بن یعقوب، از علی بن محمد، از سهل بن زیاد، از جعفر بن ابراهیم حضر می، از سعد بن سعد مثل همین حدیث را نقل کرده است.

﴿ البابُ الخامسُ وَ الثَلَاثون ﴾

﴿ بكاء «علی بن الحُسَین»، علی «الحُسَین بن علی»، ﷺ ﴾

متن:

۱ - حدّثنی اَبی - رحمه الله - عن جماعة مشایخی، عن سعد بن عبد الله، عن محمد بن الحُسَین بن اَبی الخطاب، عن اَبی داود المسترق - عن بعض اصحابنا - عن اَبی عبد الله ﷺ «قال: بکی علی بن الحُسَین علی اَبیه حسین بن علیّ صلوات الله علیها عشرين سنة - أو أربعین سنة - و ما وضع بین یدیه طعاماً الاّ بکی علی الحُسَین حتی قال له مونی له: جُلعت فداک یا بن رسول الله انی أخاف علیک ان تكون من الهالکین، قال: «انما أشکو بیّ و حزنی الی الله و أعلم من الله ما لا تعلمون»، انی لم أذکر مصرع بنی فاطمة الاّ خنقتنی العبرة لذلك».

﴿ باب سی و پنجم ﴾

﴿ گریستن حضرت علی بن حسین بر حسین بن علی ﴾

﴿ سلام الله علیهم ﴾

ترجمه:

﴿ حدیث اول ﴾

پدرم رحمة الله علیه از جماعتی استایدم، از سعد بن عبد الله، از محمد بن الحُسَین بن اَبی الخطاب، از اَبی داود مسترق، از برخی اصحاب، از حضرت

ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمودند:

حضرت علی بن الحُسَین صلوات الله علیهما مدت بیست یا چهل سال بر پدرشان گریستند و طعام و غذائی نبود که در مقابل حضرت بگذارند مگر آنکه حضرتش بیاد امام حسین علیه السلام گریه می‌کردند تا جایی که غلام حضرت محضر مبارکش عرض نمود:

فدایت شوم ای پسر رسول خدا می‌ترسم که شما هلاک شوید.

حضرت فرمودند:

أَمَّا اشْكُوبَى وَ حَزَنِي إِلَى اللَّهِ وَ اعْلَمْ مِنْ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ.

تنها درد دل و غم خود را با خدا گویم و از لطف و کرم بی اندازه او چیزی دانم

که شما نمی‌دانید.

سپس فرمودند:

هیچ‌گاه محل کشته شدن فرزندان فاطمه علیها السلام را بیاد نمی‌آورم مگر آنکه حزن و غصه حلقوم من را می‌نشارد.

متن:

۲ - حدیثی محمد بن جعفر الرزاز، عن خاله محمد بن الحُسَین بن اَبی الخطاب الزیّات، عن علی بن أسباط عن اسماعیل بن منصور - عن بعض اصحابنا - «قال: أشرف مولى لعلى بن الحُسَین علیه السلام و هو فی سقیفة له ساجدٌ یبکی، فقال له: یا مولى یا علی بن الحُسَین أما آنَ لحُزْنِکَ أن ینقضی؟ فرنع رأسه إلیه و قال: ویلک أو ثکلتک أمک [والله] لقد شکى یعقوب إلی ربّه فی أقلّ مما رأیت حتّی قال: «یا أسفی! علی یوسف»^(۱)» أنّه

فَقَدَّ ابْنًا وَاحِدًا، وَ أَنَا رَأَيْتُ أَبِي وَ جَمَاعَةَ أَهْلِ بَيْتِي يُذْبَحُونَ خَوْلِي، قَالَ:
وَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام يَمِيلُ إِلَى وَلَدِ عَقِيلٍ، فَقِيلَ لَهُ: مَا بِكَ تَمِيلُ
إِلَى بَنِي عَمِّكَ هَؤُلَاءِ دُونَ آلِ جَعْفَرٍ؟ فَقَالَ: إِنِّي أَذْكَرُ يَوْمَهُمْ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام فَأَرْقُ لَهُمْ.

ترجمه: ﴿ حدیث دوم ﴾

محمد بن جعفر رزاز، از دانی خود محمد بن الحسین بن ابی الخطاب زیات،
از علی بن اسباط، از اسماعیل بن منصور، از برخی اصحاب نقل کرده که او گفت:
غلام علی بن الحسین علیه السلام به صفت سر پوشیده‌ای که تعلق به امام سجاد علیه السلام داشت
و آن جناب در آنجا پیوسته در حال سجود و گریه بودند نزدیک شد و به
حضرت عرض نمود:

ای آقای من، ای علی بن الحسین آیا وقت تمام شدن حزن و غصه شما هنوز
نرسیده؟

حضرت سر مبارک از زمین برداشته و متوجه او شده و فرمودند:
وای بر تو یا فرمودند: مادرت به عزایت بنشیند به خدا قسم حضرت یعقوب
در حادثه‌ای بس کمتر و واقعه‌ای ناچیزتر از آنچه من دیدم شکایت به پروردگار
نمود و اظهار کرد: یا اسفی علی یوسف (وا اسفا بر فراق یوسفم).
با اینکه ایشان تنها یک فرزندش را از دست داده بود ولی من دیدم که پدرم
و جماعتی از اهل بیت من را در دور من سر بریدند.
راوی گفت:

حضرت علی بن الحسین علیه السلام به فرزندان عقیل میل و توجه خاصی داشتند. به
حضرت عرض شد: چه طور به این بنی اعمامتان (اولاد عقیل) توجه و تمایل
دارید نه به آل و فرزندان جعفر؟

حضرت فرمودند:

یادم می آید از روزی که ایشان همراه ابی عبدالله الحُسَین علیه السلام به چاه مصیبت‌هایی گرفتار شدند پس به حالشان رقت می‌کنم.

﴿ الباب التَّاسِ وَ الثَّلَاثُونَ ﴾

﴿ فِي أَنَّ الْحُسَيْنَ علیه السلام قَتِيلَ الْعَبْرَةِ لَا يَذْكُرُهُ مُؤْمِنٌ إِلَّا بَكَى ﴾

متن:

حدَّثَنِي أَبِي؛ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - جَمِيعاً، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى، عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ، عَنْ أَبِي يَحْيَى الْحَدَّاءِ - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام «قَالَ: نَظَرَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام إِلَى الْحُسَيْنِ فَقَالَ: يَا عَبْرَةَ كُلِّ مُؤْمِنٍ، فَقَالَ: أَنَا يَا أَبَتَاهُ؟ قَالَ: نَعَمْ يَا بَنِيَّ».

﴿ باب سی و ششم ﴾

﴿ حضرت امام حسین علیه السلام کشته اشک بوده و هیچ مؤمنی ﴾

﴿ او را یاد نمی‌کند مگر آنکه برایش می‌گرید ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم و علی بن الحُسَین و محمد بن الحسن رحمة الله عليهم جمله‌گی از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی از سعید بن جناح از ابی یحیی حدّاء، از برخی اصحاب از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمودند:

امیرالمؤمنین علیه السلام به حضرت حسین علیه السلام نظر نموده پس فرمودند:

ای اشک هر مؤمنی.

حضرت حسین علیه السلام عرض نمود:

ای پدر من اشک هر مؤمنی هستم؟

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

بلی پسر من.

متن:

۲ - حدیثی جماعه مشایخی، عن محمد بن یحیی العطار، عن الحسین ابن عبدالله، عن الحسن بن علی بن ابی عثمان، عن الحسن بن علی بن عبدالله بن المغیره، عن ابی عماره المنشد «قال: ما ذکر الحسین علیه السلام عند ابی عبدالله علیه السلام فی يوم قط فرئی أبو عبدالله علیه السلام متبسماً فی ذلك اليوم إلى اللیل وکان علیه السلام یقول: الحسین علیه السلام عبرة کل مؤمن».

ترجمه:

﴿ حدیث دوم ﴾

جماعتی از اساتیدم از محمد بن یحیی عطار، از حسین بن عبدالله، از حسن ابن علی بن ابی عثمان، از حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره، از ابی عماره منشد نقل کرده اند که وی گفت:

نام حضرت امام حسین علیه السلام هرگز در روزی نزد امام صادق علیه السلام برده نشد که در آن روز ایشان متبسم و خندان باشند و می فرمودند:

حسین علیه السلام اشک هر مؤمنی می باشد.

یعنی یاد امام حسین علیه السلام سبب اشک هر مؤمنی می باشد.

متن:

۳- حدیثی اُبی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن الحسن بن موسی الخشاب، عن اسماعیل بن مهران، عن علی بن ابی حمزة عن اُبی بصیر «قال: قال أبو عبدالله علیه السلام: قال الحُسن بن علی علیه السلام: أنا قتل العبرة، لأیذکونی مؤمنٌ الا اشتعبر».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبدالله، از حسن بن موسی خشاب، از اسماعیل بن مهران، از علی بن ابی حمزه، از اُبی بصیر نقل کرده که وی گفت:
امام صادق علیه السلام فرمودند:

حضرت حسین بن علی فرمودند: من کشته اشک هستم، هیچ مؤمنی من را یاد نمی کند مگر آنکه با یاد من طلب اشک می کند.

مرکز تحقیقات و نشر حدیث اسلامی

متن:

۴- حدیثی اُبی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن الحسن بن موسی، عن محمد بن سنان، عن اسماعیل بن جابر، عن اُبی عبدالله علیه السلام «قال: قال الحُسن علیه السلام: أنا قتل العبرة».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبدالله، از حسن بن موسی، از محمد بن سنان، از اسماعیل بن جابر، از حضرت اُبی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند:
من کشته اشک هستم.

متن:

۵ - حدیثی محمد بن جعفر الرزاز، عن محمد بن الحُسن، عن المحکم ابن مسکین، عن أبي بصیر، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: قال الحُسن بن علي عليه السلام: انا قتل العبرة».

ترجمه:

﴿ حدیث پنجم ﴾

محمد بن جعفر رزاز، از محمد بن الحُسن، از حکم بن مسکین، از ابی بصیر، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:
حضرت حسین بن علی عليه السلام فرمودند:

من کشته اشک هستم.



متن:

مرکز تحقیقات و نشر معارف اسلامی

۶ - حدیثی محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن خالد البرقی، عن أبان الأحمر، عن محمد بن الحُسن الخزاز، عن هارون بن خارجه، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: كنا عنده فذكرنا الحُسن عليه السلام [و علی قاتله لعنة الله] فبکی أبو عبدالله عليه السلام و بکینا، قال: ثم رفع رأسه فقال: قال الحُسن عليه السلام: انا قتل العبرة، لا یذکر فی مؤمن إلا بکی - و ذکر الحدیث -».

ترجمه:

﴿ حدیث ششم ﴾

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن خالد برقی، از ابان احمر، از محمد بن الحُسن الخزاز، از هارون بن

خارجه، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده وی گفت:
 محضر مبارک امام صادق علیه السلام بودیم، پس نام امام حسین علیه السلام و علی قاتله
 لعنة الله را بردیم، حضرت گریستند و ما نیز گریستیم.
 راوی می گوید: امام علیه السلام سر مبارکش را بلند کرده و فرمودند:
 حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند:
 من کشته اشک هستم، یاد نمی کند من را هیچ مؤمنی مگر آنکه می گرید.....

متن:

۷- حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ [عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ] السَّعْدِ أَبِي أَبِي قَالَ:
 حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ مَسْكَانٍ، عَنْ هَارُونَ
 ابْنِ خَارِجَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام «قَالَ: قَالَ الْحُسَيْنِ علیه السلام: أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ،
 قُتِلْتُ مَكْرُوبًا، وَحَقِيقَ عَلِيٍّ [اللَّهِ] إِنْ لَا يَأْتِنِي مَكْرُوبٌ قَطُّ إِلَّا رَدَّهَ اللَّهُ
 وَقَبَلَهُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا».

حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ، عَنْ سَلْمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو،
 عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام مثله.

ترجمه: ﴿ حدیث هفتم ﴾

علی بن الحُسَین سعد آبادی می گوید:
 احمد بن ابی عبدالله برقی از پدرش، از ابن مسکان، از هارون بن خارجه، از
 حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که حضرت فرمودند:
 حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند:

من کشته اشک هستم، من در حالی که غمگین و اندوهگین بودم کشته شدم
 و سزاوار است بر خدا که هر مکروب و اندوهگینی که به زیارت من می آید را با

قلبی مسرور و شاد به اهلش برگرداند.
حکیم بن داود، از سلمة بن الخطاب، از محمد بن عمرو، از هارون بن
خارجه، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام مثل همین حدیث را نقل کرده است.

﴿ الباب السابع والثلاثون ﴾
﴿ ماروی آن الحسین علیه السلام سید الشهداء ﴾

متن:

۱ - حدیثی محمد بن جعفر الرزاز، عن محمد بن الحسین، محمد بن
اسماعیل، عن حنان «قال: قال أبو عبدالله علیه السلام: زوروا الحسین علیه السلام و
لا تجفوه، فانه سید شباب اهل الجنة من الخلق و سید الشهداء».

﴿ باب سی و هفتم ﴾
﴿ در بیان روایاتی که دلالت دارند بر ﴾
﴿ اینکه حضرت امام حسین علیه السلام سید الشهداء می باشند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزاز، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل، از حنان
نقل کرده که وی گفت: حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:
حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کرده و به آن جناب جفاء نکنید زیرا آن
وجود مبارک سرور جوانان بهشت و آقا و سید الشهداء می باشند.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ، عَنِ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى، عَنِ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بِالْمَدِينَةِ: أَيْنَ قُبُورِ الشَّهَدَاءِ؟ فَقَالَ: أَلَيْسَ أَفْضَلَ الشَّهَدَاءِ عِنْدَكُمْ، وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ أَنْ حَوْلَهُ أَرْبَعَةٌ أَلْفٍ مَلِكٍ شِعْبًا غُيْرًا يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

بدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عيسى، از عباس بن معروف، از حماد بن عيسى از ربیع بن عبد الله نقل کرده که وی گفت: محضر ابو عبدالله علیه السلام در مدینه عرض کردم: قبور شهداء کجاست؟ حضرت فرمودند:

آیا افضل و برترین شهداء نزد شما نیست؟ قسم به کسی که جانم در دست او است اطراف آن حضرت چهار هزار فرشته که جملگی ژولیده و اندوهگین و گرفته می باشند حضور داشته و پیوسته تا روز قیامت برای آن حضرت گریه می کنند.

متن:

۳ - حَدَّثَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ الرَّزَّازُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنِ أَبِي دَاوُدَ الْمَسْرُوقِ، عَنِ أُمِّ سَعِيدِ الْأَخْمَسِيَّةِ «قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَقَدْ بَعَثَ مِنْ يَكْتَرِي لِي حِمَارًا إِلَى قُبُورِ الشَّهَدَاءِ، فَقَالَ: مَا يَمْنَعُكَ مِنْ زِيَارَةِ سَيِّدِ الشَّهَدَاءِ قَالَتْ: قُلْتُ: وَمَنْ هُوَ؟ قَالَ: الْحُسَيْنِ عليه السلام، قَالَتْ: قُلْتُ: وَمَا لِمَنْ زَارَهُ؟ قَالَ: حَجَّةٌ وَعَمْرَةٌ مَبْرُورَةٌ

و من الخیر کذا و کذا و کذا - ثلاث مرّات - بیده».

ترجمه: ﴿ حدیث سوّم ﴾

ابوالعباس رزّاز، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از ابی داود المسترق، از امّ سعید اَحْمَسِیّه وی می گوید:

محضر مبارک حضرت ابو عبدالله علیه السلام بودم و کسی را فرستاده بودم که درازگوشی را کرایه کند و من را به قبور شهداء ببرد. امام علیه السلام فرمودند:

چه چیز تو را باز داشت از زیارت حضرت سیدالشهداء.

ام سعید می گوید: عرض کردم: سیدالشهداء کیست؟

حضرت فرمودند:

سیدالشهداء امام حسین علیه السلام می باشد.

ام سعید عرض کرد: ثواب کسی که آن حضرت را زیارت کند چیست؟

حضرت فرمودند:

حجّ و عمره قبول شده، و از اعمال خیر فلان و فلان و فلان (حضرت با دست

مبارک سه مرتبه این عبارت را تفهیم فرمودند).

متن:

۴ - و عنه، عن محمد بن الحسين، عن الحكم بن مسكين، عن امّ سعید الأحمسیّة «قالت: جئت إلى أبي عبدالله عليه السلام فدخلت عليه، فجاءت الجارية فقالت: قد جئتك بالدابة؛ فقال لي: يا امّ سعید أيّ شيء هذه الدابة؛ أين تبغين تذهبين؟ قالت: قلت: أزور قبور الشهداء. قال: اخرى ذلك اليوم، ما اعجبكم يا اهل العراق؛ تأتون الشهداء من سفر

بعید و تترکون سیدالشهداء لا تأتونه؟! قالت: قلت له: من سیدالشهداء؟ فقال: الحسین بن علی علیه السلام قالت: قلت: انی امرأة، فقال لأبأس لمن کان مثلك أن تذهب إليه و تزوره، قالت: أئی شیء لنا فی زیارتہ؟ قال: تعدل حجة و عمرة و اعتکاف شهرین فی المسجد الحرام و صیامها، و خیرها کذا و کذا، قالت: بسط یدہ و ضمها ضمّاً - ثلاث مرّات - .»

ترجمه: ﴿ حدیث چهارم ﴾

ابو العباس رزازی، از محمد بن الحسین، از حکم بن مسکین، از امّ سعید احمسیه، ری می گوید:

رفتم محضر مبارک حضرت ابی عبدالله علیه السلام و بر آن جناب داخل شدم پس کنیزم آمد و اظهار کرد که اسب را برایم آورده و آماده کرده ام. امام علیه السلام به من فرمودند:

این اسب چیست کجا را اختیار کرده ای که بروی؟

عرض کردم: به زیارت قبور شهداء می روم.

حضرت فرمودند: امروز را به تأخیر بینداز، از شما اهل عراقی متعجبم که راه دوری را طی کرده و به زیارت قبور شهداء می روید ولی سیدالشهداء را ترک کرده و به زیارتش نمی روید؟!

عرض کردم: سیدالشهداء کیست؟

حضرت فرمودند: سیدالشهداء حضرت حسین بن علی علیه السلام می باشد.

عرض کردم: من زن هستم.

امام علیه السلام فرمودند: کسی که مثل شما باشد اشکالی ندارد به آنجا رفته و آن

حضرت را زیارت کند.

عرض کردم: در زیارت ما چه ثواب و اجری هست؟
حضرت فرمودند: زیارت شما معادل با یک حج و یک عمره و اعتکاف دو
ماه در مسجد الحرام و روزه آن بوده و بهتر از آن کذا و کذا.
ام سعید می‌گوید: حضرت سه مرتبه دست‌های مبارک را باز کرده و بستند.

متن:

۵ - حدّثنی ابي؛ و علی بن الحُسَین، و محمد بن الحسن - رحمهم الله -
عن سعد بن عبدالله، عن الحسن بن علی بن عبدالله بن المغيرة، عن
العباس بن عامر، عن احمد بن رزق، الغمشانی، عن امّ سعید الأحمسیّة
«قالت: دخلت المدينة فاكتريت حماراً علی أن أطوف علی قبور
الشهداء، فقلت لأبداً أبداً باین رسول الله ﷺ فأدخل علیه، فابطأت علی
المكارئ قليلاً، فهتف بي، فقال لي ابو عبدالله: ما هذا يا امّ سعید؟ قلت
له: جعلت فداك تكاريت حماراً لأزور علی قبور الشهداء، قال: أفلا
أخبرك بسید الشهداء؟! قلت: بلى، قال: الحُسَین بن علیؑ، قلت: و إته
لسید الشهداء؟! قال: نعم، قلت: فما لمن زاره؟ قال: حجّة و عمرة و من
الخیر - هكذا و هكذا-».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

پدرم و علی بن الحسین و محمد بن الحسن رحمة الله عليهم، از سعد بن
عبدالله، از حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره از عباس بن عامر، از احمد بن رزق
الغمشانی از امّ سعید احمسیه نقل کرده، اند که وی گفت:
داخل مدینه شدم و درازگوشی را کرایه کرده تا قبور شهداء را زیارت کنم، با

خود گفتم:

چاره‌ای نیست از اینکه ابتداء پر رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کرده بعداً به زیارت اهل قبور بروم پس بر آن جناب داخل شدم و چون توقف و ماندنم نزد آن جناب اندکی طول کشید کمی مکاری معطل شد لذا فریاد زد و من را صدا نمود.

حضرت ابو عبدالله علیه السلام به من فرمودند:

ای ام سعید این شخص کیست؟

عرض کردم: فدایت شوم درازگوشی را کرایه کرده‌ام تا به زیارت قبور شهداء

بروم.

حضرت فرمودند: آیا به تو از سیدالشهداء خیر ندهم؟!؟

عرض کردم: چرا.

فرمودند: سیدالشهداء حضرت حسین بن علی علیه السلام است.

عرض کردم: آن حضرت سیدالشهداء می باشند؟!؟

حضرت فرمودند: بلی.

عرض کردم: ثواب و اجر کسی که حضرت را زیارت کند چیست؟

فرمود:

یک حج و یک عمره و از اعمال خیر هکذا و هکذا (فلان مقدار و فلان

مقدار).

متن:

۶ - حدیثی آبی؛ و محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری جمیعاً، عن

عبدالله بن جعفر الحمیری، عن احمد بن ابی عبدالله البرقی، عن ابیه، عن

عبدالله بن قاسم الحارثی، عن عبدالله بن سنان، عن ام سعید الأحمسیة،

«قالت: دخلت المدينة فأكرتيت البغل لأزور عليه قبور الشهداء،
 قالت: قلت: ما أحدٌ أحقُّ أن أبدء به من جعفر بن محمد عليه السلام؟ قالت:
 فدخلت عليه فابطأت فصاح بي المكارى حبستينا عافاك الله، فقال لي
 أبو عبد الله: كأنَّ إنساناً يستعجلك يا أمَّ سعيد، قلت: نعم جعلتُ فِداك، إني
 اكرتيت بغلاً لأزور عليه قبور الشهداء فقلت: ما آتي أحدٌ أحقَّ من جعفر
 ابن محمد عليه السلام؟ قالت: فقال: يا أمَّ سعيد فما يمنعك من أن تأتي قبر
 سيد الشهداء؟! قالت: فطمعت أن يدُئني على قبر علي بن أبي طالب عليه السلام
 فقلت: بأبي أنت و أمي و من سيد الشهداء؟ قال: الحسين، ابن فاطمة عليهما السلام،
 يا أمَّ سعيد من أتاه ببصيرة و رغبة فيه كان له حجة و عمرة مبرورة
 و كان له من الفضل هكذا و هكذا».

ترجمه
 حديث ششم

پدرم و محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری جملگی از عبدالله بن جعفر
 حمیری، از احمد بن ابی عبدالله برقی، از پدرش، از عبدالله بن قاسم حارثی، از
 عبدالله بن سنان از امّ سعید اُخمسیه نقل کرده اند که وی گفت:
 داخل مدینه شده پس فاطری کرایه کردم تا بر آن سوار شده و به زیارت قبور
 شهداء روم.

وی می گوید: پیش خود گفتم: احدی شایسته تر از جعفر بن محمد عليه السلام به این
 نیست که ابتداء زیارتش کرده و سپس به زیارت اهل قبور بروم لذا بر آن جناب
 داخل شدم پس چون توقف و مانندم نزد آن حضرت طول کشید مکاری فریاد
 زد و گفت: خدا سلامتت بدارد، ما را اینجا حبس کردی و نگاه داشتی!
 حضرت ابو عبدالله عليه السلام به من فرمودند:

گویا ای ام سعید کسی انتظار تو را می کشد؟

عرض کردم: بلی فدایت شوم، من قاطری را کرایه کرده تا بر آن سوار شده و به زیارت قبور شهداء روم منتهی به خودم گفتم: ابتداء نزد کسی شایسته تر از جعفر محمد علیه السلام نمی روم.

ام سعید می گوید: امام علیه السلام فرمودند:

ای ام سعید: چه چیز تو را بازداشت از زیارت قبر حضرت سیدالشهداء؟
ام سعید می گوید: انتظار داشتم آن حضرت من را بر قبر علی بن ابی طالب علیه السلام راهنمایی کنند، پس محضرشان عرض کردم: پدر و مادرم فدایت باد سیدالشهداء کیست؟

حضرت فرمودند:

حسین بن فاطمه علیه السلام، ای ام سعید کسی که با بصیرت و رغبت و میل به زیارتش رود برای او یک حج و یک عمره قبول شده منظور می کنند و فلان و فلان فضیلت برایش می باشد.

متن:

۷- حدیثی محمد بن جعفر الرزاز، عن خاله محمد بن الحسين بن ابی الخطاب، عن محمد بن اسمعیل - عن حدیثه - عن علی بن ابی حمزة، عن الحسين بن ابی الغلاء، و ابی المغراء و عاصم بن حمید الحنّاط جماعتهم، عن ابی بصیر، عن ابی عبدالله علیه السلام «قال: ما من شهید الا و یحبّ ان یتکون مع الحسين علیه السلام حتی یدخلون الجنة معه».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزاز از دانی خود محمد بن الحسين بن ابی الخطاب، از

محمد بن اسماعيل، از كسيكه براي او حديث نقل کرده، از علي بن ابي حمزه، از حسين بن ابي العلاء و ابي المغزا و عاصم بن حميد حناط جملگی از ابي بصير و او از حضرت ابي عبدالله عليه السلام نقل کرده كه آن حضرت فرمودند:
 نيست شهيدی مگر آنكه دوست دارد كه با حضرت امام حسين عليه السلام بوده تا در معيت آن جناب داخل بهشت شوند.

﴿ البابُ الثَّامِنُ وَ الثَّلَاثُونَ ﴾

﴿ زيارة الأنبياء الحسين بن علي عليه السلام ﴾



متن:

۱ - حدثني الحسن بن عبدالله، عن أبيه، عن الحسن بن محبوب،
 و عن اسحاق بن عمار «قال: سمعت أبا عبدالله عليه السلام يقول: ليس نبي في
 السماوات [و الأرض] إلا يسألون الله تعالى أن يأذن لهم في زيارة
 الحسين عليه السلام ففوج ينزل و فوج يصعد».

﴿ باب سی و هشتم ﴾
 ﴿ زیارت انبیاء علیهم السلام حضرت ﴾
 ﴿ حسین بن علی علیه السلام را ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله، از پدرش، از حسن بن محبوب از اسحق بن عمار وی می گوید:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

نیست پیغمبری در آسمانها و زمین مگر آنکه از خداوند متعال درخواست دارند که به ایشان اذن داده شود تا حضرت حسین بن علی علیه السلام را زیارت کنند پس فوجی از آسمان نازل شده و به زیارت آن جناب رفته و فوجی پس از زیارت به آسمان می روند.

متن:

۲ - و عنه، عن أبيه، عن الحسن بن محبوب، عن الحسين بن بنت أبي حمزة الثمالي «قال: خرجت في آخر زمان بنى مروان إلى زيارة قبر الحسين عليه السلام مستخفياً من أهل الشام، حتى انتهيت إلى كربلاء فاخفيت في ناحية القرية حتى إذا ذهب من الليل نصفه أقبلت نحو القبر، فلما دثرت منه أقبل نحوي رجل فقال لي: انصرف مأجوراً؛ فأنتك لأتصل إليه، فرجعت فرحاً حتى إذا كاد يطلع الفجر أقبلت نحوه حتى إذا دثرت منه خرج إلي الرجل فقال لي: يا هذا إنك لأتصل إليه، فقلت له: عافاك الله

ولم أنا أخاف أن أصبح فيقتلونني أهل الشام إن أدركوني ههنا قال: فقال لي: اصبر قليلاً فإن موسى بن عمران عليه السلام سأل الله أن يأذن له في زيارة قبر الحسين فأذن له، فهبط من السماء في سبعين ألف ملك فهم بحضرة من أول الليل ينتظرون طلوع الفجر ثم يعرجون إلى السماء، قال: قلت له: فن أنت عافاك الله؟ قال: أنا من الملائكة الذين أمروا لجرس قبر الحسين عليه السلام و الاستغفار لزوارة، فانصرفت وقد كاد أن يطير عقلي لما سمعت منه، قال: فأقبلت لما طلع الفجر تحوه فلم يحل بيبي و بينه أحد فذتوت من القبر و سلمت عليه و دعوت الله على قتلتيه و ضللت الصبح و أقبلت مسرعاً مخافة أهل الشام».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله، از پدرش، از حسن بن محبوب، از حسین بن بنت ابی حمزه الثمالی، وی می گوید:

اواخر حکومت بنی مردان بود که من برای زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام در حالی که از اهل شام پنهان می داشتم از شهر کوفه خارج شده تا به کربلاء رسیدم.

پس در جایی منخفی شدم تا نیمی از شب گذشت سپس از مکان خود بیرون آمدم و به طرف قبر رفتم و وقتی نزدیک شدم مردی بطرف من آمد و گفت: برگرد که مأجور و مثاب می باشی و تو به قبر دسترسی نداری.

پس نالان و با فزع و جزع برگشته تا نزدیک طلوع صبح شد سپس به طرف قبر بازگشته تا نزدیک آن شدم باز همان شخص به طرف من آمد و گفت: ای شخص تو دسترسی به قبر نداری.

به او گفتم: خدا سلامت بدارد چرا من به قبر دست‌رسی ندارم؟ در حالی که من از کوفه به نیت زیارت آن حضرت آمده‌ام بنابراین تقاضا دارم بین من و بین قبر حائل نشوی تا زیارت کرده و سریع برگردم زیرا هراس دارم صبح شود و اهل شام من را در اینجا دیده و اقدام به کشتنم کنند.
راوی می‌گوید:

آن شخص به من گفت: کمی صبر کن زیرا حضرت موسی بن عمران علیه السلام از خداوند متعال درخواست نموده که به او اذن زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام را بدهد و حق تعالی به وی اذن داده لذا وی با هفتاد هزار فرشته از آسمان به زیر آمده و هم اکنون در محضر امام علیه السلام بوده و آن جناب را زیارت کرده و انتظار می‌کشند صبح طلوع کرده تا به آسمان بروند.



راوی می‌گوید: به آن شخص گفتم: خدا سلامت بدارد کیستی؟
گفت: من از فرشتگانی هستم که مأمور حفاظت و حراست قبر حسین بن علی علیه السلام و طلب آموزش برای زوار آن جناب می‌باشند.
پس برگشتم و نزدیک بود بخاطر آنچه از او شنیده بودم عقلم ببرد.
وی می‌گوید:

هنگامی که صبح طلوع کرد جلو رفته کسی حائل و مانع نشد پس نزدیک به قبر شده و سلام نمودم و کشندگان آن حضرت را نفرین کرده و در همانجا نماز صبح را بجا آورده و بجهت خوف و هراسی که از اهل شام داشتم سریع برگشتم.

متن:

۳- حدیثی محمد بن عبدالله الحمیری، عن أبیه، عن هارون بن مسلم، عن عبدالرحمن بن [عمرو بن] الأشعث، عن عبدالله بن حماد

الانصاری، عن ابن سنان، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: سمعته يقول: قبر الحسين بن عليّ صلوات الله عليهما عشرون ذراعاً في عشرين ذراعاً مكثراً روضةً من رياض الجنة، ومنه معراج الملائكة الى السماء، وليس من ملكٍ مقربٍ ولا نبيٍّ مرسلٍ إلا وهو يسأل الله أن يزوره، ففوج يهبط وفوج يصعد».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله حمیری از پدرش، از هارون بن مسلم، از عبدالرحمن بن عمرو اشعث، از عبدالله بن حماد الانصاری، از ابن سنان، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام نقل کرده، وی می گوید: از آن حضرت شنیدم که می فرمودند: مساحت قبر حسین بن علیّ صلوات الله علیهما بیست ذراع در بیست ذراع بوده و آن باغی است از باغهای بهشت و از آنجا فرشتگان به آسمان عروج می کنند و هیچ فرشته مقرب و نبی مرسل نیست مگر آنکه از خدا طلب زیارت آن را می کند لذا فوجی از آسمان به زمین آمده تا آن زیارت کرده و فوجی پس از زیارت از زمین به آسمان می روند.

متن:

۴- حدیثی ابی؛ و اخی؛ و جماعة مشایخی - رحمهم الله - عن محمد بن یحیی؛ و أحمد بن إدريس، عن محمد بن سلیمان التیسابوری، عن عبدالله بن محمد الیمانی، عن منیع بن حجاج، عن یونس، عن صفوان الجمال «قال: قال لی أبو عبدالله عليه السلام: لما أتى الحيرة هل لك في قبر

الحُسَین علیه السلام؟ قلت: و تَزُورُهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ؟ قال: و کَیْفَ لَا أُزُورُهُ وَ اللهُ یَزُورُهُ فِی کُلِّ لَیْلَةٍ جُمُعَةٍ یَهْبِطُ مَعَ المَلائِکَةِ إلیهِ وَ الأَنْبِیاءِ وَ الأَوْصِیاءِ وَ مُحَمَّدٍ أَفْضَلِ الأَنْبِیاءِ، وَ نَحْنُ أَفْضَلُ الأَوْصِیاءِ، فَقال صَفْوانُ جَعَلَتْ فِدَاكَ فَتَزُورُهُ فِی کُلِّ جُمُعَةٍ حَتَّى تُدْرِكَ زیارَةَ الرَّبِّ؟ قال: نَعَمْ، یا صَفْوانُ أَلْزَمَ ذَکَ تَکْئِبَ لَکَ زیارَةَ قَبْرِ الحُسَینِ علیه السلام، وَ ذَکَ تَفْضِیلُ وَ ذَکَ تَفْضِیلٌ».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدر و برادر و جماعتی از اساتیدم، از محمد بن یحیی و احمد بن ادريس، از حمدان بن سلیمان نیشابوری از عبدالله بن محمد الیمانی، از منیع بن حجاج، از یونس، از صفوان جمال نقل کرده‌اند که وی گفت:

وقتی حضرت ابو عبدالله علیه السلام به خیره تشریف آوردند به من فرمودند:

آیا مایل به زیارت قبر حسین علیه السلام هستی؟

عرض کردم: فدایت شوم آیا قبر آن حضرت را زیارت می‌کنی؟

حضرت فرمودند:

چگونه آن را زیارت نکنم و حال آنکه خداوند متعال در هر شب جمعه با فرشتگان و انبیاء و اوصیاء به زمین هبوط کرده و او را زیارت می‌کنند.

البته حضرت محمد صلی الله علیه و آله افضل انبیاء و ما افضل اوصیاء هستیم.

(طبق فرموده مرحوم مجلسی مقصود از زیارت حق تعالی، انزال رحمت‌های خاصه‌اش بر آن حضرت و زوار آن جناب می‌باشد).

سپس صفوان عرض کرد: فدایت شوم پس، هر شب جمعه قبر آن حضرت را

زیارت کرده تا بدین وسیله زیارت پروردگار را نیز کرده باشیم؟

حضرت فرمودند:

بلی، ای صفوان ملازم این باش برایت زیارت قبر حسین علیه السلام را می نویسند و این تفضیلی است و این تفضیلی است (یعنی زیارت قبر حسین علیه السلام این فضیلت را دارد که در آن زیارت پروردگار نیز می باشد).

متن:

و حَدَّثَنِي الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْهَمْدَانِيُّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَادٍ الْأَنْصَارِيِّ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ قَالَ: خَرَجْتُ فِي آخِرِ زَمَانِ بَنِي أُمَيَّةَ (كُذِّبَا) وَذَكَرْتُ مِثْلَ الْحَدِيثِ الْمُسْتَقَدَّمِ فِي الْبَابِ.

وحدَّثني أبي - رحمه الله - وجماعة مشايخي، عن أحمد بن إدريس، عن عمر كمي بن علي البوفكي، عن عدة من أصحابنا، عن الحسن بن محبوب، عن الحسين بن ابنة أبي حمزة الثمالي قال: خرجت في آخر زمان بني مروان - و ذكر مثل حديث الذي مرَّ في أول الباب سواءً.

ترجمه:

قاسم بن محمد بن علی بن ابراهیم همدانی از پدرش، از جدش از عبدالله بن حماد انصاری از حسین بن ابی حمزه نقل کرده که وی گفت: در اواخر حکومت بنی امیه من از شهر خود خارج شدم و سپس مثل حدیثی را که قبلاً نقل کردیم (حدیث دوم از همین باب) نقل نمود: و پدرم رحمه الله علیه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم از احمد بن ادريس از عمر کمي بن علي بوفکی، از عدّه ای اصحاب از حسن بن محبوب، از حسین بن ابنة ابی حمزة الثمالي نقل کرده اند که وی گفت:

در اواخر حکومت بنی مروان از شهر خود خارج شدم و سپس نظیر حدیثی را که قبلاً نقل نمودیم (حدیث دوم از همین باب) نقل کرده‌است.

﴿ الباب التاسع و الثلاثون ﴾

﴿ زیارة الملائكة الحسین بن علی علیه السلام ﴾

متن:

۱- حدیثی الحسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، عن أبیه، عن الحسن ابن محبوب، عن اسحاق بن عمار، عن ابی عبدالله علیه السلام «قال: سمعته يقول: ليس من ملك في السماوات الا وهم يألون الله عزوجل أن يأذن لهم في زيارة قبر الحسين علیه السلام، ففوج يَنْزِلُ وفوج يَعْرُجُ».

﴿ باب سی و نهم ﴾

﴿ زیارت فرشتگان حسین بن علی علیه السلام را ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

حسین بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از اسحاق بن عمار، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام وی می‌گوید:
از آن حضرت شنیدم که می‌فرمودند:
هیچ فرشته‌ای در آسمان‌ها نیست مگر آنکه از خداوند عزوجل درخواست دارد که حق تعالی به او اذن دهد که قبر حضرت حسین علیه السلام را زیارت کند لذا

فوجی از آسمان به زیر آمده و به زیارت حضرتش رفته و فوجی از زیارت برگشته و به آسمان عروج می‌کنند.

متن:

۲- و عنه، عن أبيه، عن الحسن بن محبوب، عن داود الرقيّ «قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: ما خلق الله خلقاً أكثر من الملائكة، وأنه ينزل من السماء كل مساءٍ سبعون ألف ملك يطوفون بالبيت الحرام ليلتهم حتى إذا طلع الفجر انصرفوا إلى قبر النبي صلى الله عليه وآله فيسلمون عليه ثم يأتون قبر أمير المؤمنين عليه السلام فيسلمون، ثم يأتون قبر الحسين عليه السلام فيسلمون عليه، ثم يعرجون إلى السماء قبل أن تطلع الشمس، ثم تنزل ملائكة النهار سبعون ألف ملك، فيطوفون بالبيت الحرام نهارهم حتى إذا غربت الشمس انصرفوا إلى قبر رسول الله صلى الله عليه وآله فيسلمون عليه، ثم يأتون قبر أمير المؤمنين عليه السلام فيسلمون عليه، ثم يأتون قبر الحسين عليه السلام فيسلمون عليه، ثم يعرجون إلى السماء قبل أن تغيب الشمس».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از داود رقی نقل کرده، وی گفت:

از حضرت ابو عبدالله عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

خداوند متعال مخلوقی زیادتیر از فرشتگان نیافریده، در هر شب هفتاد هزار فرشته از آسمان نازل شده و از اول شب تا طلوع صبح بیت‌الله الحرام را طواف می‌کنند و پس از طلوع صبح به طرف قبر نبی اکرم صلى الله عليه وآله برگشته و به آنجا که

رسیدند به حضرتش سلام نموده و بعداً به نزد قبر امیرالمؤمنین علیه السلام رفته و به آن جناب سلام کرده و پس از آن به نزد قبر حسین علیه السلام آمده و بر آن وجود مبارک سلام داده و قبل از طلوع آفتاب به آسمان عروج می‌کنند و پس از ایشان فرشتگان روز که آنها نیز هفتاد هزار نفر هستند به زمین آمده ابتداء بیت‌الله الحرام را طواف کرده و طول روز به آن اشتغال دارند و پس از غروب آفتاب به طرف قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفته و بر آنجناب سلام داده و پس از آن نزد قبر امیرالمؤمنین علیه السلام می‌آیند و بر آن حضرت سلام کرده و بعد به نزد قبر حسین علیه السلام حاضر شده و بر آن جناب سلام داده و سپس پیش از غروب آفتاب به آسمان می‌روند.



متن:

۳- حدیثی آبی - رحمه الله - و جماعة مشایخی، عن سعد بن عبدالله، عن الحسن بن عبدالله، عن الحسن بن علی بن ابی عثمان، عن محمد بن الفضیل، عن إسحاق بن عمار، عن أبی عبدالله علیه السلام «قال: ما بین قبر الحسین علیه السلام إلى السماء مختلف الملائكة».

﴿ حدیث مؤتم ﴾

ترجمه:

بدرم رحمه الله علیه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم از سعد بن عبدالله، از حسین بن عبدالله، از حسن بن علی بن ابی عثمان از محمد بن فضیل، از اسحاق بن عمار نقل کرده‌اند که وی گفت:

امام صادق علیه السلام فرمودند:

بین قبر امام حسین علیه السلام تا آسمان ملائکه و فرشتگان درآمد و شد و نزول و صعود می‌باشند.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ،
عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادِ الْإِنصَارِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ «قَالَ: سَمِعْتُ
أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: قَبْرُ الْحُسَيْنِ عليه السلام - عَشْرُونَ ذِرَاعاً فِي عِشْرِينَ ذِرَاعاً
مُكْتَسِراً - رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، مِنْهُ مَعْرَاجٌ إِلَى السَّمَاءِ، فَلَيْسَ مِنْ
مَلِكٍ مَقْرَبٍ وَلَا نَبِيٍّ مَرْسَلٍ إِلَّا وَهُوَ يَسْأَلُ اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يَزُورَ الْحُسَيْنَ عليه السلام،
فَفَوْجٌ يَهْبِطُ وَفَوْجٌ يَصْعَدُ».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

قاسم بن محمد بن علی بن ابراهیم از پدرش، از جدش، از عبدالله بن حماد
انصاری، از عبدالله بن سنان ری می گویند:
از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمودند:

مساحت قبر حسین بن علی عليه السلام بیست ذراع در بیست ذراع می باشد، این
محل باغی است از باغ های بهشت، از آنجا عروج به آسمان صورت می گیرد،
و هیچ فرشته مقرب و نبی مرسل نیست مگر آنکه از حق تعالی درخواست
می کند که به زیارت حسین عليه السلام برود پس فوجی از آسمان به زمین فرود آمده و به
زیارت آن حضرت رفته و فوجی پس از زیارت به آسمان می روند.

متن:

۵ - وَ عَنْهُ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ، عَنْ إِسْحَاقِ بْنِ
عِمَّارٍ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: جُعِلَتْ فِدَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ كُنْتُ فِي
الْحَيْرَةِ لَيْلَةَ عَرَفَةَ فَرَأَيْتُ نَحْوًا مِنْ ثَلَاثَةِ آلَافٍ أَوْ أَرْبَعَةِ آلَافٍ رَجُلًا،

جمیلة وجوههم، طيبة ریحهم، شدید بیاض ثیابهم، یصلون اللیل
 أجمع، فلقد كنت أريد أن آتی قبر الحسين عليه السلام وأقبله وأدعو بدعوات،
 فما كنت أصل إليه من كثرة الخلق، فلما طلع الفجر سجدت سجدة،
 فرفعت رأسي فلم أر منهم أحداً، فقال لي أبو عبدالله عليه السلام: أتدري من هؤلاء؟
 قلت: لا جعلت فداك، فقال: أخبرني أبي، عن أبيه، قال: مرَّ بالحسين عليه السلام
 أربعة آلاف ملكٍ - وهو يقتل - فخرجوا إلى السماء فأوحى الله تعالى إليهم:
 يا معشر الملائكة مررتم بآبن حبيبي و صفيي محمد عليه السلام و هو يُقتل
 و يضطهد مظلوماً فلم تنصروه؟! فأنزلوا إلى الأرض إلى قبره فابكوه
 شعناً غبراً إلى يوم القيامة، فهم عنده إلى أن تقوم الساعة».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

و از قاسم بن محمد بن علی بن ابراهیم، از پدرش، از جدش، از عبدالله بن
 حماد، از اسحاق بن عمّار نقل کرده که وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبدالله عليه السلام عرض کردم: ای پسر رسول خدا
 فدایت شوم شب عرفه در حیره بودم، قریب سه، چهار هزار مردانی دیدم که
 صورت‌هایشان زیبا و بویشان خوش و لباس‌های بسیار سفید به تن داشتند
 و طول شب در آنجا به نماز خواندن مشغول بودند، اراده کردم به نزدیک قبر
 شریف رفته و آن را بوسیده و دعاهانی نزدیک قبر بخوانم ولی از کثرت خلق
 و ازدحام جمعیت نتوانستم خود را به قبر برسانم و وقتی صبح طلوع نمود به
 سجده رفته و وقتی سر از سجده برداشتم احدی از آن مردان را ندیدم.

امام عليه السلام به من فرمودند:

آیا دانستی آنها چه کسانی بودند؟

عرضه داشتم: فدایت شوم، خیر.

امام علیه السلام فرمودند: پدرم از پدرشان به من خبر دادند که چهار هزار فرشته به حضرت امام حسین علیه السلام مرور کردند در حالی که آن حضرت شهید شده بودند پس آن فرشتگان به آسمان عروج کردند و حق تعالی به ایشان وحی فرمود: ای گروه فرشتگان به پسر حبیب و برگزیده ام حضرت محمد صلی الله علیه و آله مرور نمودید در حالی که او کشته و مقهور و مظلوم بود پس چرا او را کمک نکردید؟ پس به زمین فرود آئید و ملازم قبرش برده و با حالی ژولیده و گرفته تا روز قیامت بر او بگریید، پس این فرشتگان نزد قبر برده تا قیامت به پا شود.

متن:

۶ - حدیثی ابی - رحمه الله تعالی - عن سعد بن عبدالله، عن بعض اصحابه، عن أحمد بن قتیبة الهمدانی، عن إسحاق بن عمار «قال: قلت لأبي عبدالله علیه السلام: إني كنت بالخائر ليلة عرفة و كنت أصلي و ثم نَحَوُّ مِنْ خَمْسِينَ أَلْفًا مِنَ النَّاسِ، جَمِيلَةً وَ جَوْهَرَهُمْ، طَيِّبَةً رَوَّاحِهِمْ، وَ أَتَبَلَّوْا يَصَلُّونَ اللَّيْلَةَ أَجْمَعِ، فَلَمَّا طَلَعَ الْفَجْرُ سَجَدْتُ ثُمَّ رَفَعْتُ رَأْسِي فَلَمْ أَرْ مِنْهُمْ أَحَدًا، فَقَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: إِنَّهُ مَرَّ بِالْحُسَيْنِ علیه السلام خَمْسُونَ أَلْفَ مَكٍّ، وَ هُوَ يَقْتُلُ فَعَرَجُوا إِلَى السَّمَاءِ فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِمْ: مَرَّرْتُمْ بَابَن حَبِيبٍ وَ هُوَ يَقْتُلُ فَلَمْ تَنْصُرُوهُ؟! فَاهْبِطُوا إِلَى الْأَرْضِ فَاشْكُرُوا عِنْدَ قَبْرِهِ شُغْرًا غُبْرًا إِلَى يَوْمِ تَقُومُ السَّاعَةُ.

واقبلوا يصلون الليلة اجمع فلما طلع الفجر سجدت ثم رفعت رأسي فلم أر منهم احداً فقال لي ابو عبدالله علیه السلام انه مر بالحسين علیه السلام خمسون ألف ملك و هو يقتل فخرجوا الى السماء فأوحى الله تعالى اليهم مررتم بابن حبيب

جیبی و هو یقتل فلم تنصروه فاهبطوا الی الأرض فاسکنوا عند قبره
شعناً غیراً الی یوم تقوم الساعة».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه: از سعد بن عبدالله، از برخی اصحابش، از احمد بن قتیبه
همدانی، از اسحاق بن عمار نقل کرده که وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم شب عرفه در حائر بوده
و نماز می خواندم و در آنجا قریب پنجاه هزار نفر از مردمی دیدم زیباروی
و خوش بو که طول مدت شب را در آنجا نماز می خواندند و هنگامی که صبح
طلوع نمود به سجده رفتم و پس از برداشتن سوراخدی از ایشان را ندیدم.

امام علیه السلام به من فرمودند:

پنجاه هزار فرشته به حسین علیه السلام عبور کرده و در حالی که آن حضرت کشته
شده بودند پس به آسمان بالا رفتند و خداوند متعال به ایشان وحی فرستاد:

به پسر حبیبم مرور کردید در حالی که او کشته شده بود، پس چرا کمک
و یاری او نکردید؟ حال به زمین فرو روید و نزد قبرش ساکن شوید و با هیئت
ژولیده و حالی غمگین باقی بمانید تا قیامت پیا شود.

﴿ البابُ الأربعون ﴾

﴿ دعاء رسول الله و علي و فاطمة و الأئمة لزوَّار الحسين ﴾

متن:

۱ - حدَّثني أبي؛ و محمد بن عبد الله؛ و علي بن الحسين؛ و محمد بن الحسن - رحمهم الله - جميعاً، عن عبد الله بن جعفر الحميري، عن موسى بن عمر، عن حسان البصري، عن معاوية بن وهب، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: قال لي: يا معاوية لا تدع زيارة قبر الحسين عليه السلام لخوف، فإن من ترك زيارته رأى من الحشرة ما يتمنى أن قبره كان عنده أمّا تحب أن يرى الله شخصك و سوادك فيمن يدعو له رسول الله صلى الله عليه وآله و علي فاطمة و الأئمة عليهم السلام».

مرکز تحقیق و نشر کتب دینی اسلامی

﴿ باب جهلم ﴾

﴿ دعاء نمودن رسول خدا صلى الله عليه وآله و امیر المؤمنین و فاطمه و ائمه عليهم السلام ﴾﴿ در حق زائرین امام حسین عليه السلام ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن عبدالله و علی بن الحسین و محمد بن الحسن رحمة الله عليهم
جملگی از عبدالله بن جعفر حمیری، از موسی بن عمر، از حسان بصری، از
معاویة بن وهب، از حضرت ابا عبدالله عليه السلام، وی گفت:
امام صادق عليه السلام به من فرمودند:

ای معاویة به جهت ترس و وحشت زیارت قبر حضرت امام حسین عليه السلام را ترک
مکن زیرا کسیکه زیارت آن حضرت را ترک کند چنان حسرتی بخورد که آرزو

نماید فیر آن حضرت نزد او باشد و بتواند زیاد به زیارتش برود، آیا دوست داری که خدا تو را در زمره کسانی ببیند که حضرت رسول ﷺ و حضرات علی و فاطمه و ائمه ﷺ در حقشان دعاء فرموده‌اند.

متن:

۲- وبهذا الإسناد، عن موسى بن عمر، عن حسان البصري، عن معاوية بن وهب «قال: استأذنت علي أبي عبدالله ﷺ فقبل لي: أدخل. فدخلت فوجدته في مصلاه في بيته فجلست حتى قضى صلاته فسمعتة يناجي ربه وهو يقول: «اللهم يا مَنْ خَصَّنَا بِالْكَرَامَةِ؛ وَوَعَدَنَا بِالشَّفَاعَةِ؛ وَخَصَّنَا بِالْوَصِيَّةِ؛ وَأَعْطَانَا عِلْمَ مَا مَضَى وَعِلْمَ مَا بَقِيَ؛ وَجَعَلَ أَفْتَدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْنَا، اغْفِرْ لِي وَإِخْوَانِي وَزُرَّارِ قَبْرِ أَبِي الْحَسَنِ، الَّذِينَ أَنْقَضُوا أَمْوَالَهُمْ وَأَشْخَصُوا أَبْدَانَهُمْ رَغْبَةً فِي بَرِّنَا، وَرَجَاءً لِمَا عِنْدَكَ فِي صَلَاتِنَا، وَسُرُوراً أَدْخَلُوهُ عَلَي نَبِيِّكَ، وَاجَابَةً مِنْهُمْ لِأَمْرِنَا، وَغَيْظاً أَدْخَلُوهُ عَلَي عَدُونِنَا، أَرَادُوا بِذَلِكَ رِضَاكَ، فَكَانَتْهُمْ عَنَّا بِالرِّضْوَانِ، وَانْكَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَاخْتَلَفَ عَلَي أَهَالِيهِمْ وَأَوْلَادِهِمُ الَّذِينَ خَلَفُوا بِأَحْسَنِ الْخَلْفِ وَأَضْحَبَهُمْ، وَاكْفَيْهِمْ شَرَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ؛ وَكُلِّ ضَعِيفٍ مِنْ خَلْقِكَ وَشَدِيدٍ، وَشَرِّ شَيَاطِينِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ، وَأَعْطِهِمْ أَفْضَلَ مَا أَمَّلُوا مِنْكَ فِي غَرْبَتِهِمْ عَنِ أَوْطَانِهِمْ، وَمَا آثَرُونَا بِهِ عَلَي أَبْنَائِهِمْ وَأَهَالِيهِمْ وَقَرَابَاتِهِمْ، اللَّهُمَّ إِنَّ أَعْدَاءَنَا عَابُوا عَلَيْهِمْ بِخُرُوجِهِمْ، فَلَمْ يَنْهَيْهِمْ ذَلِكَ عَنِ الشُّغُوصِ إِلَيْنَا خِلَافاً مِنْهُمْ عَلَي مَنْ خَالَفْنَا، فَارْحَمْ تِلْكَ الْوُجُوهَ الَّتِي غَيْرَتْهَا الشَّمْسُ، وَارْحَمْ تِلْكَ الْخُدُودَ الَّتِي تَتَقَلَّبُ عَلَي حُفْرَةِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِ ﷺ،

وَازْحَم تِلْكَ الْأَعْيُنَ الَّتِي جَرَتْ دُمُوعُهَا رَحْمَةً لَنَا، وَازْحَم تِلْكَ الْقُلُوبَ
الَّتِي جَزَعَتْ وَاخْتَرَقَتْ لَنَا، وَازْحَم تِلْكَ الصَّرِخَةَ الَّتِي كَانَتْ لَنَا، اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْتَوِدُّكَ تِلْكَ الْأَبْدَانِ وَ تِلْكَ الْأَنْفُسَ حَتَّى تُزَوِّجَهُمْ عَلَى الْحَوْضِ يَوْمَ
الْعَطَشِ [الأكبر]:

فما زال يدعو عليه السلام وهو ساجدٌ بهذا الدعاء، فلما انصرف قلت: جُعِلْتُ
فِداك لو أنَّ هذا الَّذِي سَمِعْتُ مِنْكَ كَانَ لِمَنْ لَا يَعْرِفُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ
لَظَنَنْتُ أَنَّ النَّارَ لَا تَطْعَمُ مِنْهُ شَيْئاً أَبَداً!! وَاللَّهِ لَقَدْ تَمَتَّيْتُ أَنِّي كُنْتُ زُرْتُهُ
وَلَمْ أُحِجَّ، فَقَالَ لِي: مَا أَقْرَبَكَ مِنْهُ؛ فَمَا الَّذِي يَمْنَعُكَ مِنْ زِيَارَتِهِ؟ ثُمَّ قَالَ:
يَا مَعَاوِيَةَ لَمْ تَدْعُو ذَلِكَ، قُلْتُ: جُعِلْتُ فِداك لَمْ أَرَ أَنَّ الْأَمْرَ يَبْلُغُ هَذَا كَلَّهُ؟
فَقَالَ: يَا مَعَاوِيَةَ [و] مَنْ يَدْعُو لَزُرَّارِهِ فِي السَّمَاءِ أَكْثَرَ مِمَّنْ يَدْعُو لَهُمْ فِي
الْأَرْضِ».

مرکز تحقیق و تکثیر کتب و اسناد اسلامی

و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ
مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادِ الْبَصْرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ، عَنْ مَعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ: اسْتَأْذَنْتُ عَلِيَّ ابْنَ
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، وَذَكَرَ مِثْلَهُ.

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

و پدرم و محمد بن عبدالله و علی بن الحسین و محمد بن الحسن رحمة الله عليهم
جمعا گئی از عبدالله بن جعفر حمیری از موسی بن عمر، از حسان بصری، از
معاویة بن وهب نقل کرده اند که وی گفت:

اذن خواستم که بر امام صادق علیه السلام داخل شوم، به من گفته شد که داخل شو، پس
داخل شده آن جناب را در نمازخانه منزلشان یافتم پس نشستم تا حضرت

نمازشان را تمام کردند پس شنیدم که با پروردگارشان مناجات نموده و می‌گفتند: بار خدایا، ای کسی که ما را اختصاص به کرامت داده و وعده شفاعت دادی و مختص به وصیت نمودی (یعنی ما را وصی پیامبرت قرار دادی) و علم به گذشته و آینده را به ما اعطاء فرمودی، و قلوب مردم را مایل به طرف ما نمودی، من و برادران و زائرین قبر پدرم حسین ﷺ را بیامرز، آنانکه اموالشان را انفاق کرده و ابدانشان را به تعب انداخته به جهت میل و رغبت در احسان به ما و به امید آنچه در نزد تست به خاطر صله و احسان به ما و به منظور ادخال سرور بر پیغمبرت و به جهت اجابت کردنتان فرمان ما را و به قصد وارد نمودن غیظ بر دشمنان ما.

اینان اراده و نیتشان از این ایثار تحصیل رضا و خشنودی تو است پس تو هم از طرف ما این ایثار را جبران کن و بواسطه رضوان احسانشان را جوابگو باش و در شب و روز حافظ و نگاهدارشان بوده و اهل و اولادی که از ایشان باقی مانده‌اند را بهترین جانشینان قرار بده و مراقب و حافظشان باش و شر و بدی هر ستمگر عنود و منحرفی را از ایشان و از هر مخلوق ضعیف و قوی خود کفایت نما و ایشان را از شر شیاطین انسی و جنی محفظ فرما و اعطاء کن به ایشان برترین چیزی را که در دور بردنتان از اوطان خویش از تو آرزو کرده‌اند و نیز به ایشان ببخش برتر و بالاتر از آنچه را که بواسطه‌اش ما را بر فرزندان و اهل و نزدیکانشان اختیار کردند، بار خدایا دشمنان ما بواسطه خروج بر ایشان آنان را مورد ملامت و سرزنش قرار دادند ولی این حرکت اعداء ایشان را از تعایل به ما باز نداشت و این ثبات آنان از باب مخالفتشان است با مخالفین ما، پس تو این صورتهائی که حرارت آفتاب آنها را در راه محبت ما تغییر داده مورد ترحم خودت قرار بده و نیز صورتهائی را که روی قبر ابی عبدالله الحسین ﷺ می‌گذارند و برمی‌دارند مشمول لطف و رحمتت قرار بده و همچنین به چشمهائی که از باب ترحم بر ما اشک ریخته‌اند نظر عنایت فرما و دل‌هائی که

برای ما به جزع آمده و بخاطر ما سوخته‌اند را ترحم فرما، بارخدا یا به فریادهائی که بخاطر ما بلند شده برس، خداوند! من این ابدان و این ارواح را نزد تو امانت قرار داده تا در روز عطش اکبر که بر حوض کوثر وارد می‌شوند آنها را سیراب نمائی.

و پیوسته امام علیه السلام در سجده این دعاء را می‌خواندند و هنگامی که از آن فارغ شدند عرض کردم:

فدایت شوم این فقرات و مضامین ادعیه‌ای که من از شما شنیدم اگر شامل کسی شود که خداوند عزوجل را نمی‌شناسد گمانم این است که آتش دوزخ هرگز به آن فائق نباید!!!

به خدا سوگند آرزو دارم آن حضرت (حضرت امام حسین علیه السلام) را زیارت کرده ولی به حج نروم.

امام علیه السلام به من فرمودند:

چقدر تو به قبر آن جناب نزدیک هستی، پس چه چیز تو را از زیارتش باز می‌دارد؟

سپس فرمودند:

ای معاربه زیارت آن حضرت را ترک مکن.

عرض کردم: فدایت شوم نمی‌دانستم که امر چنین بوده و اجر و ثواب آن این مقدار است.

حضرت فرمودند:

ای معاربه کسانی که برای زائرین امام حسین علیه السلام در آسمان دعاء می‌کنند به مراتب بیشتر هستند از آنانکه در زمین برای ایشان دعاء و ثناء می‌نمایند.

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از عبدالله بن حماد بصری از عبدالله بن عبدالرحمن اصم از معاویه بن وهب نقل کرده که وی گفت:

اذن گرفتیم که بر حضرت ابی عبدالله ﷺ داخل شوم.
سپس مثل حدیث مذکور را نقل کرده است.

متن:

۳- حدیثی ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن موسى بن عمر، عن حسان البصری، عن معاویة بن وهب، عن ابی عبدالله ﷺ «قال: قال لی: یا معاویة لا تدع زیارة الحسین ﷺ لخوفٍ فإنَّ من تركه رأى من الحسرة ما یتمنى إنَّ قبره كان عنده، أما تحبُّ أن یرى الله شخصک و سوادک فیمن یدعوله رسول الله ﷺ و علی و فاطمة و الائمة ﷺ؟! أما تحبُّ أن تكون ممن ینقلب بالمغفرة لما مضى و یغفر لك ذنوب سبعین سنة؟! أما تحبُّ أن تكون ممن یمخرج من الدنیا و لیس علیه ذنبٌ تتبع به؟! أما تحبُّ أن تكون غداً ممن یصافح رسول الله ﷺ».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبدالله از موسی بن عمر، از حسان بصری، از معاویة بن وهب از حضرت ابی عبدالله ﷺ نقل کرده، وی گفت:
امام ﷺ به من فرمودند:

ای معاویة به خاطر ترس و خوف زیارت امام حسین ﷺ را ترک مکن زیرا کسی که آن را ترک کند چنان حسرتی بخورد که آرزو کند قبر آن حضرت نزدش باشد و بتواند زیاد به زیارتش برود آیا دوست داری که خدا تو را در زمره کسانی ببیند که حضرت رسول ﷺ و حضرات علی و فاطمه و ائمه ﷺ در حفاشان دعاء فرموده‌اند؟!

آیا دوست داری از کسانی باشی که به واسطه آمزش لغزشهای گذشته طومار اعمالت تنبیر یابد و گناهان هفتاد سال از تو آمرزیده شود؟
 آیا دوست داری از کسانی باشی که از دنیا رفته بدون اینکه گناه قابل مؤاخذه داشته باشی؟
 آیا دوست داری از کسانی باشی که رسول خدا ﷺ با آنها مصافحه می فرمایند؟

متن:

حدَّثني أبي - رحمه الله - و جماعة مشايخي، عن سعد، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن عبدالله بن حماد، عن عبدالله الأصم، عن معاوية بن وهب قال:

استأذنت علي أبي عبدالله ﷺ - و ذكر الحديث والدعاء لزوار الحسين ﷺ - .

مرکز تحقیق و تکثیر کتب و اسناد اسلامی

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه و جماعتی از اساتیدم، از سعد، از احمد بن محمد بن عیسی، از عبدالله بن حماد از عبدالله اصم، از معاویه بن وهب نقل کرده که وی گفت: اذن خواستم که بر حضرت ابي عبدالله ﷺ داخل شوم... و حدیث مذکور و دعاء برای زائرین قبر حضرت حسین بن علی ﷺ را طبق آنچه قبلاً ذکر گردید نقل نمود.

متن:

و حدَّثني محمد بن الحسين بن مَتَّ الجوهري، عن محمد بن احمد بن يحيى، عن موسى عمر، عن غسان البصري، عن معاوية بن وهب، و حدَّثني

محمد بن یعقوب؛ و علی بن الحسین، عن علی بن ابراهیم بن هاشم - عن بعض أصحابنا - عن ابراهیم بن عقیبة، عن معاویة بن وهب قال: استأذنت علی ابي عبدالله ﷺ - و ذکر مثل حدیث الدعاء الّذی فی زوّار الحسین ﷺ -

حدّثنی ابي - رحمه الله - و علی بن الحسین؛ و جماعة مشایخنا، عن أحمد بن إدريس؛ و محمد بن یحییٰ جمیعاً، عن العمرکی بن علی البوفکی، عن یحییٰ خادم ابي جعفر الثانی ﷺ، عن ابن ابي عمیر، عن معاویة بن وهب قال: استأذنت علی ابي عبدالله ﷺ - و ذکر الحدیث - .

ترجمه:

محمد بن الحسین بن متّ الجوهري، از محمد بن احمد بن یحییٰ، از موسی بن عمر، از غسان البصری، از معاویة بن وهب.

محمد بن یعقوب و علی بن الحسین، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از بعض اصحاب، از ابراهیم بن عقبه از معاویة بن وهب نقل کرده که وی گفت: اذن خواستم که بر حضرت ابي عبدالله ﷺ داخل شوم... و نظیر حدیثی که مشتمل بود بر دعاء در حق زائرین امام حسین ﷺ را نقل نموده.

پدرم و علی بن الحسین و جماعتی از مشایخ و اساتید ما، از احمد بن ادريس و محمد بن یحییٰ جملگی از عمرکی ابن علی بوفکی، از یحییٰ خادم حضرت ابي جعفر ثانی ﷺ، از ابن ابي عمیر، از معاویة بن وهب نقل کرده که وی گفت: اذن خواستم که بر حضرت ابي عبدالله ﷺ داخل شوم... و حدیث سابق را نقل نمود.

متن:

۱ - حدیثی حکیم بن داود، عن سلمة بن الخطاب، عن الحسن بن علی الوشاء - عتق ذکره - عن داود بن کثیر، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: إن فاطمة بنت محمد عليها السلام تحضر لزوار قبر ابنها الحسين عليه السلام فتستغفر لهم ذنوبهم».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود، از سلمة بن الخطاب، از حسن بن علی الوشاء از کسی که ذکرش نموده، از داود بن کثیر: از حضرت ابی عبدالله عليه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

حضرت فاطمه عليها السلام دخت حضرت محمد عليه السلام برای زوار قبر فرزندش حضرت حسین بن علی عليه السلام حاضر شده پس طلب آموزش برای گناهان ایشان می نماید.

﴿ الباب الحادي و الأربعون ﴾

﴿ دعاء الملائكة لزوار الحسين عليه السلام ﴾

متن:

۱ - حدیثی محمد بن جعفر الرزاز الكوفي، عن خاله محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن موسى بن سعدان، عن عبدالله بن القاسم، عن عمر بن أبان الكلبي، عن أبان بن تغلب «قال: قال أبو عبدالله عليه السلام: أربعة آلاف ملك عند قبر الحسين عليه السلام شُعْتُ غِبْرٌ يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، رُئِيسُهُمْ مَلِكٌ يُقَالُ لَهُ: مَنْصُورٌ، وَلَا يَزُورُهُ زَائِرٌ إِلَّا اسْتَقْبَلُوهُ، وَلَا يُوَدِّعُهُ مُوَدِّعٌ إِلَّا

شیعوه، ولا یمرض إلا عادوه، ولا یصوت إلا صلوا علیه [و] علی جنازته، واستغفروا له بعد موته» . . .

﴿ باب چهل و یکم ﴾

﴿ دعاء فرشتگان در حق زائرین قبر ﴾

﴿ امام حسین علیه السلام ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزاز کوفی از دانی خود محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از موسی بن سعدون، از عبدالله بن قاسم بن عمر بن ابان الکلبی، از ابان بن تغلب نقل کرده که وی گفت:

امام صادق علیه السلام فرمودند:

چهار هزار فرشته در اطراف قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام بوده که جملگی ژولیده و گرفته و حزین می‌باشند و تا روز قیامت بر آن جناب می‌گریند، رئیس ایشان فرشته‌ای است که به او منصور گفته می‌شود، هیچ زائری به زیارت آن حضرت نمی‌رود مگر آنکه این فرشتگان به استقبالش می‌زنند و هیچ وداع کننده‌ای با قبر آن حضرت وداع نکرده مگر آنکه این فرشتگان مشایعش می‌کنند و مریض نمی‌شود مگر آنکه عبادتش کرده و نمی‌میرد مگر آنکه ایشان بر جنازه‌اش نماز خوانده و از خدا طلب آمرزش برایش می‌کنند.

متن:

۲- و حدیثی اُبی - رحمه الله - و محمد بن الحسن؛ و علی بن الحسین؛
عن سعد بن عبدالله، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن علی بن الحکم، عن

عَلِيَّ بْنِ أَبِي حمزة، عن أَبِي بصير، عن أَبِي عبد الله عليه السلام «قال: وكل الله تبارك وتعالى بالحسين عليه السلام سبعين ألف ملك يصلون عليه كل يوم شعناً عُبراً، ويدعون لمن زارَه ويقولون: يا رَبِّ هؤلاء زُوار الحسين عليه السلام؛ افعل بهم وانفعل بهم - كذا وكذا -».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن الحسن و علی بن الحسین، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از علی بن الحکم، از علی بن ابی حمزه، از ابی بصیر، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند: خداوند متعال هفتاد هزار فرشته را بر قبر حضرت امام حسین علیه السلام موکل ساخته که همگی ژولیده و غمگین بوده و هر روز بر آن حضرت صلوات فرستاده و زائرینش را دعاء کرده و می گویند:

پروردگارا، این جماعت زائرین حسین علیه السلام هستند با ایشان چنین و چنان نما.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ، عَنْ سَلْمَةَ، عَنْ مُوسَى بْنِ عَمْرٍ، عَنْ حَسَّانِ الْبَصْرِيِّ، عَنْ مَعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قال: لا تدع زيارة الحسين عليه السلام، أما تحب أن تكون فيمن تدعوه الملائكة».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود از سلمه، از موسی بن عمر، از حسان بصری، از معاویة بن وهب، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند: زیارت حضرت امام حسین علیه السلام را ترک مکن، آیا دوست نداری در زمره کسانی

باشی که فرشتگان برای آنها دعاء می‌کنند.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّقَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: وَكَلَّ اللَّهُ تَعَالَى بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام سَبْعِينَ أَلْفَ مَلِكٍ يَصَلُّونَ عَلَيْهِ كُلَّ يَوْمٍ شُعْبًا غَيْرًا مِنْ يَوْمِ قَتْلِ إِيَّاهُ مَا شَاءَ اللَّهُ - يَعْنِي بِذَلِكَ قِيَامَ الْقَائِمِ عليه السلام - وَ يَدْعُونَ لِمَنْ زَارَهُ وَيَقُولُونَ: يَا رَبِّ هَؤُلَاءِ زَوَّارُ الْحُسَيْنِ عليه السلام أَفْعَلْ بِهِمْ وَأَفْعَلْ بِهِمْ».

« حدیث چهارم »

ترجمه:

محمد بن حسن بن احمد بن الوليد، از محمد بن حسين صفار، از احمد بن محمد بن عيسى از علي بن حکم، از علي بن ابی حمزه، از ابی بصير، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

خداوند متعال هفتاد هزار فرشته را بر قبر حضرت حسين بن علي عليه السلام موكل ساخته که هر روز بر او صلوات فرستاده و از روزی که آن حضرت شهيد شدند تا زمانی که خدا می‌خواهد یعنی زمان قیام قائم عليه السلام ایشان زولیده و غمگین می‌باشند، برای زائرین حضرت دعاء کرده و می‌گویند:

پروردگارا، ایشان زائرین حسین عليه السلام بوده با ایشان چنین و چنان نما.

متن:

حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ سَعْدٍ، عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مَسْلَمٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبَانَ، عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام

«قال: كأني بالقائم [عليه السلام] على نجف الكوفة وقد لبس دِرْع رسول الله ﷺ فينتفض هو بهافتستدير عليه، فيغشيها بحداجة من اشتبرق، و يركب فَرَساً أدهم بين عينيه شَمْرَاخ فينتفض به انتفاضة لا يبقى أهل بلد إلا وهم يرون أنه معهم في بلادهم، فينتشر راية رسول الله ﷺ، عمودها من عمود العرش، و سائرها من نصر الله. لا يهوى بها إلى شيء أبداً إلا أهلته الله، فإذا هزَّها لم يبق مؤمن إلا صار قلبه كزبر الحديد، و يعطى المؤمن قوَّة أربعين رجلاً، و لا يبقى مؤمن ميتٌ إلا دخلت عليه تلك الفرحة في قبره، و ذلك حين يتأورون في قبورهم، و يتباشرون بقيام القائم، فينحطُّ عليه ثلاث عشر ألف ملك و ثلاثمائة و ثلاث عشر ملكاً. قلت: كلُّ هؤلاء الملائكة؟ قال: نعم؛ الَّذِينَ كانوا مع نوح في السفينة، و الَّذِينَ كانوا مع إبراهيم حين التقى في النار، و الَّذِينَ كانوا مع موسى حين فلق البحر لبيتي إسرائيل، و الَّذِينَ كانوا مع عيسى حين رفعه الله إليه، و أربعة آلاف ملك مع النبي ﷺ مسؤمين، و ألف مردفين، و ثلاثمائة و ثلاثة عشر ملائكة بدرتين، و أربعة آلاف ملك هبطوا يريدون القتال مع الحسين ﷺ، فلم يؤذن لهم في القتال فهم عند قبره شعثٌ غبرٌ يبكونه إلى يوم القيامة، و رئيسهم ملك يقال له: منصور، فلا يزوره زائرٌ إلا استقبلوه، و لا يودعه مودعٌ إلا شيعوه، و لا يمرض مريضٌ إلا عادوه، و لا يموت ميتٌ إلا صلوا على جنازته، و استغفروا له بعد موته، و كلُّ هؤلاء في الأرض ينتظرون قيام القائم ﷺ إلى وقت خروجه صلوات الله عليه».

ترجمه:

﴿ حدیث پنجم ﴾

حسین بن محمد بن عامر، از احمد بن اسحاق بن سعد، از سعدان بن مسلم، از عمر بن ابان، از ابان بن ثعلب، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

گویا می بینم حضرت قائم علیه السلام را که بر بلندی شهر کوفه بوده و زره رسول الله صلی الله علیه و آله را به تن نموده، پس زرع را به تن خود حرکت داده تا بر بدن احاطه کرده و آنرا بپوشاند، آن حضرت در زیر هودجی از استبرق قرار داشته و بر اسبی خاکستری که بین دو چشمانش سفیدی می باشد سوار می باشند، پس اسب حرکتی به خود داده و اهل هر شهری می بینند که راکب و مرکب با ایشان در شهرشان می باشد و بدین ترتیب پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله را در تمام بلاد منتشر می فرماید، عمود این پرچم از عمود عرش بوده و بر بقیه آن نقش نصر من الله می باشد، آن پرچم بر چیزی فرود نمی آید مگر آنکه حق تعالی آن چیز را نابود می فرماید هنگامی که پرچم به اهتزاز و حرکت در می آید هیچ مؤمنی باقی نمی ماند مگر آنکه قلبش همچون آهنی سخت می باشد، به هر مؤمنی نیروی چهل مرد داده می شود و نیز هیچ مؤمن مرده ای باقی نمی ماند مگر آنکه این فرح و سرور در قبرش داخل می شود و این در وقتی است که اهل قبور یکدیگر را در قبرها زیارت می کنند و به آنها بشارت به قیام قائم داده می شود، سیزده میلیون و سیصد و سیزده فرشته بدنبال آن حضرت بانگ برآوردند.

راوی عرض می کند: تمام این جمعیت فرشتگانند؟

حضرت می فرماید:

بلی، آنها عبارتند از:

الف: فرشتگانی که با حضرت نوح علیه السلام در سفینه بودند.

ب: فرشتگانی که با حضرت ابراهیم علیه السلام بودند وقتی آن حضرت را در آتش انداختند.

ج: فرشتگانی که با حضرت موسی علیه السلام بودند زمانی که دریا را برای بنی اسرائیل شکافت.

د: فرشتگانی که با حضرت عیسی علیه السلام بودند وقتی که حق تعالی او را از زمین به آسمان برد.

ه: چهار هزار فرشته مسؤمین (نشانه گذارنده) و هزار فرشته مردنین (بعضی تابع برخی دیگر می باشند).

و: سیصد و سبزه فرشته که در جنگ بدر حاضر گشتند.

ز: چهار هزار فرشته که از آسمان به قصد قتال در رکاب همایون حضرت امام حسین علیه السلام از آسمان نازل شده پس به آنها اذن قتال داده نشد پس کنار قبر آن حضرت با هبتی زولیده و حالی حزین و غمگین باقی مانده و از آن روز تا قیامت برای حضرت گریان می باشند، رئیس ایشان فرشته ای است که به آن منصور گفته می شود، زانری بیست که به زیارت آن حضرت رود مگر آنکه این فرشتگان به استقبالش رفته و آن جناب را وداع نمی کند مگر آنکه آنها به مشایعتش رفته و بیمار شده مگر آنکه ایشان عبادتش می نمایند و مبتی از دنیا نرفته مگر آنکه بر جنازه اش نماز خوانده و پس از مرگش برای او طلب آمرزش می کنند و تمام این فرشتگان در زمین منتظر قیام قائم علیه السلام بوده که در وقتش خروج فرماید صلوات الله علیه.

﴿ الباب الثاني والأربعون ﴾

﴿ فضل صلاة الملائكة لزوار الحسين علیه السلام ﴾

ترجمه:

۱ - حدیثی الحسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، عن أبیه، عن الحسن بن محبوب، عن أبي المغراء، عن عنبسة، عن أبي عبد الله علیه السلام «قال: سمعته

یقول: وکل الله بقبر الحسين بن علي عليه السلام سبعين ألف ملك يعبدون الله عنده، الصلاة الواحدة من صلاة أحدهم تعدل ألف صلاة من صلاة الآدميين، يكون ثواب صلاتهم لزوار قبر الحسين بن علي عليه السلام و علي قاتله لعنة الله والملائكة والناس أجمعين أبداً أبديين».

﴿ باب جهل و دوّم ﴾

﴿ فضیلت و اجر نماز فرشتگان برای زائرین قبر ﴾

﴿ حضرت امام حسین علیه السلام ﴾



﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسیٰ از پدرش از حسن بن محبوب، از ابی الجعفر، از عنبسه، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده وی گفت: شتیدم از امام صادق علیه السلام که می فرمودند:

خداوند متعال هفتاد هزار فرشته را بر قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام موکل ساخته که او را نزد قبر عبادت کنند، یک نماز از یک نفر آنها معادل با هزار نماز آدمیان می باشد و ثواب نمازشان برای زوار قبر حضرت امام حسین علیه السلام و زور و وبال برای قاتل آن حضرت که لعنت خدا و ملائکه و مردم اجمعین بر او باد محسوب می گردد.

متن:

۲ - حدیثی ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن أحمد بن محمد بن عیسیٰ، عن أبیه، عن سیف بن عمیرة، عن بکر بن محمد الأزدي، عن أبی

عبدالله عليه السلام «قال: وكل الله تعالى بقبر الحسين عليه السلام سبعين ألف ملكٍ شُعْباً غُبراً يكونه إلى يوم القيامة، يصلون عنده، الصلاة الواحدة من صلاة أحدهم تعدل ألف صلاة من صلاة الآدميين، يكون ثواب صلاتهم وأجر ذلك لمن زار قبره عليه السلام».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عيسى، از پدرش، از سيف بن عميرة، از بكر بن محمد ازدي، از حضرت ابي عبدالله عليه السلام نقل کرده که حضرت فرمودند:

خداوند متعال هفتاد هزار فرشته را بر قبر حضرت حسين بن علي عليه السلام موکل ساخته که جمعی زربده و خمیس بوده و تا روز قیامت بر آن جناب گریه می کنند، نزد قبر نماز می خوانند و یک نماز از یک نفر آنها معادل هزار نماز آدمیان بوده، ثواب نماز ایشان و اجر آن برای زوار قبر آن حضرت عليه السلام محسوب می گردد.

﴿ الباب الثالث والأربعون ﴾

﴿ إن زيارة الحسين عليه السلام فرض و عهد لازم له ﴾

﴿ ولجميع الأئمة عليهم السلام على كل مؤمن و مؤمنة ﴾

متن:

۱ - حدیثی ابي - رحمه الله - و محمد بن الحسن، عن الحسن بن ميثيل. وقال محمد بن الحسن: و حدیثی محمد بن الحسن الصفار جميعاً، عن أحمد بن أبي عبدالله البرقي، قال: حدیثنا الحسن بن علي بن فضال قال:

حدّثنی أبو ایوب ابراهیم بن عثمان الخزاز، عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر علیه السلام «قال: مروا شیعتنا بزیارة قبر الحسین علیه السلام، فانّ ایتانه مفترضٌ علی کلّ مؤمن یقرّ للحسین علیه السلام بالإمامة من الله عزّوجلّ».

﴿ باب چهل و سزم ﴾

﴿ وجوب زیارت حضرت امام حسین علیه السلام بر هر مرد ﴾

﴿ و زن مسلمان و عهد و فرض بودنش برای آن جناب و جمیع ﴾

﴿ ائمه صلوات الله و سلامه علیهم ﴾



﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه و محمد بن الحسن، از حسن بن مثیل و محمد بن الحسن می گوید:

محمد بن الحسن الصفار برابم نقل کرد که جملگی از احمد بن ابی عبدالله برقی این طور حکایت کرده اند که حسن بن علی بن فضال گفت:

ابو ایوب ابراهیم بن عثمان خزاز، از محمد بن مسلم از حضرت ابو جعفر علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

شیعیان ما را امر کنید که به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام بروند زیرا زیارت آن حضرت بر هر مؤمنی که اقرار به امامتش از جانب خداوند عزوجلّ دارد فرض و واجب می باشد.

متن:

۲ - حدّثنی اَبی؛ و اَخی؛ و عَلی بن الحسین؛ و محمد بن الحسن - رحمهم

الله - جميعاً، عن أحمد بن إدريس، عن عبيدالله بن موسى، عن الوشاء
 «قال: سمعت الرضا عليه السلام يقول: إن لكل إمام عهداً في عتق أوليائه و شيعته،
 وإن من قام الوفاء بالعهد و حسن الأداء زيارة قبورهم، فن زارهم
 رغبة في زيارتهم و تصديقاً لما رغبوا فيه كان أئمتهم شفعاء لهم يوم
 القيامة».

حدّثني محمد بن يعقوب الكليني، عن أحمد بن إدريس بإسناده مثله
 سواء.

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدر و برادر و علی بن الحسین و محمد بن الحسن رحمة الله عليهم جملگی از
 احمد بن ادريس، از عبيدالله بن موسى، از و شاء نقل کرده اند که وی گفت: شنیدم
 از امام رضا عليه السلام که می فرمودند:
 هر امامی در گردن درستان و شیعانش عهدهی دارد و زیارت قبورشان از
 مصادیق وفاء به عهد و حسن اداء وظیفه محسوب می شود، لذا کسی که از روی
 رغبت و میل به زیارتشان رود ایشان در روز قیامت شفیع او خواهند بود.
 محمد بن یعقوب کلینی از احمد بن ادريس باسنادهش مثل همین حدیث را عیناً
 نقل نموده است.

متن:

۳ - حدّثني محمد بن جعفر الرّزاز قال: حدّثني محمد بن الحسين بن أبي
 الخطاب، عن أبي داود المسترق، عن أمّ سعيد الأحمسيّة، عن أبي
 عبدالله عليه السلام «قالت: قال لي: يا أمّ سعيد تزورين قبر الحسين؟ قالت:

قلت: نعم، فقال لي: زورية؛ فإنَّ زيارة قبر الحسين واجبة على الرجال و النساء».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزازی می گوید: محمد بن الحسین بن ابی الخطاب از داود مسترق از امّ سعید احسیه، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده، وی می گوید: امام علیه السلام به من فرمودند:

ای امّ سعید آیا قبر حسین علیه السلام را زیارت می کنی؟
عرض کردم: بلی.

فرمودند: به زیارت آن قبر مطهر برو زیرا زیارت قبر حسین علیه السلام بر مردان و زنان واجب است.



مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

متن:

۴ - حدیثی آبی؛ و محمد بن الحسن - رحمهما الله - جميعاً، عن الحسن ابن مئیل، عن المحسن بن علی الكوفي، عن علي بن حسان الهاشمي، عن عبدالرحمن بن كثير مولى أبي جعفر، عن أبي عبدالله علیه السلام «قال: لو أن أحدكم حجَّ دهره، ثمَّ لم يزر الحسين بن علي علیه السلام لكان تاركاً حقاً من حقوق الله و حقوق رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، لأنَّ حقَّ الحسين فريضة من الله، واجبة على كلِّ مسلم».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن الحسن رحمة الله عليهم جملهگی از حسن بن مئیل از حسن بن علی کوفی، از علی بن حسان الهاشمی از عبدالرحمن بن کثیر غلام ابی جعفر، از

حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:
 اگر یکی از شما طول دهر و عمرش را به حج رفته ولی به زیارت حسین بن
 علی علیه السلام نرود حتماً و محققاً حقی از حقوق خدا و حقوق رسول خدا صلی الله علیه و آله را
 ترک کرده زیرا حق حسین علیه السلام فریضه و تکلیفی است از جانب خداوند که بر هر
 مسلمان واجب می باشد.

﴿ الباب الرابع والأربعون ﴾

﴿ ثواب من زار الحسين علیه السلام بنفسه أو جهز إليه غيره ﴾

متن:

۱ - حدثني محمد بن عبدالله بن جعفر الحميري، عن أبيه، عن علي بن
 محمد ابن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبدالله بن حماد البصري، عن
 عبدالله بن عبدالرحمن الأصم، عن محمد البصري، عن أبي عبدالله علیه السلام
 «قال: سمعت أبي يقول لرجل من مواليه - وسأله عن الزيارة - فقال له:
 من تزور و من تريد به؟ قال: الله تبارك و تعالی، فقال: من صلى خلفه
 صلاة واحدة يريد بها الله لقي الله يوم يلقاه و عليه من الثور ما يغشى له كل
 شيء يراه، والله يكرم زواره و يمنع النار أن تنال منهم شيئاً، وإن الزائر
 له لا يتناهى له دون الحوض و أمير المؤمنين علیه السلام قائم على الحوض
 يصفحه و يرويه من الماء، و ما يسبقه أحد إلى و روده الحوض حتى
 يروى، ثم ينصرف إلى منزله من الجنة و معه ملك من قبل
 أمير المؤمنين يأمر الصراط أن يذل له، و يأمر النار أن لا تصيبه من
 لفحها شيء حتى يجوزها، و معه رسوله الذي بعثه أمير المؤمنين علیه السلام».

﴿ باب چهل و چهارم ﴾

﴿ ثواب کسی که به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام رفته ﴾

﴿ یا دیگری را به زیارت آن حضرت بفرستد ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری از عبدالله بن عبدالرحمن اصم از محمد بصری، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده وی می گوید:

امام صادق علیه السلام فرمودند: از پدرم شنیدم به یکی از دوستانشان که از زیارت (مقصود زیارت قبر امام حسین علیه السلام است) سؤال کرده بود می فرمودند:

چه کسی را زیارت می کنی و چه کسی را با این زیارت اراده می نمائی؟ یعنی با این زیارت قصد تقرب به چه کسی را داری؟ عرض کرد:

مراد و مقصودم خداوند تبارک و تعالی است، یعنی قصد تقرب به خدا می باشد حضرت فرمودند:

کسی که دنبال زیارت یک نماز خوانده و با این نماز قصد تقرب به خدا را داشته باشد در روزی که خدا را ملاقات می کند بر او نوری احاطه کرده باشد که تمام اشیائی که او را می بینند صرفاً نور مشاهده نمایند و خداوند متعال زوار قبر مطهر امام حسین علیه السلام را مورد اکرام قرار داده و آتش جهنم را از رسیدن به آنها باز می دارد، و زائر در نزد حوض کوثر مقامی بسیار مرتفع و مرتبه ای لا یتنامی دارد و امیرالمؤمنین علیه السلام که در کنار حوض ایستاده اند با او مصافحه کرده و وی را از آب سیراب می فرماید و احدی در وارد شدن بر حوض بر وی سبقت نمی گیرد مگر پس از او و سیراب شدن او و پس از سیراب گشتن به جایگاهش در بهشت برگشته در حالی که فرشته ای از جانب امیرالمؤمنین علیه السلام با او بوده که به صراط امر

می کند برای وی پائین بیاید و با او مدارا کرده تا از روی آن بگذرد و به آتش جهنم فرمان می دهد که حرارت و سوزشش را به او نرساند تا وی از آن گذر کند و نیز با او فرستاده ای است که امیرالمؤمنین علیه السلام آن را فرستاده اند.

متن:

۲ - وباسناده عن الأصم قال: حدثنا هشام بن سالم، عن أبي عبد الله عليه السلام - في حديث طويل - «قال: أتاه رجل فقال له: يا ابن رسول الله هل يزار والدك؟ قال: فقال: نعم ويصلي عنده، وقال: يصلي خلفه ولا يتقدم عليه، قال: فما لمن أتاه؟ قال: الجنة إن كان يأتهم به، قال: فما لمن تركه رغبةً عنده؟ قال: المحسرة يوم المحسرة، قال: فما لمن أقام عنده؟ قال: كلُّ يوم بألف شهر، قال: فما للمُنْفِق في خروجه إليه والمُنْفِق عنده؟ قال: درهم بألف درهم؛

قال: فما لمن مات في سفره إليه؟ قال: تشييعه الملائكة، و تأتيه بالحنوط والكسوة من الجنة، وتصلي عليه إذ كفن وتكفنه فوق أكفانه، وتفرش له الرِّيحان تحته، وتدفع الأرض حتى تصور من بين يديه مسيرة ثلاثة أميال، ومن خلفه مثل ذلك، وعند رأسه مثل ذلك، وعند رجله مثل ذلك، و يفتح له باب من الجنة إلى قبره، و يدخل عليه روحها وريحانها حتى تقوم الساعة؛

قلت: فما لمن صلى عنده؟ قال: من صلى عنده ركعتين لم يسأل الله تعالى شيئاً إلا أعطاه إياه، قلت: فما لمن اغتسل من ماء الفرات، ثم أتاه؟ إذا اغتسل من ماء الفرات وهو يريد تساقطت عنه خطاياها كيوم ولدته

آمنہ، قال: قلت: فما لمن يجهز إليه ولم يخرج لعلته تصيبه؟ قال: يعطيه الله بكلِّ درهم أنفقته مثل أحد من الحسنات، و يخلف عليه أضعاف ما أنفق [ه]، و يصرف عنه من البلاء بما قد نزل ليصيبها، و يدفع عنه، و يحفظ في مال؛

قال: قلت: فما لمن قتل عنده، جار عليه سلطانٌ فقتله؟ قال: أوَّل قطرة من دمه يُغفر له بها كلُّ خطيئة، و تغسل طيبته التي خلق منها الملائكة حتى تخلص كما خلصت الأنبياء المخلصين، و يذهب عنها ما كان خالطها من أجناس طين أهل الكفر، و يغسل قلبه و يشرح صدره و يملأ إيماناً فيلقى الله و هو مخلصٌ من كلِّ ما تخالطه الأبدان و القلوب، و يكتب له شفاعة في أهل بيته و ألف من إخوانه، و تروى الصلاة عليه الملائكة مع جبرئيل و ملك الموت، و يؤتى بكفنه و حنوطه من الجنة، و يوسع قبره عليه و يوضع له مصابيح في قبره و يفتح له بابٌ من الجنة، و تأتيه الملائكة بالطرف من الجنة، و يرفع بعد ثمانية عشر يوماً إلى حظيرة القدس، فلا يزال فيها مع أولياء الله حتى تصيبه التفخة التي لا تبقى شيئاً، فإذا كانت التفخة الثانية و خرج من قبره كان أوَّل من يصافحه رسول الله ﷺ و أمير المؤمنين و الأوصياء عليهم السلام و يبشرونه و يقولون له: الزمنا، و يقيمونه على الحوض فيشرب منه و يسقي من أحب.

قلت: فما لمن حبس في إتيانه؟ قال: له بكلِّ يوم حبس و يفتح فرجةً إلى يوم القيامة، فإن ضرب بعد الحبس في إتيانه كان له بكلِّ ضربة حوراء و بكلِّ وجع يدخل على بدنه ألف ألف حسنة، و يُحاربها عنه ألف ألف سيئة، و يرفع له بها ألف درجة، و يكون من محدثي رسول الله ﷺ حتى يفرغ

من الحساب، فیصافحه حمله العرش و يقال له: سل ما أحببت؛
و یؤتی ضاربه للحساب قال یسأل عن شیء ولا یحتسب بشیء و یؤخذ
بضَبْعِهِ حَتَّى یَنْتَهی بِهِ إِلَى مَلِكٍ تَحْبُوهُ وَ یَتَحَفَّهُ بِشَرِیةٍ مِنَ الْحَمِیمِ، وَ شَرِیةٍ
مِنَ الْغِیْسَلِینِ، وَ یُوضَعُ عَلَی مَقَالٍ فِی النَّارِ، فِیْقَالُ لَهُ: ذُقْ مَا قَدَّمْتَ یَدَاكَ
فِیْمَا أَتَيْتَ إِلَى هَذَا الَّذِی ضَرَبْتَهُ، وَ هُوَ رَفَدُ اللَّهِ وَ وَقْدُ رَسُولِهِ وَ یَأْتِی
بِالْمَضْرُوبِ إِلَى بَابِ جَهَنَّمَ فِیْقَالُ لَهُ: انْظُرْ إِلَى ضَارِبِكَ وَ إِلَى مَا قَدَّمْتَ فِیهِ
شَفِیتَ صَدْرَكَ، وَ قَدْ اقْتَصَصْتُ لَكَ مِنْهُ؟ فِیَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی انْتَصَرَ لِي
وَ لَوْلَا رَسُولُهُ مِنْهُ».

« حدیث دوم »

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری به اسنادش از اصم نقل نموده که وی گفت:
هشام بن سالم از حضرت ابی عبدالله علیه السلام در حدیثی طولانی نقل کرده که شخصی
نزد امام صادق علیه السلام مشرف شد و به آن جناب عرض کرد:
ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله: آیا پدر شما را می توان زیارت کرد؟
حضرت فرمودند:

بلی؛ علاوه بر زیارت نماز هم نزد قبر می توان خواند منتهی نماز را باید پشت قبر
بجا آورد نه مقدم و جلو آن.

آن شخص عرض کرد: کسی که آن حضرت را زیارت کند چه ثواب و اجری
دارد؟

حضرت فرمودند:

اجر او بهشت است مشروط به اینکه به آن حضرت اقتداء کرده و از او تبعیت
کند.

عرض کرد: اگر کسی زیارت آن حضرت را از روی بی رغبتی و بی میلی ترک کند

چه خواهد دید؟

حضرت فرمودند:

روز حسرت (روز قیامت) حسرت خواهد خورد.

عرض کرد: کسی نزد قبر آن جناب اقامت کند اجر و ثوابش چیست؟

حضرت فرمودند: هر یک روز آن معادل یک ماه می باشد.

عرض کرد: کسی که برای رفتن و زیارت نمودن آن حضرت متحمل هزینه

و خرج شده و نیز نزد قبر مطهر پول خرج کند چه اجری دارد؟

حضرت فرمودند:

در مقابل هر یک درهمی که خرج کرده هزار درهم دریافت خواهد نمود.

عرض کرد: اجر کسی که در سفر به طرف آن حضرت فوت کرده چیست؟

حضرت فرمودند:

فرشتگان مشایعتش کرده و برای او جنوط و لباس از بهشت آورده و وقتی کفن

شد بر او نماز خوانده و روی کفنی که بر او پوشانده اند فرشتگان نیز کفن دیگری

قرار می دهند و زیر او را از ریحان فرش می نمایند و زمین را چنان رانده و جلو

برده که از جلو فاصله سه میل طی شده و از پشت و جانب سر و طرف پا نیز مانند

آن این مقدار مسافت و فاصله منهدم و ساقط می گردد و برای آن دربی از بهشت

به طرف قبرش گشوده شده و نسیم و بوی خوش بهشتی به قبر او داخل گشته

و تا قیام قیامت بدین منوال خواهد بود.

آن شخص می گوید: محضر مبارکش عرضیه داشتم:

کسی که نزد قبر نماز بگذارد اجر و ثوابش چیست؟

حضرت فرمودند:

کسی که نزد قبر مطهرش دو رکعت نماز بخواند از خداوند چیزی را درخواست

نمی کند مگر آنکه حق جل و علن آن را به او اعطاء می فرماید.

عرض کردم: اجر کسی که از آب فرات غسل کرده و سپس به زیارت آن جناب

رود چیست؟

حضرت فرمودند:

زمانی که شخص از فرات غسل کرده در حالی که اراده زیارت آن حضرت را داشته باشد تمام لغزش‌ها و گناهانش ساقط و محو شده و وی نظیر آن روزی می‌باشد که از مادر متولد شده است.

آن شخص می‌گوید: عرض کردم:

اجر کسی که دیگری را مجهز کرده و به زیارت قبر آن حضرت بفرستد. ولی خودش بواسطه عارضه و علتی که پیش آمده به زیارت نرود چیست؟
حضرت فرمودند:

به هر یک درمی که خرج کرده و انفاق نموده همانند کوه احد حسنت حقتعالی برای او منظور می‌فرماید و باقی می‌گذارد و بر او چند برابر آنچه متحمل شده و بلا و گرفتاری‌هایی که بطور قطع نازل شده تا به وی اصابت کرده را از او دفع می‌نماید و مال و دارائی او را حفظ و نگهداری می‌کند.

آن شخص می‌گوید: عرض کردم:

اجر و ثواب کسی که نزد آن حضرت کشته شود چیست، مثلاً سلطان ظالمی بر وی ستم کرده و او را آنجا بکشد؟
حضرت فرمودند:

اولین قطره خونس که ریخته شود خداوند متعال تمام گناهانش را می‌آمرزد و طینتی را که از آن آفریده شده فرشتگان غسل داده تا از تمام آلودگی‌ها و تیره‌گی‌ها پاک و خالص شده همان طوری که انبیاء مخلص خالص و پاک می‌باشند و بدین ترتیب آنچه از اجناس طین اهل کفر یا طینت وی آمیخته شده زدوده می‌گردد و نیز قلبش را شنشو داده و سینه‌اش را فراخ نموده و آنرا مملو از ایمان کرده و بدین ترتیب خدا را ملاقات کرده در حالی که از هر چه ابدان و قلوب با آن مخلوط هستند پاک و منزّه می‌باشد و برایش مقرر می‌شود که

اهل بیت و هزار تن از برادران ایمانی خود را بتواند شفاعت کند و فرشتگان با همراهی جبرئیل و ملک الموت متولی خوانده‌ن نماز بر او می‌گردند و کفن و حنوطش را از بهشت آورده و در قبرش توسعه داده و چراغ‌هایی در آن می‌افروزند و درسی از آن بهشت باز می‌کنند و فرشتگان برایش اشیاء تازه و تحفه‌هایی بدیع از بهشت می‌آورند و پس از هیجده روز او را به خطیره القدس (بهشت) برده پس پیوسته در آنجا با اولیاء خدا خواهد بود تا نفخه‌ای که با دمیده شدنش هیچ چیز باقی نمی‌ماند دمیده شود و وقتی نفخه دومی دمیده شد و وی از قبر بیرون آمد اولین کسی که با او مصافحه می‌کند رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و اوصیاء سلام الله علیهم بوده که به وی بشارت داده و می‌گویند: با ما باش و سپس او را کنار حوض کوثر آورده و از آن به او می‌نوشانند و سپس به هر کسی که او بخواند و دوست داشته باشد نیز می‌آشامانند.

آن شخص می‌گوید: عرض کردم: اجر و ثواب کسی که به خاطر زیارت آن حضرت حبس شده چیست؟ حضرت فرمودند:

در مقابل هر روزی که حبس شده و غمگین می‌گردد سرور و شادی منظور شده که تا قیامت ادامه دارد و اگر پس از حبس او را زدند در قبال هر یک ضربه‌ای که به وی اصابت می‌کند یک حوربه‌ای به او داده شده و به ازاء هر دردی که بر پیکرش وارد می‌شود هزار هزار حسنه ملاحظه گردیده و هزار هزار لغزش و گناه از او محو و زائل گشته و هزار هزار درجه ارتقاء داده می‌شود و از ندیمان رسول خدا صلی الله علیه و آله محسوب شده تا از حساب فارغ گردد و پس از آن فرشتگانی که حمله عرش هستند با او مصافحه کرده و به او می‌گویند: آنچه دوست داری بخواه.

و زننده وی را برای حساب حاضر می‌کنند پس هیچ سنوالی از او نکرده و با هیچ چیز اعمالش را نسنجیده و محاسبه نکرده بلکه دو بازویش را گرفته و او را برده و به فرشته‌ای تحویل داده و آن فرشته به او جرعه‌ای از حمیم (آب داغ جهنم)

و جرعه ای از غسلین (آب چرک که از پوست و گوشت دوزخیان جاری می باشد) می چشانند و سپس او را روی تکه ای سرخ از آتش قرار داده و به ری می گویند: بچش چیزی را که دستهایت پیش پیش بواسطه زدن شخصی که او را زدی برای تو فرستاده اند، کسی را که زدی بیک و پیام آور خدا و رسول خدا بود و در این هنگام مضروب را آورده و نزدیک درب جهنم نگاه داشته و به او می گویند: به زنده خود بنگر و به آنچه به سرش آمده نظر نما آیا سینه ات شفاء می یابد؟ این عذابی که به او وارد شده بخاطر قصاص برای تو می باشد، پس می گوید: حمد خدا را که من و فرزند رسول خود را یاری فرمود.

معن:

۳- و بهذا الإسناد عن الأصم، عن عبدالله بن بكير - في حديث طويل - «قال: قال أبو عبدالله عليه السلام: يا ابن بكير إن الله اختار من بقاع الأرض ستة: البيت الحرام، والحرم، ومقابر الأنبياء، ومقابر الأوصياء، ومقاتل الشهداء، والمساجد التي يذكر فيها اسم الله، يا ابن بكير هل تدري ما لمن زار قبر أبي عبدالله الحسين عليه السلام إن جهله الجاهلون، ما من صباح إلا وعلى قبره هاتف من الملائكة يُنادي: يا طالب الخير أقبل إلى خالصة الله ترحل بالكرامة و تأمن الندامة، يسمع أهل المشرق و أهل المغرب إلا الثقلين، ولا يبقى في الأرض ملك من الحفظة إلا عطف عليه عند رقاد العبد حتى يستبح الله عنده، و يسأل الله الرضا عنه، ولا يبقى ملك في الهوا يسمع الصوت إلا أجاب بالتقديس لله تعالى، فتشتد أصوات الملائكة، فيجيبهم أهل السماء الدنيا، فتشتد أصوات الملائكة و أهل السماء الدنيا حتى تبلغ أهل السماء السابعة فيسمع أصواتهم الثببون فيترحمون

و فیصلون علی الحسین علیه السلام و یدعون لمن زاره».

ترجمه: ﴿ حدیث سوم ﴾

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری با همین اسناد از اصم، از عبدالله بن بکیر در ضمن حدیثی طولانی می‌گوید: حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند: ای ابن بکیر خداوند متعال از بقاع و اماکن روی زمین شش بفعه را اختیار فرموده:

بیت الحرام، حرم، مقابر انبیاء، مقابر اوصیاء، مقابر شهداء، و مساجدی که نام خدا در آنها برده می‌شود.

ای ابن بکیر، آیا می‌دانی اجر کسی که قبر حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام را زیارت کند چیست؟

هیچ صبح و بامدادی نیست مگر آنکه هاتفی از فرشتگان بالای قبر آن حضرت فریاد می‌کنند: ای خواستاران خیر رو کنید به برگزیده خدا و کوچ کنید بطرف ارجمندی و بزرگی و بدین ترتیب از ندامت و حسرت در امان باشید.

اهل مشرق و مغرب نداء این هاتف را می‌شنوند مگر جن و انس و در زمین هیچ فرشته‌ای از فرشتگان حافظ و نگهبان در وقتی که بندگان خواب هستند باقی نمی‌ماند مگر آنکه به قبر مطهر روی آورده و هجوم می‌کنند تا در آن مکان مقدس حقیقتی را تسبیح نموده و از درگاه جلالش بخواهند تا از آنها راضی گردد و هیچ فرشته‌ای در هوا باقی نمی‌ماند که نداء هاتف را شنیده مگر آنکه در جواب آن حق تعالی را تقدیس می‌کند و بدین ترتیب اصوات و صداهای فرشتگان بلند و قوی شده پس اهل و سکنه آسمان دنیا به آنها جواب داده و در نتیجه اصوات و صداهای فرشتگان و سکنه آسمان دنیا تشدید یافته به حدی که طنین آن به اهل و سکنه آسمان هفتم رسیده و بدین ترتیب انبیاء عظام صداهای ایشان را استماع

کرده پس رحمت و صلوات بر حضرت امام حسین علیه السلام فرستاده و زائرین آن حضرت را دعاء می‌کنند.

﴿ الباب الخامس والأربعون ﴾

﴿ ثواب من زار الحسين عليه السلام و عليه خوف ﴾

متن:

۱ - حدیثی محمد بن عبدالله بن جعفر، عن أبيه، عن علي بن محمد بن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبدالله بن حماد البصري، عن عبدالله بن عبدالرحمن الأصم، عن حماد ذي الثاب، عن رومي، عن زرارة «قال: قلت لأبي جعفر عليه السلام: ما تقول فيمن زار أبالك على خوف؟ قال: يؤمنه الله يوم الفزع الأكبر، و تلقاه الملائكة بالبشارة، و يقال له: لا تخف و لا تحزن هذا يومك الذي فيه فوزك».

﴿ باب جهل و پنجم ﴾

﴿ ثواب کسی که با ترس و هراس به زیارت ﴾

﴿ حضرت امام حسین علیه السلام برود ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، از حماد ذي الثاب، از رومی، از زرارة نقل کرده که وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی جعفر علیه السلام عرضه داشتیم: چه می فرمائید در باره کسی که با خوف و هراس پدر شما را زیارت کند؟

حضرت فرمودند:

در روزی که فزع اکبر است حق تعالی او را امان دهد و فرشتگان به وی بشارت داده و به او می گویند: مترس و محزون مباش امروز روزی است که تو در آن رستگار می شوی.

متن:

۲- ویاسناده، عن الأصم، عن ابن بکیر، عن أبي عبد الله علیه السلام «قال: قلت له: إني أنزل الأرجان وقلبي ينازعني إلى قبر أبيك، فإذا خرجت فقلبي وجل مشفق حتى أرجع خوفاً من السلطان والسُّعاة وأصحاب المسامح، فقال: يا ابن بکیر أما تحب أن يراك الله فينا خائفاً؟ أما تعلم أنه من خاف مخوفنا أظله الله في ظلِّ عرشه، وكان محدثه الحسين علیه السلام تحت العرش، و آمنه الله من أفزاع يوم القيامة، يفزع الناس ولا يفزع، فإن فزع وقورثه الملائكة وسكنت قلبه بالبشارة».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر به اسنادش از اصم، از ابن بکیر، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده، وی گفت: محضر مبارک امام علیه السلام عرضه داشتیم: من به شهر ارجان وارد شده و در آنجا نازل شدم ولی قلب و دلم آرزوی زیارت قبر مطهر پدر بزرگوارتان را داشت لذا از شهر به قصد زیارت آن جناب خارج شدم اما دلم ترسان و لرزان بود و از خوف و ترس سلطان و ساعیان و عمال وی و مرزبانان تا زمان مراجعت در وحشت و دهشت بودم.

حضرت فرمودند:

ای پسر بکیر آیا دوست نداری که خداوند تو را از کسانی که در راه ما ترسان و خائف می‌باشند محسوب فرماید؟
 آیا می‌دانی کسی که به خاطر خوف ما خائف باشد حق تعالی او را در سایه عرش مکان دهد و هم صحبتش حضرت امام حسین علیه السلام در زیر عرش می‌باشد و حق تعالی او را از فزع‌های روز قیامت در امان می‌دارد، مردم به فزع و جزع آمده ولی او فزع نمی‌کند، پس اگر فزع کند فرشتگان آرامش کرده و بواسطه بشارت دادن قلبش را ساکت و ساکن می‌نمایند.

متن:

۳- حدیثی حکیم بن داود بن حکیم السراج، عن سلمة بن الخطاب، عن موسى بن عمر، عن حسان البصری، عن معاوية بن وهب، عن أبي عبدالله علیه السلام «قال: قال: يا معاوية لا تدع زيارة قبر الحسين علیه السلام الخوف، فإن من تركه رأى من المسرة ما يتنى أن قبره كان عنده، أما تحب أن يرى الله شخصك و سوادك فيمن يدعو له رسول الله صلی الله علیه و آله و علي و فاطمة و الأئمة علیهم السلام؟ أما تحب أن تكون ممن ينقلب بالمغفرة لما مضى و يغفر له ذنوب سبعين سنة؟ أما تحب أن تكون ممن يخرج من الدنيا و ليس عليه ذنب يتبع به؟ أما تحب أن تكون غداً ممن يصفح الله صلی الله علیه و آله؟».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود بن حکیم سراج از سلمة بن الخطاب، از موسی بن عمر، از حسان البصری از معاویة بن وهب، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده، وی گفت:

حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند:

ای معاویه، بخاطر خوف و هراس زیارت نبر امام حسین علیه السلام را ترک مکن زیرا کسی که زیارت آن حضرت را ترک کند چنان حسرتی ببیند که تمنا و آرزو کند قبر آن جناب نزدش باشد، آیا دوست نداری که خداوند متعال تو را در زمره کسانی محسوب کند که رسولش صلی الله علیه و آله و حضرات علی و فاطمه و ائمه علیهم السلام برایش دعا می کنند؟

آیا دوست نداری از کسانی باشی که گناهان گذشته ات آمرزیده شده و برای گناهان هفتاد سال بعد طلب غفران برایت کنند؟

آیا دوست داری از کسانی باشی که از دنیا خارج می شوند در حالی که در گناهی قابل مواخذه ندارند؟

آیا دوست داری فردای قیامت از کسانی باشی که رسول خدا صلی الله علیه و آله با آنها مصافحه می کند؟

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

متن:

۴ - حدیثی علی بن الحسین - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن محمد بن الحسین بن أبي الخطاب، عن محمد بن إسماعيل بن بزيع، عن الخبيری، عن یونس بن ظبيان، عن أبي عبدالله علیه السلام «قال: قلت له: جعلت فداك زیارة قبر الحسين علیه السلام في حال التقيّة؟ قال: إذا أتيت الفرات فاغتسل بماء البس أنوابك الطاهرة ثم تمرّ بإزاء القبر و قل: «صلى الله عليك أبا عبدالله، صلى الله عليك يا أبا عبدالله، صلى الله عليك يا أبا عبدالله»، فقد تمت زیارتك».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

علی بن الحسین رحمة الله علیه، از سعد بن عبدالله، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از محمد بن اسماعیل بن بزیع، از خبیری، از یونس بن ظبیان، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده وی گفت: محضر مبارکش عرض کردم: فدایت شوم: زیارت قبر امام حسین علیه السلام در حال تقیه به چه گونه است؟ حضرت فرمودند:

وقتی به فرات رسیدی غسل کن و لباسهای پاک و طاهر خود را بپوش سپس عبور کن تا به ازاء و مقابل قبر برسی و بگو:

صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِاللهِ: صلوات و رحمت خدا بر شما ای ابا عبدالله

صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِاللهِ: صلوات و رحمت خدا بر شما ای ابا عبدالله

صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِاللهِ: صلوات و رحمت خدا بر شما ای ابا عبدالله

پس زیارتت صحیح و تمام می باشد.

مرکز تحقیق و پژوهش اسلامی

متن:

۵ - حدیثی محمد بن عبدالله بن جعفر الحیمری، عن ابيه، عن علي بن محمد بن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبدالله بن حماد البصری، عن عبدالله بن عبدالرحمن الأصم قال: حدیثنا مدبج، عن محمد بن مسلم - فی حدیث طویل - «قال: قال لي أبو جعفر محمد بن علي عليه السلام: هل تأتي قبر الحسين عليه السلام؟ قلت: نعم على خوفٍ و وجلٍ، فقال: ما كان من هذا أشدّ، فالثواب فيه على قدر الخوف، و من خاف في إتيانه أمن الله روعته يوم القيامة يوم يقوم الناس لرب العالمين، و انصرف بالمغفرة، و سلّمت عليه الملائكة و زاره النبي صلى الله عليه و آله و سلم و دعا له و انقلب بنعمة من الله و فضلٍ لم يحسسه سوءه و أتبع رضوان الله - ثم ذكر الحديث -».

ترجمه:

﴿ حدیث پنجم ﴾

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد البصری، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم نقل کرده، وی گفت:

حدیث گفت برای ما مدیج، از محمد بن مسلم در ضمن حدیث طولانی، وی گفت:

حضرت ابو جعفر محمد بن علی علیه السلام به من فرمودند:

آیا به زیارت قبر حسین علیه السلام می‌روی؟

عرض کردم: بلی ولی با خوف و هراس.

فرمودند: هر قدر در زیارتت خوف بیشتر باشد ثواب در آن به مقدار خوف و هراس تو می‌باشد و کسی که در زیارتش خائف و بیمناک باشد در روزی که مردم برای حساب پروردگار عالعیان به پا می‌خیزند حق تعالی او را در امان قرار داده و خوف و وحشت او را برطرف می‌کند و با آمرزش گناهان برگشته و فرشتگان بر او سلام نموده و نبی اکرم صلی الله علیه و آله به زیارتش آمده و برای او دعاء می‌فرمایند و بواسطه نعمت الهی حالش دگرگون شده و فضلی که هیچ مکروه و بدی با آن همراه نیست شاملش شده و بدنبال آن رضوان خدا نصیبش می‌گردد.

﴿ الباب السادس و الأربعون ﴾

﴿ ثواب ما للرجل في نفقته إلى زيارة الحسين علیه السلام ﴾

متن:

۱ - حدیثی محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری، عن أبیه، عن علی بن محمد بن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبدالله بن حماد البصری، عن

عبدالله بن عبدالرحمن الأصم قال: حَدَّثَنَا مُعَاذُ، عَنْ أَبَانَ «قال: سمعته يقول: قال أبو عبدالله عليه السلام: من أتى قبر أبي عبدالله عليه السلام فقد وصل رسول الله صلى الله عليه وآله ووصلنا وحرمت غيبته، وحرم لحمه على النار وأعطاه بكلِّ درهم أنفقته عشرة آلاف مدينة له في كتاب محفوظ، وكان الله له من وراء حوائجه، و حفظ في كلِّ ما خلف، ولم يسأل الله شيئاً إلا أعطاه وأجابه فيه، إماماً أن يعجله وإماماً أن يؤخره له».

و حَدَّثَنِي بِذَلِكَ مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ بْنِ سَهِيلٍ - رَحِمَهُ اللهُ - عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ حَمَّادٍ، عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ، عَنْ مُعَاذٍ، عَنْ أَبَانَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام مثله.



مرکز تحقیق و تکلیف پژوهش‌های اسلامی

﴿ باب چهل و ششم ﴾

﴿ اجر و ثواب آنچه شخص در زیارت حضرت ﴾

﴿ امام حسین علیه السلام اتفاق می‌کند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد البصری، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم نقل کرده که وی گفت:

حدیث گفت برای ما معاذ، از ابان، وی گفت:

از او شنیدم که می‌گفت:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

کسیکه به زیارت قبر حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام رود محققاً به رسول خدا و به ما اهل بیت احسان نموده و خبیثش جایز نبوده و گوشتش بر آتش حرام است و در مقابل هر یک درهمی که اتفاق کرده خداوند متعال اتفاق اهالی و سکنه ده هزار شهرهائی که در کتابش مضبوط و معلوم است را به او اعطاء می‌فرماید و بدنبال آن حوائج و نیازمندی‌هایش را روا می‌فرماید و آنچه را که از خود باقی گذارد حق تعالی حافظ آنها است و درخواست و سؤال چیزی از خدا نمی‌کند مگر آنکه باری تعالی اجابتش می‌فرماید اعم از آنکه سریع و بدون مهلت حاجتش را روا کرده یا با تأخیر و مهلت آنرا برآورده نماید.

و محمد بن همام بن سهیل رحمة الله علیه، از جعفر بن محمد بن مالک، از محمد ابن اسماعیل، از عبدالله بن حماد، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، از معاذ، از ابان برایم مثل همین حدیث را از حضرت ابا عبدالله علیه السلام نقل نموده است.

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

متن:

۲ - و حدیثی محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری، عن ابيه، عن علي بن محمد بن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبدالله بن حماد البصري، عن عبدالله بن عبدالرحمن الاصم، عن الحسين، عن الحلبي، عن ابي عبدالله علیه السلام - في حديث طويل - «قال: قلت: جعلت فداك ما تقول فيمن ترك زیارته و هو يقدر على ذلك؟ قال: أقول: إنه قد عرق رسول الله صلی الله علیه و آله و عرقنا و استخف بأمره و له، و من زاره كان الله له من وراء حوائجه، و كفى ما أهته من أمر دنياه، و أنه لیجلب الرزق على العبد، و يخلف عليه ما أنفق و يفرله ذنوب خمسين سنة، و يرجع إلى أهله و ما عليه و زُرُّ

ولا خطيئة إلا و قد بحيث من صحيفته، فإن هلك في سفره نزلت
الملائكة ففتلته، و فتحت له أبواب الجنة، ويدخل عليه روحها حتى
ينشر، وإن سلم فتح له الباب الذي ينزل منه الرزق و يجعل له بكلّ درهم
أنفقه عشرة آلاف درهم، و ذخّر ذلك له فإذا حُسر قيل له: لك بكلّ درهم
عشرة آلاف درهم، و إنّ الله نظر لك و ذخرها لك عنده».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از
محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد البصری، از عبدالله بن عبدالرحمن الاصم، از
حسین، از حلبی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام در ضمن حدیث طویلی نقل کرده،
وی گفت:

محضر مبارک امام علیه السلام عرض داشتیم: فدایت شوم چه می فرمائید در باره کسی که
با داشتن قدرت زیارت آن حضرت را ترک می کند؟
حضرت می فرمایند می گویم:

این شخص عاق رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و عاق ما اهل بیت می باشد و امری که به نفع او
است را سبک شمرده است.

و کسی که آن حضرت را زیارت کند:

خداوند متعال حوائجش را برآورده نماید و آنچه از دنیا مقصود او است را
کفایت فرماید.

و نیز زیارت آن حضرت موجب جلب رزق برای زائر می باشد.

و آنچه در این راه اتفاق کرده بر او باقی مانده و جانشین و یادگارش خواهد بود
و همچنین زیارت آن حضرت موجب می شود:

گناهان پنجاه ساله او آمرزیده شده و وی به اهلش بازگردد در حالی که بر
عهده اش نه وزر و وبالی بوده و نه لغزشی و آنچه از گناه در صحیفه اعمالش ثبت

شده جملگی محو و پاک می‌گردد. اگر زائر در سفر زیارت فوت شود فرشتگان نازل گشته و او را غسل می‌دهند و نیز درب‌هایی از بهشت به روی او گشوده می‌شود و نسیم خوش آن در قبر بر او وزیده و در قبر پراکنده و منتشر می‌گردد. و اگر وی در سفر زیارت سالم و از گزند مرگ در امان ماند دربی به روی او گشوده می‌شود که رزق و روزی وی از آن نازل می‌گردد و در مقابل هر دره‌می که اتفاق کرده ده هزار درهم قرار داده می‌شود و آن را برای وی ذخیره کرده و هنگامی که محشور شد و از قبر بیرون آمد به او گفته می‌شود: در مقابل هر دره‌می که در سفر زیارتت خرج کردی ده هزار درهم مال تو است و خداوند به تو نظر نموده و آنها را نزد خودش برای او ذخیره کرد.



من:

۳- و یاسناده عن الأصم، عن هشام بن سالم، عن أبي عبد الله عليه السلام «إن رجلاً أتاه فقال له: يا ابن رسول الله هل يزار والدك؟ قال: فقال: نعم و يصلّي عنده، و يصلّي خلفه و لا يتقدّم عليه، قال: فما لمن أتاه؟ قال: الجنة إن كان يأتهم به، قال: فما لمن تركه رغبة عنه؟ قال: المسرة يوم المسرة، قال: فما لمن أقام عنده؟ قال: كل يوم بألف شهر، قال: فما للمنفق في خروجه إليه و المنفق عنده؟ قال: الدرهم بألف درهم - و ذكر الحديث بطوله -».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری باسنادش از اصم، از هشام بن سالم از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده است، وی می‌گوید:

مردی محضر مبارک امام علیه السلام مشرف شد و به آن جناب عرض کرد:
ای پسر رسول خدا! آیا پدر بزرگوار شما زیارت بشود؟
حضرت فرمودند:

بلی و علاوه بر آن نزد آن جناب نماز نیز خوانده شود ولی باید توجه داشت که
نماز را پشت قبر بخوانند و بر آن مقدم نشوند.
رازی می‌گوید:

چه اجری است برای کسی که آن حضرت را زیارت کند.
حضرت فرمودند:

بهشت؛ مشروط به اینکه از آن جناب پیروی کرده و به حضرتش اقتداء نماید.
رازی می‌گوید:

کسی که از روی بی‌میلی و عدم رغبت زیارت آن حضرت را ترک کند چه برای او
می‌باشد؟
حضرت فرمودند:

در روز حسرت، حسرت خواهد خورد.

عرض کرد: چه اجر و ثوابی است برای کسی که نزد قبر آن جناب اقامه کند؟
حضرت فرمودند:

در مقابل هر روز هزار ماء منظور می‌گردد.
عرض کرد:

کسی که در راه سفر متحمل هزینه شده و در نزد قبر مطهر انفاقاتی نماید چه اجر
و ثوابی دارد؟

حضرت فرمودند:

در مقابل هر درهمی که انفاق و خرج کرده هزار درهم برایش منظور می‌شود.

متن:

۴- و یاسناده عن الأصم، عن ابن سنان «قال: قلت لأبي عبد الله علیه السلام: جعلت فداك إن أباك كان يقول في الحج: يحسب له بكلِّ درهم أنفق ألف درهم، فما لمن ينفق في المسير إلى أبيك الحسين علیه السلام؟ فقال: يا ابن سنان يحسب له بالدرهم ألف و ألف - حتى عدَّ عشرة -، و يرفع له من الدرجات مثلها، و رضا الله تعالى خير له، و دعاء محمد و دعاء أمير المؤمنين و الأئمة علیهم السلام خير له».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری باسناده از اصم، از ابن سنان نقل کرده که وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم پدر بزرگوارتان راجع به حج می فرمودند:

در مقابل هر دره‌می که شخص انفاق می کند هزار درهم منظور می شود.

اکنون بفرمائید: چه اجر و ثوابی است برای کسی که در سفر زیارت پدرتان حضرت امام حسین علیه السلام انفاق نماید؟

حضرت فرمودند:

ای ابن سنان در مقابل هر دره‌می که شخص انفاق کند هزار و هزار ... و همینطور شمردند تا به ده هزار رسید، منظور می گردد و به همین مقدار درجه اش را بالا می برند و رضایت و خشنودی حق تعالی از وی و دعاء حضرت محمد صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین و حضرات ائمه علیهم السلام برای او بهتر از آن می باشد.

متن:

۵ - حدیثی ابي - رحمه الله - عن أحمد بن إدريس؛ و محمد بن یحیی العطّار، عن العمرکی بن علی قال: حدّثنا یحیی - و كان في خدمة أبي جعفر الثاني عليه السلام - عن عليّ، عن صفوان الجمال، عن أبي عبد الله عليه السلام - في حديث طويل - «قال: قلت: فما لمن صَلَّى عنده يعني الحسين عليه السلام في حديث طويل» قال: قلت: فما لمن صَلَّى عنده - يعني الحسين عليه السلام؟ - قال: من صَلَّى عنده ركعتين لم يسأل الله تعالى شيئاً إلا أعطاه إياه، فقلت: فما لمن اغتسل من ماء الفرات ثم أتاه؟ قال: إذا اغتسل من ماء الفرات وهو يريد تساقطت عنه خطايا، كيوم ولدته أمّه، قلت: فما لمن جهّز إليه ولم يخرج لعلّة؟ قال: يعطيه الله بكلّ درهم أنفقه من الحسنات مثل حبل أحد و يخلف عليه أضعاف ما أنفق، و يصرف عنه من البلاء مما قد نزل فيدفع و يحفظ في ماله - و ذكر الحديث بطوله -».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه از محمد بن إدريس و محمد بن یحیی عطّار از عمرکی بن علی نقل کرده که وی گفت: حدیث کرد برای ما یحیی که در خدمت حضرت ابي جعفر ثانی عليه السلام بود از علی و او از صفوان جمال و او از حضرت ابي عبد الله عليه السلام حدیثی طولانی را نقل کرده و در ضمن آن می گوید:

محضر مبارک امام عليه السلام عرضه داشتیم: چه اجر و ثوابی است برای کسی که نزد قبر مطهر آن حضرت (حضرت امام حسین عليه السلام) نماز بخواند؟

حضرت فرمودند:

کسی که نزد قبر آن جناب دو رکعت نماز بخواند چیزی را از خدا نخواستہ مگر

آنکه حق تعالی آن را به وی اعطاء می فرماید.

عرض کردم: چه اجر و ثوابی است برای کسی که از آب فرات غسل کرده و سپس به زیارت آن حضرت رود؟

امام علیه السلام فرمودند:

هنگامی که با اراده زیارت آن حضرت از فرات غسل می کند تمام گناهانش ریخته شده و پاک می گردد مثل اینکه تازه از مادر متولد گردیده.

عرض کردم: ثواب و اجر کسی که خودش بخاطر جهنی نمی تواند به زیارت رود ولی دیگری را مجهز ساخته و به زیارت فرستاده چه می باشد؟

حضرت فرمودند:

در مقابل هر یک درهمی که خرج کرده خداوند متعال به قدر کوه أخذ از حسنات به وی داده و چند برابر هزینه ای را که متحمل شده برایش باقی می گذارد و نیز بلاهائی که نازل شده را از وی دور می گرداند و همچنین مال و دارائی وی را حفظ و نگهداری می فرماید.

﴿ الباب السابع و الأربعون ﴾

﴿ ما یکره اتخاذه لزیارة الحسین بن علی علیه السلام ﴾

متن:

۱ - حدیثی است از ابی؛ و علی بن الحسین؛ و جماعة مشایخی - رحمهم الله - عن سعد بن عبدالله بن ابی خلف، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن علی بن المحکم - عن بعض أصحابنا - «قال: قال أبو عبدالله علیه السلام: بلغنی أن قوماً أرادوا الحسین علیه السلام حملوا معهم الشتر فیها الحلاوی والأخبصة وأشباهها، لو زاروا قبور أحبائهم ما حملوا معهم هذا».

﴿ باب جهل و هفتم ﴾

﴿ در بیان آنچه مکروه است اتخاذ و همراه بردنش ﴾

﴿ برای زیارت حضرت حسین بن علی علیه السلام ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه و علی بن الحسین و جماعتی از مشایخ و اساتیدم رحمة الله علیهم، از سعد بن عبدالله بن ابی خلف، از احمد بن محمد بن عیسی، از علی بن الحکم، از برخی اصحاب ما نقل کرد که وی گفت:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

به من گزارش شده گروهی به قصد زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام حرکت کرده و با خود سفره‌هائی را برداشته‌اند که در آنها شیرینی جات و حلواها و امثال اینها را گذاشته‌اند، ایشان اگر به زیارت قبور محبوب‌هایشان روند امثال اینگونه از اشیاء را با خود حمل نمی‌کنند.

متن:

۲- و حدیثی محمد بن الحسن بن أحمد؛ و غیره، عن سعد بن عبدالله، عن موسى بن عمر، عن صالح بن البیندی الجمال، عن رجل من أهل الرقة قال له: أبو المضا «قال: قال لي أبو عبدالله علیه السلام: تأتون قبر أبي عبدالله علیه السلام؟ قلت: نعم، قال: أفستخذرون لذلك سفراً؟ قلت: نعم، فقال: أما لو أتيتم قبور آبائكم وأمهاتكم لم تفعلوا ذلك، قال: قلت: أي شيء نأكل؟ قال: الخبز واللبن، قال: وقال كرام لأبي عبدالله علیه السلام: جعلت فداك إن قوماً يزورون قبر الحسين علیه السلام فيطيبون السفر، قال: فقال لي أبو عبدالله علیه السلام:

أما إنهم لو زاروا قبور آبائهم ما فعلوا ذلك.»

ترجمه: ﴿ حدیث دوم ﴾

و محمد بن الحسن بن احمد و غیرش از سعد بن عبدالله، از موسی بن عمر، از صالح بن سندی جمال، از مردی که اهل رقه بود و به وی ابرالمضا می گفتند نقل کرده که وی گفت:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام به من فرمودند:

آیا به زیارت قبر حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام می روید؟
عرض کردم: بلی.

فرمودند:



آیا با خود سفره ها را برداشته و می برید؟
عرض کردم: بلی.

مرکز تحقیقات کتب و نشر اسلامی

فرمودند:

قطعی است که اگر به زیارت قبور پدران و مادران خود بروید چنین کاری نمی کنید.

وی می گوید: عرض کردم:

پس چه چیز بخوریم؟

حضرت فرمودند:

نان و شیر.

وی می گوید: کرام (یعنی: عبدالکریم بن عمرو الخثعمی) به حضرت عرض کرد:

فدایت شوم گروهی به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام می روند

و سفره هایشان را به انواع اطعمه مطبوع خوش بو و معطر می نمایند؟

حضرت فرمودند:

قطعی و حتمی است که ایشان اگر به زیارت قبور پدرانشان روند چنین نمی کنند.

متن:

۳- حدّثنی حکیم بن داود، عن سلمة بن الخطاب، عن أحمد بن محمد، عن عليّ بن المحکم - عن بعض أصحابنا - «قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: بلغنی أنّ قوماً إذا زاروا الحسين بن عليّ حملوا معهم السُّفر فیها الحلاوی والأخبصة وأشباهها، لو زاروا قبور أحبّائهم ما حملوا ذلك».

﴿ حدیث سوّم ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود از سلمة بن الخطاب، از احمد بن محمد، از علی بن المحکم، از برخی اصحاب ما نقل کرده که وی گفت:
حضرت ابو عبدالله عليه السلام فرمودند:
به من گزارش شده گروهی هرگاه به زیارت حضرت حسین بن علی علیهما السلام می روند با خود سفره هائی که در آن شیرینی جات و حلواها و امثال اینها را گذاشته بر می دارند، ایشان اگر به زیارت قبور دوستان و محبوب هایشان روند اینگونه از اشیاء را با خود حمل نمی کنند.

متن:

۴- حدّثنی محمد بن أحمد بن الحسين قال: حدّثنی الحسن بن عليّ بن مهزیار، عن أبيه، عن الحسن بن سعيد، عن زُرعة بن محمد الحضرمي، عن المنضّل بن عمر «قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: تزورون خیر من أن لا تزورون، أحدکم لیذهب إلى قبر أبيه کثیباً حزیناً و تأتونه أنتم بالسُّفر، کلاً حتّى تأتونه شعناً عُبراً».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

محمد بن احمد بن الحسین می گوید:

حسن بن علی بن مهزیار از پدرش، از حسین بن سعید، از زرعۀ بن محمد
حضر می، از مفضل بن عمر نقل کرده که وی گفت:
حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

زیارت بروید بهتر است از اینکه به زیارت نروید و زیارت نروید بهتر است از
اینکه به زیارت بروید.

راوی می گوید: محضر مبارکش عرض کردم:

کمر من را شکستید با این کلام.

حضرت فرمودند:

به خدا قسم یکی از شما وقتی به زیارت قبر پدرش می رود غمگین و اندوهناک
می رود ولی به زیارت قبر مطهر آن حضرت می رود در حالی که با خود سفره ها
می ببرد، نه، این طور نباید به زیارت آن جناب بروید بلکه زیارتش کنید با حالی
افسرده و حزین و گرفته.

﴿ الباب الثامن و الأربعون ﴾

﴿ کیف يجب أن يكون زائر الحسين بن علي صلوات الله عليهما ﴾

متن:

۱ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ
مُحَمَّدِ بْنِ سَلْيَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَادِ الْبَصْرِيِّ،
عَنْ عَبْدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ قَالَ: حَدَّثَنَا مَدْلُجٌ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ،
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام « قَالَ: قُلْتُ لَهُ: إِذَا خَرَجْنَا إِلَى أَبِيكَ أَفَكُنَّا فِي حَجٍّ؟ قَالَ:

بلى، قلت فيلزمنا ما يلزم الحاج؟ قال: من ماذا؟ قلت: من الأشياء التي يلزم الحاج، قال يلزمك حسن الصحابة لمن يصحبك، و يلزمك قلة الكلام إلا بخير، و يلزمك كثرة ذكر الله، و يلزمك نظافة الثياب، و يلزمك الغسل قبل أن تأتي الحائر، يلزمك الخشوع و كثرة الصلاة، و الصلاة على محمد و آل محمد، و يلزمك التوقير لأخذ ما ليس لك، و يلزمك أن تغض بصرك، و يلزمك أن تعود أهل الحاجة من إخوانك إذا رأيت منقطعاً و المؤاساة، و يلزمك التقيّة التي قوام دينك بها،

و الورع عما نهيت عنه و المنصومة و كثرة الأيمان و الجدال الذي فيه الأيمان فإذا فعلت ذلك تمّ حجك و عمرتك، و استوجبت من الذي طلبت ما عنده بنفقتك، و اغترابك عن أهلك، و رغبتك فيما رغبت: أن تنصرف بالمغفرة و الرّحمة و الرّضوان».

﴿ باب جهل و هشم ﴾

﴿ در بیان اینکه واجب است زائر حضرت حسین بن علی علیه السلام ﴾

﴿ چه گونه باشد ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، وی می گوید:

مدلج از محمد بن مسلم برای ما نقل کرد که وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم: هرگاه به زیارت پدر بزرگوارتان (حضرت امام حسین علیه السلام) می‌رویم آیا بهمان هیئت و کیفیتی که به حج می‌رویم باشیم؟
حضرت فرمودند: بلی.

عرض کردم: پس آنچه بر حاجی لازم است بر ما نیز لازم است؟
حضرت فرمودند: چه چیزهایی را گفتی؟
عرض کردم: اشیائی را که بر حاجی لازم می‌باشد.
حضرت فرمودند:

بر تو لازم است که با همراهانت خوش‌رفتار باشی، سخن اندک بگویی و حتی الامکان تکلم نکنی مگر به خیر.



بر تو لازم است زیاد پیاد خدا باشی.

و بر تو لازم است جامه و لباس‌هایت را نظیف و پاکیزه نگاه داری.
و بر تو لازم است پیش از اینکه به حائز برسی غسل نمائی.

لازم است بر تو که خاشع بوده و زیاد نماز خوانده و بسیار بر محمد و آل محمد صلوات بفرستی و به آنچه از تو نیست و مال دیگری است احترام گذارده و برنداری.

لازم است به آنچه حلال نیست نگاه نکرده و چشم خود را از آن فرو بیندی.
لازم است وقتی برادر ایمانی خود را نیازمند دیده و ملاحظه کردی که بواسطه نداشتن نفقه از ادامه عمل عاجز است به دیدنش رفته او را کمک کرده و به مواسات با او رفتار نمائی.

بر تو لازم است تقیه که دین تو به آن قائم است را رعایت کنی.
واجب است از آنچه منهی هستی و از خصومت و دشمنی و زیاد قسم خوردن و از جدال کردنی که در اثناء آن به خوردن قسم مبادرت می‌ورزی اجتناب و دوری کنی.

و وقتی به این دستورها عمل کردی البته حج و عمره تو تمام و کامل بوده و به واسطه صرف نفقه و دور شدن از اهل و عیالت و روی نافتن از آنچه به آن مایل هستی از کسی که آنچه نزدش بوده و تو آن را طلب کردی استحقاق پیدا می‌کنی که از سفرت مراجعه کرده در حالی که مغفرت و رحمت و رضوانش شامل تو شده باشد.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنِ زُرْعَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمَضْرَمِيِّ، عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عَمْرٍ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: تَزُورُونَ خَيْرٌ مِنْ أَنْ لَا تَزُورُونَ، وَ لَا تَزُورُونَ خَيْرٌ مِنْ أَنْ تَزُورُونَ، قَالَ: قُلْتُ: قَطَعْتَ ظَهْرِي، قَالَ: تَاللَّهِ إِنَّ أَحَدَكُمْ لِيَذْهَبُ إِلَى قَبْرِ أَبِيهِ كَثِيبًا حَزِينًا وَ تَأْتُونَهُ أَنْتُمْ بِالسُّفْرِ كُلِّهِ حَتَّى تَأْتُونَهُ شُعْتًا غَيْرًا».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

مترجم گوید:

این حدیث عیناً با ترجمه‌اش در باب جهل و هفتم «حدیث چهارم» قبلاً گذشت.

متن:

۳ - حَدَّثَنِي أَبِي وَأَخِي وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَ غَيْرُهُمْ - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ ابْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خُلْفٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى الْأَشْعَرِيِّ عَنْ عَلِيٍّ

ابن المحکم - عن بعض اصحابنا - عن أبي عبدالله علیه السلام «قال: إذا أردت زيارة الحسين علیه السلام فزره و أنت کئیب حزين مکروب شعثاً مغيراً جائعاً عطشاناً، فإن الحسين قتل حزیناً مکروباً شعثاً مغيراً جائعاً عطشاناً، وسله الحوائج وانصرف عنه، ولا تتخذہ وطناً».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

پدر و برادرم و علی بن الحسین و دیگران رحمة الله عليهم از سعد بن عبدالله بن ابی خلف، از احمد بن محمد بن عیسی الاشعری، از علی بن المحکم، از بعض اصحاب ما، از ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده وی گفت: حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند:

هنگامی که اراده زیارت حضرت حسین علیه السلام را نمودی پس آن حضرت را با حالی غمگین و اندوهناک و ناراحت و زولیده و گرفته و گرسنه و تشنه زیارت نما زیرا حضرتش کشته شدند در حالی که غمگین و ناراحت و زولیده و گرفته و گرسنه و تشنه بودند و از آن جناب حوائج و خواسته های خود را بخواه و سپس از آنجا برگرد و آن مکان شریف را وطن برای خود قرار مده.

متن:

۴ - و بهذا الإسناد، عن سعد بن عبدالله، عن موسى بن عمر، عن صالح بن السندی الجمال - عن ذکره - عن کرام بن عمرو «قال: قال ابو عبدالله علیه السلام : الکرام! إذا أردت أنت قبر الحسين علیه السلام فزره و أنت کئیب حزين، شعث غیر فإن الحسين علیه السلام قتل و هو کئیب حزن شعث، غیر جائع عطشان».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

و با اسناد حدیث قبل از سعد بن عبدالله، از موسی بن عمرو، از صالح بن سندی
جمال از کسی که ذکرش نموده از کرام بن عمرو، وی گفت:
حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

ای کرام! هرگاه اراده نمودی قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام را زیارت کنی پس
آن حضرت را با حالی غمگین و حزین و هپتی ژولیده و گرفته زیارت نما، زیرا
حضرتش کشته شد در حالیکه محزون و غمگین و ژولیده و گرفته و گرسنه
و تشنه بودند.

﴿ الباب التاسع والأربعون ﴾

﴿ ثواب من زار الحسين علیه السلام را کباً و ماشياً و مناجاة الله لزاره ﴾ترجمه: هر که زیارت کند حسین علیه السلام را کباً و ماشياً و مناجاة الله لزاره

ترجمه:

۱ - حدیثی است از ابی - رحمه الله - و جماعة مشایخی، عن سعد بن عبدالله،
و محمد بن یحیی و عبدالله بن جعفر الحمیری و احمد بن إدريس جميعاً،
عن الحسين بن عبيدالله، عن الحسن بن علي بن أبي عثمان، عن
عبدالجبار النهاوندي، عن أبي سعيد عن الحسين بن ثوير بن أبي فاخته
«قال: قال ابو عبدالله علیه السلام: يا حسين من خرج من منزله يريد زيارة قبر
الحسين ابن علي علیه السلام إن كان ماشياً كتب الله له بكل خطوة حسنة و معى عنه
سبئة حتى إذا صار في الحائر كتبه الله من المفلحين المنجحين حتى إذا قضى
مناسكه كتبه الله من الفائزين، حتى إذا أراد الأنصراف أتاه ملك فقال: إن
رسول الله صلی الله علیه و آله يقول لك: استأنف العمل فقد غفر لك ما
مضى».

﴿ باب چهل و نهم ﴾

﴿ نواب کسی که سواره یا پیاده به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام ﴾

﴿ برود و خواندن و مناجات ﴾

﴿ حق تعالی زائر قبر مطهر را ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از سعد بن عبدالله و محمد ابن یحیی و عبدالله بن جعفر حمیری و احمد بن ادریس جملگی از حسین بن عبدالله، از حسن بن علی بن ابی عثمان، از عبدالجبار نهاوندی از ابو سعید، از حسین بن ثور بن ابی فاخته، وی می گوید:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند: *ترجمه: کسی که پیاده برود*

ای حسین! کسی که از منزلش بیرون آید و قصدش زیارت قبر حضرت حسین ابن علی علیه السلام باشد اگر پیاده رود خداوند منان به هر قدمی که برمی دارد یک حسنه برایش نوشته و یک گناه از او محو می فرماید تا زمانی که به حائر برسد و پس از رسیدن به آن مکان شریف حق تبارک و تعالی او را از رستگاران قرار می دهد تا وقتی که مراسم و اعمال زیارت را به پایان برساند که در این هنگام او را از فائزین محسوب می فرماید تا زمانی که اراده مراجعت نماید در این وقت فرشته ای نزد او آمده و می گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سلام رسانده و به تو می فرماید:

از ابتداء عمل را شروع کن، تمام گناهان گذشته ات آمرزیده شد.

متن:

۲ - حدیثی است از ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، و محمد بن یحیی، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن اسماعیل عن صالح بن عقبه، عن بشیر الدّهان، عن ابی عبدالله علیه السلام «قال: إن الرجل لیخرج إلى قبر الحسین علیه السلام، فله إذا خرج من أهله بأول خطوة مغفرة لذنوبه ثم لم یزل یقدس بكل خطوة حتی یتیه، فإذا أتاه نجاه الله تعالی فقال: عبدي سلني اعطك؛ أدعني اجیک، أطلب مني اعطك، سلني حاجة أقضیها لك! قال: وقال ابو عبدالله علیه السلام: وحق علی الله أن یعطی ما بذل».



حدیث دوم

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبدالله و محمد بن یحیی، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از بشیر دهان، وی می گوید:
حضرت ابی عبدالله علیه السلام فرمودند:

شخصی که به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام می رود، زمانی که از اهلش جدا شد با اولین گامی که برمی دارد تمام گناهانش آمرزیده می شود سپس با هر قدمی که برمی دارد پیوسته تقدیس و تنزیه شده تا به قبر برسد و هنگامی که به آنجا رسید حق تعالی او را خوانده و با وی مناجات نموده و می فرماید:
بنده من! از من بخواه تا به تو اعطاء نمایم، من را بخوان اجابتت نمایم، از من طلب کن به تو بدهم، حاجتت را از من بخواه تا برایت روا سازم.
راوی می گوید، امام علیه السلام فرمودند:

و بر خداوند متعال حق و ثابت است آنچه را که بذل نموده اعطاء فرماید.

منن:

۳- و بهسذا الإسناد عن صالح، عن الحارث بن المغيرة، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: إنَّ لله ملائكة موكلين بقبر الحسين عليه السلام، فإذا هم الرَّجل بزيارته أعطاهم الله ذنوبه، فإذا خطأ عموها، ثمَّ إذا خطأ ضاعفوا له حسناته، تزال حسناته تضاعف حتىَّ توجب له الجنة، ثمَّ اكتفوه و قدسوه و ينادون ملائكة السماء أن قدسوا زوار حبيب حبيب الله، فإذا اغتسلوا ناداهم محمد عليه السلام يا وفد الله أبشروا بمرافقتي في الجنة! ثمَّ ناداهم امير المؤمنين عليه السلام: أنا ضامن لقضاء حوائجكم و دفع البلاء عنكم في الدنيا والآخرة ثمَّ التقاهم النبي عليه السلام عن ايمانهم و عن شائهم حتىَّ ينصرفوا إلى أهاليهم».



مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی
 ﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

و با اسناد حدیث قبلی از صالح، از حارث بن مغیره، وی می گوید:
 حضرت ابی عبد الله علیه السلام فرمودند:

خداوند منعال فرشتگانی دارد که موکل قبر حضرت امام حسین علیه السلام می باشند هنگامی که شخص قصد زیارت آن حضرت را می نماید حتی تعالی گناهان او را در اختیار این فرشتگان قرار می دهد و زمانی که وی قدم برداشت فرشتگان تمام گناهانش را محو می کنند سپس قدم دوم را که برداشت حسناش را مضاعف و در چندان می کنند و پیوسته با قدم هائی که برمی دارد حسناش مضاعف می گردد تا به حدی می رسد که بهشت برایش واجب و ثابت می گردد، سپس اطرافش را گرفته و تقدیش می کنند و فرشتگان آسمان نداء داده و می گویند:
 زوار دوست دوست خدا را تقدیس نمایند.

و وقتی زوَّار غسل کردند حضرت محمد ﷺ ایشان را مورد نداء قرار داده و می فرماید:

ای مسافران خدا! بشارت باد بر شما که در بهشت با من هستید.

سپس امیرالمؤمنین علیه السلام به ایشان نداء نموده و می فرماید: من ضامنم که حوائج شما را بر آورده نموده و بلا را در دنیا و آخرت از شما دفع کنم، سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با ایشان از طرف راست و چپ ملاقات فرموده تا بالأخره به اهل خود بازگردند.

معنی:

۴ - و حدَّثني علي بن الحسين بن موسى بن بابويه؛ و جماعة - رحمهم الله - عن سعد بن عبدالله، عن الحسن بن علي بن عبدالله بن المغيرة، عن العباس بن عامر، عن جابر المكفوف، عن أبي الصامت «قال: سمعت أبا عبدالله عليه السلام وهو يقول: من أتى قبر الحسين عليه السلام ماشياً كتب الله له بكل خطوة ألف حسنة و محاً عنه ألف سيئة، و رفع له ألف درجة، فإذا أتيت الفرات فأغتسل و علق نعليك و أمش خافياً و أمش مشي العبد الدليل فإذا أتيت باب الخائر فكبر أربعاً، ثم أمش قليلاً، ثم كبر أربعاً، ثم أتت رأسه فقف عليه فكبر أربعاً و صلّ عنده و اسأل الله حاجتك».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

علی بن الحسین بن موسی بن بابویه و جماعتی رحمة الله عليهم، از سعد بن عبدالله، از حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره، از عباس بن عامر، از جابر مکوف، از ابي الصامت، وی می گوید:

از حضرت ابی عبدالله علیه السلام شنیدم که می فرمودند:
 کسی که پیاده به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برود خداوند متعال به هر
 قدمی که برمی دارد هزار حسنه برایش ثبت و هزار گناه از وی محو می فرماید
 و هزار درجه مرتبه اش را بالا می برد سپس فرمودند:
 وقتی به فرات وارد شدی ابتداء غسل کن و کفش هایت را آویزان نما و پای برهنه
 راه برو و مانند بنده ذلیل راه برو و وقتی به درب حائر رسیدی چهار مرتبه تکبیر
 بگو سپس اندکی حرکت کن باز چهار بار تکبیر گفته بعد به طرف بالای سر
 حضرت برو و در آنجا بایست و سپس چهار مرتبه تکبیر بگو و نزد قبر نماز
 بخوان و از خداوند متعال حاجت خود را بخواه.



متن:

۵ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
 إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ، عَنْ صَالِحِ بْنِ عَقِبَةَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هَلَالٍ، عَنِ أَبِي
 عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام «قَالَ: قُلْتُ لَهُ: جَعَلْتَ فِدَاكَ مَا أَدْنَى مَا لَزَّاتُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام؟
 فَقَالَ لِي: يَا عَبْدَ اللَّهِ إِنَّ أَدْنَى مَا يَكُونُ لَهُ أَنْ اللَّهُ يَحْفَظَهُ فِي نَفْسِهِ وَأَهْلَهُ حَتَّى
 يَرُدَّهُ إِلَى أَهْلِهِ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَانَ اللَّهُ الْحَافِظَ لَهُ».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزازی، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل بن بزیع، از
 صالح بن عقبه، از عبدالله بن هلال، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده، وی
 گفت:

محضر امام علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم کمترین ثواب و اجری که برای زائر قبر
 حضرت امام حسین علیه السلام می باشد چیست؟

حضرت فرمودند:

ای عبدالله! کمترین پاداشی که برای او است اینکه: خداوند متعال خود و اهلیش را حفظ کرده تا به خویشانش باز گردد و وقتی روز قیامت شد خداوند متعال حافظ او خواهد بود.

متن:

۶ - حدیثی است از ابی - رحمه الله - عن الحسين بن الحسن بن أبان، عن محمد بن أورمة - عن حدیثه - عن علی بن میمون الصنائع، عن ابی عبدالله علیه السلام «قال: یا علی زر الحسین ولا تدعه، قال: قلت: ما لمن أتاه من الشواب؟ قال: من أتاه ما شأنا كتب الله له بكل خطوة حسنة، و محی عنه سيئة، ورفع له درجة، فإذا أتاه وكل الله به ملكين يكتبان ما خرج من فيه من خير ولا يكتبان ما يخرج من فيه من شر ولا غير ذلك، فإذا انصرف ودَّعاه، و قال: یا ولی الله مغفوراً لك أنت من حزب الله و حزب رسوله و حزب أهل بیت رسوله، والله لا ترى النار بعینك أبداً ولا تراك ولا تطعمك أبداً».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه از حسین بن حسن بن ابان، از محمد بن أورمة از کسی که برایش حدیث گفته، از علی بن میمون صنائع، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

ای علی! قبر حسین علیه السلام را زیارت کن و ترک مکن.

عرض کردم: ثواب کسی که آن حضرت را زیارت کند چیست؟

حضرت فرمودند:

کسیکه پیاده زیارت کند خداوند بهر قدمی که برمی دارد یک حسنه برایش نوشته و یک گناه از او محو می فرماید و یک درجه مرتبه اش را بالا می برد و وقتی به زیارت رفت حق تعالی دو فرشته را موکل او می فرماید که آنچه خیر از دهان او خارج می شود را نوشته و آنچه شر و بد می باشد را نویسند و وقتی برگشت با او وداع کرده و به وی می گویند:

ای ولی خدا گناهانت آمرزیده شد و تو از افراد حزب خدا و حزب رسول ار و حزب اهل بیت رسولش می باشی و خداوند هرگز چشمانت را به آتش جهنم بینا نمی کند و آتش نیز تو را ابداً نخواهد دید و تو را طعمه خود نخواهد نمود.

متن:

۷- حدثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، و عبدالله بن جعفر الحميري، عن احمد بن محمد بن خالد البرقي، عن أبيه عن عبدالعظيم بن عبدالله بن الحسن، عن الحسين بن الحكم النخعي، عن أبي حماد الأعرابي عن سدير الصيرفي «قال: كنا عند أبي جعفر عليه السلام فذكر قتي قبر الحسين عليه السلام فقال له: أبو جعفر ما أتاه عبد فخطا خطوة إلا كتب الله له حسنة، و حط عنه سيئة».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله و عبدالله بن جعفر حمیری، از احمد بن محمد بن خالد برقی، از پدرش از عبدالعظیم بن عبدالله بن الحسن، از حسن بن حکم النخعی، از ابی حماد اعرابی، از سدير صيرفي، وی می گویند:
محضر ابی جعفر عليه السلام بودیم پس جوانی قبر حضرت امام حسین عليه السلام را متذکر شد.

حضرت ابو جعفر علیه السلام بوی فرمود:

بندمای به زیارت حضرت نرفته و قدمی برنداشته مگر آنکه حقتعالی برای او یک حسنه نوشته و یک گناه از او پاک می‌کند.

متن:

۸- حدیثی محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری عن ابیه، عن علی بن محمد بن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبدالرحمن بن حماد البصری، عن عبدالله بن عبدالرحمن الأصم، عن عبدالله بن مسکان، عن ابی عبدالله علیه السلام «قال: من زار الحسين علیه السلام من شیعتنا لم یرجع حتی یفقر له کلّ ذنب، و یکتب له بكلّ خطیئة خطاها و کلّ ید رفعتها دابته ألف حسنة، و محاعنه ألف سیئة، و ترفع له ألف درجة».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالرحمن بن حماد بصری، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم از عبدالله بن مسکان، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، نقل کرد که آن حضرت فرمودند:

کسی که از شیعیان ما بوده و حسین علیه السلام را زیارت کند از زیارت برنگشده مگر آنکه تمام گناهانش آمرزیده می‌شود و برای هر قدمی که برمی‌دارد و هر دستی که بالا می‌رود و اسبش را حرکت داده و می‌راند هزار حسنه ثبت شده و هزار گناه محو گشت و هزار درجه مرتبه‌اش بالا می‌رود.

متن:

۹- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْقُرَشِيِّ الرَّزَّازُ، عَنْ خَالِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ بَشِيرِ السَّرَّاجِ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْقَاضِي «قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي غُرْفَةٍ لَهُ وَعِنْدَهُ مُرَازِمٌ فَسَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام مَا شَاءَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ وَبِكُلِّ قَدَمٍ يَرْفَعُهَا وَيَضَعُهَا عَتَقَ رَقَبَةً مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ وَمَنْ أَتَاهُ بِسَفِينَةٍ فَكَفَّرْتُ بِهِمْ سَفِينَتَهُمْ نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: طَبِّمُوا وَطَابَتْ لَكُمْ الْجَنَّةُ!».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی رزاز از دانی خود محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از احمد بن بشیر سراج، از ابو سعید قاضی، وی گفت: حضرت ابی عبدالله علیه السلام در غرفه کوچکی که داشتند نزول اجلال داشتند و مرازم نیز در خدمت آن جناب بود من برایشان داخل شدم، شنیدم حضرت می فرمودند:

کسی که پیاده به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برود خداوند متعال به هر گامی که برداشته و به هر قدمی که از زمین بلند نموده و بر آن نهاده ثواب آزاد کردن بنده‌ای از اولاد حضرت اسماعیل را می‌دهد.

و کسی که با کشتی به زیارت آن حضرت رود و در اثناء کشتی چپ شده و سرنشینانش را در آب بریزد منادی از آسمان نداء می‌کند: خوشا به حال شما و گوارا باد بر شما بهشت.

متن:

۱۰ - حدثني أبي - رحمه الله - و علي بن الحسين، عن سعد بن عبد الله، عن محمد بن احمد بن حمدان القلانسي، عن محمد بن الحسين المحاربي، عن احمد بن ميثم عن محمد بن عاصم، عن عبد الله بن النجار «قال: قال لي ابو عبد الله عليه السلام: تزورون الحسين عليه السلام و تركبون السفن» فقلت: نعم، قال: أما علمت أنها إذا انكفأت بكم نوديتم: ألا طبتم و طابت لكم الجنة!».

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه و علي بن الحسين، از سعد بن عبدالله، از محمد بن احمد بن حمدان قلاتسي، از محمد بن الحسين المحاربي، از احمد بن ميثم، از محمد بن عاصم، از عبدالله بن نجار نقل کرده، می گفت:

حضرت ابو عبدالله عليه السلام به من فرمودند:

آیا به زیارت حضرت امام حسین عليه السلام می روید؟ و آیا بر کشتی سوار می شوید و به زیارت آن حضرت می روید؟

عرض کردم: بلی.

حضرت فرمودند:

آیا می دانی هرگاه کشتی شما را در دریا واژگون کند منادی ندا می کند:

آگاه باشید! خوشا بحال شما، بهشت بر شما گوارا باد.

﴿ الباب الخمسون ﴾

﴿ کرامت الله تبارک و تعالی لزوّار الحسین بن علی (ع) ﴾

ترجمه:

۱ - حدیثی محمد بن الحسین بن احمد بن الولید، عن محمد بن الحسن الصفار، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن اسماعیل بن یزیغ، عن اسماعیل بن زید، عن عبدالله الطحّان، عن ابي عبدالله (ع) «قال: سمعته و هو يقول: ما من أحد یوم القيامة إلا و هو یتمنی أنه من زوّار الحسین، لما یرى مما یصنع بزوّار الحسین (ع) من کرامتهم علی الله تعالی».



﴿ باب پنجاهم ﴾

﴿ کرامت خداوند تبارک و تعالی در حق زوّار حضرت ﴾

﴿ حسین بن علی صلوات الله علیهما ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن احمد بن ولید، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن اسماعیل بن یزیغ، از اسماعیل بن زید، از عبدالله طحّان، از حضرت ابي عبدالله (ع) وی گفت:
شیندم از امام (ع) که می فرمودند:
احدی نیست در روز قیامت مگر آنکه آرزو می کند از زوّار امام حسین (ع) باشد زیرا مشاهده می کند با ایشان چه معامله ای شده و چه کرامتی حق تبارک و تعالی دوباره آنها منظور می فرماید.

متن:

۲- وروی صالح الصیرفی عن عمران المیثمی أو صالح بن میثم، عن أبی عبدالله علیه السلام «قال: من سرّه أن یكون علی موائد النور یوم القیامة فلیکن من زوّار الحسین بن علی علیه السلام».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

صالح صیرفی از عمران میثمی و او از صالح بن میثم و او از حضرت ابی عبدالله علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمودند: کسی که دوست دارد بر سفره‌های نور بنشیند در روز قیامت، پس باید از زوّار حضرت حسین بن علی علیه السلام باشد.



مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

متن:

۳- حدّثنی الحسین بن محمّد بن عامر، عن معلى بن محمّد البصری قال: حدّثنی أبو الفضل، عن ابن صدقة، عن المفضل بن عمر «قال: قال أبو عبدالله علیه السلام: کأنی بالملائکة والله قد ازدحموا المؤمنین علی قبر الحسین علیه السلام قال: قلت: فیتراؤن له؟ قال: هیئات هیئات، قد لزموا والله المؤمنین حتّی أنّهم یمسحون وجوههم بأیدیهم، قال: وینزل الله علی زوّار الحسین علیه السلام غدوة و عشیة من طعام الجنّة؛ و خدامهم الملائکة لا یسأل الله عبد حاجة من حوائج الدنیا والآخرة إلا أعطاها إیاه، قال: قلت: هذه والله الکرامة، قال لی: یا مفضل أزیدک؟ قلت: نعم سیّدی! قال: کأنی بسریر من نور قد وضع و قد ضربت علیه قبّة من یاقوتة حمراء مکّلة بالجواهر، و کأنی بالحسین علیه السلام جالس علی ذلك التریر

و حوله تسعون ألف قبة خضراء، و كأني بالمؤمنين يزورونه و يسألون عليه، فيقول الله عزوجل لهم، اوليائي سلوني فطال ما اوذيتم و ذللتم و اضطهدتم، فهذا يوم لا تسألوني حاجة من حوائج الدنيا و الآخرة الا قضيتها لكم، ليكون اكلهم و شربهم في الجنة، فهذه والله الكرامة التي لا انتضاء لها، و لا يدرك منتهاها».

﴿ حدیث سوّم ﴾

ترجمه:

حسین بن محمد بن عامر، از معلی بن محمد بصری، وی می گوید:

ابوالفضل، از ابن صدقه، از مفضل بن عمر نقل کرده که وی گفت:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

گویا می بینم که فرشتگان با مؤمنین بر سر قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام ازدحام کرده اند.

راوی می گوید: عرضه داشتم:

آیا مؤمنین فرشته را می بینند؟

حضرت فرمودند:

هرگز، هرگز، آنها به خدا قسم ملازم و همراه مؤمنین بودند حتی با دست هایشان به صورت های آنها مسح می کشند.

سپس امام علیه السلام فرمودند:

خداوند منان هر صبح و شام از طعام بهشت بر زوار امام حسین علیه السلام نازل می فرماید و خدمتکاران ایشان فرشتگانند.

هیچ بنده ای از بندگان خداوند حاجتی از حوائج دنیا و آخرت را از خداوند متعال درخواست نمی کنند مگر آنکه خدا به او عطا می فرماید.

راوی می گوید: عرض کردم: به خدا قسم این کرامت می باشد.

امام علیه السلام به من فرمودند:
ای مفضل: برایت بیشتر بگویم؟
عرضه کردم: بلی سرور من.
حضرت فرمودند:

گویا می بینم تختی از نور را که گذارده اند و بر روی آن قبه ای از یاقوت سرخ زده شده که با جواهرات آن را زینت نموده اند و حضرت امام حسین علیه السلام بر روی آن تخت نشسته اند و اطراف آن حضرت نود هزار قبه سبز زده اند و مؤمنین آن حضرت را زیارت کرده و بر آن جناب سلام می دهند، پس خداوند متعال به ایشان می فرماید:

ای دوستانم از من سؤال کنید و بنخواهید، پس زیاد اذیت شدید و خوار و مقهور گردیدید امروز، روزی است که حاجتی از حاجات دنیا و آخرتتان را از من درخواست نکرده مگر آنرا روا می نمایم، پس خوردن و آشامیدنشان در بهشت می باشد، پس به خدا قسم کرامت و احسانی که زوال نداشتند و انتهای آن را نمی توان درک کرد همین است.

﴿ الباب الحادی و الخمسون ﴾

﴿ انّ آیام زائری الحسین علیه السلام لا تعدّ من أعمارهم ﴾

متن:

۱ - حدّثنی محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری قال حدّثنی أبو سعید الحسن بن علی بن زکریّا العدویّ البصریّ، عن هیثم بن عبدالله الرّمّانیّ، عن أبی الحسن الرّضا، عن أبیه علیه السلام «قال: قال أبو عبدالله جعفر بن محمد الصادق علیه السلام إنّ آیام زائری الحسین علیه السلام لا تحسب من أعمارهم و لا تعدّ من آجالهم».

﴿ باب پنجاه و یکم ﴾

﴿ ایام زیارت حضرت حسین بن علی علیه السلام جزء ﴾

﴿ عمر زائر شمرده نمی شود ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری می گوید:

ابو سعید حسن بن علی بن زکریا عدوی بصری، از هیشم بن عبدالله رمانی از حضرت ابی الحسن الرضا علیه السلام نقل نموده و آن جناب از پدر بزرگوارشان حکایت کرده اند که ابو عبدالله جعفر بن محمد الصادق علیه السلام فرمودند: ایام زیارت حضرت امام حسین علیه السلام جزء عمر زائر شمرده نشده و از اجلشان محسوب نمی گردد.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

﴿ الباب الثانی و الغمسون ﴾

﴿ إن زائر العین علیه السلام یكونون فی جوار رسول الله صلی الله علیه و آله ﴾﴿ و علی و فاطمة علیهما السلام ﴾

متن:

۱ - حدیثی علی بن الحسین، و علی بن محمد بن قولویه، عن محمد بن یحیی العطار، و علی بن ابراهیم بن هاشم، عن محمد بن عیسی بن عبید بن یقطین الیقطنی - عن حدیثه - عن ابي خالد ذی الشامة قال: حدیثی ابو اسامة «قال: سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول: من اراد ان یكون فی جوار نبیه صلی الله علیه و آله و جوار علی و فاطمة علیهما السلام فلا یدع زیارة الحسین بن علی علیهما السلام».

﴿ باب پنجاه و دوم ﴾

﴿ زائرین امام حسین علیه السلام همسایه رسول خدا صلی الله علیه و آله ﴾﴿ و حضرت علی و فاطمه علیهم السلام می باشند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

علی بن الحسین و علی بن محمد بن قولویه، از محمد بن یحیی عطار و علی بن ابراهیم بن هاشم، از محمد بن عیسی بن عبید بن یقطین یقطینی، از کسی که برایش نقل نموده از ابو خالد ذی الشامة، وی می گوید:

ابو اسامه برایم حدیث گفت، وی اظهار داشت:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

کسی که می خواهد در همسایگی رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت علی و فاطمه علیهم السلام باشد زیارت حسین بن علی علیهم السلام را ترک نکند.

متن:

۲- و یاسناده عن ابي بصير «قال: سمعت ابا عبد الله و ابا جعفر علیهم السلام يقول: من أحب أن يكون مسكنه الجنة و مأواه الجنة فلا يدع زيارة المظلوم، قلت: من هو؟ قال: الحسين بن علي صاحب كربلاء، من أتاه شوقاً إليه و حباً لرسول الله و حباً لفاطمة و حباً لأئمة المؤمنين صلوات الله عليهم أجمعين، أقعدته الله على موائد الجنة يأكل معهم و الناس في الحساب».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

علی بن الحسین باسنادش، از ابی بصیر، وی می گوید:

از حضرت ابا عبد الله علیه السلام یا ابا جعفر علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

کسی که درست دارد محل سکنا و منزلش بهشت باشد پس زیارت مظلوم (مظلوم کربلاء) را ترک نکند.

عرض کردم: مظلوم کیست؟

حضرت فرمودند:

مظلوم حسین بن علی علیه السلام که صاحب کربلاء است می باشد، کسی که بخاطر شوق به آن حضرت و محبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و فاطمه سلام الله علیها و حبّ به امیرالمؤمنین صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین حضرتش را زیارت کند خداوند او را بر سر سفره های بهشتی نشانده که با آن سروران هم غذا باشد در حالی که مردم در حساب می باشند.



متن:

۳ - حدیثی محمد بن همام بن سهیل، عن جعفر بن محمد بن مالک قال: حدّثنا محمد بن عمران قال: حدّثنا الحسن بن الحسين اللؤلؤی عن محمد بن اسماعیل، عن محمد بن أيوب، عن الحارث بن المغيرة النصری، عن ابي عبدالله علیه السلام «قال: انّ الله تبارک و تعالی جعل ملائکة موکلین بقبر الحسين علیه السلام فإذا هم الرّجل بزیراته واغتسل ناداه محمد علیه السلام: یا وفد الله اّبشروا بمرافقتی فی الجنّة - و ذکر الحدیث -».

﴿ حدیث سؤم ﴾

ترجمه:

محمد بن همام بن سهیل، از جعفر بن محمد بن مالک نقل کرده که وی گفت: محمد بن عمران گفت: حسن بن حسین لؤلؤی از محمد بن اسماعیل، از محمد ابن ایوب، از حارث بن مغیره نصری برایم نقل کرد که حضرت ابی عبدالله علیه السلام فرمودند:

خداوند تبارک و تعالی فرشتگانی را موكل قبر مطهر حضرت امام حسين عليه السلام قرار داده، هرگاه شخصی قصد زیارت آن جناب را نموده و غسل می نماید حضرت محمد صلی الله علیه و آله وی را نداء کرده و می فرماید:

ای مسافرین خدا بشارت باد شما را به اینکه در بهشت همراه من هستید ... و حدیث سابق الذکر را نقل کرده.

﴿ الباب الثالث و الخمسون ﴾

﴿ إن زائر الحسين عليه السلام يدخلون الجنة قبل الناس ﴾

متن:

۱ - حدیثی از ابی؛ و اخی؛ و علی بن الحسین؛ و محمد بن الحسن - رحمهم الله - جمیعاً، عن محمد بن یحیی العطار، عن عمرکی بن علی البونکی، عن صندل، عن عبدالله بن بکیر، عن عبدالله بن زرارہ «قال: سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول: ان زوار الحسين بن علي عليه السلام يوم القيامة فضلاً على الناس، قلت: وما فضلهم؟ قال: يدخلون الجنة قبل الناس بأربعين عاماً و سائر الناس في الحساب و الموقف».

﴿ باب پنجاه و سزم ﴾

﴿ زائرین امام حسین عليه السلام قبل از همه مردم وارد بهشت می شوند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدر و برادر و علی بن الحسین و محمد بن الحسن رحمة الله عليهم جملگی از محمد بن یحیی عطار، از عمرکی بن علی بونکی، از صندل، از عبدالله بن بکیر،

از عبدالله بن زراره، وی می گوید:
 از حضرت ابو عبدالله علیه السلام شنیدم که می فرمودند:
 در روز قیامت برای زوار حسین بن علی علیه السلام بر سایر مردم فضیلت و برتری
 می باشد.
 عرض کردم: فضیلتشان چیست؟
 حضرت فرمودند:
 پیش از دیگران و چهل سال قبل از آنها به بهشت داخل می شوند در حالی که
 مردم در حساب و موقف می باشند.

﴿ الباب الرابع والخمسون ﴾
 ﴿ ثواب من زار الحسين علیه السلام عارفاً بحقه ﴾
 مرآت السالكين

متن:

۱ - حدیثی اُبی - رحمه الله - عن عبدالله بن جعفر الحمیری و حدیثی
 محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری، عن ابيه عبدالله، عن علی بن
 اسماعیل القمی، عن محمد بن عمرو الزیّات عن فائد الحنّاط، عن ابي
 الحسن الماضي علیه السلام «قال: من زار الحسين علیه السلام عارفاً بحقه غفر الله له ما
 تقدم من ذنبه و ما تأخر».

﴿ باب پنجاه و چهارم ﴾

﴿ ثواب کسیکه زیارت امام حسین علیه السلام را نموده ﴾

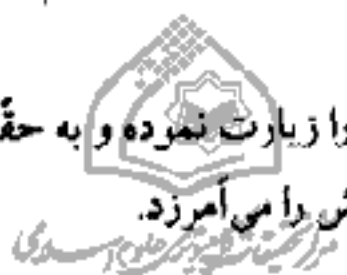
﴿ در حالی که عارف به حق آن بزرگوار باشد ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه از عبدالله بن جعفر حمیری و محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش عبدالله، از علی بن اسماعیل قمی از محمد بن عمرو زیات، از فائد حناط از حضرت ابی الحسن ماضی (امام کاظم علیه السلام) نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

کسیکه امام حسین علیه السلام را زیارت نموده و به حقش عارف و آگاه باشد خداوند گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.



متن:

۲ - حدیثی ابوالعباس الکوفی قال: حدیثی محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، عن الحسن بن علی بن فضال، عن محمد بن الحسین بن کثیر، عن هارون بن خارجه «قال: قلت لأبی عبدالله علیه السلام: انهم یروون أنه من زار الحسین علیه السلام کانت له حجة و عمرة؟ قال لی: من زاره - والله - عارفاً بحقه غفر له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

ابوالعباس کوفی می گوید:

محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از حسن بن علی بن فضال، از محمد بن

الحسن بن کثیر، از هارون بن ابی خارجه، وی می گوید:
 محضر حضرت ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم: مردم روایت نقل می کنند که اگر
 کسی حسین علیه السلام را زیارت کند ثواب یک حج و یک عمره برای او منظور
 می شود، شما در این باره چه می فرمائید؟
 حضرت فرمودند:

به خدا قسم کسی که آن حضرت را زیارت کند و عارف به حقش باشد تمام
 گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده می شود.

متن:

و حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ جَمَاعَةٌ مَشَائِخُنَا، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ
 مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه و جماعتی از مشایخ و اساتید، از سعد بن عبدالله، از محمد
 ابن الحسین باسنادش مثل همین حدیث را نقل کرده است.

متن:

۳- و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ
 ابْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنِ الْخَيْرِيِّ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدِ الْقَسْبِيِّ «قَالَ: قَالَ
 أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ علیه السلام أَدْنَى مَا يَثَابُ بِهِ زَائِرُ الْحُسَيْنِ علیه السلام بِشَطِّ
 الْفَرَاتِ إِذَا عَرَفَ بِحَقِّهِ وَ حُرْمَتِهِ، وَ لَا يَتَهُ أَنْ يَغْفَرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا
 تَأَخَّرَ».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزازی، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل، از خبیری، از حسین بن محمد قمی، وی گفت:
حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند:
کمترین ثوابی که به زائر امام حسین علیه السلام در سَطّ فرات می دهند بشرطی که عارف به حق و حرمت و ولایت آن جناب باشد این است که گناهان گذشته و آینده اش را حقتعالی می آمرزد.

متن:

۴ - و حدیثی ابوالعباس، عن محمد بن الحسین، عن صفوان بن یحیی، عن ابن مسکان، عن ابي عبدالله علیه السلام «قال: من أتى قبر الحسين علیه السلام عارفاً بحقه غفر [الله] له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

ابوالعباس، از محمد بن الحسن، از صفوان بن یحیی، از ابن مسکان، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی می گوید: حضرت فرمودند:
کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام رود در حالی که به حق آن جناب عارف باشد خداوند متعال گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد.

متن:

۵ - و عنه، عن محمد بن الحسین، عن ابي داود سليمان بن سفیان المَسْرُوقِ - عن بعض أصحابنا - عن مثنى الحنّاط، عن ابي الحسن موسی ابن جعفر علیه السلام «قال: سمعته يقول: من أتى قبر الحسين علیه السلام عارفاً بحقه غفر

«الله له ما تقدّم من ذنبه و ما تأخّر».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

از ابوالعباس، از محمد بن الحسین، از ابی داود سلیمان بن سفیان مسترق، از برخی اصحاب ما، از مثنی حنّاط، از حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام، وی گفت:

از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که می فرمودند: کسیکه به زیارت قبر حسین علیه السلام رود در حالی که به حق آن حضرت عارف باشد خداوند متعال گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.



من:

۶ - و حدیثی محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسین، عن الحكم بن مسكين، عن فائد الحنّاط «قال: سمعت أبا عبد الله علیه السلام يقول: من زار الحسين علیه السلام عارفاً بحقه یا تم به غفر الله له ما تقدّم من ذنبه و ما تأخّر».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از حکم بن مسکین، از فائد حنّاط نقل کرده که گفت: محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از حکم بن مسکین، از هند حنّاط (در بعضی نسخ فائد حنّاط ضبط شده)، وی می گوید: از حضرت ابا عبد الله علیه السلام شنیدم که می فرمودند: کسی که حسین علیه السلام را زیارت کند در حالی که عارف بحقش بوده و به آن حضرت اقتداء کند خداوند متعال گناهان گذشته و آینده اش را می بخشد.

متن:

۷- حَدَّثَنِي الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَادِ الْأَنْصَارِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام عَارِفًا بِحَقِّهِ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

قاسم بن محمد بن علی از پدرش، از جدش، از عبدالله بن حماد انصاری، از عبدالله بن سنان از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی می گوید:
امام علیه السلام فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حسین علیه السلام برود در حالی که به حق آن حضرت عارف باشد خداوند متعال گناهان گذشته و آینده اش را می بخشد.

مرکز تحقیقات علمی و فرهنگی

متن:

۸- وَ حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمَغِيرَةِ، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ قَالَ: أَخْبَرَنِي يَوْسُفُ الْأَنْبَارِيُّ، عَنِ فَائِدِ الْحَنْطَاطِ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحُسَيْنِ عليه السلام: إِنَّهُمْ يَأْتُونَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام بِالنَّوَاحِ وَالطَّعَامِ؟! قَالَ: قَدْ سَمِعْتُ، قَالَ: فَقَالَ: يَا فَائِدُ مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام عَارِفًا بِحَقِّهِ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

پدرم، از سعد بن عبدالله، از حسن بن علی بن عبدالله بن المغیره، از عباس بن عامر، وی می گوید: یوسف انباری از فائد حنطاط به من خبر داد که وی گفت:

محضر حضرت ابی الحسن علیه السلام عرض کردم: مردم با توجه و گریه به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام رفته و طعام و غذای خود را نیز می آورند شما درباره زیارت آن حضرت چه می فرمائید؟
راوی می گوید: شنیدم که حضرت فرمودند:

ای قائل: کسی که به زیارت حضرت حسین بن علی علیه السلام برود در حالی که به حق آن جناب عارف باشد گناهان گذشته و آینده اش را خداوند می بخشد.

معن:

۹- و حدیثی محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسین، عن فائد عن
أبي الحسن الأول علیه السلام «قال: من أتى قبر الحسين علیه السلام عارفاً بحقه غفر [الله] له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر».

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از فائد، از حضرت ابی الحسن الاول علیه السلام، آن حضرت فرمودند: کسی که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام رود و به حق آن جناب عارف باشد حق تعالی گناهان گذشته و آینده اش را می بخشد.

معن:

۱۰- و حدیثی ابی و محمد بن الحسن؛ و علی بن الحسین؛ و جماعة، عن
سعد بن عبدالله؛ و محمد بن یحیی، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن
اسماعیل، عن صالح بن عقبه، عن یحیی بن علی القمی قال: أخبرنی رجل
عن عبیدالله بن عبدالله و علی بن الحسین بن علی علیه السلام «قال: سمعت ابی

يقول: من أتى قبر الحسين عليه السلام عارفاً بحقه غفر له من ذنبه و ما تأخر».

ترجمه: ﴿ حدیث دهم ﴾

پدرم و محمد بن الحسن و علی بن الحسین و جماعتی از سعد بن عبدالله و محمد بن یحیی از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از یحیی بن علی القمی، وی می گوید:
مردی از عبیدالله بن عبدالله و علی بن الحسین بن علی سلام الله علیهم به من خبر داد که آن جناب فرمودند: شنیدم از پدرم که می فرمودند:
کسی که به زیارت قبر حسین علیه السلام رود و به حق آن جناب عارف باشد خداوند متعال گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.

متن:

۱۱ - و یاسناده عن صالح بن عقبه، عن یحیی بن علی، عن أبی عبدالله عليه السلام «قال: من أتى قبر الحسين عليه السلام عارفاً بحقه غفر له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر».

ترجمه: ﴿ حدیث یازدهم ﴾

محمد بن یحیی به اسنادش از صالح بن عقبه، از یحیی بن علی از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:
کسی که به زیارت قبر حسین علیه السلام رود و به حق آن حضرت عارف باشد خداوند متعال گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.

متن:

حدیثی محمد بن جعفر القرشی، عن محمد بن الحسین بن أبی الخطاب،

عن محمد بن إسماعيل، عن صالح بن عقبة، عن أبي عبد الله عليه السلام بهذين الحديثين سواء.

ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه بن نظیر و مانند دو حدیث گذشته را عیناً از امام صادق علیه السلام نقل کرده است.

متن:

۱۲ - حدیثی الحسین بن محمد بن عامر، عن معلى بن محمد البصرى، عن أبي داود المسترق - عن بعض أصحابنا - عن مثنى الحنّاط، عن أبي الحسن الأول «قال: سمعته يقول: من أتى قبر الحسين عليه السلام عارفاً بحقه غفر له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر».

﴿ حدیث دوازدهم ﴾

ترجمه:

حسین بن محمد بن عامر، از معلى بن محمد بصرى، از ابی داود مسترق از برخی اصحاب ما، از مثنی حنّاط از حضرت ابی الحسن الاول علیه السلام، وی گفت: شنیدم که امام علیه السلام می فرمودند: کسی که به زیارت قبر حسین علیه السلام رود و به حق آن حضرت عارف باشد خداوند متعال گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.

متن:

۱۳ - حدیثی محمد بن یعقوب، عن احمد بن إدريس، عن محمد بن

عبدالجبار، عن صفوان، عن ابن مسکان، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: من أتى قبر الحسين عليه السلام عارفاً بحقه غفر له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر».

﴿ حدیث سیزدهم ﴾

ترجمه:

محمد بن یعقوب، از احمد بن ادریس، از محمد بن عبدالجبار، از صفوان، از ابن مسکان، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام، آن حضرت فرمودند: کسی که به زیارت امام حسین عليه السلام برود و به حق آن حضرت عارف باشد خداوند متعال گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.

متن:

۱۴ - حدثني محمد بن عبدالله بن جعفر الحميري، عن أبيه، عن هارون ابن مسلم، عن الحسن بن علي، عن احمد بن عائد عن أبي يعقوب الأبزاري، عن فائد، عن عبد صالح عليه السلام «قال: دخلت عليه فقلت له: جعلت فداك إن الحسين عليه السلام قد زاره الناس؛ من يعرف هذا الأمر و من ينكره و ركبت إليه النساء و وقع حال الشهرة، و قد انقبضت منه لنا رأيت من الشهرة، قال: فمكت ملياً لا يجيني، ثم أقبل عليّ فقال: يا عراقى إن شهروا أنفسهم فلا تشهر أنت نفسك، فوالله ما أتى الحسين عليه السلام آتٍ عارفاً بحقه إلا غفر الله له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر».

(حدیث چهاردهم)

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش، از هارون بن مسلم، از حسن بن علی، از احمد بن عائد، از ابی یعقوب ابزاری، از فائد، از حضرت عبد صالح عليه السلام، وی می گوید:

بر آن حضرت داخل شده و سلام کرده و محضرش عرض کردم:
 فدایت شوم: همه گروه از مردم حضرت حسین علیه السلام را زیارت می‌کنند، چه کسانی
 که به این امر عرفان و شناخت دارند (امر ولایت) و چه آنانکه منکر آن می‌باشند
 و نیز زنان سوار مراکب شده و به زیارت آن حضرت می‌روند و این زیارت‌ها در
 حالی واقع می‌شود که زیارت کنندگان مشهور و مشخص شده‌اند که از دوستان
 این خاندان هستند و من چون این شهرت را در خارج حس کرده و لمس نمودم
 از رفتن به زیارت خودداری نمودم، وظیفه در اینجا چیست؟
 راوی می‌گوید:

امام علیه السلام مکث طولانی نموده و جواب من را ندادند سپس روی مبارک به من
 نموده و فرمودند: ای عرافی اگر آنها خورد را آشکار و مشهور نمودند تو خود را
 مشهور نساز به خلا قسم هیچ کسی به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام نمی‌آید در
 حالی که عارف به حق آن جناب باشد مگر آنکه حق تعالی گناهان گذشته
 و آینده‌اش را می‌آمرزد.

متن:

۱۵ - حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ، عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ أَبِي
 دَاوُدَ الْمَسْتَرِقِ - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا - عَنِ مِثْقَى الْحَنَاطِ، عَنِ أَبِي الْحَسَنِ
 الْأُولَى علیه السلام «قَالَ: سَمِعْتَهُ يَقُولُ: مَنْ أَتَى الْحُسَيْنَ علیه السلام عَارِفًا بِحَقِّهِ غُفِرَ لَهُ مِنْ
 ذَنْبِهِ مَا تَقَدَّمَ وَ مَا تَأَخَّرَ».

﴿ حدیث پانزدهم ﴾

ترجمه:

حسین بن محمد بن عامر، از معلی بن محمد، از ابی داود و مسترق، از برخی
 اصحاب، از مثنی حنّاط، از ابی الحسن اول (حضرت موسی بن جعفر علیه السلام)، وی

می گوید:

از آن حضرت شنیدم که می فرمودند:

کسی که به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام رود و به حق آن جناب عارف باشد حق تعالی گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.

متن:

۱۶ - حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوِيَه، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ صَدَقَةَ، عَنْ صَالِحِ النَّيْلِ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَارِفًا بِحَقِّهِ كَانَ كَمَنْ حَجَّ ثَلَاثَ حَجَجٍ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم».

ترجمه: ﴿ حَدِيثِ شانزدهم ﴾

ترجمه:

علی بن الحسین بن موسی بن بابویه، از عبدالله بن جعفر حمیری، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن سنان، از محمد بن صدقه، از صالح النیلی، وی می گوید:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

کسی که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برود و به حق آن حضرت عرفان و آگاهی داشته باشد مانند کسی است که سه حج با رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم انجام داده باشد.

متن:

۱۷ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَجَمَاعَةٌ مَشَائِخِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ عَيْدِ الْجَعْلِيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي جَرِيرٍ الْقُمِيُّ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَاءَ عليه السلام يَقُولُ لِأَبِي: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ بْنِ

عَلَى عليه السلام عَارِفًا بِحَقِّهِ كَانِ مِنْ مَحَدَّثِي اللَّهِ فَوْقَ عَرْشِهِ، ثُمَّ قَرَأَ: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهْرٍ فِي مَقْعَدِ صَدَقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ».

﴿ حدیث هفدهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم از سعد بن عبدالله نقل کرده‌اند که وی گفت: احمد بن علی بن عبید جعفی گفت: محمد بن ابی جریر قمی گفت:

از حضرت ابا الحسن الرضا علیه السلام شنیدم که به پدرم می فرمودند:

کسی که حضرت حسین بن علی علیه السلام را زیارت کند در حالی که به حق آن حضرت عارف و آگاه باشد از هم صحبت‌های حق تعالی بالای عرش می باشد، پس این آیه را قرائت فرمودند: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهْرٍ، فِي مَقْعَدِ صَدَقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ».

(همانا اهل تقوی در باغ‌ها و کنار نهرها منزل گزینند، در منزل گاه صدق و حقیقت نزد خداوند عزت و سلطنت جاودانی متنعم می باشند).

﴿ الباب الخامس و الخمسون ﴾

﴿ من زار الحسين عليه السلام حياً لرسول الله و أمير المؤمنين و فاطمة عليها السلام ﴾

متن:

۱ - حدیثی ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله عن محمد بن الحسين ابن ابی الخطاب. و حدیثی محمد بن جعفر الرزاز، عن محمد بن الحسين ابن ابی الخطاب - عن بعض اصحابه - عن جويرية بن العلاء - عن بعض اصحابه - عن ابی عبدالله عليه السلام «قال: إذا كان يوم القيامة نادى مناد: أين

زوّار الحسین بن علیّ، فیتقوم عنق من الناس لا یحصیهم الا الله تعالی، فیقول لهم: ما [ذا] أردتم بزيارة قبر الحسین؟ فیقولون: یارب أتیناه حباً لرسول الله و حباً لعلیّ و فاطمة؛ و رحمة له مما ارتكب منه، فیقال لهم: هذا محمّد و علیّ و فاطمة و الحسن و الحسین فالحقوا بهم؛ فأنتم معهم فی درجاتهم؛ الحقوا بلواء رسول الله، فینطلقون إلى لواء رسول الله فیکونون فی ظلّه - واللواء فی ید علیّ علیه السلام - حتی یدخلون الجنة فیکرونون إمام اللّواء و عن یمینه و عن یناره و من خلفه».

﴿ باب بنجاه و پنجم ﴾

﴿ در بیان اجر کسی که بخاطر حبّ به رسول خدا و امیرالمؤمنین و فاطمه ﴾
 ﴿ سلام الله علیهم أجمعین به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام برود ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبدالله، از محمّد بن الحسین بن ابی الخطاب، و محمّد بن جعفر رزازی، از محمّد بن الحسین بن ابی الخطاب، از برخی اصحاب، از جویریة بن العلاء، از بعضی اصحابش، از حضرت ابو عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

هنگامی که روز قیامت شود منادی ندا می‌کند:

کجا هستید زوّار حسین بن علی علیه السلام؟

گردن‌های تعدادی از مردم کشیده می‌شود که عدد آنها را غیر از خداوند متعال کس دیگری نمی‌داند پس به ایشان گفته می‌شود فصد شما از زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام چه بود؟

می‌گویند: پروردگارا آن حضرت را زیارت کردیم بجهت محبتی که به رسول خدا ﷺ و حضرت علی و فاطمه علیهم‌السلام داشته و به منظور طلب رحمت برای صاحب قبر به ازاء آنچه از آن حضرت صادر گردید.
پس به آنها گفته می‌شود:

ایشان محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین سلام الله علیهم بوده، ملحق به آنها شوید شما با ایشان و در درجه و مرتبه آنها هستید، به لواء و پرچم رسول خدا ﷺ ملحق گردید پس بطرف لواء آن حضرت رهسپار شده و در سایه آن قرار می‌گیرند در حالی که لواء به دست امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌باشد و بدین ترتیب به بهشت وارد می‌شوند ایشان جلو پرچم و سمت راست و جانب چپ و پشت آن بوده و چهار طرف لواء را گرفته‌اند.



مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

متن:

۲ - و باسناده، عن أبي بصير «قال: سمعت أبا عبد الله؛ أو أبا جعفر عليهما‌السلام يقول: من أحبّ أن يكون مسكنه الجنة و مأواه الجنة فلا يدع زيارة المظلوم قلت و من هو؟ قال: الحسين بن علي عليهما‌السلام صاحب كربلاء، من أتاه شوقاً إليه و حباً لرسول الله و حباً لأمير المؤمنين و حباً لفاطمة أقدته الله علي موائد الجنة، يأكل معهم و الناس في الحساب».

« حدیث دوم »

ترجمه:

پدرم به اسنادش از ابی بصیر، وی می‌گوید:
از امام صادق علیه‌السلام یا امام باقر علیه‌السلام شنیدم که می‌فرمود:
کسی که دوست دارد مسکن و جایگاهش در بهشت باشد نباید زیارت مظلوم را
ترک کند.

عرض کردم: مظلوم کیست؟

حضرت فرمودند:

مظلوم حضرت حسین بن علی علیه السلام بوده که صاحب کربلاء می باشد، کسی که از روی شوق به آن حضرت و بسجده محبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و به امیرالمؤمنین علیه السلام و به فاطمه زهراء علیها السلام به زیارت آن حضرت برود خداوند متعال او را بر سر سفره های بهشتی می نشاند که با رسول خدا و امیرالمؤمنین و فاطمه زهراء علیها السلام هم غذا بوده در حالی که مردم در حال حساب می باشند.

متن:

۳- حدیثی ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله بن ابی خلف القمی، عن محمد بن عیسی الیقطنی - عن رجل - عن فضیل بن عثمان الصیرفی - عن حدثه - عن ابی عبدالله علیه السلام «قال: من اراد الله به الخیر قذف فی قلبه حبّ الحسین علیه السلام و حبّ زیارته و من اراد الله به السوء قذف فی قلبه بغض الحسین و بغض زیارته».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه از سعد بن عبدالله بن ابی خلف قمی، از محمد بن عیسی یقطینی، از شخصی، از فضیل بن عثمان صیرفی، از کسی که برای او حدیث گفته، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که خداوند خیر را برای او اراده کرده باشد در قلبش محبت امام حسین علیه السلام را قرار داده و در دلش محبت زیارت آن جناب را می اندازد و کسی که خداوند سوء و بدی را برایش بخواهد در قلبش بغض امام حسین علیه السلام قرار داده و در دلش بغض زیارت آن حضرت را می اندازد.

﴿ الباب السادس و الخمسون ﴾
 ﴿ من زار الحسين علیه السلام تشوقاً إليه ﴾

متن:

۱ - حدیثی محمد بن جعفر القرشی الرزاز، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب عن صفوان بن يحيى، عن أبي أسامة زيد الشحام «قال: سمعت أبا عبد الله علیه السلام يقول: من أتى قبر الحسين علیه السلام تشوقاً إليه كتب الله من الآمنين يوم القيامة وأعطى كتابه بيمينه، وكان تحت لواء الحسين علیه السلام حتى يدخل الجنة فيسكنه في درجته، إن الله عزيز حكيم».

﴿ باب پنجاه و ششم ﴾
 ﴿ ثواب کسیکه از روی شوق به زیارت حضرت ﴾
 ﴿ امام حسین علیه السلام برود ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی رزاز، از محمد بن الحسين بن ابی الخطاب، از صفوان بن یحیی، از ابی اسامه، زید شحام، وی می گوید:
 از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند:
 کسی که از روی شوق و ذوق به زیارت قبر حضرت حسین بن علی سلام الله علیهما برود روز قیامت خداوند متعال او را از جمله آمنین می نویسد و محسوب می فرماید و کتابش (نامه اعمال او) را به دست راستش دهد و در زیر پرچم حسین علیه السلام بوده تا داخل بهشت شود پس حق تعالی او را در درجه و مرتبه خودش مکان داده بدرستی که خداوند متعال عزیز و حکیم می باشد.

متن:

۲- وروی عن أبي بصير عن أبي جعفر عليه السلام «إِنَّ مِنْ أَحَبِّ أَنْ يَكُونَ مَسْكَنَهُ الْجَنَّةَ وَ مَأْوَاهُ الْجَنَّةَ فَلَا يَدْعُ زِيَارَةَ الْمَظْلُومِ، قُلْتُ: مَنْ هُوَ؟ قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ صَاحِبَ كَرْبَلَاءَ، مَنْ أَتَاهُ شَوْقًا إِلَيْهِ وَ حُبًّا لِرَسُولِ اللَّهِ وَ حُبًّا لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ حُبًّا لِفَاطِمَةَ عليها السلام أَقْعَدَهُ اللَّهُ عَلَى مَوَائِدِ الْجَنَّةِ، يَأْكُلُ مَعَهُمُ وَالنَّاسُ فِي الْحَسَابِ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

از ابی بصیر روایت شده که وی از حضرت ابی جعفر عليه السلام نقل نمود که آن جناب فرمودند: کسی که دوست دارد مسکن و مأوایش بهشت باشد، نباید زیارت مظلوم را ترک کند.

ابو بصیر می گوید: محضر مبارکش عرض کردم: مظلوم کیست؟ حضرت فرمودند:

مظلوم حسین بن علی سلام الله علیهما یعنی صاحب کربلاء می باشد، کسی که از روی شوق و محبت به رسول الله صلی الله علیه و آله و به امیرالمؤمنین علیه السلام و به فاطمه علیها السلام به زیارتش رود خداوند متعال او را بر سر سفره های بهشتی می نشاند و وی را با ذوات مقدسه معصومین علیهم السلام هم غذا فرموده در حالی که مردم در حساب می باشند.

متن:

۳- حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام «قَالَ: لَوْ يَعْلَمُ

الناس ما في زيارة قبر الحسين عليه السلام من الفضل لما اتوا شوقاً و تقطعت
 أنفسهم عليه حسرات، قلت: و ما فيه؟ قال: من أتاه تشوقاً كتب الله له
 ألف حجة متقبلة، و ألف عمرة مبرورة، و أجر ألف شهيد من شهداء
 بدر، و أجر ألف ضائم، و ثواب ألف صدقة مقبولة، و ثواب ألف نسمة
 أريد بها وجه الله، و لم يزل محفوظاً سنة من كل آفة أهونها الشيطان،
 و وُكِّل به ملك كريم يحفظه من بين يديه و من خلفه، و عن يمينه و عن
 شماله، و من فوق رأسه و من تحت قدمه، فإن مات سنته حضرته
 ملائكة الرحمة يحضرون غسله و إكفانه و الاستغفار له، و يشيخونه
 إلى قبره بالاستغفار له، و يفسح له في قبره مدّ بصره، و يؤمنه الله من
 ضغطة القبر، و من متكر و نكير أن يروّعانه و يفتح له باب إلى الجنة،
 و يعطى كتابه بيمينه، و يعطى له يوم القيامة نوراً يضيء لتوره ما بين المشرق
 و المغرب، و ينادى مناد: هذا من زار الحسين شوقاً إليه، فلا يبقى أحدٌ
 يوم القيامة إلا تمقّى يومئذ أنه كان من زوّار الحسين عليه السلام».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله، از پدرش، از حسن بن محبوب، از علاء بن رزین، از محمد بن
 مسلم، از حضرت ابی جعفر علیه السلام، آن حضرت فرمودند:
 اگر مردم می دانستند که در زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام چه فضل
 و ثوابی است حتماً از شوق و ذوق قالب تهی می کردند و بخاطر حسرت ها
 نفس هایشان به شماره افتاده و قطع خواهد شد
 راوی می گوید: عرض کردم: در زیارت آن حضرت چه اجر و ثوابی می باشد.
 حضرت فرمودند:

کسی که از روی شوق و ذوق به زیارت آن حضرت رود خداوند متعال هزار حج و هزار عمره قبول شده برایش می‌نویسد و اجر و ثواب هزار شهید از شهداء بدر و اجر هزار روزه‌دار و ثواب هزار صدقه قبول شده و ثواب آزاد نمودن هزار بنده که در راه خدا آزاد شده باشند برایش منظور می‌شود و پیوسته در طول ایام سال از هر آفتی که کمترین آن شیطان باشد محفوظ مانده و خداوند متعال فرشته کریمی را بر او موکل کرده که وی را از جلو و پشت سر و راست و چپ و بالا و زیر قدم نگهدارش باشد و اگر در اثناء سال فوت کرد فرشتگان رحمت الهی بر سرش حاضر شده و او را غسل داده و کفن نموده و برایش استغفار و طلب آمرزش کرده و تا قبرش مشایعتش نموده و به مقدار طول شعاع چشم در قبرش وسعت و گشایش ایجاد کرده و از فشار قبر در امانش فرار داده و از خوف و ترس دو فرشته منکر و نکیر بر حذرش می‌دارند و برایش دربی به بهشت می‌گشایند و کتابش را به دست راستش می‌دهند و در روز قیامت نوری به وی اعطاء می‌شود که بین مغرب و مشرق از پر تو آن روشن می‌گردد و منادی نداء می‌کند: این کسی است که از روی شوق و ذوق حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کرده و پس از این نداء احدی در قیامت باقی نمی‌ماند مگر آنکه تمنا و آرزو می‌کند که کاش از زوار حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام می‌بود.

متن:

۴ - و عنه عن أبيه، عن الحسن بن محبوب، عن أبي أيوب ابراهيم بن عثمان الخزاز، عن محمد بن مسلم «قال: قلت لأبي عبدالله عليه السلام: ما لمن أتى قبر الحسين عليه السلام؟ قال: من أتاه شوقاً إليه كان من عبادة الله المكرمين، وكان تحت لواء الحسين بن علي عليه السلام حتى يدخلها الله [جميعاً] الجنة».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

از حسن بن عبدالله، از پدرش، از حسن بن محبوب، از ابی ایوب ابراهیم بن عثمان خزازی، از محمد بن مسلم، وی می گوید:
 محضر مبارک ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم: چه اجر و ثوابی هست برای کسی که حسین علیه السلام را زیارت کند؟
 حضرت فرمودند:

کسی که از روی شوق و ذوق به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام رود از بندگان مکرم خداوند منان محسوب می شود و در روز قیامت زیر لواء و پرچم حضرت حسین بن علی علیه السلام بوده تا وقتی که این دو بزرگوار داخل بهشت شوند.



متن:

۶ - و عنه، عن أبيه، عن الحسن بن محبوب، عن أبي المغراء، عن ذريح المحاربي «قال: قلت لأبي عبدالله عليه السلام: ما ألتى من قومي و من بني إذا أنا أخبرتهم بما في إتيان قبر الحسين عليه السلام من الخير إنهم يكذبوني و يقولون: إنك تكذب على جعفر بن محمد! قال: يا ذريح دع الناس يذهبون حيث شاؤوا، والله إن الله ليباهي بزائر الحسين بن علي، و الوافد يفده الملائكة المقربون و حملة عرشه حتى أنه ليقول لهم: أما ترون زوار قبر الحسين أتوه شوقاً إليه و إلى فاطمة بنت رسول الله [محمد]، أما و عزتي و جلالتي و عظمتي لأوجبن لهم كرامتي؛ و لأدخلنهم جنّتي التي أعددتها لأوليائي و لأنبيائي و رسلي، يا ملائكتي! هؤلاء زوار قبر الحسين حبيب محمد رسولی، و محمد حبيبي، و من أحبني أحب حبيبي، و من أحب حبيبي أحب من يحبه، و من أبغض حبيبي أبغضني و من أبغضني كان حقاً على أن أعذبه

بأشدّ عذاباً و احرقه بحرّ ناری، و اجعل جهنّم مسکنه و مأواه، و اعذبّه
عذاباً لا أعذبّه أحداً من العالمین».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

از حسن بن عبدالله، از پدرش از حسن بن محبوب، از ابی المغراء، از ذریح
محرابی، وی می گوید: محضر مبارک حضرت ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم: از
خویشاوندان و فرزندانم کسی را ملاقات نکردم مگر وقتی به آنها خبر دادم به
اجر و ثوابی که در زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام هست من را تکذیب
نموده و گفتند: تو بر حضرت جعفر بن محمد علیه السلام دروغ بسته و این خبر را از



پیش خودت می گویی!

حضرت فرمودند:

ای ذریح مردم را رها کن هر کجا که می خواهی بروند، بخدا قسم حتی تعالی به
زائرین امام حسین علیه السلام میاهات کرده و انتخار می نماید و مسائر و زائر را
فرشتگان مقرب خدا و حاملین عرش رهبری می کنند حتی حتی تعالی به
فرشتگان می فرماید:

آیا زوّار حسین بن علی علیه السلام را می بینید که از روی شوق و محبت به آن حضرت
و علاقه به حضرت فاطمه علیه السلام دخت رسول الله صلی الله علیه و آله به زیارت آمده اند؟ به عزّت
و جلال و عظمت خود قسم کرامت خویش را بر ایشان واجب کرده ام و ایشان را
حتماً به بهشتی که برای درستانم و برای انبیاء و رسل و فرستادگانم آماده کرده ام
داخل می کنم.

ای فرشتگان من! ایشان زوّار قبر حسین حبیب محمد رسول من بوده و محمد
صلی الله علیه و آله حبیب من است و کسی که من را دوست داشته باشد حبیب من را نیز
دوست می دارد و کسی که حبیب من را دوست داشته باشد دوست دار حبیبم را

نیز دوست دارد و کسی که نسبت به حبیب من بغض دارد به من نیز بغض می‌ورزد و کسی که به من بغض می‌ورزد بر من واجب است که به اشد عذاب، عذابش نموده و به آتش دوزخم او را بسوزانم و جهنم را مسکن و مکانش قرار داده و وی را چنان عذابی کنم که احدی از اهل عالم را آن طور عذاب نکرده باشم.

متن:

و حَدَّثَنِي مَنْ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي بصير قَالَ: سمعت أبا عبد الله و أبا جعفر عليهما السلام يقولان: من أحب أن يكون مسكنه و مأويه الجنة - إلى آخره كما في صدر الباب - .



مرکز تحقیق و ترجمه کتب و اسناد اسلامی

ترجمه:

کسی که حدیث را مرفوعاً تا ابی بصیر نقل کرده برایم بیان نمود که ابو بصیر گفت: از حضرت ابو عبدالله علیه السلام و حضرت ابا جعفر علیه السلام شنیدم که می‌فرمودند: کسی که دوست دارد مسکن و منزلش بهشت باشد... تا آخر حدیث بهمان بیانی که در صدر باب گذشت.

مترجم گوید:

منظور حدیث دوم از ابواب پنجاه و دوم و پنجاه و پنجم، و پنجاه و ششم می‌باشد.

﴿ الباب السابع و الخمسون ﴾

﴿ من زار الحسين عليه السلام احتساباً ﴾

متن:

۱ - حدّثنی اَبی - رحمه الله - و علی بن الحسین؛ و محمّد بن الحسن
 جميعاً، عن محمّد بن يحيى العطار، عن حمدان بن سليمان النيسابوري
 قال: حدّثنا عبد الله بن محمّد اليماني، عن منيع بن الحجاج، عن يونس
 ابن عبد الرحمن، عن قدامته بن مالك عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: من زار
 الحسين محتسباً لا اشراً و لا بطراً و لا رياء و لا سمعته بحضت عنه
 ذنوبه كما يحضّ الثوب بالماء فلا يبقى عليه دنس، و يكتب له بكلّ خطوة
 حجة و كلّها رفع قدماً عمرة»

﴿ باب پنجاه هفتم ﴾

﴿ ثواب کسی که به امید اجر از خدا به زیارت ﴾

﴿ حضرت امام حسین علیه السلام بروند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه و علی بن الحسین و محمّد بن الحسن جملگی از محمّد بن
 يحيى عطار از حمدان بن سليمان نیشابوری وی می گویند:
 عبدالله بن محمّد یمانی از منیع بن حجاج، از یونس بن عبد الرحمن، از قدامه بن
 مالک برای ما از حضرت ابی عبد الله علیه السلام حدیث نقل نمود، وی گفت:
 حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که به امید ثواب و اجر به زیارت حضرت

امام حسین علیه السلام برود نه از روی تکبر و نخوت و نه ریا و سمعه گناهانش پاک شده همانطور که جامه با آب پاک و طاهر می‌گردد، بنابراین هیچ آلودگی و لغزش بر او باقی نمی‌ماند و بهر قدمی که برداشته ثواب یک حج به او داده و هرگاه گام و قدمش را از روی زمین بلند می‌کند ثواب یک عمره دارد.

متن:

۲- حدیثی است از ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد، بن عیسی، عن محمد بن خالد، عن ابان الأحمر، عن محمد بن الحسین الخزاز، عن هارون بن خارجة، عن ابی عبدالله علیه السلام «قال: قلت: جعلت فداك ما لمن أتى قبر الحسين علیه السلام زائراً له عارفاً بحقه يريد به وجه الله تعالى والدار الآخرة؟ فقال له يا هارون من أتى قبر الحسين علیه السلام زائراً له عارفاً بحقه يريد به وجه الله والدار الآخرة غفر الله - والله - له ما تقدم من ذنبه وما تأخر، ثم قال لي - ثلاثاً - ألم أحلف لك؟ ألم أحلف لك الم احلف لك؟!».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن خالد، از ابان احمری، از محمد بن الحسین خزاز از هارون بن خارجة، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده، وی گفت:

محضر مبارکش عرضه داشتم: فدایت شوم ثواب کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کند در حالی که عارف به حق آن حضرت بوده و زیارتش برای خدا و سرای آخرت باشد چیست؟

حضرت به او فرمودند:

ای هارون کسی که به زیارت آن حضرت رفته در حالی که به حق حضرتش عارف بوده و زیارتش برای خدا و سرای آخرت باشد به خدا سوگند حق تعالی گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌آمرزد. راوی می‌گوید:

سپس حضرت سه مرتبه به من فرمودند:

آیا برای تو قسم نخوردم، آیا برای تو قسم نخوردم، آیا برای تو قسم نخوردم؟!

متن:

۳ - حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى، عَنْ أَبِيهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى، عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمَغِيرَةِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونِ الْقَدَّاحِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: قُلْتُ لَهُ: مَا لِمَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّهِ، غَيْرَ مُسْتَكْبِرٍ وَلَا مُسْتَكْبَرٍ؟ قَالَ: يَكْتُبُ لَهُ أَلْفَ حِجَّةٍ مَقْبُولَةٍ، وَأَلْفَ عَمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ وَ إِنْ كَانَ شَقِيًّا كَبَّ سَعِيدًا، لَمْ يَزَلْ يَخُوضُ فِي رَحْمَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش محمد بن عیسی بن عبدالله، از عبدالله بن مغیره، از عبدالله بن میمون قداح، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام وی می‌گوید:

محضر مبارک امام علیه السلام عرض کردم: کسی که به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام برود در حالی که عارف به حق آن جناب بوده و زیارتش بدون تکبر و نخوت باشد ثوابش چیست؟

حضرت فرمودند:

هزار حج مقبول و هزار عمره پذیرفته شده برایش می نویسند و اگر شخص شفی باشد او را سعید قلمداد می نمایند و پیوسته در رحمت خداوند عزوجل غوطه می خورد.

متن:

۴ - حدیثی است از ابی - رحمه الله - عن محمد بن یحیی العطار، عن حمدان بن سلیمان النیسابوری، عن عبدالله بن محمد الیمانی، عن منیع بن الحجاج، عن صفوان بن یحیی، عن صفوان بن مهران الجمال، عن ابی عبدالله علیه السلام «قال: من زار قبر الحسین علیه السلام و هو یرید الله عزوجل شیعة جبرئیل و میکائیل و اسرافیل حتی یرد الی منزله».

حدیث چهارم

ترجمه:

پدرم از محمد بن یحیی عطار، از حمدان بن سلیمان نیشابوری، از عبدالله بن محمد یمانی، از منیع بن حجاج، از صفوان بن یحیی، از صفوان بن مهران جمال، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی گفت: حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که امام حسین علیه السلام را زیارت کرده و قصدش خداوند عزوجل باشد جبرئیل و میکائیل و اسرافیل او را مشایعت نموده تا به منزلش وارد گردد.

متن:

۵ - حدیثی است از محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری، عن ابیه، عن علی بن محمد سالم، عن محمد بن خالد، عن عبدالله بن حماد البصری، عن عبدالله بن عبدالرحمن الأصم، عن عبدالله بن مسکان «قال: شهدت أبا

عبدالله علیه السلام و قد أتاه قوم من أهل خراسان فسألوه عن إتيان قبر الحسين بن علي عليه السلام وما فيه من الفضل، قال: حدثني أبي، عن جدّي أنه كان يقول: من زاره يريد به وجه الله أخرجه الله من ذنوبه كمولود ولدته أمه و شيعته الملائكة في مسيره فرفرت على رأسه قد صفوا باجنحتهم عليه حتى يرجع إلى أهله، و سألت الملائكة المغفرة له من ربّه و غشيتة الرّحمة من [أ]عنان السماء، و نادته الملائكة: طبت و طاب من ذرت! و حفظ في أهله».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، از عبدالله بن مسکان، وی می گوید:

محضر مبارک حضرت ابا عبدالله علیه السلام بودم در حالی که گروهی از اهل خراسان محضرش مشرف بودند، آنان راجع به زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام و فضل و ثواب آن از حضرت سؤال کردند؟
حضرت فرمود:

پدرم از جدم نقل فرمود که آن بزرگوار می فرمودند:

کسی که امام حسین علیه السلام را زیارت کند و نیتش فقط خدا باشد حق تعالی گناهانش را محو نموده و او را از ذنوب بیرون آورده همانند مولودی که مادرش او را زائیده باشد و فرشتگان او را در سیر و سفرش مشایعت می کنند یعنی بالای سرش بال زده و گاهی بالهایشان را بر سرش پهن نموده بدون اینکه حرکت دهند و بهمین کیفیت او را مشایعت نموده تا وی به منزل و اهلس برسد.

فرشتگان از پروردگار متعال برای او طلب آمرزش نموده و از اطراف و اکناف

آسمان رحمت او را احاطه کرده و فرشتگان او را نداء داده و می‌گویند:
پاکی و پاک است آن کسی که تو زیارتش نمودی (یا: خوشا بر تو و خوشا بر
کسی که زیارتش نموده‌ای) و او را در میان اهل و عیالش حفظ و نگهداری
می‌کنند.

متن:

۶- و حدیثی عیب‌الله بن الفضل بن محمد بن هلال قال: حدَّثنا
عبدالرحمن قال: حدَّثنا سعید بن خيثم، عن أخيه معمر «قال: سمعت
زيد بن علي يقول: من زار قبر الحسين بن علي عليه السلام لا يريد به إلا [وجه]
الله تعالى غفر الله له جميع ذنوبه ولو كانت مثل زبد البحر، فاستكثروا
من زیارته یغفر الله لکم ذنوبکم».

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

عیب‌الله بن فضل بن محمد بن هلال می‌گوید:
عبدالرحمن برای ما حدیث گفت، وی نقل نمود:
سعید بن خيثم از برادرش معمر برای ما نقل کرد که وی گفت: از زید بن علی علیه السلام
شنیدم که می‌فرمودند:
کسی که قبر حسین بن علی علیه السلام را زیارت کرده و نیتش تنها خداوند باشد حق
تعالی تمام گناهانش را می‌آمرزد اگرچه به قدر روی دریاها باشد، پس زیاد به
زیارت آن حضرت بروید تا خداوند گناهانتان را ببخشد.

متن:

۷- حدیثی محمد بن عبدالله بن جعفر، عن أبيه، عن أحمد بن أبي عبدالله

البرقی، عن أبيه، عن محمد بن سنان، عن حذيفة بن منصور «قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: من زار قبر الحسين عليه السلام في الله أعتقه الله من النار و آمنه يوم الفزع الأكبر، و لم يسأل الله تعالى حاجة من حوائج الدنيا و الآخر إلا أعطاه».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر، از پدرش، از احمد بن ابی عبدالله برقی از پدرش، از محمد بن سنان، از حذیفه بن منصور، وی گفت: حضرت ابو عبدالله عليه السلام فرمودند: کسی که قبر حضرت امام حسین عليه السلام را قریه الی الله و برای خدا زیارت کند حق تعالی او را از آتش جهنم آزاد نموده و روز فزع اکبر او را در امان قرار می دهد و حاجتی از حوائج دنیا و آخرت را از خداوند نخواسته مگر آنکه باری تعالی به وی اعطاء می فرماید.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

﴿ الباب الثامن و الخمسون ﴾

﴿ ان زیارة الحسین عليه السلام افضل ما یكون من الاعمال ﴾

متن:

حدثني أبي - رحمه الله - و جماعة من أصحابنا، عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن عليّ الوشاء، عن احمد بن عائد، عن أبي خديجة، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: سألته عن زیارته قبر الحسين عليه السلام، قال: انه أفضل ما یكون من الاعمال».

﴿ باب پنجاه و هشتم ﴾

﴿ زیارت حضرت امام حسین علیه السلام افضل اعمال می باشد ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه و جماعتی از اصحاب، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسن بن علی الوشاء، از احمد بن عائذ، از ابی خدیجه، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی گفت:

از آن حضرت راجع به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام پرسیدم؟
حضرت فرمودند:



زیارت آن جناب افضل اعمال می باشد

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

متن:

۲- و عنده، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن الوشاء، عن احمد بن عائذ
عن ابی خدیجه، عن ابی عبدالله علیه السلام «قال: سألت أبا عبدالله علیه السلام عن زیارة
قبر الحسين علیه السلام، قال: انه افضل ما يكون من الأعمال».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

و از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از وشاء، از احمد بن عائذ، از
ابی خدیجه، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی گفت:

از حضرت ابی عبدالله علیه السلام راجع به زیارت قبر امام حسین علیه السلام پرسیدم؟
حضرت فرمودند:

زیارت حضرت افضل اعمال می باشد.

متن:

۳ - حدیثی محمد بن الحسن عن محمد بن الحسن الصفار، عن احمد بن محمد، عن الوشاء، عن احمد بن عائد، عن ابي خديجة، عن ابي عبدالله عليه السلام «قال: سألته عن زيارة قبر الحسين عليه السلام، قال: إنه أفضل ما يكون من الأعمال».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد، از وشاء، از احمد بن عائد از ابي خديجه، از حضرت ابي عبدالله عليه السلام، وی گفت:
از آن حضرت راجع به زیارت قبر حضرت امام حسین عليه السلام پرسیدم؟
حضرت فرمودند:

زیارت آن جناب افضل اعمال است

متن:

۴ - حدیثی ابوالعباس الكوفي، عن محمد بن الحسين، عن الحسن بن محبوب - عن رجل - عن أبان الأرق - عن رجل - عن ابي عبدالله عليه السلام «قال: من أحب الأعمال إلى الله تعالى زيارة قبر الحسين عليه السلام، وأفضل الأعمال عند الله إدخال السرور على المؤمن، وأقرب ما يكون العبد إلى الله تعالى هو ساجد باك».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

ابوالعباس کوفی، از محمد بن حسین، از حسن بن محبوب، از مردی، از ابان ارق، از مردی، از حضرت ابي عبدالله عليه السلام، حضرت فرمودند:

محبوب ترین اعمال نزد حق تعالی زیارت قبر حضرت حسین علیه السلام بوده و برترین اعمال نزد او جل و علی ادخال سرور و شادی بر مؤمن است و نزدیک ترین بنده به خدا، بنده ای است که در حال سجود بدرگه الهی گریان باشد.

متن:

۵ - حدیثی محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری، عن أبیه، عن احمد بن ابی عبدالله، عن ابی الجهم، عن ابی خدیجة «قال: قلت لأبی عبدالله علیه السلام: ما يبلغ من زیارة قبر الحسین علیه السلام. قال: أفضل ما يكون من الأعمال».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش، از احمد بن ابی عبدالله، از ابی جهم، از ابی خدیجه، وی می گویند: *بزرگوارترین سؤالی* محضر مبارک حضرت ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم: از زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام چه چیز به ما می رسد و عائدمان می گردد؟ حضرت فرمودند: افضل و برترین اعمال.

متن:

۶ - حدیثی محمد بن جعفر الرزاز، عن محمد بن الحسین، عن عبدالرحمن بن ابی هاشم الرزاز قال: حدّثنا سالم بن سلمة - وهو أبو خدیجة - عن ابی عبدالله علیه السلام «قال: ان زیارة الحسین علیه السلام أفضل ما يكون من الأعمال».

ترجمه:

﴿ حدیث ششم ﴾

محمد بن جعفر رزّاز، از محمد بن الحسین، از عبدالرحمن بن ابی هاشم رزّاز،
ری گفت:

سالم بن سلحه یعنی ابو خدیجه برای از امام صادق علیه السلام حدیثی به این شرح نقل
نمود:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

زیارت امام حسین علیه السلام افضل و برترین اعمال می باشد.

﴿ الباب التاسع و الخمسون ﴾

﴿ انّ من زار الحسين علیه السلام كان كمن زار الله في ﴾

﴿ عرشه و كتب في أعلى عليّين ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

متن:

۱ - حدّثنی اَبی، و علی بن الحسین؛ و جماعة مشایخی - رحمهم الله - عن
سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد؛ و محمد بن الحسین، عن محمد
ابن اسماعیل بن بزیع، عن صالح بن عقبه، عن زید الشحام «قال: قلت
لأبي عبدالله علیه السلام: ما لمن زار قبر الحسين علیه السلام؟ قال: كان كمن زار الله في
عرشه، قال: قلت: ما لمن احداً منكم؟ قال: كمن زار رسول الله صلی الله علیه و آله».

﴿ باب پنجاه و نهم ﴾

﴿ کسی که حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کند مثل کسی است که در ﴾
 ﴿ عرش خدا را زیارت کرده و او را در اعلیٰ علیین قرار می دهند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

متن:

پدرم و علی بن الحسین و جماعتی از مشایخ و اسانیدم رحمة الله علیهم، از سعد ابن عبدالله، از احمد بن محمد و محمد بن الحسین از محمد بن اسماعیل بن بزیع، از صالح بن عقبه، از زید شحام، وی گفت:

محضر ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم: کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کند ثوابش چیست؟
 حضرت فرمودند:



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

مثل کسی است که خدا را در عرش زیارت نموده.

راوی گفت: عرضه داشتم:

چه اجر و ثوابی است برای کسی که یکی از شما اهل بیت را زیارت کند؟
 حضرت فرمودند:

مثل کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت نموده است.

متن:

۲- و حدیثی ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد ابن عیسی، عن محمد بن اسماعیل، عن الخیر بنی، عن الحسین بن محمد الققی، عن ابی الحسن الرضا علیه السلام «قال: من زار قبر ابی عبدالله علیه السلام بشط الفرات كان كمن زار الله فوق عرشه».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد ابن اسماعیل، از خیبری، از حسین بن محمد قمی، از حضرت ابی الحسن الرضا علیه السلام، آن حضرت فرمودند:

کسی که قبر حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام را در کنار فرات زیارت کند مثل کسی است که خدا را بالای عرش زیارت نموده است.

متن:

۳- و حدیثی علی بن الحسین، و جماعة مشایخی - رحمهم الله - عن علی ابن ابراهیم بن هاشم، عن محمد بن عمر، عن عیینه بیاع القصب، عن ابی عبدالله علیه السلام «قال: من أتى قبر الحسین علیه السلام عارفاً بحقه كتبه الله في أعلى علیین».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

علی بن الحسین و جماعتی از مشایخ و اساتیدم رحمة الله عليهم، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از محمد بن عمر، از عیینه بیاع القصب (نی فروش) از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، آن حضرت فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام رود در حالی که به حق آن حضرت عارف و آگاه باشد خداوند متعال او را در أعلى علیین قرار دهد.

متن:

۴- حدیثی ابوالعباس الکوفی، عن محمد بن الحسین، عن ابی داود المسترق، عن عبدالله بن مسکان - عن بعض اصحابنا - عن ابی

عبدالله رضی الله عنه «قال: قال: من أتى قبر الحسين رضی الله عنه عارفاً بحقه كتبه الله في أعلى عليين».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

ابوالعباس کوفی، از محمد بن الحسین، از ابی دارد مسترقی، از عبدالله بن مسکان، از برخی اصحاب ما از حضرت ابی عبدالله رضی الله عنه، وی گفت: حضرت فرمودند: کسیکه به زیارت قبر حضرت امام حسین رضی الله عنه برود. در حالیکه به حق آن جناب عارف و آگاه باشد خداوند متعال او را در اعلیٰ علیین قرار می دهد.

متن:

۵ - و حدیثی اُبی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد ابن عیسی، عن علی بن الحکم، عن عبدالله بن مسکان، عن اُبی عبدالله رضی الله عنه «قال: من أتى قبر الحسين رضی الله عنه عارفاً بحقه كتبه الله في عليين».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از علی بن الحکم، از عبدالله بن مسکان، از حضرت ابی عبدالله رضی الله عنه، آن حضرت فرمودند: کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین رضی الله عنه برود در حالی که به حق آن حضرت عارف باشد حتمتعالی او را در اعلیٰ علیین قرار می دهد.

متن:

۶ - و حدیثی محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار؛ و سعد بن عبدالله جميعاً، عن علی بن اسماعیل عن محمد بن عمرو الزیيات، عن

هارون بن خارجه «قال: سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول: من أتى قبر الحسين عليه السلام عارفاً بحقه كتبه الله في أعلى عليين».

ترجمه: ﴿ حدیث ششم ﴾

محمد بن الحسن، از محمد بن حسن صفار؛ و سعد بن عبدالله جملگی از علی بن اسماعیل از محمد بن عمرو زیات از هارون بن خارجه، وی گفت: از حضرت ابا عبدالله عليه السلام شنیدم که می فرمودند: کسی که به زیارت قبر امام حسین عليه السلام برود در حالی که به حق آن جناب عارف و آگاه باشد حق تعالی او را در اعلی علیین قرار می دهد.

متن:

۷- و حدیثی محمد بن جعفر الرزاز، عن محمد بن الحسين، عن محمد ابن اسماعیل بن بزيع، عن الخبيری، عن الحسين بن محمد القمى «قال: قال لى الرضا عليه السلام: من زار قبر ابي بغداد كان كمن زار رسول الله صلى الله عليه وآله و امير المؤمنين عليه السلام الا ان لرسول الله و امير المؤمنين عليه السلام فضلها قال: ثم قال لى: من زار قبر ابي عبدالله بشطّ الفرات كان كمن زار الله فوق كرسيه».

ترجمه: ﴿ حدیث هفتم ﴾

محمد بن جعفر رزاز، از محمد بن الحسين، از محمد بن اسماعیل بن بزيع، از خیبری، از حسین بن محمد قمی، ری می گوید: حضرت رضا عليه السلام به من فرمودند:

کسی که قبر پدرم را در بغداد زیارت کند، مانند کسی است که رسول خدا صلى الله عليه وآله و امیرالمؤمنین عليه السلام را زیارت نموده منتهی زیارت رسول خدا و امیرالمؤمنین صلوات الله و سلامه علیهما فضیلت و برتری دارد سپس فرمودند:

کسی که قبر حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام را در کنار فراث زیارت کند مانند کسی است که خدا را بالای کرسی اش زیارت نموده.

متن:

۸- حدیثی ابی - رحمة الله - عن سعد بن عبدالله، عن الحسن بن علی بن عبدالله بن المغیره، عن العباس بن عامر، عن ابان، عن ابن مسکان، عن ابی عبدالله علیه السلام «قال: من أتى قبر الحسين علیه السلام كتبه الله في عليين».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبدالله، از حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره، از عباس بن عامر، از ابان، از ابن مسکان، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام رود خداوند متعال او را در اعلی علیین قرار می دهد.

متن:

۹- حدیثی ابی - رحمة الله - عن سعد بن عبدالله، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن ابن فضال، عن عبدالله بن مسکان، عن ابی عبدالله علیه السلام «قال: من أتى قبر الحسين علیه السلام كتبه الله في عليين».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از ابن فضال، از عبدالله بن مسکان، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام آن حضرت فرمودند:

کسی که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برود خداوند او را در علّین قرار می دهد.

متن:

۱۰ - و حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَجَمَاعَةٌ مَشَائِخِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ، عَنْ عَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ رَبِيعِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمَسَلِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْكَانٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام كَتَبَهُ اللَّهُ فِي عَلِّيِّينَ».

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

و پدرم رحمه الله عليه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از سعد بن عبدالله، از حسن بن علی الكوفی، از عباس بن عامر، از ربیع بن محمد المسلی، از عبدالله بن مسکان، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، آن حضرت فرمودند: کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برود خداوند متعال او را در اعلی علّین قرار می دهد.

متن:

۱۱ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ شَمُونِ الْبَصْرِيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ، عَنْ بَشِيرِ الدَّهَّانِ «قَالَ: كُنْتُ أَحِجُّ فِي كُلِّ سَنَةٍ فَأَبْطَأْتُ سَنَةً عَنِ الْحِجِّ فَلَمَّا كَانَ مِنْ قَابِلٍ حَجَّجْتُ وَدَخَلْتُ عَلَيَّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَالَ لِي: يَا بَشِيرُ مَا أَبْطَأَكَ عَنِ الْحِجِّ فِي عَامِنَا الْمَاضِي؟ قَالَ: قُلْتُ: جَعَلَتْ قَدَاكُ مَا كَانَ لِي عَلَى النَّاسِ خَفْتُ ذَهَابَهُ غَيْرَ أَنِّي عَرَفْتُ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام، قَالَ: فَقَالَ لِي: مَا فَاتَكَ

شيء مما كان فيه أهل الموقف! يا بشير من زار قبر الحسين عليه السلام عارفاً
بجده كان كمن زار الله في عرشه».

و عنه، عن أبيه، عن محمد بن الحسن بن شمون قال: حدثني جعفر بن
محمد الخزاعي - عن بعض أصحابه - عن جابر، عن أبي عبدالله عليه السلام مثله.
حدثني محمد بن جعفر الرزاز، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن
اسماعيل بن بزيع، عن عمه - عن رجل - عن جابر نحوه.

ترجمه: ﴿ حدیث یازدهم ﴾

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش نقل کرده که ری گفت:
محمد بن الحسن بن شمون بصری گفت: محمد بن سنان از بشیر دهان برایم نقل
کرد و گفت:

در هر سال به حج مشرف می شدم، یکسال تنبلی کرده و آنرا ترک کردم و سال
بعد که به حج رفته و محضر حضرت امیر عبدالله علیه السلام مشرف شدم به من فرمودند:
ای بشیر چه چیز تو را در سال گذشته از حج سست و تنبل نمود؟

می گویند: عرض کردم: فدایت شوم مالی داشتم که از مردم می خواستم و خوف
داشتم تلف شود لذا به حج نیامده ولی در عوض روز عرقه به زیارت قبر مطهر
حضرت امام حسین علیه السلام رفتم.

می گویند، حضرت به من فرمودند:

آنچه نصیب اهل موقف (حاجی ها) شد از تو فوت نگردد، ای بشیر کسی که قبر
حسین علیه السلام را زیارت کند در حالی که به حق آن حضرت عارف و آگاه باشد مانند
کسی است که خدا را در عرش زیارت نموده.

و از محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از محمد بن الحسن بن
شمون نقل شده که گفت: جعفر بن محمد خزاعی، از بعضی اصحابش، از جابر،

از حضرت ابی عبدالله علیه السلام مثل حدیث مذکور را نقل کرده،
 محمد بن جعفر رزاز، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل بن بزیم، از
 عمویش، از مردی، از جابر نظیر این حدیث را نقل کرده است.

متن:

۱۲ - و حدیثی ابی؛ و محمد بن عبدالله - رحمها الله - عن عبدالله بن
 جعفر الحمیری قال: حدّثنا عبدالله بن محمد بن خالد الطیالسی عن ربیع
 ابن محمد، عن عبدالله بن مسکان، عن ابی عبدالله علیه السلام «قال: من أتى قبر
 الحسين علیه السلام كتبه الله فی علیین».

﴿ حدیث دوازدهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه و محمد بن عبدالله علیه السلام رحمه الله، از عبدالله بن جعفر
 حمیری، وی گفت:
 عبدالله بن محمد بن خالد طیالسی، از ربیع بن محمد، از عبدالله بن مسکان، از
 حضرت ابی عبدالله علیه السلام آن حضرت فرمودند:
 کسی که قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کند خداوند متعال او را در علیین قرار
 می دهد.

﴿ الباب الستون ﴾

﴿ إنَّ زیارة الحسین و الأئمة علیهم السلام تعدل زیارة رسول الله صلی الله علیه و آله ﴾

متن:

۱- حدّثنی الحسن بن عبدالله بن محمّد بن عیسی، عن أبیه، عن الحسن بن محبوب، عن جویریة بن العلاء - عن بعض أصحابنا - قال: من سرّه أن ینظر إلى الله یوم القیامة و تهوّن علیه سكرة الموت و هول المطلق فلیکثر زیارة قبر الحسین علیه السلام فإنّ زیارة الحسین علیه السلام زیارة رسول الله صلی الله علیه و آله .

﴿ باب شصتم ﴾

﴿ زیارت حضرت امام حسین و آئمه هدی سلام الله علیهم اجمعین ﴾

﴿ معادل با زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمّد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از جویریة ابن العلاء، از بعضی اصحاب ما وی گفت: آن حضرت فرمودند: کسی که دوست دارد در روز قیامت به حق تعالی نظر کند و سختی جان دادن (که همان هول مطلق باشد) بر او آسان شود زیاد به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام برود زیرا زیارت حسین علیه السلام همان زیارت رسول خدا می باشد.

متن:

۳- حدّثنی محمّد بن یعقوب الكلینی، عن محمّد بن یحیی، عن محمّد بن الحسین بن أبی الخطاب. و حدّثنی أبی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله،

عن محمد بن الحسين، عن محمد بن اسماعيل بن بزيع، عن صالح بن عقبه، عن زيد الشحام «قال: قلت لأبي عبدالله عليه السلام: ما لمن زار أحداً منكم؟ قال: كمن زار رسول الله صلى الله عليه وآله».

﴿ حدیث سزم ﴾

ترجمه:

محمد بن یعقوب کلینی از محمد بن یحیی، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب و پدرم علیه الرحمه، از سعد بن عبدالله، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل بن بزیع، از صالح بن عقبه، از زید شحام، وی می گوید: محضر مبارک حضرت ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم: ثواب کسی که یکی از شما اهل بیت را زیارت کند چیست؟ حضرت فرمودند: مثل این است که رسول خدا صلى الله عليه وآله را زیارت کرده است.

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

متن:

۴ - حدیثی آبی - رحمه الله - عن الحسن بن متیل، عن سهل بن زیاد الآدمی، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن اسماعیل، عن صالح بن عقبه، عن زید الشحام، قال: قلت لأبي عبدالله عليه السلام: ما لمن زار رسول الله صلى الله عليه وآله و علياً عليه السلام؟ قال: كمن زار الله في عرشه، قال: قلت: فما لمن زار أحداً منكم، قال: كمن زار رسول الله صلى الله عليه وآله».

حدیثی محمد بن جعفر الرزاز، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن اسماعیل، عن صالح بن عقبه، عن زید الشحام عن ابی عبدالله علیه السلام مثله.

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه از حسن بن مثیل، از سهل بن زیاد آدمی، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از زید شحام، وی می گوید: محضر مبارک حضرت ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم: ثواب کسی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام را زیارت کند چیست؟ حضرت فرمودند:

وی مانند کسی است که خدا را در عرش زیارت کرده.

راوی گفت: محضرش عرضه داشتم: ثواب کسی که یکی از شما اهل بیت را زیارت کند چیست؟

حضرت فرمودند:

وی مثل کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کرده.

محمد بن جعفر رزاق، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از زید شحام، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام مثل این حدیث را نقل نموده است.

﴿ الباب الحادي و التسون ﴾

﴿ انّ زیارة الحسین علیه السلام تزیید فی العمر و الرزق و ان ترکها تنقصهما ﴾

متن:

۱ - حدیثی ابی - رحمه الله - و جماعة مشایخی، عن سعد بن عبدالله؛ و محمد بن یحیی العطار؛ و عبدالله بن جعفر الحمیری جمیعاً، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن اسماعیل بن بزیع، عن ابی آیوب، عن محمد بن مسلم، عن ابی جعفر علیه السلام «قال: مروا شیعتنا بزیارة قبر

الحسین علیه السلام. فَإِنَّ إِيَّانَهُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَ يَمُدُّ فِي العَمْرِ، وَ يَدْفَعُ مَدَافِعَ السُّوءِ وَ إِيَّانَهُ مَفْتَرَضٌ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ يَقْرَأُ لِلْحُسَيْنِ بِالإِمَامَةِ مِنْ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ».

﴿ باب شصت و یکم ﴾

﴿ زیارت حضرت امام حسین علیه السلام عمر را طولانی و روزی را فراخ نموده ﴾
﴿ و ترک آن عمر را کوتاه و روزی را تنگ می کند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه و جماعتی از مشایخ و اساتید من از سعد بن عبدالله و محمد ابن یحیی عطّار و عبدالله بن جعفر حمیری جمنگی، از احمد بن محمد بن عیسی از محمد بن اسماعیل بن بزّیع، از ابی ایوب، از محمد بن مسلم، از حضرت ابی جعفر علیه السلام حضرت فرمودند:

امر کنید شیعیان ما را به زیارت قبر حضرت حسن بن علی علیه السلام چه آنکه زیارت آن حضرت رزق و روزی را زیاد و عمر را طولانی کرده و اموری که بدی و شر را جلب می کنند دفع می نماید.

و زیارت آن حضرت بر هر مؤمنی که اقرار به امامت حضرتش از طرف حق تعالی دارد واجب و لازم است.

۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَمِيرِيُّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الحمِيدِ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ «قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: مَنْ أَتَى عَلَيْهِ حَوْلَ لَمْ يَأْتِ قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام أَنْقَصَ اللَّهُ مِنْ عَمْرِهِ حَوْلًا، وَلَوْ قَلْتُ: إِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَمُوتُ قَبْلَ أَجَلِهِ بِثَلَاثِينَ سَنَةً لَكُنْتُ صَادِقًا،

و ذلك لأنكم تتركون زيارة الحسين عليه السلام، فلا تدعوا زيارته يمد الله في أعماركم و يزيد في أرزاقكم، و إذا تركتم زيارته نقص الله من أعماركم و أرزاقكم تتنافسوا في زيارته و لا تدعوا ذلك، فإن الحسين شاهد لكم في ذلك عند الله و عند رسوله و عند فاطمة و عند امير المؤمنين عليه السلام».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله حمیری، از پدرش، از محمد بن عبدالحمید، از سیف بن عمیره، از منصور بن حازم، ری می گوید: از آن حضرت شنیدم که می فرمود: کسی که سال بر او بگذرد و به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام نرود خداوند تبارک و تعالی یک سال از عمرش کسر می کند و اگر بگویم پاره ای از شماها سی سال قبل از اجل و عمر طبیعی از دنیا می روند هر آینه صادق می باشم زیرا زیارت حسین علیه السلام را ترک می کنید، بنابراین زیارت آن حضرت را رها نکنید تا حق تعالی عمر شما را زیاد نموده و روزی تان را فراخ فرماید و بدانید هر گاه زیارت آن جناب را ترک کنید زیرا حضرت ابا عبدالله الحسین شاهد شما است در نزد خدا و رسولش و نزد حضرت فاطمه و امیرالمؤمنین علیه السلام.

متن:

۳ - حدیثی آبی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن اسماعیل، - عن حدیثه - عن عبدالله بن وضاح، عن داود الحمّار، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: من لم يزر قبر الحسن عليه السلام فقد حرم خيراً كثيراً و نقص من عمره سنة».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد، از محمد بن اسماعیل، از کسی که برایش حدیث گفته، از عبدالله بن وضاح، از داود جمار، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که قبر حسین علیه السلام را زیارت نکند پس از خیر کثیر محروم مانده و از عمرش یکسال کسر می شود.

متن:

۴ - حدیثی الحسن بن عبدالله، بن محمد، عن أبیه، عن الحسن بن محبوب، عن صباح الحداء، عن محمد بن مروان، عن أبی عبدالله علیه السلام «قال: سمعت يقول: زوروا الحسين علیه السلام ولو كل سنة، فإن كل من أتاه عارفاً بحقه غير جاحد لم يكن له عوض غير الجنة، و رزق رزقاً واسعاً، و أتاه الله من قبله بفرح - عاجل و ذكر الحديث -».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد، از پدرش، از حسن بن محبوب، از صباح حداء، از محمد بن مروان، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی می گوید:

از حضرت شنیدم که می فرمود:

حسین علیه السلام را زیارت کنید اگرچه در هر سال باشد؛ زیرا هر کس به زیارتش رود در حالی که به حق آن حضرت عارف بوده و منکر آن نباشد غیر از بهشت هیچ عوض دیگری ندارد و روزی و رزقش وسعت پیدا می کند و در همین عالم خداوند متعال در ازای زیارتی که کرده به او در دنیا فرح و سرور قابل ملاحظه ای می دهند ... الخ.

متن:

و حَدَّثَنِي جَمَاعَةٌ أَصْحَابُنَا، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ
ابْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مَجْبُوبٍ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ سِوَاءً.

ترجمه:

جماعتی از اصحاب از سعد بن عبدالله، از محمد بن الحسین بن ابی الخطّاب، از
حسن بن محبوب به اسنادش مثل همین حدیث را نقل کرده‌اند.

متن:

۵- حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَجَمَاعَةٌ مَشَائِخِي - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ
أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ - عَنْ بَعْضِ
أَصْحَابِنَا - عَنْ أَبِيَانَ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ الْخَثْعَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: قَالَ
لِي: يَا عَبْدَ الْمَلِكِ لَا تَدْعُ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام وَ مَرُّ أَصْحَابِكَ
بِذَلِكَ يَمُدُّ اللَّهُ فِي عَمْرِكَ، وَ يَزِيدُ اللَّهُ فِي رِزْقِكَ، وَ يَحْيِيكَ اللَّهُ سَعِيداً، وَ
لَا تَمُوتُ إِلَّا سَعِيداً، وَ يَكْتُبُكَ سَعِيداً».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

پدرم علیه الرحمه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم رحمه الله علیهم، از سعد بن
عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از احمد بن محمد بن ابی نصر، از برخی
اصحاب ما از ابان، از عبدالملک خثعمی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی گفت:
حضرت به من فرمودند:

ای عبدالملک زیارت حسین بن علی علیه السلام را ترک مکن و یاران و اصحابت را به
آن امر فرما زیرا حق تعالی بواسطه آن عمر تو را طولانی کرده و روزی و رزقت را

واسع می فرماید در حال حیات سعید و سعادت مندت نموده و نخواهی مرد مگر سعید و نور را در زمره سعدها می نویسد.

﴿ الباب الثاني و السنون ﴾
﴿ ان زیارة الحسین ؑ تحط الذنوب ﴾

متن:

۱ - حدیثی محمد بن الحسن بن الولید، عن محمد الحسن الصفار، عن الحسن بن موسی الخشاب - عن بعض رجاله - عن ابي عبد الله ؑ قال: ان زائر الحسين جعل ذنوبه جسراً باب داره ثم يعبرها، كما يخلف أحدكم الجسر وراه اذا عبره [ه]

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

﴿ باب شصت و دوّم ﴾
﴿ زیارت امام حسین ؑ گناهان را محو می کند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن الولید، از محمد بن الحسن الصفار، از حسن بن موسی الخشاب، از برخی رجالش، از حضرت ابي عبد الله ؑ، حضرت فرمودند: زائر حسین ؑ گناهانش را پلی بر درب خانه اش قرار داده که از آن عبور می کند همانطوری که یکی از شما وقتی از پل عبور نمودید آنرا عقب سر می گذارید. یعنی زیارت سید الشهداء سلام الله علیه سبب می شود که گناهان محو و زائل گردند.

متن:

۲ - حدیثی محمد بن جعفر الرزاز عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن محمد بن إسماعيل، عن صالح بن عقبة، عن بشير الدهان، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: إن الرجل يخرج إلى قبر الحسين عليه السلام فله إذا خرج من أهله بكل خطوة مغفرة من ذنوبي، ثم لم يزل يقدس بكل خطوة حق يأتيه، فإذا أتاه نجاه الله عز وجل فقال: عبدي سني أعطك، أدعني أجيبك، اطلب مني أعطك، سني حاجتك أفضيها لك. قال: وقال أبو عبدالله عليه السلام: وحق على الله أن يعطي ما بذل.»

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزاز، از محمد بن الحسين بن الخطاب، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبة، از بشیر دهان، از ابی عبدالله علیه السلام، حضرت درباره کسی که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام می رود فرمودند:

وی هنگامی که از اهلیش جدا می شود به هر قدمی که برمی دارد گناهانش آمرزیده می شود و سپس پیوسته به هر قدمی تقدیس و تنزیه شده تا به قبر مطهر می رسد وقتی به آنجا رسید خداوند متعال او را خوانده و می فرماید:

بنده من از من سؤال کن تا به تو اعطاء کنم، من را بخوان تا اجابتت نمایم، از من طلب نما تا به تو بدهم، حاجتت را از من بخواه تا برآورده نمایم.

راوی گفت:

امام علیه السلام فرمودند:

و حق است بر خدا که آنچه بذل نموده را اعطاء فرماید.

معنی:

۳- و عنه بهذا الإسناد، عن صالح بن عقبه، عن الحارث بن المغيرة، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: إنَّ لله ملائكة موكلين بقبر الحسين عليه السلام فإذا هم الرجل بزيارته أعطاهم ذبوبه، فإذا خطأ محوها، ثم إذا خطأ ضاعفوا حسناته، فما تزال حسناته تضاعف حتى توجب له الجنة، ثم اكتفوه وقد سوه، وينادون ملائكة السماء أن قدسوا زوار حبيب حبيب الله، فإذا اغتسلوا ناداهم محمد عليه السلام: يا وقد الله أبشروا بمرافقتي في الجنة، ثم ناداهم أمير المؤمنين عليه السلام: أنا ضامن لقضاء حوائجكم و دفع البلاء عنكم في الدنيا والآخرة، ثم اكتفوهم عن أيمانهم و عن شمائلهم حتى ينصرفوا إلى أهاليهم».



مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی
حدیث مؤتم

ترجمه:

و از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از صالح بن عقبه، از حارث بن مغیره، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام حضرت فرمودند: خداوند متعال فرشتگانی دارد که موکل قبر مطهر حضرت حسین بن علی عليه السلام می باشند، هنگامی که شخص قصد زیارت آن حضرت را می نماید خداوند گناهان او را به این فرشتگان اعطاء نموده و در اختیار آنها می گذارد وقتی وی قدم گذارد فرشتگان گناهان را محو می کنند سپس وقتی قلم بعدی را برداشت حسنات او را مضاعف می نمایند و پیوسته حسنات او را مضاعف کرده تا جانی که بهشت را برای وی واجب می گردانند سپس اطرافش را گرفته و تقدیس و تنزیهش می نمایند و سپس فرشتگان آسمان را نداء می دهند که زوار حبيب حبيب خدا را تقدیس و تنزیه نمایند و وقتی زوار غسل زیارت نمودند حضرت

محمد صلی الله علیه و آله ایشان را نداء داده و می‌فرماید:
ای مسافرین خدا بشارت باد شما را که با من در بهشت همراه خواهید بود.
سپس امیرالمؤمنین علیه السلام ایشان را نداء داده و می‌فرماید:
من ضامنم که حوائج شما را برآورده و در دنیا و آخرت بلا و محنت را از شما دور نمایم.
پس از آن فرشتگان دور ایشان حلقه زده و از راست و چپ آنان را دربر گرفته تا به اهل و خویشاوندان خود بازگردند.

متن:

۴ - حدیثی است از ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن ابی عبدالله الجامورانی الرازی، عن الحسن بن علی بن ابی حمزة، عن الحسن بن محمد بن عبدالکریم، عن المنضل بن عمر، عن جابر الجعفی «قال: قال أبو عبدالله علیه السلام - فی حدیث طویل - فاذا انقلبت من عند قبر الحسین علیه السلام ناداک منادٍ لو سمعت مقالته لأقمت عمرک عند قبر الحسین علیه السلام و هو یقول: طوبی لک أیها العبد؛ قد غنمت و سلمت، قد غُفر لک ما سلف فاستأنف العمل - و ذکر الحدیث بطوله -».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبدالله، از ابی عبدالله الجامورانی رازی، از حسن بن علی بن ابی حمزه، از حسن بن محمد بن عبدالکریم، از مفضل بن عمر، از جابر جعفی، وی می‌گوید:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام در ضمن حدیث طولانی فرمود:
هنگامی که از نزد قبر مطهر حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام برگشتی منادی تو را

می خواند که اگر صدا و گفتارش را می شنیدی تمام عمر خود را حاضر بودی نزد قبر مطهر صرف و طی نمائی.

منادی می گوید ای بنده خوشا به حال تو، همانا غنیمت بودی و سالم برگشتی، تمام گناهان گذشتهات پاک گردید پس از ابتدا عمل نما.....

متن:

۵ - حَدَّثَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ الرَّازِي قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنِ الْخَيْبَرِيِّ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدِ الْقَمِّي «قَالَ: قَالَ: أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام: أَدْنَى مَا يَثَابُ بِهِ زَائِرُ الْحُسَيْنِ عليه السلام بِشَاطِئِ الْفِرَاتِ إِذَا عَرَفَ حَقَّهُ وَحَرَمَتَهُ وَوَلَايَتَهُ أَنْ يَغْفَرَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ».

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

ابوالعباس رزازی می گوید:

محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از محمد بن اسماعیل، از خیبری، از حسین ابن محمد القمی، وی می گوید: حضرت ابوالحسن موسی عليه السلام فرمودند: کمترین ثواب و اجر به کسی که حضرت امام حسین عليه السلام را در کنار فرات زیارت می کند مشروط به اینکه حق و حرمت و ولایت آن جناب را بشناسد می دهند این است که گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزند.

متن:

۶ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ ابْنِ أَوْرَمَةَ، عَنْ زَكَرِيَّا الْمُؤْمِنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى الْكَاهَلِيِّ،

عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: من أراد أن يكون في كرامة الله يوم القيامة وفي شفاعته محمد صلوات الله عليه و علي آله فليكن للحسين زائراً ينال من الله أفضل الكرامة و حسن الثواب، و لا يسأله عن ذنب عمله في حياة الدنيا و لو كانت ذنوبه عدد رملٍ عاجٍ و جبال تهامة و زبد البحر، إنَّ الحسين [بن علي] عليها السلام قتل مظلوماً مضطهداً نفسه، عطشاناً هو و أهل بيته و أصحابه».

ترجمه:

﴿ حدیث ششم ﴾

پدرم رحمة الله عليه، از حسین بن الحسن بن ابان، از محمد بن اوره، از زکریا المؤمن ابی عبدالله، از عبدالله بن یحیی لکاهلی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که می خواهد روز قیامت در کرامت خداوند متعال باشد و شفاعت حضرت محمد صلوات الله عليه و آله شاملش گردد پس باید حسین علیه السلام را زیارت کند چه آنکه بالاترین کرامت حق تعالی به وی رسیده و ثواب و اجر نیک به او داده می شود و از گناهایی که در زندگانی دنیا مرتکب شده ری را مورد سؤال و بازخواست قرار نمی دهند اگر چه گناهانش به تعداد ریگ های بیابان و به بزرگی کره های تهامه و به مقدار روی دریاها باشد، حسین بن علی سلام الله علیهما در حالی کشته شد که:

اولاً: مظلوم بود.

ثانیاً: نفس و جسمش مقهور و مورد ستم قرار گرفته بود.

ثالثاً: خود و اهل بیت و اصحابش تشنه بودند.

متن:

۷- حدیثی آبی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله عن احمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن خالد البرقی، عن القاسم بن یحیی بن الحسن بن راشد، عن جدّه الحسن بن راشد، عن ابي ابراهيم عليه السلام «قال: من خرج من بيته يريد زيارة قبر ابي عبدالله الحسين بن عليّ عليهما السلام وكلّ الله به ملكاً فوضع أصبعه في قفاه فلم يزل يكتب ما يخرج من فيه حتى يبرد الحائر، فإذا خرج من باب الحائر وضع كفه وسط ظهره، ثمّ قال له: أمّا ما مضى فقد غفر لك فاستأنف العمل».

و بهذا الإسناد، عن الحسن بن راشد، عن ابراهيم بن ابي البلاد بإسناده مثله».



مرکز تحقیقات حدیثی و کلامی

حدیث هفتم

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن ابی خالد برقی، از قاسم بن یحیی بن الحسن بن راشد، از جدش حسن بن راشد، از حضرت ابي ابراهيم عليه السلام، آن حضرت فرمودند:

کسی که از خانه اش خارج شده و قصدش زیارت قبر مطهر حضرت ابا عبدالله الحسين بن عليّ سلام الله علیهما باشد خداوند متعال فرشته ای را بر او می گمارد پس آن فرشته انگشتش را در پشت او قرار داده و پیوسته آنچه از دهان این شخص خارج شود می نویسد تا به حائر وارد گردد و وقتی از درب حائر خارج شد کف دستش را وسط پشتش نهاده سپس به او می گوید:

آنچه گذشت تمام مورد غفران و آمرزش واقع شد اینک از ابتداء به عمل پرداز و با همین اسناد، از حسن بن راشد، از ابراهيم بن ابي البلاد به اسنادش حدیثی مثل همین حدیث را نقل نموده.

متن:

۸- حدیثی محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری، عن أبیه، عن علی بن محمد بن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبدالله بن حماد الأنصاری، عن عبدالله بن عبدالرحمن الأصم، عن عبدالله بن مسکان «قال: شهدت أبا عبدالله علیه السلام وقد أتاه قوم من أهل الخراسان فسألوه عن إتيان قبر الحسين علیه السلام وما فيه من الفضل، قال: حدّثنی أبی، عن جدی أنه كان يقول: من زاره يريد به وجه الله أخرجه الله من ذنوبه كمولود ولدته أمه، و شیعته الملائكة في مسيره فرفرت علی رأسه قد صفوا بأجنحتهم علیه حتى يرجع إلى أهله و سألت الملائكة المغفرة له من ربه، و غشيته الرحمة من [أ]عنان السماء، و نادته الملائكة: طبت مطاب من نددت و حفظ في أهله».

مرکز تحقیق و پژوهش علوم دینی

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد انصاری، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، از عبدالله بن مسکان، وی می‌گوید:

حضور مبارک حضرت ابا عبدالله علیه السلام رسیدم در حالی که گروهی از اهل خراسان خدمت آن جناب مشرف شده بودند، ایشان از آن جناب راجع به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام و ثوابی که در آن است سؤال نمودند؟ حضرت فرمودند:

پدرم از جدم نقل کردند که می‌فرمودند:

کسیکه آن حضرت را صرفاً برای خدا و به قصد قربت زیارت کند خداوند متعال

از گناهان رهایش نموده و او را همچون نوزادی که مادر زائیده قرار می‌دهد و در طول سفرش فرشتگان مشایعتش کرده و بالای سرش بال‌های خود را گشوده و با این حال او را همراهی کرده تا به اهلش باز گردد و نیز فرشتگان از خداوند می‌خواهند که او را بیمارزد و از اطراف و اکناف آسمان رحمت راسعه الهی او را فرا گرفته و فرشتگان نداء کرده و به وی می‌گویند:

پاک هستی و آن کس که زیارتش نمودی نیز پاک و مطهر است و پیوسته وی را بین اهل و خویشانش حفظش می‌نمایند.

﴿ الباب الثالث و الستون ﴾

﴿ إن زيارة الحسين عليه السلام تعدل عمرة ﴾

ترجمه:

۱- حدیثی از ابی و علی بن الحسین؛ و محمد بن یعقوب - رحمهم الله - جمیعاً، عن علی بن ابراهیم بن هاشم، عن ابيه، عن احمد بن محمد بن ابي نصر «قال: سأل بعض أصحابنا أبا الحسن الرضا عليه السلام أتى قبر الحسين عليه السلام قال: تعدل عمرة».

﴿ باب شصت و سوم ﴾

﴿ زیارت حضرت امام حسین عليه السلام معادل یک عمره می‌باشد ﴾

ترجمه:

﴿ حدیث اول ﴾

پدرم و علی بن الحسین و محمد بن یعقوب رحمة الله عليهم جملگی، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از احمد بن محمد بن ابي نصر نقل کرده‌اند که وی

گفت:

برخی از اصحاب ما، از حضرت ابا الحسن رضی الله عنه سؤال کرد و پرسید:
کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برود ثوابش چه مقدار است؟
حضرت فرمودند:

ثوابش معادل ثواب یک عمره می باشد.

متن:

۲ - و حدیثی محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسین، عن الحسن بن علی
ابن ابی عثمان، عن إسماعیل عبّاد، عن الحسن بن علی، عن ابی سعید
المدائنی «قال: دخلت علی ابی عبدالله علیه السلام فقلت جعلت فداک آتی قبر
الحسین؟ قال: نعم یا ابا سعید ائت قبر ابن رسول الله صلی الله علیه و آله أطیب
الطیبین و أطهر الطاهرین و أبر الأبرار، فاذا زرته کتب لك اثنتان و
عشرون عمرة».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد الحسین، از حسن بن علی بن ابی عثمان، از اسماعیل
ابن عبّاد، از حسن بن علی، از ابی سعید مدائنی وی گفت:
بر حضرت ابی عبدالله علیه السلام داخل شدم و عرض کردم: فدایت شوم: آیا به زیارت
قبر حضرت حسین علیه السلام بروم؟
حضرت فرمودند:

بلی، ای ابا سعید به زیارت قبر پسر رسول خدا که پاکیزه ترین پاکان
و نیکوکارترین نیکوکاران است برو و بدان هرگاه او را زیارت کردی ثواب
بیست و دو عمره برایت نوشته می شود.

متن:

۳- و عنه، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن سنان «قال: سمعت الرضا عليه السلام يقول: زيارة قبر الحسين عليه السلام تعدل عمرة مبرورة متقبلة».

ترجمه: ﴿ حدیث سوم ﴾

و از محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از محمد بن سنان، وی گفت:
از حضرت امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمودند:
زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام معادل یک عمره مقبول می باشد.

متن:

۴- حدثني أبي - رحمه الله - ومحمد بن الحسن، عن سعد بن عبد الله، عن احمد؛ و عبد الله ابني محمد بن عيسى، عن موسى بن القاسم، عن الحسن ابن الجهم «قال: قلت: لأبي الحسن عليه السلام: ما تقول في زيارة قبر الحسين عليه السلام؟ فقال لي: ما تقول أنت فيه؟ فقلت: بعضنا يقول حجة، وبعضنا يقول: عمرة فقال: هو عمرة مقبولة».

ترجمه: ﴿ حدیث چهارم ﴾

پدرم رحمه الله عليه و محمد بن الحسن، از سعد بن عبدالله، از احمد و عبدالله پسران محمد بن عیسی، از موسی بن قاسم، از حسن بن الجهم، وی گفت:
محضر مبارک حضرت ابی الحسن علیه السلام عرض کردم: چه می فرمائید درباره زیارت قبر امام حسین علیه السلام؟
حضرت فرمودند:
تو درباره آن چه می گوئی؟

عرض کردم: بعضی از ما معتقدند که ثواب آن به مقدار ثواب یک حج بوده و برخی دیگر می گویند ثوابش به اندازه ثواب یک عمره می باشد.
حضرت فرمودند:
ثوابش به مقدار عمره مقبول می باشد.

متن:

۵ - و حدیثی محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار، عن أحمد ابن محمد بن عیسی، عن محمد بن علی قال: حدّثنا ابراهیم بن یحیی القطان، عن ابيه أبي البلاد «قال: سألت أبا الحسن الرضا علیه السلام عن زیارة قبر الحسين علیه السلام، فقال: ما تقولون أنتم؟ قلت: نقول: حجة و عمره، قال: تعدل عمره مبرورة».

مرکز تحقیق و تکلیف پژوهش‌های اسلامی

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن علی، وی می گوید:
ابراهیم بن یحیی قطان از پدرش ابی البلاد برای ما حدیث گفت و اظهار نمود:
از حضرت ابا الحسن الرضا علیه السلام راجع به زیارت قبر مطهر حضرت حسین بن علی علیه السلام پرسیدم؟
حضرت فرمودند:
شما درباره آن چه می گویند؟
عرض کردم: ما می گوئیم: ثواب آن معادل ثواب حج و عمره است.
حضرت فرمودند:
ثواب آن معادل عمره مقبول می باشد.

متن:

۶ - حدیثی علی بن الحسین، عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن علی بن احمد بن اشیم، عن صفوان بن یحیی «قال: سألت الرضا علیه السلام عن زیارة قبر الحسین علیه السلام آیا شیء فیہ من الفضل؟ قال: تعدل عمرة».

ترجمه: ﴿ حدیث ششم ﴾

علی بن الحسین، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از علی بن احمد بن اشیم، از صفوان بن یحیی، وی می گوید:
از حضرت رضا علیه السلام راجع به زیارت قبر امام حسین علیه السلام پرسیده و عرضه داشتیم:
چه ثوابی در آن می باشد؟
حضرت فرمودند:
ثواب آن معادل با یک عمرة می باشد.

متن:

۷ - حدیثی ابی - رحمه الله - و محمد بن عبدالله جمیعاً، عن عبدالله بن جعفر الحمیری، عن ابراهیم بن مهزیار، عن أخیه علی بن مهزیار، عن محمد بن سنان «قال: سمعت أبا الحسن علیه السلام يقول: انّ زیارة قبر الحسین علیه السلام تعدل عمرة مبرورة متقبلة».

ترجمه: ﴿ حدیث هفتم ﴾

پدرم رحمة الله علیه و محمد بن عبدالله جمیعاً، از عبدالله بن جعفر حمیری، از ابراهیم بن مهزیار، از برادرش علی بن مهزیار، از محمد بن سنان وی گفت:

از حضرت ابا الحسن علیه السلام شنیدم که می فرمود:
زیارت قبر امام حسین علیه السلام معادل عمره قبول شده می باشد.

متن:

۸ - حدیثی محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسین، عن صفوان بن یحیی،
عن ابي الحسن علیه السلام «قال: سألته عن زیارة قبر الحسین علیه السلام آیا شیء فیہ من
الفضل؟ قال: تعدل عمره».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از صفوان بن یحیی، از حضرت ابي
الحسن علیه السلام، وی گفت:
راجع به زیارت قبر مطهر حضرت امام حسین علیه السلام از آن جناب سؤال کرده
و پرسیدم:
ثواب آن چه مقدار می باشد؟
حضرت فرمودند:
ثواب آن معادل یک عمره می باشد.

متن:

۹ - حدیثی جماعة أصحابنا، عن أحمد بن إدريس، و محمد بن یحیی
الطیار، عن العمري بن علي - عن بعض أصحابه - عن بعضهم علیهم السلام «قال:
أربع عمر تعدل حجة، و زیارة قبر الحسین علیه السلام تعدل عمره».

ترجمه:

﴿ حدیث نهم ﴾

جماعتی از اصحاب ما، از احمد بن ادريس و محمد بن يحيى عطار، از عمرکی ابن علی، از برخی اصحابش، از بعضی از ائمه علیهم السلام که فرمودند: چهار تا عمره معادل یک حج است و زیارت قبر مطهر حضرت امام حسین معادل یک عمره می باشد.

متن:

۱۰ - و بهذا الإسناد، عن العمرکی البوفکی - عن حدثه - عن محمد بن الفضیض، عن ابن رثاب «قل: سألت أبا عبد الله علیه السلام عن زیارة قبر الحسين علیه السلام، قال: نعم تعدل عمره، ولا ينبغي أن يتخلف عنه أكثر من أربع سنين».

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

و با همین اسناد، از عمرکی بوفکی، از کسی که برایش حدیث گفته، از محمد بن فیض، از ابن رثاب، وی گفت از حضرت ابا عبد الله علیه السلام راجع به زیارت قبر مطهر امام حسین علیه السلام پرسیدم؟ حضرت فرمودند:

بلی، زیارت آن جناب معادل یک عمره است و شایسته و سزاوار نیست که بیشتر از چهار سال از آن تخلف شود.

﴿ الباب الرابع و الستون ﴾
﴿ إن زیارة قبر الحسین علیه السلام تعدل حجة ﴾

متن:

۱ - حدیثی الحسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، عن أبیه، عن الحسن بن محبوب، عن جمیل بن درّاج، عن فضیل بن یسار، عن أبی جعفر علیه السلام «قال: زیارة قبر الحسین علیه السلام، و زیارة قبر رسول الله صلی الله علیه و آله، و زیارة قبور الشهداء تعدل حجة مبرورة مع رسول الله صلی الله علیه و آله».

﴿ باب شصت و چهارم ﴾

﴿ زیارت حضرت امام حسین علیه السلام معادل یک حج می باشد ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از جمیل ابن درّاج، از فضیل بن یسار، از حضرت ابی جعفر علیه السلام، آن حضرت فرمودند: زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام و قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و قبر شهداء معادل یک حج قبول شده است که با رسول خدا صلی الله علیه و آله بجا آورده شده باشد.

متن:

۲ - حدیثی محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن سنان «قال: سمعت أبا الحسن الرضا علیه السلام يقول: من أتى قبر الحسین علیه السلام كتب الله له حجة مبرورة».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از محمد بن سنان، وی می‌گوید:
از حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام شنیدم که می‌فرمودند:
کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام رود خداوند یک حج قبول شده
برایش می‌نویسد.

متن:

۳- حدیثی است از ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن الحسن بن علی بن عبدالله بن المغيرة، عن عباس بن عامر قال: أخبرني عبدالله بن عبيد الأنباري «قال: قلت لأبي عبدالله عليه السلام: جعلت فداك إنه ليس كل سنة يتهيأ لي ما أخرج به إلى الحج؟ فقال: إذا أردت الحج ولم يتهيأ لك فأت قبر الحسين عليه السلام فإنها تكتب لك حجة، وإذا أردت العمرة ولم يتهيأ لك فأت قبر الحسين عليه السلام فإنها تكتب لك عمرة»؟

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه، از سعد بن عبدالله، از حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره، از عباس بن عامر، وی می‌گوید:
عبدالله بن عبيد انباري به من خبر داد و گفت:
محضر مبارک حضرت ابی عبدالله علیه السلام عرضه داشتند: فدایت شوم هر سال آمادگی
ندارم برای رفتن به حج چه باید کرد؟
حضرت فرمودند:

هرگاه اراده حج نموده ولی آمادگی برای آن را نداشتی به زیارت قبر حضرت
حسین بن علی علیه السلام برو زیرا برای تو یک حج منظور می‌شود و هر وقت اراده

عمره نمودی و برای انجام آن مهیا بودی به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برو زیرا ثواب یک عمره برایت می نویسند.

متن:

۴ - و حدیثی محمد بن الحسن - رحمه الله - عن محمد بن الحسن الصفار، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن ابن ابی عمیر، عن هشام بن الحکم، عن عبدالکریم بن حسان «قال: قلت لأبي عبدالله علیه السلام: ما يقال إن زيارة قبر الحسين علیه السلام تعدل حجة و عمرة، قال: فقال: إنما الحج و العمرة ههنا و لو أن رجلاً أراد الحج و لم يتهيأ له فأتاه كتب الله له حجة، و لو أن رجلاً أراد العمرة و لم يتهيأ له فأتاه كتبت له عمرة».

« حدیث چهارم »

ترجمه:

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از پدرش، از ابن ابی عمیر، از هشام بن الحکم، از عبدالکریم بن حسان، وی می گوید:

محضر امام علیه السلام عرض کردم:

این گفتار چیست که می گویند: زیارت قبر امام حسین علیه السلام معادل یک حج و عمره است؟

حضرت فرمودند:

معادل بودن زیارت آن حضرت با حج و عمره تنها در وقتی است که شخص اراده حج کند ولی آمادگی برای آنرا نداشته ولی به زیارت آن جناب بشتابد در اینجا حق تعالی ثواب یک حج برای او می نویسد چنانچه اگر اراده عمره نمود ولی برایش میسر نبود ولی به زیارت امام علیه السلام رفت در اینجا نیز ثواب یک عمره برایش منظور می گردد.

متن:

۵ - و عنه، عن محمد بن الحسن الصفار، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن علي بن فضال، عن حريز، عن فضيل بن يسار «قال: قال ﷺ: إن زيارة قبر رسول الله ﷺ وزيارة قبور الشهداء وزيارة قبر الحسين ﷺ تعدل حجة مع رسول الله ﷺ».

ترجمه:

﴿ حدیث پنجم ﴾

و از محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن صفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسن بن علی بن فضال، از حرّیز، از فضیل بن یسار، وی گفت:

امام ﷺ فرمودند:

زیارت قبر رسول خدا ﷺ و قبور شهداء و قبر حضرت امام حسین ﷺ معادل حجی است که با پینمبر خدا ﷺ بجا آورده شود.

متن:

حدّثنی محمد بن جعفر بن الحسین، عن صفوان بن یحیی، عن حریز، عن الفضیل بن یسار، عن أبی عبد الله ﷺ مثله.

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از صفوان بن یحیی، از حرّیز، از فضیل بن یسار، از حضرت ابی عبد الله ﷺ حدیثی مثل حدیث مذکور را نقل کرده است.

متن:

۶ - حدّثنی الحسن بن عبد الله بن محمد بن عیسی، عن أبیه، عن الحسن بن محبوب، عن جمیل بن صالح، عن فضیل بن یسار، عن أبی جعفر ﷺ

«قال: زیارة قبر الحسين علیه السلام تعدل حجة مبرورة مع رسول الله صلی الله علیه و آله».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از جمیل ابن صالح، از فضیل بن یسار، از حضرت ابی جعفر علیه السلام، حضرت فرمودند: زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام معادل حج مقبولی است که با رسول خدا صلی الله علیه و آله بجا آورده شود.

متن:

۷ - حدیثی محمد بن الحسن بن علی بن مهزیار، عن ابيه، عن علی بن مهزیار، عن الحسن بن سعید، عن صفوان بن یحیی، عن حریر؛ و الحسن بن محبوب، عن جمیل بن صالح، عن فضیل بن یسار، عنهما علیهما السلام «قالا: زیارة قبر رسول الله صلی الله علیه و آله و زیارة قبور الشهداء و زیارة قبر الحسين علیه السلام تعدل حجة مع رسول الله صلی الله علیه و آله».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن علی بن مهزیار، از پدرش، از علی بن مهزیار، از حسن بن سعید، از صفوان بن یحیی، از حریر و حسن بن محبوب، از جمیل بن صالح، از فضیل بن یسار، از امام باقر و امام صادق علیهما السلام این دو امام بزرگوار فرمودند: زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و قبور شهداء و قبر حسین بن علی علیهما السلام معادل حجی است که با پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله بجا آورده شود.

متن:

۸- حدیثی محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار، عن محمد ابن عیسی بن عبید، عن ابی سعید القمّاط، عن ابن ابی یعفور «قال: سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول: لو أنّ رجلاً أراد الحجّ ولم یتهیّأ له ذلك فأتی قبر الحسين علیه السلام فعرف عنده یجزئه ذلك عن الحجّ».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از محمد بن عیسی بن عبید، از ابی سعید قمّاط، از ابن ابی یعفور، وی گفت:
از حضرت ابا عبدالله علیه السلام شنیدم که می فرمودند:
اگر شخصی اراده حجّ کند ولی آماده نباشد و در این حال به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برود پس در روز عرفه نزد حضرت بوده و آن جناب را زیارت کند این عمل مجزی از حجّ می باشد یعنی ثواب حجّ را دریافت نموده بدون اینکه عمل حجّ انجام داده باشد.

متن:

۹- حدیثی محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسن، عن محمد بن سنان، عن ابراهیم بن عقبه «قال: کتبت إلى العبد النّصاح علیه السلام إن رأی سیدنا أن یخبرنی بأفضل ما جاء به فی زیارة الحسين علیه السلام و هل تعدل ثواب الحجّ لمن فاته، فکتب علیه السلام: تعدل الحجّ لمن فاته الحجّ».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از محمد بن سنان، از ابراهیم بن عقبه، وی گفت:

نامه ای محضر مبارک عبد صالح علیه السلام نوشته و در آن عرض کردم: اگر آقا و سرور ما مصلحت دیدند به ما خبر دهند از افضل و برترین ثوابی که در زیارت حضرت امام حسین علیه السلام وارد شده است و آیا ثواب آن معادل ثواب حج هست از کسی که نتوانسته عمل حج را بجا آورد؟

امام علیه السلام در جوابش مرقوم فرمودند:

ثواب زیارت امام حسین علیه السلام معادل ثواب حج است برای کسی که حج از دستش رفته است.



﴿ الباب الخامس و الستون ﴾

﴿ في أن زيارة الحسين علیه السلام تعدل حجة و عمرة ﴾

متن:

۱ - حدیثی جعفر بن محمد بن ابراهیم بن عبیدالله بن موسی بن جعفر، عن عبد الله بن احمد بن نهبك، عن محمد بن أبي عمير، عن الحسن الأحمسي، عن أم سعيد الأحمسيّة «قالت: سألت أبا عبد الله علیه السلام عن زيارة قبر الحسين علیه السلام، فقال: تعدل حجة و عمرة. و من الخير هكذا و هكذا - و او ما بيده -».

﴿ باب شصت و پنجم ﴾
 ﴿ در بیان اینکه زیارت حضرت امام حسین علیه السلام ﴾
 ﴿ معادل یک حج و یک عمره می باشند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

جعفر بن محمد ابراهیم بن عبیدالله بن موسی بن جعفر، از عبدالله بن احمد بن نهیک، از محمد بن ابی عمیر، از حسن احمسی، از ام سعید احمسیه، وی گفت: از حضرت ابا عبدالله علیه السلام سؤال کرده و از زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام پرسیدم؟

حضرت فرمودند:

زیارت آن حضرت معادل با یک حج و یک عمره می باشد و از اعمال خیر و پسندیده معادل و مساوی با چنان و چنان است. سپس با دست اشاره به عدد آن اعمال خیر فرمودند.

متن:

۲- و عنه، عن عبدالله بن نهیک، عن ابن ابی عمیر، عن هشام بن الحكم، عن عبدالکریم بن حسان «قال: قلت لأبي عبدالله علیه السلام: ما يقال: إن زیارة قبر أبي عبدالله الحسين علیه السلام تعدل حجة و عمرة فقال: إنما الحج و العمرة ههنا و لو أن رجلاً أراد الحج و لم يتهيأ له فأتاه كتب الله له جنة، و لو أن رجلاً أراد العمرة و لم يتهيأ له فأتاه كتب الله له عمرة».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

و از جعفر بن محمد بن ابراهیم بن عبید الله بن موسی بن جعفر، از عبدالله بن نهیک، از ابن ابی عمیر، از هشام بن حکم، از عبدالکریم بن حسان، وی گفت: محضر مبارک امام صادق علیه السلام عرض کردم: این کلام چیست که می گویند: زیارت قبر حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام معادل یک حج و عمره می باشد؟ حضرت فرمودند:

معادل بودن با حج و عمره تنها در اینجا ایست که شخص اراده حج نمود، و برایش میسر نباشد پس بجای آن به زیارت قبر مطهر حضرت امام حسین علیه السلام برود که در این فرض خداوند متعال ثواب یک حج برایش می نویسد و نیز اگر شخص بخواهد عمره رود ولی برایش میسر نباشد پس بجای آن به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برود حق تعالی ثواب یک عمره برایش ضبط می کند.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

منن:

حدیثی أبي - رحمه الله - و محمد بن الحسن، عن الحسين بن الحسن بن أبان، عن الحسين بن سعيد، عن القاسم بن محمد، عن اسحاق بن إبراهيم، عن هارون بن خارجة «قال: سألت رجلاً أبا عبدالله علیه السلام - و أنا عنده - فقال: زار قبر الحسين علیه السلام فقال إنَّ الحسين وکَّل الله به أربعة آلاف ملك شعاً غبراً يبکونه إلى يوم القيامة فقلت له: بأبي أنت و أمي زوی عن أبيک الحج و العمرة، قال: نعم؛ حجّة و عمرة - حتى عدت عشرة -».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه و محمد بن الحسن، از حسین بن حسن بن أبان، از حسین

ابن سعید، از قاسم بن محمد، از اسحاق بن ابراهیم، از هارون بن خارجه، وی گفت:

مردی از حضرت ابا عبدالله علیه السلام سؤال کرد و من نیز آنجا حاضر بودم، سائل پرسید:

چه اجر و ثوابی است برای کسی که حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کند؟
حضرت فرمودند:

خداوند متعال چهار هزار فرشته را به آن حضرت موکل کرده که جملگی ژولیده و غبارآلود بوده و تا روز قیامت برای آن حضرت گریه می کنند.
عرض کردم: پدر و مادرم فدایت شوند، از پدر بزرگوارتان نقل شده که فرموده اند:

ثواب زیارت امام حسین علیه السلام معادل حج و عمره است؟
حضرت فرمودند:

بلی، حج و عمره بعد تعداد حج و عمره را شمرده تا به ده حج و عمره رسید.

متن:

۴ - حدیثی آبی - رحمه الله - و علی بن الحسین، عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد عن الحسن بن علی الراشع، عن احمد بن عائد، عن ابی خدیجة «عن رجل سأل ابا جعفر علیه السلام عن زیارة قبر الحسین علیه السلام فقال انهم [ا] تعدل حجة و عمرة، و قال بیده هكذا من الخیر یتول بجمیع یدیه هكذا -».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه و علی بن الحسین، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد، از

حسن بن علی و شاء، از احمد بن عائد، از ابی خدیجه، از شخصی که از حضرت ابا جعفر علیه السلام راجع به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام سؤال کرده بود: امام علیه السلام فرمودند:

زیارت حضرت امام حسین علیه السلام معادل یک حج و عمره است و با دست اشاره کردند که معادل این مقدار از اعمال خیر است (تمام انگشتان دو دست را نشان دادند).

متن:

۵ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سَلْيَانَ النِّسَابُورِيِّ أَبِي سَعِيدٍ «قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْيَمَانِيُّ، عَنْ مَنِيعِ بْنِ الْحَجَّاجِ، عَنْ يُونُسَ، عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام» «قَالَ: زِيَارَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام حَجَّةٌ، وَمِنْ بَعْدِ الْحَجَّةِ حَجَّةٌ وَعُمْرَةٌ» - مِنْ بَعْدِ حَجَّةِ الْإِسْلَامِ - .

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه، از محمد بن يحيى، از حمدان بن سليمان نیشابوری (ابو سعید) وی گفت:
عبدالله بن محمد یمانی، از منیع بن حججاج، از یونس، از هشام بن سالم، از حضرت ابی عبدالله نقل کرد: حضرت فرمودند:
زیارت قبر امام حسین علیه السلام یک حج بوده و بعد از یک حج یعنی بعد از حج (الاسلام) یک حج و یک عمره می باشد.

متن:

۶ - و باسناده عن یونس، عن الرضا علیه السلام «قال: من زار قبر الحسين علیه السلام فقد حجّ و اعتمر، قال: قلت: يطرح عنه حجة الإسلام؟ قال: لا هي حجة الضعيف حتى يقوى و يحجّ إلى بيت الله الحرام، أما علمت انّ البيت يطوف به كل يوم سبعون ألف ملك حتى إذا أدركهم الليل سعدوا، و نزل غيرهم فطافوا بالبيت حتى الصباح، و أنّ الحسين علیه السلام لأكرم على الله من البيت و أنّه في وقت كلّ صلاة لينزل عليه سبعون ألف ملك شعث غبر، لا تقع عليهم التوبة إلى يوم القيامة».



« حدیث ششم »

ترجمه:

و باسناد ابو سعید، از یونس، از حضرت رضا علیه السلام، حضرت فرمودند: کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت بکند پس یک حجّ و یک عمره به جا آورده.

راوی می گوید: عرض کردم یعنی حجة الإسلام از او دیگر ساقط است؟ حضرت فرمودند: خیر مقصود این است که این زیارت حجّ افراد ضعیف محسوب شده تا قوی گردند و به بیت الله الحرام بروند، آیا نمی دانی که هر روز هفتاد هزار فرشته بیت الله را طواف کرده تا شب فرا برسند و پس از آمدن شب به آسمان رفته و فرشتگان دیگر نازل شده و تا صبح بیت را طواف می کنند و اما حضرت امام حسین علیه السلام نزد خدا عزیزتر از بیت بوده و در هر وقت نماز هفتاد هزار فرشته که جملگی ژولیده و غبارآلود و گرفته هستند نازل شده و قبر مطهر را طواف می کنند و تا روز قیامت به ایشان دیگر نوبت نمی رسد.

متن:

۷- حدیثی آبی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد: و محمد بن عبدالحمید، عن یونس بن یعقوب، عن امّ سعید الأحمسیّة «قالت: قلت لأبي عبدالله علیه السلام: أى شیء تذكّر فی زیارة قبر الحسين علیه السلام من الفضل؟ قال: نذكر فيه يا امّ سعید فضل حجة و عمرة، و خیرها كذا - ر بسط یدیه و نکس أصابعه -».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد و محمد بن عبدالحمید، از یونس بن یعقوب، از امّ سعید احمسیّه ری گفت: محضر مبارک امام صادق علیه السلام عرض کردم: چه فضیلتی را در زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام ذکر می فرمایید؟ حضرت فرمود:

ای امّ سعید فضیلت یک حج و عمره را در آن ذکر می کنیم و بهتر از آن چنین است و همزمان با گفتن این عبارت اخیر دو دستشان را باز کرده و انگشتانشان را برگردانند به طوری که کف دست به طرف روی مبارک و روی دست به طرف مخاطب واقع شد.

متن:

۸- حدیثی محمد بن احمد بن الولید، عن محمد بن الحسن الصفّار، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن الحسين بن سعید، عن القاسم بن محمد، عن حبيب، عن فضیل بن یسار «قال: سمعت أبا عبدالله علیه السلام يقول وکمل

الله بقبر الحسين عليه السلام أربعة آلاف ملك شعناً غبراً يبكونه إلى يوم القيامة. وإتيانه يعدل حجة و عمرة و قبور الشهداء.».

ترجمه: ﴿ حدیث هشتم ﴾

محمد بن احمد بن ولید، از محمد بن الحسين صفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسین بن سعید، از قاسم بن محمد، از حبيب، از فضیل بن یسار، وی می گوید:

از حضرت اباعبدالله عليه السلام، شنیدم که می فرمود:

خداوند متعال چهار هزار فرشته که جملگی ژولیده و غبارآلود و گرفته هستند را بر قبر حضرت امام حسین عليه السلام مرکل فرار داد و ایشان تا روز قیامت بر آن حضرت گریه می کنند و زیارت آن حضرت معادل یک حج و یک عمره بوده و زیارت قبور شهداء (منصوره شهداء احد می باشد) نیز همین فضیلت را دارد.

متن:

۹- حدیثی أبي - رحمه الله - و جماعة مشايخي عن سعد بن عبدالله، عن الحسن بن علي الكوفي عن العباس بن عامر، عن أبان، عن الحسين بن عطية أبي الناب، عن يثاع السابري «قال: سمعت أبا عبدالله عليه السلام و هو يقول من أتى قبر الحسين عليه السلام كتب الله له حجة و عمرة، أو عمرة و حجة و - ذكر الحديث -».

ترجمه: ﴿ حدیث نهم ﴾

پدرم و حمة الله عليه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از سعد بن عبدالله، از حسن ابن علی کوفی، از عباس بن عامر، از ابان، از حسین بن عطية «أبي الناب» یثاع

السابری، وی گفت:

از حضرت ابا عبدالله علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

کسی که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام رود خداوند یک حج و عمره یا عمره و یک حج برایش می نویسد.

متن:

۱۰ - و یاسناده، عن العباس بن عامر، عن أبان بن عثمان قال: حدثني أبو خلّان الكندي، عن أبي عبدالله علیه السلام «قال: من أتى قبر الحسين علیه السلام كتب الله له حجّة و عمرة».



ترجمه:

و سعد بن عبدالله به اسنادش، از عباس بن عامر، از ابان بن عثمان وی می گوید:
ابوخلّان کنندی، از حضرت ابي عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:
کسی که به زیارت قبر حضرت حسین علیه السلام رود خداوند یک حج و عمره برایش
می نویسد.

متن:

۱۱ - و حدّثني محمّد بن الحسن بن علی، عن أبيه، عن جدّه علی بن مهزيار، عن أبي القاسم، عن القاسم بن محمّد، عن إسحاق بن إبراهيم، عن هارون بن خارجه «قال: سألت رجل أبا عبدالله علیه السلام - في حديث له طويل يقول في آخره: - بأبي أنت وأمي رووا عن أبيك في الحجّ؟ قال: نعم حجّة و عمرة - حتى عدّ عشرة -».

ترجمه:

﴿ حدیث یازدهم ﴾

محمد بن الحسن بن علی، از پدرش، از جدش علی بن مهزیار، از ابی القاسم، از قاسم بن محمد، از اسحاق بن ابراهیم، از هارون بن خارجه، وی گفت: مردی در ضمن حدیث طولانی از حضرت ابا عبدالله علیه السلام سؤال کرد و در آخر آن محضر مبارک آن جناب عرضه داشت: پدر و مادرم فدایت شوند راویان از پدر بزرگوارتان روایت کرده‌اند که ثواب زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام معادل یک حج است آیا این مضمون صحیح می‌باشد؟
حضرت فرمودند:

بله، بلکه یک حج و عمره و دو حج و دو عمره ... و همین طور بالا رفتند تا ده حج را ذکر نمودند.



متن:

۱۲ - حدیثی ابی و جماعه مشایخ - رحمهم الله - عن محمد بن یحیی العطار، عن العمرکی - عن حدیثه - عن محمد بن الحسن، عن محمد بن فضیل، عن محمد بن مصادف قال: حدیثی مالک الجهنی، عن ابی جعفر علیه السلام فی زیارة قبر الحسین علیه السلام «قال: من أتاه زائراً له عارفاً بحقه كتب الله له حجة، و لم یزل محفوظاً حتی یرجع، قال: فمات مالک فی تلك السنة و حجت فدخلت علی ابی عبدالله علیه السلام فقلت: إن مالک حدیثی بحدیث عن ابی جعفر علیه السلام، فی زیارة قبر الحسین علیه السلام، قال: هاته، فحدیثته قلماً فرغت، قال: نعم یا محمد حجة و عمره».

﴿ حدیث دوازدهم ﴾

ترجمه:

پدرم و جماعتی از مشایخ و اساتیدم رحمة الله علیهم، از محمد بن یحیی عطار، از عمرکی، از کسی که برایش حدیث گفته، از محمد بن الحسن، از محمد بن فضیل، از محمد بن مصادف، وی می گوید:

مالک جهنی از حضرت ابی جعفر برایم نقل کرد که آن حضرت راجع به زیارت حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام فرمودند:

کسی که به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام رود در حالیکه عارف و آگاه به حق آن جناب باشد خداوند یک حج برای او می نویسد و پیوسته محفوظ و برقرار هست تا به اهلش مراجعت کند.

راوی می گوید: مالک در همان سال فوت کرد و من به حج رفته و بر حضرت ابی عبدالله علیه السلام وارد شدم و محضر مبارکش عرض کردم:

مالک حدیثی را از حضرت ابی جعفر علیه السلام راجع به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برایم نقل نمود.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

حدیث را بیان کن.

پس حدیث را نقل کرده و هنگامی که فارغ شدم، حضرت فرمودند:

بلی ثواب زیارت آن حضرت معادل یک حج و عمره می باشد.

متن:

۱۳ - و حدیثی ابی - رحمه الله - و جماعة مشایخی، عن محمد بن یحیی العطار؛ و احمد بن إدريس، عن العمرکی - عن حدیثه - عن حماد بن عیسی، عن الحسین بن المختار «قال: سألت أبا عبدالله علیه السلام عن زیارة قبر الحسین علیه السلام، فقال: فیها حجة و عمرة».

﴿ حدیث سیزدهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه و جماعتی، از مشایخ و اساتیدم، از محمد بن یحیی العطار؛
و احمد بن ادريس، از عمرکی، از کسی که برای او حدیث گفته، از حماد بن
عیسی، از حسین بن مختار، وی می گوید:

از حضرت ابا عبدالله علیه السلام راجع به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام سؤال
کردم؟

حضرت فرمودند:

اجر این زیارت به مقدار ثواب یک حج و عمره می باشد.

متن:

۱۴ - و حدیثی ابي - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن الحسن بن علی
الزیتونی، عن هارون بن مسلم، عن عیسی بن راشد «قال: سألت ابا
عبدالله علیه السلام فقلت: جعلت فداك ما لمن زار قبر الحسين علیه السلام و صَلَّى عنده
رکعتین؟ قال: کتبت له حجة و عمرة قال: قلت له: جعلت فداك و كذلك
کل من أتى قبر إمام مفترض طاعته؟ قال: و كذلك کل من أتى قبر إمام
مفترض طاعته».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

و پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبدالله، از حسن بن علی زیتونی، از هارون بن
مسلم، از عیسی بن راشد وی می گوید:

از حضرت ابا عبدالله علیه السلام سؤال کرده و محضر مبارکش عرضه داشتم:

فدایت شرم: کسی که قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کرده و دو رکعت نماز آنجا
بنخواند ثواب آن چیست؟

حضرت در جواب فرمودند:

برای او یک حج و عمره نوشته می شود.

راوی می گوید: محضر مبارکش عرض کردم: فدایت شوم و همچنین است ثواب

هر کسی که به زیارت قبر امام مفترض الطاعة برود؟

حضرت فرمودند:

و همین طور است هر کسی که به زیارت قبر امامی که طاعتش فرض و واجب

است رود.

متن:

۱۵ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْقُرَشِيِّ الْكُوفِيُّ الرَّزَّازُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَرِيعٍ، عَنْ صَالِحِ بْنِ عَقِبَةَ، عَنْ يَزِيدِ ابْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ «قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَرَفِيقُومَ عَلِيَّ حُمْرًا، فَقَالَ: أَيْنَ يَرِيدُونَ هَؤُلَاءِ؟ قُلْتُ: قُبُورَ الشَّهَدَاءِ، قَالَ: فَمَا يَمْنَعُهُمْ مِنْ زِيَارَةِ الشَّهِيدِ الْغَرِيبِ؟» قَالَ: فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ: زِيَارَتُهُ وَاجِبَةٌ؟ قَالَ: زِيَارَتُهُ خَيْرٌ مِنْ حِجَّةٍ وَعُمْرَةٍ - حَتَّىٰ عَدَّ عَشْرِينَ حِجَّةً وَعُمْرَةً -، ثُمَّ قَالَ: مَهْرُورَاتٍ مُتَقَبَّلَاتٍ، قَالَ: فَوَاللَّهِ مَا قُتُّ مِنْ عِنْدِهِ حَتَّىٰ أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ: إِنِّي قَدْ حَجَجْتُ تِسْعَةَ عَشَرَ حِجَّةً، فَادْعَ اللَّهُ لِي أَنْ يَرْزُقَنِي تَمَامَ الْعَشْرِينَ، قَالَ: فَهَلْ زُرْتِ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام؟ قَالَ: لَا، قَالَ: إِنَّ زِيَارَتَهُ خَيْرٌ مِنْ عَشْرِينَ حِجَّةً.»

﴿ حدیث پانزدهم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی کوفی رزاز، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل ابن بریعی، از صالح بن عقبه، از یزید بن عبدالمک و می گوید:

در محضر مبارك حضرت ابی عبدالله علیه السلام بودم در این هنگام گروهی که بر دراز گوش‌ها سوار بودند عبور کردند، حضرت فرمودند:
ایشان اراده کجا دارند؟
عرض کردم: زیارت قبور شهداء.
فرمودند:

چه چیز ایشان را بازداشت از زیارت شهید غریب؟!
راوی می‌گوید: شخصی از اهل عراق به آن حضرت عرض کرد:
آیا زیارت او واجب است؟
حضرت فرمودند:

زیارت آن جناب بهتر از یک حج و یک عمره، از دو حج و دو عمره ... و پیوسته بر آن می‌افزودند تا فرمودند: بهتر از بیست حج و بیست عمره می‌باشد و سپس افزودند:

از بیست حج و عمره مقبول و پذیرفته شده بهتر است.

راوی می‌گوید: به خدا سوگند از محضر مبارکش برنخاستم تا اینکه شخصی خدمتش مشرف شد و به آن حضرت عرض کرد: من نوزده حج به جا آورده‌ام تقاضا دارم از خدا بنخواهید که یک حج دیگر روزی من کرده تا بیست حج برایم کامل باشد.

حضرت به وی فرمودند:

آیا قبر حضرت حسین علیه السلام را زیارت کرده‌ای؟
عرض کرد: خیر.

حضرت فرمود:

زیارت آن حضرت از بیست حج بهتر است.

﴿ الباب السادس و الستون ﴾
 ﴿ إنَّ الزیارة الحسین علیه السلام تعدل حججاً ﴾

متن:

۱ - حدّثنی اَبی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن سنان، عن الحسین بن مختار، عن زید الشحام، عن اَبی عبدالله علیه السلام «قال: زیارة الحسین علیه السلام تعدل عشرين حجّة، و أفضل من عشرين حجّة».

و حدّثنی محمد بن یعقوب، عن عدّة من أصحابه، عن احمد بن محمد باسناده مثله.



﴿ باب شصت و ششم ﴾

﴿ زیارت حضرت امام حسین علیه السلام معادل چند حج می باشد ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد ابن سنان، از حسین بن مختار، از زید شحام، از حضرت اَبی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

زیارت امام حسین علیه السلام:

معادل بیست حج بلکه برتر از بیست حج می باشد.

و محمد بن یعقوب، از عدّه ای اصحاب، از احمد بن محمد به اسنادش مثل همین حدیث را نقل نموده.

متن:

۲ - حدیثی محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار، عن احمد ابن محمد بن عیسی، عن محمد بن اسماعیل بن بزیع، عن صالح بن عقبه، عن ابي سعید المدائنی «قال: دخلت علی ابي عبدالله علیه السلام فقلت: جعلت فداك آتی قبر الحسين علیه السلام؟ قل: نعم یا ابا سعید ائت قبر الحسين ابن رسول الله صلی الله علیه و آله أطیب الأطیبین، و أطهر الطاهرین، و أبرّ الأبرار، فإتک إذا ذرتہ كتب الله لك به خمسة و عشرين حجّة».

حدیثی محمد بن یعقوب، عن محمد بن یحیی، عن محمد بن الحسین بن ابي الخطاب، عن محمد بن اسماعیل باسناده مثله.

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن اسماعیل بن بزیع، از صالح بن عقبه، از سعید مدائنی، وی گفت: بر حضرت ابي عبدالله علیه السلام داخل شده عرض کردم: فدایت شوم به زیارت قبر حسین علیه السلام بروم؟

حضرت فرمودند:

بلی، ای ابا سعید به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام که فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و پاکیزه ترین پاکان و نیکوکارترین نیکوکاران است برو زیرا رقتی آن حضرت را زیارت کردی خداوند متعال ثواب بیست و پنج حجّ برایت می نویسد.

محمد بن یعقوب، از محمد بن یحیی، از محمد بن الحسین بن ابي الخطاب، از محمد بن اسماعیل باسنادش مثل همین خبر را نقل نموده.

متن:

۳- حدیثی محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسین، عن احمد بن النضر، عن شهاب بن عبد ربّه - أو عن رجل - عن شهاب، عن أبي عبد الله علیه السلام «قال سألتني فقال: يا شهاب كم حججت من حجة؟ فقلت: تسعة عشر حجة، فقال لي: تمها عشرين حجة، تحسب لك بزيارة الحسين علیه السلام».

﴿ حدیث سوّم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از احمد بن نصر، از شهاب بن عبد ربّه با از مردی، از شهاب، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، شهاب می گوید: امام علیه السلام از من سوال نموده و فرمودند:

ای شهاب چند بار به حج رفته ای؟

عرض کردم: نوزده مرتبه.

فرمودند:

آن را به بیست مرتبه تممیم و تکمیل نما تا برایت آنها را معادل یک زیارت حضرت امام حسین علیه السلام حساب کنند.

متن:

۴- حدیثی ابو العباس قال: حدیثی محمد بن الحسین، عن ابن سنان، عن حذیفه بن منصور «قال: قال ابو عبد الله علیه السلام: كم حججت؟ قلت: تسعة عشر، قال: فقال: أما إنك لو أتممت إحدى و عشرين حجة لكنت كمن زار الحسين علیه السلام».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

ابوالعباس می گوید:

محمد بن الحسین، از ابن سنان، از حذیفه بن منصور نقل کرده، وی گفت:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

چند مرتبه به حج رفته‌ای؟

عرض کردم: نوزده بار.

فرمودند:

بدان اگر آنرا به بیست و یک بار برسانی مانند کسی هستی که زیارت حضرت امام حسین علیه السلام را نموده است.



متن:

۵ - حدیثی أبي - رحمه الله - عن سعيد بن عبدالله، عن محمد بن الحسين ابن أبي الخطاب، عن محمد بن سنان، عن محمد بن صدقة، عن صالح الثبلي «قال: قال أبو عبدالله علیه السلام: من أتى قبر الحسين علیه السلام عارفاً بحقه كان كمن حج مائة حجة مع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از محمد بن سنان، از محمد بن صدقه، از صالح ثبلی، وی گفت: حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

کسی که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برود در حالی که به حق آن حضرت آگاه و مطلع باشد مثل کسی است که صد مرتبه با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حج بجا آورده باشد.

متن:

۶- و عنه، عن سعد، عن محمد بن الحسن، عن محمد بن صدقة، عن مالك بن عطية، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: من زار الحسين عليه السلام كتب الله له ثمانين حجة مبرورة».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

از پدرم، از سعد، از محمد بن الحسن، از محمد بن صدقه، از مالك بن عطية، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام حضرت فرمودند: کسی که حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کند خداوند متعال برایش هشتاد حج مقبول منظور می دارد.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

متن:

۷- حدثني أبو العباس الكوفي، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن إسماعيل، عن الخبير، عن موسى بن القاسم الحضرمي قال: قدم أبو عبدالله عليه السلام في أول ولاية أبي جعفر فنزل النجف، فقال: يا موسى اذهب إلى الطريق الأعظم فتقف على الطريق فانظر فإنه سيأتيك رجل من ناحية القادسية، فإذا دنا منك فقل له ههنا رجل من ولد رسول الله يدعوك، فسيجيء معك، قال: فذهبت حتى قمت على الطريق على الطريق والحز شديد، فلم أزل قائماً حتى كدت أعصى و أنصرف و أدعه، إذ نظرت إلى شيء يقبل شبه رجل على بعير فلم أزل أنظر إليه حتى دنا مني فقلت: يا هذا ههنا رجل من ولد رسول الله عليه السلام يدعوك و قد وصفك لي، قال: اذهب بنا إليه، قال: فجئت به حتى أناخ بعيره ناحية قريباً من الخيمة، فدعا به

فدخل الأعرابي إليه و دنوت أنا فصرت إلى باب الخيمة أسمع الكلام و لا أراهم، فقال أبو عبد الله عليه السلام: من أين قدمت؟ قال: من أقصى اليمن، قال: أنت من موضع كذا و كذا؟ قال: نعم أنا من موضع كذا و كذا، قال: فيها جنت ههنا؟ قال: جنت زائراً للحسين عليه السلام، فقال أبو عبد الله عليه السلام: فجئت من غير حاجة ليس إلا للزيارة؟ قال: جئت من غير حاجة إلا أن أصلي عنده و أزوره فأسلم عليه و أرجع إلى أهلي، فقال أبو عبد الله عليه السلام: و ما ترون في زيارته؟ قال: نرى في زيارته البركة في أنفسنا و أهالينا و أولادنا و أموالنا و معاشنا و قضاء حوائجنا، قال: فقال أبو عبد الله عليه السلام: أفلا أزيدك من فضله فضلاً يا أخا اليمني؟ قال: زدني يا ابن رسول الله، قال: إن زيارة الحسين عليه السلام تعدل حجة مقبولة زكية مع رسول الله، فتعجب من ذلك، قال: إي والله و حجتي مبرورة متقبلتين من زاكيتين مع رسول الله عليه السلام، فتعجب! فلم يزل أبو عبد الله عليه السلام يزيد حتى قال ثلاثين حجة مبرورة متقبلة زكية مع رسول الله عليه السلام.

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

ابوالعباس کوفی، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل، از خیبری، از موسی بن قاسم حضرمی وی می گوید:
حضرت ابو عبد الله عليه السلام در ابتداء حکومت ابوجعفر عباسی (منصور دوانیقی) وارد عراق شده و در نجف نزول اجلال فرمودند، به من فرمودند:
ای موسی، برو کنار جاده بزرگ بایست و منتظر باش که عنقریب مردی از طرف قادسیه خواهد آمد، هرگاه نزدیک تو شد به وی بگو: یکی از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله تو را می خواند، او بزودی با تو خواهد آمد.

موسی می گوید: پس من به طرف جاده مزبور رفته و به آنجا رسیدم و کنار آن ایستاده و هوا بسیار گرم بود، پیوسته در آنجا ایستاده بودم بحدی که نزدیک بود مخالفت کرده و برگشته و ملاقات با او را ترک کنم، در این هنگام چشمم به چیزی خورد که به جلر می آید و شبیه مردی است که روی شتری نشسته، پس چشم به آن درخته تا نزدیک به من شد به او گفتم: ای مرد در اینجا یکی از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، و شما را می خواند ایشان شما را به من معرفی کرده و پیام برایت فرستاده اند.

مرد گفت: با هم به خدمتش برویم.

موسی می گوید: او را بردم تا به نزدیک خیمه رسیدیم، وی شترش را خواباند و درب خیمه آستاد منتظر اذن دخول بود، پس حضرت از درون خیمه او را خواندند، اعرابی داخل خیمه شد و من نیز نزدیک شده تا درب خیمه رسیده و سخن ایشان را می شنیدم ولی آنها را نمی دیدم.

حضرت ابو عبدالله علیه السلام به وی فرمودند: از کجا آمدی؟

او گفت: از دورترین نواحی یمن.

حضرت فرمودند: تو از فلان و فلان مکان هستی؟

او عرض کرد: بلی من از فلان موضع می باشم.

حضرت فرمودند: برای چه به این صوب آمدی؟

عرض کرد: به قصد زیارت حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام آمدم.

حضرت فرمودند:

ننها برای زیارت آمده و هیچ حاجت دیگری نداشتی؟

عرض کرد: هیچ حاجتی نداشتم مگر آنکه به سر قبر مطهر آن حضرت رفته

و نماز آنجا خوانده و جنباش را زیارت کرده و سپس از حضرتش خدا حافظی

کرده و به اهل و خویشانم برگردم.

حضرت فرمودند: در زیارت آن حضرت چه می بینید؟

عرض کرد: در زیارتش برکت در عمر خود و اهل و اولاد و اموال و معایشان بوده و حوائج و خواسته‌هایمان بر آورده شده و برطرف می‌گردد.

موسی می‌گوید: امام علیه السلام به وی فرمودند:

ای برادر یمنی آیا از فضیلت زیارت آن حضرت بیشتر از این برایت نگویم؟

آن مرد عرض کرد: ای پسر رسول خدا زیادتر بفرمائید:

حضرت فرمودند:

زیارت امام حسین علیه السلام معادل یک حج مقبول و پاکیزه‌ای است که با رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام شود.

آن مرد از این گفتار تعجب کرد.

حضرت فرمودند: آری، به خدا سوگند معادل دو حج مقبول و پاکیزه‌ای است که با رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام شود.

آن مرد بر تعجبش افزوده شد پس بدین ترتیب امام علیه السلام بر تعداد حج‌های مقبول می‌افزودند تا اینکه در آخر فرمودند:

زیارت آن حضرت معادل با سی حج مقبول و پاکیزه‌ای است که با رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام گیرد.

متن:

۸- و حدیثی علی بن الحسین، عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد ابن عیسی، عن محمد بن اسماعیل، عن صالح بن عقبه، عن یزید بن عبدالملك «قال: كنت مع أبي عبدالله عليه السلام فمر قوم على حمر، [ف]قال لي: أين يريد هؤلاء؟ قلت: قبور الشهداء، قال: فما يمنعهم من زيارة الغريب الشهيد؟! فقال له رجل من أهل العراق: زيارته واجبه فقال زيارته خير من حجة و عمرة و عمرة و حجة - حتى عدّ عشرين حجة .

و عشرين عمرة - ثم قال: مبرورات متقبّلات، قال: فوالله ما قت
 حقّ أتاه رجل فقال: إني حججت تسعة عشر حجّة فادع الله أن يرزقني
 تمام العشرين، قال: فهل زرت قبر الحسين عليه السلام؟ قال: لا، قال: لزيارته
 خير من عشرين حجّة».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

علی بن الحسین، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن
 اسماعیل، از صالح بن عقبه، از یزید بن عبدالملک وی می گوید:
 محضر مبارک حضرت ابی عبدالله علیه السلام بودم پس گروهی که بر درازگوش ها سوار
 بودند بر ما گذشتند.

حضرت به من فرمودند: اینها قصدا کجا را دارند؟

عرض کردم: به زیارت قبور شهداء می روند.

فرمودند: چه چیز ایشان را از زیارت غریب شهید باز داشت؟

مردی از اهل عراق محضر مبارکش عرض کرد: آیا زیارت آن حضرت (امام
 حسین علیه السلام) واجب است؟

حضرت فرمودند: زیارت آن جناب از یک حج و عمره و یک عمره و یک حج
 بهتر است سپس حضرت تعداد حج و عمره ها را زیاد کرده تا بیست حج و بیست
 عمره شمردند و بعد فرمودند:

البتّه تمام آنها مقبول و مبرور باشند.

راوی می گوید:

به خدا سوگند از محضرش مرخص نشده بودم که مردی آمد و حضورش رسید
 و عرض کرد:

من نوزده حج انجام داده ام، از خداوند بخواهید که یک حج دیگر نصیب شده

و بدین ترتیب تا عدد بیست کامل گردد.
حضرت فرمودند: آیا قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کرده‌ای؟
آن مرد عرض کرد: خیر.
حضرت فرمودند:
زیارت آن حضرت از بیست حج بهتر می‌باشد.

متن:

۹ - حدیثی از ابی؛ و علی بن الحسین - رحمهما الله - عن سعد بن عبدالله، عن ابی القاسم هارون بن مسلم بن سعدان، عن مسعدة بن صدقة «قال: قلت: لأبی عبدالله علیه السلام: ما لمن زار قبر الحسین علیه السلام؟ قال: تکتب له حجة مع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، قال: قلت له: جعلت فداك حجة مع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم؟ قال: نعم و حجتان، قال: قلت: جعلت فداك حجتان؟ قال: نعم و ثلاث، فما زال يعد حتى بلغ عشرًا قلت: جعلت فداك عشر حجج مع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم؟ قال: نعم و عشرون حجة، قلت: جعلت فداك و عشرون؟ فما زال يعد حتى بلغ خمسين، فسكت».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

پدرم و علی بن الحسین رحمة الله علیهما، از سعد بن عبدالله، از ابی القاسم هارون بن مسلم بن سعدان، از مسعدة بن صدقه، وی می‌گوید:
محضر مبارک حضرت ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم: برای کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کند چه اجر و ثوابی است؟
حضرت فرمودند:

ثواب یک حجی که با رسول خدا بجا آورند می باشد.
 راوی می گوید: محضرش عرضه داشتیم: فدایت شوم، ثواب یک حج با رسول
 خدا صلی الله علیه و آله ۱۱؟

حضرت فرمودند: بلی بلکه ثواب دو حج
 راوی می گوید: عرض کردم: فدایت شوم، ثواب دو حج؟
 امام علیه السلام فرمودند: بلی بلکه ثواب سه حج و پیوسته تعداد حج ها را حضرت اضافه
 می کردند تا به ده حج رسیدند.

عرض کردم: فدایت شوم، ثواب ده حج با رسول خدا صلی الله علیه و آله ۱۱
 امام علیه السلام فرمودند: بلی بلکه ثواب بیست حج.
 عرض کردم: فدایت شوم، ثواب بیست حج؟
 پس پیوسته عدد حج ها را بالا می بردند تا به پنجاه تا رسید و دیگر سکوت اختیار
 فرمودند.

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

متن:

۱۰ - و حدیثی محمد بن الحسن بن الولید، عن محمد بن الحسن
 الصّْفَّار، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن أبید، عن عبدالله بن المغیره،
 عن عبدالله بن میمون القّدّاح، عن أبی عبدالله علیه السلام «قال: قلت له: ما لمن
 أتى قبر الحسين علیه السلام زائراً عارفاً بحقه غیر مستکبر و لا مستکف؟ قال:
 یکتب له ألف حجّة و ألف عمرة مبرورة، و إن کان شقیّاً کتب سعیداً،
 و لم یزل یخوض فی رحمة الله عزّوجلّ».

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

و محمد بن الحسن بن الولید، از محمد بن الحسن الصّْفَّار، از احمد بن محمد بن
 عیسی، از پدرش، از عبدالله بن مغیره، از عبدالله بن میمون قّدّاح، از حضرت

ابی عبدالله علیه السلام، وی می گوید: محضرش عرض کردم: برای کسی که به زیارت امام حسین علیه السلام رود در حالی که به حق آن حضرت عارف و آگاه بوده و هیچ استکبار و استنکافی از زیارتش نداشته باشد چه اجر و ثوابی می باشد؟
حضرت فرمودند:

برای او ثواب هزار حج و هزار عمره مقبول می نویسد و اگر شقی بوده سعید محسوبش می کنند و پیوسته در رحمت خدا غوطه ور است.

﴿ الباب السابع و الستون ﴾

﴿ إن زيارة الحسين علیه السلام تعدل عتق الرقاب ﴾

مراحمین تکبیر علی بن ابراهیم

متن:

۱ - حدثني محمد بن جعفر الرزاز الكوفي، عن محمد بن الحسين الزيات، عن محمد بن سنان، عن محمد بن صدقة، عن صالح النيلي قال: قال ابو عبدالله عليه السلام: من أتى قبر الحسين عليه السلام عارفاً بحقه كتب الله له أجر من أعتق ألف نسمة، و كمن حمل على ألف فرس في سبيل الله مسرّجة ملجمة.

حدثني أبي - رحمه الله - و محمد بن يعقوب، عن محمد بن يحيى العطار، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب بإسناده مثله.

﴿ باب شصت و هفتم ﴾

﴿ زیارت حضرت امام حسین معادل با آزاد کردن بندگان می باشد ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزاز کوفی، از محمد بن الحسین زیات، از محمد بن سنان، از محمد بن صدقه، از صالح نیلی، وی می گوید:
حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حضرت حسین علیه السلام رفته در حالی که به حق آن حضرت عارف و آگاه باشد حق تعالی اجر و ثواب کسی که هزار بنده آزاد کرده است را به او داده و وی مانند کسی است که هزار اسب را زین نموده و لجام زده و در راه خدا با آنها جهاد کرده باشد.

پدرم رحمة الله علیه و محمد بن یعقوب، از محمد بن یحیی عطار، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب یاسنادش حدیثی نظیر حدیث گذشته را نقل نموده است.

منقول:

۲ - حدیثی ابو العباس القرشی، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن اسماعیل، عن صالح بن عقبه، عن ابی سعید المدائنی «قال: قلت لأبی عبدالله علیه السلام: جعلت فداک أتی قبر ابن رسول الله؟ قال: نعم، یا ابا سعید ائت قبر ابن رسول الله أطیب الطیبین و أطهر الأطهرین و ابر الابرار فاذا زرته كتب الله لك عتق خمسة و عشرين رقبة».

حدیثی ابی - رحمه الله - عن عدّة من أصحابنا، عن سعد بن عبدالله، عن

احمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن اسماعیل، عن صالح بن عقبه، عن
أبي سعيد المدائنی قال: قلت: لأبي عبدالله عليه السلام ... و ذکر مثله.

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

ابو العباس قرشی، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه،
از ابوسعید مدائنی، وی می گوید:
محضر حضرت ابو عبدالله عليه السلام عرض کردم: فدایت شوم، آیا به زیارت قبر فرزند
رسول خدا صلی الله علیه و آله بروم؟
حضرت فرمودند:

بلی، ای ابوسعید به زیارت قبر فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله که پاکیزه ترین پاکیزه گان
و نیکوکارترین نیکوکاران هست برو و وقتی آن حضرت را زیارت کردی
خداوند متعال برای تو ثواب آزاد کردن بیست و پنج بنده را می نویسد.
پدرم رحمة الله علیه از عذای اصحاب، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن
عیسی، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از ابوسعید مدائنی نقل کرده که
وی گفت:

محضر مبارک امام صادق عليه السلام عرض کردم ... و نظیر همین حدیث را نقل کرده.

﴿ الباب الثامن و الستون ﴾

﴿ أن زوار الحسين عليه السلام مشفقون ﴾

متن:

۱ - حدیثی محمد بن الحسین بن مت الجوهری، عن محمد بن احمد بن
یحیی بن عمران الأشعری، عن موسی بن عمر، عن علی بن النعمان، عن

عبدالله بن مسکان «قال: قال ابو عبد الله علیه السلام: إنّ الله تبارك و تعالی یتجلی لزوّار قبر الحسین علیه السلام قبل اهل عرفات و یقضي حوائجهم، و یغفر ذنوبهم، و یشفعهم فی مسائلهم، ثمّ ینتی بأهل عرفات فیفعل بهم ذلك».

﴿ باب شصت و هشتم ﴾

﴿ زوّار حضرت امام حسین علیه السلام شفاعت دیگران را می کنند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسین بن متّ جوهری، از محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری، از موسی بن عمر، از علی بن نعمان، از عبدالله بن مسکان وی می گوید: حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند: خداوند تبارک و تعالی برای زوّار قبر حضرت امام حسین علیه السلام قبل از اهل عرفات تجلی کرده و حوائج آنها را برآورده و گناهانشان را آمرزیده و در مسائل و خواسته هایشان شفاعتشان را کرده و سپس توجه به اهل عرفات نموده و آنچه در حق زوّار امام حسین علیه السلام منظور نمود برای ایشان نیز ملحوظ می دارد.

متن:

۲ - حدیثی ابي - رحمه الله - و محمد بن الحسن، و علی بن الحسین جميعاً، عن سعد بن عبد الله، عن محمد عيسى بن عبید، عن صفوان بن يحيى - عن رجل - عن سيف الثمار، عن أبي عبد الله علیه السلام «قال: سمعت يقول: زائر الحسين علیه السلام مشفع يوم القيامة لمائة رجل كلهم قد وجبت لهم النار ممن كان في الدنيا من المسرفين».

ترجمه:

﴿ حدیث دوم ﴾

پدرم رحمة الله عليه و محمد بن الحسن و علي بن الحسين جملگی، از سعد بن عبدالله، از محمد بن عيسى بن عبيد، از صفوان بن يحيى، از مردی از سيف ثمار، از حضرت امی عبدالله عليه السلام، وی گفت:

شنیدم حضرت امام صادق عليه السلام می فرمودند:

زائر امام حسين عليه السلام در روز قیامت صد نفر که همگی اهل دوزخ بوده و در دنیا از مسرفین بودند را شفاعت می کند

منن:

۳- حدیثی أبي - رحمه الله - و محمد بن الحسن؛ و علی بن الحسين؛ و علی بن محمد بن قولويه جميعاً، عن احمد بن إدريس؛ و محمد بن يحيى، عن العمري بن علي البوفكي قال: حدثنا يحيى - و كان في خدمته أبي جعفر الثاني - عن علي، عن صفوان الجمال، عن أبي عبدالله عليه السلام - في حديث له طويل - «قلت فما لمن قتل عنده - يعني عند قبر الحسين عليه السلام - جار عليه السلطان فقتله، قال: أول قطرة من دمه يغفر له بها كل خطيئة، و تغسل طينة التي خلق منها الملائكة حتى يخلص كما خصلت الأتبياء المخلصين، و يذهب عنها ما كان خالطها من أدناس طين أهل الكفر و الفساد، و يغسل قلبه و يشرح و يملأ إيماناً، فيلق الله و هو مخلص من كل ما تخالطه الأبدان و القلوب، و يكتب له شفاعت في أهل بيته و ألف من إخوانه، و تتولى الصلاة عليه الملائكة مع جبرئيل و ملك الموت، و يؤتي بكفته و حنوطه من الجنة، و يوسع قبره، و يوضع له مصابيح في قبره، و يفتح له باب من من الجنة، و تأتيه الملائكة بطرف من الجنة.

و یرفع بعد ثمانية عشر يوماً إلى خطيرة القدس، فلا يزال فيها مع اولياء الله حتى تصيبه النفخة التي لا تبي شيئاً. فإذا كانت النفخة الثانية و خرج من قبره كان أول من يصفحه رسول الله صلی الله علیه و آله و أمير المؤمنين و الأوصياء علیهم السلام و یثرونه و یقولون له: أئزمننا و یقیمونه علی الحوض، فیشرّب منه و یسقی من أحبّ».

﴿ حدیث مرموم ﴾

ترجمه:

بدرم رحمة الله عليه و محمد بن الحسن و علی بن الحسين و علی بن محمد بن قولویه جملگی، از احمد بن ادریس و محمد بن یحیی، از عمرکی بن علی بوفکی، وی می گوید:

یحیی که در خدمت ابو جعفر ثانی (از خلفاء عباسی) بود، از علی، از صفوان جمال، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام در ضمن حدیث طولانی نقل کرده.....

مترجم گوید:

این حدیث بطور تمام و مشروح در باب چهل و چهارم ذیل حدیث شماره (۲) نقل و ترجمه شده لذا از ترجمه مکرر خودداری می نمائیم.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ، عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَوْرَمَةَ، عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْمُؤْمِنِ، عَنِ ابْنِ مَسْكَانٍ، عَنِ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ، عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام « قَالَ: سَمِعْتَهُ يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ مِائَةَ أَلْفٍ لِحُظَّةٍ إِلَى الْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَنْ شَاءَ مِنْهُ وَ يَعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ مِنْهُ وَ يَغْفِرُ لِمَنْ شَاءَ مِنْ أَهْلِ الْقَبْرِ خَاصَّةً وَ لِأَهْلِ بَيْتِهِمْ وَ لِمَنْ يَشْفَعُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

كائناً من كان و إن كان رجلاً قد استوجه النار، قال: اقلت: و إن كان رجلاً قد استوجه النار؟ قال: و إن كان ما لم يكن ناصبياً».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه از حسين بن حسن بن ابان، از محمد بن اورمه، از ابی عبدالله مؤمن از ابن مسكان، از سليمان بن خالد، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام، وی می گوید:

از حضرت امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمودند:

خداوند عزوجل در هر روز و هر شب صد هزار بار نظر به سکنه زمین می فرماید و در هر نظر هر کس را که بخراهد آمرزیده و هر کس را که بنخواهد عذاب نموده و زائرین قبر حضرت امام حسین عليه السلام را بالخصوص و نیز اهل بیت ایشان و کسانی را که زائرین در روز قیامت شفاعت آنها را می کنند خواهد آمرزید. ناگفته نماند اشخاص شفاعت شده هر کس و هر شخصی که باشد مشمول آمرزش حق تعالی قرار خواهد گرفت اگر چه کسی بوده که مستوجب آتش دوزخ باشد. راوی می گوید: عرض کردم: اگر چه کسی بوده که مستحق آتش دوزخ باشد؟ حضرت فرمودند:

اگر چه این طور باشد مشروط به اینکه ناصبی محسوب نگردد.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى، عَنْ أَبِيهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَجْرِبٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ وَضَّاحٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ شَعِيبِ التَّمِيمِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: يَنَادِي مَنَادٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَيْنَ شِيعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ؟! فَيَقُومُ عُتُقُ مِنَ النَّاسِ - لَا يَحْصِيهِمْ إِلَّا اللَّهُ

تعالی - فیقومون ناحیه من الناس، ثمّ ینادی مناد: این زوّار قبر
الحسین علیه السلام؟ فیقوم أناس کثیر، فقال لهم: خذوا بید من أحببتهم؛ انطلقوا
بهم إلى الجنة، فیاخذ الرجل من أحبّ حتى أنّ الرجل من الناس یقول
لرجل: یا فلان أما تعرفنی أنا الَّذی قت لك یوم کذا و کذا، فیدخله
الجنة، لا یدفع و لا یمنع».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش از عبدالله بن محمد بن عیسی، از
حسن بن محبوب، از عبدالله بن وضّاح، از عبدالله بن شعیب تیمی، از حضرت ابا
عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

روز قیامت منادی ندا می کند: شیعیان آل محمد در کجا هستند؟!

پس از میان مردم گردنهایی کشیده شده و افرادی پیاپی می خیزند که عدد آنها را غیر
از حق تعالی کس دیگر نمی داند. ایشان در قسمتی از مردم پیا خاسته اند، سپس
منادی ندا می کند: زوّار قبر حضرت امام حسین علیه السلام در کجا هستند؟!
خلق بسیاری به پا می خیزند.

پس به ایشان گفته می شود: دست هر کسی را که دست دارید بگیرید و آنها را به
بهشت ببرید، پس شخصی که جزء زائرین است هر کسی را که بخواهد گرفته
و به بهشت می برد حتی بعضی از مردم به برخی دیگر می گویند: ای فلانی من را
می شناسی؟ من کسی هستم که در فلان روز در فلان مجلس برای تو ایستاده
و احترام از تو نمودم پس من را نیز دریاب، زائر او را نیز گرفته و به بهشت داخل
نموده بدون اینکه دافع و مانعی در بین باشد.

﴿ الباب التاسع و الستون ﴾

﴿ إن الزيارة الحسين عليه السلام ينقّس بها الكرب و تقضى بها الحوائج ﴾

متن:

۱ - حدّثني أبو القاسم جعفر بن محمد بن ابراهيم بن عبدالله الموسوي العلوي، عن عبيد الله بن نهيك، عن ابن أبي عمير، عن هشام بن الحكم، عن فضيل بن يسار «قال: قال أبو عبدالله عليه السلام: إنّ إلى جانبكم قبراً ما أتاه مكروب إلا نقّس الله كربته، و قضى حاجته».

﴿ باب شصت و نهم ﴾

﴿ زیارت حضرت امام حسین عليه السلام غم و اندوه را برطرف کرده ﴾

﴿ و به واسطه اش حوائج بر آورده می شود ﴾

﴿ حديث اول ﴾

ترجمه:

أبو القاسم جعفر بن محمد بن ابراهيم بن عبدالله موسوي علوي از عبيد الله بن نهيك، از ابن أبي عمير از هشام بن الحكم، از فضيل بن يسار، وی می گوید: حضرت ابو عبدالله عليه السلام فرمودند:

در طرف شما قبری است که هیچ حزین و اندوهگینی آن را زیارت نمی کند مگر آنکه حق تعالی حزن و اندوهش را برطرف کرده و حاجتش را روا می سازد.

متن:

۲ - و عنه، عن عبدالله بن نهيك، عن محمد بن أبي عمير، عن سلمة صاحب السابري، عن أبي الصباح الكناني «قال: سمعت أبا عبدالله عليه السلام

يقول: إِنَّ إِلَى جَانِبِكُمْ قَبْرًا مَا أَتَاهُ مَكْرُوبٌ إِلَّا نَفَسَ اللَّهُ كَرْبَتَهُ، وَ قَضَى حَاجَتَهُ، وَ أَنَّ عِنْدَهُ أَرْبَعَةٌ أَلْفٌ مَلِكٌ مِنْذُ [يَوْمِ] قَبْضِ شَعَثًا غَيْرًا يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَمَنْ زَارَهُ شِعْرَهُ إِلَى مَأْمَنِهِ، وَ مَنْ مَرَضَ عَادُوهُ، وَ مَنْ مَاتَ اتَّبَعُوا جَنَازَتَهُ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

و از ابوالقاسم، جعفر بن محمد بن ابراهیم بن عبدالله موسوی علوی از عبدالله بن نهیک، از محمد بن ابی عمیر، از سلمة صاحب سابری، از ابی الصباح کنانی، وی می گوید:

از حضرت امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

در طرف شما قبری است که هیچ مکروب و اندوهگینی به زیارت آن نمی رود مگر آنکه خداوند متعال اندوهش را بر طرف کرده و حاجتش را روا می سازد و از روزی که آن حضرت شهید شدند چهار هزار فرشته که جملگی ژرلیده و غبار آلود و گرفته هستند اطراف قبر مطهرش بوده و تا روز قیامت بر آن جناب می گریند و کسی که او را زیارت کند فرشتگان تا وطن و مأوایش مشایعتش کرده و اگر مریض و بیمار شود عیادتش کنند و اگر بمیرد جنازه اش را نشیوع نمایند.

من:

۳- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَيْسَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو الزِّيَّاتِ، عَنْ كِرَامٍ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: سَمِعْتَهُ يَقُولُ: إِنَّ الْحُسَيْنَ عليه السلام قَتَلَ مَكْرُوبًا، وَ حَقِيقَ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَأْتِيَهُ مَكْرُوبٌ إِلَّا رَدَّهُ اللَّهُ مَسْرُورًا».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبدالله، از علی بن اسماعیل بن عیسی، از محمد ابن عمرو زیات، از کرام، از اسماعیل بن جابر، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی می گوید:

از حضرت امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

حضرت امام حسین علیه السلام با حالی حزین و اندوهگشته شدند و سزاوار است بر خدا که هیچ حزین و اندوهگینی به زیارت آن جناب نرود مگر آنکه حق تعالی وی را مسرور و شادمان به اهلش برگرداند.

متن:

۴ - و حدیثی محمد بن محمد بن الحسن بن محمد بن الحسن الصفار، عن احمد ابن محمد بن عیسی، عن الحسن بن علی بن فضال، عن مفضل بن صالح، عن محمد بن علی الحلبي، عن ابی عبدالله علیه السلام «قال: إن الله عرض ولايتنا على اهل الأمصار، فلم يقبلها إلا أهل الكوفة؛ وإن إلى جانبها قبراً لا يأتيه مكروب فيصلي عنده أربع ركعات إلا رجعه الله مسروراً بقضاء حاجته».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

محمد بن حسن، از محمد بن حسن صفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسن بن علی بن فضال، از مفضل بن صالح، از محمد بن علی حلبي، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

خداوند متعال ولایت ما اهل بیت را بر شهرها عرضه کرد پس تنها اهل کوفه آنرا پذیرفتند و بر جانب این شهر قبری است که هیچ اندوهگینی به زیارت آن نرود

و چهار رکعت نماز نزد آن نخواند مگر آنکه حق تعالی وی را مسرور و با حاجت روا به اهلش برگرداند.

متن:

۵ - حدیثی الحسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، عن أبیه، عن الحسن بن محبوب، عن العلاء بن رزین، عن محمد بن مسلم، عن ابی جعفر علیه السلام قال: إنَّ الحسین صاحب کربلا قتل مظلوماً مکروباً عطشاناً لفقاناً، و حقّ علی الله عزّوجلّ أن لا یأتیه لفقان، و لا مکروب و لا مذنب و لا مغموم و لا عطشان و لا ذو عاهة ثمّ دعا عنده و تقرب بالحسین علیه السلام الی الله عزّوجلّ إلاّ نفس الله کریمه، و أعطاه مسألته، و غفر ذنوبه و مدّ فی عمره، و بسط فی رزقه، فاعتبروا یا أولی الأبصار!

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از علاء بن رزین، از محمد بن مسلم، از حضرت ابی جعفر علیه السلام، آن حضرت فرمودند: حضرت حسین علیه السلام که صاحب کربلاء است در حالی که مظلوم و اندوهگین و تشنه و غصه دار بود شهید شد و غصه دار و اندوهگین و گناه کار و غمگین و تشنه و صاحب عیب و آفتی به زیارت آن حضرت نیاید و سپس نزد آن حضرت دعا کند و بواسطه آن جناب به خداوند تقرب جوید مگر آنکه هر خداست که حزن و اندوهش را برطرف کرد، و خواسته اش را اعطاء نموده و گناهانش را آمرزیده و عمرش را طولانی نموده و روزی و رزقش را فراخ نماید پس ای صاحبان بصیرت عبرت بگیرید.

متن:

۶ - حدّثنی اَبی - رحمه الله - و جماعة مشایخی، و محمد بن الحسن، عن محمد بن یحیی؛ و احمد بن اِردیس، عن العمرکی، عن یحیی - و کان فی خدمة اَبی جعفر - عن بعض اصحابنا، عن اَبی عبد الله علیه السلام «قال: اِنَّ بظہر الکوفہ لقبراً ما اتاه مکروب قطّ الا فرج الله کربتہ - یعنی قبر الحسين علیه السلام -».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

پدرم و جماعتی از مشایخ و اساتیدم و محمد بن الحسن، از محمد بن یحیی و احمد بن ادریس، از عمرکی، از یحیی (کوی در خدمت ابی جعفر عباسی بود) از برخی اصحاب، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند: در پشت کوفه قبری است که هیچ خزین و غنگینی به زیارت آن نمی رود مگر آنکه حق تعالی حزنش را برطرف می فرماید، مقصود از آن قبر، قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام می باشد.

متن:

۷ - حدّثنی محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسين بن اَبی الخطاب، عن محمد بن ناجیة، عن عامر بن کثیر، عن اَبی الثمیر «قال: قال اَبو جعفر علیه السلام: اِنَّ و لا یتنا عرضت علی اهل الأمصار فلم یقبلها قبول اهل الکوفة، و ذلك لأنّ قبر علی علیه السلام فیها، و انّ اِلی لزه لقبراً آخر - یعنی قبر الحسين علیه السلام - فما من آتٍ یاتیه فیصلی عنده رکعتین أو أربعة ثمّ یسأل الله حاجته الاّ قضاها، و اِنَّه لیحفّ به کل یوم ألف ملک».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از محمد بن ناجیه، از عامر بن کثیر، از ابی التّمیر، وی گفت:
حضرت ابو جعفر علیه السلام فرمودند:

ولایت ما اهل بیت بر اهل شهرها عرضه شد هیچ کس آنرا مانند اهل کوفه نپذیرفت زیرا در آن قبر علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد و معلوم باشد که در جانب آن، قبر دیگری است (مقصود قبر حضرت امام حسین علیه السلام می باشد) و هیچ زائری آنرا زیارت نکرده و دو یا چهار رکعت نزد آن نماز نخوانده و سپس حاجتش را از خداوند بخواهد مگر آنکه حق تعالی حاجت او را برآورده نموده و باید توجه داشت که در هر روز هزار فرشته بر آن قبر مطهر احاطه داشته و طوافش می کنند.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

متن:

۸- حدّثنی أبو العباس الکوئی، عن محمد بن الحسین، عن صفوان، عن الولید بن حسان، عن ابن ابی یعفور «قال: قلت لأبی عبد الله علیه السلام: دعانی الشوق إليك إن تجشمت إليك علی مشقة، فقال لی: لا تشك ربك: فهلا أتيت من كان أعظم حقاً عليك مني؟! فكان من قوله: «فهلاً أتيت من كان أعظم حقاً عليك مني» أشدّ علی من قوله: «لا تشك ربك»، قلت: و من أعظم علی حقاً منك؟ قال: الحسين بن علی علیه السلام ألا أتيت الحسين علیه السلام فدعوت الله عنده و شكوت إليه حوائجك؟!».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

ابوالعباس کوفی، از محمد بن الحسین، از صفوان، از ولید بن حسان، از ابن

ابی یعفر، وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم: شوق ملاقات شما من را بر آن داشت که مشقتها و مشکلات را تحمل کرده تا محضر شما برسم. حضرت به من فرمودند:

به پروردگارت شک مکن، آیا به زیارت کسی که حقش بر تو از من بر تو بیشتر است رفته‌ای؟!

ابن ابی یعفر می‌گوید:

عبارت (آیا به زیارت کسی که حقش بر تو از من...) بر من گران‌تر آمد از فرموده دیگر امام علیه السلام که فرمودند (به پروردگارت شک مکن)، لذا محضرش عرضه داشتم:



چه کسی حقش بر من از شما بیشتر است؟

حضرت فرمودند:

حضرت حسین بن علی علیه السلام، آیا به زیارت آن حضرت رفته‌ای؟ و خدا را در آنجا خوانده‌ای؟

و حوائج و نیازمندی‌های خود را در آنجا بر خدای متعال عرضه کرده‌ای یا نه؟

متن:

۹ - حدیثی حکیم بن داود بن حکیم، عن سلمة بن الخطاب، عن ابراهیم بن محمد، عن علی بن المعلی، عن اسحاق بن زیاد، «قال: أتى رجل أبا عبد الله علیه السلام فقال: إني قد ضربت على كل شيء لي ذهباً وفضة؛ وبعث ضیاعی، فقلت: أنزل مكة، فقال: لا تفعل، فإن أهل مكة يكفرون بالله جهرة، قال: فی حرم رسول الله صلی الله علیه و آله؟ قال: هم شر منهم، قال فأین أنزل؟ قال: عليك بالعراق الكوفة، فإن البركة منها على اثني عشر ميلاً - هكذا وهكذا - وإلى جانبها قبر ما أتاه مكروب قط ولا ملهوف إلا فرج الله عنه».



«حدیث نهم»
مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

ترجمه:

حکیم بن داود بن حکیم، از سلمة بن الخطاب، از ابراهیم بن محمد، از علی ابن معلی، از اسحاق بن زیاد (اسحاق بن یزداد بدل) وی می گوید:
شخصی نزد حضرت ابا عبد الله علیه السلام مشرف شد عرض کرد: آنچه طلا و نقره داشتم معامله کرده و املاک خود را نیز فروخته‌ام و همه را به صورت پول نقد درآورده‌ام که از شهر خود به جای دیگر بروم آیا کجا ساکن گردم؟
اسحاق می گوید من به وی گفتم: به مکه وارد شو و در آنجا منزل کن.
حضرت به آن مرد فرمودند:
این کار را مکن زیرا اهل مکه کافر به خدا بوده و علناً به وی کفر می ورزند.
آن مرد عرضه داشت: پس به حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله (یعنی مدینه) بروم؟
حضرت فرمودند:

اهل این شهر از اهل مکه شرتتر و بدتر می باشند.

آن مرد عرض کرد: پس کجا منزل کنم؟

حضرت فرمودند:

بر تو باد به عراق و شهر کوفه زیرا برکت از آن شهر ناشی شده و تا شعاع دوازده میلی آن شهر پرتو افکنده و در یک جانب آن شهر فبری است (قبر مطهر حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام) که هیچ اندوهگین و محزونی هرگز به زیارتش نمی رود مگر آنکه حق تعالی حزن و غم او را برطرف می فرماید.

﴿ الباب السبعون ﴾

﴿ ثواب زیارة الحسین علیه السلام يوم عرفة ﴾

متن:

۱ - حدیثی محمد بن جعفر القرشی الرزاز الکوفی، عن خاله محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، عن محمد بن اسماعیل، عن صالح بن عقیبة، عن بشیر الدهان « قال: قلت لأبی عبد الله علیه السلام: ربما فاتنی الحج فأعترف عند قبر الحسین علیه السلام، فقال: احسنت یا بشیر، ایما مؤمن أتى قبر الحسین علیه السلام عارفاً بحقه فی غیر یوم عید کتب الله له عشرين حجة، و عشرين عمرة مبرورات متقبلات، و عشرين غزوة مع نبي مرسل أو إمام عدل، و من أتاه فی یوم عید کتب الله له مائة حجة و مائة عمرة، و مائة غزوة مع نبي مرسل أو إمام عدل، و من أتاه یوم عرفة عارفاً بحقه کتب الله له ألف حجة و ألف عمرة متقبلات، و ألف غزوة مع نبي مرسل

أو إمام عدل، قال: فقلت له: وكيف لي بمثل الموقف، قال: فنظر إلى شبه المفضب، ثم قال: يا بشير إن المؤمن إذا أتى قبر الحسين عليه السلام يوم عرفه و اغتسل في القرات، ثم توجه إليه كتب الله له بكل خطوة حجة بمناسكها - ولا أعلمه إلا قال: وغزوة -».

﴿ باب هفتم ﴾

﴿ ثواب زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی رزاق کوفی، از دائی خود محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از بشیر دهان، وی گفت: محضر مبارک حضرت ابی عبد الله علیه السلام عرض کردم: بسا زیارت حج از من فوت شده پس در روز عرفه به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام می روم از نظر شما چه طور است؟

حضرت فرمودند:

ای بشیر عمل نیک و پسندیده ای انجام داده ای، هر مؤمن که در غیر روز عید به زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام برود در حالی که به حق آن حضرت عارف و آگاه باشد خداوند متعال ثواب بیست حج و بیست عمره قبول شده و اجر بیست بار جنگ با دشمنان خدا در معیت نبی مرسل یا امام عادل برایش می نویسد. و کسی که در روز عید به زیارت قبر مطهرش برود حق تعالی ثواب صد حج و صد عمره و صد بار جنگ با دشمنان خدا در رکاب نبی مرسل یا امام عادل برای او منظور می فرماید.

و کسی که در روز عرفه با عرفان به حق آن حضرت به زیارت قبر مطهرش برود خداوند متان ثواب هزار حج و هزار عمره مقبول و هزار بار جنگ نمودن با دشمنان خدا در رکاب نبی مرسل یا امام عادل به او می‌دهد.

بشیر می‌گوید: محضرش عرض کردم: چگونه این اجر و ثواب‌ها برای من باشد در حالی که موقف را ترک کرده‌ام؟

بشیر می‌گوید: پس از ایراد این کلام حضرت نگاهی شبیه شخص غضبناک به من نموده سپس فرمودند:

ای بشیر، هنگامی که مؤمن به زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام در روز عرفه می‌رود و در فرات غسل کرده و سپس به طرف آن حضرت متوجه می‌شود خداوند متعال به هر قدمی که وی برمی‌دارد ثواب یک حج با تمام مناسک و اعمال آن را برایش منظور می‌کند.

بشیر می‌گوید: بعد از این کلام، سخن دیگری نمی‌دانم امام علیه السلام فرمودند مگر کلمه «و ثواب غزوة» را.

متن:

۲- و حدّثنی اَبی؛ و علیّ بن الحسین؛ و محمّد بن الحسن - رحمهم الله -
- جمیعاً، عن سعد بن عبد الله، عن علیّ بن اسماعیل بن عیسی، عن محمّد
ابن عمرو بن سعید الزّیّات، عن داود الرّقیّ «قال: سمعت ابا عبد الله؛ و
أبا الحسن موسی بن جعفر و أبا الحسن علی بن موسی علیه السلام و هم یقولون:
«من أتى قبر الحسین علیه السلام بعرفه قلبه الله ثلج الفؤاد».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم و علی بن الحسین و محمّد بن الحسن رحمه الله عليهم جماعی از سعد
ابن عبد الله، از علی بن اسماعیل بن عیسی، از محمّد بن عمرو بن سعید زیّات، از

دارد رقی، وی گفت:

از حضرت ابو عبدالله و ابوالحسن موسی بن جعفر و ابوالحسن علی بن موسی علیه السلام شنیدم که می فرمودند:
کسی که در روز عرفه به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برود خداوند متعال او را مطمئن القلب می گرداند.

متن:

۳- و عنهم، عن سعد، عن الهيثم بن أبي مسروق النهدي، عن علي بن أسباط - عن بعض أصحابنا - عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: إن الله تبارك و تعالی یبده بالنظر إلى زوار قبر الحسين عليه السلام عشية عرفة، قال: قلت: قبل نظره لأهل الموقف؟ قال: نعم، قلت: كيف ذلك؟ قال: لأن في أولئك أولاد زنا؛ و ليس في هؤلاء أولاد زنا».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

و از پدرم و علی بن الحسین و محمد بن الحسن رحمة الله عليهم جملگی از سعد، از هیثم بن ابی مسروق نهدی، از علی بن اسباط، از برخی اصحاب ما از حضرت ابی عبد الله علیه السلام؛ آن حضرت فرمودند:
خداوند تبارک و تعالی عصر روز عرفه ابتداء به زوار قبر مطهر حضرت امام حسین علیه السلام نظر می کند.

راوی می گوید: محضر مبارکش عرض کردم: قبل از نظر نمودن به اهل موقف (حاجی ها)؟ حضرت فرمودند: بلی.

عرض کردم: چرا این طور است؟

حضرت فرمودند: زیرا در بین حاجی ها زنازاده وجود داشته ولی در میان زائرین قبر مطهر آن حضرت ابدأ زنازاده نمی باشد.

متن:

۴ - حدثني أبي، عن سعد بن عبد الله، عن موسى بن عمر، عن علي بن النعمان، عن عبد الله بن مسكان «قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: إن الله تبارك و تعالی يتجلی لزوار قبر الحسين عليه السلام قبل أهل عرفات، و يقضى حوائجهم، و يغفر ذنوبهم، و يشفعهم في مسائلهم، ثم يثني أهل عرفة فيفعل ذلك بهم».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

مترجم گوید:

این حدیث با ترجمه اش قبلاً در باب شصت و هشت ذیل رقم (۱) با سند دیگر نقل شد.

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

متن:

۵ - حدثني أبي - رحمه الله - و جماعة مشايخي، عن محمد بن يحيى العطار، عن حمدان بن سليمان النيسابوري أبي سعيد قال: حدثنا عبد الله بن محمد اليماني، عن منيع بن الحجاج، عن يونس بن يعقوب ابن عمار، عن أبي عبد الله عليه السلام: «قال: من فاتته عرفة بعرفات فأدركها بقبر الحسين عليه السلام لم يقته، و إن الله تبارك و تعالی ليبده بأهل قبر الحسين عليه السلام قبل أهل عرفات، ثم يخالطهم في نفسه».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از محمد بن یحیی عطار، از حمدان بن سلیمان نیشابوری ابی سعید، وی گفت: عبد الله بن محمد

یمانی، از منیع بن حجاج، از یونس بن یعقوب بن عثمان، از حضرت اُبی عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که در عرفات روز عرفه را درک نکرد ولی آن را کنار قبر مطهر حضرت امام حسین علیه السلام درک نماید، عرفه از او فوت نشده است و خداوند متعال ابتداء کسانی را که در کنار قبر آن جناب هستند مورد نظر و التفات قرار داده بعد به اهل عرفات نظر نموده و با ایشان انس می‌گیرد.

متن:

۶- حدیثی اُبی - رحمه الله - و علی بن الحسین، عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن خالد البرقی، عن القاسم بن یحیی ابن الحسن بن الراشد، عن جده الحسن، عن یونس بن ظبیان «قال: قال أبو عبد الله علیه السلام: من زار الحسین علیه السلام ليلة النصف من شعبان و ليلة الفطر و ليلة عرفة في سنة واحدة كتب الله له ألف حجة مبرورة، و ألف عمرة متقبلة، و قضيت له ألف حاجة من حوائج الدنيا و الآخرة».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه و علی بن الحسین، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن خالد برقی، از قاسم بن یحیی بن الحسن بن راشد، از جدش حسین، از یونس بن ظبیان، وی می‌گوید:
حضرت ابو عبد الله علیه السلام فرمودند:

کسی که حضرت امام حسین علیه السلام را در نیمه شعبان و شب عید فطر و شب عرفه در یکسال زیارت کند خداوند متعال ثواب هزار حج و هزار عمره مقبول به وی داده و هزار حاجت از حوائج دنیا و آخرتش را روا می‌سازد.

متن:

۷- حدّثنی محمّد بن الحسن بن الولید، عن محمّد بن الحسن الصفّار، عن احمد بن محمّد بن عیسی، عن محمّد بن خالد البرقی، عن حنان بن سدید، عن أبیه، عن أبی عبد الله علیه السلام «قال: إذا كان يوم عرفة أطلع الله تعالى على زوّار قبر أبی عبد الله الحسين علیه السلام فقال لهم: استأنفوا فقد غفرت لكم، ثمّ يجعل إقامته على أهل عرفات».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمّد بن الحسن بن الولید، از محمّد بن الحسن الصفّار، از احمد بن محمّد ابن عیسی، از محمّد بن خالد برقی، از حنان بن سدید، از پدرش، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند:
زمانی که روز عرفه فرا رسید خداوند متعال به زوّار قبر حضرت ابی عبد الله الحسين علیه السلام توجه نموده پس به ایشان می فرماید:
از ابتداء شروع به عمل نمائید زیرا شمارا آمرزیدم سپس با اهل عرفات انس می گیرد.

متن:

۸- حدّثنی محمّد بن جعفر، عن محمّد بن الحسين - عمّن ذکره - عن عمر بن الحسن العزمی، عن أبی عبد الله علیه السلام «قال: سمعته يقول: إذا كان يوم عرفة نظر الله إلى زوّار قبر الحسين علیه السلام فيقول: ارجعوا مغفوراً لكم ما مضى؛ ولا يكتب على أحد منهم ذنب سبعين يوماً من يوم ينصرف».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از کسی که نامش را برده، از عمر بن الحسن العزومی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام وی می گوید: از آن حضرت شنیدم که می فرمودند:

هنگامی که روز عرفه می رسد خداوند متعال به زوار قبر حضرت امام حسین علیه السلام نظر نموده و می فرماید: برگردید آنچه از افعال و گناهان گذشته شما است آمرزیدم و از روزی که مراجعت می کنند تا هفتاد روز هیچ گناهی از ایشان ثبت و ضبط نمی شود.

متن:

۹- حدیثی ابی؛ و جماعة أصحابی - رحمه الله - عن محمد بن یحیی؛ و احمد بن إدريس جميعاً، عن العمرکی بن علی، عن یحیی - الخادم لابی جعفر الثاني - عن محمد بن سنان، عن بشیر الذّهان «قال: سمعت أبا عبد الله علیه السلام يقول - وهو نازل بالحيرة و عنده جماعة من الشيعة - فأقبل إلى بوجهه فقال: يا بشير أحججت العام؟ قلت: جعلت فداك لا؛ ولكن عرفت بالقبر - قبر الحسين علیه السلام - فقال: يا بشير والله ما فاتك شيء مما كان لأصحاب مكة بمكة، قلت: جعلت فداك فيه عرفات؟ فسره لي، فقال: يا بشير إن الرجل منكم ليغتسل على شاطئ الفرات، ثم يأتي قبر الحسين علیه السلام عارفاً بحقه فيعطيه الله بكل قدم يرفعها [أ] و يضعها مائة حبة مقبولة و مائة عمرة مبرورة، و مائة غزوة مع نبي مرسل إلى أعداء الله و أعداء رسوله، يا بشير اشمع و أبلغ من احتمال قلبه: من زار الحسين علیه السلام يوم عرفة كان كمن زار الله في عرشه».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

پندرم و جماعتی، از اصحاب و یارانم رحمة الله علیهم، از محمد بن یحیی و احمد بن ادریس جملگی از عمرکی بن علی، از یحیی (یعنی خادم حضرت ابو جعفر ثانی علیه السلام) از محمد بن ستان، از بشیر دهان، وی می گویند:
از حضرت ابو عبداللہ علیه السلام (هنگامی که در حیره نزول اجلال فرموده و جماعتی از شیعه محضر مبارکش بودند) گفتاری شنیدم که شرحش چنین است:

حضرت روی مبارکش را به من نموده و فرمودند:

ای بشیر امسال به حج رفتی؟

عرض کردم: فدایت شوم، خیر: وای در روز عرفه به زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام رفتم.

حضرت فرمودند:

ای بشیر به خدا قسم آنچه از اجر و ثواب برای اصحاب مکه (حاجی ها) در مکه می باشد از تو فوت نشده.

عرض کردم: یعنی در این زیارت من اجر و ثواب و قوف به عرفات بوده؟
برایم فرموده خود را تفسیر بفرمائید:

حضرت فرمودند:

ای بشیر وقتی یک نفر از شما کنار فرات غسل نمود و سپس به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام رفت در حالی که به حق آن حضرت عارف و مطلع باشد البته خداوند متعال به هر قدمی که وی از زمین بلند می کند و سپس آنرا بر زمین می نهد اجر صد حج و صد عمره قبول شده می دهد و اجر صد جنگ که وی در معیت نبی مرسل یا دشمنان خدا و رسول او نموده را برایش منظور می فرماید.
ای بشیر: بشنو و به کسانی که قلبشان ظرفیت پذیرش آن را دارد برسان و بگو:

کسی که امام حسین علیه السلام را در روز عرفه زیارت کند مانند کسی است که خدا را در عرش زیارت نموده.

متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ ابْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ الْكُوفِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ ابْنِ جَعْفَرِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْعَبْدِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مِهْرَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانَ، عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام يَوْمَ عَرَفَةَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ أَلْفِ حَجَّةٍ مَعَ الْقَائِمِ، وَ أَلْفَ أَلْفِ عَمْرَةٍ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ عَتَقَ أَلْفَ أَلْفِ نَسَمَةٍ، وَ جَلَّانَ أَلْفَ أَلْفِ قَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ سَمَّاهُ اللَّهُ عَبْدِي الصَّدِيقِ آمَنَ بِوَعْدِي، وَ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: فَلَانُ صَدِيقٍ؛ زَكَاهُ اللَّهُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ، وَ سَمَّيَ فِي الْأَرْضِ كَرُوبًا».

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبد المؤمن رحمة الله عليه، از محمد بن يحيى، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد الكوفي، از محمد بن جعفر بن اسماعيل العبدی، از محمد بن عبدالله بن مهران، از محمد بن سنان، از يونس بن ظبيان، از حضرت ابی عبد الله عليه السلام حضرت فرمودند:

کسی که در روز عرفه قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام را زیارت کند خداوند متعال ثواب هزار هزار (یک میلیون) حج که با حضرت قائم علیه السلام بجای آورند برای وی منظور می فرماید و اجر هزار هزار عمره که با حضرت رسول خدا صلى الله عليه وآله

انجام گیرد را به وی داده و همچنین ثواب آزاد نمودن هزار هزار عبد را به او اعطاء کرده و اجر کسی که هزار هزار دو بار اسب را در راه خدا انفاق کرده است را به وی عنایت می فرماید و حق تعالی از وی به این عبارت نام می برد: عبدي الصديق آمن بوعدی و فرشتگان در باره اش چنین تعبیر می کنند: فلان صدیق، زكاه الله من فوق عرشه.

و در زمین گروب نامیده می شود.

مثن:

۱۱ - حدثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن محمد بن اسماعيل بن بزيع، عن صالح بن عقبه، عن بشير الدهان «قال: قال جعفر بن محمد عليه السلام: من زار قبر الحسين عليه السلام يوم عرفة عارفاً بحقه كتب الله له ثواب ألف حجة، و ألف عمرة، و ألف غزوة مع نبي مرسل، و من زار أول يوم من رجب غفر الله له البتة.

﴿ حدیث یازدهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عيسى، از محمد بن اسماعيل بن بزيع، از صالح بن عقبه، از بشير دهان، وی می گوید: حضرت جعفر بن محمد عليه السلام فرمودند:

کسی که در روز عرفة قبر مطهر حضرت حسين بن علي عليه السلام را زیارت کند در حالی که به حق آن حضرت عارف و مطلع باشد خداوند ثواب هزار حج و هزار عمره و هزار جنگی که در معیت نبي مرسلی انجام داده را برایش می نویسد، و کسی که روز اول ماه رجب آن جناب را زیارت کند خداوند منان البته او را می آمرزد.

مشن:

۱۲- حدیثی است از ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن محمد بن عیسی ابن عبید، عن محمد بن سنان، عن ابی سعید القمّاط، عن بشار، عن ابی عبد الله علیه السلام «قال: من كان معسراً قلم یتهیأ له حجة الإسلام فلیأت قبر الحسين علیه السلام، و لیعرف عنده، فذلك یجزيه عن حجة الإسلام، أما إنی لا أقول یجزی ذلك عن حجة الإسلام إلا للمعسر، فأما الموسر إذا كان قد حج حجة الإسلام، فأراد أن یتنقل بالحجّ و العمره و منعه من ذلك شغل دنیا أو عائق فأتی قبر الحسين علیه السلام فی يوم عرفه أجزاء ذلك عن أداء الحجّ أو العمره و ضاعف الله له ذلك أضعافاً مضاعفة، قال: قلت: كم تعدل حجة و كم تعدل عمره؟ قال: لا یحصی ذلك، قال: قلت: مائة؟ قال: و من یحصی ذلك؟ قلت: ألف؟ قال: و أكثر ثم قال: و إن تعدوا نعمة الله لا تحصوها، إن الله واسع کریم».

﴿ حدیث دوازدهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبدالله، از محمد بن عیسی بن عبید، از محمد بن سنان، از ابی سعید قمّاط، از بشار، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که متعمّر و توانا نبوده لذا برای رفتن به حج و انجام حجة الاسلام مهیا نباشد باید به زیارت قبر مطهر حضرت حسین بن علی علیه السلام برود و روز عرفه را در آنجا باشد، چنین زیارتی از حجة الاسلام مجزی است. ناگفته نماند و باید توجه داشت من نمی گویم این زیارت مطلقاً از حجة الاسلام مجزی است بلکه تنها برای شخص غیر متعمّر و معسر اجزاء

می باشد اما کسی که موسر و متمکن می باشد:

وی وقتی حجة الاسلام را بجا آورد اگر اراده نمود که حج یا عمره مستحبی انجام دهد و شغل دنیائی یا مانعی دیگر او را از آن باز داشت در صورتی که به زیارت قبر مطهر حضرت امام حسین علیه السلام در روز عرفه برود البته خداوند با این زیارت جزاء وی را از اداء حج یا عمره داده بلکه ثواب آن را چندین برابر می نماید.

راوی می گوید: محضر مبارکش عرض کردم:

ثواب آن معادل چند حج و چند عمره می باشد؟

حضرت فرمودند:

قابل شمارش و احصاء نیست.

راوی عرض کرد: آیا ثواب صد حج و صد عمره را به او می دهند؟

حضرت فرمودند: کیست بتواند ثوابش را احصاء نموده باشد.

راوی می گوید: عرضه داشتم: آیا ثواب هزار حج و هزار عمره را دارد؟

حضرت فرمودند: بیش از این است، سپس فرمودند:

اگر نعمتهای باری تعالی را بشمارید نمی توانید از عهده احصاء آنها برآئید

خداوند مشال واسع برده و بدون عوض می بخشاید.

﴿ الباب الحادی و السبعون ﴾

﴿ ثواب من زار الحسين علیه السلام يوم عاشوراء ﴾

متن:

۱ - حدیثی است از ابی و اخی؛ و جماعة مشایخی - رحمهم الله - عن محمد بن یحیی، عن محمد بن علی المدائنی قال: أخبرنی محمد بن سعید البجلي، عن قبيصة، عن جابر الجعفی «قال: دخلت علی جعفر بن محمد علیه السلام فی يوم عاشوراء فقال لی: هؤلاء زوار الله و حق علی المذور أن یكرم الزائر، من بات عند قبر الحسين علیه السلام ليلة عاشوراء لقی الله ملطخاً بدمه يوم القيامة كأنما قتل معه فی عرصته. و قال: من زار قبر الحسين علیه السلام لیوم عاشوراء و بات عنده كان کمن استشهد بین یدیه».

﴿ باب هفتاد و یکم ﴾

﴿ ثواب کسی که در روز عاشوراء امام حسین علیه السلام را زیارت کند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم و برادرم و جماعتی از مشایخ و اساتیدم رحمة الله علیهم، از محمد بن یحیی، از محمد بن علی مدائنی نقل کرده اند که وی گفت: محمد بن سعید بجلی، از قبیصة از جابر جعفی برایم نقل کرد که جابر گفت: در روز عاشوراء محضر مبارک حضرت جعفر بن محمد علیه السلام رسیدم. حضرت به من فرمودند:

این گروه (زائرین ابا عبد الله الحسين علیه السلام) زوار خدا بوده و بر مزور واجب

است که زائر را اکرام نماید، کسی که نزد قبر مطهر حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام در شب عاشوراء بیتونه کند روز قیامت خدا را ملاقات می کند در حالی که به خون خودش آوده بوده گویا در رکاب حضرت ابا عبدالله علیه السلام در عرصه کربلا شهید گشته است.

و نیز فرمودند:

و کسی که قبر امام حسین علیه السلام را روز عاشوراء زیارت کرده و بالای قبر بیتونه نماید مثل کسی است که در مقابل آن حضرت شهید شده باشد.

متن:

۲- حدیثی ابو علی محمد بن همام قال: حدیثی جعفر بن محمد بن مالک الفزاری قال: حدیثی احمد بن علی بن عبید الجعفی قال: حدیثی حسین بن سلیمان، عن الحسن بن راشد، عن حماد بن عیسی، عن حریر، عن ابي عبدالله علیه السلام «من زار الحسين يوم عاشوراء و جبت له الجنة».

ترجمه: ﴿ حدیث دوم ﴾

ابو علی محمد بن همام می گوید:

جعفر بن محمد بن مالک فزاری می گوید: احمد بن علی بن عبید جعفی گفت:

حسین بن سلیمان، از حسین بن راشد، از حماد بن عیسی، از حریر، از حضرت ابو عبدالله علیه السلام نقل کرد که آن حضرت فرمودند:

کسی که حضرت امام حسین علیه السلام را روز عاشوراء زیارت کند بهشت بر او واجب می گردد.

متن:

۳- و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدِ الْأَنْبَارِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام يَوْمَ عَاشُورَاءَ عَارِفًا بِحَقِّهِ كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِي عَرْشِهِ».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از یعقوب بن یزید انباری، از محمد بن ابی عمیر، از زید شحام، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام آن حضرت فرمودند:

کسی که قبر مطهر حضرت حسین بن علی علیه السلام را در روز عاشوراء زیارت کند در حالی که عارف به حق آن حضرت باشد مثل کسی است که خطا را در عرش زیارت کرده است.

متن:

۴- دَثْنِي الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ، عَنِ الْمُعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَهْوَرِ الْعَمِّيِّ - عَمَّنْ ذَكَرَهُ - عَنْهُمْ عليهم السلام «قَالَ: مَنْ زَارَ [قَبْرَ] الْحُسَيْنِ عليه السلام يَوْمَ عَاشُورَاءَ كَانَ كَمَنْ تَشَعَّطَ بَدْمَهُ بَيْنَ يَدَيْهِ عليه السلام».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

حسین بن محمد بن عامر، از معلی بن محمد، از محمد بن جمهور عمی، از کسی که ذکرش نموده، از ائمه معصومین علیهم السلام فرمودند: کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السلام را در روز عاشوراء زیارت کند، مانند

کسی است که در مقابل آن حضرت به خون خودش آلوده شده باشد.

متن:

۵- و روی محمد بن ابی سیار المدائنی باسناده «قال: من سقى يوم عاشوراء عند قبر الحسين عليه السلام كان كمن سقى عسكر الحسين عليه السلام و شهيد معه».

ترجمه:

« حدیث پنجم »

و محمد بن ابی سیار مدائنی به اسنادش روایت کرده که گوینده فرمود: کسی که روز عاشوراء نزد قبر مطهر امام حسین عليه السلام کسی را آب دهد مانند کسی است که لکشریان امام حسین عليه السلام را آب داده و در رکاب حضرت شهید شده باشد.

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

متن:

۶- حدیثی جعفر بن محمد بن ابراهیم الموسوی، عن عبیدالله بن نھیک، عن ابن ابی عمیر، عن زید الشحام، عن جعفر بن محمد الصادق عليه السلام «قال: من زار الحسين عليه السلام ليلة النصف من شعبان غفر الله له ما تقدم من ذنوبه و ما تأخر، و من زاره يوم عرفة كتب الله له ثواب ألف حجة متقبلة و ألف عمرة مبرورة، و من زاره يوم عاشوراء فكأنما زار الله فوق عرشه».

حدیثی محمد بن عبداللہ بن جعفر، عن أبیه عبداللہ ابن جعفر الحمیری، عن محمد بن الحسين، عن حمدان بن المعافا، عن ابن ابی

عمیر، عن زید الشَّحَّام، عن أبي عبد الله علیه السلام - و ذکره مثله.

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

جعفر بن محمد بن ابراهیم موسوی، از عبیدالله بن نهیک، از ابن ابی عمیر، از زید شحّام، از جعفر بن محمد الصادق علیه السلام حضرت فرمودند:
کسی که حضرت امام حسین علیه السلام را شب نیمه شعبان زیارت کند خداوند متعال گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد، و کسی که آن حضرت را روز عرفه زیارت نماید خداوند منان ثواب هزار حج و هزار عمره قبول شده را برایش می نویسد، و کسی که آن حضرت را روز عاشوراء زیارت نماید مانند کسی است که حق تعالی را بالای عرشش زیارت کرده باشد.
محمد بن عبدالله بن جعفر، از پدرش، از عبدالله بن جعفر حمیری، از محمد ابن الحسین، از حمدان بن معاف، از ابن ابی عمیر، از زید شحّام، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده، و حدیثی مثل حدیث مذکور را ذکر نموده است.

متن:

۷ - حدیثی حکیم بن داود بن حکیم؛ و غیره، عن محمد بن موسی الهمدانی، عن محمد بن خالد الطیالسی، عن سیف بن عمیره، و صالح بن عقبه جمیعاً، عن علقمة بن محمد الحضرمی؛ و محمد بن اسماعیل، عن صالح ابن عقبه، عن مالک الجهنی، عن ابی جعفر الباقر علیه السلام «قال: من زار الحسین علیه السلام یوم عاشوراء من المحرم حتی یظلّ عنده باکیاً لقی الله تعالی یوم القيامة بثواب ألفی [ألف حجة و ألفی] ألف عمرة، و ألفی ألف غزوة، و ثواب کلّ حجة و عمرة و غزوة کثواب من حجّ و اعتمر و غزا

مع رسول الله ﷺ و مع الأئمة الراشدين صلوات الله عليهم أجمعين.

ترجمه:

« حدیث هفتم »

حکیم بن داود بن حکیم و غیرش، از محمد بن موسی همدانی، از محمد بن خالد طیالسی، از یوسف بن عمیره و صالح بن عقبه جملگی، از علقمه بن محمد حضرمی و محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از مالک جهنی، از حضرت ابی جعفر الباقر علیه السلام، حضرت فرمودند: کسی در روز عاشوراء یعنی روز دهم محرم الحرام حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کند و روز را تا شب با حالتی گریان نزد آن حضرت بماند روز قیامت خدا را ملاقات کند در حالی که خداوند متعال ثواب در میلیون حج و در میلیون عمره و دو میلیون مرتبه جهاد را به وی بدهد. شایان توجه است که ثواب هر حج و عمره و جهادی همچون ثواب کسی است که حج و عمره و جهاد را در معیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه راشدین صلوات الله علیهم اجمعین بجا آورده باشد.

متن:

قال: قلت: جعلت فداك فما لمن كان في بعد البلاد وأقاصيها ولم يمكنه السير إليه في ذلك اليوم؟ قال: إذا كان ذلك اليوم برز إلى الصحراء أو صعد سطحاً مرتفعاً في داره، و أوماً إليه بالسَّلام، و اجتهد على قاتله بالدعاء، و صلى بعده ركعتين يفعل ذلك في صدر النهار قبل الزوال، ثم ليندب الحسين عليه السلام و يبكيه و يأمر من في داره بالبكاء عليه، و يقيم في داره مصيبتة بإظهار الجزع عليه، و يتلاقون بالبكاء بعضهم بعضاً في البيوت، و ليعزُّ بعضهم بعضاً بصاب الحسين عليه السلام، فأنا ضامن

لهم إذا فعلوا ذلك على الله عز وجل جميع هذا الثواب، فقلت: جعلت فداك و أنت الضامن لهم إذا فعلوا ذلك و الزعيم به؟ قال: أنا الضامن لهم ذلك و الزعيم لمن فعل ذلك.

ترجمه: ﴿ دنباله حدیث هفتم ﴾

عقلمه می گوید: محضر مبارک امام پنجم علیه السلام عرضه داشتیم: فدایت شوم، اجر و ثواب کسی که در شهرهای دوردست و بلاد غریب و بعید بوده به طوری که برایش امکان ندارد در چنین روزی (روز عاشوراء) به زیارت حضرت بشتابد؟

امام علیه السلام فرمودند:

وی در چنین روزی به صحراء رفته یا به پشت بام بلندی در خانه اش برآید و با سلام به حضرت اشاره کرده سپس در نفرین بر قاتلان آن حضرت سعی و کوشش نموده و پس از آن دو رکعت نماز بخواند.

البته توجه داشته باشد که این زیارت را در روز قبل از ظهر انجام دهد، سپس برای امام حسین علیه السلام ندبه و گریه نموده و به کسانی که در خانه می باشند نیز امر نماید که برای آن حضرت بگریند و با اظهار جزع و فزع بر آن جناب در خانه اش اقامه مصیبت نماید و مواظب باشند هرگاه اهل خانه یکدیگر را ملاقات کردند با گریه باشند و لازم است برخی از آنها بعضی دیگر را نسبت به مصیبت حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام تسلیت دهند و در صورتی که به این دستورهائی که داده شد عمل کنند من ضامن می شوم که حقتعالی تمام ثواب هائی که ذکر شد را به ایشان اعطاء فرماید.

محضر مبارکش عرض کردم: فدایت شوم شما برای ایشان ضامن این ثوابها

می شوید؟

حضرت فرمودند:

در صورتی که به دستورهای داده شده عمل کنند البته من ضامن آن می باشم.

متن:

قال: قلت: فكيف يعزى بعضهم بعضاً؟ قال: يقولون: عظم الله اجورنا بمصابنا بالحسين عليه السلام، و جعلنا و إيتاكم من الطالبين بشاره مع وليه الإمام المهدي من آل محمد؛ فإن استطعت أن لا تنتشر يومك في حاجة فافعل، فإنه يوم نحس لا تقضى فيه حاجة، وإن قضيت لم يبارك له فيها و لم ير رشداً، و لا تدخرن لمنزلك شيئاً، فإنه من ادخر لمنزله شيئاً في ذلك اليوم لم يبارك له فيها يدخره و لا يبارك له في أهله، فمن فعل ذلك كتب له ثواب ألف ألف حجة و ألف ألف عمرة، و ألف ألف غزوة كلها مع رسول الله صلى الله عليه و آله و كان له ثواب مصيبة كل نبي و رسول و صديق و شهيد مات أو قتل منذ خلق الله الدنيا إلى أن تقوم الساعة.

ترجمه:

﴿ دنبال حدیث هفتم ﴾

علقمه می گوید: محضر مبارک امام علیه السلام عرض کردم: اگر بعضی خواهند برخی دیگر را تسلیت بدهند چگونه و چه بگویند:

حضرت فرمودند:

بگویند:

عظم الله اجورنا بمصابنا بالحسين عليه السلام، و جعلنا و إيتاكم من الطالبين بشاره مع وليه الإمام المهدي من آل محمد صلوات الله عليهم (خداوند متعال اجرها و ثوابهای عزادار بودن ما را برای امام حسین علیه السلام زیاد گردانده و ما و شما را در

رکاب ظفر قرین ولی آن حضرت، حضرت امام مهدی قائم آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین از طلب کنندگان خون آن جناب قرار دهد).

و اگر قدرت و توانایی این را داشته که آن روز (روز عاشوراء) را بدنبال نیازمندی‌هایت نیروی البته مرو چه آنکه این روز، روز نحسی بوده و حاجت در آن روانی گردد و اگر هم حاجت برآورده شود برای شخص حاجت‌مند مبارک نبوده و وی خیر نخواهد دید.

توجه داشته باشد در آن روز در منزلت آذوقه‌ای را ذخیره نکنی چه آنکه اگر کسی در آن روز در منزلش چیزی را ذخیره کند برایش مبمون و مبارک نبوده و برای اهلس نیز برکت نخواهد داشت.

بنابر این کسی که به این دستورها عمل کند ثواب هزار هزار حج و هزار هزار عمره و هزار هزار جهاد که تمامی را در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام داده باشد برایش نوشته می‌شود و همچنین خداوند متعال ثواب هر مصیبتی که به انبیاء و رسل و صدیقین و شهدائی که فوت کرده یا کشته شده‌اند رسیده است را از بدو خلقت دنیا تا انقراض عالم و قیام قیامت به او اعطاء می‌فرماید.

متن:

قال صالح بن عقبة الجهني و سيف بن عميرة: قال علقمة بن محمد الحضرمي: فقلت لأبي جعفر عليه السلام: علمني دعاء أدعوه به في ذلك اليوم إذا أنا زرت من قريب، و دعاء أدعوه به إذا لم أزره من قريب، و أو مات إليه من بعد البلاد و من سطح داري بالسّلام، قال: فقال: يا علقمة إذا أنت صليت ركعتين بعد أن تؤمّي إليه بالسّلام و قلت عند الإيماء إليه [و] من بعد الركعتين هذا القول فإنك إذا قلت ذلك فقد دعوت بما يدعوه به من زاره من الملائكة و كتب الله لك بها ألف ألف حسنة و محي عنك ألف

ألف سيئة، ورفع لك مائة ألف ألف درجة، و كنت ممن استشهد مع الحسين بن علي عليه السلام حتى تشاركهم في درجاتهم، و لا تعرف إلا في الشهداء الذين استشهدوا معه، و كتب لك ثواب كل نبي و رسول و زيارة من زار الحسين بن علي عليه السلام منذ يوم قتل،

ترجمه: ﴿ دنباله حدیث هفتم ﴾

صالح بن عقبه جهنی و سیف بن عمیره می گویند:

علقمة بن محمد حضرمی می گوید:

محضر مبارک ابی جعفر علیه السلام عرض کردم:

دعائی به من تعلیم فرماید که در آن روز وقتی از نزدیک به زیارت آن حضرت رفتم آن را خواندم و دعائی بادم دهم که هرگاه از نزدیک به زیارت آن جناب نرفته بلکه از شهرهای دور و پشت بام به آن حضرت اشاره سلام دادم آن را بخوانم.

حضرت فرمودند:

ای علقمه! بعد از آنکه با اشاره به آن حضرت سلام دادی و پس از آن، دو رکعت نماز خواندی و هنگام اشاره و پس از خواندن دو رکعت اگر این دعاء و زیارت را که شرحش را برایت می گویم خواندی پس به آنچه فرشتگان زائر آن حضرت دعاء کرده اند تو نیز دعاء نموده ای و خداوند متعال برای تو هزار هزار حسنه نوشته و هزار هزار گناه محو می فرماید و صد هزار هزار درجه مقام و مرتبه تو را بالا برده و تو را از کسانی فرار می دهد که با حضرت حسین بن علی علیه السلام شهید شده اند و بدین ترتیب در درجه ایشان فرارت می دهد و شناخته نمی شوی مگر در زمره شهدائی که با آن حضرت شهید شده اند و ثواب تمام انبیاء و رسولان و کسانی که زیارت امام حسین علیه السلام را از زمان شهادتش تا به الآن نموده اند را برایت می نویسد.

متن:

[تقول]: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، [السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَيْرَتِهِ] السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَارَ اللَّهِ وَابْنَ نَارِهِ وَالنُّورَ الْمَوْثُورَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ وَأَسَاخَتْ بِرِخْلِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعاً سَلَامُ اللَّهِ أَبَداً مَا بَقِيَتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظَمْتَ [الرَّزِيئَةَ وَجَلَّتْ] الْمُصِيبَةَ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ [وَالْأَرْضِ]، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسَسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجُورِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَن مَقَامِكُمْ؛ وَأَزَالَتْكُمْ عَن مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي رَتَّبَكُمْ اللَّهُ فِيهَا، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ، وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُتَّهِدِينَ هُمْ بِالتَّمَكِينِ مِن قِتَالِكُمْ إِبْرَأْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ] وَمِنَ أَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي سَلِمْتُ لِمَن سَأَلْتُكُمْ وَحَرَبْتُ لِمَن حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَلَعَنَ اللَّهُ آلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ، وَلَعَنَ اللَّهُ بَنِي أُمَيَّةَ قَاطِبَةً، وَلَعَنَ اللَّهُ ابْنَ مَرْجَانَةَ، وَلَعَنَ اللَّهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ، وَلَعَنَ اللَّهُ شِمْرًا، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَالْجَمْعُ وَتَهَيَّأَتْ لِقِتَالِكِ.

﴿ دنیاہ حدیث ہفتہ ﴾

﴿ و کیفیت خواندن زیارت عاشوراء ﴾ ترجمہ:

حضرت سلام اللہ علیہ بہ خلقہ فرمودند:

در زیارت ابا عبدالله الحسین روز عاشوراء بگو:

سلام بر تو ای ابا عبدالله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده اش، سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان و فرزند سرور جانشینان، سلام بر تو ای پسر فاطمه که سرور بانوان عالم می باشد، سلام بر تو ای خون خدا (یعنی خدا صاحب خون تو و طلب کننده آن است) و فرزند خون خدا و تنها مانده ای که خونخواهی نشده است، سلام بر تو و بر روح های مطهری که در اطراف تو بوده و در مأوی و مکان تو فرود آمده و اقامت نموده اند، بر شما باد جملگی از طرف من سلام و رحمت خدا برای همیشه و تا مادامی که من باقی بوده و شب و روز باقی هستید، ای ابا عبدالله محققاً عزای شما بزرگ بوده و مصیبت وارده بر شما بر ما و تمام اهل آسمانها و زمین گران می باشد، پس خداوند متعال گروهی را که اسباب و بایه های ظلم و ستم بر شما اهل بیت پیغمبر ﷺ را بنانهاده لعنت کند و از رحمتش به دورشان دارد، و گروهی را که شما را از مقام و منزلتان بازداشتند لعنت فرماید، و همچنین خدا لعنت کند کسانی را که شما را از مرتبه ای که حق شما است و خداوند متعال برای شما تزیین داده بر کنار نمودند، و لعنت نماید جماعتی را که شما را کشتند و لعنت نماید آنان را که برای قاتلین شما تمهید اسباب کرده و بدینوسیله ایشان را بر کشتن شما متمکن ساختند، بسوی خدا و شما از این گروه و از پیروان و تابعین ایشان بی زاری می جویم، ای ابا عبدالله من با کسی که با شما در صلح بوده در صلح هستم و با آنکس که با شما در جنگ می باشد تا روز قیامت در جنگ و حرب خواهم بود، پس خدا لعنت کند دودمان زیاد و دودمان مردان را و لعنت کند تمام بنی امیه را و لعنت نماید فرزند مرجانه را و لعنت کند عمر بن سعد را و لعنت نماید شمر را و لعنت کند جماعتی را که اسبها را زین کرده و لجام زده و خود را آماده برای کشتن نمودند.

متن:

يا ابا عبد الله يا ابي انت و امي لقد عظم مصابي بك، فاسأل الله الذي
أكرم مقامك أن يكرمني بك ويوزقني طلب تارك مع إمام منصور من
آل محمد صلى الله عليه وآله، اللهم اجعلني وجهاً عندك بالمحسنين في
الدنيا والآخرة، يا سيدي يا ابا عبد الله إني أتقرب إلى الله [تعالى] وإلى
رسوله وإلى أمير المؤمنين وإلى فاطمة وإلى الحسن وإليك، صلى الله
عليك وسلم، وعليهم بمواليتك يا ابا عبد الله وبالبراءة من أعدائك
ومن قاتلك وتصب لك الحرب، ومن جميع أعدائك، وبالبراءة
من أسس الجور وبني عليه بنيانه وأجرى ظلمة وجورة عليكم وعلى
أشياعكم، برئت إلى الله وإليك منهم، وأتقرب إلى الله ثم إليكم
بمواليتكم وموالاة وليتكم والبراءة من أعدائكم، ومن الناصبين لكم
الحرب والبراءة من أشياعهم وأتباعهم، إني سلم لمن سالمكم، وحرب
من حاربكم، وولي لمن والاكم، وعدو لمن عاداكم فاسأل الله الذي
أكرمني بعزيتكم ومعرفة أوليائكم ورزقني البراءة من أعدائكم أن
يجعلني معكم في الدنيا والآخرة، وأن يثبت لي عندكم قدم صدق في
الدنيا والآخرة، وأسأله أن يطلعني المقام المحمود لكم عند الله، وأن
يوزقني طلب تارك مع إمام مهدي ناطق لكم، وأسأل الله بحقكم
وبالشأن الذي لكم عنده أن يغطيني بمصابي بكم أفضل ما أعطى مصاباً
بمصيبة أقول: «إنا لله وإنا إليه راجعون»، يا لها من مصيبة، ما أعظمها
وأعظم رزيتها في الإسلام! وفي جميع أهل السماوات والأرض.

﴿ دنباله حدیث هفتم ﴾

﴿ و بقیه زیارت عاشوراء ﴾

ترجمه:

ای ابا عبدالله پدر و مادرم فدایت شوند به خدا قسم مصیبت شما بر من گران و بزرگ است، پس از خدائی که مقام کرامت به تو داده درخواست می‌کنم به واسطه شما من را نیز مورد کرامتش قرار دهد و روزی من نماید که همراه امام کمک شده از آل محمد علیهم‌السلام خون تو را طلب نمایم، بار خدایا به واسطه حسین علیه‌السلام در دنیا و آخرت من را نزد خودت ابرو مند قرار بده، ای آقای من، ای ابا عبدالله من به خدای تعالی و به رسولش صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و به امیرالمؤمنین علیه‌السلام و به فاطمه سلام الله علیها و به حسن علیه‌السلام به سوی تو بواسطه دوست داشتن و محبتم به شما و بی‌زاری جستن از دشمنانت و از کسانی که تو را کشتند و جنگ با تو را به پا کردند و به واسطه تبری و بی‌زاری از کسانی که جور و ستم را پایه نهاده و ساختمان ظلم را بر آن بنا نهادند و بدنبالش بر شما و شیعیان شما ظلم و جور نمودند تفریب می‌جویم، از ایشان بسوی خدا و تو تبری می‌جویم و بواسطه دوست داشتنم شما و دوستان شما را به سری خدا و سپس به سوی شما تفریب می‌جویم و به واسطه بی‌زاری از دشمنان شما و کسانی که جنگ با شما را به پا نمودند و نیز به واسطه بی‌زاری از شیعیان و تابعین اعداء به خدا تفریب می‌جویم، من با کسانی که با شما در صلح هستند در صلح بوده و با آنانکه با شما حرب و جنگ می‌کنند حرب می‌نمایم، کسی که شما را دوست دارد دوستش دارم، و با آنانکه با شما دشمنی دارند دشمن می‌باشم، پس از خدائی که بواسطه معرفت به شما و معرفت به درست شما من را مورد کرامت قرار داد و بی‌زاری از دشمنانتان را روزی من قرار داد درخواست می‌کنم که در دنیا و آخرت من را همراه شما قرار داده و در هر دو نشنه برای من قدم و گامی صدق نزد شما ثابت نماید، و از او می‌خواهم که من را به مقام محمود و پسندیده‌ای که شما نزد حضرتش دارید برساند و نیز روزی من کند که در رکاب ظفر قرین حضرت امام مهدی (ع) که

ناطق شما است خون شما را مطالبه کنم، و از ذات اقدسش می‌خواهم که به حقیقت شما و به شأن و مرتبه‌ای که نزد او دارید به واسطه عزاداری من برای شما برترین اجری را که به مصیبت دیدگان می‌دهد به من اعطاء بفرماید. در مقام اظهار مصیبت می‌گوییم: انا لله و انا الیه راجعون، وای از این مصیبت، چقدر بزرگ است و چه قدر عزای آن در اسلام و بین جمیع اهل آسمانها و زمین گران و سنگین می‌باشد.

متن:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا بِمَنْ تَنَالَهُ مِنْكَ صَلَوَاتُ وَرَحْمَةٍ وَمَغْفِرَةٌ،
 اللَّهُمَّ اجْعَلْ حَيَاتِي حَيَاةَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَمَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَآلِ
 مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَنَزَّلَتْ فِيهِ اللَّعْنَةُ عَلَى آلِ
 زِيَادٍ وَآلِ أُمِّيَّةٍ وَابْنِ أَكَلَةَ الْأَكْبَادِ، اللَّعِينِ بْنِ اللَّعِينِ، عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكَ،
 فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَمَوْقِفٍ وَقَفَ فِيهِ نَبِيُّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ الْعَرْنَ
 أَبَا سُفْيَانَ وَمُعَاوِيَةَ، وَعَلَى يُزَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ اللَّعْنَةُ أَبَدَ الْأَبَدِينَ، اللَّهُمَّ
 فَضَاعِفْ عَلَيْهِمُ اللَّعْنَةَ أَبَدًا لِقَتْلِهِمُ الْحُسَيْنِ (ع)، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ
 فِي هَذَا الْيَوْمِ فِي مَوْقِفِ هَذَا وَأَيَّامِ حَيَاتِي بِالْبَرَاءَةِ مِنْهُمْ وَاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ،
 وَبِالْمَوَالَةِ لِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ
 أَجْمَعِينَ».

﴿ دنباله حدیث هفتم ﴾

﴿ و بقیه زیارت عاشوراء ﴾

ترجمه:

بار خدایا قرار بده من را در این مقام و مرتبه‌ای که دارم از کسانی که می‌رسد به آنان درودها و رحمت و آمرزشی از توبه ایشان، خداوندای زیستن من را همچون زیستن محمد و آل محمد و مردنم را مانند مردن محمد و آل محمد ﷺ قرار بده، بار خدایا بدرستی که امروز، روزی است که لعنت بر دردمان زیاد و امیه و پسر خورنده جگرها یعنی ملعون بن ملعون بوسیله زبان پیامبرت فرود آمده در هر سرزمین و مکانی که پیامبرت ﷺ در آن وقوف و درنگ داشته باشد، خداوندای ابوسفیان و معاویه و یزید پسر معاویه را برای همیشه مورد لعنت قرار بده، خداوندای لعنت خورد را بر ایشان برای ابد چند برابر نما زیرا ایشان حسین ﷺ را کشتند، بار خدایا بدرستی که من در این روز و در این مکان و در طول مدت زندگانیم بواسطه بی‌زاری از ایشان و درخواست لعنت بر ایشان و به واسطه دوست داشتن پیامبرت یعنی حضرت محمد و دوست داشتن اهل بیت پیامبرت صلی الله علیه و علیهم اجمعین به تو تقرب می‌جویم.

متن:

ثُمَّ تَقُولُ مِائَةَ مَرَّةٍ:

«اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَآخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ، اللَّهُمَّ الْعَنْ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ وَشَايَعَتْ وَبَايَعَتْ [أَعْدَاءَهُ] عَلَى قَتْلِهِ وَقَتْلِ أَنْصَارِهِ، اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعاً.»

ثُمَّ قُلْ مِائَةَ مَرَّةٍ:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَزْوَاجِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ،

وَأَنَاخْتُ بِرِخْلِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ
وَالنَّهَارُ، وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِكُمْ، السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ
وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ
أَجْمَعِينَ».

﴿ دنباله حدیث هفتم ﴾

﴿ و بقیه زیارت عاشوراء ﴾

ترجمه:

سپس صد مرتبه بگو:

بار خدایا لعنت نما اولین ستمگری را که با گرفتن حق محمد و آل محمد به
ایشان ستم و ظلم نمود را آخرین کسی که از این ستمگران در گرفتن حق ایشان
تبعیت کرد، خداوندا لعنت نما گروهی را که حسین علیه السلام را انکار کرده و آن جناب
را نپذیرفته و دشمنان حضرت را تبعیت کرده و با آنان بیعت نموده و بر قتل آن
حضرت و کشتن یارانش با ایشان هم قسم شدند، خداوندا همگی آنان را لعنت
نما و از رحمت دورشان بگردان.

پس از آن صد مرتبه بگو:

سلام بر تو ای ابا عبدالله و بر ارواح طیبه‌ای که اطرافت را گرفته و در ماوای
و مکان تو فرود آمده و اقامت نموده‌اند، از جانب من سلام و تحیت و رحمت
خدا همیشه بر شما باد تا مادامی که من باقی بوده و شب و روز مستمر می‌باشند،
و این زیارت را آخرین زیارت من قرار مده، سلام بر حسین و بر علی بن
الحسین و بر یاران حسین صلوات و رحمت خدا بر ایشان همگی باد.

متن:

ثم نقول مرّة واحدة:

«اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ آلَ نَبِيِّكَ بِاللَّعْنِ، ثُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، اللَّهُمَّ الْعَنْ يَزِيدَ وَآبَاءَهُ، وَالْعَنْ عُبَيْدَ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ، وَآلَ مَرْوَانَ وَبَنِي أُمَيَّةَ قَاطِبَةً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.»
 ثمّ تسجد سجدةً تقول فيها:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ عَلَى مُصَابِهِمْ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ مُصَابِي وَرَزِيَّتِي فِيهِمْ، اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ وَتَبَّتْ لِي قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ، الَّذِينَ بَدَلُوا مَهْجَتَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ -».

قال علقمة: قال أبو جعفر الباقر عليه السلام: يا علقمة إن استطعت أن تزوره في كل يوم بهذه الزيارة من دهرك فافعل، فلَكَ ثواب جميع ذلك إن شاء الله تعالى.»

﴿ دنباله حدیث هفتم ﴾

﴿ وبقیہ زیارت عاشوراء ﴾

ترجمہ:

سپس یک مرتبہ بگو:

بار خدایا تو اختصاص بدہ بہ لعن نمودن اولین کسی را کہ بہ اہل بیت پیغمبرت ستم کردہ سپس لعن نما دشمنان آل محمد را از اولین و آخرین، خدایا یزید و پدرش را لعن فرما و عبیداللہ بن زیاد و دودمان مروان و ہمہ بنی امیہ را تا روز قیامت لعن بکن.

سپس بہ سجدہ برو و در آن بگو:

بار خدایا تو را ستایش می‌کنیم ستایش سپاس گزاران بر مصیبتی که بر آنان وارد می‌شود حمد و ستایش خدا برگزانی مصیبت و عزاداری من، خدایا شفاعت امام حسین علیه السلام را در روز ورود به جهان آخرت نصیب نما و قدم راستی را در نزد خودت همراه امام حسین علیه السلام و اصحاب حضرتش برای من ثابت بگردان، آن اصحابی که جانشان را در برابر امام حسین علیه السلام اینار نمودند، صلوات و رحمت خدا بر همه آنها باد.

علقمه می‌گوید: حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام فرمودند:

ای علقمه اگر بتوانی هر روز با این زیارت امام حسین علیه السلام را زیارت کنی البتّه این کار را انجام بده که انشاء الله تمام ثواب‌هایی که ذکر شده برای تو منظور گردد.



﴿ الباب الثانی و السّبعون ﴾

﴿ ثواب زیارة الحسین علیه السلام فی النّصف من شعبان ﴾

متن:

۱ - حدّثنی اَبی؛ و علی بن الحسین؛ و محمّد بن یعقوب - رحمهم الله - جميعاً، عن علی بن ابراهیم بن هاشم، عن ابيه - عن بعض اصحابه - عن هارون بن خارجه، عن ابي عبد الله علیه السلام «قال: إذا كان النصف من شعبان نادى منادٍ من الأُفق الأعلى: زائري الحسين ارجعوا مغفوراً لكم، ثوابكم على الله ربكم و محمد نبيكم».

﴿ باب هفتاد و دوّم ﴾

﴿ ثواب زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در نیمه شعبان ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم و علی بن الحسین و محمد بن یعقوب رحمة الله عليهم جملگی از علی ابن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از برخی اصحابش، از هارون بن خارجه، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

هنگامی که نیمه شعبان می شود از افق اعلی منادی نداء می کند: ای زائرین حسین علیه السلام به اهل خود برگردید در حالی که آمرزیده شده اید، ثواب و اجر شما بر خدا است که پروردگار شما بوده و بر محمد است که پیغمبر شما می باشد.



متن:

۲ - حدیثی ابی - رحمه الله - و جماعة مشایخی، عن سعد بن عبد الله، عن الحسن بن علي الزيتوني؛ و غيره، عن احمد بن هلال، عن محمد بن أبي عمير - رحمه الله - عن حماد بن عثمان، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله علیه السلام. و الحسن بن محبوب، عن أبي حمزة، عن علي بن الحسين علیه السلام «قالا: من أحب أن يصفحه مائة ألف نبي و أربعة و عشرون ألف نبي فليزر قبر أبي عبد الله الحسين بن علي علیه السلام في النصف من شعبان، فإن أرواح النبيين علیهم السلام يستأذنون الله في زیارته فيؤذن لهم منهم خمسة أولو العزم من الرسل، قلنا: من هم؟ قال: نوح و ابراهيم و موسى و عيسى؛ و محمد صلى الله عليهم أجمعين، قلنا له: ما معنى أولي العزم، قال: بعثوا إلى شرق الأرض و غربها؛ جنّها و إنسها».

ترجمه: ﴿ حدیث دوم ﴾

پدرم رحمة الله علیه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از سعد بن عبدالله، از حسن بن علی زیتونی و غیرش، از احمد بن هلال، از محمد بن ابی عمیر رحمة الله علیه، از حماد بن عثمان، از ابی بصیر، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام و حسن بن محبوب، از ابی حمزة، از حضرت علی بن الحسین علیه السلام.
این در امام بزرگوار فرمودند:

کسی که دوست دارد صد و بیست و چهار هزار پیامبر با او مصافحه کنند باید قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام را در نیمه ماه شعبان زیارت کند چه آنکه ارواح انبیاء علیهم السلام از خدا اذن گرفته تا آن جناب را زیارت کنند پس به ایشان اذن داده می شود، پنج تن از ایشان اولوا العزم هستند.

عرض کردیم: ایشان چه کسانی هستند؟
امام علیه السلام فرمودند: حضرات نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلی الله علیهم اجمعین.

محضر مبارکش عرضه داشتیم: معنای اولوا العزم چیست؟
حضرت فرمودند:

یعنی مبعوث شده اند به شرق و غرب زمین، به جن و انس.
مترجم گوید:

از ذیل این حدیث این طور استفاده می شود که پیامبر اولوا العزم یعنی پیامبری که رسالتش محدود و منحصر به گروهی دون گروهی دیگر و سرزمینی دون سرزمین دیگر نبوده بلکه عمومی و گسترده می باشد.

متن:

۳- حدیثی ابی - رحمه الله - و جماعة مشایخی، عن محمد بن یحیی العطّار، عن محمد بن الحسن، عن ابراهیم بن هاشم، عن صندل، عن

هارون ابن خارجه، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: إذا كان النصف من شعبان نادى مناد من الأفق الأعلى: زائري الحسين ارجعوا مغفوراً لكم، ثوابكم على [الله] ربكم و محمد نبيكم».

ترجمه: ﴿ حدیث سوم ﴾

پدرم رحمة الله عليه و جماعتی از مشایخ و اساتید من، از محمد بن یحیی عطار، از محمد بن الحسن، از ابراهیم بن هاشم، از صدیق، از هارون بن خارجه، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام، حضرت فرمودند:

هنگامی که نیمه شعبان شود از افق اعلی منادی ندا می کند... تا آخر حدیث بشرحی که در حدیث اول گذشت.

متن:

۴- و رواد صافی البرقی، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: من زار أبا عبدالله عليه السلام ثلاث سنين متواليات لا فصل فيها في النصف من شعبان غفر له ذنوبه».

ترجمه: ﴿ حدیث چهارم ﴾

صافی برقی، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام حضرت فرمودند: کسی که حضرت ابا عبدالله عليه السلام را سه سال پشت سر هم که بینشان فاصله نباشد در نیمه شعبان زیارت کند گناهانش آمرزیده می شود.

متن:

۵- و یاسناده عن داود بن كثير الرقي «قال: قال الباقر عليه السلام: زائر الحسين عليه السلام في النصف من شعبان يغفر له ذنوبه، و لن يكتب عليه سيئة

فی سنته حتی یحول علیه الحول، فإن زار فی السنة المقبلة غفر الله له ذنوبه».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

و پدرم به اسنادش، از داود بن کثیر رقی، وی گفت: حضرت امام باقر علیه السلام فرمودند:

گناهان کسی که در نیمه شعبان امام حسین علیه السلام را زیارت کند آمرزیده می شود و در آن سال گناه و لغزشی برایش نوشته نمی شود تا سال تمام گردد و اگر در سال آینده حضرت را زیارت کرد گناهانش آمرزیده می گردد.



متن:

۶ - حدیثی جماعه مشایخی، عن محمد بن یحیی العطار، عن الحسين ابن ابی سارة المدائنی، عن یعقوب بن یزید، عن ابن ابی عمیر، عن عبد الرحمن ابن الحجاج - او غیره اسمه الحسین - قال: «قال أبو عبد الله علیه السلام: من زار قبر الحسين علیه السلام ليلة من ثلاث لیل غفر الله له ما تقدّم من ذنبه و ما تأخر، قال: قلت: أئی اللیالی جعلت فداك؟ قال: ليلة النطر، و ليلة الأضحی، و ليلة النصف من شعبان».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از محمد بن یحیی عطار، از حسین بن ابی سارة المدائنی، از یعقوب بن یزید، از ابن ابی عمیر، از عبد الرحمن بن حجاج یا غیر او که اسمش حسین می باشد، وی گفت حضرت ابو عبد الله علیه السلام فرمودند: کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السلام را در یکی از سه شب زیارت کند

خداوند منان گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌آمرزد.
 راوی گفت: عرض کردم: فلانیت شوم از سه شب کدام می‌باشد:
 حضرت فرمود: شب عید فطر، شب عید قربان، شب نیمه ماه شعبان.

متن:

۷- و حدیثی از ابی - رحمه الله - و علی بن الحسین؛ و جماعه مشایخی،
 عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن خالد،
 عن القاسم بن یحیی، عن جده الحسن بن راشد، عن یونس بن ظبیان
 «قال: قال أبو عبد الله علیه السلام: من زار الحسین علیه السلام ليلة النصف من شعبان، و
 ليلة الفطر، و ليلة عرفة في سنة واحدة كتب الله له ألف حجة مبرورة و
 ألف عمرة متقبلة، و قضيت له ألف حاجة من حوائج الدنيا و الآخرة».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

پدرم و علی بن الحسین و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از سعد بن عبد الله،
 از احمد بن محمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن خالد، از قاسم بن یحیی، از جدش
 حسن بن راشد، از یونس بن ظبیان، وی می‌گوید:
 حضرت ابو عبد الله علیه السلام فرمودند:

کسی که حضرت امام حسین علیه السلام را شب نیمه شعبان و شب عید فطر و شب
 عرفة در یکسال زیارت کند خداوند متعال ثواب هزار حج و هزار عمرة قبول
 شده برایش می‌نویسد، و هزار حاجت از حوائج دنیا و آخرش روا می‌گردد.

﴿ فصل ما يجب العمل به ليلة النصف من شعبان ﴾

متن:

۸ - سالم بن عبدالرحمن، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: من بات ليلة النصف من شعبان بأرض كربلاء فقرأ ألف مرة «قل هو الله أحد» و يستغفر الله ألف مرة و يحمد الله ألف مرة، ثم يقوم فيصلّي أربع ركعات يقرأ في كلّ ركعة ألف مرة آية الكرسي، وكلّ الله تعالى به ملكين يحفظانه من كلّ سوء، و من شرّ كلّ شيطان و سلطان، و يكتبان له حسناته و لا تكتب عليه سيّئة و يستغفران له ما دام معه».



مرکز تحقیق و پژوهش در علوم اسلامی
﴿ فصل ﴾

﴿ در بیان اعمال نیمه ماه شعبان ﴾

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

سالم بن عبدالرحمن، از حضرت ابا عبد الله عليه السلام، آن حضرت فرمودند: کسی که شب نیمه شعبان به زمین كربلاء رفته و در آنجا هزار مرتبه قل هو الله احد خوانده و هزار مرتبه استغفار نموده و هزار مرتبه الحمد لله بگوید سپس ایستاده و چهار رکعت نماز خوانده و در هر رکعت هزار مرتبه آیه الكرسي تراست نماید خداوند متعال دو فرشته را بر او موکل کند که وی را از هر سوء و بدی و از شرّ هر شیطان و سلطانی حفظ کنند و حسنات او را نوشته ولی گناهانش را نمی نویسند و تا زمانی که با وی می باشند برای او طلب آموزش می نمایند.

متن:

۹ - حدثني محمد بن عبدالله بن جعفر الحميري، عن أبيه، عن يعقوب ابن يزيد، عن محمد بن أبي عمير، عن زيد الشحام، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: من زار قبر الحسين عليه السلام في النصف من شعبان غفر الله له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش، از یعقوب بن زید از محمد بن ابا عمیر، از زید شحام، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام، حضرت فرمودند: کسی که قبر مطهر حضرت امام حسین عليه السلام را در نیمه شعبان زیارت کند حقتعالی گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

متن:

۱۰ - حدثني أبو عبدالله محمد بن أحمد بن يعقوب بن أسحق بن عمار، عن علي بن الحسن بن علي بن فضال، عن محمد بن الوليد، عن يونس بن يعقوب «قال: قال أبو عبدالله عليه السلام: يا يونس ليلة النصف من شعبان يغفر الله لكل من زار الحسين عليه السلام من المؤمنين ما تقدم من ذنوبهم و ما تأخر، و قيل لهم: استقبلوا العمل، قال: قلت: هذا كله لمن زار الحسين عليه السلام في النصف من شعبان؟ فقال: يا يونس لو أخبرت الناس بما فيها لمن زار الحسين عليه السلام لنامت ذكور الرجال على الخشب».

﴿ فصل ﴾

﴿ در بیان اعمال نیمه ماه شعبان ﴾

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

ابو عبدالله محمد بن احمد بن یعقوب بن اسحاق بن عمار، از علی بن الحسن ابن علی بن فضال، از محمد بن ولید، از یونس بن یعقوب، وی گفت: حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

ای یونس، در شب نیمه شعبان خداوند متعال گناهان گذشته و آینده هر مؤمنی که قبر حضرت امام حسین علیه السلام را در آن شب زیارت کند می‌آمرزد و به ایشان گفته می‌شود:

شروع به انجام عمل کنید.

راوی می‌گوید: محضر مبارکش عرض کردم: این همه عنایت و لطف برای کسی است که امام حسین علیه السلام را در نیمه شعبان زیارت کند؟ حضرت فرمودند:

ای یونس اگر مردم را خبر دهم به فضیلتی که در زیارت این شب است قطعاً مردان بر چوب سوار شده و خود را به سر نبر مطهرش می‌رسانند.

متن:

۱۱ - حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى، عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ نَهِيكٍ، عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام قَالَ: مَنْ زَارَ [قَبْرَ] الْحُسَيْنِ عليه السلام لَيْلَةَ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ، وَ مَنْ زَارَهُ يَوْمَ عَرَفَةَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَوَابَ أَلْفِ حَجَّةٍ

متقبلة و ألف عمرة مبرورة، و من زاره يوم عاشوراء فكأنما زار الله فوق عرشه».

ترجمه: ﴿ حدیث یازدهم ﴾

جعفر بن محمد بن عبدالله بن موسی، از عبدالله بن نهیک، از ابن ابی عمیر، از زید شحام، از حضرت جعفر بن محمد رضی الله عنه آن حضرت فرمودند: کسی که در شب نیمه شعبان قبر حضرت امام حسین رضی الله عنه را زیارت کند خداوند متعال گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد و کسی که قبر مطهرش را روز عرفه زیارت کند خداوند متعال ثواب هزار حج و هزار عمره مقبول را برایش می نویسد و کسی که در روز عاشوراء آن حضرت را زیارت کند مانند کسی است که حق تعالی را بالای عرشش زیارت کرده است.

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

﴿ الباب الثالث و السَّبْعُونَ ﴾

﴿ ثواب من زارَ الحُسَینَ رضی الله عنه فی رجب ﴾

متن:

۱- حدیثی ابو علی محمد بن همام بن سهیل، عن ابی عبدالله جعفر ابن محمد بن مالک، عن الحسن بن محمد الأبرزاری، عن الحسن بن محبوب، عن احمد بن محمد بن ابی نصر البزنطی «قال: سألت أبا الحسن الرضا رضی الله عنه فی ایّ شهر نوزر الحسین رضی الله عنه؟ قال، فی النصف من رجب و النصف من شعبان».

و رواه احمد بن هلال، عن احمد بن محمد بن ابی نصر، عن ابی

الحسن الرضا علیه السلام مثله، غیر آنه قال: «أَيَّ الْأَوْقَاتِ أَفْضَلُ أَنْ تَزُورَ فِيهِ الْحُسَيْنَ علیه السلام».

﴿ باب هفتاد و سوم ﴾

﴿ نواب کسی که حضرت امام حسین علیه السلام را در رجب زیارت کند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

ابو علی محمد بن همام بن سهیل، از ابی عبدالله جعفر بن محمد بن مالک، از حسن بن محمد ابزاری، از حسن بن محبوب، از احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی، وی می گوید: از حضرت ابا الحسن الرضا علیه السلام پرسیدم:

در چه ماهی حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کنیم؟

حضرت فرمودند:

در نیمه ماه رجب و نیمه ماه شعبان.

و احمد بن هلال، از احمد بن ابی نصر، از ابی الحسن الرضا علیه السلام مثل همین روایت را نقل کرده است با این تفاوت که سائل در سؤال پرسیده است:

کدام یک از اوقات افضل است به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام برویم؟

متن:

۲- حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ، عَنْ صَالِحِ بْنِ عَقْبَةَ، عَنْ بَشِيرِ الدَّهَّانِ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیه السلام «قَالَ: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ علیه السلام يَوْمَ عَرَفَةَ عَارِفًا بِحَقِّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَوَابَ أَلْفِ حَجَّةٍ وَأَلْفِ عُمْرَةٍ وَأَلْفِ غَزْوَةٍ مَعَ نَبِيِّ مَرْسَلٍ، وَ مَنْ زَارَهُ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ رَجَبٍ غُفِرَ اللَّهُ لَهُ الْبَيْتَةُ».

ترجمه: ﴿ حدیث دوم ﴾

یدرم از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن اسماعیل ابن بزیع، از صالح بن عقبه، از بشیر دقان از حضرت جعفر بن محمد علیه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که حضرت امام حسین علیه السلام را روز غرفه زیارت کرده در حالی که به حقش عارف باشد خداوند منان ثواب هزار حج و هزار عمره و هزار جهادی که در رکاب نبی مرسل نموده را برایش می نویسد و کسی که آن حضرت را روز اول رجب زیارت کند البته حق تعالی او را می آمرزد.

﴿ الباب الزایع و السَّبْعُونَ ﴾

﴿ ثواب من زار الحسین علیه السلام فی غیر یوم عید و لا عرفه ﴾

متن:

۱ - حدیثی محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، عن محمد بن اسماعیل، عن صالح بن عقبه، عن بشیر الدقان «قال: قال أبو عبد الله علیه السلام: أيما مؤمن زار الحسين علیه السلام عارفاً بحقه فی غیر عید و لا عرفه كتب الله له عشرين حجة، و عشرين عمرة مبرورات متقبلات، و عشرين غزوة مع نبی مرسل أو إمام عدل».

﴿ باب هفتاد و چهارم ﴾

﴿ ثواب کسی که حضرت امام حسین علیه السلام را در غیر روز عید ﴾

﴿ و عرفه زیارت کند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از بشیر دهقان، وی گفت:
حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

هر مؤمنی که امام حسین علیه السلام را در غیر روز عید و عرفه زیارت کند در حالی که به حق آن حضرت آگاه و مطلع باشد خداوند متعال ثواب بیست حج و بیست عمره مقبول و بیست جهاد در رکاب نبی مرسل یا امام عادل برایش می نویسد.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

متن:

۲ - و عنه، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن صالح، عن عبدالله ابن هلال، عن أبي عبدالله علیه السلام «قال: قلت: جعلت فداك ما أدنى مال الزائر الحسين علیه السلام؟ فقال لي: يا عبدالله إن أدنى ما يكون له أن الله يحفظه في نفسه و ماله حتى يردّه إلى أهله، فإذا كان يوم القيامة كان الله الحافظ له».

حدّثنی اَبی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن محمد بن اسماعيل بن بزيع، عن صالح - مثل حديثه الأول في الباب - .

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

مترجم گوید:

این حدیث با ترجمه اش با سند دیگر در باب جهل و نهم ذیل حدیث شماره پنجم قبلاً ذکر شد.

متن:

۳- حدیثی از ابی - رحمة الله - عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد ابن عیسی؛ و عن احمد بن إدريس، عن عمرکی بن علی البوفکی، عن صندل، عن داود بن یزید، عن ابی عبدالله علیه السلام «قال: من زار قبر الحسين علیه السلام في كل جمعة غفر الله له البتة، ولم يخرج من الدنيا وفي نفسه حسرة منها، وكان مسكنه في الجنة مع الحسين بن علي علیه السلام، ثم قال: يا داود من لا يُسرّه أن يكون في الجنة جار الحسين علیه السلام؟ قلت: من لا أفلح».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی و از احمد بن ادريس، از عمرکی بن علی البوفکی، از صندل، از داود بن یزید، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السلام را در هر جمعه زیارت کند البته حق تعالی او را می آمرزد و از دنیا خارج نمی شود در حالی که از دنیا حسرتی در خاطر داشته باشد و مکانش در بهشت با حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام می باشد، سپس فرمودند:

ای داود چه کسی است که دوست نداشته باشد در بهشت همسایه حسین علیه السلام

باشد؟

داود می‌گوید: عرض کردم: کسی که دستکار نباشد.

متن:

۴ - و عنه، عن احمد بن إدريس، عن العمركي، عن صندل، عن داود ابن فرقد «قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: ما لمن زار الحسين عليه السلام في كل شهر من الثواب؟ قال له: [من الثواب] ثواب مائة ألف شهيد مثل شهداء بدر».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

و از پدرم، از احمد بن ادريس، از عمرکی، از صندل، از داود بن فرقد، وی می‌گوید:

محضر مبارک حضرت ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم: ثواب کسی که در هر ماه حسین علیه السلام را زیارت کند چیست؟
حضرت فرمودند:

برای او ثواب صد هزار شهید مانند شهداء بدر می‌باشد.

متن:

۵ - و بإسناده عن صندل، عن أبي الصَّبَّاح الكِنَافِي، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: إذا كان ليلة القدر فيها يفرق كل أمر حكيم نادى منادٍ تلك الليلة من بطنان العرش: إنَّ الله قد غفر لمن زار قبر الحسين عليه السلام في هذه الليلة».

ترجمه:

﴿ حدیث پنجم ﴾

پدرم به اسنادش از سندل، از ابی الصباح کنانی، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام حضرت فرمودند:

هنگامی که شب قدر فرا برسد یعنی شبی که در آن کارهای مصلحت‌آمیز عباد توزیع و تفریق می‌گردد از طرف عرش منادی نداء می‌کند:

خداوند متعال در این شب گناهان کسی را که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام رفته می‌آمرزد.

متن:

۶ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ، عَنْ مُحَمَّدِ ابْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ، عَنْ صَالِحِ بْنِ عَتَبَةَ، عَنْ بَشِيرِ الدَّهَّانِ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: رَبِّمَا فَاتَنِي الْحَجَّ فَاعْرِفْ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام، قَالَ: أَحْسَنْتَ يَا بَشِيرُ، أَيُّمَا مَوْمِنٍ أُنِي قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام عَارِفًا بِحَقِّهِ فِي غَيْرِ يَوْمٍ وَلَا عَرَفَةَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرِينَ حِجَّةً، وَعَشْرِينَ عَمْرَةً مَبْرُورَاتٍ مُنْقَبَلَاتٍ، وَعَشْرِينَ غَزْوَةً مَعَ نَبِيٍّ مَرْسَلٍ أَوْ إِمَامٍ عَدْلٍ، وَمِنْ أَتَاهُ فِي يَوْمِ عِيدٍ - وَذَكَرَ الْحَدِيثَ بِطَوْلِهِ -».

ترجمه:

﴿ حدیث ششم ﴾

مترجم گویند: این حدیث با ترجمه‌اش با سند دیگر در باب هفتادم ذیل حدیث شماره یک قبلاً ذکر شد.

﴿ الباب الخامس و السبعون ﴾
 ﴿ من اغتسل في الفرات و زار الحسين علیه السلام ﴾

متن:

۱ - حدیثی است از ابی - رحمه الله - و جماعه مشایخی، عن محمد بن یحیی العطار، عن حمدان بن سلیمان النیسابوری، عن عبدالله بن محمد الیمانی، عن منیع بن الحجاج، عن یونس، عن صفوان الجمال، عن ابی عبدالله علیه السلام «قال: من اغتسل بماء الفرات و زار قبر الحسين علیه السلام کان کیوم ولدته أمه صَفْرًا من الذنوب و لو اقترن بها کبائر [و كانوا] یحبون إذا زار الرجل قبر الحسين علیه السلام اغتسل و إذا ودّع لم یغتسل و مسح یدیه علی وجهه إذا ودّع».

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

﴿ باب هفتاد و پنجم ﴾
 ﴿ ثواب کسی که در فرات غسل کرده و به ﴾
 ﴿ زیارت حضرت امام حسین علیه السلام برود ﴾
 ﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از محمد بن یحیی عطار، از حمدان بن سلیمان نیشابوری، از عبدالله بن محمد یمانی، از منیع بن حجاج، از یونس، از صفوان جمال، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که در آب فرات غسل کند و قبر حسین علیه السلام را زیارت نماید مانند روزی است که مادر او را خالی از گناهان زانیده اگرچه مرتکب گناهان کبیره هم شده

باشد و ما دوست داریم که شخص وقتی به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام می‌رود غسل کرده و هنگام وداع غسل نکند بلکه دستش را بر صورتش بکشد.

متن:

۲ - حدثني محمد بن جعفر القرشي الرزاز، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن إسماعيل بن بزيع، عن صالح بن عقبه، عن بشير الدهان: قال قلت لأبي عبد الله عليه السلام في حديث طويل - «قال: ويحك! يا بشير إن المؤمن إذا أتى قبر الحسين عليه السلام عارفاً بحجته فاعتسل في الفرات ثم خرج كتب له بكل خطوة حجة و عمرة مبرورات متقبّلات، و غزوة مع نبي مرسل، أو إمام عدل».



ترجمه: **حدیث دوم**

محمد بن جعفر قرشی رزاز، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل بن بزیع، از صالح بن عقبه، از بشیر دهان، وی گفت:
محضر مبارک حضرت ابی عبد الله علیه السلام عرض کردم (در ضمن حدیث طولانی)...

حضرت فرمودند:

وای بر تو، ای بشیر هرگاه مؤمن به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برود و به حق آن جناب آگاه باشد پس در فرات غسل کند و از آن خارج گردد حق تعالی در مقابل هر قدمی که بر می‌دارد یک حج و یک عمره مقبول برایش می‌نویسد و نیز ثواب یک جهاد در رکاب نبی مرسل، یا امام عادل برای او منظور می‌فرماید.

متن:

۳- حدّثنی اَبی - رحمه الله - عن محمد بن یحیی؛ و احمد بن إدريس، عن العمرکی بن علی، عن یحیی - و كان فی خدمة الإمام اَبی جعفر الثانی علیه السلام - عن محمد بن سنان، عن بشیر الدّهان «قال: سمعت ابا عبد الله علیه السلام و هو نازل بالحيرة و عنده جماعة من الشيعة فأقبل إلى بوجهه فقال: يا بشير حججت العام؟ قلت: جعلت فداك لا، ولكن عرّفت بالقبر - قبر الحسين علیه السلام - فقال: يا بشير و الله ما فاتك شيء مما كان لأصحاب مكة بمكة، قلت: جعلت فداك فيه عرفات فسرّلي؟ فقال: يا بشير إن الرجل منكم ليغتسل على شاطئ الفرات ثم يأتي قبر الحسين علیه السلام عارفاً بحقه فيعطيه الله بكلّ قدم يرفعها أو يضعها مائة حجة مقبولة و معها مائة عمرة مبرورة، و مائة غزوة مع نبي صلى الله عليه وآله مرسل إلى أعداء الله و أعداء الرسول - و ذكر الحديث -».

﴿ حدیث سوّم ﴾

ترجمه:

مترجم گوید: این حدیث با ترجمه اش در باب هفتادم ذیل حدیث شماره نه قبلاً ذکر شد.

متن:

۴- و حدّثنی محمد بن عبد الله بن جعفر الحمیری، عن أبيه، عن علی ابن محمد ابن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبد الله بن حماد البصری، عن عبد الله بن عبد الرحمن الأصم قال: حدّثنا هشام بن سالم، عن اَبی

عبدالله ﷺ - فی حدیث له طویل - «قال: أتاه رجل فقال له: هل یُزار والدک؟ فقال: نعم، فقال: ما لمن اغتسل بالفرات ثم؟ أتاه؟ قال: إذا اغتسل من ماء الفرات و هو یریده تساقطت عنه خطایاه کیوم ولدتہ أمّة - و ذکر الحدیث بطولہ -».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمہ:

مترجم می گویند:

این حدیث با ترجمه اش در باب چهل و چهارم ذیل حدیث شماره دو قبلاً ذکر شد.

متن:

۵ - حدیثی ابو محمد ہارون بن موسی الثلعکبری، عن ابی علی محمد ابن ہمام بن سہیل، عن احمد بن مائنداد، عن احمد بن المعافا التغلبی، من اهل رأس العین، عن علی بن جعفر الهمانی «قال: سمعت علی بن محمد العسکری ﷺ یقول: من خرج من بیته یرید زیارة الحسین ﷺ فصار إلى الفرات فاغتسل منه کتبہ الله [من المفلحین، فإذا سلّم علی ابی عبد الله کُتِبَ من الفائزین. فاذا فرغ من صلاته أتاه ملک فقال [له]: إن رسول الله ﷺ یقرؤک السلام و یقول لک: أمّا ذنوبک فقد غفر لک استأنف العمل».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمہ:

ابو محمد ہارون بن موسی ثلعکبری، از ابی علی محمد بن ہمام بن سہیل، از احمد ابن مائنداد، از احمد بن معافا تغلبی کہ از اهل شهر رأس العین بود، از علی

بن جعفر هَمَّانِ، رِی می گوید:

از حضرت علی بن محمد العسکری علیه السلام شنیدم که می فرمودند:
کسی که از خانه اش بیرون بیاید و قصدش زیارت حضرت امام حسین علیه السلام
باشد پس به فرات برسد و از آن غسل کند خداوند متعال او را از دستگاران
می نویسد و وقتی بر ابی عبدالله الحسین علیه السلام سلام دهد او را از فائزین قلمداد
می کند و وقتی از نمازش فارغ شود فرشته ای نزد او آمده و به او می گوید:
رسول خدا صلی الله علیه و آله به تو سلام می رساند و می فرماید:
اما گناهانت تمام آمرزیده شد پس عمل را از ابتداء شروع کن.

متن:

۶ - حَدَّثَنِي حُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلَوِيَّةِ الْإِسْفَهَانِيِّ،
عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ الثَّقَفِيِّ - رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - «أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ
عِنْدَ غَسْلِ الزِّيَارَةِ إِذَا فَرَغَ:
«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُورًا وَ طَهْرًا وَ حِرْزًا، وَ كَافِيًا مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ،
وَ مِنْ كُلِّ آفَةٍ وَ عَاهَةٍ وَ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي وَ جَوَارِحِي وَ لَحْمِي، وَ دَمِي وَ شَفْرِي،
وَ بَشْرِي وَ مَخْيِي وَ عِظَامِي وَ عَصْبِي، وَ مَا أَقْلَتِ الْأَرْضُ مِنِّي فَاجْعَلْهُ لِي شَاهِدًا
يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ يَوْمَ حَاجَتِي وَ فَقْرِي وَ فَاقَتِي».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

حسین بن محمد بن عامر، از احمد بن علویة الاصفهانی، از ابراهیم بن محمد
ثقفی بطور مرفوعه از حضرت ابي عبدالله علیه السلام نقل کرده، رِی گفت:
حضرت امام صادق علیه السلام هنگام فراغت از غسل زیارت می فرمودند:
بار خدایا این آب را بر ابراهیم نور و طهور و حرز و تعویذ و پناهگاهم قرار بده، و

آن را کفایت کننده از هر دردی و عیبی گردان، و آن را شفا دهنده از هر آفت و آسیبی تقدیرنما، و به واسطه آن قلب و اعضاء و گوشت و خون و موی و پوست و مغز و استخوان و رگ من را پاکیزه گردان و آنچه را که زمین از من می‌کاهد و در خود پنهان می‌نماید را در روز قیامت یعنی روز حاجت و نیاز و تهی دستی من شاهدم قرار بده.

متن:

۷ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ بْنِ سُهَيْلِ الْإِسْكَافِيِّ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ ابْنِ - مَالِكِ الْفَزَارِيِّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الرَّوَّاسِيِّ - عَمَّنْ حَدَّثَهُ - عَنْ بَشِيرِ الدَّهَّانِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قال: من أتى الحسين بن علي عليهما السلام فتوضأ واغتسل في الفرات لم يرفع قدماً ولم يضع قدماً إلا كتب الله له حجة و عمرة».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن همام بن سهیل اسکافی، از جعفر بن محمد بن مالک فزاری، از حسن بن عبدالرحمن رواسی، از کسی که برایش حدیث گفته، از بشیر دهان، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام حضرت فرمودند: کسی که به زیارت حسین بن علی علیهم السلام برود و وضوء گرفته و در فرات غسل نماید قدمی از زمین برنداشته و روی آن قدمی نمی‌گذارد مگر آنکه حق تعالی ثواب یک حج و یک عمره برایش منظور می‌فرماید.

متن:

۸ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ جَمِيعاً، عَنِ الْحَسَنِ ابْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبِيانَ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنِ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ، عَنِ

یوسف الكُنَاسِي، عن أبي - عبد الله عليه السلام «قال: إذا أتيت قبر الحسين عليه السلام فأتت الفُرات و اغتسل بحيالٍ قبره».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه و محمد بن الحسن جميعاً، از حسين بن الحسن بن ابان، از حسين بن سعيد، از فضالة بن أيوب، از يوسف كُنَاسِي، از حضرت ابي عبد الله عليه السلام، حضرت فرمود:
هنگامی که به زیارت قبر حسين بن علی علیه السلام رفتی پس ابتداء به فرات برو در مقابل قبر آن حضرت غسل نما.



متن:

۹ - حدثني جعفر بن محمد بن إبراهيم بن عبد الله الموسوي، عن عبيد الله بن نهيك، عن محمد القراش، عن إبراهيم بن محمد الطحان، عن بشير الدهان، عن رفاعة بن موسى النخاس، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: إنَّ من خرج إلى قبر الحسين عليه السلام عارفاً بحقِّه و بلغ الفُرات و اغتسل فيه و خرج من الماء كان كمثل الذي خرج من الذُّنوب، فإذا مشى إلى الحائر لم يرفع قدماً و لم يضع أخرى إلا كتب الله له عشر حسنات و محى عنه عشر سيئات».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

جعفر بن محمد بن إبراهيم بن عبد الله موسوي، از عبد الله بن نهيك، از محمد القراش، از إبراهيم بن محمد طحان، از بشير دهان، از رفاعة بن موسى

نخاس، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام رفته و به حق آن حضرت عارف و آگاه باشد در صورتی که به فرات رسید و در آن غسل کرد و از آب خارج شد مثل کسی است که از گناهان خارج و پاک شود، و وقتی به طرف حائر قدم بردارد قدمی از زمین برداشته و قدمی بر روی زمین نمی گذارد مگر آنکه حق تعالی ده حسنه برایش نوشته و ده گناه از او محو می فرماید.

﴿ الباب السادس السبعون ﴾

﴿ الرخصة في ترك الغسل لزيارة الحسين علیه السلام ﴾

متن:

۱- حدیثی ابی؛ و اخی، عن الحسن بن متویه بن السندي، عن أبيه قال: حدیثی محمد بن الحسين بن ابی الخطاب بالكوفة، عن صفوان بن يحيى، عن العيص بن القاسم البجلي رضی الله عنه «قال: قلت لأبي عبد الله علیه السلام: مَنْ زار الحسين بن علي علیه السلام عليه غسل؟ قال: فقال: لا.»

﴿ باب هفتاد و ششم ﴾

﴿ جواز ترك غسل برای زیارت امام حسین علیه السلام ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدر و برادرم، از حسن بن متویه بن السندي، از پدرش، وی گفت: محمد بن الحسين بن ابی الخطاب در کوفه برایم حدیث گفت، از صفوان بن يحيى، از عيص بن القاسم البجلي، وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم: بر کسی که زیارت حسین بن علی علیه السلام می رود غسل واجب است؟
 راری گفت: حضرت فرمودند: خیر.

متن:

وحدَّثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله بن أبي خَلف، عن
 محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن صفوان، عن العيص بن القاسم،
 عن أبي عبدالله عليه السلام مثله.

ترجمه:

بدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبدالله بن ابی خلف، از محمد بن الحسين
 ابن ابی الخطاب، از صفوان، از عیص بن القاسم، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام مثل
 همین حدیث را نقل کرده است.

متن:

حدَّثني محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفَّار، عن محمد
 ابن عبد الجبار، عن صفوان، عن العيص، عن أبي عبدالله عليه السلام مثله.

ترجمه:

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفَّار، از محمد بن عبد الجبار، از
 صفوان، از عیص، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام مثل همین حدیث را نقل کرده
 است.

متن:

۲ - حدَّثني عليُّ بن الحسين بن موسى، عن سعد بن عبدالله، عن أحمد ابن محمد بن عيسى، عن العباس بن معروف، عن عبدالله بن المغيرة، عن أبي اليسع «قال: سألت رجلاً أبا عبدالله عليه السلام - وأنا أسمع - عن الغسل إذ أتى قبر الحسين عليه السلام، فقال: لا».

حدَّثني جماعة مشايخي، عن سعد بن عبدالله، عن محمد بن الحسين، عن أيوب بن نوح؛ وغيره، عن عبدالله بن المغيرة قال: حدَّثنا أبو اليسع - وذكر الحديث بنفسه -

ترجمه:

● حدیث دوم ●

علی بن الحسین بن موسی از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از عباس بن معروف، از عبدالله بن مغیره، از ابی الیسع، وی گفت: شخصی از حضرت ابو عبدالله عليه السلام سؤال کرد و من نیز می شنیدم، وی پرسید: زائر وقتی به زیارت قبر حضرت امام حسین عليه السلام می رود باید غسل کند؟ حضرت فرمودند: خیر.

جماعتی از مشایخ و اساتیدم از سعد بن عبدالله، از محمد بن الحسین، از ایوب بن نوح و غیرش از عبدالله بن مغیره نقل کرده، وی گفت: ابو الیسع برای ما حدیثی گفت و همین حدیث را عیناً برای ما نقل کرد.

متن:

و حدَّثني محمد بن أحمد بن الحسين، عن الحسن بن علي بن مهزيار، عن أبيه، عن أيوب بن نوح؛ وغيره، عن عبدالله بن المغيرة، عن أبي

الْيَسَعَ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - وَذَكَرَهُ مِثْلَهُ - .

ترجمه:

محمد بن احمد بن الحسين، از حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش علی، از ایوب بن نوح و غیرش، از عبد الله بن مغیره، از ابی الیسع، وی گفت: شخصی از حضرت ابا عبدالله علیه السلام سؤال کرد... و مثل همان سؤال و جواب در حدیث قبل را ذکر نمود.

متن:

۳ - حَدَّثَنِي جَمَاعَةٌ مَشَائِخِي، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي زَاهِرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنِ الْعَيْصِ بْنِ الْقَاسِمِ الْبَجَلِيِّ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عليه السلام عَلَيْهِ غُسْلٌ؟ قَالَ: لَا».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از محمد بن یحیی عطّار، از احمد بن ابی زاهر، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از صفوان بن یحیی، از سیف بن عمیره، از عیص بن قاسم البجلی، وی گفت: محضر مبارک حضرت ابو عبدالله علیه السلام عرض کردم: آیا بر کسی که به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام می رود غسل واجب است؟ حضرت فرمودند: خیر.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى الْكَاطِمِ بْنِ جَعْفَرِ الصَّادِقِ (ع)، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ نَهْيِكَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ أَبِي حَنِيفَةَ السَّابِقِ، عَنْ يُونُسَ بْنِ عَمَّارٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) «قَالَ: إِذَا كُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا - يَعْنِي الْحُسَيْنَ (ع) - فَإِنْ أَصَبْتَ غُسْلًا فَاغْتَسِلْ، وَإِلَّا فَتَوَضَّأْ ثُمَّ ائْتِهِ».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

جعفر بن محمد بن ابراهیم بن عبدالله بن موسی الكاظم بن جعفر الصادق (ع)، از عید الله بن نهیک، از محمد بن زیاد، از ابوحنیفه سابق (یعنی سعید بن بیان)، از یونس بن عمار، از حضرت ابو عبدالله (ع)، حضرت فرمودند: وقتی نزدیک آن حضرت (یعنی حضرت امام حسین (ع)) شدی اگر به آب دست یافتی و خواستی غسل کن و الا وضوء بگیر و سپس به زیارت حضرتش برو.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَعْقُوبَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ فَضَّالٍ، عَنْ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَطِيَّةَ أَبِي نَابٍ «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الْغُسْلِ إِذَا أُتَيْتُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ (ع)، قَالَ: لَيْسَ عَلَيْكَ غُسْلٌ».

ترجمه: ﴿ حدیث پنجم ﴾

محمد بن احمد بن یعقوب، از علی بن الحسن بن فضال، از عباس بن عامر، از حسن بن عطیة امی ناب، ری می گوید:
از حضرت ابا عبدالله علیه السلام پرسیدم
هنگامی که به زیارت قبر حضرت علیه السلام می روم آیا بر من غسل لازم است؟
حضرت فرمودند: بر تو غسل نمی باشد.

متن:

۶ - حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ الزُّبَيْرِ بْنِ الطَّبَرِيِّ بِإِسْنَادٍ لَهُ - يَرْفَعُهُ إِلَى الصَّادِقِ علیه السلام - « قَالَ: قُلْتُ: رُبَّمَا أَتَيْنَا قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَيُصْعَبُ عَلَيْنَا الْغَسْلَ لِلزِّيَارَةِ مِنَ الْبَرْدِ أَوْ غَيْرِهِ؟ فَقَالَ علیه السلام: مَنْ اغْتَسَلَ فِي النُّعْرَاتِ وَزَارَ الْحُسَيْنَ علیه السلام كُتِبَ لَهُ مِنَ الْفَضْلِ مَا لَا يَحْصَى، فَتَى مَا رَجَعَ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي اغْتَسَلَ فِيهِ [و] تَوْضُّأً وَزَارَ الْحُسَيْنَ علیه السلام كُتِبَ لَهُ ذَلِكَ الثَّوَابِ.»

ترجمه: ﴿ حدیث ششم ﴾

حسن بن زبیرقان الطبری باسنادش به طور مرفوعة امام صادق علیه السلام، وی می گوید:
محضر مبارک امام صادق علیه السلام عرض کردم: بسا به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام می رویم و به جهت سرما یا غیر آن غسل زیارت بر ما مشکل می باشد چه کنیم؟
حضرت فرمودند:
کسی که در فرات غسل کرده و حسین علیه السلام را زیارت نماید برایش به اندازه ای

فضيلت منظور می شود که قابل احصاء و شمارش نیست و زمانی که برگردد به آنجائی که غسل کرده و این بار وضوء گرفته و حضرت را زیارت کند همان ثواب و فضيلت برای او نوشته می شود.

﴿ الباب السابع و السبعون ﴾

﴿ ان زائري الحسين عليه السلام العارفين بحقه تشيعهم الملائكة ﴾
 ﴿ و تستقبلهم و تغوذهم إذا مرضوا، ويشهدونهم إذا ماتوا ﴾
 ﴿ و يستغفرون لهم إلى يوم القيامة ﴾

متن:

۱ - حدّثني أبي؛ و محمد بن الحسن، عن الحسين بن الحسن بن أبان، عن الحسين بن سعيد، عن القاسم بن محمد الجوهري، عن إسحاق بن إبراهيم، عن هارون بن خارجة، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: سمعته يقول: وكلّ الله بقبر الحسين عليه السلام أربعة آلاف ملكٍ شعثاً غبراً يكونه إلى يوم القيامة، فمن زاره عارفاً بحقه شيعوه حتى يبلغوه مآمنه، وإن مرض عادوه غُدوةً و عشيّة، وإن مات شهدوا جنازته و استغفروا له إلى يوم القيامة».

﴿ باب هفتاد و هفتم ﴾

﴿ در بیان اینکه ﴾

﴿ زائرین حضرت امام حسین علیه السلام که به حق آن حضرت عارف ﴾

﴿ هستند فرشتگان به مشایعت و استقبالشان رفته و هنگام ﴾

﴿ مرض عیادتشان نموده و در هنگام مرگ بر بالین آنها ﴾

﴿ حاضر شده و برای ایشان تا روز قیامت طلب ﴾

﴿ مقفرت می کنند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن الحسن از حسین بن حسن بن ابان، از حسین بن سعید، از قاسم بن محمد جوهری، از اسحاق بن ابراهیم، از هارون بن خارجه، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی گفت:

شنیدم که حضرت می فرمودند:

خداوند متعال چهار هزار فرشته را موکل قبر حضرت امام حسین علیه السلام فرموده که جملگی ژولیده و غبارآلود و گرفته بوده و تا روز قیامت بر آن جناب گریه می کنند، پس کسی که حضرت را زیارت کند و به حق آن حضرت عارف باشد این فرشتگان او را مشایعت کرده تا وی را به منزلش برسانند و اگر بیمار شود صبح و شام عبادتش کرده و اگر فوت کند بر جنازه اش حاضر شده و تا روز قیامت برای او طلب آمرزش می کنند.

متن:

۲ - حدیثی محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن

إساعیل بن بزیع، عن أبی إساعیل السراج، عن یحیی بن مُعمر العطار،

عن أبي بصير، عن أبي جعفر عليه السلام «قال: أربعة آلاف ملكٍ سُعت عُبر
يكون الحسين عليه السلام إلى يوم القيامة فلا يأتيه أحدٌ إلا استقبلوه، ولا يرجع
أحد من عنده إلا شيعوه ولا يمرض أحدٌ إلا عاده، ولا يموت أحدٌ إلا
شهوده».

و حدیثی اُبی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله عن احمد بن محمد
ابن عیسی، عن محمد بن اسماعیل بن بزیر باسناده مثله.
حدیثی اُبی - رحمه الله - عن سعد عن محمد بن الحسین، عن موسی بن
سعدان، عن عبدالله بن القاسم، عن عمر بن أبان، عن اُبی عبدالله عليه السلام
مثله.



« حدیث دوم »

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل بن بزیر، از اُبی
اسماعیل السراج، از یحیی بن معمر عطار، از اُبی بصیر، از مولانا اُبی جعفر عليه السلام،
حضرت فرمودند:

چهار هزار فرشته زولیده و غبار آلود و گرفته بر حضرت امام حسین عليه السلام تا
روز قیامت می‌گیرند پس احدی به زیارت حضرت نمی‌آید مگر آنکه ایشان
استقبالش می‌کنند و احدی از نزد آن جناب بر نمی‌گردد مگر آنکه این فرشتگان
مشایعتش می‌نمایند، و احدی از زوار آن حضرت بیمار نمی‌شود مگر آنکه این
فرشتگان عیادتش می‌کنند و احدی از زائرین آن مظلوم فوت نمی‌کند مگر آنکه
این فرشته‌ها بر جنازه‌اش حاضر می‌گردند.

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از
محمد بن اسماعیل بن بزیر مثل همین حدیث را نقل کرده است.

پدرم رحمة الله عليه، از سعد، از محمد بن الحسين، از موسی بن سعدان، از عبدالله بن القاسم، از عمر بن ابان از حضرت ابی عبدالله علیه السلام مثل همین حدیث را نقل کرده است.

متن:

۳ - حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ نَهْيَكٍ، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ سَلْمَةَ صَاحِبِ السَّابِرِيِّ، عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ إِلَى جَانِبِكُمْ قَبْرًا مَا أَتَاهُ مَكْرُوبٌ إِلَّا نَفَسَ اللَّهُ كُرْبَتَهُ وَقَضَى حَاجَتَهُ، وَإِنَّ عِنْدَهُ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلِكٍ مِنْذُ يَوْمِ قُبُضِ شُعْبَةَ غُبْرًا يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَمَنْ زَارَهُ شَبِعُوهُ [إِلَى مَا فِيهِ]، وَمَنْ مَرَضَ عَادُوهُ، وَمَنْ مَاتَ اتَّبَعُوا جَنَازَتَهُ».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

جعفر بن محمد بن ابراهیم از عبدالله بن نهیک، از ابن ابی عمیر، از سلمه صاحب سابری، از ابی الصباح الكنانی وی می گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمودند:

در طرف و حوالی شما قبری است که هیچ غمگینی به زیارتش نرفته مگر خداوند متعال غم او را برطرف کرده و حاجتش را برآورده می کند و در نزد آن قبر چهار هزار فرشته بوده که از زمان شهادت صاحب قبر این فرشتگان به هیشی زولیده و حالی گرفته و غبارآلود تا روز قیامت بر او می گریند، پس هر کس او را زیارت کند فرشتگان او را مشایعت کرده و اگر مریض شود عیادتش نموده و اگر از دنیا برود جنازه اش را تشییع می کنند.

متن:

۴- حدیثی آبی - رحمه الله - و جماعة مشایخی، عن محمد بن یحیی العطار، عن حمدان بن سلیمان النسیابوری، عن عبدالله بن محمد الیمانی، عن منیع بن الحجاج، عن یونس بن عبدالرحمن، عن صفوان الجمال، عن ابي عبدالله علیه السلام «قال: إنَّ الرَّجُلَ إذا خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ يَريدُ زيارَةَ الحُسينِ علیه السلام شيعته سبعمائه ملكٍ مِنْ فِوقِ رَأْسِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ، وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ، وَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ حَتَّى يَبْلُغَهُ مَأْمَنُهُ، فَإِذَا زارَ الحُسينَ علیه السلام ناداهُ مُنادٍ: قد عُفِرَ لَكَ فَاسْتَأْنِفِ العَمَلَ، ثُمَّ يَرجعونَ مَعَهُ مَشِيَّعِينَ لَهُ إِلى مَنْزِلِهِ، فَإِذَا حَاصَرُوا إِلى مَنْزِلِهِ قالوا: «نَسْتَوْدِعُكَ اللهُ»، فلا يزالون يَزورونَهُ إِلى يَومِ ماتِهِ، ثُمَّ يَزورونَهُ قَبْرَ الحُسينِ علیه السلام في كُلِّ يَومٍ، وَ ثَوابُ ذَلكَ لِلرَّجُلِ» بن سیدی

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از محمد بن یحیی العطار، از حمدان بن سلیمان نیشابوری، از عبدالله بن محمد یمانی، از منیع بن حجاج، از یونس عبدالرحمن، از صفوان جمال، از حضرت ابي عبدالله علیه السلام حضرت فرمودند:

هنگامی که شخصی به قصد زیارت حضرت امام حسین علیه السلام از منزلش بیرون می‌رود هفتصد فرشته از بالای سر و زیر پا و دست راست و طرف چپ و از مقابل و از پشت سر او را مشایعت کرده تا وی را به مقصدش برسانند و وقتی وی آن حضرت را زیارت کرد منادی ندا می‌دهد: گناهانت آمرزیده شد اعمال را از ابتداء شروع کن، سپس فرشتگان با او مراجعت کرده و وی را همچنان

مشایعت نموده تا او را به منزلش برسانند و وقتی به منزلش رسیدند می‌گویند:
ما تو را به خدا می‌سپاریم.

پس پیوسته او را زیارت کرده تا روز فوتش فرا برسد، و پس از فوت در هر روز قبر حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کرده و ثواب آن برای آن شخص منظور می‌گردد.

متن:

۵ - و عنه، عن محمد بن یحیی باسناده إلى فنیع، عن زیاد، عن
عبدالله بن مسكان، عن محمد الحلبي «قال: سمعت أبا عبدالله علیه السلام يقول:
إنَّ الله وكل بقبر الحسين علیه السلام أربعة آلاف ملكٍ شُفَعَاءُ عِبْرَاءُ إِلَى أَنْ تَقُومَ
السَّاعَةُ، يَشْفَعُونَ مِنْ زَارِعَةٍ، يَعُودُونَ إِذَا مَرَضَ، وَيَشْهَدُونَ جَنَازَتَهُ إِذَا
مَاتَ».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

از پدرم، از محمد بن یحیی باسنادش تا منیع، از زیاد، از عبدالله بن مسکان، از
محمد حلبی، وی گفت: شنیدم حضرت ابا عبدالله علیه السلام می‌فرمودند:
خداوند متعال چهار هزار فرشته را موکل قبر مطهر حضرت سید الشهداء قرار
داده که همگی ژولیده و غبارآلود و گرفته هستند و تا قیامت اطراف آن قبر
می‌باشند، وقتی کسی حضرت را زیارت کند این فرشتگان مشایعتش کرده و
هنگامی که زائر بیمار شود او را عیادت نموده و زمانی که از دنیا برود بر سر
جنازه‌اش حاضر می‌گردند.

متن:

٦ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ وَلِيدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّقَّارِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ أَبَانَ، عَنْ أَبِي حمزة، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قال: إنَّ اللَّهَ وَكُلَّ بَقِيرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكٍ شُعْنًا غَيْرًا، فَلَمَّ يَزُلُّ يَبْكُونَهُ مِنْ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى زَوَالِ الشَّمْسِ، فَإِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ هَبَطَ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكٍ وَصَعِدَ الْأَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكٍ، فَلَمَّ يَزُلُّ يَبْكُونَهُ حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ، وَيَشْهَدُونَ لِمَنْ زَارَهُ بِالْوَفَاءِ وَيَشْفَعُونَ لَهُ إِلَى أَهْلِهِ، وَيَعُودُونَهُ إِذَا مَرَضَ، وَيُصَلُّونَ عَلَيْهِ إِذَا مَاتَ».



﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

مترجم گوید: این حدیث با ترجمه اش در باب بیست و هفتم ذیل شماره یازده قبلاً نقل گردید.

متن:

٧ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَجَمَاعَةٌ مَشَايِخِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ جَدِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ رَاشِدٍ، عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام «قال: من خرج من بيته يريد زيارة قبر أبي عبد الله الحسين عليه السلام وكلَّ الله به ملكاً فوضع إصبعه في قفاه، فلم يزل يكتب ما يخرج من فيه حتى يرد الحائر، فإذا دخل من باب الحائر وضع كفه وسط ظهره، ثم قال له: أمّا ما مضى فقد غفر الله لك، فاستأنف العقل».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

مترجم گوید:

این حدیث با ترجمه‌اش در باب شصت و دوّم ذیل شماره هفتم قبلاً نقل گردید.

متن:

حدّثني محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار، عن احمد ابن محمد بن عيسى، عن القاسم بن يحيى، عن جدّه الحسن بن راشد، عن أبي ابراهيم عليه السلام قال من خرج من بيته يريد زيارة قبر الحسين عليه السلام - مثله.



ترجمه:

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از قاسم بن یحیی، از جدّش حسن بن راشد، از حضرت ابی ابراهیم علیه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که از خانه‌اش بیرون بیاید و قصدش زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام باشد... سپس بقیه حدیث را مثل حدیث گذشته ذکر فرموده.

متن:

۸ - حدّثني أبي؛ و محمد بن عبد الله - رحمهما الله - جميعاً، عن عبد الله بن جعفر الحميري، عن ابراهيم بن مهزيار، عن أخيه علي بن مهزيار، عن أبي القاسم، عن القاسم بن محمد، عن إسحاق بن ابراهيم، عن هارون بن خارجه «قال: سألت رجلاً أبا عبد الله عليه السلام - و أنا عند -

فقال: ما لِن زار قبر الحسين؟ قال: إنَّ الحسين لما أُصيب بكَتفه حتى البلاد، فوكل الله به أربعة آلاف ملكٍ شغلاً عُبراً يبيكونه إلى يوم القيامة، فن زاره عارفاً بحقِّه شيوعه حتى يُبْلغوه مأمنه، وإن مرض عادوه عُدوةً و عشيّة، وإن مات شهدوا جنازته و استغفروا له إلى يوم القيامة».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن عبدالله رحمة الله عليهما جملگی از عبدالله بن جعفر حمیری، از ابراهیم بن مهزیار، از برادرش علی بن مهزیار، از ابی القاسم، از قاسم بن محمد، از اسحاق بن ابراهیم، از هارون بن خارجه، وی می گوید: شخصی از حضرت ابو عبدالله علیه السلام سؤال کرد و من نیز در آنجا حاضر بودم، سائل پرسید؟ ثواب کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کند چیست؟ حضرت فرمودند:

هنگامی که حضرت امام حسین علیه السلام به مصیبت گرفتار شدند موجودات جملگی بر او گریستند حتی شهرها پس حق تعالی چهار هزار فرشته را بر قبر مطهرش موکل ساخت که جملگی ژولیده و غبارآلود و گرفته بوده و تا روز قیامت بر آن جناب می گریند، پس کسی که آن حضرت را زیارت کند و به حقش آگاه و عارف باشد این فرشتگان مشایعتش کرده تا وی را به مقصدش برسانند و اگر بیمار گردد صبح و شام عیادتش کنند و اگر از دنیا رفت بر جنازه اش حاضر شده و تا روز قیامت برای او طلب آمرزش می کنند.

متن:

۹ - حدیثی محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن موسى بن سعدان، عن عبدالله بن القاسم، عن عمر بن أبيان الكلبي، عن

أبان بن تغلب «قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: هبط أربعة آلاف ملك يريدون القتال مع الحسين، لم يؤذن لهم في القتال فرجعوا في الاستيذان، فهبطوا وقد قُتل الحسين عليه السلام فهم عند قبره شعثٌ غبرٌ سيكونه إلى يوم القيامة، رئيسهم ملك يقال له: المنصور، فلا يزوره زائرٌ إلا استقبلوه، ولا يُودَّعه مُودِّعٌ إلا شيَّعوه، ولا يمرض مريضٌ إلا عادوه، ولا يموت إلا صلوا على جنازته و استغفروا له بعد موته، وكلُّ هؤلاء في الأرض ينتظرون قيام القائم عليه السلام».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمہ:

مترجم گوید:

این حدیث در ضمن حدیث طولانی با ترجمہ اش قبلاً در باب چہل و یکم ذیل شمارہ پنجم نقل شد.

متن:

۱۰ - حدَّثني أبو العباس الرِّزَّان، عن ابن أبي الخطاب قال: حدَّثني محمد بن الفضيل، عن محمد بن مزارب، عن مالك الجُهَني، عن أبي جعفر عليه السلام «قال: قال: يا مالك إنَّ اللهَ تبارك و تعالی لما قبض الحسين عليه السلام بعث إليه أربعة آلاف ملكٍ شعثاً غبراً سيكونه إلى يوم القيامة، فمن زاره عارفاً بحقه غفر الله ما تقدَّم من ذنبه و ما تأخَّر، و كتب له حجَّة، و لم يزل محفوظاً حتى يرجع إلى أهله؛ قال: فلما مات مالك - و قبض أبو جعفر عليه السلام - دخلت على أبي عبد الله عليه السلام فأخبرته بالحديث، فلما انتهيت إلى «حجَّة» قال: و عمرة يا محمد».

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

ابوالعباس رزازی، از ابن ابی الخطاب، وی می‌گوید: محمد بن فضیل، از محمد ابن مضارب، از مالک جهنی، از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

ای مالک هنگامی که حق تعالی حضرت امام حسین علیه السلام را قبض روح کرد چهار هزار فرشته بر سر قبرش گسیل داشت که جملگی زولیده و غبارآلود و گرفته بوده و تا روز قیامت بر او می‌گریند، پس کسی که او را زیارت کند و به حقش معرفت داشته باشد خداوند متان گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌آمرزد و برای او یک حج می‌نویسد و پیوسته محفوظش داشته تا به اهلش مراجعت کند.



محمد بن مضارب می‌گوید: وقتی مالک از دنیا رفت و حضرت ابو جعفر علیه السلام نیز قبض روح شدند بر حضرت ابی عبدالله علیه السلام داخل شده و حدیث مذکور را محضر مبارکش بازگو کردم و وقتی به کلمه «کتب له حجة» مشغول شدم، حضرت فرمودند: ای محمد حجة و عمرة.

﴿ الباب الثامن والسبعون ﴾

﴿ فیمن ترک زیارة الحسین علیه السلام ﴾

متن:

۱- حدیثی الحسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، عن ابیه، عن الحسن ابن محبوب، عن عاصم بن حمید الحنطی، عن محمد بن مسلم، عن ابی جعفر علیه السلام «قال: قال: من لم یأت قبر الحسین علیه السلام من شیعتنا کان مُستتص

الإيمان، مُنتَقِص الدِّين، وإن دخل الجنة كان دون المؤمنين في الجنة».

﴿ باب هفتاد و هشتم ﴾

﴿ درباره کسانی که زیارت حضرت امام حسین علیه السلام را ترک می‌کنند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله، از محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از عاصم بن حمید حنّاط، از محمد بن مسلم، از حضرت ابی جعفر علیه السلام، محمد بن مسلم می‌گوید:

حضرت ابو جعفر علیه السلام فرمودند:

هر کس از شیعیان ما که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام نرود ایمان و دینش ناقص بوده و اگر داخل بهشت شود در مقامی پائین تر از مؤمنین باشد.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّفَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ، عَنْ عَنبَسَةَ بْنِ مُضْعَبٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: مَنْ لَمْ يَأْتِ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام حَتَّى يَمُوتَ كَانَ مُنْتَقِصَ الدِّينِ، مُنْتَقِصَ الْإِيمَانِ، وَإِنْ [أ]دَخَلَ الْجَنَّةَ كَانَ دُونَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الْجَنَّةِ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن احمد بن ولید، از محمد بن الحسن الصفّار، از احمد بن محمد بن عیسی، از علی بن الحکم، از ابی المغراء، از عنبسة بن مضعب، از

حضرت ابی عبداللہ علیه السلام حضرت فرمودند:

کسی که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام نرود تا از دنیا برود دین و ایمانش ناقص بوده و اگر به بهشت داخل شود در مرتبه پائین تر از مؤمنین می باشد.

متن:

۳ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ - عَنْ رَجُلٍ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام «قَالَ: مَنْ لَمْ يَأْتِ قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام وَ هُوَ يَزْعُمُ أَنَّهُ لَنَا شِيعَةٌ حَتَّى يَمُوتَ فَلَيْسَ هُوَ لَنَا بِشِيعَةٍ، وَإِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَهُوَ مِنْ ضَيْفَانِ أَهْلِ الْجَنَّةِ».



ترجمه: **حدیث سوم**

پدرم رحمه الله عليه و على بن الحسين از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد ابن عيسى، از پدرش، از سيف بن عميره، از شخصی، از حضرت ابی عبداللہ علیه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام نرود و گمانش این باشد که از شیعیان ما است و با این حال فوت کند او شیعه ما نیست و اگر از اهل بهشت هم باشد میهمان بهشتیان محسوب می شود.

متن:

۴ - وَ بِإِسْنَادِهِ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنْ أَبِي بَكْرِ الْحَضْرَمِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام «قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَعْلَمَ أَنَّهُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ

فليعرض حُبَّتَا عَلِيَّ قَلْبِهِ، فَإِنْ قَبِلَهُ فَهُوَ مُؤْمِنٌ، وَ مَنْ كَانَ لَنَا مُحِبًّا فَلْيَرْغَبْ فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام، فَمَنْ كَانَ لِلْحُسَيْنِ عليه السلام زُورًا أَوْ عَرَفَنَاهُ بِالْحُبِّ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، وَ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ لِلْحُسَيْنِ زُورًا كَانَ نَاقِصَ الْإِيمَانِ».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدرم به اسنادش از سیف بن عمیره، از ابی بکر حضرمی، از حضرت ابی جعفر علیه السلام، ابی بکر حضرمی گوید:

شنیدم که حضرت ابو جعفر علیه السلام می فرمودند:

کسی که می خواهد بداند آیا اهل بهشت هست یا نه، پس حب و دوستی ما را بر دلش عرضه کند اگر دلش آن را پذیرفت پس او مؤمن است و کسی که محب و دوست دار ما است باید در زیارت امام حسین علیه السلام راغب باشد، بنابراین شخصی که زائر امام حسین علیه السلام باشد ما او را محب خود می دانیم و از اهل بهشت خواهد بود و کسی که زوار حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام نباشد ناقص الایمان است.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ جَمَاعَةٌ مَشَائِخِي، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ، عَنِ الْعَمْرِيِّ بْنِ عَلِيِّ الْبُؤْفَكِيِّ - عَنِ حَدَّثِهِ - عَنْ صَنْدَلٍ، عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: سَأَلْتُهُ عَمَّنْ تَرَكَ الزِّيَارَةَ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ؟ قَالَ: هَذَا رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ النَّارِ».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

از پدرم رحمة الله عليه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از احمد بن ادریس، از عمرکی بن علی بوفکی، از کسی که برایش حدیث گفته، از صندل، از هارون ابن شارجه، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، هارون گوید:
از امام علیه السلام راجع به کسی که بدون علت زیارت حضرت ابا عبدالله علیه السلام را ترک می کند سؤال کردم؟ حضرت فرمودند:
چنین کسی از اهل جهنم می باشد.

متن:

۶ - حدیثی محمد بن جعفر الرزاز الكوفي القرشي، عن خاله محمد بن الحسين بن أبي الخطاب - عن حدیثه - عن علی بن میمون «قال: سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول: لو أن أحدكم حجَّ ألف حجَّة ثم لم يأت قبر الحسين بن علی علیه السلام لكان قد ترك حقاً من حقوق الله تعالى، و سُئِلَ عن ذلك فقال: حقُّ الحسين علیه السلام مفروضٌ على كلِّ مسلم».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزاز کوفی قرشی، از دانی خود محمد بن حسین بن ابی الخطاب، از کسی که برایش حدیث گفته، از علی بن میمون وی گفت: از حضرت ابو عبدالله علیه السلام شنیدم که می فرمودند:
اگر یکی از شما هزار مرتبه به حج رود ولی به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام نرود مسلماً حقّی از حقوق خداوند تعالی را ترک کرده و قیامت از آن مورد سؤال و بازخواست واقع می شود، سپس حضرت فرمودند: حق امام حسین علیه السلام بر هر مسلمانی واجب و لازم است.

متن:

۷- حدّثني محمد بن عبد الله بن جعفر الحميري، عن أبيه، عن علي بن محمد بن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبد الله بن حماد البصري، عن عبد الله بن عبد الرحمن الأصم قال: حدّثنا هشام بن سالم، عن أبي عبد الله (عليه السلام) أنه قال - في حديث طويل - «أنه أتاه رجل فقال له: هل يُزار والدك؟ فقال: نعم، قال: فالمن زاره؟ قال الجنة إن كان يأتهم به، قال: فالمن تركه رغبة عنه؟ قال: الحسرة يوم الحسرة - وذكر الحديث بطوله -».



ترجمه:

مترجم گوید: این حدیث با ترجمه اش در باب جهل و چهارم ذیل شماره دوم

مراکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

نقل شد.

﴿ الباب التاسع و السبعون ﴾

﴿ زیارات الحسین بن علی (علیه السلام) ﴾

متن:

۱- حدّثني محمد بن جعفر الرزاز الكوفي، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن عبد الرحمن بن أبي نجران، عن يزيد بن إسحاق شعرا، عن الحسن بن عطية، عن أبي عبد الله (عليه السلام) «قال: إذا دخلت الحائر فقل:
اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا مَقَامٌ كَرَّمْتَنِي بِهِ وَشَرَّفْتَنِي بِهِ، اللَّهُمَّ فَأَعْطِنِي فِيهِ رَغْبَتِي عَلَى حَقِيقَةِ إِيْمَانِي بِكَ وَبِرُسُلِكَ، سَلَامٌ اللَّهُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ،

وَسَلَامٌ مَلَائِكَتِهِ فِيمَا تَرُوحُ وَتَعْتَدِي بِهِ الرَّائِحَاتِ الطَّاهِرَاتِ [الطَّيِّبَاتِ] لَكَ وَعَلَيْكَ، وَسَلَامٌ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَسَلَامٌ عَلَى الْمُسْلِمِينَ لَكَ بِقُلُوبِهِمْ، النَّاطِقِينَ لَكَ بِفَضْلِكَ بِأَلْسِنَتِهِمْ، أَشْهَدُ أَنَّكَ صَادِقُ صِدِّيقٍ، صَدَقْتَ فِيمَا دَعَوْتَ إِلَيْهِ، وَصَدَقْتَ فِيمَا أَتَيْتَ بِهِ، وَأَنَّكَ تَأْرُ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ مِنَ الدَّمِ الَّذِي لَا يَذْرُكُ نَأْرُهُ مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا بِأَوْلِيَائِكَ، اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ مَشَاهِدَهُمْ وَشَهَادَتَهُمْ حَتَّى تُلْحِقَنِي بِهِمْ وَتَجْعَلَنِي لَهُمْ قَرِطاً وَتَابِعاً فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.»

﴿ باب مفتاد و نهم ﴾

﴿ در نقل زیارات وارده برای حضرت حسین بن علی علیه السلام ﴾

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی
﴿ زیارت اول ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزاز کوفی، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از عبدالرحمن بن ابی نجران، از یزید بن اسحاق شعر، از حسن بن عطیه، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام حضرت فرمودند:

وقتی داخل حائر شدی، بگو:

بار خدایا این مقام و مرفعتی است که به واسطه‌اش من را مورد کرامت و شرافت قرار دادی، خداوند! ببخشای به من و ایجاد کن در من رغبت و میل به این مقام را در حالی که بر حقیقت ایمان به تو و به فرستادگانت ثابت می‌باشم، سلام و درود خدا بر تو ای فرزند رسول خدا، و سلام و درود فرشتگان خوشبو و پاکیزه‌اش در شامگاه و بامداد برای تو و بر تو باد، و سلام و درود بر فرشتگان مقرب خدا، و درود بر کسانی که با دل تو را پذیرفته و تسلیمت شدند، کسانی که

با زبانشان فضل تو را بیان کردند، شهادت می‌دهم که تو راستگو و درست می‌باشی، در آنچه به آن دعوت نمودی راست گفتی، و در آنچه انجام دادی و عمل کردی راست می‌گفتی، تو خون خدا در زمین هستی (یعنی طالب خون تو خدا می‌باشد) خونی که خون خواهی و طلب نمی‌شود مگر بوسیله اولیاء و دوستانت، خدایا مشاهد و شهادت ایشان را محبوب من نما (یعنی من را نیز شهید گردان همان طوری که ایشان را شهید فراردادی) تا من را به آنها ملحق کرده و در دنیا و آخرت تابعشان قرار دهی.

متن:

ثُمَّ تَمْشِي قَلِيلًا وَ تَكْبَرُ سَبْعَ تَكْبِيرَاتٍ، وَ ثُمَّ تَقُومُ بِحِجَالِ الْقَبْرِ وَ تَقُولُ:
 «سُبْحَانَ الَّذِي سَبَّحَ لَهُ الْمَلَكُ وَالْمَلَكُوتُ، وَقَدَّسَتْ بِأَسْمَائِهِ جَمِيعَ
 خَلْقِهِ، وَ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْقَدُّوسِ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ، اللَّهُمَّ
 اكْتُبْنِي فِي وَفْدِكَ إِلَى خَيْرِ بَقَائِكَ وَ خَيْرِ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ الْعَنِ الْجَبْتِ
 وَالطَّاعُوتِ، وَالْعَنِ أَشْيَاعِهِمْ وَ أَتْبَاعِهِمْ، اللَّهُمَّ أَشْهِدْنِي مَشَاهِدَ الْخَيْرِ
 كُلِّهَا مَعَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، اللَّهُمَّ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا، وَ اجْعَلْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ مَعَ
 الْبَاقِينَ الْوَارِثِينَ الَّذِينَ يَرْتَوُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ مِنْ عِبَادِكَ
 الصَّالِحِينَ».

﴿ دنباله زیارت اول ﴾

ترجمه:

سپس اندکی راه برو و هفت تکبیر گفته پس از آن در مقابل قبر مطهر بایست

و بگو:

منزه است آن کسی که عالم ماده و عقل او را تسبیح می‌گویند، و پاکیزه‌اند تمام

آفریده‌ها بواسطه اسمائش (مقصود از اسماء عالم خلق و ایجاد است)، منزّه است خداوندی که فرمانروای عالم هستی است و از کل نقائص و شئون ماده مبرا بوده و پروردگار فرشتگان و روح می‌باشد، بار خدایا نام من را در زمره کسانی بنویس که به سوی بهترین اماکن زمین و بالاترین مخلوقات سفر می‌کنند، خداوندا هر جبت (کسی که خیری در او نیست) و طاغوتی (هر معبودی که غیر خدا است) را از رحمتت به دور دار، و نیز دنباله‌رو و تابعین آنها را مورد لعن خود قرار بده، خداوندا من را در تمام مشاهد خیر با اهل بیت پیغمبرت حاضر و شاهد بگردان، بار خدایا من را مسلمان از این دنیا ببر، و قدم راست (شاید مراد اعمال خیر باشد) برایم با آنان که زنده‌اند قرار بده، زنده‌هایی که بنده‌گان صالح تو بوده و وارث بهشت بوده و در آن جاودانه خواهند ماند.



متن:

مَرَاتِبُ تَكْبِيرِ عَمَلِ عَسَدِي

ثُمَّ كَبْرَ خَمْسِ تَكْبِيرَاتٍ، ثُمَّ تَمَشِي قَلِيلًا وَ تَقُولُ:

«اللَّهُمَّ إِنِّي بِكَ مُؤْمِنٌ وَبِوَعْدِكَ مُوقِنٌ، اللَّهُمَّ اكْتُبْ لِي إِيمَانًا وَتَبَشُّدًا فِي قَلْبِي، اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا أَقُولُ بِلِسَانِي حَقِيقَةً فِي قَلْبِي وَشَرِيعَةً فِي عَمَلِي، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ لَدُنْكَ مَعَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدَمٌ ثَابِتٌ، وَأُثْبَتِي فِي مَنِّ اسْتَشْهِدَ مَعَهُ».

﴿ دُنْيَا لُ زِيَارَتِ اَوَّل ﴾

ترجمه:

سپس پنج تکبیر گفته و پس از آن اندکی راه برو و بگو:

بارخدایا من به تو ایمان داشته و به آنچه وعده داده‌ای یقین دارم، خدایا برای من ایمان را بنویس و نصیبم گردان و در قلبم ثابتش نما، بارخدایا آنچه را که با زبانم می‌گویم حقیقتش را در قلبم قرار بده و ظاهرش را در عملم جاوه‌گر نما، خداوندا من را از کسانی قرار بده که با حضرت امام حسین علیه السلام ثابت قدم بودند،

و من را در عداد آنانکه با آن حضرت شهید شدند ثبت و ضبط بفرما.

متن:

ثُمَّ كَبَّرَ ثَلَاثَ تَكْبِيرَاتٍ وَ تَرَفَعَ يَدَيْكَ حَتَّى تَضَعَهَا عَلَى الْقَبْرِ جَمِيعاً، ثُمَّ

تقول:

«أَشْهَدُ أَنَّكَ طَهُرْتَ طَاهِرًا مِنْ طَهْرٍ طَاهِرٍ، طَهَّرْتَ وَطَهَّرْتَ بِكَ الْبِلَادَ، وَطَهَّرْتَ أَرْضَ أَنْتَ بِهَا، وَطَهَّرْتَ حَرَمُكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمَرْتَ بِالْقِسْطِ وَالْعَدْلِ، وَدَعَوْتَ إِلَيْهَا، وَأَنَّكَ نَارُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ حَتَّى يَسْتَشِيرُ لَكَ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِهِ».

ثُمَّ ضَعَّ خَدَّيْكَ جَمِيعاً عَلَى الْقَبْرِ، ثُمَّ تَجَلَّسَ وَ تَذَكَرَ اللَّهَ بِمَا سِئَتْ وَ تَوَجَّهَ إِلَى اللَّهِ فِيمَا سِئَتْ أَنْ تَتَوَجَّهَ، ثُمَّ تَعُودُ وَ تَضَعُ يَدَيْكَ عِنْدَ رِجْلَيْهِ، ثُمَّ تَقُولُ:

«صَلَّوَاتُ اللَّهِ عَلَى رُوحِكَ وَعَلَى بَدَنِكَ، صَدَقْتَ وَأَنْتَ الصَّادِقُ الْمَصْدَقُ، وَقَتَلَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ بِالْأَيْدِي وَالْأَلْسُنِ».

ثُمَّ تَقْبَلُ إِلَى عَلِيِّ ابْنِهِ فَتَقُولُ مَا أَحْبَبْتَ،

﴿ دنباله زیارت اول ﴾

ترجمه:

سپس سه تکبیر بگو و دو دستت را بلندکن به طوری که تمام دو دست را روی قبر بگذاری، پس از آن بگو:

شهادت می‌دهم که تو نفس پاکیزگی پاک بوده و از نفس پاکیزگی پاک ناشی شده‌ای، پاک هستی و بواسطه تو بلاد و شهرها پاک گشته‌اند، و پاک است سرزمینی که تو در آن می‌باشی، و پاک است حرم تو، شهادت می‌دهم که به میانه

روی و عدالت امر فرمودی، و به سوی ایندو دیگران را خواندی، و شهادت می‌دهم که تو خون خدا در روی زمین می‌باشی حتی حضرت باری تعالی از جمیع خلقش (یعنی کسانی که در خون تو دست داشته و یا به آن راضی بوده‌اند) خون خواهی می‌کند.

سپس دو طرف صورت را بر قبر بگذار و پس از آن بنشین و هر ذکر که خراستی بگو و متوجه به خدا بشو پس از آن بگرد و دو دست را پایین پا بگذار و بگو:

صلوات و رحمت خدا بر جان و جسمت باد، راست گفتمی و تو راست‌گو و مورد تصدیق می‌باشی، و خدا بکشد آنان را که با دست و زبان تو را کشتند.

سپس رو به علی اکبر فرزند آن حضرت کن و آنچه خواستی بگو: (یعنی طالب خون تو خدا می‌باشد) خونی که خونخواهی و طلب نمی‌شود مگر به وسیله اولیاء و دوستانت، خدایا محبوب من گردان مشاهد و شهادت ایشان را (یعنی شهادت را محبوب من گردان) تا من را به ایشان ملحق گردانی و نیز من را در دنیا و آخرت تابع ایشان نمائی.

متن:

ثُمَّ تَقُومُ قَائِمًا فَتَسْتَقْبِلُ قُبُورَ الشُّهَدَاءِ فَتَقُولُ:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الشُّهَدَاءُ، أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ، أَبَشِّرُوا بِمَوْعِدِ اللَّهِ الَّذِي لَا خُلْفَ لَهُ، اللَّهُ مُدْرِكٌ لَكُمْ وَتُرْكُمُ وَمُدْرِكٌ بِكُمْ فِي الْأَرْضِ عَذْرَةٌ، أَنْتُمْ سَادَةُ الشُّهَدَاءِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

ثُمَّ تَجْعَلُ الْقَبْرَ بَيْنَ يَدَيْكَ، ثُمَّ تَصَلِّيَ مَا بَدَأَ لَكَ ثُمَّ تَقُولُ:

«جِئْتُ وَإِفْدَاءً إِلَيْكَ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَى اللَّهِ بِكَ فِي جَمِيعِ حَوَائِجِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي، بِكَ يَتَوَسَّلُ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ فِي حَوَائِجِهِمْ، وَبِكَ

يُذْرِكُ عِنْدَ اللَّهِ أَهْلَ التَّرَاثِ طَلِبْتَهُمْ».

ثُمَّ تَكْبَرُ إِحْدَى عَشْرَ تَكْبِيرَةً مُتَابِعَةً وَلَا تَجْعَلُ فِيهَا، ثُمَّ تَمْسِي قَلِيلًا
فَتَقُومُ مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ فَنَقُولُ:

ترجمه: ﴿دنیاله زیارت اول﴾

سپس راست بایست و قبور شهداء را قبله خود قرار بده و بگو:
سلام بر شما ای شهداء، شما جلو و ما به دنبال شما می‌باشیم، بشارت باد بر
شما به وعده خدا که در آن تخلف نیست، خدا خون‌خواه شما خواهد بود،
و بواسطه شما از دشمنانش انتقام خواهد گرفت، شما در دنیا و آخرت سروران
شهداء می‌باشید.

سپس قبر را جلو خود قرار بده سپس هر نمازی که خواستی بخوان پس از آن

بگو:

مَرَّ تَحْتِهَا تَكْبِيرٌ بِرَحْمَةِ سَوْدَى

آدم در حالی که به سوی تو کوچ کردم، در تمام حوائج و خواسته‌هایم از امور
دنیا و اخروی به واسطه تو به خدا متوسل می‌شوم، بواسطه تو تمام متوسلین
به خدا در حوائج و نیازمندی‌هایشان توسل می‌جویند و اهل میراث بواسطه تو
نزد خدا حقشان را مطالبه می‌کنند.

سپس یازده تکبیر پشت سر هم بگو بدون اینکه در گفتن آنها عجله و شتاب
کنی و پس از آن اندکی راه برو پس رو به قبله بایست و بگو:

منن:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْمُتَوَحِّدِ فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا، خَلَقَ الْخَلْقَ فَلَمْ يَغِبْ شَيْءٌ
مِنْ أُمُورِهِمْ عَنْ عِلْمِهِ، فَعَلِمَهُ بِقُدْرَتِهِ، ضَمِنَتْ الْأَرْضُ وَمَنْ عَلَيْهَا دَمَكَ
وَتَأْرَكَ، يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، أَشْهَدُ أَنَّ لَكَ مِنَ اللَّهِ

مَا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَالْفَتْحِ، وَأَنَّ لَكَ مِنَ اللَّهِ الْوَعْدَ الصَّادِقَ فِي هَلَاكِ
أَعْدَائِكَ وَتَمَامِ مَوْعِدِ اللَّهِ بِتَاكِ، أَشْهَدُ أَنَّ مَنْ تَبِعَكَ الصَّادِقُونَ، الَّذِينَ
قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِيهِمْ: «أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ
رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ».

﴿ دنباله زیارت اول ﴾

ترجمه:

سپاس مختص ذات واحدی است که در تمام امور متفرد و یکتا است،
مخلوقات را آفرید پس هیچ امری از امور آنها مخفی از علم او نیست، پس با
قدرت کامله اش آنرا می داند، زمین و کسانی که بر روی آن هستند خون تو را به
عهده گرفته اند، ای فرزند رسول خدا صلوات و رحمت خدا بر تو باد، شهادت
می دهم نصرت و فیروزی را که حق تعالی به تو وعده داده بود برای منجز و ناپت
است، و برای تو است وعده راستی یا که خداوند متعال به تو داده و ملتزم شده
و دشمنانت را هلاک بکند، شهادت می دهم که تابعین تو صادقان و راستگویان
هستند، آنان که حق تبارک و تعالی درباره ایشان فرموده:

أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ.

متن:

ثُمَّ كَبَّرَ سَبْعَ تَكْبِيرَاتٍ ثُمَّ تَمَشَى قَلِيلًا، ثُمَّ تَسْتَقْبِلُ الْقَبْرَ وَتَقُولُ:
«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ،
وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقْدَرَهُ تَقْدِيرًا، أَشْهَدُ أَنَّكَ دَعَوْتَ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ،
وَوَقَّيْتَ لِلَّهِ بَعْدَهُ، وَقَمَّتَ لِلَّهِ بِكَلِمَاتِهِ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى أَتَاكَ
الْيَقِينُ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ [وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ]، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً

حَدَّثَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً خَدَعَتْكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ بِالْوِلَايَةِ لِمَنْ
وَالَيْتُ، وَوَالَيْتُهُ رُسُلُكَ، وَأَشْهَدُ بِالْبِرَاءَةِ لِمَنْ بَرَّتَ مِنْهُ وَبَرَّتَ مِنْهُ
رُسُلُكَ، اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ كَذَّبُوا رُسُلَكَ، وَهَدَمُوا كَعْبَتَكَ، وَحَرَقُوا
كِتَابَكَ، وَسَفَكُوا دِمَاءَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، وَأَفْسَدُوا فِي بِلَادِكَ وَاسْتَذَلُّوا
عِبَادَكَ، اللَّهُمَّ ضَاعِفْ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ فِيمَا جَرَى مِنْ سُبُلِكَ وَيَسِّرْ
وَبَحِّرْكَ، اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ فِي مُتَسِيرِ السَّرَائِرِ وَظَاهِرِ الْقَلَابِيَةِ فِي أَرْضِكَ
وَسَمَائِكَ».

و کلاً دخلت الحائر فسلمت و وضع يدك على القبر.

﴿ دنباله زیارت اول ﴾

ترجمه:

سپس هفت تکبیر بگر و پس از آن اندکی جلو برو و بعد رو به قبر کن و بگو:
سپاس مختص ذاتی است که فرزند نگرش و برایش شریکی در سلطنت
نمی باشد، و آفرید هر چیزی را پس مقدر و معین نمود آنرا، شهادت می دهم که
تو مردم را به سوی خدا و رسولش دعوت نمودی و به عهدی که با خدا نموده
بودی وفاء کردی، و همراه با کلمات و مخلوقاتش برای خدا قیام نمودی، و در
راه او جهاد کرده تا مرگ تو را دریافت، خدا لعنت کند گروهی که تو را کشتند
و لعنت کند جماعتی را که به تو ستم نمودند، و خدا لعنت کند آنانکه تو را خوار
کردند، و خدا لعنت کند امتی را که با تو حيله نمودند، خدایا تو را شاهد قرار
می دهم که ولی کسی است که تو او را ولی قرار دادی، و رسولانت او را ولی
دانسته اند، و شهادت می دهم که از هر کس که تو و رسولانت بی زار هستید من نیز
بی زارم، بار خدایا کسانی که رسولانت را تکذیب کردند لعن نما، و لعنت کن
آنانکه کعبه تو را منهدم و خراب کردند، و کتابت را سوزاندند، و خونهای اهل
پیغمبرت را ریختند، و در شهرهای تو فساد کرده و بتدگانان را ذلیل نمودند،

خداوندا عذابت را بر ایشان در خشکی و دریا چند برابر نما، بارخداها ایشان را در خفاها و علن و در زمین و آسمان مورد لعن قرار بده.
و هرگاه در حائر داخل شدی سلام کن و دست را روی قبر قرار بده.

﴿ زیارة أخرى ﴾

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

مش:

۲ - حدّثني أبي؛ و علي بن الحسين؛ و محمد بن الحسن - رحمهم الله - جميعاً، عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن القاسم بن يحيى، عن الحسن بن راشد، عن الحسين بن توير بن أبي فاختة «قال: كنت أنا و يونس بن ظبيان و المنفل بن عمر و أبو سلمة السراج جلوساً عند أبي عبد الله عليه السلام و كان المتكلم يونس - و كان أكبرنا سناً - فقال له: جعلت فداك إني أحضر مجلس هؤلاء النوم - يعني ولد العباس - فما أقول؟ فقال: إذا حضرتهم فذكرتنا فقل: «اللَّهُمَّ ارِنَا الرَّخَاءَ وَ الشُّرُونَ، فَإِنَّكَ تَأْتِي عَلَى مَا تُرِيدُ»، فقلت: جعلت فداك إني كثيراً ما أذكر الحسين عليه السلام، فأبي شيء أقول؟ فقال: قل: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ» - تعيد ذلك ثلاثاً - فَإِنَّ السَّلَامَ يَصِلُ إِلَيْهِ مِنْ قَرِيبٍ وَ مِنْ بَعِيدٍ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ أبا عبد الله عليه السلام لما قضى بكتف عليه السماوات السبع و الأرضون السبع و ما فيهنَّ و ما بينهنَّ و من يتقلب في الجنة و النار من خلق ربنا، و ما يرى و ما لا يرى بكنى على أبي عبد الله الحسين عليه السلام إلا ثلاثة أشياء لم تبك عليه، قلت: جعلت فداك و ما هذه الثلاثة الأشياء؟ قال: لم تبك عليه

البصرة ولا دمشق ولا آل عثمان فقلت له: جعلت فداك إني أريد أن أزوره فكيف أقول وكيف أصنع؟ قال: إذا أتيت أبا عبد الله عليه السلام فاغتسل على شاطئ الفرات ثم البس ثيابك الطاهرة، ثم امش حافياً، فإنك في حرم من حرم الله وحرم رسوله و عليك بالتكبير والتهليل والتمجيد والتعظيم لله كثيراً، والصلاة على محمد وأهل بيته، حتى تصير إلى باب الحائر.

﴿ زیارت دوم ﴾

﴿ بنام خداوند بخشنده مهربان ﴾

ترجمه:

پدرم و علی بن الحسین رحمة الله عليهم جملگی از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از قاسم بن یحیی، از حسن بن راشد، از حسین بن ثویر بن ابی فاخته، وی گفت:

من و یونس بن ظبیان و مفضل بن عمر و ابو سلمة سراج محضر حضرت ابو عبدالله عليه السلام نشسته بودیم و متکلم و سخنگو یرنس که از همه ما عمر بیشتری داشت بود، یونس محضر مبارک امام عليه السلام عرض کرد: فدایت شوم من در مجلس ابن جماعت یعنی بنی عباس حاضر می شوم چه بگویم؟

حضرت فرمودند:

وقتی در مجلس ایشان حاضر شدی و آنها ما را یاد کردند تو بگو: بار خدایا فراخی و سرور و شادی را به ما بنمایان، چه آنکه تو آنچه اراده بکنی را می دهی.

عرض کردم: فدایت شوم: بسیار می شود که من نام حضرت امام حسین عليه السلام را می برم، در ارتباط به آن حضرت چه بگویم؟

حضرت فرمودند: بگو:

سلام و درود بر تو ای ابا عبدالله (این درود را سه بار بگو) چه آنکه درود به آن حضرت خواهد رسید چه از نزدیک برده و چه از راه دور باشد.

سپس حضرت فرمودند:

هنگامی که حضرت ابا عبدالله علیه السلام از این عالم ارتحال نمودند آسمانهای هفت‌گانه و هفت طبقه زمین و آنچه در آنها و بینشان بود بر آن حضرت گریستند چنانکه کل موجودات در بهشت و جهنم مرئی‌ها و نامرئی‌ها بر آن جناب گریه کردند مگر سه چیز که گریه نکردند.

عرض کردم: فدایت شوم آن سه چیز کدامند؟

حضرت فرمودند:

بصره و دمشق و آل عثمان بر آن حضرت گریه نکردند.

محضرش عرض کردم: فدایت شوم: قصد دارم آن حضرت را زیارت کنم، در زیارتش چه بگویم و چه کار بکنم؟

حضرت فرمودند: وقتی به زیارت ابا عبدالله الحسین علیه السلام رفتی، اول کنار مرآت غسل کن، سپس لباسهای پاک خود را بپوش بعد پای برهنه بطرف قبر مطهرش حرکت کن زیرا در آن مسافت داخل در حریمی از حرم‌های خدا و حرم رسولش می‌باشی و بر تو است که تکبیر (الله اکبر) و تهلیل (لا اله الا الله) و تمجید و تعظیم خدا را زیاد بنمائی و نیز صلوات بر محمد و اهل بیتش بفرستی تا به درب حائر برسی.

من:

ثمّ تقول:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَأَبْنَ حُجَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ وَرُؤَاةَ قَبْرِ أَبِي نَبِيِّ اللَّهِ»؛

ثُمَّ اخْطُ عَشْرَ خَطِّیْ ثُمَّ قَفْ فَكَبِّرْ ثَلَاثِينَ تَكْبِيرَةً، ثُمَّ امْشِ إِلَيْهِ حَتَّى تَأْتِيَهُ
مِنْ قِبَلِ وَجْهِهِ، وَاسْتَقْبِلْ بِوَجْهِكَ وَجْهَهُ، وَتَجْعَلِ الْقِبْلَةَ بَيْنَ كَتِفَيْكَ، ثُمَّ
تَقُولُ:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلَ اللَّهِ
وَابْنَ قَتِيلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَارَ اللَّهِ وَابْنَ تَارِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَثَرَ
اللَّهِ الْمُوتُورِ، فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، أَشْهَدُ أَنْ دَمَكَ سَكَنَ فِي الْمُحَلِيِّ،
وَاقْشَعَرْتَ لَهُ أَظْلَةَ الْعَرْشِ وَبَكَى لَهُ بِجَمِيعِ الْمَخْلَاقِ، وَبَكَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ
السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ السَّبْعُ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ، وَمَنْ فِي الْجَنَّةِ وَالنَّارِ مِنْ
خَلْقِ رَبَّنَا، مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى، أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ وَابْنُ حُجَّتِهِ، أَشْهَدُ
أَنَّكَ قَتِيلُ اللَّهِ وَابْنُ قَتِيلِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ تَارَ اللَّهِ وَابْنُ تَارِهِ، وَأَشْهَدُ
أَنَّكَ وَثَرَ اللَّهِ الْمُوتُورِ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ
وَنَصَحْتَ، وَوَقَيْتَ وَوَأْفَيْتَ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ، وَمَضَيْتَ لِلَّذِي
كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيداً وَمُسْتَشْهِداً وَشَاهِداً وَمَشْهُوداً، وَأَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَمَوْلَاكَ
وَفِي طَاعَتِكَ، وَالْوَافِدُ إِلَيْكَ، أَلْتِمَسُ كَمَا لَمْ يَنْزَلْهُ عِنْدَ اللَّهِ، وَثَبَاتَ
الْقَدَمِ فِي الْمُهْجَرَةِ إِلَيْكَ، وَالسَّبِيلَ الَّذِي لَا يُخْتَلَعُ دُونَكَ مِنَ الدُّخُولِ فِي
كَفَالَتِكَ الَّتِي أَمَرْتَ بِهَا.

﴿ زیارت نامه حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام ﴾

ترجمه:

سپس بگو:

سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت خدا، سلام بر شما ای فرشتگان

خدا و زائرین قبر فرزند پیغمبر خدا، سپس ده قدم بردار و پس از آن بایست و سی تکبیر بگو و بعد از آن بطرف قبر حرکت کن تا به آن برسی و آنگاه رو به قبر بایست و قبله را بین دو کتف خود قرار بده و بگو:

سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت خدا، سلام و درود بر تو ای کشته شده در راه خدا و فرزند کشته شده در راه خدا، سلام بر تو ای خون خدا و فرزند خون خدا، سلام بر تو ای کسی که در آسمانها و زمین خدا طلب می کند، شهادت می دهم که خون تو در بهشت ساکن و آرام گشت و موجودات فوق عرش را لرزاند و تمام خلایق بر آن گریستند، و آسمانهای هفت گانه و طبقات هفت گانه زمین و آنچه از موجودات در آنها و بین آنها هستند بر آن گریستند، و تمام مخلوقات پروردگار که در بهشت و جهنم قرار دارند بر آن گریه کردند، آنچه از موجودات دیده شده و آنچه دیده نمی شود بر آن اشک ریختند، شهادت می دهم که تو حجت خدا و فرزند حجتش می باشی، شهادت می دهم که تو کشته شده در راه خدا و فرزند کشته شده در راه خدا می باشی، و شهادت می دهم که تو خون خدا و فرزند خون خدا هستی، و شهادت می دهم که تو در آسمانها و زمین کسی هستی که خدا طلب خون تو را می کند و شهادت می دهم که رسالت خود را ابلاغ کرده و مصلحت بندگانش را بیان نموده و به عهد خود وفاء کرده و برای اعلاء کلمه حق در مقابل گروه مخالف و منکر از خود ایستادگی نشان دادی و در راه پروردگارت جهاد نمودی، و شهادت می دهم که تو گذشتی و عبور نمودی در طریق حق در حالی که عاقبت امر تو به شهادت منجر شد و خود به آن آگاه و عالم بودی و نیز شاهد آنچه از این امت صادر شد بوده و خدا و رسولش و فرشتگان و اهل ایمان شهادت می دهند که تو بر حق و طریق مستقیم بودی، و من بنده خدا و عابد تو و در اطاعتت بوده و به سوی تو کوچ و سفر نموده ام، و بواسطه این هجرت بسوی تو از خدا التماس دارم که نزد خودش به من کمال منزلت و ثبات

قدم را عنایت فرماید و نیز بواسطه هجرت مزبور از خدا درخواست دارم که طریقی را که نود تو اضطراب و لغزش نداشته باشد را به من عنایت کند زیرا من در کفالت تو داخل شده‌ام آن کفالتی که به آن امر شده‌ای قبولش نمائی.

متن:

مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَاءَ بِكُمْ، [مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَاءَ بِكُمْ، مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَاءَ بِكُمْ]،
 بِكُمْ يُبَيِّنُ اللَّهُ الْكَذِبَ، وَبِكُمْ يُبَاعِدُ الزَّمَانَ الْكَلْبَ، وَبِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَبِكُمْ
 يَخْتِمُ، وَبِكُمْ يَمْنَعُو مَا يَشَاءُ وَبِكُمْ يُثَبِّتُ، وَبِكُمْ يَفُكُّ الذُّلَّ مِنْ رِقَابِنَا،
 وَبِكُمْ يُذَرِّكُ اللَّهُ تِرَةً كُلِّ مُؤْمِنٍ يُطَلِّبُ، وَبِكُمْ تُثَبِّتُ الْأَرْضُ أَشْجَارَهَا،
 وَبِكُمْ تُخْرِجُ الْأَشْجَارُ أَثْمَارَهَا، وَبِكُمْ تُنَزِّلُ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَرِزْقَهَا،
 وَبِكُمْ يَكْشِفُ اللَّهُ الْكَرْبَ، وَبِكُمْ يُنَزِّلُ اللَّهُ الْغَيْثَ، وَبِكُمْ تُسِيخُ الْأَرْضُ
 الَّتِي تَحْمِلُ أَبْدَانَكُمْ، وَتَسْتَقِرُّ جِبَالُهَا عَلَى مَرَاسِيهَا، إِرَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ
 أَمْرِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ، وَتَضْرِبُ مِنْ بَيْوتِكُمْ، وَالصَّادِرُ عَمَّا نُصَلِّ مِنْ أَحْكَامِ
 الْعِبَادِ، لِعَنْتِ أُمَّةٌ قَتَلَتْكُمْ، وَأُمَّةٌ خَالَفَتْكُمْ، وَأُمَّةٌ جَحَدَتْ رِلايَتَكُمْ، وَأُمَّةٌ
 ظَاهَرَتْ عَلَيْكُمْ، وَأُمَّةٌ شَهِدَتْ وَلَمْ تُشْتَشْهَدِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ النَّارَ
 مَأْوَاهُمْ، وَبِشَسَ وَرْدُ الْوَارِدِينَ وَبِشَسَ الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ
 الْعَالَمِينَ.»

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ﴾
 ﴿ ابا عبدالله الحسین ﴾

ترجمه:

کسی که اراده کند خدا را، به شما آغاز می‌کند، کسی که اراده کند خدا را به شما آغاز می‌کند، کسی که اراده کند خدا را به شما آغاز می‌کند، بواسطه شما خداوند غیر واقع‌ها را برطرف می‌کند، و به توسط شما شدائد و سختی‌ها را خدا دور می‌نماید، بواسطه شما خداوند می‌گشاید و افتتاح می‌کند، و ختم و تمام می‌نماید، و بواسطه شما آنچه را که بخواهد محو کرده و ثابت می‌نماید، بواسطه شما ذلت و خواری را از ما برمی‌دارد، بواسطه شما خداوند متعال خون‌خواهی هر خون مؤمنی را می‌کند که استحقاق خون‌خواهی را داشته باشد، بواسطه شما زمین درختانش را می‌رویاند، بواسطه شما درختان میوه می‌دهند، بواسطه شما آسمان باران می‌بارد، بواسطه شما عم و آندوه را خداوند برطرف می‌کند، بواسطه شما خداوند باران رحمتش را می‌بارد، بواسطه شما زمینی که ابدان شما را در خود دارد مستقر می‌باشد، و بواسطه شما کوهها بر پایه‌های خود مستقر و مستحکم هستند، اراده حق تعالی در تقدیر امور بر شما فرود می‌آید، و از بیوت شما صادر می‌گردد، تفصیل احکام عباد از بیوت شما صادر می‌گردد، امت و گروهی که شما را کشتند ملعون هستند، و امتی که با شما مخالفت نمودند از رحمت راسعه الهی به دور هستند، و امتی که ولایت شما را انکار کردند مورد لعن قرار گرفتند، و امتی که علیه شما نظاهر نمودند به لعن الهی گرفتار شدند و امتی که در معرکه قتال شما حاضر شده ولی شما را کمک نکرده و حاضر به شهادت در راه شما نشدند ملعون شدند، حمد سزاوار خداوندی است که آتش را (دوزخ) مأوی و مسکن این امتها قرار داد، و آن بدجاپگاهی است برای ایشان، حمد و سپاس مر خداوندی را است که پروردگار عالمیان می‌باشد.

متن:

و تقول ثلاثاً: «صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ وَأَنَا إِلَى اللهِ بِمَنْ خَالَفَكَ بَرِيءٌ - ثلاثاً -»، ثُمَّ تَقُومُ فَتَأْتِي ابْنَ عَلِيٍّ عليه السلام وَهُوَ عِنْدَ رَجُلِيهِ وَتَقُولُ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ - ثلاثاً - لَعَنَ اللهُ مَنْ قَتَلَكَ - ثلاثاً - أَنَا إِلَى اللهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ - ثلاثاً -».

ثُمَّ تَقُومُ فَتُؤَمِّي بِيَدِكَ إِلَى الشُّهَدَاءِ وَتَقُولُ: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ - ثلاثاً - فُزْتُمْ وَاللَّهِ، - ثلاثاً - قَلَيْتَ أُنِي مَعَكُمْ فَأَنْوِرْ فَوْزاً عَظِيماً»، ثُمَّ تَدُورُ فَتَجْعَلُ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللهِ، - ثلاثاً - بَيْنَ يَدَيْكَ وَأَمَامِكَ، فَتُصَلِّي سِتًّا رَكَعَاتٍ، وَتَقْدُمُتْ زِيَارَتَكَ فَإِنْ شِئْتَ أَقِمِ وَإِنْ شِئْتَ فَانصرف.

﴿ دنيا له زیارت نامه حضرت ﴾

﴿ ابا عبدالله الحسین علیه السلام ﴾

ترجمه:

و سه مرتبه بگو: صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ وَأَنَا إِلَى اللهِ بِمَنْ خَالَفَكَ بَرِيءٌ، یعنی درود و رحمت خدا بر تو ای ابا عبدالله و من به سوی خدا بی‌زاری می‌جویم از کسانی که با تو مخالفت کردند. سپس بایست و نزد فرزند حضرت یعنی علی بن الحسین علیه السلام که پائین پای حضرت دفن است برو و بگو: سلام و درود خدا بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان، سلام بر تو ای فرزند امام حسن و امام حسین، سلام بر تو ای فرزند

خدبجه كبرى و فاطمه زهراء، رحمت خدا بر تو باد (سه مرتبه).
 خدا لعنت کند کسی را که تو را کشت (سه مرتبه) من بسوی خداوند از ایشان
 بی زاری می جویم (سه مرتبه).

سپس بایست پس با دستت به شهداء اشاره کن و بگو:
 سلام علیکم (سه مرتبه) رستگار شدید بخدا سوگند (سه مرتبه) کاش من نیز
 با شما می بودم پس می رسیدم به این رستگاری عظیم سپس دور بزن و قبر
 حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام را مقابل و جلو خود قرار بده و شش رکعت نماز
 بخوان و زیارت در اینجا به اتمام می رسد حال اگر خواستی بایست و اگر
 خواستی برگرد.



﴿ زیارت آخری ﴾
 ﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

من:

۳- حدیثی آبی؛ و محمد بن الحسن، عن الحسين بن الحسن بن أبان،
 عن الحسين بن سعيد، عن فضالة بن أيوب، عن نعيم بن الوليد، عن
 يوسف [بن] الكناسي، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: إذا أتيت قبر الحسين
 فأت الفرات و اغتسل بمحياي قبره و توجه إليه، و عليك السكينة
 و الوقار حتى تدخل الحائر من جانبه الشرقي، و قل حين تدخله:
 «السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ، السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ
 الْمُتَزَلِّينَ، السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُزْدَفِينَ، السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ
 الْمُسَوِّمِينَ، السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الَّذِينَ هُمْ فِي هَذَا الْحَائِرِ بِإِذْنِ اللَّهِ

مُتَقِيحُونَ».

فَإِذَا اسْتَقْبَلْتَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ فَقُلْ:

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ أَمِينِ اللَّهِ عَلَى رُسُلِهِ،
وَعَزَائِمِ أَمْرِهِ، الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ، وَالْفَاتِحِ لِمَا اسْتُقْبِلَ، وَالْمَهْيِمِ عَلَى ذَلِكَ
كُلِّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

﴿ زیارت سوّم ﴾

﴿ بنام خداوند بخشنده مهربان علیه السلام ﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن حسن، از حسین بن الحسن بن ابان، از حسین بن سعید، از
فضالة بن ایوب، از نعیم بن الولید، از یوسف بن کناسی، از حضرت اہلبی
عبداللہ علیہ السلام، حضرت فرمودند:

وقتی به زیارت قبر مطہر امام حسین علیہ السلام می‌روی، ابتداء به فرات برو و در
مقابل قبر آن حضرت غسل کن و سپس متوجه قبر بشو و بر تو لازم است که آرام
و باوقار حرکت کنی تا از جانب شرقی داخل حائر گردی و وقت داخل شدن
بگو:

درود بر فرشتگان مقرب خدا، درود بر فرشتگان خدا که از آسمان به زمین
نازل می‌گردند، درود بر فرشتگان خدا که در ردیف هم به زمین نزول می‌کنند،
درود بر فرشتگان زیبا منظر خدا، درود بر فرشتگان خدا که به اذن حق تعالی در
این حائر اقامه کرده‌اند.

و هنگامی که مقابل قبر حضرت ابا عبداللہ الحسین علیہ السلام قرار گرفتی بگو:
درود بر رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم، رحمت خدا بر محمد که امین خدای رسولان و امور

لازمه او از قبیل احکام واجبه و محرمه می باشد خاتمه دهنده انبیاء گذشته و بازکننده و گشاینده اوصیاء بعد از خود می باشند و شاهد و گواه است بر تمام اینها و درود بر او و رحمت و برکات خدا بر آن جناب باد.

متن:

ثم تقول: «السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ وَأَخِي رَسُولِكَ، الَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُ هَادِيًا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَالذَّلِيلَ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالَاتِكَ، ذِي بَيِّنَاتٍ فِي الدِّينِ بِغَدْلِكَ وَفَضْلِ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، وَالْمُهَيَّبِينَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ وَأَخِي رَسُولِكَ، الَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ.....» - إلى آخر ما صَلَّيْتَ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ - . ثم تَسَلَّمْ عَلَى الْحَسَنِ وَ سَائِرِ الْأَئِمَّةِ كَمَا صَلَّيْتَ وَ سَلَّمْتَ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، ثُمَّ تَأْتِي قَبْرَ الْحَسَنِ ﷺ فَتَقُولُ:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ، رَحِمَكَ اللَّهُ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ عَنِ اللَّهِ مَا أَمَرَكَ بِهِ، وَ لَمْ تَحْشَ أَحَدًا غَيْرَهُ، وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ، وَ عِبَدْتَهُ صَادِقًا مُخْلِصًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ كَلِمَةُ الشُّمُوءِ، وَ بَابُ الْهُدَى، وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَ الْحُجَّةُ عَلَى مَنْ يَبْقَى، وَ مَنْ نَحَتَ الثَّرَى، أَشْهَدُ أَنَّ ذَلِكَ لَكُمْ سَابِقٌ فِي مَا مَضَى، وَ ذَلِكَ لَكُمْ فَاتِحٌ فِي مَا بَقِيَ، أَشْهَدُ أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ طِينَتَكُمْ طَيِّبَةٌ طَيِّبَةٌ، طَابَتْ وَ طَهَّرَتْ هِيَ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ مَنًّا مِنَ اللَّهِ وَ مِنْ رَحْمَتِهِ، فَأَشْهَدُ اللَّهُ وَ أَشْهَدُكُمْ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِإِيَابِكُمْ

مُوقِنٌ وَ لَكُمْ تَابِعٌ فِي ذَاتِ نَفْسِي وَ شَرَائِعِ دِينِي وَ خَاتِمَةِ عَمَلِي وَ مُتَقَلِّبِي وَ
 مَثْوَايَ، فَأَسْأَلُ اللَّهَ الْبَرَّ الرَّحِيمَ أَنْ يَتَمَمَّ لِي ذَلِكَ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ
 عَنِ اللَّهِ مَا أَمَرَكُمْ بِهِ حَتَّى لَمْ تَخْشَوْا أَحَدًا غَيْرَهُ، وَ جَاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِهِ وَ
 عَبَدْتُمُوهُ حَتَّى أَتَاكُمْ الْيَقِينُ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكُمْ، وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَمَرَ بِهِ، وَ
 لَعَنَ اللَّهُ مَنْ يَلْغَهُ ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ، أَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ اتَّهَكُّوا حُرْمَتَكَ وَ
 سَفَكُوا دَمَكَ مَلْعُونُونَ عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ».

﴿ دنباله زارت نامه حضرت ﴾

﴿ ابا عبدالله الحسین علیه السلام ﴾

ترجمه:

سپس بگو:

درود بر امیر مؤمنان بنده تو و برادر رسالت، کسی که تو به علم خودت او را
 برگزیدی و برای هر کس از مخلوقات که خواستی هادی و راهنما قرار دادی،
 و نیز او را دلیل بر کسی که تو او را به رسالات خودت برانگیختی قرارش داده‌ای،
 سلام بر کسی که در دین با عدالت تو حکم می‌کند، و سلام بر کسی که از حکم تو
 بین خلایق به عنوان فیصله دهنده منازعات و جدا کردن حق از باطل استفاده
 می‌کند، و سلام بر کسی که گواه و شاهد بر تمام اینها است، سلام و رحمت و
 برکات خدا بر او باد، یا خدا یا رحمتت را بر حسین بن علی که بنده تو و فرزند
 رسول تو بوده و کسی است که تو با علم خودت او را برگزیدی... تا آخر
 مضامینی که در سلام و تحییت بر امیرالمؤمنین علیه السلام عنقریب گذشت.

سپس بر حضرت امام حسین و سائر ائمه علیهم السلام سلام داده و درود بفرست
 همان طوری که بر حسن بن علی علیه السلام سلام داده و درود فرستادی سپس به نزد
 قبر مطهر امام حسین علیه السلام برو و بگو:

سلام بر تو ای ابا عبدالله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، ای ابا عبدالله خدا

رحمتش را بر تو بفرستد، ای ابا عبدالله خدا تو را رحمت کند، شهادت می‌دهم که تو آنچه را که از جانب حق تعالی مأمور به ابلاغش بودی ابلاغ نمودی، و از احدی غیر خود وحشت و ترس نداشتی و در راهش مجاهدت نمودی، و او را صادقانه و مخلصانه عبادت کردی تا هنگامی که اجل تو را دریافت، شهادت می‌دهم که کلمه تقوی تو هستی، و باب هدایت مردم تو می‌باشی و دستگیره محکم تویی، و حجت بر تمام موجودات هستی و حجت بر تمام موجودات تحت زمین می‌باشی، شهادت می‌دهم که این صفات و خصوصیات و فضائل برای ائمه قبل نیز حاصل و ثابت بوده، و آن سبب است برای گشودن ابواب در مابین ائمه باقی، شهادت می‌دهم که ارواح و حقیقت شما حقیقتی پاک می‌باشد، حقیقت و خمیره شما پاک و پاکیزه بود، بعضی از برخی ایجاد شده و این متی است از جانب حق تعالی و ناشی از رحمت و اسعاهش می‌باشد، خدا و شما را شاهد می‌گیرم که به شما ایمان داشته و به رجعت شما یقین دارم و پیرو شما می‌باشم در اموری که متعلق به نفسم و شرایع دینم و پایان کارم و بازگشتم به خدا و اقامتم در قبر می‌باشد، پس از خدای نیک رفتار و مهربان می‌خواهم که این امور را برایم حاصل کند، و شهادت می‌دهم که شما آنچه را خدا امرتان نمود به دیگران رساندید و از احدی غیر او خوف و هراس نداشتید، و در راهش مجاهدت کرده و او را پرستیدید تا هنگامی که اجل شما را دریافت، پس خدا لعنت کند کسانی را که شما را کشتند و لعنت کند کسانی را که فرمان به قتل شما را دادند، و خدا لعنت کند کسانی را که وقتی خبر کشتن شما را شنیدند، راضی به آن شدند، شهادت می‌دهم آنهایی که هنک حرمت شما نموده و خون شما را ریختند در زبان پیامبر امی صلی الله علیه و آله مورد لعن قرار گرفته‌اند.

متن:

ثُمَّ تَقُولُ: «اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَتَكَ، وَخَالَفُوا مِلَّتَكَ، وَرَغِبُوا
عَنْ أَمْرِكَ، وَاتَّبَعُوا رِسُولَكَ، وَصَدُّوا عَنِ سَبِيلِكَ، اللَّهُمَّ اخْشُ
قُبُورَهُمْ نَاراً، وَأَجْوَانَهُمْ نَاراً، وَخَشْرَهُمْ وَأَتْبَاعَهُمْ إِلَى جَهَنَّمَ زُرْقاً، اللَّهُمَّ
الْعَنَّهُمْ لَعْناً يَلْعَنُهُمْ بِهِ كُلُّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ، وَكُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ، وَكُلُّ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ
امْتَحَنَتْ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ، اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ فِي مُشِيرِ السَّرِّ وَظَاهِرِ الْعَلَانِيَةِ،
اللَّهُمَّ الْعَنِ جَوَابِيئَ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَطَوَاغِيئَتِهَا، وَالْعَنِ قَرَاعِنَتِهَا، وَالْعَنِ قَتْلَةَ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْعَنِ قَتْلَةَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَعَذَابَهُمْ عَذَاباً أَلِيماً
لَا تُعَذِّبُ بِهِ أَحَداً مِنَ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا بِمَنْ تُنْصِرُهُ وَتَنْصِرُ بِهِ،
وَمَنْ عَلَيْهِ يَنْصُرُكَ لِدِينِكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

مرکز تحقیق و پژوهش حضرت سید

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ﴾

﴿ ابا عبدالله (ع) ﴾

ترجمه:

سپس بگو:

خدایا لعنت کن کسانی را که نعمت تو را تبدیل نمودند، و با ملت و گروه
طرف دار تو مخالفت کردند، و از امر و دستور تو روی پناهند، و رسول تو را
مورد اتهام قرار دادند و راه به سوی تو را بستند، خدایا قبور ایشان را پر از آتش
کن، و در بطون و دل‌هایشان آتش بریز، و ایشان و تابعین آنها را محسور کن و به
جهنم ببر در حالی که کور و نابینا هستند، خدایا ایشان را لعنت کن آنچنان لعنتی
که هر فرشته مقرب تو آنان را لعنت می‌کند، و هر نبی فرستاده شده زبان به
لعنشان می‌گشاید و هر بنده با ایمانی که تو دلش را برای قبول ایمان آزموده‌ای،
خداوند ایشان را در پنهان‌ترین پنهانها و ظاهرترین ظاهرها لعنت نما، خداوندا

ستمگران این امت و باطلهای آنرا لعنت کن و فرعونها را از رحمتت به دوردار،
خدایا کشندگان امیرالمؤمنین و کشندگان حسن و حسین را لعنت نما و آنها را به
عذاب دردناکی که احدی از عالمیان را تا به حال به آن عذاب نکرده ای معذب
گردان، خدایا ما را از کسانی قرار بده که تو ایشان را یاری کرده و از آنها طلب
یاری کرده ای و بر آنها منت گذارده و برای دینت در دنیا و آخرت آنان را کمک
کرده ای.

متن:

ثم اجلس عند رأسه صلوات الله عليه فقل:

«صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ عَبْدُ اللهِ وَأَمِينُهُ، بَلَّغْتَ ناصِحاً، وَأَدَيْتَ
أَمِيناً، وَقَتَلْتَ صِدِّيقاً، وَمَضَيْتَ عَلَى يَتِيمٍ، لَمْ تُؤَيِّرْ عَمَى عَلَى هُدًى، وَلَمْ
تَمَلْ مِنْ حَقِّ إِلَى بَاطِلٍ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ،
وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَاتَّبَعْتَ الرَّسُولَ، وَتَلَوْتَ
الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ، وَدَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ
الْحَسَنَةِ، صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا، أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ عَلَى بَيْتِهِ
مِنْ رَبِّكَ، قَدْ بَلَّغْتَ مَا أَمَرْتَ بِهِ، وَقَمْتَ بِحَقِّهِ وَصَدَّقْتَ مَنْ قَبْلَكَ، غَيْرَ
وَاهِنٍ وَلَا مُوهِنٍ، صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا، فَجَزَاكَ اللهُ مِنْ
صِدِّيقٍ خَيْرًا عَنِ رَعِيَّتِكَ، أَشْهَدُ أَنَّ الْجِهَادَ مَعَكَ جِهَادٌ، وَأَنَّ الْحَقَّ
مَعَكَ وَإِلَيْكَ، وَأَنْتَ أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ، وَمِيرَاثُ التُّبُوَّةِ عِنْدَكَ وَعِنْدَ أَهْلِ
بَيْتِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ صِدِّيقٌ عِنْدَ اللهِ، وَحُجَّتُهُ عَلَى خَلْقِهِ،
أَشْهَدُ أَنَّ دَعْوَتَكَ حَقٌّ، وَكُلُّ دَاعٍ مَنصُوبٍ غَيْرِكَ فَهُوَ بَاطِلٌ مَدْحُوضٌ،
وَأَشْهَدُ أَنَّ اللهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ.»

﴿ دنیاله زیارت نامه حضرت ﴾

﴿ ابا عبدالله علیه السلام ﴾

ترجمه:

سپس نزد سر مبارک آن حضرت صلوات الله علیه بنشین و بگو:

درود و رحمت خدا بر تو، شهادت می‌دهم که تو بنده خدا و امین او هستی، مأموریت خود را ابلاغ کرده در حالی که ناصح و مصلحت اندیش بودی، و امانتی را که نزد تو بود اداء نمودی، کشته شدی در حالی که بسیار بسیار راستگو بودی و از این دنیا گذشتی در حالی که بریقین بودی، انتخاب نکردی کوری را بر هدایت از حق به باطل میل نمودی؛ شهادت می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات را اداء نمودی، و به معروف امر کرده و از منکر و زشتی نهی کردی، و از رسول پیروی نمودی، و آن‌طور که باید و شاید قرآن را تلاوت کردی، و به راه پروردگارت دیگران را از طریق مصلحت و موعظه حسنه دعوت نمودی، درود خدا بر تو و تحیت او بسیار بر تو باد، شهادت می‌دهم که تو حجت آشکار پروردگارت هستی، آنچه را مأمور به ابلاغش بودی ابلاغ نمودی، و به حق پروردگارت قیام نمودی، و تمام حجج و بیّنات پیش از خود را تصدیق کردی، در این مضمار نه سستی از خود نشان داده و نه ایجاد سستی کردی، درود خدا بر تو و تحیت او بسیار بر تو باد، پس خداوند پاداش نیک از طرف رعیتش به تو عطاء فرماید، و شهادت می‌دهم که جهاد در همراه و در رکاب تو جهادی است عظیم و حق با تو و به سوی تو می‌باشد، و نو اهل حق و مرکز آن هستی، میراث نبوت نزد تو و اهل بیت تو علیهم السلام می‌باشد، شهادت می‌دهم که تو نزد خدا بسیار بسیار راستگو بوده، و حجّتش بر مخلوقات می‌باشی، شهادت می‌دهم که دعوت مردم را حق و صواب برده، و هر دعوت کننده نصب شده‌ای که غیر از تو باشد باطل و فاسد می‌باشد، و شهادت می‌دهم که خدا حق و آشکار می‌باشد.

متن:

ثُمَّ تَحْوَلُ عِنْدَ رَجُلِيهِ وَ تَخَيَّرُ مِنَ الدَّعَاءِ وَ تَدْعُو لِنَفْسِكَ، ثُمَّ تَحْوَلُ
عِنْدَ رَأْسِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام وَ تَقُولُ:
«سَلَامُ اللَّهِ وَ سَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ، عَلَيْكَ
يَا مَوْلَايَ وَ ابْنَ مَوْلَايَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتَهُ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى أَهْلِ
بَيْتِكَ وَ عَلَى عِتْرَةِ آبَائِكَ الْأَخْيَارِ الَّذِينَ أَدَّهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرُّجْسَ
وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ﴾

﴿ ابا عبد الله عليه السلام ﴾

ترجمه:

سپس به پائین پا برو و هر دعائی را که خواستی بخوان و برای خود نیز دعاء
کن، سپس به بالا سر حضرت علی بن الحسن علیهما السلام برو و بگو:
درود خدا و درود فرشتگان مقربین خدا و درود انبیاء فرستاده شده خدا بر تو
ای سرور من و فرزند سرور من و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد، تحیت خدا بر
تو و بر اهل بیت تو و بر دودمان نیک، و خوب پدرت آن کسانى که خداوند متعال
پلبدى را از آنها به دور داشت و پاک و منزّه داشت ایشان را.

متن:

ثُمَّ تَأْتِي قُبُورَ الشُّهَدَاءِ وَ تَسَلِّمُ عَلَيْهِمْ وَ تَقُولُ:
«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الرِّبَانِيُّونَ، أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَ سَلْفٌ، وَ نَحْنُ أَتْبَاعٌ
وَ أَنْصَارٌ، أَشْهَدُ أَنْكُمْ أَنْصَارُ اللَّهِ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ:
«وَ كَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا»، فَمَا وَهَنْتُمْ وَمَا ضَعُفْتُمْ وَمَا اسْتَكَنْتُمْ حَتَّى لَقَيْتُمْ
اللَّهَ عَلَى سَبِيلِ الْحَقِّ، وَنُصْرَةَ كَلِمَةِ اللَّهِ التَّامَّةِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَزْوَاجِكُمْ
وَأَبْدَانِكُمْ وَسَلَّم تَسْلِيمًا، أَبَشِرُوا بِمَوَاعِدِ اللَّهِ الَّذِي لَا خُلْفَ لَهُ إِنَّهُ
لَا يُخْلِفُ الْمِيْعَادَ، اللَّهُ مُذْرِكٌ لَكُمْ ثَارَ مَا وَعَدَكُمْ، أَنْتُمْ سَادَةُ الشُّهَدَاءِ فِي
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، أَنْتُمْ السَّابِقُونَ وَالْمُهَاجِرُونَ وَالْأَنْصَارُ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ
جَاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَقَاتَلْتُمْ عَلَى مِثَاجِ رَسُولِ اللَّهِ وَابْنِ رَسُولِ اللَّهِ،
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَكُمْ وَعَدَّهُ، وَأَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ».

ثُمَّ تَقُولُ: «أَتَيْتَكَ يَا حَبِيبَ رَسُولِ اللَّهِ وَابْنَ رَسُولِهِ، وَإِنِّي لَكَ
عَارِفٌ، وَبِحَقِّكَ مُتَّبِعٌ، وَبِقَضَائِكَ مُسْتَهْتَفٌ وَبِضَلَالَةٍ مَنِ خَالَفَكَ
مُوقِنٌ، عَارِفٌ بِالْهُدَى الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ، بَأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي، اللَّهُمَّ إِنِّي
أَصَلِّي عَلَيْكَ كَمَا صَلَّيْتَ أَنْتَ عَلَيْهِ وَرُسُلِكَ وَأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، صَلَاةً
مُسَابِقَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَرَادِفَةً، يَتَّبِعُ بَعْضُهَا بَعْضًا، لَا انْقِطَاعَ لَهَا وَلَا أَمَدَ وَلَا
أَبَدَ وَلَا أَجَلَ فِي مَحْضَرِنَا هَذَا وَإِذَا غَبَّتَا وَشَهِدْنَا، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ
اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ﴾

﴿ ابا عبدالله الحسین (ع) ﴾

ترجمہ:

سپس بہ نزد قبور شہداء برو و سلام بر ایشان بندہ و بگو:

دروود بر شما ای راسخین در علم و دین، شما مقدم و سابق بر ما هستید و ما
پیرو و یاور شما می‌باشیم، شہادت می‌دهم کہ شما پاوران خدا هستید همان
طوری کہ حق نیارک و تعالی در کتابش فرمودہ:

«وَكَايِنَ مِنْ نَبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رَيْبُونَ كَثِيرٌ...»

یعنی بسا اتفاق افتاده که گروهی از پیروان و یاران پیامبری که از راسخین در علم و دین هستند در جنگ کشته شده و با این حال اهل ایمان سستی از خود نشان نداده و با سختی‌هایی که در راه خدا به آنها رسیده مقاومت کرده و هرگز ضعفی در آنها دیده نشده و در مقابل دشمن سر عجز فرود نیارزیده‌اند.

پس شما نیز سست نشده و ضعف و ناتوانی در شما راه نیافت و هرگز در مقابل دشمن زیون و خوار سر تسلیم فرود نیارزیدید تا خدا را در راه و هدف حقی که داشتید ملاقات کردید و در طریق نصرت کلمه نافه خدا یعنی حجّت کامله باری تعالی (وجود مقدّس حضرت سید الشهداء سلام الله تعالی علیه) جان سپردید، درود خدا بر ارواح طاهره و اجسام مطهر شما و تحیّت خدا بر شما باد، بشارت باد شما را به وعده‌های پسندیده حق تعالی که خلاقی در آنها نیست چه آنکه خدا وعده‌هایی که داده مخالفت نخواهد نمود، خنلوند متعال طلب می‌کند برای شما خونی را که وعده‌اش را داده است، شما سرور شهداء هستید در دنیا و آخرت، شما سابقون و مهاجرون و انصار می‌باشید، شهادت می‌دهم که شما در راه خدا مجاهدت نمودید، و بر طریق رسول خدا و فرزندان آن حضرت مقاتله و منازعه نمودید، حمد و سپاس برای خدائی است که وعده‌اش را در حق شما صادق قرار داد و آنچه شما دوست دارید را به شما نشان داد.

سپس بگو:

به زیارتت آمدم ای دوست و محبوب رسول خدا و ای فرزند رسول خدا، من عارف هستم به شما، و به حق شما مقرر می‌باشم، و به فضل شما بینا و مستبصر هستم، و به گمراهی کسی که با شما مخالفت نموده یقین دارم، به هدایت کسی که بر طریق شما است آگاهم، پدر و مادر و خودم فدای تو شریم، بار خدایا من بر او درود می‌فرستم همان طوری که تو و رسولات و امیرالمؤمنین علیهم السلام بر او درود می‌فرستید، درودهایی پشت سر هم و متصل و ردیف هم، برخی تابع و به دنبال بعضی دیگر می‌باشند، این درودها انقطاع و ابتداء و انتها و زمان نداشته، در

مجلس و محضر ما بوده و زمانی که غائب شویم نیز بوده چنانچه بعد از غیبت ما و حاضر شدنمان هم می‌باشند، سلام و درود بر او و رحمت و برکات حق تعالی بر او باد.

﴿ زیارة أُخرى ﴾

متن:

۴ - حدّثني أبي؛ و محمد بن عبد الله، عن عبد الله بن جعفر الحميري، عن عبد الله بن محمد بن خالد الطيالسي، عن الحسن بن علي، عن أبيه، عن فضل ابن عثمان الصائغ، عن معاوية بن عمار «قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: ما أقول إذا أتيت قبر الحسين عليه السلام؟ قال: قل: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، رَحِمَكَ اللَّهُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ تَتَلَّكَ، وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ شَرِكَ فِي دَمِكَ، وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ، أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ بَرِيءٌ»».

﴿ زیارت چهارم ﴾

﴿ زیارت نامه حضرت ﴾

﴿ ابا عبد الله الحسين عليه السلام ﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن عبدالله، از عبدالله بن جعفر حمیری، از عبدالله بن محمد ابن خالد طيالسی، از حسن بن علی، از پدرش، از فضل بن عثمان صائغ، از معاویه بن عمار، وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابي عبدالله عليه السلام عرض کرد: هرگاه به زیارت قبر مطهر حضرت امام حسین عليه السلام رفته در زیارت آن حضرت چه بگویم؟
امام صادق عليه السلام فرمودند: بگو:

سلام و درود بر تو ای ابا عبدالله، خدا درود بر تو فرستد ای ابا عبدالله، خدا رحمت فرستد بر تو ای ابا عبدالله، خدا لعنت کند کسانی را که تو را کشتند، و لعنت کند آنان را که در خون تو شریک شدند و لعنت کند آنهایی را که خیر قتل تو را شنیدند و به آن راضی شدند، من به سوی خدا از این امر بی زاری می جویم.

﴿ زیارةٔ اُخری ﴾

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

متن:

۵ - حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيِّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حمزة، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْكَرِيمِ أَبِي عَلِيٍّ، عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، عَنِ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ « قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: لِلْمَفْضَلِ: كَمْ بَيْنَكَ وَبَيْنَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ ﷺ؟ قَالَ: قُلْتُ: بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَوْمَ وَبَعْضُ يَوْمٍ آخَرَ، قَالَ: فَتَزُورُهُ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: فَقَالَ: أَلَا أُبَشِّرُكَ؟ أَلَا أُفْرَحُكَ بِبَعْضِ ثَوَابِهِ؟ قُلْتُ: بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ، قَالَ: فَقَالَ لِي: إِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ لِيَأْخُذُ فِي جِهَازِهِ وَيَتَهَيَّأُ لَزِيَارَتِهِ فَيَتَبَاشَرُ بِهِ أَهْلَ السَّمَاءِ، فَإِذَا خَرَجَ مِنْ بَابِ مَنْزِلِهِ رَاكِبًا أَوْ مَاشِيًا وَكَلَّمَ اللّٰهَ بِهِ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ يَصَلُّونَ عَلَيْهِ حَتَّى يُوَافِيَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ ﷺ، يَا مَفْضَلُ إِذَا أَتَيْتَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ ابْنَ عَلِيٍّ ﷺ فَقِفْ بِالْبَابِ وَقُلْ هَذِهِ الْكَلِمَاتُ، فَإِنَّ لَكَ بِكُلِّ كَلِمَةٍ كِفَالًا مِنْ رَحْمَةِ اللّٰهِ، فَقُلْتُ: مَا هِيَ جَعَلْتُ فِدَاكَ؟ قَالَ: تَقُولُ:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللّٰهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحِ نَبِيِّ اللّٰهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللّٰهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللّٰهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللّٰهِ، السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عَلِيٍّ وَصِيِّ
رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْحَسَنِ الرُّضِيِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
وَارِثَ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ الصَّادِقُ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبَارِئُ الثَّقِيُّ، [السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ
حُجَّتِهِ]، السَّلَامُ عَلَى الْأَزْوَاجِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ وَأَسَاخَتْ بِرَحْلِكَ،
السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُحَدِّقِينَ بِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَ
آتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ
مُخْلِصًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَتِيمَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

مَم تَسْعَى فَلَكَ بِكُلِّ قَدَمٍ رَفَعْتَهَا وَوَضَعْتَهَا كَثْرَابِ الْمَشْحَطِ بِدَمِهِ فِي
سَبِيلِ اللَّهِ، فَإِذَا سَأَلْتَ عَلَى الْقَبْرِ قَالَتْهُ بِيَدِكَ وَقُلْ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
حُجَّةَ اللَّهِ فِي سَمَائِهِ وَأَرْضِهِ»

﴿ زیارت پنجم ﴾

ترجمه: ﴿ بنام خداوند بخشنده مهربان ﴾

پدرم از سعد بن عبدالله، از ابی عبدالله رازی، از حسن بن علی بن ابی حمزه
از حسن بن محمد بن عبدالکریم ابی علی از مفضل بن عمر، از جابر جعفی، وی
گفت:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام؛ به مفضل فرمودند:

فاصله بین شما تا قبر مطهر امام حسین علیه السلام چه مقدار است؟

وی عرض کرد: پدر و مادرم فدایت شوند یک روز و مقداری از یک روز.

حضرت فرمودند:

آیا قبر آن حضرت را زیارت می‌کنی؟

عرض کردم: بلی.

فرمودند:

آیا بشارت بدهم تو را؟ آیا شاد و مسرور بنمایم تو را به واسطه پاره‌ای از ثواب‌های آن؟

عرض کردم: بلی فدایت شوم.

مفضل گفت: حضرت به من فرمودند:

هرگاه یک نفر از شما اثنایه سفرش را بر می‌داد و آماده می‌شود برای زیارت قبر امام حسین علیه السلام اهل آسمان به او بشارت می‌دهند و وقتی از درب خانه‌اش بیرون رفت چه سواره و چه پیاده خداوند منان چهار هزار فرشته را بر او موکل می‌فرماید که بر وی تحبّت و درود فرستند تا به قبر مطهر حضرت امام حسین علیه السلام برسد.

ای مفضل: هنگامی که به قبر امام امام حسین علیه السلام رسیدی، درب حرمش بایست و این کلمات را بگو، زیرا در مقابل هر یک کلمه‌ای که می‌گویی نصیب و بهره‌ای از رحمت عائدت می‌شود.

عرض کردم: آن کلمات چیست؟

حضرت فرمودند: بگو:

سلام و درود بر تو ای وارث آدم که برگزیده خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث نوح که پیامبر خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث ابراهیم که خلیل خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث موسی که کلیم خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث عیسی که روح خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث علی علیه السلام که محمد صلی الله علیه و آله که حبیب خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث حسن علیه السلام که رضی جانشین رسول خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث فاطمه علیه السلام که دختر رسول خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث زینب علیه السلام که بسیار بسیار راستگو بودی، سلام بر تو

ای وصی و جانشین پیغمبر که نیکوکار و پرهیزکار می باشی، سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت خدا، سلام بر ارواحی که گرداگرد تو فرود آمده و در مسکن و مکان تو قرار و آرام گرفته اند، سلام بر فرشتگان خدا که اطراف تو را گرفته اند، شهادت می دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات را اداء کردی و به معروف و اعمال پسندیده امر کردی و از افعال زشت و ناپسند نهی نمودی، و خدا را مخلصاً پرستیدی تا اجل تو را دریانت، سلام بر تو و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

سهس از درب حرم حرکت کن و به طرف قبر برو که برای هر قدمی که از زمین برداشته و بر روی آن می گذاری ثوابی همچون ثواب کسی که در راه خدا به خون خود آغشته شده می باشد و وقتی بر قبر سلام دادی دست خود را به آن بکش و بگو:

سلام بر نوای حجت خدا در آسمان و زمین

متن:

ثُمَّ قَضَى إِلَى صَلَاتِكَ، وَلِكِ بِكُلِّ رَكْعَةٍ رَكْعَتَهَا عِنْدَهُ كَثُوبٌ مِّنْ حَجٍّ وَاعْتَمَرٍ أَلْفَ مَرَّةٍ وَأَعْتَقَ أَلْفَ رَقَبَةٍ، وَكَأَنَّا وَقَفْنَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَلْفَ مَرَّةٍ مَعَ نَبِيِّ مُرْسَلٍ، فَإِذَا انْقَلَبْتَ مِنْ عِنْدِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام نَادَاكَ مُنَادٍ - لَوْ سَمِعْتَ مَقَالَتهَ لَأَقَمْتَ عُمُرَكَ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام - وَهُوَ يَقُولُ: «طُوبَى لَكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ! قَدْ غَنِمْتَ وَسَلِمْتَ، قَدْ غَفِرَ لَكَ مَا سَلَفَ، فَاسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ»، فَإِنْ هُوَ مَاتَ مِنْ عَامَّةٍ أَوْ فِي لَيْلَتِهِ أَوْ يَوْمَهُ لَمْ يَلِ قَبْضَ رُوحِهِ إِلَّا اللَّهُ، وَتَقْبَلُ الْمَلَائِكَةُ مَعَهُ [و] يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ، وَيَصَلُّونَ عَلَيْهِ حَتَّى يُوَافِيَ مَنزِلَهُ، وَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: يَا رَبِّ هَذَا عَبْدُكَ وَقَدْ وَافَى قَبْرَ ابْنِ

نَبِيكَ ﷺ و قد وافى منزله، فأين نذهب؟ فيأتيهم النداء من السماء: يا ملائكتي قفوا بباب عبدي؛ فسبحوا و قدسوا و اكتبوا ذلك في حسناته إلى يوم توفى، قال: فلا يزالون ببابه إلى يوم يتوفى يسبحون الله و يقدّمونه، و يكتبون ذلك في حسناته، فإذا توفى شهدوا جنازته و كفنه و غُسله و الصلوة عليه، و يقولون: ربّنا و كلتنا بباب عبدك و قد توفى فأين نذهب؟ فيناديهم: يا ملائكتي قفوا بقبر عبدي فسبحوا و قدسوا و اكتبوا ذلك في حسناته إلى يوم القيامة».

حدّثني حكيم بن داود بن حكيم، عن سلّمة بن الخطاب، عن أبي عبدالله الرّازي الجاموراني، عن الحسن بن علي بن أبي حمزة بإسناده مثله.



مرکز تحقیقات کتب و سیره اهل بیت
 ﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ﴾
 ﴿ ابا عبدالله الحسین ﷺ ﴾

ترجمه:

سپس به نماز بایست چه آنکه هر رکعتی از نماز نزد قبر آن حضرت ثواب هزار حجّ و عمره و هزار بنده‌ای که آزاد نموده باشند را داشته و گویا نمازگذار هزار مرتبه با پیغمبر لرستاده شده در راه خدا جهاد کرده است، به هر صورت وقتی از زیارت قبر برگشتی منادی تو را نداء می‌کند به طوری که اگر مقاله و سخن او را می‌شنیدی تمام عمرت را نزد قبر آن حضرت می‌ماندی، منادی می‌گوید:

ای بنده خوشا به حال تو! غنیمت بردی و سلام دادی، تمام گناهان گذشته‌ات آمرزیده شد، پس عمل را از ابتداء شروع کن، پس اگر وی در همان سال یا همان

شب یا همان روز زیارت فوت کند احدی قبض روحش را به عهده نگرفته مگر خداوند متعال، و فرشتگان با او پیش آمده و طلب آمرزش برایش می کنند و رحمت بر او می کنند تا وی به منزلش برسد، و فرشتگان می گویند:

ای پروردگار این بنده تو است و به زیارت فرزند پیغمبرت صلی الله علیه و آله آمده و اکنون برگشته و به منزلش رسیده حال ما به کجا برویم؟
پس از آسمان نداء آید:

ای فرشتگان من درب منزل بنده من بایستید و تسبیح و تقدیس نموده و آن را در نامه حسنات وی بنویسید تا زمانی که فوت کند.
امام علیه السلام فرمودند:

پیوسته فرشتگان درب منزل او بوده تا روزی که وی فوت کند، طول این مدت ایشان به تسبیح خداوند و تقدیس مشغول بوده و تمام این تسبیحات و تقدیسات را در زمره حسنات وی قرار می دهند و وقتی وی فوت کند بر جنازه و مراسم تکفین و تغسیل و خواندن نماز بر او حاضر شده و می گویند:
پروردگارا ما را موکل نمودی که بر درب منزل بنده ات بایستیم، اکنون او فوت کرده حال کجا برویم؟

حق تعالی نداء داده و می فرماید:

ای فرشتگان من بایستید بر سر قبر بنده ام، پس تسبیح و تقدیس نمائید من را و آن را در زمره حسنات او تا روز قیامت ثبت و ضبط کنید.
حکیم بن داود بن حکیم، از سلمة بن الخطاب، از ابی عبدالله رازی جامورانی از حسن بن علی بن ابی حمزه به اسنادش مثل حدیث مزبور را نقل کرده اند.

﴿ زیارةٔ اُخری ﴾

متن:

۶ - حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبَلَادِ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: مَا تَقُولُ فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحَسَنِ عليه السلام؟ فَقَالَ لِي: مَا تَقُولُونَ أَنْتُمْ فِيهِ؟ فَقُلْتُ: بَعْضُنَا يَقُولُ حِجَّةً وَبَعْضُنَا يَقُولُ عَمْرَةً، قَالَ: فَأَيُّ شَيْءٍ تَقُولُ إِذَا أَتَيْتَ؟ فَقُلْتُ: أَقُولُ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَدَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ سَفَكُوا دَمَكَ وَاسْتَحَلُّوا حُرْمَتَكَ مَلْعُونُونَ مُعَذَّبُونَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَ عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ، ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ».

﴿ زیارت ششم ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از جدش محمد بن عیسی ابن عبدالله، از ابراهیم بن ابی البلاد، وی گفت: محضر مبارک حضرت ابی الحسن علیه السلام (امام هفتم علیه السلام) عرض کردم: دو زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام چه می فرمائید؟

حضرت به من فرمودند:

شما درباره زیارت آن حضرت چه می گویند؟

عرضه داشتم: برخی از ما معتقدیم که زیارت آن جناب به منزل حج بوده

و بعضی دیگر می گوئیم ثواب عمره را دارد.

حضرت فرمودند:

در وقت زیارت آن حضرت چه می گوئید؟

عرض کردم: می گوئیم:

سلام و درود بر تو ای ابا عبدالله، سلام و درود بر تو ای پسر رسول خدا، شهادت می دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات را اداء نمودی، و به کار خیر امر و از عمل زشت نهی فرمودی، و با بیانی مشتمل بر حکمت و با موعظه ای پسندیده، مردم را به راه پروردگارت دعوت نمودی، و شهادت می دهم کسانی که خون تو را ریختند و هتک حرمت تو را حلال دانستند با زبان حضرت داود و عیسی بن مریم علیهم السلام مورد لعن و عذاب الهی واقع شده اند، و این به خاطر عصبان و تجاوز آن ها می باشد.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

متن:

۷- حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْبَغْدَادِيِّ - عَمَّنْ حَدَّثَهُ - عَنْ إِبْرَاهِيمِ بْنِ أَبِي الْبَلَادِ «قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام: كَيْفَ السَّلَامِ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام؟ قَالَ: قُلْتُ: أَقُولُ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَتَيْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَدَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، أَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ سَفَكُوا دَمَكَ وَاسْتَحَلُّوا حُرْمَتَكَ مَلْعُونُونَ مُعَذَّبُونَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ، ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ»، قَالَ: نَعَمْ هُوَ هَكَذَا».

﴿ زیارت هفتم ﴾

ترجمه:

پدرم از موسی بن جعفر بغدادی از کسی که برایش حدیث گفته، از ابراهیم ابن ابی البلاد، وی گفت:

حضرت ابوالحسن علیه السلام (امام هفتم علیه السلام) به من فرمودند:

چگونه بر حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام سلام می دهی؟

وی می گوید: عرضه داشتم: می گویم:

سلام و درود بر تو ای ابا عبدالله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا...

مترجم گوید:

فقرات این زیارت عیناً همان زیارت ششم است با این فرق که پس از عرضه

داشتن راوی امام علیه السلام در این زیارت ناهه فرموده اند:

بلی سلام بر آن حضرت چنین می باشد.

﴿ زیارت آخری ﴾

متن:

۸- حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ، عَنْ سَلْمَةَ بْنِ الْحَطَّابِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ -

عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ - عَنْ سَلْيَانَ بْنِ خَلْفِصِ الْمُرُوزِيِّ - عَنْ الرَّجُلِ -

«قَالَ: تَقُولُ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَ شَاهِدَهُ عَلَى خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ

رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ الْمُتَضَيِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ

فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَ أَمَرْتَ

بِالْمَعْرُوفِ، وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى أَتَاكَ

الْيَقِينُ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ حَيًّا وَ مَيِّتًا».

ثُمَّ ضَعَّ خَدَّكَ الْأَيْمَنَ عَلَى الْقَبْرِ وَ قُلْ: «أَشْهَدُ أَنَّكَ عَلَى بَيْتِنَا مِنْ رَبِّكَ، جِشْتِكَ مُقَرَّباً بِالذُّنُوبِ، إِشْفَعُ لِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ». ثُمَّ اذْكُرِ اللَّئِمَّةَ وَاحِداً وَاحِداً وَ قُلْ: «أَشْهَدُ أَنَّهُمْ حُجَّجُ اللَّهِ». ثُمَّ قُلْ: «أَكْتُبْ لِي عِنْدَكَ عَهْداً وَ مِيثاقاً بَأَنِّي أَتَيْتُكَ مُجَدِّداً الْمِيثَاقَ فَاشْهَدْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ، إِنَّكَ أَنْتَ الشَّاهِدُ».

﴿ زیارت هشتم ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود، از سلمة بن الخطاب، از علی بن محمد، از برخی اصحابش، از سلیمان بن حفص مروزی، از آن مرد بزرگ، آن جناب فرمودند:

در نزد قبر حضرت امام حسین (علیه السلام) بگو:

سلام و درود بر تو ای ابا عبدالله، سلام و درود بر تو ای حجت خدا در زمین، و سلام بر تو ای شاهد خدا بر خلق او، سلام بر تو ای پسر رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی، سلام و درود بر تو ای فرزند فاطمه زهراء، شهادت می‌دهم که نماز را به پا داشته و زکات را اداء کرده‌ای، و به کار خیر امر و از عمل زشت نهی فرموده‌ای، و در راه خدا جهاد کردی تا مرگ تو را دریافت، و درود و رحمت خدا بر تو باد چه در حال حیات و چه در حال ممات.

سپس طرف راست صورت را بر قبر بگذار و بگو:

شهادت می‌دهم که تو حجت آشکار پروردگارت می‌باشی، به نزد تو آمده‌ام در حالی که به گناهانم اقرار دارم، نزد پروردگارت شفاعت من را بنما ای فرزند رسول خدا.

سپس انمه (علیه السلام) را یکی یکی یاد کن و بگو:

شهادت می‌دهم که شما حجت‌های خدا هستید.

سپس بگو:

بنویس برای من که نزد شما میثاق و عهدی داشته و آمدم به محضر ت در حالی که آن میثاق را تجدید می‌کنم پس شاهد من باش نزد پروردگارت که تو شاهد می‌باشی.

متن:

۹ - حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ سَلْمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَكَرِيَّا، عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ حَنْصِ الْمُرُوزِيِّ، عَنِ الْمُبَارَكِ قَالَ: تَقُولُ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (ع):

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَ شَاهِدَهُ عَلَى خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَتِيمُ، فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ حَيًّا وَ مَيِّتًا.»
 ثُمَّ ضَعَّ خَدَّكَ الْأَيْمَنَ عَلَى الْقَبْرِ وَ قُلْ: «أَشْهَدُ أَنَّكَ عَلَى بَيْتِنَا مِنْ رَبِّكَ، جِشْكَ مَقْرَأً بِالذُّنُوبِ لِتَشْفَعَ لِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ.»
 ثُمَّ اذْكَرِ الْأُمَّةَ بِأَسْمَائِهِمْ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ، وَ قُلْ: «أَشْهَدُ أَنَّهُمْ خَبَجُ اللَّهِ.»، ثُمَّ قُلْ: «اكَتَبَ لِي عِنْدَكَ مِيثَاقًا وَ عَهْدًا أَنِّي أَتَيْتُكَ مُجَدِّدًا الْمِيثَاقَ، فَاشْهَدْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ إِنَّكَ أَنْتَ الشَّاهِدُ.»

﴿ زیارت نهم ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود بن حکیم، از سلمه بن الخطاب، از حسین بن زکریا، از سلیمان ابن حفص مروزی، از مبارک، وی گفت:

در زیارت نبر حضرت امام حسین علیه السلام می گوئی:

سلام بر تو ای ابا عبدالله، سلام بر تو ای حجت خدا در زمینش، و شاهد او بر خلقش، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی، سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهراء، شهادت می دهم که تو نماز را به پا داشتی، و زکات را اداء نمودی، و به کارهای نیک امر و از اعمال و افعال زشت نهی نمودی، و در راه خدا سخت کوشیدی تا اجل تو را دریافت، پس رحمت خدا بر تو باد در زنده و مرده بودن.

سپس طرف راست صورت را بر قبر بگذار و مضامین در زیارت قبل (زیارت هشتم) را که با ترجمه اش گذشت بگو.



متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّفَّارِ، عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ، عَنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ، عَنِ عَامِرِ بْنِ جُذَاعَةَ، عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: إِذَا أَتَيْتَ الْحُسَيْنَ عليه السلام فَقُلْ:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَمَنْ شَارَكَ فِي دَمِكَ، وَمَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ قَرْضِي بِهِ، أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِيٌّ ثَلَاثًا.»

﴿ زیارت دهم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن احمد بن ولید، از محمد بن الحسن بن الصفار، از محمد ابن عبدالجبار، از عبدالرحمن بن ابی نجران، از عامر بن جذاعه، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

هرگاه به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام رفتی بگو:

سپاس و حمد برای خدا است و درود و تحیت خدا بر محمد که نبی او است و بر آل و دودمانش، و سلام بر او و بر آلش و رحمت و برکات الهی بر این ذوات باد، درود خدا بر تو ای ابا عبدالله، خدا لعنت کند کسانی را که تو را کشتند، و کسانی را که در خون تو شرکت نمودند، و کسانی را که وقتی خبر کشته شدن تو به ایشان رسید راضی به آن شدند، من از ایشان به سوی خدا بی زاری می جویم، این عبارت را سه بار بگویند:

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

متن:

۱۱ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ عَامِرِ بْنِ جُذَاعَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: إِذَا أَتَيْتَ الْحَائِرَ فَقُلْ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهِلِ بَيْتِهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَوَالِدَيْهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَمَنْ شَارَكَ فِي دَمِكَ، وَمَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِيَ بِهِ، أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ»».

ترجمه: ﴿ زیارت یازدهم ﴾

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد، از عبدالرحمن ابن ابی نجران، از محمد بن ابی عمیر، از عامر بن جذاعة از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:
هرگاه به حائر رفتی پس بگو:
حمد و سپاس برای خداست و درود و تحیت خدا بر محمد و اهل بیت او...
تا آخر مضامین زیارت قبل که با ترجمه ذکر شد.

﴿ زیارة أخرى ﴾

مشن:

۱۲ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ؛ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ قُضَّالٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدِ الْمَدَائِنِيِّ، عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ، عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى السَّابَاطِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام « قَالَ: تَقُولُ إِذَا أَتَيْتَ إِلَى قَبْرِهِ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أمير المؤمنين، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ رِضَاهُ مِنْ رِضَا الرَّحْمَنِ، وَ سَخَطُهُ مِنْ سَخَطِ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ وَ حُجَّتِهِ وَ بَابَ اللَّهِ، وَ الدَّلِيلَ عَلَى اللَّهِ، وَ الدَّاعِيَ إِلَى اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ حَلَلْتَ خَلَالَ اللَّهِ، وَ حَرَّمْتَ حَرَامَ اللَّهِ، وَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ دَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ

بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَمَنْ قَتَلَ مَعَكَ شُهَدَاءَ
أَحْيَاءَ عِنْدَ رَبِّكُمْ تُرْزَقُونَ، وَأَشْهَدُ أَنَّ قَاتِلِيكَ فِي النَّارِ، أَدِينُ اللَّهُ
بِالْبِرَاءَةِ مِمَّنْ قَاتَلَكَ، وَمِمَّنْ قَتَلَكَ وَشَايَعَ عَلَيْكَ، وَمِمَّنْ جَمَعَ
عَلَيْكَ، وَمِمَّنْ سَمِعَ صَوْتَكَ وَلَمْ يُجِيبَكَ، يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأُقَوِّرَ
قُورًا عَظِيمًا».

۱۳ - حدَّثني علي بن الحسين، عن علي بن إبراهيم بن هاشم، عن أبيه،
عن ابن أبي نجران، عن يزيد بن إسحاق، عن الحسن بن عطية، عن أبي
عبدالله عليه السلام «قال: تقول عند قبر الحسين عليه السلام ما أحببت».



﴿ زیارت دوازدهم ﴾

﴿ زیارت نامه حضرت ﴾

﴿ ابا عبدالله الحسین عليه السلام ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبدالله و عبدالله بن جعفر حمیری، از احمد
ابن الحسن بن علی بن فضال، از عمرو بن سعید مدائنی، از مصدق بن صدقه، از
عمار بن موسی سباطی، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام، حضرت فرمودند:
هرگاه به زیارت قبر امام حسین عليه السلام رفتی بگو:

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند امیرالمؤمنین، سلام بر
تو ای ابا عبدالله، سلام بر تو ای سرور جوانان اهل بهشت و رحمت خدا
و برکانش بر تو باد، سلام بر تو ای کسی که رضایتت رضایت خدا است،
و غضب و نارضايتت غضب و نارضايتی خدا می باشد، سلام بر تو ای امین
و حجت و باب خدا و راهنما و نشان دهنده خدا و دعوت کننده بسوی خدا،
شهادت می دهم که تو حلال خدا را بیان کرده و حرامش را روشن نموده و نماز

راه به پا داشتی و زکات را پرداختی و به کارهای نیک امر و از اعمال زشت و قبیح نهی فرمودی، و با بیان مصلحت و پند و اندرز نیک دیگران را به راه خدا دعوت نمودی، و شهادت می‌دهم که تو و آنانکه در رکاب ظفر قرینت شهید شده‌اید شهیدانی بوده که نزد خدا زنده بوده و روزی می‌خورید، و شهادت می‌دهم که کشته‌نمودن تو در آتش جهنم است، به واسطه بی‌زاری از کسانی که با تو محاربه نموده و آنانکه تو را کشته و علیه تو با یکدیگر هم داستان شدند، و بی‌زاری می‌جویم از کسانی که قصد سوء علیه تو نمودند و براءت و بی‌زاری می‌جویم از آنانکه صدای تو را شنیده ولی اجابت نکردند، کاش با تو بودم پس به رستگاری عظیمی نائل می‌شدم.

﴿ زیارت سیزدهم ﴾

علی بن الحسین، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از ابی نجران، از یزید بن اسحاق، از حسن بن عطیه، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

نزد قبر امام حسین علیه السلام هر چه را که دوست داشتی می‌توانی به عنوان زیارت بخوانی.

﴿ زیارة آخری ﴾

متن:

۱۴ - حدیثی محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن اسماعیل، عن صالح بن عقیبة، عن ابی سعید المدائنی «قال: دخلت علی ابی عبدالله علیه السلام فقلت: جعلت فداک آتی قبر الحسین علیه السلام، قال: نعم یا ابا سعید اتت قبر الحسین علیه السلام أطیب الطیبین و أطهر الطاهرین و أبر

الأبرار، وإذا زُرْتَهُ يا أبا سعيد فسبح عند رأيه تسبيح أمير المؤمنين ﷺ ألف مرّة، و سبّح عند رجليه تسبيح فاطمة الزهراء ﷺ ألف مرّة، ثم صلّ عنده ركعتين تقرأ فيهما: «يس» و «الرحمن»، فإذا فعلت ذلك كتب الله لك ثواب ذلك إن شاء الله تعالى، قال: قلت: جعلت فداك علمني تسبيح عليّ و فاطمة ﷺ، قال: نعم يا أبا سعيد: تسبيح عليّ ﷺ: «سُبْحَانَ الَّذِي لَا تَنْفَدُ خَزَائِنُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا تَبِيدُ مَعَالِمُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا يَنْفِي مَا عِنْدَهُ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا يُشْرِكُ أَحَدًا فِي حُكْمِهِ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا إِضْحَالَ لِقَهْرِهِ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا تَقْطَعُ لِمَدَّتِهِ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُهُ»

و تسبيح فاطمة ﷺ: «سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ، سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ، سُبْحَانَ ذِي الْبَهْجَةِ وَالْجَمَالِ، سُبْحَانَ مَنْ تَرْدَى بِالنُّورِ وَ الْوَقَارِ، سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ التَّمَلُّ فِي الصَّنَا، وَ وَقَعَ الطَّيْرُ فِي الْهَوَاءِ».

﴿ زیارت چهاردهم ﴾

﴿ زیارت نامہ حضرت ﴾

﴿ ابا عبد اللہ الحسین ﷺ ﴾

ترجمہ:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبہ، از ابی سعید مدائنی، وی می گوید محضر مبارک حضرت ابی عبد اللہ ﷺ مشرف شده عرض کردم: فدایت شوم به زیارت قبر حضرت امام حسین ﷺ بروم؟

حضرت فرمودند:

بلی، ای اباسعید به زیارت قبر حسین علیه السلام برو و به زیارت پاکیزه‌ترین پاکیزه‌ها و پاک‌ترین پاکان و نیک‌ترین نیکان.

ای اباسعید هنگامی که آن حضرت را زیارت کردی بالای سر آن جناب تسبیح امیرالمؤمنین علیه السلام را هزار مرتبه بگو و پائین پای آن حضرت تسبیح حضرت زهراء علیه السلام را هزار مرتبه بگو، سپس نزد قبر مطهرش دو رکعت نماز بخوان و در آن دو رکعت سوره یس و الزحمن را قرائت کن.

و وقتی چنین نمودی خداوند متعال ثواب زیارت حضرت را برای تو خواهد نوشت.

راوی می‌گوید: من حضر مبارکش عرض کردم: فدایت شوم تسبیح امیرالمؤمنین علی علیه السلام و تسبیح حضرت فاطمه سلام الله علیها را آیا به من تعلیم می‌فرمائید؟

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

حضرت فرمودند:

بلی یا اباسعید، تسبیح امیرالمؤمنین علیه السلام عبارت است از ذکر این اذکار:
منزه است کسی که خزاننش تمام شدنی نیست، منزه است کسی که نشانه‌هایش کهنه و فرسوده نمی‌شوند،
منزه است کسی که آنچه نزد او است فانی نمی‌گردد، منزه است کسی که احدی در حکم با او شریک نیست،
منزه است کسی که زرالی برای فخر و بزرگی او نمی‌باشد، منزه است کسی که بر انقطاع و فنائی برای زمان سلطتش نمی‌باشد، منزه است کسی که معبودی غیر از او وجود ندارد.

و تسبیح حضرت فاطمه سلام الله علیها عبارتست از:
منزه است صاحب جلالی که متکبر و بزرگ می‌باشد، منزه است صاحب عزتی که بلند مرتبه و مرتفع الشان می‌باشد، منزه است صاحب سلطنتی که دارای

فخر و قدمت می باشد، منزّه است صاحب حسن و جمال، منزّه است کسی که به نور و سنگینی و وقار آراسته است، منزّه است کسی که اثر و نشانه های پای مورچه را روی سنگ صاف و شفاف دیده و افتادن طیور و پرندگان را روی درختان و لانه ها می نگرَد.

﴿ زیارة آخری ﴾

متن:

۱۵ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَغَيْرِ وَاحِدٍ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مُوسَى الْوَرَّاقِ، عَنِ يُونُسَ، عَنِ عَامِرِ بْنِ جُدَاعَةَ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: إِذَا أَتَيْتَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَقُلْ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ، أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِيٌّ».

﴿ زیارت پانزدهم ﴾

ترجمه: ﴿ زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین عليه السلام ﴾

پدرم و گروهی دیگر، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از عباس بن موسی وراق، از یونس، از عامر بن جداعة، وی می گوید: شنیدم حضرت ابو عبدالله عليه السلام می فرمودند:

وقتی به زیارت قبر امام حسین عليه السلام رفتی بگو:

سلام و درود بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام و درود بر تو ای ابا عبدالله، خدا لعنت کند کسانی که تو را کشتند و خدا لعنت کند کسانی را که وقتی خبر

شهادت تو را شنیدند خوشنود و راضی شدند، من به سوی خدا از ایشان بی‌زاری می‌جویم.

﴿ زیارة أُخرى ﴾

۱۶ - حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ سَعْدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدَانُ بْنُ مَسْلَمٍ، [عَنْ قَائِدِ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: حَدَّثَنَا بَعْضُ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام] قَالَ: إِذْ آتَيْتَ الْقَبْرَ بَدَأْتَ فَاتَيْتَ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَصَلَّيْتَ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وَاجْتَهَدْتَ فِي ذَلِكَ [إِنْ شَاءَ اللَّهُ] ثُمَّ تَقُولُ:

«سَلَامٌ اللَّهُ عليه السلام وَسَلَامٌ فَلَا تَكْفِيهِ فِيهَا تَرْوُحٌ وَتَسْغُدُو، الزَّكِيَّاتُ الطَّاهِرَاتُ لَكَ وَعَلَيْكَ، وَسَلَامٌ اللَّهُ عَلَيَّ وَسَلَامٌ فَلَا تَكْفِيهِ الْقَرَّيْنِ وَالْمُسْلِمِينَ لَكَ بِقُلُوبِهِمْ، وَالنَّاطِقِينَ بِتَضَلُّكَ وَالشُّهَدَاءِ عَلَيَّ أَنْتَ صَادِقٌ صِدِّيقٌ، صَدَقْتَ وَتَصَحَّحْتَ فِيمَا أَتَيْتَ بِهِ، وَأَنْتَ نَارُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ، وَالذَّمُّ الَّذِي لَا يُذْرِكُ نَارَهُ أَحَدٌ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ، وَلَا يُذْرِكُهُ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، جِشَكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَإِقْدَا إِلَيْكَ، [وَأَتَوَسَّلُ إِلَى اللَّهِ بِكَ فِي جَمِيعِ حَوَائِجِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي، وَبِكَ يَتَوَسَّلُ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ فِي حَوَائِجِهِمْ، وَبِكَ يُذْرِكُ أَهْلُ التَّرَاتِ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ طَلِبَتَهُمْ].»

﴿ زیارت شانزدهم ﴾

ترجمه: ﴿ زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام ﴾

حسین بن محمد بن عامر، از احمد بن اسحاق بن سعد، وی می‌گوید:
سعدان بن مسلم، از قائد ابی بصیر نقل نموده که وی گفت:

برخی از اصحاب ما از حضرت اَبی عبدالله علیه السلام نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمودند:

وقتی به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام رفتی ابتداء بر خداوند عزوجل ثناء بگو و سپس بر پیامبر اکرم صلوات و درود بفرست و در فرستادن صلوات بر آن حضرت کوشش و مبالغه نما و پس از آن بگو:

درود خدا و درود فرشتگان در هر شام و بامداد برای تو و هر تو باد آن درودهایی که پاک و پاکیزه می‌باشند، و درود خدا و درود فرشتگان مقرب و ملائکه‌ای که قلباً تسلیم تو هستند بر تو باد، درود فرشتگانی که فضل تو را بازگو می‌کنند بر تو باد، درود آنانکه شهادت می‌دهند بر اینکه تو راستگو و راست هستی بر تو باد، در آنچه خیر دادی و بازگو نمودی راست گفتی و مردم را نصیحت کردی، تو خون خدا در زمین هستی، تو خونی هستی که احدی از اهل زمین نمی‌تواند آنرا تقاضا کند و کسی غیر از خداوند متعال قادر بر خونخواهی آن نیست، ای پسر رسول خدا به نزد تو آمده‌ام در حالی که از سرزمین خود به سوی تو کوچ کرده‌ام، و به واسطه تو هر تمام نیازمندی‌هایم چه امور دنیائی و چه امور اخروی به خدا متوسل می‌شوم، و به واسطه تو تمام نیازمندان در نیازهایشان به خداوند منان متوسل می‌شوند، و به توسط تو اولیاء دماء از بندگان خدا طلب خود را می‌گیرند.

مثن:

هَمْ أَمْسٍ قَلِيلاً هَمْ تَسْتَقْبِلُ الْقَبْرَ - وَ الْقِبْلَةَ بَيْنَ كَتْفَيْكَ - فَقُلْ:
 «الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ [الْأَحَدِ] الْمَتَّوِّحِدِ بِالْأُمُورِ كُلِّهَا، خَالِقِ الْخَلْقِ قَلَمٌ
 يَغْرُبُ عَنْهُ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِهِمْ، وَعَالِمِ كُلِّ شَيْءٍ بِلا تَعْلِيمٍ؛ ضَمَّنَ الْأَرْضَ وَمَنْ
 عَلَيْهَا دَمَكَ وَتَأْرَكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّ لَكَ مِنَ اللَّهِ مَا وَعَدَكَ

مِنَ النَّصْرِ وَالْفَتْحِ، وَأَنَّ لَكَ مِنَ اللَّهِ الْوَعْدُ الْحَقُّ فِي هَلَاكِ عَدُوِّكَ
وَتَمَامِ مَوْعِدِهِ وَإِيَّاكَ، أَشْهَدُ أَنَّهُ قَاتِلَ مَعَكَ رِيثُونَ كَثِيرٌ كَمَا قَالَ اللَّهُ
تَعَالَى: «وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِيثُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَرُوا لِمَا أَصَابَهُمْ».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ﴾

﴿ ابا عبدالله (ع) ﴾

ترجمه:

سپس اندکی قدم بردار و پس از آن قبر را مقابل خود و قبله را بین دو کف
قرار داده و بگو:

حمد و سپاس برای خداوند واحدی است که در تمام امور مستقل می باشد،
آفریننده مخلوقات بوده پس هیچ امری از امور خلایق از او مخفی و پنهان
نمی باشد، بدون اینکه تعلیم گرفته باشد به تمام اشیاء عالم و دانا است، ای فرزند
رسول الله خداوند منان زمین و تمام موجودات روی آن را تاوان خون تو قرار
داده است، شهادت می دهم نصرت و فتحی را که خلا به تو وعده داده برایت
منتجز و فراهم فرموده، و نیز شهادت می دهم وعده راست و حقی را که خدا در
ارتباط با هلاک نمودن دشمن تو داده و نیز تمام وعده هایش به تو به وقوع
پیوسته است، شهادت می دهم که همراه تو جماعت بسیاری مقاتله و کارزار
کردند چنانچه حق تعالی در قرآن فرموده:

و چه بسا پیامبر که گروه زیادی از پیروانش همراه او کارزار کرده و کشته
شدند ولی هیچ سستی و رخنه ای از این رهگذر در آنها پیدا نشد.

متن:

ثُمَّ كَبُرَ سَبْعَ تَكْبِيرَاتٍ، ثُمَّ أَفْشَى قَلِيلاً وَاسْتَقْبَلَ الْقَبْرَ، ثُمَّ قُلَ:
«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وِلْدَانًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي

الْمَلِكِ، خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَفْدِيرًا، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ عَنِ اللَّهِ مَا
 أَمَرْتَ بِهِ وَوَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ، وَنَمَتَ بِكَ كَلِمَاتُهُ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى
 أَتَاكَ الْيَقِينُ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَأُمَّةً خَذَلَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً خَذَلَتْ
 عَنْكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ بِالْوِلَايَةِ لِمَنْ وَالَيْتَ وَوَالَيْتَ رُسُلَكَ، وَأَشْهَدُ
 بِالْبِرَاءَةِ لِمَنْ بَرَّتَ مِنْهُ وَبَرَّتَ مِنْهُ رُسُلَكَ، اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ كَذَّبُوا
 رُسُلَكَ، وَهَدَمُوا كَلِمَتَكَ، وَخَرَقُوا كِتَابَكَ، وَسَفَكُوا دِمَاءَ أَهْلِ بَيْتِ
 نَبِيِّكَ، وَأَفْسَدُوا عِبَادَكَ وَاسْتَذَلُّوهُمْ، اللَّهُمَّ ضَاعِفْ لَهُمُ اللَّعْنَةَ فِيمَا
 جَرَتْ بِهِ سُنَّتِكَ فِي بَرِّكَ وَبِحَرِّكَ، اللَّهُمَّ الْغَنِّهِمْ فِي سَمَائِكَ وَأَرْضِكَ،
 اللَّهُمَّ وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي أَوْلِيَائِكَ، وَحَبِّبْ إِلَيَّ مَشَاهِدَهُمْ، حَتَّى
 تُلْحِقَنِي بِهِمْ، وَتَجْعَلَهُمْ لِي قُرْطًا وَتَجْعَلَنِي لَهُمْ تَبَعًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

مرکز تحقیق و پژوهش حضرت مهدی

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ﴾

﴿ ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) ﴾

ترجمه:

سپس هفت تا تکبیر بگو و پس از آن اندکی جلو برو و قبر را روبروی خود
 فرار داده و بگو:

حمد و سپاس مرخدائی را سزد که همراه و فرزند برای خود نگرفت و در
 سلطنت و پادشاهی برایش شریکی نمی باشد، تمام اشیاء را آفرید پس آنها را
 متناسب و معین نمود، شهادت می دهم که تو آنچه را مأمور به ابلاغش بودی
 ابلاغ نمودی و بعهدی که با خدا نموده بودی وفاء کردی، و به واسطه تر کلمات
 خدا و نعمت هایش تمامیت و کمال پیدا می کنند، و شهادت می دهم که در راه او
 مجاهدت و کوشش نموده تا اجل تو را دریافت، خدا لعنت کند جماعتی را که تو
 را کشتند و گروهی را که یاری تو را نمودند، و خدا لعنت کند آن دسته از مردمی

را که دیگران را به ترک یاری تو واداشتند، خدایا من شهادت می‌دهم آنان را که تو و رسولانت را درست دارند من دوست دارم، و شهادت می‌دهم که بی‌زارم از کسانی را که تو و رسولانت از آنها بی‌زار می‌باشید، بار خدایا لعنت کن کسانی را که پیغمبرت را تکذیب کرده، و کعبه تو را منهدم و خراب نموده، و کتابت را سوزانده، و خونهای اهل بیت پیغمبرت را ریخته، و بنده گانت را فاسد کرده و خوار نمودند، خداوندا لعنت ایشان را مضاعف و دو چندان نما در آنچه سنت تو بر آن جاری شده در خشکی و دریا، خداوندا ایشان را در آسمان و زمین لعنت نما، بار خدایا قرار بده برای من زبانی راست در دوستانت و محبوب من نما مشاهد ایشان را، تا به آنها ملحقم نعمانی، و قرار بده ایشان را رهبران من و من را در دنیا و آخرت تابع ایشان.



متن:

مَرَّتْ عَلَيَّ بِرَبِّكَ عَسَى
 ثُمَّ امْسِحْ لِقِيلًا، فَكَبِّرْ سَبْعًا، وَهَلِّلْ سَبْعًا، وَاحْمِدِ اللَّهَ سَبْعًا، وَسَبِّحِ اللَّهَ
 تَعَالَى سَبْعًا، وَأَجِبْهُ سَبْعًا [و] تَقُولُ:

«لَبَّيْكَ دَاعِيَ اللَّهِ [لَبَّيْكَ دَاعِيَ اللَّهِ]، إِنْ كَانَ لَمْ يَجِبْكَ بَدَنِي فَفَدَّ
 أَجَابَكَ قَلْبِي وَشَعْرِي وَبَشْرِي وَرَأْيِي وَهَوَايَ عَلَى التَّسْلِيمِ لِخَلْفِ النَّبِيِّ
 الْمُرْسَلِ، وَالسُّبُطِ الْمُسْتَجَبِ، وَالذَّلِيلِ الْعَالِمِ، وَالْأَمِينِ الْمُسْتَحْرَنِ،
 وَالْمَرْضِيِّ الْبَلِيغِ وَالْمُظْلَمِ الْمُهْتَضَمِ، جِئْتُ انْقِطَاعًا إِلَيْكَ وَإِلَى وَلَدِكَ
 وَوَلَدِ وَلَدِكَ، الْخَلْفِ مِنْ بَعْدِكَ عَلَى بَرَكَةِ الْحَقِّ، فَتَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ،
 وَأَمْرِي لَكُمْ مُسَبِّحٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّى يُحْكَمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ
 لِيَدِينِي وَيَنْقُضَكُمْ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ، إِنِّي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بِرَجْعَتِكُمْ،
 لَا أَنْكِرُ لِلَّهِ قُدْرَةً وَلَا أَكْذِبُ لَهُ مَشِيئَةً، وَلَا أَرْعَمُ أَنْ مَا شَاءَ لَا يَكُونُ».

﴿ دنیاله زیارت نامه ﴾

ترجمه: ﴿ حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام ﴾

سپس اندکی جلو برو و هفت مرتبه تکبیر و هفت مرتبه لا اله الا الله گفته و هفت بار حمد خدا را نموده و هفت مرتبه حق تعالی را تسبیح کرده و هفت مرتبه حق تعالی را اجابت نموده (یعنی بگو: لبیک) و بعداً بگو: اجابت می‌کنم تو را ای خزاننده خدا، اجابت می‌کنم تو را ای خواننده خدا، اگر بدنم تو را اجابت نکند پس قطعاً قلب و موی و پوست و فکر و خواست نفسم بر تسلیم شدن و اطاعت نمودن از فرزند نبی مرسل اجابت می‌کنند، و نیز اجابت دختر زاده پیامبر که برگزیده و راهنما و آگاه می‌باشند را می‌نمایند، و همچنین اجابت می‌کنند امین و خزینه دار و پسندیده و بلیغ و مظلوم و ستم کشیده راه آمدم به سوی تو و فرزند تو و فرزند فرزندان که بعد از تو جانشین تو می‌باشد، پس دلم تسلیم شما است و امر و کارم تابع شما بوده، و نصرت و یاری من آماده برای شما است، یا خدا حکم کند در حالی که او بهترین حکم کنندگان برای دین من بوده و شما را بر می‌انگیزد، پس کسی که با شما باشد با شما است نه با دشمن شما، من از کسانی هستم که به رجعت شما ایمان و اعتقاد دارم، نه قدرت خدا و نه مشیت او را انکار می‌کنم، و گمان ندارم که آنچه را خدا بخواهد وجود پیدا نکند.

متن:

ثم امش حتى تنتهي إلى القبر و قل - و أنت قائم -:

«سُبْحَانَ اللَّهِ، يُسَبِّحُ لِلَّهِ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ وَيُقَدِّسُ بِأَسْمَائِهِ
جَمِيعُ خَلْقِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ، رَبِّنا وَرَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ،
اللَّهُمَّ اجْعَلْني في وَفْدِكَ إلى خَيْرِ بِقَاعِكَ وَخَيْرِ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ العنِ الْجَنَّةَ

وَالطَّاعُونَ».

ثم ارفع يديك حتى تضعهما ممدودتين على القبر، ثم تقول:
«أشهد أنك طهرٌ طاهرٌ من طهرٍ طاهرٍ، قد طهرت بك البلادَ
وطهرت أرضاً أنت فيها، أنك تبارك الله في الأرض حتى تستشركك من
جميع خلقه».

ثم ضع خديك و يديك جميعاً على القبر، ثم اجلس عند رأسه واذكرك
الله بما أحببت وتوجه إليه واسأل حوائجك، ثم ضع يديك وخديك
عند رجليه وقل: «صلى الله عليك وعلى زوجك وبدنك، فلقد
صدق وصبرت، وأنت الصادق المصدق، قتل الله من قتلك بالأيدي
والأسن».

ثم تقوم إلى قبر ولديه وتثني عليهم بما أحببت وتسال ربك حوائجك
وما بدا لك، ثم تستقبل قبور الشهداء قائماً فتقول:
«السلام عليكم أيها الربانيون، أنتم لنا فرط ونحن لكم تبع وأنصار،
أبشروا بوعيد الله الذي لا خلف له، وأن الله مذكركم بكم تبارككم، وأنتم
سادة الشهداء في الدنيا والآخرة».

ثم اجعل القبر بين يديك وصل ما بدا لك، وكلما دخلت الحائر
فسلم ثم امش حتى تضع يديك وخديك جميعاً على القبر، فإذا أردت أن
تخرج فاضع مثل ذلك، ولا تقصر عنده من الصلاة ما أقمت، وإذا
انصرفت من عنده فودعه وقل: «سلام الله وسلام ملائكته المقربين
وأبيائه المرسلين وعبادة الصالحين عليك يا ابن رسول الله، وعلى
زوجك وبدنك، وذريتك ومن حضرَكَ من أوليائك».

﴿ دنباله زیارت نامه ﴾

ترجمه: ﴿ حضرت ابا عبدالله حسین علیه السلام ﴾

سپس به جلو برو تا به قبر منتهی شوی و پس از آن در حالی که ایستاده‌ای بگو:

منزه است خدا، تمام مخلوقات و آفریده‌گان تسبیح خدا را می‌گویند آن خدائی که دارای ملک (عالم ماده) ملکوت (عالم معنا) می‌باشد و نیز تمام مخلوقات او را با اسمانش تقدیس می‌نمایند، منزه است خدائی که فرمان فرما و بسیار منزه است، او پروردگار ما و پروردگار فرشتگان و روح الامین می‌باشد، خداوندا من را در میان مسافران قرار بده بطرف بهترین سرزمینهایت و به سوی بهترین مخلوقات، خداوندا جیت (باطل) و طاغوت (ستم‌کار) را لعنت نما.

سپس در دست را بلند کن تا به حالت کشیده آنها را روی قبر بگذاری و سپس بگو:

شهادت می‌دهم که تو عین پاکی و پاک بوده و از عین پاکی و پاک متولد شده‌ای، شهرها و سرزمینها بواسطه تو پاکیزه شده‌اند و شهادت می‌دهم زمینی که تو در آن هستی پاکیزه می‌باشد، شهادت می‌دهم که تو خورن خدا در زمین می‌باشی تا حق تعالی برای تو از تمام مخلوقاتش خرنخواهی نماید، سپس صورت و دست‌هایت را روی قبر بگذار و پس از آن بالای سر نشسته و هر ذکری که خواستی بگو و به آن حضرت توجه نما و حوائج خود را سؤال نما.

سپس دو دست و صورت را پائین پای قبر بگذار و بگو:

خدا بر تو و بر جان و بدنت درود بفرستد، پس همانا راست گفته و صبر نمودی، و تو راست‌گو و تصدیق شده می‌باشی، خدا بکشد کسانی را که تو را با دستها و زبانهایشان کشتند. سپس بالای قبر فرزندان آن حضرت بایست و بر ایشان ثناء گفته و هر چه خواستی بگو و بعداً از خداوند حوائج خود و آنچه

می‌خواهی را طلب نما سپس در حالی که ایستاده‌ای رو به قبور شهدا کن و بگو:
سلام بر شما ای اهل الله، شما رهبران ما و ما تابعین و یاران شما هستیم،
بشارت باد شما را به وعده‌هایی که حق تعالی راجع به شما داده و تخلفی در آنها
نمی‌باشد، و خداوند متعال خون‌خواهی شما را خواهد نمود، شما سروران
شهداء هستید در دنیا و آخرت.

سپس قبر آن حضرت را در مقابل قرار داده و هر دعائی که خواستی بخوان.
و هرگاه داخل حائر شدی ابتداء سلام کن و سپس بطرف قبر به قدری حرکت
کن که دو دست و در گونه‌های خود را جمعاً بر روی قبر بتوانی گذارد و وقتی
خواستی خارج شوی باز همین عمل را انجام بده (یعنی دو دست و دو طرف
صورت خود را روی قبر بگذار) و از خواندن نماز نزد قبر تا زمانی که آنجا
هستی کوناه می‌کن، و وقتی از محضر امام علیه السلام مرتخص شدی پس آن جناب را
وداع کرده و بگو:

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

درود خدا و درود فرشتگان مغربش و درود انبیاء مرسلش و درود بندگان
صالحش بر تو ای فرزند رسول خدا و بر جان و جسمت و بر اولاد تو و بر تو
و دوستانت که با تو حاضر گردیدند.

متن:

۱۷ - حَدَّثَنِي يَهْدَةُ الزُّيَاةُ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ سَهْلٍ، عَنْ
أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ مُوسَى بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ قَالَ:
حَدَّثَنَا أُمَيَّةُ بْنُ عَلِيٍّ الْقَيْسِيُّ الشَّامِيُّ، عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مَسْلَمٍ - عَنْ رَجُلٍ - عَنْ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، وَزَادَ فِي آخِرِهِ، مِنْ بَعْدِ «مَنْ حَضَرَكَ مِنْ
أَوْلِيَائِكَ»: فَإِذَا بَلَغْتَ الرُّوْحَ فَقُلْ هَذَا الْكَلَامَ مِنْ أَوَّلِهِ إِلَى آخِرِهِ، كَمَا قُلْتَ

حين دخلت الحائر، فإذا دخلت منزلك فقل: «الحمد لله الذي سلمني و سلم مني، الحمد لله في الأمور كلها وعلى كل حال، الحمد لله رب العالمين»، ثم كبر إحدى وعشرين تكبيرة متتابعة، و سهل و لا تعجل فيها إن شاء الله تعالى - والباقي مثله -.

﴿ زیارت هفدهم ﴾

ترجمه: ﴿ زیارت نامه حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) ﴾

احمد بن محمد بن الحسن بن سهل همین زیارت را برای من از پدرش و او از جد وی و او از مرسی بن الحسن بن عامر و او از احمد بن هلال نقل نمود، وی گفت:

امیه بن علی قیسی شامی، از سعدان بن مسلم و او از شخصی و او از حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) مثل همین زیارت نامه را نقل نمود منتهی در آخر آن بعد از «من حضرک من اولائک» این عبارت را اضافه کرده:

پس هنگامی که شب فرا رسید این کلام را از ابتداء تا آخر همان طوری که در وقت دخول حائر خواندی بخوان و وقتی به منزلت رسیده و وارد آن شدی بگو: حمد و سپاس خدائی را که من را از آزار دیگران برحذر داشت و دیگران را نیز از شر من محفوظ نمود، حمد در تمام امور و در هر حالی برای خدا است، حمد برای پروردگار عالمیان است، سپس بیست و یکبار پشت سرهم تکبیر بگو و با تائی و آهسته آنها را گفته و ان شاء الله در آن عجله نمی کنی، و باقی الفاظ این زیارت مثل همان زیارت مذکور می باشد.

﴿ زیارة أخرى ﴾

متن:

حدَّثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن الحسن بن علي بن عبد الله بن المغيرة، عن العباس بن عامر، عن أبان، عن الحسن ابن عطية أبي ناب، عن يثاع السابري «قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام وهو يقول: مَنْ أتى قبر الحسين عليه السلام كتب الله له حجةً و عسرةً - أو عسرة و حجةً - قال: قلت: جعلتُ فداك فما أقول إذا أتيتُه؟ قال: تقول:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَوْمَ وُلِدْتَ وَيَوْمَ قُوتُ وَيَوْمَ تَبَعْتُ حَيًّا، أَشْهَدُ أَنَّكَ حَيٌّ شَهِيدٌ، تُرَزَقُ عِنْدَ رَبِّكَ، وَأَتَوَالِي وَلَيْكَ، وَأَبْرَأُ مِنْ عَدُوِّكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوكَ وَانْتَهَكُوا حُرْمَتَكَ مَلْعُونُونَ عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، أَسْأَلُ اللَّهَ وَلَيْتَكَ وَوَلِيَّيْنَا أَنْ يَجْعَلَ مُحْتَفَتَنَا مِنْ زِيَارَتِكَ الصَّلَاةَ عَلَى نَسِينَا، وَالْمَغْفِرَةَ لِدُنُوبِنَا، اشْفَعْ لِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ عِنْدَ رَبِّكَ».

متن:

۱۹ - حدَّثني علي بن الحسين، عن سعد بن عبد الله، عن الحسن بن علي بن عبد الله بن المغيرة، عن العباس بن عامر، عن جابر المكفوف، عن أبي الصامت، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: سمعته يقول: مَنْ أتى

المحسین علیهم السلام ما شیاً كتب الله له بكل خطوة ألف حسنة، ومحي عنه ألف سيئة، ورفع له ألف درجة فإذا أتيت القرات فاغتسل وعلق نعليك و امش حافياً، وامش [ب]امشي العبد الذليل، فإذا أتيت باب الحائر فكبر الله أربعاً وصلَّ عنده واسأل حاجتك».

﴿ زیارت هیجدهم ﴾

﴿ زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبدالله، از حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره، از عباس بن عامر، از ابان، از حسن بن عطیه ابی ناب، از بیاع سابری (عمر ابن یزید)، وی گفت: *بزرگترین کبیره بر من رسدی* از حضرت ابي عبدالله علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

کسی که به زیارت قبر مطهر حضرت امام حسین علیه السلام برود خداوند برایش ثواب یک حج و یک عمره (یا ثواب یک عمره و یک حج) منظور می کند. راوی می گوید: محضر مبارکش عرضه داشتیم: فدایت شوم وقتی به زیارتش رفتیم در زیارت آن حضرت چه بگویم؟ حضرت فرمودند: بگو:

دروہ بر تو ای ابا عبدالله، درود بر تو ای فرزند رسول خدا، درود بر تو در روزی که متولد شدی و روزی که از این دنیا رحلت نمودی و روزی که زنده برانگیخته می شوی شهادت می دهم که تو زنده و شهید می باشی، نزد پروردگارت روزی می خوری، من دوستدار شما را درست دارم، و از دشمنت بی زاری می جویم، و شهادت می دهم آنان که با تو کارزار کرده و حرمت تو را

هتک نمودند به زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ملعون می‌باشند، و شهادت می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات را پرداختی، و به کار خیر امر و از عمل زشت و قبیح نهی فرمودی، و در راه خلا با بیان حکمت و دادن پند و مرعظه پسنندیده مجاهدت نمودی، از خدا که ولی تو و ولی ما است می‌خواهم که حفظ ما را از زیارت تو درود بر پیامبر و آمرزش گناهان ما قرار دهد، ای پسر رسول خدا شفاعت من را نزد پروردگارت بنما.

﴿ زیارت نوزدهم ﴾

﴿ زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام ﴾

علی بن الحسین، از سعد بن عبدالله، از حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره، از عباس بن عامر، از جابر مکنوف، از ابی الضامت، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، راوی گفت: شنیدم امام علیه السلام می‌فرمودند:

کسی که پیاده به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام برود در مقابل هر قدمی که برمی‌دارد خلا اجر هزار حسنه برایش نوشته و هزار گناه از نامه عملش محو کرده و هزار درجه مقامش را بالا می‌برد.

و هرگاه به فرات رسیدی، غسل کن و کفش‌هایت را بدست گیر و پای برهنه همچون بنده ذلیل و خوار حرکت کن و وقتی به درب حائر رسیدی چهار مرتبه تکبیر بگو و صلوات بفرست و سپس حاجتت را از خلا بخواه.

﴿ زیارة خفیفه ﴾

متن:

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّفَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - أَوْ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْهُ - «قَالَ: قُلْتُ: كَيْفَ السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ؟ قَالَ: تَقُولُ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ عَلَيْكَ، وَمَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ، أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِيٌّ»».

﴿ زیارة خفیفه ﴾

وِبِاسْنَادِهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَثْمَانَ؛ وَعَنْ أَبِي هَتَّامٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: إِذَا أَتَيْتَ تَبْرَةَ الْحُسَيْنِ عليه السلام قُلْ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ شَرِكَ فِي دَمِكَ، وَمَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ، وَأَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِيٌّ»».

﴿ زیارت مختصر دیگر ﴾

﴿ زیارت نامه نوزدهم حضرت ابا عبدالله الحسین عليه السلام ﴾

ترجمه:

محمّد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفّار، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسن بن علی بن فضال، از صفوان بن یحیی، از ابی الصباح، از حضرت ابی

عبدالله علیه السلام، از ابو بصیر از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، راوی گفت: محضر امام علیه السلام عرض کردم: سلام بر حسین بن علی علیه السلام چگونه است؟
حضرت فرمودند:

بگو:

درود بر تو ای ابا عبدالله، درود بر تو ای پسر رسول خدا، خدا لعنت کند کسی که تو را کشت، و لعنت کند کسی را که دشمنانت را بر علیه تو کمک کرد، و کسی را که وقتی خبر قتل تو به او رسید راضی گشت، من به سوی خدا از ایشان بی زاری می جویم.

﴿ زیارت مختصر دیگر ﴾

﴿ زیارت نامه بیستم حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن به اسنادش، از احمد بن محمد، از محمد بن اسماعیل، از ابان بن عثمان و از ابی همام، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام حضرت فرمودند:
هرگاه به زیارت قبر امام حسین علیه السلام رفتی بگو:
درود بر تو ای ابا عبدالله، خدا کسی را که تو را کشت لعنت کند، و کسی که در خون تو شریک گردید را لعنت نماید، و کسی که خبر قتل تو به او رسید و راضی گشت را لعنت کند و من بسوی خدا از ایشان بی زاری می جویم.

﴿ زيارة اخرى ﴾

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

متن:

حدثني ابو عبد الرحمن محمد بن احمد بن الحسين العسكري؛ و
محمد بن الحسن جميعاً، عن الحسن بن علي بن مهزيار، عن ابيه علي بن
مهزيار، عن محمد بن ابي عمير، عن محمد بن مروان، عن ابي حمزة
الثمالي.

«قال: قال الصادق عليه السلام: اذا اردت المسير الى قبر الحسين عليه السلام فصم
يوم الأربعاء و الخميس و الجمعة، فاذا اردت الخروج فاجمع اهلك و
ولديك، وادع بدعاء السفر و اغتسل قبل خروجك و قل حين تغتسل:
«اللَّهُمَّ طَهِّرْني وَ طَهِّرْ قلبي، وَ اشْرَحْ لي صَدْرِي، وَ اجِرْ عَلَيَّ لِسَانِي ذِكْرَكَ
وَ مِدْحَتَكَ، وَ الثَّنَاءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ، وَ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قِيَامَ دِينِي
التَّسْلِيمُ لِأَمْرِكَ، وَ الْآتِبَاعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ، وَ الشَّهَادَةُ عَلَيَّ أَسْبَابُكَ
وَ رُسُلِكَ إِلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ نُوراً وَ طَهُوراً، وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ
دَاءٍ وَ سُقْمٍ وَ آفَةٍ وَ عَاهَةٍ، وَ جِزْأً مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَ أَخْذَرُ».

فاذا خرجت فقل: «اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي، وَإِلَيْكَ فَرَضْتُ
أَمْرِي، وَإِلَيْكَ أَسَلْتُ نَفْسِي، وَإِلَيْكَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِي، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، لَا
مُلْجَأَ وَلَا مُنْجَأَ إِلَّا إِلَيْكَ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ، عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ.»

﴿ زیارت دیگر ﴾

﴿ زیارت نامه بیست و یکم حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام ﴾

ترجمه:

ابو عبدالرحمن محمد بن احمد بن الحسین العسکری، و محمد بن الحسن
 جمیعاً، از حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش علی بن مهزیار، از محمد بن ابی
 عمیر، از محمد بن مروان، از ابی حمزة ثمالی، وی گفت:
 امام صادق علیه السلام فرمودند:

هنگامی که خواستی به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام بروی روز چهار
 شنبه و پنجشنبه و جمعه را روزه بگیر سپس هنگام خروج همسر و فرزندان را
 جمع کن و دعاء سفر را بخوان و پیش از خارج شدن غسل کن و در وقت غسل
 بگو:

خدا یا من را پاکیزه گردان، قلب را دلم را طاهر نما، سینه‌ام را بگشا، ذکر خود
 و ثنات را بر زبانم جاری کن، ثناء و دعاء بر تو باد، زیرا هیچ توه و نیروئی وجود
 ندارد مگر بواسطه تو است، همانا دانستم که استحکام دینم به این است که تسلیم
 امر تو بوده، و از سنت پیامبرت پیروی نموده، و شهادت دهم بر پیامبران و
 رسولانت بسوی تمام خلایق خداوند اقرار بده آن را (غسل را) نور و ظهور (پاک
 و پاک کننده) و شفاء دهنده هر درد و مرض و بلا و عیبی و نگهدارنده از شر
 آنچه از آن خوف داشته و بر حذر می‌باشم.

و هرگاه از منزلت خارج شدی بگو:

بار خدایا من روی خود را بطرف تو متوجه ساختم، و کارهایم را به تو
 واگذار نموده‌ام، و خود را به تو تسلیم کرده‌ام، و پشت و پناهم را تو قرار داده‌ام، و
 بر تو توکل کرده‌ام، هیچ پناهگاه و امید نجاتی نیست مگر توجه به تو، منزّه و بلند
 مرتبه‌ای، تضرع و زاری برای تو کم و ثناء و ستودنت بسیار می‌باشد.

من:

ثم قل: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَمِنْ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ، وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ
رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ،
فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَالْأَرْضِينَ السَّبْعِ، وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاحْفَظْنِي فِي سَفَرِي، وَاخْلُفْنِي فِي أَهْلِي بِأَحْسَنِ
الْخَلْفِ، اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ، وَإِلَيْكَ خَرَجْتُ، وَإِلَيْكَ وَقَدْتُ،
وَبِخَيْرِكَ تَعَرَّضْتُ، وَبِزِيَارَةِ حَبِيبِ حَبِيبِكَ تَقَرَّرْتُ، اللَّهُمَّ لَا تَعْنُغِي خَيْرَ
مَا عِنْدَكَ بِشَرِّ مَا عِنْدِي، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، وَكَفِّرْ عَنِّي سَيِّئَاتِي، وَحُطِّ عَنِّي
خَطَايَايَ، وَاقْبَلْ مِنِّي حَسَنَاتِي.»

و تقول: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي دَرَجَةِ الْحَصِينَةِ، الَّتِي تَجْعَلُ فِيهَا مَنْ تُرِيدُ،
اللَّهُمَّ إِنِّي أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنَ الْخَوَلِ وَالْقَوَى - ثلاث مسرات -»، و أقراء
«فاتحة الكتاب» و «المعوذتين» و «قل هو الله احد» و «انا انزلناه» و
«آية الكرسي» و «يس» و آخر الحشر:

«لو أنزلنا هذا القرآن على جبل لرأيته خاشعاً متصدعاً من خشية الله
و تلك الأمثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون هو الله الذي لا اله الا هو
عالم الغيب و الشهادة هو الرحمن الرحيم هو الله الذي لا اله الا
هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر
سبحان الله عما يشركون هو الله الخالق الخالق البارئ المصور له الاسماء
الحسنى يسبح له، ما في السموات و الارض و هو العزيز الحكيم.»

و لاتذهبن ولا تكحلن حتى تأتي القرات، و أقل الكلام و المزاح، و اكثر
من ذكر الله تعالى، و ايتك و المراح و الخصومة، فاذا كنت راكباً أو ماشياً

فَقُلْ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ سَطَوَاتِ الثَّكَالِ وَعَرَاقِبِ الْوَبَالِ، وَفِتْنَةِ الضَّلَالِ، وَمِنْ أَنْ تَلْقَانِي بِمَكْرُوهِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْحَبْسِ وَاللَّسِيسِ، وَمِنْ وَسْوَسَةِ الشَّيْطَانِ، وَطَوَارِقِ السُّوءِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ، وَمِنْ شَرِّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ وَالإِنْسِ، وَمِنْ شَرِّ مَنْ يَنْصِبُ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ الْعُدَاوَةَ، وَمِنْ أَنْ يَمْزُطُوا عَلَيَّ وَأَنْ يَطْفُوا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ عَيُونِ الظُّلَمَةِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ وَمِنْ شَرِّ إِبْلِيسَ وَمَنْ يَرُدُّ عَنِ الْخَيْرِ بِاللِّسَانِ وَالْيَدِ».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) ﴾

ترجمه:

سپس بگو:

ابتداء می‌کنم به اسم خدا و ذات او، و از از کمک خواسته و به سوی او توجه نموده و در راه او گام بر می‌دارم، و بر شریعت رسول خدا (ص) می‌باشم، بر خدا توکل داشته و بسویش باز می‌گردم، خدائی که آفریننده آسمانهای هفت‌گانه و طبقات هفت‌گانه زمین و پروردگار عرش عظیم می‌باشد، خداوند درود بر محمد و آل محمد بفرست، و من را در این سفر حفظ نما، و در بین اهل و فرزندانم بهترین جانشین من باش، خداوند به سوی تو توجه داشته، و بسوی تو از خانه‌ام خارج گشته، و به سوی تو کوچ کرده‌ام و متعرض خیر تو شده‌ام، و به واسطه زیارت حبیبِ حبیبیت به تو تقرب می‌جویم، بار خدایا خیری که نزد تو هست را به واسطه بدی آنچه نزد من است از من منع مکن، خداوند گناهانم را بیامرز و لغزش‌ها و بدی‌هایم را ببخش و جبران‌نما، و خطاهایم را محو بفرما، و خوبی‌ها و نیکی‌هایم را از من قبول نما.

و بگو:

خداوند من را در آن پوششی که از هر بلا و آفتی حفظ می‌کند و هر کسی را

که بخواهی در آن قرار می دهی قرار بده، خداوندا بسوی تو بی زاری می جویم از هر حول و قوه ای مگر حول و قوه تو (این فقره را سه مرتبه بخوان)، بعد سوره فاتحه الكتاب و معوذتین (قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق) و سوره قل هو الله احد و سوره انا انزلناه و آیه الكرسي و سوره يس و این چند آیه آخر سوره حشر یعنی:

«لو أنزلنا هذا القرآن على جبل لرأيته خاشعاً متصدعاً من خشية الله و تلك الأمثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب و الشهادة هو الرحمن الرحيم هو الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهين العزيز الجبار المتكبر سبحانه الله عما يشركون هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنی يسبح له ما في السموات و الارض و هو العزيز الحكيم را قرانت کن و روغن به خود تعال و سرمه مکش تا به فرات وارد شوی و سخن اندک بگو و مزاج و شوخی کمتر کن و ذکر خدای تعالی زیاد بگو و الحذر از جدال و خصومت.

و هنگامی که سواره یا پیاده بودی بگو:

خدایا به تو پناه می برم از قهر و صولت عقوبت هایت، و از عواقب اعمالی که منتهی به وبال و عذاب می شوند، و از فتنه گمراهی، و از اینکه من را سلاقت کنی در حالی ناپسند و زشت، و به تو پناه می برم از حبس و اشتباه، و از وسوسه شیطان، و از اتفاقات سوء و بد، و از شر هر صاحب شری، و از شر شیاطین جنی و انسی و از شر کسی که عداوت و دشمنی با دوستان من ورزند و از شر آنانکه در بدی و بر من اسراف کرده و طغیان و تجاوز می نمایند، و به تو پناه می برم از شر مستعکاران و از شر هر صاحب شری و از وسوسه ابلیس و شر کسی که با زبان و دست دیگران را از کار خیر باز می دارد.

معن:

فإذا خفت شيئاً فقل: «لا حولَ ولا قوةَ إلا بالله، بهِ اختَجَبْتُ وَبِهِ اغْتَصَمْتُ، اللَّهُمَّ اغْصِنِي مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ فَإِنَّمَا أَنَا بِكَ وَأَنَا عَبْدُكَ».

فاذا انيت القرات فقل قبل ان تعبره: «اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَنْ وَقَدَ إِلَيْهِ الرَّجَالُ، وَأَنْتَ يَا سَيِّدِي أَكْرَمُ مَا تِي وَأَكْرَمُ مَرْوِرٍ، وَقَدْ جَعَلْتَ لِكُلِّ زَائِرٍ كَرَامَةً وَلِكُلِّ وَافِدٍ مُحَنَّةً، وَقَدْ أَتَيْتَكَ زَائِرًا قَبْرَ ابْنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ، فَاجْعَلْ مُحَنَّتَكَ إِيَّامِي فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَتَقَبَّلْ مِنِّي عَمَلِي، وَاشْكُرْ سَعْيِي، وَارْحَمْ مَسِيرِي إِلَيْكَ بِغَيْرِ مَنْ مَعِي، بَلْ لَكَ الْمَنْ عَلَى إِذْ جَعَلْتَ لِي السَّبِيلَ إِلَى زِيَارَتِهِ، وَعَرَّفْتَنِي فَضْلَهُ، وَحَفِظْتَنِي حَتَّى بَلَغْتَنِي قَبْرَ ابْنِ وَلِيِّكَ، وَقَدْ رَجَوْتُكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي، وَقَدْ أَتَيْتَكَ فَلَا تُحَيِّبْ أَمَلِي، وَاجْعَلْ هَذَا كَفَّارَةً لِمَا قَبْلَهُ مِنْ ذُنُوبِي، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

ثمَّ اعبر القرات و قل: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ سَعْيِي مَشْكُورًا وَذَنْبِي مَغْفُورًا، وَعَمَلِي مَثْبُورًا وَاعْسِلْنِي مِنَ الْخَطَايَا وَالذُّنُوبِ، وَطَهِّرْ قَلْبِي مِنْ كُلِّ آفَةٍ تَمْحَقُ دِينِي، أَوْ تَبْطِلُ عَمَلِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

ثمَّ تأتي النينوى فتضع رحلك بها، و لا تدهن و لا تكتحل و لا تأكل اللحم مادمت مقيماً بها، ثم تأتي الشط بحذاء نخل القبر فأغتسل و عليك المنزر و قل - و انت تغسل - : «اللَّهُمَّ طَهِّرْ ذَنْبِي وَطَهِّرْ لِي قَلْبِي وَاشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَاجِرْ عَلَى لِسَانِي مَحَبَّتَكَ وَبِدَعْوَتِكَ وَالثَّنَاءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قِيَامَ دِينِي التَّسْلِيمُ لِأَمْرِكَ،

وَالشَّهَادَةُ عَلَى جَمِيعِ انبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ بِالْأَلْفَةِ بَيْنَهُمْ أَشْهَدُ أَنَّهُمْ
 أَنْبِيَائُكَ وَرُسُلُكَ إِلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ نُوراً وَطَهُوراً وَحِزْزاً
 وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ سُقْمٍ وَدَاءٍ، وَمِنْ كُلِّ آفَةٍ وَعَاقِبَةٍ، وَمِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ
 وَآخِذُ، اللَّهُمَّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي وَجَوَارِحِي، وَعِظَامِي وَلَحْمِي وَدَمِي، وَشَعْرِي
 وَبَشْرِي، وَخُنِّي وَعَصْبِي، وَمَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي، وَاجْعَلْهُ لِي شَاهِداً يَوْمَ
 قَدْرِي وَفَاتِي».

ثم البس أطهر ثيابك، فاذا لبستها فقل «اللَّهُ أَكْبَرُ» - ثلاثين مرة - و
 تقول: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ قَصِدْتُ فَبَلَّغْنِي، وَإِيَّاهُ أَرَدْتُ فَجَبَلْنِي وَآمَ
 يَقْطَعْ بِي، وَرَحْمَتُهُ ابْتِغَيْتُ فَسَلِّسْ لِي، اللَّهُمَّ أَنْتَ حِصْنِي وَكَهْفِي، وَحِزْزِي وَ
 رَجَائِي وَأَمَلِي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ».

﴿ دنیاله زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) ﴾

ترجمه:

پس هرگاه از چیزی خوف و هراس داشتی بگو: لا حول ولا قوة الا بالله، به
 واسطه این ذکر خود را مستور و پوشیده نموده و به توسط آن از گناه خود را کناره
 می گیرم، خداوندا من را از شر مخلوقات حفظ نما، من به تو متوسل شده و بنده
 تو می باشم.

و وقتی به فرات وارد شدی پیش از آنکه از آن عبور کنی بگو:

خدا یا تو بهترین کسی هستی که مردان بسویش کوچ می کنند، و ای سرور من
 تو کریم ترین افرادی هستی که دیگران بر او وارد شده و زیارتش می نمایند، تو
 خود را برای هر زیارت کننده ای کرامتی را برای هر کوچ کننده ای تحفه ای قرار
 داده ای، من به نزد تو آمده ام در حالی که قبر مطهر فرزند پیغمبرت که رحمت تو

بر او باد را زیارت می‌کنم، خدایا تحفه‌ای که به من می‌دهی این را قرار بده که من را از آتش درزخ برهان، و عمل من را از من قبول فرما، و سعی و کوشش من را قبول کن و پذیر، و این سیر و سفرم به سوی خودت را مورد ترحم و تلافی قرار بده بدون اینکه از ناحیه من متنی باشد، بلکه تو بر من منت‌داری زیرا این راه را طریق برای زیارت آن حضرت قرار دادی، و فضیلت آن را به من شناساندی، و من را محفوظ نگاه داشتی تا به قبر فرزند ولی خودت رساندی من را، و من امیدوار به تو هستم پس درود بفرست بر محمد و آل محمد، و امید من را قطع مکن، همانا نزد تو آمده‌ام پس آرزوی من را به ناامیدی مبدل مکن، و این زیارت را کفاره و جبران گناهایی که قبلاً مرتکب شده‌ام قرار بده، و من را از یاران آن حضرت قرار بده ای ارحم الراحمین.



سپس از فرات عبور کن و بگو:

خدایا بر محمد و آل محمد درود بفرست، و سعی و کوشش من را مقبول و گناهم را آمرزیده و عملم را پذیرفته قرار بده، و پاک کن من را از لغزشها و گناهان، و دل من را از هر آفت و بلائی که دینم را زائل کرده یا عملم را باطل نموده پاک گردان ای ارحم الراحمین.

سپس به نینوی برو و ائاثیه و اسباب را در آنجا بگذار، روغن به خود نمال و سرمه نکش و تا زمانی که در آنجا مقیم هستی گوشت نخور، سپس به شط که در مقابل محل قبر است برو در حالی که لنگی به کمر بسته‌ای در آن غسل کن و در حال غسل بگو:

خدوندا من را پاک، گردان و دل و قلبم را پاکبزه نما و سینه‌ام را یگشا، و بر زبانم منجبت و مدح و ثناء خود را جاری گردان، هیچ جنبش و نیروئی نمی‌باشد مگر بواسطه تو، همانا می‌دانم که قوام و پابرجائی دینم در سایه تسلیم امر تو و شهادت دادن بر جمیع انبیاء و فرستادگانت به وجود الفت بینشان می‌باشد، شهادت می‌دهم که ایشان انبیاء و فرستادگان تو به سوی تمام مخلوقات

می‌باشند. خدایا این غسل را نور و مطهر و حفظ‌کننده و شفاء از هر مرض و درد و آفت و بلا قرار بده، و نیز آن را حافظ از هر بدی که نسبت به آن خوف داشته و در حذر می‌باشم قرار بده، بار خدایا به واسطه آن قلب و اعضاء و استخوان و گوشت و خون و موی و پوست و مغز و رگ و آنچه که زمین از من حمل می‌کند را پاک و طاهر قرار بده و آنرا شاهد برای من در روز فقر و تهی دستیم قرار بده، سپس پاکیزه‌ترین لباسهایت را بپوش و وقتی آنرا پوشیدی بگو:

اللَّهُ أَكْبَرُ (سی مرتبه) و بعد بگو:

حمد سزاوار خداوندی است که بسویش قصد نمودم، پس من را رساند، و او را اراده کردم پس من را پذیرفت و درمانده‌ام نگذاشت، در رحمتش را طلب کردم پس به من تسلیم نمود، خداوند تو قلعه و پناهگاه و حافظ و امید و آرزوی من هستی، نیست معبودی غیر از تو ای پروردگار عالمیان.

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

منن:

فَإِذَا ارْدَتِ الْمَشَى فَقُلْ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَرَدْتُكَ فَأَرِدْ نِي، وَإِنِّي أَتَيْتُ بِوَجْهِهِ إِلَيْكَ فَلَا تُعْرِضْ بِوَجْهِكَ عَنِّي، فَإِنْ كُنْتُ عَلَى سَاطِئٍ فَتُبَّ عَلَيَّ، وَارْحَمْ مَسِيرِي إِلَى ابْنِ حَبِيبِكَ، أَبْتَغِي بِذَلِكَ رِضَاكَ عَنِّي فَارْضَ عَنِّي، وَلَا تُخَيِّبْنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»

ثم امش حافياً و عليك السكينة و الوقار بالتكبير و التهليل و التمجيد و التحميد و التعظيم لله و لرسوله ﷺ، و قل ايضاً:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْمُتَّوَحِّدِ بِالْأُمُورِ كُلِّهَا، خَالِقِ الْخَلْقِ وَ لَمْ يَعْزُبْ عَنْهُ شَيْءٌ مِنْ أُمُورِهِمْ، وَ عَالِمِ كُلِّ شَيْءٍ بِغَيْرِ تَعْلِيمٍ، صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَى مَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، وَ أَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ وَ رُسُلِهِ أَجْمَعِينَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ

بِسْمِهِ الْأَوْصِيَاءَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْعَمَ عَلَيَّ وَعَرَّفَنِي فَضْلَ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ».

ثم امش قليلاً وقصر خطاك، فاذا وقفت على التل فاستقبلت القبر فقف وقل: «اللَّهُ أَكْبَرُ» ثلاثين مرة - و تقول:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فِي عِلْمِهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بَعْدَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى عِلْمِهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مَعَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى عِلْمِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ بَعْدَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى عِلْمِهِ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ فِي عِلْمِهِ مُنْتَهَى عِلْمِهِ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ مَعَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى عِلْمِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ بِجَمِيعِ عِلْمِهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَحَقُّ لَهْ ذَلِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَكِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ سُورُ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ، وَتُورُ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ، وَتُورُ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، أَسْلَامٌ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ وَرُؤَاغَ قَبْرِ ابْنِ نَبِيِّ اللَّهِ».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام ﴾

ترجمه:

و رفتی خواستی حرکت کنی بگو:

خدایا من تو را اراده کرده‌ام پس تو نیز من را اراده نما، و من به تو روی آورده‌ام پس رو از من مگردان، پس اگر بر من غضبناکی توبه‌ام را بپذیر، و این سیر و سفرم به سوی فرزند حبیب را مورد ترحم و تلافف قرار بده، با این زیارت می‌خواهم که از من بخشنود شوی پس راضی شو از من و نا امیدم مکن

ای کسی که ارحم الراحمین هستی.

سپس پای برهنه حرکت کن در حالی که باوقار و آرامش می باشی و در اینحال تکبیر (الله اکبر) و تهلیل (لا اله الا الله) و تمجید (خدا را با مجد و بزرگی یاد کردن نظیر گفتن لاحول ولا قوه الا بالله گفتن) و تحمید (الحمد لله) گفته و نیز عباراتی که بر تعظیم حق تعالی و رسول گرامیش ﷺ دلالت دارند را بکار ببر و نیز بگو: حمد سزاوار خداوند واحدی است که تمام امور مختص به او بوده و او در جمیع آنها مستقل است، آفریننده مخلوقات بوده و هیچ چیزی از او پنهان نیست، به تمام اشیاء آگاه و عالم بوده بدون اینکه تعلیم گرفته باشد، درود و رحمت خدا و درود فرشتگان مقرب و انبیاء مرسلش و تحیت تمام فرستادگانش بر محمد و اهل بیت آن حضرت که جانشینانش می باشند، حمد و سپاس خدائی را که بر من نعمت داد و برتری و فضیلت محمد و اهل پیشش ﷺ را به من شناساند.

سپس اندکی حرکت کن و قدم هایت را کوتاه بردار و وقتی به تل و تپه رسیدی و قبر در مقابلت قرار گرفت بایست و بگو:

الله اکبر (سی مرتبه) و سپس بگو:

نیست معبودی مگر خداوند متعال آن طوری که خودش می داند، و نیست معبودی مگر خداوند متعال و این تهلیل در حالی است که حق تعالی می داند از من صادر شده و نهایت و انتهای ندارد، و نیست معبودی مگر حق تعالی و این تهلیل مقرون با علم او است ازلاً و ابداً و نهایت و انتهای ندارد، و حمد و سپاس مختص به خداوند است آن طوری که خودش می داند و نهایت و انتهای ندارد، و حمد و سپاس مختص به خداوند است و این تحمید مقرون با علم او است ازلاً و ابداً و نهایت و انتهای ندارد.

و منزّه است خداوند متعال آن طوری که خودش می‌داند و نهایت و انتهائی ندارد، و منزّه است خداوند متعال و این تنزیه در حالی است که حق تعالی می‌داند از من صادر شده و انتهائی ندارد، و منزّه است خداوند متعال و این تنزیه مقرون با علم او است ازلاً و ابداً و نهایت و انتهائی ندارد، و حمد و سپاس مختص به حق تعالی است با تمام ستایشها در مقابل جمیع نعمتهایش، و نیست معبودی غیر از حق تعالی و او بزرگتر از هر چیزی است، و این مقام حق او است، نیست معبودی غیر از حق تعالی که صاحب حلم و کرم می‌باشد، نیست معبودی غیر از حق تعالی که بلند مرتبه و بزرگ می‌باشد، نیست معبودی غیر از حق تعالی که نور آسمانهای هفت‌گانه و نور طبقات هفتگانه زمین و نور عرش بزرگ می‌باشد، و حمد و سپاس مختص به پروردگار عالمیان است، درود بر تو ای حجّت خدا و فرزند حجّت خدا، درود بر شما ای فرشتگان خدا و زائران قبر مطهر فرزند نبی و پیغمبر خدا،

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

متن:

ثُمَّ اَمْشِ عَشْرَ خَطَوَاتٍ، وَ كَبِّرْ ثَلَاثِينَ تَكْبِيرَةً وَقُلْ - وَاَنْتَ تَمْسِي - : «لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ تَهْلِيلاً لَا يُحْصِيهِ غَيْرُهُ قَبْلَ كُلِّ وَاِحِدٍ، وَبَعْدَ كُلِّ وَاِحِدٍ وَمَعَ كُلِّ وَاِحِدٍ وَعَدَّةَ كُلِّ وَاِحِدٍ، وَسُبْحَانَ اللهِ تَشْبِيحاً لَا يَحْصِيهِ غَيْرُهُ قَبْلَ كُلِّ وَاِحِدٍ وَبَعْدَ كُلِّ وَاِحِدٍ، وَمَعَ كُلِّ وَاِحِدٍ، وَعَدَّةَ كُلِّ وَاِحِدٍ، وَسُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ، قَبْلَ كُلِّ وَاِحِدٍ، وَبَعْدَ كُلِّ وَاِحِدٍ، وَمَعَ كُلِّ وَاِحِدٍ، وَعَدَّةَ كُلِّ وَاِحِدٍ اَبَدًا اَبَدًا، اَبَدًا، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَشْهَدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيداً فَاَشْهَدُ لِيْ اِنِّيْ اَشْهَدُ اَنَّكَ حَقٌّ وَاَنَّ رَسُوْلَكَ حَقٌّ، وَاَنَّ قَوْلَكَ حَقٌّ، وَاَنَّ قَضَاءَكَ حَقٌّ، وَاَنَّ قَدْرَكَ حَقٌّ، وَاَنَّ فِعْلَكَ حَقٌّ، وَاَنَّ جَنَّتَكَ

حَقٌّ، وَأَنْتَ مُمِيتُ الْأَحْيَاءِ، وَأَنْتَ وَمُحْيِي الْمَوْتِ، وَأَنْتَ بَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، وَأَنْتَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ، وَأَنْتَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ وَيَا زُورَ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.»

ثم امش قليلاً و عليك السكينة والوقار بالتكبير و التهليل و التمجيد و التحميد و التعظيم لله و لرسوله صلى الله عليه و آله، و قصر خطاك فاذا، اتيت الباب الذي يلي المشرق فقف على الباب و قل: «أشهد أن لا إله إلا الله و خذاه لا شريك له، و أشهد أن محمداً صلى الله عليه و آله عبده و رسوله، و أمين الله على خلقه، و أنه سيّد الأولين و الآخرين، و أنه سيّد الأنبياء و المرسلين، سلام على رسول الله، الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله، لقد جاءت رسل ربنا بالحق، اللهم إني أشهد أن هذا قبر ابن حبيبك و صفوتك من خلقك، و أنه الغايث بكرامتك، أكرمته بكتابك، و خصصته و ائتمنته على وحيك، و أعطيت مواريت الأنبياء، و جعلته حجة على خلقك، فأعذر في الدعوة، و بذل مهجته فيك، ليستنقذ عبادك من الضلالة، و الجهالة و العمى، و الشك و الإتياب إلى باب الهدى من الردى، و أنت ترى و لا ترى، و أنت بالمنظر الأعلى، حتى نار عليه من خلقك من غرته الدنيا و باع الآخرة بالثمن الأوكس [الأذني]، و أسخطك و أسخط رسولك، و أطاع من عبيدك من أهل [الشقاق و] النفاق، و حملة الأوزار من استوجب النار، لعن الله قاتلي و لِدِ رسولك و ضاعف عليهم العذاب الأليم.»

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام ﴾

ترجمه:

سپس ده قدم بردار و سی مرتبه تکبیر گفته و در حالی که راه می‌روی بگو:
 نیست معبودی مگر حق تعالی تهلیل می‌گویم تهلیلی که غیر از او احدی
 نمی‌تواند آن را بشمارد، او پیش از هر کسی و بعد از هر کسی و با هر کسی و عدد
 تمام کسان می‌باشد، و منزّه است خدا و حمد برای خدا است و نیست معبودی
 مگر خدا و خدا بزرگتر از هر چیز بوده، پیش از هر کسی و بعد از هر کسی و با هر
 کسی و عدد تمام کسان است برای همیشه، برای همیشه، برای خداوند
 من تو را شاهد می‌گیرم و تو برای شاهد بودن کافی هستی پس شهادت بده برای
 من که شهادت می‌دهم تو حق بودی و رسالت حق بوده و گفتارت حق،
 و حکمی که می‌کنی حق بوده و تقدیرت حق و فعلت حق و بهشتت حق
 می‌باشد، و شهادت می‌دهم که تو زنده‌ها را می‌میرانی و مردگان را زنده می‌کنی
 و مرده‌های در قبور را مبعوث می‌فرمائی، و شهادت می‌دهم که تو مردم را در
 روزی که شکی در آن نیست جمع می‌نمائی، و شهادت می‌دهم که وعده‌ای را که
 که داده‌ای مخالفت نمی‌کنی، درود بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت خدا،
 درود بر شما ای فرشتگان خدا و ای زائرین قبر ابی عبدالله علیه السلام.

سپس اندکی حرکت کن، در حالی که با آرامش و سنگینی راه می‌روی تکبیر
 و تهلیل گفته و حق تعالی را به مجد و بزرگی یاد نما و به تحمید و تعظیم حق
 تعالی و رسول اکرم صلی الله علیه و آله پرداز و قدم‌هایت را کوچک بردار و وقتی به درب
 شرقی حرم رسیدی بایست و بگو:

شهادت می‌دهم که معبودی غیر از خداوند متعال نبوده در حالی که تنها است
 و شریکی برای او نمی‌باشد، و شهادت می‌دهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده او
 و امین خدا بر مخلوقاتش می‌باشد، و شهادت می‌دهم که او سرور اولین

و آخرین (گذشتگان و آیندگان) است، و شهادت می‌دهم که آن حضرت آقای انبیاء و فرستادگان حق تعالی است، درود بر رسول خدا، حمد و سپاس خدائی را که ما را به این امر هدایت نمود و اگر او را هدایت نمی‌کرد هرگز به آن راه نمی‌یافتیم، همانا فرستادگان پروردگار ما حق را آورده‌اند، خداوندان من شهادت می‌دهم که این قبر فرزند حبیب و فرزند اختیار شده از مخلوقات می‌باشد، و او است که به کرامت تو رسیده، تو او را بواسطه کنایت (قرآن) مورد اکرام خود قرار داده‌ای، و اختصاصش داده و بر وحی خرد امینش نموده‌ای، و موارث انبیاء را به او اعطاء فرموده‌ای و بر خلائق حجت کرده‌ای، پس در دعوت خلائق به تو مبالغه نمود و جانش را در راه تو بذل و ایثار کرد تا بندگان را از گمراهی و نادانی و تاریکی و شک و شبهه نجات داده و به طرف هدایت و رهائی از هلاکت بکشاند در حالی که تو می‌بینی در عین اینکه دیده نمی‌شوی و در حالی که در دیدگامی بلند و مرتفع بوده و بر تمام اعمال و حرکات خلائق مشرف هستی بهر صورت آن حضرت برای نجات بشر قیام نمود ولی کسانی که مغرور دنیا واقع شده و آخرت را به بهاء اندکی فروختند بر آن جناب هجوم آورده و بدین ترتیب تو و رسالت را به غضب آورده و بندگان را که اهل شقاق و نفاق و حاملین وزر و وبال و مستوجب و مستحق دوزخ هستند را اطاعت و پیروی کردند، خدا لعنت کند کشتندگان فرزندان رسالت را و عذاب دردناک را بر ایشان مضاعف و دو چندان کند.

متن:

ثُمَّ تَدْنُو قَلِيلًا وَقُلْ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ

عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 وَآلِهِ وَسَلَّمَ، أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَوَصِيِّ
 رَسُولِ اللَّهِ، أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الرَّكِيِّ، أَلْسَلَامُ
 عَلَيْكَ يَا وَارِثَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ الصُّدِيقَةَ، أَلْسَلَامُ
 عَلَيْكَ يَا أَيُّهَا الصُّدِيقُ الشَّهِيدُ، أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الرَّضِيُّ الْبَارِئُ النَّقِيُّ،
 أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الزُّوْنِيُّ النَّقِيُّ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَأَتَيْتَ
 الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى
 أَتَاكَ الْيَقِينُ، أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ،
 أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ وَأَنَاخَتْ بِرُخْلِكَ،
 أَلْسَلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُحَدِّقِينَ بِكَ أَلْسَلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ وَزُورِ
 قَبْرِ ابْنِ نَبِيِّ اللَّهِ».

مرکز تحقیق و پژوهش حضرت علی (ع)

ثم ادخل الحائر وقل حين تدخل: «أَلْسَلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ
 الْمُقْرَبِينَ، أَلْسَلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُتَزَلِّينَ، أَلْسَلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ
 الْمَسْؤُومِينَ، أَلْسَلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الَّذِينَ هُمْ مُقِيمُونَ فِي هَذَا الْحَايِرِ
 بِإِذْنِ رَبِّهِمْ، أَلْسَلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الَّذِينَ هُمْ فِي هَذَا الْحَايِرِ يَعْمَلُونَ
 وَلِأَمْرِ اللَّهِ مُسَلِّمُونَ، أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، وَيَا بَنَ أَمِينِ اللَّهِ،
 وَيَا بَنَ خَالِصَةِ اللَّهِ، أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ،
 مَا أَعْظَمَ مُصِيبَتَكَ عِنْدَ جَدِّكَ، وَرَسُولِ اللَّهِ إِصْلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَا
 أَعْظَمَ مُصِيبَتَكَ عِنْدَ مَنْ عَرَفَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ، وَأَجَلَّ مُصِيبَتَكَ عِنْدَ الْمَلَأِ
 الْأَعْلَى، وَعِنْدَ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ، وَعِنْدَ رُسُلِ اللَّهِ، أَلْسَلَامُ مِنِّي إِلَيْكَ وَالتَّجِيَّةُ مَعَ
 عَظِيمِ الرَّزِيَّةِ عَلَيْكَ، كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ، وَنُورًا فِي

ظلماتِ الأرضِ، وَتُوراً فِي الْهَوَاءِ، وَتُوراً فِي السَّمَاوَاتِ الْعُلَى، كُنْتَ فِيهَا
تُوراً سَاطِعاً لَا يُطْفِئُ، وَأَنْتَ الْتَّاطِقُ بِأَهْدَى.»

﴿ نبأله زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) ﴾

ترجمه:

سپس اندکی نزدیک شو و بگو:

درود بر تو ای وارث حضرت آدم برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث
حضرت نوح پیغمبر خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت ابراهیم خلیل خدا،
سلام بر تو ای وارث حضرت موسی، کلیم خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت
عیسی روح خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) حبیب خدا، سلام بر
تو ای وارث حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) وصی و جانشین رسول
خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت حسن بن علی پاک و پاکیزه، سلام بر تو ای
وارث حضرت فاطمه زهرا سرور زنان عالمیان و صدیقه طاهره، سلام بر تو ای
راستگو و ای شهید، سلام بر تو ای جانشین پیامبر که پسندیده و نیکوکار و
پرهیزکار می باشی، درود بر تو ای وفاء کننده به عهد و پاکیزه، شهادت می دهم که
تو نماز را به پا داشته و زکات را پرداخته و به کار نیک امر، از عمل زشت نهی
فرمودی و عبادت خدا را مخلصاً انجام داده تا وقتی که مرگ تو را دریافت، سلام
بر تو ای ابا عبدالله و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد، سلام بر تو و ارواحی که در
اطراف فرود آمده، و رحل اقامت افکنده اند، درود بر فرشتگان خدا که اطراف تو
را گرفته اند، درود بر فرشتگان خدا و ذائبین قبر مطهر فرزندان پیغمبر خدا.

سپس داخل حائر بشو و در وقت داخل شدن بگو:

درود بر فرشتگان مقرب خدا، درود بر فرشتگان خدا که از آسمان به زمین
نازل می شوند، درود بر فرشتگان معلوم و معین خدا، درود بر فرشتگان خدا،

آنانکه به اذن پروردگارشان در این حائر مقیم شده‌اند، درود بر فرشتگان خدا آنانکه در این حائر به عمل مشغول بوده و تسلیم امر خدا می‌باشند، درود بر تو ای فرزند رسول خدا و ای فرزند امین خدا و فرزند اختیار و برگزیده خدا، درود بر تو ای اباعبدالله ما از آن خدا بوده و به سویش بر می‌گردیم، چه قدر مصیبت شما نزد جدتان رسول خدا صلی الله علیه و آله بزرگ است، و چه قدر مصیبت شما نزد کسی که خدا را می‌شناسند عظیم می‌باشد، و چه قدر مصیبت شما در ملاء اعلیٰ با عظمت است، و چه قدر مصیبت شما نزد انبیاء خدا و فرستادگان او بزرگ می‌باشد، درود من به تو و تحیت و تهنیت من در حالی که مصیبت شما عظیم است بر شما، شما نوری بودی در صلب‌های عالی مقام، و نور بودی در تاریکی‌های زمین و هوا، و نور بودی در آسمانهای مرتفع، شما در آسمانها نور درخشانی بودی که خاموش شدنی نبود و شما به هدایت و رشد مردم سخن می‌گوئید.

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

متن:

ثُمَّ امش قليلاً وقل: «اللَّهُ أَكْبَرُ» - سَبْعَ مَرَّاتٍ - وَهَلِّلهُ سَبْعاً، واحمدہ
سبعاً، و سبَّحہ سبعاً و قل: «لَبَّيْكَ دَاعِيَ اللَّهِ» سَبْعاً، و قل:
«إِنْ كَانَ لَمْ يُجِبْكَ بَدَنِي عِنْدَ اسْتِغَاثَتِكَ، وَلِسَانِي عِنْدَ اسْتِئْصَارِكَ،
فَقَدْ أَجَابَكَ قَلْبِي، وَسَمِعِي وَبَصَرِي، وَرَأَيْتِي وَهَوَايَ عَلَى التَّسْلِيمِ لِمُخْلِيفِ النَّبِيِّ
الْمُرْسَلِ، وَالسُّبُطِ الْمُسْتَجَبِ، وَالذَّلِيلِ الْعَالِمِ، وَالْأَمِينِ الْمُسْتَحْزَنِ،
وَالْمُؤَدِي الْمُبْلَغِ، وَالْمُظْلَمِ الْمُضْطَهَّدِ، جِثَّتِكَ يَا مَوْلَايَ انْطِطَاعاً إِلَيْكَ،
وَإِلَى جَدِّكَ وَأَبِيكَ، وَوَلَدِكَ الْمُخْلِيفِ مِنْ بَعْدِكَ، فَقَلْبِي لَكَ مُسَلِّمٌ، وَرَأْيِي
لَكَ مُسَبِّحٌ، وَنُضْرَتِي لَكَ مُقَدَّةٌ، حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بِدِينِهِ وَيَبْعَثَكُمْ، وَأَشْهَدُ

اللَّهُ أَنْكُمْ الْحُجَّةُ، وَبِكُمْ تُرْجَى الرَّحْمَةُ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ، إِنِّي
بِكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، لَا أَنْكِرُ لِلَّهِ قُدْرَةً وَلَا أَكْذِبُ مِنْهُ بِمَشِيئَةٍ».

ثم امش وقصر خطاك حتى تستقبل القبر، واجعل القبلة بين كتفيك و
استقبل بوجهك ووجهة وقل:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنَ اللَّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ أَمِينِ اللَّهِ عَلَى رُسُلِهِ
وَعَزَائِمِ أَمْرِهِ، الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ، وَالنَّائِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ، وَالْمَهْتَمِّ عَلَى ذَلِكَ
كُلِّهِ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ صَاحِبِ
مِيثَاقِكَ، وَخَاتَمِ رُسُلِكَ، وَسَيِّدِ عِبَادِكَ، وَآمِينِكَ فِي بِلَادِكَ، وَخَيْرِ
بَرِيَّتِكَ كَمَا تَلَا كِتَابَكَ، وَجَاهِدَ عَدُوَّكَ حَتَّى آتَاهُ الْيَقِينُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ، وَأَخِي رَسُولِكَ الَّذِي اسْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُ
هَادِيًا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَالذَّلِيلَ عَلَى مَنْ بَغْتَهُ بِرِسَالَتِكَ، وَدِيَانَ
الدِّينِ بِعَدْلِكَ وَفَضْلِ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، وَالْمَهْتَمِّ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ،
وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اللَّهُمَّ أُمَّمٌ بِهِ كَلِمَاتِكَ، وَأَنْجِزِيهِ
وَعَدَكَ وَأَهْلِكَ بِهِ عَدُوَّكَ، وَآكُتُبْنَا فِي أَوْلِيَآئِهِ وَأَجْبَانِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا لَهُ
شِيعَةً وَأَنْصَارًا وَأَعْوَانًا عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَمَا وَكَلْتَهُ بِهِ،
وَاسْتَخْلَفْتَهُ عَلَيْهِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ نَسِيِّكَ،
وَزَوْجَةِ وَلِيِّكَ، وَأُمَّ السَّبْطَيْنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، الطَّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ،
الصَّدِيقَةِ الزَّكِيَّةِ، سَيِّدَةِ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ، صَلَوةً لَا يَتَوَى عَلَى
إِخْصَانِهَا غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ، وَابْنِ أَخِي
رَسُولِكَ، الَّذِي اسْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُ هَادِيًا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ،
وَالذَّلِيلَ عَلَى مَنْ بَغْتَهُ بِرِسَالَتِكَ، وَدِيَانَ الدِّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَضْلَ

قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَالْمُهَيِّمِينَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ، وَابْنِ أَخِي رَسُولِكَ، الَّذِي
 اتَّجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُ هَادِيًا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَالذَّلِيلَ عَلَى مَنْ
 بَعَثْتَهُ بِرِسَالَتِكَ، وَذِيَانِ الدِّينِ بِعَدْلِكَ وَفَضْلِ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ،
 وَالْمُهَيِّمِينَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، [وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ] وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

سپس اندکی حرکت کن و بعد هر کدام از:

تکبیر و تهلیل و تسبیح و ذکر «لَئِيكَ دَاعِيَ اللَّهِ»، راهفت مرتبه گفته و بعد بگو:
 اگر در هنگام استغاثه و طلب پناه، بدن و جسم تو را اجابت و زبانم هنگام
 طلب نصرت تو را یاری نکرده است پس همانا قلب و گوش و چشم تو را
 اجابت می‌نمایند، و فکر و هوای من فرمان بردار و تسلیم فرزند نبی مرسل
 و سبط پیامبر برگزیده و مطیع راهنمای آگاه و امین نگاهدار و آداء کننده رساننده
 و مظلوم مقهور می‌باشد، ای آقای من به نزد تو آمدم در حالی که از همه قطع و به
 تو و جد و پدر و فرزندانم که جانشینان بعد از تو هستند خود را وصل نموده‌ام،
 پس قلبم تسلیم تو و رأی و فکرم تابع تو، و کمکم برای تو آماده بوده تا زمانی که
 خدا حکم برای دینش نموده و شما را برانگیزد، و خدا را شاهد می‌گیرم که شما
 حجّت او هستید، و به سبب شما امید رحمت می‌باشد، پس کسی که با شما است
 با شما بوده نه با دشمنانتان، همانا من از کسانی هستم که به شما ایمان دارم،
 قدرت خدا را انکار نداشته و مشیتش را تکذیب نمی‌کنم، سپس حرکت کن
 و قدم‌هایت را کوچک بردار، مقابل قبر برسی و قبله را بین دو شانوات قرار بده
 و صورتت را مقابل و روبروی قبر نما و بگو:

درود از طرف خدا بر تو، درود خدایا بر حضرت محمد که امین او بر
 فرستادگان و بر احکام شریعتش بوده و پایان بخش انبیاء و گشاینده آیندگان

(اوصیاء) می باشد، فرمان روا است بر تمام، و درود و رحمت خدا و برکاتش بر تو، خدایا درود فرست بر محمد که صاحب پیمان تو بوده و خانمه بخش فرستادگان و سرور بندگانت می باشد، امین تو است در شهرها، و بهترین مردمان بوده زیرا از کتاب تو پیروی نمود، و با دشمنانت مبارزه نمود تا هنگامی که مرگ او را دریافت، باز خدایا درود بفرست بر امیر مؤمنان که بنده تو و برادر رسولت بوده و تو او را به علم خودت برگزیدی، و وی را راهنمای مخلوقات و دلیل و برهان بر کسی که به رسالت خود او را برانگیختی قرارش دادی و وی را حاکمی قرار دادی که به عدالت حکم می نمود، و بین خلق تو با حکم تو اختلافات و منازعات را فیصله می داد، سیاستمدار و حکم فرما بود بر تمام این امور، درود و رحمت و برکات تو بر او باد، خداوند! وعده هائی را که در یاری نمودن دینت داده ای بواسطه آن حضرت عملی نما و به دست پر توانش آنها را منجز فرما، و دشمنانت را به وسیله آن حضرت هلاک نما و ما را در زمره دوست داران او محسوب نما، خدایا ما را شیعه و ناصر و مددکارش قرار بده تا در راه طاعت تو و رسالت و آنچه به او واگذارده ای و کسانی را که جانشینانش نموده ای گام برداریم ای پروردگار عالمیان، خدایا درود فرست بر فاطمه دختر پیامبرت، و همسر ولایت، و مادر دو سبط رسول گرامی حضرت امام حسن و امام حسین، او که پاک و پاکیزه، بسیار راستگو و لایق و شایسته، سرور تمام زنان اهل بهشت است، درودی که غیر از تو کسی قادر بر احصاء و شمارش آن نباشد، خدایا درود فرست بر حسن بن علی بنده ات و فرزند برادر رسولت، که به علم خویش انتخابش نمودی، و وی را راهنمای مخلوقات و دلیل و برهان بر کسی که به رسالت خود او را برانگیختی قرار دادی، و او را حاکمی قرار دادی که به عدالت حکم می نمود، و بین خلق تو با حکم تو اختلافات و منازعات را فیصله می داد، سیاستمدار و حکم فرما بود بر تمام این امور، درود و رحمت و برکات تو بر او باد، خداوند! درود بر حسین بن علی که بنده تو و فرزند برادر رسولت که با علم

خودت او را انتخاب نموده بوده و وی را راهنمای مخلوقات و دلیل و برهان بر کسی که بر سالت خود او را پرانگیختی قرار دادی و او را حاکمی نصب کردی که به عدالت حکم می نمود و بین خلق تو با حکم تو اختلافات و منازعات را فیصله می داد، و سیاست مدار و حکم فرما بود بر تمام این امور، درود و رحمت و برکات تو بر او باد.

متن:

و تصلى على الأئمة كلهم كما صليت على الحسن والحسين (ع)

و تقول:

«اللَّهُمَّ أَعِمْ بِهِمْ كَلِمَاتِكَ، وَأَنْجِزْ بِهِمْ وَعْدَكَ، وَأَهْلِكْ بِهِمْ عَدُوَّكَ وَعَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَجْمَعِينَ، اللَّهُمَّ اجْزِهِمْ عَنَّا خَيْرَ مَا جَارَيْتَ نَذِيرًا عَنِ قَوْمِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا لَهُمْ شِيعَةً وَأَنْصَارًا وَأَعْوَانًا، عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا بِمَنْ يَتَّبِعُ التَّوْرَ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُمْ، وَأَخِينَا مَحْيَاهُمْ، وَأَمِينًا مَمَاتِهِمْ، وَأَشْهَدُنَا مَشَاهِدَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا مَقَامٌ أَكْرَمْتَنِي بِهِ، وَشَرَّفْتَنِي بِهِ، وَأَعْطَيْتَنِي فِيهِ رَغْبَتِي عَلَى حَقِيقَةِ إِيْمَانِي بِكَ وَبِرَسُولِكَ».

ثم تدنو قليلاً و تقول

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، وَسَلَامُ اللَّهِ وَسَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ، كُلَّمَا تَرَوُحُ الرِّائِحَاتُ الطَّاهِرَاتُ لَكَ، وَعَلَيْكَ سَلَامُ الْمُؤْمِنِينَ لَكَ بِقُلُوبِهِمْ، النَّاطِقِينَ لَكَ بِفَضْلِكَ، بِالسِّنْتِهِمْ، أَشْهَدُ أَنَّكَ صَادِقٌ صِدِّيقٌ، صَدَقْتَ فِيمَا دَعَوْتَ إِلَيْهِ، وَصَدَقْتَ فِيمَا أَيْتَ بِهِ، وَأَنَّكَ نَارُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ، اللَّهُمَّ ادْخُلْنِي فِي

أُولِيَانِكَ، وَحَبَّبَ إِلَيَّ شَهَادَتَهُمْ وَ مَشَاهِدَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

و تقول: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، رَحِمَكَ اللَّهُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْهُدَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلَمَ الثَّقَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَأَبْنَ حُجَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَارَ اللَّهِ وَأَبْنَ نَارِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَارَ اللَّهِ وَأَبْنَ وَثَرِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قُتِلْتَ مَظْلُومًا، وَأَنَّ قَاتِلَكَ فِي النَّارِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، لَمْ تَأْخُذْكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ، وَأَنَّكَ عَبْدُ اللَّهِ حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينَ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ كَلِمَةُ الثَّقَوَى، وَبَابُ الْهُدَى، وَالْحُجَّةُ عَلَى خَلْقِهِ، أَشْهَدُ أَنَّ ذَلِكَ لَكُمْ سَابِقٌ لِمَا مَضَى، وَفَاتِحٌ فِيمَا بَقِيَ، وَأَشْهَدُ أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَطَيِّبَتِكُمْ طَيِّبَةٌ، طَيِّبَةٌ طَابَتْ وَطَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ مِنَ اللَّهِ وَمِنْ رَحْمَتِهِ فَأَشْهَدُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَكَفَى بِهِ شَهِيدًا، وَأَشْهَدُكُمْ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَلَكُمْ تَابِعٌ فِي ذَاتِ نَفْسِي، وَشَرَائِعَ دِينِي وَخَاتِمَةَ عَمَلِي وَمُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ، فَأَسْئَلُ اللَّهَ الْبَرَّ الرَّحِيمَ أَنْ يُتِمَّمَ ذَلِكَ لِي، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَنَصَحْتُمْ، وَصَبَرْتُمْ وَقَاتَلْتُمْ، وَغَضِبْتُمْ وَأُبِيءَ إِلَيْكُمْ فَصَبَرْتُمْ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً خَالَفَتْكُمْ، وَأُمَّةً جَحَدَتْ وَلَايَتَكُمْ، وَأُمَّةً تَظَاهَرَتْ عَلَيْكُمْ، وَأُمَّةً شَهِدَتْ وَلَمْ تُسْتَشْهِدْ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ النَّارَ مَثْوَاهُمْ، وَيَسَّسَ الْوَرْدَ الْمُرْوَدَ، وَيَسَّسَ الرَّفْدَ الْمَرْقُودَ».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام ﴾

ترجمه:

و سپس بر تمام آنمه علیهم السلام درود بفرست به همان طوری که بر حضرت امام حسن و امام حسین علیهم السلام درود فرستادی و بعد از آن بگو:

بار خدایا وعده‌هایی را که در یاری نمودن دینت داده‌ای به واسطه این حضرات علیهم السلام عملی نما و به دست پرتویشان آنها را منجز فرما، و دشمنان جنی و انسی خود و ایشان را جملگی به واسطه این حضرات هلاک فرما، بار خدایا ایشان را از طرف ما جزاء بده، جزاء و پاداش نیکوئی که به ترساننده از طرف قومش می‌دهی، خدایا ما را شیعه و ناصر و مددکار ایشان قرار بده تا در راه طاعت تو و رسالت گام برداریم، خدایا ما را از کسانی قرار بده که از نوری که با ایشان قرار داده‌ای تبعیت کنیم، و حیاتی به ما ببخش همچون حیات ایشان، و مماتی نصیبمان گردان مانند ممات ایشان و در دنیا و آخرت ما را در مشاهد ایشان حاضر گردان، خدایا این مقام و مرتبه‌ای است که من را با آن مورد کرامت قرار داده، و شرافتم به آن داده‌ای و بواسطه‌اش در من به حقیقت ایمان به تو و به رسالت میل و رغبت ایجاد نموده‌ای.

سپس اندکی نزدیک به قبر شو و بگو:

سلام و درود بر تو ای فرزند رسول خدا، و درود خدا و درود فرشتگان مقرب و انبیاء مرسلش بر تو باد هر زمانی که نسیم‌های پاک و خوش می‌وزند، و دررد قلبی مؤمنان بر تو، آنانکه زبانشان به فضل تو گویا است، شهادت می‌دهم که تو راستگو و بسیار درستکار بوده و در آنچه مردم را به آن دعوت نمودی راست می‌گفتی، و در آنچه انجام داده‌ای درستکار بوده‌ای، و شهادت می‌دهم که تو خون خدا در زمین هستی، بار خدایا من را در زمره دوستانت قرار بده، و در دنیا و آخرت شهادت و مشاهدشان را محبوب من گردان، همانا تو بر هر چیز

قادر هستی.

و بگو:

درود بر تو ای ابا عبدالله، خدا رحمت کند تو را ای ابا عبدالله، درود خدا بر تو ای ابا عبدالله، درود بر تو ای پیشوای هدایت، درود بر تو ای نشانه تقوی و پرهیزکاری، درود بر تو ای حجت خدا بر اهل دنیا، درود بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت خدا، درود بر تو ای پیغمبر خدا، درود بر تو ای خون خدا و پسر خون خدا، درود بر تو ای خون تنها مانده خدا و پسر خون تنها مانده خدا، شهادت می‌دهم که تو مظلوم کشته شدی، و قاتل تو در دوزخ خواهد بود، و شهادت می‌دهم که تو در راه خدا آن طوری که شایسته است جهاد نمودی، و در راه خدا سرزنش هیچ سرزنش کننده‌ای متوجه تو نگردیده، و محققاً خدا را پرستیدی تا وقتی که مرگ تو را دریافت، شهادت می‌دهم که شما اهل بیت مظهر پرهیزکاری و باب هدایت مردم، و حجت بر مخلوقات می‌باشید، شهادت می‌دهم که این مقام برای شما در گذشته سابقه داشته است، و در آینده گشاینده خواهد بود، و شهادت می‌دهم که ارواح و حقیقت شما پاک می‌باشد، پاک بوده و پاک می‌باشد در حالی که بعضی از برخی دیگر بوده ناشی از ذات اقدس الهی و از رحمت و اسعاهش می‌باشد، شاهد می‌گیرم حق تبارک و تعالی را بر این گفتارم و او برای شاهد بودن کافی است، و شما را شاهد می‌گیرم که ایمان به شما داشته و در حقیقت نفسم و احکام دینم و پایان کارها و حرکات و منزل آخرم تابع و پیرو شما می‌باشم، پس از خداوند نیک رفتار و مهربان درخواست می‌کنم که این معنا را برایم قراهم و میسور فرماید، شهادت می‌دهم که شما تبلیغ رسالت‌های خود را نموده و زبان به خیرخواهی مردم گشوده و در مشکلات صبر نموده و در پایان امر در راه خدا کشته شده‌اید، حقوق شما غصب شد، اذیت‌ها و بدی‌ها متوجه شما گردید و نی تحمل نمودید، خدا لعنت کند گروهی را که با شما مخالفت نمودند و جمعی را که ولایت شما را انکار کردند، و دسته‌ای را که

بر علیه شما تظاهر نمودند، و فومی را که در جنگ با شما حاضر شده و نخواستند که در راه شما شهید شوند، حمد و ستایش خدائی را که جهنم را جایگاه ایشان قرار داد و آن بد جایگاه و بد عطائی است که به ایشان اعطاء می‌گردد.

متن:

و تقول: «صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ، وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، لَعْنُ اللهِ قَاتِلِيكَ، وَلَعْنُ اللهِ سَالِيكَ، وَلَعْنُ اللهِ خَاذِلِيكَ، وَلَعْنُ اللهِ مَنْ شَايَعَ عَلَى قَتْلِكَ، وَمَنْ أَمَرَ بِقَتْلِكَ، وَشَارَكَ فِي دَمِكَ، وَلَعْنُ اللهِ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِيَ بِهِ أَوْ سَلَّمَ إِلَيْهِ، أَنَا أَبْرَأُ إِلَى اللهِ مِنْ وَلَايَتِهِمْ، وَأَتَوَلَّى اللهُ وَرَسُولَهُ وَآلَ رَسُولِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ انْتَهَكُوا حُرْمَتَكَ وَسَفَكُوا دَمَكَ مَلْعُونُونَ، عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ، اللَّهُمَّ الْعَنْ الَّذِينَ كَذَبُوا رُسُلَكَ، وَسَفَكُوا دِمَاءَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ، اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَضَاعِفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ، اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَقَتْلَةَ الْأَصَارِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَأَصْلَهُمْ حَرَّ نَارِكَ، وَذُقُّهُمْ بَأْسَكَ، وَضَاعِفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ، وَالْعَنْهُمْ لَعْنًا وَبِيلاً، اللَّهُمَّ اخْلُلْ بِهِمْ نِقْمَتَكَ، وَآتِهِمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُونَ، وَخُذْهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ، وَعَذِّبْهُمْ عَذَابًا تُكْرَهُ، وَالْعَنْ أَعْدَاءَ نَبِيِّكَ وَ[أَعْدَاءَ] آلِ نَبِيِّكَ لَعْنًا وَبِيلاً، اللَّهُمَّ الْعَنْ الْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَالْفِرَاعِيَّةَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

و تقول: یا ابا عبد الله، اینک کانت رحلتی مع بعد شققی، ولک فاضت عبرتی، وعلیک کان اسنی ونحیبی، وضراخی وزفرتی

وَسَهِيقٌ، وَإِلَيْكَ كَانَ مَجِينِي وَبِكَ أَسْتَتِرُ مِنْ عَظِيمِ جُرْمِي، أَتَيْتُكَ [زَائِرًا] وَافِدًا قَدْ أَوْقَرْتُ ظَهْرِي، يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي، يَا سَيِّدِي بِكَتَيْتُكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَيْرَتَيْهِ، وَحَقُّ لِي أَنْ أَبْكِيكَ، وَقَدْ بَكَتَكَ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ وَالْجِبَالُ وَالْبِحَارُ، فَمَا عَذْرِي إِنْ لَمْ أَبْكِكَ، وَقَدْ بَكَكَ حَسِبُ رَبِّي، وَبَكَتَكَ الْأَيُّمَةُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ، وَبَكَكَ مَنْ دُونَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى إِلَى الثَّرَى جَزَعًا عَلَيْكَ».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) ﴾

ترجمه:

و سه مرتبه بگو:

درود و رحمت فرستد خدا بر تو ای ابا عبدالله

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

بعد بگو:

و بر جان و بدنت، خدا کشتندگان تو را لعنت کند، خدا لعنت کند آنانکه جامه از بدنت بیرون آوردند، خدا لعنت کند کوبندگان تو را، خدا لعنت کند کسانی را که پی گیر کشتن تو بودند، و کسی که فرمان به کشتن تو داد، و در خونت شرکت کرد، و خدا لعنت کند کسی را که رقتی خیر کشتن تو را شنید راضی به آن شد یا در مقابلش تسلیم گشت و گردن نهاد، ما به سوی خدا پناه می‌بریم از دوست داشتن این جماعات و دوست داریم خدا و رسول و آل رسولش را، و شهادت می‌دهم آنانکه حرمت تو را هتک کرده و خونت را ریختند ملعون و از رحمت واسعه حق به دور می‌باشند، و این لعنت بر زبان پیامبر امی (علیه السلام) در حق ایشان جاری شده است، خدایا کشتندگان امیرالمؤمنین (علیه السلام) را لعنت کن، و عذاب دردناک را بر ایشان چندان نما، خدایا کشتندگان حسین بن علی (علیه السلام) را لعنت کن، و نیز کشتندگان یاران حسین بن علی (علیه السلام) را مورد لعن خود قرار بده، و حرارت آتش

جهنم خود را به ایشان برسان، و عذابت را به آنها بچشان، و عذاب دردناک را بر آنها چندان نما، و لعنت کن ایشان را لعنتی سخت و شدید، خدایا نعمت و عقوبت را بر ایشان فرود آور، و از جانی که گمان ندارند عقابت را نصیبشان گردان، و از جانی که شعور و درک آن را نمی‌کنند مورد مأخذ قرارشان بده، و ایشان را عذابی سخت بنما، و لعنت کن دشمنان پیغمبرت را، و دشمنان آل پیغمبرت را لعنتی سخت و شدید، خدایا جبت (باطل) و طاغوت (پاغی و سرکش) و متکبران را لعنت نما، تو بر هر چیزی قدرت داری.

و بگو:

ای ابا عبدالله پدر و مادرم فدایت شوند، با اینکه طی طریق بطرف شما بسیار دور است معدلک مرکب من به سوی تو در حرکت است، و اشکهایم برای تو ریزان می‌باشند، و تأسف و گریه شدید من بر تو است، فریاد و جیق و بغض نمودنم بخاطر تو می‌باشد، آمدنم به سوی تو است، به واسطه تو خواهان پوشیده شدن گناهان بزرگم می‌باشم، آمدم نزد تو در حالی که زیارت کننده تو بوده و مسافری هستم که از بار گران سفر پشتم خمیده گشته، پدر و مادرم فدای تو، ای آقای من گریستم بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده حق، و بر من است که بر تو بگیرم، همانا آسمانها و زمینها و کوهها و دریاها بر تو گریسته‌اند، پس اگر بر تو گریه نکنم هیچ عذری ندارم، و حیب پروردگارم بر تو گریه کرده و ائمه هدی که درود خداوند بر ایشان باد نیز بر تو گریسته‌اند، و تمام موجوداتی که در طبقه بین سدرۃ المنتهن و کره خاک می‌باشند بر تو گریسته و جزع و ناله نموده‌اند.

متن:

ثم استلم القبر وقل:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، يَا حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ عَبْدُ اللَّهِ وَأَمِينُهُ
بَلَغْتَ نَاصِحاً وَأَدَّيْتَ أَمِيناً، وَقُلْتَ صَادِقاً، وَقُتِلْتَ صِدِّيقاً، فَضُيِّتَ
شَهِيداً عَلَى يَتِيمَيْنِ، لَمْ تُؤْرِ عَمَى عَلَى هُدًى، وَلَمْ تَمِلْ مِنْ حَقِّ إِلَى بَاطِلٍ، وَلَمْ
تُحِبْ إِلَّا اللَّهَ وَخُدَّةَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ عَلَى بَيْنَةِ مِنْ رَبِّكَ، بَلَغْتَ مَا
أَمَرْتَ بِهِ، وَقَمْتَ بِحَقِّهِ، وَصَدَّقْتَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ غَيْرَ وَاهِنٍ وَلَا مُوهِنٍ،
فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً، جَزَاكَ اللَّهُ مِنْ صِدِّيقٍ خَيْراً، أَشْهَدُ أَنَّ
الْجِهَادَ مَعَكَ جِهَادُهُ وَأَنَّ الْحَقَّ مَعَكَ وَإِلَيْكَ وَأَنْتَ أَهْلُهُ وَمَسْغِدُهُ
وَمِيرَاثُ النَّبُوَّةِ عِنْدَكَ وَعِنْدَ أَهْلِ بَيْتِكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ
وَنَصَحْتَ، وَوَفَيْتَ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمُرُوعَةِ الْحَسَنَةِ
وَمَضَيْتَ لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيداً وَمُسْتَشْهِدًا وَمَشْهُودًا، فَصَلَّى اللَّهُ
عَلَيْكَ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً، أَشْهَدُ أَنَّكَ طَهَّرَ طَاهِرٌ مُطَهَّرٌ، مِنْ طَهْرٍ طَاهِرٍ
مُطَهَّرٍ، طَهَّرْتَ وَطَهَّرْتَ أَرْضَ أَنْتَ بِهَا، وَطَهَّرَ حَرَمُكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ
أَمَرْتَ بِالْقِسْطِ وَالْعَدْلِ، وَدَعَوْتَ إِلَيْهَا، وَأَشْهَدُ أَنَّ أُمَّةً قَتَلَتْكَ أَشْرَارُ
خَلَقِ اللَّهِ وَكَفَرْتَهُ، وَإِنِّي أَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّي مِنْ جَمِيعِ
ذُنُوبِي، وَأَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ فِي جَمِيعِ حَوَائِجِي وَرَغْبَتِي، فِي أَمْرِ آخِرَتِي
وَدُنْيَايَ.»

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام ﴾

ترجمه:

سپس دست به قبر بکش و بگو:

درود بر تو ای ابا عبدالله، ای حسین بن علی، ای پسر رسول خدا، درود بر تو ای حجّت خدا و پسر حجّت خدا، شهادت می‌دهم که تو بنده خدا و امین او هستی، تبلیغ کردی در حالی که به دیگران اندرز دادی و اداء کردی در حالی که امین بودی، مطالب را گفتی در حالی که راست گو بودی، و کشته شدی در حالی که بسیار راست گو بودی، پس از این جهان عبور کردی و شهید گشتی، در حالی که صاحب یقین بودی، نابینائی را بر هدایت اختیار نکردی، از حق به باطل میل نکردی، اجابت نکردی مگر خداوند را به تنهائی، و شهادت می‌دهم که تو بر حاجتی از پروردگارت بودی، آنچه که مأمور به رساندنش شدی را تبلیغ فرمودی، و به حق آن قیام نمودی، و حاجت‌های پیش از خود را تصدیق نمودی در حالی که هیچ سستی از خود نشان نداده و ابدأ آنها را نوهین نمودی، پس رحمت فرستاد خدا بر تو و سلام داد سلام دادنی، پاداش خیر دهد خدا به تو، شهادت می‌دهم که جهاد همراه تو جهاد می‌باشد، و حق با تو و به سوی تو می‌باشد، و تو اهل و مرکز آن می‌باشی، و میراث نبوت نزد تو و اهل بیت تو می‌باشد، و شهادت می‌دهم که تو تبلیغ نموده و نصیحت کردی، و به عهدت و فاء نمودی و در راه خدا با بیان حکمت و موعظه حسنه‌ای که نمودی جهاد کردی، و شهادت می‌دهم که تو گذشتی و عبور نمودی بر آن طریق حقی که داشتی در حالی که شاهد آنچه از این امت صادر شده بوده و خدا و رسول و فرشتگان شهادت می‌دهند که تو بر حق و طریق مستقیم بودی.

پس رحمت فرستاد خدا بر تو و سلام داد سلام دادنی، شهادت می‌دهم که تو نفس پاکی و پاک و پاکیزه شده‌ای، از نفس پاکی و پاک و پاکیزه شده می‌باشی،

پاک می‌باشی و زمینی که تو در آن هستی نیز پاک می‌باشد، و حرم تو نیز پاک است، شهادت می‌دهم که تو به عدل و میانه‌روی امر نموده و مردم را به این دو دعوت کردی، و شهادت می‌دهم گروهی که تو را کشتند بدترین مخلوقات خدا و از کافرین می‌باشد، و من جهت آمرزش تمام گناهانم تو را نزد خدایت و خدای خودم شفیع قرار می‌دهم، و به واسطه تو در تمام نیازمندی‌ها و خواسته‌هایم در ارتباط به امر دنیا و آخرت به طرف خدا روی می‌نمایم.

متن:

ثُمَّ ضَعَّ حَذَّكَ الْأَيْمَنَ عَلَى الْقَبْرِ وَقَالَ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْقَبْرِ وَمَنْ فِيهِ وَبِحَقِّ هَذِهِ الْقُبُورِ وَمَنْ أَسْكَنْتَهَا، أَنْ تَكْتُبَ إِسْمِي عِنْدَكَ فِي أَسْمَائِهِمْ حَتَّى تُورِدَنِي مَوَارِدَهُمْ، وَتُصَدِّرَنِي مَصَادِرَهُمْ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

و تقول: «رَبِّ أَنْحَسْتَنِي ذُنُوبِي وَقَطَعْتَ مَقَالَتِي، فَلَا حُجَّةَ لِي وَلَا عُذْرَ لِي، فَإِنَّا الْمَقْرُؤُ بِذُنُوبِي، الْأَسِيرُ بِبَلِيَّتِي، الْمُرْتَهِنُ بِعَقْلِي، الْمَشْجَلُ فِي خَطِيئَتِي، الْمَشْخِرُ عَنْ قَضَايَ، الْمُنْتَضِعُ بِي، قَدْ أَوْقَفْتَ نَفْسِي يَا رَبِّ مَوْقِفَ الْأَشْقِيَاءِ الْأَذِلَّةِ الْمَذِينِ، الْمُجْتَرِنِينَ عَلَيْكَ الْمُسْتَخْفِينَ بِوَعِيدِكَ، يَا سُبْحَانَكَ أَيُّ جُرْأَةٍ اجْتَرَأَتْ عَلَيْكَ، وَأَيُّ تَغْرِيرٍ عَزَّزَتْ بِنَفْسِي، وَأَيُّ سَكْرَةٍ أَوْبَقْتَنِي، وَأَيُّ غَفْلَةٍ أَعْطَبْتَنِي، مَا كَانَ أَقْبَحَ سُوءٍ نَظَرِي، وَأَوْحَشَ فِعْلِي، يَا سَيِّدِي فَارْحَمْ كَبُورِي لِحُرِّ وَجْهِ، وَزَلَّةَ قَدَمِي، وَتَغْفِيرِي فِي التُّرَابِ حُدِّي، وَنِدَامَتِي عَلَى مَا فَرَطْتُ مِنْهُ، وَأَقْلَبْ عَثْرَتِي، وَارْحَمْ صُرْحَتِي وَعَبْرَتِي، وَأَثْبِلْ مَعْدِرَتِي، وَعُدَّ بِحِلْمِكَ عَلَيَّ جَهْلِي، وَبِإِحْسَانِكَ عَلَيَّ خَطِيئَاتِي، وَبِعَفْوِكَ عَلَيَّ، رَبِّ أَشْكُرُ إِلَيْكَ قَسَاوَةَ قَلْبِي، وَضَعْفَ عَمَلِي، فَاغْنُ بِمَسْئَلَتِي، فَإِنَّا الْمَقْرُؤُ بِذُنُوبِي،

الْمُعْتَرِفُ بِخَطِيئَتِي، وَ هَذِهِ يَدِي وَ تَاصِيئِي، أَسْتَكِينُ لَكَ بِالتَّوَدِّ مِنْ نَفْسِي،
فَأَقْبِلْ تَوْبَتِي، وَ نَفْسُ كُرْبَتِي، وَ أَرْحَمْ خُضُوعِي وَ خُضُوعِي وَ انْقِطَاعِي إِلَيْكَ
سَيِّدِي! وَ أَسْئَلُ عَلَى مَا كَانَ مِنِّي وَ قَرَعَنِي وَ تَفْفِيرِي فِي تُرَابِ قَبْرِ ابْنِ نَبِيِّكَ
بَيْنَ يَدَيْكَ، فَأَنْتَ رَجَائِي وَ ظَهْرِي وَ عُدَّتِي وَ مُعْتَمِدِي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.»

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام ﴾

ترجمه:

سپس گونه راست خود را روی قبر گذار و بگو:

خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق این قبر و کسی که در آن است و به حق
این قبور و کسانی که در آنها ساکنشان کردی، اینکه نام من را نزد خودت در
اسماء ایشان ثبت و ضبط کرده تا وارد من کنی به محل ورودشان و خارجم نمائی از
محل خروجشان، همانا تو بر هر چیز قادر و توانائی.

و بگو:

بار خدایا من را در مقابل گناهانم منجم و بلاجواب قرار داده و گفتارم را قطع
کرده در نتیجه هیچ حاجتی و عذری برای من نبوده و به گناهانم اقرار دارم، به
واسطه بلیه‌ای که خود فراهم کرده‌ام اسیر بوده و در گرو عمل و کردار خویش
می‌باشم، نهایت سعی و کوشش خود را گناهان و لغزش‌های خود نموده‌ام، از
مقصود و طریق مستقیم و امانده و متحیر می‌باشم، درمانده و راه به رویم بسته
شده، پروردگارا خود را در جای اشیاء گمراه و خطاکار قرار داده‌ام، آنانکه بر تو
جرئت کرده و عصیان را کرده، و به وعیدهای تو اعتناء نکرده و آنها را سبک
تلفی کرده‌اند، سبحان الله! چه جرئتی بر تو از خود نشان داده، و چه ضرری به
نفس خویش وارد کرده، و چه مستی من را هلاک نمود و چه غفلت و بی‌خبری
من را نابود نمود، چقدر کریه و زشت است بد نظری من و چقدر وحشت ناک

است کردار من، ای آقای من به خاطر رخسارم بر بدروی افتادتم، و بر لغزش قدمم، و بر مالیدن صورتم را بر خاک و بر پشیمانیم بر آنچه از من صادر شده، رحم فرما، و از گناهم درگذر، و بر فریاد و اشکهای گردان در چشمم ترحم نما، و عذر من را بپذیر، و در مقابل جهل و نادانی من به حلم و بردباری خود برگرد، و در قبال خطاهم و اشتباهاتم به احسانت عمل نما، و به عفو و بخششت با من رفتار کن، پروردگارا از سنگ دلی و ضعف کردارم به تو شکایت می‌کنم پس در مقابل سؤال و درخواستم عطاء نما، من به گناهم اقرار دارم، به خطاهم خویش معترفم، این دست من و پیشانی من است که در اختیار تو گذارده تا از من فضاصل نمائی، پس توبه من را بپذیر و حزن و اندوهم را برطرف کن، ای آقای من به خشوع و خضوع و جدا شدنم از غیر و وصل شدنم به تو ترحم نما، ای آسف و افسوس بر آنچه از من صادر شده و در تربت قبر پسر پیغمبرت در مقابل تو خود را غلطانده و به خاک آلوده نموده‌ام، تو امید و پشت و پناه و تکیه گاه من می‌باشی، نیست خلدائی غیر از تو.

متن:

ثُمَّ كَبَّرَ خَمْسَةً وَ ثَلَاثِينَ تَكْبِيرَةً، ثُمَّ تَرَفَعَ بِدِيكَ وَ تَقُولُ:
 «إِلَيْكَ يَا رَبُّ صَعَدْتُ مِنْ أَرْضِي، وَإِلَى ابْنِ نَبِيِّكَ قَطَعْتُ الْبِلَادَ رَجَاءً
 لِلْمَغْفِرَةِ، فَكُنْ لِي يَا وَدِيَّ اللَّهُ سَكَنًا وَ شَفِيعًا، وَ كُنْ بِي رَحِيمًا، وَ كُنْ لِي مَتَجًا
 يَوْمَ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ [عِنْدَهُ] إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى، يَوْمَ لَا تَنْفَعُ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ،
 وَ يَوْمَ يَقُولُ أَهْلُ الضَّلَالَةِ: «مَا لَنَا مِنْ شَالِعِينَ» * وَ لَا صَدِيقَ حَسِيمٍ،
 فَكُنْ يَوْمَئِذٍ فِي مَقَامِي بَيْنَ يَدَي رَبِّي لِي مُنْتَدًا، فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي إِذَا ارْتَعَدْتُ
 قَرَائِصِي، وَ أَخِذْ بِسَمْعِي، وَ أَنَا مُنْكَسِرٌ رَأْسِي بِمَا قَدَّمْتُ مِنْ سُوءِ عَمَلِي، وَ أَنَا

عَارِكَمَا وَلَدْتَنِي أُمِّي، وَرَبِّي يَسْتَلْنِي فَكُنْ لِي يَوْمَئِذٍ شَافِعًا وَ مُنْقِذًا، فَقَدْ أَخَذْتُ
تُكَ لِيَوْمِ حَاجَتِي وَيَوْمِ نَقْرِي وَفَاتِي».

﴿ دنیاله زیارت نامه حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام ﴾

ترجمه:

سپس سی و پنج مرتبه تکبیر گفته و پس از آن دو دستت را بلند کرده و بگو:
ای پروردگارم، از سرزمین خرد بسوی تو قصد نمودم، و به سوی پسر
پیغمبرت شهرها را پیمودم به امید اینکه گناهانم را بیماری را بیامیزی، پس ای ولی خدا
تکیه گاه و شفیع من بوده، و نسبت به من مهربان و در روزی که نزد حق تعالی
شفاعت کسی غیر از پسندیدگان در زیارتش پذیرفته نمی شود همان روزی که
خود در قرآن به آن اشاره کرده و فرمود: یوم لا تنفع شفاعة الشافعين، و همان
روز که اهل ضلال و گمراهی می گویند: ما لنا من شافعين و لا صديق حميم،
نجات گاه و شفاعت کننده من باش، پس در این روز در مقابل پروردگارم برای
من نجات دهنده باش چه آنکه وقتی گوشت های بدنم بلرزند و گوشم گرفته
شود و بواسطه اعمال زشت که از من صادر شده سرافکنده باشم و جرم و گناه
خود را بسیار بزرگ ببینم و در آن حال همچون روزی که مادر مرا زائیده لخت
و برهنه باشم و پروردگارم من را طرف سوال و عتاب قرار دهد تو در آن وقت
شافع و نجات دهنده من باش، من تو را برای روز احتیاج و هنگام تهی دستی
و نیازم برای خرد ذخیره کرده ام.

متن:

ثُمَّ ضَعِ خَدَّكَ الْأَيْسَرَ عَلَى الْقَبْرِ وَ تَقُولُ:
«اللَّهُمَّ ارْحَمْ تَضَرُّعِي فِي تُرَابِ قَبْرِ ابْنِ نَبِيِّكَ، فَإِنِّي فِي مَوْضِعِ رَحْمَةٍ

یا رَبُّ».

و تقول: «بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، إِنِّي أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ قَاتِلِكَ وَمِنْ سَالِكِكَ، يَا لَيْسَنِي كُنْتُ مَعَكَ، فَأَلُوْزُ فَوْزاً عَظِيماً، وَأَبْذُلُ مُهْجَتِي فِيكَ، وَأَقِيكَ بِنَفْسِي، وَكُنْتُ فِيمَنْ أَقَامَ بَيْنَ يَدَيْكَ حَتَّى يُشْفِكَ دَمِي مَعَكَ فَأَظْفَرُ مَعَكَ، بِالسَّعَادَةِ وَالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ».

و تقول: «لَعَنَ اللَّهُ مَنْ رَمَاكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ طَعَنَكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ اجْتَزَّ رَأْسَكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ حَمَلَ رَأْسَكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ نَكَتَ بِقَضِيْبِهِ بَيْنَ نَنَايَاكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَبْكَى نِسَائِكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَيَّمْ أَوْلَادِكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ عَلَيْكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَارَ إِلَيْكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ مَنَعَكَ مَاءَ الْفُرَاتِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ غَشَّكَ وَحَلَكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَمِعَ صَوْتَكَ فَلَمْ يُجِبْكَ لَعَنَ اللَّهُ ابْنَ آكِلَةِ الْأَكْبَادِ، وَلَعَنَ اللَّهُ ابْنَهُ وَأَعْوَانَهُ وَأَتْبَاعَهُ وَأَنْصَارَهُ ابْنَ سُمَيْةَ، وَلَعَنَ اللَّهُ جَمِيعَ قَاتِلِيكَ وَقَاتِلِي أَبِيكَ وَمَنْ أَعَانَ عَلَى قَتْلِكُمْ، وَخَشَا اللَّهُ أَجْرَافَهُمْ وَبُطُونَهُمْ وَقُبُورَهُمْ نَاراً، وَعَذَابَهُمْ عَذَاباً أَلِيماً».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) ﴾

ترجمه:

سپس گونه چپ را روی قبر گزارده و بگو:

خدایا به تضرع من در خاک قبر پسر پیغمبرت رحم فرما چه آنکه من درجای رحمت تو فرار گرفته‌ام ای پروردگار من.

و بعد بگو:

پدر و مادرم فدای تو ای پسر رسول خدا، من از کشنده تو و کسی که جامه از

بدنت بدر آورده به سوی خدا بی‌زاری می‌جویم، کاش با تو می‌بودم پس به
رستگاری عظیمی نائل می‌شدم و خون قلبم را در راه تو اینار می‌کردم و با بذل
نفس تو را نگه می‌داشتم و کاش در میان کسانی بودم که در مقابل تو به جهاد
برخاسته و از تو حمایت نمودند تا خونم با تو به زمین می‌ریخت و بدین ترتیب
با تو به سعادت و رسیدن به بهشت دست می‌یافتم.

و بگو:

خدا لعنت کند کسی که به تو نیرانداخت، خدا لعنت کند کسی را که به تو نیزه
زده، خدا لعنت کند کسی را که سر تو را برید، خدا لعنت کند کسی که سر تو را با
خود حمل نمود، خدا لعنت کند کسی را که با چوب به وسط دندان‌های ثنایای تو
زد، خدا لعنت کند کسی را که زنان تو را گریاند، خدا لعنت کند کسی را که
فرزندانت را یتیم نمود، خدا لعنت کند کسی را که دشمنان تو را کمک کرد، خدا
لعنت کند کسی را که به منظور جنگ با تو سیر و سفر نمود، خدا لعنت کند کسی
را که تو را از آب فرات منع کرد، خدا لعنت کند کسی را که به تو خیانت نمود
و تنهایت گذارد، خدا لعنت کند کسی را که صدای تو را شنید و جوابت را نداد،
خدا لعنت کند پسر خورنده جگرها را، و خدا لعنت کند فرزند و یاران و تابعین
و مددکارانش و فرزند سمیه را، و خدا لعنت کند تمام کشتندگان تو و آنان که بر
کشتنت کمک کردند، و خدا درون و دل‌ها و قبرهای ایشان را پر از آتش کند،
و ایشان را عذابی دردناک نماید.

متن:

ثُمَّ تَسْبِيحٌ عِنْدَ رَأْسِهِ الْفَتْحُ تَسْبِيحَةٌ مِنْ تَسْبِيحِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَإِنْ
أَحْبَبْتَ تَحَوَّلَتْ إِلَى عُنْدِ رَجُلَيْهِ وَ تَدْعُو بِمَا قَدْ فَسَّرْتَ لَكَ ثُمَّ تَدُورُ مِنْ
عُنْدِ رَجُلَيْهِ إِلَى عُنْدِ رَأْسِهِ فَإِذَا فَرَّغْتَ مِنَ الصَّلَاةِ سَبَّحْتَ وَ التَّسْبِيحِ

تقول:

«سُبْحَانَ مَنْ لَا تَبِيدُ مَعَالِمُهُ، سُبْحَانَ مَنْ لَا تَنْقُصُ حَوَائِثُهُ، سُبْحَانَ مَنْ لَا انْقِطَاعَ لِجُدَّتِهِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْقُذُ مَا عِنْدَهُ، سُبْحَانَ مَنْ لَا اضْمِحْلالَ لِغُخْرِهِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يُشَاوِرُ أَحَدًا فِي أَمْرِهِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ».

ثم تحوّل عند رجليه وَضَع يَدَكَ عَلَى الْقَبْرِ وَ قُل:

«صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، - ثَلَاثًا - صَبَرْتَ وَأَنْتَ الضَّادِقُ الْمُصَدِّقُ قَتَلَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ بِالْأَيْدِي وَالْأَلْسِنِ».

وتقول: اللَّهُمَّ رَبُّ الْأَرْبَابِ، صَرِّحْ الْأَخْيَارِ إِنِّي عُدْتُ مَعَاذًا، فَفُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، جِشَّكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَإِقْدًا إِلَيْكَ، أَتَوَسَّلُ إِلَى اللَّهِ فِي جَمِيعِ حَوَائِجِي مِنْ أَمْرِ آخِرَتِي وَدُنْيَايَ، وَبِكَ يَتَوَسَّلُ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ فِي جَمِيعِ حَوَائِجِهِمْ، وَبِكَ يُذَرِّكُ أَهْلُ الثَّوَابِ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ طَلِبَتَهُمْ، أَسْأَلُ وَرَيْكَ وَرَلَيْتَنَا أَنْ يَجْعَلَ حَظِّي مِنْ زِيَارَتِكَ الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَالْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبِي، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْصُرُهُ وَتَنْصِرُ بِهِ لِدِينِكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

ثم تضع خدك عليه و تقول:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ! إِشْفِ صَدْرَ الْحُسَيْنِ، اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ! أَطْلُبُ بِدَمِ الْحُسَيْنِ، اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ! إِنِّي تَقِمُ مِمَّنْ رَضِيَ بِقَتْلِ الْحُسَيْنِ! اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ! إِنِّي تَقِمُ مِمَّنْ خَالَفَ الْحُسَيْنِ، اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ! إِنِّي تَقِمُ مِمَّنْ فَرِحَ بِقَتْلِ الْحُسَيْنِ»، وتبتهل الى الله في اللعنة على قاتل الحسين و امير المؤمنين (ع) و تسبح عند رجليه ألف تسبيحة من تسبيح فاطمة الزهراء صلى الله عليها فان لم تقدر فائة تسبيحة

و تقول:

«سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمَنِيِّ، سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْفَاجِرِ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ ذِي الْمَلِكِ الْفَاجِرِ الْقَدِيمِ، سُبْحَانَ ذِي الْمَلِكِ الْفَاجِرِ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ مَنْ لَبَسَ الْعِزَّ وَالْجَمَالَ، سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ، سُبْحَانَ مَنْ يَرَى آثَرَ الثَّقَلِ فِي الصَّفَا، وَخَفَقَانَ الطَّيْرِ فِي الْمَوَاءِ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا وَلَا هَكَذَا غَيْرُهُ».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام ﴾

ترجمه:

سپس نزد یک سر مبارک آن جناب هزار مرتبه تسبیح حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را بگو، و اگر خواستی تسبیح حضرت را نگو تا پائین پاهای مبارک برسی و دعاء کن به آنچه بعداً برایت شرح خواهم داد (و محتمل است مراد دعاهائی باشد که قبلاً حضرت برای ابو حمزه ثمالی بیان فرمودند) بهر صورت پس از رسیدن به پائین پا و خواندن دعا دور بزن و خود را به نزدیک سر مبارک برسان و پس از فراغت از نماز تسبیح بگو و مراد از تسبیح، تسبیح امیرالمؤمنین علیه السلام است که به آن اشاره شد و آن اینست که بگوئی: منزّه است کسی که معالم و نشانههای دالّه بر او کهنه شدنی نیست، منزّه است کسی که خزاننش کم شدنی نیست، منزّه است کسی که دوران سلطنتش منقرض شدنی نیست، منزّه است کسی که آنچه نزدش هست تمام شدنی نیست، منزّه است کسی که فخر و بزرگی او زائل شدنی نیست، منزّه است کسی که در کارهایش با کسی مشورت نمی‌کند، منزّه است کسی که معبودی غیر از او نمی‌باشد.

سپس به پائین پاهای مبارک منتقل شو و دست بر قبر بگذار و بگو:

درود و رحمت فرستد خدا بر تو ای اباعبدالله (سه مرتبه) صبر کردی و تو

راستگو و تصدیق شده‌ای، خدا بکشد کسانی را که تو را با دست‌ها و زبان‌هایشان کشتند.

و بعد بگو:

خداوندا ای صاحب صاحب‌ها، و ای پناه دهنده خوب‌ها، من پناه می‌آورم پناه آوردنی، پس من را از آتش دوزخ برهان، آمدم نزد تو ای فرزند رسول خدا در حالی که به سویت سفر نمودم، در تمام نیازمندی‌هایم چه امور اخروی بوده و چه دنیوی به خدا متوسل می‌شوم، و تمام متوسلین به خدا در جمیع نیازمندی‌هایشان تو را واسطه و وسیله قرار می‌دهند، و به واسطه تو بندگانی که اهل پاداش و اجر هستند مطلوب خود را درک می‌کنند، از ولی تو و ولی خود درخواست می‌کنم که بهره من از زیارت تو را صلوات بر محمد و آل محمد و آمرزش گناهان من قرار دهد، خداوندا، ما را از کسانی قرار بده که تو آنها را یاری می‌کنی و بواسطه ایشان دینت را در دنیا و آخرت مدد می‌نمائی.

سپس صورت بر قبر بگذار و بگو:

خداوندا، ای پروردگار حسین، شفا بده سینه حسین را، خدایا، ای پروردگار حسین! خون خواهی خون حسین نما؛ خداوندا ای پروردگار حسین! از کسی که به قتل حسین راضی شد انتقام بکش، خداوندا ای پروردگار حسین! از کسی که مخالفت حسین را نمود انتقام بگیر، خداوندا، ای پروردگار حسین از کسی که کشته شدن حسین او را شاد و مسرور نمود انتقام بگیر، و در لعن نمودن بر قاتلین امام حسین و امیرالمؤمنین علیه السلام به خدا التماس و تضرع نما و در پائین پا هزار مرتبه تسبیح حضرت فاطمه زهرا صلی الله علیها را بگو اگر نتوانستی آن را صد مرتبه بگو و آن تسبیح عبارتست از اینکه بگوئی:

منزه است خدائی که صاحب عزت برده و مقامش رفیع و عالی است، و منزه است خداوندی که صاحب جلال و بزرگی عظیم می‌باشد، منزه است خداوندی که صاحب سلطنت عظیم و قدیم می‌باشد، منزه است خداوندی که صاحب

پادشاهی و بزرگی می باشد، منزّه است کسی که لباس عزّت و زیبایی پوشیده، منزّه است کسی که با نور و وقار و بردباری آرامیته و هزین گردیده، منزّه است کسی که اثر پای مور روی سنگ صاف را می بیند، منزّه است کسی که بال زدن پرندگان را در هوا می بیند، منزّه است کسی که او اینچنین بوده ولی غیرش چنین نمی باشد.

متن:

ثُمَّ صِرَ إِلَى قَبْرِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ - فَهُوَ عِنْدَ رَجُلٍ الْحُسَيْنِ ﴿ع﴾ فَإِذَا وَقَفْتَ عَلَيْهِ فَقُلْ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، وَابْنَ خَلِيفَةِ رَسُولِ اللَّهِ، وَابْنَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ مُضَاعَفَةٌ، كُلَّمَا طَلَعَتْ شَمْسٌ أَوْ غَرَبَتْ، أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي مِنْ مَذْبُوحٍ وَمَقْتُولٍ مِنْ غَيْرِ جُزْمٍ، يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي دَمُكَ الْمُرْتَقَى بِهِ إِلَى حَبِيبِ اللَّهِ، يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي مِنْ مُقَدَّمِ بَيْنِ يَدَيْ أَبِيكَ بِحَسَبِكَ وَيَتِيكَ عَلَيْكَ، مُخْتَرِقًا عَلَيْكَ قَلْبَهُ، يَرْفَعُ دَمُكَ بِكَفِّهِ إِلَى أَغْنَانِ السَّمَاءِ لَا تَرْجِعُ مِنْهُ قَطْرَةٌ، وَلَا تَسْكُنُ عَلَيْكَ مِنْ أَبِيكَ زَفْرَةٌ، وَدَعَاكَ لِلْفِرَاقِ، فَمَكَاتُكُمَا عِنْدَ اللَّهِ مَعَ آبَائِكَ الْمَاضِينَ وَمَعَ أُمَّهَاتِكَ فِي الْجَنَانِ مُنْتَعِمِينَ، أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ بِمَنْ قَتَلَكَ وَذَبَّحَكَ».

ثم انکب علی القبر و ضغ یدیک علیہ و قل:

«سَلَامُ اللَّهِ وَسَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ، عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى عِزَّتِكَ وَأَهْلِ بَيْتِكَ وَأَبَائِكَ وَبَنَاتِكَ وَأُمَّهَاتِكَ الْأَخْيَارِ الْأَبْرَارِ، الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، وَابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَابْنَ الْحُسَيْنِ
ابْنِ عَلِيٍّ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ اسْتَخَفَّ
بِحَقِّكَ وَقَتْلِكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَقِيَ مِنْهُمْ وَمَنْ مَضَى نَفْسِي فِدَاؤُكُمْ وَلَمْضَجِعِكُمْ،
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) ﴾

ترجمه:

سپس به طرف قبر علی بن الحسین بگرد، آن جناب پائین امام حسین (علیه السلام) می باشد پس وقتی مقابل قبرش ایستادی بگو:

درود بر تو ای فرزند رسول خدا و رحمت و برکات خدا بر تو باد، درود بر تو ای جانسین رسول خدا و پسر دختر رسول خدا، و رحمت و برکات خدا چند برابر بر تو باد، مادامی که خورشید طلوع کرده یا غروب می نماید درود بر تو و بر روان و بدن تو باد، پدر و مادرم فدای سر بریده و کشته ای باد که بدون گناهی او را کشتند، پدر و مادرم فدایت، خون تو بالا رفت و به نظر حبیب خدا رسید، پدر و مادرم فدای تو که در مقابل پدر شهید شده و پدرت تسلیم رضای خدا گشت و بر تو گریست، در حالی که قلب او بر تو آتش گرفت، خونت را به کف گرفت و به آسمان پاشید و قطره ای از آن به زمین برنگشت، و ناله و افغان در سوک تو از پدرت قطع نشد و آن حضرت آنی آرام نگشت، به منظور جدائی با تو وداع نمود، پس جایگاه شما دو نفر نزد خدا با پدران و گذشتگانان می باشد، و نیز همراه مادرانتان در بهشت به خوشگذرانی مشغولید، به سوی خدا بی زاری می جویم از کسی که تو را کشت و سر برید.

سپس تکیه بر قبر داده و دو دست را بر آن بگذار و بگو:

درود خدا و فرشتگان مقرب و انبیاء فرستاده و بندگان صالح بر تو ای سرور

من و فرزند سرور من، و رحمت و برکات خدا بر تو باد، رحمت فرستد خدا بر تو و بر دودمان و خاندان و پدران و فرزندان و مادران نیک و خوب تو، آنان که خداوند رجس و آلودگی را از ایشان برکنار داشت و پاکشان نمود پاک نمودنی، درود بر تو ای فرزند رسول خدا و فرزند امیرالمؤمنین و فرزند حسین بن علی، و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد، خدا لعنت کند کشته تو را، و خدا لعنت کند کسی که حق شما و کشتن شما را سبک شمرد، خدا لعنت کند باقی مانده و گذشتگان ایشان را، جانم فدای شما و فدای قبر شما باد، رحمت خدا و درود فراوانش بر شما باد.

متن:

ثم وضع خذك على القبر وقل: «صَلِّ اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ - ثلاثاً - بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي أَتَيْتُكَ زَائِراً وَاقِداً عَائِداً مَتَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي وَاخْتَطَبْتُ عَلَى ظَهْرِي، أَسْأَلُ اللَّهَ وَرَبِّي أَنْ يَجْعَلَ حَظِّي مِنْ زِيَارَتِكَ عِشْقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ - و تدعو بما احببت -».

ثم تدور من خلف الحسين عليه السلام الى عند رأسه و وصل عند رأسه ركعتين تقرأ في الأولى «الحمد» و «يس» و في الثانية «الحمد» و «الرحمن»، و ان شئت صليت خلف القبر، و عند رأسه افضل. فاذا فرغت فصل ما احببت إلا أن ركعتي الزيارة لا بد منها عند كل قبر فاذا فرغت من الصلوة فارفع يديك وقل: «اللَّهُمَّ إِنَّا أَتَيْنَاكَ مُؤْمِنِينَ بِهِ، مُسْلِمِينَ لَهُ، مُتَّصِينَ بِحَبْلِهِ عَارِفِينَ بِحَقِّهِ، مُتَّوِّقِينَ بِفَضْلِهِ، مُسْتَبْصِرِينَ بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَهُ، عَارِفِينَ بِالْمُهْدَى الَّذِي هُوَ عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَ أَشْهَدُ مَنْ خَضَرَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ، أَنِّي بِهِمْ مُؤْمِنٌ، وَأَنِّي بِمَنْ قَتَلَهُمْ كَافِرٌ،

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي مَا أَقُولُ بِلِسَانِي حَقِيقَةً فِي قَلْبِي، وَشَرِيعَةً فِي عَمَلِي، اللَّهُمَّ
 اجْعَلْنِي بِمَنْ لَمْ يَمَعِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ قَدَمٌ ثَابِتٌ، وَأَثْبَتْنِي فِي مَنْ أُسْتَشْهِدُ
 مَعَهُ، اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَكَ كُفْرًا، سُبْحَانَكَ يَا حَلِيمٌ عَمَّا يَعْمَلُ
 الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ يَا عَظِيمٌ، تَرَى عَظِيمَ الْجُزْمِ مِنْ
 عِبَادِكَ فَلَا تُعَجِّلُ عَلَيْهِمْ تَعَالَيْتَ يَا كَرِيمٌ، أَنْتَ شَاهِدٌ غَيْرُ غَائِبٍ، وَعَالِمٌ
 بِمَا أُوْتِيَ إِلَى أَهْلِ صَفْوَتِكَ وَأَجْبَانِكَ مِنَ الْأَمْرِ الَّذِي لَا تُحْمِلُهُ سَمَاءٌ وَلَا
 أَرْضٌ وَلَوْ شِئْتَ لَأَنْتَقَمْتَ مِنْهُمْ، وَلَا كَيْفَ ذُوْ أُنَاةٍ، وَقَدْ أَمَهَلْتَ الَّذِينَ
 اجْتَرَأُوا عَلَيْكَ وَعَلَى رَسُولِكَ وَحَبِيبِكَ، فَأَسْكَتَهُمْ أَرْضَكَ
 وَعَذَّبْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ، إِلَى أَجَلٍ هُمْ بِالْعُوقَةِ، وَوَقَّتْهُمْ صَائِرُونَ إِلَيْهِ،
 لِيَسْتَكْمِلُوا الْعَمَلَ الَّذِي قَدَّرْتَ، وَالْأَجَلَ الَّذِي أَجَلْتَ، لِتُخَلِّدَهُمْ فِي مَحَطٍّ
 وَوَثَاقٍ وَنَارٍ [جَهَنَّمَ] وَحَمِيمٍ وَعَسَاقِي، وَالضَّرِيعِ وَالْإِخْرَاقِي، وَالْأَعْلَالِ
 وَالْأَوْثَاقِي، وَغَسْلِينَ وَرَقُومٍ وَصَدِيدٍ، مَعَ طَوْلِ الْمَقَامِ فِي أَيَّامِ لَسْطَى وَفِي
 سَمْرِ الْغَى لَا تُثْبِتِي وَلَا تَذَرِي، وَفِي الْحَمِيمِ وَالْجَحِيمِ.

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) ﴾

ترجمه:

سپس صورت بر قبر بگذار و بگو:

خدا تو را رحمت کند ای ابا الحسن (سه مرتبه) پدر و مادرم فدایت، نزد تو
 آمدم در حالی که زائر و مسافر تو بوده و از جنایات و ستم‌هایی که بر خود کرده‌ام
 و پشتم را سنگین نموده‌ام به تو پناهنده شده‌ام، از خدا که ولی تو و ولی من است
 درخواست دارم که بهره من از زیارتت را آزادی من از آتش دوزخ قرار دهد.

بعد هر دعائی که خواستی بکن و سپس از پشت قبر حضرت امام حسین (ع)

دور بزن و خود را به نزدیک سر مبارک آن حضرت برسان و دو رکعت نماز بالای سر خوانده؛ در رکعت اول حمد و یس و در رکعت دوم حمد و الرحمن قرانت کن و اگر خواستی نماز را پشت قبر بجای آور متهی بالای سر افضل و بهتر است و پس از تمام شدن نماز هر نماز دیگری خواستی بخوان متهی دو رکعت نماز زیارت را باید نزد هر قبری بنخوانی و وقتی از خواندن نماز فارغ شدی دو دست را بلند کن و بگو:

خداوندا ما به نزد آن حضرت رسیدیم در حالی که به آن جناب ایمان داشته و تسلیمش هستیم، به رِسْمان او چنگ زده ایم، و به حَقِّش آگاهیم، به فضلش اقرار داریم، به گمراه بودن آنانکه مخالفتش را کردند اطلاع داریم، به طریق هدایتی که او بر آن است علم داریم، خداوندا تو و فرشتگان حاضرت را شاهد می گیرم که من به ایشان ایمان دارم، و به قاتلین ایشان کفر ورزیده و انکارشان می کنم، خداوندا برای آنچه به زبان می رانم در دلم حقیقت و واقعیتی، و در علم شریعتی قرار بده و ضبط کن من را در زمره آنانکه با آن حضرت شهید شدند؛ خداوندا کسانی را که نعمت ایمان را به کفر تبدیل کردند لعنت کن، منزهی تو ای حلیم و بردبار از آنچه ستمکاران در زمین مرتکب می شوند؛ با برکت و بلند مرتبه ای ای بزرگ، بزرگی گناه را از بندگانت می بینی ولی در نآدیشان شتاب نمی کنی، بلند مرتبه ای ای با کرامت، تو شاهدهی غیر غالب، و آگاهی به آنچه نسبت به برگزیدگان و دوستانت انجام شده اعمال و افعالی که لطمات و صدمات ناشی از آنها را نه آسمان و نه زمین نمی توانند تحمل کنند؛ و اگر بخواهی از ایشان (فاعلین و عاملین ظلم) انتقام خواهی گرفت، ولی تو مهلت دهنده ای، به کسانی که بر تو و بر رسول و حبیب جرنت نموده و ستم کرده اند مهلت داده ای، ایشان را در زمین خود ساکن گرداننده ای و بواسطه نعمت های پرورششان داده ای، و این مهلت هست تا زمانی که ایشان به آن رسیده، و تا هنگامی که به آن منتقل شده، تا بدین وسیله عملی را که تقدیر نموده ای کاملاً انجام داده و زمانی

را که معین کرده‌ای فرا برسد، آن گاه ایشان را در طبقات پائین و در زیر زنجیرهای آتشی در آتش دوزخ مخلد نمائی، و نیز آنها را در آب داغ و مایعی متعفن که از چرک و عرق اهل دوزخ جاری است غرقشان کنی، و نیز آنها در مکانی که ضریح (گیاهی است که دارای تیغ‌های بسیار بلند است) در آن روئیده، و همراه آن دائم زبانه آتش شعله‌ور است گرفتار نمائی، و در زیر زنجیرها و ریسمانهای آتش محبوس کرده، و از عرق و زرد آبی که از گوشت بدن اهل دوزخ جریان دارد و نیز از زقوم جهنم به آنها بخورانی، در حالی که اقامتشان در دوزخ طولانی و همراه با شعله‌ور بودن آتش سخت جهنم می‌باشد، در جهنمی که شراره‌های آن از دوزخیان هیچ باقی نگذارده و تمام را سوزانده و محو نماید، و در آبی داغ و جهنمی سوزان جایشان دهی.



من:

ثُمَّ تَنْكَبُ عَلَى الْقَبْرِ وَ تَقُولُ: «يَا سَيِّدِي أَتَيْتُكَ زَائِرًا مُوقِرًا مِنْ الدُّنُوبِ، أَتَقَرَّبُ إِلَى رَبِّي بِسُوقُودِي إِلَيْكَ، وَبُكَائِي عَلَيْكَ، وَعَوِيلِي وَخَسْرَتِي وَأَسْنِي وَبُكَائِي وَمَا أَخَافُ عَلَى نَفْسِي رَجَاءً أَنْ تَكُونَ لِي حِجَابًا وَ سَدًّا وَكُهْفًا وَحِرْزًا وَشَافِعًا وَرِقَايَةً مِنَ النَّارِ غَدًا، وَأَنَا مِنْ مَرَالِيكُمْ الَّذِينَ أَعَادَى عَدُوَّكُمْ وَأُوَالَى وَلِيِّكُمْ، عَلَى ذَلِكَ أَحْيَا وَعَلَيْهِ أَمُوتُ، وَعَلَيْهِ أُبْعَثُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، وَقَدْ أَشْخَصْتُ بَدَنِي وَوَدَّعْتُ أَهْلِي وَتَعَدَّدْتُ شُقَّتِي، وَأَوْمَلُ فِي قُرْبِكُمْ التَّجَاهَةَ، وَأَرْجُو فِي إِيَابِكُمْ الْكِرَّةَ، وَأَطْمَعُ فِي النَّظَرِ إِلَيْكُمْ وَإِلَى مَكَانِكُمْ غَدًا فِي جَنَّاتِ رَبِّي مَعَ آبَائِكُمُ الْمَاضِينَ».

و تقول: «یا ابا عبد الله یا حسین، ابن رسول الله، جنتک مشتشفعا بک إلى الله، اللهم انی استشفع الیک بولد حبیبک، وباللائکة الذین

يَضْجُونَ عَلَيْهِ وَيَبْكُونَ وَيَضْرَحُونَ، لَا يَفْتَرُونَ وَلَا يَسْأَمُونَ وَهُمْ مِنْ
خَشِيَّتِكَ مُشْفِقُونَ، وَمِنْ عَذَابِكَ حَذِرُونَ، لَا تُغَيِّرُهُمُ الْأَيَّامُ، وَلَا
يَنْهَزُهُمْ مِنْ نَوَاحِي الْحَيْرِ يَشْهَقُونَ، وَسَيِّدُهُمْ يَرَى مَا يَصْنَعُونَ، وَمَا فِيهِ
يَسْتَلْبُونَ، قَدِ انْهَمَلَتْ مِنْهُمْ الْعُيُونُ فَلَا تَرَقُّ، وَاشْتَدَّ مِنْهُمْ الْحُزْنُ بِحُرْقَةٍ لَا
تُطْفَأُ».

ثم ترفع يديك و تقول:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مَسْئَلَةَ الْمِسْكِينِ، الْمَسْكِينِ الْغَلِيلِ الذَّلِيلِ الَّذِي
لَمْ يُرِدْ بِمَسْئَلَتِهِ غَيْرَكَ، فَإِن لَمْ تُذِرْكُهُ رَحْمَتَكَ عَطِبَ، أَسْأَلُكَ أَنْ
تُدَارِكَنِي بِلُطْفٍ مِنْكَ وَأَنْتَ الَّذِي لَا تُخَيِّبُ سَائِلَكَ، وَتُغْطِي الْمُغْفِرَةَ وَتَغْفِرُ
الذُّنُوبَ، فَلَا أَكُونُ أَهْوَنَ خَلْقِكَ، وَلَا أَكُونُ أَهْوَنَ مَنْ وَقَدَ إِلَيْكَ بِابْنِ
حَبِيبِكَ، فَإِنِّي أَمَلْتُ وَرَجَوْتُ، وَطَبِعْتُ وَزُرْتُ وَاعْتَرَبْتُ، رَجَاءً لَكَ أَنْ
تُكَافِئَنِي إِذْ أَخْرَجْتَنِي مِنْ رَحْلِي، فَأَذِنْتَ لِي بِالسَّيْرِ إِلَى هَذَا الْمَكَانِ رَحْمَةً
مِنْكَ، وَتَفَضُّلاً مِنْكَ، يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام ﴾

ترجمه:

سپس تکیه بر قبر داده و بگو:

ای سرور من به نزد تو آمدم در حالی که زائر تو هستم و پشته باری از گناه را
می‌کشم، سفر خود به سوی تو را وسیله قرار دادم که به پروردگارم نزدیک شوم،
و نیز به واسطه گریستن بر تو و با صدای بلند زاری نمودن و حسرت و تأسف
خوردن و گریه کردن بر حال خویش به خدا تقرب می‌جویم، بر خود خوف
و هراسی نداشته زیرا امیدوارم که تو برای من حجاب و تکیه گاه و پناهگاه،

و جایگاه امن و نگاه دارنده از آتش دورخ بوده و در فردای قیامت حافظ من از جهنم باشی، و من از دوستان شما هستم آنان که با دشمنانتان دشمن و با دوستانتان دوست هستند، بر این طریق زنده بوده و بر آن خواهم مُرد، و انشاءالله بر آن مبعوث شده و پس از مردن زنده خواهم شد، همانا بدن و جسم خویش را به تعب انداخته و با اهل خود وداع نموده و سفرم به درازا کشیده، و در قرب و جوار شما آرزوی نجات دارم، و در آمدن به محضر شما امیدوارم که در زمان رجعت باز گردم و در نظر کردن بر شما و به مکانتان طمع دارم که در فردای قیامت با پدران و سلف گذشته شما در بهشت باشم.

و سپس بگو:

ای ابا عبدالله، ای حسین فرزند رسول خدا، نزد تو آمدم در حالی که شما را شفیع بین خود و خدا قرار دادم، بار خدایا من فرزند حبیب را شفیع خود بسوی تو قرار دادم، و فرشتگان را نیز شفیع خویش نمودم، فرشتگانی که: بر آن حضرت ضجه زده و ناله نموده و گریسته و فریاد می کنند، و از زاری و گریستن سستی به آنها راه نیافته و از آن بدحال نشده و از ترس تو بیمناک و هراسان هستند، و از عذاب تو برحذر می باشند، گذشت ایام آنها را تغییر نداده، و در حالی که پیوسته جیق می زنند از اطراف حَیْر (حرم سید الشهداء علیه السلام) دور نمی شوند، و سرور و آقای ایشان عمل و حرکت آنها را می بیند، لاینقطع چشمهایشان انسک ریخته و خشک نمی گردد حزن ایشان شدت پیدا کرده و سوزش و گرمی آن افزون شده و هرگز آرام و خاموش نمی شود.

سپس در دست خود را بلند کن و بگو:

خدایا از تو درخواست می کنم درخواست شخص بی چیز و ذلیل را، درخواست شخص علیل و خواری را که با درخواستش غیر تو را قصد نمی کند، پس اگر رحمت تو شامل حالش نشود هلاک می گردد، از تو درخواست می کنم که لطف خود را شامل حالم بنمائی، تو کسی هستی که سائل را ناامید نمی کنی،

مغفرت را شامل بندگان کرده و از گناهان می‌گذری، ای سرور من نیستم
 صبورترین و نرم‌ترین خلق تو بر تو، و نیستی نرم‌ترین کسی که پسر حبیبیت را به
 درگاهت واسطه آورده باشم، من آروز و امید دارم؛ طمع داشته و به زیارت آمده
 و وطن را ترک کرده‌ام، امید به تو دارم که در مقابل جبران می‌کنی زیرا من را از
 منزل بیرون آورده، پس اذن دادی که به این مکان بیایم و این رحمتی است از تو،
 و تفضلی است از جانب تو به من ای بخشنده مهربان.

متن:

وَاجْتَمِدْ فِي الدَّعَاءِ مَا قَدَرْتَ عَلَيْهِ، وَ أَكْثَرِ مِنْهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، ثُمَّ تَخْرُجُ
 مِنَ السَّقِيْفَةِ وَ تَقِفُ بِحِذَاءِ قُبُورِ الشُّهَدَاءِ وَ تَوَمَّى إِلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَ تَقُولُ:
 «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ
 مِنْ أَهْلِ دِيَارِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا صَبْرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ،
 السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ اللَّهِ وَأَنْصَارَ
 رَسُولِهِ، وَأَنْصَارَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَنْصَارَ ابْنِ رَسُولِهِ وَأَنْصَارَ دِينِهِ،
 أَشْهَدُ أَنْكُمْ أَنْصَارُ اللَّهِ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ
 رِيسُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا
 وَمَا اسْتَكَابُوا»، فَمَا ضَعُفْتُمْ وَمَا اسْتَكَبْتُمْ حَتَّى لَقِيْتُمْ اللَّهَ عَلَى سَبِيلِ الْحَقِّ،
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَزْوَاجِكُمْ وَأَبْدَانِكُمْ وَأَحْسَادِكُمْ، أَبَشِّرُوا بِمَوْعِدِ
 اللَّهِ الَّذِي لَا خُلْفَ لَهُ وَلَا تَبْدِيلَ، إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ وَعْدَهُ، وَاللَّهُ مُدْرِكُ
 بِكُمْ ثَأْرَمَا وَعَدَّكُمْ، أَنْتُمْ خَاصَّةُ اللَّهِ اخْتَصَّكُمْ اللَّهُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنْتُمْ
 الشُّهَدَاءُ، وَأَنْتُمْ السُّعْدَاءُ سَعِدْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ، وَفَزْتُمْ بِالدَّرَجَاتِ مِنْ جَنَّاتِ
 لَا يَطْعَنُ أَهْلُهَا وَلَا يُهْرَمُونَ، وَرَضُوا بِالْقَامِ فِي دَارِ السَّلَامِ، مَعَ مَنْ

نَصَرْتُمْ، جَزَاكُمْ اللَّهُ خَيْرًا مِنْ أَغْوَانٍ جَزَاءَ مَنْ صَبَرَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَتَجَزَّ اللَّهُ مَا وَعَدَكُمْ مِنَ الْكَرَامَةِ فِي جَوَارِهِ وَدَارِهِ مَعَ
 النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَقَائِدِ الْفِرِّ الْمُهَجَّلِينَ، أَسْأَلُ اللَّهَ
 الَّذِي حَمَلَنِي إِلَيْكُمْ حَتَّى أَرَانِي مَصَارِعَكُمْ أَنْ يُرِيَّتِيكُمْ عَلَى الْحَوْضِ رَوَاءَ
 مَرْوِيِّينَ، وَيُرِيَّتِي أَعْدَائَكُمْ فِي أَشْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، فَإِنَّهُمْ قَتَلُوكُمْ
 ظُلْمًا وَأَرَادُوا إِمَاتَةَ الْحَقِّ، وَسَلَبُوكُمْ لِابْنِ سُمَيَّةَ وَابْنَ آكِسَةَ الْأَنْسَابِ،
 فَأَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُرِيَّتِيهِمْ ظِمَاءَ مُظْمَئِينَ مُسَلَّسِينَ مُغْلَلِينَ يُسَاقُونَ إِلَى
 الْجَحِيمِ، أَلَسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ اللَّهِ وَأَنْصَارَ ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ مِنْ مَآ
 بَقِيَتْ (وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ)، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَائِمًا إِذَا قُنِيَتْ وَبَلِيَتْ، هَلَقَ
 عَلَيْكُمْ أَيُّ مُصِيبَةٍ أَصَابَتْ كُلَّ مَوْلَى يَلْمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، لَقَدْ عَظُمَتْ
 وَخُصَّتْ وَجَلَّتْ وَعَمَّتْ مُصِيبَتُكُمْ، أَنَا بِكُمْ لَجَزَعٌ، وَأَنَا بِكُمْ لَمَوْجِعٌ
 مَحْزُونٌ، وَأَنَا بِكُمْ لِمُصَابٍ مَلْهُوفٌ، هَنِيئًا لَكُمْ مَا أُعْطِيْتُمْ، وَهَنِيئًا لَكُمْ مَا
 بِهِ حَيِّتُمْ، فَلَقَدْ بَكَتْكُمْ الْمَلَائِكَةُ وَحَفَّتْكُمْ وَسَكَتْ مُعَسِّرُكُمْ، وَحَلَّتْ
 مَصَارِعَكُمْ، وَقَدَّسَتْ وَصَفَّتْ بِأَجْنَحَتِهَا عَلَيْكُمْ، لَيْسَ لَهَا عَنْكُمْ فِرَاقٌ إِلَى
 يَوْمِ التَّلَاقِ، وَيَوْمَ الْمُحْشَرِ وَيَوْمَ الْمُنْشَرِ طَافَتْ عَلَيْكُمْ رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ،
 وَبَلَّغْتُمْ بِهَا شَرَفَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، أَتَيْتُكُمْ شَوْقًا، وَزُرْتُكُمْ خَوْفًا، أَسْأَلُ
 اللَّهَ أَنْ يُرِيَّتِيكُمْ عَلَى الْحَوْضِ وَفِي الْجَنَانِ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ،
 وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسَنَ أَوْلِيَاكُمْ رَفِيئًا.

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام ﴾

ترجمه:

و در خواندن دعاء بقدری که قدرت داری سعی کن و زیاد بخوان سپس از آن محوطه سر پوشیده بیرون بیا و در مقابل نبور شهداء بایست و در حالی که به تمامشان اشاره می کنی بگو:

درود بر شما و رحمت خدا و برکاتش بر شما، درود بر شما ای اهل گورها که از دیار اهل ایمان می باشید، درود بر شما بواسطه صبر و بردباری که نمودید پس خورشاه به پایان زندگی دنیای شما، درود بر شما ای دوستان خدا، درود بر شما ای یاران خدا و یاران رسول خدا و یاران امیر المؤمنین، و یاران فرزند رسول خدا و یاران دین خدا، شهادت می دهم که شما یاران خدا هستید همان طوری که خداوند عزوجل فرمود:

وَكَايُنَ مِنْ نَبِيٍّ قَاتِلَ مَعَهُ رِيثُونَ كَثِيرٌ لَمَا وَهَرُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا، پس شما ضعیف و ناتوان نشدید، تا خدا را بطریق حق که داشتید ملاقات نمودید، رحمت فرستد خدا بر شما و بر روان و بر بدن و جسد های شما، بشارت باد شما را به وعده ای که خدا داده و تخلف و تبدیل در آن نمی باشد، چه آنکه حقتعالی خُلف وعده نخواهد نمود، و خدا به سبب شما تقاص خونی را که وعده داده خواهد نمود، شما برگزیده های خدا هستید، که اختصاصتان داد به حضرت امیر عبد الله علیه السلام، شما شهیدان و سعادتمندانی هستید که نزد خدا به سعادت نائل شدید و رسیدید به درجات عالی بهشت «که اهل آن هرگز از آن کوچ نکرده و پیر و فرسوده نمی شوند، و خشنودند به اقامه نمودن در دار السلام» در حالی که با کسی هستید که نصرتش نمودید، خدا به شما یاران و اعوان پاداش خیر دهد پاداش کسانی را که با رسول خدا صلی الله علیه و آله صبر نمودند، خداوند وفا کرد به آنچه وعده به شما نمود و کرامت در جوارش و سکونت در

خانه‌اش با انبیاء و مرسلین و امیرالمؤمنین علیه السلام را که رهبر گروه و امینی است که دست و پا و رویشان سفید و درخشان می‌باشد نصیب نمرد، درخواست می‌کنم از خدائی که من را بسوی شما واداشت و رهسپار نمود و مصارع و مقتل شما را به من نشان داد اینکه نشان دهد به من شما را بر حوض کوثر در حالی که سیراب می‌باشید، و نشان دهد دشمنان شما را در پائین‌ترین درکات جهنم، زیرا ایشان شما را ظالمانه کشتند و قصدشان از این فعل شنیع از بین بردن حق بود، و جامه‌های شما را از تن درآورده و برای فرزند سمیه و پسر خورنده جگرها بردند، پس از خدا درخواست می‌کنم اینکه ایشان را بمن نشان بدهد در حالی که سخت تشنه بوده و به زنجیر و غل کشیده شده باشند، و بطرف جهنم آنها را بکشانند، درود بر شما دانمأ هنگامی که فانی و پوسیده شده باشم، حسرت و افسوس می‌خورم بر شما، چه مصیبتی بر هر یک از نزدیکان و خویشان محمد و آل محمد وارد شد!

مرکز تحقیق و پژوهش اسلامی

هرآینه بزرگ و اختصاص و گسترده می‌باشد مصیبت شما، من برای شما جزع و ناله می‌کنم، و بخاطر شما دردمند و محزونم، و بواسطه مصیبت‌های وارده بر شما مصیبت زده و در حیرتم، گوارا باد شما را آنچه داده شده‌اید، و گوارا باد بر شما آنچه به آن تحیت گفته شده‌اید، همانا فرشتگان بر شما گریسته و اطراف شما را گرفته و در لشکرگاه شما سکونت اختیار کرده، و در قتلگاه شما فرود آمده، و تقدیستان نموده و بالهایشان را بر شما گسترده‌اند، ایشان تا روز قیامت از شما جدا نخواهند شد، و در روز حشر و نشر بر گرد شما طواف کرده و دور می‌زنند و این رحمتی است از جانب حق تعالی، و شما به واسطه این رحمت به شرف دنیا و آخرت رسیده‌اید، نزد شما آمدم با شوق و زیارت‌تان کردم با خوف و هراس، از خدا می‌خواهم که شما را در حوض کوثر به من نشان دهد و در بهشت با انبیاء و مرسلین و شهداء و صالحین باشید، و نیکی رفیقانی هستند ایشان.

متن:

ثم در فی الحائر و انت تقول:

« يا من اليه وفدت، و اليه خرجت، و به استجرت، و اليه قصدت،
و اليه باين نبيه تقربت، صل على و آل محمد محمد، و من على بالجنة،
و فك رقتي من النار، اللهم ارحم عرقتي و بعد اري، و ارحم مسيري
اليك و ابي ابن حبيبك و اقلبي مفلحاً مفلحاً قد قبلت مغذرتي و خضوعي
و خشوعي عند امامي سيدي و مولاي، و ارحم صرختي و بكائي و هني
و جزعي و خشوعي و حزني، و ما قد باشر قلبي من الجزع عليه، في نعمتك على
و بلطفك لي خرجت اليه، و بتقويتك ايتاي، و صرفك المحذور عني
و كلاتيك بالليل و النهار لي، و بحفظك و كرامتك ايتاي، و كل بخر قطعته
و كل واد و فلاة و سلكتها، و كل منزل نزلتني، فانت حملتني في البر و البحر،
و انت الذي بلغتني و وفقتني و كفيتني، و بفضل منك و وقاية بلغتني، و كانت
المنة لك على في ذلك كله، و اقرى مكتوب عندك و اسمي و شخصي،
فلك الحمد على ما ابلتني و اضطعت عندي، اللهم فارحم فرقي منك،
و مقام بين يديك و تملق و اقبل مني تواسلي اليك باين حبيبك،
و صفوتك و خيرتك من خلقك و توجهي اليك، و اقلني عترتي، و اقبل
عظيم ما سلف مني، و لا يمنعك ما تعلم مني من العيوب و الذنوب
و الاشراف على نفسي، و ان كنت لي ما تقا فارض عني، و ان كنت على، ساخطاً
فنب على انك على كل شيء قدير، اللهم اغفر لي و لوالدي و ارحمهما كما
رحماني صغيراً و اجزها عني خيراً، اللهم اجزها بالاحسان احساناً
و بالسيتات عفواناً، اللهم ادخلها الجنة برحمتك، و حرّم و جوهها عن

عَذَابِكَ، وَبَرِّدْ عَلَيْهَا مَضَاجِعُهَا، وَأَسْحَ لَهَا فِي قَبْرِهَا، وَعَرِّفْنِيهَا
فِي مُسْتَقَرِّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَجَوَارِحِيكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
وَسَلِّمْ».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) ﴾

ترجمه:

سپس به دور حائری بگرد در حالی که می گویی:

ای کسی که به سوی سفر کرده‌ام و به جانبش از شهر خود خارج گشته‌ام
و به او پناه آورده‌ام و به طرفش عزم نموده‌ام، و به سوی به واسطه پسر پیامبرش
تقریب جستهم، درود بفرست بر محمد و آل محمد با داخل نمودن من به بهشت
منت بر من بگذار و از آتش جهنم رهایم نما، بار خدایا به غربت و دور بودن
منزلم ترحم فرما، و به واسطه سیر و سفر کردنم به سوی تو و پسر حبیب من را
مورد مهربانی و ترحم خویش قرار بده، من را رستگار و سعادتمند بگردان، عذر
من را پذیرفتی و تواضع و فروتنی من نزد امام و سرور و آقایم را مورد قبول قرار
بده، به فریاد و گریه و حزن و افغان و تضرع و اندوهم رحم کن، و نیز به جرع
و بی تابی قلبم ترحم فرما، من به واسطه نعمتی که نصیب نموده و لطفی که در
حکم رواداشتی به سوی تو از منزلم خارج شده‌ام، و نیز سفرم به سوی تو مرهون
تقوی است که تو من را نموده و به من قدرت داده‌ای، و موانع و مشکلات را از
من دور کرده‌ای و در شب و روز حفظم کرده‌ای و مورد کرامت قرارم داده‌ای،
و هر دیاری را که طی کرده و هر بیابان و خشکی را که پیمودم و هر منزلی را که
فرود آمده‌ام به واسطه عنایت و لطف تو بوده، تو من را در خشکی و بیابان و آب
و دریا رهبری کردی، و تو من را به مقصد رسانده و توفیق داده و اسباب را در
اختیارم نهادی و کفایتم کردی و به واسطه فضل تو و حفاظت از من به مقصد

خود رسیدم و در تمام این عنایات و الطاف منت تو بر من ثابت است و فعل و اسم و شخص من نزد تو مکتوب و مضبوط می‌باشد، پس حمد و سپاس تو را است بر نعمتهائی که به من داده و بدین ترتیب من را آزمودی و مورد احسان و کرامت قرار دادی، بار خدایا به دوری من از تو و مرتبه‌ام نزدت و چرب زبانیم رحم فرما، متوسل شدیم را به خود به واسطه فرزند حبیب و اختیار شده و برگزیده‌ات از خلق بپذیر، خداوند! روی نمودن و توجهم به خودت را قبول نما، خدایا لغزش‌هایم را عفو نما، گناهان بزرگ را که در گذشته از من سرزده بیخس، و عیوب و گناهان و ستم‌هایی که به خود کرده‌ام و تو از آنها آگاهی مانع آمرزش تو نشوند، و اگر از قبایح من در غضب هستی از من راضی شو، و اگر بر من خشمگین هستی توبه‌ام را قبول کن و از من درگذر، همانا تو بر هر چیز قادر هستی، خداوند! من و پدر و مادرم را بیامرز، و به ایشان ترحم فرما همانطوری که ایشان در طفولیت و کودکی به من ترحم کرده و تربیت نمودند و از طرف من به ایشان پاداش نیک عطاء فرما، خداوند! بواسطه احسانشان به من، تو نیز به ایشان پاداش بده و به آنها احسان نما در مقابل بدی‌هایشان آنها را بیامرز، خداوند! به واسطه رحمت و اسهات ایشان را به بهشت داخل کن و صورتشان را از مقابل شدن با عذابت بر حذر دار و خنک و خوش نما خوابگاهشان را و در قبرشان وسعت بده و به من نشان بده که ایشان را در رحمت مستقر فرموده‌ای و در جوار حبیبیت حضرت محمد صلی الله علیه و آله قرار داده‌ای.

﴿ الباب الثمانون ﴾

﴿ كيف الصلاة عند قبر الحسين عليه السلام ﴾

متن:

۱- حدیثی است از ابی - رحمه الله - و جماعة مشایخی عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن خالد البرقی، و حدیثی محمد بن عبدالله، عن ابيه عبدالله بن جعفر الحمیری، عن ابی عبدالله البرقی، عن جعفر بن ناجیه، عن ابی عبدالله عليه السلام «قال: ضلّ عند رأس قبر الحسين عليه السلام».



﴿ باب هشتادم ﴾

﴿ کیفیت خواندن نماز نزدیک قبر حضرت امام حسین عليه السلام ﴾

ترجمه:

﴿ حدیث اول ﴾

پدرم رحمه الله عليه و جماعتی از اساتیدم، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن خالد برقی و محمد بن عبدالله، از پدرش عبدالله بن جعفر حمیری، از ابی عبدالله برقی، از جعفر بن ناجیه، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام، حضرت فرمودند:

نزد سر قبر حضرت امام حسین عليه السلام نماز بگذار.

متن:

۲- و حدیثی است از ابی - رحمه الله - و علی بن الحسین؛ و جماعة مشایخی، عن سعد بن عبدالله، عن موسى بن عمر؛ و ایوب بن نوح، عن عبدالله بن

المغیره، عن ابی الیسع «قال: سأل رجلُ ابا عبدالله علیه السلام - و أنا اسمع - قال: إذا أتیت قبر الحسين علیه السلام أجمعه قبلة اذا صلیتُ؟ قال: تَنَحَّ هكذا ناحیة».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه و علی بن الحسن، و جماعتی از اسانیدم، از سعد بن عبدالله، از موسی بن عمر و ایوب بن نوح از عبدالله بن مغیره، از ابی الیسع، وی می گوید:

شخصی از حضرت ابا عبدالله علیه السلام سزاں کرد و من می شنیدم، وی عرض کرد: هرگاه به زیارت قبر امام حسین علیه السلام رفتم هنگام نماز آیا قبر را قبله و مقابل خود قرار بدهم؟

حضرت فرمودند:

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

از قبر فاصله بگیر و دور شو.

معن:

۳ - حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ، عَنْ يَزِيدَ بْنِ إِسْحَاقَ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَطِيَّةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام «قال: إذا فرغت من التسليم على الشهداءِ أنتَ قبر الحسين علیه السلام، ثمَّ تجعله بين يديك ثمَّ تصلّى ما بدالك».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

علی بن الحسین رحمة الله علیه، از علی بن ابراهیم، از پدرش، از ابن ابی نجران، از یزید بن اسحاق، از حسن بن عطیة، از ابی عبدالله علیه السلام، حضرت

فرمودند:

هرگاه از سلام دادن به شهداء فارغ شدی به نزد قبر حضرت امام حسین علیه السلام برو و آن را در مقابل خرد قرار بده سپس هرچه خواستی نماز بخوان.

متن:

۴ - و عنه، عن علی بن ابراهیم، عن ایبه، عن ابن فضال، عن علی بن عقبه، عن عبیدالله بن علی الحلبي، عن أبي عبد الله علیه السلام. «قال: قلت: أنا نزور قبر الحسين علیه السلام فكيف نُصلي عنده؟ قال: تقوم خلفه عنده كتفيه، ثم تصلي على النبي صلی الله علیه و آله و تصلي على الحسين علیه السلام».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

علی بن الحسین، از علی بن ابراهیم، از ایبه، از ابن فضال، از علی بن عقبه، از عبیدالله بن علی حلبي، از حضرت ابي عبد الله علیه السلام، و می گوید: محضر امام علیه السلام عرض کردم:

ما به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام می رویم چگونه در آنجا نماز بخوانیم؟

حضرت فرمودند:

پشت قبر نزد دو کتف و شانه های آن حضرت بایست سپس بر پیامبر صلی الله علیه و آله و امام حسین علیه السلام نماز بگذار.

متن:

۵ - حدیثی محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسين، عن أيوب بن نوح و غيره، عن عبد الله بن المغيرة قال: حدثنا أبو اليسع «قال: سئل رجل

أبا عبد الله عليه السلام - وَ أَنَا أَسْمَعُ - عَنِ الْفُضْلِ إِذَا أُتِيَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام، قَالَ: اجْعَلْهُ قِبْلَةً إِذَا صَلَّيْتَ؟ قَالَ: تَنَحَّ هَكَذَا نَاحِيَةَ، قَالَ: أَخَذَ مِنْ طِينِ قَبْرِهِ وَ يَكُونُ عِنْدِي أَطْلُبُ بَرَكَتَهُ؟ قَالَ: نَعَمْ - أَوْ قَالَ: لَا بَأْسَ بِذَلِكَ -».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از ایوب بن نوح، و غیرش از عبدالله بن مغیره، وی گفت:

ابوالیسع برای ما نقل نمود و گفت:

من می شنیدم که شخصی از حضرت ابا عبدالله علیه السلام راجع به غسل زیارت

حضرت ابا عبدالله علیه السلام پرسید و بعد عرضه داشت:

وقتی نماز می گذارم آیا قبر آن حضرت را قبله قرار بدهم؟

حضرت فرمودند:

از قبر دور شو و در ناحیه دیگر نماز بخوان.

عرض کرد: از گلی قبر بردارم و به عنوان برکت نگه دارم؟

حضرت فرمودند:

بلی یا فرمودند: اشکالی ندارد.

متن:

۶ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَادِ الْبَصْرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ قَالَ حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «أَنَّ آتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ هَلْ يُزَارُ وَالِدُكَ؟ قَالَ: فَقَالَ:

نعم، و یصلی عنده، و قال: یصلی خلفه و لا یتقدم».

ترجمه: ﴿ حدیث ششم ﴾

محمد بن عبدالله بن جعفر از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم وی گفت: هشام بن سالم برایم نقل کرد که شخصی محضر مبارک امام صادق علیه السلام مشرف شد و به آن جناب عرض کرد:

ای پر رسول خدا آیا پدر شما زیارت شود؟
حضرت فرمودند:

بلی و نزد قبرش نماز نیز خوانده شود.

و حضرت افزودند:

نماز پشت قبر خوانده شود و نباید بر آن تقدم جویند.
مترجم گوید:

مقصود اینست که جلو قبر و مقدم بر امام علیه السلام نباید نماز خواند.

﴿ الباب الحادی و الثمانون ﴾

﴿ التّصیر فی الفریضة و الرّخصة و التطوع ﴾

﴿ عنده و جمیع المشاهد ﴾

متن:

۱ - حدیثی ابی؛ و محمد بن الحسن، عن الحسین بن الحسن بن ابان، عن الحسین بن سعید، عن القاسم بن محمد الجوهري، عن علی بن ابی حمزة «قال: سألت العبد الصّالح، عن زیارة قبر الحسین بن علی علیه السلام،

فقال: ما أحب لك تركه، قلت: ما ترى في الصلاة عنده و أنا مقصر؟ قال: صل في المسجد الحرام ما شئت تطرّعاً، و في مسجد الرسول ما شئت تطرّعاً، و عند قبر الحسين عليه السلام، فأني أحب ذلك، قال: و سألته عن الصلاة بالنهار عند قبر الحسين عليه السلام تطرّعاً، فقال: نعم».

﴿ باب هشاد و یکم ﴾

﴿ فصر شدن نماز واجب و رخصت در خواندن نماز مستحیی ﴾

﴿ در حائر و تمام شاهد مشرفه ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن الحسن، از حسین بن الحسن بن ابان، از حسین بن سعید، از قاسم بن محمد جوهری، از علی بن ابی حمزة نقل کرده که وی گفت: راجع به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام از عبد صالح رضی الله عنه پرسیدم؟

حضرت فرمودند:

دوست ندارم آن را ترک کنی.

عرض کردم: چه می فرمائید راجع به نماز خواندنم در آنجا و حال آنکه نمازم

شکسته و قصر می باشد؟

حضرت فرمودند:

در مسجد الحرام و در مسجد الرسول و نزد قبر حضرت امام حسین علیه السلام آنچه

نماز مستحیی خواستی بخوان و من آن را دوست می دارم.

وی می گوید: از آن حضرت پرسیدم: آیا نزد قبر حضرت امام حسین علیه السلام در

روز نماز مستحیی بخوانم؟

حضرت فرمودند: بلی.

متن:

۲- حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْمَوْسَوِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ نَهْيِكَ، عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام «قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ التَّطَوُّعِ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَبِكَلَّةٍ وَ الْمَدِينَةِ وَ أَنَا مُقَصِّرٌ، قَالَ: تَطَوُّعٌ عِنْدَهُ، وَ أَنْتَ مُقَصِّرٌ مَا شِئْتَ، وَ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ فِي الْمَسْجِدِ الرَّسُولِ وَ فِي مَشَاهِدِ النَّبِيِّ عليه السلام فَإِنَّهُ خَيْرٌ».

﴿ حدیث دوم ﴾

متن:

جعفر بن محمد بن ابراهیم موسوی، از عبیدالله بن نهیک، از ابن ابی عمیر، از حضرت ابی الحسن علیه السلام، وی می گویند: از آن جناب پرسیدم: در وقتی که مسافر بوده و نمازهایم را شکسته می خوانم آیا در جوار قبر امام حسین علیه السلام و مکه و مدینه می توانم نماز مستحبی بخوانم؟ حضرت فرمودند:

در جوار قبر امام حسین علیه السلام و در مسجد الحرام و مسجد الرسول و در مشاهدالنبی علیهم السلام آنچه نماز مستحبی خواستی بخوان زیرا آن عمل خیر و پسندیده ای می باشد.

متن:

حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ ابْنِ هَاشِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ؛ وَ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ جَمِيعاً، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام مِثْلَهُ.
حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ -، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمِ الْخَثْعَمِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ

عبدالحمید، عن ابی الحسن علیه السلام مثله.

ترجمه:

علی بن الحسین، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از ابن ابی عمیر و ابراهیم بن عبدالحمید جملگی از حضرت ابی الحسن علیه السلام مثل همین حدیث را نقل کرده‌اند.

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبدالله، از حسن بن موسی الخشاب، از جعفر بن محمد بن حکیم خشمی، از ابراهیم بن عبدالحمید، از حضرت ابی الحسن علیه السلام مثل همین حدیث را روایت کرده‌اند.



متن:

۳ - حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ الْكَسَائِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ فَضَّالٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ مِصْدُقِ بْنِ صَدَقَةَ، عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى السَّابِاطِيِّ «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ الصَّلَاةِ فِي الْحَائِرِ، قَالَ: لَيْسَ الصَّلَاةُ إِلَّا الْفَرَضُ بِالتَّقْصِيرِ، وَ لَا تَصَلِّي التَّوَافِلَ».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

علی بن محمد بن یعقوب کسائی می‌گوید:

علی بن الحسن بن فضال، از عمرو بن سعید، از مصدق بن صدقه، از عمار بن موسی ساباطی نقل کرده که وی گفت: از حضرت ابا عبدالله علیه السلام راجع به خواندن نماز در حائر سؤال کردم؟

حضرت فرمودند:

نماز فریضه را باید صرفاً در آنجا شکسته بخوانی و نوافل را هم بجا نیاوری.

متن:

۴ - حدیثی است از ابی - رحمة الله - عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد بن محمد بن عیسی، عن علی بن اسماعیل، عن صفوان بن یحیی، عن اسحاق بن عمار، عن ابی الحسن علیه السلام «قال: سألته عن التطوع عند قبر الحسين علیه السلام و مشاهد النبی صلی الله علیه و آله، و الحرمین، و التطوع فیهن بالصلاة و نحن مقصرون، قال نعم تطوع ما قدرت علیه، هو خیر».

ترجمه:

﴿ حدیث چهارم ﴾

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن محمد بن عیسی، از علی بن اسماعیل، از صفوان بن یحیی، از اسحاق بن عمار، از حضرت ابی الحسن علیه السلام، نقل کرده، وی گفت:
از امام علیه السلام راجع به خواندن نماز مستحبی کنار قبر حضرت امام حسین و مشاهد نبی صلی الله علیه و آله و حرمین در حالی که مسافر بوده و نمازهای واجب را شکسته می خوانیم! سؤال کردم؟
حضرت فرمودند:

بلی، نماز مستحبی آنچه قدرت داری بخوان زیرا آن عمل نیک و پسندیده می باشد.

متن:

۵ - حدیثی است از محمد بن الحسن بن احمد بن الولید، عن محمد بن ابی الحسن الصفار، عن محمد بن الحسين بن ابی الخطاب، عن صفوان بن یحیی، عن اسحاق بن عمار «قال: قلت لأبي الحسن علیه السلام جعلت فداک

أَتَنفَلُ فِي الْحَرَمَيْنِ وَ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَنَا أَقْصِرُ؟ قَالَ: نَعَمْ مَا قَدَرْتَ عَلَيْهِ».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن احمد بن ولید، از محمد بن الحسن الصفار، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از صفوان بن یحیی، از اسحاق بن عمار نقل کرده که گفت:

محضر ابی الحسن علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم در وقتی که مسافر بوده و نماز را شکسته می‌خوانم آیا می‌توانم در حریمین (مسجد الحرام و مسجد النبی) و در کنار قبر حضرت امام حسین علیه السلام نماز نافله بخوانم؟ حضرت فرمودند:

بلی، تا آنجا که قدرت داری نافله بخوان.

متن:

۶ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ ابَانٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ ابْنِ سَعِيدٍ، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدِ الْجَوْهَرِيِّ، عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ، عَنِ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام «قَالَ: سَأَلْتَهُ عَنِ التَّطَوُّعِ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَ مَشَاهِدِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وسلم وَ الْحَرَمَيْنِ فِي الصَّلَاةِ وَ نَحْنُ نَقْصِرُهُ. قَالَ: نَعَمْ تَطَوُّعٌ مَا قَدَرْتَ عَلَيْهِ».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه و محمد بن الحسن، از حسین بن الحسن بن ابان، از حسین بن سعید، از قاسم بن محمد جوهری، از علی بن ابی حمزه از حضرت

ابی ابراهیم رضی الله عنه نقل کرده، وی می گوید:
 از حضرت پرسیدم: در وقتی که مسافر بوده و نمازهایمان را شکسته
 می خوانیم آیا می توانیم در کنار قبر امام حسین و مشاهد النبی صلی الله علیه و آله و حرمین
 (مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله) نماز مستحبی بخوانیم؟
 حضرت فرمودند:

بلی، نماز مستحبی بخوان تا آنجا که قدرت داری.

متن:

۷- حدیثی ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله قال: سألت أيوب بن
 نوح عن تقصير الصلاة في هذه المشاهد: مكة والمدينة والكوفة وقبر
 الحسين عليه السلام الأربعة، والذي روي فيها، فقال: أنا أقصر، وكان صفوان
 يقصر، وابن أبي عمير وجميع اصحابنا يقصرون.

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله نقل کرده که وی گفت:
 از ایوب بن نوح پرسیدم، آیا در این مشاهد چهار گانه: مکه و مدینه و کوفه
 و قبر حضرت امام حسین رضی الله عنه نماز قصر می شود؟ و روایتی که در آن وارد شده
 چیست؟

وی گفت: من و صفوان و ابن ابی عمیر و تمام اصحاب نمازهایمان را قصر
 می خوانیم.

﴿ الباب الثاني وَالنَّامُونَ ﴾

﴿ التمام عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام وَجَمِيعِ الْمَشَاهِدِ ﴾

متن:

۱ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَثِيلٍ، عَنِ سَهْلِ بْنِ زِيَادِ الْأَدْمِيِّ، عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ صَالِحِ بْنِ عَقْبَةَ، عَنِ أَبِي شَيْبَةَ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: أَزُورُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام؟ قَالَ: زُرْ الطَّيِّبَ، وَ أَتِمَّ الصَّلَاةَ عِنْدَهُ، قَالَ: أَتِمُّ الصَّلَاةَ عِنْدَهُ؟ قَالَ: أَتِمَّ، قُلْتُ: فَأَنْ بَعْضُ أَصْحَابِنَا يَرُوي التَّقْصِيرَ، قَالَ: إِنَّمَا يَفْعَلُ ذَلِكَ الضَّعْفَةَ.



﴿ باب هشتمادوم ﴾

﴿ تمام خواندن نماز کنار قبر حضرت امام حسین علیه السلام ﴾

﴿ و تمام مشاهده مشرفه ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن الحسن، از حسن بن مثیل، از سهل بن زیاد آدمی، از محمد ابن عبدالله، از صالح بن عقبه، از ابی شیبلی، وی گفت:
محضر مبارک امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا به زیارت قبر مطهر حضرت امام حسین علیه السلام بروم؟
حضرت فرمودند:

زیارت کن قبر پاک و طیب را و نمازت را آنجا تمام بخوان.
وی عرض کرد: آیا نماز را آنجا تمام بخوانم؟

حضرت فرمودند: تمام بخوان.

وی می‌گوید: عرضه داشتم: برخی از اصحاب ما روایت کرده‌اند که نماز را باید شکسته خواند؟

حضرت فرمودند:

ضعفاء نمازشان را شکسته می‌خوانند.

مترجم گوید:

مقصود از «ضعفاء» شاید کسانی باشند که قادر بر تمام خواندن نبوده با این فعل بر آنها مشقت داشته باشد و محتمل است مقصود از آنان، جاهلین به احکام شرع باشد.



متن:

حدیثی محمد بن یعقوب - رحمه الله - عن جماعة مشايخه، عن سهل بن زياد بأسناده مثله سواء.

ترجمه:

محمد بن یعقوب رحمه الله علیه از جماعتی از اساتیدش، از سهل بن زیاد باسنادش مثل همین روایت را نقل کرده است.

متن:

۲ - حدیثی أبو عبد الرحمن محمد بن أحمد العسكري، عن الحسن بن عليّ ابن مهزيار، عن أبيه عليّ، عن الحسن بن سعيد، عن إبراهيم بن أبي البلاد، عن رجل من اصحابنا يقال له: الحسين، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: تمّ الصلوة في ثلاثة مواطن: في مسجد الحرام و مسجد

الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ .»

ترجمه: ﴿ حدیث دوم ﴾

ابو عبدالرحمن محمد بن احمد عسکری، از حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش علی، از حسین بن سعید، از ابراهیم بن ابی البلاد، از شخصی از اصحابمان که به او حسین گفته می‌شد، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

در سه مکان نماز تمام خوانده می‌شود:

مسجد الحرام، مسجد الرسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و کنار قبر حضرت امام حسین علیه السلام.



متن:

۳ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَأَخِي؛ وَعَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنِ عَبْدِ الْمَلِكِ الْقَمِيِّ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ، عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ - خَادِمِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَعْفَرٍ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ « قَالَ: تَمَّ الصَّلَاةُ فِي أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ: فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَسْجِدِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ مَسْجِدِ الْكَوْفَةِ وَ حَرَمِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ .»

ترجمه: ﴿ حدیث سوم ﴾

پدرم رحمة الله عليه و برادرم و علی بن الحسین، از سعد بن عبدالله، از احمد ابن محمد بن عیسی، از حسین بن سعید، از عبدالملک قمی از اسماعیل بن جابر، از عبدالحمید خادم اسماعیل بن جعفر، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

در چهار مکان نماز تمام خوانده می شود:
مسجد الحرام، مسجد الرسول ﷺ، مسجد الکوفه و حرم حضرت امام
حسین علیه السلام.

متن:

۴ - حدیثی محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری، عن ابیه، عن احمد بن ابی عبدالله البرقی، عن ابیه، عن حماد بن عیسی، عن بعض اصحابنا - عن ابی عبدالله علیه السلام «قال: من الأمر المذخور اتمام الصلاة في أربعة مواطن: بمكة و المدينة و مسجد الكوفة و الحائر».

قال ابن قولويه: و زاده الحسين بن أحمد بن المغيرة عقب هذا الحديث في هذا الباب بما اخبره به حيدر بن محمد بن نعيم السمرقندي بإجازته بخطه باجتيازه للحج.

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش از احمد بن ابی عبدالله برقی، از پدرش از حماد بن عیسی، از برخی از اصحاب ما، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

این امر از اسرار و امور نهانی است که، نماز را در چهار مکان تمام بخوانند:
در مکه، مدینه، مسجد کوفه، و حائر حسینی علیه السلام.
ابن قولویه گوید:

حسین بن احمد بن مغیره بدنبال این حدیث در این باب مضمونی را افزوده که حیدر بن محمد بن نعییم سمرقندی از طریق اجازة به خط خوردش به وی خبر داده و گفته:

در مکه زمانی نماز را تمام می‌توان خواند که عبور از آن برای حج باشد.

متن:

۵ - عن أبي النضر محمد بن مسعود العياشي، عن علي بن محمد قال: حدثني محمد بن أحمد، عن الحسين بن علي بن النعمان، عن أبي عبد الله البرقي؛ وعلي بن مهزيار و أبي علي بن راشد جميعاً، عن حماد بن عيسى، عن أبي عبد الله عليه السلام «أنه قال: من محزون علم الله الأتمام في أربعة مواطن: حرم الله و حرم رسوله و حرم أمير المؤمنين و حرم الحسين صلوات الله عليهم أجمعين».



حدیث پنجم

ترجمه:

از ابی النضر محمد بن مسعود عیاشی؛ از علی بن محمد، وی گفت: محمد بن احمد از حسین بن علی بن النعمان، از ابی عبد الله برقی؛ و علی بن مهزیار؛ و ابی علی بن راشد، جملگی، از حماد بن عیسی، از ابی عبد الله علیه السلام نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمودند: از علوم نهانی حق تعالی و اسرار مخفی است که در چهار مکان نماز را تمام می‌خوانند:

حرم خدا (مسجد الحرام) حرم رسول خدا (مسجد النبی صلی الله علیه و آله) و حرم امیرالمؤمنین علیه السلام و حرم حضرت امام حسین صلوات الله علیهم اجمعین.

متن:

۶ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ هَامٍ بْنِ شَهِيلٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَسَالِكِ

الفزاری، قال: حدَّثنا محمد بن حمدان المدائنی، عن زياد القندي،
«قال: قال: أبو الحسن موسى عليه السلام أحبّ لك ما أحبّ لنفسی، وأكره لك ما أكره
لنفسی، أتمّ الصلّاة فی الحرمین و بالكوفة و عند قبر الحسين عليه السلام».

ترجمه: ﴿ حدیث ششم ﴾

محمد بن همام بن سهیل، از جعفر بن محمد بن مالک فزاری، وی گفت:
محمد بن حمدان مدائنی، از زیاد قندی نقل کرد که وی گفت:
دوست دارم برای تو آنچه را که برای خودم دوست دارم و کراهت دارم برای
تو آنچه را که برای خودم کراهت دارم نمازت را در حرمین (حرم خدا و حرم
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم) و کوفه و کنار قبر امام حسین عليه السلام تمام بخوان.

متن:

۷- حدّثنی علی بن حاتم القزوینی قال: أخبرنا محمد بن ابی عبد الله
الأسدی قال: حدّثنا القاسم بن الرّبيع الصّخاف، عن عمرو بن عثمان،
عن عمرو بن مرزوق «قال: سألت ابا الحسن عليه السلام عن الصلّاة فی
الحرمین و فی الكوفة و عند قبر الحسين عليه السلام، قال: أتمّ الصلّاة فیهم».

ترجمه: ﴿ حدیث هفتم ﴾

علی بن حاتم قزوینی گفت:
محمد بن ابی عبدالله اسدی به ما خبر داد و گفت: قاسم بن ربیع صخاف از
عمرو بن عثمان، از عمرو بن مرزوق نقل نمود که وی گفت: از حضرت
ابوالحسن عليه السلام راجع به خواندن نماز در حرمین (حرم الله و حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم)
و در کوفه کنار قبر حضرت امام حسین عليه السلام پرسیدم؟ حضرت فرمودند:
نماز را در این اماکن تمام بخوان.

متن:

۸ - حدیثی محمد بن یعقوب؛ و جماعة مشایخی، عن محمد بن یحیی العطار، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن سنان، عن حذیفة بن منصور، قال: حدیثی من سمع ابا عبد الله علیه السلام يقول: «تم الصلاة في المسجد الحرام و مسجد الرسول و مسجد الكوفة و حرم الحسين علیه السلام».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

محمد بن یعقوب و جماعتی از اساتیدم رحمة الله علیهم، از محمد بن یحیی عطار، از محمد بن الحسین، از محمد بن سنان از حذیفة بن منصور، وی گفت: کسی که حدیث را از حضرت ابا عبد الله علیه السلام شنیده برایتم نقل کرد که آن حضرت فرمودند: نماز را در مسجد الحرام و مسجد الرسول علیه السلام و مسجد کوفه و حرم حضرت امام حسین علیه السلام تمام بخوان.

متن:

۹ - و من زیادة الحسین بن أحمد بن المغيرة ما فی حدیث أحمد بن ادريس بن أحمد بن زکریا القمى قال: حدیثی محمد بن عبد الجبار، عن علی بن اسماعیل، عن محمد بن عمرو، عن فائد الحنات، عن أبي الحسن الماضي علیه السلام «قال: سألته، عن الصلاة في الحرمین، فقال: تم و لو مررت به ماراً».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

مضمونی را حسین بن احمد بن مغیر در حدیث احمد بن ادريس بن احمد بن زکریا القمى اضافه کرده و گفته است: محمد بن عبد الجبار، از علی بن

اسماعیل، از محمد بن عمرو، از قائد حناط، از حضرت ابی الحسن ماضی علیه السلام (حضرت امام موسی کاظم علیه السلام)، وی می گوید:

از آن حضرت پرسیدم: نماز را در حرمین (حرم خدا و حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم) چگونه بخوانم؟

حضرت فرمودند:

نماز را تمام بخوان اگرچه از حرم مرور و عبور کرده و در آن اقامت نکنی.

متن:

۱۰ - حدیثی احمد بن ادريس قال حدیثی احمد بن ابی زاهر، عن محمد بن الحسين الزيات، عن حسن بن حران بن عمران «قال: قلت لأبي الحسن علیه السلام: أقصر في المسجد الحرام أو أتم؟ قال: إن قصرت فلك، وإن أتممت فهو خير، وزيادة في الخبر خير».

ترجمه: ﴿ حدیث دهم ﴾

احمد بن ادريس می گوید:

احمد بن ابی زاهر، از محمد بن حسین زیات، از حسین بن عمران، از عمران نقل کرده وی گفت: محضر مبارک حضرت ابی الحسن علیه السلام عرض کردم: در مسجد الحرام نماز را قصر خوانده یا تمام بجا آورم؟

حضرت فرمودند:

اگر قصر خواندی می توانی و اگر تمام هم به جا آوردی خیر است و زیاد نمودن در خیر، خیر می باشد.

مترجم گوید:

مقصود آن است که نماز خیر بوده و نماز قصر را تمام خواندن زیاد نمودن

خیر محسوب شده از اینرو نفس این زیادی نیز عملی نیک و کاری پسندیده به حساب می آید.

﴿ الباب الثالث و الثمانون ﴾

﴿ ان الصلاة الفريضة عنده تعدل حجة، و النافلة عمرة ﴾

متن:

۱ - حدثني جعفر بن محمد بن ابراهيم الموسوي، عن عبيدالله بن نهيك، عن ابن ابي عمير - عن رجل - عن ابي الحسن علیه السلام «قال: قال لرجل: يا فلان ما يمنعك اذا عرضت لك حاجة ان تأتي قبر الحسين علیه السلام فتصلي عنده اربع ركعات ثم تسأل حاجتك فان الصلاة الفريضة عنده تعدل حجة، و النافلة تعدل عمرة».

﴿ باب هشتاد و سوم ﴾

﴿ نماز فریضه در حرم امام حسین علیه السلام معادل حج و نماز نافله ﴾

﴿ معادل عمره محسوب می شود ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

جعفر بن محمد بن ابراهیم موسوی، از عبیدالله بن نهبیک، از ابن ابی عمیر، از شخصی از حضرت ابی الحسن علیه السلام، راوی گفت: حضرت به مردی فرمودند: فلانی چه تو را باز می دارد از اینکه وقتی حاجتی داری به سر قبر مبارک حضرت حسین علیه السلام بروی و چهار رکعت نماز بجا آورده سپس حاجت خود را از خدا بخواهی؟ نماز فریضه در کنار قبر آن حضرت معادل حج و نافله مساوی با عمره می باشد.

متن:

۲- حدّثنی اَبی؛ و جماعة مشایخی، عن سعد بن عبدالله، عن ابي عبدالله الجامورانی الرّازی، عن الحسن بن علی بن ابي حمزة، عن الحسن بن محمد بن عبدالکریم ابي علی، عن المفضل بن عمر، عن جابر الجعفی «قال: قال ابو عبدالله علیه السلام المفضل - فی حدیث طویل - فی زیارة قبر الحسين علیه السلام: ثمّ تمضی الی صلاتک و لك بكلّ رکعة رکعتها عنده كثواب من حجّ الف حجة و اعتمر الف عمرة و اعتق الف رقبة، و كأنما وقف فی سبیل اللّٰه الف مرّة مع نبی مرسل - و ذکر الحدیث -».



ترجمه:

پدرم و جماعتی از اساتیدم، از سعد بن عبدالله، از ابي عبدالله جامورانی رازی، از حسن بن علی بن ابي حمزة از حسن بن محمد بن عبدالکریم ابي علی، از مفضل بن عمر، از جابر جعفی، وی می گوید:
حضرت ابو عبدالله علیه السلام به مفضل در ضمن حدیث طولانی راجع به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند:

سپس به سراغ نماز برو آن را بخوان که در مقابل هر رکعتی که کنار قبر آن حضرت بجا آوردی گویا ثواب کسی را که هزار حج و هزار عمره انجام داده و هزار بنده آزاد کرده برده‌ای و مانند کسی هستی که هزار مرتبه با نبی مرسل در راه خدا قیام کرده‌ای ...

متن:

۳- حدّثنی علی بن الحسين، عن محمد بن یحیی العطار، عن محمد بن

احمد؛ و حدثني محمد بن الحسين بن مَثَّ الجوهري، عن محمد بن احمد، عن هارون ابن مسلم، عن ابي علي الحرَّاني «قال: قلت: لأبي عبدالله عليه السلام ما لمن زار قبر الحسين عليه السلام؟ قال: من اتاه و زاره و صلى عنده ركعتين أو أربع ركعات كتب الله له حجة و عمرة، قال: قلت: جُئْتُ فذاك و كذلك لكل من أتى قبر إمامٍ مفترض طاعته؟ قال: و كذلك لكل من أتى قبر إمامٍ مفترض طاعته».

﴿ حدیث سوّم ﴾

ترجمه:

علی بن الحسین، از محمد بن یحیی عطار، از محمد بن احمد، و محمد بن حسین بن مَثَّ الجوهری، از محمد بن احمد، از هارون بن مسلم، از ابی علی حرَّانی، وی گفت: محضر مبارک حضرت ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم: ثواب کسی که قبر حضرت امام حسین را زیارت کند چیست؟ حضرت فرمودند:

کسی که به نزد قبر آن حضرت رفته و زیارتش کرده و دو یا چهار رکعت نماز آنجا بخواند خداوند متعال برای او یک حج و عمره می نویسد. زاری می گویند: عرضه داشتیم: ندایت شوم: هر کسی که به زیارت قبر هر امام مفترض الطاعة برود این اجر و ثواب را دارد؟ حضرت فرمودند:

همچنین است هر کسی که به زیارت قبر هر امام که اطاعتش واجب است برود.

متن:

حدَّثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن أبي القاسم، عن أبي

علیٰ الخزاعی «قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام - و ذکر مثله -

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبدالله، از ابی القاسم، از ابی علیٰ خزاعی نقل کرده که وی گفت: محضر مبارک امام صادق عليه السلام عرضه داشتم و مثل همین حدیث را ذکر نمود.

متن:

۱ - حدیثی الحسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، عن ابیه، عن الحسن بن محبوب، عن العلاء بن رزین، عن شعيب العقرقوفی، عن ابی عبدالله عليه السلام «قال: قلت له: من أتى قبر الحسين عليه السلام ماله من الثواب و الأجر جعلت فداك؟ قال: يا شعيب ما صلى عنده أحد الصلاة إلا قبلها الله منه، و لا دعا عنده أحد دعوة إلا استجيب له عاجلة و آجلة، فقلت: جعلت فداك زدني فيه، قال: يا شعيب أيسر ما يقال لزائر الحسين بن علي عليه السلام: قد غفر [الله] لك يا عبدالله فاستأنف [اليوم] عملاً جديداً».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از علاء بن رزین، از شعيب عقرقوفی از حضرت ابی عبدالله عليه السلام، وی گفت: محضر مبارک آن حضرت عرضه داشتم: فدایت شوم ثواب و اجر کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین عليه السلام برود چیست؟ حضرت فرمودند:

ای شعيب احدی کنار قبر آن حضرت نمازی نمی خواند مگر آنکه حق تعالی

از او می‌پذیرد، و احدی در آنجا دعاء نمی‌کند مگر آنکه خداوند متعال
خواست‌اش را در دنیا و آخرت برآورده می‌نماید.
عرض کردم: فدایت شوم: بیشتر بفرمائید.
حضرت فرمودند:

ای شعیب کمترین چیزی که در باره زائر حسین بن علی علیه السلام گفته می‌شود این
است که به وی خطاب کرده و می‌گویند:
ای بنده خدا، حق تعالی تو را آمرزیده، پس امروز عمل جدید تازه‌ای را آغاز
نما.

﴿الباب الرابع و الثمانون﴾

﴿وداع قبر الحسين بن علی علیه السلام﴾

متن:

۱- حدّثنی ابي؛ و محمّد بن الحسن، عن الحسين بن الحسن بن أبان،
عن الحسين بن سعيد. و حدّثنی ابي؛ و علی بن الحسين؛ و محمّد بن
الحسن، عن سعد ابن عبدالله، عن احمد بن محمّد بن عيسى، عن الحسين
بن سعيد، و حدّثنی محمّد بن الحسن، عن محمّد بن الحسن الصفار، عن
أحمد بن محمّد بن عيسى، عن الحسين بن سعيد، عن فضالة بن أيوب، عن
نُعیم بن الوليد، عن يوسف الكتاسي، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: إذا أردت
ان تودّع الحسين بن علي عليه السلام فقل: «السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ
وَبَرَكَاتُهُ، أَسْتَوِدِعُكَ اللَّهَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ
وَمَا جِئْتُ بِهِ وَدَلَّلْتُ عَلَيْهِ، وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ، فَاكْتَبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ، اللَّهُمَّ

لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنَّا وَمِنْهُ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَلُكَ أَنْ تَنْفَعَنَا بِحُبِّهِ، اللَّهُمَّ
 ابْنِعْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً تَنْصُرُ بِهِ دِينَكَ وَتَقْتُلُ بِهِ عَدُوَّكَ، وَتُبِيرُ بِهِ مَنْ
 نَصَبَ حَرْباً لآلِ مُحَمَّدٍ فَإِنَّكَ وَعِدَّتُهُ ذَلِكَ وَأَنْتَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ،
 وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ شُهَدَاءُ مُجَبَّاءُ،
 جَاهِدْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَاتِلْتُمْ عَلَىٰ مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
 وَسَلَّمْ تَسْلِيماً، أَنْتُمْ السَّابِقُونَ وَالْمُهَاجِرُونَ وَالْأَنْصَارُ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَنْصَارُ
 اللَّهِ وَأَنْصَارُ رَسُولِهِ، فَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَكُمْ وَعَدَهُ وَأَرَاكُمْ مَا
 تُحِبُّونَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اللَّهُمَّ لَا
 تَشْغَلْنِي فِي الدُّنْيَا عَنْ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ، لَا يَكْثُرُ تُلْهِيَنِي عَجَائِبُ بَهْجَتِهَا،
 وَتَفْتِنِي زَهْرَاتُ زِينَتِهَا، وَلَا يَاقِلَالٍ يَضُرُّ بِعَمَلِي كَدُّهُ، وَيَمَلَأُ صَدْرِي هَمُّهُ،
 أَعْطِنِي مِنْ ذَلِكَ غِنًى عَنِ شَرِّ خَلْقِكَ، وَبِلاغاً أَنَالُ بِهِ رِضَاكَ، يَا أَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، وَعَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ
 الطَّيِّبِينَ الْأَخْيَارِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

﴿ باب هشتاد و چهارم ﴾

﴿ وداع با قبر حضرت حسین بن علی صلوات الله علیهما ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن الحسن، از حسین بن حسن بن ابان، از حسین بن سعید
 و پدرم و علی بن الحسن و محمد بن الحسین، از سعد بن عبدالله، از احمد بن
 محمد بن عیسی، از حسین بن سعید، و محمد بن الحسین، از محمد بن الحسن
 الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسین بن سعید، از فضالة بن ایوب، از

نعم بن ولید، از یوسف گناسی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:
 هرگاه خواستی با حضرت حسین بن علی علیه السلام وداع کنی بگو:
 درود بر تو و رحمت و برکات خدا بر تو، تو را به خدا می سپارم، و می گویم:
 خدا حافظ، به خدا و رسولش و به آنچه تو آورده و بر آن دلالت کردی ایمان
 آوردم، و از رسول تبعیت تو پیروی کردم، پس ما را با شاهدین بنویس، خدایا
 قرار بده این زیارت را آخرین عهد و پیمان، با او، خدایا از تو می خواهیم که
 بواسطه حب و درستی او به ما نفع دهی، خدایا او را به مقام پسندیده گسیل دار
 و بواسطه این دین خود را یاری فرما، و به سبب او دشمنت را نابود نما، و به
 سپیش کسانی را که طرح جنگ با آل محمد را طرأحی کردند هلاک فرما، زیرا
 خودت چنین وعده ای داده ای و هرگز خلف وعده نمی کنی، درود بر تو
 و رحمت و برکات خدا بر تو، شهادت می دهم که شما شهداء و نیک نژادان
 می باشید، در راه خدا جهاد کرده و برترین رسول خدا صلی الله علیه و آله مقاتله نمودید، شما
 پیشی گیرندگان و هجرت کنندگان و یاری نمایندگان هستید، شهادت می دهم که
 شما یاران خدا و یاران رسولش می باشید، پس حمد و سپاس خدائی را که به
 شما وعده راست داد و نشان داد به شما آنچه را که دوست می دارید و درود
 و رحمت و برکات خدا بر محمد و آل محمد، خداوند من را در دنیا از یاد
 نعمتهایت غافل منما البتة نه آنکه مشغولم کنی به نعمت های زیادی که
 شکفتی های خوبی و زیبایی آنها من را از تو باز داشته و جلا و درخشندگی
 زینت آنها مفتولم نماید، و به اینکه مبتلایم کنی به قلت و کمی نعمتها که رنج
 و تعب کم بود آنها مضر به علمم بوده و حزن ناشی از آن سینه ام را پر نماید، از
 نعمتهایت آن قدر به من اعطاء فرما که از مخلوقات بی نیاز و از بدی آنها در امان
 باشم، خداوند ما به مقدار کفاف به من اعطاء نما تا بواسطه آن به رضایت
 و خوشنودی تو دست یابم، ای مهربان تر از هر مهربانی، و خدا درود و رحمت

فرستد بر رسولش حضرت محمد بن عبدالله و بر اهل بیت پاکش که جملگی نیکان و خوبان می باشند.

متن:

۲ - حدیثی ابو عبدالرحمن محمد بن احمد بن الحسین العسکری -
 به «عسکر مکرم» - عن الحسن بن علی بن مهزیار، عن ابيه، عن محمد
 بن ابي عمیر، عن محمد بن مروان، عن ابي حمزة الثمالي، عن ابي
 عبدالله عليه السلام «قال: اذا اردت الوداع بعد فراغك من الزيارات فاكثر منها
 ما استطعت، ولتكن مقامك بالثينوي او الغاصرية، ومتى اردت الزيارة
 فاغسل ورز زروة الوداع، فاذا فرغت من زيارتك فاستقبل بوجهك
 وجهه و التمس القبر و قل: *يا محمد بن عبد الله*
 «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ، اَنْتَ لِي جَنَّةٌ
 مِنَ الْعَذَابِ، وَهَذَا اَوْ اِنْ اَنْصَرَا فِي عَنَّاكَ؛ غَيْرَ رَاغِبٍ عَنَّاكَ وَلَا مُسْتَبَدِّلٍ
 بِكَ سِوَاكَ، وَلَا مُؤَيِّرٍ عَلَيْكَ غَيْرَكَ وَلَا زَاهِدٍ فِي قُرْبِكَ، جُدْتُ بِنَفْسِي
 لِلْحَدَثَانِ، وَتَرَكْتُ الْاَهْلَ وَالْاَوْطَانَ، فَكُنْ لِي يَوْمَ حَاجَتِي وَفَقْرِي وَفَاقَتِي،
 يَوْمَ لَا يُعْنِي عَنِّي وَالِدِي وَلَا وَلَدِي، وَلَا حَمِيمِي وَلَا قَرِيبِي، اَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي
 قَدَّرَ وَخَلَقَ اَنْ يُنْفَسَ بِكَ كَرْبِي وَاسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي قَدَّرَ عَلَيَّ فِرَاقُ مَكَانِكَ
 اَنْ لَا يَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي وَمِنْ رَجْعَتِي وَاسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي اُبْكِي عَلَيْكَ عَيْنِي
 اَنْ يَجْعَلَهُ سَدًّا لِي، وَاسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي نَقَلَنِي اِلَيْكَ مِنْ رَحْطِي وَاهْلِي اَنْ
 يَجْعَلَهُ دُخْرًا لِي، وَاسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي اَرَانِي مَكَانَكَ وَهَدَانِي لِلسَّلَامِ عَلَيْكَ
 وَلِزِيَارَتِي اِيَّاكَ اَنْ يُورِدَنِي حَوْضَكُمْ، وَ يَرْزُقَنِي مُرَافِقَتَكُمْ فِي الْجَنَانِ مَعَ

أَبَائِكَ الصَّالِحِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ
 [وَأَبْنَ صَفْوَتِهِ]، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، حَبِيبِ
 اللَّهِ وَصَفْوَتِهِ، وَأَمِينِهِ وَرَسُولِهِ، وَسَيِّدِ النَّبِيِّينَ، أَسْلَامٌ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
 وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَقَائِدِ الْفُرُقِ الْمُحَجَّلِينَ، أَسْلَامٌ عَلَى الْأَئِمَّةِ
 الرَّاشِدِينَ الْمُهْدِيِّينَ، أَسْلَامٌ عَلَى مَنْ فِي الْحَاوِرِ مِنْكُمْ، [وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَ
 بَرَكَاتُهُ] أَسْلَامٌ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْبَاقِينَ الْمُقِيمِينَ، الَّذِينَ هُمْ بِأَمْرِ رَبِّهِمْ
 قَائِمُونَ، أَسْلَامٌ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ
 الْعَالَمِينَ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

أبو عبدالرحمان محمد بن أحمد بن الحسين العسكري در شهر عسکر مکرم
 از حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش، از محمد بن ابی عیمر، از محمد بن
 مروان، از ابی حمزة الثمالی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام حضرت فرمودند:
 هرگاه خواستی بعد از فراغت از زیارات وداع نعمتی آنچه در قدرت تو است
 از زیارات را بجا آور، البته مقام و مکانست در نینوی و غاضریه باشد و از آنجا به
 زیارت برو، وقتی قصد زیارت کردی غسل کن و سپس زیارت وداع نما و وقتی
 از زیارت فارغ شدی رو به صورت قبر کن و از قبر خراش نموده و بگو:
 سلام بر تو ای ولی خدا، سلام بر تو ای ابا عبدالله، تو برای من سپری از عذاب
 می باشی، این زمان هنگام وداع من با شما و مراجعتم از خلعت شما بوده، در
 حالی که روگردان از شما نبوده، و بجای شما به دیگری رو نمی نمایم، و غیر شما
 را بر شما اختیار نخواهم نمود، و بی رغبت نیستم از قرب و در جوار شما بودن،
 نفس و جانم را در معرض خطر حوادث قرار داده، و اهل و وطن خود را ترک
 نمودم، پس در روز حاجت و نیاز و احتیاجم کمک می باشی، در آن روزی که پدر

و فرزند و خویشاوندان و نزدیکانم نفی به حالم ندارند، از خدائی که تقدیر و خلق نموده می‌خواهم که بواسطه شما حزن و اندوه من را برطرف کند، و از خدائی که فراق و جدا شدن از مکان تو را مقدر من ساخته درخواست می‌نمایم که این را زیارت آخر من فرار ندهد، و از خدائی که چشم من را بر تو گریاند می‌خواهم که این اشک را سنبه و تکیه گاه من قرار دهد و از خدائی که من را از خانه و اهل من دور آورد می‌خواهم که این زیارت را ذخیره آخرتم قرار دهد، و از خدائی که مکان تو را به من نشان داد و هدایت من نمود که تسلیم و فرمانبردار تو بوده و زیارت کنم تو را درخواست می‌کنم که من را بر حوض شما وارد نماید، و رفاقت یا شما در بهشت را همراه با آباء و پدران صالح و نیکوکار شما صلی الله علیهم اجمعین روزی من فرماید، درود بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده اش، درود بر رسول خدا حضرت محمد بن عبدالله، حبیب و برگزیده خدا، و امین و فرستاده او، و سرور انبیاء، درود بر امیرالمؤمنان و وصی رسول پروردگار عالمیان، و رهبر دست و روی سفیدان، درود بر ائمه راشدین و مهدیین، درود بر کسی که از شما در حائر می‌باشد، درود بر فرشتگان خدا که کنار قبر باقی مانده و اقامه گزیده‌اند، آنان که به امر پروردگارشان قیام کرده‌اند، درود بر ما و بر بندگان نیکوکار خدا، و حمد و سپاس سرخدائی را که پروردگار عالمیان می‌باشد.

متن:

وَتَقُولُ:

«سَلَامُ اللَّهِ وَسَلَامٌ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَ أُنْسِيَّائِهِ الْمُرْسَلِينَ؛ وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ، عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ وَعَلَى

ذُرِّيَّتِكَ وَمَنْ حَضَرَكَ مِنْ أَوْلِيَائِكَ، أَسْتَوِدِعُكَ اللَّهُ وَاسْتَرْعِيكَ
وَأَقْرَهُ عَلَيْكَ السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَبِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ،
اللَّهُمَّ اكْتُبْهُ لِمَنْ أَكْتُبُكَ لَهُ مِنَ الشَّاهِدِينَ».

وتقول:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي
ابْنَ رَسُولِكَ، وَارزُقْني زيارته أبدأ ما أبتغي، اللَّهُمَّ وَانْفَعْنِي بِحُبِّهِ يَا رَبَّ
الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ بَعْدَ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ لَا
تَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِتْيَاهُ، فَإِنْ جَعَلْتَهُ يَا رَبُّ فَاحْشُرْنِي مَعَهُ وَمَعَ
آبَائِهِ وَأَوْلِيَائِهِ، وَإِنْ أَبَيْتَنِي يَا رَبُّ فَارزُقْني العَوْدَةَ إِلَيْهِ ثُمَّ العَوْدَةَ بِرَحْمَتِكَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي أَوْلِيَائِكَ، وَحَبِّبْ إِلَيَّ
مَشَاهِدَهُمْ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تَشْغَلْنِي عَنْ ذِكْرِكَ
بِإِكْتِسَابِ عَلَيٍّ مِنَ الدُّنْيَا تُلْهِبِي عَجَائِبُ بَهْجَتِهَا وَتُفْتِي زَهْرَاتُ زِينَتِهَا، وَلَا
يَاقِلَالٍ يَضُرُّنِي بِعَمَلِي كَدُّهُ، وَيَمَلُّ صَدْرِي هَمُّهُ، وَأَعْطِنِي بِذَلِكَ غِنًى عَنْ
شِرَارِ خَلْقِكَ، وَبِلاغاً أَنَا لِي بِهِ رِضَاكَ يَا رَحْمَنُ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا
مَلَائِكَةَ اللَّهِ وَرُؤَاةَ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ».

ثمَّ صَغَّ حَذَّكَ الْأَيْمَنِ عَلَى الْقَبْرِ مَرَّةً ثُمَّ الْأَيْسَرَ مَرَّةً، وَالْحُجَّ فِي الدَّعَاءِ وَ
المَسْأَلَةِ، فَإِذَا خَرَجْتَ فَلَا تَوَلَّ وَجْهَكَ عَلَى الْقَبْرِ حَتَّى تَخْرُجَ».

« دنباله زیارت وداع حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) »

ترجمه:

و می گوئی:

درود خدا و فرشتگان مقرب و انبیاء مرسل، و بندگان نیکوکارش بر تو ای پسر رسول خدا و پر جان و جسم تو و بر فرزندان و بر کسانی که از اولیاء تو بوده و نزدت حاضر شدند، با تو وداع کرده و تو را به خدا می سپارم و درود و خدا حافظی با تو می گویم، به خدا و به رسولش به آنچه از نزد خدا رسولش آورده ایمان دارم، خداوندا ما را شاهدین و کسانی که در رکاب فرزند رسول خدا حاضر شدند بنویس و نام ما را در طومار ایشان ثبت و ضبط بفرما.

و بگو:

خداوندا بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست و این زیارت را آخرین زیارت من از پسر رسول خودت قرار مده، خداوندا زیارت او را برای همیشه تا مادامی که من زنده هستم نصیب فرما، خداوندا بواسطه حب و دوستی او من را متفع گردان ای پروردگار عالمیان، خداوندا او را به مقامی پسندیده مبعوث گردان، تو بر هر چیزی قادر و توانا هستی، خداوندا من بعد از نماز و سلام از تو می خواهم که بر محمد و آل محمد رحمتت را فرستاده و آن را شامل ایشان گردانی و نیز این زیارت را آخرین زیارت من نسبت به فرزند رسول قرار ندهی و اگر آخرین زیارت من مقدر کرده ای پس ای پروردگار من را به او و آباء و دوستانش محشور فرما و اگر من را بانی گذارده و عمرم را طولانی نمودی پس روزی کن دوباره به زیارتش عود کرده و بعد از آن دوباره به زیارتش برگردم به رحمت و اسعادت ای مهربان تر از هر مهربانی امیدوار می باشم، خداوندا برای من زبانی راست را میان دوستانت قرار بده و شاهد و اماکنی که ایشان حیاً و میتاً حضور دارند را محسوب من نما، خداوندا بر محمد و آل محمد درود و رحمت

بفرست، خداوندا بواسطه نعمتهای زیادی دنیا که شگفتی‌های خوبی و زیبایی آنها من را از تو باز داشته و جلاء و درخشندگی زینت آنها مفتونم می‌نماید من را از یاد خودت غافل مکن و نیز من را به قلت و کمی امکانات دنیوی که رنج و تعب کم بود آنها مضر به عملم بوده و حزن ناشی از آن سینه‌ام را پر می‌نماید مبتلا نفرما از دنیا آن قدر به من اعطاء فرما که از مخلوقات بی‌نیاز و از بدی آنها در امان باشم، خداوندا به مقدار کفاف از دنیا به من اعطاء نما تا بواسطه آن به رضایت و خشنودی تو دست یابم ای خالق مهربان، و درود بر شما ای فرشتگان خدا و ای زائرین قبر حضرت ابي عبدالله علیه السلام. سپس طرف راست صورت خود را یکبار و جانب چپ را بار دیگر بر قبر مطهرش بگذار و در دعاء و درخواست حاجت مبالغه کن و هنگامی که از حرم خارج می‌شوی روی خود را از قبر برمگردان بلکه همچنان مواجه با آن باش تا از آنجا بیرون روی.

مرکز تحقیق و تکثیر کتب و اسناد اسلامی

﴿ الباب الخامس و الثمانون ﴾

﴿ زيارة قبر العباس بن علي عليه السلام ﴾

متن:

١ - حدثني أبو عبد الرحمن محمد بن أحمد بن الحسين العسكري بالعسكر، عن الحسن بن علي بن مهزيار، عن أبيه علي بن مهزيار، عن محمد بن أبي عمير، عن محمد بن مروان، عن أبي حمزة الثمالي قال: قال الصادق عليه السلام: إذا أردت زيارة قبر العباس بن علي عليه السلام - وهو على شطّ الفرات بمحذا الحائر - فقف على باب السقيفة وقل:

«سَلَامُ اللَّهِ وَسَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْقَرِيبِينَ، وَأَسْبَابِهِ الْمُرْسَلِينَ، وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ وَجَمِيعِ الشُّهَدَاءِ وَالصَّادِقِينَ، وَالزُّكَايَا الطَّيِّبَاتُ فِيمَا تَقْتَدِي وَتَرَوْحُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ - أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، أَشْهَدُ لَكَ بِالتَّسْلِيمِ وَالتَّصْدِيقِ وَالْوَفَاءِ وَالتَّصِيحَةِ لِخَلْبِ النَّبِيِّ الْمُرْسَلِ، وَالسَّبْطِ الْمُنْتَجَبِ، وَالدَّلِيلِ الْعَالِمِ، وَالْوَصِيِّ الْمُبْلَغِ، وَالْمَظْلُومِ الْمَهْتَضَمِ، فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنِ رَسُولِهِ وَعَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَعَنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَنْضَلَ الْجَزَاءِ بِمَا صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ، وَأَعْنَتَ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ جَهِلَ حَقَّكَ، وَاسْتَخَفَّ بِحُرْمَتِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ حَالَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مَاءِ الْفُرَاتِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قُتِلْتَ مَظْلُومًا، وَأَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ لَكُمْ مَا وَعَدَكُمْ، جِثَّتْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِقْدَا إِلَيْكُمْ، وَقَلْبِي مُسَلِّمٌ لَكُمْ، وَأَنَا لَكُمْ تَابِعٌ، وَنُضْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ، إِنِّي بِكُمْ وَبِإِيَابِكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَبَيْنَ خَالَفِكُمْ وَقَتْلِكُمْ مِنَ الْكَافِرِينَ، قَتَلَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتُمْ بِالْأَيْدِي وَالْأَلْسِنِ».

﴿ باب هشتماد و پنجم ﴾

﴿ زیارت قبر حضرت عباس بن علی علیه السلام ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

ابو عبد الرحمن محمد بن احمد بن الحسن العسکری در عسکر از حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش علی بن مهزیار از محمد بن ابی عمیر از محمد بن مروان، از ابی حمزه ثمالی، وی می گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه خراستی زیارت کنی قبر حضرت عباس بن علی علیه السلام را که در کنار شط فرات و در مقابل جابر قرار دارد پس بر در سقیفه بایست و بگو: درود خدا و درود فرشتگان مغرب و انبیاء مرسلش و درود بندگان صالح و نیکوکارش و درود تمام شهداء و صدیقین و پاکان و پاکبزرگان در صبح و شام بر تو ای فرزند امیرالمؤمنین، شهادت می دهم که تو تسلیم فرزند نبی صلی الله علیه و آله و سبط برگزیده پیامبر و راهنما و عالم و جانشین مبلغ و مظلوم ستم دیده بوده و او را تصدیق داشته و در مقام وفاء و خیر خواهی او بودی پس خدا از طرف رسولش و امیرالمؤمنین و حسن و حسین صلوات الله علیهم اجمعین بالاترین پاداش ها را به تو داده و به واسطه صبر و بردباری که در این راه نمودی و آزمایش و امتحانی که دادی و رنج و مشقتی را که متحمل شدی عالی ترین اجرها را نصیب تو نماید پس خوشا به زندگانی آخرت تو، خدا لعنت کند کسی را که تو را کشت، و لعنت کند کسی را که به حق تو جاهل و ناآگاه بود و لعنت نماید کسی را که حرمت تو را نگاه نداشت و در مقام استخفاف تو بر آمد و خدا لعنت کند کسی را که بین تو و بین آب فرات فاصله شد، شهادت می دهم که تو مظلوم کشته شدی و شهادت می دهم که خدا آنچه به شما وعده کرده است را عملی می سازد ای پسر امیرالمؤمنین به نزد آمده ام در حالی که از سفر آمده ام، دلم تسلیم شما است، و خودم تابع و پیرو شما

بوده، آماده‌ام برای یاری شما تا خدا حکم کند و او بهترین حکم‌کنندگان است، پس آن کس که با شما است حتماً با شما بوده نه با دشمنان، من به شما و رجعت شما ایمان دارم و به کسی که مخالفتان را می‌نماید و شما را کشته است کافر هستم، خدا بکشد گروهی را که با دست‌ها، و زبان‌هایشان شما را کشتند.

متن:

ثم ادخل وانكب على القبر و قل:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ، الْمَطِيعُ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَرِضْوَانُهُ، وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، وَأَشْهَدُ اللَّهُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ الْبَدْرِيُّونَ، الْمَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، الْمَنَاصِحُونَ لَهُ فِي جِهَادِ أَعْدَائِهِ، الْمَبَالِغُونَ فِي نُصْرَةِ أَوْلِيَائِهِ، الَّذِينَ عَنِ اجْتِبَائِهِ، فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ، وَأَكْثَرَ الْجَزَاءِ، وَأَوْفَى الْجَزَاءِ، وَأَوْفَى جَزَاءٍ أَحَدٍ يَمُنُّ وَفِي بَيْتِنَا، وَاسْتَجَابَ لَهُ دَعْوَتُهُ، وَأَطَاعَ وِلَاةَ أَمْرِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَالَعْتَ فِي النَّصِيحَةِ، وَأَعْطَيْتَ غَايَةَ الْمَجْهُودِ، فَبَعَثَكَ اللَّهُ فِي الشُّهَادَةِ، وَجَعَلَ رُوحَكَ مَعَ أَرْوَاحِ الشُّهَدَاءِ، وَأَعْطَاكَ مِنْ جَنَانِهِ أَنْفَسَهَا مَنَزِلًا، وَأَنْفَلَهَا عُرْفًا، وَرَفَعَ ذِكْرَكَ فِي عِلِّيِّينَ، وَحَشَرَكَ مَعَ النَّبِيِّينَ، وَالصُّدُوقِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسَنَ أَوْلِيَتِكَ رَفِيقًا، أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَمُتْ وَلَمْ تَنْكُلْ، وَأَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ، مُتَّدِيًا بِالصَّالِحِينَ وَمُتَّبِعًا لِلنَّبِيِّينَ، فَجَمَعَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَتِكَ، وَبَيْنَ رَسُولِهِ وَأَوْلِيَائِهِ فِي مَنَازِلِ الْمُخْتَبِينَ، فَإِنَّهُ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ».

ترجمه: ﴿ دنباله زیارت نامه حضرت عباس بن علی علیه السلام ﴾

سپس داخل شو و بر قبر تکیه داده و بگو:

درود بر تو ای بنده نیکوکار، بنده‌ای که فرمان بردار خدا و رسولش
و امیرالمؤمنین و حسن و حسین علیهم السلام بودی، درود و رحمت و برکات و بهشت
خدا برای تو باد و بر جان و جسد تو باشد، و خدا را شاهد می‌گیرم که تو همان
راهی را رفتی که اصحاب بدر رفتند همان کسانی که در راه خدا جهاد کرده و در
جهاد با دشمنان خدا زیان به پند و نصیحت گشوده و خالص آنرا بجا آوردند، در
نصرت دوستان خدا سعی بلیغ نموده، و از دوستان و محبین حق تعالی دشمنان
را دفع کردند، پس خدا برترین و با فضیلت‌ترین و بیشترین جزاءها و پاداش‌ها
را به تو عطاء فرماید، و نیز وافر و وافرترین پاداش کسی که به بیعتش و فاء نموده
و خدا دعایش را مستجاب کرده و همچنین نیک‌ترین پاداش کسی که از والیان
امر اطاعت نموده است را به تو عنایت فرماید، شهادت می‌دهم که تو در نصیحت
و خیر خواهی مبالغه کرده و نهایت کوشش و جهد خود را نمودی، پس خدا تو را
در شهداء بر انگیزد، و روح را با ارواح شهداء قرین گرداند، و از بهشتش
وسیع‌ترین منزل و با فضیلت‌ترین غرفه را اعطاء نماید، و ذکر تو را در علین بالا
ببرد، و با انبیاء و صدیقین و شهداء و صلحاء محشورت کند، و ایشان نیکو
رفقانی هستند، شهادت می‌دهم که تو از خود مستی نشان نداده و عقب‌گرد
نکردی، و نیز شهادت می‌دهم که تو بر بصیرت مشی نموده و به صالحین اقتداء
کرده و از انبیاء پیروی نمودی، پس حق تعالی بین ما و بین شما را بین رسول و
اولیانش در منازل اشخاص متواضع و فروتن جمع کند زیرا او ارحم‌الرحمین
می‌باشد.

﴿ الباب السادس و الثمانون ﴾
 ﴿ وداع قبر العباس بن علي عليه السلام ﴾

متن:

۱ - حدَّثني أبو عبد الرحمن محمد بن أحمد بن الحسين العسكري
 بالقسرك، عن الحسن بن علي بن مهزيار، عن أبيه علي بن مهزيار، عن
 محمد بن أبي عمير، عن محمد بن مروان، عن أبي حمزة الثمالي، عن أبي
 عبدالله عليه السلام: «قال: إذا ودَّعت العباس فأنه و قل: «أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ
 وَأَسْتَرْعِيكَ وَأَثِرُ عَلَيْكَ السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَبِكِتَابِهِ وَبِمَا
 جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ اكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ
 الْقَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ ابْنِ أَخِي نَبِيِّكَ، وَأَرْزُقْنِي زِيَارَتَهُ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي،
 وَاحْشُرْنِي مَعَهُ وَمَعَ آبَائِهِ فِي الْجَنَّةِ، وَعَرِّفْ بَيْتِي وَبَيْتَهُ وَبَيْنَ رَسُولِكَ
 وَأَوْلِيائِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَوَفَّنِي عَلَى الْإِيمَانِ بِكَ
 وَالتَّصَدِيقِ بِرَسُولِكَ، وَالْوِلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَالْأُمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ،
 وَالْبِرَاءَةِ مِنْ عَدُوِّهِمْ، فَإِنِّي رَضِيْتُ بِذَلِكَ يَا رَبِّ».

و تدعو لنفسك ولوالديك والمؤمنين والمسلمين وتخیر من
 الدعاء».

﴿ باب هشتاد و ششم ﴾
 ﴿ وداع با قبر حضرت عباس بن علي عليه السلام ﴾

﴿ حديث أول ﴾

ترجمه:

ابوعبدالرحمن محمد بن احمد بن الحسن العسكري در عسکر از حسن بن
 علی بن مهزیار، از پدرش علی بن مهزیار، از محمد بن ابی عمیر، از محمد بن

مروان، از ابی حمزه الثمالی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند: هر گاه خواستی با حضرت عباس علیه السلام وداع کنی پس به نزدش برو و بگو:

تو را به خدا می سپارم و از او می خواهم که از تو نگاهبانی نماید و سلام خدا حافظی به تو می دهم، به خدا و رسول و کتابش و به آنچه رسولش از جانب خدا آورده ایمان آورده ایم، خدایا ما را با شاهدین بنویس، خدایا این زیارت را آخرین زیارت ما نسبت به قبر پسر برادر پیغمبرت قرار مده، و تا مادامی که من زنده هستم زیارتش را نصیب نما، و من را با او و با آباء گرامش در بهشت محشور نما و بین من و بین او و رسول و دوستانت آشنائی بیانداز، خدایا بر محمد آل محمد درود و رحمت فرست، و من را در حالی که به تو ایمان داشته و رسالت را تصدیق کرده، و علی بن ابی طالب و ائمه بعد از آن حضرت که جملگی فرزندان او هستند را درست داشته و از دشمنانشان بی زاری می جویم بمیران و از این دنیا ببر، زیرا پروردگاره من به این معنا راضی و خشنود می باشم.

و سپس برای خود و پدر و مادرت و مؤمنین و مسلمین دعاء کن و هر دعائی را که خواستی اختیار نما.

﴿الباب السابع و الثمانون﴾

﴿وداع قبور الشهداء علیهم السلام﴾

متن:

تقول: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهُمْ، وَأَحْسِرْنِي مَعَهُمْ فِي ضَالِحِ مَا أَعْطَيْتَهُمْ عَلَى نَصْرِهِمْ إِبْنِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَجِهَادِهِمْ مَعَهُ فِي سَبِيلِكَ، اللَّهُمَّ اجْمَعْنَا وَإِيَّاهُمْ فِي جَنَّتِكَ مَعَ الشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسَنَ أَوْلِيَّكَ وَرَفِيقًا، أَسْتَوْدِعُكَمُ اللَّهُ وَأَقْرَأُ عَلَيْكُمْ السَّلَامَ، اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْعَوْدَ إِلَيْهِمْ، وَأَحْسِرْنِي مَعَهُمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

﴿ باب هشاد و هفتم ﴾
 ﴿ وداع با قبور شهداء ﴾

ترجمه:

بگو:

خدایا این زیارت را آخرین زیارت من نسبت به شهداء فرار مده، و من را با ایشان در آنچه به آنها در قبال یاری پسر دختر پیغمبرت و جهادشان با حجت تو بر خلق اعطاء فرمودهای شریک گردان، خدایا، ما و ایشان را در بهشت خود با شهداء و صالحین جمع فرما، ایشان نیکو رفقانی هستند، شما را به خدا می سپارم و سلام خدا حافظی به شما می دهم، خدایا روزی من کن که دوباره به ایشان برگردم و من را با ایشان محشور فرمایدی مهربانتر از هر مهربانی.

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

﴿ الباب الثامن والثمانون ﴾
 ﴿ فضل کربلاء و زیارة الحسین ﴾

مثن:

۱ - [للحسین بن أحمد بن المغيرة فيه حديث رواه شيخه أبو القاسم - رحمه الله - مصنف هذا الكتاب نقل عنه و هو عن زائدة، عن مولانا علي بن الحسين عليه السلام، ذهب علي شيخنا - رحمه الله - أن يضعنه كتابه هذا و هو مما يليق بهذا الباب و يشتمل أيضاً على معانٍ شتى حسن تام الألفاظ، أحببت إدخاله و جعلته أول الباب، و جميع أحاديث هذا الباب و غيرها مما يجري مجراها يستدل بها على صحة قبر مولانا الحسين عليه السلام بكربلاء، لأن كثيراً من المخالفين ينكرون أن قبره بكربلاء كما ينكرون أن قبر

مولانا امیر المؤمنین علیه السلام بالغری بظہر نجف الکوفة وقد كنت استفتدت هذا الحديث بمصر عن شيخي أبي القاسم علي بن محمد بن - عبندوس الكوفي - رحمه الله - مما نقله عن مزاجم بن عبد الوارث البصري بإسناده عن قدامة بن زائدة، عن أبيه زائدة، عن علي بن الحسين علیه السلام، و قد ذكرت شيخنا ابن قولويه بهذا الحديث بعد فراغه من تصنيف هذا الكتاب ليدخله فيه فما تضي ذلك و عاجلته منيته - رضي الله عنه - و ألحقه بوالیه علیه السلام

﴿ باب هشاد و هشتم ﴾

﴿ فضیلت کربلاء و زیارت امام حسین علیه السلام ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

حسین بن احمد بن مغیره دوباره فضل کربلاء و زیارت امام حسین علیه السلام حدیثی دارد، این حدیث را اسنادش ابوالقاسم علیہ الرحمہ مصنف این کتاب روایت کرده و حسین بن احمد از او و وی از زانده و او از مولانا علی بن الحسین علیه السلام نقل نموده.

استاد ما رحمة الله عليه فراموش کرد که این حدیث را به کتابش ضمیمه کند در حالی که سزاوار بود در این باب نقل شود، حدیث مزبور چون بر معانی پسندیده و بسیاری مشتمل بوده و الفاظش تام و زیباست درست داشتم آن را در این باب بگنجانم.

قابل ذکر است که تمام احادیث این باب و احادیث دیگر که با اینها در مضمون مشترک هستند به آنها بر بودن قبر امام حسین علیه السلام در کربلا استدلال

شده است زیرا بسیاری از مخالفین انکار دارند که قبر آن حضرت در کربلا است چنانچه وجود قبر امیرالمؤمنین علیه السلام را در نجف، منکر می‌باشند.

این حدیث را در مصر از استاد ابی القاسم علی بن محمد بن عبدوسی کوفی رحمة الله علیه استفاده کرده‌ام، و وی آن را از مزاحم بن عبدالوراث بصری، به اسنادش از قدامة بن زائده، از پدرش زائده، از علی بن الحسین علیه السلام نقل کرده. پس از آنکه اسناد ما ابن قولویه از تصنیف این کتاب (کامل الزیارة) فارغ گردید با وی راجع به این حدیث مذاکره کرده و به ایشان پیشنهاد نمودم آنرا در این کتاب داخل نماید ولی پیش از آنکه ایشان به این کار مبادرت ورزند اجل او را دریانت و او را به موالی او علیه السلام ملحق کرد خدا از او خوشنود و راضی باشد.

متن:

و هذا الحدیث داخل فیما أجاز لي شیخي - رحمه الله - و قد جمعت بين الروایتين بالألفاظ الزائدة و التقصان و التقدیم و التأخیر فیها حتى صبح بجمیعه عن حدیثی به أولاً ثم الآن، و ذلك أني ما قرءته علی شیخي - رحمه الله - ولا قرءه علی، غیر أني أرويه عن حدیثی به عنه، و هو:

أبو عبد الله أحمد بن محمد بن عیاش، قال: حدیثی أبو القاسم جعفر بن محمد بن قولویه قال: حدیثی أبو عیسی عبید الله بن الفضل بن محمد بن هلال الطائی البصری قال: حدیثی أبو عثمان سعید بن محمد قال: حدیثنا محمد بن سلام بن یسار، الكوفی قال: حدیثی أحمد بن محمد الواسطی قال: حدیثی عیسی بن أبي شیبة القاضي قال: حدیثی نوح بن ذرّاج قال: حدیثی قدامة بن زائدة، عن أبيه «قال: قال علی بن الحسین علیه السلام: بلغني يا زائدة أنك تزور قبر أبي عبد الله الحسين علیه السلام أحياناً؟ فقلت: إن

ذَلِكَ لَكَا بَلْفَك، فَقَالَ لِي: فَلِمَاذَا تَحْتَفِلُ ذَلِكَ وَلَكِ مَكَانٌ عِنْدَ
سُلْطَانِكَ الَّذِي لَا يَحْتَمِلُ أَحَدًا عَلَيَّ مَحَبَّتَنَا وَتَفْضِيلَنَا وَذِكْرَ فَضَائِلِنَا
وَالْوَاجِبَ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ مِنْ حَقِّنَا؟ فَقُلْتُ: وَاللَّهِ مَا أُرِيدُ بِذَلِكَ إِلَّا اللَّهَ وَ
رَسُولَهُ، وَلَا أَحْفِلُ بِسَخَطِ مَنْ سَخَطَ، وَلَا يَكْبُرُ فِي صَدْرِي مَكْرُوهُ يِنَالِي
بِسَبَبِهِ، فَقَالَ: وَاللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ لَكَذَلِكَ، فَقُلْتُ: وَاللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ لَكَذَلِكَ،
يَقُولُهَا - ثَلَاثًا - وَأَقُولُهَا - ثَلَاثًا - فَقَالَ: أَبْشِرْ ثُمَّ أَبْشِرْ ثُمَّ أَبْشِرْ
فَلَأُخْبِرَنَّكَ بِخَبْرٍ كَانَ عِنْدِي فِي النَّخْبِ الْهَضْرُونَ، فَإِنَّهُ لَمَّا أَصَابَنَا
بِالطَّفِّ مَا أَصَابَنَا وَقُتِلَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقُتِلَ مَنْ كَانَ مَعَهُ مِنْ وُلْدِهِ وَإِخْوَتِهِ وَ
سَائِرِ أَهْلِهِ وَحَمَلَتْ حُرْمَةُ وَنَسَاوُهُ عَلَى الْأَقْتَابِ يِرَادَةَ بِنَا الْكَوْفَةِ، فَجَعَلَتْ
أَنْظُرَ إِلَيْهِمْ صَرَخِي وَلَمْ يُوَارُوا نِعْظَمَ ذَلِكَ فِي صَدْرِي وَاشْتَدَّ لَمَّا أَرَى
مِنْهُمْ قَلْقًا، فَكَادَتْ نَفْسِي تَخْرُجُ وَتَبَيَّنَتْ ذَلِكَ مِنِّي عَمِّي زَيْنَبُ الْكُبْرَى بِنْتُ
عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَتْ: مَا لِي أَرَاكَ تَجُودُ بِنَفْسِكَ يَا بَقِيَّةَ جَدِّي وَأَبِي وَإِخْوَتِي؟!
فَقُلْتُ: وَكَيْفَ لَا أَجْزَعُ وَأَهْلَعُ وَقَدْ أَرَى سَيِّدِي وَإِخْوَتِي وَعُمُومَتِي وَوَلَدَ
عَمِّي وَأَهْلِي مُضْرَعِينَ بِدِمَائِهِمْ، مُرَقَلِينَ بِالْعَرَى، مَسْلَبِينَ، لَا يُكْفَنُونَ وَلَا
يُوَارُونَ، وَلَا يُعْرَجُ عَلَيْهِمْ أَحَدٌ، وَلَا يَقْرُبُهُمْ بَشَرٌ، كَأَنَّهُمْ أَهْلُ بَيْتٍ مِنْ
الدَّيْلَمِ وَالْمَنْزَرِ؟! فَقَالَتْ: لَا يُجْزَعُ عَنَّا مَا تَرَى، فَوَاللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ لَعَهْدٌ
مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِلَى جَدِّكَ وَأَبِيكَ وَعَمِّكَ، وَنَقْدٌ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ
أَنَاسٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ لَا تَعْرِفُهُمْ قَرَاعِنَةُ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَهُمْ مَعْرُوفُونَ فِي أَهْلِ
السَّمَاوَاتِ أَنَّهُمْ يَجْمَعُونَ هَذِهِ الْأَعْضَاءَ الْمُتَفَرِّقَةَ فَيُوَارُونَهَا وَهَذِهِ
الْجُسُومَ الْمُضْرَجَةَ، وَيَنْصُبُونَ لَهَا الطَّفَّ عَلَّمًا لِقَبْرِ أَبِيكَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ
لَا يَدْرُسُ أَثَرُهُ وَلَا يَعْفُو رَسْمُهُ عَلَى كُرُورِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ، وَلِيَجْتَهِدَنَّ

أئمة الكفر و أشياع الضلالة في محوره و تطميسه فلا يزداد أثره إلا ظهوراً و أمره إلا علواً، فقلت: وما هذا العهد و ما هذا الخبر؟!

﴿ دنباله حدیث اول ﴾

﴿ مشتمل بر فضیلت کربلاء و زیارت امام حسین (ع) ﴾

ترجمه:

این حدیث در آنچه استادم رحمة الله علیه به من اجازه آن‌ها را داده است داخل بوده منتهی در مقام نقل بین دو روایت را جمع کرده، برخی الفاظ را اضافه و بعضی را حذف نموده، پاره‌ای را مقدم و شطری را مؤخر کرده‌ام و بدین ترتیب صحیح است بگویم:

این حدیث را با تمام الفاظ و عباراتش از کسی نقل می‌کنم که وی آن را برایم اولاً و سپس الان حدیث نموده چه آنکه نه من آن را بر استادم رحمة الله علیه قرائت کرده و نه او بر من قرائت نموده است فقط من آن را از کسی که برایم نقل کرده حکایت می‌کنم و آن حدیث چنین است: ابو عبدالله احمد بن محمد بن عیاش می‌گوید:

ابو القاسم جعفر بن محمد بن فولویه برایم نقل کرد و گفت: ابو عیسی عبدالله بن فضل بن محمد بن هلال الطائی البصری برایم نقل نمود و گفت: ابو عثمان سعید بن محمد برایم نقل کرد و گفت: محمد بن سلام بن یسار کوفی برای ما نقل کرد و گفت: احمد بن محمد واسطی برایم نقل نمود و گفت: عیسی بن ابی شیبة القاضی برایم نقل کرد و گفت: نوح بن دراج برایم نقل کرد و گفت: قدامة بن زائده برایم حدیث کرد و از پدرش نقل کرد، پدرش گفت:

حضرت علی بن الحسین (ع) فرمودند:

ای زائده خبر به من رسیده که گاهی به زیارت قبر ابی عبدالله الحسین (ع)

می‌روی؟

عرض کردم: همان طور است که خبر به سمع شما رسیده.

حضرت فرمودند:

برای چه مبادرت به چنین فعلی می‌ورزی در حالی که تو نزد سلطان مکانت و منزلتی داشته و وی کسی است که توان این را ندارد ببیند شخصی به ما محبت داشته و ما را بر دیگران برتری می‌دهد و فضائل ما را ذکر می‌کند و حتی که از ما بر این امت واجب است را رعایت می‌نماید؟

محضر مبارکش عرض کردم: به خدا سوگند قصدم از این فعل فقط رضایت خدا و رسول خدا بوده و از غضب و سخط کسی که بر من غضب نماید ترس و وحشتی ندارم و امر مکروهی که از ناحیه این فعل به من برسد هرگز در سینه‌ام

گران و سنگین نیست و بر من قابل تحمل می‌باشد.

حضرت فرمودند:

تو را به خدا سوگند امر چنین است؟

عرض کردم: به خدا سوگند امر چنین است.

حضرت سؤالشان را سه بار تکرار فرموده و من نیز جوابم را سه بار بازگو

نمودم.

سپس حضرت فرمودند:

بشارت باد تراء، بشارت باد تراء، بشارت باد تراء، لازم شد خبر دهم تو را به حدیثی که نزد من بوده و از احادیث نخبه و برگزیده‌ای است که جزء اسرار مخزونه می‌باشد و آن این است: زمانی که در طف (کربلا) آن مصیبت به ما وارد گشت و پدرم علیه السلام و تمام فرزندان و برادران و جمیع اهلس که با او بودند کشته شدند و حرم و زنان آن حضرت را بر روی شتران بی‌جهاز نشانده و ما را به کوفه برگرداندند پس به قتلگاه ایشان چشم درختم و ابدان طاهره ایشان را برهنه و عریان دیدم که روی خاک افتاده و دفن نشده‌اند، این معنا بر من گران آمد و در سینه‌ام اثرش را یافته و هنگامی که از ایشان چنین منظره‌ای را مشاهده کردم

اضطراب و بی آرامی در من شدت یافت به حدی که نزدیک بود روح از کالبدم خارج شود، این هئیت و حالت را وقتی عمه‌ام زینب کبری دختر علی بن ابی طالب علیها السلام از من مشاهده نمود فرمود:

این چه حالی است از تو می‌بینم، ای بادگار جد و پدر و برادرم چرا با جان خود بازی می‌کنی؟!
من گفتم:

چگونه جزع و بی نایی نکنم در حالی که می‌بینم سرور و برادران و عموها و پسر عموها و اهل خود را در خون خویش طپیده، عریان و برهنه بوده، جامه‌هایشان را از بدن بیرون آورده‌اند، بدون اینکه کفن شده یا دفن گردیده باشند، احدی بالای سرشان نبوده و بشری نزدیکشان نمی‌شود گویا ایشان از خاندان دیلم و خزرجی باشند؟!
عمه‌ام فرمود:

آنچه می‌بینی تو را به جزع نیاوردن به خدا سوگند این عهد و پیمانی بوده که رسول خدا صلی الله علیه و آله با جد (امیرالمؤمنین علی) و پدر (سیدالشهداء علی) و عمویت (حضرت مجتبی علی) نموده و خداوند متعال نیز از گروهی از این امت که در عداد ستمکاران و سرکشان نمی‌باشند پیمان گرفته‌است ایشان در بین اهل آسمان‌ها معروف و مشهورند که این اعضاء قلم شده را جمع کرده و دفن نموده و این ابدان و اجسام خون آلود را به خاک سپرده و در این سرزمین برای قبر پدرت سیدالشهداء نشانه‌ای نصب کرده که اثرش هیچ‌گاه کهنه و مندرس نشده و گذشت شب و روز آن را محو نمی‌کند، و بسیاری از رهبران کفر و الحاد و ابناء ضلالت و گمراهی سعی در نابود کردن آن می‌نمایند ولی به جای اینکه رسم و نشانه آن از بین رود ظاهرتر و آشکارتر می‌گردد.

من پرسیدم:

این چه عهد و میثاقی برده و این چه حدیث و خبری می‌باشد؟

متن:

قالت: نعم، حدثتني أم أيمن أن رسول الله ﷺ زار منزل فاطمة عليها السلام في يوم من الأيام فعملت له خريرة، و أتاه علي عليه السلام بطبق فيه تمر، ثم قالت أم أيمن: فأتيهم بغس فيه لبن وزبد، فأكل رسول الله ﷺ و علي عليه السلام و فاطمة و الحسن و الحسين عليهم السلام من تلك الخريرة، و شرب رسول الله ﷺ و شربوا من ذلك اللبن، ثم أكل و أكلوا من ذلك التمر و الزبد، ثم غسل رسول الله ﷺ يده و علي يصب عليه الماء، فلما فرغ من غسل يده مسح وجهه، ثم نظر إلى علي و فاطمة و الحسن و الحسين نظراً عرفنا به السرور في وجهه ثم رمق بطرفه نحو السماء ملياً، ثم [أنه] وجه و وجه نحو القبلة و بسط يديه و دعا ثم خرّ ساجداً و هو يتشجج فأطال التشجج (كذا) و علا نحيبه و جرت دموعه، ثم رفع رأسه و أشرق إلى الأرض و دموعه تقطر كأنها صوب المطر، فحزنت فاطمة و علي و الحسن و الحسين عليهم السلام و حزنت معهم لما رأينا من رسول الله ﷺ و هبتاه أن نسأله حتى إذا طال ذلك قال له علي: و قالت له فاطمة: ما يُكيك يا رسول الله لا أبكي الله عينيك فقد أفرح قلوبنا ما نرى من حالك؟! حالك؟! حالك!؟

فقال: يا أخي سررت بكم - و قال مُزاجِم بن عبد الوارث في حديثه فهنا: - فقال: يا حبيبي إني سررت بكم سروراً ما سررت مثله قط و إني لأنظر إليكم و أحمد الله على نعمته علي فيكم إذ هبط علي جبرئيل عليه السلام فقال: يا محمد إن الله تبارك و تعالی اطلع علي ما في نفسك و عرف سرورك بأخيك و ابتك و بسطيك فأكمل لك النعمة و هناك العطية

بأن جعلهم و ذرياتهم و محبيهم و شيعتهم معك في الجنة لا يفرق بينك وبينهم يحبون كما نحبي و يعطون كما تعطى حتى ترضى و فوق الرضا على بلوى كثيرة تناههم في الدنيا و مكاره تصيبهم بأيدي أناس يتحلون ملكك و يزعمون أنهم من أمتك بُرأ من الله و منك خبطاً خبطاً و قتلاً قتلاً، شقى مصارعهم، نائية قبورهم، خيرة من الله لهم و لك فيهم، فاحمد الله عزوجل على خيرته و ارض بقضائه.

فحمدت الله و رضيت بقضائه بما اختاره لكم،

﴿ نقل حدیث ام ایمن به روایت علیا مخدّره ﴾

﴿ حضرت زینب کبری بنت امیرالمؤمنین (ع) ﴾

مرآتین کبریٰ بر سرمدی

ترجمہ:

پس عمہ ام فرمود:

بلی، ام ایمن برایم نقل نمود که رسول خدا (ص) روزی از روزها به منزل حضرت فاطمه (ع) نزول اجلا فرمود و حضرت فاطمه (ع) برای آن جناب حریره درست کردند و حضرت علی (ع) طبقی نزد حضرت آوردند که در آن خرما بود، سپس ام ایمن گفت:

من نیز قدحی که در آن شیر و سر شیر بود را خدمتشان آوردم، رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنین و فاطمه و حسین (ع) از آن حریره میل کرده و سپس همگی آن شیر را آشامیدند و پس از آن رسول خدا (ص) و به دنبال آن حضرت ایشان از آن خرما و سر شیر تناول نمودند و بعد رسول خدا (ص) دست‌های مبارکشان را شستند در حالی که امیرالمؤمنین (ع) آب به روی دست‌های آن حضرت می‌ریختند و پس از آنکه آن جناب از شستن دست‌ها فارغ شدند دست

به پیشانی کشیده، آنگاه به طرف علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نظری که حاکی از سرور و نشاط بوده نموده سپس با گوشه چشم به جانب آسمان نگریست بعد صورت مبارک به طرف قبله کرده و دست‌ها را گشاد و دعا نمود و پس از آن به حال گریه به سجده رفت و با صدای بلند می‌گریستند و اشک‌هایشان جاری بود.

سپس سر از سجده برداشته و به راه افتادند در حالی که اشک‌های آن حضرت قطره قطره می‌ریخت گویا باران در حال باریدن بود، از این صحنه حضرت فاطمه و علی و حسن و حسین علیهم السلام محزون شده و من نیز متأثر گشته و اندوهگین شدم ولی همگی از سؤال نمودن پرهیز کرده و از آن حضرت نه پرسیدیم که سبب این گریه چیست تا گریستن آن جناب به درازا کشید در این هنگام علی و فاطمه علیهم السلام پرسیدند:

چه چیز شما را گریانده بار رسول الله خدا هرگز چشمان شما را نگریاند قلب ما از این حال شما جریحه دار گردیده؟

حضرت فرمودند:

ای برادر من، بواسطه شما سرور گشتم...

مزاحم بن عبدالوارث در حدیث خود به اینجا که می‌رسد می‌گوید:

نقل است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جواب امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

ای حبیب من به واسطه شما چنان سرور و شادمان شدم که تاکنون این طور خوشحال نشده بودم و به شما نگریستم و خدا را بر نعمت شما که به من داده حمد و سپاس نمودم، در این هنگام جبرئیل علیه السلام بر من فرود آمد و گفت:

ای محمد صلی الله علیه و آله خداوند متعال بر آنچه در نهان تو است اطلاع داشته و می‌داند که سرور و شادی تو به واسطه برادر و دختر و دو سبط تو می‌باشد پس نعمتش را بر تو کامل کرده و عطیه‌اش را بر تو گوارا نمود یعنی ایشان و ذریه آنها و دوستداران و شیعیان‌شان را در بهشت با تو همسایه نمود، بین تو و ایشان تفرقه

و جدائی نمی‌اندازد، ایشان از عطاء بدون منت او منتفع شده همان طوری که تو از آن بهره‌مند می‌شوی و به آنها اعطاء می‌شود همان طوری که به تو اعطاء می‌گردد تا آنجائی که راضی و خشنود شده بلکه فوق رضایت ایشان و تو حق تعالی عنایت می‌فرماید و این لطف و عنایت در مقابل آزمایش و ابتلائات بسیاری است که در دنیا متوجه ایشان شده و ناملایماتی که وسیله مردم و آنهایی که از ملت و کیش تر می‌باشند و خود را از امت تو پنداشته در حالی که از خدا و از تو بسیار دور هستند به ایشان می‌رسد، گاهی ضربه‌های شدید و غیر قابل تحمل از ناحیه این گروه متوجه ایشان شده و زمانی با قتل و کشتار ایشان مواجه می‌گردند.

قتلگاه‌ها ایشان مختلف و پراکنده و قبورشان از یکدیگر دور می‌باشد، خیر جوئی نما از خدا برای ایشان و برای خودت، حمد و سپاس خدای عزوجل و آنها بر خیرش و راضی شوی به فضای او پس حمد خدای بجا آورده و راضی شدم به قضایش به آنچه برای شما اختیار فرموده.

متن:

ثُمَّ قَالَ لِي جِبْرَائِيلُ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ أَخَاكَ مُضْطَهَدٌ بَعْدَكَ مَغْلُوبٌ عَلَي
أُمَّتِكَ مَتَعُوبٌ مِنْ أَعْدَائِكَ، ثُمَّ مَقْتُولٌ بَعْدَكَ يَقْتُلُهُ أَشْرُّ الْخَلْقِ وَ
الْخَلِيقَةِ، وَ أَشَقُّ الْبَرِيَّةِ، يَكُنْ نَظِيرَ عَاقِرِ النَّاقَةِ بِلَدِّ تَكْرُونَ إِلَيْهِ هِجْرَتُهُ وَ
هُوَ مَغْرَسٌ شَيْعَتِهِ وَ شَيْعَةُ وَلَدِهِ، وَ فِيهِ عَلَي كُلِّ حَالٍ يَكْثُرُ بَلْوَاهُمْ وَ يَعْظُمُ
مُصَابِهِمْ، وَ إِنَّ سَبْطَكَ هَذَا - وَ أَوْ مَا بَيَدِهِ إِلَى الْحُسَيْنِ (ع) - مَقْتُولٌ فِي
عِصَابَةِ مَنْ دُرِّيَّتِكَ وَ أَهْلِ بَيْتِكَ وَ أَخْيَارِ مَنْ أُمَّتِكَ بِضِفَّةِ الْفِرَاتِ
بِأَرْضِ يُقَالُ لَهَا: كَرْبَلَاءُ، مِنْ أَجْلِهَا يَكْثُرُ الْكَرْبُ وَ الْبَلَاءُ عَلَي أَعْدَائِكَ وَ

أعداء ذريتك في اليوم الذي لا ينقضي كربته، ولا تغف حسرته، وهي أطيب
بقاع الأرض، وأعظمها حرمةً، يُقتل فيها سبطك وأهله، وأنها من
يطحاء الجنة، فإذا كان ذلك اليوم الذي يُقتل فيه سبطك وأهله، و
أحاطت به كئات أهل الكفر واللعنة، تزعزعت الأرض من أقطارها و
مادت الجبال وكثر اضطرابها واضطقت البحار بأواجها، وماجت
السموات بأهلها غضباً لك يا محمد ولذريتك، واستعظماً لما
يُشبهك من حرمتك، ولشراً تكافى به في ذريتك وعترتك، ولا يبقى شيء
من ذلك إلا استأذن الله عز وجل في نصرة أهلك المستضعفين
المظلومين الذين هم حجة الله على خلقه بعدك فيوحي الله إلى
السموات والأرض والجبال والبحار ومن فيهن: أني أنا الله الملك
القادر الذي لا يقوته هارث ولا يعجزه تمتع وأنا أقدر فيه على
الانتصار والانتقام، وعزتي وجلالي لأعذبن من وتر رسولي وصفيي؛ و
انتهك حرمة و قتل عترته و نبذ عهده و ظلم أهل بيته عذاباً لا أعذبه
أحداً من العالمين، فعند ذلك يفيج كل شيء في السموات والأرضين
بلعن من ظلم عترتك واستحل حرمتك، فإذا برزت تلك العصابة إلى
مضاجعها تولى الله عز وجل قبض أرواحها بيده وهبط إلى الأرض
ملائكة من السماء السابعة معهم آنية من الياقوت والزمرّد مملوءة من
ماء الحياة و خلل من خلل الجنة و طيب من طيب الجنة، فغسلوا جنتهم
بذلك الماء و ألبسوها الحلل و حنطوها بذلك الطيب، وصلت
الملائكة صفناً صفناً عليهم، ثم يبعث الله قوماً من أمتك لا يعرفهم
الكفار لم يشركوا في تلك الدماء بقولٍ ولا فعلٍ ولا نيّة، فيوارون

أجسامهم و یقیمون رَسْمًا لِقَبْرِ سَيِّدِ الشَّهَدَاءِ بِتِلْكَ الْبَطْحَاءِ يَكُونُ عَلَمًا
 لِأَهْلِ الْحَقِّ، وَ سَبَبًا لِلْمُؤْمِنِينَ إِلَى الْقَوْزِ وَ تَحْتَهُ مَلَائِكَةٌ مِنْ كُلِّ سَمَاءٍ مِائَةٌ
 أَلْفَ مَلَكٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ، وَ يَصَلُّونَ عَلَيْهِ وَ يَطُوفُونَ عَلَيْهِ وَ يَسْبِّحُونَ
 اللَّهَ عِنْدَهُ وَ يَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لِمَنْ زَارَهُ وَ يَكْتُبُونَ أَسْمَاءَ مَنْ يَأْتِيهِ زَائِرًا
 مِنْ أُمَّتِكَ مُتَقَرِّبًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ إِلَيْكَ بِذَلِكَ، وَ أَسْمَاءَ آبَائِهِمْ وَ
 عَشَائِرِهِمْ وَ بُلْدَانِهِمْ، وَ يُوسِّمُونَ فِي وَجُوهِهِمْ بِمِيسَمِ نُورِ عَرْشِ اللَّهِ:
 «هَذَا زَائِرُ قَبْرِ خَيْرِ الشَّهَدَاءِ وَ ابْنِ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ»، فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
 سَطَحَ فِي وَجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ ذَلِكَ الْمِيسَمِ نُورٌ تَغْشَى مِنْهُ الْأَبْصَارُ يَدُلُّ عَلَيْهِمْ
 وَ يَعْرِفُونَ بِهِ، وَ كَأَنِّي بِكَ يَا مُحَمَّدُ بَيْنِي وَ بَيْنَ مِيكَائِيلَ، وَ عَلِيٍّ أَمَامِنَا
 وَ مَعْنَا مِنْ مَلَائِكَةِ اللَّهِ مَا لَا يُحْصِي عَدْدَهُمْ، وَ نَحْنُ نَسْتَلْقِظُ مِنْ ذَلِكَ
 الْمِيسَمِ فِي وَجْهِهِ مِنْ بَيْنِ الْخَلَائِقِ حَتَّى يَنْجِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ هَوْلِ ذَلِكَ الْيَوْمِ
 وَ شِدَائِهِ، وَ ذَلِكَ حَكْمُ اللَّهِ وَ عَطَاؤُهُ لِمَنْ زَارَ قَبْرَكَ يَا مُحَمَّدُ أَوْ قَبْرَ
 أَخِيكَ أَوْ قَبْرَ سَبْطِيكَ لَا يَرِيدُ بِهِ غَيْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَ سَيَجْتَهِدُ أَنْسَابُ
 مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِمُ اللَّعْنَةُ مِنَ اللَّهِ وَ السَّخَطُ أَنْ يَعْصُوا رَسْمَ ذَلِكَ الْقَبْرِ
 وَ يَمْحُوا أَثْرَهُ فَلَا يَجْعَلُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِمَنْ إِلَى ذَلِكَ سَبِيلًا. ثُمَّ قَالَ
 رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «فَهَذَا أَبْكَافِي وَ أَخْرَنْبِي».

﴿ دنیالہ حدیث شریف امّ ایمن ﴾

ترجمہ:

سپس جبرئیل بہ من گفت:

ای محمد برادرت پس از تو منکوب و مغلوب امتت قرار گرفته و از دشمنانت در تعب و رنج واقع می شود، و بعد از تو او رابدمترین مخلوقات

و شقی ترین مردم می‌کشد، قاتل آن حضرت نظیر پی‌کننده نانه صالح است، وی به منظور انجام این کار به شهری هجرت می‌کند که آن شهر محلّ نشو و نمای تبعه و پیروان آن حضرت و فرزندش می‌باشد، در آن شهر ابتلائات ایشان (اهل بیت علیهم السلام) بسیار مصیبت به ایشان عظیم می‌باشد، و این سبط شما (جبرئیل با دست اشاره به حضرت حسین علیه السلام نمود) با جماعتی از فرزندان و اهل بیت شما و نیکانی از امت در کنار فرات واقع در سرزمینی که به آن کربلاء می‌گویند کشته می‌شود.

کربلاء را از این جهت کربلاء گویند که حزن و بلاهاتی که از دشمنان شما و دشمنان فرزندان شما در روزی که حزن و اندوهش تمام شدنی نبوده و حسرت آن زوال پذیر نیست به عمل می‌آید بسیار زیاد می‌باشد.

این زمین پاکیزه‌ترین اماکن واقع روی زمین بوده و احترامش از تمام بقاع بیشتر است، در آن سبط تو و اهل بیتش کشته می‌شوند.

کربلاء از زمین‌های بهشت است، هر گاه روزی که در آن سبط تو و اهل بیتش کشته می‌شوند فرا برسد و لشکر اهل کفر و لعنت او را احاطه نمایند به جهت غضب به خاطر تو و فرزندان ای محمد و به منظور بزرگ شمردن هتک حرمت و تقبیح نمودن کرداری که نسبت به ذریه و عترت انجام شده زمین بلرزد و کوهها کشیده و اضطراب و جنبششان زیاد شود و امواج دریاها متلاطم گردد و آسمانها اهلشان را به هم بریزند، و از زمین و کوهها و دریاها و آسمانها چیزی باقی نمی‌ماند مگر آنکه از حق تعالی اذن می‌خواهند که اهل تو را که مستضعفین و مظلومین بوده و حجّت‌های خدا بعد از تو بر خلائق هستند را نصرت و یاری کنند پس خداوند به آنها و موجودات در آنها وحی کرده و می‌گوید:

منم خداوند متعال، سلطانی که قادر است و کسی نتواند از او بگریزد در توان هیچ خصم و دشمنی نیست که او را عاجز و ناتوان کند، من بر یاری کردن

دوستانم قادر و بر انتقام گرفتن از دشمنان متمکن هستم، به عزت و جلال خود قسم آنان را که رسولم را تنها گذارده و برگزیده‌ام را رها کرده و حرمتش را هتک نموده و فرزندانش را کشته و عهدش را نقض و زیر پای نهاده و به اهل بیتش ستم کرده‌اند عذابی کنم که احدی از عالمیان را چنین عذابی نکرده باشم. در این هنگام تمام موجودات سماوی و ارضی به ضجه در آمده و آنانکه به عترت ستم کرده و هتک حرمتت را روا داشته‌اند را لعن و نفرین می‌کنند. و هنگامی که آن جماعت (فرزندان و اهل بیت و نیکان از امتت) به طرف گورها و قبرهایشان نمایان می‌شوند حق تعالی خودش متولی قبض ارواح آنها به ید قدرتش شده و فرشتگان را از آسمان هفتم به زمین فرو فرستاده در حالی که با ایشان:

۱- ظرونی از یاقوت و زمرد بوده که مملو از آب حیات می‌باشند.

۲- حله‌هایی از حله‌های بهشتی.

۳- عطری از عطرهاي بهشتی.

می‌باشد؛ پس فرشتگان بدن‌های ایشان را با آن آبها شستشو داده و حله‌ها را به تن آنها کرده و با آن عطرها حنرطشان نموده و دسته‌دسته بر ایشان نماز می‌خواند و پس از اتمام نماز حق تعالی گروهی از امتت را که کفار ایشان را نمی‌شناسند و در خون شهداء نه با گفتار و نه با کردار و نه با قصد شرکت کرده‌اند را گسیل داشته تا اجسام و ابدان آنها را دفن کنند و برای قبر سیدالشهداء در آن سرزمین اثری نصب کرده تا برای اهل حق نشانه‌ای بوده و برای اهل ایمان سببی برای رستگاری باشد و در هر روز و شب از هر آسمانی صد هزار فرشته گرداگرد آن طواف کرده و بر آن حضرت صلوات فرستاده و نزد قبرش تسبیح خدا گفته و برای زائرین آن جناب طلب آمرزش کرده و اسامی زائرین از امتت را که قریة الی الله آن حضرت را زیارت می‌کنند و نیز اسماء پدران و خویشاوندان و شهرهای ایشان را می‌نویسند و در صورتهای ایشان بامدادی که از نور عرش

الهی است این عبارت را نقش می‌بندند:

این شخص زائر قبر بهترین شهداء و زائر قبر فرزند بهترین انبیاء می‌باشد. در روز قیامت از اثر این مداد نوری ساطع شده که از پرتویش چشم‌ها تار می‌گردد و با این نور ایشان شناخته می‌شوند، و گویا تو ای محمّد بین من و میکائیل قرار گرفته و علی جلو ما بوده و همراهمان فرشتگانی حرکت می‌کند که از کثرت عدد ایشان معلوم نیست و بوسیله همین نوری که در صورت‌های ایشان هست، آنها را از بین خلایق دریافته و جدا می‌کنیم و بدین ترتیب حق تعالی ایشان را از هول و وحشت آن روز و سختی‌های آن نجات می‌دهد و این حکم خدا است در حق کسانی که قبر تو را ای محمّد یا قبر برادرت یا قبر در سبط تو را زیارت کرده و فصلی غیر از خدای عزوجل را نداشته باشند و البته گروهی از مردم که مستحق لعنت و سخط و غضب الهی هستند خواهند آمد که در محو کردن رسم و نشانه این قبر سعی کرده و می‌کوشند آن را از بین ببرند ولی خداوند قادر به ایشان چنین توانی را نخواهد داد.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

این خبر من را گریاند و اندوهگین نمود.

متن:

قالت زينب: فلما ضرب ابن ملجم - لعنه الله - أبي عليه السلام و
 رأيت عليه أثر الموت منه قلت له: يا أبة حدثني أم أيمن بكذا وكذا، و
 قد أحببت أن أسمع منك، فقال: يا بنية الحديث كما حدثتك أم أيمن،
 وكأني بك و بينات أهلك سبايا بهذا البلد إذ لاء خاشعين تخافون أن
 يتخطفكم الناس؛ فصبراً صبراً، فوالذي فلق الحبة وبرء النسمة ما لي لله
 على ظهر الأرض يومئذٍ ولي غيركم وغير محبيكم و شيعتكم، و لقد قال
 لنا رسول الله ﷺ حين أخبرنا بهذا الخبر: أن إبليس - لعنه الله - في
 ذلك اليوم يطير فرحاً فيجول الأرض كلها بشياطينه و غفاريته فيقول:
 يا معاشر الشياطين قد أدركنا من ذريرة آدم الطلبة و بلغنا في هلاكهم
 الغاية و أورتناهم النار إلا من اعتصم بهذه العصاية، فاجعلوا شغلكم
 بتشكيك الناس فيهم و حملهم على عداوتهم، و إغرائهم بهم و
 أوليائهم حتى تستحكم [وا] ضلالة الخلق و كفرهم، ولا ينجو منهم ناج،
 و لقد صدق عليهم إبليس وهو كذوب، أنه لا ينفع مع عداوتكم عمل
 صالح ولا يضر مع محبتكم و موالاتكم ذنب غير الكبائر؛
 قال زائدة: ثم قال علي بن الحسين عليه السلام بعد أن حدثني بهذا الحديث:
 خذه إليك، أما لو ضربت في طلبه إباط الإبل حولاً لكان قليلاً]

﴿ دنباله حدیث به نقل علیا مخدّره حضرت ﴾

﴿ زینب کبری بنت امیرالمؤمنین رضی الله عنها ﴾

ترجمه:

حضرت زینب سلام الله علیها فرمود:

زمانی که ابن ملجم لعنه الله علیه پدرم را ضربت زد و من اثر مرگ را در آن حضرت مشاهده کردم محضرش عرضه داشتم:
ای پدر امّ ایمن برایم حدیثی چنین و چنان نقل نموده، درست دارم حدیث را از شما بشنوم.

پدرم فرمودند:

دخترم، حدیث همان طوری است که امّ ایمن نقل کرده، گویا می بینم که تو و دختران اهل تو در این شهر به صورت اسیران در آمده، خوار و منکوب می گردید، هر لحظه هراس دارید که شما را مردم بربایند، بر شما باد به صبر و شکیبائی، سرگند به کسی که حبه را شکافته و انسان را آفریده روی زمین کسی غیر از شما و غیر از دوستان و پیروانتان نیست که ولی خدا باشد و هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله این خبر را برای ما نقل می نمودند و فرمودند.

ابلیس لعنه الله علیه در آن روز از خوشحالی به پرواز درمی آید پس در تمام نقاط دستیاران و عفریت هایش را فرا خوانده و به آنها می گوید:

ای جماعت شیاطین!، طلب و تقاص خود را از فرزند آدم گرفته و در هلاکت ایشان به نهایت آرزوی خود رسیده و آتش دوزخ را نصیب ایشان نمودیم مگر کسانی که به این جماعت مقصود اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله پیوندند از این رو سعی کنید نسبت به ایشان در مردم تشکیک ایجاد کرده و آنها را بر دشمنی ایشان و دارید نا بدین وسیله گمراهی مردم و کفرشان مسلم و محقق شده و نجات دهنده ای بر ایشان بهم نرسد، ابلیس با اینکه بسیار دروغ گو و کاذب است این

کلام را به ایشان راست گفت، وی به آنها اطلاع داد.

اگر کسی با این جماعت (اهل بیت علیهم السلام) عداوت داشته باشد هیچ عمل صالحی برایش نافع نیست چنانچه اگر با ایشان محبت داشته باشد هیچ گناهی غیر از معاصی کبیره ضروری به او نمی رساند.

زائده می گوید: سپس حضرت علی بن الحسین علیه السلام پس از نقل این حدیث برایم فرمودند:

این حدیث را بگیر و ضبط کن، اگر در طلب آن یک سال شتر می دواندی و در کوه و کمر به دنبال آن تفحص می کردی محققاً کم و اندک بود.

متن:

[رَجَعْنَا إِلَى الْأَصْلِ]

۱ - أَخْبَرَنَا أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدَ بْنِ قُوْتُوْبِهِ الْقَتْمِيُّ الْفَقِيْهَ - رَحِمَهُ اللهُ - قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَعَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَجَمَاعَةٌ مَشَايِخِي - رَحِمَهُمُ اللهُ - عَنْ سَعْدِ ابْنِ عَبْدِ اللهِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْقَمَّاطِ قَالَ: حَدَّثَنِي عَبْدُ اللهِ بْنُ أَبِي يَعْفُورٍ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ لِرَجُلٍ مِنْ مَوَالِيهِ: يَا فُلَانُ أَتَزُورُ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام؟ قَالَ: نَعَمْ إِنِّي أَزُورُهُ بَيْنَ ثَلَاثِ سَنِينَ أَوْ سَنَتَيْنِ مَرَّةً، قَالَ لَهُ - وَهُوَ مُصَفِّرُ الْوَجْهِ -: أَمَا وَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَوْ زُرْتَهُ لَكَانَ أَفْضَلَ لَكَ مِمَّا أَنْتَ فِيهِ! فَقَالَ لَهُ: جَعَلْتُ فِدَاكَ أَكُلُّ هَذَا الْفَضْلِ؟ فَقَالَ: نَعَمْ وَاللَّهِ، لَوْ إِنِّي حَدَّثْتُكُمْ بِفَضْلِ زِيَارَتِهِ وَبِفَضْلِ قَبْرِهِ لَتَرَكْتُمْ الْحَجَّ رَأْسًا وَ مَا حَجَّ مِنْكُمْ أَحَدٌ، وَيَحْكُ أَمَا تَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ اتَّخَذَ [بِفَضْلِ قَبْرِهِ] كَوْبَلَاءَ حَرَمًا آمِنًا مَبَارَكًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَ مَكَّةَ حَرَمًا؟ قَالَ ابْنُ

أبي - يعفور: فقلت له: قد فرض الله على الناس حج البيت ولم يذكر زيارة قبر الحسين عليه السلام فقال وإن كان كذلك فإن هذا شيء جعله الله هكذا، أما سمعت قول أبي أمير المؤمنين عليه السلام حيث يقول: إن باطن القدم أحق بالمسح من ظاهر القدم ولكن الله فرض هذا على العباد؟! أو ما علمت أن الموقف لو كان في الحرم كان أفضل لأجل الحرم ولكن الله صنع ذلك في غير الحرم؟!».

ترجمه:

منرجم گوید:

روایتی که قبلاً نقل شد از اصل این کتاب نبوده و آنرا برخی از شاگردان مصنف در آن گنجانده‌اند لذا پس از نقل این حدیث به اصل کتاب رجوع می‌کنیم

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

﴿ رجوع به اصل کتاب ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه القمی رحمه الله علیه به ما خبر داد و گفت:

پدرم، و علی بن الحسین و جماعتی از اساتیدم رحمة الله عليهم از سعد بن عبدالله بن ابی خلف، از احمد بن محمد بن عیسی از محمد بن سنان، از ابی سعید قماط، وی می‌گوید:

عبدالله ابی یعفور گفت: از حضرت اباعبدالله علیه السلام شنیدم که به شخصی از دوستانش فرمودند.

فلانی به زیارت قبر ابی عبدالله الحسین علیه السلام می‌روی؟

آن شخص گفت: بلی من هر سه سال یا دو سال یک مرتبه به زیارتش می‌روم. حضرت در حالی که صورتشان زرد شده بود فرمودند: به خدائی که معبودی غیر از او نیست، اگر او را زیارت کنی برتر است برای تو از آنچه در آن هستی!

آن شخص عرض کرد: فدایت شوم آیا تمام این فضل برای من هست؟ حضرت فرمودند:

بلی به خدا سوگند، اگر من فضیلت زیارت آن حضرت و فضیلت قبرش را برای شما بازگو کنم به طوری کلی حج را ترک کرده و احدی از شما دیگر به حج نمی‌رود، وای بر تو آیا نمی‌دانی خداوند متعال بواسطه فضیلت قبر آن حضرت کربلا را حرم امن و مبارک قرار داد پیش از آنکه مکه را حرم امن نماید؟ ابن ابی الیفور می‌گوید: محضرش عرضه داشتم: خداوند متعال حج و زیارت بیت الله را بر مردم واجب کرده ولی زیارت قبر امام حسین علیه السلام را بر مردم واجب نکرده است پس چطور شما چنین می‌فرمائید؟ حضرت فرمودند:

اگرچه همین طور است ولی در عین حال خداوند متعال فضیلت زیارت آن حضرت را این گونه فرار داده است.

مگر نشنیده‌ای کلام امیرالمؤمنین علیه السلام را که فرمودند:

کف پا سزاوارتر است به مسح نمودن از ظاهر و روی پا ولی در عین حال حق تعالی مسح روی پا را بر بندگان واجب کرده است؟!

و نیز مگر نمی‌دانی اگر حق تعالی موقف (محل محرم شدن) به خاطر شرافتی که در حرم هست افضل و برتر بود ولی خداوند متعال آن را در غیر حرم قرار داده است.

متن:

۲ - حدیثی محمد بن جعفر القرشی الرزازی، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن سنان، عن أبي سعيد القمّاط، عن عمار بن یزید بیاع السابری، عن أبي عبد الله علیه السلام «قال: إنَّ أرض كعبة قالت: من مثلي؛ وقد بنى الله بيته على ظهري وياتيني الناس من كل فج عسيت، و جعلت حرم الله وأمنه؟! فأوحى الله إليها أن كئي وقرّي؛ فوعزّتي وجلالي ما فضل ما فضلت به فيما أعطيت به أرض كربلاء إلا بمنزلة الإبرة غمست في البحر فحملت من ماء البحر، ولو لا تربة كربلاء ما فضلتك؛ ولو لا ما تضمنته أرض كربلاء لما خلقتك ولا خلقت البيت الذي افتخرت به؛ فقرّي واستقرّي وكوني دنيئاً متواضعاً ذليلاً مهيناً غير مُستَكفٍ ولا مُستَكبرٍ لأرض كربلاء. وإلا سُخِّت بك وهوت بك في نار جهنم».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی رزازی، از محمد بن الحسین، از محمد بن سنان، از ابی سعید قمّاط، از عمر بن یزید بیاع سابری از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند:

زمین کعبه در مقام مناخرت گفت: کدام زمین مثل من است، و حال آنکه خداوند خانه‌اش را بر پشت من بنا کرده و مردم از هر راه دوری متوجه من می‌شوند، و حرم خدا و مامن قرار داده شده‌ام؟! خداوند متعال به سویس وحی کرد و فرمود:

بس کن و آرام بگیر، به عزّت و جلال خودم قسم آنچه را که تو برای خود فضیلت می‌دانی در قیاس با فضیلتی که به زمین کربلاء اعطاء نموده‌ام همچون

قطره‌ای است نسبت به آب دریا که سوزنی را در آن فرو برند و آن قطره را با خود بر دارد، و اساساً اگر خاک کربلاء نبود این فضیلت برای تو نبود و نیز اگر نبود آنچه که این خاک آن را در بر دارد تو را نمی‌آفریدم و بینی را که تو به آن افتخار می‌کنی خلق نمی‌کردم بنابراین آرام بگیر و ساکت باش و متواضع و خوار و نرم باش و نسبت به زمین کربلا استنکاف و استکبار و طغیانی از خود نشان مده و الا تو را فرو برده و در آتش جهنم قرار می‌دهم.

متن:

و حدیثی ابی و علی بن الحسین عن علی بن ابراهیم بن هاشم عن ابیه
عن محمد بن علی قال:

حدثنا عبّاد ابو سعید العُصفُری، عن عمر بن یزید بیّاع السّابری عن
جعفر ابن محمد رضی الله عنهما و ذکر مثلہ بکتاب بیروتی

ترجمه:

پدرم و علی بن الحسین از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از محمد بن علی نقل کرده‌اند که وی گفت: عبّاد ابو سعید عصفری، از عمر بن یزید که فروشنده جامه‌های سابری بود از حضرت جعفر بن محمد رضی الله عنهما نقل کرده و حدیثی مثل حدیث مذکور را روایت نموده است.

متن:

۳ - حدیثی ابوالعبّاس الکرّفی، عن محمد بن الحسین بن ابی الخطاب،
عن ابی سعید العُصفُری، عن عمر بن ثابت، عن ابی جعفر رضی الله عنهما
«قال: خلق الله تبارک و تعالی أرض کربلاء قبل أن یخلق الکعبة بأربعة

و عشرين ألف عام، و قدّسها و بارک علیها، فما زالت قبل خلق الله الخلق مقدّسة مباركة، ولا تزال كذلك حتى يجعلها الله أفضل أرض في الجنة و أفضل منزل و مسكن يسكن الله فيه أولياءه في الجنة».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

ابوالعبّاس کوفی، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از ابی سعید عصفری، از عمرو بن ثابت، از پدرش، از حضرت ابو جعفر علیه السلام، حضرت فرمودند: خداوند تبارک و تعالی بیست و چهار هزار سال پیش از خلقت کعبه زمین کربلاء را آفرید و آنرا مقدس و مبارک قرار داد و پیوسته قبل از خلقت مخلوقات مقدس و مبارک بود تا آن را برترین زمین در بهشت نمود و برترین منزل و مسکنی قرارش داد که اولیاء و دوستانش در بهشت در آن سکنا می‌گزینند.

مرکز تحقیقات کربلا و مدینه

متن:

۴ - حدّثني محمد بن جعفر القرشي الرزاز، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب عن أبي سعيد - عن بعض رجاله - عن أبي الجارود «قال: قال علي بن الحسين عليه السلام: اتخذ الله أرض كربلاء حراماً آمناً مباركاً قبل أن يخلق الله أرض الكعبة و يتخذها حراماً بأربعة و عشرين ألف عام، و أنه إذا زلزل الله تبارك و تعالی الأرض و سيرها رفعت كما هي بتربتها نورانية صافية، فجعلت في أفضل روضة من رياض الجنة، و أفضل مسكن في الجنة، لا يسكنها إلا النبيون و المرسلون - أو قال أولوا العزم من الرسل - و أنها لتزهر بين رياض الجنة كما يزهر الكوكب الدرّي بين الكواكب لأهل الأرض يغشي نورها أبصار أهل الجنة جميعاً، وهي

تنادی: أنا أرض الله المقدّسة الطيّبة المباركة التي تضمّنت سيّد الشهداء و سيّد شباب أهل الجنّة».

حدّثني أبي - رحمه الله - و عليّ بن الحسين؛ و جماعة مشايخي، عن عليّ ابن - إبراهيم، عن أبيه، عن محمّد بن عليّ، عن عبّاد أبي سعيد الغضنّريّ - عن رجل - عن أبي الجارود قال: قال عليّ بن الحسين عليه السلام - و ذكر مثله ...

ترجمه: ﴿ حدیث چهارم ﴾

محمد بن جعفر قرشی رزازی، از محمد بن حسین بن ابی الخطاب، از ابو سعید، از برخی رجالش، از ابی الجارود وی می گوید: حضرت علی بن الحسین علیه السلام فرمودند:

خلاوند متعال بیست و چهار هزار سال قبل از اینکه زمین کعبه را خلق کند و آن را حرم قرار دهد زمین کربلاء را آفرید و آن را حرم امن و مبارک گرداند، و هر گاه حق تعالی بخواهد کره زمین را لرزانده و حرکتش دهد (شاید کنایه از قیامت باشد) زمین کربلاء را همراه تربتش در حالی که نورانی و شفاف هست بالا برده و آن را در برترین باغ های بهشت قرار داده و بهترین مسکن در آنجا می گرداندش و ساکن نمی شود در آن مگر انبیاء و مرسلین (یا بجای این فقره فرمودند: و ساکن نمی شود در آن مگر رسولان اولوالعزم) این زمین بین باغ های بهشت می درخشد همان طوری که ستاره درخشنده بین ستارگان نورفشانی می نماید، نور این زمین چشم های اهل بهشت را تار می کند و با صدائی بلند می گوید:

من زمین مقدّس و طیب و پاکیزه و مبارکی هستم که سیدالشهداء و سرور جرانان اهل بهشت را در خود دارم.

پدرم رحمة الله علیه و علی بن الحسین و جماعتی از مشایخ و اساتیدم از علی

بن ابراهیم، از پدرش، از محمد بن علی از عباد ابی سعید عصفری، از شخصی از ابی الجارود نقل کرده، که وی گفت: علی بن الحسین علیه السلام فرمودند: ... و حدیثی مثل حدیث مذکور را ذکر نمودند.

متن:

۵- و روی «قال أبو جعفر علیه السلام: الغاضریة هی البقعة الّتی کلم الله فیها موسى بن عمران علیه السلام، و ناجی نوحاً فیها، و هی أکرم أرض الله علیه، و لولا ذلك ما استودع الله فیها أولیاءه و أنبیاءه، فزوروا قبورنا بالفاضریة».

۶- و قال أبو عبد الله علیه السلام: «الفاضریة تربةٌ من بیت المقدس».

۷- و عنها بهذا الإسناد عن أبي سعید العصفری، عن حماد بن آیوب، عن أبي عبد الله، عن أبائه، عن أمير المؤمنین علیه السلام «قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: یقبر ابني بأرض یقال لها: کربلاء، هی البقعة الّتی كانت فیها قبة الإسلام، الّتی نجا الله علیها المؤمنین الّذین آمنوا مع نوح فی الطوفان».

۸- و بإسناده عن ابن میثم القناری، عن الباقر علیه السلام «قال: من بات ليلة عرفة فی کربلاء و أقام بها حتی یعید و ینصرف و قاه الله شرّ سنته».

۹- و بهذا الإسناد عن علی بن حرب، عن الفضل بن یحیی، عن أبیه، عن أبي عبد الله علیه السلام «قال: زوروا کربلاء و لا تقطعوه، فإنّ خیر أولاد الأنبیاء ضمتته، ألا و إنّ الملائكة زارت کربلاء ألف عام من قبل أن یسکنه جدّی الحسین علیه السلام، و ما من ليلة تمضي إلا و جبرئیل و میکائیل یزورانها، فاجتهد یا یحیی أن لا تفقد من ذلك الموطن».

ترجمه:

﴿ حدیث پنجم ﴾

در روایتی آمده است که حضرت ابو جعفر علیه السلام فرمودند:

غاضریه مکانی است که خداوند متعال در آنجا با موسی بن عمران علیه السلام تکلم نمود و با حضرت نوح مناجات کرد، این زمین کریم ترین و شریف ترین بقاع روی زمین بوده و اگر این معنا نبود هرگز خداوند متعال اولیاء و انبیائش را در آن به ودیعه نمی گذارد، پس بر شما است که قبور ما را در غاضریه زیارت کنید.

﴿ حدیث ششم ﴾

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

غاضریه تریتی است از بیت المقدس



﴿ حدیث هفتم ﴾

از پدرم و علی بن الحسین بن بابویه با همان اسناد (اسناد حدیث نبل از شماره (۵)، از ابی سعید عصفری از حماد بن ایوب، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، از پدران گرامش، از امیرالمؤمنین علیه السلام):

حضرت فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

فرزندم در زمینی دفن می شود که به آن «کربلاء» می گویند:

کربلاء بقعه و مکانی است که در آن قبة الاسلام (مراد بصره است) بوده و این همان مکانی است که حق تعالی در طوفان نوح مؤمنینی را که به آن حضرت ایمان داشتند همراه، آن جناب نجات داد و از آن مهلکه رهایی داد.

﴿ حدیث هشتم ﴾

پدرم به اسنادش از ابن میثم تمّار، از حضرت باقر علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمود:

کسی که شب عرفه در کربلاء بیتوته کرده و آن شب را به عبادت بپا دارد تا وقتی که مراجعت کند خداوند مَنّان او را از شرّ آن سال حفظ می‌نماید.

حدیث نهم

پدرم با همین سند از علی بن حرب از فضل بن یحیی از پدرش از حضرت ابی‌عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

کربلاء را زیارت کنید و آن را ترک نکنید زیرا این سرزمین بهترین فرزندان آدم علیه السلام را در خود گرفته، بدانید و آگاه باشید هزار سال قبل از اینکه جدّم حسین علیه السلام در آن ساکن گردد فرشتگان این سرزمین را زیارت کرده‌اند و شبی منقضی نمی‌شود مگر آنکه جبرئیل و میکائیل این مکان را زیارت می‌کنند، بنابراین این ای یحیی (مقصود «یحیی» پدر «فضل» می‌باشد)

سعی کن این مکان از تو فوت نشود و از دستت نرود.

متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَجَمَاعَةٌ مَشَائِخِي - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونِ الْقَدَّاحِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام «قَالَ: مَرَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام بِكَرْبَلَاءَ فِي أَنْاسٍ مِنْ أَصْحَابِهِ فَلَمَّا مَرَّ بِهَا اغْرَوْرَقَتْ عَيْنَاهُ بِالْبُكَاءِ، ثُمَّ قَالَ: هَذَا مَنَاحُ رِكَابِهِمْ وَهَذَا مُلْقَى رِحَالِهِمْ، وَهنا تُهْرَقُ دِمَاؤُهُمْ، طَوْبِي لَكَ مِنْ تَرَبَةِ عَلِيكَ تُهْرَقُ دِمَاءُ الْأَحِبَّةِ.»

ترجمه:

﴿ حدیث دهم ﴾

پدرم و جماعتی از اساتیدم رحمة الله علیهم، از سعید بن عبدالله، از احمد ابن محمد بن عیسی، از جعفر بن محمد بن سعیدالله، از عبدالله میمون قدأح، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام آن حضرت فرمودند:

وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام در بین گروهی از اصحابشان به کربلاء عبور نمودند چشمهای مبارکشان غرق در اشک شد و سخت گریستند سپس فرمودند: اینجا محل خواباندن مرکب‌هایشان بوده، و اینجا محل گذاردن اثاثشان می‌باشد و اینجا خون‌هایشان می‌ریزد، سپس به زمین خطاب کرده و فرمودند: خوشا به حالت ای زمین که بر روی تو خون‌های دوستان خدا می‌ریزد.

متن:

۱۱ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَثِيلٍ، عَنِ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ، عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ - عَمَّنْ حَدَّثَهُ - عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: خَرَجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عليه السلام يَسِيرُ بِالنَّاسِ حَتَّى إِذَا كَانَ مِنْ كَرْبَلَاءَ عَلَى مَسِيرَةِ مِيلٍ أَوْ مِيلَيْنِ تَقَدَّمَ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ حَتَّى صَارَ بِمَصَارِعِ الشُّهَدَاءِ، ثُمَّ قَالَ: قَبِضْ فِيهَا مَائَتَا نَبِيٍّ وَمَائَتَا وَحِيٍّ وَمَائَتَا سَبِطٍ، كُلُّهُمْ شُهَدَاءٌ بِاتِّبَاعِهِمْ. فَطَافَ بِهَا عَلَى بَغْلَتِهِ خَارِجاً رِجْلَهُ مِنَ الرِّكَابِ فَأَنشَأَ يَقُولُ: مَنَاخَ رِكَابٍ وَمَصَارِعَ الشُّهَدَاءِ، لَا يَسْبِقُهُمْ مِنْ كَانَتْ قَبْلَهُمْ وَلَا يَلْحَقُهُمْ مِنْ أَتَى بَعْدَهُمْ.»

ترجمه:

﴿ حدیث یازدهم ﴾

پدرم و محمد بن الحسن، از حسن بن مثیل، از سهیل بن زیاد، از علی بن اسباط، از محمد بن سنان از کسی که برایش نقل نموده، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام،

آن حضرت فرمودند:

امیرالمؤمنین علی علیه السلام با جماعتی از مردم از شهر خارج شده تا به یک یا دو میلی کربلاء و به محل افتادن شهداء رسیدند سپس فرمودند:

در این مکان دویست پیغمبر و دویست رسی پیغمبر و دویست سبط پیغمبر قبض روح شده که تمام آنها شهید هستند، پس از این کلام پای مبارک از رکاب بیرون آورده و در حالی که روی قاطر بودند آن مکان را طواف کرده و در حین طواف می فرمودند:

محل خواباندن مرکبها، و محل افتادن شهداء، شهداء قبل از ایشان بر آنها سبقت نگرفته اند و کسانی هم که بعد از آنها خواهند آمد به ایشان ملحق نخواهند شد.

مترجم گوید:

این عبارت کتابه است از اینکه از بد و خلقت تا انقراض عالم هیچ یک از شهداء مقام و منزلت شهداء کربلاء را ندارند.

متن:

۱۲ - حَدَّثَنِي أَبِي وَ جَمَاعَةٌ مَشَائِخِي - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ شَابِثٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام «قَالَ: خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى كَرْبَلَاءَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ الْكَعْبَةَ بِأَرْبَعَةِ وَعَشْرِينَ أَلْفَ عَامٍ، وَ قَدَّسَهَا وَ بَارَكَ عَلَيْهَا، فَازَالَتْ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ الْخَلْقَ مَقْدَسَةً مَبَارَكَةً، وَ لَا تَزَالُ كَذَلِكَ، وَ يَجْعَلُهَا أَفْضَلَ أَرْضٍ فِي الْجَنَّةِ».

۱۳ - وَ رَوَى هَذَا الْحَدِيثَ جَمَاعَةٌ مَشَائِخُنَا - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - : أَبِي؛ وَ

أخي؛ و غيرهم، عن أحمد بن إدريس، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن علي، عن أبي سعيد القُصْرِيُّ، عن عمرو بن ثابت أبي المقدام، عن أبيه، عن أبي جعفر عليه السلام مثله، و زاد فيه: «و أفضل منزل و مسكن يسكن الله فيه أولياءه في الجنة».

حدَّثني أبي؛ و أخي؛ و علي بن الحسين، عن علي بن إبراهيم بن هاشم، عن أبيه، عن محمد بن علي قال، حدَّثنا عبيد أبو سعيد القُصْرِيُّ، عن عمرو بن - ثابت أبي المقدام، عن أبيه، عن أبي جعفر عليه السلام - و ذكر مثله مع الزيادة -.

﴿ حدیث دوازدهم ﴾

ترجمه:

پدرم و جماعتی از اساتیدم رحمة الله عليهم، از محمد بن یحیی العطار، از محمد بن الحسین، از محمد بن سنان، از عمرو بن ثابت از پدرش از حضرت ابی جعفر عليه السلام، آن حضرت فرمودند:

خداوند متعال کربلاء را بیست و چهار هزار سال قبل از کعبه آفرید و آن را مقدس و مبارک قرار داد و پیوسته قبل از خلقت مخلوقات مقدس و مبارک بود و بعد از آفرینش آنها نیز چنین می باشد.

حق تبارک و تعالی آن را با فضیلت ترین زمین های در بهشت قرار داده است.

﴿ حدیث سیزدهم ﴾

این حدیث را گروهی از اساتید ما رحمة الله عليهم نقل کرده اند، ایشان پدرم و برادرم و غیر آنها بوده که از احمد بن ادريس و او از محمد بن احمد و او از محمد بن الحسین و او از محمد بن علی و او از ابوسعید عصفری و او از عمرو بن ثابت ابی المقدام و او از پدرش و او از حضرت ابی جعفر عليه السلام مثل آن را نقل

کرده منتهی فقره ذیل را به آن افزوده است:

و برترین منزل و مسکنی است که خداوند متعال دوستانش را در بهشت در آن اسکان می‌دهد.

پدرم و برادرم و علی بن الحسین، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش محمد بن علی، وی می‌گوید: عبّاد ابو سعید عصفری برایم از عمرو بن ثابت ابی المقداد و او از پدرش و او از حضرت ابو جعفر علیه السلام نقل کرده و مثل حدیث گذشته (حدیث دوازدهم) را با زیادی (یعنی همان فقره زائد که بعداً نقل کردیم) ذکر نموده است.

متن:

۱۴ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبَّادُ أَبُو سَعِيدٍ الْعُصْفَرِيُّ، عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَضَّلَ الْأَرْضِينَ وَالْمِيَاهَ بَعْضَهَا عَلَى بَعْضٍ، فَمِنْهَا مَا تَفَاخَرَتْ وَمِنْهَا مَا بَغَتْ، فَمَا مِنْ مَاءٍ وَلَا أَرْضٍ إِلَّا عَوَّجَتْ لِتُرْكَهَا التَّوَّاضِعُ لِلَّهِ حَتَّى سَلَطَ اللَّهُ الْمُشْرِكِينَ عَلَى الْكَعْبَةِ، وَأَرْسَلَ إِلَى زَمْزَمَ مَاءً مَالِحاً حَتَّى أَنْسَدَ طَعْمَهُ، وَإِنَّ أَرْضَ كَرْبَلَاءَ وَمَاءَ الْفُرَاتِ أَوَّلُ أَرْضٍ وَأَوَّلُ مَاءٍ قَدَّسَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، فَبَارَكَ اللَّهُ عَلَيْهَا فَقَالَ لَهَا: تَكَلَّمِي بِمَا فَضَّلَكَ اللَّهُ تَعَالَى فَقَدْ تَفَاخَرَتِ الْأَرْضُونَ وَالْمِيَاهُ بَعْضَهَا عَلَى بَعْضٍ؟! قَالَتْ: أَنَا أَرْضُ اللَّهِ الْمُقَدَّسَةِ الْمُبَارَكَةِ؛ الشِّقَاءُ فِي تُرْبَتِي وَمَائِي، وَلَا فُخْرَ، بَلْ خَاضِعَةٌ ذَلِيلَةٌ لِمَنْ فَعَلَ بِي ذَلِكَ، وَلَا فُخْرَ عَلَيَّ مِنْ دُونِي، بَلْ شُكْرًا لِلَّهِ. فَأَكْرَمَهَا وَزَادَ فِي تَوَاضِعِهَا وَشَكَرَهَا اللَّهُ بِالْحُسَيْنِ عليه السلام وَأَصْحَابِهِ، ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ وَ مَنْ تَكَبَّرَ وَضَعَهُ اللَّهُ تَعَالَى.»

ترجمه: ﴿ حدیث چهاردهم ﴾

پدرم رحمة الله عليه، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش از محمد بن علی، وی می گوید: عباد ابوسعید عصفری از صفوان جمال برای ما نقل کرد که او گفت:

شنیدم حضرت اباعبدالله علیه السلام می فرمودند:

خداوند تبارک و تعالی برخی از زمین، و آب ها را بر بعضی دیگر تفضیل و برتری داد، پاره ای تفاخر و تکبر نموده و تعدادی از آنها ستم و تعدی نمودند از اینرو آب و زمین نماند مگر آنکه مورد عقاب الهی قرار گرفت زیرا تواضع و فروتنی در مقابل خدا را ترک کردند حتی خداوند متعال مشرکین را بر کعبه مسلط کرد و به زمزم آبی شور وارد نمود تا طعمش فاسد گردید.

ولی زمین کربلاء و آب فرات اولین زمین و اولین آبی هستند که خداوند متعال مقدس و پاکیزه شان نمود و برکت به آنها داد و سپس به آن زمین فرمود: سخن گو به آنچه خدا تو را به آن فضیلت داده مگر نبوده که زمین ها و آب ها بعضی بر برخی دیگر تفاخر و تکبر نمودند؟!

زمین کربلاء عرضه داشت: من زمین خدا بوده که من را مقدس و مبارک آفرید، شفاء را در تربت و آب من قرار داد، هیچ فخری نکرده بلکه در مقابل آن کس که این فضیلت را به من داده فروتن و ذلیل می باشم، چنانچه بر زمین های درن خود نیز فخر نمی کنم بلکه خدا را شکر و سپاس می کنم پس خداوند متعال بواسطه حسین علیه السلام و اصحابش آن سرزمین را مورد اکرام قرار داد و در تواضع و فروتنی و شکرش افزود سپس حضرت ابوعبدالله علیه السلام فرمودند:

کسی که برای خدا تواضع و فروتنی کند حق تعالی او را بلند کند و کسی که تکبر نماید وی را پست و ذلیل خواهد نمود.

﴿ الباب التاسع والثمانون ﴾

﴿ فضل الحائر و حرّمته ﴾

متن:

۱- حدّثنی الحسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، عن أبیه عبدالله بن محمد بن عیسی، عن الحسن بن محبوب، عن إسحاق بن عمار «قال: سمعت أبا عبدالله ﷺ يقول: موضع قبر الحسين بن عليّ ﷺ منذ يوم ذُفِنَ فيه رَوْضَةٌ من رياض الجنة، و قال: موضع قبر الحسين ﷺ تُرْوَعَةٌ من تُرْعِ الجَنَّةِ».

۲- حدّثنی أبي؛ و جماعة مشايخي، عن سعد بن عبدالله، عن محمد بن عیسی بن عبید الیقظینی، عن محمد بن إسماعیل البصری - عن رواه - عن أبي عبدالله ﷺ «قال: حُرْمَةٌ قبر الحسين فرسخ في فرسخ من أربعة جوانبه».

۳- حدّثنی حکیم بن داود بن حکیم - رحمه الله - عن سلّمة بن الخطاب، عن منصور بن العباس - يرفعه إلى أبي عبدالله ﷺ - «قال: حريم قبر الحسين ﷺ خمس فراسخ من أربعة جوانب القبر».

﴿ باب هشتاد و نهم ﴾

﴿ فضیلت حائر حسینی ﷺ و حرمت آن ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش عبدالله بن محمد بن عیسی، از حسن بن محبوب، از اسحاق بن عمار ری گفت: شنیدم حضرت ابو عبدالله ﷺ

می فرمودند:

محل قبر حسین بن علی علیه السلام روزی که در آن دفن شدند باغی بود از باغ های بهشت و فرمود:
موضع قبر حسین علیه السلام باغی مرتفع بود از باغهای مرتفع بهشت.

﴿ حدیث دوم ﴾

پدرم و جماعتی از اساتیدم، از سعد بن عبدالله، از محمد بن عیسی بن عبید یقطینی، از محمد بن اسماعیل بصری، از کسی که برایش روایت نموده، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:
حرم قبر حسین علیه السلام یک فرسخ در یک فرسخ از چهار طرف می باشد.

﴿ حدیث سوم ﴾

حکیم بن داود بن حکیم رحمه الله علیه، از سلمه بن خطاب، از منصور بن عباس حدیث را تا حضرت ابی عبدالله علیه السلام مرفوعه نقل کرده و گفته است:
حضرت ابی عبدالله علیه السلام فرمودند:
حرم قبر حسین علیه السلام پنج فرسخ از چهار جانب قبر می باشد.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَجْبُوبٍ، عَنِ إِسْحَاقِ بْنِ عَمَّارٍ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: إِنَّ لِمَوْضِعِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام حَرَمَةً مَعْلُومَةً، مِنْ غَرَفِهَا وَاسْتِجَارِهَا أُجِيرٌ، قُلْتُ: فَصِفْ لِي مَوْضِعَهَا جُعِلَتْ فِدَاكَ، قَالَ: أَمْسَحْ مِنْ مَوْضِعِ قَبْرِهِ الْيَوْمَ، فَاَمْسَحْ خَمْسَةَ وَعِشْرِينَ ذِرَاعًا مِنْ

ناحیه رِجْلِیْهِ و خَمْسَةَ و عَشْرَیْنَ ذِرَاعاً نَحْوَ یَمَنِ وَجْهَهُ، و خَمْسَةَ و عَشْرَیْنَ ذِرَاعاً مِنْ خَلْفِهِ، و خَمْسَةَ و عَشْرَیْنَ ذِرَاعاً مِنْ نَاحِیَةِ رَأْسِهِ، و مَوْضِعَ قَبْرِهِ مُتَذَرِّعٌ یَوْمَ دُفِنَ رَوْضَةً مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّةِ، و مِنْهُ مَعْرَاجٌ یَعْرَجُ فِیهِ بِأَعْمَالِ زَوَّارِهِ إِلَى السَّمَاءِ، فَلَیْسَ مَلَكٌ وَلَا نَبِیٌّ فِی السَّمَاوَاتِ إِلَّا وَهُمْ یَسْأَلُونَ - اللَّهُ أَنْ یَأْذَنَ لَهُمْ فِی زِیَارَةِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ ﷺ، فَفُوجٌ یَنْزِلُ وَفُوجٌ یَعْرَجُ».

۵ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَجَمَاعَةٌ مَشَايِخِي - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَشْعَثِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْأَنْصَارِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ «قَالَ: نَمَعْتُهُ يَقُولُ: قَبْرُ الْحُسَيْنِ ﷺ عِشْرُونَ ذِرَاعاً فِي عِشْرِينَ ذِرَاعاً مُكْتَسِراً رَوْضَةً مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّةِ - وَذَكَرَ الْحَدِيثَ بِسُوءِ وَعْتِهِ، عَنْ سَعْدٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ - مِثْلَهُ.

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزازی، از محمد بن الحسین بن الخطّاب، از حسن بن محبوب، از اسحاق بن عمّار، ری می گویند:
از حضرت اباعبدالله ﷺ شنیدم که می فرمودند:
برای جای قبر حسین بن علی ﷺ حریم معلومی می باشد، کسی که آن را بداند و پنهانده به آن شود پناه داده می شود.
محضرش عرضه داشتم: فدایت شوم مکان حریم قبر را برای من بیان فرمائید:
حضرت فرمودند:

از مکانی که امروز قبر آن است این طور ارزیابی کن:
 از هر یک جوانب چهارگانه یعنی: جانب پا و جلو و پشت و سر بیست و پنج
 ذراع اندازه بگیر و مساحتی که از ملاحظه آن بدست می آید حریم قبر می باشد.
 و مکان قبر روزی که حضرت در آن دفن شدند باغی از باغهای بهشت بوده،
 و در همان جا نردبانی نصب شده و اعمال زوار آن جناب را بوسیله آن به آسمان
 می برند و هیچ فرشته و پیامبری در آسمان نیست مگر از خدا در خواست می کند
 که به او اذن زیارت قبر حسین علیه السلام داده شود پس دستهای برای زیارت به پائین
 آمده و گروهی پس از زیارت به بالا می روند.

﴿ حدیث پنجم ﴾

پدرم و جماعتی از اساتیدم رحمة الله علیهم؛ از سعد بن عبدالله، از هارون بن
 مسلم، از عبدالرحمن اشعث از عبدالله بن حماد انصاری، از عبدالله بن سنان، از
 حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی گفت: شنیدم که حضرت می فرمودند:
 قبر حسین علیه السلام به مساحت بیست ذراع در بیست ذراع باغی است از باغهای
 بهشت و به دنیال آن همان حدیث گذشته را ذکر فرمودند.
 و از پدرم، از سعد، از احمد بن محمد، از حسن بن علی و شاه از اسحاق بن
 عمار، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام مثل همان حدیث مذکور نقل شده است.

﴿ الباب التسعون ﴾

﴿ إِنَّ الْحَائِرَ مِنَ الْمَوَاضِعِ الَّتِي يَحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُدْعَى فِيهَا ﴾

معنی:

۱ - حدیثی ابی؛ و محمد بن الحسن، عن الحسن بن مئیل، عن سهل
 بن زیاد، عن ابی هاشم الجعفری «قال: بعث إلى أبوالحسن علیه السلام فی

مرضه؛ و إلى محمد بن حمزة، فسبقني إليه محمد بن حمزة فأخبرني أنه ما زال يقول: ابعثوا إلى الحائر [ابعثوا إلى الحائر]، فقلت لمحمد: ألا قلت: أنا أذهب إلى الحائر؟!.

ثم دخلت عليه فقلت له: جُعِلت فداك أنا أذهب إلى الحائر، فقال: انظروا في ذلك، ثم قال: إنَّ محمدًا ليس له سرٌّ من زيد بن عليٍّ، و أنا أكره أن يسمع ذلك، قال: فذكرت ذلك لِعليِّ بن بلال، فقال: ما كان يصنع بالحائر و هو الحائر!

فقدمت العسكرى فدخلت عليه، فقال لي: أجلس - حين أردت القيام - فلما رأيته أنس بي ذكرت قول عليِّ بن بلال، فقال لي: ألا قلت له: إنَّ رسول - الله صلَّى الله عليه وآله كان يطوف بالبيت و يقبل الحجر، و حرمة النبي صلَّى الله عليه وآله و المؤمن أعظم من حرمة البيت، و أمره الله أن يقف بعرفة، إنما هي مواطن يحبُّ الله أن يذكر فيها، فأنا أحبُّ أن يدعى لي حيث يحبُّ الله أن يدعى فيها، و الحائر من تلك المواضع».

﴿ باب نرد ﴾

﴿ حائز حسینی علیه السلام از مواضعی است که ﴾

﴿ دعاء در آن محبوب خدا می باشد ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن الحسن؛ از حسن بن منیل، از سهل بن زیاد، از ابی هاشم جعفری، وی می گوید: حضرت ابوالحسن علیه السلام در حال بیماری، من و محمد بن حمزه را فرا خواندند، محمد بن حمزه بر من سبقت گرفت و زودتر از من به

خدمتش شتافت و بعداً به من خبر داد که آن جناب پیوسته می فرمودند:
 شخصی را به حائر حسینی بفرستید تا برای من دعاء کند.
 من به محمد گفتم: آیا محضرش عرض نکردی، من به حائر می روم؟!
 سپس بر آن حضرت وارد شده و عرضه داشتم: فدایت شوم من به حائر
 می روم.

حضرت فرمودند:

در این عمل دقت و احتیاط کنید کسی مطلع نشود، سپس فرمودند:
 محمد (ابن حمزه) سر زید بن علی را نگاه نداشت بلکه فاش کرد در حالی که
 من کراهت داشتم به سمع دیگران برسد.
 ابوهاشم جعفری می گوید: این فرموده امام علیه السلام را به علی بن بلال گفتم و به
 ری رساندم که حضرت می فرمودند کسی را به حائر فرستاده تا برای من دعاء
 کند.

مرکز تحقیقات کربلا و مدینه

علی بن بلال گفت: حضرت چه کاری با حائر داشتند، خودشان حائر هستند!
 من به عسکر رفته و بر آن جناب داخل گشته و مقداری که خدمتش بودم
 خواستم بلند شده و بروم. حضرت به من فرمودند:
 بنشین، پس چون عنایت و لطف حضرت را به خود دیدم نشسته و کلام علی
 بن بلال را محضرش باز گو نمودم.
 حضرت فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله در اطراف خانه خدا طواف می کردند و حجرالاسود را
 می بوسیدند در حالیکه حرمت پیامبر و مؤمن بالاتر از حرمت بیت الله می باشد نیز
 خداوند متعال به حضرتش امر فرمود در عرفه و قوف کنند با اینکه حرمت پیامبر
 از عرفه بیشتر و بالاتر است و سر آن این است که:

این گونه مواضع، مواطن و اماکنی هستند که خدا دوست دارد در آنها یاد
 شود؛ پس من نیز درست دارم برای من در جایی دعا شود که خدا دعا در آنجا را

درست دارد و حائِرِ حَسِينِي ﷺ نیز از همین گونه مواضع می باشد.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَجَمَاعَةٌ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ - عَيْسَى، عَنْ أَبِي هَاشِمِ الْجَعْفَرِيِّ «قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَ مُحَمَّدُ بْنُ حَمزَةَ عَلَيْهِ نَعُودُهُ وَ هُوَ عَلِيلٌ، فَقَالَ لَنَا: وَ جَهُوا قَوْمًا إِلَى الْحَائِرِ بْنِ مَالِي، فَلَمَّا خَرَجْنَا مِنْ عِنْدِهِ قَالَ لِي مُحَمَّدُ بْنُ حَمزَةَ: الْمَشِيرُ يُوَجِّهُنَا إِلَى الْحَائِرِ وَ هُوَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ فِي الْحَائِرِ، قَالَ: فَعَدْتُ إِلَيْهِ فَأَخْبَرْتَهُ، فَقَالَ لِي: لَيْسَ هُوَ هَكَذَا، إِنَّ لِلَّهِ مَوَاضِعَ يُحِبُّ أَنْ يَعْبُدَ فِيهَا، وَ حَائِرِ الْحُسَيْنِ ﷺ مِنْ تِلْكَ الْمَوَاضِعِ».

۳ - قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْمُغِيرَةِ: وَ حَدَّثَنِي أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ ابْنِ - عَلِيِّ الرَّازِيِّ الْمَعْرُوفِ بِالْوَهْرَدِيِّ بَنِيْسَابُورٍ بِهَذَا الْحَدِيثِ، وَ ذَكَرَ فِي آخِرِهِ غَيْرَ مَا مَضَى فِي الْحَدِيثَيْنِ الْأَوَّلَيْنِ، أَحَبَبْتُ شَرْحَهُ فِي هَذَا الْبَابِ لِأَنَّهُ مِنْهُ:

قال أبو محمد الوهردي: حَدَّثَنِي أَبُو عَلِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ هَتَامٍ - رَحِمَهُ اللَّهُ - قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ الْحَمِيرِيُّ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو هَاشِمِ الْجَعْفَرِيُّ «قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي - الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ هُوَ مَحْمُومٌ عَلِيلٌ، فَقَالَ لِي: يَا أَبَا هَاشِمٍ ابْعَثْ رَجُلًا مِنْ مَوَالِينَا إِلَى الْحَائِرِ يَدْعُوا لِلَّهِ لِي، فَخَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهِ فَاسْتَقْبَلَنِي عَلِيُّ بْنُ بِلَالٍ فَأَعْلَمْتُهُ مَا قَالَ لِي، وَسَأَلْتُهُ أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ الَّذِي يَخْرُجُ، فَقَالَ: السَّمْعُ وَالطَّاعَةُ وَلَكِنِّي أَقُولُ: أَنَّهُ أَفْضَلُ مِنَ الْحَائِرِ إِذْ كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ فِي الْحَائِرِ، وَ دَعَاؤُهُ لِنَفْسِهِ أَفْضَلُ مِنْ دَعَائِي لَهُ بِالْحَائِرِ!

فَاعْلَمْتَهُ ﷺ مَا قَالَ: فَقَالَ لِي: قُلْ لَهُ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَفْضَلَ مِنْ
الْبَيْتِ وَالْحَجَرِ، وَكَانَ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ وَيَسْتَلِمُ الْحَجَرَ، وَإِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى
بِقَاعاً يَحِبُّ أَنْ يُدْعَى فِيهَا فَيَسْتَجِيبُ لِمَنْ دَعَاهُ، وَالْحَائِرُ مِنْهَا».

ترجمه: ﴿ حدیث دوم ﴾

علی بن الحسین و جماعتی از سعد بن عبداللہ، از محمد بن عیسی، از
ابی هاشم جعفری، وی می گوید:

من و محمد بن حمزه بر حضرت عسکری علیه السلام وارد شده و عیادتش کردیم در
حالی که آن حضرت بیمار بودند، حضرت به ما فرمودند:

از مال من گروهی را به حائر گسیل دارید.

ما وقتی از خدمتش مرخص شده و بیرون آمدیم، محمد بن حمزه به من
گفت:

حضرت ما را به حائر سوق دادند در حالی که خود ایشان به منزله همان کسی
است که در حائر می باشد (یعنی حضرت سیدالشهدا).

ابو هاشم می گوید: دوباره نزد حضرتش رفته مقاله محمد بن حمزه را
محضرش گفتم، حضرت فرمودند.

این طور نیست که او می گوید، خداوند متعال مواضعی دارد که می خواهد در
آنها عبادت شود و حائر حسینی از آنها است.

﴿ حدیث سوم ﴾

حسین بن احمد بن مغیره می گوید:

ابو محمد حسن بن احمد بن علی رازی معروف به «و هوردی» در نیشابور

این حدیث را برایم نقل کرد و در پایان آن فقره ای غیر از آنچه در دو حدیث اول

و درم گذشت را ذکر نموده، که دوست داشتم در این باب شرحش دهم زیرا جزء این باب و توضیح آن چنین است:
ابومحمد و هوردی می گوید:

ابو علی محمد بن همام رحمه الله علیه گفت: محمد حمیری برایم نقل کرد که ابوهاشم جعفری گفت: بر حضرت ابی الحسن علی بن محمد سلام الله علیهما وارد شدم در حال که حضرت تب دار و بیمار بودند به من فرمودند:
ای اباهاشم شخصی از دوستان ما را به حائره بفرست تا برایم دعاء کند، از نزد آن حضرت بیرون آمدم در این هنگام با علی بن بلال مواجه شدم فرموده حضرت را برایش بازگو نموده و از وی راجع به شخصی که حضرت فرموده اند درخواست کرده و جویا شدم.

علی بن بلال گفت: شنیدم و اطاعت می کنم ولی می گویم: حضرت خودشان از حائره افضل و برتر هستند زیرا ایشان به منزله کسی است که در حائره می باشد (یعنی حضرت سیدالشهداء) و دعاء آن جناب برای خودشان افضل و برتر است از دعاء من برای ایشان در حائره.

من محضر امام علیه السلام مشرف شده و مقاله علی بن بلال را خدمتش عرض کردم، حضرت به من فرمودند: به او بگو: رسول خدا از بیت و حجر الاسود افضل بودند ولی در عین حال دور بیت طواف می کرده و حجر را استلام می فرمودند، خداوند متعال بقاع و مواضعی دارد که می خواهد در آن جاها خوانده شود تا دعاء، دعا کننده را مستجاب فرماید و حائره از جمله این مواضع می باشد.

﴿ الباب الحادي و التسعون ﴾

﴿ ما يستحب من طين قبر الحسين عليه السلام و أنه شفاء ﴾

متن:

۱ - حدَّثني محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار، عن أحمد بن - محمد بن عيسى، عن الحسن بن علي بن فضال، عن كرام، عن ابن أبي يعفور «قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: يأخذ الإنسان من طين قبر الحسين عليه السلام فينتفع به و يأخذ غيره فلا ينتفع به؟ فقال: لا؛ واللّه الذي لا إله إلا هو ما يأخذه أحدٌ وهو يرى أنّ الله ينفعه به إلا نفعه الله به».



﴿ باب ثود و يكم ﴾

﴿ شفاء بودن تربت قبر حضرت امام حسين عليه السلام ﴾

﴿ و مقدار مستحب بودن آن ﴾

ترجمه:

﴿ حديث اول ﴾

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عيسى، از حسن بن علي بن فضال، از كرام، از ابن ابى يعفور، وى مى گويد: محضر حضرت ابى عبد الله عليه السلام عرضه داشتيم:

آيا اين طور است كه شخص تربت قبر امام حسين عليه السلام را وقتى اخذ نمود از آن انتفاع برده ولى تربت غير آن حضرت را وقتى اخذ كرد نمى تواند از آن نفع

ببرد؟

حضرت فرمودند:

نه این طور نیست که مجرد اخذ نمودن تربت این اثر را داشته باشد، به خدائی که مهبودی غیر از او وجود ندارد اخذ نمی‌کند احدی تربت قبر آن حضرت را در حالی که معتقد است خداوند با آن نفع به او می‌رساند مگر آنکه حتماً از آن منتفع می‌شود.

مترجم گوید:

آنچه از این حدیث استفاده می‌شود آن است که اثر تربت زمانی است که شخص معتقد به آن باشد و الاً صرف اخذ تربت بدون اعتقاد تاثیر البته مؤثر نمی‌باشد.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا - «قَالَ: دَفَعْتُ إِلَى امْرَأَةٍ غَزْلاً فَقَالَتْ: ادْفَعِهِ إِلَى حُجْبَةِ مَكَّةَ لِيَخَاطَ بِهِ كِسْوَةَ الْكَعْبَةِ، قَالَ: فَكْرَهْتُ أَنْ أَدْفَعَهُ إِلَى الْحُجْبَةِ وَأَنَا أَعْرِفُهُمْ، فَلَمَّا أَنْ صِرْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنَّ امْرَأَةً أُعْطِثْنِي غَزْلاً فَقَالَتْ: ادْفَعِهِ بِمَكَّةَ لِيَخَاطَ بِهِ كِسْوَةَ الْكَعْبَةِ؛ فَكْرَهْتُ أَنْ أَدْفَعَهُ إِلَى الْحُجْبَةِ، فَقَالَ: اشْتَرِ بِهِ عَسَلًا وَزَعْفَرَانَ وَخُذْ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَاعْجِنَهُ بِمَاءِ السَّمَاءِ وَاجْعَلْ فِيهِ مِنَ الْعَسَلِ وَالزَّعْفَرَانِ وَفَرِّقْهُ عَلَى الشَّيْئَةِ لِيَدَاوُوا بِهِ مَرْضَاهُمْ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله، از پدرش از ابی عبدالله برقی، از برخی اصحاب، وی

گفت:

زنی پشم رسیده‌ای را به من داد و گفت آن را به پرده داران کعبه بده تا با آن برای کعبه پرده درست نمایند، وی گفت: چون پرده داران را می‌شناختم کراهت داشتم آن را به ایشان بدهم پس وقتی به مدینه رسیدم محضر مبارک حضرت ابی جعفر علیه السلام رسیده به ایشان عرض کردم: فدایت شوم زنی پشمی رسیده به من داده و گفته که آن را به پرده داران کعبه بدهم تا پرده‌ای از آن برای کعبه درست کنند، من از دادن پشم به ایشان کراهت دارم تکلیف چیست؟
حضرت فرمودند:

با آن غسل و زعفران خریده و از فیر حسین علیه السلام مقداری تربت بردار و آن را با آب باران عجین نما و در آن غسل و زعفران را بریز و سپس معجون بدست آمده را بین شیعیان تقسیم نما تا با آن مریض‌های خود را مداوا کنند.



متن:

۳- حدَّثني أبي. عن سعد بن عبد الله، عن محمد بن عيسى، عن محمد بن - إسماعيل البصري، و لقبه فهد - عن بعض رجاله - عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: طين قبر الحسين عليه السلام شفاء من كل داء».

۴- و عنه، عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن الحسين بن سعيد، عن أبيه، عن محمد بن سليمان البصري، عن أبيه عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: في طين قبر الحسين عليه السلام الشفاء من كل داء، وهو الدواء الأكبر».

۵- حدَّثني محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسين - عن شيخ من أصحابنا - عن أبي الصَّبَّاح الكِنَانِي، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: طين قبر الحسين عليه السلام فيه شفاء وإن أخذ على رأس ميل».

۶- و روي عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: من أصابته علة فبدء بطين قبر

الحسین علیه السلام شَفَاهُ اللَّهُ مِنْ تِلْكَ الْعِلَّةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ عِلَّةَ السَّامِ».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

پدرم از سعد بن عبدالله، از محمد بن عیسی، از محمد بن اسماعیل بصری که لقبش فهد می باشد از برخی رجالش از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

تربت قبر حضرت امام حسین علیه السلام شفاء هر دردی می باشد.

﴿ حدیث چهارم ﴾

و از پدرم، سعد بن عبدالله، از احمد بن الحسین بن سعید، از پدرش، از محمد بن سلیمان بصری، از پدرش، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل شده که آن حضرت فرمودند: در تربت قبر امام حسین علیه السلام شفاء هر دردی بوده و آن دواء اکبر می باشد.

﴿ حدیث پنجم ﴾

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از بزرگی از اصحاب ما، از ابی الصباح کنائی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند: تربت قبر امام حسین علیه السلام در آن شفاء بوده اگر چه به قدر سر میل (میلی که با آن سره می کشتند) باشد.

﴿ حدیث ششم ﴾

از حضرت ابی عبدالله علیه السلام مروی است که فرمودند: کسی که مرض و بیماری بر او عارض شده اگر قبل از خوردن هر دارویی تربت قبر امام حسین علیه السلام را بخورد خداوند مئان او را از آن مرض شفا می دهد مگر از مرگ.

متن:

٧- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادِ الْبَصْرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُذَلِّجٌ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ «قَالَ: خَرَجْتُ إِلَى الْمَدِينَةِ وَأَنَا وَجِعٌ، فَقِيلَ لِي: مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ وَجِعٌ فَأَرْسَلْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام شَرِبًا مَعَ غُلَامٍ مَغْطَى بِمِثْدِيلٍ، فَنَاولَنِيهِ الْغُلَامُ وَقَالَ لِي: اشْرِبْهُ فَإِنَّهُ قَدْ أَمَرَنِي أَنْ لَا أُبْرِحَ حَتَّى تَشْرِبَهُ، فَتَنَاوَلْتَهُ فَإِذَا رَائِحَةُ الْمَسْكِ مِنْهُ، وَإِذَا بِشَرَابٍ طَيِّبٍ الطَّعْمُ بَارِدٍ، فَلَمَّا شَرِبْتُهُ قَالَ لِي الْغُلَامُ: يَقُولُ لَكَ مَوْلَاكَ: إِذَا شَرِبْتَهُ فَتَعَالَ.

فَفَكَّرْتُ فِيمَا قَالَ لِي وَ مَا أَقْدَرُ عَلَى النَّهْوِضِ قَبْلَ ذَلِكَ عَلَى رِجْلِي، فَلَمَّا اسْتَقَرَّ الشَّرَابُ فِي جَوْفِي فَكَأَنَّمَا نَشِطْتُ مِنْ عِقَالٍ، فَأَتَيْتُ بَابَهُ فَاسْتَأْذَنْتُ عَلَيْهِ فَصَوَّتْ بِي: صَحَّ الْجِسْمُ أَدْخُلْ! فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ وَأَنَا بَاكِ، فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ وَقَبَلْتُ يَدَهُ وَرَأْسَهُ؛

فَقَالَ لِي: وَمَا يُبْكِيكَ يَا مُحَمَّدُ؟! قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ أَبْكِي عَلَى اغْتِرَابِي وَ بُعْدِ الشُّقَّةِ وَ قِلَّةِ الْقُدْرَةِ عَلَى الْمَقَامِ عِنْدَكَ أَنْظِرْ إِلَيْكَ؛
فَقَالَ لِي: أَمَا قِلَّةُ الْقُدْرَةِ فَكَذَلِكَ جَعَلَ اللَّهُ أَوْلِيَاءَنَا وَ أَهْلَ مَوَدَّتِنَا، وَ جَعَلَ الْبَلَاءَ إِلَيْهِمْ سَرِيعاً، وَ أَمَا مَا ذَكَرْتَ مِنَ الْعُرْبَةِ، وَ فَإِنَّ الْمُسُومِنَ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا غَرِيبٌ وَ فِي هَذَا الْخَلْقِ الْمُنْكَوسُ، حَتَّى يُخْرَجَ مِنْ هَذِهِ الدَّارِ إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ، وَ أَمَا مَا ذَكَرْتَ مِنْ بُعْتِ الشُّقَّةِ فَلِكِ بِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أُسْوَةٌ بِأَرْضِ نَائِيَةِ عَنَّا بِالْفُرَاتِ، وَ أَمَا مَا ذَكَرْتَ مِنْ حُبِّكَ قُرْبَنَا وَ النَّظَرَ إِلَيْنَا؛ وَ أَنْكَ لَا تَقْدِرُ عَلَى ذَلِكَ، فَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قَلْبِكَ وَ جَزَاؤُكَ عَلَيْهِ؛

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری، از عبدالله بن عبدالرحمن الاصم، وی گفت:

مدلج برای ما از محمد بن مسلم حدیثی نقل کرد که وی گفت: من به مدینه رفتم در حالی که دردمند بودم محضر امام رساندند که محمد بن مسلم دردمند است، حضرت ابو جعفر علیه السلام شربتی برایم فرستادند آورنده غلامی بود که دستاری به سر بسته بود، بهر صورت غلام شربت را به من داد و گفت:

این را بیاشام زیرا حضرت به من امر فرموده‌اند تا تو این را نیاشامیده‌ای من از نزدت بروم، پس شربت را گرفتم، بوی مشک از آن می‌آمد، شربتی پاکیزه، طعمی خنک داشت وقتی آن را نوشیدم، غلام به من گفت:

آفتاب فرموده: وقتی شربت را خوردی به نزدش حاضر شو.

من در این گفتار می‌اندیشدم که پیش از نوشیدن شربت قادر نبودم روی پاهایم بایستم حال چطور حرکت کرده و به محضرش بروم، بهر صورت وقتی شربت در جوف من فرار گرفت گویا از بند رها شدم پس درب منزل حضرت آمده از آن جناب اذن خواستم، حضرت با صدای بلند فرمودند:

جسمت بهبودی یافت داخل شو!

پس داخل شده در حالی که می‌گریستم، سلام بر آن حضرت کرده و دست و سر آن سرور را می‌بوسیدم.

حضرت به من فرمودند:

ای محمد، چرا گریه می‌کنی؟

عرض کردم: فدایت شوم

گریه‌ام بخاطر این چند چیز است:

الف: غریبم.

ب: از شما دور هستم.

ج: قدرتم کم و ضعیف می باشم

د: قادر نیستم نزد شما رحل اقامت انداخته و به شما بنگرم.

حضرت فرمودند:

اما کم بودن قدرت، البته همین طور است، خداوند درستان ما را این چنین قرار داده و سریعاً بلا را بر ایشان نازل می کند.

و اما اینکه گفتی: غریب هستی، مؤمن در دنیا و بین این خلق نکون سار غریب می باشد تا از این داز فانی به رحمت باری منتقل شود.

و اما اینکه گفتی مکان دور است و از ما فاصله داری، بر تو باد به پیروی نمودن از ابی عبدالله علیه السلام (منظور از ابی عبدالله خود آن حضرت می باشد) زیرا ما نیز از زمینی که محبوب و مطلوبیمان است (مراد کربلاء می باشد) دور بوده و بواسطه فرات بین ما و آن زمین فاصله افتاده است.

و اما اینکه گفتی دوست داری نزدیک، ما بوده و بما نظر افکنی و بر این معنا قادر نیستی، خداوند متعال بر آنچه در قلب تو است آگاه بوده و تو را بر همان پاداش و جزا می دهد.

متن:

ثُمَّ قَالَ لِي: هَلْ تَأْتِي قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام? قُلْتُ: نَعَمْ؛ عَلَيَّ خَوْفٌ وَ وَجَلٌ، فَقَالَ: مَا كَانَ فِي هَذَا أَشَدُّ فَالْثَوَابُ فِيهِ عَلَيَّ قَدْرِ الْخَوْفِ، وَ مَنْ خَافَ فِي إِيَّانِهِ أَمِنَ اللَّهُ رَوْعَتَهُ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ انْصَرَفَ بِالْمَغْفِرَةِ، وَ سَلَّمَ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ وَ رَأَى النَّبِيَّ عليه السلام وَ مَا يَصْنَعُ، وَ دَعَا لَهُ: وَ انْتَلَبَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضَّلَ لَمْ يَمْسَسْهُ سُوءٌ وَ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ؛ ثُمَّ قَالَ لِي: كَيْفَ وَجَدْتَ الشَّرَابَ؟ فَقُلْتُ: أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَهْلُ بَيْتِ

الرَّحْمَةِ وَأَنْتَ وَصِيَّ الْأَوْصِيَاءِ، وَتَقْدَاتَانِي الْغَلَامِ بِمَا بَعَثْتَهُ وَمَا أَقْدَرُ عَلَى أَنْ أُسْتَقَلَ عَلَى قَدَمِي، وَ لَقَدْ كُنْتُ آيساً مِنْ نَفْسِي، فَنَالَنِي الشَّرَابُ فَشَرِبْتُهُ فَاوَجَدْتُ مِثْلَ رِيحِهِ وَلَا أَطِيبَ مِنْ ذَوْقِهِ وَلَا طَعْمَهُ وَلَا أَيْزُهُ مِنْهُ، فَلَمَّا شَرِبْتُهُ قَالَ لِي الْغَلَامُ: إِنَّهُ أَمَرَنِي أَنْ أَقُولَ لَكَ: إِذَا شَرِبْتَهُ فَاقْبَلْ إِلَيَّ؛ وَقَدْ عَلِمْتُ سِدَّةَ مَا بِي، فَقُلْتُ: لَا ذَهَبَ إِلَيْهِ وَلَوْ ذَهَبَتْ نَفْسِي، فَأَقْبَلْتُ إِلَيْكَ فَكَأَنِّي أَنْشَطْتُ مِنْ عِقَالٍ، فَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ رَحْمَةً لِشَيْعَتِكُمْ [وَرَحْمَةً عَلَيَّ]؛

فقال: يا محمد إنَّ الشَّرَابَ الَّذِي شَرِبْتَهُ فِيهِ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَهُوَ أَفْضَلُ مَا اسْتَشْفَى بِهِ، فَلَا تَعْدِلْ بِهِ، فَإِنَّا نَسْقِيهِ صَبِيَانَنَا وَنِسَاءَنَا فَتَرَى فِيهِ كُلَّ خَيْرٍ، فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّا لَنَأْخُذُ مِنْهُ وَنَسْتَشْفَى بِهِ؟ فقال: يَأْخُذُهُ الرَّجُلُ فَيُخْرِجُهُ مِنَ الْحَائِثِ وَقَدْ أَظْهَرَهُ فَلَا يَمُرُّ بِأَحَدٍ مِنَ الْجَنِّ بِهِ عَاهَةً، وَلَا دَابَّةٍ وَلَا شَيْءٍ فِيهِ آفَةٌ إِلَّا شَمَّهُ فَتَذْهَبَ بَرَكَتُهُ فَيَصِيرُ بَرَكَتُهُ لغيره، وَهَذَا الَّذِي تَتَعَالَجُ بِهِ لَيْسَ هَكَذَا، وَلَوْ لَا مَا ذَكَرْتُ لَكَ مَا يَمْسَحُ بِهِ شَيْءٌ وَلَا شَرِبَ مِنْهُ شَيْءٌ إِلَّا أَفَاقَ مِنْ سَاعَتِهِ، وَمَا هُوَ إِلَّا كَحَجَرِ الْأَسْوَدِ أَتَاهُ صَاحِبُ الْعَاهَاتِ وَالْكَفْرِ وَالْجَاهِلِيَّةِ، وَكَانَ يَتَمَسَّحُ بِهِ أَحَدٌ إِلَّا أَفَاقَ، وَكَانَ كَأَبْيَضِ يَأْفُوقُ فَأَسْوَدَ حَتَّى صَارَ إِلَى مَا رَأَيْتَ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ وَكَيْفَ أَصْنَعُ بِهِ؟ فقال: تَصْنَعُ بِهِ مَعَ إِظْهَارِكَ إِيَّاهُ مَا يَصْنَعُ غَيْرُكَ تَسْتَخْفَى بِهِ فَتَطْرَحُهُ فِي حُرْجِكَ وَفِي أَشْيَاءَ دَنِسَةٍ فَيَذْهَبُ مَا فِيهِ مِمَّا تَرِيدُهُ لَهُ، فَقُلْتُ: صَدَقْتَ جُعِلْتُ فِدَاكَ، قَالَ: لَيْسَ يَأْخُذُهُ أَحَدٌ إِلَّا وَهُوَ جَاهِلٌ بِأَخْذِهِ وَلَا يَكَادُ يَسْلَمُ بِالنَّاسِ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ وَكَيْفَ لِي أَنْ آخُذَهُ كَمَا تَأْخُذُ [ه]؟ فقال لي: أُعْطِيكَ مِنْهُ شَيْئاً؟ فَقُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ:

إذا أخذته فكيف تصنع به؟ فقلت: أذهب به معي، فقال: في أي شيء تجعله؟ فقلت: في ثيابي قال: فقد رجعت إلى ما كنت تصنع، اشرب عندنا منه حاجتك ولا تجعله، فإنه لا يسلم لك، فسقاني منه مرتين، فما أعلم أني وجدت شيئاً مما كنت أجد حتى انصرفت».

ترجمه: ﴿ دنباله حدیث هفتم ﴾

سپس حضرت به من فرمودند:

آیا به زیارت قبر حسین علیه السلام می روی؟

عرض کردم: بلی، منتهی با خوف و هراس.

حضرت فرمودند:

هر چه در این زیارت شدت و سختی به بینی و خرف و هراس تو بیشتر باشد، ثواب و اجرت بهمان قدر افزون می گردد، و کسی که در زیارت آن حضرت خوف داشته و با این حال آن جناب را زیارت کند حق تعالی او را از وحشت روزی که مردم برای حساب در مقابل پروردگار عالمیان می ایستند (یعنی روز قیامت) در امان نگه می دارد و این شخص از زیارت بر می گردد در حالی که حق تعالی گناهانش را آمرزیده و فرشتگان بر او درود و سلام می دهند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او و آنچه را بجا آورده دیده و برایش دعاء می فرمایند، و وی به نعمت و فضل خدا روی آورده و هیچ رنج و تعبى به او متوجه نشده و رضایت و خشنودی خدا را پی گیری می نماید.

سپس حضرت به من فرمودند:

شربت را چگونه یافتی؟

عرض کردم: شهادت می دهم شما اهل بیت رحمت بوده و شما جوانترین

جانشینان پیامبر هستید غلامی نزد من آمد و آنچه عنایت کرده بودید به من

رساند، قبل از آن قادر نبودم مستقلاً روی پا خود بایستم و از خود مایوس شده بودم، وی شربت را که به من داد و من آن را نوشیدم بونی به آن خوشی تا بحال استشمام نکرده، و مزه‌ای تا بحال به آن پاکیزگی نچشیده و طعمی به آن مطبوعی تاکنون حس ننموده و بگواراتر از آن هرگز بر نخورده‌بودم، و هنگامی که آن را نوشیدم، غلام به من گفت:

حضرت به من امر فرموده‌اند به تو بگویم: وقتی نوشیدی نزد من بیا. من به وخامت حال و شدت درد خود واقف بودم، لذا حدیث نفس نموده و به خود گفتم.

حتماً خدمتش مشرف خواهم شد اگر چه جانم را از دست بدهم، پس به سوی شما روی آوردم ولی گویا از بند زها گشتم، پس حمد و سپاس خدائی را که شما را رحمت برای شیعیانتان و رحمت برای من نیز قرار داده است، حضرت فرمودند:

ای محمد، شربتی که نوشیدی در آن تربت قبر حسین علیه السلام بود و آن بهترین داروئی است که به منظور استشفاء مصرف می‌کنند و با آن هیچ دوائی را برابر و مساوی ندان، ما به اطفال و زنان خود آن را می‌خورانیم و در آن هر خیر و خوبی را دیده‌ایم.

خدمتش عرضه داشتیم: فدایت شوم از آن برداشته و استشفاء به آن بجوئیم؟ حضرت فرمودند:

بسا شخصی آنرا اخذ کرده و یا خود از حائر بیرون می‌برد و بر دیگران اظهار نموده و مخفی نمی‌کند پس مرور به جئی می‌کند که در او مرض و بیماری بوده یا به حیران و موجودی که دارای آفت است می‌گذرد پس آن را می‌بویند و برکنش زائل گشته و بدین ترتیب برکت آن برای غیر مصرف می‌شود اما تربتی را که ما با آن دردها را معالجه می‌کنیم این طور نیست، و اگر دیگران نیز رعایت کنند و آنچه را که برایت گفتم منظور داشته و تربت مأخوذ را از مرآی و منظر دیگران بر حذر

داشته و در معرض فرار ندهند مسلماً با هیچ شبنی تماس پیدا نکرده و هیچ کسی از آن تناول ننموده مگر در همان ساعت از مرض و بیماری که دارد آفاقه پیدا می کند، و سرگذشت این تربت نظیر سرگذشت حجرالاسود است که صاحب آفات و امراض و کفر و جاهلیت با آن تماس پیدا می کردند و پس از تماس مرض و عیب و نقصی که داشتند برطرف می شد.

این سنگ در بدر امر همچون یاقوت سفید و شفاف بود که پس از این تماس ها و اصابت این اشیاء آلوده با آن رفته رفته رنگش تیره و سیاه شد و به این صورتی که اکنون می بینی درآمد.

این تربت نیز به واسطه تماس با اشیاء آلوده و افراد ناصالح خاصیت و اثرش زائل گردیده و آن تاثیری را که باید داشته باشد ندارد لذا تو نمی توانی اثر مطلوب را از آن بهره برداری کنی.

محضر مبارکش عرض کردم: مگر با آن چه می کنم؟
حضرت فرمودند:

وقتی آن را اظهار کرده و در معرض قرار دادی با آن همان عملی را کرده که دیگران می کنند، یعنی آن را مورد استخفاف قرار داده و سبک می شماری از این رو بسا آن را در خورچین انداخته و در بین اشیاء آلوده می گذاری در نتیجه اثری را که از آن انتظار داری نخواهی دید و آن از تربت زائل گردیده. خدمتش عرضه داشتم: فدایت شوم واقع امر همین است و صحیح می فرمائید.

پس حضرت فرمودند: احدی آن را اخذ نکرده مگر آنکه جاهل است به کیفیت اخذ و رعایت آداب آن لذا بر ایشان سالم نمی ماند.

محضرش عرض کردم: فدایت شوم چگونه آن را بردارم تا اخذ من نظیر اخذ شما باشد؟

حضرت فرمودند:

آیا مقداری از آن را به تو بدهم؟

عرض کردم: بلی.

فرمودند:

وقتی از من گرفتی با آن چه می کنی؟

عرض کردم: با خود می برم.

فرمودند:

در چه چیز آن را فرار می دهی؟

عرض کردم: در لباس های خود آن را می گذارم.

حضرت فرمودند:

باز این عمل مثل عمل سابق شد و به آنچه قبلاً رفتاری کردی برگشتی، این کار را مکن بلکه، وقتی آن را از من گرفتی تا نزد من هستی تناولش کن که حاجت روا می شود و هرگز با خودت حمل مکن زیرا در این صورت اثری نداشته و برایت سالم نمی ماند.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

سپس محمد بن مسلم می گوید:

حضرت از آن دوبار به من خوراندند و پس از آن درد و الم و بیماری که داشتم در خود نیانته و به کلی برآیم بهبودی حاصل شد و پس از آن به وطن خویش برگشتم.

متن:

۸ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مَتَّى الْجَوْهَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنِ الْحَيْبَرِيِّ، عَنْ أَبِي وَوَلَادٍ، عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: لَوْ أَنَّ مَرِيضًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ يَعْرِفُ حَقَّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ حُرْمَتَهُ وَ وِلَايَتَهُ أَخَذَ مِنْ طِينِ قَبْرِهِ مِثْلَ رَأْسِ أُمَّةٍ كَانَ لَهُ دَوَاءٌ».

ترجمه:

﴿ حدیث هشتم ﴾

محمد بن الحسین بن مت الجوهری از محمد بن احمد بن یحیی، از محمد ابن الحسین، از محمد بن اسماعیل، از خیبری، از ابی ولاد از ابی بکر حضرمی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

اگر مریضی از اهل ایمان که به حق حضرت ابی عبدالله علیه السلام (حضرت سیدالشهداء علیه السلام) سلام الله علیه آگاه و عارف است و به حرمت و ولایت آن جناب آشنا است از تربت قبرش به مقدار سر بند انگشت بردارد همان برای او دواء می باشد.

﴿ الباب الثانی و التسعون ﴾

﴿ إن طین قبر الحسین علیه السلام شفاء و أمان ﴾

ترجمه: پودری

متن:

۱ - حدّثنی اَبی؛ و جماعة - رَجَمَهُمُ اللهُ - عن سعد بن عبدالله، عن محمد ابن عیسی - عن رجل - «قال: بعثت إلى أبو الحسن الرضا علیه السلام من خراسان ثياب رِزَم و كان بین ذلك طین، فقلت للرّسول: ما هذا؟ قال: طین قبر - الحسين علیه السلام؛ ما كان یوجّه شیئاً من الثّیاب و لا غیره إلاّ و یجعل فیهِ الطّین، و كان یقول: هو أمانٌ یأذن الله».

۲ - حدّثنی محمد بن جعفر الرّزّاز، عن محمد بن الحسين بن اَبی الخطاب، عن موسى بن سعدان، عن عبدالله بن القاسم، عن الحسين بن اَبی العلاء «قال: سمعتُ ابا عبدالله علیه السلام یقول: حَنَكُوا اولادکم بتربة الحسين علیه السلام فإِنَّه أمان».

۳- حدیثی آبی - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن أيوب بن نوح، عن عبد الله بن المغيرة قال: حدثنا أبو اليسع «قال: سألت رجلاً أبا عبد الله عليه السلام - و أنا أسمع - قال: آخذ من طين قبر الحسين و يكون عندي أطلب بركته؟ قال: لا بأس بذلك».

﴿ باب نود و دوم ﴾

﴿ تربت قبر حضرت امام حسین علیه السلام شفاء و امان می باشند ﴾

﴿ ترجمه: حدیث اول ﴾

پدرم و جماعتی رحمة الله عليهم، از سعد بن عبد الله، از محمد بن عیسی، از شخصی نقل کرده اند که وی گفت: حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام از خراسان بقیچه ای برایم فرستادند که در بین آن تربتی بود، به آورنده بقیچه گفتم این تربت چیست؟

گفت: تربت قبر حضرت امام حسین علیه السلام است، حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام جامه یا غیر آن را وقتی به جانی می فرستند حتماً همراه آن تربت سیدالشهداء علیه السلام را قرار داده و می فرمایند: این تربت به اذن خدا امان و موجب حفظ مال می باشد.

﴿ حدیث دوم ﴾

محمد بن جعفر رزازی، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از موسی بن سعدان، از عبد الله بن القاسم، از حسین بن ابی العلاء، وی می گویند:
از حضرت ابی عبدالله علیه السلام شنیدم که می فرمودند:
فرزندانتان را با تربت حسین علیه السلام تحفیک کنید (یعنی تربت را به سقف دهانشان بمالید) زیرا تربت موجب امان و حفظ آنها است.

﴿ حدیث سوم ﴾

پدرم رحمه الله عليه از سعد بن عبدالله، از ایوب بن نوح، از عبدالله بن مغیره نقل کرده که وی گفت: ابوالسیع برای ما، حدیثی نقل کرد و گفت:
 شخصی از حضرت اباعبدالله علیه السلام سؤال کرد و من می شنیدم، وی پرسید: آیا از تربت قبر امام حسین علیه السلام بردارم و با آن طلب برکت کنم؟
 حضرت فرمودند: هیچ باکی نیست.

متن:

۴- وعنه، عن سعد، عن أحمد بن عيسى، عن العباس بن موسى الوراق، عن يونس، عن عيسى بن سليمان، عن محمد بن زياد، عن عمته «قالت: سمعت أبا عبدالله عليه السلام يقول: إن في طين الحائر الذي فيه الحسين عليه السلام شفاءً من كل داءٍ، و أماناً من كل خوفٍ».

۵- حدثني أبي - رحمه الله - عن أحمد بن إدريس؛ و محمد بن يحيى، عن العُمركي بن عليّ البوفكيّ، عن يحيى - وكان في خدمة أبي جعفر الثاني - عن عيسى بن سليمان، عن محمد بن مارد، عن عمته «قالت: سمعت أبا عبدالله عليه السلام يقول: إن في طين الحائر الذي فيه الحسين عليه السلام شفاءً من كل داءٍ و أماناً من كل خوفٍ».

۶- حدثني محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن إسماعيل، عن الخبيري، عن أبي ولادة، عن أبي بكر الحضرمي، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: لو أن مريضاً من المؤمنين يعرف حقَّ أبي عبدالله عليه السلام و حُرْمته و ولايته أخذ له من طين قبره على رأس ميل كان له دواءً و شفاءً».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

از پدرم، از سعد، از احمد بن محمد بن عیسی، از عباس بن موسی و راق، از یونس، از عیسی بن سلیمان از محمد بن زیاد، از عمه اش منقول است که وی گفت:

از حضرت ابی عبدالله علیه السلام شنیدم که می فرمودند: تربت حائری که حضرت امام حسین علیه السلام در آن هستند شفاء از هر دردی بوده و امان است از هر خوف و هراسی.

﴿ حدیث پنجم ﴾

پدرم رحمة الله علیه، از احمد بن ادریس، و محمد بن یحیی، از عمرکی بن علی بوفکی، از یحیی که در خدمت ابی جعفر ثانی بود، از عیسی بن سلیمان، از محمد بن مارد، از عمه اش وی گفت:

از حضرت ابی عبدالله علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

بطور قطع و حتم در تربت حائری که در آن حضرت امام حسین علیه السلام می باشد شفاء است از هر دردی و امان است از هر خوف و هراسی.

﴿ حدیث ششم ﴾

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل، از خیبری، از ابی ولاد، از ابی بکر حضرمی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند: اگر مریضی از اهل ایمان که به حق حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام عارف و آگاه بوده و با حرمت و ولایتش آشنا است. از تربت قبر حضرتش به مقدار سرمیل (میل کحالی یا میل جراحی) بردارد و همان پرایش دواء و شفاء می باشد.

﴿ الباب الثالث و التسعون ﴾

﴿ من أين يؤخذ طين قبر الحسين عليه السلام وكيف يؤخذ ﴾

متن:

١ - حدثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن يعقوب بن يزيد، عن الحسن بن علي، عن يونس بن ربيع، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إنَّ عند رأس الحسين بن علي عليه السلام لتربة حمراء فيها شفاء من كلِّ داءٍ إلاَّ السَّام، قال: فأتينَ القبرَ بَعْدَ ما سَمِعنا هذا الحديثَ فاحتفرنا عندَ رأسِ القبرِ، فلمَّا حفرنا قدرَ ذراعٍ انحدرت علينا من رأسِ القبرِ مثلُ السَّهْلَةِ حمراء قدرِ درهمٍ فحملناه إلى الكوفة فزجناه وخبثناه، فأقبلنا نعطي الناس يداؤون به».

٢ - حدثني أبي؛ و محمد بن الحسن؛ و علي بن الحسين؛ عن سعد، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن رزق الله بن الغلاء، عن سليمان بن عمير السَّراج - عن بعض أصحابنا - عن أبي عبد الله عليه السلام قال: يؤخذ طين قبر الحسين عليه السلام من عند القبر على قدر سبعين باعاً».

٣ - حدثني علي بن الحسين، عن علي بن إبراهيم، عن إبراهيم بن إسحاق النهاوندي، عن عبد الله بن حماد الأنصاري، عن عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إذا تناول أحدكم من طين قبر الحسين فليقل:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَلِكِ الَّذِي تَنَاوَلَهُ، وَالرَّسُولِ الَّذِي بَسَّوْهُ، وَالْوَصِيِّ الَّذِي ضَمَّنَ فِيهِ، أَنْ تَجْعَلَهُ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ (- كذا وكذا -)» و يسمى ذلك الداء».

﴿ باب نود و سوم ﴾

﴿ مکان و کیفیت اخذ تربت قبر حضرت امام حسین علیه السلام ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبدالله، از یعقوب بن یزید، از حسن بن علی، از یونس بن ربیع، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

نزد سر مبارک حسین بن علی علیه السلام تربت فرمزی است که در آن شفاء هر دردی غیر از مرگ می باشد یونس بن ربیع می گوید: بعد از اینکه، این حدیث را شنیدم نزد قبر حاضر شده و طرف سر قبر را حفر کردیم و چون به قدر یک ذراع کندیدم از راس قبر خاک هائی مثل ریگ های ریزی که آب آنها را با خود می آورد بر ما ریخت، رنگ آنها فرمز و اندازه شان قدر یک درهم بود، آنها را با خود به کوفه آورده پس ممزوج و عجیششان کرده و پنهانشان نمودیم و بعد به تدریج از آن به مردم می داده تا با آن مریض های خرد را مداو کنند.

﴿ حدیث دوم ﴾

پدرم و محمد بن الحسن و علی بن الحسین، از سعد، از احمد بن محمد بن عیسی، از رزق الله بن علاء، از سلیمان بن عمرو سراج، از برخی اصحابمان، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

تربت قبر حسین علیه السلام را از نزدیک قبر تا فاصله هفتاد باع اخذ می کنند.

مترجم گوید:

«باع» عبارت است از فاصله بین سر انگشت دست راست و سر انگشت

دست چپ زمانی که دو دست را افقی به طرفین باز کنند.

﴿ حدیث سوم ﴾

علی بن الحسین، از علی بن ابراهیم، از ابراهیم بن اسحاق نهاوندی، از عبدالله بن حماد انصاری، از عبدالله بن منان، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، آن حضرت فرمودند:

هر گاه کسی از شما تربت قبر حسین علیه السلام را تناول کرد بگوید:
بار خدایا از تو سوال می‌کنم به حق فرشته‌ای که آن را اخذ نموده و رسولی که آن را جای داده و وصی که در آن پنهان شده آن را شفاء از هر دردی قرار بده (نام دردهای مورد نظر را ببرند).

متن:

— حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ، عَنْ سَلْمَةَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الرَّيَّانِ بْنِ الصَّلْتِ،
عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَسَدٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُصْقَلَةَ، عَنْ عَمِّهِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرِ
الْمُوصِلِيِّ «أَنَّ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: إِذَا أَخَذْتَ طِينَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ فَقُلْ:
«اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ، وَبِحَقِّ الْمَلِكِ الْمُوَكَّلِ بِهَا، وَالْمَلِكِ الَّذِي
كَرَّمَهَا، وَبِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذِي هُوَ فِيهَا، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ
هَذَا الطِّينَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَأَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ».
فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ حَتْمًا شِفَاءً [له] مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَأَمَانًا مِنْ كُلِّ
خَوْفٍ».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود، از سلمه، از علی بن ریآن بن صلت، از حسین بن اسد، از احمد بن مصقله، از عمویش، از ابی جعفر موصلی، وی گفت:

حضرت ابرو جعفر علیه السلام فرمودند:

هرگاه تربت قبر حسین علیه السلام را اخذ کردی بگو:

خدایا به حق این تربت و بحق فرشته‌ای که موکل بر آن است، و به حق فرشته‌ای که آن را حفر نموده و به حق وصی که در درون آن است، درود بفرست بر محمد و آل محمد و قرار بده این تربت را شفاء از هر دردی و امان از هر خرف و هراسی.

سپس حضرت فرمودند:

اگر شخصی چنین کند جتماً تربت شفاء از هر دردی خواهد بود و از هر خرفی امان برایش می‌باشد.



متن:

۵ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَمْرٍو وَشَيْخٌ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ، عَنْ أَبِي هَمزة الثَّمَالِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قال: كنت بمكة - و ذكر في حديثه - قلت: جعلت فداك إنِّي رأيت أصحابنا يأخذون من طين الحائر ليستشفون به؛ هل في ذلك شيء مما يقولون من الشفاء؟ قال: قال: يُستشفى بها بينه وبين القبر على رأس أربعة أميال، و كذلك قبر جدِّي رسول الله صلى الله عليه وآله، و كذلك طين قبر الحسن و علي و محمد، فخذ منها فإنها شفاء من كل سُقم، و جنة مما يخاف، و لا يعدُّها شيء من الأشياء التي يستشفى بها إلا الدعاء، و إنما يفسدها ما يخالطها من أوعيتها و قلة اليقين لمن يعالج بها، فأما من أيقن أنها له شفاء إذا يعالج بها كفته بإذن الله من غيرها مما يتعالج به، و

یفسدها الشیاطین و الجنُّ من أهل الكفر من هم يتمسحون بها، و ما قرء بشئٍ إلا شتمها، و أمّا الشیاطین و کفار الجنِّ فإثمهم یحسدون بنی آدم علیها فیتمسحون بها فیذهب عامّة طیبتها، و لا یُخرَجُ الطّین من الحائر إلا و قد استعدّ له ما لا یحصی منهم و أنه لنی ید صاحبها، و هم يتمسحون بها، و لا یقدرون مع الملائکة أن یدخلوا الحائر و لو کان من التّربة شیئٌ یسلم ما عویج به أحدٌ إلا برئ من ساعته، فإذا أخذتها فاکتُمها، و أكثر علیها من ذکر الله تعالی، و قد بلغنی أن بعض من یأخذ من التّربة شیئاً یتخفّ به حتّی أن بعضهم لیطرحها فی مَخلاة الایل و البغل و الحمار أو فی وعاءِ الطّعام و ما یمسح به الأیدی من الضّعام، و الخُرج و الجِوالق! فکیف یتستنی به من هذا حاله عنده؟! و لکنّ القلب الَّذی لیس فیهِ [الایقین] من المُستخفّ بما فیهِ صلاحه یفسد علیه عمله».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن علی بن مهزیار، از پدرش، از جدش علی بن مهزیار، از حسن بن سعید، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، وی می گوید:
ابوعمر و که شیخی از اهل کوفه بود برای ما حدیث گفت، وی از ابو حمزه ثمالی و او از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده، وی گفت: من در مکه بودم (... در اثناء حدیثش گفت):

فدایت شوم می بینم اصحابمان را که تربت حائر را برای استشفاء اخذ می کنند، آیا اینکه می گویند در این تربت شفاء هست درست است؟

وی گفت: امام علیه السلام فرمودند:

استشفاء می جویند به تربتی که از قبر تاراس چهار میلی قرار گرفته و شفاء

حاصل می‌شود و همچنین است قبر جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله و نیز همینطور است تربت قبر حضرات امام حسن و علی بن الحسین و محمد بن علی علیه السلام، پس از تربت این قبور مطهره اخذ کن که شفاء است برای هر دردی و حافظ است از آنچه خوف و هراسی داری و هیچ دارونی معادل آن نبوده مگر دعاء. و باید توجه داشت اگر فسادی در این تربت دیدمی‌شود و احیاناً نائیری ندارد این فساد ناشی از سه چیز است:

الف: آنچه با آنها مخلوط می‌گردد (مراد ظروفی است که تربت‌ها را در آنها می‌ریزند)

ب: کسانی که با این تربت استشفاء می‌جویند اعتقاد و یقینشان به حصول شفاء اندک می‌باشد.

ولی آنانکه یقین کامل دارند که در صورت معالجه با آن شفاء بر ایشان حاصل می‌شود و آنرا بکار بردند به اذن خدا معالجه شده و این تربت آنها را از داروهای دیگر مستغنی می‌نماید.

ج: شیاطین و جن‌هایی هستند از اهل کفر که تربت را مسح نموده و بدین ترتیب آن را فاسد می‌کنند این موجودات به چیزی مرور نکرده مگر آنکه آن را می‌بویند و بواسطه استشمام اثر تربت را می‌برند.

شیاطین و جن‌های اهل کفر بر بنی آدم حسد برده و این تربت را مسح نموده و بوی آن را از بین می‌برند و اساساً تربت از حائز خارج نمی‌شود مگر آنکه جماعتی از این شیاطین و جن‌ها که تعدادشان قابل احصاء نیست آماده‌اند برای اینکه تربت را اگر چه در دست صاحبش هست مسح نموده و اثرش را زائل کنند و اینکه بیرون حائز هستند و نمی‌توانند به درون آن نفوذ کنند بخاطر وجود فرشتگان در حائز می‌باشد.

و اگر تربتی سالم بوده و از تماس شیاطین و جن‌ها در امان مانده باشد مسلماً احدی با آن معالجه نکرده مگر آنکه در ساعت بهبودی برایش حاصل می‌شود

بنابر این اگر می‌خواهی تربت سالم بماند وقتی اخذش نمودی پنهانش کن و زیاد اسم خداوند متعال را بر آن بخوان و بدم.

خبر رسیده که برخی از کسانی که تربت را اخذ نموده‌اند آنرا مورد استحضاف قرار داده حتی پاره‌ای از ایشان آنرا در نوبه و علف دان شتر و قاطر و دراز گوش یا در ظرف طعام انداخته و با بادست‌های آلوده به طعام و غذا آنرا مسح نموده و یا آن را در خورجین می‌نهند و با این حال چگونه با آن شفاء حاصل شود؟ چنانچه قلبی که در آن یقین و اعتقاد به تاثیر تربت نیست و صاحبش به آنچه مصلحت و صلاح خودش در آن است استحضاف می‌ورزد اثر و عمل تربت را قطعاً فاسد می‌نماید.



متن:

۶ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ - مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ رَزَقِ اللَّهِ بْنِ الْغَلَاءِ، عَنْ سَلْيَانَ بْنِ عَمْرِو النَّجَّاجِ - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: يُوْخَذُ طِينُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام مِنْ عِنْدِ الْقَبْرِ عَلَى سَبْعِينَ بَاعاً فِي سَبْعِينَ بَاعاً».

۷ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ - رَفَعَهُ - «قَالَ: قَالَ: الْخْتَمُ عَلَى طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام أَنْ يَقْرَأَ عَلَيْهِ: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»».

۸ - وَرَوَى إِذَا أَخَذْتَهُ فَقُلْ: «اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ الطَّاهِرَةِ، وَبِحَقِّ الْبُقْعَةِ الطَّيِّبَةِ، وَبِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذِي تَوَارَيْهِ، وَبِحَقِّ جَدِّهِ وَأَبِيهِ، وَأُمِّهِ وَأَخِيهِ، وَالْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ يَحْفَظُونَ بِهِ، وَالْمَلَائِكَةِ الْمُعْكُوفِ عَلَى قَبْرِ وَلِيِّكَ، يَنْتَظِرُونَ نَصْرَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، أَجْعَلْ لِي فِيهِ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَ

أَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، وَعَيْنٌ مِنْ كُلِّ قَتْرٍ، وَعِزًّا مِنْ كُلِّ ذُلٍّ، وَأَوْسَعَ بِهِ عَلِيٌّ فِي رِزْقِي، وَأَصْحَحَ بِهِ جِسْمِي».

ترجمه: ﴿ حدیث ششم ﴾

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصقار، از احمد بن محمد بن عیسی، از رزق الله بن العلاء، از سلیمان بن عمرو سراج از برخی اصحابمان، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

تربت قبر حسین علیه السلام را از اطراف قبر به مساحت هفتاد باع در هفتاد باع می توان اخذ نمود.

﴿ حدیث هفتم ﴾

محمد بن یعقوب، از علی بن محمد، وی حدیث را بطور مرفوعه نقل کرده و گفته است:

ختم بر تربت قبر حسین علیه السلام و متمم فائده آن این است که سوره انا انزلناه فی لیلۃ القدر را بر آن خوانده و به آن بدمند.

﴿ حدیث هشتم ﴾

مروی است هرگاه تربت را اخذ نمودید بگویند:

خدایا، بحق این تربت پاک و به حق این بقعه پاکیزه و به حق وصی که این تربت پنهانش نموده و به حق جد و پدرش، و مادر و برادرش، و فرشتگانی که دورش طواف می کنند و به حق فرشتگانی که بر سر قبر ولی تو درنگ و توقف نموده و انتظار کمکش را می کشند صلوات الله علیهم اجمعین.

برای من در این تربت شفاء از هر دردی و امان از هر خوف و هراسی و بی نبازی از هر فقری و عزت از هر ذلتی را قرار بده و به واسطه اش روزی را بر من فراخ و واسع نما، و جسمم را به سبب صحیح و سالم گردان.

متن:

۹ - حدَّثني محمد بن عبدالله بن جعفر الحميري، عن أبيه، عن علي بن محمد بن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبدالله بن حماد البصري، عن عبدالله بن عبدالرحمن الأصم - عن رجل من أهل الكوفة - «قال: قال أبو عبدالله عليه السلام: حريم قبر الحسين عليه السلام فرسخ في فرسخ في فرسخ في فرسخ».

ترجمه

﴿ حدیث نهم ﴾

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، از مردی از اهل کوفه، وی گفت: حضرت ابو عبدالله عليه السلام فرمودند: حريم قبر حسين عليه السلام از چهار جانب محوطه‌ای است که مساحت یک فرسخ در یک فرسخ یعنی مربعی که هر ضلعش یک فرسخ می‌باشد.

متن:

۱۰ - حدَّثني جعفر بن محمد بن إبراهيم الموسوي، عن عبيد الله بن تهبك، عن سعد بن صالح، عن الحسن بن علي بن أبي المغيرة، - عن بعض أصحابنا - «قال: قلت لأبي عبدالله عليه السلام: إني رجل كثير العِلل و الأمراض، و ما ترك دواء إلا و قد تداويت به؟ فقال لي: فأين أنت عن تُربة الحسين عليه السلام فإنَّ فيها الشفاء من كلِّ داءٍ، و الأمنُ من كلِّ خوف، و قل - إذا أخذته -:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الطَّيْنَةِ، و بِحَقِّ الْمَلِكِ الَّذِي أَخَذَهَا،

وَبِحَقِّ النَّبِيِّ الَّذِي قَبَضَهَا، وَبِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذِي حُلَّ فِيهَا، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَاجْعَلْ لِي فِيهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَأَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ».

قال: ثمَّ قال: إِنَّ الْمَلِكَ الَّذِي أَخَذَهَا جَبْرئيلُ و أراها النبي صلى الله عليه وآله فقال: هذه تربة ابنك هذا، تقتله أمّتك من بعدك، و النبي الذي قبضها فهو محمد صلى الله عليه وآله، و أما الوصي الذي حُلَّ فيها فهو الحسين بن عليّ سيّد الشهداء، قلت: قد عرَفْتُ الشِّفاءَ مِنْ كُلِّ داءٍ، فكيف الأمان مِنْ كُلِّ خَوْفٍ؟ قال: إذا خِفْتَ سلطاناً أو غير ذلك فلا تخرج مِنْ منزلِكَ إلا و معكَ مِنْ طينِ قبرِ الحسين عليه السلام، و قل إذا أخذته: «اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ طِينَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ وَ لِيكَ وَ ابْنِ وَ لِيكَ، اتَّخَذْتُهَا حِزْزاً لِمَا أَخَافُ وَ لِمَا لَا أَخَافُ» فَإِنَّهُ قَدْ يرد عليك ما لا تخاف؛

قال الرَّجُلُ: فأخذتها ما قال فصَبَّحَ وَاللَّهِ بَدَنِي، و كان لي أماناً مِنْ كُلِّ ما خِفْتُ و ما لم أخف كما قال، فما رأيت بِحَمْدِ اللَّهِ بَعْدَها مَكْرَهاً».

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه

جعفر بن محمد بن ابراهیم موسوی، از عبیدالله بن نهبک، از سعد بن صالح، از حسن بن علی بن ابی العقیله، از برخی اصحابمان، وی گفت: محضر مبارک ابی عبدالله علیه السلام عرضه داشتم:

من مردی هستم مبتلا به بیماری های فراوان و هیچ دوائی نیست مگر آن را مصرف کرده و به منظور مداوا خورده ام ولی بهبودی برایم حاصل نشده چه باید بکنم؟

حضرت به من فرمودند:

کجائی، و چرا از تربت حسین علیه السلام غافل هستی، در آن شفاء از هر دردی بوده

و امن است از هر خوف و هراسی، البته وقتی آنرا اخذ می‌کنی بگو:
خدایا از تو می‌خواهم به حق این تربت و به حق فرشته‌ای که آنرا اخذ نموده
و به حق پیامبری که آن را قبض کرده و به حق وصی که در آن حلول نموده، درود
فرست بر محمد و اهل بیتش و قرار بده برای من در آن شفاء از هر دردی و امان
از هر خوف و هراسی.

راوی می‌گوید: سپس حضرت فرمودند:

فرشته‌ای که تربت را اخذ کرد جبرئیل علیه السلام بود و آن را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
نشان داده و گفت:

این تربت فرزندان حسین است، بعد از نوامت او را می‌کشند.

و پیامبری که آن را قبض نمود وجود مبارک حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌باشد.
و اما وصی که در آن حلول کرده عبارت است از حضرت حسین بن علی
علیه السلام که سرور و آقای شهداء است.
محضر مبارکش عرض کردم: شفاء از هر درد را دانستم اما چگونه امان از هر
خوف و هراسی است؟

حضرت فرمودند:

هرگاه از سلطانی خوف داشتی یا خوفی دیگر در تو پیدا شد از منزلت بیرون
میا مگر آنکه با تو از تربت قبر حسین علیه السلام باشد و هنگامی که می‌خواهی آن را
اخذ کرده و برداری بگو:

خدایا این تربت قبر حسین ولی و فرزند ولی تو است، آن را به منظور حفظ از
آنچه خوف و از آنچه خوف ندارم برداشته‌ام.

البته این فقره یعنی «از آنچه خوف ندارم» را نیز بگو زیرا گاهی ابتلائات و
حوادثی برای تو پیش می‌آید که از آنها خوف و هراسی نداشتی و احتمال پیش
آمدنش را نمی‌دادی.

راوی می‌گوید: پس تربت را به همان طوری که حضرت دستور فرموده بودند

برداشتیم، بخدا سوگند بدنم صحت و بهبودی یافت و برایم امان شد از تمام خوفها و هراسها به او از آنچه خوف و هراسش را نداشتیم عیناً همان طوری که حضرت فرمودند و پس از آن به حمدلله هیچ امر مکروه و ناگواری برایم پیش نیامد.

متن:

۱۱ - أخبرني حكيم بن داود بن حكيم، عن سلمة، عن أحمد بن إسحاق القزويني، عن أبي بكار قال: أخذت من التربة التي عند رأس قبر الحسين بن - علي عليه السلام، فإتتها طينة حمراء، فدخلت على الرضا عليه السلام فعرضتها عليه فأخذها في كفه، ثم شمها ثم بكى حتى جرت دموعه، ثم قال: هذه تربة جدِّي.

۱۲ - حدثني أبو عبد الرحمن محمد بن أحمد بن الحسين العسكري بالعسكر قال: حدثنا الحسن بن علي بن مهزيار، عن أبيه، عن محمد بن أبي عمير، عن محمد بن مروان، عن أبي حمزة الثمالي قال: قال الصادق عليه السلام: إذا أردت حمل الطين من قبر الحسين عليه السلام فاقراء «فاتحة الكتاب» و «المعوذتين» و «قل هو الله أحد» و «إنا أنزلناه في ليلة القدر» و «يس» و «آية الكرسي» و تقول:

«اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَحَبِيبِكَ وَنَبِيِّكَ وَآمِينِكَ، وَبِحَقِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَبْدِكَ أَخِي رَسُولِكَ، وَبِحَقِّ فاطمة بنتِ نبيِّكَ وَزوجةِ وليِّكَ، وَبِحَقِّ الحسنِ والحسين، وَبِحَقِّ الأئمةِ الراشدين، وَبِحَقِّ هذهِ التربةِ، وَبِحَقِّ الملكِ الموكَّلِ بها، وَبِحَقِّ

الْوَصِيِّ الَّذِي حُلَّ فِيهَا، وَيَحَقُّ الْجَسَدِ الَّذِي تَضَمَّنَتْ وَيَحَقُّ السَّبْطِ الَّذِي ضَمَّنَتْ، وَيَحَقُّ جَمِيعِ مَلَائِكَتِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ لِي هَذَا الطِّينَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَلِمَنْ يَسْتَشْفِي بِهِ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَقَمٍ وَمَرَضٍ، وَأَمَاناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، اجْعَلْهُ عَلِماً نَافِعاً وَرِزْقاً وَاسِعاً، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَقَمٍ وَآفَةٍ وَعَاهَةِ وَجَمِيعِ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

و تقول: «اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ الْمِنْمُونَةِ، وَالْمَلِكِ الَّذِي هَبَطَ بِهَا، وَالْوَصِيِّ الَّذِي هُوَ فِيهَا، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ، وَانْفَعِنِي بِهَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».



﴿ حدیث یازدهم ﴾

ترجمه:

حکیم بن فاود بن حکیم: از سلمه، از احمد بن اسحق قزوینی، از ابی بکار، وی گفت:

از تربتی که بالای سر قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام بود مقداری برداشتم، این تربت سرخ رنگ بود، پس بر حضرت رضا علیه السلام وارد شده و آن را به حضرت عرضه داشتم.

آن جناب تربت را در کف دستشان نهاده و بوئیلند، سپس چنان گریستند که اشک‌های مبارکشان جاری شد، سپس فرمودند: این تربت جدم می‌باشد.

﴿ حدیث دوازدهم ﴾

ابو عبدالرحمن محمد بن احمد بن الحسن العسکری در عسکر گفت:

حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش، از محمد بن ابی عمیر، از محمد بن مروان، از ابی حمزه ثمالی نقل کرده که وی گفت: حضرت صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه خواستی تربت از قبر حسین علیه السلام برداری و با خود ببری ابتداء فاتحة الكتاب و معوذتین (قل اعوذ برب الفلق، و قل اعوذ برب الناس) و قل هر الله احد و انا انزلناه فی لیلة القدر و یس و آیه الكرسی را بخوان و سپس بگو: بار خدایا به حق محمد که بنده و رسول و حبیب و نبی و امین توست و به حق امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب که بنده و برادر رسول تو است و به حق فاطمه که دختر نبی و همسر ولی تو است و به حق حسن و حسین و به حق پیشوایان که هادیان و راهنمایان هستند و به حق این تربت و به حق فرشته‌ای که موکل بر آن است و به حق وصی که در آن حلول کرده و به حق جسم و کالبدی که این تربت آن را در خود گرفته و به حق سبط پیامبر که درون این تربت است و به حق تمام فرشتگان و انبیاء و فرستادگانش، درود فرست بر محمد و آل محمد، و این تربت را برای من و برای هر کس که با آن استشفاء می‌جوید شفاء از هر درد و مرض و امان از هر خوف و هراسی قرار بده، خدایا، به حق محمد و اهل بیتش آنرا شاخصی نافع و رزقی واسع و شفاء از هر درد و مرض و آفت و عیب و سبب بهبودی تمام دردها قرار بده، به درستی که تو بر هر چیزی قادر و توانا می‌باشی.

و بعد بگو:

خدایا ای پروردگار این تربت مبارک و میمون و ای پروردگار فرشته‌ای که آن را فرود آورده و ای پروردگار وصی که در آن می‌باشد، درود فرست بر محمد و آل محمد و من را بوسیله آن متفع گردان، تو بر هر چیزی قادر و توانا می‌باشی.

﴿ الباب الرابع و التسعون ﴾

﴿ ما يقول الرجل إذا أكل من تربة قبر الحسين ﴾

متن:

١ - حدثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن محمد بن عيسى ابن - عبيد، عن محمد بن إسماعيل البصري - عن بعض رجاله - عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: طين قبر الحسين عليه السلام شفاء من كل داء، وإذا أكلته فقل: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقًا وَاسِعًا، وَعَلِمًا نَافِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

٢ - قال و روى لي بعض أصحابنا - يعني محمد بن عيسى - قال: نسيت إسناده «قال: إذا أكلته تقول: «اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ، وَرَبِّ هَذَا الْوَصِيِّ الَّذِي وَارَثَهُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْهُ عَلِمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا وَاسِعًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ»».

٣ - حدثني الحسن بن عبد الله بن محمد بن عيسى، عن أبيه، عن الحسن ابن - محبوب، عن مالك بن عطية، عن أبيه، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: إذا أخذت من تربة المظلوم ورضعتها في فيك فقل:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ، وَبِحَقِّ الْمَلِكِ الَّذِي قَبَضَهَا، وَالنَّبِيِّ الَّذِي حَصَّنَهَا، وَالْإِمَامِ الَّذِي حُلَّ فِيهَا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ لِي فِيهَا شِفَاءً نَافِعًا، وَرِزْقًا وَاسِعًا، وَأَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَدَاءٍ».

فإنه إذا قال ذلك وهب الله له العافية و شفاه».

﴿ باب نود و چهارم ﴾

﴿ آنچه شخص هنگام تناول نمودن تربت می‌گوید ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبدالله از محمد بن عیسی بن عبید، از محمد بن اسماعیل بصری، از برخی رجالش، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

تربت قبر حسین علیه السلام شفاء هر دردی است و هرگاه آن را تناول می‌کنی بگو: به نام خدا و به کمک او، خدایا آن را روزی فراخ و شاخصی نافع و شفاء هر دردی قرار بده همانا تو بر هر چیزی قادر و توانا هستی.

﴿ حدیث دوم ﴾

سعد بن عبدالله می‌گوید: برخی از اصحاب، که مراد محمد بن عیسی است برایم روایت نمود و گفت:

اسناد این حدیث را فراموش نموده‌ام، حضرت فرمودند:

هرگاه تربت را تناول می‌کنی بگو:

خدایا ای پروردگار این تربت مبارک، و ای پروردگار این وصی که تربت او را پنهان نموده، درورد فرست بر محمد و آل محمد، و قرار بده این تربت را شاخصی نافع و روزی فراخ و شفاء از هر دردی.

﴿ حدیث سوم ﴾

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از مالک بن عطیه، از پدرش، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

هرگاه از تربت آن مظلوم برداشتی و در دهانت نهادی بگو:
 خدا یا از تو سوال می‌کنم به حق این تربت، و به حق فرشته‌ای که آن را قبض
 نموده، و به حق پیامبری که آنرا حفظ و محکم کرده و به حق امامی که در آن
 حلول نموده، درود فرست بر محمد و آل محمد و قراب بده برای من در آن
 شفائی نافع و روزی فراخ و امان از هر خوف و هراس و درد.
 هرگاه شخص این فقرات را بگوید خداوند متعال عافیت و شفا را به وی
 ارزانی می‌دارد.

﴿الباب الخامس و التسعون﴾

﴿إِنَّ الطَّيْنَ كَلَّهُ حَرَامٌ إِلَّا طَيْنَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ﴾

متن:

۱ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ؛ وَ جَمَاعَةٌ مَشَائِخِي، عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى،
 عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ أَبِي يَحْيَى الْوَاسِطِيِّ - عَنْ رَجُلٍ - عَنْ أَبِي
 عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: الطَّيْنُ كَلَّهُ حَرَامٌ، كَلْحَمِ الْخَنزِيرِ، وَمَنْ أَكَلَهُ هَمَّ مَاتَ
 مِنْهُ لَمْ أَصَلِّ عَلَيْهِ، إِلَّا طَيْنَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام، فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَ
 مَنْ أَكَلَهُ بِشَهْوَةٍ لَمْ يَكُنْ فِيهِ شِفَاءً».

۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنِ عَبَّادِ
 بْنِ سَلْيَانَ، عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الطَّيْنِ،
 قَالَ: فَقَالَ: أَكَلِ الطَّيْنَ حَرَامٌ مِثْلَ الْمَيْتَةِ وَ الدَّمِ وَ لَحْمِ الْخَنزِيرِ إِلَّا طَيْنَ قَبْرِ
 الْحُسَيْنِ عليه السلام، فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَ أَمْتًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ».

۳ - حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَعْقُوبَ، عَنِ عَلِيِّ بْنِ

المحسن بن - عَلِيُّ بْنِ فَضَّالٍ، عن أبيه - عن بعض أصحابنا - عن أحدهما عليه السلام «قال: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ آدَمَ عليه السلام مِنْ طِينٍ، فَحَرَّمَ الطِّينَ عَلَيَّ وَوَلَدِيهِ، قَالَ: فَقُلْتُ: مَا تَقُولُ فِي طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ؟ فَقَالَ: يَحْرَمُ عَلَى النَّاسِ أَكْلَ لَحْمِهِمْ، وَيَحِلُّ عَلَيْهِمْ أَكْلَ لَحْمِنَا، وَلَكِنِ الشَّيْءُ الْيَسِيرُ مِنْهُ مِثْلَ الْحِمَّصَةِ».

۴ - و روى سَمَاعَةُ بْنُ مِهْرَانَ، عن أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قال: كُلُّ طِينٍ حَرَامٌ عَلَى بَنِي آدَمَ مَا خَلَّطِينَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام، مَنْ أَكَلَهُ مِنْ وَجَعِ شَفَاةِ اللَّهِ تَعَالَى».

۵ - و وجدت في حديث الحسين بن مهران الفارسي، عن محمد بن سيار، عن يعقوب بن يزيد - يرفع الحديث إلى الصادق عليه السلام - «قال: من باع طين قبر الحسين عليه السلام فإنه يبيع لحم الحسين عليه السلام و يشتريه».

﴿ باب نود و پنجم ﴾

﴿ حرمت خوردن تمام تربت‌ها مگر تربت قبر امام حسین علیه السلام ﴾

﴿ زیرا شفاء هر دردی می‌باشد ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن یعقوب، و جماعتی از اساتیدم، از محمد بن یحیی، از احمد بن محمد بن عیسی، از ابی یحیی واسطی از مردی، از حضرت ابی‌عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

خوردن تمام تربت‌ها حرام است همچون خوردن گوشت خوک و کسی که آن را بخورد و سپس از ناحیه آن بمیرد من بر او نماز نمی‌خوانم مگر تربت قبر

حسین علیه السلام چه آنکه در آن شفاء از هر دردی است و کسی که آنرا با میل بخورد نه به عنوان استشفاء البتّه در آن شفاء نمی باشد.

﴿ حدیث دوم ﴾

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفّار، از عباد بن سلیمان، از سعد ابن سعد، وی گفت: از حضرت ابی الحسن علیه السلام راجع به خوردن تربت پرسیدم؟ حضرت فرمودند:

خوردن تربت حرام است همان طوری که خوردن میته و خون و گوشت خوک حرام است مگر تربت قبر امام حسین علیه السلام زیرا در آن شفاء از هر دردی و امان از هر خوف و هراسی است.



﴿ حدیث سوم ﴾

ابو عبدالله محمد بن احمد بن یعقوب، از علی بن الحسن بن علی بن فضال، از پدرش، از برخی اصحاب، از احد الصادقین علیه السلام، حضرت فرمودند: خداوند تبارک و تعالی آدم علیه السلام از تربت آفریده پس خوردن تربت را بر فرزندان آدم حرام فرمود.

راوی می گوید: محضر مبارکش عرض کردم: چه می فرمائید راجع به تربت قبر امام حسین علیه السلام؟ حضرت فرمودند:

بر مردم خوردن گوشت های خودشان حرام است ولی خوردن گوشت ما بر ایشان حلال است منتهی قدر کمی اندازه نخود.

﴿ حدیث چهارم ﴾

ساعة بن مهران روایت کرده از حضرت ابی عبدالله علیه السلام که آن جناب

فرمودند:

خوردن تمام تربت‌ها بر بنی آدم حرام است مگر تربت قبر امام حسین علیه السلام، زیرا کسی که درد دارد اگر آن را بخورد خداوند متعال او را شفاء می‌دهد.

﴿ حدیث پنجم ﴾

در حدیث حسین بن مهران فارسی یافتیم از محمد بن سيار، از یعقوب بن یزید که حدیث را بطور مرفوعه از حضرت صادق نقل کرده، حضرت فرمودند: کسی که تربت قبر امام حسین علیه السلام را بفروشد پس گوشت آن حضرت را فروخته و خریده است.



﴿ الباب السادس و التسمون ﴾

﴿ مَنْ نَأَتْ دَارَهُ وَتَعَدَّتْ شَقَّتَهُ كَيْفَ يَزُورُهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ ﴾

متن:

- ۱- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ - عَمَّنْ رَوَاهُ - « قَالَ : قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام : إِذَا بَعُدَتْ بِأَحَدِكُمُ الشُّقَّةُ وَ نَأَتْ بِهِ الدَّارُ فَلْيَعْلِ أَعْلَى مَنْزِلٍ لَهُ فَيَصَلِّي رَكَعَتَيْنِ وَ لِيَوْمٍ بِالسَّلَامِ إِلَى قَبُورِنَا، فَإِنَّ ذَلِكَ يَصِيرُ إِلَيْنَا.»
- ۲- حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قَوْلُزَيْهِ جَمِيعاً، عَنْ مُحَمَّدِ ابْنِ - يَحْيَى الْعَطَّارِ، عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سَلْيَانَ النَّيْسَابُورِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ الْيَمَانِيِّ، عَنْ مَنِيْعِ بْنِ الْحَجَّاجِ، عَنْ يُونُسِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنْ حَنَّانِ ابْنِ سَدِيرٍ، عَنْ أَبِيهِ - فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ - « قَالَ :

قال أبو عبد الله عليه السلام: يا سديرُ وما عليك أن تزور قبر الحسين عليه السلام في كلِّ جمعة خمس مرّات؛ وفي كلِّ يوم مرّة؟ قلت: جعلتُ فداك إنَّ بيننا وبينه فراسخ كثيرة، فقال: تصعد فوق سطحك، ثمَّ تلتفتُ يُمنًى و يُسرّة، ثمَّ ترفع رأسك إلى السماء، ثمَّ تتحوّل نحو قبر الحسين، ثمَّ تقول: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»، يكتب لك زورة، و الزّورة حجة و عمرة، قال سديرُ: فرجما فعلته في النهار أكثر من عشرين مرّة».

﴿ باب نود و ششم ﴾

﴿ کیفیت زیارت نمودن کسی که منزل و وطنی از ﴾

﴿ قبر حضرت سید الشهداء دور می باشد ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه از سعد، و محمد بن يحيى، از احمد بن محمد بن عيسى، از محمد بن ابى عمير، از كسى كه روايت نموده، وى مى گويد:
حضرت ابو عبد الله عليه السلام فرمودند:
هر گاه منزل و وطن يكى از شما به ما دور بود بالاترين مكان منزل را انتخاب كند و در آنجا دو ركعت نماز خوانده و با اشاره به قبور ما سلام دهد، سلام وى حتماً به ما خواهد رسيد.

﴿ حدیث دوم ﴾

على بن الحسين و على بن محمد بن فولويه جميعاً، از محمد بن يحيى عطار،

از حمزان بن سلیمان نیشابوری، از عبدالله بن محمد یحیی از منیع ابن حجاج، از یونس بن عبدالرحمن از حنان بن سدید، از پدرش در ضمن حدیث طویل می گوید:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

ای سدید، این حق بر تو نیست که قبر حسین علیه السلام را در هر جمعه پنج مرتبه و در هر روز یک بار زیارت کنی عرض کردم: فدایت شوم بین ما و بین آن حضرت فرسخ های بسیار فاصله است.

حضرت فرمودند:

بر بام منزل برو سپس بطرف راست و جانب چپ خرد توجه کن بعد سر به آسمان بلند کن، سپس سر را بطرف قبر امام حسین علیه السلام برگردان و بعد بگو:
 درود بر تو ای ابا عبدالله، درود بر تو و رحمت و برکات خدا بر تو.
 هر گاه چنین نمودی ثواب یک زوره برایت منظور می شود.
 زوره یعنی یک حج و یک عمره.

سدیر می گوید: بسی روزها بیش از بیست مرتبه حضرت را این طور زیارت

می کردم

متن:

۳ - حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ، عَنْ سَلْمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ [عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ]، عَنْ مَنِيْعٍ، عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنْ حَنَانَ بْنِ سَدِيرٍ، عَنْ أَبِيهِ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: يَا سَدِيرُ تَزُورُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام فِي كُلِّ يَوْمٍ؟ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ لَا، قَالَ: مَا أَجْفَاكُمْ! أَتَزُورُهُ فِي كُلِّ شَهْرٍ؟ قُلْتُ: لَا، قَالَ: فَتَزُورُهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ. قُلْتُ: يَكُونُ ذَلِكَ، قَالَ: يَا سَدِيرُ مَا أَجْفَاكُمْ بِالْحُسَيْنِ علیه السلام أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ لِلَّهِ أَلْفَ

ألف ملك شعثاً غبراً يبكون ويزورون لا يفترون؟ وما عليك يا سديرٌ أن تزورَ قبر الحسين عليه السلام في كلِّ جمعة خمس مرّات؟ - و ذکر مثل الحدیث الأوّل -».

۴- و روی سلیمان بن عیسی، عن أبیه «قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: كيف أزورك إذا لم أقدر على ذلك؟ قال: قال لي: يا عيسى إذا لم تقدر على الحجى، فإذا كان يوم الجمعة فاغتسل أو توضأ واطعِد إلى سَطْحِك، وَصَلِّ ركعتين و توجّه نحوي، فإنه من زارني في حياتي فقد زارني في مماتي، و من زارني في مماتي فقد زارني في حياتي».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

حکیم بن دارد، از سلیمان بن خطاب، از عبدالله بن محمد سنان، از منیع، از یونس بن عبدالرحمن از حنان بن مندیر، از پدرش، وی گفت:

حضرت ابر عبدالله عليه السلام فرمودند:

ای مندیر آیا در هر روز قبر امام حسین عليه السلام را زیارت می کنی:

عرض کردم: فدایت شوم، خیر

حضرت فرمودند:

چقدر جفا می کنی! آیا در هر ماه زیارت می کنی:

عرض کردم: خیر.

فرمودند:

آیا در هر سال زیارت می کنی:

عرض کردم: این طور است.

حضرت فرمودند:

ای سدید چقدر به حسین عليه السلام جفا می کنید، آیا نمی دانی خداوند متعال یک

میلیون فرشته دارد که جملگی زولیده و غبار آلود و گریان هستند و با این حال و هئیت حضرت سیدالشهداء را زیارت کرده و از آن خسته و سست نمی‌شوند: ای مدبر این حق بر تو نیست که قبر حسین علیه السلام را در هر جمعه پنج بار زیارت کنی. و مانند فقرات حدیث ازل را ذکر فرمودند.

﴿ حدیث چهارم ﴾

سلیمان بن عیسی از پدرش روایت کرده، وی گفت:
محضر مبارک حضرت ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم: وقتی قادر بر زیارت شما
نباشم چگونه زیارتتان کنم:
حضرت به من فرمودند:

ای عیسی، وقتی بر آمدن نزد ما قادر نبودی صبر کن تا روز جمعه شود پس
غسل کن با وضوء بگیر و سپس به پشت بام برو و دو رکعت نماز بخوان و سپس
به طرف من توجه کن، کسی که من را در حیاتم زیارت کند محققاً در معات من
نیز زیارت کرده و کسی که در معاتم زیارت کند محققاً در حیاتم من را زیارت
کرده.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي
الْمُنْطَابِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ الدَّهْقَانِ، عَنْ مَنِيْعِ بْنِ الْحِجَّاجِ، عَنْ
حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ، عَنْ أَبِيهِ «قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: يَا سَدِيرُ تَكْثُرُ مِنْ
زِيَارَةِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ؟ قُلْتُ: إِنَّهُ مِنَ الشَّغْلِ، فَقَالَ: أَلَا أَعْلَمُكَ
شَيْئاً إِذَا أَنْتَ فَعَلْتَهُ كَتَبَ اللَّهُ لَكَ بِذَلِكَ الزِّيَارَةَ؟ فَوَقَلْتُ: بَلَى جُعِلَتْ
فِدَاكَ، فَقَالَ لِي: اغْتَسِلْ فِي مِثْرَلِكِ وَاصْقُدْ إِلَى سَطْحِ دَارِكِ وَأَشْرُ إِلَيْهِ

بالسَّلام، تكتب لك بذلك الزيارة».

۶ - حدَّثني محمَّد بن الحسن، عن محمَّد بن الحسن الصَّفَّار، عن أحمد بن - محمَّد بن عيسى، عن إسماعيل بن سهل، عن أبي أحمد - عَمَّن رواه - «قال: قال لي أبو عبد الله عليه السلام: إذا بَعَدْتَ عَلَيْكَ الشُّقَّةَ وَنَأَتْ بِكَ الدَّارُ فَلْتَعَلِّ عَلَى أَعْلَى مَنْزِلِكَ وَتُضِلُّ رَكَعَتَيْنِ، فَلْتَوَمَّ بِالسَّلَامِ إِلَى قَبْرِ نَا فَإِنَّ ذَلِكَ يَصِلُ إِلَيْنَا».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزازی، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از عبدالله بن محمد الدهقان، از منیع بن الحجاج، از عثمان بن سدیر، از پدرش، وی گفت:
حضرت ابو عبدالله عليه السلام به من فرمودند:

ای سدیر، آیا زیاد به زیارت قبر ابی عبدالله الحسین عليه السلام می روی؟

مراد این است که چرا زیاد به زیارت آن حضرت نمی روی؟

محضر مبارکش عرض کردم: این زیاد به زیارت نرفتن ناشی از اشتغالات و

گرفتاری هایم می باشد.

حضرت فرمودند:

آیا چیزی به تو تعلیم بکنم که وقتی انجامش دادی خدا بواسطه آن ثواب

زیارت را به تو بدهد؟

عرض کردم: فدایت شوم آری.

حضرت فرمودند:

در منزلت غسل کن و به پشت بام برو و با اشاره به آن حضرت سلام کن، با

همین عمل خداوند متعال ثواب زیارت به تو خواهد داد.

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمہ:

محمد بن الحسن، از محمد بن حسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسیٰ، از اسماعیل بن سهل، از ابو احمد (محمد بن ابی عمیر) از کسی که این حدیث را نقل نموده می گوید:

امام صادق علیه السلام فرمودند:

وقتی که خانه و منزلت دور بود بر بالای بام منزل برو در رکعت نماز بگذار و با اشاره به قبور و مزار ما سلام بده که سلام تو به ما خواهد رسید.

متن:

۷ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ، عَنْ أَبِيهِ - رَفَعَ الْحَدِيثَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام - قَالَ: دَخَلَ خَنَانُ بْنُ سَدِيرٍ الصَّرِيْفِيُّ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام - وَعِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ - فَقَالَ: يَا خَنَانُ بْنُ سَدِيرٍ تَزُورُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي كُلِّ شَهْرٍ مَرَّةً؟ قَالَ: لَا، قَالَ: فِي كُلِّ شَهْرَيْنِ مَرَّةً؟ قَالَ: لَا، قَالَ: فِي كُلِّ سَنَةٍ مَرَّةً؟ قَالَ: لَا، قَالَ: مَا أَجْفَاكُمْ لِسَيِّدِكُمْ! فَقَالَ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ قَلَّةَ الزَّادِ وَبُعْدَ الْمَسَافَةِ، قَالَ: أَلَا أَدْلِكُمْ عَلَى زِيَارَةِ مَقْبُولَةٍ وَإِنْ بَعُدَ النَّأْيُ؟ قَالَ: فَكَيْفَ أَزُورُهُ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: اغْتَسِلْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَوْ أَيَّ يَوْمٍ شِئْتَ، وَالْبَسْ أَطْهَرَ ثِيَابِكَ وَاصْعَدْ إِلَى أَعْلَى مَوْضِعٍ فِي دَارِكَ أَوْ الصَّحْرَاءِ، فَاسْتَمْبِلِ الْقِبْلَةَ بِوَجْهِكَ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ أَنَّ الْقَبْرَ هُنَا لَكَ، يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «أَيْنَمَا تَوَلَّوْا فَمُ وَجْهُ اللَّهِ». ثُمَّ قُلْ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ، وَسَيِّدِي وَابْنَ سَيِّدِي،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ الشَّهِيدَ بْنَ الشَّهِيدِ، وَالْقَتِيلَ بْنَ الْقَتِيلِ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَنَا زَائِرُكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ بِقَلْبِي وَلِسَانِي
وَجَوَارِحِي، وَإِنْ لَمْ أَزُورْكَ بِنَفْسِي مُشَاهِدَةً لِقُبَّتِكَ، فَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا
وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ، وَوَارِثَ نُوحٍ نَبِيَّ اللَّهِ، وَوَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ،
وَوَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، وَوَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، وَوَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ
اللَّهِ وَنَبِيِّهِ وَرَسُولِهِ، وَوَارِثَ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ رَسُولِ اللَّهِ وَخَلِيفَتِهِ،
وَوَارِثَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَوَصِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلِيكَ، وَجَدَّدَ
عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ، أَنَا يَا سَيِّدِي مُتَقَرِّبٌ إِلَى
اللَّهِ جَلًّا وَعِزًّا، وَإِلَى جَدِّكَ رَسُولِ اللَّهِ، وَإِلَى أَبِيكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَإِلَى
أَخِيكَ الْحَسَنِ، وَإِلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، فَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ
وَبَرَكَاتُهُ، بِزِيَارَتِي لَكَ بِقَلْبِي وَلِسَانِي وَجَمِيعِ جَوَارِحِي، فَكُنْ لِي يَا سَيِّدِي
شَفِيعِي لِقَبُولِ ذَلِكَ مِنِّي، وَأَنَا بِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكَ وَاللَّغْنَةِ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ
أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ أَجْمَعِينَ، فَعَلَيْكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَرِضْوَانُهُ
وَرَحْمَتُهُ».

ثمَّ تتحوَّل على يسارك قليلاً و تحوَّل وجهك إلى قبر علي بن
الحسين عليه السلام، وهو عند رجل أبيه، و تسلم عليه مثل ذلك، ثم ادعُ الله
بما أحببت من أمر دينك و دُنْيَاكَ، ثم تصلي أربع ركعات فإن صلاة
الزيارة ثمان أو ست أو أربع أو ركعتان، و أفضلها ثمان، ثم تستقبل
نحو قبر أبي عبد الله عليه السلام و تقول:

«أَنَا مُؤَدِّعُكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ، وَيَا سَيِّدِي وَابْنَ سَيِّدِي،

وَمُودَعُكَ يَا سَيِّدِي وَبْنُ سَيِّدِي يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، وَمُودَعُكُمْ يَا
سَادَاتِي، يَا مَعَاشِرَ الشُّهَدَاءِ، فَعَلَيْكُمْ سَلَامُ اللَّهِ وَرَحْمَتُهُ وَرِضْوَانُهُ
وَبَرَكَاتُهُ».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش حدیث را مرفوعاً از حضرت
ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده، وی گفت:
حنان بن سدید صیرفی بر ابی عبدالله علیه السلام داخل شد در حالی که گروهی از
اصحاب آن حضرت محضرش بودند، حضرت فرمودند:
ای حنان بن سدید، آیا ماهی یک مرتبه به زیارت ابی عبدالله الحسین علیه السلام
می روی؟

وی عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

آیا در هر دو ماه یک بار آن حضرت را زیارت می کنی؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

آیا در هر سال یک بار به زیارت آن جناب می روی؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند: چقدر به سرور خود جفا می کنید.

عرض کرد: ای پسر رسول خدا هم توشه ام کم و اندک است و هم مسافت

دور می باشد.

حضرت فرمودند:

آیا شما را راهنمایی بکنم بر زیارت مقبولی اگر چه فاصله شما با آن حضرت

خجلی زیاد باشد؟

✦ - عرض کرد: ای پسر رسول خدا چگونه آن حضرت را زیارت کنم؟

حضرت فرمودند:

روز جمعه یا هر روزی که خواستی غسل کن و پاکیزه‌ترین لباسهات را بپوش و به مرتفع‌ترین مواضع خانهات یا به صحراء برو، پس رو به قبله کن به شرطی احراز کنی قبر مطهر، آن طرف می‌باشد، خداوند تبارک در قرآن می‌فرماید: **اَیْنَمَا تَوَلَّوْا فَمَّ وَجْهَ اللّٰهِ**.

سپس بگو:

درود بر تو ای آقای من و ای فرزند آقام و ای سید و سرور من و فرزند سرورم، درود بر تو ای مولای من که شهید و فرزند شهید می‌باشی، مقتول و فرزند مقتول می‌باشی، درود بر تو و رحمت و برکات خدا بر تو باد، ای فرزند رسول خدا من با قلب و زبان و جوارحم تو را زیارت می‌کنم اگر چه خودم نزدت نبوده تا قبر و بارگاہت را مشاهده کنم، پس درود بر تو ای وارث حضرت آدم که برگزیده خداست، و ای وارث حضرت نوح که پیامبر خداست، و ای وارث ابراهیم که خلیل خداست، و ای وارث حضرت موسی که کلیم خداست، و ای وارث حضرت عیسی که روح خداست، و ای وارث حضرت محمد ﷺ که حبیب و پیامبر و فرستاده خداست، و ای وارث حضرت علی علیه السلام که امیر مؤمنان و جانشین رسول و خلیفه خداست و ای وارث حضرت حسن بن علی علیه السلام که جانشین امیرالمؤمنین است، خدا قائلین تو را لعنت کرده و عذاب را بر ایشان در این ساعت، و در هر ساعتی تجدید کرده و نوبه نو نماید، ای سرور من به سوی خداوند عزوجل، و به جدت رسول خدا و به پندرت امیرمؤمنان و به برادرت حضرت امام حسن و به سوی تو ای آقای من با این زیارت که با قلب و زبان و جمیع جوارحم انجام می‌دهم تقرب می‌جویم پس بر تو باد درود و رحمت و برکات، خدا و ای مولای من شفیعم باش تا حق تعالی زیارت را از

من قبول کند، من از دشمنان تو بی زاری جسته و با این بی زاری و در خواست لعنت بر ایشان به خدا و شما جملگی تقرب می جویم، پس بر تو یاد صلوات خدا و رضوان و رحمتش.

سپس اندکی به طرف چپ برگرد و صورت را به جانب قبر علی بن الحسین علیه السلام که پائین پای مبارک واقع شده بگردان و بر او سلام بده بهمان نحوی که بر پدر بزرگوارش سلام دادی سپس برای آنچه از امر دنیا و آخرت که محجوب و مطلوبت هست دعا کن و از خدا درخواست نما، پس از آن چهار رکعت نماز بخوان چه آنکه نماز زیارت یا هشت و یا شش و یا چهار و یا دو رکعت است منتهی افضل آنها هشت رکعت می باشد و پس از فارغ شدن از نماز رو به جانب قبر ایمی عبدالله علیه السلام کن و بگو:

من با تو وداع می کنم ای مولای من و پسر مولایم، و ای سید و سرور من و پسر سید و سرورم، و با تو نیز ای سرور من و فرزند سرورم ای علی بن الحسین، وداع می نمایم، و با شما نیز ای عادات و سرورانم ای گروه شهداء وداع مینمایم، پس بر شما باد درود خدا و رحمت و رضوان و برکاتش.

﴿ الباب السابع و التسعون ﴾

﴿ ما یکره من الجفاء لزیارة قبر الحسین علیه السلام ﴾

متن:

۱- حدیثی آبی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن علی بن الحکم - عن بعض أصحابه - عن أبي جعفر علیه السلام «قال: کم بینکم و بین قبر الحسین؟ قلت: سئة عشر فرسخاً، قال: أو ما تأتونه؟ قلت: لا، قال: ما أجزاکم!».

۲- و عنه، عن سعد، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن موسى بن -
 النضل، [عن علي بن الحكم] - عمّن حدّثه - عن حنّان بن سدير، عن أبي
 - عبد الله عليه السلام «قال: قلت له: ما تقول في زيارة قبر الحسين عليه السلام؟ فقال: زُرّه
 ولا تجفّه، فإنّه سيّد الشهداء و سيّد شباب أهل الجنّة، و شبيهه يحيى بن
 زكريّا، و عليها بكت السماء و الأرض.»

۳- و حدّثني محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفّار، عن
 أحمد بن - محمد بن عيسى، عن أحمد بن أبي داود، عن سعد بن أبي عمر
 [و] الجلاب، عن الحارث الأعور «قال: قال علي عليه السلام: بأبي و أمي
 الحسين المقتول بظهر الكوفة، و الله لكأني أنظر إلى الوحش مادة أعناقها
 على قبره من أنواع الوحش يبكونه و يزؤونه ليلاً حتى الصّباح، فإذا كان
 ذلك فإياكم و الجفاء.»

﴿ باب نود و هفتم ﴾

﴿ مكرره بودن جفاء نسبت به زیارت قبر حضرت ﴾

﴿ امام حسین عليه السلام ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عيسى، از علي
 بن الحكم، از برخی اصحابش از حضرت ابی جعفر عليه السلام، نقل کرده که آن حضرت
 فرمودند:

بین شما و بین قبر حضرت امام حسین عليه السلام چه قدر مسافت است؟
 راوی می گوید: عرض کردم: شانزده فرسخ.

حضرت فرمودند:

آیا به زیارت آن حضرت نمی‌روی؟

عرض کردم: خیر.

حضرت فرمودند:

چه قدر جفا می‌کنید!

﴿ حدیث دوم ﴾

از پدرم، از سعد، از احمد بن محمد بن عیسی، از موسی بن فضل، از علی بن الحکم، از کسی که برایش حدیث گفته، از حنان بن سدر، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام راوی می‌گوید:

محضر مبارکش عرض کردم: در باره زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام چه می‌فرمائید؟

مرکز تحقیق و پژوهش اسلامی

حضرت فرمودند:

زیارتش کن و به آن حضرت جفا مکن، زیرا آن وجود مبارک سرور شهداء و سید جرانان اهل بهشت و شبیه حضرت یحیی بن زکریا بوده و بر این دو (امام حسین و حضرت یحیی علیه السلام) آسمان و زمین گریسته‌اند.

﴿ حدیث سوم ﴾

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از احمد بن ابی داود، از سعد بن ابی عمرو الجلاب، از حارث امور نقل کرده که وی گفت:

حضرت علی علیه السلام فرمودند:

پدر و مادرم فدای حسین که در پشت کوفه کشته می‌شود، به خدا سوگند گویا می‌بینم حیوانات وحشی را که گردن به طرف قبرش کشیده و گریه می‌کنند و شب

تا صبح برایش مرثیه می خوانند و وقتی حال چنین است پس از جفا حذر کنید
و زیارت آن حضرت را ترک نکنید.

متن:

٤ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَأَخِي؛ وَعَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَمُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ، عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سَلِيمَانَ التَّيْسَابُورِيِّ، عَنْ
عَبْدِ اللَّهِ ابْنِ مُحَمَّدِ الْيَمَانِيِّ، عَنْ مَنِيْعِ بْنِ الْحَجَّاجِ، عَنْ يُونُسَ بْنِ
عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنْ حَنَانَ بْنِ سَدِيرٍ، عَنْ أَبِيهِ سَدِيرٍ «قَالَ: قَالَ: أَبُو
عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: يَا سَدِيرُ تَزُورُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ ﷺ فِي كُلِّ يَوْمٍ؟ قُلْتُ: لَا، قَالَ: مَا
أَجْفَاكُمْ، قَالَ: أَتَزُورُهُ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ، قُلْتُ: لَا، قَالَ: فَتَزُورُهُ فِي كُلِّ شَهْرٍ؟
قُلْتُ: لَا، قَالَ: فَتَزُورُهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ؟ قُلْتُ: قَدْ يَكُونُ ذَلِكَ، قَالَ: يَا سَدِيرُ مَا
أَجْفَاكُمْ بِالْحُسَيْنِ ﷺ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ لِلَّهِ أَلْفَ مَلِكٍ شُعْتًا غُيْرًا يَبْكُونَهُ وَ
يَرْثُونَهُ، لَا يَفْتَرُونَ زُورًا لِقَبْرِ الْحُسَيْنِ، وَ ثَوَابِهِمْ لِمَنْ زَارَهُ - وَ ذَكَرَ
الْحَدِيثَ -».

٥ - حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، [عَنْ أَبِيهِ] عَنْ
الْحَسَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ حَنَانَ بْنِ سَدِيرٍ «قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ
فَدَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ وَجَلَسَ، فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ﷺ: مِنْ أَيِّ الْبُلْدَانِ
أَنْتَ؟ فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ: أَنَا رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ، وَأَنَا مُحِبٌّ لَكَ؛ مُوَالٍ،
فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ ﷺ: أَتَزُورُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ ﷺ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ؟ قَالَ: لَا، قَالَ:
فِي كُلِّ شَهْرٍ؟ قَالَ: لَا، قَالَ: فِي كُلِّ سَنَةٍ؟ قَالَ: لَا، فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ ﷺ:
إِنَّكَ لِمَحْرُومٌ مِنَ الْخَيْرِ - وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ -».

۶ - و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ، عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ النَّضِيلِ بْنِ يَسَارٍ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا أَجْفَاكُمْ يَا فَضِيلُ؛ لِاتَزُورُونَ الْحُسَيْنَ عليه السلام. أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مُلْكٍ شُعْتًا غَيْرًا يَبْكُونَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؟!».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدر و برادرم و علی بن الحسین و محمد بن الحسن، از ابن یحیی العطار، از حمدان بن سلیمان نیشابوری، از عبدالله بن محمد یمانی، از منیع بن حجاج، از یونس بن عبدالرحمن، از حنان بن سدید، از پدرش سدید، نقل کرده اند که وی گفت:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

ای سدید آیا قبر حسین علیه السلام را هر روز زیارت می کنی؟

عرض کردم: خیر.

فرمودند: چه قدر جفا می کنید!

حضرت فرمودند:

آیا در هر جمعه زیارتش می کنی؟

عرض کردم: خیر.

حضرت فرمودند:

پس در هر ماه زیارتش می کنی؟

عرض کردم: خیر.

حضرت فرمودند:

پس در هر سال زیارتش می کنی؟

عرض کردم: گاهی این طور است.

حضرت فرمودند:

ای سدیر چه قدر به حسین علیه السلام جفا می‌کنید! آیا نمی‌دانی که هزار فرشته برای خداست که جملگی زولیده و غبارآلود هستند و برای آن حضرت گریه کرده و مرثیه می‌خوانند و از زیارت قبر امام حسین علیه السلام خسته و سست نمی‌شوند و ثواب زیارتشان برای زائرین می‌باشد...

﴿ حدیث پنجم ﴾

حسن بن عبدالرحمن بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از حنان بن سدیر، وی می‌گوید:

خدمت حضرت ابی جعفر علیه السلام بودم که شخصی وارد شد و سلام کرد و نشست، حضرت ابو جعفر فرمودند: از کدام شهر هستی؟
عرض کرد: مردی از اهل کوفه برده، دوست دار شما می‌باشم.
حضرت فرمودند:

آیا قبر حسین علیه السلام را در هر جمعه زیارت می‌کنی؟
عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

در هر ماه چطور؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

در هر سال چطور؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

تو از خیر محروم هستی، و حدیث را ذکر فرمود (مقصود حدیث شماره ۱۲

از باب هشتم می‌باشد).

﴿ حدیث ششم ﴾

محمد بن جعفر می گوید:

محمد بن الحسین، از جعفر بن بشیر، از حنّاد بن عیسی، از ربیع بن عبدالله، از فضل بن یسار زی می گویند: حضرت ابی عبدالله علیه السلام فرمودند:
ای فضیل چه قدر جفاکار هستی، حسین علیه السلام را زیارت نمی کنید، آیا نمی دانی
چهار هزار فرشته که جملگی ژولیده و غبارآلود هستند تا روز قیامت بر آن
حضرت گریه می کنند؟!

متن:

۷- و عنه، عن محمد بن الحسین، عن جعفر بن بشیر، عن حماد، عن محمد ابن مسلم، عن زرارة، عن أبي جعفر علیه السلام «قال: کم بینکم و بین قبر الحسین علیه السلام؟ قال: قلت: ستة عشر فرسخاً، أو سبعة عشر فرسخاً، قال: أما تأتونه؟ قلت: لا، قال: ما أجفاکم».

۸- حدّثني أبي - رحمه الله - عن الحسين بن الحسن بن أبان، عن محمد ابن أورمة، عن أبي عبدالله المؤمن، عن ابن مسكان، عن سليمان بن خالد «قال: سمعت أبا عبدالله علیه السلام يقول: عجبا لأقوام يزعمون أنهم شيعة لنا ويقال: إن أحدهم يمرّ به دهره و لا يأتي قبر الحسين علیه السلام، جفاء منه و تهاونا و عجزاً و كسلاً، أما والله لو يعلم ما فيد من الفضل ما تهاون و لا كسل، قلت: جعلت فداك و ما فيه من الفضل؟ قال: فضل و خير كثير، أما أول ما يصيبه أن يغفر له ما مضى من ذنوبه، ويقال له: استأنف العمل».

۹- حدّثني حكيم بن داود بن حكيم، عن سلمة بن الخطاب، عن

عبداللہ ابن الخطاب، عن عبداللہ بن محمد بن سنان، عن مسنیع بن الحجاج، عن یونس بن عبدالرحمن، عن حنان، عن أبیہ «قال: قال أبو عبداللہ ﷺ یا سدید تزور، قبر الحسین ﷺ فی کلّ یوم؟ قلت: جعلت فداک لا، قال: ما أجفاکم! فتزوره فی کلّ جمعة؟ قلت: لا قال: فتزوره فی کلّ شهر؟ قلت: لا، قال: فتزوره فی کلّ سنّة، قال: قد یكون ذلك، قال: یا سدید ما أجفاکم بالحسین ﷺ - و ذکر الحدیث -».

﴿ حدیث ہفتم ﴾

ترجمہ:

از محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از جعفر بن بشیر، از حماد، از محمد بن مسلم، از زرارہ، از حضرت ابی جعفر ﷺ.

حضرت فرمودند:

بین شما و بین قبر حسین ﷺ چہ قدر مسافت است؟

راوی می گوید: عرض کردم: شانزده یا ہفده فرسخ.

حضرت فرمودند:

آیا بہ زیارتش می روی؟

عرض کردم: خیر.

حضرت فرمودند:

چہ قدر جفا کار هستی.

﴿ حدیث ہشتم ﴾

پدرم رحمۃ اللہ علیہ، از حسین بن حسن بن ابان، از محمد بن ادرمہ، از

ابی عبداللہ مؤمن، از ابن مسکان، از سلیمان بن خالد، وی می گوید:

از حضرت اباعبداللہ ﷺ شنیدم کہ می فرمودند:

تعجب است از گروهی که می‌پندارند شیعه هستند ولی گفته می‌شود روزگار بر ایشان می‌گذرد و احدی از ایشان به زیارت قبر حسین علیه السلام نمی‌روند، چه از روی جفا بوده و چه تنبلی و سستی کرده و چه عاجز و ناتوان باشند و چه کسلی و بی‌حالی منشأ آن باشند، به خدا سوگند اگر می‌دانستند در زیارت آن حضرت چیست هرگز تنبلی و کسلی را به خود راه نمی‌دادند.

عرض کردم: فدایت شوم؛ چه فضیلتی در آن می‌باشد؟

حضرت فرمودند:

فضل و خیر بسیاری در آن می‌باشد، اولین خیری که به زائر می‌رسد آن است که گناهان گذشته‌اش را خداوند آمرزیده و به او خطاب می‌شود: از ابتداء شروع به عمل بکن.



حدیث نهم

حکیم بن داود بن حکیم، از سلمه بن خطاب، از عبدالله بن خطاب، از عبدالله بن محمد بن سنان، از منیع بن حجاج، از یونس بن عبدالرحمن، از حنان، از پدرش، وی می‌گوید:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

ای سدیر، در هر روز قبر حسین علیه السلام را زیارت می‌کنی؟

عرض کردم: فدایت شوم: خیر.

حضرت فرمودند:

چه قدر جفاکار هستی! پس در هر جمعه زیارتش می‌کنی؟

عرض کردم: خیر.

حضرت فرمودند:

در هر ماه آیا زیارتش می‌کنی؟

عرض کردم: خیر.

حضرت فرمودند:

در هر سال آیا به زیارتش می‌روی؟

عرض کردم: گاهی این طور است.

حضرت فرمودند:

ای سدید چه قدر به حسین علیه السلام جفا کرده‌اید و حدیث را ذکر فرمودند (مقصود حدیث شماره (۳) از باب نود و ششم می‌باشد).

متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ جَمَاعَةٌ مَشَائِخِي، عَنْ سَعْدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ نَاجِيَةَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ عَامِرِ بْنِ كَثِيرِ السَّرَّاجِ النَّهْدِيِّ، عَنْ أَبِي الْجَارُودِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام « قَالَ: قَالَ لِي: كَمْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام؟ قُلْتُ: يَوْمَ لِلرَّاكِبِ وَ يَوْمَ وَ بَعْضُ يَوْمٍ لِلْمَاشِي، قَالَ: أَفَتَأْتِيهِ كُلُّ جُمُعَةٍ؟ قُلْتُ: لَا مَا آتِيهِ إِلَّا فِي حِينٍ، قَالَ: مَا أَجْنَاكُمْ! أَمَا لَوْ كَانَ قَرِيبًا مِثْلًا لَأَتَّخِذْنَاهُ هَجْرَةً - أَي نَهَا جَرَّ إِلَيْهِ - ». حَدَّثَنِي جَمَاعَةٌ مَشَائِخِي، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ نَاجِيَةَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ عَامِرِ بْنِ كَثِيرِ النَّهْدِيِّ السَّرَّاجِ، عَنْ أَبِي الْجَارُودِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام - مِثْلَهُ.

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه و جماعتی از اساتیدم، از سعد، از محمد بن عیسی بن عبید، از محمد بن ناجیه، از محمد بن علی، از عامر بن کثیر النهدی، از ابی الجارود، از حضرت ابی جعفر علیه السلام، وی می‌گوید:

حضرت به من فرمودند:

بین شما و قبر حضرت امام حسین علیه السلام چه قدر مسافت است؟
عرض کردم: اگر کسی سواره رود یک روز و در صورتی که پیاده رود یک
روز و مقداری از روز.

فرمودند:

آیا هر جمعه به زیارتش می‌روی؟
عرض کردم: خیر، به زیارتش گاهی می‌روم.
حضرت فرمودند:

چه قدر جفاء کرده‌اید! اگر قبر آن حضرت نزدیک ما می‌بود حتماً به سویش
هجرت می‌کردیم.

جماعتی از اساتیدم، از احمد بن ادریس، از محمد بن احمد، از محمد بن
ناجیه، از محمد بن علی، از عامر بن کثیر النهدی السراج، از ابی الجارود، از
حضرت ابی جعفر علیه السلام مثل همین حدیث را نقل کرده‌اند.

﴿ الباب الثامن و التسعون ﴾

﴿ أقل ما یزار فیہ الحسین علیه السلام ﴾

﴿ و أكثر ما یجوز تأخیر زیارته للفنی و الفقیر ﴾

متن:

۱ - حدیثی جعفر بن محمد بن ابراهیم بن عبدالله الموسوی، عن
عبدالله ابن نهیک، عن محمد بن ابی عمیر، عن ابی ایوب، عن ابی
عبدالله علیه السلام «قال: حقُّ علی الفنی أن یأتی قبر الحسین علیه السلام فی السنَّة مرَّتين،
و حقُّ علی الفقیر أن یأتیه فی السنَّة مرَّةً».

۲- حدّثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد بن - عيسى، عن علي بن الحكم، عن عامر بن عمير؛ و سعيد الأعرج، عن أبي - عبد الله عليه السلام «قال: اتوا قبر الحسين عليه السلام في كل سنة مرة».

۳- حدّثني أبو العباس، عن محمد بن الحسين، عن جعفر بن بشير، عن مسلم، عن عامر بن عمير؛ و سعيد الأعرج جميعاً، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: اتوا قبر الحسين عليه السلام في كل سنة مرة».

۴- حدّثني جعفر بن محمد بن عبد الله الموسوي، عن عبيد الله بن نهيك، عن ابن أبي عمير، عن حماد، عن الحلبي عليه السلام «قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن زيارة قبر الحسين صلوات الله عليه، قال: في السنة مرة، لأنني أكره الشهرة».



مرکز تحقیق و تکلیف پژوهش‌های اسلامی

﴿ باب نود و هشتم ﴾

﴿ کمترین مدّتی که در آن حضرت امام حسین عليه السلام را می‌باید ﴾

﴿ زیارت کرد و حدّ اکثری که زیارت آن جناب را غنی ﴾

﴿ و فقیر می‌توانند تاخیر بیاندازند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

جعفر بن محمد بن ابراهیم بن عبد الله الموسوی، از عبيد الله بن نهيك، از محمد بن ابی عمیر، از ابو ایوب از حضرت ابی عبد الله عليه السلام، آن حضرت فرمودند: بر عهده غنی است که در سال دو مرتبه و بر فقیر است که در سال یک مرتبه به زیارت قبر حضرت امام حسین عليه السلام بروند.

﴿ حدیث دوم ﴾

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از علی بن الحکم، از عامر بن عمیر، و سعید اعرج، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام: حضرت فرمودند:

در هر سال یک مرتبه به زیارت قبر امام حسین علیه السلام بروید.

﴿ حدیث سوم ﴾

ابوالعباس، از محمد بن الحسین، از جعفر بن بشیر، از مسلم، از عامر بن عمیر، و سعید اعرج، جملگی از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده اند که آن حضرت فرمودند:

در هر سال یک مرتبه به زیارت قبر امام حسین علیه السلام بروید.

﴿ حدیث چهارم ﴾

جعفر بن محمد بن عبدالله الموسوی، از عبیدالله نهیک، از ابن ابی عمیر، از حماد، از حلبی، وی می گوید: از حضرت ابی عبدالله علیه السلام راجع به زیارت قبر حسین صلوات الله علیه پرسیدم؟

حضرت فرمودند:

در سال یک مرتبه، زیرا از مشهور شدن کراهت دارم.

مترجم گوید:

شاید مراد این باشد که اگر بیش از یک مرتبه در سال به زیارت آن حضرت روند این امر موجب اشتهاار شخص به این عمل می شود و آن مکروه است.

معن:

٥ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ يَعْقُوبِ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا - عَنْ ابْنِ رِثَابٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: حَقُّ عَلَى الْفَقِيرِ أَنْ يَأْتِيَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ فِي السَّنَةِ مَرَّةً، وَحَقُّ عَلَى الْغَنِيِّ أَنْ يَأْتِيَهُ فِي السَّنَةِ مَرَّتَيْنِ».

٦ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ ابْنِ - أَبَانَ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ، عَنِ الْحَلْبِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ: فِي السَّنَةِ مَرَّةً، إِنِّي أَكْرَهُ الشُّهُرَةَ».

٧ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ابْنِ - عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام «قَالَ: لَا تَجْفُوهُ، يَأْتِيهِ الْمَوْسِرُ فِي كُلِّ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ، وَالْمَعِيرُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا أَوْسَعَهَا، قَالَ الْعَبَّاسُ: لَا أَدْرِي قَالَ هَذَا لِمَنْ «عَلِيٌّ» أَوْ لِمَنْ «أَبِي نَابٍ»».

٨ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ - مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ، عَنِ الْحَلْبِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ عليه السلام، قَالَ: فِي السَّنَةِ مَرَّةً، إِنِّي أَخَافُ الشُّهُرَةَ».

٩ - حَدَّثَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ، عَنِ الزِّيَّاتِ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بِشِيرٍ، عَنْ حَمَّادِ، عَنْ ابْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ عَامِرِ بْنِ عُمَيْرٍ، وَ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: ابْتَوَا قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فِي كُلِّ سَنَةٍ مَرَّةً».

۱۰ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَيْسَى، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنِ الْعَيْصِ بْنِ الْقَاسِمِ «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: هَلْ لَزِيَارَةِ الْقَبْرِ صَلَاةٌ مَفْرُوضَةٌ؟ قَالَ: لَيْسَ لَهُ صَلَاةٌ مَفْرُوضَةٌ، قَالَ: وَسَأَلْتَهُ فِي كَمْ يَوْمٍ يَزَارُ؟ قَالَ: مَا شِئْتَ».

ترجمه: ﴿ حدیث پنجم ﴾

پدرم رحمه الله عليه، از سعد بن عبدالله، از یعقوب بن یزید، از ابن ابی عمیر، از برخی اصحاب، از ابن رثاب، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

این حق بر عهده فقیر است که سالی یک مرتبه و بر غنی است که سالی دو مرتبه به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام بروند.

مرکز تحقیقات کربلا و مدینه - اصفهان

﴿ حدیث ششم ﴾

پدرم رحمه الله عليه و محمد بن الحسن، از حسین بن حسن بن ابان، از حسین بن سعید، از ابن ابی عمیر، از حماد بن عثمان، از حلهبی، نقل کرده اند، که وی از حضرت ابی عبدالله علیه السلام راجع به زیارت قبر امام حسین علیه السلام روایت کرده که آن جناب فرمودند:

در سال یک مرتبه قبر آن حضرت زیارت شود زیرا از شهرت کراهت دارم.

﴿ حدیث هفتم ﴾

پدرم رحمه الله عليه، از سعد بن عبدالله، از حسن بن علی بن عبدالله مغیره، از عباس بن عامر نقل کرده که وی گفت:

علی بن حمزه گفت: حضرت ابوالحسن علیه السلام فرمودند:

جفاء به آن حضرت نکنید، شخص موسر و غنی هر چهار ماه یک بار به زیارتش رود و فقیر را حق تعالی مکلف نکرده، مگر به قدر توان و قدرتش. عباس می گوید: نمی دانم حضرت این کلام و مقاله را برای علی (علی بن ابی حمزه) فرمودند یا ابی ناب (حسن بن عطیه).

﴿ حدیث هشتم ﴾

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصغار، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسین بن سعید، از ابن ابی عمیر، از حماد بن عثمان، از حلیم، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی می گوید:

راجع به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام از آن حضرت پرسیدم؟
حضرت فرمودند:

سالی یک مرتبه به زیارتش روند زیرا، در بیشتر از آن خوف شهرت دارم.

﴿ حدیث نهم ﴾

ابوالعباس، از زیات، از جعفر بن بشیر، از حماد، از ابن مسلم، از عامر بن عمیر، و سعید الاعرج از حضرت ابی عبدالله علیه السلام آن حضرت فرمودند:
در سال یک مرتبه به زیارت قبر حسین علیه السلام بروید.

﴿ حدیث دهم ﴾

پدرم رحمة الله علیه، از سعد، از علی بن اسماعیل بن عیسی، از صفوان بن یحیی، از عیص بن قاسم، وی می گوید: از حضرت ابی عبدالله علیه السلام پرسیدم:
آیا برای زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام نماز واجبی هست؟
حضرت فرمودند:

برای آن نماز واجب و معینی نمی باشد.

راوی می گویند: پرسیدم: در هر چند روز باید به زیارتش رفت؟
حضرت فرمودند: هر چه خواستی.

متن:

۱۱ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ بِإِسْنَادِهِ -
رَفَعَهُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ مَيْمُونِ الصَّائِغِ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: يَا عَلِيُّ بَلِّغْنِي
أَنْ قَوْمًا مِنْ شِيعَتِنَا يَمُرُّ بِأَحَدِهِمُ السَّنَةُ وَالسَّنَتَانِ لَا يَزُورُونَ الْحُسَيْنَ عليه السلام.
قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي أَغْرَفُ أَنَسًا كَثِيرَةً بِهَذِهِ الصُّفَّةِ، قَالَ: أَمَا وَاللَّهِ
لِحَظِّهِمْ أَخْطَلُوا، وَعَنْ ثَوَابِ اللَّهِ زَاغُوا، وَعَنْ جِوَارِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله
تَبَاعَدُوا، قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ فِي كَمِ الزِّيَارَةِ؟ قَالَ: يَا عَلِيُّ إِنْ قَدَرْتَ أَنْ
تَزُورَهُ فِي كُلِّ شَهْرٍ فافعل، قُلْتُ: لَا أَصِلُ إِلَى ذَلِكَ، لِأَنِّي أَعْمَلُ بِيَدِي وَ
أُمُورَ النَّاسِ بِيَدِي، وَلَا أَقْدِرُ أَنْ أَغْتَيْبَ وَجْهِي عَنْ مَكَانِي يَوْمًا وَاحِدًا، قَالَ:
أَنْتَ فِي عُدْرٍ وَمَنْ كَلَنَ يَعْمَلُ بِيَدِهِ، وَإِنَّمَا عَنَيْتُ مَنْ لَا يَعْمَلُ بِيَدِهِ مِمَّنْ
إِنْ خَرَجَ فِي كُلِّ جَمْعَةٍ هَانَ ذَلِكَ عَلَيْهِ، أَمَا إِنَّهُ مَا لَهُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ عُدْرٍ وَلَا
عِنْدَ رَسُولِهِ مِنْ عُدْرٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، قُلْتُ: فَإِنْ أَخْرَجَ عَنْهُ رَجُلًا فَيَجُوزُ
ذَلِكَ؟ قَالَ: نَعَمْ وَخُرُوجَهُ بِنَفْسِهِ أَعْظَمُ أَجْرًا وَخَيْرًا لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ، يَرَاهُ
رَبُّهُ سَاهِرَ اللَّيْلِ، لَهُ تَعَبُ النَّهَارِ، يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ نَظْرَةً تُوجِبُ لَهُ الْفَرْدُوسَ
الْأَعْلَى مَعَ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، فَتَنَافَسُوا فِي ذَلِكَ وَكُونُوا مِنْ أَهْلِهِ».

﴿ حدیث یازدهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه، از عبدالله بن جعفر حمیری به اسنادش که تا علی بن
میمون الصائغ مرفوعه است از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت

فرمودند:

ای علی خبر به من رسیده که یکسال یا دو سال بر جماعتی از شیعیان ما می‌گذرد و ایشان به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام نمی‌روند؟
عرض کردم: فدایت شوم، مردم زیادی را سراغ دارم که این صفت دارند.
حضرت فرمودند:

به خدا سوگند از حظّ و بهره‌شان بر کنار و از ثواب و اجر خدا محروم و از جوار حضرت محمد صلی الله علیه و آله به دور مانده‌اند.

محضر مبارکش عرض کردم: فدایت شوم، در چه فاصله‌ای از مدّت به زیارت آن حضرت برویم؟
حضرت فرمودند:

ای علی اگر قدرت داری که آن جناب را در هر ماه زیارت کنی، پس این کار را بکن.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

عرض کردم: نمی‌توانم به این امر دست یابم زیرا با دست‌هایم کار کرده‌ام و امور مردم نیز در دست من است و اساساً قادر نیستم یک روز از محل کارم غیبت نمایم.
حضرت فرمودند:

تو معذور هستی و کسانی هم که مثل تو کار دستی دارند در عذر می‌باشند و مراد من کسانی هستند که این‌گونه اشتغال نداشته بطوری که اگر در هر جمعه از منزل خارج شده و به زیارت بروند بر ایشان سهل و آسان باشد چه آنکه ایشان در روز قیامت نزد خدا و رسولش عذری ندارند.

محضرش عرض کردم: حال اگر این شخص خود به زیارت نرود ولی کسی را از طرف خود به آنجا بفرستد آیا جایز است؟
حضرت فرمودند:

بلی، جائز است ولی اگر خودش برود اجرش عظیم‌تر بوده و نزد

پروردگارش بهتر و مطلوب‌تر است چه آنکه وقتی حق تعالی ببیند که او شب‌ها را به بیداری و روزها را به تعب و رنج بسر می‌برد به او نظر نموده آنچنان نظری که برایش فردوس اعلی و بهشت جلودان را نصیبت کرده و او را با محمد و اهل بیته صلوات الله علیهم اجمعین همراه و هم‌جوار و قرین می‌گرداند پس تعامیل نشان دهد در این امر و از اهل آن گردید.

متن:

۱۲ - حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ محبوب، عَنْ صَبَّاحِ الْحَدَّاءِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ، عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قال: سمعت ه يقول: زُورُوا قَبْرَ الْحَسَنِ عليه السلام، وَ لَوْ كَلَّ سَنَةً مَرَّةً - وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ -».

۱۳ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ؛ وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنِ الْعَمْرِيِّ بْنِ عَلِيِّ الْبُوفَكِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى - وَ كَانَ فِي خِدْمَةِ أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي - عَنْ عَلِيٍّ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْجَمَّالِ، عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ - «قُلْتُ لَهُ: مَنْ يَأْتِيهِ زَائِرٌ ثُمَّ يَنْصَرِفُ مَتَى يَعُودُ إِلَيْهِ؟ وَ فِي كَمْ [يَوْمٍ] يَوْتِي؟ وَ كَمْ يَسَعُ النَّاسُ تَرْكَهُ؟ قَالَ: لَا يَسَعُ أَكْثَرَ مِنْ شَهْرٍ وَ أَمَّا بَعِيدُ الدَّارِ فِي كُلِّ ثَلَاثِ سِنِينَ، فَمَا جاز ثَلَاثِ سِنِينَ فَلَمْ يَأْتِهِ فَقَدْ عَقَّ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ قَطَعَ حَرَمَتَهُ، إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ».

۱۴ - حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ ابْنِ - هَاشِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ، عَنِ عبيد الله الحلبي، عَنْ أَبِي عبيد الله عليه السلام «قال: قلت: إنا نزور قبر الحسين عليه السلام في السنة مرّة، قلت: كيف أصلي عليه؟ قال: تقوم خلفه عند كتفيه، ثمّ

تصليّ على النبي ﷺ و تصليّ على الحسين ﷺ».

ترجمه: ﴿ حدیث دوازدهم ﴾

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از صباح الحداء، از محمد بن مروان، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی گفت: از آن حضرت شنیدم که می فرمودند:
 قبر حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کنید اگر چه سالی یک بار باشد....

﴿ حدیث سیزدهم ﴾

پدرم رحمة الله علیه، از احمد بن ادريس و محمد بن يحيى، از عمرکی بن علی بوقکی، وی گفت: یحیی که از خادمین ابو جعفر ثانی بود برای ما نقل کرد از علی و او از صفوان بن مهران جمال و او از حضرت ابی عبدالله علیه السلام در ضمن حدیث طولانی چنین نقل کرده:

محضر مبارکش عرض کردم: کسی که به زیارت حضرت سیدالشهداء برود و سپس برگردد چند وقت بعد دو مرتبه به زیارت عود کند؟ و در چند روز دیگر به زیارت رود و مردم تا چه مدت می توانند زیارت حضرت را ترک کنند؟
 حضرت فرمودند:

بیش از یک ماه نمی توانند آن را ترک کنند و اما کسانی که منزلشان دور است در هر سه سال یک مرتبه باید به زیارتش بروند و اگر سه سال تجاوز نمود و به زیارت آن حضرت نروند عاق رسول خدا صلی الله علیه و آله واقع شده و حرمت آن جناب را قطع و هنک نموده مگر علت و سببی داشته باشد.

﴿ حدیث چهاردهم ﴾

علی بن الحسین بن موسی رحمة الله علیه، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از

پدرش، از ابن فضال، از علی بن عقبه از عبیدالله الحلبي، از ابي عبدالله علیه السلام وی می گوید:

محضرش عرض کردم: ما در سال دو یا سه مرتبه قبر حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت می کنیم آیا این عمل چطور است؟
حضرت فرمودند:

من کراهت دارم زیاد آن قبر مطهر را قصد کنید، در سال یک مرتبه به زیارت آن بروید.

عرض کردم: چگونه صلوات بر آن حضرت بفرستم؟
حضرت فرمودند:

پشت قبر در جنب کتفین و شانیه های آن حضرت بایست، سپس صلوات بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بفرست و بعد از آن بر حسین علیه السلام صلوات و رحمت بفرست.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

متن:

۱۵- و قال العَمْرُکي بإسناده «قال: قال أبو عبد الله علیه السلام: إني يصلي عند قبر الحسين أربعة آلاف ملكٍ من طلوع الفجر إلى أن تغيب الشمس، ثم يصدون؛ و ينزل مثلهم فيصلون إلى طلوع الفجر، فلا ينبغي للمسلم أن يتخلف عن زيارة قبره أكثر من أربع سنين».

۱۶- و بإسناده عن محمد بن الفضل، عن أبي ناب، عن أبي عبد الله علیه السلام «قال: سألته عن زيارة قبر الحسين صلوات الله عليه، قال نعم تعدل عُمره، ولا ينبغي التَّخَلُّفُ عنه أكثر من أربع سنين».

﴿ حدیث پانزدهم ﴾

ترجمه:

عمرکی به اسنادش نقل کرده و می گوید: حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

چهار هزار فرشته از طلوع صبح تا غروب آفتاب نزدیک قبر حضرت امام حسین علیه السلام دعاء و طلب رحمت کرده و سپس بالا رفته و چهار هزار فرشته دیگر بجای ایشان قرار گرفته و تا طلوع صبح دعاء و طلب رحمت می کنند.

پس بر مسلمان سزاوار نیست که بیش از چهار سال به زیارت قبر آن حضرت نرفته و از آن تخلف کند.

﴿ حدیث شانزدهم ﴾

عمرکی به اسنادش از محمد بن فضل، از ابی نایب، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی می گویند: راجع به زیارت قبر امام حسین صلوات الله علیه از آن حضرت پرسیدم؟

حضرت فرمودند:

بلی، زیارت آن جناب معادل و مساوی با یک عمره است و شایسته نیست بیش از چهار سال به زیارت قبر آن حضرت نرفته و از آن تخلف کند.

متن:

۱۷ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَادِ الْبَصْرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ، عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - وَنَحْنُ فِي طَرِيقِ الْمَدِينَةِ نُرِيدُ مَكَّةَ - فَقُلْتُ لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا لِي أَرَاكَ كَثِيْبًا حَزِيْنًا مُنْكَسِرًا؟ فَقَالَ لِي: لَوْ تَسْمَعُ مَا أَسْمَعُ لَشَغَلَكَ عَنِ مَسَائِلِي، قُلْتُ: فَمَا الَّذِي تَسْمَعُ؟ قَالَ: ابْتِهَالُ الْمَلَائِكَةِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ عَلَى قَتْلَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ قَتْلَةِ الْحُسَيْنِ عليه السلام، وَ نُوحِ الْجَنِّ وَ

بُكَاءَ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ حَوْلَهُ: وَشِدَّةَ حُزْنِهِمْ فَمَنْ يَتَهَنَّأُ مَعَ هَذَا بِطَعَامٍ أَوْ بِشَرَابٍ أَوْ نَوْمٍ؟! قُلْتُ لَهُ: فَمَنْ يَأْتِيهِ زَائِرٌ ثُمَّ يَنْصَرِفُ فَتَقِي يَعُودُ إِلَيْهِ؛ وَ فِي كَمْ [يَوْمٍ] يُؤْتِي وَ فِي كَمْ يَسْعُ النَّاسُ تَرْكَهُ؟ قَالَ: أَمَّا الْقَرِيبُ فَلَا أَقْلُ مِنْ شَهْرٍ، وَ أَمَّا بَعِيدَ الدَّارِ فِي كُلِّ ثَلَاثِ سِنِينَ، فَمَا جازَ الثَّلَاثِ سِنِينَ فَقَدْ عَقَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ قَطَعَ رَحْمَهُ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ، وَ لَوْ يَعْلَمُ زَائِرُ الْحُسَيْنِ عليه السلام مَا يَدْخُلُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ مَا يَصِلُ إِلَيْهِ مِنَ الْقَرْحِ وَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى فَاطِمَةَ وَ الْأُئِمَّةِ وَ الشُّهَدَاءِ مِمَّا أَهَلَ الْبَيْتَ وَ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ مِنْ دَعَائِهِمْ لَهُ؛ وَ مَا لَهُ فِي ذَلِكَ مِنَ الثَّوَابِ فِي الْعَاجِلِ وَ الْأَجَلِ وَ الْمَذْخُورِ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ لِأَحَبِّ أَنْ يَكُونَ مَا تَمَّ دَارُهُ مَا بَقِيَ.

وَ إِنْ زَائِرُهُ لِيُخْرِجَ مِنْ رَحْلِهِ فَمَا يَقَعُ فِيهِ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا دَعَا لَهُ، فَبِإِذَا وَقَعَتِ الشَّمْسُ عَلَيْهِ أَكَلَتْ ذَنْبَهُ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ، وَ مَا تُبْقِي الشَّمْسُ عَلَيْهِ مِنْ ذَنْبِهِ شَيْئاً، فَيَنْصَرِفُ وَ مَا عَلَيْهِ ذَنْبٌ وَ قَدْ رَفَعَ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مَا لَا يَنَالُهُ التَّشْحِطُ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ يُوَكَّلُ بِهِ مَلِكٌ يَقْرَأُ مَقَامَهُ وَ يَسْتَغْفِرُ لَهُ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى الزِّيَارَةِ أَوْ يَمُوتُ ثَلَاثَ سِنِينَ أَوْ يَمُوتُ - وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ بِطَوْلِهِ - .

حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ؛ وَ مُحَمَّدَ بْنَ يَحْيَى جَمِيعاً، عَنْ الْعَمْرِيِّ بْنِ عَلِيٍّ الْبُوفَكِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى - وَ كَانَ فِي خِدْمَةِ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي - عَنْ عَلِيٍّ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْجَسَّالِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ فِي طَرِيقِ الْمَدِينَةِ - وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ بِطَوْلِهِ - .

﴿ حدیث هفدهم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری از عبدالله بن عبدالرحمن الاصم، از صفوان جمال، وی گفت: در راه مدینه قصد مکه داشتیم.

از حضرت اباعبدالله علیه السلام پرسیدم: ای فرزند رسول خدا چیست که شما را اندوهگین و محزون و شکسته خاطر می بینم؟

حضرت فرمودند:

آنچه را من می شنوم اگر تو می شنیدی این سؤال را از من نمی کردی.

عرض کردم: چه چیز می شنوید؟

حضرت فرمودند:

زاری کردن فرشتگان به درگاه خداوند عزوجل و اظهار بغض نمودن از کشتندگان امیرالمؤمنین و حضرت امام حسین علیهما السلام و توجه نمودن جن و گریستن فرشتگانی که در اطراف قبر آن حضرت هستند و شدت حزن ایشان، پس بر چه کسی با این حال طعام یا شراب یا خواب گوارا خواهد بود؟

عرضه داشتم: کسی که به زیارت آن حضرت بیاید و بعد برگردد چه زمانی باز برای زیارت برگردد؟ و ظرف چند روز بعد دوباره محضر امام علیه السلام برگردد و اساساً مردم تا چند وقت می توانند زیارت حضرتش را ترک کنند؟

حضرت فرمودند:

اما کسانی که قریب و نزدیک قبر مطهر هستند لااقل ماهی یک بار به زیارت روند و آنانکه دور می باشند در هر سه سال یک مرتبه و اگر سه سال گذشت و به زیارت آن جناب نرفتند عاق رسول خدا صلی الله علیه و آله شده و قطع رحم آن حضرت را نموده اند مگر علت و سببی داشته باشد.

و اساساً زائر حسین علیه السلام اگر بداند که با زیارتش چه سرور و فرحی به رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیهما السلام و فاطمه سلام الله علیها و ائمه علیهم السلام و شهداء از ما

اهل بیت وارد شده و او نیز مطلع باشد که از ناحیه دعاء ایشان برایش چه حاصل شده و همچنین واقف باشد از اجر و ثواب دنیوی و اخروی و آنچه برای وی نزد خدا ذخیره گشته هرآینه دوست می دارد که منزلش نزد آنجناب بوده و از آنجا هیچ گاه مفارقت نکرده و پیوسته در حال زیارت حضرتش باشد.

و زائر حسین علیه السلام وقتی به قصد زیارت از خانه اش خارج شد سایه اش به چیزی نمی افتد مگر آن چیز برایش دعا می نماید، و هنگامی که آفتاب بر او تابید گناهانش را می خورد همانطوریکه آتش هیزم را می خورد، و آفتاب هیچ گناهی را بر او باقی نمی گذارد، بنابراین از زیارت بر می گردد در حالی که هیچ گناهی بر او نیست و حق تعالی درجه اش را آن قدر مرتفع و عالی می گرداند که آنان که در راه خدا به خون خویش آغشته شده اند به آن دسترسی نداشته و مقام و منزلتشان در حد او نمی باشد و خداوند مکان فرشته ای را قائم مقام وی نموده که تا بار دیگر وی به زیارت حضرت می آید برایش طلب آمرزش کند یا سه سال از این زیارت بگذرد یا فوت شود.

پدرم رحمه الله علیه، از احمد بن ادریس و محمد بن یحیی جمیعاً از عمر کی بن علی بوفکی، وی می گوید:

یحیی که در خدمت ابی جعفر ثانی بود از علی و او از صفوان بن مهران جمال و او از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده، وی گفت:

در طریق مدینه از حضرت سؤال کردم ... و حدیث را با طول و تفصیل نقل نموده.

﴿ الباب التاسع و التسعون ﴾

﴿ ثواب زيارة قبر أبي الحسن موسى بن جعفر ﴾

﴿ و محمد بن علي الجواد عليه السلام ببغداد ﴾

متن:

١ - حدثني علي بن الحسين بن موسى بن بابويه - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن علي الوشاء «قال: سألت الرضا عليه السلام عن زيارة قبر أبي الحسن عليه السلام أمثل زيارة قبر الحسين عليه السلام؟ قال: نعم».

و حدثني محمد بن يعقوب، عن محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد بن عيسى، بأسناده مثله.

٢ - حدثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن أبي علي، عن الحسين بن بشار الواسطي «قال: قلت للرضا عليه السلام: ازور قبر أبي الحسن عليه السلام ببغداد؟ فقال: إن كان لا بد منه فمن وراء الحجاب».

٣ - حدثني علي بن الحسين، عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن أبي عبد الله البرقي، عن الحسن بن علي الوشاء «قال: قلت للرضا عليه السلام: ما لمن زار قبر أبيك أبي الحسن عليه السلام؟ فقال: زُرّه، قال: فقلت: فأني شيء فيه من الفضل؟ قال: له مثل من زار قبر الحسين عليه السلام».

٤ - حدثني محمد بن عبد الله بن جعفر، عن أبيه، عن هارون بن مسلم، عن علي بن حسان الواسطي - عن بعض أصحابنا - عن الرضا عليه السلام

«فی إتیان قبر أبی الحسن علیه السلام قال: صلّوا فی المساجد حوله».

﴿ باب نود و نهم ﴾

﴿ ثواب زیارت قبر حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر ﴾

﴿ و محمّد بن علی الجواد علیه السلام در بغداد ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

علی بن الحسین بن موسی بن یایویه رحمة الله علیه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمّد بن عیسی، از حسن بن علی الوشاء وی گفت: از حضرت رضا علیه السلام راجع به زیارت قبر ابا الحسن (موسی بن جعفر) علیه السلام سؤال کرده و عرض کردم: آیا مثل زیارت قبر حسین علیه السلام است؟

حضرت فرمودند: بلی.

و محمد بن یعقوب، از محمّد بن یحیی، از احمد بن محمّد بن عیسی به اسنادش مثل همین حدیث را نقل کرده است.

﴿ حدیث دوم ﴾

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمّد بن عیسی، از ابی علی، از حسین بن بشّار واسطی نقل کرده وی گفت:
محضر مبارک حضرت رضا علیه السلام، عرض کردم: آیا قبر حضرت ابی الحسن در بغداد را زیارت بکنم؟

حضرت فرمودند:

اگر چاره‌ای از آن نداشتی پس از پشت حجاب زیارتش بکن.

مترجم گوید:

مرحوم مجلسی در بحار فرموده: امر به زیارت از پشت حجاب بخاطر تقیه از مخالفین می باشد.

﴿ حدیث سوم ﴾

علی بن الحسین، از سعد بن عبدالله، از احمد بن ابی عبدالله البرقی، از حسن بن علی الوشاء نقل کرده، وی گفت: محضر مبارک حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: ثواب کسی که قبر پدر بزرگوارتان حضرت ابی الحسن علیه السلام را زیارت کند چیست؟ حضرت فرمودند: آن را زیارت کن.

عرض کردم: فضیلت آن چه قدر است؟
حضرت فرمودند:

ثواب و فضیلت کسی که او را زیارت کند مثل ثواب کسی است که قبر حسین علیه السلام را زیارت نماید.

﴿ حدیث چهارم ﴾

محمد بن عبدالله بن جعفر، از پدرش، از هارون بن مسلم، از علی بن حسان واسطی، از برخی اصحاب ما، از حضرت رضا علیه السلام راجع به رفتن و زیارت کردن قبر حضرت ابی الحسن علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند: در مساجدی که اطراف آن قبر مطهر است نماز بگذارید.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - جَمِيعًا، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَشَّارٍ

الواسطی «قال: سألت أبا الحسن الرضا علیه السلام ما لمن زار قبر أبيك صلوات الله عليه؟ قال: فقال: زوروه، قال: قلت: فأی شیء فيه من الفضل؟ قال: فقال: فيه من الفضل كفضل من زار والده - يعني رسول الله صلی الله علیه و آله - قلت: فإن خفت ولم يمكن لي الدخول داخلًا؟ قال: سلم من وراء الجدار».

۶ - حدّثني أبو العباس محمد بن جعفر القرشي، عن محمد بن الحسين بن - أبي الخطاب، عن محمد بن إسماعيل بن بزيع، عن الخبيرى، عن الحسين ابن محمد الأشعري القمي «قال: قال لي الرضا علیه السلام: من زار قبر أبي بيغداد كان كمن زار رسول الله صلی الله علیه و آله و قبر أمير المؤمنين علیه السلام إلا أن رسول الله و أمير المؤمنين فضلها»
و حدّثني محمد بن يعقوب، عن محمد بن يحيى، عن محمد بن الحسين بإسناده مثله.

۷ - حدّثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن عبد الرحمن بن أبي نجران «قال: سألت أبا جعفر علیه السلام عن من زار رسول الله صلی الله علیه و آله قاصداً، قال: له الجنة، و من زار قبر أبي الحسن علیه السلام فله الجنة».

۸ - حدّثني محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد، عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن عليّ الوشاء، عن الرضا علیه السلام «قال: زيارة قبر أبي مثل زيارة قبر الحسين علیه السلام».

﴿ حدیث پنجم ﴾ ترجمه:

پدرم و علی بن الحسین، و محمد بن الحسن رحمة الله علیهم جمله‌گی از سعد بن عبدالله، از یعقوب بن یزید، از حسین بشار واسطی، نقل کرده‌اند که وی گفت:

از حضرت ابا الحسن الرضا علیه السلام پرسیدند: ثواب کسی که قبر پدر بزرگوارتان را زیارت کند چیست؟

راوی گفت: حضرت فرمودند:

به زیارت ایشان بروید.

عرض کردم: چه فضیلتی در آن می‌باشد؟

حضرت فرمودند:

فضیلت زیارت او همچون فضیلت زیارت پدرش یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشد.

عرض کردم: اگر خوف و هراسی داشته و برایم ممکن نبود که داخل شوم چه

کار بکنم؟

حضرت فرمودند:

از پشت حجاب سلام بده.

﴿ حدیث ششم ﴾

ابوالعباس محمد بن جعفر قرشی، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از محمد بن اسماعیل بن بزیع، از خیبری، از حسین بن محمد اشعری قمی نقل کرده که وی گفت:

حضرت رضا علیه السلام به من فرمودند:

کسی که قبر پدرم را در بغداد زیارت کند مثل کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و قبر امیرالمؤمنین علیه السلام را زیارت کرده منتهی زیارت رسول خدا و امیرالمؤمنین

سلام الله علیهما افضل می باشد. عنه محمد بن یعقوب، از محمد بن یحیی، از محمد بن الحسین به اسنادش متن همین حدیث را نقل کرده اند.

﴿ حدیث هفتم ﴾

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از عبدالرحمن بن ابی نجران نقل کرده که وی گفت:
از حضرت ابو جعفر علیه السلام راجع به کسی که رسول خدا را زیارت کند پرسیدم؟
حضرت فرمودند:
بهشت برای او است و کسی که قبر ابی الحسن علیه السلام (امام کاظم علیه السلام) را زیارت کند بهشت برای او می باشد.



﴿ حدیث هشتم ﴾

محمد بن الحسن بن احمد ولید، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد، از حسن بن علی الرضاء، از حضرت رضا علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:
زیارت قبر پدرم مثل زیارت قبر حسین علیه السلام می باشد.

متن:

۹ - و عنه، عن سعد، عن أحمد بن محمد، عن أحمد بن عبدوس الخننجي، عن أبيه رحيم «قال: قلت للرضا علیه السلام: جعلت فداك إن زيارة قبر أبي الحسن عليه السلام ببغداد علينا فيها مشقة، وإنما نأته فنسلم عليه من وراء الحيطان، فما لمن زاره من الثواب؟ قال: فقال له: والله مثل ما لمن أتى قبر رسول الله صلی الله علیه و آله».

۱۰ - و حدَّثني محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار، عن أحمد ابن محمد بن عيسى، عن علي بن الحكم، عن رَحِيم «قال: قلت للرضا عليه السلام: جعلت فداك إنَّ زيارة قبر أبي الحسن عليه السلام ببغداد علينا فيها مَشَقَّة، فما لِنَ زارَهُ؟ فقال: له مثل ما لمن أتى قبر الحسين عليه السلام من القواب، قال: ودخل رجلٌ فسَلَّم عليه و جلس و ذكر ببغداد و رداة أهلها و ما يتوقَّع أن ينزل بهم من الخسف و الصحية و الصواعق - و عدَّ من ذلك أشياء - قال: فقمت لأخرج فسمعت أبا الحسن عليه السلام و هو يقول: أمَّا أبو الحسن فلا».

۱۱ - حدَّثني محمد بن يعقوب، عن محمد بن يحيى، عن محمد بن القلانسي، عن علي بن محمد الحُصيني، عن علي بن عبد الله بن مروان، عن إبراهيم ابن - عَقْبَةَ «قال: كتبت إلى أبي الحسن الثالث عليه السلام أسأله عن زيارة قبر أبي عبد الله، و عن زيارة قبر أبي الحسن و أبي جعفر عليه السلام، فكتب إلي: أبو عبد الله المقدم، و هذا أجمع و أعظم أجراً».

۱۲ - حدَّثني علي بن الحسين عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد ابن - عيسى، عن عبد الرحمن بن أبي نجران «قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عمَّن زار النبي صلى الله عليه وآله قاصداً؟ قال: له الجنة، و من زار قبر أبي الحسن عليه السلام فله الجنة».

﴿ حديث نهم ﴾

ترجمه:

از محمد بن الحسن، از سعد، از احمد بن محمد، از احمد بن عدوس خَلنجی، از پدرش رحيم، وی می گوید:

محضر مبارک حضرت رضا علیه السلام عرض کردم:

فدایت شوم زیارت قبر حضرت ابی الحسن علیه السلام در بغداد، بر ما مشقت دارد
لذا خدمتش رفته و از پشت دیوارها به او سلام می‌دهیم، ثواب کسی که او را
زیارت کند چیست؟

حضرت به او فرمودند:

به خدا سوگند ثواب او مثل ثواب کسی است که رسول خدا را زیارت کرد،
است.

﴿ حدیث دهم ﴾

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی،
از علی بن الحکم از رحیم، وی گفت: محضر امام رضا علیه السلام عرض کردم: فدایت
شوم زیارت قبر حضرت ابی الحسن علیه السلام در بغداد بر ما مشقت دارد، ثواب کسی
که ایشان را زیارت کند چیست؟

حضرت فرمودند:

ثوابش مثل ثواب کسی است که قبر حسین علیه السلام را زیارت کند.

راوی می‌گوید:

شخصی داخل شد و به آن حضرت سلام داد و نشست و متذکر بغداد و پست
بودن مردم آن شد و خاطر نشان کرد که امید می‌رود عذاب خسف (خرو رفتن در
زمین) و صیحه آسمانی و صاعقه ... و نام چند عذاب دیگر را برد ... ایشان را
بگیرد.

سپس می‌گوید: وقتی بلند شدم از محضرش مرخص شوم شنیدم که آن جناب

فرمودند:

اما ابوالحسن این طور نیست.

مترجم گوید:

طبق فرموده مرحوم مجلسی مقصود این است که: اَمَّا ابوالحسن علیه السلام: دعاء مکن به اهل بغداد این عذابها، نازل شود زیرا ایشان بواسطه وجود قبر مظهر حضرت ابوالحسن علیه السلام از آن محفوظ و مصمون می باشند.

﴿ حدیث یازدهم ﴾

محمد بن یعقوب، از محمد بن یحیی، از حمدان فلانسی، از علی بن محمد الحضینی، از علی بن عبدالله بن مروان از ابراهیم بن عقبه، وی گفت: حضرت ابی الحسن الثالث علیه السلام نامه ای نوشته و در آن از زیارت قبر ابی عبدالله و قبر ابی الحسن و قبر ابی جعفر علیهم السلام پرسیدم؟ حضرت در جواب فرمودند: زیارت ابی عبدالله الحسین علیه السلام را مقدم بجا آور و بعد زیارت این دو امام مدام علیهم السلام را به آن ضمیمه کن که زیارتت جامع تر و اجرت عظیم تر خواهد بود.

﴿ حدیث دوازدهم ﴾

علی بن الحسین، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از عبدالرحمن بن ابی نجران، وی گفت: از حضرت ابی جعفر علیه السلام راجع به زیارت رسول الله صلی الله علیه و آله پرسیدم؟ حضرت فرمودند: بهشت برای او می باشد و کسی که قبر ابی الحسن علیه السلام را نیز زیارت کند بهشت برای او خواهد بود.

﴿ الباب المائة ﴾

﴿ زیارة ابی الحسن موسی بن جعفر و ابی ﴾

﴿ جعفر محمد بن علی الجواد علیه السلام ﴾

متن:

١ - حدّثني محمد بن جعفر الرزاز الكوفي، عن محمد بن عيسى بن عبيد

- عن ذكره - عن أبي الحسن عليه السلام «قال: تقول ببغداد:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ بَدَأَ اللَّهُ فِي

شَأْنِهِ، أَتَيْتُكَ عَارِفًا بِحَقِّكَ، مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ

يَا مَوْلَايَ»، قال: وَادْعُ اللَّهَ وَاسْأَلْ حَاجَتَكَ، قال: وَسَلِّمْ بِهَذَا عَلَى أَبِي

جعفر محمد بن علي عليه السلام. *مرکز تحقیق و نشر کتب قدوسی*وقال: إذا أردت زيارة موسى بن جعفر؛ و محمد بن علي عليه السلام فاغتسل و

تنظف و البس ثوبيك الطاهرين، و زُرْ قَبْرَ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ

مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا عليه السلام، و قل حين تصير عند قبر موسى بنجعفر عليه السلام:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ بَدَأَ اللَّهُ فِي

شَأْنِهِ، أَتَيْتُكَ زَائِرًا، عَارِفًا بِحَقِّكَ، مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ، مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ،

فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا مَوْلَايَ».

﴿ باب صدم ﴾

﴿ در بیان زیارت نامه حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر ﴾

﴿ و ابی جعفر حضرت محمد بن علی الجواد علیه السلام ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزاق کوفی، از محمد بن عیسی بن عبید از کسی که ذکرش نموده، از حضرت ابی الحسن علیه السلام، حضرت فرمودند:

در زیارت نامه حضرت ابی الحسن علیه السلام در بغداد می‌گوئی:

سلام بر تو ای ولی خدا، سلام بر تو ای حجت خدا، سلام بر تو ای نور خدا در تاریکی‌های زمین، سلام بر تو ای کسی که در شأنش بدا برای حق تعالی حاصل شده، به زیارت آمده‌ام در حالی که عارف به حقت بوده، دشمن دشمنانت هستم، پس ای مرلای من نزد پروردگارت شفیع من باش سپس حضرت فرمودند:

خدا را بخوان و از او حاجت را در خواست نما.

حضرت فرمودند:

و با همین عبارات بر حضرت ابی جعفر محمد بن علی علیه السلام، سلام بده.

و فرمودند:

هر گاه اراده زیارت حضرت موسی بن جعفر و محمد بن علی علیه السلام را نمودی، غسل کن و خود را نظیف و پاکیزه کن و دو جامه طاهر و پاک خود را بپوش و قبر ابی الحسن موسی بن جعفر و محمد بن علی بن موسی الرضا علیه السلام را زیارت کرده و هنگامی که نزدیک قبر موسی بن جعفر علیه السلام رسیدی بگو:

سلام بر تو ای ولی خدا، سلام و درود بر تو ای حجت خدا، درود بر تو ای

نور خدا در تاریکی های زمین، سلام بر تو ای کسی که در شأنش بدا برای حق تعالی حاصل شده، آمدم به نزدت در حالی که زائر تو هستم عارف به حق تو و دشمن دشمنانت و دوست دار دوستانت می باشم، ای مولای من نزد پروردگارت شفیع من باش.

متن:

ثمَّ سَلِّ حَاجَتَكَ، ثُمَّ سَلِّمْ عَلَيَّ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجَوَادِ عليه السلام بِهَذِهِ الْأَحْرَفِ، وَابْدِءْ بِالْفِغْسَلِ وَقُلْ:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْإِمَامِ الْبِرِّ الثَّقِيِّ الرَّضِيِّ، وَحُبِّتِكَ عَلَيَّ مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِينَ، وَمَنْ تَحْتَ الثَّرَى، صَلَاةً كَثِيرَةً نَامَةً زَاكِيَةً مُبَارَكَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَوَاتِرَةً مُتَرَادِفَةً، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ مِنْ أَوْلِيَانِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ النَّبِيِّينَ وَسُلَالَةَ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، أَتَيْتُكَ زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكَ، مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ، مُوَالِيًا لِأَوْلِيَانِكَ، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا مَوْلَايَ».

ثمَّ سَلِّ حَاجَتَكَ فَإِنَّهَا تَقْضَى إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.

قال: وَتَقُولُ عِنْدَ قَبْرِ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام بِبَغْدَادَ، وَيَجْزِيءُ فِي الْمَوَاطِنِ كُلِّهَا.

أَنْ تَقُولَ: «السَّلَامُ عَلَيَّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَأَصْفِيَاءِهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ أَمَنَاءِ اللَّهِ وَأَحِبَّائِهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ أَنْصَارِ اللَّهِ وَخُلَفَائِهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ مَخَالٍ مَعْرِفَةِ اللَّهِ،

السَّلَامُ عَلَى مَسَاكِينِ ذِكْرِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مَظَاهِرِ أَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ، السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُسْتَقَرِّينَ فِي مَرْضَاتِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُخْلِصِينَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ، الْأَدِلَاءِ عَلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الَّذِينَ مَنَ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهُ، وَمَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهُ، وَمَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ وَمَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللَّهَ، وَمَنْ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، وَمَنْ تَخَلَّى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّى مِنَ اللَّهِ، أَشْهَدُ اللَّهُ أَنِّي مُسَلِّمٌ لَكُمْ، سَلَامٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ، وَخَرَبٌ لِمَنْ خَارَبَكُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ، مُفَوَّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، لَعَنَ اللَّهُ عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَالإِنْسِ، وَأَبْرَةً إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ».

و هذا يجزئ في المشاهد كلها، و تكثر من الصلاة على محمد و آله، و تستي واحداً واحداً بأسمائهم، و تبرء من أعدائهم، و تخير لنفسك من الدعاء و للمؤمنين و للمؤمنات.

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر ﴾

﴿ و ابی جعفر حضرت محمد بن علی الجواد علیه السلام ﴾

ترجمه:

سپس حاجتت را از خدا بخواه و بعد بر حضرت ابی جعفر محمد بن علی الجواد علیه السلام سلام بده و یا همین عبارات به محضرش درود و تهنیت بفرست. و ابتداء کن به غسل و بعد بگو:

خدایا درود و رحمت بفرست بر محمد بن علی که پیشوای است پر هیزکار، پاکیزه، راضی و خشنود، پسندیده، حجت تو است بر آنچه روی و زیر زمین می باشند، درود و رحمت هائی فراوان و تمام و پاک و مبارک و متصل و دنبال

وردیف هم، همچون برترین رحمت‌هایی که بر یکی از اولیاء و دوستانت فرستادی، سلام بر تو ای ولی خدا، سلام بر تو ای نور خدا، سلام بر تو ای حجت خدا، سلام بر تو ای پیشوای اهل ایمان، سلام بر تو ای جانشین انبیاء و فرزندان اوصیاء، سلام بر تو ای نور خدا در تاریکی‌های زمین، آمدم نزدت در حالی که زائر تو و عارف به حقت و دشمن دشمنانت و دوست دار دوستانت می‌باشم، پس ای مولای من نزد پروردگارت شفیع من باش.

پس از آن حاجتت را از خدا بخواه که ان شاء الله بر آورده خواهد شد.

حضرت فرمودند:

و در مقابل قبر حضرت ابی‌الحسن علیه السلام در بغداد و همچنین در تمام مواطن بگو:

درود بر اولیاء خدا و برگزیدگانش، درود بر امین‌های خدا و محبوبانش، درود بر یاران خدا و جانشینانش درود بر مسجل‌ها و مراکز خداشناسی، درود بر مکن‌های ذکر و یاد خدا، درود بر مظاهر و نمونه‌های امر و نهی خدا، درود بر داعیان و دعوت‌کنندگان به سوی خدا، درود بر آرام‌گیرندگان در امور پسندیده شده خدا، درود بر کسانی که اخلاص دارند در مقام طاعت خدا، درود بر دلالت‌کنندگان بر خدا، درود بر آنانکه هر کس ایشان را دوست بدارد خدا را دوست دارد و آنکس که ایشان را دشمن بدارد خدا را دشمن دارد، و هر کس ایشان را بشناسد خدا را شناخته و کسی که ایشان را نشناسد خدا را نشناخته و هر کس چنگ به ایشان زده و متوسل به آنان شود به خدا چنگ زده و به او متوسل گردیده و هر کس از ایشان کناره گیرد از خدا کناره گرفته است، خدا را شاهد می‌گیرم که من تسلیم شما هستم، صلح دارم با کسی که با شما صلح دارد و ستیز می‌کنم با کسی که با شما ستیز می‌کند، به سر و امر نهانی و آشکار شما ایمان و اعتقاد دارم، تمام امور را به شما تفویض و واگذار می‌کنم، خدا لعنت کند دشمنان دودمان آل محمد را چه از جن و چه از انس، و به سوی خدا بی‌زاری از ایشان می‌جویم

و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل محمد.
 این فقره از زیارت را در تمام مشاهد مشرفه می توان خواند و سعی کنند
 صلوات بر محمد و آل محمد زیاد بفرستند.
 و نام یک یک از ذوات مقدسه ائمه طاهرین سلام الله علیهم اجمعین را ببرند
 و از دشمنانشان تبری و بی زاری بجویند و برای خود و مؤمنین و مؤمنات دعاء
 خیر کنند.



مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

﴿ الباب الحادی و المائة ﴾

﴿ نواب زیارة امی الحسن علی بن موسی الرضاؑ بطوس ﴾

متن:

۱- حدّثني جماعة مشايخي، عن سعد، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن داود الصّرمي، عن أبي جعفر الثانيؑ «قال: سمعته يقول: مَنْ زارَ قبرَ أبي فله الجنة».

۲- حدّثني الحسن بن عبد الله، عن أبيه عبد الله بن محمد بن عيسى، عن داود الصّرمي، عن أبي جعفر الثانيؑ «قال: سمعته يقول: مَنْ زارَ قبرَ أبي قلّه الجنة».

۳- حدّثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله قال: حدّثني علي بن - إبراهيم الجعفري، عن حمدان الديواني «قال: دخلت على أبي جعفر الثانيؑ فقلت: ما لمن زارَ أباك بطوس؟ فقال: «قال: مَنْ زارَ قبرَ أبي بطوس غفر الله له ما تقدّم من ذنبه و ما تأخّر، قال حمدان: فلقيتُ بعد ذلك أيوبَ ابنَ نوح بن دُرّاج فقلت له: يا أبا الحسين إني سمعت مولاي أبا جعفرؑ يقول: مَنْ زارَ قبرَ أبي بطوس غفر الله له ما تقدّم من ذنبه و ما تأخّر، فقال أيوب: و أزيدك فيه؟ قلت: نعم، قال: سمعته يقول: ذلك - يعني أبا جعفر - و أنّه إذا كان يوم القيامة نصب له منبرٌ بجذاءٍ منبرِ رسول الله ﷺ حتى يفرغ الناس من الحساب».

۴- و قال أبي - رحمه الله - : قال سعد: حدّثني علي بن الحسين الثيسابوري الدقاق قال: حدّثني أبو صالح شعيب بن عيسى قال: حدّثني

صالح بن محمد الهمدانی قال: حدَّثني إبراهيم بن إسحاق التَّهَّاونديُّ
 «قال: أبو الحسن الرُّضائيُّ من زارني على بُعدِ داري و شَطونِ مَرَّاري،
 أتيتهُ يومَ القيامةِ في ثلاثِ مواطنٍ حتَّى أُخلَّصَ من أهرالها؛ إذا تظايرت
 الكُتُبُ بيناً و شِمالاً، و عند الصُّراطِ، و عند الميزانِ». قال سعد: و
 سمعته بعد ذلك من صالح بن محمد الهمداني.

﴿ باب صد و یکم ﴾

﴿ ثواب زیارت حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا ؑ ﴾

﴿ در طوس ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از سعد، از احمد بن محمد بن عیسی، از داود
 الصرمی، از حضرت ابی جعفر ثانی ؑ، ری گفت:
 از آن حضرت شنیدم که می فرمود:
 کسی که قبر پدرم را زیارت کند بهشت مال او است.

﴿ حدیث دوم ﴾

حسن بن عبدالله، از پدرش عبدالله بن محمد بن عیسی، از داود الصرمی، از
 حضرت ابی جعفر ثانی ؑ، ری گفت:
 از آن حضرت شنیدم که می فرمود:
 کسی که قبر پدرم را زیارت کند بهشت از آن او است.

﴿ حدیث سوم ﴾

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبدالله نقل کرده که وی گفت:
 علی بن ابراهیم الجعفری، از حمدان دیوانی نقل نموده که وی گفت:
 داخل شدم بر حضرت ابو جعفر ثانی علیه السلام و محضرش عرض کردم: اجر کسی
 که پدر شما را در طوس زیارت کند چیست؟
 حضرت فرمودند:

کسی که قبر پدرم را در طوس زیارت کند خداوند گناهان سابق و لاحقش را
 بیامرزد.

حمدان می‌گوید: پس از آن با ایوب بن نوح بن دراج ملاقات کردم و به او
 گفتم:

ای ابا حسین من از مولای خود حضرت ابا جعفر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:
 کسی که قبر پدرم را در طوس زیارت کند خداوند گناهان سابق و لاحقش را
 می‌آمرزد.

ایوب گفت: می‌خواهی اضافه‌تر از این را برایت بگویم؟
 گفتم: آری.

ایوب گفت: شنیدم از آن حضرت که این فقره را می‌فرمودند و اضافه کرده
 و می‌گفتند: هنگامی که روز قیامت شود منبری برای او (زائر پدرم) در مقابل منبر
 رسول الله صلی الله علیه و آله نصب می‌شود تا مردم از حساب فارغ شوند.

﴿ حدیث چهارم ﴾

پدرم رحمة الله علیه گفت:
 سعد گفت: علی بن الحسین النیشابوری دقاق گفت:
 ابو صالح شعیب بن عیسی برابم حدیث گفت و نقل کرد که صالح بن محمد
 همدانی گفت:

ابراهیم بن اسحاق نهاوندی گفت که حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام فرمودند: کسی که من را زیارت کند در حالی که خانه‌ام دور و مزارم بید است من روز قیامت در سه موطن به نزدش آمده تا او را از ترس‌ها و هولهای قیامت برهانم: الف: هنگامی که کتاب‌ها (نامه‌های اعمال) به دست‌های راست و چپ داده می‌شوند.

ب: در هنگام عبور از صراط.

ج: در وقت نهادن اعمال را در میزان.

سعد می‌گوید: این حدیث را بعداً از صالح بن محمد همدانی شنیدم.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدٍ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ زَيْدَانَ قَالَ: حَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ الْحَسَنِ الْحُسَيْنِيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ قَطْرِبٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام «قَالَ: مَرَّ بِهِ ابْنُهُ وَهُوَ شَابٌّ حَدَثٌ، وَبَنُوهُ مُجْتَمِعُونَ عِنْدَهُ، فَقَالَ: إِنَّ ابْنِي هَذَا يَمُوتُ فِي أَرْضِ عَرَبِيَّةٍ، فَمَنْ زَارَهُ مُسَلِّمًا لَأَمْرِهِ عَارِفًا بِحَقِّهِ، كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كَشَهِدًا بَدْرًا».

۶ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ حَمْدَانَ بْنِ إِسْحَاقَ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام؛ أَوْ حَكِي لِي عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ - الشُّكُّ مِنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ - «قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي بَطُوسٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ، فَحَجَّجْتُ بَعْدَ الزِّيَارَةِ، فَلَقِيتُ أَيُّوبَ بْنَ نُوحٍ، فَقَالَ لِي: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ [الثَّانِي] عليه السلام: مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي بَطُوسٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ، وَ بَنِي لَهُ مَنْبِرًا بِحِذَاءِ مَنْبَرِ رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلَيَّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا حَتَّى يَنْفِرَ اللَّهُ مِنْ

حساب الخلائق. فرأیت أیوب بن نوح بعد ذلك و قد زار، فقال: جنت أطلب المنبر!».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه، از سعد، از ابراهیم بن ریان، وی گفت: یحیی بن حسن حسینی گفت: علی بن عبدالله بن قطرب برایم حدیث گفت از حضرت ابی‌الحسن موسی علیه السلام وی گفت: فرزند آن حضرت در حالی که جوان و کم سن بود به آن جناب مرور کرد و تمام فرزندانش نزدش جمع بودند، آن حضرت فرمودند:

این پسر (یعنی حضرت رضا علیه السلام) در سرزمینی به حالت غربت از دنیا می‌رود پس کسی که او را زیارت کند و تسلیم امرش بوده و به حقش عارف و آگاه باشد نزد خدا مقامش همچون مقام شهداء بدر باشد.

﴿ حدیث ششم ﴾

پدرم رحمه الله علیه، و محمد بن یعقوب، از علی بن ابراهیم، از حمدان بن اسحاق، وی گفت:

از حضرت ابا جعفر علیه السلام شنیدم یا برایم از شخصی و او از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل نمود (تردید از علی بن ابراهیم می‌باشد) به هر صورت وی گفت: حضرت ابو جعفر علیه السلام فرمودند:

کسی که قبر پدرم را در طوس زیارت کند خداوند متعال گناهان سابق و لاحقش را می‌آمرزد، پس بعد از زیارت به حج رفتم و ایوب بن نوع را ملاقات کردم و به من گفت: حضرت ابو جعفر ثانی فرمودند: کسی که قبر پدرم را در طوس زیارت کند، خداوند گناهان سابق و لاحقش را بیامرزد و برایش منبری در

مقابل منبر رسول خدا و حضرت علی علیه السلام بنا می شود تا خلایق از حساب فارغ شوند.

بعد از آن ایوب بن نوح را دیدم که آن حضرت را زیارت می کرد و می گفت:
آمدهام به طلب منبر!

متن:

٧ - حدّثني أبي - رحمه الله - و محمد بن الحسن؛ و علي بن الحسين جميعاً، عن سعد بن عبد الله بن أبي خلف، عن الحسن بن علي بن عبد الله ابن المغيرة، عن الحسين بن سيف بن عميرة، عن محمد بن أسلم الجبلي، عن محمد بن سليمان «قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن رجل حجّ حجة الأسلام فدخل متمتعاً بالعمرة إلى الحجّ، فأعانه الله على حجه و على عمرته، ثمّ أتى المدينة فسلم على رسول الله صلى الله عليه وآله ثمّ أتاك عارفاً بحقك يعلم أنك حجة الله على خلقه، و بابه الذي يؤتى منه فسلم عليك، ثمّ أتى أبا عبد الله الحسين عليه السلام فسلم عليه، ثمّ أتى بغداد فسلم على أبي الحسن موسى بن جعفر عليه السلام، ثمّ انصرف إلى بلاده، فلما كان وقت الحجّ رزقه الله ما يحجّ به فأيهما أفضل؟ هذا الذي قد حجّ حجة الإسلام يرجع و يحجّ أيضاً أو يخرج إلى خراسان إلى أبيك علي بن موسى عليه السلام فليسلم عليه؟ قال: بل يأتي خراسان فليسلم على أبي الحسن أفضل، وليكن ذلك في رجب، ولكن لا ينبغي أن يفعلوا هذا اليوم، فإنّ علينا و عليكم خوفاً من السلطان و شُعبةً».

٨ - حدّثني محمد بن الحسن بن أحمد، عن محمد بن الحسن الضقار،

عن العباس بن معروف، عن علی بن مهزیار «قال: قلت لأبی جعفر علیه السلام: ما یلین زار قبر الرضا علیه السلام؟ قال: [فله] الجنة والله».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه و محمد بن الحسن و علی بن الحسین جملگی از سعد ابن عبدالله بن ابی خلف، از حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره، از حسین بن سیف بن عمیره، از محمد بن اسلم الجبلی، از محمد بن سلیمان، وی می گوید: از حضرت ابا جعفر علیه السلام راجع به مردی که حجة الاسلام بجا می آورد پرسیدم: وی برای انجام حج تمتع داخل مکه شد و خداوند بر انجام حج و عمره کمکش کرد، سپس به مدینه رفت و بر رسول خدا صلی الله علیه و آله سلام داد و آن جناب را زیارت کرد پس از آن به زیارت شما آمد در حالی که به حق شما عارف بوده و می داند که شما حجت خدا بر خلائق هستید.

و توجه دارد که شما همان بانی هستید که شخص برای توجه الی الله باید از آن باب وارد شود و به شما سلام داده و زیارتتان می کند، سپس به زیارت حضرت ابا عبدالله الحسین سلام الله علیه رفته و به آن حضرت سلام می دهد آن گاه به بغداد رفته و بر حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام سلام می دهد و بعد به شهر خودش مراجعت می کند، و پس از رسیدن موسم حج خداوند متعال حج را روزی او می کند حال بفرمائید کدامیک از این دو افضل و برتر هستند؟

حجة الاسلامی که بجا آورد و برگشت و دوباره حج روزی او شده یا به خراسان رود و پذیرگوارتان حضرت علی بن موسی علیه السلام را سلام داده و زیارت کند؟

حضرت در جواب فرمودند:

بلکه افضل آن است که به خراسان رود و بر پدرم حضرت ابی‌الحسن سلام داده و آن جناب را زیارت کند و شایسته است که این زیارت را در رجب انجام دهد ولی در این روز به آن مبادرت نکند زیرا هم بر ما و هم بر شما از ناحیه سلطان خوف بوده و ممکن است در معرض تشنیع و بدگونی واقع شویم.

﴿ حدیث هشتم ﴾

محمد بن الحسن بن احمد، از محمد بن الحسن الصفار، از عباس بن معروف، از علی بن مهزیار، وی گفت:

محضر حضرت ابی جعفر علیه السلام عرض کردم: اجر کسی که قبر حضرت رضا را زیارت کند چیست؟

حضرت فرمودند:

به خدا سوگند بهشت برای او است.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

متن:

۹ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّفَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ الْبَزَنْطِيِّ «قَالَ: قَرَأْتُ فِي كِتَابِ أَبِي الْحُسَيْنِ الرُّضَا عليه السلام: أْبْلَغُ شِيعَتِي أَنَّ زِيَارَتِي تُعَدُّلُ عِنْدَ اللَّهِ أَلْفَ حَجَّةٍ، قَالَ: فَقُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: أَلْفَ حَجَّةٍ؟ قَالَ: إِي وَاللَّهِ؛ وَ أَلْفَ أَلْفِ حَجَّةٍ لِمَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ».

۱۰ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قَوْلُوبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ زَيْدِ النَّرْسِيِّ، عَنْ أَبِي الْحُسَيْنِ مَوْسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام «قَالَ: مَنْ زَارَ ابْنِي هَذَا وَ أَوْ

ما إلى الحسن الرضا - فله الجنة».

۱۱ - حدّثني محمد بن يعقوب؛ و علي بن الحسين؛ و غيرها، عن عليّ ابن ابراهيم، عن أبيه، عن عليّ بن مهزيار «قال: قلت لأبي جعفر عليه السلام: جعلتُ فداك زيارة الرضا أفضل أم زيارة أبي عبد الله حسين بن عليّ عليه السلام؟ قال: زيارة أبي أفضل، وذلك أن أبا عبد الله عليه السلام يزوره كلُّ الناس، و أبي لا يزوره إلا الخوَص من الشيعة».

و عنهم - رحمهم الله - عن عليّ بن ابراهيم، عن حمدان بن إسحاق «قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام؛ أو حكى لي رجل عن أبي جعفر عليه السلام - الشك من عليّ يقول: و ذكر مثل حديث أيوب بن نوح، حديث المنبر.

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمہ:

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از احمد بن محمد بن ابی نصر بزندی وی گفت:
در کتاب حضرت ابی الحسن الرضا علیه السلام خواندم که آن حضرت مرقوم فرموده بودند: برسان به شیعیانم که زیارت من نزد خدا معادل با هزار حج است. می گوید: به حضرت ابی جعفر علیه السلام عرض کردم: معادل با هزار حج است؟ حضرت فرمودند:

بلی به خدا قسم بلکه کسی که ایشان را زیارت کند در حالی که عارف به حقش باشد ثواب یک میلیون حج به او داده می شود.

﴿ حدیث دهم ﴾

پدرم رحمه الله علیه و علی بن الحسین و علی بن محمد بن قولویه، از علی

ابن ابراهیم بن هاشم، از پدرش از ابن ابی عمیر، از زید النرسی، از حضرت
 ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام آن حضرت فرمودند:
 کسی که این فرزندم (اشاره به حضرت رضا کردند) علیه السلام را زیارت کند بهشت
 از آن او است.

﴿ حدیث یازدهم ﴾

محمد بن یعقوب و علی بن الحسین، و غیر این دو از علی بن ابراهیم، از
 پدرش، از علی بن مهزیار وی گفت: محضر ابی جعفر علیه السلام عرض کردم: قداست
 شوم زیارت حضرت رضا علیه السلام افضل است یا زیارت ابی عبدالله حسنین بن
 علی علیه السلام؟

حضرت فرمودند:

زیارت پدرم افضل است زیرا حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام را هر گروهی از
 مردم زیارت می کنند ولی پدرم را زیارت نمی کند مگر شیعیان خاص و خالص
 ما.

و از محمد بن یعقوب و علی بن الحسین و غیر این دو رحمة الله علیهم از
 علی بن ابراهیم، از حمدان بن اسحق نقل شده که وی گفت: از حضرت ابو
 جعفر علیه السلام شنیدم یا شخصی از حضرت ابی جعفر علیه السلام برایم نقل کرد (شک و
 تردید از علی بن ابراهیم است) که آن حضرت فرمودند:

.... و حدیثی مانند حدیث ایوب بن نوح که به حدیث منبر مشهور است را
 ذکر فرمود.

متن:

۱۲ - حدّثني محمد بن يعقوب، عن محمد بن يحيى العطار، عن عليّ ابن الحسين النيسابوري، عن إبراهيم بن محمد، عن عبدالرحمن بن سعيد المكي، عن يحيى بن سليمان المازني، عن أبي الحسن موسى بن جعفر عليه السلام «قال: من زار قبر ولدي كان له عند الله سبعون حجة مبرورة، قال: قلت: سبعين حجة؟! قال: نعم؛ و سبعائة حجة، قلت: سبعائة حجة؟ قال: نعم؛ و سبعين ألف حجة، قلت: و سبعين ألف حجة، قال: نعم؛ و ربّ حجة لا تُقبل، من زاره و بات عنده ليلة كان كمن زار الله في عرشه، قلت: كمن زار الله في عرشه؟! قال: نعم إذا كان يوم القيامة كان على عرش الله أربعة من الأولين و أربعة من الآخرين، أمّا الأربعة الذين هم من الأولين فتوح و إبراهيم و موسى و عيسى عليهم السلام، و أمّا الأربعة الذين هم من الآخرين فمحمد و عليّ و الحسن و الحسين صلوات الله عليهم أجمعين، ثمّ يمدّ المضمار فيقعد معنا من زار قبور الأئمة؛ إلا إنّ أعلاهم درجة و أقربهم حبوّة من زار قبر ولدي عليّ عليه السلام».

حدّثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله قال: حدّثني عليّ بن الحسين النيسابوري [قال: حدّثني إبراهيم بن رثاب بهذا الإسناد مثله.

ترجمه: ﴿ حدیث دوازدهم ﴾

محمد بن یعقوب، از محمد بن یحیی العطار، از علی بن حسین نیشابوری، از ابراهیم بن محمد، از عبدالرحمن بن سعید المکی، از یحیی بن سلیمان مازنی، از ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام، حضرت فرمودند: کسی که قبر فرزندان را زیارت کند برای او نزد خدا ثواب هفتاد حج مقبول می باشد.

راوی می گوید: محضرش عرضه داشتم: ثواب هفتاد حج؟

حضرت فرمودند:

بلی، بلکه ثواب هفتصد حج!

عرض کردم: هفتصد حج؟

فرمودند: بلی، بلکه ثواب هفتاد هزار حج.

عرض کردم: هفتاد هزار حج؟

فرمودند: بلی، از این گذشته بسا حج مقبول واقع نمی شود، کسی که آن

حضرت را زیارت کند و شب را نزد آن جناب بیتونه کند مثل کسی که است که خدا را در عرش زیارت کرده.

عرض کردم: مثل کسی که خدا را در عرش زیارت کرده؟

حضرت فرمودند:

بلی، هنگامی که قیامت به پا شود چهار تن از اولین و چهار تن از آخرین روی

عرش خدا هستند.

اما چهار تن از اولین عبارتند از:

حضرت نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام.

و اما چهار تن از متأخرین عبارتند از:

حضرت محمد و علی و حسن و حسین صلوات الله علیهم اجمعین.

سپس مجلس کشیده شده و در آن توسعه داده می‌شود و کسانی که قبور ائمه را زیارت کرده‌اند با ما روی عرش می‌نشینند.

توجه داشته باش کسی که قبر فرزندان علی علیه السلام را زیارت کرده باشد درجه‌اش از دیگران اعلی و عطیه اهدانی او بهتر از سایرین می‌باشد.

پدرم رحمه‌الله علیه، از سعد بن عبدالله نقل کرده که وی گفت:

علی بن الحسین النیشابوری گفت: ابراهیم بن رناب حدیثی مثل این حدیث را با همین اسناد نقل نموده است.



مرکز تحقیق و پژوهش در علوم اسلامی

﴿ الباب الثاني و المائة ﴾

﴿ زيارة قبر أبي الحسن الرضا عليه السلام ﴾

معنى:

١ - حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ سَلْمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ ابْنِ أَحْمَدَ، عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ هِشَامٍ - عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا - «قَالَ: إِذَا أَتَيْتَ الرَّضَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى عليه السلام فَقُلْ:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا الْمُرْتَضَى، الْإِمَامِ الثَّقِيِّ النَّقِيِّ، وَحُجَّتِكَ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ الثَّرَى، أَلْصَدِّيقِ الشَّهِيدِ، صَلَاةً كَثِيرَةً نَامِيَةً زَاكِيَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَرَادِفَةً، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ».

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

و روي عن بعضهم قال: إِذَا أَتَيْتَ قَبْرَ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا بِطُوسٍ فَاسْتَغْسَلْ عِنْدَ خُرُوجِكَ مِنْ مَنْزِلِكَ وَ قَلِّ حِينَ تَغْتَسَلُ:

«اللَّهُمَّ طَهِّرْني، وَ طَهِّرْ قَلْبِي، وَ اشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَ اجْرِ عَلَى لِسَانِي مِدْحَتَكَ وَ الثَّنَاءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي طَهُورًا وَ شِفَاءً [و نوراً]».

و تقول حين نخرج:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ، وَ إِلَى ابْنِ رَسُولِهِ، حَسْبِيَ اللَّهُ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ، وَ إِلَيْكَ قَصَدْتُ، وَ مَا عِنْدَكَ أَرَدْتُ».

فإذا خرجت فقف على باب دارك و قل:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي، وَ عَلَيْكَ خَلَّفْتُ أَهْلِي وَ مَالِي وَ مَا حَوَّلْتَنِي،

وَبِكَ، وَثِقْتُ فَلَا تَحْبِئْنِي يَا مَنْ لَا يَخِيبُ مَنْ أَرَادَهُ، وَلَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظَهُ
صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ، فَإِنَّهُ لَا يَضِيعُ مَنْ
حَفِظْتَّ».

فاذا وافيت سالماً إن شاء الله فاغتسل و قل حين تغتسل:
«اللَّهُمَّ طَهِّرْني، وَطَهِّرْ قَلْبِي، وَاشْرَحْ لي صَدْرِي، وَأَجِرْ عَلَيَّ لِسَانِي
مِدْحَتِكَ وَمَحَبَّتِكَ، وَالثَّنَاءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ
قُوَّةَ دِينِي التَّسْلِيمُ لِأَمْرِكَ وَالِاتِّبَاعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ، وَالشَّهَادَةُ عَلَيَّ بِمَجْمَعِ
خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي شِفَاءً وَنُوراً، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».



﴿ باب صد و دوم ﴾

﴿ زیارت قبر حضرت ابی الحسن الرضا علیه السلام ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

حکیم بن دارد بن حکیم، از سلمة بن خطاب، از عبدالله بن احمد، از بکر بن
صالح، از عمرو بن هاشم، از شخصی از اصحاب ما، وی گفت: هر گاه به زیارت
علی بن موسی الرضا علیه السلام رفتی بگو:

خدایا درود و رحمت فرست بر علی بن موسی الرضا که:

پسندیده و پیشوایی پرهیزکار و پاک بوده، حاجت تو است بر آنچه فوق و
تحت زمین هستند، بسیار راستگو و شهید می باشد، درود و رحمت های بسیار و
عظیم و پاکیزه و متصل و دنبال و ردیف هم همچون برترین رحمت هائی که بر
یکی از اولیاء و دوستان فرستادی.

و از بعضی روایت شده که فرموده:

هر گاه به زیارت قبر علی بن موسی الرضا در طوس رفتی هنگام خروج از منزلت غسل کن و در وقت غسل بگو: خدایا من را پاک و دلم را پاکیزه نما، سینه‌ام را فراخ کن، و مدح و ستایش خودت را بر زبانم جاری کن، زیرا هیچ قوه و نیروئی وجود ندارد مگر به واسطه تو، خدایا این غسل را برای من پاک کننده و شفاء و نور قرار بده.

و در هنگام خروج از منزل بگو:

به کمک اسم «الله» و به کمک «الله» و به سوی «الله» و به سوی فرزند رسول خدا، کفایت می‌کند من را خدا، توکل می‌کنم بر خدا، خدایا به سوی تو توجه نمودم و تو را قصد کرده‌ام و آنچه را نزد تو است اراده نموده‌ام.

و هنگامی که از منزل خارج شدی جنب در ب بایست و بگو:

خدایا صورتم را به سوی تو متوجه نمودم، و اهل و مال و آنچه را که به من عطاء کردی پیش تو گذاردم و به تو اطمینان کرده پس من را ناامید مکن ای کسی که هر که را تو اراده کنی او ناامید نمی‌شود و آنکس را که حفظ کنی ضایع نمی‌گردد، درود و رحمت فرست بر محمد و آل محمد، حفظ کن من را به حفظ خودت زیرا شخصی را که تو حفظ کردی ضایع نمی‌شود.

و هنگامی که به مقصود سالم‌آ رسیدی غسل کن و در وقت غسل بگو:

خدایا من را پاک نما، و دلم را پاکیزه کن، سینه‌ام را فراخ کرده و مدح و محبت خودت را بر زبانم جاری گردان، زیرا هیچ نیروئی وجود ندارد مگر به واسطه تو، و محققاً دانسته‌ام که قوت دینم به این است که تسلیم امر تو بوده و از سنت و شریعت پیغمبرت پیروی کنم و بر جمیع خلق تو شاهد و ناظر باشم، خدایا این غسل را برایم شفاء و نور قرار بده، تو بر هر چیزی قادر و توانا هستی.

متن:

ثُمَّ الْبَسِ ثِيَابَكَ، وَ امْسِ حَافِيًا، وَ عَلَيْكَ السُّكِينَةُ وَ الْوَقَارُ، بِالتَّكْبِيرِ

و التَّهْلِيلُ وَ التَّسْبِيحُ وَ التَّحْمِيدُ وَ التَّمْجِيدُ، وَ قَصْرُ خَطَاكَ وَ نَسْلُ حَبْنٍ
تَدْخُلُ:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ خَدَّةُ
لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، وَ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ.»
ثُمَّ أَشْرَ إِلَى قَبْرِهِ، وَ اسْتَقْبَلَ وَجْهَهُ بِوَجْهِكَ، وَ اجْعَلِ الْقِبْلَةَ بَيْنَ كَتْفَيْكَ وَ
قَلْبِكَ:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ خَدَّةُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ
وَ رَسُولُهُ، وَ أَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ، وَ أَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ،
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ سَيِّدِ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ،
صَلَاةً لَا يَتَّقِي عَلَى إِخْصَائِهَا غَيْرُكَ.»

مرکز تحقیق و پژوهش علوم دینی

ترجمه: ﴿ دنیاله زیارت نامه حضرت ابوالحسن الرضا ﴾

سپس جامه‌ات را بپوش و پای برهنه در حالی که با وقار و آرامش حرکت
می‌کنی کام بردار و در حال حرکت تکبیر (الله اکبر) و تهلیل (لا اله الا الله) و
تسبیح (سبحان الله) و تحمید (الحمد لله) گفته و خدا را به مجد و بزرگی یاد کن.
سعی کن قدم‌هایت را کوتاه برداری و در موقع داخل شدن به روضه منوره آن
حضرت بگو:

کمک می‌جویم به نام خدا و ذات اقدسش و شهادت می‌دهم که بر شریعت و
ملت رسول خدا، هستم شهادت می‌دهم که معبودی غیر از خدا نبوده، تنها هست
و شریک و انبازی ندارد، و شهادت می‌دهم که محمد بنده و فرستاده‌اش می‌باشد
و شهادت می‌دهم که علی ولی خدا است.

سپس به طرف قبر مطهرش اشاره کن و رو به صورت قبر کن و قبله را پشت

سر بگبر و بگو:

شهادت می‌دهم که معبودی غیر از خدا نبوده و او تنها است و انبازی ندارد، و شهادت می‌دهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده‌اش بوده و سرور اولین و آخرین است، شهادت می‌دهم که او آقای انبیاء و فرستاده شدگان است، خدایا رحمتت را بر محمد که بنده و رسول و نبی تو و سرور تمام خلایق می‌باشد بفرست، رحمتی که غیر از تو دیگری بر احصاء و تعیین اندازه‌اش قادر نیست.

من:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ طَالِبٍ عَبْدِكَ وَأَخِي رَسُولِكَ
الَّذِي اثْتَجَبْتَهُ لِعَلَمِكَ، وَجَعَلْتَهُ هَادِيًا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَالذَّلِيلَ عَلَى
مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالَتِكَ، وَدَيَّانٍ يَوْمَ الدِّينِ بِعَدْلِكَ وَفَضْلِ قَضَائِكَ بَيْنَ
خَلْقِكَ، وَالْمُهَيِّمِينَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، وَالسَّلَامَ عَلَيْهِ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ،
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ؛ وَزَوْجَةِ وَلِيِّكَ، وَأُمَّ السَّبْطَيْنِ الْحَسَنِ
وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيَّ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، الطُّهْرَةَ الطَّاهِرَةَ الْمُطَهَّرَةَ، النَّقِيَّةَ
الرَّضِيَّةَ الرَّكِيَّةَ، سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَسَيِّدَةَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْخَلْقِ
أَجْمَعِينَ، صَلَاةً لَا يَتَقَوَّى عَلَى إِحْصَائِهَا غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ
وَالْحُسَيْنِ سِبْطِي نَبِيِّكَ وَسَيِّدَيَّ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، الْقَائِمِينَ فِي خَلْقِكَ،
وَالذَّلِيلِينَ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالَتِكَ، وَدَيَّانِي الدِّينِ بِعَدْلِكَ وَفَضْلِي
قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ [سَيِّدِ الْعَابِدِينَ]
عَبْدِكَ، الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ، وَخَلِيفَتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَالذَّلِيلِ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ
بِرِسَالَتِكَ، وَدَيَّانِ الدِّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَضْلِ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ، وَخَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ، بِأَقْرَبِ

عِلْمِ النَّبِيِّينَ، الْقَائِمِ بِعَدْلِكَ وَالذَّاعِي إِلَى دِينِكَ وَدِينِ آبَائِهِ الصَّادِقِينَ،
 صَلَاةً لَا يَتَقَوَّى عَلَى إِخْصَائِهَا غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ
 الصَّادِقِ، عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ الصَّادِقِ
 الْبَارِّ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَفَرِ الْكَاطِمِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ، وَلِسَانِكَ فِي
 خَلْقِكَ، النَّاطِقِ بِعِلْمِكَ، وَالْجَبَّةِ عَلَى بَرِيَّتِكَ، صَلَاةً لَا يَتَقَوَّى عَلَى
 إِخْصَائِهَا غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا الرُّضِيِّ الْمُرْتَضَى،
 عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ، الْقَائِمِ بِعَدْلِكَ، وَالذَّاعِي إِلَى دِينِكَ، وَدِينِ آبَائِهِ
 الصَّادِقِينَ، صَلَاةً لَا يَقْدِرُ عَلَى إِخْصَائِهَا غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ
 عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، الْقَائِمِينَ بِأَمْرِكَ وَالْمُؤَدِّيَيْنِ عَنْكَ وَشَاهِدَيْكَ عَلَى
 خَلْقِكَ وَدَعَائِمِ دِينِكَ وَالتَّوَامِ عَلَى ذَلِكَ، صَلَاةً لَا يَتَقَوَّى عَلَى إِخْصَائِهَا
 غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، الْعَامِلِ بِأَمْرِكَ، وَالْقَائِمِ فِي
 خَلْقِكَ، وَحُجَّتِكَ الْمُؤَدِّي عَنْ نَبِيِّكَ وَشَاهِدِكَ عَلَى خَلْقِكَ، الْمَخْصُوصِ
 بِكَرَامَتِكَ، الذَّاعِي إِلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ
 أَجْمَعِينَ، صَلَاةً لَا يَتَقَوَّى عَلَى إِخْصَائِهَا غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ،
 وَوَلِيِّكَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ، صَلَاةً نَامِيَةً بَاقِيَةً، تُعَجِّلُ بِهَا فَرَجَهُ وَتَنْصُرُهُ
 [بِهَا]، وَتَجْعَلُنَا مَعَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِزِيَارَتِهِمْ
 وَمَحَبَّتِهِمْ، وَأَوْلِي وَلِيِّهِمْ، وَأُعَادِي عَدُوَّهُمْ، فَأَرْزُقْنِي بِهِمْ خَيْرَ الدُّنْيَا
 وَالْآخِرَةِ، وَاصْرِفْ عَنِّي هَمَّ نَفْسِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَهْوَالَ يَوْمِ
 الْقِيَامَةِ.

ترجمه:

خدایا رحمتت را بر امیرمؤمنان علی بن ابی طالب که بنده و برادر رسولت بوده و کسی است که او را برگزیدی و راهنما برای هر کس از مخلوقات که بخواهی و دلیل و نشانه بر کسی که او را به رسالت برانگیخته‌ای قرارش دادی بفرست، او در روز قیامت به عدل تو حکم کرده و منازعات بین مخلوقات را فیصله می‌دهد، نگاهبان بر تمام امور است، و درود و رحمت و برکات خدا بر او باد.

خدایا رحمتت را بر فاطمه که دختر پینمبر و همسر ولی تو و مادر دو سبط پیامبرت یعنی حسن و حسین که دو سرور جوانان اهل بهشت هستند می‌باشد بفرست، خدایا رحمتت را بر فاطمه که نفس پاک و پاک و پاکیزه و غیر آلوده به آلودگیها است، پسندیده خدا و تزکیه شده و بانوی بانوان عالم و سرور زنان اهل بهشت است بفرست، رحمتی که غیر از تو دیگری بر احصاء و تعیین مقدارش قادر نیست.

ترجمه: ﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ابر الحسن الرضا علیهما السلام ﴾

خدایا رحمتت را بر حسن و حسین که دو سبط پینمبرت بوده و دو سرور جوانان اهل بهشت هستند بفرست ایشان به پا خاسته‌اند بین خلق تو، نشانه و دلیل هستند بر کسی که او را به رسالت و پیغمبری برانگیخته‌ای به عدل تو در روز قیامت حکم می‌کنند، و منازعات بین مردم را فیصله می‌دهند.

خدایا رحمتت را بر علی بن الحسین که سرور عبایدین و بنده تو بوده بفرست، بین خلق تو به پا خاسته و جانشین تو بر خلق است، نشانه و دلیل است بر کسی که او را به رسالت و پیغمبری برانگیخته‌ای به عدل تو در روز قیامت حکم می‌کند، و منازعات بین مردم را فیصله می‌دهد.

خدایا رحمتت را بر محمد بن علی که بنده و ولی دینت و جانشین تو در

زمین هست بفرست، شکافنده و تشریح کننده علم انبیاء است، عدل تو را به پا نموده، و به دینت و دین پدران صادق و راستگوش مردم را دعوت کرده است، خدایا رحمتی بر او بفرست که غیر از تو دیگری بر احصاء و تعیین مقدارش قادر نباشد.

خدایا رحمتت را بر جعفر بن محمد که صادق و عبد و ولی دین و حجت تو بر تمام خلایق است بفرست، راستگو و نیکوکار می باشد.

خدایا رحمتت را بر موسی بن جعفر که کواظم (مسئط بر خشم) و بنده نیکوکار تو است بفرست زیان تو در بین مخلوقات بوده، به علم تو سخن گفته و حجت تو بر مردمان است خدایا رحمتی بر او بفرست که غیر از تو دیگری بر احصاء و تعیین مقدارش قادر نباشد.

خدایا رحمتت را بر علی بن موسی که رضا و خشنود و پسندیده تو است بفرست، بنده تو و ولی دینت می باشد، عدل تو را به پا کرده و مردم را به دین تو و دین پدران صادق و راستگوش دعوت کرده خدایا رحمتی بر او بفرست که غیر از تو دیگری بر احصاء و تعیین مقدارش قادر نباشد.

خدایا رحمتت را بر محمد بن علی و علی بن محمد که به امر تو به پا خاسته و از طرف تو اداء وظیفه نمودند بفرست، آن دو شاهد و ناظر بر خلق بوده و ستونهای دین و قوام بخش آن هستند خدایا رحمتی بر آنها بفرست که غیر از تو دیگری بر احصاء و تعیین مقدارش قادر نباشد.

خدایا رحمتت را بر حسن بن علی که به امر تو عمل نمود و در بین خلق توبه پا خاست بفرست حجت تو است و از طرف پیغمبرت اداء وظیفه نمود و شاهد و ناظر تو است بر خلایق، به کرامت تو اختصاص داده شده و به طاعت تو و طاعت رسالت مردم را دعوت نموده.

خدایا رحمت خود را بر تمام ایشان شامل گردان، رحمتی که غیر از تو دیگری بر احصاء و تعیین مقدارش قادر نباشد.

خدایا رحمتت را بر حجت و ولی خود که قائم در بین مردم است بفرست،
رحمتی فراوان و غیر قابل زوال، خدایا در فرج حجت شتاب کن و او را یاری
فرما، خدایا در دنیا و آخرت ما را با او قرار بده.

خدایا به واسطه زیارت و محبت ایشان به تو تقرب می‌جویم، دوستانشان
را دوست و دشمنانشان را دشمن داریم، خیر دنیا و آخرت را بواسطه ایشان
نصیب من گردان، در دنیا و آخرت غم و اندوهم را به واسطه ایشان برطرف فرما،
به واسطه ایشان هول و وحشت‌های قیامت را از من برکنار بدار.

متن:

ثم تجلس عند رأسه و تقول:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، «السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ،
«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ
نَبِيِّ اللَّهِ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، «السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَمِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَوَلِيِّ اللَّهِ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْحَسَنِ
وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عَلِيِّ بْنِ
الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ
عِلْمِ الْأَوْلِيَاءِ وَالْآخِرِينَ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ
الصَّادِقِ الْبَارِئِ الثَّقِيِّ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْكَاظِمِ،
«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الشَّهِيدُ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرِّضِيُّ الْبَارِئُ

التَّقِي، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ،
وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، «السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، إِنَّهُ حَمِيدٌ بَجِيدٌ».

ترجمه: ﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ابی الحسن الرضا علیه السلام ﴾

سپس بالای سر مبارک بنشین و بگو:

درود بر تو ای حجت خدا، درود بر تو ای ولی خدا، درود بر تو ای نور خدا
در تاریکی های زمین، درود بر تو ای ستون دین، درود بر تو ای وارث آدم
برگزیده، درود بر تو ای وارث نوح پیغمبر خدا، درود بر تو ای وارث ابراهیم
خلیل خدا، درود بر تو ای وارث موسی کلیم و مستحن گوی با خدا درود بر تو ای
وارث عیسی خدا، درود بر تو ای وارث حضرت محمد صلی الله علیه و آله محبوب خدا، درود
بر تو ای وارث حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام ولی خدا، درود بر تو
ای وارث حضرت امام حسن و امام حسین علیهما السلام دو سرور جوانان اهل بهشت،
درود بر تو ای وارث حضرت علی بن الحسین علیهما السلام سرور عابدین، درود بر تو ای
وارث حضرت محمد بن علی علیهما السلام شکافته و تشریح کننده علوم اولین و آخرین،
درود بر تو ای وارث حضرت جعفر بن محمد علیهما السلام صادق و نیکوکار و پرهیزکار و
پاکیزه، درود بر تو ای وارث حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام مسلط بر خشم و
غضب خود، درود بر تو ای راستگو و ای شهید، درود بر تو ای وصی و نیکوکار
و پرهیزکار، شهادت می دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات را داده و به
معروف امر و از منکر و قبیح نهی فرمودی و خدا را مخلصاً پرستیدی تا وقتی که
اجل تو را دریافت.

درود بر تو ای ابا الحسن و رحمت و برکات خدا نیز بر تو باد، خدا پسندیده
و بزرگ می باشد.

متن:

ثم تنكب على القبر و تقول:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَمَدْتُ مِنْ أَرْضِي، وَقَطَعْتُ الْبِلَادَ رَجَاءَ رَحْمَتِكَ، فَلَا تُخَيِّبْنِي وَلَا تَرُدَّنِي بِغَيْرِ قَضَاءٍ عَوَائِجِي، وَارْحَمْ تَقَلُّبِي عَلَى قَبْرِ ابْنِ أَخِي نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي أَتَيْتُكَ زَائِراً وَإِفْدَاءً عَائِداً مِمَّا جَنَيْتُ بِهِ عَلَى نَفْسِي، وَاخْتَطَبْتُ عَلَى ظَهْرِي، فَكُنْ لِي شَفِيعاً إِلَى رَبِّكَ يَوْمَ فَتْرِي وَفَاقَتِي، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَاماً مَحْمُوداً، وَأَنْتَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»؛

ثم ترفع يدك اليمنى و تبسط المرى على القبر و تقول: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ وَبِحُبِّهِمْ، وَأَتَوَلَّى آخِرَتَهُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوَّلَهُمْ، وَأَبْرَأُ مِنْ كُلِّ وَرَيْحَةٍ دُونَهُمْ، اللَّهُمَّ الْعَيْنَ الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَكَ، وَاتَّهَمُوا نَبِيِّكَ، وَجَحَدُوا آيَاتِكَ، وَسَخَرُوا بِإِمَامِكَ، وَحَمَلُوا النَّاسَ عَلَى أَكْتَابِ آلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ وَالْبِرَاءَةِ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ»؛

ثم تحوّل عند رجليه و تقول:

«صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أبا الْحَسَنِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، صَبَرْتَ وَأَنْتَ الصَّادِقُ الْمُصَدِّقُ، قَتَلَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ بِالْأَيْدِي وَاللِّسَانِ».

ثم ابتهل باللّعنة على قاتل أمير المؤمنين، و باللّعنة على قتلة الحسين و على جميع قتلة أهل بيت رسول الله صلى الله عليه و آله، ثم تحوّل نحو رأسه من خلفه و صلّ ركعتين، تقرأ في إحداهما «يس» و في

الأخرى «الرحمن»، و تجتهد في الدعاء لنفسك و التضرع، و أكثر من الدعاء لوالديك و لإخوانك المؤمنين. و أقم عنده ما شئت، و ليكن صلاتك عند القبر إن شاء الله.»

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ابا الحسن الرضا ﴾

﴿ صلوات الله و سلامه علیه ﴾

سپس تکبیر بر قبر کن و بگو:

خدایا از سرزمین خود که حرکت کردم تو را قصد نموده و شهرها را که طی کرده و پشت سر نهادم به نیت تو حرکت کرده‌ام به امید اینکه رحمتت شامل حالم شود پس من را ناامید مکن و بدون اینکه حاجتم را روا کنی به وطنم برمگردان، خدایا به غلطیدن و آمدنم بر قبر پسر برادر پیامبر و رسولت صلی الله علیه و آله رحم نما و من را مورد عنایت قرار بده، ای علی بن موسی الرضا پدر و مادرم فدایت به نزدت آمده در حالی که زائر و مسافر بوده و از جنایتهائی که بر نفس خویش کرده و بار سنگینی که به پشت گرفته‌ام به تو پناهنده شده‌ام پس در روز حاجت و نیاز مندم شفیح من نزد پروردگار باش چه آنکه تو نزد خدا مقامی پسندیده داشته و در دنیا و آخرت پیش حق تعالی رجبه و آبرومند می‌باشی.

سپس دست راست را بلند و دست چپ را بر روی قبر پهن کن و بگو:

بار خدایا من بواسطه حبّ و دوستی ایشان به تو تفرّب می‌جویم، خدایا من آخرین نفر ایشان را دوست دارم همان طوری که اولین نفرشان را دوست دار هستم، و بی زاری می‌جویم از هر بیگانه‌ای نسبت به آنها، خدایا آنانکه نعمت تو را تبدیل کرده و پیامبرت را مورد اُتْهام قرار داده و آیات تو را انکار نموده و امام و پیشوایت را مورد استهزاء و سخریه قرار داده و مردم را بر شانه‌های آل محمّد سوار کرده و آنها را بر این ذوات مقدسه مسلط کرده‌اند لعنت نما، خدایا من به

واسطه لعنت بر ایشان و بی‌زاری از آنها در دنیا و آخرت به تو تقرب می‌جویم
ای مهربان و ای صاحب رحم.

سپس به پائین پای مبارک برو و بگو:

یا اباالحسن رحمت خدا بر تو، رحمت خدا بر تو و بر روح و بر جسم تو،
صبر نموده و در مشکلات و نامالایمات شکیبایی بودی، ثوراستگو و مورد تصدیق
می‌باشی، خدا بکشد کسانی را که تو را با دست‌ها و زبان‌ها کشتند.

سپس در لعنت بر قاتلان امیرالمؤمنین و امام حسین سلام الله علیهما و تمام
قاتلین اهل بیت رسول خدا ﷺ مبالغه نما.

سپس از پشت قبر به بالا سر برگرد و در آنجا دو رکعت نماز به این کیفیت
بخوان:

در رکعت اول سوره حمد و *یس* و در رکعت دوم بعد از حمد سوره الرحمن
را قرائت کن.

و پس از فراغت از آن برای خود بسیار دعاء کن و در نضرع و زاری مبالغه نما
و برای پدر و مادر و برادران ایمانی خود تا می‌توانی دعاء کن و هر مقداری که
خواستی در آنجا اقامت کن.

قابل توجه آنکه دو رکعت نماز را نزدیک قبر مطهر بجا بیاور.

﴿ الباب الثالث و المائة ﴾

﴿ زيارة أبي الحسن علي بن محمد الهادي ﴾

﴿ و أبي محمد الحسن بن علي العسكري عليه السلام «سُرَّ مَنْ رَأَى» ﴾

متن:

١- روي عن بعضهم عليهم السلام أنه قال: «إذا أردت زيارة أبي الحسن الثالث علي بن محمد و أبي محمد الحسن بن علي عليه السلام تقول بعد الغسل إن وصلت إلى قبريهما؛ وإلا أو مات بالسَّلام من عند الباب الذي على الشارع الشباك تقول:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا حُجَّتِي اللَّه، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا نُورِي اللَّهِ فِي ظِلِّهَا الْأَرْض، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا مَنْ بَدَأَ لِلَّهِ فِي شَأِنِكُمَا، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا حَبِيبِي اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا إِمَامِي الْهُدَى، أَتَيْتُكُمْ عَارِفًا بِحَقِّكُمْ، مُغَادِيًا لِأَعْدَائِكُمَا، مُوَالِيًا لِأَوْلِيَانِكُمَا، مُؤْمِنًا بِمَا آمَنْتُ بِهِ، كَافِرًا بِمَا كَفَرْتُ بِهِ، مُحَقِّقًا لِمَا حَقَّقْتُمَا، مُبْطِلًا لِمَا أَبْطَلْتُمَا، أَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبَّكُمْ أَنْ يَجْعَلَ حَظِّي مِنْ زِيَارَتِكُمَا الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ يَرْزُقَنِي مُرَافَقَتِكُمَا فِي الْجَنَّةِ مَعَ آبَائِكُمَا الصَّالِحِينَ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُغْفِرَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَيَرْزُقَنِي شِفَاعَتِكُمَا وَمُصَاحَبَتِكُمَا، وَيُعَرِّفَ بَيْنِي وَبَيْنَتِكُمَا، وَيَحْشُرَنِي مَعَكُمْ فِي الْجَنَّةِ بِرَحْمَتِهِ، اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حُبَّهُمَا وَتَرْفُقْنِي عَلَى مِلَّتِهِمَا، اللَّهُمَّ الْعَن ظَالِمِي آلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ وَاتَّقِمِ مِنْهُمْ، اللَّهُمَّ الْعَن الْأَوَّلِينَ مِنْهُمْ وَالْآخِرِينَ، وَضَاعِفِ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ، وَأَبْلِغْ بِهِمْ

وَبِأَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ وَمُحِبِّيهِمْ وَمُتَّبِعِيهِمْ، أَسْفَلَ ذَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اَللّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ، وَاجْعَلْ فَرَحَنَا مَعَ فَرَجِهِمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»؛

و تجتهد في الدعاء لنفسك و لوالديك و تخير من الدعاء، فان وصلت اليهم صلى الله عليها فصل عند قبرها ركعتين، و إذا دخلت المسجد و صليت دعوت الله بما أحببت، إنه قريب بحبيب، و هذا المسجد إلى جانب الدار و فيه كان يصليان - عليها الصلاة و السلام -



﴿ باب صد و سوم ﴾

﴿ زیارت نامه حضرت ابی الحسن علی بن محمد الهادی ﴾

﴿ و حضرت ابی محمد الحسن بن علی العسکری ﴾

﴿ در سامراء ﴾

ترجمه:

از بعضی ائمه علیهم السلام مروی است که فرمودند:

هرگاه خراستی حضرت ابی الحسن الثالث علی بن محمد الحسن بن علی علیهم السلام را زیارت کنی ابتداء غسل کن و بعد اگر توانستی به نزدیک قبر ایشان رفته و به آن دو برسی^(۱) و در غیر این صورت مقابل پنجره‌ای که باز می‌شود بسوی قبر با اشاره سلام بده و بگو:

درود بر شما ای دو ولی خدا، درود بر شما ای دو حجت خدا، درود بر شما

۱ - معرجم گوید: این دو امام همام و بزرگوار در خانه خود دفن شدند و آن دربی داشت که گاهی باز می‌کرده و دوستانشان داخل می‌شدند و در نزه قبر و نزدیک آن زیارت می‌کردند و گاهی که بسته بود از بیرون مقابل پنجره‌ای که در دیوار مقابل قبر مطهر بود زیارت می‌کردند.

ای دو نور خدا در تاریکی های زمین، درود بر شما ای کسانی که خدا در باره شما اراده اش را ظاهر ساخت، درود بر شما ای دو محبوب خدا، درود بر شما ای دو پیشوای هدایت، به زیارتتان آمده ام در حالی که به حق شما عارف بوده و دشمن دشمنانتان و دوست دار دوستانتان می باشم، ایمان دارم به آنچه شما ایمان به آن داشته و منکر هستم آنچه را که شما آن را انکار دارید حق می دانم آنچه را که شما حق می دانید، و باطل می دانم آنچه را که شما باطل می دانید، از خدا که پروردگار من و پروردگار شما است می خواهم که بهره من از زیارت شما را رحمت بر محمد و آل محمد و نیز رفاقت با شما در بهشت همراه آباء نیکوکاران قرار دهد، و از او می خواهم که من را از آتش دوزخ برهاند و شفاعت شما و مصاحبتتان را نصیب نماید و نیز از حضرتش می خواهم که بین من و شما آشنائی برقرار کند، و از من نگیرد دوستی شما و دوستی پدران نیکوکار شما را و همچنین از حضرتش می خواهم که این عهد و آشنائی را آخرین بار زیارت شما برایم قرار ندهد، و نیز از او می خواهم که به واسطه رحمت و وسعتش من را با شما در بهشت محشور گرداند.

خداوندا، حبّ این دو امام همام را روزی من گردان و من را بر کیش و آئین ایشان از دنیا ببر، خداوندا، ستم کنندگان به آل محمد و آنانکه حق ایشان را ندادند لعنت فرما و از آنها انتقام بگیر، خداوندا، از لاین و آخرین این گروه ستمگر را لعنت نما و عذابشان را مضاعف کن و برسان ایشان و شیعیان و پیروان و دوستان و تبعیت کنندگانشان را به پائین ترین درک (نه) از آتش دوزخ، تو بر هر چیز قادر و توانائی، خداوندا، در فرج و بر پا کردن حکومت ولی خود و فرزند ولی خویش شتاب نما، و قرار بده فرج و توسعه ما را با فرج و فراخی ایشان ای با رحم تر از هر صاحب رحمی.

و پس از آن در دعاء برای خود و پدر و مادر خویش جدّ و جهد نما و هر دعائی که خواستی بکن.

و در صورتی که توانستی به نزد قبر ایشان روی و دسترسی به آن پیدا کردی نزد قبر ایشان دو رکعت نماز بخوان.

و هر گاه داخل مسجد شدی (مسجد مزبور بهلوی خانه ایشان بوده و این در امام همام در آن نماز می خواندند) و نماز گذاردی هر دعائی که درست دانستی بکن که انشاءالله خداوند متعال عنقریب اجابت فرماید.



مرکز تحقیق و پژوهش در علوم اسلامی

﴿ الباب الرابع والمائة ﴾
 ﴿ زيارة لجميع الأئمة ﴾
 ﴿ صلوات الله عليهم أجمعين ﴾

متن:

حدّثني محمد بن الحسين بن مَتّ الجوهري، عن محمد بن أحمد بن يحيى بن عمران، عن هارون بن مسلم، عن علي بن حستان «قال: سُئِلَ الرُّضَاءُ عليه السلام في إتيان قبر أبي الحسن عليه السلام فقال: صَلُّوا في المساجد حوله و يجزئ في المواضع كلّها أن تقول:

«السَّلَامُ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ، وَأَخْصِيَانِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَمَنَاءِ اللَّهِ وَأَحِبَّائِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَنْصَارِ اللَّهِ وَخُلَفَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مَسَاكِينِ ذِكْرِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مَظَاهِرِ أَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ، السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُسْتَكْرَبِينَ فِي مَرْضَاتِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُحْصِينَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الَّذِينَ مَنَ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهُ، وَ مَنَ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهُ وَ مَنَ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهُ وَ مَنَ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللَّهُ وَ مَنَ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، وَ مَنَ تَخَلَّى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّى مِنْ اللَّهِ، أَشْهَدُ اللَّهُ أَنِّي سَلِمٌ لِمَن سَأَلَكُمْ وَ حَرْبٌ لِمَن حَارَبَكُمْ مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ، مَقْرُوضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، لَعَنَ اللَّهُ عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ».

هذا يجزئ في الزيارات كلّها، و تكثر من الصلاة على محمد وآله، و تسبي واحدًا واحدًا بأسمائهم، و تبرة من أعدائهم و تخير لنفسك من الدعاء و للمؤمنين و المؤمنات».

﴿ باب صد و چهارم ﴾
 ﴿ زیارت نامه جمیع ائمه علیهم السلام ﴾
 ﴿ زیارت جامعه ﴾

ترجمه: ﴿ حدیث اول ﴾

محمد بن الحسین بن مت الجوهری، از محمد بن احمد بن یحیی بن عمران، از هارون بن مسلم از علی بن حسان، ری گفت:
 از حضرت امام رضا علیه السلام راجع به زیارت قبر حضرت ابی الحسن علیه السلام (حضرت موسی بن جعفر سلام الله علیها) سؤال شد:
 حضرت فرمودند:

ابتداء در مساجد نزدیک آن نماز خوانده و در تمام اماکن مجزی است بگوئید
 (یعنی در زیارت تمام حضرات ائمه معصومین علیهم السلام می توان این زیارت را خواند):

درود بر اولیاء خدا و برگزیدگان، درود بر امین های او و محبوبانش، درود بر یاران خدا و جانشینانش، درود بر محل های شناخت خدا و مراکز آن، درود بر مواضع ذکر و یاد خدا، درود بر نمونه های امر و نهی خدا، درود بر دعوت کنندگان بسوی خدا، درود بر قرار گیرندگان در مواضع و امور مورد رضای خدا، درود بر کسانی که اطاعت خدا را خالصانه انجام می دهند، درود بر آنان که هر کس ایشان را دوست داشته باشد خدا را دوست داشته و کسی که با آنان دشمنی کند با خدا دشمنی کرده است، درود بر آنان که هر کس ایشان را شناخت خدا را شناخته و کسی که ایشان را نشناسد پس خدا را نشناخته، درود بر کسانی که هر کس به دامن ایشان چنگ زند به خدا چنگ زده و به او متوسل شده و هر کس از ایشان کناره گیرد از خدا کناره گیری کرده است، خدا را شاهد می گیرم که من در

صلح هستیم بلکه کسی که با شما در صلح بوده، نزاع و حرب درم با هر کس که با شما حرب دارد، خطا را شهادت می‌گیریم، که من به باطن و ظاهر شما ایمان و اعتقاد دارم تمام امور را به شما واگذار می‌کنم، خدا لعنت کند دشمنان آل محمد را چه از جن و چه از انس، و به سوی خدا بی‌زاری می‌جویم از تمام دشمنان ایشان، و خطا رحمت فرستد بر محمد و دوستان محمد صلوات الله علیهم اجمعین.

این زیارت نامه را در تمام زیارات حضرات معصومین علیهم‌السلام می‌توان خواند.

و حتی الامکان صلوات بر محمد و آل محمد زیاد فرست و نام هر یک از ائمه علیهم‌السلام را یک یک برده و از دشمنانشان بی‌زاری بجوی و برای خود و مؤمنین و مؤمنات هر دعائی را که خواستی بکن.



متن:

۲- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَجَمَاعَةٌ مَشَائِخِي، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ، وَحَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مَتَّى الْجَوْهَرِيُّ جَمِيعاً، عَنْ مُحَمَّدِ ابْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَلَانَ، عَنْ عُرْوَةَ بْنِ إِسْحَاقَ ابْنِ أُخْبِي، شَعِيبَ الْقُرْقُوفِيِّ - عَنِ ذِكْرِهِ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام «قَالَ: تَقُولُ إِذَا أَتَيْتَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه‌السلام وَ يَجْزِيكَ عِنْدَ قَبْرِ كُلِّ إِمَامٍ عليه‌السلام.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ اللَّهِ وَ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ أَمِينِ اللَّهِ عَلَى وَحْيِهِ وَ عَزَائِمِ أَمْرِهِ، الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ وَ الْفَاتِحِ لِمَا اسْتَبَقَلَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ الَّذِي اسْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَ جَعَلْتَهُ هَادِيًا لِمَنْ بَشَتْ مِنْ خَلْقِكَ وَ الدَّلِيلَ عَلَى مَنْ بَقَعْتَهُ بِرِسَالَتِكَ وَ كِتَابِكَ، وَ دَيَّانَ الدِّينِ بِعَدْلِكَ وَ فَضْلَ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، وَ الْمُهَيِّمَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

و تقول في زيارة أمير المؤمنين عليه السلام: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
عَبْدِكَ وَأَخِي رَسُولِكَ - إلى آخره -» .
و في زيارة فاطمة عليها السلام: «أُمَّتِكَ وَبَيْتِ رَسُولِكَ - إلى آخره -» .

ترجمه: ﴿ زیارت جامعه دوم ﴾

پدرم رحمه الله عليه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم از محمد بن یحیی العطار
و محمد بن الحسین بن مت الجوهری جمیعاً، از محمد بن احمد بن یحیی بن
عمران، از علی بن حسان از عروة بن اسحق (پسر برادر شعیب عفرقونی) از
کسی که ذکرش نموده، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

هرگاه به زیارت قبر حسین بن علی علیهما السلام رفتی این زیارت را بخوان، البته در
زیارت قبر هر امامی می توان آن را خواند:

درود از خدا بر تو، درود بر محمد بن عبدالله که امین خدا بر وحی او و وسیله
حتنی امر او است خاتم انبیاء گذشته و گشاینده سرفصل اوصیاء آینده می باشد،
خدایا درود فرست بر محمد که بنده و رسالت هست او را با علم خودت نجیب
و راهنمای هر کسی که بخوای قرار دادی، دلیل و نشان بر کسی قرارش دادی که
با پیام ها و کتابهای او را برانگیختی، او را سیاستمدار دین و حکم کننده به
عدلت نمودی، فیصله دهنده منازعات بین مخلوقات می باشد، او را مسلط بر
تمام امور نمودی درود و رحمت و برکات خدا بر او باد.

و در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام بگو:

خدایا رحمتت را بر امیرالمؤمنین که بنده و برادر رسالت هست بفرست...

سپس بغیه زیارت را بهمان نحوی که ذکر شد بخوان.

و اگر حضرت فاطمه علیها السلام را زیارت می کنی در زیارت آنحضرت نیز همان

فقرات مذکور را بخوان منتهی بجای «عبدک و رسولک» بگو:

اللهم صل على فاطمة امتك و بنت رسولك الى آخره.

متن:

و في زيارة سائر الائمة: ابناء رسولك، على ما قلت في النبي اول مرة حتى تنتهي الى صاحبك، ثم تقول:

«أشهد انكم كلمة الثقوى، و باب الهدى، و العروة الوثقى، و الحجة البالغة على من فيها و من تحت الثرى، و أشهد ان أزواجكم و طبيبتكم من طيبة واجدة، طابت و طهرت من نور الله و من رحمته، و أشهد الله و أشهدكم اني لكم تبع بذات نفسي و شرائع ديني و خواتيم عملي، اللهم فاقم لي ذلك برحمتك يا ارحم الراحمين، السلام عليك يا ابا عبد الله، أشهد انك قد بلغت عن الله ما أمرت به، و قمت بحقه غير واهين و لا مؤهين، فجزاك الله من صديق خيراً عن رعييتك، أشهد ان الجهاد معك جهاد، و ان الحق معك ولك، و انت مغدنة، و ميراث النبوة عندك و عند اهل بيتك، أشهد انك قد اتمت الصلاة، و آتيت الزكاة، و أمرت بالمعروف، و نهيت عن المنكر، و دعوت الى سبيل ربك بالحكمة و الوعظ الحسنة، و عبدت ربك حتى اتاك اليقين».

ثم تقول: «السلام على ملائكة الله المسؤولين، السلام على ملائكة الله المنزلين، السلام على ملائكة الله المودفين، السلام على ملائكة الله الذين هم في هذا الحرم ياذن الله مقيمون».

ثم تقول: «اللهم العن اللذين بدلا نعمتك، و خالفوا كتابك، و جحدوا آياتك، و اثمها رسولك، أحس قبورها و أجوافها ناراً و أعد لها

عَذَاباً أَلِيماً، وَاحْشُرْهُمَا وَأَشْيَاعَهُمَا وَأَتْبَاعَهُمَا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُرْقاً،
 وَاحْشُرْهُمَا وَأَشْيَاعَهُمَا وَأَتْبَاعَهُمَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُشْباً وَبُخْباً
 وَصُغْغاً، مَا وَاهُمْ جَهَنَّمَ كُلَّهَا حَبَّتْ زِدْنَاهُمْ سَعيراً، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ
 الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ ابْنِ نَبِيِّكَ، وَابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ
 وَتَقْتُلُ بِهِ عَدُوَّكَ، فَإِنَّكَ وَعَدْتَهُ ذَلِكَ وَأَنْتَ الرَّبُّ الَّذِي لَا تُخْلِفُ
 الْمِيثَاقَ».

و كذلك تقول عند قبور كل الأئمة عليهم السلام،

ترجمه: ﴿ دنباله زیارت جامعه دوم ﴾

و در زیارت سائر ائمه علیهم السلام بجای «رسولک» که در زیارت پیامبر اکرم
 می‌گفتی و به جای «اخی رسولک» که در زیارت امیرالمؤمنین و عوض «بنت
 رسولک» که در زیارت حضرت فاطمه علیها السلام می‌آوردی بگو: ایبناء رسولک.
 مترجم گوید:

یعنی در زیارت هر یک از ائمه علیهم السلام عین همان زیارت پیغمبر اکرم را بخوان
 منتهی بجای: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، بگو اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى ... نام امام مورد
 زیارت را بگو و بعد بجای عیدک و رسولک بگو عیدک و ابن رسولک.
 پس در زیارت یک یک ائمه علیهم السلام بهمین کیفیت زیارت کن تا در آخر منتهی
 شوی به وجود حضرت صاحب العصر عجّل الله فرجه الشریف و آن
 حضرت را نیز بهمین کیفیت زیارت کن و پس از اتمام زیارت جامعه به کیفیتی
 که ذکر شد بگو:

شهادت می‌دهم که شما کلمه و نمونه تقوی و باب هدایت و ریسمان محکم
 خدا و حجت بالغه اوبر آنچه روی و زیر زمین قرار گرفته می‌باشید، و خدا و شما
 را شاهد می‌گیرم که به ذات خود و در عمل به شرایع دین و فرجام کار پیرو و تابع

شما هستیم، خدا یا بواسطه رحمتت برایم آن را حاصل گردان ای مهربان تر از هر مهربانی، درود بر تو ای ابا عبدالله، شهادت می دهم که تو آنچه را که مأمور بوده از طرف خدا تبلیغش کردی و حقش را اقامه کردی بدون اینکه خسته شده یا اظهار خستگی نمائی، پس خدا از طرف رعیتت جزاء خیر به تو دهد، شهادت می دهم که جهاد در معیت شما جهادی است عظیم و حق با تو و برای تو است و تو معدن و مرکز آن هستی، و شهادت می دهم که میراث نبوت نزد تو و نزد اهل بیت تو است؛ شهادت می دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات را اداء کرده و به معروف امر و از منکر نهی کرده ای، و با حکمت و پند دادن نیکو، مردم را به راه پروردگارت دعوت نموده ای، و پروردگارت را پرستیدی تا وقتی که مرگ تو را دریافت.

سپس بگو:

درود بر فرشتگان معین و مشخص حق تعالی، درود بر فرشتگانی که بر زمین نازل شدند درود بر ملائکه و فرشتگان خدا که ردیف هم قرار دارند، درود بر فرشتگان خدا که در این حرم به اذن خدا اقامت کرده اند.

سپس بگو:

خدا یا لعنت کن آن دو نفری را که نعمتت را تبدیل و با کثابت مخالفت و آیات را انکار نموده و رسالت را منتهم ساختند، خدا یا گور ایشان و باطنشان را از آتش پر نما و آماده کن برای ایشان عذابی دردناک و ایشان و دوستان و پیروانشان را در دوزخ محشور نما و ایشان و دوستان و پیروانشان را روز قیامت کور و کر و لال محشور کن.

مسکنشان را دوزخ قرار بده دوزخی که هرگاه آتش خاموش شود باز آن را شدیدتر سوزان و شعله ور می نمائی، خدا یا این زیارت را آخرین عهد و زیارت من نسبت به قبر پسر پیغمبرت قرار مده، خدا یا او را مقامی محمود و شایسته عنایت بفرما که به واسطه اش دینت را یاری کرده و به توسطش دشمنانت را نابود

نمائی چه آنکه خودت این وعده را داده‌ای و تو خدائی هستی که خلف وعده نمی‌نمائی.

و در زیارت نبور هر یک از ائمه علیهم‌السلام همین زیارت نامه را می‌توانی بخوانی.

متن:

و تقول عند كلِّ إمامٍ زُرْتَهُ إن شاء الله تعالى:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَسُلَالَةَ الْوَصِيِّينَ، وَالشَّهِيدَ يَوْمَ الدِّينِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ وَأَبَاءَكَ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِكَ، وَأَنْبَاءَكَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِكَ مُوَالِيَّ وَأَوْلِيَاءِي وَأُمَّتِي، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَصْفِيَاءُ اللَّهِ وَخَزَنَتُهُ وَحُجَّتُهُ، الْبَالِغَةُ اسْتَجَابَكُمْ بِعِلْمِهِ أَنْصَاراً لِدِينِهِ، وَقَوَاماً بِأَمْرِهِ، وَخُزَّاناً لِعِلْمِهِ، وَحَفِظَةً لِسِرِّهِ، وَتَرَاجِمَةً لَوْحِيهِ، وَمَعْدِناً لِكَلِمَاتِهِ، وَأَرْكَاناً لِتَرْجِيحِهِ، وَشُهُوداً عَلَى عِبَادِهِ، وَاسْتَوْدَعَكُمْ خَلْقَهُ، وَأَوْزَنَكُمْ كِتَابَهُ، وَخَصَّكُمْ بِكَرَامِ التَّنْزِيلِ، وَأَعْطَاكُمْ التَّأْوِيلَ، جَعَلَكُمْ تَابُوتَ حِكْمَتِهِ وَمَتَاراً فِي بِلَادِهِ، وَضَرَبَ لَكُمْ مَثَلاً مِنْ نُورِهِ، وَأَجْرَى نِيكُمُ مِنْ عِلْمِهِ، وَعَصَمَكُمْ مِنَ الزَّلَلِ، وَطَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ، وَأَذْهَبَ عَنْكُمْ الرُّجْسَ، وَبَيَّضَ قَمَمَ السَّعْمَةِ، وَاجْتَمَعَتِ الْفِرْقَةُ، وَتَثَلَّفَتِ الْكَلِمَةُ، وَكَلِمَتِ الطَّاعَةِ الْمُقَرَّرَةُ، وَالْمُودَةُ الْوَاجِبَةُ، فَأَنْتُمْ أَوْلِيَاؤُهُ النَّجَبَاءُ، وَعِبَادُهُ الْمُكْرَمُونَ، أَتَيْتُكَ يَا بِنَّ رَسُولِ اللَّهِ عَارِفاً بِحَقِّكَ، مُسْتَبْصِراً بِشَأْنِكَ، مُعَادِياً لِأَعْدَائِكَ، مُوَالِياً لِأَوْلِيَاءِكَ، بِأَبِي أَنْتَ وَآمِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً، أَتَيْتُ، وَافِداً زائِراً عابِداً

مُسْتَجِيراً مِمَّا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي، وَاخْتَطَبْتُ عَلَى ظَهْرِي، فَكُنْ لِي شَفِيعاً، إِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَاماً، وَأَنْتَ عِنْدِي اللَّهُ وَجِيهٌ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَبِمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ وَآتَوَلَى آخِرَكُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوْلَكُمْ، وَأَبْرَهُ مِنْ كُلِّ وَابِيحَةٍ دُونَكُمْ، وَكَفَرْتُ بِالْجَنَّةِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّى».

ترجمه: ﴿دنباله زیارت جامعه دوم﴾

و به زیارت هر یک از ائمه علیهم السلام که رفته باشی بخوان:

درود بر تو ای ولی خدا، درود بر تو ای حجت خدا، درود بر تو ای نور خدا در تاریکی های زمین، درود بر تو ای امام اهل ایمان و وارث علم انبیاء و فرزندان اوصیاء و شهید و حاضر روز قیامت، شهادت می دهم که تو و پدرانت که پیش از تو بوده و فرزندان تو که بعد از تو هستند سروران و اولیاء و پیشوایان من هستند، شهادت می دهم که شما برگزیدگان خدا و نگهبانان او و حجت های بالغه او بوده که با علمش شما را باوران دین خودش قرار داد، به امر او قائم هستید و نگهبانان علم او می باشید و حافظ اسرارش بوده و بازگو کننده وحی او و معدن و مرکز کلمات و ارکان و ستون های توحیدش و شاهدا بر بندگانش می باشید، خداوند مخلوقاتش را به شما سپرده و کتابش را به میراث به شما داده، و اختصاص داد شما را به آیات کریمه و تأویل آنها را به شما اعطاء فرمود، قرار داد شما را صندوق حکمتش و علامت هدایت در شهرهای خودش، برای نورش مثل به شما زده، از علمش در شما جاری نموده، شما را از هر لغزشی باز داشت و از هر آلودگی پاک نمود، رجس و پلیدی را از شما برکنار داشت، بواسطه شما نعمت های خود را تحقق داد، بواسطه شما جدائی ها را به صورت اجتماع در آورد و به توسط شما بین کلمات تألیف و جمع نمود، و به رسالت شما طاعت واجب لازم شده و مودت و محبت لازم تحقیق یافته، پس شما اولیاء و

برگزیدگان او و بندگان با کرمش می‌باشید، ای پسر رسول خدا به زیارت آمده‌ام در حالی که به حقت عارف و به شأن و مقامت مستبهر هستم، دشمنانتان را دشمن داشته و دوستانتان را دوست می‌دارم، پدر و مادرم فدایته باد، رحمت خدا و درودش بر تو باد، به نزدت آمده‌ام در حالی که مسافر و زائریم، از جنایتهائی که بخود کرده و کوله‌بار سنگینی که برای خویش فراهم نموده‌ام به تو پناه آورده‌ام پس شافع من باش زیرا تو نزد خدا مقامی معلوم و مشخص داری و تو نزد خدا وجیه و آبرومند هستی، به خدا و به آنچه نازل بر شما شده ایمان دارم، آخرین نفر شما را دوست دارم همان طوری که اولین نفرتان را دوست می‌دارم و بی‌زاری می‌جویم از هر برگزیده‌ای که غیر شما باشد و به هر باطل و بیهوده و لات و عزّی کفر ورزیده و آنها را انکار دارم.



مرکز تحقیق و تکثیر کتب اسلامی

﴿ الباب الخامس و المائة ﴾

﴿ فضل زيارة المؤمنين وكيف يُزارون ﴾

متن:

١- حَدَّثَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ الْقُرَشِيُّ الْكُوفِيُّ، عَنْ خَالِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ عَمْرِو بْنِ عَثْمَانَ الرَّازِيِّ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ عليه السلام يَقُولُ: مَنْ لَمْ يَقْدِرْ أَنْ يَزُورَنَا فَلْيَزُرْ صَالِحِي مَوَالِينَا يُكْتَبَ لَهُ ثَوَابُ زِيَارَتِنَا، وَمَنْ لَمْ يَتَقَدَّرْ عَلَيَّ صَلَاتِنَا فَلْيَصِلْ صَالِحِينَ مَوَالِينَا يُكْتَبَ لَهُ ثَوَابُ صَلَاتِنَا».

٢- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الرَّوَيْدِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَسْبُورٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مِهْرَانَ، عَنْ عَمْرِو بْنِ عَثْمَانَ «قَالَ: سَمِعْتُ الرَّضَا عليه السلام يَقُولُ: مَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَيَّ صَلَاتِنَا فَلْيَصِلْ عَلَيَّ صَالِحِي مَوَالِينَا يُكْتَبَ لَهُ ثَوَابُ صَلَاتِنَا، وَمَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَيَّ زِيَارَتِنَا فَلْيَزُرْ صَالِحِي مَوَالِينَا يُكْتَبَ لَهُ ثَوَابُ زِيَارَتِنَا».

٣- حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَمُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ؛ وَجَمَاعَةٌ مَشَايِخِي - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى «قَالَ: كُنْتُ بِقَيْدِ فَشَيْتٍ مَعَ عَلِيِّ بْنِ بِلَالٍ إِلَى قَبْرِ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ قَالَ: فَقَالَ لِي عَلِيُّ بْنُ بِلَالٍ: قَالَ لِي صَاحِبُ هَذَا الْقَبْرِ عَنِ الرَّضَا عليه السلام: مَنْ أَتَى قَبْرَ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى الْقَبْرِ وَقَرَأَ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» سَبْعَ مَرَّاتٍ، أَمِنَ يَوْمَ النَّزْعِ الْأَكْبَرِ».

﴿ باب صد و پنجم ﴾
 ﴿ فضیلت زیارت مؤمنین و کیفیت آن ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

ابوالعباس بن محمد بن جعفر رزّاز قرشی کوفی، از دانی خود محمد بن
 الحسین بن ابی الخطّاب، از عمرو بن عثمان الرّازی ری گفت: از ابوالحسن الاوّل
 ﷺ شنیدم که می فرمودند:

کسی که نمی تواند ما را زیارت کند پس دوستان صالح و شایسته ما را زیارت
 کند که ثواب زیارت ما برایش نوشته می شود و کسی که بر احسان به ما قادر
 نباشد پس به دوستان شایسته و صالح ما احسان کند که ثواب احسان به ما برایش
 نوشته می شود

مرکز تحقیق و پژوهش اسلامی

﴿ حدیث دوم ﴾

محمد بن الحسن بن احمد بن الولید، از حسن بن متیّل، از محمد بن عبدالله
 بن مهران، از عمرو بن عثمان، وی می گوید: از حضرت رضاعی ﷺ شنیدم که
 می فرمودند:

کسی که بر احسان به ما قادر نیست پس به دوستان شایسته و صالح ما احسان
 کند که ثواب احسان به ما برایش نوشته می شود و کسی که بر زیارت ما قادر
 نیست، دوستان صالح و شایسته ما را زیارت کند که ثواب زیارت ما برایش
 نوشته می شود.

﴿ حدیث سوم ﴾

پدرم، و محمد بن یعقوب، و جماعتی از اساتیدم رحمة الله علیهم از محمد بن

یحیی، از محمد بن احمد بن یحیی نقل کرده‌اند که وی گفت: من در «فَیْد» (شهرکی است بین کوفه و مکه) بودم پس با علی بن بلال به طرف قبر محمد بن اسماعیل بن بزیع می‌رفتیم، علی بن بلال به من گفت: صاحب این قبر از حضرت رضی الله عنه برایم نقل کرد که آن جناب فرمودند: کسی که بالای قبر برادر مؤمنش رفته و دست روی آن گذارده و سوره «اَنَا أَنْزَلْنَاهُ» را هفت مرتبه بخواند از روز قزع اکبر در امان می‌باشد.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مَتَّى الْجَوْهَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ ابْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ «قَالَ: كُنْتُ بِفَيْدٍ فَقَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ بِلَالٍ: مَرَّ بِنَا إِلَى قَبْرِ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ، فَذَهَبْنَا إِلَى عِنْدِ قَبْرِهِ فَقَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ: حَدَّثَنِي صَاحِبُ هَذَا الْقَبْرِ عَنِ الرَّضَا رضي الله عنه أَنَّهُ مَنْ زَارَ قَبْرَ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فَاسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ وَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى الْقَبْرِ وَقَرَأَ: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» سَبْعَ مَرَّاتٍ أَمِنَ مِنَ الْفَرْعِ الْأَكْبَرِ».

۵ - وَحَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مَتَّى الْجَوْهَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَسْكَرٍ، عَنْ أَبَانَ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ رضي الله عنه كَيْفَ أَضَعُ يَدِي عَلَى قُبُورِ الْمُؤْمِنِينَ؟ فَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى الْأَرْضِ فَوَضَعَهَا عَلَيْهَا وَهُوَ مُقَابِلَ الْقِبْلَةِ».

۶ - وَعَنْهُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ مُوسَى بْنِ عَمْرِو [أَن]، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْحَجَّالِ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ رضي الله عنه يَقُولُ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يُخْرِجُ فِي مَلَأٍ مِنَ النَّاسِ مِنْ أَصْحَابِهِ كُلِّ عَشِيَّةٍ خَمِيسٍ إِلَى بَقِيعِ

المدنیین فيقول - ثلاثاً - : «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الدِّيَارِ» - و ثلاثاً -
 «رَحِمَكُمُ اللَّهُ»، ثمَّ يلتفت إلى أصحابه و يقول: هؤلاء خيرٌ منكم،
 فيقولون: يا رسول الله و لم؟ آمنوا و آمنّا، و جاهدوا و جاهدنا؟ فيقول:
 إنّ هؤلاء آمنوا و لم يلبسوا إيمانهم بظلم، و مضوا على ذلك و أنا هم على
 ذلك شهيدٌ، و أنتم تبقون بعدي، و لا أدري ما تُحدثون بعدي».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسين بن مثنى الجوهري، از محمد بن احمد بن يحيى بن عمران،
 وی گفت:

من در «قيد» بودم، محمد بن علي بن بلال گفت: ما را به طرف قبر محمد بن
 اسماعيل بن بزيع مرور دادند پس به قبر رسیدیم، محمد بن علي گفت: صاحب
 این قبر از حضرت رضا علیه السلام بر اینم نقل کرده که آن جناب فرمودند:
 کسی که قبر برادر مؤمنش را زیارت کند پس رو به قبله کرده و دستش را روی
 قبر گذارد و سوره «انا انزلناه فی ليلة القدر» را هفت مرتبه بخواند از فزع اکبر سالم
 بماند.

﴿ حدیث پنجم ﴾

محمد بن الحسين بن مثنى الجوهري، از محمد بن احمد، از علي بن اسماعيل،
 از محمد بن عمرو، از ابان، از عبدالرحمن بن ابي عبدالله، وی می گوید: از
 حضرت ابي عبدالله پرسیدم:

چگونه دستم را بر قبور مؤمنین بگذارم؟

حضرت با دست مبارکشان به زمین اشاره کرده پس آن را بر زمین نهادند در
 حالی که مقابل قبله قرار داشتند.

﴿ حدیث ششم ﴾

از محمد بن الحسین، از محمد بن احمد، از موسی بن عمران، از عبدالله الحجاج، از صفوان الجمال، وی می گوید:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله در هر شب جمعه با گروهی از اصحابشان به قبرستان بقیع در مدینه تشریف می بردند و در آنجا سه مرتبه می فرمودند:

السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا أَهْلَ الدِّيَارِ (سلام و درود بر شما ای اهل شهرها).

و سه مرتبه می فرمودند: رَحِمَكُمُ اللَّهُ (خدا شما را رحمت کند).

سپس به اصحابشان توجه نموده و می فرمودند:

این اهل قبور از شما بهتر هستند.

اصحاب عرض می کردند: ای رسول خدا برای چه؟ ایشان ایمان آورده، ما نیز

ایمان آورده ایم، ایشان جهاد کرده اند، ما نیز جهاد کرده ایم؟

حضرت می فرمودند:

ایشان ایمان آورده ولی ایمانشان را به ظلم و ستم آورده نکردند و با همین

حال از دنیا رفتند و من بر این امر شهادت می دهم و شما پس از من در این دنیا

باقی می مانید و نمی دانم پس از من چه خواهید کرد.

مترجم گوید:

این کلام حضرت اشاره است به ارتداد و ستم های اصحاب پس از رحلت آن

وجود مبارک پس کلمه «لا ادری» نه به معنای نفی علم باشد بلکه کنایه است از

حوادث واقعه بعد از آن جناب چنانچه در عرف این نحو تعبیر معمول می باشد.

متن:

۷- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ هَارُونَ

ابن مسلم، عن مسعدة بن زياد، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن آبائه
 ؑ قال: دخل على أمير المؤمنين مقبرةً - ومع أصحابه - فنادى:
 «يا أهل التربة ويا أهل العربة، ويا أهل الخمود، ويا أهل الهمود، أما
 أخبار ما عندنا: فأما أمواتكم قد قُسمت، ونساءكم قد نُكحت، ودوركم
 قد سُكنت، فما خبر ما عندكم؟!»، ثم التفت إلى أصحابه وقال: أما
 والله لو يؤذن لهم في الكلام لقالوا: لم يتزود مثل الثقوى زاد [خير الزاد
 الثقوى]».

٨ - حدّثني أبي - رحمه الله - ومحمد بن الحسن، عن الحسن بن
 مئيل، عن سهل بن زياد، عن محمد بن سنان، عن إسحاق بن عمّار، عن
 أبي الحسن ؑ قال: قلت له: المؤمن يعلم بمن يزور قبره؟ قال: نعم؛
 ولا يزال مستأنساً به ما زال عنده، فإذا قام وانصرف من قبره دخله من
 انصرافه عن قبره وخشّة».

٩ - حدّثني الحسن بن عبد الله بن محمد بن عيسى، عن أبيه عن جدّه،
 عن عبد الله بن المغيرة، عن عبد الله بن سنان قال: قلت لأبي
 عبد الله ؑ: كيف أسلم على أهل القبور؟ قال: نعم؛ «السّلام على أهل
 الديار من المؤمنين والمسلمين، أنتم لنا فرط ونحن إن شاء الله بكم لا
 حشون».

حدّثني أبي - رحمه الله - عن الحسين بن الحسن بن أبان، عن محمد
 ابن أورمّة، عن عبد الله بن سنان قال: قلت لأبي عبد الله ؑ - وذكره
 مثله -

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش از هارون بن مسلم از مسعدة بن زیاد از حضرت جعفر بن محمد از پدران بزرگوارشان علیهم السلام حضرت فرمودند: حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در حالی که اصحابشان همراه بودند وارد قبرستانی شده و با صدای بلند فرمودند: ای اهل خاک، و ای اهل غربت و ای اهل خموشی، و ای مردگان، اما خبرهائی که نزد ما است عبارتند از: اموال شما قسمت شد، زنانتان ازدواج کردند، خانه‌هایتان را دیگران ساکن شدند.

حال بگوئید اخبار نزد شما چیست؟! سپس به اصحابشان توجه نموده و فرمودند: به خدا سوگند اگر اذن به ایشان داده شود که سخن بگویند خواهند گفت: هیچ توشه‌ای برای این جا مثل تقوی و پرهیزکاری نیست (بهترین توشه تقوا است).

﴿ حدیث هشتم ﴾

پدرم رحمة الله علیه و محمد بن الحسن، از حسن بن مثیل، از سهل بن زیاد، از محمد بن سنان، از اسحق بن عمار، از حضرت ابی الحسن علیه السلام، اسحق می‌گوید: محضر مبارکش عرضه داشتم.

آیا مؤمن آگاه است از کسی که قبر او را زیارت می‌کند؟

حضرت فرمودند:

بلی، پیوسته تا مادامی که زائر بر سر قبرش هست یا او مانوس می‌باشد و وقتی زائر بلند شده و از سر قبر او برمی‌گردد از برگشتن وی وحشتی در مؤمن نیبت پیدا می‌شود.

﴿ حدیث نهم ﴾

حسن بن عبداللہ بن محمد بن عبسی، از پدرش، از جدش، از عبداللہ بن مغیرہ، از عبداللہ بن سنان، وی می گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبداللہ علیہ السلام عرض کردم: بر اهل قبور چگونه سلام دهم؟

حضرت فرمودند:

آری، بگو:

السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ (درود بر مؤمنین و مسلمین که اهل شهرها می باشند).

انتم لنا فرط (شما بر ما سبقت گرفتید)

و نحن ان شاء الله بكم لا حقون (ما نیز ان شاء الله پشت سر شما خواهیم آمد).

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

پدرم رحمة الله عليه، از حسین بن حسن بن ابان، از محمد بن اورمه، از عبداللہ بن سنان نقل کرده که وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبداللہ علیہ السلام عرض کردم... عین حدیث گذشته را ذکر نموده است.

متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ عَشْرِ بْنِ أَبِي الْقَدَامِ، عَنْ أَبِيهِ «قَالَ: مَرَرْتُ مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ علیہ السلام: بِالْبُقَيْعِ فَمَرَرْنَا بِقَبْرِ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ مِنَ الشُّعْبَةِ، فَقُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ علیہ السلام: جَعَلْتُ فِدَاكَ هَذَا قَبْرُ رَجُلٍ مِنَ الشُّعْبَةِ، قَالَ: تَوَقَّفْ عَلَيْهِ وَقَالَ: «اللَّهُمَّ ارْحَمْ غُرْبَتَهُ، وَصِلْ وَحَدَّتَهُ، وَأَنِسْ وَخَشَّتَهُ، آمِنْ رَوْعَتَهُ، وَأَسْكِنْ إِلَيْهِ

مِنْ رَحْمَتِكَ مَا يَسْتَفِي بِهَا عَنْ رَحْمَةٍ مِنْ سِوَاكَ، وَالْحَقُّهُ بِمَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ».

۱۱ - حدَّثني أبي - رحمه الله - عن الحسين بن الحسن بن أبان، عن الحسين بن سعيد، عن النَّضر بن سويد، عن القاسم بن سليمان، عن جراح المدائني قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام: كيف التسليم على أهل القبور؟ قال: تقول: «السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ، رَحِمَ اللَّهُ الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَالْمُسْتَأْخِرِينَ، وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاجِتُونَ».

ورواه البرقي، عن أبيه عن النَّضر بن سويد، عن القاسم بن سليمان، عن جراح المدائني قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام - وذكره مثله -

۱۲ - وجدت في بعض الكتب: محمد بن ميثان، عن المفضل قال: قال: مَنْ قَرَأَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» عند قبر مؤمن سبع مرّات بعث الله إليه ملكاً يعبد الله عند قبره، ويكتب [له و] لِلْمَيِّتِ ثَوَابَ مَا يَعْمَلُ ذَلِكَ الْمَلِكُ، فَإِذَا بَعَثَهُ اللَّهُ مِنْ قَبْرِهِ لَمْ يَمُرَّ عَلَى هَوْلٍ إِلَّا صَرَفَهُ اللَّهُ عَنْهُ بِذَلِكَ الْمَلِكِ [الْمَوْكَلِ] حَتَّى يَدْخُلَهُ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ، وَتَقْرَأُ بَعْدَ «الْحَمْدِ»، «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» سَبْعاً، وَ «الْمَعْوَذَتَيْنِ»، وَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» وَ «آيَةَ الْكُرْسِيِّ» ثَلَاثاً ثَلَاثاً.

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله، از پدرش، از حسن بن محبوب، از عمرو بن ابی المقدام، از پدرش، وی گفت: در خدمت حضرت ابی جعفر علیه السلام به قبرستان بقیع عبور کردیم،

به قبر مردی از شیعیان که اهل کوفه بود رسیدیم، به حضرت عرض کردم: این قبر یکی از شیعیان است فدایت شوم.

راوی می گوید: حضرت درنگ نمود و فرمودند:

بار خدایا به غربتش رحم فرما، وحدت و تنهائیش را به پیوند مبدل کن، در حال وحشتش انس برقرار فرما، هراس او را برطرف کن، از رحمت آن قدر نصیبت نما که از رحمت غیر تو بی نیاز گردد، و ملحقش کن به آنانکه وی ایشان را دوست دارد.

﴿ حدیث یازدهم ﴾

پدرم رحمه الله علیه، از حسین بن حسن بن ابان، از حسین بن سعید، از نصر بن سوید، از قاسم بن سلیمان، از جراح مدائنی، وی می گوید:

از حضرت ابی عبدالله علیه السلام پرسیدم: سلام دادن به اهل قبور چگونه است؟ حضرت فرمودند: بگو:

السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ (درود بر اهل شهرها که عبارتند از مؤمنین و مسلمین) رَحِمَ اللَّهُ الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَالْمُسْتَأَخِرِينَ (خدا رحمت کند سابقین و لاحقین ایشان را).

و انا ان شاء الله بكم لاحقون (ان شاء الله ما نیز به شما ملحق خواهیم شد).
برقی از پدرش، از نصر بن سوید، از قاسم بن سلیمان، از جراح مدائنی نقل کرده که وی گفت:

از حضرت ابی عبدالله علیه السلام پرسیدم.... و مثل همان حدیث قبلی را ذکر نموده است.

﴿ حدیث دوازدهم ﴾

در برخی از کتب چنین یافتیم:

محمد بن سنان، از مفضل نقل کرده، وی گفت: فرمود:

کسی که «انا انزلناه» را هفت مرتبه نزد قبر مؤمنی بخواند خداوند متعال فرشته‌ای را به آنجا فرستاده تا خدا را در همان مکان عبادت کند و برای خواننده و میت ثواب عبادت آن فرشته منظور می‌شود.

و وقتی خداوند میت را از قبر بیرون آورد بواسطه آن فرشته موکل هول و هراس را از او بر طرف می‌کند تا داخل بهشتش نماید.

بعد از حمد سوره «انا انزلناه» را هفت بار بخوان سپس «معوذتین» یعنی قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و «قل هو الله احد» و «آیة الکرسی» هر کدام را سه بار قرائت نما.

متن:

۱۳ - حدّثني أبي - رحمه الله - عن الحسين بن الحسن بن أبان، عن محمد بن أرمّة، عن النضر بن مؤيد، عن عاصم بن حميد، عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر عليه السلام «قال: سمعته يقول: كان رسول الله صلى الله عليه وآله إذا مرّ بقبور قوم من المؤمنين قال: «السّلامُ عليكم من ديار قوم مؤمنين، وإنا إن شاء الله بكم لأحقون»».

۱۴ - و [أبي]، عن الحسين بن الحسن بن أبان، عن محمد بن أرمّة، عن علي بن الحكم، عن ابن جلان «قال: قام أبو جعفر عليه السلام على قبر رجلٍ فقال: «اللّهُمَّ صلِّ وخذتّه، وآنس وختتّه، وأسكن إله من رحمتك ما يستغني به عن رحمة من سواك»».

۱۵ - و حدّثني محمد بن عبد الله بن جعفر الحميري، عن أبيه، عن أحمد بن محمد أبي عبد الله البرقي، عن الحسن بن علي الوشاء، عن علي بن أبي حمزة «قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام كيف نسلم على أهل القبور؟

قال: نَعَمْ؛ تقول: «السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ،
وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ، أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَإِنَّا بِكُمْ إِنِ شَاءَ اللَّهُ لَا
جُنُونٌ».

ترجمه:

﴿ حدیث سیزدهم ﴾

پدرم رحمة الله عليه، از حسین بن حسن بن ابان، از محمد بن اورمه، از نصر
بن سوید، از عاصم بن حمید، از محمد بن مسلم از حضرت ابی جعفر علیه السلام، وی
گفت: شنیدم آن حضرت می فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه به قبور دسناه ای از مؤمنین عبور می کردند می فرمودند:
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ مِنْ دِيَارِ قَوْمِ الْمُؤْمِنِينَ (سلام بر شما که از شهرهای قوم
اهل ایمان هستید).

و انا ان شاء الله بكم لا حقوق (ما نیز ان شاء الله به شما ملحق خواهیم شد).

﴿ حدیث چهاردهم ﴾

و پدرم از حسین بن حسن بن ابان، از محمد بن اورمه، از علی بن الحکم، از ابن عجلان نقل کرده که وی گفت:

حضرت ابو جعفر علیه السلام بر سر قبر مردی ایستاده و فرمودند:

اللَّهُمَّ صَلِّ وَحْدَتَهُ (خدایا وحدت و تنهایی او را به پیوند مبدل کن).

و آنس و حشته (در حال وحشتش انس بر فرار کن).

و اسکن الیه من رحمتک، یستغنی به عن رحمة من سواک (از

رحمت آن قدر نصیبش نما که از رحمت و عنایت غیر تو بی نیاز گردد).

﴿ حدیث پانزدهم ﴾

و محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از احمد بن محمد ابی

عبدالله برقی، از حسن بن علی الوشاء از علی بن ابی حمزه، وی گفت: از حضرت

ابی عبدالله علیه السلام پرسیدم: بر اهل قبور چگونه سلام دهیم؟

حضرت فرمودند:

آری، بگو:

السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ

الْمُسْلِمَاتِ، أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَ أَنْابِكُمْ أَنْ شَاءَ اللَّهُ لِأَحْقَاقِ.

(درود بر اهل شهرها که مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات باشند، شما

بر ما سبقت گرفتید و ما نیز به شما ان شاء الله ملحق خواهیم شد).

متن:

۱۶ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَ غَيْرُهُمَا، عَنْ سَعْدِ

ابن عبدالله، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ هَارُونَ بْنِ

الجهم، عن الفضل بن صالح، عن سعد بن طريف، عن الأصبغ بن نباتة «قال: مرَّ على أمير المؤمنين عليه السلام على القبور فأخذ في الجادة، ثم قال عن يمينه:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ مِنْ أَهْلِ الْقُصُورِ، أَنْتُمْ لَنَا قَرُطٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ، وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَا حِقُونَ»؛ ثم التفت عن يساره فقال: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ» - إلى آخره -.

١٧ - حدثني محمد بن الحسن بن الوليد - عمَّن ذكره - عن أحمد بن أبي عبدالله البرقي، عن أبيه، عن سعدان بن مسلم، عن علي بن أبي حمزة، عن أبي بصير، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال يخرج أحدكم إلى القبور فيسلم و يقول:

«السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ، أَنْتُمْ لَنَا قَرُطٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ وَإِنَّا بِكُمْ لَا حِقُونَ، وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، يَا أَهْلَ الْقُبُورِ بَعْدَ سُكْنَى الْقُصُورِ، يَا أَهْلَ الْقُبُورِ بَعْدَ النُّعْمَةِ وَالسُّرُورِ، صِرْتُمْ إِلَى الْقُبُورِ، يَا أَهْلَ الْقُبُورِ كَيْفَ وَجَدْتُمْ طَعْمَ الْمَوْتِ؟!». ثم يقول: «وَيْلٌ لِمَنْ صَارَ إِلَى الثَّارِ»، ثم يُهْرَقَ دَمْعُهُ وَ يَنْصَرَفُ».

١٨ - و عنه بإسناده، عن البرقي قال: حدثنا بعض أصحابنا، عن عباس بن عامر القصباني، عن يقطين قال: أخبرنا زبيح بن محمد المسلمي «قال: كان أبو عبدالله عليه السلام إذا دخل الجنة تقول: السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الْجَنَّةِ».

ترجمه: ﴿ حدیث شانزدهم ﴾

پدرم رحمه الله علیه و علی بن الحسین و غیر این دو، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن خالد، از پدرش، از هارون بن جهم، از مفضل بن صالح، از سعد بن طریف، از اصیغ بن نباته، وی گفت:

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام بر قبور عبور کردند، پس در وسط راه ایستاده سپس به طرف راست توجه کرده و فرمودند:

السلام علیکم یا اهل القبور من اهل القصور (درود بر شما ای کسانی که در قصرها بوده و اکنون در قبرها خفته‌اید).

انتم لنا فرط و نحن لکم تبع و انا ان شاء الله بکم للاحقون (شما بر ما سبقت گرفتید و ما بدنبال شما بوده و انشاالله به شما ملحق خواهیم شد).

سپس به طرف چپ توجه نموده و فرمودند:

السلام علی اهل القبور... تا آخر کلمات زیارت.

﴿ حدیث هفدهم ﴾

محمد بن الحسن بن الولید از کسی که ذکرش نموده، از احمد بن ابی عبدالله برقی، از پدرش، از سعد بن مسلم، از علی بن ابی حمزه از ابی بصیر، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

هرگاه یکی از شما به قبرستان رفتید، و ابتداء به اهل قبور سلام کرده و سپس بگوئید:

درود بر اهل قبور، درود بر مؤمنین و مسلمین که در قبور می‌باشند، شما بر ما سبقت گرفتید و ما تابع شما بوده و ان شاء الله به شما ملحق خواهیم شد، ما برای خدا بوده و به سوی او برمی‌گردیم، ای کسانی که در قبرها خفته‌اید بعد از آنکه در قصرها بودید، ای کسانی که در قبرها خوابیده‌اید بعد از آنکه اهل نعمت و سرور و شادی بودید، به قبور داخل شدید، ای اهل قبور: مزه مرگ را چگونه

یافتید؟

سپس بگردید:

وای هر کسی که پس از این وادی به دروخ داخل شود.
سپس اشکهای آن حضرت ریخت و از قبرستان باز گشتند.

﴿ حدیث هیجدهم ﴾

محمد بن الحسن الولید باسنادش از برقی، وی گفت:
برخی اصحاب از عباس بن عامر قصبانی، از یقطین، گفت:
ربیع بن محمد مسلی به ما خبر داد و گفت:
حضرت ابی عبدالله علیه السلام هرگاه به قبرستان داخل می شدند می فرمودند:
درود بر اهل بهشت.



مرکز تحقیقات و نشر اسلامی

﴿ الباب السادس و المائة ﴾

﴿ فضل زیارة فاطمة بنت موسی بن جعفر علیہ السلام بقم ﴾

متن:

- ۱- حدّثني عليُّ بن الحسين بن موسى بن بابويه، عن عليِّ بن إبراهيم بن هاشم، عن أبيه، عن سعد بن سعد، عن أبي الحسن الرضا علیہ السلام «قال: سألته عن زیارة فاطمة بنت موسی علیہ السلام، قال: مَنْ زارها فلّه الجنة».
- ۲- حدّثني أبي - رحمه الله - وأخي و الجماعة، عن أحمد بن إدريس، وغيره، عن العفركي بن عليّ البوفكي - عن ذكره - عن ابن الرضا علیہ السلام «قال: مَنْ زار قبر عمّتي بقم فلّه الجنة».

مرکز تحقیق و نشر کتب و اسناد اسلامی

﴿ باب صد و ششم ﴾

﴿ فضیلت زیارت حضرت فاطمه دختر موسی بن جعفر ﴾

﴿ صلوات الله علیه در شهر قم ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

علی بن الحسن بن بابویه، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش از سعد بن سعد، از حضرت ابی الحسن الرضا علیہ السلام، وی گفت: از آن حضرت راجع به زیارت حضرت فاطمه دختر موسی بن جعفر سلام الله علیه پرسیدم؟
حضرت فرمودند:

کسی که او را زیارت کند بهشت برایش خواهد بود.

﴿ حدیث دوم ﴾

پدرم رحمة الله عليه و برادرم و جماعتی، از احمد بن ادريس، و غير او، از
 عمرکی بن علی البوفکی، از کسی که ذکرش نموده از حضرت ابن الرضا سلام
 الله علیهما، حضرت فرمودند:

کسی که قبر عمه‌ام را در قم زیارت کند بهشت برایش می‌باشد.



مرکز تحقیقات و نشر فقه اسلامی

﴿ الباب السابع و المائة ﴾

﴿ فضل زیارة قبر عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی بالری ﴾

متن:

۱ - حدّثني عليُّ بن الحسين بن موسى بن بابويه، عن محمد بن يحيى العطار - عن بعض أهل الرّي - «قال: دخلت على أبي الحسن العسكري عليه السلام فقال: أين كنت؟ قلت: زُرتُ الحسين بن علي عليهما السلام، فقال: أما إنك لو زُرت قبر عبدالعظیم عندكم لَكُنْتُ كمن زار الحسين عليه السلام».



﴿ باب صد و هفتم ﴾

﴿ فضیلت زیارت قبر حضرت عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی دروی ﴾

ترجمه:

علی بن الحسین بن موسی بن بابویه، از محمد بن یحیی المطّار، از بعضی اهل ری، وی گفت:

بر حضرت ابی الحسن العسکری علیه السلام داخل شدم، حضرت فرمودند: کجا بودی؟

عرض کردم: به زیارت حضرت حسین بن علی علیهما السلام رفته بودم. حضرت فرمودند:

آیا نمی دانی، اگر قبر عبدالعظیم را که نزدتان هست زیارت کنی مثل آن است که حسین علیه السلام را زیارت کرده ای.

﴿ الباب الثامن و المائة ﴾

﴿ نوادر الزيارات ﴾

متن:

١ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَلْيَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادِ الْبَصْرِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قال: قال لي: إِنَّ عِنْدَكُمْ - أَوْ قَالَ: فِي قُرْبِكُمْ - نَفْضِيلَةٌ مَا أُوتِيَ أَحَدٌ مِثْلَهَا، وَ مَا أَحْسَبُكُمْ تَعْرِفُونَهَا كُنْهَ مَعْرِفَتِهَا، وَلَا تَحَافِظُونَ عَلَيْهَا وَلَا عَلَى الْقِيَامِ بِهَا، وَإِنَّ لَهَا لِأَهْلًا خَاصَّةً قَدْ سَمَّوْا لَهَا، وَأَعْطَوْهَا بِلَا حَوْلٍ مِنْهُمْ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا مَا كَانَ مِنْ صَنْعِ اللَّهِ لَهُمْ وَ سَعَادَةِ حَبَاهِمِ [اللَّهُ] بِهَا وَ رَحْمَةٍ وَ رَأْفَةٍ وَ تَقَدَّمَ.

قلت: جُعِلَتْ فِدَاكَ وَ مَا هَذَا الَّذِي وَصَفْتَ لَنَا وَ لَمْ تُسَمِّهِ؟ قال: زيارة جدِّي الحسين [بن علي] عليه السلام فَإِنَّهُ غَرِيبٌ بِأَرْضِ غُرَبَةٍ، يَبْكِيهِ مِنْ زَارِهِ، وَ يَحْزَنُ لَهُ مَنْ لَمْ يَزُرْهُ، وَ يَحْرَقُ لَهُ مَنْ لَمْ يَشْهَدْهُ وَ يَرْمِيهِ مَنْ نَظَرَ إِلَى قَبْرِ ابْنِهِ عِنْدَ رِجْلِهِ فِي أَرْضِ فَلَاحِيمٍ قَرِيبَةٍ وَ لَا قَرِيبٍ، ثُمَّ مَنَعَ الْحَقُّ وَ تَوَازَرَ عَلَيْهِ أَهْلُ الرُّدَّةِ حَتَّى قَتَلُوهُ وَ ضَيَّعُوهُ وَ عَرَضُوهُ لِلسَّبَاعِ، وَ مَنَعُوهُ شُرْبَ مَاءِ الْفُرَاتِ الَّذِي يَشْرِبُهُ الْكِلَابُ، وَ ضَيَّعُوا حَتَّى رَسَلَ اللَّهُ صلى الله عليه وآله وَ وَصِيَّتَهُ بِهِ وَ بِأَهْلِ بَيْتِهِ، فَأَمْسَى جَحْفُورًا فِي حَفْرَتِهِ، صَرِيحًا بَيْنَ قَرَابَتِهِ، وَ شَيْعَتِهِ بَيْنَ أَطْبَاقِ التَّرَابِ، قَدْ أَوْحَشَ قَرِيبَهُ فِي الْوَحْدَةِ وَ الْبُعْدَ عَنْ جَدِّهِ، وَ الْمَنْزَلَ الَّذِي لَا يَأْتِيهِ إِلَّا مَنْ أَمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ وَ عَرَفَهُ حَقًّا.

فقلت له: جُعِلَتْ فِدَاكَ قَدْ كُنْتُ آتِيَهُ حَتَّى بُلِيْتُ بِالسُّلْطَانِ وَ فِي حَفْظِ

أموالهم و أنا عندهم مشهورٌ فتركتُ للتَّقِيَةِ إتيانه و أنا أعرف ما في
أتيانه من الخير، فقال: هل تدري ما فضل من أتاه و ماله عندنا من
جَزِيلِ الخير؟ فقلت: لا، فقال: أمَّا الفضلُ فبإيه ملائكة السماء، و أمَّا
ماله عندنا فالترحم عليه كلَّ صباح و مساء.

و لقد حدَّثني أبي أنه لم يخلُ مكانه منذ قُتِلَ مِنْ مُصَلِّ يُصَلِّي عليه من
الملائكة، أو مِنَ الجِنِّ، أو مِنَ الإنس، أو مِنَ الوحش، و ما مِنْ شيءٍ إلاَّ و
هو يغبط زائره و يتمسح به و يرجو في النَّظَرِ إليه الخيرَ لنظره إلى قبره
ﷺ، ثمَّ قال: بلغني أنَّ قوماً يأتونه مِنْ نواحي الكوفة و [أ]ناساً مِنْ
غيرهم و نساءً يَنْدُبْنَهُ، و ذلك في النَّصَفِ مِنْ شعبان، بين قارىءٍ يقرء، و
قاصٍّ يقصُّ، و نادبٍ يندب، و قائلٍ يقول المراثي.

فقلت: نَعَمْ جُعِلَتْ فِدَاكَ قَدْ شَهِدْتُ بَعْضَ ما تَصِفُ، فقال: الحمدُ لِلَّهِ
الَّذِي جعل في النَّاسِ مَنْ يَفِدُ إلينا و يمدحنا و يرثي لنا، و جعل عَدُوَّنا من
يطعن عليهم مِنْ قرابتنا و غيرهم يَهْدُونَهُمْ و يقبِّحون ما يصنعون».

﴿ باب صد و هشتم ﴾

﴿ زیارت نادره ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سلیمان،
از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد البصری، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام
می گوید: حضرت به من فرمودند:

بدرستی که نزد شما است یا فرمودند: بدرستی که در نزدیکی شما است

فضیلتی که به احدی مثل آن اعطاء نشده و گمان نمی‌کنم که به حقیقت آن پی برده باشید، شما نگهدار آن نبوده و بر آن پیام نمی‌کنید برای آن افراد خاصی بوده که اهلش هستند و این فضیلت به آنها اعطاء شده بدون اینکه از ایشان حرکت و فعالیت سرزده باشد بلکه صرفاً از ناحیه حق تعالی ایشان مورد رحمت و رأفت قرار گرفته و این عطیه الهی به آنها عنایت شده است.

عرض کردم: فدایت شوم این فضیلتی که توصیف فرموده و نامش را نبردید


چیت؟

حضرت فرمودند:

زیارت جَدِّم حسین بن علی علیه السلام، چه آنکه او در سرزمین دوردست غریب می‌باشد هر کس به زیارتش رود بر او می‌گردد و اندوهگین می‌شود و آن کس که بر سر مزارش حاضر نشود می‌سوزد و آن کس که به پاتین پای آن حضرت به قبر فرزندش بنگرد و ملاحظه کند که در آن زمین قلات دفن شده است بر آن حضرت ترخّم می‌کند، نه خویشی در نزدیکی آن جناب بوده و نه اقربایش آن جا می‌باشند، او را از حقّ مسلمش منع نموده و اهل ظلم و ستم و گروه مرتد با هم توافق کرده و بر علیه آن حضرت قیام کرده تا جانی که او را کشته و بدن مبارکش را در آن بیابان انداخته و در معرض درندگان گذاردند، از نوشیدن آب فرات که سگ‌ها از آن می‌آشامیدند او را منع کردند و بدین ترتیب حق رسول خدا صلی الله علیه و آله را ضایع نموده و عمل به وصیت و سفارشی که آن وجود مبارک راجع به حضرتش به سایر افراد اهل بیتش نموده بود را ترک نمودند، عصر آن روزی که حضرت شهید شدند در حالی که ستم‌ها به آن جناب شده بود در بین اقرباء و پیروانش در گودال روی خاک‌ها افتاده بودند، اهل بیتش در آن بیابان تنها و دور از جدّ و منزل و کاشانه‌شان به حالتی غمگین و اندوه بودند، این آزمایش برای احدی اتفاق نمی‌افتد مگر آنانکه خداوند امتحانشان کرده و قلبی ملامال از ایمان داشته و به حقّ ما عارف و آگاه می‌باشند.

محضرش عرض کردم: فدایت شوم قبلاً من به زیارت آن حضرت می‌رفتم تا وقتی که مبتلا به سلطان شده و من را مستحفظ اموالشان قرار دادند و چون من نزد ایشان مشهور و معروف بودم از اینرو زیارت آن جناب را تقیة ترک کردم در حالی که به ثواب و اجر زیارت آن حضرت کاملاً واقف و آگاه هستم.
حضرت فرمودند:

آیا فضل و برتری کسی که به زیارت آن حضرت رود را می‌دانی؟ و آیا خیر عظیم و جزیلی که برای او نزد ما هست را آگاهی؟
عرضه داشتم: خیر.
حضرت فرمودند:

اما فضل او: تمام فرشتگان آسمان به او میباهات می‌کنند.
و اما خیر عظیمی که برای او نزد ما است: هر صبح و شام بر او رحمت می‌شود.
سپس مصنف کتاب  می‌فرماید:

پدرم برایم نقل نمود که از زمان شهادت آن حضرت آن مکان یک آن از نمازگذار خالی نمانده بلکه از آن تاریخ تا حال یا فرشتگان و یا جن و یا انس و یا وحوش در آن مکان مقدس به عبادت و نماز اشتغال داشته‌اند، و هیچ موجودی نیست مگر آنکه به حال زائر آن حضرت غبطه می‌خورد و او را مسح کرده و به او نظر کرده و در این نظر امید خیر دارد زیرا شخصی که وی به او نگریسته به قبر آن حضرت نظر افکنده است.
سپس حضرت فرمودند:

خبر به من داده‌اند که از نواحی کوفه گروهی از غیر اهل کوفه و زمانی به زیارتش رفته و بر آن حضرت ندبه و زاری نموده‌اند و این زیارت در نیمه شعبان صورت گرفته، از این گروه بعضی به قرائت قرآن مشغول بوده و برخی قضایا و حرادث رافعه کربلاء را برای دیگران بازگو کرده و جماعتی به ندبه و زاری

سرگم شده و پاره‌ای به خواندن مرثی مبادرت نموده‌اند.
عرض کردم: بلی فدایت شوم من شاهد برخی از این توصیفاتی که می‌فرمائید
بوده‌ام.

حضرت فرمودند:

حمد و سپاس خدائی را که در میان مردم کسانی را گذارده که بطرف ما کوچ و
سفر کرده و مدح و مرثی ما را می‌گویند و در مقابل دشمن ما را کسانی قرار داده
که از اقرباء ما بوده و آن گروه اول را مورد طعن قرار می‌دهند ولی دیگران ایشان
را هلاک کرده و کار و عملشان را تقبیح می‌نمایند.

متن:

۲- و بهذا الإسناد، عن عبد الله الأصم، عن عبد الله بن بكير
الأرجاني «قال: صحبت أبا عبد الله عليه السلام في طريق مكة من المدينة فنزلنا
مزلأ يقال له: عُسقان ثم مررنا بجبل أسود عن يسار الطريق موحش،
فقلت له: يا ابن رسول الله ما أوحش هذا الجبل! ما رأيت الطرى مثل
هذا، فقال لي يا ابن بكير أتدري أي جبل هذا؟ قلت: لا، قال: هذا جبل
يقال له: «الكمد» وهو على وادٍ من أودية جهنم، وفيه قتل أبي
الحسين عليه السلام، استودعهم، فيه تجري من تحتهم مياه جهنم من الغسلين و
الصديد والحميم و ما يخرج من جب الجوى و ما يخرج من الفلق من
آثام و ما يخرج من الخبال و ما يخرج من جهنم و ما يخرج من لظى و
من الحطمة، و ما يخرج من سقر و ما يخرج من الحميم، و ما يخرج من
الهاوية، و ما يخرج من الشعير، و ما مرّت بهذا الجبل في سفري فوقفت
به إلا رأيتها يستغيثان إلى و إني لا نظراى قتل أبي و أقول لها: إنما

هؤلاء فعلوا ما استتاروا لم ترحمونا اذ وليتم و قتلتمونا و حرمتونا و وثبتتم علي قتلنا و استبددتم بالامر دوننا، فلا رحمة الله من يرحمكم، ذوقا و بال ما قدمتم، و ما الله بظلام للعبيد، و أشدها تضرعاً و استكانة الثاني، فرجوا و قفت عليها ليستلي عني بعض ما في قلبي، و رجما طويت الجبل الذي هما فيه و هو جبل الكمد، قال: قلت له: جعلت فداك فإذا طويت الجبل فما تسمع؟ قال: أسمع أصواتها يناديان: عرج علينا نكلمك فإذا نتوب، و أسمع من الجبل صارخاً يصرخ بي أجبها و قل لها: اخسروا فيها و لا تكلمون! قال: قلت له: جعلت فداك و من معهم؟ قال: كل فرعون عتاً على الله و حكى الله عنه فعالة، و كل من علّ العباد الكفر، فقلت: من هم؟ قال: نحو «بولس» الذي علم اليهود أن يدالله مغلولته، و نحو «نسطور» الذي علم النصارى أن عيسى المسيح ابن الله، و قال لهم: هم ثلاثة.

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

و با همین اسناد از عبدالله اصم، از عبدالله بن بکیر ارجانی نقل شده، وی

گفت:

با حضرت اباعبدالله علیه السلام در راه مکه از مدینه همراه بودم، پس به جایی که «سُفان» نامیده می شد فرود آمدیم و سپس از کنار کوهی سیاه که در سمت چپ جاده بود و کوهی وحشتناک به نظر می آمد عبور کردیم، محضر آن حضرت عرض کردم:

ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله، چقدر این کوه وحشتناک است! در این راه کوهی

مثل این ندیده‌ام.

حضرت فرمودند:

ای پسر بکیر، می‌دانی این چه کوهی است؟

عرض کردم: خیر.

فرمودند:

این کوهی است بنام «کمد» و آن در وادی از وادی‌های دوزخ بوده و در آن قاتلین پدرم امام حسین علیه السلام نگه داشته شده‌اند، در این کوه از زیر قاتلین آب‌های جهنمی جاری می‌باشند، این آب‌ها عبارتند از:

غسلین (آبی که از پوست و گوشت درزخیان جاری است)، صدید (آبی که ناشی از چرک و زردآب باشد) حمیم (عرق دوزخیان را گویند) آبی که از چاه جوئی خارج می‌شود و آن آبی است گندیده و متعفن، آبی که از چاه فلق در دوزخ خارج می‌شود و آن آبی است حاصل از چرک و خون مجرمین، آبی که از خبال یعنی چرک بدن دوزخیان جاری است، آبی که از جهنم روان است، آبی که از لظی (وادی از وادی‌های جهنم) بیرون می‌آید، آبی از حطمه (وادی از وادی‌های جهنم) خارج می‌شود، آبی که از سفر (وادی از وادی‌های جهنم) بیرون می‌آید، آبی که از حمیم (وادی از وادی‌های دوزخ) خارج می‌شود، آبی که از هاویه (وادی از وادی‌های دوزخ) بیرون می‌آید، آبی که از سمیر (وادی از وادی‌های دوزخ) خارج می‌شود.

و من در هیچ‌یک از سفرهایم به این کوه مرور نکرده و نه ایستادم مگر آنکه آن دو را دیدم که به من استغاثه و التماس می‌کردند و نیز قاتلین پدرم را مشاهده نمودم، به آن دو گفته و می‌گویم:

این قاتلین آنچه را که شما تأسیس کرده‌اید انجام داده‌اند، چرا وقتی زمام امور به دستتان بود به ما رحم نکرده و ما را کشتید و از حقوق خود محروممان نمودید و بر قتل و کشتن ما اقدام کرده و استبداد محض و کامل را به اجراء گذاردید خدا رحم نکند به کسی که به شما دو نفر رحم کند بچشید وزر و وبالی را که خود

فراهمش نموده‌اید، و خدا نسبت به بندگان ظالم و ستمکار نیست.
 البتّه درمی تضرّع و اضطرایش شدیدتر از اولی است و بسا ایستاده و حالشان
 را مشاهده کرده تا اندکی از بغض و کینه و ناراحتی که از ایشان در قلب دارم
 کاهش یافته و کمی تسلی و آرامش خاطر پیدا کنم، و بسا گویی که آن دو در آن
 محبوس هستند را طی کرده و از آن بالا رفته‌ام و آن کوه «کمه» می‌باشد.
 راوی گفت: محضرش عرض کردم: فدایت شوم وقتی از کوه بالا رفتید و آن
 را طی نمودید چه صدائی شنیدید:
 حضرت فرمودند:

صدای آن دو را شنیدم که فریاد می‌زدند: ما را بالا بیاور تا با تو صحبت کنیم،
 ما توبه کرده‌ایم و می‌شنیدم از کوه که فریاد می‌زد و به من می‌گفت: جواب ایندو
 را بده و به ایشان بگو:

پاین روید و صحبت نکنید!
 راوی می‌گوید: عرضه داشتم: فدایت شوم چه کسانی با این دو می‌باشند؟
 حضرت فرمودند:

هر فرعون و متکبری که بر خدا طغیان کرده و خداوند کردارش را بازگو
 فرموده است و نیز هر کسی که به بندگان کفر تعلیم کرده است.
 عرض کردم: ایشان چه کسانی هستند.
 حضرت فرمودند:

نظیر «بولس» که به یهود یاد داد که دست خدا بسته است و مثل «نسطور» که به
 نصاری یاد داد که حضرت عیسی مسیح فرزند خدا است و ایشان سه تا هستند
 (یعنی معبود سه تا است: آب، این و روح القدس).

متن:

و نحو فرعون موسى الذي قال: أنا رَبِّكُمْ الأعلى، و نحو غرود الذي قال: قهرتُ أهل الأرض و قتلْتُ مَنْ في السَّماء، و قاتل أمير المؤمنين، و قاتل فاطمة و محسن، و قاتل الحسن و الحسين، فأما معاوية و عمرو فما يظمان في الخلاص، و معهم كلُّ من نصب لنا العداوة، و أعان علينا بلسانه و يده و ماله، قلت له: جعلتُ فداك فانت تسمع ذاكه لا تفرع؟ قال: يا ابن بُكير إنَّ قلوبنا غير قلوب الناس، إنَّنا مطيعون مصفون مصطفون، نرى ما لا يرى الناس، و نسمع ما لا يسمع الناس، و أنَّ الملائكة تنزل علينا في رحائنا، و تتقلب في قُرشنا، و تشهد طعامنا، و تحضر موتانا، و تأتينا بأخبار ما يحدث قبل أن يكون، و تصلي معنا، و تدعو لنا و تلقى علينا أجنحتها، و تتقلب على أجنحتها صبياننا و يمتع الدَّوابُّ أن تصلي إلينا، و تأتينا محاماً في الأرضين من كلِّ نباتٍ زمانه و تسقيننا من ماء كل أرض نجد ذلك في آينتنا و ما من يوم و لا ساعة و لا وقت صلاةٍ إلَّا وهي تتهيأ لها، و ما من ليلة تأتي علينا إلَّا و أخبار كل أرض عندنا، و ما يحدث فيها و أخبار الجنِّ و أخبار أهل الهوى من الملائكة، و ما من ملك يموت في الأرض و يقوم غيره، إلَّا أتانا خبره، و كيف سيرته في الدِّين قبله، و ما من أرضٍ من سِتَّةِ أرضين إلى السَّابعة إلَّا و نحن نؤتي بخبرهم، فقلت: جعلتُ فداك فأين منتهى هذا الجبل؟ قال: إلى الأرض السَّابعة، و فيها جهنم على وادٍ من أوديته، عليه حفظة أكثر من نجوم السَّماء و قطر المطر و عدد ما في البحار و عدد الثرى، قد وُكِّل كلُّ ملك منهم بشيٍّ وهو مقيم عليه لا يفارقه، قلت: جعلتُ فداك إليكم جميعاً

يلقون الأخبار؟ قال: لا إنما يليق ذلك إلى صاحب الأمر، إنا لنحمل ما لا يقدر العباد على المحكومة فيه فنحكم فيه فن لم يقبل حكومتنا جبرته الملائكة على قولنا وأمرت الذين يحفظون ناسيته أن يثيروه على قولنا، وإن كان من الجن من أهل المخلاف والكفر أو ثقته و عذبه حتى يصير إلى ما حكمنا به،

﴿ دنباله حدیث دوم ﴾

ترجمه:

و مانند: فرعون معاصر با حضرت مرسی علیه السلام که گفت: انا ربکم الاعلی و بدین ترتیب ادعای خدائی کرد و همچون: نمرودی که گفت: اهل زمین را مورد قهر خود داده و آنچه در آسمان هست را کشتیم و نیز نظیر: قاتل امیرالمؤمنین علیه السلام و قاتل فاطمه علیه السلام و محسن و قاتل امام حسن و امام حسین علیه السلام و اما معاویه و عمرو بن عاص ابداء طمع و درخواست خلاص شدن از عذاب را نمی کنند. و نیز تمام کسانی که نصب عداوت ما اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله را نموده اند با ایشان هستند و همچنین کسانی که با زبان و دست و مالشان بر علیه ما اقدام کردند، با ایشان می باشند.

عرض کردم: فدایت شوم شما تمام این صداها را می شنوید و به فرج نمی آئید؟

حضرت فرمودند:

ای پسر بکیر، قلوب و دل های ما غیر از دل های مردم است، ما مطیع کامل حق تعالی و خالص از هر آلودگی بوده و برگزیده باری تعالی می باشیم، می بینیم آنچه را که مردم نمی بینند، می شنویم آنچه را که دیگران نمی شنوند فرشتگان در منازل ما فرود می آیند و در روی فرش های ما حرکت کرده در کنار سفره ما حاضر و شاهد هستند بر مردگان ما حاضر می شوند، اخبار حوادثی که هنوز واقع نشده اند

را به ما می‌رسانند، با ما نماز خوانده و برای ما دعاء می‌کنند، پرها و بالهایشان را برای ما پهن می‌کنند، کودکان و اطفال ما روی بال‌های ایشان حرکت می‌کنند، مانع می‌شوند از اینکه جنیندگان به ما دست یافته و ابداء و آزارمان کنند، از تمام گیاهان و نباتاتی که در زمین می‌رویند در فصل و زمانشان برای ما می‌آورند، از آب‌های مختلف روی زمین به ما می‌آشامانند و ما آنها را در ظروف خود می‌بایم، و هیچ روز و ساعت و وقت نمازی نیست مگر آنکه فرشتگان برای آنها آماده می‌باشند، و هیچ شبی فرا نمی‌رسد مگر آنکه اخبار تمام نقاط زمین را برای ما می‌آورند و نیز آنچه در زمین واقع می‌شود و اخبار جن و ملائکه را برای ما بازگو می‌کنند، و هیچ فرشته‌ای در زمین نمی‌میرد و دیگری جای آن قرار نمی‌گیرد مگر آنکه ما را اطلاع داده و رویه و سیره آن فرشته را با کسانی که قبلاً بوده‌اند را برای ما بیان می‌کنند، و هیچ زمینی از شش طبقه زمین تا طبقه هفتم نیست مگر آنکه جز آنها را به ما می‌دهند.

عرض کردم: فدایت شوم انتهای این کوه کجا است؟

حضرت فرمودند:

تا طبقه هفتم زمین ادامه داشته و در آنجا دوزخی است که وادی از وادی‌های جهنم می‌باشد و نگهبانانی که مستحفظ آن هستند از ستارگان آسمان و دانه‌های باران و قطره‌های آب در دریاها و از عدد خاک‌های در کره زمین بیشتر می‌باشند، هر کدام از این فرشتگان موکل بر امری بوده که مرافق آن بوده و از آن تخلف نمی‌کنند.

عرض کردم: فدایت شوم به همه شما اهل بیت این اختیار را می‌دهند؟

حضرت فرمودند:

خیر، تنها به کسی که صاحب امر ولایت است، ما حامل چیزی هستیم که بندگان قدرت حکومت در آن را ندارند، پس ما در آن حکومت می‌نمائیم و کسی که حکومت ما را نپذیرد فرشتگان او را بر آن مجبور می‌کنند و امر می‌کنند به

کسانی که حافظ آن ناحیه هستند که بندگان را بر قول و حکومت ما ملزم و مجبور کنند و اگر جنتی از اهل خلاف و کفر باشد او را به بند کشیده و آن قدر عذابش می‌کنند تا بر حکم ما کردن نهد.

متن:

قلت: جُعِلْتُ فِدَاكَ فَهَلْ يَرَى الْإِمَامَ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ؟ قَالَ:
 يَا ابْنَ بُكَيْرٍ يَكُونُ حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى مَا بَيْنَ قَطْرِيهَا وَهُوَ لَا يَرَاهُمْ وَلَا يَحْكُمُ
 فِيهِمْ؟! وَكَيْفَ يَكُونُ حُجَّةً عَلَى قَوْمٍ غَيْبٌ لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِمْ وَلَا يَقْدِرُونَ
 عَلَيْهِ؟ وَكَيْفَ يَكُونُ مُؤَدِّياً عَنِ اللَّهِ وَشَاهِداً عَلَى الْخَلْقِ وَهُوَ لَا يَرَاهُمْ؟ وَ
 كَيْفَ يَكُونُ حُجَّةً عَلَيْهِمْ وَهُوَ مُحْجُوبٌ عَنْهُمْ؟ وَقَدْ جَعَلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَهُ أَنْ
 يَقُومَ بِأَمْرِ رَبِّهِ فِيهِمْ، وَاللَّهُ يَقُولُ: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ» يَعْنِي
 بِهِ مِنْ عَلَى الْأَرْضِ وَالْحُجَّةَ مِنْ بَعْدِ النَّبِيِّ ﷺ يَقُومُ مَقَامَ النَّبِيِّ مِنْ بَعْدِهِ وَ
 هُوَ الدَّلِيلُ عَلَى مَا تَشَاجَرَتْ فِيهِ الْأُمَّةُ، وَالْأَخْذَ بِحَقُوقِ النَّاسِ، وَالْقِيَامَ
 بِأَمْرِ اللَّهِ، وَالْمَنْصَفَ لِبَعْضِهِمْ مِنْ بَعْضٍ، فَاذَا لَمْ يَكُنْ مَعَهُمْ مَنْ يَنْفِذُ قَوْلَهُ
 وَهُوَ يَقُولُ: «سَتَرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ»، فَأَيُّ آيَةٍ فِي الْآفَاقِ
 غَيْرِنَا أَرَاهَا أَهْلَ الْآفَاقِ وَقَالَ: «مَا نُرِيهِ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا»،
 فَأَيُّ آيَةٍ أَكْبَرُ مِنْهَا، وَاللَّهُ إِنَّ بَنِي هَاشِمٍ وَقُرَيْشاً لَتَعْرِفَ مَا أَعْطَانَا اللَّهُ وَ
 لَكِنَّ الْحَسَدَ أَهْلَكَهُمْ كَمَا أَهْلَكَ إِبْلِيسَ، وَإِنَّهُمْ لِيَأْتُونَنَا إِذَا اضْطَرُّوا وَ
 خَافُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ فَيَسْأَلُونَا فَنُوضِعُ لَهُمْ فَيَقُولُونَ: نَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَهْلُ
 الْعِلْمِ، ثُمَّ يَخْرُجُونَ فَيَقُولُونَ: مَا رَأَيْنَا أَضْلَّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَؤُلَاءِ وَبِقَبْلِ
 مَقَالَتِهِمْ!

قلت: جُعِلْتُ فِدَاكَ أَخْبَرَنِي عَنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام لَوْ نُبِشَ كَانُوا يَجِدُونَ فِي قَبْرِهِ شَيْئًا؟ قَالَ: يَا بَنَ بَكِيرٍ مَا أَعْظَمَ مَسَائِلَكَ! الْحُسَيْنِ عليه السلام مَعَ أَبِيهِ وَأُمِّهِ وَأَخِيهِ الْحَسَنِ فِي مَنْزِلِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله، يَحْبُونَ كَمَا يَحْبِي، وَيَرْزُقُونَ كَمَا يَرْزُقُ، فَلَوْ نُبِشَ فِي أَيَّامِهِ لَوُجِدَ؛ وَأَمَّا الْيَوْمَ فَهُوَ حَيٌّ عِنْدَ رَبِّهِ يَرْزُقُ وَيَنْظُرُ إِلَى مُعَسِّكَرِهِ وَيَنْظُرُ إِلَى الْعَرْشِ مَتَى يُؤْمَرُ أَنْ يَحْمِلَهُ وَأَنَّهُ لَعَلَى عِمِينَ الْعَرْشِ مُتَعَلِّقٌ يَقُولُ: يَا رَبِّ انْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، وَإِنَّهُ لِيَنْظُرُ إِلَى زُورَارِهِ وَهُوَ أَعْرَفُ بِهِمْ وَبِأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ وَبِدَرَجَاتِهِمْ وَبِمَنْزِلَتِهِمْ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ أَحَدِكُمْ بَوْلَدِهِ وَمَا فِي رَحْلِهِ وَأَنَّهُ لَيَرَى مَنْ يَبْكِيهِ فَيَسْتَغْفِرُ لَهُ رَحْمَةً لَهُ، وَيَسْأَلُ أَبَاهُ الْاسْتِغْفَارَ لَهُ وَيَقُولُ: لَوْ تَعْلَمُ أَيُّهَا الْبَاكِي مَا أَعَدُّ لَكَ لِفِرْحَتِكَ أَكْثَرَ مِمَّا جِزَعْتَ، فَلَيَسْتَغْفِرُ لَهُ كُلُّ مَنْ سَمِعَ بُكَاءَهُ مِنْ الْمَلَائِكَةِ فِي السَّمَاءِ وَفِي الْحَاثِرِ، وَيَنْقَلِبُ وَمَا عَلَيْهِ مِنْ ذَنْبٍ»

ترجمه: ﴿ ذُنْبِالِهِ حَدِيثِ دَوْمِ ﴾

عرض کردم: فدایت شوم: آیا امام بین مشرق و مغرب را می بیند؟

حضرت فرمودند:

ای پسر بکیر چگونه امام حجّت خدا باشد بر آنچه بین در نقطه مقابل هم در کره زمین واقع شده اند و حال آنکه آنها را ندیده و در میانشان حکم نکنند؟! و چگونه بتوان گفت امام حجّت است بر قوم و جماعتی که در نظرش غائب هستند و بر آنها قدرت نداشته و آنها نیز بر دسترسی داشتن به وی جهت رفع نیازمندی های خویش قدرت ندارند؟

و چگونه امام احکام و حقائق را از طرف خدا اداء کند و شاهد بر خلق باشد

در حالی که آنها را نمی بیند؟!

و چگونه حجت بر ایشان باشد در حالی که آنها از وی محجوب و مستور می‌باشند؟! در حالی که امام علیه السلام به امر خدا بین مردم نصب شده تا واسطه بین خدا و مخلوق باشد، خدا در قرآن خطاب به پیغمبرش می‌فرماید: و ما ارسلناک الا کافة للناس (ما تو را نفرستادیم مگر برای همه مردم).

مقصود از «کافة للناس» تمام کسانی هستند که روی کره زمین می‌باشند و حجت بعد از نبی صلی الله علیه و آله بعد از آن وجود مبارک قائم مقام او باید باشد پس همانطوری که نبی حجت است برای تمام مردم روی زمین و باید بر همه تسلط داشته باشد حجت بعد از او و قائم مقامش نیز باید چنین باشد و اساساً مناصب امام بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اموری است که لازمه آن اینستکه وی باید به تمام امت و به کافه مردم مسلط بوده و آنها را ببیند، این مناسب عبارتند از:

الف: راهنما برای حل مشاجراتی که بین امت واقع می‌شود.

ب: حقوق مردم را احقاق کردن و گرفتن.

ج: قیام نمودن به امر خدا و فرمانش را بین مردم اجراء کردن.

د: انصاف گرفتن از بعضی برای بعضی دیگر.

در نتیجه باید امام قولش نافذ بین کل مردم باشد تا بدین ترتیب نظم عالم محفوظ ماند، و هر ج و مرج پیش نیاید، حال اگر با مردم امام و رهبری نباشد که قولش بین آنها نافذ باشد کلام خدا در قرآن کریم بی‌مصدق می‌ماند، حقتعالی در قرآن می‌فرماید:

سزیهم آیاتنا فی الآفاق و فی انفسهم (محققاً به ایشان نشان می‌دهیم

آیات خود را که در آفاق و انفس می‌باشند)، با توجه به این آیه می‌پرسم:

چه آیه‌ای در آفاق غیر از ما وجود دارد که خداوند متعال به آن اهل آفاق را

نشان داده است؟ و نیز در جای دیگر فرموده:

ما نریم من آیه الاهی اکبر من اختها (ما به ایشان هیچ آیه‌ای را نشان

ندادیم مگر آنکه آن آیه از آیه دیگر بزرگتر بود).

چه آیه‌ای را شما بزرگ‌تر از ما سراغ دارید، به خدا سوگند بنی‌هاشم و قریش به آنچه خدا به ما اعطاء فرموده آگاه و عارف هستند ولی حسد ایشان را هلاک کرده همان‌طوری که حسد ابلیس را هلاک نمود.

ایشان در موارد اضطرار نزد ما می‌آیند و از ما مشکلشان را سؤال می‌کنند و ما برای ایشان توضیح داده و مشکلشان را حل می‌کنیم بعد از آن می‌گویند: شهادت می‌دهیم که شما اهل علم هستید و از نزد ما که خارج شدند پیش دیگران می‌گویند:

ما ندیدیم کسی را گمراه‌تر از آنانکه از ایشان تبعیت کرده و گفتار آنها را بپذیرند!

عرض کردم: فدایت شوم به من خبر دهید از حضرت ابی‌عبدالله علیه السلام: اگر قبر آن حضرت را نبش کنند در آن چیزی می‌یابند؟
حضرت فرمود:

ای پسر بکیر، سؤال بسیار بزرگی نمودی، حسین علیه السلام با پدر و مادر و برادرش حسن علیه السلام در منزل رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده به ایشان اعطاء می‌شود همان‌طوری که به آن جناب اعطاء می‌گردد، روزی می‌خورند همان‌طوریکه آن حضرت روزی می‌خورد، اگر در همان ایام قبر را نبش می‌کردند، البته آن حضرت را در آن می‌یافتند، اما امروز آن حضرت زنده بوده و نزد پروردگارش روزی می‌خورد و به لشکرش و به عرش می‌نگرد تا چه کسی و در چه وقت امر شود که آن را حمل کند، آن حضرت در سمت راست عرش ایستاده می‌گوید:

پروردگارا، وعده‌ای که به من داده‌ای عملی کن، به زوارش نگریسته و او به ایشان و اسماء پدرانشان و به درجات و مراتب آنها نزد خدا از شما نسبت به فرزندان و آنچه در منزل دارید اعرف و آگاه‌تر است آن حضرت می‌بیند کسانی را که بر او می‌گیرند پس از خدا طلب آمرزش برای ایشان می‌کند و از پدر بزرگوارش نیز طلب آمرزش برای ایشان می‌کند و می‌گوید:

ای گریه کننده اگر بدانی برای تو چه آمده شده فرح و شادی تو بیش از جزع و ناراحتی تو خواهد بود پس تمام فرشتگانی که در آسمان و حائر بوده و صدای گریه او را می شنوند برایش استغفار می کنند و وی حرکت می کند در حالی که هیچ گناهی بر او نمی باشد.

متن:

۳- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ زِيَادِ بْنِ أَبِي الْحَلَالِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: مَا مِنْ نَبِيٍّ وَلَا وَصِيٍّ نَبِيٌّ يَبْقَى فِي الْأَرْضِ بِأَكْثَرِ مِنْ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ثُمَّ تَرْفَعُ رُوحُهُ وَعَظْمُهُ وَحَمْمُهُ إِلَى السَّمَاءِ، وَإِنَّمَا تُؤْتَى مَوَاضِعَ آثَارِهِمْ وَيَبْلَغُونَهُمْ مِنْ بَعِيدِ السَّلَامِ وَيَسْمَعُونَهُمْ فِي مَوَاضِعَ آثَارِهِمْ مِنْ قَرِيبٍ».

و حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى؛ وَ غَيْرِهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ زِيَادِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - مِثْلَهُ.

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

محمد بن یعقوب، از عده ای اصحاب، از احمد بن محمد بن عیسی، از علی بن الحکم، از زیاد بن ابی الحلال، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند: هیچ پیغمبر و هیچ جانشین پیغمبری بیش از سه روز روی زمین باقی نمی ماند سپس روح و استخوان و گوشت او را به آسمان می برند، و مردم به اماکن و مواضعی که آثار ایشان هست (یعنی قبورشان) رفته و از دور به ایشان

ابلاغ سلام می کنند و از نزدیک در مواضع آثارشان سلامشان را به ایشان می شنوند.

پدرم رحمة الله عليه و محمد بن يعقوب، از محمد بن يحيى و غيرش از احمد بن محمد، از على بن الحكم، از زياد، از حضرت ابى عبدالله عليه السلام مثل همين حديث را نقل کرده.

متن:

۴ - و حدثني أبي - رحمه الله - عن محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن إسماعيل بن بزيع - عن بعض أصحابه - رفعه إلى أبي عبدالله عليه السلام «قال: قلت: نكون مكة أو بالمدينة أو بالحائر أو الموضع التي يرجى فيها النفل فرجما يخرج الرجل يتوضأ فيجئ الآخر فيصير مكانه، قال: من سبق إلى موضع فهو أحق به يومه و ليلته».

۵ - حدثني أبو العباس محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن منيع، عن صفوان بن يحيى، عن صفوان بن مهران الجمال، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: أهون ما يكسب زائر الحسين عليه السلام في كل حسنة ألف حسنة، و السيئة واحدة، و أين الواحدة من ألف ألف؟! ثم قال: يا صفوانُ أبشر فإنَّ لله ملائكةً معها قضبان من نور فإذا أراد الحفظة أن تكتب على زائر الحسين عليه السلام سيئةً، قالت الملائكة للحفظة، كفي فتكف، فإذا عمل حسنة قالت لها: اكتبي أولئك الذين يبذل الله سيئاتهم حسنات».

ترجمه: ﴿ حدیث چهارم ﴾

یدرم رحمة الله علیه از محمد بن یحیی، از احمد بن محمد، از محمد بن اسماعیل بن بزیع، از برخی اصحابش بطور مرفوعه از ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده‌اند وی گفت: محضر مبارک حضرت عرض کردم: ما در مکه یا در مدینه یا در حائر و یا در جاهایی که امید فضل در آن می‌رود می‌باشیم، بسا یکی از ما برای وضوء از مکانش خارج شده دیگری جایش را اتخاذ می‌کند حکم آن چیست؟ حضرت فرمودند:

در آن روز و شب وی احق و اولی به آن مکان می‌باشد.

ترجمه: ﴿ حدیث پنجم ﴾

ابوالعباس محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از منیع، از صفوان بن یحیی، از صفوان بن مهران الجمال، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

کمترین چیزی که زائر امام حسین علیه السلام بدست می‌آورد این است که در مقابل هر یک حسنه‌ای که از او صادر شود.

حق تعالی هزار هزار حسنه به او پاداش دهد و در قبال هر یک سینه‌ای که مرتکب شود تنها یک سینه برایش منظور می‌کند و یکی کجا و هزار هزار تا کجا؟!

سپس حضرت فرمودند:

ای صفوان، بشارت باد تو را، خداوند متعال فرشتگانی دارد که با آنها تازیانه‌ای از نور بود و هرگاه فرشتگان حافظ و نگهبان بنخواهند بر زائر امام حسین علیه السلام سینه‌ای بنویسند، فرشتگان به حافظین می‌گویند:

از این کار خودداری کنید، آنها خود را از آن باز می‌دارند و وقتی زائر عمل حسنه‌ای انجام دهد فرشتگان به حافظین می‌گویند:

بنو سيد، ايشان كسانى هستند كه حق تعالى سيئاتشان را به حسنه تبديل فرموده است.

متن:

٦ - حدثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد ابن عيسى، عن أبي يحيى الواسطي، عن أبي الحسن الخذاء «قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: إن إلى جانبكم مقبرة يقال لها: «براثا» يحشر منها عشرون ومائة ألف شهيد كشهداء بدر».

٧ - و روى عن محمد بن مروان قال: حدثنا محمد بن الفضل «قال: سمعت جعفر بن محمد عليه السلام يقول: من زار قبر الحسين عليه السلام في شهر رمضان و مات في الطريق لم يعرض ولم يحاسب، و يقال له: ادخل الجنة آمناً».

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

٨ - حدثني أبي ؛ و محمد بن الحسن - رحمهما الله - جميعاً، عن الحسين بن سعيد قال: حدثنا بن السحت الخزاز قال: حدثنا حفص المزني، عن عمّار بن بياض، عن أبان بن تغلب «قال: قال لي جعفر بن محمد عليه السلام: يا أبان متى عهدك بقبر الحسين عليه السلام؟ قلت: لا والله يا بن رسول الله؛ ما لي به عهد منذ حين، فقال: سبحان الله العظيم و أنت من رؤساء الشيعة ترك زيارة الحسين عليه السلام، لا تزوره؟! من زار الحسين عليه السلام كتب الله له بكل خطوة حسنة، و محى عنه بكل خطوة سيئة، و غفر له ما تقدّم من ذنبه و ما تأخّر، يا أبان لقد قتل الحسين عليه السلام فهبط على قبره سبعون ألف ملك شعث غبر يبكون عليه و ينوحون عليه إلى يوم القيامة».

﴿ حدیث ششم ﴾

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن محمد بن عیسی، از ابی یحیی واسطی، از ابی الحسن الحداء وی گفت: حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند: در طرف شما مقبره‌ای است که به آن «برائاه» گویند از آن صد و بیست هزار شهید محشور شده همچون شهداء بدر.

﴿ حدیث هفتم ﴾

و از محمد بن مروان روایت شده که گفت: محمد بن الفضل می‌گوید: از حضرت جعفر بن محمد علیه السلام شنیدم که می‌فرمودند: کسی که نهر حضرت امام حسین علیه السلام را در ماه رمضان زیارت کند و در راه فوت شود در معرض عتاب و خطاب او را نیاورده و نسبت به اعمالش محاسبه صورت نگرفته بلکه، به او گفته می‌شود: داخل بهشت شو در حالی که در امان هستی.

﴿ حدیث هشتم ﴾

پدرم و محمد بن الحسن رحمة الله علیهما جمعاً از حسین بن سعید، وی گفت: علی بن سحت خزاز برایم نقل نمود و گفت: حفص مؤنی، از عمر بن بیاض، از ابان بن تغلب نقل کرد که وی گفت: حضرت جعفر بن محمد علیه السلام به من فرمودند: ای ابان چه وقت قبر حسین علیه السلام را زیارت کردی؟ عرض کردم: به خدا سوگند ای پسر رسول خدا نابحال به زیارت آن حضرت نرفته‌ام.

حضرت فرمودند:

سبحان الله، تو از رؤسای شیعه هستی و زیارت امام حسین علیه السلام را ترک می‌کنی، به زیارتش نمی‌روی؟!

کسی که حسین علیه السلام را زیارت کند خداوند به هر قدمی که برمی‌دارد یک حسنه برایش می‌نویسد و از او در مقابل هر قدمش یک گناه محو می‌فرماید و تمام گناهان سابق و لاحقش را می‌آمرزد، ای ابان وقتی حسین علیه السلام کشته شد هفتاد هزار فرشته زولیده و غبار آلود بر قبرش از آسمان هبوط کرده و از آن تاریخ تا ظهور قیامت بر او گریه و نوحه سرایی می‌نماید.

متن:

۹ - حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ، عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدِ الْبَصْرِيِّ، عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي سَبَاطٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا عليه السلام: أَيُّهَا أَفْضَلُ: رَجُلٌ يَأْتِي مَكَّةَ وَلَا يَأْتِي الْمَدِينَةَ، أَوْ رَجُلٌ يَأْتِي النَّبِيَّ وَلَا يَأْتِي مَكَّةَ؟ قَالَ: فَقَالَ لِي أَيُّ شَيْءٍ تَقُولُونَ أَنْتُمْ؟ فَقُلْتُ: نَحْنُ نَقُولُ فِي الْحُسَيْنِ عليه السلام، فَكَيْفَ فِي النَّبِيِّ؟! قَالَ: أَمَا لَنْتَنَ قُلْتَ ذَلِكَ لَقَدْ شَهِدَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عِيداً بِالْمَدِينَةِ فَانصَرَفَ فَدَخَلَ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وسلم فَسَلَّمَ عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ لِمَنْ حَضَرَهُ: أَمَا لَقَدْ فَضَّلْنَا أَهْلَ الْبِلْدَانِ كُلَّهُمْ مَكَّةَ فَيَمُنُ دُونَهَا لَسَلَامْنَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم».

۱۰ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنِ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ - عَنِ بَعْضِ أَصْحَابِهِ - يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: قُلْتُ: نَكُونُ بِمَكَّةَ أَوْ بِالْمَدِينَةَ أَوْ بِالْحَائِرِ أَوْ الْمَوَاضِعِ الَّتِي يَرْجَى فِيهَا الْفَضْلُ، فَرَجَاءًا يَخْرُجُ الرَّجُلُ لِيَتَوَضَّأَ فَيَجِيءُ آخِرَ

فیصیر مکانه، قال: من سبق إلى موضع فهو أحقُّ به يومه و ليلته».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

حسین بن محمد بن عامر، از معلى بن محمد البصرى، از على بن اسباط، از حسن بن جهم، وی گفت: محضر ابى الحسن الرضا علیه السلام عرض کردم: کدام یک از این دو عمل افضل است:

اینکه شخصی به مکه رفته و مدینه نرود یا به زیارت نبی اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه رفته و به مکه نرود؟

زاری گفت: حضرت به من فرمودند:

شما کدام را افضل می دانید؟

عرض کردم: ما درباره زیارت امام حسین علیه السلام زیارت آن جناب را از مکه رفتن

افضل می دانیم چه رسد به زیارت نبی اکرم صلی الله علیه و آله.

حضرت فرمودند: آگاه باش اگر این کلام را بگویی صحیح و درست است چه آنکه حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در یکی از اعیاد در مدینه حضور بهم رسانده و سپس مراجعت نموده داخل بر نبی اکرم صلی الله علیه و آله شدند و بر آن حضرت سلام کرده و سپس به کسانی که برای زیارت نبی اکرم صلی الله علیه و آله حاضر شده بودند فرمودند:

بدانید ما بر تمام اهل شهرها، مکه و غیر آن تفضیل داده شده ایم زیرا بر رسول

خدا صلی الله علیه و آله سلام کرده ایم.

﴿ حديث دهم ﴾

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عيسى، از محمد بن اسماعيل بن بزيع...

مترجم گويد:

این حديث با ترجمه اش تحت رقم شماره (٤) از همین باب قبلاً نقل شد.

متن:

١١ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَلِيْمَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادِ الْبَصْرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ، عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: لَمَّا أُسِرِي بِالنَّبِيِّ صلى الله عليه وآله إِلَى السَّمَاءِ قِيلَ لَهُ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَخْتَبِرُكَ فِي ثَلَاثَ لَيِّنَاتٍ لِيَنْظُرَ كَيْفَ صَبْرُكَ. قَالَ: أَسْلَمَ لِأَمْرِكَ يَا رَبِّ وَلَا قُوَّةَ لِي عَلَى الصَّبْرِ إِلَّا بِكَ فَا هُنَّ؟ قِيلَ لَهُ: أَوْ هُنَّ بِالْجُوعِ وَالْأَثَرَةِ عَلَى نَفْسِكَ وَعَلَى أَهْلِكَ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ، قَالَ: قَبِلْتُ يَا رَبِّ وَرَضِيْتُ. وَسَلَّمْتُ وَمَنْكَ التَّوْفِيقَ وَالصَّبْرَ، وَأَمَّا الثَّانِيَةُ فَالتَّكْذِيبَ وَالْخَوْفَ الشَّدِيدَ وَبِذَلِكَ مُهَجَّتْكَ فِي مُحَارَبَةِ أَهْلِ الْكُفْرِ بِمَا لَكَ وَنَفْسِكَ، وَالصَّبْرَ عَلَى مَا يَصِيبُكَ مِنْهُمْ مِنَ الْأَذَى وَمِنْ أَهْلِ التَّفَاقُحِ، وَالْأَلَمِ فِي الْحَرْبِ وَالْجِرَاحِ، قَالَ: قَبِلْتُ يَا رَبِّ وَرَضِيْتُ وَسَلَّمْتُ وَمَنْكَ التَّوْفِيقَ وَالصَّبْرَ، وَأَمَّا الثَّالِثَةُ فَما يَلْقَى أَهْلَ بَيْنِكَ مِنْ بَعْدِكَ مِنَ الْقَتْلِ، أَمَّا أَخْوَاكَ عَلِيٌّ فَيَلْقَى مِنْ أَمَّتِكَ الشَّتْمَ وَالتَّعْنِيفَ وَالتَّوْبِيخَ وَالْحِرْمَانَ وَالْمُجْهَدَ وَالظُّلْمَ وَآخِرَ ذَلِكَ الْقَتْلَ، فَقَالَ: يَا رَبِّ قَبِلْتُ وَرَضِيْتُ وَمَنْكَ التَّوْفِيقَ وَالصَّبْرَ، وَأَمَّا ابْتِكَ فَتَظْلَمَ وَتَحْرَمَ وَيُؤْخَذُ

حَقُّهَا غَضَباً الَّذِي تَجْعَلُهُ لَهَا وَ تُضْرَبُ وَ هِيَ حَامِلٌ وَ يَدْخُلُ عَلَيْهَا وَعَلَى حَرَمِهَا وَ مَنْزِلًا بِغَيْرِ إِذْنٍ ثُمَّ يَمْسَسُهَا هَوَانٌ وَ ذَلُّ، ثُمَّ لَا تَجِدُ مَانِعاً وَ تَطْرَحُ مَا فِي بَطْنِهَا مِنَ الضَّرْبِ وَ تَمُوتُ مِنْ ذَلِكَ الضَّرْبِ، قَالَ: إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، قَبِلْتُ يَا رَبُّ وَ سَلِّمْتُ وَ مِنْكَ التَّوْفِيقُ وَ الصَّبْرُ، وَ يَكُونُ لَهَا مِنْ أَخِيكَ ابْنَانِ يَقْتُلُ أَحَدُهُمَا غَدْرًا وَ يُسَلِّبُ وَ يَطْعَنُ، تَفْعَلُ بِهِ ذَلِكَ أُمَّتَكَ، قُلْتُ: يَا رَبُّ قَبِلْتُ وَ سَلِّمْتُ إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، وَ مِنْكَ التَّوْفِيقُ لِلصَّبْرِ.

﴿ حدیث یازدهم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سلیمان، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، از حماد بن عثمان، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام حضرت فرمودند:

زمانی که نبی اکرم صلی الله علیه و آله را به آسمان سیر دادند به حضرتش عرض شد: خداوند تبارک و تعالی می خواهد شما را در سه چیز بیازماید تا صبر شما را ببیند، حضرت عرض کرد: پروردگارا من تسلیم امر تو هستم، من توان صبر را ندارم مگر به کمک تو، آن سه چیز کدامند؟ به حضرتش گفته شد:

اول آنها جوع و گرسنگی و ضیق بر خودت و بر اهلت. حضرت عرض کرد: پروردگارا آن را پذیرفته و راضی شده و تسلیم بوده و از تو توفیق و صبر می خواهم.

و اما دوم: آنکه تکذیب شده و خوف شدید بر تو عارض گشته و در محاربه با اهل کفر مال و نفس خویش را بذل کرده و بر اذیت و آزاری که از ناحیه ایشان و اهل نفاق به تو می رسد صبر کرده و درد و جراحاتی که در حرب بر تو وارد

می شود را تحمل کنی.

حضرت عرض کرد:

پروردگارا آن را پذیرفته و راضی شده و تسلیم بوده و از تو توفیق و صبر می خواهم.

و اما سوّم: حبارت است از آنچه بعد از تو به اهل بیت متوجه می شود و آن قتل و کشته شدن ایشان است.

اما برادرت علی: از ناحیه اُمّت، فحش و درشتی و سرزنش و حرمان از حق و انکار و ظلم به او متوجه شده و در آخر او را خواهند کشت.
عرض کرد:

پروردگارا آن را پذیرفته و راضی شده و تسلیم بوده و از تو توفیق و صبر می خواهم.

و اما دخترت: مورد ستم قرار گرفته، حش را خصب می کنند، او را می زنند در حالی که حامل و باردار است به حریم و منزلش بدون اذن وی داخل شده و افراد پست و فرومایه او را رنجور می نمایند و وی مانع و دافعی نیافته و بدنبال ضرب و کتبی که می خورد حملش سقط شده و از ناحیه آن فوت و رحلت می کند.

حضرت عرض کرد:

انا لله و انا اليه راجعون، پذیرفتم و راضی شده و تسلیم آن بوده و از تو توفیق و صبر می خواهم سپس به حضرتش گفته شد:

برای دخترت از برادرت دو پسر می باشد که یکی از آن دو را اُمّت با حيله و نیرنگ می کشند، لباسش را از او سلب نموده و مورد طعن و سرزنش ها قرار می دهند.

حضرت عرض کرد:

پروردگارا پذیرفتم و تسلیم آن شده و انا لله و انا اليه راجعون و از تو توفیق برای صبر می خواهم.

متن:

و أمّا ابنها الآخر فتدعوه أمّتك للجهاد ثمّ يقتلونه صبراً، و يقتلون
 وُلده و من معه من أهل بيته، ثمّ يسلبون حرمه، فيستعين بي و قد مضى
 القضاء مني فيه بالشهادة له و لمن معه، و يكون قتله حُجَّةً على من بين
 نظريها، فيبكيه أهل السماوات و أهل الأرضين جزعاً عليه، و تبكيه
 ملائكة لم يدركوا نصرته، ثمّ أخرج من صلبه ذكراً به أنصرك و أنّ
 شبحه عندي تحت العرش يملأ الأرض بالعدل و يطبقها بالقسط، يسير
 معه الرّعب، يقتل حتى يشكّ فيه، قلت: إنا لله!

فقيل: ارفع رأسك، فنظرت إلى رجل أحسن الناس صورةً و أطيبهم
 ريحاً، و الثور يسطع من بين عينيه و من فوقه و من تحته، فدعوته
 فأقبل إليّ و عليه ثياب الثور و سبأ كل خير حتى قبل بين عيني، و نظرت
 إلى الملائكة قد حقوا به، لا يحصيهم إلاّ الله عزّ و جلّ، فقلت: يا ربّ لمن
 يغضب هذا و لمن أعددت هؤلاء؟ و قد وعدتني أنصرفهم فأنا انتظره
 منك؟ و هؤلاء أهلي و أهل بيتي و قد أخبرتني ممّا يلقون من بعدي و لن
 شئت لأعطيني البصر فيهم على من بغى عليهم، و قد سلّمت و قبلت و
 رضيت و منك التوفيق و الرضا و العون على الصبر، فقيل لي أمّا أخوك
 فجزاؤه عندي جنّة المأوى نزلأ بصبره، أفلح حجته على الخلائق يوم
 البعث، و أوليه حوضك يسقي منه أولياءكم و يمنع منه أعداءكم، و
 أجعل جهنم عليه برداً و سلاماً، يدخلها فيخرج من كان في قلبه مثقال
 ذرّة من المودّة، و أجعل منزلتكم في درجة واحدة في الجنّة، و أمّا ابنك
 المخذول المقتول، و ابنك المعذور المقتول صبراً، فإنّها ممّا أزيّن

بهما عرشي، و لها من الكرامة سوى ذلك مما لا يخطر على قلب بشر
لما أصابهما من البلاء فعلي فتوكل، و لكل من أتى قبره من الخلق من
الكرامة لأن زواره زوارك و زوارك زواري، و علي كرامة زواري و
أنا أعطيه ما سأل و أجزيه جزاءً يغبطه من نظر إلى عظمتي إياه، و ما
أعددت له من كرامتي.

ترجمه: ﴿ دنباله حدیث یازدهم ﴾

و اما فرزند دیگرش را امثت برای جهاد دعوت کرده سپس او را با طرز بد
و ناهنجاری می کشند، فرزندانش و آنچه از اهل بیتش با او باشند را می کشند
و سپس حرمش را اسیر می کنند، پس از من کمک و استعانت می جوید ولی حکم
از من صادر شده که وی و تمام آنانکه با او هستند شهید شوند، قتل او حجت
است بر کسانی که بین دو طرف زمین می باشند، اهل آسمانها و سکنه زمین بر او
گریسته و جزع و بی تابی می کنند، و فرشتگانی که نتوانستند او را یاری کنند بر
این امر می گریند، سپس از صلب و پشت او فرزندی خارج می کنم که بواسطه اش
تو را نصرت و یاری می نمایم، شیخ و تعال آن فرزند نزد من بوده و تحت عرش
می باشد، به واسطه او زمین را پر از عدل و داد کرده و رعب و وحشت با او سیر و
حرکت می کند، آن قدر از مردم بکشد که در او شک کنند که آیا حجت خدا است
یا نه عرض کردم: انالله!

به آن حضرت گفته شد:

سرت را بالا کن، پس نظر کردم به مردی که زیباترین مردم از حیث صورت
و خوش ترین آنها از جهت بو، بود، نور از بین دو دیدگان و بالای سر و پائین
پاهایش ساطع و درخشان بود، پس او را خواندم، به سویم آمد در حالی که بر او
جامه هائی از نور بود به من رسید تا بین دو چشمم را برسید نگریستم به

فرشتگانی که دور او را حلقه زده بودند و عدد آنها را غیر از خداوند عزوجل دیگر نمی دانست عرض کردم:

پروردگارا، این شخص برای چه کسی غضب کرده و این گروه فرشتگان را برای چه شخصی آماده کرده‌ای؟

به من وعده نصرت در ایشان داده‌ای پس انتظار آن را از تو دارم، ایشان اهل و اهل بیت من بوده، تو خودت از ایذاء و آزادی که بعد از من به ایشان می‌رسد به من خبر دادی و اگر بخواهی حتماً می‌توانی بواسطه ایشان آنان را که ظلم و ستم به اهل بیت من کرده‌اند منکوب و ذلیل کرده و بدین وسیله من را نصرت نمائی و من تسلیم تو بوده و پذیرفته و راضی بوده و از تو می‌خواهم که به من توفیق و رضا و خشنودی را اعطاء کرده و بر صبر نمودن کمکم نمائی.

به من گفته شد:

اما برادرت، پاداش او نزد من محفوظ بوده و آن این است که منزل‌گاهش را بواسطه صبوری که نموده بهشت برین قرار می‌دهم، در روز بعثت و قیامت حجّتش بر خلائق ظهور می‌یابد، او را بر حوض کوثر متولی گردانده تا دوستان شما را سیراب و دشمنانتان را از نوشیدن آب باز دارد، جهنم را بر او خنک و آرام قرار می‌دهم، هر کس که در قلبش به ندر منقالی از محبت و مودت او باشد در جهنم داخل شده و بدون اینکه آسیبی به او وارد شود از آن خارج می‌گردد و قرار می‌دهم منزل شما را در یک درجه و یک مرتبه از بهشت.

و اما فرزندان که منکوب و مقتول واقع شد(مقصود حضرت مجتبی علیه السلام است) و آن فرزندان که با طرزی فجیع و ناهنجاری کشته شده (منظور حضرت امام حسین علیه السلام است) عرش خود را با این دو زینت خواهم نمود و چنان کرامتی غیر از این به آن دو دهم که بر قلب هیچ بشری خطور نکرده باشد و آن بخاطر بلا و مصیبت‌هایی است که به ایشان رسیده، پس بر من اعتماد و توکل کن.

و نیز به کسانی که به زیارتش روند نیز این کرامت را اعطاء می‌کنم چه آنکه زوّار او زوّار تو بوده و زوّار تو زوّار من هستند و بر من حتم و لازم است که به زوّارم این کرامت را عنایت نمایم و نیز آنچه را از من سؤال کنند به آنها خواهم داد و جزا و پاداشی به ایشان دهم که دیگران به آن غبطه برند.

متن:

و أمّا ابتک فإني أوقفها عند عرشي فيقال لها: إنَّ الله قد حكّم في خلقه فن ظلمك و ظلم وُلدك فاحكمي فيه بما أحببت فإني أجيز حكومتك فيهم، فتشهد العرصة فإذا وقف من ظلمها أمرت به إلى النار، فيقول الظالم: و احسرتنا! على ما فرطت في جنب الله، و يمّتي الكثرة، و بعض الظالم على يديه و يقول: ياليتني اتّخذت مع الرسول سبيلاً، و يا ويلتي ليتني لم أّخذ فلاناً خليلاً، و قال: حتى إذا جاءنا قال: يا ليت بيني و بينك بُعد المشرقين فبئس القرين، و لكنّ ينقّكم اليوم إذ ظلمتم أنكم في العذاب مُشتركون، فيقول الظالم: أنت تحكم بين عبادك فيما كانوا فيه يخْتلفون، أو الحكم لغيرك، فيقال لهم: ألا لعنة الله على الظالمين الذين يصدّون عن سبيل الله و يبغونها عوجاً وهم بالآخرة كافرون، و أوّل من يحكم فيه - حسن بن عليّ ؑ في قاتله، ثمّ في قنفذ فيؤتيان هو و صاحبه فيضربان بسياط من نار، لو وقع سوط منها على البحار لغلت من مشرقها إلى مغربها، و لو وضعت على جبال الدنيا لذابت حتى تصير رماداً فيضربان بها، ثمّ يجثو أمير المؤمنين ؑ بين يدي الله للخصومة مع فلان في جثّ فيطبق عليهم، لا يراهم أحد ولا

یرون أحداً فيقول الذين كانوا في ولايتهم: ربنا أرنا الذين أضلانا من الجنّ و الأنس، نجعلها تحت أقدامنا ليكونا من الأسفلين، قال الله عزّوجلّ: «وَلَنْ يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنْكُمُ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ» فعند ذلك ينادون بالويل و الثبور، و يأتيان المحوض فيسألان عن أمير المؤمنين عليه السلام و معهم حفظة فيقولان: اعف عنا و اسقنا و تخلصنا، فيقال لهم: فلما رأوه زلقة سيئت وجوه الذين كفروا، و قيل: هذا الذي كنتم به تدعون بإمرة المؤمنين، ارجعوا ظماء مظمئين إلى النار فما شربكم إلا الحميم و الغسلين و ما تنفعكم شفاعة الشافعين».

﴿ دنباله حدیث یازدهم ﴾

ترجمه:

واقا دخترت:

او را نزد عرش نگه داشته، پس به او گفته می شود: خداوند تو را در میان خلقش حاکم قرار داد، پس کسی که به تو و به فرزندانت ظلم نمود، در او حکم نما به آنچه خواهی و من حکم تو را بر ایشان اجراء خواهم نمود، آن حضرت در عرصه قیامت حاضر شده و وقتی اشخاصی که به او ظلم و ستم کرده اند در آنجا ایستادند، امر می کنم که ایشان را در آتش بیاندازند. پس ظالم می گوید: واحسرتا علی ما فرطت فی جنب الله (فریاد و احسرتا بر آورد و گوید:

ای وای بر من که جانب خدا را فرو گذارده و در حق خود ظلم و تفریط کردم) و به دنبال آن آرزوی بازگشت به دنیا را می کند و دو دست خود را از ناراحتی و شدت عذاب می گزد و می گوید: یالیتنی اتخذت مع الرسول سبیلاً (ای کاش من در دنیا با رسول حق راه دوستی و طاعت پیش می گرفتم). یا ویلنا لیتنی لم اتخذ فلاناً خلیلاً (وای بر من کاش فلان کافر و فلان فاسق را

دوست خود قرار نمی‌دادم) نیز می‌گوید:

حقّی اذا جاءنا قال یا لیت بینی و بینک بعد المشرقین فبئس القرین (تا وقتی که از دنیا به سوی ما باز آید آن گاه با نهایت حسرت می‌گوید: ای کاش میان من و آن شیطان فاصله‌ای به دوری مشرق و مغرب بود که او همشین بسیار بدی برای من بود).

و نیز می‌گوید:

ولی ینفعمکم الیوم اذ ظلمتم انکم فی العذاب مشترکون (وای ستم کاران هرگز در آن روز پشیمانی به حال شما سودی ندارد زیرا در دنیا ظلم کردید و امروز با شیاطین در عذاب دوزخ شریک هستید)

و نیز می‌گوید:

انت تحکم بین عبادک فی ما کانوا قیه یختلفون (تو خود میان بندگان در آنچه خلاف و نزاع می‌کنند حکم فرما) پس به ایشان گفته می‌شود:

آگاه باشید! لعنت خدا بر ستمکاران باد آنانکه بندگان خدا را از راه خدا باز می‌دارند و راه کج را می‌طلبند و به عالم آخرت اعتقاد ندارند.

و اولین نفری که در ظالمین حکم نموده و ایشان را محاکمه می‌فرماید حضرت حسن بن علی علیه السلام است که در قاتل خویش به حکومت می‌پردازد و سپس قنفذ (قاتل حضرت زهرا سلام الله علیها) را مورد محاکمه قرار می‌دهد پس قاتل آن حضرت و قنفذ و صاحب قنفذ را آورده سپس با نازیانه‌ئی از آتش ایشان را می‌زند، اگر یکی از این نازیانه‌ها در دریا بیفتد از شرق تا غرب دریا به غلیان و جوش آمده چنانچه اگر آن را روی کوه‌های دنیا بیاندازند آنها را ذوب کرده تا خاکستر شوند پس با این نازیانه‌ها ایشان را می‌زند.

سپس امیرالمؤمنین علیه السلام روی انگشت پاها در مقابل حق تعالی برای خصومت و دادخواهی با فلانی که در جهنم عذاب است می‌ایستد، پس چاه را بر ایشان

می‌بندد به طوری که کسی ایشان را ندیده و آنان نیز کسی را نبینند، پس آنانکه در ولایت و دوستی این ظالمین بردند می‌گویند:

پروردگارا به ما نشان بده جن و انس که ما را گمراه کردند، تا ایشان را زیر قدم های خود گذاشته تا از اسفلین باشند.

خداوند عزوجل می‌فرماید:

«وَلَنْ يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنْكُمُ فِي الْقَذَابِ مُشْتَرِكُونَ»

در این وقت ایشان با صدای بلند می‌گویند: وای بر ما هلاک شدیم.

آن دو نفر بر سر حوض کوثر حاضر شده و از امیرالمؤمنین علیه السلام درخواست آب می‌کنند در حالی که با ایشان نگهبانانی همراه هستند، پس آن دو نفر می‌گویند: ما را عفو کنید و سیرایمان نموده و رهایمان بنمائید.

به ایشان گفته می‌شود:

چون کافران آن عذاب سخت را به چشم خود نزدیک دیدند رخسارشان سیاه و زشت شود و به آنها گویند این همان عذابی است که بواسطه ظلمی که به امیرمؤمنان نمودید مستحقش می‌باشید، با حالت تشنگی به جهنم برگردید آب شما تنها حمیم (آب سوزان و گرم جهنم که از عرق دوزخیان جاری است) و غسلین (آبی متعفن که از پوست و گوشت اهل دوزخ جریان دارد) می‌باشد و امروز شفاعت شالعیان نفعی برای شما ندارد.

متن:

۱۲ - و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ، عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ، عَنْ جَدِّهِ، «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ أَيُّمَا أَفْضَلِ: الْحَجُّ أَوِ الصَّدَقَةُ؟ قَالَ: هَذِهِ مَسْأَلَةٌ فِيهَا مَسْأَلَتَانِ، قَالَ: كَمْ الْمَالُ؟ يَكُونُ مَا

يحمل صاحبه إلى الحج؟ قال: قلت: لا، قال: إذا كان مالا يحمل إلى الحج فالصدقة لا تعدل الحج، الحج أفضل، وإن كانت لا يكون إلا القليل فالصدقة، قلت: فالجهاد؟ قال: الجهاد أفضل الأشياء بعد الفرائض في وقت الجهاد، و قال: ولا جهاد إلا مع الإمام، قلت: فالزيارة؟ قال: زيارة النبي ﷺ وزيارة الأوصياء وزيارة حمزة، و بالعراق زيارة الحسين ﷺ، قلت: فما لمن زار الحسين ﷺ؟ قال: يخوض في الرحمة، و يستوجب الرضا، و يصرف عنه السوء و يدرّ عليه الرزق، و تشيئه الملائكة، و يلبس نوراً تعرفه به الحفظة، فلا يمرُّ بأحدٍ من الحفظة إلا دعاه.



« حدیث دوازدهم »

ترجمه:

محمد بن الحسن بن ولید، از محمد بن الحسن الصفار، از عباس بن معروف، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، از جدش، وی گفت: محضر حضرت ابی عبدالله ﷺ عرض کردم: فدایت شوم حج افضل است یا دادن صدقه؟ حضرت در جواب فرمودند:

این سؤال مشتمل بر دو سؤال است:

الف: مالی که آن را صدقه می دهند چقدر است؟

ب: آیا به مقداری که صاحبش را به حج برساند می باشد یا نه؟

جاری می گوید: عرض کردم: خیر.

حضرت فرمودند:

اگر مال صاحبش را به حج برساند، صدقه معادل حج نیست یعنی این مال را اگر صرف حج کند افضل است و اگر به این مقدار نباشد، پس صدقه دادن افضل

من باشد.

عروض کردم: جهاد چه طور است؟

حضرت فرمودند:

پس از فرائض جهاد در وقتش افضل اشیاء است و باید توجه داشت که جهاد مشروع نیست مگر با دستور امام علیه السلام.

عروض کردم: زیارت چه طور است؟

حضرت فرمودند:

زیارات عبارتند از زیارت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و زیارت اوصیاء و زیارت حمزه و زیارت حسین علیه السلام در عراق، کدام منظور تو است؟

عرضه داشتم: چه ثوابی برای زیارت حسین علیه السلام است؟

حضرت فرمودند:

زائر حسین علیه السلام در رحمت الهی فرو می رود و زیارتش سبب بخشودگی و رضایت حق می باشد، بدی ها از او دفع گشته، روزی به دنبالش بوده، فرشتگان مشایعتش نموده، نوری او را پوشانده که فرشتگان حافظ و نگهبان بدین وسیله او را می شناسند از ایشرو به هیچیک فرشته نگهبان و حافظی عبور نمی کند مگر آنکه او برایش دعاء می نماید.

متن:

۱۳- و روی أحمد بن جعفر البلدی، عن محمد بن یزید البکری، عن منصور بن نصر المدائنی، عن عبدالرحمن بن مسلم «قال: دخلت علی الكاظم علیه السلام فقلت له: أیما أفضل: زیارة الحسین بن علی أو أمیر المؤمنین علیه السلام؟ أو النلان و فلان، و سمیت الأئمة واحداً واحداً، فقال لی: یا عبدالرحمن من زار أولنا فقد زار آخرنا و من زار آخرنا فقد

زَارَ أَوْلَانَا، وَ مَنْ تَوَلَّى أَوْلَانَا فَقَدْ تَوَلَّى آخِرَنَا، وَ مَنْ تَوَلَّى آخِرَنَا فَقَدْ تَوَلَّى
 أَوْلَانَا، وَ مَنْ قَضَى حَاجَةً لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَانِنَا فَكَأَنَّمَا قَضَاهَا لِأَجْمَعِنَا، يَا
 عَبْدَ الرَّحْمَنِ أَحِبَّنَا وَ حُبِّ مَنْ يُحِبُّنَا وَ أَحَبِّ فِينَا، وَ أَحِبِّ لَنَا وَ تَوَلَّنَا وَ
 تَوَلَّ مَنْ يَتَوَلَّنَا، وَ أَبْغُضْ مَنْ يَبْغُضُنَا، أَلَا وَإِنَّ الرَّادَّ عَلَيْنَا كَالرَّادِّ عَلَى
 رَسُولِ اللَّهِ جَدُّنَا، وَ مَنْ رَدَّ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَدْ رَدَّ عَلَى اللَّهِ، أَلَا يَا
 عَبْدَ الرَّحْمَنِ وَ مَنْ أَبْغَضَنَا فَقَدْ أَبْغَضَ مُحَمَّدًا وَ مَنْ أَبْغَضَ مُحَمَّدًا فَقَدْ
 أَبْغَضَ اللَّهَ، وَ مَنْ أَبْغَضَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَصْلِيَهُ النَّارُ وَ
 مَالَهُ مِنْ نَصِيرٍ».

﴿ حدیث سیزدهم ﴾

ترجمه:

احمد بن جعفر بلدی روایت کرد از محمد بن یزید بکری، از منصور بن
 مدائنی، از عبدالرحمن بن مسلم وی گفت: بر حضرت کاظم علیه السلام داخل شده و
 محضرش عرض کردم:

زیارت حضرت حسین بن علی علیه السلام افضل است یا زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام
 یا فلان و فلان و یک یک اسامی انعمه علیه السلام را بردم؟
 حضرت به من فرمودند:

ای عبدالرحمن، کسی که اول نفر ما را زیارت کند پس محققاً آخرین ما را نیز
 زیارت کرده و بالعکس اگر آخرین نفر ما را زیارت کند اولین نفر از ما را نیز
 زیارت کرده، و کسی که اولین نفر ما را دوست بدارد قطعاً آخرین ما را نیز
 دوست داشته و بالعکس اگر آخرین نفر ما را دوست بدارد اولین نفر ما را نیز
 دوست دارد و کسی که حاجتی از دوستان ما را روا کند گویا برای جمیع ما
 حاجتی را بر آورده است، ای عبدالرحمن ما را دوست بدار و کسی که محب ما
 هست را نیز دوست بدار و دوستیت در راه ما باشد، دوست بدار برای ما و بخوراه

ما را و بخواه کسی را که ما را بخواهد و یقین به ابرکتی که دشمن ماهست، آگاه باش کسی که ما را رد و انکار کند گویا ریضو الله خدا که جد ما است را انکار کرده و کسی که رسول خدا ﷺ را انکار کند خدا را انکار کرده، آگاه باش ای عبدالرحمن کسی که نسبت به ما بغض و کینه داشته باشد پس نسبت به حضرت محمد بغض دارد و کسی که نسبت به حضرت محمد بغض داشت نسبت به خدا بغض دارد و کسی که خدا را مبغوض داشت بر خدا است که او را به جهنم داخل کرده و برایش یآوری نمی باشد.

متن:

۱۴ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّغَارِ، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ، عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ، عَنِ الْحُسَيْنِ، عَنِ الْحَلْبِيِّ «قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: لَمَّا قَتَلَ الْحُسَيْنِ ﷺ سَمِعَ أَهْلُنَا قَائِلًا بِالْمَدِينَةِ يَقُولُ: الْيَوْمَ نَزَلَ الْبَلَاءُ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ فَلَا تَرُونَ فِرْحَانًا حَتَّى يَقُومَ قَائِمُكُمْ فَيَشْفِي صُدُورَكُمْ وَيَقْتُلُ عَدُوَّكُمْ، وَيُنَالُ بِالْوَتْرِ أَوْ تَارًا، فَفَرَّعُوا مِنْهُ وَقَالُوا: إِنَّ هَذَا الْقَوْلَ لِحَادِثًا قَدْ حَدَّثَ مَا لَا نَعْرِفُهُ، فَأَتَاهُمْ خَبْرُ قَتْلِ الْحُسَيْنِ ﷺ بَعْدَ ذَلِكَ فَحَسِبُوا ذَلِكَ فَإِذَا هِيَ تِلْكَ اللَّيْلَةُ الَّتِي تَكَلَّمُ فِيهَا الْمُتَكَلِّمُ، فَقُلْتُ لَهُ: جَعَلْتَ فِدَاكَ إِلَى مَتَى أَنْتُمْ وَنَحْنُ فِي هَذَا الْقَتْلِ وَالْخَوْفِ وَالشُّدَّةِ؟ فَقَالَ: حَقٌّ يَأْتِي سَبْعُونَ فَرَجًا أَجْوَابَ وَيَدْخُلُ وَقْتُ السَّبْعِينَ، فَإِذَا دَخَلَ وَقْتُ السَّبْعِينَ أَقْبَلَتِ الرَّايَاتُ تَتْرَى كَأَنَّهَا نِظَامٌ، فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الْوَقْتَ قَرَّتْ عَيْنُهُ.

إِنَّ الْحُسَيْنِ ﷺ لَمَّا قَتَلَ أَتَاهُمْ آتٍ وَهُمْ فِي الْمُعْشَرِ فَصَرَخَ فَزَبَرُ، فَقَالَ لَهُمْ: وَكَيْفَ لَا أَصْرُخُ وَرَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَائِمٌ يَنْظُرُ إِلَى الْأَرْضِ مَرَّةً، وَإِلَى

حزبكم مرة، و أنا أخاف أن يدعوا لله على أهل الأرض فأهلك فيهم،
فقال بعضهم لبعض: هذا إنسان مجنون.

فقال التوابون: تالله ما صنعنا لأنفسنا، قتلنا لا بن ميمية سيد شباب
أهل الجنة، فخرجوا على عبيد الله بن زياد، فكان من أمرهم ما كان.

قال: فقلت له: جعلت فداك من هذا الصارخ؟ قال: ما نراه إلا جبرئيل،
أما إنه لو أذن له فيهم لصاح بهم صيحة يخطف به أرواحهم من أبدانهم
إلى النار، و لكن أمهل ليزدادوا إثماً و لهم عذاب أليم، قلت: جعلت
فداك ما تقول فيمن يترك زيارته و هو يقدر على ذلك؟ قال: إنه قد عقر
رسول الله ﷺ و عقنا و استخف بأمره، و من زاره كان الله له من
وراء حوائجه، و كفاه ما أهده من أمر دنياه، و إنه ليجلب الرزق على
العبد و يخلف عليه ما أنفق و يغفر له ذنوب خمسين سنة، و يرجع إلى
أهله و ما عليه ذنب و لا خطيئة إلا و قد محيى من صحيفته، فإن هلك في
سفره نزلت الملائكة ففسلنه، و فتح له باب إلى الجنة حتى يدخل عليه
روحها حتى ينشر، إن سلم فتح الباب الذي ينزل منه رزقه فيجعل له بكل
درهم انفقته عشرة آلاف درهم و ذخره ذلك فإذا حشر قيل له: بكل درهم
عشرة آلاف درهم، و إن الله تبارك و تعالى قد ذخرها لك عنده».

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين و لعنة
الله على أعدائهم أجمعين.

﴿ حدیث چهاردهم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن احمد بن ولید، از محمد بن الحسن الصفار، از عباس بن معروف، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، از حسین، از حلبی، وی گفت: حضرت ابو عبدالله علیه السلام به من فرمودند:

هنگامی که حسین علیه السلام کشته شد اهل ما شنیدند قائلی در مدینه می گفت: امروز بلاه بر این امت نازل شد دیگر سرور و شادی نخواهند دید تا وقتی که قائم شما قیام کند و سینه‌ها را با قیامش شفاء داده و دشمنان را بکشد، و در مقابل آن تنها مانده‌ای که خونس قصاص نشد و به انتقام آن تنها مانده‌هائی را بکشد.

اهل ما از شنیدن این صدا به فرج آمده و گفتند:

گوینده این صدا را ما نمی‌شناسیم کیست، پس بعداً که خبر شهادت حسین علیه السلام به ایشان رسید حساب کردند دقیقاً سخن و تکلم آن متکلم همان شبی بود که روزش حضرت امام حسین علیه السلام شهید شدند.

عرض کردم: فدایت شوم: تا کی شما و ما در سوز این کشتار و وقوع آن سوخته و در خوف و سختی بسر بریم؟

حضرت فرمودند: تا زمانی که هفتاد مرتبه رخنه و شکاف و فرجه پیدا شده بطوریکه بین هر فرجه و فرجه دیگر فاصله بوده و بهم متصل نباشند و وقت فرجه هفتادمین که رسید پرچم‌ها پیدا شده که بترتیب می‌آیند و سپس ایستاده و درنگ می‌کنند گویا مرواریدهای بوده که برشته کشیده شده‌اند پس کسی که آن وقت را درک کند چشمش روشن باد.

زمانی که حسین علیه السلام کشته شد شخصی در میدان حاضر شد در حالی که لشگریان اهل کفر در جایگاهشان بودند، پس آن شخص فریادی برآورد به طوری که تمام را از هر گونه حرکتی باز داشت، پس به آنها گفت:

چگونه فریاد نکنم و حال آنکه رسول خدا ﷺ ایستاده گاهی به زمین و گاهی به حرب و جنگ شما نظر می‌کنند و من خوف دارم که خدا را خوانده و اهل زمین را نفرین کرده پس حق تعالی ایشان را هلاک کند.

بعضی از لشگریان به برخی دیگر گفتند: این انسانی دیوانه است. توبه کنندگان در بین لشگر گفتند: به خدا سوگند ما برای خود این کار را نکرده بلکه بخاطر رضایت و خشنودی پسر سمیه سرور جوانان اهل بهشت را کشتیم. پس بر عبیدالله بن زیاد خروج کرده و کارشان به آنجائی رسید که رسید. عرض کردم: فدایت شوم: این فریاد کننده چه کسی بود؟ حضرت فرمودند:

ما نمی‌بینیم او را مگر جبرئیل علیه السلام و همین قدر بدان اگر از خداوند اذن می‌داشت چنان صیحه می‌زد که جملگی قالب تهی کرده و روحشان به جهنم روانه می‌شد ولی مهلتشان داد تا به گناهان خویش افزوده و عذاب الیم و دردناک را برای خود فراهم کنند.

عرض کردم: فدایت شوم، چه می‌فرمائید راجع به کسی که بر زیارت آن حضرت قدرت دارد ولی معذک آن را ترک می‌کند؟ حضرت فرمودند:

وی عاق رسول خدا ﷺ و عاقی ما بوده و به امری که باید به آن توجه می‌کرد استخفاف نموده و کسی که آن حضرت را زیارت کند خداوند متعال ماوراء حوائجش می‌باشد یعنی نیازمندی‌هایش را برآورده می‌کند و آنچه خواسته‌اش می‌باشد را کفایت می‌کند و نیز زیارت آن حضرت رزق را به بنده جلب کرده و آنچه را که باید وی خرج کند برایش باقی می‌گذارد و گناهان پنجاه سال او را خدا می‌آمرزد و پس از زیارت شخص به اهل خودش باز می‌گردد در حالی که هیچ گناه و لغزشی بر او نیست مگر آنکه تمام از نامه عملش محو می‌شود و اگر

۴- در راه فوت کند فرشتگان بر او نازل شده و غسلش می دهند و در پی برایش به طرف بهشت گشوده می شود و روحش از آن داخل بهشت می گردد و اگر سالم ماند در پی که از آن روزی وی فرود می آید باز می شود و به هر یک درهمی که در این سفر و زیارت صرف کرده، ده هزار درهم برایش منظور شده و آنها را برای او ذخیره می کنند و وقتی پس از مرگ محشور شد به او گفته می شود:

در مقابل هر یک درهم، ده هزار درهم داری که حق تعالی برای تو آنها را ذخیره کرده است.

پایان کتاب ترجمه کامل الزیارات تصنیف ابی القاسم جعفر بن

محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه القمی رضی الله عنه بدست ناتوان

سید محمد جواد ذهنی تهرانی در روز یکشنبه هفتم

ماه ذیحجه الحرام سنه یکهزار و چهار صد و هجده

هجری قمری نزیل قم المشرفه و از خداوند متعال

تقاضا دارم که آن را خالصاً لوجه قبول

فرماید بحق محمد و آله

الطاهرین آمین یا

رب العالمین.



مرکز تحقیقات و پژوهش علوم اسلامی

۱
۲
۳

(۱)

.....

.....

فهرست مطالب

- مقدمه ۳
- «باب ۱» ثواب زیارت پینمبر اکرم و امیرالمؤمنین و حسنین صلوات الله علیهم اجمعین ۶
- «باب ۲» ثواب زیارت رسول خدا (ص) ۱۰
- «باب ۳» زیارت قبر رسول خدا (ص) و خواندن دعاء نیز بر آن ۲۵
- کیفیت سلام حضرت موسی بن جعفر (ع) بر حضرت رسول اکرم (ص) ۳۸
- آنچه واجب است در نزد قبر مطهر رسول خدا (ص) خوانده شود ۴۲
- «باب ۴» فضیلت خواندن نماز در مسجد رسول خدا (ص) و ثواب و اجر آن ۴۶
- «باب ۵» زیارت حضرت حمزه عموی گرامی رسول خدا (ص) و تبرک شهادت ۵۴
- «باب ۶» فضیلت و ثواب زیارت مشاهد مشرفه در مدینه ۶۰
- «باب ۷» وداع قبر رسول خدا (ص) ۶۷
- «باب ۸» فضیلت نماز خواندن در مسجد کوفه و مسجد سهله و ثواب آن ۷۱
- «باب ۹» روشن نمودن و تمییز کردن مکان قبر امیرالمؤمنین (ص) ۹۳
- «باب ۱۰» ثواب زیارت امیرالمؤمنین (ع) ۱۱۰
- «باب ۱۱» زیارت قبر امیرالمؤمنین (ع) و کیفیت زیارت و خواندن دعا در آنجا ۱۱۷

- ﴿باب ۱۲﴾ وداع قبر امیرالمؤمنین (ع) ۱۳۴
- ﴿باب ۱۳﴾ فضیلت آب فرات و نوشیدن و غسل نمودن در آن ۱۳۵
- ﴿باب ۱۴﴾ محبت حضرت رسول (ص) به حسنین (ع) ۱۴۸
- ﴿باب ۱۵﴾ زیارت حضرت حسن بن علی (ع) و قبور ائمه معصومین (ع) ۱۵۸
- ﴿باب ۱۶﴾ در بیان خبر دادن جبرئیل (ع) از شهادت حضرت حسین بن علی (ع) ۱۶۴
- ﴿باب ۱۷﴾ سخن جبرئیل با رسول (ص) -- بعد از شما حسین (ع) را می‌کشند ۱۷۸
- ﴿باب ۱۸﴾ آیاتی که در باره شهادت امام حسین (ع) نازل شده است ۱۹۰
- ﴿باب ۱۹﴾ آنگاه بودن انبیاء از شهادت حضرت حسین بن علی (ع) ۱۹۶
- ﴿باب ۲۰﴾ آگاهی فرشتگان از شهادت حضرت حسین بن علی (ع) ۲۰۳
- ﴿باب ۲۱﴾ لعنت نمودن حق تعالی و انبیاء در حق قاتلین امام حسین (ع) ۲۰۵
- ﴿باب ۲۲﴾ کلام رسول الله (ص) بعد از من ائمه، حسین (ع) را می‌کشند ۲۱۰
- ﴿باب ۲۳﴾ گفتار امیرالمؤمنین (ع) راجع به شهادت امام حسین (ع) ۲۲۰
- ﴿باب ۲۴﴾ نشانه‌هایی که به آنها بر شهادت امام حسین (ع) استدلال شده ۲۲۸
- ﴿باب ۲۵﴾ آنچه در باره کشته شدن امام حسین و یحیی بن زکریا (ع) وارد شده ۲۴۳
- ﴿باب ۲۶﴾ گریستن تمام مخلوقات بر حضرت حسین بن علی (ع) ۲۵۱
- ﴿باب ۲۷﴾ گریستن فرشتگان بر حضرت حسین بن علی (ع) ۲۶۴
- ﴿باب ۲۸﴾ گریستن آسمان و زمین بر شهادت حسین (ع) و یحیی بن زکریا (ع) ۲۸۳
- ﴿باب ۲۹﴾ نوحه سرایی طائفه جنّ بر حسین بن علی (ع) ۳۰۱
- ﴿باب ۳۰﴾ نفرین و لعنت نمودن کبوتران در حق قاتلین حضرت امام حسین (ع) ۳۱۵

- ﴿باب ۳۱﴾ نوحه سرائی و ذکر مصیبت نمودن جانی که حضرت امام حسین (ع) ۳۱۸
- ﴿باب ۳۲﴾ ثواب کسی که بر حضرت حسین بن علی (ع) گریه کند ۳۲۲
- ﴿باب ۳۳﴾ ثواب کسی که بواسطه گفتن شعر در مصیبت امام حسین (ع) گریه کند و ۳۳۸
- ﴿باب ۳۴﴾ ثواب کسی که آب نوشیده و یاد امام حسین (ع) نموده و ۳۴۷
- ﴿باب ۳۵﴾ گریستن حضرت علی بن حسین بر حسین بن علی سلام الله علیهم ۳۴۸
- ﴿باب ۳۶﴾ امام حسین (ع) کشته اشک بوده و ۳۵۱
- ﴿باب ۳۷﴾ روایاتی که دلالت دارند بر اینکه امام حسین (ع) سیدالشهداء می باشد ۳۵۶
- ﴿باب ۳۸﴾ زیارت انبیاء (ع) حضرت حسین بن علی (ع) را ۳۶۵
- ﴿باب ۳۹﴾ زیارت فرشتگان حسین بن علی (ع) را ۳۷۱
- ﴿باب ۴۰﴾ دعاء نموده رسول خدا (ص) و ... در حق زائرین امام حسین (ع) ۳۷۸
- ﴿باب ۴۱﴾ دعاء فرشتگان در حق زائرین قبر امام حسین (ع) ۳۸۷
- ﴿باب ۴۲﴾ فضیلت و اجر نماز فرشتگان برای زائرین قبر حضرت امام حسین (ع) ۳۹۳
- ﴿باب ۴۳﴾ وجوب زیارت حضرت امام حسین (ع) بر هر مرد و زن و ۳۹۵
- ﴿باب ۴۴﴾ ثواب کسی که به زیارت حضرت امام حسین (ع) رفته و ۳۹۹
- ﴿باب ۴۵﴾ ثواب کسی که با ترس و هراس به زیارت حضرت امام حسین (ع) برود ۴۰۸
- ﴿باب ۴۶﴾ اجر و ثواب آنچه شخص در زیارت حضرت امام حسین (ع) اتفاق می کند ۴۱۴
- ﴿باب ۴۷﴾ آنچه مکروه است همراه بردنش برای زیارت حضرت حسین (ع) ۴۲۲
- ﴿باب ۴۸﴾ در بیان اینکه واجب است زائر حضرت حسین (ع) چه گونه باشد ۴۲۶
- ﴿باب ۴۹﴾ ثواب کسی که سواره یا پیاده به زیارت حضرت امام حسین (ع) برود و ۴۳۱

- ﴿باب ۵۰﴾ کرامت خداوند متعال در حق زائر حضرت حسین بن علی (ع) ۴۴۱
- ﴿باب ۵۱﴾ ایام زیارت حضرت حسین بن علی (ع) جزء عمر زائر شمرده نمی‌شود ۴۴۵
- ﴿باب ۵۲﴾ زائرین امام حسین (ع) همسایه رسول خدا (ص) و ... می‌باشند ۴۴۶
- ﴿باب ۵۳﴾ زائرین امام حسین (ع) قبل از همه مردم وارد بهشت می‌شوند ۴۴۸
- ﴿باب ۵۴﴾ ثواب کسیکه زیارت امام حسین (ع) را نموده در حالی که عارف ۴۵۰
- ﴿باب ۵۵﴾ کسی که بخاطر حب رسول خدا (ص) و ... به زیارت امام حسین (ع) برود ۴۶۲
- ﴿باب ۵۶﴾ ثواب کسیکه از روی شوق به زیارت حضرت امام حسین (ع) برود ۴۶۵
- ﴿باب ۵۷﴾ ثواب کسی که به امید اجر از خدا به زیارت حضرت امام حسین (ع) برود ۴۷۲
- ﴿باب ۵۸﴾ زیارت حضرت امام حسین (ع) افضل اعمال می‌باشد ۴۷۹
- ﴿باب ۵۹﴾ کسی که حضرت امام حسین (ع) را زیارت کند مثل کسی است که ۴۸۳
- ﴿باب ۶۰﴾ زیارت حضرت امام حسین و آنجه (ع) معادل با ۴۹۱
- ﴿باب ۶۱﴾ زیارت حضرت امام حسین (ع) عمر را طولانی و روزی را فراخ و ۴۹۴
- ﴿باب ۶۲﴾ زیارت امام حسین (ع) گناهان را محو می‌کند ۴۹۸
- ﴿باب ۶۳﴾ زیارت حضرت امام حسین (ع) معادل یک عمره می‌باشد ۵۰۶
- ﴿باب ۶۴﴾ زیارت حضرت امام حسین (ع) معادل یک حج می‌باشد ۵۱۳
- ﴿باب ۶۵﴾ زیارت حضرت امام حسین (ع) معادل یک حج و یک عمره می‌باشند ۵۲۰
- ﴿باب ۶۶﴾ زیارت حضرت امام حسین (ع) معادل چند حج می‌باشد ۵۳۳
- ﴿باب ۶۷﴾ زیارت حضرت امام حسین معادل با آزاد کردن بندگان می‌باشد ۵۲۵
- ﴿باب ۶۸﴾ زوار حضرت امام حسین (ع) شهادت دپگران را می‌کنند ۵۲۷

- ﴿باب ۶۹﴾ زیارت حضرت امام حسین (ع) بهم و خانواده را برطرف کرده و ۵۵۲
- ﴿باب ۷۰﴾ (ثواب زیارت امام حسین (ع) در روز هجرت ۵۶۱
- ﴿باب ۷۱﴾ ثواب کسی که در روز عاشورا امام حسین (ع) را زیارت کند ۵۷۳
- کیفیت خواندن زیارت عاشورا ۵۸۳
- ﴿باب ۷۲﴾ ثواب زیارت حضرت امام حسین (ع) در نیمه شعبان ۵۹۲
- ﴿فصل﴾ در بیان اعمال نیمه ماه شعبان ۵۹۷
- ﴿باب ۷۳﴾ ثواب کسی که حضرت امام حسین (ع) را در رجب زیارت کند ۶۰۱
- ﴿باب ۷۴﴾ ثواب زیارت امام حسین (ع) در غیر روز عید و حرقه ۶۰۳
- ﴿باب ۷۵﴾ ثواب کسی که در فرات غسل کرده و به زیارت امام حسین (ع) برود ۶۰۷
- ﴿باب ۷۶﴾ جواز ترک غسل برای زیارت امام حسین (ع) ۶۱۴
- ﴿باب ۷۷﴾ زائرین حضرت امام حسین (ع) که به حق آن حضرت عارف هستند ۶۲۱
- ﴿باب ۷۸﴾ در باره کسانی که زیارت حضرت امام حسین (ع) را ترک می کنند ۶۳۱
- ﴿باب ۷۹﴾ در نقل زیارات وارده برای حضرت حسین بن علی (ع) ۶۳۶
- زیارت نامه نوزدهم حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) ۶۹۶
- زیارت نامه بیستم حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) ۶۹۷
- زیارت نامه بیست و یکم حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) ۶۹۹
- ﴿باب ۸۰﴾ کیفیت خواندن نماز نزدیک قبر حضرت امام حسین (ع) ۷۵۲
- ﴿باب ۸۱﴾ قصر نماز واجب و رخصت در نماز مستحبی در حائر و ۷۵۷
- ﴿باب ۸۲﴾ تمام خواندن نماز کنار قبر حضرت امام حسین (ع) و تمام مشاهد مشرفه ۷۶۳

- ﴿باب ۸۳﴾ نماز نریضه در حرم امام حسین (ع) معادل حج و... ۷۷۱
- ﴿باب ۸۴﴾ وداع با قبر حضرت حسین بن علی صلوات الله علیهما ۷۷۶
- ﴿باب ۸۵﴾ زیارت قبر حضرت عباس بن علی (ع) ۷۸۵
- ﴿باب ۸۶﴾ وداع با قبر حضرت عباس بن علی (ع) ۷۸۸
- ﴿باب ۸۷﴾ وداع با قبور شهداء (ع) ۷۹۰
- ﴿باب ۸۸﴾ فضیلت کربلاء و زیارت امام حسین (ع) ۷۹۱
- نقل حدیث ام ایمن به روایت علیا مخدومه حضرت زینب (ک) ۷۹۸
- فضیلت کربلاء و زیارت امام حسین (ع) ۸۰۹
- ﴿باب ۸۹﴾ فضیلت حائر حسینی (ع) و حرمت آن ۸۲۳
- ﴿باب ۹۰﴾ حائر حسینی (ع) از مواضعی است که دعاء در آن محبوب خدا می باشد ۸۲۷
- ﴿باب ۹۱﴾ شفاء بودن تربت قبر حضرت امام حسین (ع) و مقدار مستحب بودن آن ۸۳۲
- ﴿باب ۹۲﴾ تربت قبر حضرت امام حسین (ع) شفاء و امان می باشند ۸۴۵
- ﴿باب ۹۳﴾ مکان و کیفیت اخذ تربت قبر حضرت امام حسین (ع) ۸۴۹
- ﴿باب ۹۴﴾ آنچه شخص هنگام تناول نمودن تربت می گوید ۸۶۲
- ﴿باب ۹۵﴾ حرمت خوردن تمام تربت ها مگر تربت قبر امام حسین (ع) ۸۶۵
- ﴿باب ۹۶﴾ کیفیت زیارت نمودن کسی که منزل و وطنش از قبر حضرت سیدالشهداء (ع) دور می باشد ۸۶۸
- ﴿باب ۹۷﴾ مکروه بودن جفاء نسبت به زیارت قبر حضرت امام حسین (ع) ۸۷۸
- ﴿باب ۹۸﴾ کمترین مدتی که در آن حضرت امام حسین (ع) را می باید زیارت کرد و... ۸۸۸

- «باب ۹۹» ثواب زیارت قبر موسی بن جعفر و محمد بن علی الجواد(ع) در بغداد..... ۹۰۳
- «باب ۱۰۰» در بیان زیارت نامه حضرت موسی بن جعفر(ع) و امام جواد(ع)..... ۹۱۲
- «باب ۱۰۰» در بیان زیارت نامه موسی بن جعفر(ع) و امام جواد(ع)..... ۹۱۲
- «باب ۱۰۱» ثواب زیارت حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا(ع) در طوس..... ۹۱۸
- «باب ۱۰۲» زیارت قبر حضرت ابی الحسن الرضا(ع)..... ۹۳۱
- «باب ۱۰۳» زیارت نامه حضرت ابی الحسن علی بن محمد الهادی و حضرت ابی محمد الحسن بن علی المسکری(ع)..... ۹۴۲
- «باب ۱۰۴» زیارت نامه جمیع ائمه(ع) زیارت جامعه..... ۹۴۸
- «باب ۱۰۵» فضیلت زیارت مؤمنین و کیفیت آن..... ۹۵۸
- «باب ۱۰۶» فضیلت زیارت حضرت فاطمه(س) دختر موسی بن جعفر صلوات الله علیه در شهر قم..... ۹۷۳
- «باب ۱۰۷» فضیلت زیارت قبر حضرت عبدالعظیم بن عبدالله الحسینی در ری..... ۹۷۵
- «باب ۱۰۸» زیارت نادره..... ۹۷۷

﴿ کتاب منتشر شده پیام حق ﴾

- تفسیر قرآن (المقامع شرح فارسی جوامع الجامع) مترجم: سید محمد جواد ذمینی تهرانی
ترجمه کامل الزیارات
- کلیات مفاتیح الجنان (رحلی - وزیری - جیبی) مترجم: سید محمد جواد ذمینی تهرانی
با علامت و قاف
- منتخب مفاتیح درشت خط
- ادعیه مناجات با خدا درشت خط
- داوری های شگفت (قضاوت های حضرت علی علیه السلام) مؤلف: آیت الله شوشتری
- فرهنگ جیبی رازهای قرآن مؤلف: حمید محمّدی
- انسية الحوراء (فاطمة الزهراء علیها السلام) اشعار از ژولیده
- سارعوا (سرعت به سوی مغفرت) سید مهدی طباطبائی
- سورة مباركة انعام با دعای توسل و زیارت عاشورا درشت خط
- گوهر نفیس (دویست حدیث با ترجمه) محمد آورنده: کتابی
- یادگیری و مهارت کودک مؤلف: علی ذوالفقاری
- دفتر آمادگی کودک ۲ جلدی مؤلف: یمینی
- دوست دارم بدانم که (نوجوانان علمی) ۲ جلدی مترجم: رضا شیرازی
- سفر به سرزمین های ناشناخته (نوجوانان علمی) ۲ جلدی مترجم: فوزام سجودی
- رازهای یک جنگل ۳ جلد (علمی) مترجم: سید شمس الدین جواهریان